



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عزیزان  
علیهم الصلوات  
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



# اسفاد لائنہ جاسوسیے آمریکا

کتاب سوم

مؤسسہ مطالعات و پبلیکیشنز انسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# اسناد لانه جاسوسی آمریکا

نویسنده:

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

ناشر چاپی:

موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۲۲	اسناد لانه جاسوسی آمریکا جلد ۳
۲۲	مشخصات کتاب
۲۳	اشاره
۲۵	فهرست مطالب
۴۱	کتاب بیست و سوم
۴۱	احزاب سیاسی در ایران
۴۱	هدایت الله متین دفتری
۸۱	نهیض رادیکال
۱۰۴	کانون وکلا
۱۱۳	حزب زحمتکشان
۱۶۱	کتاب بیست و چهارم
۱۶۱	احزاب سیاسی در ایران (۵)
۱۶۳	نهیض آزادی
۲۰۴	حزب کارگران سوسیالیست
۲۱۰	چریکهای فدایی و مجاهدین
۲۳۹	حزب توده
۲۶۹	گرایشهای سیاسی
۲۸۴	کتاب بیست و پنجم
۲۸۴	خط میانه (۱)
۲۹۰	آیت الله سید کاظم شریعتمداری
۲۹۴	فعالتهای ضد دولت ایران و ضد آمریکایی در داخل محافل مذهبی در قم
۲۹۶	مکالمه با ناراضی ایرانی
۳۰۱	ناکامی در حکومت ایران و دولت آموزگار

- تظاهرات دانشجویی، پیشرفت ایران و نگرانی طبقه متوسط ..... ۳۰۳
- مکالمه دوم با مخالف ایرانی، بمب اندازهای اخیر و تهدیدها ..... ۳۰۶
- بررسی وضعیت مذهبی در مذاکره با هدایت اسلامی نیا ..... ۳۰۹
- مکالمه سوم با رحمت الله مقدم مراغه ای ..... ۳۱۸
- آخرین تحولات در جبهه مذهبی ..... ۳۲۴
- وکلاي مخالف «کانون وکلا» را تسخیر می کنند ..... ۳۲۹
- کوششهای مخالفین برای وحدت ..... ۳۳۱
- تحولات مذهبی و موضع سرسختانه تر رژیم سلطنتی در مورد تظاهرکنندگان ..... ۳۳۵
- علی امینی مجدداً به لیستهای سیاسی وارد می شود ..... ۳۳۹
- گرایش عمومی نسبت به دولت مرکزی، عکس العمل نسبت به آشوبهای فعلی ..... ۳۴۲
- سازمان جدید سیاسی میانه روها به رهبری پیراسته ..... ۳۴۳
- ملاقات با جبهه ملی ..... ۳۴۴
- نیاز برای آشتی ملی ..... ۳۴۵
- معامله احتمالی مذهبیون با دولت ایران ..... ۳۴۹
- اوضاع داخلی ..... ۳۵۳
- وضع داخلی از نگاه مهدی پیراسته ..... ۳۵۷
- مشاهداتی راجع به شرایط در ایران (مذاکرات با اسلامی نیا) ..... ۳۶۰
- گفتگو در خلال شام در محل سکونت وزیر مختار ..... ۳۶۱
- ملاقات با کمیته دفاع از حقوق بشر و آزادی ..... ۳۶۴
- توضیح دموکراسی برای توده ایرانی (خواستنه شاه از آمریکا) ..... ۳۶۶
- اوضاع داخلی از نگاه خسرو اقبال ..... ۳۶۶
- مخالفین در حرکت، آیا معامله ای در کار است؟ ..... ۳۶۹
- تلاشهای آشتی جویانه دولت ایران با بازاربها ..... ۳۷۱
- موارد موافقتنامه دولت ایران با مخالفین مذهبی ..... ۳۷۲
- تحولات سیاسی از نگاه شریف امامی ..... ۳۷۵
- وضعیت سیاسی ایران ..... ۳۷۶

- ۳۷۸ ----- مخالفین در عکس العمل نسبت به سخنرانی شاه از هم جدا می شوند
- ۳۸۱ ----- عکس العمل های خمینی
- ۳۸۲ ----- گزارش مطبوعاتی بی. بی. سی. در مورد خمینی
- ۳۸۴ ----- طرح مخالفین برای کناره گیری شاه
- ۳۸۵ ----- گزارش وضعیت ایران
- ۳۸۷ ----- رهبران جبهه ملی دستگیر شدند
- ۳۸۸ ----- کریم سنجابی
- ۳۸۹ ----- گفته رئیس جمهور آمریکا در مورد ایران
- ۳۸۹ ----- کریم سنجابی
- ۳۹۰ ----- گفتگو با میانه روهای مخالف و وفاداران به سلطنت
- ۳۹۲ ----- ملاقات با علی امینی
- ۳۹۶ ----- ملاقات با محمدرضا جلالی نائینی
- ۳۹۷ ----- گزارش وضعیت ایران، شماره ۱۹ و ۲۱
- ۴۰۰ ----- نظرات بازارها در مورد وضعیت جاری
- ۴۰۶ ----- کتاب بیست و ششم
- ۴۰۶ ----- خط میانه (۲)
- ۴۰۸ ----- علی امینی موضع می گیرد
- ۴۰۹ ----- گزارش وضعیت ایران، ۲ آذر ۱۳۵۷
- ۴۱۰ ----- ملاقاتهای سفیر با شریف امامی و علی امینی
- ۴۱۴ ----- گزارش وضع ایران
- ۴۱۶ ----- بازیابی اطلاعاتی در مورد دکتر عباس میرآخور، رئیس قسمت اقتصاد
- ۴۱۷ ----- سیاستمدارهای میانه رو در حال سازماندهی می باشند
- ۴۲۲ ----- گزارش اوضاع ایران
- ۴۲۴ ----- گرایشات نسبت به شاه
- ۴۲۵ ----- طرحهای مخالفین برای رفتن شاه
- ۴۲۹ ----- جنب و جوشهای بیشتر در میان رهبران میانه رو

- ایران بعد از محرم کجا می رود؟ ..... ۴۳۱
- آزادی رهبران مخالف رژیم و نقشه برای تظاهرات ..... ۴۳۷
- برنامه علی امینی - نخست وزیر پیشین ..... ۴۳۸
- کریم سنجابی دبیرکل، کمیته اجرائی جبهه ملی ..... ۴۴۰
- ناصر میناچی - از رهبران جبهه ملی ..... ۴۴۲
- مهدی پیراسته رهبر جبهه دفاع از قانون اساسی ..... ۴۴۲
- احمد بنی احمد رهبر حزب اتحاد برای آزادی ..... ۴۴۳
- عبدالکریم لاهیجی از رهبران جبهه ملی ..... ۴۴۴
- محمد درخشش رهبر پیشین حزب اتحاد ملی ..... ۴۴۵
- کاظم شریعتمداری رهبر مخالفین مذهبی ..... ۴۴۵
- گزارش سیاسی امنیتی - ۸ دسامبر ۷۸ ..... ۴۴۶
- گفتگو با آیت الله نوری ..... ۴۵۱
- نقشه اقبال برای نجات ایران ..... ۴۵۹
- برنامه های مخالفین برای آینده ..... ۴۶۳
- شورای سلطنت ..... ۴۶۴
- محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایران ..... ۴۶۴
- شورای سلطنت ..... ۴۶۵
- مکالمه تلفنی با سفیر ایران زاهدی - ۱۷ دسامبر ..... ۴۶۶
- اضافات لیست شورای سلطنت ..... ۴۶۷
- مذاکره با رهبر قشقایی ..... ۴۶۸
- گرایش انگلیس نسبت به شورای سلطنت ..... ۴۶۹
- طرح بازگشت ناصرخان قشقایی ..... ۴۷۰
- گروه پیشنهادی طرفدار شاه ..... ۴۷۲
- (سخنان) میناچی در مورد کوششهای صدیقی برای تشکیل دولت ..... ۴۷۴
- ملاقات با درخشش (مخالف) ..... ۴۷۷
- صدیقی سردرگم (پریشان) ..... ۴۸۰



- گزارش موقعیت ایران ..... ۴۸۱
- گزارش وضعیت ایران، شماره ۵۹، ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸ ..... ۴۸۲
- نظر میناچی درباره کوشش بختیار برای تشکیل دولت ..... ۴۸۶
- تحولات سیاسی ..... ۴۸۸
- اظهار نظرهای جمشید هرمز رئیس سابق فدراسیون دانشجویان ایران در اطریش ..... ۴۸۸
- دیدگاه محمدحسین خان قشقایی راجع به کاندیدایی بختیار و ژنرال فریدون جم ..... ۴۸۹
- خسرو قشقایی ..... ۴۹۱
- نظریات بازاریها درباره نامزدی بختیار و ادامه رویارویی ..... ۴۹۳
- دیدگاه پرویز آموزگار درباره بختیار نخست وزیر، و آینده ایران ..... ۴۹۵
- کابینه ای که جدیداً معرفی شد ..... ۴۹۷
- یکی دیگر از مخالفین میانه رو با بختیار مخالفت می کند ..... ۴۹۹
- واسطه سیاسی مأیوسانه و تشکیل گروه سیاسی میانه روی دیگر ..... ۵۰۱
- سازماندهی روحانیت برای استقرار نظم عمومی ..... ۵۰۲
- کتاب بیست و هفتم ..... ۵۰۵
- خط میانه (۳) ..... ۵۰۵
- میانجی پس از دیدار با بختیار، برای ملاقات با خمینی به پاریس می رود ..... ۵۰۷
- ارتشبد جم پیشنهاد قبول وزارت در دولت بختیار را رد می کند ..... ۵۱۲
- وضع قزوین ..... ۵۱۳
- نظرات بختیار در مورد فروشهای نظامی و رابطه امنیتی ..... ۵۱۷
- بختیار نخست وزیر در مسیر موقعیت سیاسی جاری ..... ۵۱۸
- ابتکار ناتانسون و دیگر پیشرفتها ..... ۵۲۰
- ظهور یک گروه سیاسی میانه رو دیگر به رهبری عدنان مزارعی ..... ۵۲۱
- گروه مخالف میانه روی دیگری با ما تماس می گیرد ..... ۵۲۲
- حرکت گروه استادان جهت بازگشایی دانشگاه ..... ۵۲۴
- ترس رهبران مذهبی از رفتن شاه ..... ۵۲۶
- وزیر دفاع جدید ..... ۵۲۹

- ۵۳۱ ..... ملاقات با آیت الله شریعتمداری
- ۵۳۳ ..... بختیار کابینه اش را معرفی می کند؛ شفقت وزیر دفاع است
- ۵۳۶ ..... پیش نویس گزارش حقوق بشر
- ۵۳۹ ..... حامیان شاه منتظر موقعیت برای تغییر موضع هستند
- ۵۴۱ ..... اولین ملاقات با کریم سنجابی، رهبر جبهه ملی
- ۵۴۷ ..... گزارش سیاسی - امنیتی
- ۵۴۸ ..... شریعتمداری در پی حمایت آمریکا است
- ۵۵۱ ..... سازمان دهنده مذهبی به دنبال حمایت ایالات متحده برای میانه روهاست
- ۵۵۴ ..... شکست یک هیئت اعزامی به نزد خمینی
- ۵۵۴ ..... بیمه‌های بازاریها برای آینده
- ۵۵۵ ..... برنامه های خمینی
- ۵۵۶ ..... وضعیت سیاسی - امنیتی ایران
- ۵۵۸ ..... گزارش وضعیت ایران، امنیت آمریکاییها
- ۵۵۹ ..... نهضت آزادی ایران در پی آرام کردن وضعیت و شتاب بخشیدن به پیشرفتش می باشد
- ۵۶۵ ..... نظر مخالفین
- ۵۶۷ ..... گزارش وضعیت ایران
- ۵۶۹ ..... مخالفین مذهبی - فعالیتها
- ۵۷۵ ..... شایعات سیاسی در میان برگزیدگان جوان
- ۵۸۱ ..... اطلاعات بیوگرافیک درباره دولت جدید
- ۵۸۷ ..... گزارش وضعیت ایران، شمار ۱۱۰
- ۵۹۰ ..... نقطه نظرهای سنجابی درباره خمینی و دولت
- ۵۹۳ ..... میانه روهای مذهبی قصد دارند به خمینی متکی شوند
- ۵۹۶ ..... گفتگو با ایرانیان
- ۵۹۹ ..... برنامه هایی که برای ورود خمینی در تهران تنظیم شده
- ۶۰۲ ..... نظرات مخالفین
- ۶۰۳ ..... هواداران هویدا از دور خارج می شوند

- ۶۰۹ - ..... امور خارجه ايران از دولت ايالات متحده مي خواهند كه از خميني حمايت كند
- ۶۱۲ - ..... ديگ سياسي با پرزوري مي جوشد، تهديد آشوب رشد پيدا مي كند
- ۶۱۳ - ..... يكي از وفاداران مسن شاه به دولت آمريكاتبريك مي گويد و خواهان بركناري شاه مي شود
- ۶۱۵ - ..... ميانه روها به تشكل خود ادامه مي دهند، اما ترس از كمونيستها و خميني، هست
- ۶۱۹ - ..... نظرات مخالفين
- ۶۲۰ - ..... ورود خميني - مذاكرات ارتش خوب پيش مي رود
- ۶۲۱ - ..... گزارش سياسي امنيتي - ۲ فوريه ۱۹۷۹
- ۶۲۲ - ..... سنجاني رهبر مخالفين در مورد وضعيت جاري نظر مي دهد
- ۶۲۵ - ..... ما اكنون در كجا قرار گرفته ايم؟ ما به كجا مي رويم؟
- ۶۲۸ - ..... در بي علي اصغر حاج سيد جوادي براي دستگيري
- ۶۲۹ - ..... فردوست طبق گزارش با جريان كنار مي آيد
- ۶۳۱ - ..... كتاب بيست و هشتم
- ۶۳۱ - ..... خط ميانه (۴)
- ۶۴۳ - ..... عكس العمل نسبت به دولت بازرگان
- ۶۴۶ - ..... شخصيتهاي آيراني
- ۶۴۶ - ..... فساد در زمان پهلويها
- ۶۴۸ - ..... انقلاب اسلامي تند (ترشروي) مي شود
- ۶۵۱ - ..... بروس عزيز
- ۶۵۳ - ..... آسايش و مكان و محل شهروندان آيراني
- ۶۵۳ - ..... اولين ملاقات با وزير جديد دفاع
- ۶۵۷ - ..... كمكهاي نظامي ايالات متحده براي ايران
- ۶۵۹ - ..... ديدار كارمند سفارت با وزير ارشاد ملي
- ۶۶۱ - ..... حزب سياسي ديگري براي ايران
- ۶۶۳ - ..... قشرهاي موجود در جامعه روحانيت
- ۶۶۵ - ..... ملاقات با ميناچي وزير اطلاعات و ارشاد
- ۶۶۹ - ..... رئيس بانك مركزي محمدعلي مولوي و ابوالحسن بني صدر

- ۶۷۳ ..... تظاهرات ضد آمریکایی برنامه ریزی شده
- ۶۷۷ ..... اطلاعات شرح احوال کاظم رجوی نماینده دائمی ایران در دفتر سازمان ملل در ژنو
- ۶۷۸ ..... میانه روها علیه انقلاب اسلامی
- ۶۸۰ ..... میانه روها علیه انقلاب اسلامی
- ۶۸۰ ..... چپ، راست و دانشگاهها
- ۶۸۳ ..... ملاقات با میناچی
- ۶۸۵ ..... مکالمه با دانشمند سیاسی ایران
- ۶۸۷ ..... استعفای مقدم مراغه ای استاندار آذربایجان شرقی
- ۶۸۹ ..... اندیشه های وطنی از خارج
- ۶۸۹ ..... لیست مهمانهای مراسم دکتر ویلیام گرفت
- ۶۹۰ ..... سخن پراکنی های رادیو تلویزیون ملی ایران ادعای مداخله دولت ایالات متحده را نمود
- ۶۹۰ ..... ملاقات با وزیر دادگستری جوادی
- ۶۹۵ ..... تماس با ارتشبد جم
- ۶۹۵ ..... قانون جدید مطبوعات ایران
- ۶۹۷ ..... روزنامه مخالفین ایرانی که در پاریس منتشر می شود
- ۶۹۸ ..... بنیاد مستضعفین
- ۷۰۱ ..... حزب کارگران سوسیالیست ایران
- ۷۰۳ ..... ایران: محیط ارتباطات - رساله توضیحی
- ۷۰۷ ..... مدرسه برای پسر وزیر میناچی
- ۷۰۷ ..... مدرسه برای پسر وزیر میناچی
- ۷۰۷ ..... آقای وزیر عزیز
- ۷۰۸ ..... مدرسه پسر میناچی
- ۷۰۹ ..... هنری عزیز
- ۷۱۲ ..... مباحثه یک وکیل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران
- ۷۱۴ ..... شکل گیری نیروهای مخالف داخلی
- ۷۱۷ ..... نظرات یک دیپلمات ایرانی در مورد کشورش

- ۷۱۹ ..... گردهمایی هفتگی حزب جمهوری خلق مسلمان ایران
- ۷۲۳ ..... میانه روی، آیا شانس دارد؟
- ۷۲۸ ..... دهمین گردهم آیی هفتگی حزب جمهوری خلق مسلمان
- ۷۳۲ ..... کتاب بیست و نهم
- ۷۳۲ ..... افغانستان (۱)
- ۷۳۶ ..... رژیمهای حاکم از ظاهر شاه تا امین
- ۷۴۰ ..... شوروی و افغانستان
- ۷۵۰ ..... برخورد آمریکا با مسئله افغانستان
- ۷۵۴ ..... گروهها و مردم افغانستان
- ۷۵۶ ..... گزارش بیوگرافیک محمد داوود رئیس جمهور افغانستان
- ۷۵۷ ..... داود به عنوان یک فرد غیرمتعهد بیطرف؟
- ۷۵۸ ..... داود به عنوان رئیس جمهور
- ۷۵۹ ..... زندگی اولیه و سوابق
- ۷۶۱ ..... انتظار در کنار صحنه، سلامتی
- ۷۶۲ ..... دیو بازارها
- ۷۶۴ ..... افغانستان در سال ۱۹۷۷
- ۷۷۲ ..... موقعیت سیاسی و نظامی در افغانستان
- ۷۷۶ ..... اطلاعات بیوگرافی درباره کابینه افغانستان
- ۷۸۴ ..... اولین مذاکره با رئیس جمهور جدید افغانستان
- ۷۸۹ ..... آینده برنامه کمک ایالات متحده آمریکا در افغانستان
- ۷۹۵ ..... ارزیابی ایران از تحولات افغانستان و روابط ایالات متحده و افغانستان
- ۷۹۵ ..... فرمان جدید از افغانستان، ترتیبات ازدواج را آزاد می سازد
- ۷۹۷ ..... ارزیابی تحولات افغانستان و روابط افغانستان با آمریکا
- ۸۰۱ ..... ملاقات مدیر کمکهای آمریکا با نمایندگان کشورهای کمک دهنده به افغانستان
- ۸۰۵ ..... اوضاع در افغانستان
- ۸۰۶ ..... کاهش کمک به افغانستان از سوی کمیته مجلس نمایندگان

- ۸۰۶ ..... روابط آمریکا و افغانستان
- ۸۰۹ ..... «دروغ بزرگ» به صورت ابزار استاندارد خلقیها در می آید
- ۸۱۴ ..... نقش فعلی روسیه در افغانستان
- ۸۱۶ ..... تقاضای اطلاعات در مورد افغانستان و جمهوری دموکراتیک خلق یمن
- ۸۲۰ ..... نماینده گیلانی پیشرفت در متحد کردن گروههای مختلف افغانی را گزارش می دهد
- ۸۲۲ ..... سابقه تحصیلاتی وزیران و معاونان وزیر حکومت افغانستان
- ۸۲۷ ..... شورشی غیر وابسته افغانی به سفارت تلفن می کند
- ۸۳۰ ..... واکنش محدود ایرانیان در قبال درخواست شورشیان افغانی
- ۸۳۲ ..... موضوع افغانستان: پیش بینیهای در مورد دخالت روسیه
- ۸۳۶ ..... انتصاب دیپلمات روسی به عنوان «مشاور دیپلماتیک» در جمهوری دموکراتیک افغانستان
- ۸۳۷ ..... لایحه اصلاحی مجلس سنا درباره کمک به افغانستان
- ۸۴۰ ..... ملاقات با دیپلمات روسی: قسمت اول
- ۸۴۳ ..... ملاقات با دیپلمات روسی: قسمت دوم
- ۸۴۴ ..... ملاقات با دیپلمات روسی: قسمت سوم
- ۸۴۵ ..... روابط افغانستان و آمریکا - رفتاری که سرهم بندی شده
- ۸۴۸ ..... قسمت اول: فعالیتهای اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان
- ۸۵۱ ..... قسمت دوم - نقش فعلی شوروی در افغانستان
- ۸۵۲ ..... دیپلماتهای کمونیست در کابل به احتمال ایجاد یک جبهه ملی در رژیم خلقی...
- ۸۵۴ ..... سفیر جدید افغان در ایران یک عضو عالیرتبه دیگر پرچم است
- ۸۵۴ ..... رژیم افغانستان در روز استقلال آمریکا نمایش حسن نیت می دهد
- ۸۵۶ ..... هشدار شوروی در خصوص مداخله ایالات متحده در افغانستان
- ۸۵۷ ..... عبدالحکیم طیبی به عنوان وزیر مختار افغانستان در سازمان ملل منصوب شد
- ۸۵۸ ..... دانشگاه کابل - آشوب در محوطه دانشگاه
- ۸۶۲ ..... وضع کنونی افغانستان از لحاظ عصیان
- ۸۶۷ ..... مقاصد شوروی در افغانستان و پاکستان
- ۸۷۰ ..... حیرت سفیر کبیر آلمان از تناقضات رژیم خلقی

- تبلیغات زیرزمینی افغانستان خواهان برکناری امین، نخست وزیر می باشد ..... ۸۷۲
- وادار کردن افغانستان به یافتن راه حل سیاسی برای جنگ داخلی ..... ۸۷۶
- مشارکت دادن عبدالصمد حامد وزیر سابق رژیم سلطنتی را در گفتگوها ..... ۸۸۲
- شورویها به دنبال جانشین حفیظ الله امین ..... ۸۸۳
- توضیحات سفیر آلمان درباره تلاشهای شوروی برای اصلاح رژیم افغان ..... ۸۸۸
- گزارشاتی راجع به «جبهه متحد» که در اینجا تأیید نشده است ..... ۸۹۱
- تفسیر پروادا در مورد سازمان ملی افغانستان برای دفاع از انقلاب ..... ۸۹۴
- تره کی و امین: از آنچه در پشت پرده برای ساقط کردن این رژیم می گذرد خبر دارند ..... ۸۹۴
- گله های حکومت افغانستان درباره خارج شدن افراد خانواده های آمریکایی ..... ۸۹۵
- انگیزه های تصمیم شوروی برای تبلیغات در مورد تلاشهایی صلح آمیز ..... ۸۹۹
- اعتراض به سفیر شوروی کابل درباره تخلیه وابسته های آمریکایی ..... ۹۰۳
- امین نقش مستقیم تری در سرکوبی شورشیان به عهده گرفته است ..... ۹۱۰
- حمایت لیبی از انقلابیون افغانستان ..... ۹۱۳
- اطلاعات اضافی در مورد سازمان ملی دفاع از انقلاب ..... ۹۱۴
- به نظر نمی رسد که ترمیم کابینه مخالفت رو به افزایش را خنثی کند ..... ۹۱۵
- ضیا ناصری با پروژه های جدید بازمی گردد ..... ۹۱۸
- حمایت لیبی از شورشیان افغانستان ..... ۹۱۹
- ارزیابی ابتدائی از شورش در بالاحصار ..... ۹۲۰
- کتاب سی ام ..... ۹۲۲
- افغانستان (۲) ..... ۹۲۲
- ماجرای ملاقات با وزیر خارجه جدید افغانستان دکتر شاه ولی ..... ۹۲۴
- بحث مشاوران سیاسی راجع به افغانستان (سری) ..... ۹۲۹
- افغانستان: نظراتی در مورد اشغال شوروی ..... ۹۳۲
- مقام بلندپایه شوروی در اکتبر گذشته از کابل دیدار کرده است ..... ۹۴۱
- نقطه نظرهای ترکیه در مورد افغانستان ..... ۹۴۱
- فرستنده رادیویی مخالفین افغانی ..... ۹۴۲

- سفر نیوسام معاون وزیر امور خارجه به آسیای جنوبی - ۹۴۴
- یک بازدید کننده سطح بالای روسی از کابل دیدن کرد - ۹۴۷
- ماهیت مخالفان رژیم در افغانستان - ۹۴۸
- نظرات شوروی در مورد افغانستان - ۹۵۶
- مقام روسی اظهار اطمینان می کند که مسکو از شهروندانش در اینجا حفاظت می کند - ۹۵۷
- شورشیان شایعات «دولت تبعیدی» را رد می کنند - ۹۵۹
- گزارش دیدار مقام عالی رتبه شوروی به افغانستان در اکتبر سال گذشته - ۹۶۱
- سفیر آلمان شرقی از صحنه کابل دور می شود - ۹۶۱
- بحث مشاورین سیاسی در مورد افغانستان - ۹۶۲
- برخلاف تبلیغات رژیم افغانستان راه پیمایی وسیع در کابل صورت نمی گیرد - ۹۶۴
- بحث درباره افغانستان و ایران از سوی رایزنهای سیاسی - ۹۶۶
- متن مقاله هلند - ۹۷۰
- وضعیت پناهندگان افغانی در پاکستان - ۹۷۴
- مأموریت پاولوسکی در کابل - ۹۷۷
- ارزیابی نفوذ شوروی در افغانستان - ۹۷۸
- امین تأکید می کند که او خواستار «روابط دوستانه ای با آمریکا» است - ۹۸۷
- اطلاعات جسته و گریخته در مورد بیوگرافی نخست وزیر امین - ۹۸۷
- فعالیت های ناراضیان افغانی - ۹۸۸
- بازدید ترکی از مسکو - ۹۹۳
- آوارگان افغانی در پاکستان - ۹۹۴
- گفتگو با دولت موقت ایران درباره افغانستان - ۹۹۶
- رژیم خلقی در کابل آماده باش شدید امنیتی برقرار می کند - ۹۹۷
- امین و استفاده سیاسی از کاهش تشنجات - ۱۰۰۱
- برخی از انعکاسات در مورد بحرانهای سیاسی افغانستان - ۱۰۰۶
- فعالیت های ناراضیان هزاره - ۱۰۰۷
- نظریاتی از دو سفیر از کشورهای اروپای شرقی - ۱۰۰۹



- ۱۰۱۱ ----- ارزیابی ژاپنی ها راجع به سقوط ترکی
- ۱۰۱۲ ----- علاقه ایرانیان به موضوع مداخله کوبا در افغانستان
- ۱۰۱۳ ----- خلقیها ممکن است به واشنگتن چراغ سبز نشان بدهند
- ۱۰۱۴ ----- نظرات روسهای مقیم شوروی در مورد رژیم جدید امین
- ۱۰۱۵ ----- دولت پاکستان موقعیت افغانستان را ارزیابی می کند
- ۱۰۱۷ ----- مقاصد روسیه در افغانستان
- ۱۰۱۹ ----- ملاقات کاردار با امین رئیس جمهور
- ۱۰۲۲ ----- تماس با وزیر اطلاعات و فرهنگ، کاتالوازی
- ۱۰۲۲ ----- مقاصد شوروی در افغانستان
- ۱۰۲۳ ----- ملاقات نیوسام با وزیر خارجه افغانی
- ۱۰۲۷ ----- پرسش رئیس اطلاعات وزارت امور خارجه در مورد احتمال روابط بهتر با دولت آمریکا
- ۱۰۲۸ ----- نشانه هایی درباره اینکه افغانستان در پی مناسبات بهتری با حکومت ایالات متحده است
- ۱۰۳۱ ----- گزارشاتی راجع به نیروهای نظامی روسی در افغانستان
- ۱۰۳۳ ----- نظریات ترکیه درباره اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان
- ۱۰۳۵ ----- گروه امین در افغانستان: و نقطه نظریات سفرای یوگسلاوی و شوروی
- ۱۰۳۹ ----- نیروهای نظامی روسی در افغانستان
- ۱۰۴۳ ----- موقعیت ترکی و اخراج وزرای نظامی کابینه
- ۱۰۴۴ ----- مقاصد شوروی در افغانستان
- ۱۰۴۵ ----- رسانه های شوروی مرگ ترکی را گزارش می نمایند
- ۱۰۴۵ ----- مفتی محمود علاقه مند به کمک مجدد به پناهندگان و تبعیدی های افغانی می باشد
- ۱۰۴۸ ----- گفتگو در مورد افغانستان
- ۱۰۵۰ ----- اطلاعات ترکیه در مورد مسئله افغانستان
- ۱۰۵۴ ----- سفیر آلمان شرقی در افغانستان عوض می شود
- ۱۰۵۶ ----- اطلاعات یک شخص ترک در رابطه با اوضاع در افغانستان
- ۱۰۵۹ ----- گفتگوهای سفیر ریاض با پیراچه در رابطه با مسائل مربوط به افغانستان
- ۱۰۸۱ ----- مذاکره پیرامون اوضاع افغانستان طی بازدید یک هیئت نمایندگی نظامی چین از پاکستان

- ۱۰۸۲ ----- عزیمت هیئت نمایندگی نظامی شوروی از افغانستان
- ۱۰۹۲ ----- کتاب سی و یکم
- ۱۰۹۲ ----- کردستان (۱)
- ۱۱۱۷ ----- نظری کلی بر مسئله کردها
- ۱۱۲۲ ----- ریشه نژادی
- ۱۱۲۲ ----- جمعیت کردها
- ۱۱۲۴ ----- زبان
- ۱۱۲۶ ----- دین
- ۱۱۲۶ ----- بافت اجتماعی
- ۱۱۲۸ ----- موقعیت اقتصادی و اجتماعی
- ۱۱۳۰ ----- ظهور ناسیونالیسم کردی
- ۱۱۳۴ ----- مسئله کردها و سیاست دولت ایران
- ۱۱۳۵ ----- مواضع و سیاستهای دولت
- ۱۱۳۷ ----- مواضع کردها، گروهها و رهبران
- ۱۱۳۹ ----- همکاری با کردهای همسایه
- ۱۱۴۰ ----- عراق
- ۱۱۴۲ ----- مواضع و سیاستهای دولت
- ۱۱۴۵ ----- سازمانها و رهبران کرد
- ۱۱۴۷ ----- ترکیه
- ۱۱۴۸ ----- مواضع و سیاستهای دولت
- ۱۱۵۰ ----- پایداری کردهای جدایی طلب
- ۱۱۵۱ ----- سوریه
- ۱۱۵۲ ----- شوروی
- ۱۱۵۲ ----- مواضع و سیاستها در قبال کردهای کشورهای مجاور
- ۱۱۵۵ ----- سیاست در قبال کردهای اتحاد شوروی
- ۱۱۵۶ ----- نتیجه گیری

- ۱۱۵۸ ..... ضمیمه
- ۱۱۵۸ ..... بیوگرافی های انتخابی
- ۱۱۵۸ ..... کامران اینان (ترکیه)
- ۱۱۵۸ ..... حکمت ستین (ترکیه)
- ۱۱۶۰ ..... خانواده بارزانی (عراق)
- ۱۱۶۰ ..... جلال ایسام الدین طالبانی (عراق)
- ۱۱۶۲ ..... عبدالرحمن قاسملو (ایران)
- ۱۱۶۳ ..... شیخ عزالدین حسینی (ایران)
- ۱۱۶۳ ..... در دیدار با آقای مئیر عزری رئیس هیئت اعزامی اسرائیلی
- ۱۱۶۴ ..... پناهندگان کرد
- ۱۱۶۵ ..... کردهای عراقی در ایران
- ۱۱۶۶ ..... اوضاع و تقاضای کردهای عراقی در ایران
- ۱۱۷۰ ..... گزارش پرداخت مالی عراق به ایران
- ۱۱۷۲ ..... اطرافیان بارزانی
- ۱۱۷۲ ..... عکس العمل منطقه در قبال فعالیت کردها خواسته ها و راهنماییها
- ۱۱۷۳ ..... سیاست دولت ایران در کنترل کردن کردها
- ۱۱۷۶ ..... پناهندگان کرد در ایران
- ۱۱۷۷ ..... پناهندگان کرد، امکان کمک سازمانهای جهانی
- ۱۱۷۷ ..... وضع کردها
- ۱۱۸۰ ..... فعالیت ویژه کردها
- ۱۱۸۵ ..... قیام کردها در سنندج
- ۱۱۸۶ ..... شورش کردها در سنندج
- ۱۱۸۷ ..... شورش کردها در سنندج
- ۱۱۸۷ ..... قیام کردها در سنندج
- ۱۱۸۹ ..... نظرات کردها درباره عراق و ایران
- ۱۱۹۲ ..... کردها و مسکو

- گزارش حضور واحدهای نظامی ضد رژیم در شمال غربی ایران - ۱۲۰۱
- نظریات یک ایرانی در مورد خواستههای کردها در ایران - ۱۲۰۲
- ویزای غیر مهاجرتی - ۱۲۰۵
- جنگ در کردستان ادامه دارد - ۱۲۰۶
- موقعیت در غرب ایران - ۱۲۰۶
- ناآرامی در سنندج - ۱۲۱۱
- نگرانی ترکیه در مورد سیاست آمریکا در رابطه با کردهای ایران ۷۹۲ - ۱۲۱۲
- وضعیت کردها - ۱۲۱۵
- دانشجویان کرد در برلین غربی - ۱۲۱۶
- موقعیت کردها - ۱۲۱۸
- کمونیستها و شورش کردها - ۱۲۱۹
- موضع گیری تبریز نسبت به ناآرامیهای کردها - ۱۲۲۰
- روابط ترکیها با کردهای ایران - ۱۲۲۱
- سی و دومین جلسه، کمیسیون فرعی سازمان ملل بر سر مسئله تبعیض - ۱۲۲۲
- گزارش جدیدی درباره کردها - ۱۲۲۲
- وضعیت کردستان - ۱۲۲۳
- نظریات ترکیها در مورد مشکلات کردها در ایران - ۱۲۲۵
- اوضاع کردستان عراق - ۱۲۲۷
- موقعیت کردها - ۱۲۳۰
- دولت عراق دستور بازگشت کردها به شمال را می دهد - ۱۲۳۲
- مشکلات کردها - ۱۲۳۵
- وزیر دفاع و فرمانده نیروی زمینی ایران در کردستان زخمی شدند - ۱۲۳۸
- سوءظن ایران نسبت به دخالت ایالات متحده در کردستان - ۱۲۳۸
- مشکلات کردها - ۱۲۴۰
- دفتر اطلاعاتی دفاعی ایران: کردها مهاباد را می گیرند - ۱۲۴۳
- گزارش سیاسی هفتگی - ۱۲۴۳

۱۲۴۷ ----- مسائل مربوط به کردها

۱۲۴۸ ----- فهرست اعلام

۱۲۹۲ ----- درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: ایالات متحده. سفارت (ایران).

عنوان و نام پدید آور: اسناد لانه جاسوسی آمریکا / دانشجویان مسلمان پیرو خط امام.

وضعیت ویراست: [ویراست ۴۳].

مشخصات نشر: تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۶-

مشخصات ظاهری: ج. + یک لوح فشرده.

شابک: دوره: ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۷۵۳؛ ۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۱: ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۷۴۶؛ ۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۲: ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۷۶۴؛  
۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۳: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۷۹-۱؛ ۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۴: ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۸۰۷؛ ۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۵:  
۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۸۱۴؛ ۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۹: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۸۸-۳؛ ۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۰: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۸۹-۰؛  
۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۱: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۹۶-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: Documents from the U.S. espionage den.

یادداشت: چاپ قبلی: جهان کتاب، ۱۳.

یادداشت: ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۸۵) (فیپا).

یادداشت: ج. ۴ و ۵ (چاپ اول: ۱۳۸۶) (فیپا).

یادداشت: ج. ۹ و ۱۰ (چاپ اول: ۱۳۸۶) (فیپا).

یادداشت: ج. ۱۱ (چاپ اول: ۱۳۸۸) (فیپا).

یادداشت: نمایه.

مندرجات: ج. ۹. اسناد لانه جاسوسی (روزشمار انقلاب).- ج. ۱۰. اسناد لانه جاسوسی (روزشمار انقلاب).- ج. ۱۱. خلیج

فارس

عنوان دیگر: مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا.

موضوع: سفارتخانه ها و کنسولگری های آمریکا-- ایران

موضوع: ایران -- روابط خارجی -- ایالات متحده -- اسناد و مدارک

موضوع: ایالات متحده -- روابط خارجی -- ایران -- اسناد و مدارک

موضوع: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- اسناد و مدارک

شناسه افزوده: دانشجو یان مسلمان پیرو خط امام

شناسه افزوده: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

رده بندی کنگره: DSR۱۵۰۲/۳ الف ۹ الف ۸۶ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۳۲۷/۵۵۰۷۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۴۷۸۴۰

ص: ۱

**اشاره**









































مقاله روزنامه تهران ژورنال در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۰ - ۲۱/۶/۱۳۳۹ دوستداران آمریکایی خاورمیانه به یک ایرانی همکاری افتخاری با کنگره اعطا می کند.

دوستداران آمریکایی خاورمیانه امروز اعطای همکاری افتخاری با کنگره را به آقای متین دفتری اعلام نمود. آقای متین دفتری، مدیر اطلاعات و روابط مطبوعات وزارت دادگستری ماه آینده ایران را به قصد واشنگتن، دی. سی. ترک خواهد کرد. در آنجا وی نه ماه به عنوان دستیار یک یا چند عضو کنگره و سنای ایالات متحده، خواهد گذراند. او اولین ایرانی است که مفتخر به وصول این جایزه که معادل ۵۰۰۰ دلار است می شود.

دوستداران آمریکایی خاورمیانه، که متقبل این برنامه است، مؤسسه ای خصوصی، غیرانتفاعی و آمریکایی است که خود را وقف بهبود تفاهم بین مردم آمریکا و کشورهای خاورمیانه نموده است.

دوستداران آمریکایی خاورمیانه در تهران مجری یک برنامه مشاوره و راهنمایی دانشجویان برای کمک به دانشجویان عازم آمریکا، برنامه دیگری به نام برنامه به کارگیری منابع فردی برای کمک به این دانشجویان به کسب و شغل و انطباق با محیط، زمانی که به ایران باز می گردند، و کتابخانه مطبوعات دوره ای یادبود جان برونر از ادبیات فنی و علمی برای کمک به فارغ التحصیلان دانشگاههای آمریکایی «به همگامی با آخرین تحولات در رشته ای که آنها در آمریکا تحصیل کرده اند می باشد. دوستداران آمریکایی خاورمیانه همچنین برنامه های مردم به مردم نیز اجرا می کند که این اعطا، یک نمونه از آن است.

منظور از دستگیری افتخاری کنگره که آقای متین دفتری دریافت کرده است، قادر نمودن مردان جوان برجسته به کسب تجربه در حکومت دمکراتیک، به وسیله همکاری با یک سناتور یا نماینده، طی یک دوره کامل کنگره می باشد. در سالهای گذشته افرادی از مالایا، فرمز و ژاپن، همچنین آمریکاییهای منتخب برای شرکت در این برنامه معین گشته اند.

آقای متین دفتری فرزند سناتور دکتر احمد متین دفتری، نخست وزیر اسبق است. وی تحصیلات خود را در دبیرستان فیروز بهرام در ایران و کالج السمر و دانشگاه کمبریج در انگلستان انجام داده است. وی لیسانس خود را در اقتصاد و حقوق در ۱۹۵۶ (۱۳۳۵) از انگلستان دریافت کرد. پس از بازگشت به ایران، وی به عنوان معاون دانشکده در دانشگاه تهران، در وزارت آموزش کار کرده است. وی در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) متصدی شغل فعلی خود، مدیر اطلاعات و روابط عمومی در وزارت دادگستری شد.

آقای متین دفتری به علاوه به عنوان جامعه حمایت از زندانیان و خانواده هایشان خدمت می کند و عضو کمیته اجرایی انجمن ایرانی سازمان ملل است.

آقای متین دفتری با دوشیزه مریم واضح نوری ازدواج کرده است. خانم ایشان قصد دارد با پسر کوچکشان همراه وی به آمریکا بروند. همراه با یکدیگر آنها در ورود به ایالات متحده مورد استقبال هارولد ماینور، سفیر اسبق آمریکا در لبنان و رئیس فعلی دوستداران آمریکایی خاورمیانه در واشنگتن دی.سی. قرار خواهند گرفت. در این مراسم آقای متین دفتری با آن عضو کنگره که همکار وی خواهد بود، ملاقات می کند.

ص: ۱

گزارش دفتری - ۲ گزارش اطلاعاتی حوزه مأموریت گروه ۱ مستثنی از تنزل طبقه و خروج از طبقه بندی کشور: ایران  
موضوع: هدایت الله متین دفتری تاریخ اطلاع: ۱ اکتبر ۱۹۶۲ - ۹ مهر ۱۳۴۱ زمان و مکان کسب: تهران ایران (۱ اکتبر ۱۹۶۲)  
منبع: یک ایرانی خوب تحصیل کرده (نسبتاً قابل اطمینان) که عضو کمیته جبهه ملی است.

ارزیابی مندرجات: احتمالاً صحیح‌محرمانه غیر قابل رؤیت برای افراد خارجی شماره گزارش: ۶۰۰۶ - نیت تاریخ گزارش: ۸  
اکتبر ۱۹۶۲ - ۱۶ مهر ۱۳۴۱ هدایت الله متین دفتری همان عضو کمیته انتشارات جبهه ملی است که اخیراً دستگیر و سپس آزاد  
شد، او یکی از اعضای کمیته فرعی جبهه ملی که عهده دار کار نوشتن مقالات خبرنامه جبهه ملی است، می باشد. وی به  
عنوان عضو این کمیته، به میزان بسیار بالایی، با محمدعلی کشاورز صدر، رئیس کمیته تبلیغات، در دادن جهت ضد آمریکایی  
به روزنامه جبهه ملی تلاش کرده است. در واقع، متین دفتری به دفعات در جلسات کمیته تبلیغات، فخرفروشی کرده است که  
وی توانسته است سر آمریکاییهای احمق و ساده لوح کلاه بگذارد. متین دفتری ادعای دوستی نزدیک با اعضای بخش سیاسی  
سفارت آمریکا دارد.

به عنوان یک نمونه از طرز رفتار او، متین دفتری در جلسه اخیر کمیته تبلیغات شرح داد که چگونه آمریکاییها را مورد تبلیغات  
خود قرار می دهد و آنها را وا می دارد فکر کنند که او از دوستانشان است و اسرار ملی گراها را به آنها می دهد، در حالی که  
آنان تملق او را می گویند. وی در واقع کسی است که تبلیغات ضد آمریکایی را می نویسد.

اظهارنظر منطقه: چندین گزارش دریافت شده است که به وضوح حکایت می کنند، که متین دفتری همان نویسنده مقالات  
ضد آمریکایی است که در خبرنامه جبهه ملی ظاهر می شود. متین دفتری نوه مصدق و فرزند سناتور احمد متین دفتری،  
نخست وزیر اسبق، مدت یک سال را به صورت بورسیه به عنوان همکار عضو کنگره، در ایالات متحده گذرانده است.

متین دفتری - ۳ غیر قابل رؤیت برای خارجیان / فقط استفاده داخلی رئیس، قسمت سیاسی سری ۴۶۴/۶۴ پ ۲۳ سپتامبر ۱۹۶۴  
- اول مهر ماه ۱۳۴۲ وضع جبهه ملی آنچه در ذیل می آید برای اطلاع شما و هرگونه استفاده ای که مایلید در محدوده امنیتی  
معین شده از آن بکنید، می باشد. هر گزارش که از این اطلاعات تهیه می کنید با قید «غیر قابل رؤیت برای افراد خارجی»

ذکر شود ولی نیازی به ذکر منبع کنترل شده آمریکایی به عنوان منبع نیست. منبع یک عضو (طبقه ب) جبهه ملی است و به رهبران جبهه ملی دسترسی دارد.

۱- هدایت الله متین دفتری، نوه نخست وزیر سابق مصدق اظهار داشت که به عقیده او الهیار صالح، دکتر کریم سنجابی و دیگر رهبران سابق جبهه ملی در چند ماه گذشته روحیه همکاریشان خیلی ضعیف شده است. هدایت الله متین دفتری فکر می کرد که این رهبران چون ترسیده اند، دچار یأس شده بودند. وی گفت که اکنون جبهه ملی هیچ کاری نمی کند، و احساس می کرد که اگر قرار باشد جبهه ملی کاری انجام دهد به کمک این رهبران سابق نیاز دارد. وی ابراز داشت تنها فعالیتی که جبهه انجام می داد، زنده نگه داشتن خود جبهه ملی و انتظار کشیدن برای اتفاقات آینده بود. متین دفتری گفت که یکی از دستگاههای پلی کپی جبهه ملی را ساواک در چند روز گذشته ضبط کرده است.

۲- دکتر کریم سنجابی علناً از هدایت الله متین دفتری، داریوش فروهر و کشاورز صدر انتقاد کرد. دکتر کریم سنجابی برای اولین بار اظهار داشت که به نظر او ممکن است کشاورز صدر برای دولت ایران کار بکند و مأموریت او نابودی جبهه ملی باشد. سنجابی گفت که فروهر جوان، بی فکر و تندرو است و نه یک رهبر.

سنجابی افزود هدایت متین دفتری، جوان و بیش از حد بلند پرواز است و به مصدق، نخست وزیر سابق، اطلاعات عوضی می رسانده است. سنجابی ابراز داشت که جبهه ملی نمی تواند طرح مصدق، را همان طور که در نامه های اخیر او مشخص است دنبال کند. به این دلیل جبهه ملی هیچ فعالیتی انجام نمی دهد. «فقط نشستن و انتظار». سنجابی گفت که خود او شخصاً در هیچ فعالیت سیاسی اشتغال ندارد.

گروه ۱ مستثنی از تنزیل طبقه و خروج از طبقه بندی به طور اتوماتیک سری متین دفتری - ۴ محرمانه صورت مذاکره شرکت کنندگان: هدایت الله متین دفتری، وکیل عضو جبهه ملی، آرچی ام. بولستر، دبیر دوم مکان: هتل کاسپین برای صرف نهار زمان: ۱۴ اکتبر ۱۹۶۴ - ۲۷ مهر ۱۳۴۳ الهیار صالح متین دفتری از قرار معلوم کاملاً با رهبری صالح مخالف است و به همان اندازه او به پدر بزرگ خود مصدق و نفوذی که مصدق بر جبهه ملی اعمال می کند، وفادار است. او گفت بزرگترین اشتباه صالح، اصرار وی بر تبدیل جبهه ملی به یک حزب سیاسی و اقدام وی به ایجاد یک ایدئولوژی یکپارچه سیاسی، از نظرات سیاسی مختلف گروههای عضو بود. متین دفتری تأکید ورزید که صالح در حال حاضر اختیارات رهبری را که زمانی دارا بود، از دست داده است و مصدق پس از شکست عظیم بالا-خره دخالت و دستوراتی صادر کرد که رهبری صالح دیگر نباید به رسمیت شناخته شود. هنگامی که پرسیده شد امروز چه کسی جبهه ملی را رهبری می کند، او جواب داد: «مصدق» و وقتی پرسیده شد چه کسی را می توان گفت که رهبری تشکیلاتی بر اساس عملیات روزمره بر عهده دارد، وی جواب داد: «رهبران گروههایی که جبهه

ملی را تشکیل می دهند.» متین دفتری افزود صالح دیگر مانند گذشته رهبر حزب ایران نیست. بدین ترتیب وی حتی نباید شامل این گروه رهبری جمعی باشد.

اهداف جبهه ملی متین دفتری هدف جبهه ملی را احقاق آزادی برای تمام اتباع ایرانی دانست. به عنوان یک اصل لازم، وی بازگشت به یک حکومت مطابق با قانون اساسی را اضافه نمود. وی با تأکید اظهار داشت که جبهه ملی نمی خواهد مقام به دست آورد، بلکه فقط می خواهد در دولت فعلی یا دولت بعد از آن نفوذ کند تا آزادی بیشتر و احترام به قانون اساسی را فراهم کند. وی تئوری سازمانی جبهه ملی را چنین توصیف کرد که سازمانهای سیاسی مستقل و دارای فلسفه های سیاسی نامتجانس، با یکدیگر در جهت اهداف مشترک جبهه فعالیت می کنند. هنگامی که پرسیده شد جبهه به عنوان پیشنهادات خود برای آینده ایران، مایل به ارائه چه برنامه هایی می باشد، متین دفتری جواب داد که جبهه نمی تواند در جزئیات برنامه ها وارد شود و این به علت طیف وسیع فلسفه سیاسی آن می باشد. بدین ترتیب باید از تشکیل زمینه های سیاسی جزئی احتراز کند و بر نیاز به آزادی و دولتی مطابق قانون اساسی تأکید کند.

گروههای داخلی جبهه ملی متین دفتری نهضت آزادی را، به عنوان گروه مسلمان مبارزی که به سبب جهت گیری مذهبی از پیروان متنابهی برخوردار است، توصیف نمود. وی به طور گذرا به محاکمه رهبر آن مهدی بازرگان اشاره نمود و اظهار داشت: دولت روش دستگیری تمام رهبران گروههای مختلف عضو جبهه ملی را در پیش دارد.

متین دفتری افزود: داریوش فروهر یکی دیگر از اعضای جبهه ملی در زندان است. حزب ملت ایران وی، که جانشین حزب سابق پان ایران است، از سازماندهی خوبی برخوردار و مبارز است. متین دفتری اظهار داشت: خلیل ملکی فقط رئیس اسمی اتحادیه سوسیالیست است، رهبران واقعی آن گروه منوچهر صفا و عقالی زاده (اسم کوچک نامعلوم) می باشند. که هر دو در زندانند و اخیراً توسط یک دادگاه نظامی، محاکمه مخفی شدند که به دروغ «محاکمه علنی» خوانده شد.

بنا به توضیح متین دفتری، اگر چه برلیان (اسم کوچک نامعلوم هم عضو اتحادیه سوسیالیست است، وی عمدتاً سازمان دهنده دانشجویان هوادار جبهه ملی در دانشگاه تهران است. یک دانشجوی دیگر به نام نراقی (اسم کوچک نامعلوم) از لحاظ هواداران دانشجویی، صاحب گروه خیلی کوچکتری است. سال گذشته، موقعی که دانشجویان طرفدار جبهه ملی در دانشگاه تهران می خواستند یاد کشته که متین دفتری می گوید، هم برلیان و هم نراقی هنگامی که در خانه دوستی برای طرح ریزی چنین یادبود کوچکی گرد آمده بودند، دستگیر شدند و هنوز در زندان می باشند. از زمان دستگیری برلیان ۱۳ تن از پیروان او به خدمت وظیفه، نه به عنوان افسر یا درجه دار که مناسبشان بود بلکه به عنوان سرباز عادی، اعزام شدند.

یکی از آنها فریدون تقی زاده اکنون به عنوان نظافتچی در آسایشگاه مسلولین ارتش در شرق شمیران خدمت می کند.

انواع عقاید سیاسی متین دفتری ایرانیانی را که از آگاهی سیاسی برخوردارند به سه گروه تقسیم کرد: سیاستمداران طرفدار دولت که به دلایل شخصی، مانند به دست آوردن موقعیت استخدامی بهتر، همکاری می کنند. جبهه ملی ها و دیگر مخالفینی که اهل خشونت نیستند و کمونیستها که فقط اگر آمادگی را داشته باشند دولت را با خشونت سرنگون خواهند کرد. وی برای نمونه، خداداد فرمانفرمایان را در دسته اول، سیروس قانلی را درست بین اول و دوم با دوستانی در هر دو، و حسین مهدوی را در دسته دوم قرار داد. او گفت که محکوم ساختن مخالفانی که از شیوه های خشن استفاده نمی کنند باعث می شود آنها به کمونیستها گرایش پیدا کنند و راه میانه را از بین می برند و مخالفین غیر خشن با همکاری کمونیستها یا حداقل نزدیکتر شدن به آنها، ترغیب می شوند. متین دفتری البته خود را در دسته دوم (مخالفین غیر خشن) قرار داد، اما توضیح داد که مانند بسیاری از مردم که باید به فکر نیازهای اقتصادی خود باشند، وی برای داشتن کار به تماس خود با دولت ادامه می دهد.

تاکتیکهای جبهه ملی تصویری که متین دفتری از موقعیت اقتصادی ایرانیان طبقه متوسط و پایین، ارائه داد واقعاً تیره بود.

وی گفت حتی به عنوان یک وکیل هم برای تهیه خرجی خود در زحمت است و ادعا کرد که علیرغم افزایش درآمدها و اینک به سبب تورم، اوضاع از چهار یا پنج سال پیش سخت تر است. وی از این نتیجه گرفت که نارضایتی از اقتصاد، به میزان هرچه افزونتری به نفع جبهه ملی تمام خواهد شد. هیچ تاکتیک دیگری ذکر نشد. بنابر این گزارشگر تصور می کند که «صبر و انتظار» تنها تاکتیک باشد. گرچه به «عدم خشونت» اشاره شد، ولی متین دفتری ذکری از قصد جبهه به دعوت برای اعتصاب یا تظاهرات به میان نیاورد.

سرکوب جدا از دستگیریهای رهبران جبهه ملی که قبلاً ذکر شده، متین دفتری ادعا کرده که دانشجویان در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاههای ایران، که هواداران جبهه ملی در آنجا بودند، مورد آزار قرار می گرفتند. وی گفت دانشجویانی که سوابق طرفداری از جبهه ملی داشتند در استخدام شدن، به سبب آزار ساواک، دچار اشکال بودند. تقریباً دانشجویان، هر هفته برای بازجویی درباره فعالیتهای جبهه خواسته می شوند و به بسیاری گفته شده بود دفعه دیگر که فعالیت آنها در جبهه ملی آشکار شود، زندانی خواهند شد. متین دفتری گفت جبهه آنقدر به دقت تحت نظر قرار دارد که حتی فعالیتهای چاپی هم به جهت خطری که دارند، اجرا نمی شود.

اظهار نظر: جالب است که متین دفتری طی این مصاحبه هیچ اشاره ای به دخالت آمریکا در ایران، نه برای انتقاد از حمایتان از ایران و شاه و نه برای درخواست حمایت ما به طریقی از گروههای مخالف، ننمود. وی در صحبت از امور داخلی جبهه، شخصیتها و سیاستها، صداقت داشت. گزارشگر به طریقی برداشت کرد که جبهه ملی در حال تجربه کمترین میزان نفوذ خود از سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) می باشد.

علیرغم انتقاد وی از صالح، به سبب اشتباهات تشکیلاتی و کوتاهی در بزرگ کردن نارضایتیهای ادعا

شده اخیر از دولت، آشکار بود که متین دفتری خودش هم برنامه معینی که این تشکیلات را تسکین بخشد و یا حیات جبهه را دوام بیشتری دهد، ندارد. به نظر می رسد که در زمینه تشکیلات، وی طرفدار چنان تشکل بی حد و حصری از احزاب سیاسی بود که فقط اهداف عمده ای مانند، آزادی و رعایت قانون اساسی، می تواند به عنوان زیربنای مشترک به کار گرفته شود. جبهه ملی که رهبریتش به عهده گروهی از رهبران احزاب است و بسیاری از آنان اینک در زندانند، رنجور از عدم توافق بر سر رهبری و سیاستها، دائماً مورد ایذاء دولت و فاقد طرحهای مشترک برای عمل می باشد و به نظر می رسد که در خطر از دست دادن تمامی نفوذ سابقاً مهیب خود، قرار دارد.

گروه ۴ در دوره های سه ساله طبقه بندی تنزل پیدا می کند پس از ۱۲ سال از طبقه بندی خارج می شود.

متین دفتری - ۵ محرمانه - غیر قابل رؤیت برای خارجیان صورت مذاکره شرکت کنندگان: هدایت الله متین دفتری، وکیل، نوه مصدق، عضو جبهه ملی و آرچی. ام. بولستر، دبیر دوم مکان: هتل کاسپین زمان: ۴ فوریه ۱۹۶۵ - ۱۵ بهمن ۱۳۴۳ ترور منصور متین دفتری گفت که از میزان کم ابراز احساسات عمومی درباره مرگ منصور حیرت کرده است. وی انتظار اعلام یک دوره عزاداری رسمی را داشت. او گفت که قانع شده بود سه مرد جوانی که در ترور شرکت داشتند، مستقیماً در ارتباط با هیچ گروه مذهبی یا سیاسی نبودند؛ اگر چه به نظر وی امکان داشت که این جرم به یکی از گروههایی از این قبیل «منتسب شود». متین دفتری ادعا نمود که بسیاری از تجار بازار که فقط ارتباط ضعیفی با سه جوان داشتند برای بازجویی دستگیر شده اند. این تحولی بود که کینه ها را در بازار برمی انگیخت و توضیح داد که بازار نهادی است که کنترل آن برای مصادر امر مشکل است.

تغییرات در انتصابات افسران امنیتی متین دفتری فکر می کرد که تیمسار حسن پاکروان استعداد زیادی داشت که وزیر اطلاعات لایقی به شود. به تفسیر وی تعهد اخیر پاکروان بر اینکه حقیقت را به مردم بگوید، اعتراف صادقانه ای است به اینکه اسلاف پاکروان به عامه دروغ گفته بودند. متین دفتری به پاکروان، به عنوان روشنفکری که مقداری از شهرت زننده ساواک کاست، احترام گذاشت و گفت در گذشته شخصیتهای جناح مخالف، در دست ساواک وضعیت بهتری از هنگامی که به چنگ پلیس بودند، داشتند. پاکروان گاهی دستور آزادی اشخاصی به سبب تورم، اوضاع از چهار یا پنج سال پیش سخت تر را که موقتاً در بازداشت پلیس بودند صادر کرده بود که بعداً دریافت که به دستوراتش اعتناء نشده بود. متین دفتری گفت که پاکروان در رأس یک گروه از مأمورین امنیتی تحصیل کرده و با فرهنگ قرار داشت که تیمسار فردوست و سرهنگ مولوی، با آن مخالفت می کردند. سرهنگ مولوی مقامی است که در بازپرسی از دانشجویان و رهبران مخالف سیاسی تخصص

عقیده متین دفتری بر این بود که تیمسار نعمت الله نصیری رئیس بیرحمی برای ساواک خواهد بود. اما جانشین نصیری، تیمسار محسن مبصر، حتی به عنوان رئیس پلیس کشور. خشن تر از نصیری خواهد بود، زیرا مبصر هم یک پلیس آموزش دیده و هم یک افسر ارتشی بیرحم بود.

حزب ملت ایران بنابه قول متین دفتری، داریوش فروهر هنوز در زندان منتظر محاکمه است. از اواخر ماه آبان، حتی به وی اجازه ملاقات نیز داده نشده است. حزب مبارز ملت ایران هنوز فعالترین گروه جبهه ملی است و با دستگیری فروهر فلج نشده است، زیرا یک طرح رهبری جمعی در حال انجام امور است؛ گرچه زمانی که فروهر دستگیر شد. طرحهای یک کنگره حزب ملت ایران کنار گذاشته شد، متین دفتری گفت حزب همچنان برگزاری جلسات خود را ادامه می دهد.

نهضت آزادی ایران متین دفتری گفت تیمسار موسوی و سرهنگها، علمیه، مسعودی، غفاری، و رحیمی (۶۴/۴۷۲ - پ)، که در محاکمه بعضی از رهبران نهضت آزادی از آنها دفاع کردند و بعداً علیه رفتاری که با آن رهبران در زندان شد، اعتراض کردند. به این دلیل قادر به انجام این کار بودند که تا آن هنگام به دلیل داشتن عقایدی شبیه به اعضای نهضت آزادی از ارتش بازنشسته شده بودند. چون حقوق بازنشستگی ایشان قانوناً نمی توانست به علت فعالیتهای سیاسی پرداخت نشود، آنها احساس کردند که می توانند بدون ترس از تلافی به مثل بی پرده صحبت کنند. (آن چهار سرهنگ به جهت اقدام به شکایت از طرف رهبران نهضت آزادی دستگیر شدند - ۶۴/۴۷۲ پ).

اتحادیه سوسیالیستها علیرغم زندانی شدن منوچهر صفا، عباس عقالی زاده، اتحادیه سوسیالیستها مانند حزب ملت ایران به فعالیت خود ادامه می دهد، زیرا از یک رهبری دسته جمعی برخوردار است. متین دفتری گفت که این طرح رهبری گروهی هر چند بیشتر به کار گرفته شود، با اقدامات دولت که با دستگیری رهبران اصلی در جهت منکوب کردن گروههای مخالف می باشد، مقابله می کند.

حزب پان ایران (پان ایرانیسم - مترجم) متین دفتری اهمیت حزب پان ایران محسن پزشکپور را به حداقل گرفت. او گفت که بیش از ۲۰ عضو در آن یافت نمی شود و در سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰) هنگامی که حزب پان ایران سابق جلسه ای تشکیل داد و نام خود را به حزب ملت ایران تغییر داد، از جانب آن، طرد شد. متین دفتری گفت پزشکپور نفوذ چندانی ندارد. تئوری وی این بود که سرهنگ مولوی با کلک پزشکپور را به ایراد یک بیانیه عمومی علیه ناصر واداشته بود، تا در مقابل، قول افزایش عمل برای توسعه فعالیت حزب و عضویت بدهد؛ قولی که پس از آن رعایت نشد.



برلیان و دانشجویان جبهه ملی در دانشگاه تهران برلیان و یازده دانشجوی دیگر دانشگاه تهران ۱۳ ماه در زندان بودند تا بالاخره در دی ماه محاکمه شدند. آنها به ۱۳ ماه زندان محکوم شدند، که تا آن موقع گذرانده بودند و علیرغم اینکه برلیان فقط چهار ماه تحصیل لازم داشت تا دکتر به شود و دیگران هم در رشته های خود وضع مشابه ای داشتند. آنها متعاقباً به عنوان سرباز وظیفه به خدمت فرستاده شدند. متین دفتری تصمیم دولت برای محاکمه این دانشجویان را ناشی از مقالات برتراند راسل دانست که امر ننگین زندانی کردن بدون محاکمه رهبران جناح مخالف ایران را مدنظر مردم بریتانیا، خوانندگان مجلات جبهه ملی که در آنها این مقالات دوباره چاپ شده بود، آورد.

مصدق متین دفتری گفت که وضع پدر بزرگش خوب بود. مصدق تنها مجاز به ملاقات اقوام درجه اول خویش است و واضح بود که متین دفتری ملاقاتهای متناوبی برای دیدار از پدر بزرگش داشت. بنا به قول او مصدق از تشدید اقدامات امنیتی ناراحت، اما نسبت به آینده جبهه ملی خوشبین بود. مصدق توسط نمایندگان دولت که به افکار او درباره وقایع و جریانات فعلی علاقمند باشند، ملاقات نمی شود. متین دفتری این را باعث تأسف دانست، زیرا او فکر می کرد مصدق مشتاق خدمت به کشور خود است، اگر چه این خدمت را به تقاضای آنان که مصدر قدرتند انجام دهد. متین دفتری اشاره کرد که مصدق یک میهن پرست و مشروطه خواه است، فقط اگر دولت با دقت قانون اساسی را رعایت کند، وی مایل به کار کردن برای کشور خود است.

امینی متین دفتری خود داوطلب اظهار این مطلب شد که وی و دیگر اعضای جبهه ملی که با آنها تماس داشته، همگی توافق داشتند که جبهه در مخالفت با امینی در اوائل دوران تصدی اش دچار اشتباه شده بود.

متین دفتری با نظاره به آن دوران فکر می کرد که امینی قویترین نخست وزیر پس از قوام السلطنه بود (او توضیح داد که قوام مسئله آذربایجان را حل کرد، و سپس هیچ اعتباری به جهت آن نیافت).

وی اشاره کرد که با کنترل ارتش، ساواک و پلیس توسط شاه، امینی عملاً ناتوان شد و بدین ترتیب از ایجاد حمایت کافی برای سیاستهایش بازداشته باشد. وی فکر می کرد که امینی می بایست در شهرها انتخابات آزاد و در مناطق روستایی انتخابات کنترل شده ای را برگزار می کرد و بدین ترتیب یک پارلمانی را بر مسند نمایندگی می آورد که به او وفادار می بود. استدلال متین دفتری چنین ادامه یافت که پارلمانی که بدین نحو تشکیل گردد، حمایتی را که امینی نیاز داشت تا جلو شاه بایستد، تأمین می کرد و شاه هم مایل نبود که برخلاف یک پارلمان مردمی عمل کند. مآووقع این بود که توافق امینی برای انحلال پارلمان، پایگاهی برای وی باقی نگذاشت و جبهه ملی چاره ای نداشت، جز اینکه در زمینه های مربوط به قانون اساسی، به مخالفت پردازد. وی گفت که حتی الآن نیز امینی مشغول مطرح کردن خود به عنوان نخست وزیر بالقوه می باشد و در کار تبلیغ مداوم یک به اصطلاح «جبهه متحد»، به عنوان یک حزب سیاسی با پایگاه وسیع برای پیش بردن آرزوهای خود بود. متین دفتری گفت اگر امینی نخست وزیر به شود، جبهه ملی حداقل در آغاز از وی حمایت خواهد کرد تا اینکه فرصتی یابد و اعمال او را به عنوان نخست وزیر نظاره و تحلیل

کند. متین دفتری نمی خواست بگوید که درباره شانسه‌های نخست وزیر شدن امینی چه فکر می کند.

محکم کاری امنیتی متین دفتری بر سر اینکه طی سال گذشته، اقدامات امنیتی به میزان قابل ملاحظه ای شدیدتر شده است، موافقت داشت و نظرش این بود که می توان چند گاهی سرپوشی را که بر روی ظرف جوشان بسته شده، به سادگی در برابر فشارهای فزاینده، محکم کرد و هیچ راهی برای گروههای مخالف نمی ماند. او گفت امینی در نظر دارد که از «جبهه متحد» به عنوان دریچه ایمنی برای کم کردن مقداری از فشار استفاده کند. اما در عین حال خواست او بیش از یک جبهه ملی با نام دیگر بود: وی طیفی کامل از گروههای مخالف را می خواست. متین دفتری فکر می کرد که ترور منصور، نتیجه اجتناب ناپذیر اختناق روز افزون در ایران بود و اگر چه آن عمل به خصوص را پیش بینی نکرده بود، از انجام آن نیز متعجب نشده بود. متین دفتری با یادآوری برنامه ضد مردمی افزایش قیمت‌های منصور، توضیح داد که اگر اعتصاب تاکسی ها یک ملی قادر می شد از ناآرامی عمومی استفاده برد.

اظهار نظر: متین دفتری منبع قابل اطمینانی برای اطلاع درباره فعالیت سیاسی مخالفین است. وی بی تکلف صحبت می کند و به نظر می رسد، مایل باشد درباره هر زمینه ای از فعالیت جناح مخالف که اطلاع داشته باشد، سخن گوید. وی قد کوتاه و عینکی است و سیبل دارد. از آنجایی که یک وکیل است، از آشنایی با اشخاص مختلف برخوردار است و درباره وقایع روز، نسبتاً خوب مطلع است. او با دوشیزه مریم واضح نوری ازدواج کرده است و دو فرزند دارد.

مأمور سیاسی: آرچی. ام. بولیستر متین دفتری - ۶ صورت مذاکره محرمانه تاریخ: ۲۹ سپتامبر ۱۹۶۵ - ۷ مهر ۱۳۴۴ مکان: رستوران چتینیک شرکت کنندگان: هدایت الله متین دفتری، وکیل و رهبر جوان جبهه ملی آرچی. ام. بولیستر، دبیر دوم موضوع: دستگیریه‌های اخیر مخالفین هنگامی که مسئله مطرح شد، متین دفتری به تفصیل درباره دستگیریه‌های اخیر صحبت نمود. وی اسامی دستگیرشدگان را به این شرح ارائه داد: خلیل ملکی، رضا شایان، حسین سرشار و علیجان شانسی از اتحاد سوسیالیست، عباس سمیعی از نهضت آزادی ایران، علی اصغر بهنام از حزب ملت ایران، حسین راضی، دکتر معراجی دکتر سامی و دکتر حبیب الله پیمان از حزب مردم ایران، و مهندس کاظم حسینی از حزب ایران، او گفت مهندس حسینی پس از یک روز آزاد شد ولی بقیه، تا آنجا که او خبر داشت هنوز در زندان به سر می برند. همچنین از سه دانشجو، که همراه با گروه دانشجویانی که در همان زمان دستگیر شدند، نام برد که عبارتند از: تقوی بیات از دانشکده کشاورزی، محقق زاده از دانشکده علوم، و شجاع از دانشکده حقوق. در انتها، متین دفتری از دستگیری خودش و بازداشتش برای یک روز صحبت کرد.

متین دفتری گفت: ساعت ۴ صبح، یک سرهنگ ساواک با چهار مرد به منزل وی وارد شدند و

دست اندر کار بازرسی آپارتمان وی، که تا ساعت ۹ صبح طول کشید، شدند. از اقلامی که ضبط شد می توان از یادداشتهایی که وی درباره جنبه های حقوقی از دست دادن تابعیت نوشته بود، نام برد، که عناوین آن «سیاسی» بوده. دیگر، یک نسخه از کتاب «چشمهایش»، اثر بزرگ علوی نویسنده ایرانی، بود (این کتاب از روشهای مستبدانه رضا شاه انتقاد می کرد و در بین مخالفان به خوبی شناخته شده است)، و یک مقاله هم از سناتور متین دفتری پدرش بود با عنوان «سه هفته در سه کشور کمونیست»، که شرح بی ضرری همراه با عکسی از یک بازدید مختصر از رومانی، مجارستان و بلغارستان بود. در بقیه مدت روز از وی درباره دوستی ادعا شده وی با شخصیتهای مخالف، نوع کارش در جبهه ملی قدیم و فعالیتهايش در جبهه ملی سوم سؤال شد. متین دفتری گفت که در طول روز سرهنگ مولوی، رئیس ساواک استان تهران، و دیگران، به ملاقات وی آمدند و به او گفته شد که اگر همکاری کند ممکن است یک موقعی در همان روز آزاد شود. وی گفت که به بازجوی خود جواب داد که آنها که دستور دستگیری او را داده بودند، هم او و هم بازجویش را تا آن مدت که دستور داده شده، نگاه خواهند داشت، بنابراین به عوض ترساندن شاید اگر سعی شود که ادب را رعایت کنند، ثمربخش تر باشد. پس از جواب دادن به چند سؤال و طفره رفتن از بقیه، وی بالاخره حدود ساعت ۷ بعد از ظهر آزاد شد.

متین دفتری اظهار داشت ساواک یکی از دوستان ملکی را که، در ملاقات ملکی با خانم مارگارت مک کی، عضو حزب کارگر انگلستان و نماینده منتصب در جلسات کمیسیون حقوق زنان که تابستان گذشته در تهران برگزار شد، به عنوان مترجم کمک می کرد، با نامه ای مواجه کرد که ادعا شد ملکی به مک کی داده است. در این نامه تقاضا می شود که خانم مک کی در جهت پیشبرد مقاصد اتحاد سوسیالیست ایران فعالیتهایی انجام دهد بدین ترتیب که حمایت دولت کارگری را از تقاضایی که به بین الملل سوسیالیست برای اشاعه فعالیتهای سوسیالیستی در ایران ارائه شده بود. اعلان دارد. بنا به منابع متین دفتری، خانم مک کی اطمینان ملکی را نادیده گرفت و سندی را که ملکی به او داده بود به ساواک تسلیم نمود. (متین دفتری بریده ای از «لندن ساندی ایزرور» ۲۸ یا ۲۹ اوت را به من نشان داد که بر دستگیری ملکی تفسیری نوشته بود و آن را به خانم مک کی و مردی به نام کارتی از بین الملل سوسیالیست، نسبت داده بود. آن برین همچنین مقالاتی درباره تبعید رال فورس و روزا و تبعید دو تن از کارکنان کیهان از تهران را با خود داشت. آن طور که در بریده، در توضیح دستگیری ملکی نوشته بود، اجازه داده نشده بود که خبری در آن مورد در مطبوعات ایرانی ظاهر شود و متین دفتری تصور می نمود همین خبر دولت را وادار کرده بود، با آن ترتیب جریان را در کیهان ۱۴ شهریور مطرح کند.) متین دفتری فکر می کرد که هدف عمده از دستگیریها، کند کردن تلاشهای اخیر برای تجدید بنای جبهه ملی بوده هنگامی که پرسیده شد چرا یک شرکت کننده سرشناس، باقر کاظمی، در چنین فعالیتهایی دستگیر نشده بود، وی جواب داد، هنگامی که می توان آنهايي که حکم «خونهای تازه» برای پیکر فرتوت را دارند و نیروی انگیزاننده جنبش را فراهم می کنند و کارایی بیشتری دارند، را دستگیر کرد، نیازی نیست که در پی اعضای قدیمی تر و کم فعالیت تر جبهه ملی بروند. در مورد حسینی هم متین دفتری گفت او به این دلیل دستگیر شد، که شایع شده بود که حزب ایران قصد دارد جلسه سالانه را در منزل او برگزار کند، اما ساواک، بعد از تحت نظر گرفتن خانه برای تمام روز و بدون حصول نتیجه ای، او را آزاد کرد. متین دفتری فکر می کرد این تصادفی نبود که تمام این دستگیریهای گوناگون درست قبل از تهیه فهرست ترفیعات مسلح

اتفاق بیفتند. وی حرفش بر این بود که سرهنگ مولوی بیش از پیش فعال شده بود تا نام خود را جلوه دهد و ترفیع یابد. (که تلاش غیر موفقیت آمیزی بود.) جبهه ملی سوم هنگامی که پرسیده شد جبهه ملی سوم این روزها چه کار می کند؟ متین دفتری جواب داد که به دنبال این حرکات جدید برای سرکوب کردن فعالیت آن، اکنون بی جنب و جوش است. وی از موقعیت جناح ملی گرای مخالف مأیوس شده بود و اظهار داشت که این روزها به زحمت برای کسی که جانب دولت نباشد، فضای تنفس پیدا می شود.

مراقبت ساواک متین دفتری عنوان نمود که من برای ترتیب دادن ملاقاتها با تلفن تماس نگیرم، زیرا پس از دستگیری اخیرش وی خصوصاً به دقت تحت نظر قرار گرفته بود و مطمئن بود که تلفنهایش بر روی نوار ضبط می شوند. وی گفت تصور می کند ساواک بداند که ما با یکدیگر نهار می خوریم. من جواب دادم که من هم چنین تصور می کنم که ساواک این را می داند و این امر باعث نگرانی من نیست، زیرا مطمئناً این کاملاً طبیعی است که کارمندان سفارت باید با ایرانیان، با هر نوع عقیده سیاسی، ملاقات داشته باشند. آن گاه متین دفتری یادآور شد که هتل کاسپین جای خوبی برای نهار خوردن نیست، زیرا خود سرهنگ مولوی اغلب آنجا نهار می خورد. نه تنها به آن دلیل، بلکه اداره ساواک استان تهران، به ساختمانی که گوشه جنوب شرقی تقاطع تخت جمشید - ایرانشهر قرار دارد منتقل شده است، یعنی چند درب بعد از هتل کاسپین. پس از هر دوره ۱۲ ساله طبقه بندی گروه ۳ تنزل پیدا می کند، خود به خود از طبقه بندی خارج نمی شود.

متین دفتری - ۷ تاریخ: ۱۷ مارس ۱۹۶۶ - ۴۴/۲۶/۱۲ محرمانه یادداشت برای بایگانی امروز در مرور یادداشتها، یک یادداشتی را پیدا کردم که در مورد نظر تورگمن در مورد خلیل ملکی بود، که آن را فراموش کرده بودم.

به نظر می رسد در حدود نه ماه پیش در یک مصاحبه با خلیل و یارانش، که آماده همکاری با افراطیون مذهبی بودند، اسرائیلیها هشدار داده و بر علیه آن نظر دادند. آنها به ملکی نصیحت کردند که ادامه مخالفت غیر منطقی با رژیم بی فایده است و آنها باید واقع بینانه اعتراف کنند که اصلاحات رژیم مقداری اعتبار دارد و آنها باید شروع به بررسی این کنند که چگونه می توانند با رژیم همکاری کنند. به جای اینکه به حامیان بازرگان «یا بدتر از آن» پیوندند.

یک انشعابی در میان گروه سوسیالیستها بود و ملکی مردد بود یک گروه کوچک از جوانانی که خود را مارکسیست می خواندند با یک چنین سازشی مخالفت کردند و به ملکی و موافقانش مارکسیستهای «بیچاره» می گفتند. این گروه از افراطیون احساس کردند که ترجیح

می دهند یک تجدید سازمان کلی در جنبش سوسیالیستی صورت دهند و به طرف گروهی تجدید حیات یافته مستقل، آزاد از نفوذ شوروی، و الهام گرفته از کمونیستهای چینی رو آورند.

این طرز فکر این گروهها در ۹ ماه پیش بود که دوریل تصمیم گرفت تماسهای تورگمن با آنها را خاتمه دهد، زیرا «احساس می کرد، خیلی خطرناک شده است.» نظریه: به نظر می رسد رژیم وارد عمل شد تا ذهن ملکی را بسازد و وادار به تصمیم گیری کند، اما ظاهراً رژیم همچنین از بی میلی ملکی به همکاری با افراطیون، چه راست چه چپ، اطلاع یافت. راسیاس تورگمن و دوریل دیپلماتهای اسرائیلی هستند.

متین دفتری - ۸ محرمانه صورت مذاکرات ۲۷ ژوئیه ۱۹۶۶ - ۴۵ / ۴ / ۵ موضوع: عکس العمل جبهه ملی در قبال شایعه معامله اسلحه ایران با شوروی شرکت کنندگان: دیوید تورگمن، دبیر اول هیئت اسرائیل - ویلیام الف. هلث، دبیر اول - چارلز ان.

راسیاس، دبیر دوم مکان: سفارت آمریکا تورگمن در خلال صحبتهای ابتدایی به منظور بررسی جزئیات مذاکرات تسلیحاتی ایران و آمریکا (که جداگانه قبلاً گزارش شد)، خاطرنشان کرد که او از عکس العمل جبهه ملی های جوانی چون هدایت الله متین دفتری و فریدون مهدوی، در مقابل شایعه نزدیکی ایران با شوروی به خاطر تسلیحات، بسیار متعجب شد. تورگمن گفت که متعجب شد از اینکه جبهه ملی ها به نظر نگران می رسیدند از اینکه روابط نظامی با شوروی مخالف منافع ایران خواهد بود. تورگمن احساس کرده بود که جبهه ملی راضی خواهد بود از اینکه حضور نظامی آمریکا با جریان حضور نظامی شوروی ضعیف تر بشود. آنها به نظر می رسد کاملاً نگرانند از اینکه شاه یک اشتباه خطرناک بکند و به یک چنان معامله ای با شوروی تن در بدهد. چارلز راسیاس متین دفتری - ۹ صورت مذاکره محرمانه شرکت کنندگان: هدایت الله متین دفتری، نوه مصدق - مارتین اف. هرتز، مشاور سفارت مکان: هتل کاسپین زمان: ۲۳ ژانویه ۱۹۶۷ - ۳ بهمن ۱۳۴۵ موضوع: وضع سلامتی مصدق نخست وزیر سابق به طور اتفاقی به متین دفتری برخورد و از وضع سلامتی پدر بزرگش پرسیدم. او گفت در حالی که واقعیت این است که مصدق تحت معالجه کبالت است، مردم فوراً به این نتیجه رسیده اند که وی سرطان دارد. واقعیت این است که دکترها وضع آرواره بالا (یا سینوس پایین) او را در مرحله پیش از سرطانی خوانده اند. آن به مرحله ای رسیده بود که می توانست سرطانی شده باشد، اما اعتقاد بر این است که معالجه

از این امر جلوگیری خواهد کرد. مصدق قادر به راه رفتن است، جدا از ضعفی که از کهولت او و شاید از اثرات معالجه ناشی می شود، همان قدر سرحال و سالم است که می توان انتظار داشت.

متین دفتری - ۱۰ خیابان کاخ - کوچه محتشم پرونده بیوگرافی شماره ۳۰ هدايت الله متین دفتری تهران. ۴ فروردین ۱۳۴۶ خانم و آقای هرتر عزیز من و همسر مایلم تشکر قلبی خود را از تسلیت گویی شما به مناسبت درگذشت پدر بزرگم اظهار داریم. وی به حقیقت مرد بزرگی بود و بیش از همه چیز برای آنها که وی را از نزدیک می شناختند یک ابرمرد بود. «زندگی وی آرام بود و ظاهر و باطنش چنان با یکدیگر درآمیخته بودند که بسا طبیعت برمی خواست و به همه جهان می گفت، این یک انسان بود.» ما آنقدر به خاطر از دست دادن یک پدر بزرگ ناراحت نیستیم که به عنوان ایرانیانی که مصدق کبیر رهبر ملی خود را از دست داده اند، غمگین و دل شکسته ایم. درگذشت دکتر مصدق به حقیقت ضرر جبران ناپذیری برای ملت ما و برای تمام عاشقان رهایی و آزادی نیز هست. گرچه از جمع ما رخت بر بسته، ولی تعلیمات و عقاید او هنوز به عنوان یک میراث گرانبهای ملی برای ما و نسلهای آینده باقی می ماند.

ارادتمند شما متین دفتری - ۱۱ محرمانه صورت مذاکره:

شرکت کنندگان: آقای شاهرخ فیروز، بازرگان ایرانی - جان ا. آرمیتاژ، مشاور سفارت زمان و مکان: ۱۱ آوریل ۱۹۶۸-۲۲ فروردین ۱۳۴۷ - اقامتگاه آرمیتاژ موضوع: کتک خوردن هدایت الله متین دفتری فیروز، که مدت کوتاهی قبل متین را دیده بود، اطلاعات ذیل را به من داد:

در یک بعد از ظهر (ظاهراً در هفته دوم فروردین) موقعی که متین دفتری از اداره حقوقی اش در خیابان لامله زار می آمد؛ کیسه ای بر سرش کشیده شد و او را در یک اتومبیل که منتظر بود، انداختند. وی به ناحیه لشگرک، خارج تهران برده شد و چند مرد او را بشدت مضروب ساختند. هیچ یک از استخوانهای متین دفتری نشکسته بود ولی کوفتگی های متعددی متحمل شد و تا چهار روز بعد از حمله، زمانی که فیروز وی را دید، دچار تب بود. فیروز در جواب سؤال من گفت که تقریباً مطمئن است که متین دفتری در ارتباط با منتشرکنندگان جزوه هایی که در رابطه با چین کمونیست بود کار می کرد.

تذکر: شرح واقعه آن طور که جان چر عنوان کرده است مختصری با فوق تفاوت دارد. عوامل اطلاع دهنده به چر اظهار می دارند که واقعه در اواسط فروردین اتفاق افتاد اما می گویند که متین دفتری خارج از

دانشگاه تهران ربوده شد و قبل از انداختن وی داخل اتومبیل «چیزی بر روی چشمهایش نهاده شد.» منابع چر گزارش می دهند که متین دفتری دور شهر گردانده شد، کتک خورد و از اتومبیل بیرون انداخته شد، سپس راه خانه را پیش گرفت. آنها می گویند مهاجمین سه یا چهار نفر بودند، که متین اظهار می دارد یکی صدایش را تغییر داده بود (ظاهراً منظورش این است که متین دفتری با او آشنا بوده). این منابع همچنین گزارش می دهند که متین دفتری بشدت مضروب شده بود اما در بیمارستان بستری نشد و هیچ استخوانش نشکست، در گزارش آنها همچنین آمده است که متین دفتری، احتمالاً از طریق ابلاغ این اطلاعات به سازمان ملل متحد، این واقعه را بر ملا می سازد.

متین دفتری - ۱۲ محرمانه ۱۷ آوریل ۱۸۶۸ - ۲۸ فروردین ۱۳۴۷ اداری - غیر رسمی جناب تئودور ال. الیوت امور خاورمیانه نزدیک / ایران وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

تئو عزیز:

به ضمیمه یک صورت مذاکره است که حاوی آنچه که ما درباره کتک زدن متین دفتری جوان می دانیم می باشد (نامه ۲۲ فروردین).

در زمینه های کلی، ما مشتاقانه امیدوار خواهیم بود که شما به بیل میلر فقط بگویید ما شنیده ایم متین دفتری مفصلاً کتک خورده است، اما به طور جدی صدمه ندیده است و آن طور که گزارش شده اینک بهبود یافته است. حتی در رابطه با معاون سناتور کوپر، من فکر نمی کنم که مایل باشیم به کار تأیید یا اظهار نظر درباره گزارشهای حسین مهدوی پردازیم.

اما حالا دقیق تر بشویم: باید گفت که ما شواهدی دریافت داشته ایم که متین دفتری امید دارد مقداری از توجه عمومی را به این واقعه جلب کند و چیزی درباره اطلاع دادن آن به سازمان ملل زمزمه کرده است. با برپا شدن کنفرانس حقوق بشر همین هفته در تهران، و اینکه سناتور متین دفتری کاندیدای فعالی (با احتمال شانسی بهتر از شانس معمولش) برای ریاست اتحادیه بین المجالس می باشد، امکان یک کوشش برای ایجاد یک محاکمه جنجالی کوچک، می تواند قابل ملاحظه باشد. ما می خواهیم اگر احتمالاً بتوانیم، از درگیر شدن اجتناب ورزیم.

با بهترین درودها ارادتمند، جان ا. آرمیتاژ

ص: ۱۴

متین دفتری - ۱۳ محرمانه صورت مذاکره شرکت کنندگان: هدایت الله متین دفتری، وکیل (نوه مصدق نخست وزیر سابق) - لاری دبیر - سیماکیس، دبیر دوم سفارت زمان و مکان: ۹ مه ۱۹۶۸ - ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۷ - اقامتگاه متین دفتری موضوع: کتک زدن هدایت الله متین دفتری در اوایل آوریل: (فروردین)، سه مرد متین دفتری را در جلوی یک ساختمان دانشگاه تهران ربودند.

چشمه‌هایش را پوشانده و دست‌هایش را بستند و با اتومبیل او را به لشکرک بردند و در آنجا شدیداً کتک زدند. مهاجمین از کوفتن صورتش احتراز کردند. آنها پس از زدن، وی را از اتومبیل به بیرون پرتاب کردند و او بر روی یک شیب تند به پایین افتاد. وی عاقبت توانست با لباسهای پاره و بدن کوفته خود را توسط یک ماشین به منزل برساند. متین دفتری معتقد بود که آن مردان از عوامل ساواک بودند که «کار کثیف همیشگی» خود را علیه کسانی که شاه را نمی‌پسندیدند، انجام می‌دادند. وقتی به سبب کتک زدن پرسیده شد، متین دفتری گفت درباره آن نظری ندارد. وی در هیچ فعالیت اشتغال نداشت و به هیچ وجه هم در ناآرامی‌های دانشجویی دانشگاه تهران دخیل نبود.

مریم، همسر وی (متین دفتری)، گفت که وی تقریباً بلافاصله توسط شخصی که شاهد بود آن مردان متین دفتری را به زور داخل اتومبیل کردند، از ربوده شدن او اطلاع یافته بود. وی با اشخاص با نفوذی برای آزادی او (متین دفتری) تماس گرفت. خانم و آقای متین دفتری هنوز نتوانسته‌اند با اطمینان دریابند چه کسانی باعث این عمل بوده‌اند و دلایل کتک زدن چه بود. اما «منابع» ایرانی به آنها گفته‌اند که آمریکا، ساواک را وادار به آن تهاجم کرده بود.

متین دفتری - ۱۴ صورت مذاکره محرمانه شرکت کنندگان: هدایت الله متین دفتری، وکیل تیموتی - دلیو. چایلدز، دبیر دوم سفارت - ت مایکل ا.

جی. میکائود، دبیر دوم سفارت زمان و مکان: ۳ ژوئیه ۱۹۶۸ ۱۲ تیر ۱۳۴۷ - اقامتگاه آقای چایلدز موضوع: دیدگاه متین دفتری از ملی‌گرایی طی جلسه بعدازظهر، متین دفتری اظهاراتی جالب ابراز داشت که مطالب ذیل از آن قیبل است:

۱- در ایران گروه با نفوذی از «فراماسونها» وجود دارد. این اشخاص که غالباً اعضای جوان و اوج گیرنده طبقه جدید مدیران ایران می‌باشند در تماس نزدیک با یکدیگر هستند و هر یک دیگری را در به دست آوردن مشاغل خوب و موقعیتهای با نفوذ کمک می‌کند. فراماسونها پیوندهای محکمی با بریتانیا دارند.

۲- بسیاری از درباریان از شنیدن خبر تیراندازی به رابرت کندی شادمانی کردند. در این رابطه، متین دفتری توضیح داد که مشهور است که شاه، به فعالیت انتخابات ریاست جمهوری ریچارد نیکسون در



سال ۱۳۳۹، کمک گرافی کرده است.

۳- خیلی از علمای جوانتر (آنها که در کار مطالعات الهیّت در قم هستند) «مترقی» اند، نه مرتجع اظهار نظر: نظرات دفتری منعکس کننده توهّمات مداوم مشخص می باشد: نفوذ فراگیر انگلیسها، که از طریق عروسکهای چوّن، علم، اقبال و هویدا اعمال می شود. تنها راه درست، ملی گرایی مصدقی آن، و نیاز به تحول به سبب اینکه ایران بیش از حد «دستگاهی» شده است (موقعی که خواسته شد دستگاه را مشخص کند، متین دفتری به عنوان نمونه خانواده فرمانفرمایان و مقاطعه کاران ثروتمند را ارائه نمود). شخص این احساس را به دست می آورد که متین دفتری از این واقعیت که وی «خارج» و در عین حال حال این اشخاص دیگر «داخلند» عصبانی است؛ وی یادآور شد که وی و همسرش دیگر به میهمانیهای «دستگاه» دعوت نمی شوند.

متین دفتری - ۱۵ فرم اطلاعات بیوگرافیک محرمانه مکان: تهرانزمان: ۳ ژوئیه ۱۹۶۸ - ۱۲ تیر ۱۳۴۷ نام: هدایت الله متین دفتری موقعیت فعلی: وکیل ملیت: ایرانی اطلاعات و اظهارات تولد: هدایت الله متین دفتری متولد ۱۳۱۲ فرزند سناتور احمد متین دفتری (وکیل بین المللی و نخست وزیر اسبق) و نوه دکتر محمد مصدق نخست وزیر سابق می باشد.

تحصیلات: پس از تحصیل متوسط در تهران وی به بریتانیا رفت و در دانشگاه کمبریج به درس مشغول شد و در ۱۳۳۵ لیسانس خود را در اقتصاد و حقوق دریافت نمود.

مشاغل: در بازگشت به ایران در وزارت علوم استخدام شد و به هیئت علمی دانشگاه تهران پیوست. در ۱۳۳۷ وی مدیر اطلاعات و روابط عمومی وزارت دادگستری شد. در ۱۳۳۹ دوستان آمریکایی خاورمیانه به وی یک بورس همکاری افتخاری با کنگره داد که امکان یک اقامت ۹ ماهه در واشنگتن دی.

سی. و تحقیق در مرکز حکومتی آمریکا را برای وی فراهم آورد تا بتواند فعالیتهای کنگره را نظاره کند. در بازگشتش، وی یک وکیل فعال و متخصص در امور تابعیت شد.

متین دفتری با پدر بزرگ خود ارتباط نزدیک داشت و مدتها با جنبش جبهه ملی در ایران اختلاط داشته است. در سال ۱۳۴۱ به عنوان عضو کمیته انتشارات جبهه ملی به خدمت مشغول شد. در سالهای قبل از درگذشت مصدق در ۱۳۴۶، وی حکم کانال ارتباطی بین نخست وزیر سابق تبعیدی به ده، و اعضای جبهه ملی را داشت. وی تماس نزدیک با آنهایی که فکرشان از جبهه ملی است مخصوصاً اگر از دانشجویان و دیگر عناصر جوان باشند دارد. متین دفتری آمریکا را خوب می شناسد و اصول آن را تحسین می کند، اما مانند بسیاری از ایرانیان مرتبط با آمریکا، وی اغلب مواقعی که در حضور دیگر ایرانیان باشد، خود را تحت فشار برای اتخاذ یک موضع انتقادی احساس می کند.

اظهارنظر: متین دفتری حدوداً ۵ فوت و ۶ اینچ طول قامت دارد، عینک می زند، موهای قهوه ای تیره و سبیل دارد. وی سیگار می کشد، در صرف مشروب میانه رو است و در کتابخوانی حریص است. در ۲۲

بهمن ۱۳۳۷ با مریم واضح نوری (یک مصاحب جذاب و سرزنده که در بریتانیا تحصیل کرده است و در نظرات سیاسی همسرش شریک است) ازدواج کرده و دو فرزند دارند.

متین دفتری یکی از تندترین منتقدان شاه می باشد. وی با دیگر مخالفین، مخصوصاً داریوش فروهر رهبر حزب ملت ایران ارتباط فعال دارد و بین دانشجویان ناراضی دانشگاه تهران چهره معروفی است.

متین دفتری هنوز به این امید دل بسته است که یک تحول اساسی در صحنه سیاست داخلی ایران روی دهد، و او برای ایفای نقش برجسته ای در هر نیرویی که پدید آید، فرا خوانده شود. وی آنهایی را که به نظرش عقاید سیاسی خود را قربانی یک زندگی راحت در حوزه دستگاہ کرده اند، با همه وجود خوار می شمارد. موقعیت خانوادگی و روابطشان، در عین اینکه برای حفاظت وی از آماج اذیت‌های گاه به گاه دولت (و یک کتک خوری در آوریل ۱۹۶۸ - فروردین ۱۳۴۷) کافی نیست، معهداً برای اینکه وی را نسبتاً سالم نگه دارد تکافو می کند.

متین دفتری - ۱۶ تاریخ: ۱۱ مه ۱۹۷۱ - ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۰ سری به: پرونده های بیوگرافی از: چارلز دبلیو. مک کسکیل - کارمند سیاسی موضوع: گزارش شرح حال درباره هدایت الله متین دفتری متین دفتری توجه شدید خود را به سیاست ادامه می دهد، و از قرار معلوم روابط عالی خود را با عناصر مختلف جناح مخالف ایرانی حفظ می کند. آنچه بیش از همه چیز مرا درباره متین دفتری و همسر دوست داشتنی، جذاب و بسیار زیرکش ناراحت می کند این است که آنها میل دارند هر چیز را منحصرأ از پشت عینک سیاه یا سفید بنگرند. مخالفت می کنند به خاطر مخالفت: هر کاری که شاه انجام می دهد خوب نیست، در حالی که هر کاری جبهه ملی با مصدق انجام دادند خوب است. همسر وی یک تمایلی دارد، که با مختصرترین تحریک، درباره اوضاع سیاسی جاری بیش از شوهر خود آتشین می شود.

من احساس می کنم که متین دفتری و همسرش می خواهند رابطه خود را با کارمندان سفارت حفظ کنند. ما تا به حال دوبار برای شام به منزل آنها رفته ایم. به نظر می رسد که آنها در مجامع دیپلماتیک رفت و آمد نسبتاً وسیعی دارند. نزدیکترین دوستانشان ظاهراً از تیپ لیبرالهای جوان یا از ترکهای جوان می باشند (ایسکیت از سفارت ترکیه، وستون از انگلیس، راویندا ناتان از هندوستان و یاکی از ژاپن).

در حالی که متین دفتری بدون شک روابط خوبی در محفل مخالفین دارد، من مصمم به این گمانم که نه او و نه همسرش برای خاطر مستمعین خود حقایق را تحریف نخواهند کرد. اگر چه فقط یک گمان ساده است ولی احساس می کنم که او اکنون کمی آزادانه تر فعالیت می کند. شاید آن طور مثل سابق تحت مراقبت دقیق نیست. خانم و آقای متین دفتری دو فرزند، یک پسر و یک دختر حدود ۱۰ و ۸ یا ۱۱ و ۹ ساله دارند.

خانم متین دفتری یک نوزاد سومی هم دو سال پیش داشت اما آن نوزاد دچار یک نوع بیماری تنفسی شد و کمی پس از تولد در گذشت.

گروه ۳ - در فواصل ۱۲ ساله تنزل طبقه، به طور اتوماتیک از طبقه بندی خارج نمی شود.



متین دفتری - ۱۷ محرمانه تاریخ: ۲۸ اکتبر ۱۹۷۱ - ۶ آبان ۱۳۵۰ موضوع: حقوق متهمین در قوانین ایران شرکت کنندگان: دکتر هدایت الله متین دفتری، وکیل، تهران - آقای جان ال. واشبرن، دبیر دوم، سفارت آمریکا زمان و مکان: اقامتگاه آقای چارلز دبلیو مک کسکیل، دبیر اول، سفارت آمریکا، ۶ آبان ۵۰.

دکتر متین دفتری یک وکیل برجسته با سابقه (وکالت) جنایی فعال، در تهران است. از لحاظ علاقه خودم و به لحاظ دستگیریهایی اخیر شهروندان آمریکایی در ایران، زمانی که فرصت مناسبی در صحبت‌مان پیش آمد، من از او خواستم مختصراً حقوق ظاهری یک شخص متهم را در قوانین ایران توصیف کند.

وی گفت شخصی که توسط پلیس عادی دستگیر می شود، باید ظرف ۲۴ ساعت از دستگیر شدن، نزد رئیس دادگاه بخش (قوانین ایران لفظ فرانسوی *judge d'instruction* را استعمال می کنند) اتهامش مشخص گردد. در یک اصلاح چشمگیر در سیستم حقوق کشوری به آن ترتیبی که هنوز در اکثر نقاط اروپا وجود دارد، در قوانین ایران به شخص دستگیر شده این حق اعطاء می شود، که بلافاصله پس از مشخص شدن اتهامش، با یک وکیل مشورت کند و از خدمات وکالت برخوردار گردد. این از آن جهت اهمیت دارد که دوره اول بازجویی که در ادامه جریان انجام می شود می تواند تا ۶۰ روز طول بکشد، قبل آن آنکه دادخواستش برای پایان آن تسلیم شود. بازجویی توسط پلیس اجرا می گردد و رئیس دادگاه بخش به آن نظارت دارد. اگرچه بین پلیس و کانون وکلای دعوی سختی بر سر این مسئله وجود دارد که آیا حق استفاده از مشورت قضائی شامل حضور وکیل مشاور در بازجوییها می شود یا نه، دکتر متین دفتری گفت که به اعتقاد او این حق آخری در واقع از حق کلی استفاده از مشورت، متکی است و وکلای جنایی با نفوذ موفق به حضور در بازجوییهای موکلین خود می شوند.

در پایان شصت روز اول بازجویی، وکیل متهم از دادگاه مرحله اول که صلاحیت قضاوت دعوا را دارد، خواستار تجدید نظر می شود. این دادگاه از رئیس دادگاه بخش تقاضای پرونده دعوا و یک تذکاریه می کند و سپس تصمیم می گیرد رد که متهم آزاد یا محاکمه شود یا بازجویی شصت روز دیگر ادامه یابد وکیل ممکن است درخواست کند تا به مدت بازجویی اضافه شود، مخصوصاً در مرحله دوم و تمدید بعدی.

دکتر متین دفتری همچنین یادآور شد که ساواک و ارتش هم مقرراتی در باب حقوق اشخاصی که تحت صلاحیت آنها دستگیر شده اند، نوشته اند. جایی که مقررات آنها درباره هر موضوع مربوط به متهم چیزی نداشته باشد، آیین جنایی عادی به کار گرفته می شود.

اظهارنظر: دکتر متین دفتری گفت که هر وکیل ذی صلاحیت تهران که انگلیسی بلد باشد و در دعوای جنایی تجربه داشته باشد می تواند با ارجاعاتی، یک خلاصه انگلیسی از حقوق موکلین در قوانین ایران تهیه کند. تا آنجایی که اطلاع دارد بخش کنسولی اینک چنین خلاصه ای ندارد، به نظر من سفارت باید تهیه یکی را در نظر داشته باشد.

متین دفتری - ۱۸ محرمانه فهرست رابطین آرچی. م. بولستر تاریخ: ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۶ - ۳ مرداد ۱۳۵۵ اسامی و طرحهای بیوگرافی زیر به ترتیب کاربرد آنها برای رجوع آسانتر منظم شده است. در اینجا مدیون بودن خود را به فهرست ارتباطی گرد آمده در سال ۱۳۴۸ به کوشش لاری سیماکیس، اقرار می کنیم. من اطلاعات مشترکی درباره بعضی از رابطین مشترکمان، که طی سالهای پس از مأموریت ۴۵-۱۳۴۲ تهران خود داشته ایم، از آن فهرست استخراج کرده ام.

جبهه ملی ها دکتر هدایت الله متین دفتری نوه مصدق، قهرمان جبهه ملی، می باشد. در حال حاضر وی از راه وکالت امرار معاش می کند. سابقه مخالفت او معروف است. اما در حال حاضر عموماً نادیده گرفته می شود. از طرف دیگر، به نظر می رسد وی به حفظ ارتباط با سفارت بی میل باشد. همان گونه که تلاشهای من برای استمرار ملاقات اتفایمان در یک مهمانی سفارت هند بی نتیجه بوده اند. (وی برای ملاقات ابراز اشتیاق نمود، اما هر بار که من تماس گرفتم به دلایلی، در آن ساعاتی که پیشنهاد کردم امکان ملاقات نبوده است.) متین دفتری به سهم خود از بازجوییها و شکنجه ها، که قسمتی از توجیه وی برای دیدگاههای ضد رژیم خود می باشد، نصیب برده است. اما مانند خیلی از ایرانیان، قادر بوده که به راحتی به تطابق با دستگاه قدرت موجود برسد. اگرچه مریم - همسر وی - در بسیاری از دیدهای ضد رژیم شوهرش شریک است، ولی با مرور سالها از لحاظ اجتماعی بیشتر پذیرا شده است و اینک متناوباً در ستون انجمنها مورد رجوع قرار می گیرد. تلفن منزل: ۳۱۱۶۴۸ متین دفتری - ۱۹ محرمانه یادداشت مذاکره شرکت کنندگان: هدایت الله متین دفتری، وکیل ناراضی برجسته (نوه مصدق نخست وزیر سابق) جرج بی. لامبراکیس، مشاور سیاسی سفارت آمریکا - تهران.

موضوع: دید جناح ناراضی از اوضاع فعلی تاریخ: ۱۲ دسامبر ۱۹۷۷ - ۲۱ آذر ۱۳۵۶ به دنبال یک ملاقات اتفای در یک فعالیت دیپلماتیک، متین دفتری موافقت کرد که برای صرف نهار بیاید و نظرات خود را با من در میان بگذارد. وی در ۲۱ آذر به آن عمل کرد و اگرچه قرارمان از طریق تلفن او تنظیم شد، که تصور می کنیم کنترل می شود، ولی هیچ حساسیت عصبی به خصوصی نشان نداد و تا آنجا که من توانستم دریابم تحت تعقیب مخفیانه قرار نگرفته و تهدید هم نشده بود. طی سه ساعت وی نظرات خود را در مورد چند موضوع به شرحی که در زیر آمده، ابراز کرد.

مجمع مخالفین در جاده کرج متین دفتری درباره گردهمایی حدود یک هزار تن از مردم در روز تعطیل عید قربان - اول آذر - (رجوع کنید به گزارش تهران ۱۰۴۲۸) شرح داد. صاحب یک ملک، در تقاطع دو جاده از تهران به کرج، حدود نیمه راه کرج، دعوت نامه ها را فرستاده بود. جریان نیمه عمومی بود و تنها کسی که صحبت می کرد، همان طور که معمول روزهای مذهبی است، یک آیت الله بود. متین دفتری اقرار نمود که آیت الله، محتمل جای خود را به دیگر سخنرانان می داد که به صورت غیر رسمی اوضاع سیاسی فعلی را از دید خود تشریح و چاره خود را ارائه بکنند. به تدریج که متین دفتری در صحبت گرم شد این را هم آشکار کرد که جمعی از طیف گوناگونی از اعضای قدیمی جبهه ملی، پیروان جدید (بعضی با همسران یا فرزندان خود) و دیگر کسانی که به حضور شاخص رهبران جبهه ملی و دیگر مخالفان جلب شده بودند، تشکیل شده بود.

هنگامی که آیت الله آغاز به سخنرانی کرد، خیل بزرگی از مردان (وی تعداد آنها را بیش از ۵۰۰ ذکر کرد) به باغ ریختند و صفهایی تشکیل دادند. آنها شیشه ها و درها را خرد کردند و به خانه حمله ور شدند. لوازم منزل را به طرف آنها که در خانه اجتماع کرده بودند، پرتاب کردند و با چماق، زنجیر و سلاحهای مشابه ای که داشتند بدون تمایز، دست به کار زدن آنها شدند. بعضی که عقب بودند به سختی کتک خوردند. اما متین دفتری همراه با یک قاضی مسن تر به نام «بنی صدر» (تلفظش این چنین بود) و یک مرد دیگر به نام «تایینی» توانستند به خیابان راه بیابند. کسی سعی نکرد آنها را متوقف کند، اما آنها مجبور بودند از صفهای منظم حمایت کنندگان چماقدار که آنها را می زدند عبور کنند. در طول جاده برنامه مشابهی انجام شد تا اینکه آنها به جاده اصلی رسیدند و مشاهده کردند که ژاندارمهای مسلح به مسلسل راه آنها را بسته بودند.

آنها صف خود را باز کردند تا متین دفتری و همراهانش رد بشوند. اما کمی پس از آن، پس از طی مسافتی در جاده اصلی، آنها با یک مرد بسیار بد زبان مواجه شدند که پرسید از کجا آمده اند و سپس به خاک و گل کشانده شدند و کتک خوردند. قاضی مسن و متشخص اعتراض کرد که ما هیچ کار غیرقانونی انجام نداده ایم. آن مرد سپس دستور داد که همراهان خود به گروهی که متین دفتری در رأسشان به سختی کتک خورده بود، حمله بردند. او گفت که به محل ستون فقرات وی ضربه وارد شد و برای ۱۰ ثانیه بدنش کرخت شد. وی همچنین از ناحیه سر هم مضروب شد و چند ثانیه بر روی زمین بی هوش افتاد. قاضی بیشتر مجروح شده و هنوز مانند دیگر همراهانشان، در بیمارستان است.

بالاخره یک نفر که در جمع حضور داشت و اوضاع آنها را دیده بود، آنها را بلند کرده و با خود رسانده بود. متین دفتری اتومبیل خود را نیاورده بود و آن را شانسی تلقی می کرد، زیرا قبل از حمله به خانه تمام اتومبیلهای پارک شده در بیرون به طور منظم خرد شده بودند. متین دفتری تردیدی نداشت که مهاجمین سازمان یافته، برای کتک زدن، بدون ایجاد جراحتهای کشنده تربیت شده بودند. وی مردی را می شناخت که توانسته بود به سلامت در رفته و در اتومبیل خود پناه گیرد. اگر چه این احتمالاً بدان دلیل بود که وی پسر ۱۰ ساله خود را همراه داشت.

واقعۀ لاهیجان لاهیجان شهری است در کناره خزر که در آن دانشکده کوچکی وجود دارد. دانشجویان از منوچهر هزارخانی، دکتر مشهور دعوت کرده بودند تا درباره اثرات تشعشع که رشته اش می باشد سخنرانی کند. آن

طور که متین دفتری قضیه را شنیده بود (زیرا وی در آن واقعه حضور نداشت) بعضی خواستند با تمسخر سخنانی را به هم بزنند. اما بقیه دانشجویان حاضر، اجازه ندادند که آن اتفاق بیفتد. موقعی که هزارخانی و مرد دیگری که با او آمده بود (رجوع کنید به گزارش تهران ۱۱۰۹۸) دانشکده را در معیت چند نفر دیگر ترک کردند، با یک گروه حدود ۴۰ نفر مسلح به چماق، زنجیر و غیره مواجه شدند (مشابه وضع واقعه کرج) و در پی آن کتک خوردند. متین دفتری اقرار کرده بود که هزارخانی ناراضی مشهوری است که عریضه ها و نامه های گوناگونی را که در تهران جریان دارد، امضاء کرده بود.

واقعه ای بر ضد آمریکا با دخالت کشتی گیران متین دفتری روز قبل به وکیلی برخورد کرده بود که در انتظار دفاع از چند جوان که به جهت واقعه ضد آمریکایی مذکور، در تلکس ۱۰۸۱۵، تهران دستگیر شده بودند، بنا به شرح قضیه از قول وکیل، تعداد افراد گروه از ۷۰ نفر که در مطبوعات گزارش شده بود، کمتر بود. آنها ورزشکارانی بدون جهت گیری سیاسی بودند که می گفتند در آن روز دو یا سه آشوبگر ناشناس به جمعشان پیوسته بودند. آشوبگران با صحبت خود جملات ضد آمریکایی سردادند و آمریکاییها را به جهت تحمیل این همه اسلحه به دولت ایران مقصر دانستند. ورزشکاران به پاره کردن پرچم آمریکا و غیره برانگیخته شدند ولی بعد، از آنچه انجام داده بودند متأسف بودند. به عقیده متین دفتری این واقعه را ساواک برای مقاصد خود ترتیب داده بود.

فروهر و میانه روها متین دفتری به سرعت به سؤالات در مورد فروهر، که وی را به عنوان همکار و دوست خود می شناخت، جواب داد. او فروهر را مرد بسیار محترم، خوش بینه و با حرارت توصیف کرد که نظرات خود را درباره نیاز به آزادی بیشتر، مستقیماً و با صراحت ابراز می دارد، اما اساساً یک میانه رو است. او در موارد متعددی که به زندان رفته است، با رفتار خود احترام زندانبانان را برانگیخته است و آنهایی را که به سبب تروریسم و نظرات افراطی زندانی شده اند بشدت سرزنش کرده است. تا آنجا که متین دفتری می داند، وی احتمالاً به این جهت که اسرار مهمی که اظهار می کنند نداشته و شاید هم به جهت رفتار مؤدبانه اش، شکنجه نشده است. متین دفتری از موارد جدید شکنجه اظهار بی اطلاعی کرد، اما نمی توانست مطمئن باشد، زیرا وی در این موضوع متخصص نبود. گروه جدید فروهر متشکل است از آزادیخواهان قدیمی حزب ایران، که تعدادشان از همه بیشتر است و حزب ملت ایران خود فروهر و اتحاد سوسیالیست. این حزب نیست بلکه مجمع فعالیت، شبیه به جبهه ملی قدیمی، می باشد. از رهبران حزب ایران، حسینی، بختیار و قاسمی می باشند. شایان رهبر سوسیالیستهاست. متین دفتری خود را وابسته به هیچ حزبی نمی داند، اما مقام خود را جایی بین حزب ایران و سوسیالیست، البته نه آنقدر راست به اندازه فروهر، معین کرد.

جناح ناراضی مذهبی متین دفتری مانند دفعه اولی که ملاقاتش کردیم از اصلاح طلب اخیر اسلامی، شریعتی، تمجید کرد. وی را روشنفکرترین رهبر مذهبی ایام اخیر دانست که سعی دارد در نهایت، اسلام را از روحانیت آن آزاد

سازد. (۱) شریعتی هم از طرف ملاهای جناح راست و هم جناح چپ طرفدار خمینی مورد حمله قرار می گیرد. متین دفتری، که در موضوع تخصص ندارد، حرکت‌های سیاسی جناح مذهبی را عاری از یکپارچگی دانست، که همان طور که حکومت فعلی می خواهد می باشد. وی اشاره کرد که حکومت با اصلاحاتش فقط با گروهی از محافظه کاران مذهبی از سر منازعه درآمده و از آن زمان هم همواره سبیل آنها را چرب داشته است. وی علاوه بر آن بعضی از وقایع منتشره را به «عوامل تحریک کننده» ساواک نسبت داد. یکی از سخنرانان مشهور بازرگان است که اخیراً در یک مسجد در جاده قدیم شمیران برخاست و به نیایش پرداخت که در ظاهر خطاب به ای بریکتایی خدا بود. وی در اظهار اینکه بر روی زمین خدایی وجود ندارد، خیلی کنایه به کار برد، اما اشاره سیاسی آن دریافت شد. مدت کوتاهی پس از آن، مسجد بسته شد. به هر صورت، در تابستان گذشته و در همان منطقه، بازرگان اجازه یافته بود برای حدود سه شب بحث کند. گروه او از لحاظ بلندگو مرتب بودند و بدین ترتیب آنها توانستند جمعیتی گرد آورند که گاهی بنا به تخمین متین دفتری به ۲۰، ۳۰۰ می رسید. وی با رفتن به میان آنها مشاهده نمود که جمعیت جوان و نسبتاً مرفه بودند. آنها در چند خیابان جمع آمده و باعث قطع آمد و شد، شده بودند. بازرگان خود یک دندانپزشک و روانپزشک است، نه عضوی از ساخت اسلامی.

متهم برای روش قانونی محاکمه زندانیان ضد امنیتی اظهارات متین دفتری در این موضوع در گزارش تهران - الف ۱۸۹ (بدون نام بردن از او) گزارش شده است.

محاکمه احتمالی جدید برای زندانیان قدیمی متین دفتری به طور محرمانه ای گفت که از وی خواسته شده بود تا به عنوان وکیل مدافع گروهی از زندانیان ضد امنیتی که تا چند هفته دیگر محاکمه می شوند، در دادگاه شرکت کند. حدود ۱۰ سال است که این افراد در زندان می باشند. آنها محاکمه شده و به ۷ سال زندان محکوم شدند، ولی هنگامی که محکومیتشان پایان یافت دوباره دستگیر شدند و دوباره محاکمه خواهند شد. او مطمئن نبود که این پیشنهاد را بپذیرد، ولی آن را مورد بررسی قرار داده است.

وضع فعلی دادگستری در صحبت کوتاهی در زمینه عریضه قضات، متین دفتری اشاره کرد که لوایح قضائی اخیر اوضاع را برای مردم مشکلتر کرده. قضات توسط دولت تهدید شده بودند و به آنها دستور داده شده بود که چه رأیی صادر کنند. به عنوان نمونه بازپرس تهران، قاضی خاقان دزلی، را می توان نام برد که دانشجویان دستگیر شده را در مقابل او بردند. او مرد خوبی است، ولی به او دیکته می شود که چه بکند و این وضع خیلی از قضات دیگر در سیستم قضائی فعلی ایران است.

ص: ۲۲



دیدگاه کلی متین دفتری اوضاع فعلی را این طور تحلیل نمود که اگر دولت به سرکوب شدید مخالفان و دانشجویان ادامه دهد میانه روها ناچاراً عقب می نشینند و کاری نخواهند کرد و این میدان را برای تندروها و تروریستها باز می گذارد. وقتی پرسیده شد که آیا میانه روها در زمینه تغییراتی که می خواهند انجام شود و برای شاه و دیگر مقامات زیاد غیر ممکن نباشد، به توافق رسیده اند، متین دفتری گفت که اکثر آنها با پارلمانی که در آن بتوانند آزادانه صحبت کنند راضی خواهند شد. او معتقد بود که دولت از چند طریق می تواند این مسئله را انجام دهد. یک راه اصلاح سیستم انتخابات است. تا انتخابات واقعی برای تعیین نمایندگان مجلس وجود داشته باشد. راه دیگر این است که شاه به نخست وزیر و دولت قدرت بیشتری بدهد، تا بتواند با مشکلات به طور مؤثر برخورد کند. او این طور وانمود می کرد که میانه روها به کم فکر کردن عادت کرده اند و به اصلاحات جزئی راضی خواهند شد، تا نقشی در صحنه سیاست داشته باشند.

متین دفتری - ۲۰ یادداشت مکالمه محرمانه موضوع: محاکمه اخیر دانشجویان و دیگر مخالفین شرکت کنندگان: هدایت الله متین دفتری، وکیل ناراضی برجسته جرج. بی. لامبراکیس، مشاور سیاسی سفارت آمریکا تهران زمان و مکان: ۱۱ آوریل ۱۹۷۸ - ۲۲ فروردین ۵۷، رستوران سلار این دومین جلسه صرف نهار و مذاکره با متین دفتری بود. اولین جلسه مذاکره در ۱۲ دسامبر ۱۹۷۷ (۲۰ ذر ۵۶) بود. وی مهماندار ما در رستوران منتخب خود بود و از نشستن بر سر میز مشخصی نزدیک جمع سه نفر ایرانی که گاه به صحبت ما توجه مختصری هم نشان می دادند، کاملاً خوشحال بود. این بار هم نشانه آشکاری از کنترل شدن مذاکره ما توسط مقامات مشاهده نشد. (محفوظ بماند) محاکمه دانشجویان تظاهرکننده - متین دفتری به تازگی کار خود را به عنوان وکیل مدافع یکی از ۱۶ دانشجویی که در ارتباط با ناآرامیهای دسامبر گذشته (آذر) نزدیک دانشگاه تهران در دادگاه مدنی محاکمه می شدند، تمام کرده بود.

وقتی من اشاره داشتم که مطبوعات گزارش تعداد ۴۳ وکیل مدافع برای ۱۶ متهم داده اند. وی گفت این قضیه نمودار مهمی محسوب می گردید که در آن جریانهای وسیعتر از صرف آینده متهمین منظور بود. در واقع وی خیلی دلتنگ شده بود، چون که ۱۱ تن از متهمین (که موکل خودش نیز بین آنها بود) در برهم زدن آرامش مجرم شناخته شده و به پنج ماه زندان محکوم شده بودند و تنها ۵ تن و شامل (سه دختر) تبرئه شدند. او گفت ارائه دادخواست توسط دادیاری انجام شد که خوب یا فعال نبود. دادخواست شواهدی دال بر تخریب مالی و جانی و یا دیگر رفتار قانونی، از جانب متهمین نشان نداد. حتی پلیسهایی که جراحتهای سطحی نصیبشان شده بود در موقع ادای شهادت گفتند که نمی دانند آن جراحتهای چگونه وارد شده و بنابراین نمی توانستند علیه هر یک از متهمین شهادت بدهند. اکثریت تظاهر کنندگان از یک گروه بودند که به آرامی با حمل پلاکاردهای حاوی خواستهای خود و دادن شعارهایی از قبیل بازگشت آیت الله خمینی، راهپیمایی می کردند. بنا به قول متین دفتری این نه برهم زدن آرامش است و نه عمل خلاف قانون. زیرا در

ایران هر کس حق دارد، مادام که عمل غیر قانونی انجام نداده است، هر چیزی را بخواهد و برای آن عریضه بنویسد. مصادر امور مجبور نیستند که آن را برآورده کنند. در این قضیه گروه مزبور، به محض شنیدن آژیرهای پلیس متفرق و فراری شد. آن گاه پلیس به تعقیب آنها پرداخت، محاصره شان کرد، اکثر آنان را که دانشجو نبودند آزاد کرد و دانشجویان را به زندان انداخت. یک نفری هم بود که از خارج از شهر آمده بود و ادعا می کرد که صرفاً یک تماشاچی بوده است. یک موردی هم از نقطه دیگر شهر، دستگیر شده بود و همزمان با آنها برای محاکمه فرستاده شده بود. در عین اینکه بازداشت ۱۰۰ روزه آنها از مجازاتشان کاسته می شود، آنها باید ۵۰ روز دیگر را نیز بگذرانند و امتحانات را از دست خواهند داد و بدین ترتیب باید سال دیگر درسها را از سرگیرند و احتمالاً باید به مقامات دانشگاه عریضه بنویسند تا اجازه بازگشت به تحصیل یابند. وی به من گفت همه آنها از دانشگاه تهران نبودند. تمامی دانشجویان می گفتند در موقع بازداشت به سختی کتک زده شده اند. اگر چه وی اعتراف نمود که بعد از گذشت چند ماه از بازداشت، فقط تعداد کمی می توانند با ارائه کبودیهای خود آن را اثبات کنند. متین دفتری با ابراز نظر معمول خود که چنین رفتاری با دانشجویان فقط آنها را تحریک می کند که افراطی و مخالف سرسخت رژیم بشوند، به این موضوع خاتمه داد.

سیستم حقوقی ایران در جواب به چند سؤال کنجکاوانه، متین دفتری نظریات خود را درباره وقایع اخیر و مراحل قانونی اینجا ارائه نموده او گفت که خیلی از قضات، مانند فردی که حکم محکومیت موکلین دانشجویی او را صادر نمود. در هراس می باشند. این کار (ایجاد هراس) تحت فشار زیاد و بدون به جا گذاشتن هرگونه شواهدی صورت می پذیرفت. وقتی که دوتای آنها، سال گذشته، عریضه ای به دولت نوشتند (همان طور که در همان زمان توسط سفارت گزارش شد) تعلیق خدمت شدند و هرگز برگردانده نشدند. آنها برای عبرت دیگران به موقع خود، اخراج خواهند شد. اخیراً دو وکیل شرکت نفت شخصاً توسط هوشنگ انصاری خوانده شدند و وی آنها را به دلیل امضای یک اعلامیه انتقادی از دولت، مورد بازخواست قرار داد. هنگامی که آنها از امضای سندی که آنها را محکوم می شمرد (با اقرار به فعالیت ضد دولت اما اظهار ندامت از آن) امتناع ورزیدند، وی خواستار استعفای آنها شد. اگرچه یکی از آنها (شخصی به نام آقای اکمدی<sup>(۱)</sup>) قصد ترک خدمت داشت، استعفای وی که قبلاً پذیرفته نشده بود، ناگهان مورد قبول قرار گرفت، نفر دیگر شخصی به نام (رامج پور<sup>(۲)</sup>) با اینکه سابق ۶ سال خدمت در شرکت نفت را داشت، اخراج گردید.

در جواب به سؤال من، وی گفت از محاکمه ناراضیان در دادگاه نظامی خبری ندارد. زیرا در آنجا نمایندگی متهم را یک مشاور غیر نظامی، یا لاقلاً هر مشاور برجسته ای، بر عهده دارد که وی مطمئن بود از آن مطلع خواهد شد. او امکان این را رد نکرد که افسران بازنشسته ارتش، که اکنون وکلای کشوری شده بودند، نمایندگی یک متهم را داشته باشند. با اشاره من به یک مورد حقوقی که وی دفعه گذشته اظهار داشته بود که ممکن است بر عهده گیرد و درباره زندانی ای بود که در پایان دوران محکومیت خود آزاد شده، اما برای محاکمه دوباره مطرح می شد، متین دفتری گفت نام او توسط پدر یک زندانی تسلیم شده بود اما

۲- احتمالاً رامش پور مترجم.

مقامات نظامی از پذیرش او امتناع کردند. متین دفتری علاقه حادی نداشت که از فردی در دادگاه نظامی دفاع کند، زیرا آن طور که در مقررات نوشته شده، خیلی آسان است که خود وی، در جریان عمل، به رفتار ضدکشوری متهم گردد و شاید به آنجا منتهی گردد که خود وی به عنوان متهم در یک محاکمه دیگر بنشیند.

معهدا، وی فکر می کرد که این افتضاح است که یک زندانی پس از طی دوران محکومیت خود آزاد نگردد، در عین حال که دولت مدعی اتخاذ مشی اعطای آزادی می باشد، مردی که وی می خواست و کالتش را به عهده بگیرد، فردی بود به نام «شانه چی» که پدرش یک تاجر نسبتاً سرشناس بازاری است. شانه چی سه سال محکومیت خود را دو سال پیش تمام کرد. ولی از آن زمان هنوز در زندان است و بنابه قبول پدرش اخیراً محاکمه شده و به پنج سال دیگر زندان محکوم شده است. متین دفتری گفت نمی داند در پس فعالیتهای ضدکشوری چه اتهامی بوده است و پرونده آن مرد را مطالعه نکرده است. (اظهار نظر: مشکل بتوان باور نمود که پدر زندانی چیزی درباره اتهام به او نگفته باشد، اگرچه این واقعیت هم هست که ما از مواردی اطلاع یافته ایم که خود زندانی هم اغلب نسبت به نوع اتهامات به خود، در ابهام نگاه داشته می شود.) بمب گذاری های اخیر متین دفتری پرسید که آیا از بمب گذاری های اخیر چیزی شنیده بودم. من از بمب گذاری در منزل سه تن از رهبران جناح مخالف اظهار اطلاع کردم. وی گفت که همان شب نیز یک مورد چهارمی هم بوده است. آن در منزل محمود مانیان بود که یک تاجر سرشناس بازار و از سهامداران و اعضای هیئت مدیره «حسینی الشتر» (منظور حسینی ارشاد است - مترجم) می باشد. حسینیه مؤسسه و مکانی است در نزدیکی مسجدی که در جاده قدیم شمیران قرار دارد، که علی شریعتی در آنجا سخنرانی می کرد و دولت آن را تعطیل کرد. خود مؤسسه با زیرکی به عنوان شرکت تجاری و نه مؤسسه غیرانتفاعی برپا شده بود تا بدین نحو نیازی به ثبت نام توسط مصادر امور، برای مالکیت یا انجام دیگر فعالیتهای اساسی، نباشد. (این برعکس اقدام اتخاذ شده توسط جامعه نویسندگان ایران که ۸ سال قبل تشکیل شد، بود آنها به طور رسمی درخواست ثبت نام کرده بودند، اما درخواست نامه هرگز مورد تصویب پلیس قرار نگرفت).

جدا از جزوه هایی که در محل آن چهار بمب گذاری گذاشته شده بود و امضاء به اصطلاح گروه «انتقام» بر خود دارد، این اشخاص طی چند روز گذشته پیامهای تلفنی دریافت کرده اند، که تهدید به تلافی به مثلهای دیگر کرده اند و آنها را «جاسوسان آمریکاییها» خوانده اند. وی به اختصار درباره موضع آمریکا شوخی کرد و اشاره کرد که این مسئله پیچیده و ناگوار شده بود. خود آنها که هدف سوءقصد قرار گرفته بودند، مجیدی را مقصر می دانستند. وی اخیراً تشکیل «دسته های مرتب» حزب رستاخیز را اعلام کرده بود.

اعتراض مطبوعات و داستان جاسوسی اخیر متین دفتری پرسید که آیا خبر داشتم (من نداشتم) که حدود ۱۰۰ روزنامه نگار نامه ای به آموزگار در اعتراض به سانسور امضا کرده اند و گفته اند از اینکه مجبورند همچنان دروغ چاپ کنند، سرافکنده اند. یک نمونه (که متین دفتری در نزدیکیهای پایان مذاکره ارائه نمود) «قضیه جاسوسی» اخیر است. او گفت که

خانواده تیمسار درخشانی را به خوبی می شناخت. درخشانی بر اثر حمله قلبی در بیمارستان ملکه مادر، بی سروصدا درگذشت. ده روز بعد، خانواده وی از دیدن این مقالات که وی در جریانات دستگیر شدن به اتهام جاسوسی دچار حمله قلبی شده، و به یک بیمارستان نظامی که در آنجا درگذشت برده شده بود، حیرت زده شدند. او را متهم کرده بودند که از شوریها حقوق ماهیانه ای برابر ۲۰۰۰ تومان دریافت می کرد. خود این مسخره بود. دختر وی به تنهایی بیش از ۲۰،۰۰۰ تومان در ماه درآمد دارد. متین دفتری شوهر آن دختر را به خوبی می شناسد. این هم مسخره بود که گفته بود تیمسار، عامل شوری بود. در زمان فرماندهی وی در تبریز در سال ۱۹۴۶ (۱۳۲۵) شوریها او را زیر فشار قرار دادند و وی که ملاحظه کرد مقاومت بی فایده است، برای نجات جان افراد تسلیم شد. سرهنگی که فرماندهی نیروها را در رضائیه به عهده داشت، جان چند نفر را از دست داد و آن گاه تسلیم شد. این اشتباه قضاوت تیمسار بود و وی به سبب آن محاکمه و زندانی شد. به هر حال، دو سال بعد وی آزاد شد. انسان به سختی می تواند باور کند که با یک جاسوس چنین رفتاری شود.

تظاهرات تبریز و اوضاع مذهبی متین دفتری پرسید آیا از «مقاله شاگرد مدرسه ای» که آموزگار دو روز قبل ایراد کرد، خوشم آمد؟ وی گفت آموزگار چنان با این سخنرانیهای کامل دور می گردد که گویی منتظر است که استادی نمره بدهد، اما آنها نمی رسند. وی گفت جمعیت زیادی که برای شنیدن حرفهای او آمده بودند، تبریزی نبودند. آنها عمدتاً در خانه مانده بودند. در عوض مردمی جمعیت را تشکیل می دادند که از دهات آورده شده بودند. این اشخاص مثل برق، سواری تا شهر را قبول می کنند. همچنین وقتی به ژاندارمها مأموریت داده شود، می توانند خیلی آدم باخود بیاورند. وی به عنوان نمونه مورد اخیری را مطرح کرده که ولیان، استاندار مشهد، به مقداری ملا برای حضور در مراسم احتیاج داشت، ژاندارمها را مأمور کرد. یکی از ملاها گفت که ژاندارمها به سادگی به وی گفتند که سوار اتوبوس شود، وی با ترس و لرز اطاعت کرد. آن گاه، با کمال تعجب وی، خودش و دیگر ملاها به یک شام خوب مهمان شده و به مراسم برده شدند. بعد از اینکه مراسم تمام شد آنها مرخص شدند. متین دفتری اشاره کرد که این رفتار در ایران غریب نیست. وی اخیراً، در رابطه با شکایتهای کشاورزان که بر سر زمین مورد کلاهبرداری قرار گرفته بودند، به دهات رفته بود. قضیه از قرار معلوم به این نحو بوده که صاحبان یک انجمن پرورش اسب برای بازدید از کشاورزان، که صاحب املاک محوطه جدید پرورش (که انتظار می رفت ارزش زمین را بالا برد) بودند، عازم شدند و به سادگی زمین را خواستار شده بودند. تنها سندی که ارائه کرده بودند نامه مختصری بود که در علامت بالای آن کلمه «سلطنتی» بود. این نامه به سادگی می گفت که افسر صاحب یونیفورم ارتش (که صاحبان املاک را در بازدیدهایشان همراهی می کرد) خواستار حضور صاحب ملک در اداره ثبت اسناد معینی و در تاریخ معینی به منظور واگذاری این ملک به انجمن است. کشاورزان بیش از آن ترسیده بودند که بتوانند مراجعه کنند و رسماً ملک خود را واگذار کردند، متین دفتری گفت که اینک برای انجام اقدامی درباره آن خیلی دیر شده است.

در صحبت درباره خمینی، متین دفتری گفت که در تبریز، تبعیت از آیت الله شریعتمداری خیلی قویتر است (در آنجا مردم درباره مذهب خود بسیار اهمیت قائل می شوند) و امروزه اگر خمینی اینقدر سیاسی

نشده بود، در زمینه های خالصاً مذهبی، جلوه اش از او بیشتر بود. در واقع یکی از شایعه هایی که در رابطه با برنامه گردهمایی مردمی آموزگار، در تبریز در ۹ آوریل (۲۰ فروردین)، پخش شده بود این بود که آموزگار آیت الله شریعتمداری را با خود خواهد آورد تا در حضور عامه، به جهت کشته های تبریز، عذرخواهی کند.

یک شایعه دیگر، در همان زمان، حکایت می کرد که آموزگار این را انجام خواهد داد تا تبریزیها را فریب دهد و آنها را به میتینگ خود بکشاند. به هر صورت متین دفتری شریعتمداری را متجددتر و روشن تر از خمینی توصیف کرد. معهدا، پیروان شریعتمداری، مانند طرفداران علی شریعتی که اصلاح طلب است، جرأت ایستادن در مقابل احکام خمینی را ندارند، خصوصاً اینکه هر دو از جانب دستگاه حکومت مورد حمله قرار گرفته اند.

شرایط زندان و بازدیدهای صلیب سرخ بین المللی متین دفتری از اعتصاب غذایی که در حال حاضر در زندان قصر برقرار است، صحبت به میان آورد. به عقیده او زندانیان فقط آب و مقداری شکر استفاده می کنند. با این حال آنها فقط برای شرایط بهتر اعتصاب کرده اند. می توان با هزینه ۳۰ ریال در روزی که دولت اختصاص داده است، کیفیت غذایی را که آنها دریافت می کنند، تصور کرد. آنها همچنین شکایت می کنند که روزنامه هایی که بدستشان می رسد، بریده بریده شده اند تا مخصوصاً هیچ خبری در آن نباشد. از طرف دیگر وی شنیده است که شرایط در زندان اوین در تهران که توسط ساواک اداره می شود کاملاً قابل قبول است. وی اشاره نمود که زندان اوین توسط هیئت صلیب سرخ بین المللی مورد بازدید قرار گرفته بود. به هر حال، وی کلاً آن بازدیدها را رد کرد زیرا به هر صورت آنها دریافتهای خود را علنی نمی کند.

اظهار نظر: من، مانند قبل، متین دفتری را سخنگوی گیرایی برای جناح ناراضی یافتیم. وی پر حرارت و صریح بود و در مواقعی صدایش تقریباً مانند صدای داخل دادگاه می شد. هیچ عارضه ای از محاکمه ای که در آن بود و یا هرگونه «دردسر» مبهمی، که شنیده بودم که احتمالاً این اواخر داشته است، نشان نداد. در واقع وی این طور نمود که گویی از جو فعلی اینجا تقویت یافته است و به صراحت تمام، برای من، از دولت انتقاد کرد. در این مورد وی در ملاقات اول به طور چشمگیری مردد تر بود. واضح است که اطلاعات وی در بسیاری از موارد تکمیل نیست، اما هم صحبت دلپذیری است و آشکار است که در بین ناراضیان میانه رو صاحب تشخیص می باشد.

متین دفتری - ۲۱ صورت مذاکره محرمانه موضوع: ملاقات با حقوقدان مخالف شرکت کنندگان: هدایت الله متین دفتری، حقوقدان مشهور مخالف رژیم جورج بی. لامبراکیس، مشار سیاسی، سفارت آمریکا تهران محل و زمان: رستوران سلار، ۲۰ ژوئن ۱۹۷۸ - ۳۰ خرداد ۵۷ متین دفتری را برای نهار ملاقات کردم. او شکسته تر از معمول به نظر می رسید. ما به طور تصادفی با پزشکپور، نماینده مجلس، که اخیراً اظهار داشته است که تصمیم دارد خارج از محدوده حزب رستاخیز،

حزب قدیمی خود پان ایران (پان ایرانیست) را احیا کند، ملاقات کردیم. متین دفتری نیز این امر را به او تبریک گفت. متین دفتری اذعان داشت که این مسئله بر مردم واجب است تا قدمهایی، همان گونه که پزشکپور برداشت، بردارند و میزان تحمل دولت را بعد از اعلام افزایش آزادیها، ارزیابی کنند. اگر گروههای مخالف چنین کاری نکنند دولت خواهد گفت که ما امکان آزادی را برای مردم فراهم کردیم، ولی مردم از این فرصت استفاده نکردند.

در این رابطه، متین دفتری گفت که به زودی ثبت رسمی انجمن حقوقدانان آزاد ایرانی را آغاز خواهد کرد. او همچنین در توضیح این مسئله، اضافه کرد، در حال حاضر که کانون نویسندگان ایران دوباره رسماً اقدام به ثبت رسمی کرده است. دستورات وزارت دادگستری اواخر سال ۱۳۵۵ حاکی از این است که هیچ گونه فرم درخواستی را تا زمانی که حامل اجازه پلیس نباشد، نپذیریم. قبلاً برنامه از این قرار بود که قبل از اجازه پلیس، فرم درخواستی پذیرفته می شد. بنابر روش جدید، هیچ راهی برای اثبات اینکه درخواستی به منظور بنیانگذاری سازمانی شده باشد، وجود ندارد. در مرکز فرماندهی پلیس، علاقمندان ثبت، اجازه ندارند وارد عمل شوند. همچنین هیچ گونه رسیدی که مبین دریافت فرم درخواستی باشد، امضاء نخواهد شد. در هر حال، حقوقدانان آزاد درخواست رسمی خواهند نمود و اگر پذیرفته نشد، شکایت خواهند کرد. این مطلب ما را به بحث پیرامون انتخابات اخیر کانون و کلا- واداشت، که در آن گروه متین دفتری پیروز شدند (رجوع شود به تهران ۵۹۴۴) و او خود بیشترین رأی را آورد. او تصدیق کرد که با قواعد کانون، برای او امکان ندارد که به عنوان رئیس انجام وظیفه کند، زیرا او هنوز ۵۰ سال نداشت (متولد ۱۳۱۲) و ۲۰ سال سابقه خدمت قانونی ندارد. او به صحیح بودن انتخابات اشاره کرد، که با این روش هفت ناظر و اعضای شمارش آراء، می بایست پشت هر رأی دریافتی را امضاء می کردند. بدین ترتیب یک رأی اشتباه نیاز به امضاء هفت تن را داشت. همچنین اضافه کرد که حضور لاهیجی به عنوان یکی از ناظرین بود و این به آن دلیل بود که لاهیجی خود یکی از کاندیداها نبود. از او سؤال کردم آیا او از تغییرات روشهای قانونی که متعاقب ملاقات (ICJS Butler) بیل باتلر، و ملاقات او با شاه صورت گرفت، اطلاع دارد.

متین دفتری گفت: همان گونه که از مصاحبه شاه، با روزنامه نگاران محلی برمی آید (گزارش تهران ۴۵۸۴) جو تغییر کرده است. متین دفتری به مصاحبه شاه خوشبینانه می نگرد. به دنبال این مصاحبه اطلاعیه ای از وزارت دادگستری منتشر شد که طبق آن تمام وکلای مورد اعتماد کانون و کلا، اجازه خواهند داشت بدون اجازه نامه در دادگاههای نظامی مشغول کار شوند، و در اولین بازپرسی در جلو رئیس بازپرس حاضر باشند.

سؤال کردم که آیا تغییراتی در مورد اطمینان از حضور فرد زندانی نزد رئیس بازپرسی، طی ۲۴ ساعت بعد از دستگیری، حاصل شده است. متین دفتری به این سؤالها پاسخ جامعی داد. او گفت هم اکنون قانون در کتابها وجود دارد، ولی همین قانون توسط ساواک و با همکاری مستقیم دادگاههای نظامی عملاً زیر پا گذاشته شده است. از هنگامی که در مورد تاریخ دستگیری، از ساواک گزارشی خواسته نمی شود، هیچ راهی برای زندانی در مورد اثبات اینکه، او بیشتر از ۲۴ ساعت قبل از ساعت حضور نزد رئیس بازپرس دستگیر شده است، وجود ندارد. یکی دیگر از حیل های ویژه رئیس بازپرس، نگاه کردن صرف به پرونده متهم و صدور دستور زندانی نگهداشتن اوست. سپس این دستور از سوی رئیس بازپرسی به زندانی نشان داده می شود. بسیاری از زندانیها به جای امتناع از امضای دستور، آن را امضاء می کنند و سپس اعتراض





خود را می نویسند. این خود دلیل بر این است که آنها رئیس بازپرس را در طول ۲۴ ساعت بازداشت دیده اند.

متین دفتری گفت: تمام اینها فقط در صورتی قابل اصلاح است که دستگاههای دولتی قانون را اجرا کنند.

پرسیدم آیا شما و همکارانتان می توانید تعداد زندانیان سیاسی در زندانهای ایران را تخمین بزنید. او گفت بر طبق برآوردی که به تازگی به کمک خانواده های زندانیان انجام گرفته، تعداد آنان در تهران در حدود ۳۸۰۰ زندانی است. هنوز برآوردی در مورد تعداد زندانیان سایر شهرها انجام نشده است، با این حال تصور می رود که تعداد زیادی زندانی در شهرهای تبریز، مشهد و اصفهان وجود داشته باشند.

همچنین تعداد پراکنده ای زندانی نیز در زندانهای اطراف ایران وجود دارد. دانشجویانی که در ماههای اخیر توسط دادگاههای شهری محاکمه شده اند، جزو این لیست نیستند. با وجود اینکه او فکر می کند که تعداد زندانیان چند برابر تعداد ۲۰۰۰ نفر، که شاه و دولت در مصاحبه هایشان مدعی آن هستند، می باشد.

در جواب سؤال دیگری، او گفت: گروهی که این تعداد را برآورد نموده است، گروهی است به نام «کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی در ایران»، که در ماه اسفند همین سال تشکیل شده است. این گروه شامل ۵۰۰ نفر از افراد برجسته است که متین دفتری نیز یکی از آنهاست و برجسته ترین رهبر آن دکتر اصغر سید جوادی است. من قبلاً شنیده بودم که سید جوادی یکی از بزرگترین رهبران مخالف رژیم است.

متین دفتری می گوید که او یک مقاله نویسنده موضوعات سیاسی و اجتماعی است و قبلاً نیز عضو «حزب زحمتکشان» در جبهه ملی بود و پس از مدتی آن را برای پیوستن به «حزب نیروی سوم» ترک کرده. او چهل سالگی خود را می گذارند.

در رابطه با مشکلات جاری، متین دفتری نظر خود را در مورد واقعه اخیر خوابگاه امیر آباد، که برای دانشجویان دانشگاه تهران اتفاق افتاد، بیان داشت. او متذکر شد، که در گذشته، اینجا اردوگاه ارتش آمریکا بود و حال، دولت آن را خوابگاه دانشجویان کرده است. او گفت که حدود ۱۰۰۰ دانشجوی دانشگاه تهران قصد داشتند به دفتر سرپرستی بروند و اعتراض رسمی خود را در مورد بازپرسی مداوم نیروهای انتظامی از اطاقهایشان، به خصوص خوابگاه دختران ارائه دهند. گارد به آنها حمله کرده و آنان را پراکنده ساخت.

آن شب، حوالی نیمه شب، نیروی ویژه انتظامی به خوابگاهها یورش برده، دانشجویان را مورد حمله قرار داده و همه اموال آنان را تاراج نمودند. تعدادی سعی کردند که با لباسهای خوابشان فرار کنند. خیلیها صدمه دیدند و به بیمارستان منتقل شدند. هفت نفر از آنان مفقود گشته اند. این یکی از نمونه های اخیر وحشیگری پلیس بود (که ما خبر آن را از منابع دیگر نیز شنیده ایم).

خود متین دفتری مشغول رسیدگی به پرونده دادخواست (دعوی) یک خانم استاد در دانشکده علوم اجتماعی است که همراه با بسیاری دانشجویان و استادان دیگر علیه رئیس دانشگاه تهران ادعای کلاهبرداری کرده است. این عمل غیر قانونی در مورد دادن نمره رد به حدود ۷۰۰ دانشجو، بدون اطلاع استادانشان است. آن دادخواستها نشان می دهد که فقط استاد صلاحیت نمره

دادن به شاگرد را در یک موضوع ویژه دارد.

نظریه: متین دفتری به وضوح در خط حمله قرار دارد و نسبت به سوگندهای خود نسبت به دفعه پیش که او را ملاقات کردم، بیشتر احساس مسئولیت می کرد. من این طور استنباط می کنم که او برای ملاقات با

ص: ۲۹

روزنامه نگاران متعدد خارجی حضور داشته است و آنان عقیده دارند که او یک عضو مهم در میان مخالفین است (شاید از آن هنگامی که او ترتیب ملاقات چند تن از آنان را با بیل باتلر از دادگاه بین المللی داده است).

متین دفتری - ۲۲ شماره سند: ۶۱۳۰ تاریخ: ۱۹ اکتبر ۱۹۷۸ - ۱۷ مهر ۱۳۵۷.

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی-سی.

به: سفارت آمریکا در تهران دارای حق تقدم ۷۱۱۹ طبقه بندی: محرمانه موضوع: نظرات یکی از مخالفین، متین دفتری مرجع: تهران ۱۹۲۵۴-۱- مأمور وزارتخانه یک مکالمه تلفنی ۴۵ دقیقه ای با متین دفتری که قادر نبود از واشنگتن دیدار کند، داشت. رئیس اظهارات وی در زیر می آید:

-- مشکل اساسی دولت ایران این است که با مردم «صداقت» ندارد. از اعطای آزادی صحبت می کند، اما لویحی درباره انتخابات، مطبوعات، تجمعات، دانشگاهها به مجلس می برد که کاملاً محدود کننده اند، یا در بعضی موارد از سیاستهای فعلی هم بدترند. برای مثال، استادان دانشگاهها سالها برای مدیریت مستقل در حال مبارزه بوده اند. تحت قانون پیشنهاد شده، آزادیهایی که بعضی دانشگاهها در حال حاضر از آن بهره مندند با تشکیل شورایی که حتی یک شخص عوام هم می تواند بفهمد که دولت آن را کنترل خواهد کرد، می توانند لغو شوند.

-- در حقیقت دولت سعی می کرد با وضع قوانین جدید، یک سری مقررات خشن را به اجرا بگذارد تا هنگامی که حکومت نظامی نهایتاً لغو می شود، کنترل شدید خود را حفظ کند.

-- موقعی که پرسیده شد دولت ایران برای ایجاد مصالحه عمومی چه باید بکند، متین دفتری چند نکته زیر را گفت:

-- عفو عمومی زندانیان سیاسی که بنا به تخمین او از ۱۰،۰۰۰ نفر کمتر نیستند. وی ادامه داد مجرمان واقعی البته باید محبوس باشند، حتی آنهای که بر علیه دولت به خشونت متوسل شده بودند، باید آزاد گردند. خشونت در شرایطی شبیه به جنگ بین دولت ایران و مردم، قابل اغماض بود.

-- مجموعه فعالیتهای پرمایه و خیلی دامنه دارتر علیه فساد.

-- عدالت اجتماعی، کم کردن فاصله ثروتمندان و فقیران، و مبارزه با گروههای شبیه مافیایی که تشکیل شده بودند.

-- تنبیه مقاماتی که مرتکب جرایم ضد مردمی، یعنی کشتن بی ضابطه تظاهر کنندگان یا اشخاص پناهنده به منازل روحانیون در قم و اصفهان، شده اند. (وی شکنجه سه جوان را در خودروی پلیس در مشهد طی روز و مقابل شاهدان بی شماری که شکایت جامعه و کلا به مقامات محلی را تأیید کردند، توضیح داد. شکایت در شهریور تسلیم شد، اما هیچ جوابی از دولت نیامده بود. متعاقباً سرهنگ پلیسی که آن

اعمال سببانه را انجام داده بود چند روز پیش در مشهد کشته شد.) - - متین دفتری این نظریه را که ممکن است تظاهراتی که درست قبل از حکومت نظامی واقع شدند توسط قدرتهای خارجی سازمان یافته باشد را کاملاً رد کرد وی گفت: مردم از راه تجربه یاد گرفته بودند که چگونه خود را اداره کنند و یادآور شد در سال ۱۳۳۱ پلیس از هم پاشیده شده بود و مردم تهران ۳ روز آمدوشد را هدایت و نظم را حفظ کرده بودند. آیا جداً کسی فکر می کند که عوامل خارجی می توانند ایرانیان را در این مرحله از شورش خود علیه دولت ایران کنترل یا هدایت کنند؟ - - پرسیده شد آیا در واقع مطبوعات ایران نسبت به سالهای اخیر آزادی خیلی بیشتری نیافته بودند.

متین دفتری گفت سانسور دولت اینک پیشرفته تر است. این مطلب درست است که مطبوعات از جبهه ملی گزارشهایی به چاپ می رساندند، اما فقط آن دسته گزارشهایی که دولت ایران می خواست به نظر مردم برسد. مطبوعات گاهگاهی نوشته هایی از جبهه ملی را با شش ماه تأخیر و در زمینه ای دیگر چاپ می کنند، اما اجازه نمی دهند جبهه ملی آنچه را که جناح مخالف می خواهد به طبع رساند. در رادیو و تلویزیون به جبهه ملی فرصت برنامه داده نمی شود. واضح است که اگر جناح مخالف به وسایل ارتباط جمعی به اندازه دولت دسترسی نداشته باشد، انتخابات آزادی نمی تواند صورت گیرد.

- - کارمند وزارتخانه به عنوان نمونه آزادی بیان بیشتر، انتقاد سناتور جلالی نائینی از ساواک را ذکر می نمود. متین دفتری جواب داد نائینی دقیقاً به این جهت از مجمع کانون و کلا بیرون انداخته شد که وی به دقت راهنماییهای دولت را دنبال می نمود. اینک به وی یاد داده بودند که به ساواک حمله کند تا بر وجهه خود بیافزاید، تا اینکه دولت ایران کاندیداهای قابل قبول برای شرکت در انتخابات داشته باشد. رژیم مشغول ساختن «مهره ها و یا شخصیتها و بازیگرانی» برای انتخابات بود که خود مدیر صحنه شان خواهد بود.

- - از اوضاع دادگاهها پرسیده شد. وی گفت دفاع از متهمان سیاسی هنوز برای وکلا «نه آزاد شده و نه آسان است.» قضات برای جلوگیری از خدمات قوانین ویژه وضع می کردند و مشتریان و کالت مورد ارباب قرار می گرفتند، تا از تقاضای خود منصرف کردند.

- - سؤال شد آیا خریدهای اسلحه دولت ایران در نظر مخالفین متضمن معنای خاصی بود؟ وی گفت این مورد به طور جدی موضوع بحث جزء به جزء قرار نگرفته بود. قاعده ایجاب می کرد که هزینه های عمده دولت باید به صورتی موافق با قانون اساسی در مجلس مورد بحث و تصمیم واقع گردند. اطلاعات از مردمی که البته می خواستند ایران را قوی ببینند، دور نگاه داشته می شد. لذا، از آنجایی که مشورتی انجام نمی گرفت، بسیاری از مردم فکر می کردند که دولت با خریدهای گران در حال اتلاف ثروت ایران بود.

- - بهترین تخمین از تعداد کسانی که در روز ۸ سپتامبر (۱۷ شهریور) به دست سربازان حکومت نظامی در گوشه و کنار تهران به قتل رسیده بودند، رقم (۳۰۰۰) بود. وی ادعای آزادی ۳۳۳ زندانی سیاسی را مورد چون و چرا قرار داد و گفت از هیچ یک از آنها خبری دریافت نشده بود.

۲- سفارت اجازه دارد در صورت تمایل اظهار نظر کند.

ونس

ص: ٣١

متین دفتری - ۲۳ هدایت الله متین دفتری، رهبر جبهه ملی مورد خطاب به عنوان: آقای متین دفتری ۱۷ آذر ۱۳۵۷ هدایت الله متین دفتری، یک وکیل برجسته، مدت مدیدی در فعالیتهای مخالفت آمیز شرکت داشته است. اگر چه او یکی از رهبران رده بالای جبهه ملی نیست، لیکن به ایشان نزدیک است. در گذشته، ناظران مختلفی تصدیق کرده اند که اگر چنانچه تغییر مهمی در صحنه سیاسی ایران روی دهد، وی می تواند نقش مهمی را در جبهه ملی ایفا کند. (جبهه ملی یک چتر سازمانی است که اعضای آن را اغلب یقه سفیدها و قشر متوسط حرفه ای تشکیل می دهند. اعضای جبهه ملی عموماً در دعوت از شاه برای تبعیت از قانون اساسی ۱۹۰۶ متحد می باشند، اما در سایر مسائل اختلافات وسیعی دارند.) (سری) متین دفتری نوه نخست وزیر فقید (۳۲-۱۳۳۰) محمد مصدق که بنیانگذار جبهه ملی بود، می باشد. در خلال سالهای ۱۳۴۰، هنگامی که مصدق در خانه اش زندانی بود، متین دفتری با سمت یک رابط بین او و عناصر جبهه ملی عمل می کرد. او در حالی که سخنگویی چیره دست برای مخالفان بوده، از اعضای رهبری کانون وکلای ایران و همچنین انجمن حقوقدانان ایران نیز می باشد. او یکی از عمده فعالین مدافع کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در ایران از زمان پیدایش آن در اواخر سال ۱۳۵۶ بوده است. متین دفتری سالها تحت نظر ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) و در مواقعی نیز تحت فشار شدید دولت بوده است. او آشنایی کامل با ایالات متحده دارد (او در سال ۱۳۳۹ تحت عنوان دستیار افتخاری کنگره از طرف انجمن دوستداران آمریکایی خاورمیانه به اینجا آمد) و او کراراً با مقامات رسمی سفارت آمریکا مشورت می کند. او به وضوح برای این کشور احترام قائل است، اما گاه گاه از آن به خاطر «عدم رعایت ایده الهایش» در این کشور، انتقاد کرده است. (سری) متین دفتری، تحصیلکرده کمبریج، دارای یک مدرک لیسانس در اقتصاد و قانون می باشد. قبل از اشتغال به وکالت در سال ۱۳۴۰ او یکی از اساتید هیئت علمی دانشگاه تهران بود؛ در سال ۱۳۳۷ او همچنین تحت عنوان مدیر اطلاعات و روابط عمومی وزارت دادگستری اشتغال داشت. او ۴۷ سال سن دارد. (استفاده اداری محدود) (۱) ۱۷ آذر ۱۳۵۷ متین دفتری - ۲۴ شماره سند: ۰۲۳۶۰۰ محرمانه تاریخ: ۵ ژانویه ۱۹۷۹ - ۱۵/۱۰/۱۳۵۷ از: سفارت آمریکا تهران: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی.سی. فوری ۲۷۱۶ گزارشگر: اسکودرو موضوع: اظهارات هدایت متین دفتری درباره حکومت بختیار و موقعیت آمریکا در ایران ۱- در ۱۵ دی متین دفتری کارمند سفارت را برای مذاکره درباره اوضاع سیاسی ایران پذیرفت.

متین دفتری احساس می کند که بختیار با پذیرفتن تشکیل دولتی که با شاه همراه باشد، بشدت به وجهه و

ص: ۳۲

مقبولیت خود ضربه زده و با این فرض که وی خود را فروخته، محبوبیتش سقوط کرده است. متین دفتری فکر می کند که باید خوشبین باشد که ۲۰ درصد برای دولت بختیار امکان موفقیت قائل گردد.

۲- جواب حاضر متین دفتری این بود که مسئله بر سر بختیار نیست، بلکه شاه است با سالها اختناق، فساد، دروغ و توسعه قلابی وی، مردم دیگر از مرز تحمل انسانی گذشته اند و پادشاه باید زود ایران را ترک کند، و گرنه وحشیگری که در مشهد و قزوین روی داد در شهرهای دیگر نیز تکرار خواهد شد. شاه بیش از یک حاکم تنفرانگیز ساده محسوب می شود. او به عنوان مظهر ناهماهنگی و کشمکشی که ایران را چون طاعون گرفته. شناخته شده است، در حال حاضر تنها مظهر وحدت امام خمینی می باشد. در حالی که به حضرت آیت الله (دام ظلّه) باید بیشتر به عنوان راهنمای اجتماعی مذهبی نگریست تا رهبر بالقوه سیاسی، در حال حاضر در ایران هیچ دولتی که مهر تأیید او را همراه نداشته باشد، موفق نمی شود.

۳- دولتی که نهایتاً در ایران توفیق می یابد آن خواهد بود که اعمال خود را بر این عقیده استوار کند که مردم ایران شایسته هستند و نظرات آنها را به حساب بیاورد. ایالات متحده با حمایت مصرانه، که در رابطه با شرایط فعلی قابل فهم نیست، از رژیم می که از مردم متنفر است، وجهه خوب خود را از بین برد. بسیاری از مردم ایران (احتمالاً شامل خود متین دفتری) فروش مقادیر عظیم تجهیزات غیر ضروری نظامی با قیمت‌های چند برابر به ایران را و حضور هزاران تکنسین، برای کار کردن با این تجهیزات که در ناز و نعمت نگه داشته می شوند و حقوقهای گزاف می گیرند، را برقراری دوباره و تغییر شکل داده شده امتیازات و حقوق کاپیتولاسیون، که مشخصه سه - چهار دهه آخر سلسله قاجار بود و از عوامل انقلاب مشروطه بوده، محسوب می کنند. انقلاب فعلی ایران به لغو تمام قراردادهایی که با شرکتهای آمریکایی با شرکتهای خارجی دیگر منعقد گشته و غیر عادلانه و استثمارگرانه به نظر می رسیدند، منتهی خواهد شد و خیلی از قراردادهایی که بر اساس تساوی حقوق طرفین منعقد شده اند اگر شرکتی آمریکایی در آنها دخیل باشد به خطر خواهد افتاد. اینکه خرید سلاحها و بستن قراردادها به درخواست دولت ایران بوده است، چندان اهمیتی ندارد، زیرا که رژیم شاه در تبنانی با ایالات متحده و علیه منافع حقیقی مردم ایران فرض می شود.

اگر آمریکا قصد دارد که روابط مطلوبی با ایران جدید داشته باشد، باید پی برد که چنین روابطی باید بر اساس تساوی استوار باشد.

۴- اظهار نظر: اظهارات متین دفتری چندان مطالب جدید یا متفاوت از آنچه که کارمند سفارت از تعداد دیگری از ایرانیان شنیده است، نداشت. به هر حال وی به عنوان فرزند یکی از نخست وزیران سابق و دخترزاده مصدق، مقام محترمی را در ردیف جناح مخالف اشغال می کند، اگر چه وی فعالیت سیاسی عمده ای ندارد. مردم از تمام بخشهای جامعه ایرانی مداوماً با وی در قصر قاجاریش برای درخواست کمک، مشاوره یا صحبت ساده تماس می گیرند. بنابراین نظرات متین دفتری حاوی عصاره طیف خیلی وسیعی در ایران می باشد و می تواند بیش از بسیاری ایرانیان معترض دیگر که پایگاه سنتی او را ندارند، به عنوان نماینده محسوب گردد. (پایان نظریه).





متین دفتری - ۲۵ شماره سند: ۹۶۳۵ تاریخ: ۳۰ اوت ۱۹۷۹ - ۸ شهریور ۱۳۵۸ از: سفارت آمریکا در تهران به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی-سی. ۳۵۴۲ طبقه بندی: محرمانه تهران ۹۶۳۵ موضوع: دستور دستگیری هدایت الله متین دفتری ۱- تمام متن محرمانه ۲- به دنبال خشونتی که در تظاهرات اعلام شده توسط جبهه دمکراتیک ملی برای حمایت از آزادی مطبوعات در ۱۲ اوت (۲۱ مرداد) پدید آمد، آیت الله احمد آذری قمی، دادستان تهران اختاریه دستگیری متین دفتری رهبر جبهه دمکراتیک را در رابطه با «شکایتهای مردم مجروح شده در ناآرامیها» صادر کرد.

در ۱۵ اوت (۲۴ مرداد)، قاضی آتشین مزاج دادگاه انقلاب اسلامی، خلخال، به یک جمعیت در قم گفت که او فکر می کند متین دفتری به سبب «آغاز هرج و مرج» باید اعدام شود.

۳- در جواب، رهبریت جبهه دموکراتیک ملی در ۱۶ اوت (۲۵ مرداد) اعلامیه ای صادر کرد که در آن تأکید می شد، متین دفتری هیچ گونه مسئولیت شخصی در برابر راهپیمایی نداشته و در هر صورت خشونت از جانب جبهه دمکراتیک که راهپیمایانش مورد حمله قلدلهای دست راستی قرار گرفتند، ناشی نمی شد.

۴- در عین حالی که در آغاز تردیدهایی وجود داشت که آیا قمی، دادستان اسلامی، حکم دستگیری خود را جدی تلقی می کند یا نه، منابع سفارت تصدیق می کنند که هم دادستان اسلامی و هم مقامات قم مصمم به محاکمه و دستگیری متین دفتری می باشند. منابع همچنین می گویند که در عین حالی که بعضی به طور رسمی در دولت موقت هستند که مایلند متین دفتری را تحت حمایت قرار دهند، ولی از انجام چنین کاری عاجزند.

۵ - روز ۲۲ اوت (۲۱ مرداد)، نزیه رئیس شرکت ملی نفت ایران در قم با خمینی ملاقات نمود و طی آن نامه ای از جامعه و کلا که نزیه، ظاهراً از طرف متین دفتری، بر آن ریاست می کند، تسلیم خمینی نمود. به هر حال، به نظر می رسد تقاضای نزیه چندان توفیقی نیافته است.

۶- بنا به گفته منابع سفارت، متین دفتری اینک در خفا به سر می برد و خانواده وی از جواب دادن تلفنها و از دادن اطلاعات حتی به دوستان، اجتناب می ورزند. با اینکه بعضی حدس می زنند که ممکن است وی تاکنون کشور را ترک کرده باشد، اکثر منابع احساس می کنند که او هنوز در ناحیه تهران باقی است.

۷- اظهارنظر: ما تصور می کنیم که متین دفتری می تواند اگر بخواهد از یکی از طرقی که به خوبی تثبیت شده ایران را ترک کند، اما ممکن است بخواهد به امید کاهش یافتن خشم، نسبت به نقش وی در مخالفت با تعطیل مطبوعات، باقی بماند.

تامست

**نهضت رادیکال**

ص: ۳۴

یادداشت مکالمه خیلی محرمانه شرکت کنندگان: مهندس رحمت الله مقدم از میاندوآب خلیل فلسفی، نماینده سابق مجلس از گرگان- فرناندو روندم دبیر سوم محل: اقامتگاه مهندس مقدم تاریخ ۱۱ ژانویه ۱۹۶۴ برابر ۲۱ دی ۱۳۴۲ پس از اینکه آقای مقدم را به مدت ۹ ماه ندیده بودم او را به نهار دعوت کردم. آقای مقدم اکنون با وزارت کشاورزی سروکار دارد. او قبلاً سرهنگ ارتش ایران بود و بعداً در دوره بیستم به عنوان نماینده میاندوآب وارد مجلس شد. در آنجا من خلیل فلسفی را که زمانی نماینده مجلس از گرگان بود و اکنون با وزارت دادگستری سروکار دارد، ملاقات کردم. هر دو انگلیسی صحبت می کنند.

در جریان گفت گو اظهار نظرهای زیر درباره موضوعات مختلف به میان آمد.

۱- محکومیت بازرگان. هر دو معتقد بودند که این موضوع وحشتناکی بود: «ضربه ای به آزادی در ایران».

۲- اصلاحات ارضی. مقدم معتقد بود که همه اینها وقتی شروع شد که شاه از اصلاحات مورد انتظار کندی در ارتباط با اتحاد برای ترقی مطلع شد. مقدم گفت در آن زمان شاه تصمیم گرفت به عنوان اصلاحگر بزرگ و رهبر روشنفکران جلوه کند. پس از دیدار با کندی شاه اصلاحات خود را با سرعتی چنان زیاد که «حتی دانشجویان نمی توانستند پایه پای آن حرکت کنند» به راه انداخت.

معدالکک علیرغم کف زدنهای آمریکای هنگامی که شاه پی برد که ایرانیها خودشان باید این اصلاحات را انجام دهند دچار سرخوردگی شد. این سرخوردگی هنگامی که شاه پی برد که ممکن است تاج و تخت را از بین ببرد، بیشتر هم شد.

هم فلسفی و هم مقدم، معتقد بودند که ایالات متحده «محرک» این اصلاحات ارضی بوده است.

هیچ کدام از آنها نمی توانستند تصور کنند که چرا، اگر ایالات متحده به عنوان محرک پشت سر اصلاحات ارضی قرار گرفته، این اصلاحات اکنون متوقف شده است. من در مقابل استدلال کردم که اصلاحات ارضی تا آنجا که من میدانم تمام نشده است. ولی آنها ظاهراً معتقد بودند که کنار رفتن ارسنجانی اصلاحات ارضی را به پایان رسانده است.

۳- طرحهای آبیاری. مقدم به عنوان شاهدی مبنی بر اینکه دولت پشتیبان اصلاحات ارضی نیست، این واقعیت را پیش کشید که برای سدهای بزرگ پول فراهم نمی شود و همچنین برای طرحهای آبیاری که از آنها کشاورزان می توانند استفاده کنند، پولی فراهم نمی شود. (گمان می کنم مقدم در اداره آبیاری وزارت کشاورزی کار می کند). ۴- قانون اساسی. دکتر فلسفی گفت: آقای روندم اگر شما قانون اساسی ما را بخوانید خواهید دانست که چرا ما از حکومت خود ناراضی هستیم.

۵- انتخابات. اگر انتخابات قبلی آزاد بود هر دوی آنها انتخاب می شدند ولی مردم اجازه ندارند که نامزدهای خود را انتخاب کنند.

۶- کمک نظامی آمریکا. هر دو درباره این موضوع دل چرکین بودند. آنها معتقد بودند که اگر ایالات متحده پول سربازان شاه را نمی داد، دیکتاتوری هم وجود نمی داشت. آنها گفتند هر چه باشد اگر پول ارتش



را شما نمی پرداختید، به طرف مردم ما شلیک نمی کرد (در اغتشاشات ماه ژوئن - ۱۵ خرداد) ۷- سرنگونی مصدق. من کوشیدم توضیح دهم که ایران متفق ماست و اینکه ما حکومت ایران را انتخاب نکرده ایم، ولی آنها و به طور اخص فلسفی به سرعت پاسخ دادند که ما (یعنی ایالات متحده) پس از آنکه مصدق را سرنگون کردیم دوباره شاه را به جای خود نشانیدیم. آنها گفتند که خود آقای آیزنهاور در یک مصاحبه اعتراف کرده است که ایالات متحده مصدق را سرنگون کرد.

من تکذیب کردم که حکومت ما حکومت‌های دیگران را سرنگون می کند و گفتم که چنین کاری ما را بسیار نیرومند و قدرتمند جلوه گر می سازد ولی تا آنجایی که دانش من اجازه می دهد ما چنین قدرت مطلقى نداریم.

۸- فسق و فجور. مقدم درباره افتتاح یک «باشگاه کلید» در دربند صحبت کرد و گفت که این بسیار ضداخلاقی است. ملک حسین و شاه در گشایش این باشگاه حضور داشتند. فلسفی در این باره چیزی ننشیده بود و بسیار علاقه نشان داد.

۹- مهندس مقدم و دکتر فلسفی ظاهراً معتقدند که رژیم «ضد قانون اساسی»، فاسد و برخوردار از پشتیبانی دلارهای آمریکایی، پس از موقعیت جزئی در زمان رفراندوم بار دیگر همان رژیم سابق و قدیمی است.

من نکوشیدم با این «نمایندگان» حقیقی طبقه متوسط وارد جر و بحث شوم بجز آنکه اعتقاد خود را درباره آنچه که سیاست آمریکاست بگویم و آن عبارت است از اینکه سیاست آمریکا پشتیبانی از اصلاحات و تمامیت ارضی و عدم مداخله و غیره است. ولی همه اینها به این منتهی شد که «شما از شاه پشتیبانی می کنید، ما نمی کنیم. شما اشتباهاً فکر می کنید که حق با شماست ولی ما به طور ساده می خواهیم به شما بگویم که حق با شما نیست.» نهضت رادیکال - ۲ گروه کارشناسان ایران در تهران اجتماع می کنند. گروه کارشناسان آب و نیرو و کشاورزی ایران دومین اجتماع ماهیانه خود را تشکیل داده است. مهندس رحمت الله مقدم طی سخنانی در این اجتماع، تاریخچه مختصری از تشکیل این گروه را که ابتدا توسط عده ای از کارشناسان کشاورزی بود شرح داد.

مهندس محمد علی رجالی در این جلسه درباره منابع آبی ایران و نتایج به دست آمده از سوی کمیته مطالعات آبی سخنانی ایراد کرد. (برای متن این سخنرانی خواهشمند است به بولتن بازرگانی ایران مراجعه کنید - اکو) یادداشت مکالمه خیلی محرمانه محل: رستوران ساندریز تاریخ: ۲۸ آوریل ۱۹۶۵ برابر ۸ اردیبهشت ۱۳۴۴ شرکت کنندگان: رحمت الله مقدم و آرچی ام بولستر سوء قصد مقدم ضمن تجزیه و تحلیل اثراتی که یک سوء قصد موفقیت آمیز علیه جان شاه ممکن بود داشته باشد، چنین تئوری بافی کرد که ناآرامیهای وسیعی صورت نمی گرفت و ارتش و نیروهای امنیتی بلافاصله

کنترل امور را در دست می گرفتند. ولی او معتقد بود که این دوران اولیه آرامش به زودی با مبارزه برای احراز قدرت در پشت پرده ها بر هم می خورد، اگر شاه در مرحله معینی داوطلبانه تصمیم بگیرد که به جای حکومت سلطنت کند، مقدم معتقد بود که چنین اقدامی منتهی به هرج و مرج خواهد شد.

حیثیت و اعتبار ایالات متحده مقدم معتقد است که حیثیت و اعتبار ایالات متحده از سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) به بعد در سطح پایینی قرار گرفته و تحت تأثیر مطالبی از قبیل لایحه وضع حقوقی (احتمالاً اشاره به قانون کاپیتولاسیون می باشد - م) و تجهیزات نظامی و پشتیبانیهای دیگری از این قبیل که به شاه داده شده است، قرار نگرفته است. مقدم این خط پیش پا افتاده را به نحو جدیدی بیان کرد. او ایران را در سال ۱۹۵۳ به یک مرد غریق تشبیه کرد و گفت که نجات دهنده (یعنی ایالات متحده) در بیرون راندن قربانی احتمالی و برای نجات او، به نحو کاملاً شایسته ای عمل کرده است. معذالک مقدم گفت سپس نجات دهنده قربانی احتمالی را دوباره و دوباره ضربه زد و مقصود او این بود که ایالات متحده امیدهای ایرانیان را برای دولتهای بهتر و مسئولتر با اتخاذ سیاست پشتیبانی از شاه تا حد اعلی، حتی تا مرحله پشتیبانی از دولتهای فاسد او، از میان برد. هنگامی که از او پرسیده شد که به عقیده او ایالات متحده چه کار باید بکند، مقدم پذیرفت که ما (مقصود آمریکا - م) مأموریت دشواری داریم که عبارت است از ادامه مناسبات با یک رژیم و کوشش برای اصلاح آن. در عین حال، مقدم گفت بیشتر ایرانیانی که با آنها در تماس است ایالات متحده را به خاطر پیش برد برنامه هایی از قبیل اصلاحات ارضی ارج می نهند و اکنون به خاطر عدم پیشرفت مداوم این اصلاحات ما را سرزنش می کنند.

مصدق مقدم خاطر نشان ساخت که او از طریق وسایلی که در اختیار دارد با مصدق در تماس است و پیشنهاد کرده است که مصدق همچنان از نفوذ عظیم خود در مردم ایران به منظور تغییر دادن آب و هوای سیاسی در ایران استفاده کند. او گفت مصدق به نامه او پاسخ داده و خواستار پیشنهادهای مشخص شده است. مصدق گفت او در نظر دارد به زودی پاسخ داده و پیشنهاد کند که اقداماتی از قبیل صدور اعلامیه یا نشر اوراق از سوی مصدق صورت گیرد. هنگامی که از او پرسیده شد که با توجه به احتیاطهای امنیتی دولت چگونه ممکن است چنین اقدامی صورت گیرد، مقدم گفت بهتر خواهد بود که مثلاً بعضی از اوراق پس از پخش توقیف شود، زیرا چنین کاری محبوبیت این اوراق و نشر آن را خواهد افزود.

زندگی ملایم سمت رسمی مقدم به عنوان مشاور سازمان آبیاری وابسته به وزارت آب و برق می باشد. او توضیح داد که داشتن سمت مشاور به معنی آن است که می تواند در خانه مانده و حقوق منظم خود را دریافت کند. او خاطر نشان ساخت که تا یک روز قبل از انجام این مکالمه سمتی برای او در وزارت در دسترس بوده است، ولی اکنون آن نمای ظاهری بر طرف شده است. مقدم گفت سالی یک یا دوبار از او خواسته می شود، که مسافرتهایی به منظور بازرسی از طرحها در نقاط مختلف ایران انجام دهد و جدیدترین مسافرت مشابه او

به مهاباد بوده است.

استفاده اداری محدود یادداشت مکالمه شرکت کنندگان: آقای رحمت الله مقدم از وزارت آب و برق آرچی بولستر دبیر دوم محل: اقامتگاه افسر گزارش دهنده تاریخ: ۱۷ اکتبر ۱۹۶۴ برابر ۲۵ مهر ۱۳۴۳ کنوانسیون وین هنگامی که مسئله کنوانسیون وین و اجرای آن در مورد پرسنل نظامی آمریکایی در ایران پیش کشیده شد مقدم داوطلبانه گفت که پس از رأی قریب به اتفاق به نفع لایحه دولت در مجلس سنا، شاه طبق شایعات جاری به جعفر شریف امامی رئیس مجلس سنا گفته بود که این رأی تقریباً یکجانبه بوده است. مقدم گفت که او از منابع دیگر کسب اطلاع کرده بود که مخالفت با این لایحه در مجلس از صحنه شاه برخوردار بود و اینکه شریف امامی در آن دست داشت و اینکه شاه از هلاکو رامبد، نماینده حزب مردم خواسته بود که رهبری مخالفان را در مجلس به دست گیرد. مقدم اظهار نظرهای دیگری درباره این لایحه نکرد.

سپاه ترویج و سایر سپاهها مقدم در جریان بحثی در وزارتخانه ای که او در آن کار می کند اظهار داشت که وزارت آب و برق جزء گروه وزارتخانه هایی که مأموریت سازمان دادن سپاه ترویج را عهده دار شده بودند (از قبیل وزارتخانه های کشاورزی، اقتصاد، عمران و مسکن و کشور گزارش الف ۱۶۱) در نظر گرفته نشده است.

او اظهار نظر کرد که این یک اشتباه بوده است، زیرا عمران در ایران بایستی شامل تصریحاتی در مورد آب و آبیاری و حفر چاه که تحت نظر وزارتخانه او است باشد. او فراتر رفته و گفت که به عقیده او اشاعه سپاههای مختلف یک نوع اداره سطحی طرحهای عمرانی است. زیرا سپاهها به منزله اسباب بازی شاه هستند که توجه اعلیحضرت را از کارهای عمرانی اساسی تر به دور می دارند.

ص: ۳۸

خیلی محرمانه ۱۱ می ۱۹۶۴ برابر ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۳ به آقای مارتین هرتر از فرناندو روندم ملاقات ادعایی بین علی امینی و اللهیار صالح طبق اظهار مهندس رحمت مقدم (نماینده سابق مجلس از میان دو آب و در حال حاضر یک کارمند جزء در وزارت آب و برق) وی ترتیب ملاقاتی را بین اللهیار صالح و علی امینی که قرار است در منزل او صورت بگیرد داده است. این ملاقات قرار بوده است اندکی قبل از عزیمت امینی صورت بگیرد ولی انجام نشده است. مقدم که مدعی است امینی را به طور مرتب می بیند وارد جزئیات نشد.

خیلی محرمانه یادداشت ۲۲ آوریل ۱۹۶۳ برابر ۲ اردیبهشت ۱۳۴۲ از فرناندو روندم قسمت اداری به چارلز راسیاس قسمت سیاسی موضوع رحمت مقدم من اولین بار با مقدم در واشنگتن در اواسط سال ۱۳۴۰ ملاقات کردم. پس از اینکه به ایران آمدم آقای مقدم مرا به رستورانی دعوت کرد و ما از خرداد سال ۱۳۴۱ به بعد چندین بار با یکدیگر در ضیافتها ملاقات کرده ایم.

آقای مقدم هر چند ظاهراً دارای رفتار ملایم و دوستانه است به نظر می آید که شدیداً با رژیم کنونی مخالف است. در جریان روزهای اولیه شورش یمن هنگامی که امام (امام یمن در آن موقع - م) مرده تصور می شد، آقای مقدم به من گفت چرا همین اتفاق نمی تواند در ایران روی دهد.

او ظاهراً تماس نزدیکی با بعضی از دانشجویان دانشگاه تهران دارد. او یک بار به گروه خود گفته بود که آنها باید در کلاس مکالماتی من در مرکز دانشجویی انجمن ایران و آمریکا حضور داشته باشند. آنها در پاسخ گفته بودند که صرفاً به این دلیل که این کلاس به سرپرستی انجمن ایران و آمریکاست نمی توانند در آن حضور داشته باشند.

پس از فرناندو مقدم اعتراف کرد که مخالفان شاه اکنون باید در انتظار بمانند و ببینند چه اتفاقی خواهد افتاد. او از پذیرفتن اینکه شاه یک پیروزی بزرگی به دست آورده است خودداری کرد، ولی در ضمن پذیرفت که قسمت اعظم سروصدای مخالفان (درباره اصلاحات ارضی و حقوق زنان و غیره) بر طرف شده است. مقدم ظاهراً با آمریکا دوست است. من هرگز ندیده ام که او تمایلات کمونیستی داشته باشد. او درباره حوادث جاری زیاد کتاب خوانده است و دوست دارد به ویژه در مورد شورشها و قیامها در سایر کشورها صحبت کند. به انگلیسی خوب صحبت می کند. او این تأثیر را ایجاد می کند که یک مرد صمیمی شرافتمند و عمیقاً مخالف با حکومت کنونی ایران است. او هرگز شکل دیگری از حکومت را برای ایران برای من ذکر نکرده است.

نهضت رادیکال - ۳ خیلی محرمانه تاریخ: ۲۸ می ۱۹۶۶ برابر ۷ خرداد ۱۳۴۵ لازمی سیماکیس از قسمت سیاسی یادداشت مکالمه در جریان مکالمه ای در رستوران هلستر بین آقای رحمت الله مقدم و آقای محمود طلوعی از خواندنیها، آقای مقدم خاطرنشان ساخت که هنگامی که در ایالات متحده بود. آقای امیرانی از مجله خواندنیها توانسته بود مقاله های نسبتاً طولانی و جالبی برای این مجله بنویسد. آقای طلوعی در پاسخ گفت که این مقالات مفصلتر بوده و او ناگزیر بود بعضی از قسمتهای تحریک آمیز آن را که در متن اصلی

وجود داشت حذف کند. آقای طلوعی بدون اینکه وارد جزئیات شود گفت: آنچه آقای امیرانی در متن اصلی نوشته بود ممکن بود در بعضی محافل چندان مورد استقبال قرار نگیرد.

اظهارنظر: آقای مقدم و آقای طلوعی ظاهراً مناسبات دوستانه با یکدیگر دارند. آقای مقدم به من گفت که او گهگاهی برای خواندنیها مقالاتی می نویسد که آنها را برای انتشار به آقای طلوعی می دهد.

گروه ۴ در فواصل سه ساله به طبقه پایین تر تنزل داده می شود.

پس از ۱۲ سال از طبقه بندی خارج می شود.

نهضت رادیکال - ۴ خیلی محرمانه یادداشت مکالمه تاریخ: ۱۱ ژوئن ۱۹۶۶ برابر ۲۱ خرداد ۱۳۴۵ موضوع: اوضاع سیاسی ایران شرکت کنندگان: آقای رحمت الله مقدم از سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد لاری سیماکیس، دبیر دوم محل: اقامتگاه آقای مقدم در جریان یک گپ در یک شب آقای مقدم نظریات خود را درباره اوضاع سیاسی جاری در ایران عنوان کرد و خاطر نشان ساخت که کنترل‌های سیاسی امروزه شدیدتر از هر زمانی در گذشته نزدیک بوده است. او گفت ایرانیان بیش از پیش حتی در میان خودشان نسبت به بحث سیاسی بی میلی نشان می دهند، مبادا خشم مقامات برانگیخته شود و باعث شود که آنها عواقب ناخوشایندی را به خاطر گستاخی که شایسته اتباع شاه نیست، تحمل کنند. در حالی که مخالفت با حکومت و به ویژه در میان اندیشمندان در تهران و آنهایی که در گذشته فعالیت سیاسی داشتند، وجود دارد. مقدم این اشخاص را چنین توصیف کرد که پراکنده و فاقد رهبر هستند. طبق اظهار مقدم آنهایی که با سیاستهای حکومت مخالف هستند بین خودشان درباره اینکه چگونه احساسات خود را نمایان سازند، در تفرقه به سر می برند و شاید آنچه که بیشتر اهمیت دارد این باشد که آنها به علت ناتوانی خود برای جلب پشتیبانی در جو سیاسی کنونی سرخورده شده اند.

آقای مقدم گفت در گذشته حکومت‌های ایران از سوی منتقدان داخلی درباره مسائلی که می توان آنها را در سه مقوله تقسیم کرد مورد انتقاد قرار می گرفتند و این سه مقوله عبارت است از:

۱- سیاست خارجی ۲- نفت ۳- سیاست داخلی او خاطر نشان ساخت که در حال حاضر سیاست دولت در دو مقوله اول یعنی سیاست خارجی و نفت از سوی آنهایی که مخالف رژیم هستند از لحاظ انتقاد آسیب پذیر نیست. ولی سیاستهای داخلی زمینه های پرباری برای حمله می باشند و به نظر می رسد که باعث ناخشنودی قابل ملاحظه ای در کشور شده اند. در این مرحله از سخنان او اظهار شگفتی کردم و خاطر نشان ساختم که شاه یک برنامه انقلابی اصلاحات



داخلی به راه انداخته است. من گفتم که در بعضی محافل عقیده بر آن است که شاه ردای ملی گرایان ایران را از آنها گرفته است. مقدم در پاسخ گفت که ابتدا برنامه های شاه احساساتی از امید در میان مردم تزریق کرد و لیکن شور و شوق اولیه که به وسیله برنامه اصلاحاتی ایجاد شده بود، اکنون در نتیجه مشکلات فزاینده ای که در اجرای اصلاحات مختلف به وجود آمده است رو به کاهش رفته. مقدم خاطرنشان ساخت که در حالی که وی مدعی نیست که همه چیز را در این باره می داند، نظر او این است که در ایران و به ویژه در تهران علیرغم رونق اقتصادی جاری در پایتخت نارضایتی وجود دارد و تهرانیها درباره طریقه ای که پولی که اکنون تحصیل می شود و به جیبهای اشخاص طرف توجه شاه سرازیر می شود و در مناطق روستایی کشاورزان نسبت به برنامه های اصلاحی که با دشواریهایی مواجه شده است «دل سرد» می شوند. آقای مقدم با تأکید گفت که شاه ردای ملی گرایان را بر خود نگرفته است و خاطرنشان ساخت که هنوز هم عقیده توده های وسیعی از مردم بر این است که آمریکاییها از شاه پشتیبانی می کنند. طبق اظهار مقدم شاه از پشتیبانی سیاسی در کشور، غیر از ارتش و نیروهای امنیتی و آنهایی که در اطراف او از مؤسسات مختلفی که به نام رشد اقتصادی به راه افتاده سود مادی می برند، برخوردار نیست. آقای مقدم خاطرنشان ساخت که اگر گلوله یک قاتل به هدف اصابت کند، آنهایی که اکنون از شاه پشتیبانی می کنند به سرعت از یک رهبر جدیدی که هر عقیده سیاسی می خواهد داشته باشد، پیروی خواهند کرد؛ زیرا آنهایی که در حال حاضر از شاه پشتیبانی می کنند تعهد واقعی نسبت به هیچ چیزی جز تأمین رفاه خود ندارند.

در این رابطه وی افزود که در حالی که مصدق پیرتر از آن است که نقش مثبتی در سیاست ایران ایفا کند، نام او هنوز هم یک جاذبه سحرآمیز در ایران دارد. مقدم گفت که او گاه گاهی با مصدق مکاتبه می کند و در گذشته قسمتهایی از نامه های او را در مقالات خود برای انتشار در روزنامه های مختلف گنجانده است.

مقدم اظهار نظر کرد که اگر شاه از صحنه ناپدید شود هر کس هر گونه ادعائی که برای رهبری داشته باشد باید از صحنه مصدق برای به دست آوردن پشتیبانی نسبی عمومی برخوردار شود. معذالک مقدم احساس می کند که در حال حاضر هیچ کس که واجد شرایط کافی برای رهبری و شهادت برای به مبارزه طلیدن رژیم کنونی باشد، وجود ندارد. هر چند به عقیده او این حکومت در زمینه سیاست داخلی در مقابل حملات آسیب پذیر است.

نهضت رادیکال - ۵ خیلی محرمانه یادداشت مکالمه تاریخ: اول اوت ۱۹۶۶ برابر ۱۰ مرداد ۱۳۴۵ موضوع: خرید احتمالی اسلحه شوروی از سوی شاه محل: اقامتگاه سیماکیس شرکت کنندگان: رحمت الله مقدم از سازمان خواروبار کشاورزی ملل متحد - لاری سیماکیس، دبیر دوم در جریان یک گپ در یک شب آقای مقدم در مورد خرید اسلحه شوروی از سوی شاه به شرح زیر اظهار نظر کرد.

آقای مقدم گفت که او اخیراً با دکتر عبده (سفیر ایران در هند) و امینی نخست وزیر سابق درباره

سیاستهای شاه صحبت کرده و اظهار نگرانی این دو را خاطر نشان ساخته است. طبق اظهار مقدم دکتر عبده در جریان یک شرفیابی نزد شاه او را بر این عقیده یافت که می داند چه می کند و مایل نیست روابط ایران و شوروی را مورد بحث قرار دهد.

دکتر عبده که طبق اظهار مقدم احساس کرده است که شاه از حدود معینی پافراتر گذاشته است، از قرار معلوم از این شرفیابی با این عقیده محکم خارج شد که شاه در آن وضع روحی نیست که با کسی مشورت کند. مقدم گفت که در گفتگو با امینی، نخست وزیر اسبق معتقد بود که شاه تصمیم خود را برای خرید اسلحه شوروی گرفته است. مقدم خرد شاه را در مورد این اقدام، به ویژه با توجه به نقشه های تاریخی روسها درباره ایران، در معرض سؤال قرار داد. ولی اظهار داشت که هنگامی که او نخستین بار درباره خرید احتمالی اسلحه از شوروی چیزی شنید، آن را به عنوان یک بلوف از سوی شاه برای به دست آوردن امتیازات بیشتر از ایالات متحده تعبیر کرد. او این احساس را داشت که بسیاری از ایرانیان نیز همین عقیده را دارند. معذالک هنگامی که قریب الوقوع بودن چنین معامله ای علنی شد مقدم احساس کرد که شاه خود را با چیزی که تا همین اواخر شاید او به عنوان یک بلوف تلقی می کرد «مات» کرده است.

آقای مقدم اعتراف کرد که او شخصاً درباره این موضوع دو عقیده دارد: از یک سو به عنوان یک ملی گرای ایرانی او درباره تهدید احتمالی به تمامیت ملی ایران در نتیجه حضور نظامی شوروی نگران است. از سوی دیگر او و دوستان نزدیکش (که با اسم مشخص نشدند ولی تصور می شود حدود ۱۰ تا ۱۲ روشنفکر هستند که دارای تمایلات نیرومند جبهه ملی می باشند و مقدم با آنها به طور منظم ملاقات می کند) امیدوارند که شاه سرانجام از حدود مشروع خود تجاوز کرده و اینکه نیروهایی وارد میدان خواهند شد که او را (مقصود شاه را) از تخت سرنگون خواهند کرد و ایران را آزاد خواهند ساخت. طبق اظهار مقدم ایرانیان اکنون کنار گود ایستاده و در انتظار عکس العمل ایالات متحده هستند. در صورتی که شاه از شوروی اسلحه خریداری کند، در بعضی محافل پیش بینی هایی می شود که ایالات متحده، یک ایالات متحده ناخشنود کاری خواهد کرد که روزهای بقای شاه را بتوان به شمارش در آورد.

من پاسخ دادم که هر چه زودتر ایرانیان از این رؤیاهای خلاصی بیابند، همان قدر بهتر خواهد بود. من تأکید کردم که ایالات متحده مدت طولانی برای ایجاد یک ایران مستقل کار کرده است و بنابر این کاملاً آماده است تصمیمات مستقل حکومت ایران راحتی هنگامی که به قضاوت حکومت ایالات متحده چنین تصمیماتی بر خلاف مصلحت است، بپذیرد. مقدم که از پاسخ به من اندکی یکه خورده بود، سرخوردگی خود را ابراز داشت و گفت که سخنان من او را درباره آینده ایران «بدبین» کرده است، زیرا او احساس می کند که شورویها از فرصت استفاده کرده و به شاه اسلحه خواهند فروخت و بدین وسیله بر نفوذ خود در ایران خواهند افزود. من از مقدم پرسیدم که آیا خرید اسلحه شوروی به وسیله شاه ممکن نیست از سوی ایرانیان مورد استقبال قرار گیرد، زیرا چنین اقدامی را می توان به عنوان یک شاهد ملموسی از یک پادشاه مستقل که یک کشور مستقل را رهبری می کند تلقی کرد. مقدم در پاسخ گفت که بیشتر مردم در ایران همچنان «دست آمریکا را» در پشت شاه خواهند دید و چنین تعبیر خواهند کرد که این اقدام (مقصود خرید اسلحه از شوروی) هنگامی که عملی شود اقدامی خواهد بود که از سوی واشنگتن برای بالا بردن حیثیت شاه به عنوان یک رهبر مستقل مورد توافق قرار گرفته است. مقدم در حالی که از یک لیوان براندی مزمه می کرد وارد بحث گرمی درباره چهره شاه در ایران شد و دوباره به «روزهای خوب قدیم» دوران



بازگشت، هنگامی که ایران «حقیقتاً مستقل» بود. او توجه مرا به این موضوع جلب کرد، که نباید اصطلاح سیاستهای مستقل شاه را با سیاست مستقل مصدق که در واقع رهبر ملی پذیرفته شده ایران بود و از پشتیبانی فعال مردم ایران برخوردار بود، اشتباه کرد. او خاطرنشان ساخت که مانورهای سیاست خارجی، شاه کوششهای بی ثمری از جانب او برای جلب پشتیبانی عوام الناس است. او اظهار عقیده کرد که تاکنون شاه تأثیر ناچیزی بر روی ایرانیان داشته است.

مقدم به من گفت که او در نظر دارد مقاله لوموند را درباره ایران که طی آن سیاستهای اقتصادی و خارجی شاه مورد بحث قرار گرفته، برای مصدق بفرستد. وی خاطرنشان ساخت که او و دوستانش علاقمندند نظریات مصدق را درباره سیاستهای شاه به ویژه درباره خرید اسلحه از شوروی بدانند. و گفت آنچه در این باره کسب اطلاع کند، به من خواهد گفت.

اظهار نظر: اشارات آقای مقدم به عقیده من نمونه ای از طرز فکر آن عده از محافل ایرانی است که هنوز هم به خاطره جبهه ملی چسبیده اند و برای الهام گرفتن چشم به مصدق دوخته اند.

نهضت رادیکال - ۶ خیلی محرمانه یادداشت مکالمه موضوع: از امینی نخست وزیر اسبق - خواسته شده تا یک گروه بندی سیاسی تشکیل دهد شرکت کنندگان: آقای رحمت الله مقدم از سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد-لاری سیماکیس، دبیر دوم سفارت تاریخ: ۱۲ اکتبر ۱۹۶۶ برابر ۲۰ مهر ۱۳۴۵ محل: اقامتگاه سیماکیس در جریان یک بحث عمومی درباره اوضاع داخلی سیاسی ایران آقای مقدم گفت که او با امینی نخست وزیر اسبق روز قبل صحبت کرده و از او خواسته است که درباره امکان سازمان دادن یک گروه بندی سیاسی که ممکن است اجازه یابد در انتخابات عمومی سال ۱۳۴۶ شرکت کند، تحقیق کند.

آقای مقدم گفت که تنها او نبوده است که امینی را برای فعالیت در این زمینه ترغیب کرده است و خاطرنشان ساخت که دوستان دیگر و همکاران نخست وزیر اسبق از جمله چند نفر از پیروان حسین ملکی، رهبر حزب سوسیالیست، پیشنهاد کرده اند، که یک گروه بندی سیاسی جدید تحت رهبری امینی تشکیل شود.

آقای مقدم (که خود نسبت به جبهه ملی تمایلاتی دارد) توضیح داد که اشخاص مختلفی که در گذشته از لحاظ سیاسی فعال بوده اند، اکنون می کوشند دور امینی گرد آیند، زیرا آنها استقلال فکری و حیثیت و اعتبار او را محترم می شمارند. مقدم همچنین خاطرنشان ساخت که آنهایی که دور امینی هستند امیدوارند که به امینی اجازه داده خواهد شد، فعالیت سیاسی داشته باشد، زیرا آنها معتقدند که شاه به امینی اعتماد خواهد داشت که وی حاکمیت او را به مبارزه نطلبد یا بگذارد کنترل امور از دستش خارج شود. مقدم همچنین خاطرنشان ساخت که هیچ کس در اطراف امینی در نظر ندارد قبل از رضایت شاه دست به فعالیت سیاسی بزند. من از مقدم درباره روش امینی نسبت به اصرار دوستان خود پرسیدم. مقدم در پاسخ گفت که امینی در گفتگو با اشخاص مختلف اظهار علاقه کرده است، ولی مشروط بر اینکه شاه فعالیت سیاسی او را

اظهار نظر: هر چند مقدم گفت که دیگران به امینی اصرار می کنند که اقدام کند، هیچ بعید نیست که خود امینی تصمیم گرفته باشد که این شایعه جریان پیدا کند تا او نقشی را که شاه در انتخابات آینده برایش مناسب بداند، ایفا کند. معذالک بعید به نظر می رسد که شاه با نقش امینی به عنوان رهبر حزب موافقت کند و خوش بینی ابراز شده در این زمینه از سوی اطرافیان امینی تنها یک آرزو است. معذالک جالب است که خاطرنشان شود که آنهایی که نسبت به رژیم کنونی چندان نظر مساعدی ندارند ظاهراً آماده و حتی مشتاقند که به نحوی با شاه سازش کنند. هر چند هر گونه ترتیبی که داده شود در بهترین وضعیت باعث خواهد شد حداقل فعالیت سیاسی در چهارچوب یک سیستم تحت کنترل شدید اجازه داده شود.

نهضت رادیکال - ۷ خیلی محرمانه یادداشت برای بایگانی شرکت کنندگان: رحمت الله مقدم، لاری سیماکیس محل: نهارخوری انجمن ایران و آمریکا تاریخ: ۱۸ فوریه ۱۹۶۷ برابر ۲۹ بهمن ۱۳۴۵ موضوع: با مسئولیت خودت وارد معرکه شو آقای مقدم از سمت خودش در سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (که تحت نظر وزارت آب و برق کار می کرد) اخراج شده است. او مدعی است که نقش او در سازمان دادن یک گروه بندی حرفه ای از مهندسان ایران بیش از یک سال قبل و یک حادثه که انعکاسهای سیاسی داشته و در تابستان گذشته در ارتباط با این گروه بندی روی داده است، باعث اخراج او گردیده است.

تا تابستان گذشته گروه مهندسان که گفته می شود حدود ۵۰ نفر را در برمی گیرد به طور متوسط ماهی یک بار با آگاهی کامل مقامات اجتماع می کردند. در یک جلسه در اواخر بهار ۱۳۴۵ تصمیم گرفته شد که نامه ای به شاه نوشته شده و از او تقاضا شود تا از مهندسان ایرانی در اجرای اصلاحات کشاورزی استفاده بیشتری به عمل آید. این نامه ظاهراً در بعضی محافل به عنوان انتقادی از «انقلاب سفید» تعبیر شد، زیرا به هنگامی که اعضای گروه در هتل ونک برای جلسه بعدی در تاریخ خرداد ۱۳۴۵ اجتماع کرده بودند، مقامات امنیتی روی آورده و به هر یک از شرکت کنندگان گفتند که به منزل بروند. نامه ای در اعتراض به این اقدام مقامات امنیتی بعداً از سوی مهندسان به دبیرخانه (دفتر مخصوص) شاه فرستاده شد و تقاضا شد که به گروه اجازه فعالیت مجدد داده شود.

طبق اظهار مقدم تا تاریخ ۴ دی ۱۳۴۵ اتفاقی نیفتاد، تا اینکه یادداشتی به امضای روحانی وزیر آب و برق به او تسلیم شد که در آن گفته شده بود که خدمات او دیگر مورد نیاز نیست. مقدم مدعی است که از خبرچینیهای داخل وزارتخانه و همچنین در جاهای دیگر کسب اطلاع کرده است که اخراج او نتیجه مستقیم فعالیت او در گروه مهندسان بوده است.

آنچه موجب طنز است این است که، در حالی که تصور می شود اخراج مقدم به علت اشتغال در فعالیتهایی بوده که برای یک کارمند دولت مناسب تشخیص داده نشده است، مهندسان در هفته دوم دیماه

۱۳۴۵ نامه ای از دبیرخانه شاه دریافت کردند که به موجب آن به گروه اجازه داده می شود اجتماعات مرتب خود را برای بحث درباره مسائل حرفه ای از سر گیرند.

اظهارنظر: آنهایی که اعضای گروه مهندسان بودند تجربیات تابستان گذشته خود را به این زودی فراموش نخواهد کرد و همچنین درس عبرت مقدم از سوی آن مهندسان در این گروه که از حکومت پول می گیرند، نادیده گرفته نخواهد شد.

نهضت رادیکال - ۸ خیلی محرمانه یادداشت مکالمه شرک کنندگان: رحمت الله مقدم، مهندس (متماثل نسبت به جبهه ملی ولی عضو فعال هیچ گروهی نیست) لاری سیماکیس، دبیر دوم سفارت تاریخ: ۲۶ فوریه ۱۹۶۸ برابر ۷ اسفند ۱۳۴۶ محل: اقامتگاه مقدم موضوع: علی امینی نخست وزیر اسبق طبق اظهار مقدم، امینی ۱۰ روز قبل شنیده بود که ساواک گزارشی درباره اینکه وی سرگرم فعالیت سیاسی است به شاه تسلیم کرده است. امینی چند روز قبل درباره این گزارش به مقدم و دیگران اطلاع داده و اظهار نظر کرده است که یک حادثه شومی بایستی در پیش باشد. امینی همچنین گفت که او از دوستی شنیده است که علم به مردم می گوید که امینی قصد دارد بار دیگر به عنوان نخست وزیر وارد صحنه شود.

امینی این را نیز به عنوان نشانه ای از اینکه توطئه ای علیه او در جریان است، تعبیر کرد.

مقدم که از هفته گذشته با امینی در تماس نبوده است، معتقد است که زمینه برای اقدام قانونی جاری برای امینی در شرف چیده شدن است. مقدم از یک دوست شنیده است که صدر وزیر - دادگستری - نمی خواهد طرف این دعوا علیه امینی واقع شود و اینکه صدر ترجیح داده است برای اجتناب از همدستی در این موضوع کشور را ترک کند، و اینکه یگانه در وزارت دادگستری مأمور شده است این کار کثیف را انجام دهد.

مقدم آن گاه شروع به یافتن حدسیات درباره آنچه که ممکن است انگیزه این اقدام باشد نمود. او معتقد است که اکنون برای شاه و آنهایی که نزدیک به تاج و تخت هستند روشن و روشنتر می شود که هویدا کشور را دچار دردسرهای اقتصادی عمیقی می کند و این امر باعث جریان شایعاتی شده است که طرحهای تغییر نخست وزیر در جریان است. نام امینی به عنوان یک جانشین احتمالی در محافل برده می شود و ایرانیان طغیان غضب اخیر هویدا را علیه «آنهایی که آلت دست بیگانگان هستند» به عنوان حمله ای علیه امینی تلقی کرده اند. اقدام علیه امینی از نظر مقدم دلالت بر آن می کند که شاه متقاعد شده است که از قد و قامت امینی باید کاسته شود. مقدم معتقد نیست که از فعل و انفعالات درباری نتیجه ای به دست آید و معتقد است که آنهایی که به عنوان انگیزه این فعل و انفعالات کار می کنند، اگر افکار عمومی دستخوش این تأثیر قرار گیرد که امینی به نحوی از انحاء در سوء اداره مقصر شناخته شده است به هدف خود خواهند رسید. طبق عرف، امینی حق آن را خواهد داشت که از طریق مطبوعات اتهامات نسبت داده شده به خود را رفع کند.

معدالک مقدم شک دارد از اینکه حکومت اجازه دهد که مطبوعات نظریات امینی را منعکس کنند.

اظهارنظر: مقدم از پیروان امینی است، بنابراین حدسیات او را باید با احتیاط تلقی کرد.

نهضت رادیکال - ۹ یادداشت مکالمه خیلی محرمانه شرکت کنندگان: رحمت الله مقدم، مهندس (متمایل نسبت به جبهه ملی ولی عضو فعال هیچ گروهی نیست) لاری سیماکیس، دبیر دوم تاریخ: ۲۸ فوریه ۱۹۶۸ برابر ۹ اسفند ۱۳۴۶ محل: اقامتگاه مقدم موضوع: علی امینی امینی روز ۸ اسفند به مقدم گفت که شاه قبل از عزیمت به اروپا به هویدا دستور داده است تا علیه امینی وارد عمل شود. طبق اظهار مقدم، امینی از این موضوع از طریق شخصی که با هویدا در رابطه است، خبردار شده است.

مقدم امینی را به عنوان تنها رهبر سیاسی در ایران که می تواند برای شاه گرفتاری فراهم کند توصیف کرد. احساس امینی درباره اینکه اقتصاد ایران دستخوش دشواری است و عقیده او درباره اینکه شاه در جهت مناسبات اقتصادی با بلوک (شرق - م) بسیار فراتر رفته است و اختلاف او با روش شاه نسبت به جهان عرب در محافل سیاسی با نفوذ به خوبی شناخته شده است. مخالفت امینی با سیاستهای شاه او را به صورت یک نامزد پر جاذبه برای گروههای مختلف سیاسی که در جستجوی یک رهبر هستند در می آورد.

مقدم معتقد است که شاه زمان را برای اینکه امینی را سر جای خودش بنشانند و به این ترتیب هرگونه تهدید احتمالی او را به شکل جاری ثبات سیاست از میان بردارد مناسب تشخیص داده است.

مقدم علاوه بر این شنیده است که هنگامی که انصاری سفیر ایران در ایالات متحده در تهران بود به شاه گزارش داده است که کنسرسیوم از حکومت ایران با ترکیب کنونی آن چندان دل خوشی ندارد. مقدم حدس می زند که شاه معتقد است که امینی «سوگلی» کنسرسیوم است و اینکه بنابراین شاه تصمیم دارد امینی را به جای خودش بنشانند.

نهضت رادیکال - ۱۰ سری - در دسترسی خارجیان قرار نگیرد شرکت کنندگان: رحمت الله مقدم، مهندس کشاورزی - لاری سیماکیس دبیر دوم سفارت محل: رستوران چت نیک تاریخ: ۶ ژوئن ۱۹۶۸ برابر ۱۶ خرداد ۱۳۴۷ موضوع: دیدار «کارلانیر» از خلیل ملکی خلیل ملکی (رهبر حزب سوسیالیست ایران که فعالیتهايش تحت نظر ساواک قرار گرفته) به مقدم گفت که کارلانیر تلفنی از او تقاضای وعده ملاقات کرده است. ترتیب ملاقاتی داده شده ولی اندکی قبل از اینکه ملاقات صورت بگیرد، ملکی پیام تلفنی از دکتر محمد باهری (معاون وزارت دربار) دریافت کرد. پس از

اینکه به ملکی گفت که حکومت از ملاقات او با کارلانیر اطلاع دارد به او توصیه کرد که مراقب حرفهایی که به مهمان خود زده است، اگر می داند چه چیزی برای او خوب است، باشد. ملکی به مقدم گفت که او این «توصیه» را در جریان صحبت با کارلانیر رعایت کرده است.

نهضت رادیکال - ۱۱ خیلی محرمانه شرکت کنندگان: رحمت الله مقدم - لاری سیماکیس، دبیر دوم سفارت یادداشت مکالمه شرکت کنندگان: ۱۷ اکتبر ۱۹۶۸ برابر مهر محل: اقامتگاه مقدم موضوع: الکسیس دتوکویل در ایران به خاک می افتد.

مقدم که زبان فرانسه اش بسیار روان است چندین سال بر روی ترجمه جلد اول کتاب دتوکویل به نام «دمکراسی در آمریکا» به زبان فارسی کار کرده است. کار ترجمه تحت سرپرستی انتشارات فرانکلین و زیر نظر بنیاد پهلوی انجام شده است. هنگامی که ترجمه تکمیل شد، مقدم کار خود را برای تصحیح و تصویب به کارمندان فرانکلین سپرد. سناتور محمد سعیدی که یک عضو پروپا قرص این مؤسسه است و نیز تسلط کامل به زبان فرانسه دارد، مسئول تأمین این موضوع بود که ترجمه فارسی اثر کلاسیک دتوکویل حساسیتهای سیاسی جاری ایران را نرنجاند.

سناتور سعیدی طبق اظهار مقدم در کارش بسیار جامع بود و زحمت زیادی کشید برای آنکه عبارتهایی را که حتی از فاصله دور، از نهاد سلطنت انتقاد می کرد تغییر دهد یا حذف کند. به دلیلی که توضیح داده نشده است، سعیدی عنوان کتاب را بر روی جلد به زبان فارسی به «دموکراسی در دنیای جدید» تغییر داده هر چند عنوان دقیقتر اجازه داده شد که در رأس صفحات داخلی باقی بماند. عبارت «سلطنت مطلقه» در متن به «حکومت خودکامه» تغییر یافت و بدین ترتیب معنی دتوکویل در بعضی قطعات تحریف شد.

مقدم این تغییرات را با کمال لطف پذیرفت و یک ماه قبل با خوشوقتی چند نسخه از اولین ترجمه منتشر شده اثر دتوکویل را دریافت کرد. اندکی پس از انتشار و توزیع این کتاب مقامات تصمیم معکوس گرفتند و با عجله مانع توزیع بیشتر این کتاب شدند. آنها همچنین نسخه هایی را که قبلاً توزیع شده بود در صورت دسترسی به آنها جمع آوری کردند. مقدم نمی داند چرا این کار صورت گرفت، ولی او حدس می زند که یک نفر که با شاه تماسی نزدیک داشته و حتی پس از تغییراتی که سعیدی در آن داده، درباره متن به دشواریهایی برخورد کرده است و این اقدام لازم تشخیص داده شده است.

در ضمن مقدم مدعی است که محافل روشنفکری در ایران آگاهند که ترجمه موجود است و مبالغی بیش از ۴۵۰ ریال قیمت کتاب برای به دست آوردن نسخه هایی که از کوششهای جمع آوری مقامات جان سالم به در برده می پردازند. مقدم شخصاً یک نسخه از این کتاب را به دوست خود امینی نخست وزیر اسبق داده بود و امینی درباره این ماجرا گفت که این یکی از دلایل آشکار رفتار ناهنجار رژیم شاه است.

اظهارنظر: کمتر احتمال داده می شود که منع ترجمه این کتاب مدت طولانی دوام داشته باشد. به ویژه از این لحاظ که شایع شده است که این ترجمه وجود دارد و از آنجایی که برای چاپ چند هزار نسخه از آن



پول کلانی پرداخت شده است. از سوی دیگر ترجمه کنونی ممکن است به حق قبل از انتشار دستخوش تغییرات بیشتری به شود.

مقدم احساس می کند که تغییراتی که تاکنون از طرف سعیدی داده شده معنای واقعی نویسنده را تحریف کرده است. آیا ما جرأت داریم امیدوار باشیم، که مقامات کتاب را برای باطل کردن ستمی که سعیدی سانسورچی در مورد آن مرتکب شده است، پس بگیرند.

نهضت رادیکال - ۱۲ خیلی محرمانه یادداشت مکالمه شرکت کنندگان: رحمت الله مقدم، مهندس کشاورزی - لاری سیماکیس، دبیر دوم سفارت تاریخ: ۱۴ دسامبر ۱۹۶۸ برابر ۲۳ آذر ۱۳۴۷ محل: اقامتگاه مقدم دستگیرها مقدم خبر دستگیری ۱۴ جوان ایرانی را شنیده است. او گفت که دستگیرها حدود یک سال قبل صورت گرفته و یکی از دستگیرشدگان به نام بیژن جزنی برادر کوچکتر رحمت الله جزنی است. مقدم، رحمت الله جزنی را به عنوان یک دست چپی افراطی (اگر نه یک عضو فعال حزب توده) توصیف کرد که به دلایلی در معرض لطف رژیم قرار گرفته و در دستگاه کمیته انقلاب که سال گذشته پس از کنگره اداری برای نظارت بر اصلاحات اداری تشکیل شد بود، عضویت دارد. رحمت الله جزنی همچنین شوهر خواهر صفی اصفیا، معاون نخست وزیر است. بیژن جزنی در جهت گیرهای برادر ارشد خود سهیم است. طبق اظهار مقدم، جزنی و ۱۳ نفر دیگر به اتهام داشتن ادبیات چین کمونیست و برقراری تماس با «عناصر» چین کمونیست دستگیر شده اند. مقدم همچنین شنیده است که ۳۰ نفر از اعضای سپاه دانش، یک هفته قبل همچنین به خاطر داشتن ادبیات چین کمونیست و تماس با «عناصر» چین کمونیست دستگیر شده اند.

ایران و عربستان سعودی مقدم گفت که گذرنامه هایی که در حال حاضر برای ایرانیان که قصد سفر به خارج دارند صادر می شود، حاوی یک محدودیت درباره سفر به لبنان و عربستان سعودی است. به یک دوست بازرگان او گفته شده است که او نمی تواند به عربستان سعودی سفر کند. مقدم احساس می کند که محدودیت سفر به لبنان با مسئله ژنرال بختیار بین ایران و لبنان ارتباط دارد. ولی درباره محدودیت سفر به عربستان سعودی که از قرار معلوم پس از دیدار شاه از این کشور صورت گرفت، او دچار سرگشتگی شده است.

نهضت رادیکال - ۱۳ یادداشت مکالمه خیلی محرمانه شرکت کنندگان: رحمت الله مقدم، مهندس کشاورزی - لاری سیماکیس، دبیر دوم سفارت محل: انجمن ایران و آمریکا تاریخ: ۱۵ فوریه ۱۹۶۹ برابر ۶ اسفند ۱۳۴۷ موضوع: سانسور و امینی نخست وزیر اسبق مقدم که از خوانندگان پرولع نشریه سیاست خارجی است گفت که وی مقاله «نیرو و نیروی متقابل» که در شماره اکتبر ۱۹۶۸ این مجله درج شده بود را بسیار جالب تشخیص داده است. او تصمیم گرفته که این مقاله را به زبان فارسی ترجمه کرده و آن را به روزنامه آیندگان برای انتشار تسلیم کند. مقاله مورد بحث در آیندگان منتشر شد. ولی قبلاً سانسور چیان ایران قسمتی از مقاله را که از اتحاد شوروی انتقاد می کرد، حذف کرده بودند. پرویز راین خبرنگار خبرگزاری آسوشیتدپرس برادری دارد که در مورد نهضت فراماسونری در ایران تفحص می کند و کتابی در آن باره نوشته است. این کتاب از فراماسونری انتقاد کرده و از قرار معلوم مطالب زنده ای درباره چندین شخصیت ایرانی زنده و فوت شده دارد. این کتاب ظاهراً از سانسور گذشته و برای توزیع چاپ شد است. معذالک در آخرین لحظات مقامات تصمیم گرفتند که از توزیع آن جلوگیری کنند (از قرار معلوم در نتیجه فشار شخصیت‌های برجسته که با فراماسونری ارتباط داشتند) و طبق اظهار مقدم یک نماینده علم، وزیر دربار به راین اطمینان داده است که به زودی توزیع این کتاب اجازه داده خواهد شد.

امینی نخست وزیر اسبق مقدم گفت او امینی را در بامداد امروز دیده است و اینکه نخست وزیر اسبق خاطر نشان ساخته است که اقتصاد ایران می رود، که گرفتار مخمصه عمیقی شود. این چشم انداز بدبینانه مبتنی بر بررسی بودجه از سوی امینی و برآوردهای درآمد ایران است. امینی همچنین پیش بینی کرده است که شاه در آینده نزدیک و شاید پس از نوروز هویدا را مرخص خواهد کرد.

اظهار نظر: امینی درباره امور اقتصاد همیشه یک کاساندر را بوده است (کاساندر: غیب گوی شوم - مترجم) پیشگوییهای امینی هنوز باید حقیقت خود را به ثبوت برساند. سیماکیس نهضت رادیکال - ۱۴ استفاده محدود اداری یادداشت مکالمه موضوع: تروریسم، مهدوی وزیر بازرگانی، فساد نیروی هوایی و اوضاع کشاورزی شرکت کنندگان: رحمت الله مقدم مشاور وزارت آب و برق و عضو سابق جبهه ملی آرچی. ام. بولستر مأمور سیاسی سفارت آمریکا در تهران محل و تاریخ: رستوران تیفانی، ۲۶ ژانویه ۱۹۷۶ برابر ۶ بهمن ۱۳۵۴ تبصره: مقدم یک عضو جبهه ملی تجدید سازمان نشده است و همیشه در عملیات حکومت بدترین جنبه را می بیند. بنابراین اظهار نظرهای منفی او درباره کارمندان حکومت ایران و سیاستهای این حکومت باید با توجه به این جنبه مورد بررسی قرار گیرد.

تروریسم طبق اظهار مقدم مردم درباره جرم نه نفر تروریست اعدام شده در تاریخ ۲۴ ژانویه مشکوک هستند.

بسیاری معتقدند که حکومت ایران ممکن است قتل سرهنگ شافر و سرهنگ ترنر را برای توجیه اظهارات علنی شاه درباره اینکه زندانی سیاسی در ایران وجود ندارد، و تنها تروریستها وجود دارند و برای توجیه سرکوبی شدید مخالفان ترتیب داده شده باشد. داستان به این ترتیب تمام می شود، که حکومت ایران این ۹ متهم را بایستی می کشت تا همه ردها را از بین ببرد. این واقعیت که محاکمات سری بوده به عقیده او نشان دهنده بی میلی حکومت در آن است که حقیقت اوضاع برای مردم روشن شود.

مقدم گفت گزارشهای روزنامه ها درباره قتل تروریستها در ساری، آمل و گرگان تا اندازه ای فاقد دقت است. یک دختر که در آمل دستگیر شد سرنخی درباره مخفیگاهی در گرگان به پلیس داد. بنابراین پلیس خانه مظنون را محاصره کرد و هنگامی که صدای شلیک از داخل خانه شنیده شد آن را مورد حمله قرار داد. هنگامی که خانه با حمله تصرف شد در داخل آن تنها یک نوار ضبط صوت پیدا شد که به طور مداوم صدای شلیک تفنگ پخش می کرد. تروریستها فرار کرده و همچنان در آزادی به سر می برند. مقدم گفت که این داستان از یک دوست که در گرگان زندگی می کرد به دست آمده است و اصرار داشت که حقیقت دارد.

مهدوی، وزیر بازرگانی یکی از دوستان مقدم گفت عقیده عمومی بر این است که مهدوی بالاخره به عنوان نخست وزیر جانشین هویدا خواهد شد. به شیوه مخصوص ایرانیها گفته شده است که مهدوی به علت پشتیبانی آمریکایی از کیفیت تکنوکراسی او سمت کنونی خود را به دست آورده است. ادامه پشتیبانی آمریکایی، سمت نخست وزیری را برای او تأمین خواهد کرد. به موجب شایعاتی مهدوی به اتهام کسری ۳۰۰ میلیون ریال که در دفاتر بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران که مهدوی، قبل از اینکه در سال ۱۹۷۴ به وزارت برسد ریاست آن را داشت، در معرض بازجویی قرار گرفته است.

فساد نیروی هوایی مقدم گفت او شنیده است که حدود سی افسر نیروی هوایی به خاطر فعالیتهای مفسده آمیز در بازداشت به سر می برند. این تحقیقات ممکن است همچنین ژنرال خاتمی مرحوم را نیز دربر بگیرد و بدین ترتیب شایعات مبنی بر اینکه مرگ او در سانحه کایت برای اجتناب از دردسرهای حکومت ایران پس از آشکار شدن حقایق بوده است، تقویت می شود.

عقب ماندگی در تولیدات کشاورزی مقدم در حالی که به یکی از موضوعات تکراری مکالمه خود اشاره می کرد اظهار نظر کرد، تولید کشاورزی ایران همچنان عقب تر از حد نصابی است که باید دارا می شد. او به تازگی از اهواز در تاریخ ۲۷ ژانویه بازگشته است. در اهواز او کسب اطلاع کرده است که یکی از بزرگترین مؤسسات کشاورزی و بازرگانی در این منطقه زمین خود را می فروشد. او گفت در اهواز همه می دانند که جمشید مدحت، مدیر عامل، می کوشد تمام مالکیت زمینی شرکت ایران - کالیفرنیا را به احتمال در قطعات هزار هکتاری که

می تواند توسط افراد یا خانواده ها کشت و پرورش یابد بفروشد. به نظر مقدم این شکست و کوتاهی نشان می دهد که کشاورزی به مقیاس بزرگ در ایران نیازمند مساعدت از سوی دولت است اگر قرار باشد سودآور باشد. مقدم اخیراً نسخه ای از گزارش جامع درباره کشاورزی ایران را که از سوی شرکت خدماتی کشاورزی و تکنیکی بوکرز در انگلستان تهیه شده، دریافت کرده است. در این گزارش توصیه شده است که یک « نقشه جامع » برای کشاورزی ایران تهیه شود؛ هر چند مقدم این نقشه را به تفصیل مطالعه نکرده است.

وی معتقد است این گزارش مشاوران کلی تر از آن است که ارزش عملی داشته باشد. مقدم اخیراً مقاله ای در مجله خواندنیها درج کرده است و در آن بعضی از نقاط ضعف سیاست کشاورزی حکومت ایران را تشریح کرده است. او اظهار نظر کرد که امرانی سردبیر این مجله ناگزیر بوده است، برای انتشار این مقاله صحه حکومت ایران را دریافت کند. این نشان می دهد که حکومت درباره وضع نابسامانی کشاورزی ایران تا چه اندازه حساسیت دارد.

نهضت رادیکال - ۱۵ محرمانه صورت مکالمه شرکت کنندگان: رحمت الله مقدم مراغه ای - جرج بی. لامبراکیس تاریخ و مکان: ۱۴ اکتبر ۱۹۷۸ - (۲۲ مهر ۱۳۵۷)، آپارتمان مقدم موضوع: وضع داخلی روز تعطیلی امام رضا، برای دیدار از مقدم به ملاقاتش رفتم تا پس از خلاصی او از زندان با او صحبتی بکنم. (او جزو رهبران مخالفی بود که به فاصله کوتاهی بعد از حکومت نظامی دستگیر شد.) وضعش خوب و پریدگی رنگ نداشت. او گفت که هر چند ۱۱ روز اول انفرادی بوده و آفتاب نخورده، ولی با او بدرفتاری نشده است. بعد به سلول دیگر، که اغلب ملا بودند و مرتب آنها را وارد و خارج می ساختند، منتقل شده بود.

در بین آنها امام مفتاح، از مسجد جاده قدیم شمیران بود، که هنوز در زندان است. پرسیدم که من از زیادتر ماندنش نسبت به دیگر رهبران سیاسی، که اکثراً همان روز توقیف و آزاد شدند، گیج شده بودم. جواب داد که از هم اسمش ژنرال مقدم (رئیس ساواک - غیر خویشاوند) همین سؤال را کرده و او با شوخی گفت: بعد از استقرار حکومت نظامی، آنها می خواهند گروههای مخالف با هم ارتباط نداشته باشند. پرسیدم اگر دلیل موجهی است، آیا شما از بقیه رهبران، در برقراری ارتباط بین گروهها، مؤثرتر بوده اید؟ او خندید و گفت بله.

مقدم گفت که توسط بازپرسان ساواک بازجویی شد و هنگامی که در مورد اهداف گروهش از او سؤال شده بود، گفته بود که در چهارچوب قانون اساسی است. جزوات مختلف حزبی و تماس با دیگران در حدود مجاز فعالیتهای قانونی بود. او همکاران خود را مخفی نکرد، چون چیزی نبود که خارج از حوزه قانون اساسی باشد، (نظریه: موضع روشن مقدم که در طول سال گذشته در مورد آن تردید داشت که دستش را رو نکند تا «هزاران گل» با عکس العمل فوری شاه چیده شود) مقدم در روز دعوت از تجمع هیئت تحریریه کیهان، داوطلبانه آنجا بود و در خط مشی حزب خودش گفتگو کرد و از پذیرفتن خویش، خوشحال به نظر می رسید.

وقتی از وضع مخالفین در حال حاضر پرسیدم، مقدم گفت سرگیجه گرفته اند و نمی دانند چه کار کنند.

او کاملاً صریح اضافه کرد که (به نظر من این طور بود، حداقل در بعضی موارد) مخالفین به دنبال دو پیام حمایت کارتر از شاه نگران شده اند. سپس در مورد نظریه اصلیش، در مورد اینکه مسئولیت برگرداندن شاه به ایران در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) به عهده آمریکا است و به قدرت رساندن او با کمک ارتش و پلیس، صحبت کرد. او گفت که این کار تعادل بین شاه و مردم را به هم زده و آمریکا بایستی از ایران دست بردارد، در حالی که پیامهای کارتر نشان دهنده حضور مجدد آمریکا در کنار شاه است.

در این فرصت گفتم که، آمریکا به خاطر رهبری ایران توسط شاه، او را حمایت می کند، زیرا دولت ایران متحد مهمی برای ماست، که ثبات و استمرار پیشرفت آن، هدف ماست. ضمناً ما حمایت خود را از افزایش آزادیها در اینجا بیان کردیم تا تدریجاً و نه به طور انقلابی به ثبات برسیم. انتخابات آزاد تابستان آینده هدف خوبی برای شروع است. سپس از او در مورد نقش آینده شاه پرسیدم.

مقدم جواب داد، قبول دارد که وجود شاه لازم است، هم برای کنترل ارتش و هم آشوبهایی که منجر به سقوط ناگهانی قدرت می شود. گفتم پس با من موافقی؟ جواب مستقیمی نداد و اشاره کرد که شاه محبوبیت نداشته و سرگردان شده و آمریکاییها را فریب داده است. رؤسای جمهور آمریکا می آیند و می روند و شاه می داند چگونه از آنها استفاده کند، برای مثال، کندی تمایلات شدیدی برای افزایش آزادیهای سیاسی داخلی نشان داده بود و تصور می کرد که شاه آن را به کار می بندد. سپس جانسون و نیکسون که بر عکس عمل کرده هر چیز که شاه خواست به او دادند.

او فرصتی را که در طی آن توسط مأمور سرویس مخفی آمریکا دعوت شده بود تا در صورت تمایل با نیکسون، در هنگام دیدار او از انجمن ایران و آمریکا، ملاقات کند، و او پذیرفته بود، یادآوری کرد.

نیکسون هرگز از انجمن ایران و آمریکا دیدن نکرد و او نامه ای از مأمور سرویس مخفی آمریکا داشت که توضیح می داد هیچکس در سفارت در برنامه فعالیتهای نیکسون که منحصراً ملاقات خصوصی در حضور شاه بود، دخالتی نداشت. هنگامی که رئیس جمهور کارتر آمد، امیدها را افزایش داد، ولی پیام اخیر او مقدم و دوستانش را گیج کرد. دوباره خط مشی خودمان را به مقدم تذکر دادم و پیشنهاد کردم که او برای بهره وری از انتخاب آزاد موعود، با دوستانش سازماندهی کند و افزودم که غیر واقعی است، اگر تصور کنیم شاه و حامیان او به سادگی قدرت را به مخالفین تسلیم کنند، آنها باید خواسته شان را بروز دهند. به یادش آوردم که خودش گفته بود که چند ماه پیش در مورد هماهنگی در برنامه مشترکی بین گروهش با اشکال مواجه شده بودند.

اگر مخالفین اهداف شخصی دارند و سازمانی که شاه با ایشان مذاکره نماید تا سریعاً در وضع سیاست داخلی شرکت داده شوند، تا زمانی که رهبران منفرد پیشرفت کندی دارند، توقع جدی گرفتن آنها از سوی شاه هر کس دیگری درست نیست. ظاهراً مقدم روی موافق نشان می داد.

مقدم به این مطلب اشاره کرد که شاه طبق شواهد با نصب شریف امامی، «یک مرد فاسد» به جای انتصاب فرد مناسب دیگری، قصد آزادیخواهانه ندارد. او دلیل مرا مبنی بر اینکه شاه در تدارک ولایتعهدی است رد کرد و گفت آنقدر خودخواه و مغرور است که به فکر پسرش نمی باشد. مقدم اشاره به کشتار میدان ژاله کرده و گفت که «وضع بدتر از پیش» شده است. قبلاً شکنجه می کردند و حالا- می کشند. هنگامی که در مورد هراس او مبنی بر برنامه های دولت که یک سال پیش در گفتگوهایمان مطرح بود یادآوری کردم، بر

این استدلال پافشاری نکرد.

پس از مباحثات دیگری قرار ملاقات بعدی در فرصت دیگری با همکاران دیگرش گذاشته شد. (مثل مهندس بازرگان که به قول مقدم اخیراً از مشهد بازگشته بود.) اظهارنظر: مقدم با توجه خود در مورد اعلامیه کارتر کاملاً مرا درک می کرد، ولی من معتقدم که او تمامی نگرانی مخالفان محدوده قانون اساسی، در مورد اینکه آیا سیاستهای ایالات متحده در طول چند ماه تغییر کرده یا نه، را منعکس می کند.

لامبراکیس نهضت رادیکال - ۱۶ محرمانه (۱) ۱۳ دسامبر ۷۸ - (۲۲ آذر ۱۳۵۷) رحمت الله مقدم مراغه ای رهبر نهضت رادیکال ایران (از سال ۱۹۷۵) مورد خطاب با عنوان: آقای مقدم رحمت الله مقدم مراغه ای، یک مهندس آبیاری و طراح، به تأسیس نهضت رادیکال ایران کمک کرد و آن را تاکنون رهبری کرده است. او با سابقه بیش از دو دهه فعالیت سیاسی در مخالفت با شاه، از سپتامبر ۱۹۷۸، به خاطر فعالیتهای مخالف رژیم در زندان بوده است. مقدم خود را به عنوان فردی میانه رو دسته بندی می کند، اصرار می ورزد که او همواره برای آزادی در محدوده قانون اساسی ایران تلاش کرده است.

او فلسفه سیاسی خود را چیزی بین سوسیالیستها و میانه روها در فرانسه تشریح می کند. به علاوه، او در نظر دارد که لغت رادیکال در نام سازمانش، از حزب سوسیالیست رادیکال میانه رو در فرانسه الهام گرفته شده بود. و او از هرگونه تلاشی در ارتباط دادن سازمانش و مرامهای افراطی منزجر است. (محرمانه).

مقامات رسمی آمریکا که مقدم با آنها ملاقات کرده است او را فردی متعادل، طرفدار آمریکا و روشنفکر تلقی می کنند که صمیمی است و بی پرده و صریح صحبت می کند. آنها هم چنین متذکر می شوند که مقدم در اواسط سال ۱۹۷۸، به خاطر مواضع میانه روانه اش، در ملاقاتهایش با سایر رهبران گروههای مخالف، که در حال تلاش برای تنظیم یک برنامه مخالفت متشکل بودند، مشکلاتی داشت. مقدم همواره با مقامات رسمی آمریکایی روابط دوستانه داشته است و مایل به ادامه مباحثات اصولی است. او نخست وزیر سابق - محمد مصدق - (۳۲-۱۳۳۰) را تحسین می کرد. لیکن از اعضای جبهه ملی، اتحاد موقتی که از مصدق در زمان قدرتش علیه شاه حمایت می کرد، نبوده است. او به مقامات آمریکایی گفته است که تصویر آمریکا در ایران به خاطر حمایتش از شاه و عدم درک اهمیت تاریخی مصدق صدمه دیده است. (محرمانه) مقدم، متولد تهران و فارغ التحصیل دانشکده نظام ایران می باشد. او طراحی و جغرافی را در بین سالهای ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ در فرانسه تحصیل کرده و از کالج ارتش فرانسه و دانشگاه پاریس فارغ التحصیل شد. او به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۳۴ به عنوان یک افسر در ارتش خدمت کرد.

او برای مدت کوتاهی از سال ۱۳۳۴ یکی از اعضای حزب منحل مردم (مخالفین وفادار) بود. در سال

۱۳۴۰ او به عنوان نماینده آذربایجان در مجلس (مجلس شورای ملی) به خدمت اشتغال داشت. او همچنین دارای چندین مقام مربوط به آبیاری در وزارت کشاورزی بوده است. (طبقه بندی نشده) مقدم، حدوداً ۵۸ ساله است و مقالاتی در مورد کشاورزی و استفاده از زمین منتشر کرده است. در سال ۱۹۶۲ او به عنوان یک رهبر صاحب امتیاز خارجی دو ماه در ایالات متحده به سر برد که در حین این مدت مشغول مطالعه و مشاهده روند سیاسی آمریکا و کشاورزی بوده است. او به زبانهای فرانسه و انگلیسی صحبت می کند. ۱۳ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۲ آذر ۱۳۵۷

**کانون وکلا**

ص: ۵۴



تاریخ: ۱۳ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۲/۹/۱۳۷۵ سری (۱) حسن نزیه رئیس کانون وکلا (تقریباً از تاریخ ژوئیه ۱۹۷۸) مورد خطاب با عنوان: آقای نزیه حسن نزیه، یک وکیل و سیاستمدار قدیمی که قول داده است، کانون وکلا را هر چه بیشتر از گذشته فعال کند. مدتی کوتاه پس از تصدی سمت، او سازمان را (کانون وکلا) به شرکت در تقاضای تجدید محاکمه برای زندانیان سیاسی در دادگاههای حقوقی که قبلاً در دادگاههای نظامی محکوم شده بودند، کشاند. او قصد خود را مبنی بر ایجاد اصلاحات سازمانی از این قبیل با برپایی جلسات بیشتر نشر گزارشات ماهیانه به وکلای کشور، تعقیب قانونی وکلای فاسد و حمله به قوانین خشک اداری باز دارنده، نشان داد. نزیه فردی جاه طلب و چیزی شبیه به یک فرصت طلب سیاسی است. طبق گزارش رسیده در سال ۱۳۴۵، او باور داشته که می تواند پشتیبانی حزب توده (کمونیست) را برای امیال سیاسی خود به کار گیرد. (سری) در سالهای ۱۳۳۰ نزیه یک ملی گرای با حرارت، یکی از مؤسسين نهضت آزادی ایران بود که جبهه ای است راست گرا، مذهبی ملی که در مواقع مختلفی با جبهه ملی، ائتلافی که محمد مصدق نخست وزیر را (۳۲-۱۳۳۰) در نبرد با شاه حمایت می کرد، همکاری داشته. بعد از جدا شدن نهضت آزادی از جبهه ملی در اردیبهشت سال ۱۳۴۰، نزیه به عنوان رهبر اکثریت حزبی ظهور کرد که تمایل به اتخاذ روشهای ملایم و مصالحه آمیز در به دست آوردن قدرت داشت و همچنین مخالف روش قهرآمیز در برکنار کردن شاه بود.

در طی آن دوره او و گروهش خواستار عدم قبول کمکهای نظامی خارجی، بر سر کار آمدن یک دولت بی طرف (اما غیر کمونیست) و کنترل معقولی بر شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم، که یک گروه متشکل از ۱۷ شرکت نفتی می باشد که با شرکت ملی نفت ایران مشارکت می کنند، شد. بعد از اینکه نهضت آزادی ایران، مجدداً در مهر سال ۱۳۴۰ به جبهه ملی پیوست، او در شورای مرکزی و کمیته اجرایی مرکزی اشتغال داشت و همچنین سرپرستی قسمت تبلیغاتی سیاسی و انتشارات گروه را بر عهده داشت. (سری) در حال حاضر اطلاعات کلی در مورد زندگی شخصی و شغلی نزیه در دست می باشد. هم اکنون در اوایل ۵۰ سالگی، او ظاهراً یکی از چهره های سرشناس در میان جوانان ملی گرای اواخر سالهای ۱۹۳۰ و اوایل سالهای ۱۳۴۰ می باشد. در سال ۱۳۳۹ او برای شرکت بیمه های اجتماعی کارگران کار می کرد و در ماه تیر سال ۱۳۴۰ او برای مدت کوتاهی به علت فعالیتهای ضد دولتی زندانی شد. در سال ۱۳۴۱ نزیه یکی از اعضای شورای انجمن آذربایجانیهای مقیم تهران بوده است. (محرمانه) ۱۳ دسامبر ۱۹۷۸ کانون وکلا - ۲ تاریخ: ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۲۶/۴/۱۳۵۸ شماره سند: ۴۴۴۲ از: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی.سیه: سفارت آمریکا تهران، فوری ۳۵۰۲ موضوع: علاقه ایران برای خرید فرآورده های تصفیه شده سری ۱- تمامی متن سری است ۲- برای اینکه شما در ملاقات با مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران، نزیه، زمینه ای داشته باشید، باید از

مطالب ذیل آگاه باشید. در ۴ ژوئیه، عظیمی، به نمایندگی نزیه، از شرکت آمرادا - هس (Amerada - Hess) تقاضا کرده است که ۳ میلیون بشکه نفت چراغ و گازوئیل (سوخت حرارتی) برای فروش اختصاص دهد. عظیمی توضیح داد که بمب گذاری در لوله نفت خام به دنبال بمب گذاری مشابه در لوله تولید، منجر به کاهش شدید در پالایشگاه آبادان، تا میزان ۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز شده است. این کاهش از عدم توانایی ذخیره کردن فرآورده های نفتی آبادان توجیه شده است. با احتمال عدم راه افتادن عملیات پالایشگاه اصفهان، مقامات ایرانی واهمه دارند که زمستان را بدون نفت کافی به سر برند. دو میلیون بشکه اثر بلند مدت نخواهد داشت.

۳- شرکت هس با تصویب دولت آمریکا موافقت نموده که دو میلیون بشکه تقریباً به طور مساوی نفت و گازوئیل عرضه کند. و شرکت هس به ما اطمینان داده است که در ذخیره داخلی آمریکا کاهشی وجود نخواهد داشت و به هنگام لزوم عرضه خارجی محدود نخواهد شد. مقامات ایرانی با دو تانکر سی هزار تنی قرارداد بسته اند که به زودی بارگیری خواهند نمود.

۴- نزیه از طریق هس از تصویب دولت آمریکا مطلع شده بود و به نظر رسید که از سرعت عمل دولت ایالات متحده بسیار قدر دان می باشد. به نظر می آید که نیاز اضطراری برای فرآورده های نفتی با ورود دو محموله کوچک از کویت به ایران (شاید همان ۲ تانکری که در بند سوم به آنها اشاره شد) اندکی تخفیف یافته باشد و لذا شرکت هس در نظر دارد که محمولات خود را برای یک دوره دو ماهه، که انتظار می رود پالایشگاه آبادان تعطیل باشد، ارسال دارد.

کانون و کلا - ۳ شماره سند: ۷۵۱۴ محرمانه تاریخ: ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۲۸/۴/۱۳۵۸ از: سفارت آمریکا تهران: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی سی.

موضوع: ملاقات کاردار سفارت با رئیس شرکت نفت، نزیه ۱- تمام متن محرمانه است.

۲- خلاصه: در تاریخ ۱۷ ژوئیه (۲۶ تیرماه) کارشناس نفتی و کاردار با حسن نزیه، رئیس شرکت ملی نفت ایران ملاقات کردند و در مورد این مسائل گفتگو کرده اند: (۱) شعار تازه آشنا (حداقل برای ما)، درک و قبول انقلاب و حمایت مداوم ما از تمامیت ارضی یک ایران مستقل و قوی، (۲) جو سیاسی و نقش سیاسی نزیه و اعتقادات او، (۳) نفت و مسائل جاری خوزستان نزیه نشان می داد که روحیه دوستانه ای نسبت به آمریکا دارد او فردی است مخالف شرع (غیر مذهبی - مترجم) که مایل است با بعضی از مفاهیم جمهوری اسلامی مبارزه کند (و همین طور مردمی که سرسختانه طرفدار چنین حکومتی هستند) او با وجود تشخیص مشکلات خوزستان، سعی دارد اهمیت آنها را به حداقل خود برساند. پاراگراف آخر شامل بیوگرافی حسن نزیه است. (پایان خلاصه).

۳- در جواب اظهارات کاردار سفارت در مورد اینکه دولت آمریکا انقلاب ایران را قبول کرده و امیدوار است یک رابطه دو طرفه گسترده ای برقرار شود، نزیه به طور مفصل در مورد منافع دو طرفه هر دو کشور، علاقه برای «باقی ماندن» به صورت دوستانه خوب و غیره، صحبت کرد. مخصوصاً نزیه ابتکار

پرزیدنت کارتر را در مورد حقوق بشر ستایش کرد و گفت تأکید شدید رئیس جمهور بر حقوق بشر بود که «موقعیت شاه را یأس آور کرد» وی با یک کنایه جالب به روسیه، گفت که اگر بین ما (ایران و آمریکا) اختلافی باشد، ما (ایرانیان) باید به خاطر بیاوریم که «آمریکا با ماست» و دولت آمریکا ما را در حل مشکلاتی که توسط اجانب ایجاد می شود، کمک خواهد کرد.

۴- نزیه مسئله به خصوصی در مورد اوضاع سیاسی اظهارات نداشت. او گفت امکان دارد کانديد مجلس مؤسسان شود. او گفت زمان برای مراحل انتخاب و کارگزاری یک دولت جدید خیلی کوتاه بوده و او تصمیم داشت، خواهان طولانی تر شدن مدت شود. نزیه، که ریاست کانون وکلا-را نیز دارد، گفت کنگره در جلسه ۱۶ ژوئیه (۲۵ تیرماه) تصمیم گرفته از دولت و خمینی تقاضا کند، مهلت را بیشتر کند.

۵- کاردار خلاصه ای از سیاست انرژی جدید و اهداف آن را که توسط پرزیدنت اعلام شده، همراه با یک نسخه از این سیاست اعلام شده به نزیه داد. نزیه از جهت کلی بودن ابتکارات رئیس جمهور استقبال نمود. او ظاهراً علاقه ای بیش از صحبت راجع به مسائل کلی انرژی بین المللی نداشت. در رابطه با تقاضای کاردار در مورد تأمین جریان کافی نفت برای بازارهای بین المللی تا در نتیجه آن تحول داخلی آمریکا، برای رهایی از وابستگی به نفت وارداتی را ممکن سازد، نزیه گفت که این دولت است که به جای شرکت نفت سطح تولیدات نفت و صادرات آن را تعیین می کند. اما سطح صادرات برای سال ۱۳۵۸ حدود ۴ میلیون بشکه در روز می باشد. او اظهار داشت که این سطح تولید امکان دارد برای سال ۱۳۵۹ تغییر کند.

۶- در رابطه با وضع خوزستان و تأثیر موقعیت فعلی و آینده سیاسی آن بر جریان نفت، نزیه نمی خواست یا نمی توانست (احتمالاً نمی خواست) وارد جزئیات شود. او اشاره کرد که مشکلات وجود دارند، اما گفت که فقط چند نفر مسئول بودند و دولت و پاسداران باید قادر باشند مسئله را حل کنند. نزیه این مسئله که ناراضی های اعراب و خرابکاریها در این مناطق اثری در صادرات و تولید نفت خام گذاشته باشد را تکذیب کرد. (گزارش جداگانه) ۷- نزیه در سال ۱۳۲۳ در رشته حقوق از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده و برای مدتی به عنوان وکیل در ایران کار کرده است. سپس تحصیلات خودش را در سوئیس ادامه داد. بین سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ در زمان نخست وزیری مصدق او به عنوان مشاور قانونی برای سازمان نوحاسته امنیت اجتماعی کار کرد. در زمان مصدق، نزیه در سرپرستی سیستمهای دادگاههای نظامی فعال بود. او یکی از مؤسسان نهضت مقاومت ملی در سال ۱۳۳۲ بود و از سال ۱۳۴۲ عضو فعال جبهه ملی بود. با مراجعه به بیوگرافی که توسط شرکت نفت پخش شده (که مطالب بالا نیز از آن اخذ شده)، او چند بار دستگیر و زندانی شده است.

در سال ۱۳۵۶ نزیه برای تشکیل جمعیتی برای دفاع از حقوق بشر و همچنین جامعه حقوقدانان ایران کمک کرد. در طول ملاقات با کاردار در تاریخ ۱۷ ژوئیه (۲۶ تیر)، نزیه خیلی دوستانه و مهمان نوازانه برخورد کرد. او مایل بود به زبان فرانسه صحبت شود چون او گفت که انگلیسی صحبت نمی کند. او نشان می داد که خیلی کم انگلیسی می فهمد (رضا عظیمی سرپرست امور بین الملل شرکت ملی می داد ترجمه می کرد). نزیه خیلی ملایم و شمرده صحبت می کند.

نزیه، گذشته از اینکه رئیس شرکت ملی نفت ایران است، به طور وضوح بیشتر به حقوق و سیاست علاقمند است. او احتمالاً اداره مسائل روزمره شرکت نفت را به کارمندان با تجربه خود محول می کند. لینکن



کانون و کلا - ۴ استفاده محدود اداری شماره سند: ۱۰۴۰۴ تاریخ: ۶ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۱۵ شهریور ۱۳۵۸ از: سفارت آمریکا، تهران به: وزارت خارجه، واشنگتن، دی سی.

گزارشگر: اندی موضوع: نزیه تلاش می کند.

۱- طبق اطلاعاتی که ما داریم به دنبال پادرمیانی و درخواست نخست وزیر (بازرگان) از خمینی، نزیه دوباره بر سر میز خود برگشته و به مردم اطمینان داده که استعفا نخواهد کرد و بازرگان را در گرفتاریها رها نخواهد ساخت. بازگشت او به سرکارش و تقاضایش از کارمندان برای بازگشت به کار، به این خاطر بود که از یک اعتصاب به وسیله هوادارانش در میان کارکنان شرکت نفت جلوگیری کند.

۲- نزیه اتهاماتی را که به او نسبت داده اند، به خصوص آنهایی را که از طرف شهاب الدین اشراقی، داماد خمینی بود، رد کرد. دیگر انجمنهای اسلامی در داخل شرکت نفت، او را به تمام کردن ذخیره مواد سوختی و پایدار کردن وابستگی به آمریکا به وسیله خرید نفت چراغ از آمریکا، محکوم کرده اند. اشراقی قبول کرده است که یک مناظره تلویزیونی با نزیه انجام دهد، ولی تاریخ این مناظره هنوز مشخص نشده است.

لینکن کانون و کلا - ۵ استفاده محدود اداری شماره سند: ۰۳۷۵ تاریخ: ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۳/۷/۱۳۵۸ از: سفارت آمریکا، تهران به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی سی.

گزارشگر: اندی موضوع: حملات به مدیران ارشد ادامه دارد.

۱- بنا به نقل از مطبوعات، نخست وزیر بازرگان، «رادیکالها، چپگراها، کارشکنها و ایرادگیرها» را متهم به توطئه در فلج ساختن صنعت نفت به وسیله فراری دادن کلیه متخصصان و مدیران، من جمله مدیر عامل، حسن نزیه، نموده است. بنا به گزارش، بازرگان خطاب به عده کثیری از کارکنان شرکت نفت در آبادان گفت که امام خمینی در این ناراحتی نخست وزیر سهیم است و اعتماد خود را در مورد بازرگان و نزیه تکرار کرد.

۲- اما اظهار نظر داماد خمینی، شیخ شهاب اشراقی دایر بر تکذیب بیان بازرگان مبنی بر حمایت خمینی از نزیه، بر پیچیدگی مطلب افزوده است. تلویزیون ایران تکذیبی درباره اینکه امام چنین حمایتی به عمل آورده باشد را پخش کرد. این مسائل نزیه را وادار کرده است که در یک اظهار نظر عمومی بیان دارد

که وی قربانی یک «توطئه» شده است، که طی آن وی را نزد خمینی حامی نخست وزیر سابق، بختیار معرفی کرده اند. پس از آن کارمندان اداری شرکت نفت، بنا به گزارش، به حمایت از رئیس خود دست به اعتصاب زده اند، و در همان حال کارگران مناطق نفتی اعلامیه ای را امضاء کرده اند که طی آن گفته اند که آنها کسی را خارج از شرکت ملی نفت ایران بدون مشورت قبلی به جای نزیه نمی پذیرند.

۳- نزیه دشمنانش را متهم نمود که به خمینی گفته اند که او در نظر دارد از کشور فرار کرده و به بختیار بپیوندد. به همین بهانه نام او در لیست اشخاص ممنوع الخروج منظور شده بود. در ضمن، نزیه گفت در عین حال که استعفا نمی دهد، در منزل می ماند تا موضوع روشن شود.

۴- نزیه به طور علنی پیشنهادات مربوط به تصفیه در صنعت نفت را مورد انتقاد قرار داد و گفته است که چنین تصفیه ای این صنعت را از مدیران لایق و متخصصان محروم می گرداند. نزیه همچنین از مداخلات روحانیون در عملیات شرکت نفت در هر مرحله شکایت کرده است.

۵- اظهار نظر: این به اصطلاح «توطئه» ممکن است نتیجه ناآرامیهای کارگری مجدد گزارش شده در صنایع نفت باشد. صرف نظر از مسئله تقاضا برای دستمزد بیشتر، انگیزه و مخصوصاً رهبری روشن نیست.

لینکن کانون و کلا - ۶ محرمانه شماره سند: ۰۵۴۸ تاریخ: اکتبر ۱۹۷۹ - ۹/۷/۵۸ از: سفارت آمریکا، تهران به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی سی. فوری ۴۰۱۹ موضوع: برکناری حسن نزیه از ریاست شرکت ملی نفت ایران ۱- (تمام متن محرمانه).

۲- مطبوعات ایران در روزهای پایانی این هفته حجم بیشتری را به مسئله احضار حسن نزیه رئیس شرکت ملی نفت، به دادگاه انقلاب اختصاص داده و تحلیل‌های بیشتر را در مورد اتهامات حسن نزیه ارائه داده بودند. نزیه هنوز از کار برکنار نشده، و همچنین هنوز به طور مشخص متهم شناخته نشده است: بلکه او را فقط احضار کرده اند تا به اتهاماتی که اشخاص روحانی به او نسبت داده اند، در مورد اینکه او «با اسلام و ملت مخالف است» پاسخ دهد.

۳- همچنین به او دستور داده شده بود که صبح یکشنبه در دادگاه حاضر به شود، که او این کار را هنوز نکرده است، و به خانه اش نیز باز نگشته است. منابع شرکت نفت به ما گفتند که او مستقیماً، توسط تلفن، با دادگاه تماس گرفته و خواسته است که بعد از اینکه سرو صداها خوابید، ترتیب یک احضاریه را بدهند.

(نزیه خودش وکیل و رئیس کانون و کلا است) هر چند خبر گزارری فرانسه گفت، همسر نزیه گفته که او با دفتر نخست وزیر بازرگان تماس گرفته است، تأییدی روی این نیست.

۴- به نظر می رسد که کارگران شرکت ملی نفت ایران از حملات وارده به نزیه گنج شده اند هیچ نشانه ای به عنوان تظاهرات و یا اعتصاب به پشتیبانی از نزیه دیده نشده و گزارشات رسیده حاکی از آن است که تولیدات در خوزستان عادی است.

۵ - نظریه: ممکن است خمینی از کسانی که معتقدند نزیه در حمایت از افرادی در شرکت ملی نفت ایران که با رژیم قبل همکاری می کردند، زیاده روی کرده، حمایت کند. انتصاب علی اکبر معین فر در روز شنبه،

ص: ۵۹

به عنوان رئیس جدید شرکت ملی نفت ایران، به نظر می رسد قدرت نزیه را کم کرده است. اینکه این مسئله اجازه بدهد که نزیه رئیس شرکت نفت باشد یا نه، هنوز مشخص نیست. ما تصمیم داریم با مقامات صنعت نفت و دولت تماس بگیریم و نظریات آنها را جویا شویم، و تحولات بعدی را گزارش خواهیم کرد.

لینکن کانون و کلا - ۷ محرمانه شماره سند: ۰۶۵۹ تاریخ: ۴ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۲/۷/۵۸ از: سفارت آمریکا تهران به: وزارت امور خارجه واشنگتن. دی سی. فوری ۴۰۹۵ موضوع: نزیه از ریاست شرکت ملی نفت ایران اخراج می شود ۱- (محرمانه) موضوع رئیس سابق شرکت ملی نفت ایران، حسن نزیه، هنوز هم تیتراها را به خود اختصاص داده است. اگرچه او به عنوان مدیر عامل شرکت باقی مانده است، اما در مجامع عمومی از ۲۸ سپتامبر (۶مهر) تا به حال ظاهر نشده است، خیلی شایع است که او از کشور فرار کرده است. به ما گفته شده است که او به طور یقین، علیرغم شایعات فوق، هنوز در تهران است و با خانواده اش تماس دارد. گزارش شده که علیرغم کم شدن تهدید خانواده او توسط گروههای انقلابی، هنوز هم خانه او و تلفن او تحت کنترل است.

۲- (محرمانه) وزیر جدید نفت علی اکبر معین فر و نخست وزیر مهندس بازرگان، مجبور شدند که روز دوشنبه مردم را آگاه کند، که بحرانهای سیاسی ایران بر تولید و صدور نفت خام اثری نخواهد گذاشت. این موضوع را کنسول اقتصادی رضا عظیمی حسینی امروز تأکید کرد. او رئیس بخش خدمات بین المللی شرکت ملی نفت ایران است، و اضافه کرده است که تنها یک فرد، معین فر، صلاحیت صحبت کردن برای شرکت نفت را دارد. از طرفی ضعف یا نقص اساسی در سطوح بالای شرکت دیده می شود. عظیمی حدس زد که تا هفته آینده معین فر - و ما - می توانیم «یک ایده روشن که چه کسی در مقامهای بالاتر خواهد بود» داشته باشیم. این نظریه آخری مربوط به وعده معین فر، که در مطبوعات ذکر شده مبنی بر پاکسازی کامل در شئون شرکت ملی نفت ایران، است. زمان این کار هنوز مشخص نشده است.

۳- (محرمانه) در نامه ای به نخست وزیر بازرگان، مرتضی اقدامی، منشی انجمن اسلامی صنعت نفت گفته است که «کارگران صنعت نفت نمی توانند با نزیه کار کنند چون او هیچ اعتقادی به اسلام، انقلاب اسلامی یا به رهبری انقلاب ندارد». نامه این اتهام را بر مبنای اعمالی مانند اعتراض او به سیاستهای اساسی از جمله ملی شدن بانکها که به وسیله خمینی به عنوان اعمال انقلابی یاد شده، ذکر می کند.



۴- (محرمانه) در نوشته ای به تهران تایمز، نزیه همه ادعاهای علیه خود را رد کرده است.

بنابر آن مقاله او خواسته است که دادگاه انقلاب که به زعم او در معرض دخالت‌های خارجی است به یک محکمه بی غرض تبدیل شود. نزیه اظهار علاقه کرده است که با یک کمیته ای متشکل از یک رهبر مذهبی ارشد (ترجیح می دهد با آیت الله شریعتمداری)، نخست وزیر، وزیر دادگستری، رئیس دیوان عالی کشور، و رئیس شورای انقلاب و آیت الله علی قدوسی که تحقیقات را به عهده می گیرد رند همکاری کند و همه زیر نظر آیت الله خمینی باشد.

۵- (طبقه بندی نشده) - جوابیه نزیه به ۱۴ مورد اتهام، امروز در روزنامه محلی بامداد چاپ شده و امروز با یک تلگرام غیر رسمی فرستاده شد.

۶- (محرمانه) یک منبع عالی مقام در شرکت ملی نفت به کنسول اقتصادی ما گفته است که علیرغم نتیجه دادگاه نزیه باید به سه دلیل برود.

الف) او از دخالت‌های روحانیت در اداره حکومت بسیار انتقاد می کرد (ب) او نسبت به اظهارات سیاسی کارگران پیمانی در انتقاد از خودش بی توجه بود و اعتراض مبنی بر اینکه انقلاب هنوز اجازه استعمار از آنها را می دهد، جدی تلقی نکرده بود.

ج) او در خیلی از جنبه ها مدیر ضعیفی بود و کوشش می کرد هر کسی را راضی کند، بدون اینکه در انتها مشکل واقعی حل شود.

لینکن کانون و کلا - ۸ محرمانه شماره سند: ۰۷۱۲ تاریخ: ۱۷ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۵/۷/۱۳۵۸ از: سفارت آمریکا در تهران به: وزارت امور خارجه واشنگتن. دی سی. فوری گزارشگر: آگروسمن موضوع: قضیه حسن نزیه ۱- یک منبع رده بالا در شرکت ملی نفت ایران، به مشاور اقتصادی اظهار داشت که تصمیم تازه ای اتخاذ شده است که تا فیصله یافتن قضیه نزیه، مدیر عامل جدیدی تعیین نشود. در این ضمن مدیران شرکت نفت به طور مستقیم با وزیر جدید نفت علی اکبر معین فر در تماس می باشند، هر چند که او دفتری در شرکت ملی نفت ایران ندارد. به ما اطلاع داده شد که دکتر محمد علی نابغ در حال حاضر به عنوان سایه مدیر عامل کار می کند.

۲- در همین حال کارشناس نفتی سفارت از منابع صنعتی کسب اطلاع نموده است که هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران نامه ای به آیت الله خمینی نوشته و در آن اظهار «حمایت صددرصد» از نزیه نموده و تأکید کرده اند که تصمیمات شرکت به وسیله آنها انجام می شده و فقط توسط نزیه نبوده است. گفته می شود که نزیه هنوز در اختفا و روزانه با خانواده و همکاران سابقش در ارتباط است. لینکن

**حزب زحمتکشان**

اطلاعات بیوگرافیک محرمانه محل مأموریت: ایران تاریخ تهیه: ۲۰ نوامبر ۱۹۵۰ - ۲۹/۸/۱۳۲۹ نام خانوادگی: بقایی نام: مظفر ملیت: ایرانی عنوان علمی: دکتر در فلسفه.

تاریخ و مکان تولد: ۱۲۸۷، کرمان موقعیت: وکیل شانزدهمین دوره مجلس تاریخ انتخاب: اسفند ۱۳۲۸.

وابستگیهای حزبی: جبهه ملی.

زندگی حرفه ای قبلی: به پایین مراجعه شود.

زبانهای مورد تکلم: فارسی، فرانسه، اندکی عربی موضع نسبت به ایالات متحده آمریکا و خدمت برای آن: دکتر بقایی از ملاحظه هرگونه قدرت خارجی در امور داخلی ایران ناخرسند است و در حال حاضر به تندی از ایالات متحده انتقاد می کند.

جزئیات خانوادگی: فرزند میرزا شهاب کرمانی، میهن پرست معروف ایرانی که در جنگهای مشروطیت ۱۲۸۵ ایران کشته شد جدا شده از همسر.

تحصیلات: تحصیلات ابتدایی در کرمان، تحصیلات متوسطه در تهران، دانشگاه سوربن پاریس، درجه دکترا در تعلیم و تربیت.

زندگی حرفه ای: ۱۳۱۵ استادیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران.

۱۳۱۸ تا ۱۳۲۰ دو سال خدمت نظام به عنوان افسر احتیاط.

۱۳۲۶ تا ۱۳۲۸ نماینده مجلس از کرمان، عضو کمیته بودجه و کمیته آموزش و پرورش.

آذر ۱۳۲۸ به اتهام توطئه علیه ارتش شاهنشاهی دستگیر و زندانی شد.

اسفند ۱۳۲۸ تجدید محاکمه در دادگاه مدنی و آزادی از زندان.

اسفند ۱۳۲۸ انتخاب شده برای دوره شانزدهم مجلس، عضو کمیته آموزش و پرورش، و عضو کمیته نفت و عضو جبهه ملی.

ملاحظات نام دکتر بقایی ابتدا در جریان دوره اول مجلس پانزدهم بر زبانها افتاد. در آن زمان او به خاطر مخالفت با قرارداد تکمیلی نفت گلشائیان و حملاتش علیه ارتش به خاطر مداخله در انتخابات عمومی محبوبیت وسیعی کسب کرد.

شکایت اخیر تقریباً تمام ذهنیات او را فرا گرفت و در فروردین ۱۳۲۸ او به نطقهای خرابه کارانه در مجلس به مدت ۹ روز پرداخت و علی رزم آرا را که آن زمان رئیس ستاد بود، به دخالت غیر قانونی در امور

غیر نظامی متهم کرد. او یک نامه سرگشاده به شاه درباره این موضوع فرستاد و روزنامه خود، «شاهد» را با حملات مشابه پر کرد. این مبارزه تمام عیار برای او محبوبیت عظیمی کسب کرد. ولی بالمآل در آذر ۱۳۲۸ منجر به دستگیری او شد. او به وسیله یک دادگاه نظامی محاکمه و به جرم بی اساس توطئه علیه ارتش شاهنشاهی به یک سال زندان محکوم شد. موج انفجار عمومی بقدری بالا گرفت که وی به وسیله یک دادگاه مدنی محاکمه و تبرئه شد و بار دیگر در اسفند ۱۳۲۸ به نمایندگی مجلس انتخاب شد. وی اکنون یکی از پر سرو صداترین نمایندگان مجلس است.

دکتر بقایی پنهان نمی کند که او هنوز هم دست از سر رزم آرا برنخواهد داشت و او را به ویژه به ارتکاب پنج فقره تخلف متهم می کند:

۱- نادیده گرفتن قانون اساسی ۲- اتهام همدستی در قتل محمد مسعود سردبیر فقید روزنامه مرد امروز ۳- بازی با هر قدرت خارجی که از موضع او حمایت می کند، هر چند هم این موضع مخالف منافع کشورش ۴- توقیف مطبوعات و تخلفات گوناگون علیه آزادیهای مدنی ۵- پیشبرد جریان بازگشت به سوی دیکتاتوری در جریان محاکمه اخیر محمد جعفری، (مقصود محمد حسن جعفری ترور کننده احمد دهقان است).

(مترجم) قاتل فرضی دهقان، دکتر بقایی به دفاع از جعفری پرداخت و گویا نه به آن علت که او معتقد به بی گناهی جعفری بود، بلکه بدان علت که این محاکمه فرصتی بود که رژیم رزم آرا را به باد حمله بگیرد. برای همین مقصود تاکتیک او در مجلس کنونی به نحو برجسته ای «آبستراکسیوی» است (مقصود از آبستراکسیونیستی، ایجاد موانع و مشکلات در جلسات پارلمان به منظور جلوگیری از تصویب قوانین و غیره است - مترجم) و سرمقاله های او در روزنامه شاهد با استفاده از هر بهانه ای حکومت را به مبارزه می طلبد. (روزنامه شاهد که از خط مستقیم جبهه ملی پیروی می کند، اخیراً به علت حملات مداوم علیه دربار و حکومت توقیف شده بود، ولی به زودی تحت نام آهنگ شرق دوباره منتشر شد.) شکی نیست که دکتر بقایی شدیداً جاه طلب است و بیشتر ناظران آمریکایی احساس می کنند او از هر گونه فرصتی برای پیشبرد مقاصد خود جهت ایجاد یک زندگی سیاسی استفاده خواهد کرد.

فرصت طلبی بر صمیمیت او می چربد و او احتمالاً جبهه ملی را به عنوان وسیله مناسبی برای اینکه خود را به قدرت برساند، به کار می برد. هر چند در جریان محاکمه محمد حسن جعفری او کمونیسم را یک آیین شیطانی توصیف کرد که «تعالم آن ریشه همه مظالم و مفاسد است» ولی خود او متهم به داشتن دیدگاههای چپ افراطی است و به هر صورت می توان انتظار داشت که او به هر سازی برقصد. فرصت طلبی حتی در زندگی شخصی او، بر او فائق می شود: او علناً اعلام داشته است که همسر خود را بدان علت طلاق داده است که سیاستمداران به عنوان اشخاص مجرد بهتر می توانند فعالیت کنند.

هر چند در ثبات طرز فکر دکتر بقایی چندان اعتمادی وجود ندارد، او معمولاً یک مرد باهوش و مطلع و مغز متفکر نهضت جبهه ملی به شمار می رود. از لحاظ قدرت نفوذ و محبوبیت، او در درجه بعد از دکتر مصدق در گروه جبهه ملی قرار دارد.

بقایی یک مرد نسبتاً درشت هیكل و خوشایند و از لحاظ اجتماعی چرب زبان و دارای قدرت نطقه



آتشین در تریبون مجلس است که در مخالفتها او گاهی به سر حد جنون می رسد. کمتر شواهدی برای رد شهرت او به عنوان یک مرد درستکار موجود است، با توجه به اینکه فرصت طلبی در همه اقدامات او یک عامل تعیین کننده است، صمیمیت او باید مورد تردید باشد.

حزب زحمتکشان - ۲ محرمانه شماره سند: ۵۲۹ تاریخ: ۱۸ اکتبر ۱۹۵۱ - ۲۶/۷/۱۳۳۰ سفارت آمریکا - تهران حزب کارگران ایران اخیراً وابسته کار (کارگری) سفارت، آقای سی.سی. فینچ، در مورد حزب کارگران ایران و مشکلات مرتبط با آن با آقای مظفر بقایی مؤسس حزب گفتگو نمود. آقای فینچ در ژوئیه دوبار با او در آبادان ملاقات کرده بود. گفتگوها در آن زمان خصوصاً مرتبط با بحران نفت بود، آخرین گفتگو به لحاظ اهمیت آن در این پیام خلاصه گردیده است. دکتر عیسی سپهبدی، یک همکار نزدیک بقایی در امور حزب کارگران ایران در این ملاقات شرکت نمود. او، آقای فینچ را حداقل به اندازه دکتر بقایی از لحاظ دانش خصوصی او از تاریخ گذشته، عملیات فعلی و آینده پیش بینی شده حزب تحت تأثیر قرار داد.

در طول مدت مصاحبه، دکتر بقایی دلایل خودش برای رفتن به آبادان در تابستان گذشته، هدفهای سیاسی خویش، عضویت و متدهایی که بدان وسیله حزب تأمین مالی می شود را با آقای فینچ مورد گفتگو قرار داد. دکتر بقایی همچنین منبع و قدرت عددی حمایت خودش را تشریح کرد و در جزئیات در مورد رهبران به خصوص اتحادیه های صنفی غیر کمونیست ایرانی توضیحاتی داد.

دکتر بقایی اظهار داشت که او هم اکنون شعباتی از حزب خودش را در اهواز/ ۴، قم، کرج، تهران، شوشتر، دزفول و رامهرمز تأسیس کرده است. او در نظر دارد که شعباتی در اصفهان، زنجان و ساوه تأسیس شود.

دکتر بقایی موضوع مسافرتش به آبادان را که به طوری که گفته می شود به منظور تأسیس شعبه ای از حزب کارگران در آن شهر می باشد، به طور نسبتاً تدافعی مطرح نمود. همان طور که وزارتخانه آگاه است او در آن تلاش شکست خورد و در حقیقت گفته می شود که اتومبیل او در سفری که به مناطق نفتی نمود.

سنگباران شد. او اکنون اظهار می دارد که سفر او به آبادان برای تأسیس شعبه ای از حزب نبود و فقط یک سفر خصوصی رایج بود در موقع ورودش به آبادان بدون هیچ گونه ترغیب یا دستوراتی از جانب نخست وزیر به آنجا رفت. او اظهار داشت که امید دارد در آینده شعبه ای از حزبش را در آبادان تأسیس نماید ولی قبلاً طرحی در مورد آن ندارد، دکتر بقایی حزبش را این طور تشریح نمود: «سوسیالیست در گرایش تا جایی که سیاست سوسیالیستی با سیاست های دولت ایران در تناقض نیست». او مخصوصاً اشاره نمود که سیاست های حزبش به سیاستهای جبهه ملی مرتبط هستند و اینکه حزب با هدف ها و سیاست های حزب توده مخالف است. او مدعی عضویتی در حدود ۱۰/۰۰ نفر برای حزب کارگران در تهران شد و عضویت را بر حسب آن دسته طرفدارانی که به عنوان اعضای حزب ثبت نام کرده اند تعریف کرد، فقط آنهایی را که وجه اشتراک ماهانه ۵ ریال یا بیشتر را می پردازند، به حساب می آورد. او همچنین

ادعا نمود که در حدود یک میلیون طرفدار حزب او در ایران وجود دارند اما نخواست بگوید که اگر بخشی از آنها را بخواهد در تهران به کار گیرد تعدادشان چقدر خواهد بود. او تخمین زد که هسته مرکزی طرفداران علاقمند او به ۳۰۰ نفر می‌رسند دکتر بقایی تخمین زد که در حدود ۱۰۰۰ نفر از ۱۰/۰۰۰ نفر عضو تهران، کارگرانی هستند که به اتحادیه های صنفی وابسته هستند. او اظهار داشت که نمی‌داند چند عضو اتحادیه های صنفی در تمام کشور از حزب او حمایت می‌کنند؛ اگر چه او قبول داشت که عضویت و علاقه اعضای اتحادیه صنفی محدودترین است. او معتقد است که شرکت محدود در نتیجه رهبری ضعیف و نامطمئن اتحادیه های صنفی نیست.

نظرات او در مورد رهبران ویژه به شرح زیر است:

آقایان، خسرو هدایت، فدراسیون اتحادیه های صنفی کارگران ایران، عزیز قزلباش، کنگره اتحادیه صنفی ایران و محمد مشاور، تماماً به عنوان «رهبران متزلزل» توصیف شدند. او معتقد است که آقای سیروس مجد (که اکنون با همتای خودش از یک اتحادیه صنفی از سیاست های جبهه ملی حمایت می‌کند، لاس می‌زند) شخصیت مؤثرتری دارد ولی آقای مجد با این عنوان «لایق هیچ اعتباری در فعالیت های اتحادیه صنفی نیست» توصیف شد. آقای امیر کاران (در آغاز در فدراسیون مرکزی اتحادیه های صنفی کارگران و دهقانان ایران بود) و اکنون یک کارمند در کنگره اتحادیه صنفی ایران است دکتر بقایی فکر می‌کند که او علیرغم اعتراضات خودش یک رهبر (حزب) توده است. آقای بقایی فکر می‌کرد که محتمل نخواهد بود که آقای کاران بتواند همکاری واقعی کارگران را به دست آورد، چون که طبق اطلاعات دریافت شده توسط حزب کارگران ایران، آقای کاران به وسیله کارگران رد شده است. دکتر بقایی در مورد رهبر برجسته دیگر اتحادیه صنفی در اصفهان آقای شمس صدوری فکر می‌کند، که فاقد اعتماد کارگران است.

دکتر بقایی اظهار داشت که فقط ۴ رهبر اتحادیه صنفی ایران وجود دارند که حتی اعتماد کارگران را محدود نموده اند. آنها آقای قزلباش که علیرغم نقطه ضعف های شخصی، دکتر بقایی در مورد او فکر می‌کند که کمی اعتماد کارگران را دارد، عباس میرزایی، قبلاً در اتحادیه کارگران تنباکو بود، آقای قدسی و یک نفر در یزد که قبلاً برای وابسته کارگری شناخته نشده بود، به اسم استادان، می‌باشند.

حزب زحمتکشان - ۳ یادداشت از: سی.سی.س.س. فینچ به: آقای روی ام ملبورن - آقای جون اچ. استیوتسن تاریخ: ۱۰ دسامبر ۱۹۵۱ - ۱۹/۹/۱۳۳۰ موضوع: گفتگوی سی.سی.س.س. فینچ با دکتر سپهبدی روز ۱۰ دسامبر من با دکتر سپهبدی گفتگویی داشتم. او از مأمورین حزب کارگران ایران و از دوستان نزدیک دکتر بقایی است. سپهبدی و بقایی هر دو از اعضای مدرس دانشگاه تهران در مدت چند سال بوده اند. آنها دارای روابط شخصی نزدیکی با یکدیگر هستند. بنابراین من معتقدم که می‌توان به طور یقین

تصور کرد که سپهبدی درباره حزب کارگران ایران به عنوان یک فرد مجاز صحبت می کند.

دکتر سپهبدی گفتگو را با اعلام این مطلب که حزب کارگران ایران از چهار کاندیدای تحت سرپرستی خود پشتیبانی می کند، آغاز کرد. این چهار نفر عبارتند از: آقای یاسری (حوزه اهواز)، دکتر گوشه گیر (حوزه دزفول)، دکتر بقایی (تهران) و دکتر سپهبدی (تهران).

دکتر سپهبدی چندین بار این مطلب را تکرار کرد که جبهه ملی به خودی خود یک حزب نیست، بلکه می توان گفت نماینده «منافع وسیع همه طبقات مردم» است. سپهبدی و بقایی هر دو در یک کوشش ظاهری برای پشتیبانی عملی سیاسی از جبهه ملی در تشکیل یک کمیته ویژه با عضویت بین ۱۰ تا ۱۲ نفر برای «نظر مشورتی دادن» به دکتر مصدق و پشتیبانی از او مؤثر بوده اند. چهار گروه عمده که در این کمیته نماینده دارند به ترتیبی که سپهبدی آنها را ذکر کرده است عبارتند از:

۱- پیروان کاشانی ۲- حزب کارگران ایران ۳- حزب ایران ۴- اصناف بازار در میان آنهایی که در این جلسات شرکت می کنند آقایان: حسینی، اللهیار صالح، نریمان، مشاور، مکی و کاشانی هستند. این گروه دارای مأمورین منظم نیست و روند پارلمانی و مکان و زمان معینی برای تشکیل جلسه ندارد.

دکتر مصدق در جلسات این گروه شرکت نمی کند برای آنکه، طبق اظهار سپهبدی او رئیس حکومت است و نمی تواند در سیاست درگیر شود. هنگامی که ملا کاشانی در جلسات شرکت می کند او همیشه، با آراء علنی شرکت کنندگان در جلسه، به ریاست آن جلسه ویژه انتخاب می شود و این به علت موقعیت برجسته او در امور ایران است.

بعداً در جریان گفتگو سپهبدی به نحو غیر مستقیم به کمیته اشاره کرد و خاطر نشان ساخت که هدف بعدی این کمیته بر پا کردن یک «گروه از روشنفکران علاقمند به اصلاحات اجتماعی و اداری» است.

من همچنین با سپهبدی درباره نقشی که حزب کارگران ایران، در تظاهرات و آشوب ۶ دسامبر (۱۶ آذر) داشت، بحث کردم. او گفت که برای من حتماً لازم است که به این مطلب پی ببرم که مبارزه بین حزب کارگران ایران و حزب توده یک مبارزه ایدئولوژیک است، و مبارزه ای نیست که به نحو رضایت بخشی از طریق اعمال زور فیزیکی حل شود. دکتر سپهبدی همچنین مدعی شد که برنامه سیاسی حزب کارگران ایران بر اساس سوسیالیسم علمی استوار است، ولی او همچنین اعلام داشت که نیازهای اجتماعی در ایران به قدری زیاد و ضروری است که اقدامات «پویاتری» برای ایران لازم است. تا انگلستان. در واقع، هر چند او این کنایه ها را به کار برد، در عین حال روشن ساخت که فلسفه ادعایی سوسیالیستی حزب کارگران ایران اساساً چپگراتر از فابیانها و بیشتر شبیه فلسفه سوسیالیستی سندیکالیست های فرانسه و انگلیس در نیمه دوم قرن نوزدهم است.

پس از بحث و مجادله مفصلی درباره دشواریهای روشنفکران در ایران امروز، دکتر سپهبدی ناگهان به مناسبت آشوب و تظاهرات ۱۶ آذر گفت که حزب کارگران ایران البته نباید به عنوان یک حزب مسئول اقدامات افرادی از اعضای این حزب باشد و اگر هر عضوی در جریان تظاهرات دست به خشونت زده است قابل تأسف است، و آنهایی که مقصر هستند باید به مجازات برسند. او همچنین اعلام داشت که هر چند مسابقه بین حزب کارگران ایران و کمونیستها ایدئولوژیک است نه

فیزیکی. در عین حال (بعداً)

ص: ۶۶



ممکن است لازم باشد که همه نیروهای دموکراتیک در ایران، کمونیستها را به طور فیزیکی مجازات کنند تا آنها را وادار به درک معتبر بودن ایدئولوژی، اهمیت، و قدرت مخالفانشان نمایند.

دکتر سپهبدی در تمامی جریان مصاحبه کاملاً آرام و با اعتماد به نفس و دارای زبان چرب و نرم بود. او با پاسخهای آماده خود تسلسل خط سؤالاتی را که ممکن بود از او بشود، پیش بینی می کرد. او از من خواست وقت ملاقات دیگری برای بحث درباره فعالیتهای جاری حزب کارگران ایران به او بدهم. من به طور آزمایشی ترتیبی دادم که در منزل خودش روز ۲۳ آذر با او ملاقات کنم، مگر اینکه سفارت ایران ایرادی در این باره داشته باشد.

سی.سی.فینچ حزب زحمتکشان - ۴ محدود یادداشت گفتگو از: آقای سی.سی. فینچ به: آقای ار.ان.ملبورن موضوع: خلاصه گفتگو بین آقای سپهبدی و سی.سی. فینچ، وابسته کارگری تاریخ: ۱۵ دسامبر ۱۹۵۱ - ۲۴/۹/۱۳۳۰ آقای سپهبدی به درخواست خودش برای بحث در اطراف جزئیات بیشتری درباره حزب زحمتکشان ایران به دفتر وابسته کارگری مراجعه کرد. در پاسخ به سؤالی از سوی وابسته کارگری آقای سپهبدی مدعی شد که حزب کارگران به هیچ وجه مطلقاً مسئولیتی به مناسبت تظاهرات و اغتشاشات متعاقب آن در تاریخ ۱۶ آذر ندارد. او اعلام داشت که اغتشاش کننده مسئول بایستی آنهایی باشند که خارج از حزب کارگران قرار گرفته اند و برای در هم و برهم کردن نظم عمومی و بی اعتبار کردن حزب مدعی عضویت در حزب کارگران شده اند. سپهبدی بدون هرگونه ابهامی اعلام داشت که تحریک کنندگان مدعی وابستگی به حزب، این کار را بدون هرگونه مجوز و تشویق مرتکب شده اند.

آقای سپهبدی اعلام داشت که حزب، که قبلاً او آن را به عنوان یک حزب دارای نظریات سوسیالیستی یاد کرد، قصد دارد خود را به عنوان یک نیروی سوم بین سیاستهای اتحاد شوروی و سیاستهای ایالات متحده آمریکا قرار دهد. به طوری که حزب زحمتکشان هیچ کدام از مفاهیم این دو نیرو را در بر نگیرد. در نتیجه سپهبدی مدعی شده است که دکتر بقایی، رهبر حزب کارگران، ضروری تشخیص داده است که به طور آشکار و علنی علیه ایالات متحده آمریکا اظهار نظر کند. آقای سپهبدی معتقد است که اگر دکتر بقایی طور دیگری رفتار می کرد توده های مردم داستانهای درج شده در مطبوعات را، که گفته می شود تحت الهام کمونیستها است، باور می کردند که سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران کمک مالی به این حزب کرده و آن را تحت تشویق معنوی قرار می دهد.

آقای سپهبدی معتقد است که به نفع روابط حسنه بین ایران و آمریکا است که آمریکا هدف حمله قرار گیرد، تا بدین ترتیب هرگونه امکان اینکه ایرانیان باور بکنند که ایالات متحده آمریکا پشتیبان حزب کارگران است، رد شود. آقای سپهبدی در مورد کوششهای وابسته کارگری، جهت القای این مطلب که

آنچه عقاید حزب را تشکیل می دهد فلسفه سوسیالیستی است، بسیار سخت گیر بود. او فقدان معلومات ابتدایی را درباره تاریخ نهضت‌های سوسیالیستی و همچنین تقریباً عدم آشنایی کامل خود را با تحویل سوسیالیسم بین المللی آشکار ساخت. آقای سپهبدی مدعی شد که رهبران حزب کارگران ایران معتقد نیستند که دلبستگی این حزب به ایده آل‌های سوسیالیستی با هدف‌های حکومت مصدق غیر قابل انطباق است.

آقای سپهبدی این مطالب را که ملا کاشانی برای حزب کارگران از محل پول‌های آستانه پول فراهم می کند، تکذیب کرد و مدعی شد که نسبت به اختیار ملا کاشانی در سخاوت بیش از اندازه غلو شده است.

درآمد حزب کارگران از عطایای شخصی از اعضا و هواخواهان آن به دست می آید و این پولها از نفری ۵ ریال در ماه تا صدها ریال در ماه نوسان دارد (آقای سپهبدی اعلام داشت که بعضیها هزاران ریال می پردازند). طبق اظهار آقای سپهبدی حزب کارگران در بدهی فرو رفته، ولی اعلام داشت که این سرنوشت معمولی احزاب سیاسی ایران است و اینکه احزاب سیاسی در ایران یا در جاهای دیگر برای کسب سود تشکیل نشده اند.

او اذعان داشت که حزب کارگران از حکومت آمریکا رسماً یا به طور غیر رسمی پولی دریافت نکرده و نمی کند و انتظار ندارد دریافت کند. او مدعی شد که کمونیستها مسئول این گونه داستانهای تبلیغاتی هستند. او اعلام داشت که به هیچ کاری برای شرکت در تظاهرات مختلفی که حزب کارگران از آنها پشتیبانی کرده است، پول داده نمی شود.

آقای سپهبدی مدعی است که اکنون چهار شعبه فعال حزب وجود دارد: ۱- تهران، با عضویت حدود ۴۰۰۰ نفر که از آنها یک هزار نفر دارای شور و هیجان بوده (و بیشتر آنها دانشجوی هستند)، ۲- اهواز، با عضویت حدود ۱۰۰۰ نفر که از آنها ۲۰۰ نفرشان پشتیبانهای پر و پا قرص هستند، ۳- دزفول، با عضویت حدود یکهزار نفر که از آنها ۱۰۰ نفرشان پشتیبانهای پر حرارت هستند، ۴- اصفهان، که تعداد اعضای آن مشخص نشده است، زیرا شعبه حزب در آنجا تازه تشکیل شده، ولی آقای سپهبدی معتقد است که لااقل پانصد عضو در آن وجود دارد که نیمی از آنها پر شور و حرارت هستند.

آقای سپهبدی بار دیگر اذعان کرد که در هسته داخلی حزب، کاری وجود ندارد. او علاقمند است به اینکه کارگران از لحاظ تعداد از آن پشتیبانی کنند (و در نتیجه فشار). سیاست حزب عبارت است از تشویق پشتیبانی از کارگران و آقای سپهبدی معتقد است، که کارگران باید مشتاق درک مقاصد حزب کارگران باشند که هدف آنها حمایت از آنهاست و اینکه این حمایت از طریق رهبری آنها امکان پذیر است.

آقای سپهبدی درباره رهبری سودمند که ممکن است از منابع غیر از افراد دانشگاهی فراهم شود ابراز شک و تردید کرد.

آقای سپهبدی این مرحله از گفتگو را با اظهار تأسف به خسارات وارده به دفاتر روزنامه و چاپخانه در تاریخ ۱۶ آذر پایان داد. او معتقد است که سردبیران «بعضی» از روزنامه ها در ارتکاب اعمال شرورانه ضد ناسیونالیستی در پشتیبانی از کمونیستها مقصرند و اینکه سایر سردبیران روزنامه ها نیز در مخالفت با حکومت مصدق به همان اندازه تقصیر کارند.



حزب زحمتکشان - ۵ تاریخ: ۱۹ دسامبر ۱۹۵۱ - ۲۸/۹/۱۳۳۰ یادداشت گفتگو از: آقای سی.سی. فینچ به: آقای ار.ام. ملبورن  
موضوع: انتخابات آقای سپهبدی مسئله حزب کارگران ایران را با وابسته کارگری مورد بحث قرار داد و بعداً آقای ملبورن به  
آنها پیوست. مراتب زیر خلاصه قسمت دوم گفتگو است.

آقای سپهبدی معتقد است که انتخابات به زودی آغاز خواهد شد و اینکه یک انتخابات «تند و سریع» ظرف سه یا چهار ماه  
انجام خواهد شد. او گفت که به عقیده او رأی گیری به انتخابات مجلس از شمال شرقی آغاز خواهد شد و به دنبال آن شمال  
غربی و منطقه شمال مرکزی و منطقه مرکزی ایران و قس علیهذا به ترتیبی که فهرست بندی شده است، ادامه خواهد یافت.  
اگر به دلایل سیاسی ضروری باشد زمان انتخابات در هر نقطه معینی را می توان به طور ناگهانی تغییر داد و انتخابات در  
جنوب صرف نظر از برنامه آزمایشی قبلاً تعیین شده، انجام خواهد گرفت. آقای سپهبدی تلویحاً گفت که انتخابات در جنوب  
ایران در صورتی که حکومت نتواند دستمزد کارگران پالایشگاه و مناطق تولیدی نفت را پردازد، زودتر انجام خواهد شد. در  
چنین صورتی انتخابات قبل از اینکه معلوم به شود که حکومت پرداخت دستمزدها را به تأخیر می اندازد و یا از زیر بار بدهی  
های مقرر طفره می رود، انجام خواهد گرفت.

آقای سپهبدی معتقد است که مجلس جدید قبل از اینکه انتخابات تماماً انجام گرفته باشد تشکیل خواهد شد. او گفت که  
اولین قدم در راه تشکیل مجلس، حضور لااقل ۹۵ نماینده است. آقای سپهبدی گفت که او معتقد است که هیچ کمونیستی به  
مجلس باز نخواهد گشت و هیچکس جرأت نخواهد داشت در مقابل مخالفان شاه و مصدق و پلیس و «سایر نیروهای مقاومت  
کننده» بایستند. او همچنین گفت که پیام مصدق برای اینکه مجلس دویمت نماینده داشته باشد، نقشه ای است برای دراز  
مدت و در حال حاضر هدف دولت این نیست.

سی.سی. فینچ حزب زحمتکشان - ۶ محرمانه ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۲ - ۲۸/۶/۱۳۳۱ اطلاعات تکمیلی بیوگرافیک دکتر مظفر بقایی  
در تکمیل CBD سفارت، مورخه ۲۰ نوامبر ۱۹۵۰ زندگی حرفه ای فوریه ۱۹۵۰ (۲۹/۸/۱۳۲۹) تا فوریه ۱۹۵۲ (بهمن ماه  
۱۳۳۰) نماینده دوره شانزدهم مجلس از تهران.

اکتبر ۱۹۵۱ (مهر ۱۳۳۰)، عضویت هیئت نمایندگی ایران در شورای امنیت.

۲۷ آوریل ۱۹۵۲ (۷/۲/۱۳۳۱)، نماینده دوره هفدهم مجلس شورا از تهران.

۲۶ اوت ۱۹۲۵ (۴/۶/۱۳۳۱)، در بیمارستان بستری شد.

ملاحظات:

بقایی هم از تهران و هم از کرمان با آرای بسیار برای مجلس انتخاب گردید. او عملاً دارای دو کرسی در مجلس بود تا اینکه نمایندگان رأی دادند که باید فقط کرسی نمایندگی تهران را بپذیرد. او جزو نمایندگان جبهه ملی بود که اعتبارنامه های آنها از سوی جواد عامری و می رسید مهدی میراشرفی رد شد، ولی پس از بحثهای مفصل او از طرف مجلس پذیرفته شد.

بقایی که یک عضو فعال جبهه ملی است در عین حال بیشتر کوششهای خود را از آوریل سال ۱۹۵۱ در اطراف حزب شخصی خود، که حزب کارگران است و از جبهه ملی منشعب شده متمرکز کرده است. این گروه بی دوام، که از طرف بقایی سازماندهی شده یقیناً در مقاصد و آرزوهایش یک گروه سیاسی است و آنچه نابجاست این است که (بر خلاف اسمش) در میان خود کارگران یا سازمانهای کارگران ایران، هیچ پیروی ندارد.

هدف اصلی آن ظاهراً پیشبرد جاه طلبیهای سیاسی خود بقایی است که اخیراً این حزب را تجدید سازمان داد تا عناصری را که می خواستند رهبری آن را به دست بگیرند، از میدان به در برد. کوششهای او برای برقراری حزب در خوزستان منجر به تصادم جدی با حسین مکی شد، که نسبت به تخطی های بقایی در سرزمین خود ابراز انزجار می کرد. مکی از دکتر مصدق خواست تا بقایی را از مناطق نفت خیز دور کند.

در سراسر مدت انتخابات حزب کارگران با پیروان شخصی مکی در زمینه های مختلف برخوردهایی داشت و این اصطکاک داخلی در داخل جبهه ملی، تمامی ساخت این جبهه را تهدید به تضعیف می کرد.

بقایی در حال حاضر در بیمارستان بستری است و وضع او وخیم است. به طوری که خود او گزارش داده است، مبتلا به پاراتیفوئید و مرض قند است. بعضیها می گویند که دچار حمله قلبی شده بود.

یک گزارش تأیید نشده که ممکن است آن را باور کرد این است که او در نتیجه مصرف بیش از حد کوکائین بسیار ضعیف شده است. این اعتیاد که او پس از کشیدن طولانی تریاک مبتلا به آن شده بود، او را نه تنها به طور جدی بیمار ساخته بود بلکه وضع مالی شخصی او را فلج کرده بود. ام. آر. پریش حزب زحمتکش - ۷ محرمانه اطلاعات امنیتی سفارت آمریکا

تهران ۲۷ اکتبر ۱۹۵۲ - ۵/۸/۱۳۳۱

ص: ۷۰

گفتگو با یک رهبر برجسته جبهه ملی وابسته کارگری اخیراً با دکتر مظفر بقایی رهبر حزب کارگران ایران و عضو برجسته جبهه ملی ملاقات کرد. مصاحبه با دکتر بقایی در منزل خودش، در یک کوچه فاقد روشنایی، در یک محیط فوق العاده سری صورت گرفت. این پنجمین گفتگوی وابسته کارگری با دکتر بقایی بوده است. دکتر بقایی خسته به نظر می رسید و رنگ پریدگی او به خوبی منعکس کننده بیماری جدی اخیر او بوده است. نتیجه گیری مشترک گفتگو، تا آنجایی که مربوط به مأمور گزارش دهنده است، فقدان کامل یک نقشه، در اوضاع اقتصادی رو به وخامت ایران تا این تاریخ بوده است. گفتگو مطالب زیر را دنبال کرد:

۱- تجزیه حزب کارگران ایران بر اساس مسائلی که مدتهاست مدفون شده، ولی بسیار زود از طرف بقایی شناخته شده صورت گرفته است. آغاز آن در سال ۱۹۴۸ بود یعنی هنگامی که بقایی معتقد بود اگر بتواند سوسیالیستهای ضد کمونیست به رهبری ملکی (مقصود خلیل ملکی است) و عناصر مذهبی فاقد رهبری را با خود در یک سیاست میانه رو متحد کند، قادر خواهد بود یک حزب نیرومند کارگری، بر اساس اعتقادات سوسیالیستی تشکیل دهد. او طرفداران ملکی را مردانی کارا و سخت کوش تشخیص داده بود، ولی در عین حال معتقد بود که آنها سوسیالیستهای خوبی نیستند و جاه طلبتر از آن هستند تا از طریق و مجرای دسته بندی خود بر حزب تسلط پیدا کنند. دکتر مظفر بقایی معتقد بود که آقای ملکی از تغییر حکومت از رژیم سلطنتی به رژیم جمهوری حمایت می کند. هنگامی که دکتر بقایی عازم سفر به اروپا و ایالات متحده آمریکا شد (همین اواخر)، هنگامی که او بیمار بود، او قدرت حزب را در دست آنها باقی گذاشت. پس از بازگشت به شرکت فعالانه به امور حزبی او متوجه این نکته شد که هر چند آنها به اصول سوسیالیستی تعلق می گویند، در واقع آشوبگران کمونیستی هستند و به مصدق وفادار نیستند. بنابراین بقایی این مسئله را مصراً پیش کشید و گفت اگر حزب از این عناصر پاکسازی نشود، او استعفا خواهد داد.

از او پرسیده شد که اگر فرقه طرفدار ملکی از حزب اخراج شود، او باز خواهد گشت؟ او موافقت کرد و (چون شاهد بی اعتبار شدن ملکی شده بود) چاره ای جز اینکه به قول خود وفا کند و به عنوان رهبر حزب شرکت فعالانه را از سر بگیرد، نداشت. در جریان این قسمت از گفتگو بقایی لحن وارسته ای بخود گرفت و در این مرحله گفتگو صحبت او گرمتر شد.

۲- حکومت معتقد است که به محض اینکه انگلیسیها برونند فعالیتهای جاسوسی و کوششهای حکومت انگلیس برای کنترل ایران کاهش خواهد یافت، ولی به دشواری ممکن است از بین برود. بقایی ناکامی حکومت در جمع آوری مالیات بر درآمد و مالیات گمرکی را به مأمورین طرفدار انگلیس در حکومت ایران نسبت داد. او ترکیبی از این اشخاص و تقاضای قبل از مورد مصدق برای اصلاحات روستایی را از اساس خودداری ملاکان بزرگ از پرداخت مالیاتهایی که بر آنها تحمیل شده است، قلمداد کرد.

۳- او مدعی صمیمانه این اعتقاد بود که حکومت آمریکا آلت دست انگلیسیها در ایران (و تمامی خاورمیانه) شده است. او تنها راه نجات ایران را این می داند که یا آمریکا تانکهای (نفتکشهایی) (علیرغم اقدامات قانونی که انگلیسیها می توانند به عمل بیاورند) بفرستد یا کمکهای نقدی بنماید. او ارزیابی مرا درباره بیکاری در تهران به میزان ۴۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ بلافاصله رد کرده (تعداد بیکاران را به نصف آن کاهش داد). معذالک او گفت که حزب توده روز به روز، و به ویژه در میان عده زیادی

از بیکاران رشد می کند.

۴- او گفت که هر چند درست است که حزب او بر اساس اندیشه بالا بردن سطح زندگی فقیران بنا شده است ولی تهیه یک چنین برنامه ای بدون اقدام مقدماتی خلاصی کشور از انگلیسیها میسر نخواهد بود. او مدعی موافقت با حکومت در این باره بود که حکومت باید یک اقتصاد بدون نفت تهیه کند، ولی در عین حال اظهار داشت که حکومت (و خود او) هیچ گونه نقشی برای حرکت تدریجی در جهت اینکه از تجمع کارگران بیکار در خوزستان جلوگیری شود، ندارد.

ص: ۷۱

او گفت که قبلاً به حکومت پیشنهاد کرده بود که حکومت کارگران غیر ماهر را برای ساختمان کانالهای آبیاری در جنوب و جاده ها در شمال به کار گمارند، ولی حکومت با چنین نقشه ای چندان موافق نبود.

۵- او معتقد است که جدایی او از ملکی به مدت نامحدود ادامه خواهد یافت و ملکی به تدریج نسبتاً روشنفکرانی را که اکنون از آنها برخوردار است، از دست خواهد داد و اینکه هیچ کارگری از ملکی پشتیبانی نکرده و نخواهد کرد. او ملکی را به عنوان سمبل یک عنصر کمونیست تیتوئیست در حال زوال تصور کرد.

۶- او مدعی است که با عزیمت انگلیسیها، آمریکا فرصت خواهد داشت تا یک سیاست مستقل و روشن بینانه نفتی برای ایران تهیه کند. او این موضوع را از لحاظ تأسیسات توزیع و پخش و به بازار رسانی نفت توصیف کرد. او گفت که اگر آمریکا در این امر موفق نشود، شایسته آن خواهد بود که نه تنها از طرف مردم و جراید دست چپی مورد حمله قرار گیرد، بلکه از سوی میهن پرستان ایرانی نیز که پی خواهند برد که اعلامیه تهران معنایی ندارد، در معرض حمله قرار خواهد گرفت.

۷- او ظاهراً بخشی از امیدواری خود را به انتخابات آینده آمریکا دوخته است و معتقد است که یک رئیس جمهوری از حزب جمهوریخواه در آمریکا لاقلاً مستقل از انگلیسیها اقدام خواهد کرد (اگر مخالف آشکار با آن نباشد). در این مورد او حزب دمکرات آمریکا و احزاب محافظه کار انگلیس را در مناسبات بین المللی خود به یکدیگر پیوند داد. او اظهار عقیده کرد که برنامه اصل ۴ کار نسبتاً خوبی انجام می دهد، ولی ایران نه تنها نیاز به هیئتهای نظامی ندارد، بلکه این امر برای بیطرفی ایران خطرناک است. او اظهار عقیده کرد و آنهم به نحوی که یک شخص درگیر اظهار نظر می کند که ایران به سختی می تواند بر روی دفاع نظامی از سوی ایالات متحده آمریکا یعنی کشوری که عاطل و باطل در کنار گود ایستاده است حساب کند، و بدین ترتیب اجازه خواهد داد که محاصره از سوی انگلستان ادامه یابد، در حالی که اتباع ایرانی از گرسنگی می میرند.

۸- تنها اظهار نظر او درباره گزارشهای مربوط به رخنه عناصر حزب توده در حزب (کارگران ایران) و حکومت، این بود که در حال حاضر، خطر بزرگتری وجود دارد و آن هم نگهداری عناصر هواخواه انگلیس در مواضع قدرت است.

۹- در پاسخ به سؤال مربوط به نیاز به رفع شرایط اسف انگیز کارگران، دکتر بقایی گفت که قانون کنونی کارگران موارد کافی برای اجرای تصریحات آن را ندارد. او این امر را به زد بندها و نفوذ شرکت نفت ایران و انگلیس، با حکومت ایران درست پس از جنگ جهانی (یعنی هنگامی که قانون کار به تصویب رسید) نسبت داد. او گفت که دلیل دعاوی او در اسنادی که از اداره اطلاعات شرکت نفت ایران و انگلیس به وسیله حزب کارگران به دست آمده به ثبوت رسیده است. دکتر بقایی گفت که مسئولیت اولیه نمایندگان مجلس این خواهد بود که قانون کارگری جدید قابل اجرایی به تصویب برسانند. او شخصاً معتقد است که تنها امید برای اجرای مؤثر قانون در این است که حکومت نه تنها دستمزد کارگران، بلکه همچنین تولید و پخش فرآورده های کارخانجات را کنترل کند.

خلاصه، بقایی درباره قدرت حزب خود و آمادگی شعبه حزب تحت رهبری ملکی به اینکه به تدریج محو شود، نظر اغراق آمیزی دارد. او مایل نیست بپذیرد که حزب توده به مراتب سازمان سیاسی مهمتری از حزب شده است. او نقشه ای برای تأمین کسری مالی حکومت ندارد، او نقشه ای برای کاهش تمرکز





کارگران تابع شرکت ملی نفت ایران ندارد، او همچنین نقشه ای برای غذا دادن یا مسکن دادن به بیکاران ندارد و همچنین نقشه ای برای رویارویی با بحران اقتصادی که زمستان آن را به ارمغان خواهد آورد ندارد. او به این امید در انتظار انتخابات آمریکا است که جمهوری خواهان انتخاب شوند، و اینکه جمهوری خواهان یا به معنای حل مسئله نفت خواهد بود، یا میل آمریکا را برای تعهد جبران کسری بودجه ای که ممکن است پیدا شود، افزایش خواهد داد.

از جانب سفیر روی ام. ملبورن، دبیر اول سفارت حزب زحمتکشان - ۸ محرمانه اطلاعات تکمیلی بیوگرافیک تهران ۳ فوریه ۱۹۵۳ - ۱۴/۱۱/۱۳۳۱ دکتر مظفر بقایی در تکمیل سند مورخه ۲۰ نوامبر ۱۹۵۰ و سند تکمیلی ۱۵ نوامبر ۱۹۵۲ - اواخر آبان، ۱۳۳۱ زندگی حرفه ای ۱۴ اکتبر ۱۹۵۲ (۱۲/۷/۱۳۳۱) از بیمارستان مرخص شد.

ملاحظات: بقایی که گفته می شد که تقریباً الکلی است و به طور وسیعی شایع شده بود مواد مخدر استعمال کرده است، ظاهراً بعد از اینکه از بیمارستان مرخص شد وضعیتش بهتر شده است.

هنگامی که در تاریخ ۱۲ اکتبر بقایی استعفای خود را از حزب زحمتکشان ایران اعلام کرد، اختلاف نظرهای دیرین بر سر سیاست داخلی و سازمان حزب بین دو فراکسیون (دو فرقه) در داخل حزب زحمتکشان (کارگران) ظاهر شد. مخالفین موضع بقایی به وسیله خلیل ملکی رهبر سابق حزب توده رهبری می شوند. طبق اظهار منابع طرفدار ملکی، جدایی واقعی در نتیجه قصد بقایی در شرکت در «توطئه زاهدی» برای سرنگون کردن مصدق به منظور پیشبرد موضع سیاسی او روی داد. گفته می شود بقایی قصد داشت در زمانی در آینده نخست وزیر شود و احساس می کرد که برای رسیدن به این هدف باید حزبی تحت رهبری داشته باشد. هواداران بقایی معتقد بودند که ملکی می کوشد به قصد وارد کردن تغییرات اجتماعی به طرق انقلابی در حزب بر اندازی کند، در حالی که خود بقایی متمایل به وارد کردن تغییرات اعتدالی با پایه های قانونی است. نتیجه این شد که فرقه طرفدار بقایی که کنترل روزنامه شاهد، ارگان حزب را در دست داشت، رسماً ملکی و گروه پیرو او را اخراج کرد و روز ۱۵ اکتبر بقایی را به سمت رهبری بازگرداند.

بقایی از ارتداد ملکی از نظریه سازمانی سخت آسیب دید، ولی در عین حال از پشتیبانی قوی افرادی از طبقه کارگر به عنوان یک چهره سیاسی با حیثیت و اعتبار قابل ملاحظه در مجلس برخوردار است. بقایی طی سر مقاله ای در شاهد، از اندیشه قطع رابطه انگلستان پشتیبانی کرد، ولی در عین حال اصرار داشت که «مزدوران» انگلیس از سازمانهای دولتی تصفیه شوند. در عین حال او اخطار کرد که موضع لیبرالی دولت نسبت به حزب توده باید خاتمه داده شود. هر چند وی در اقداماتی که منجر به انحلال مجلس سنا شد همکاری داشت معذالک بقایی به عنوان یک مخالف برجسته تدابیر عمده دولتی، به نحو فزاینده ای شهرت پیدا کرد. بقایی از سوی مخالفینش به لاس زدن سیاسی با کاشانی برای مقاصد سیاسی خود متهم شده

است. او به ترتیب با قانون امنیت عمومی، قانون مطبوعات و قانون انتخابات، و همین اواخر با تمدید اختیارات تام مصدق مخالفت کرده و تا آن مرحله رسید که در تاریخ ۲۰ ژانویه (بهمن ماه) تهدید به استعفا در جبهه ملی کرد. جالب است خاطرنشان شود که بقایای تا این تاریخ وفاداری خود را به نهضت ملی تأیید کرده است، در حالی که ظاهراً با حکومت به عنوان اینکه دارای نقش مدافع مجلس و فراگردهای دمکراتیک است مخالفت کرده است.

حزب زحمتکشان - ۹ صورت مذاکرات محرمانه تاریخ: ۱۵ دسامبر ۱۹۵۴ - ۲۴/۹/۱۳۳۳ موضوعات: ۱- شورای سلطنت ۲- تجدیدنظر در قانون اساسی ۳- مخالفین در مجلس ۴- بقایای و انتخابات در کرمان ۵- احتمالات در احزاب سیاسی ۶- تمایل به عدم تمرکز شرکت کنندگان: سردار فخر حکمت، رئیس مجلس، دکتر عباسقلی حکمت، پسرش، کورش شهباز، مشاور سیاسی، ویلیام کارم، کنسول سفارت در امور سیاسی سردار فخر حکمت که به وسیله پسرش همراهی می شد و فرانسه او از پدرش بهتر است و انگلیسی نیز صحبت می کند، در ۱۱ دسامبر (۲۰ آذر) برای صرف چای آمدند. وقتی من از طریق شهباز تقاضای ملاقات نمودم، حکمت اشاره کرد که او دعوت چندین ماه پیش مرا پاسخ می گوید.

شورای سلطنت در جواب به چندین سؤال در مورد شورای سلطنت سردار فخر حکمت توضیح داد که تنها فرمان همایونی فرمانی بوده است که اعضای را منصوب نموده است. شورا دارای این قدرت شده است که قوانینی که از مجلس می گذرد را اعلام دارد و در نتیجه آنها را مؤثر سازد، ولی این قوانین در عین حال به منظور توشیح ملوکانه برای شاهزاده غلامرضا به عنوان بزرگترین برادر شاه بر جلسات شورا ریاست می کند.

تجدیدنظر در قانون اساسی حکمت چیزی را که قبلاً در روزنامه ها ظاهر شده بود تأیید نمود، یعنی اینکه مجلس و سنا تصمیم گرفته اند که هر نوع جلسه کنگره دو مجلس برای تجدیدنظر در قانون اساسی را تا بازگشت اعلیحضرت به تعویق بیندازد. این با خواسته های ابراز شده شاه مطابقت دارد.

برای تجدیدنظر قانون اساسی، حکمت تشریح نمود که موضع او در مورد پیشنهادهای مشخص برای تجدیدنظر در قانون اساسی به ترتیب زیر خواهد بود.

الف: شماره و کلا باید از ۱۳۶ به ۲۰۰ که قبلاً به وسیله قانون اساسی مجاز دانسته شده بود افزایش یابد. حکمت این را به این وسیله توجیه نمود که نسبت اصلی شهروندان به نمایندگان به خاطر افزایش در جمعیت ایران به هم خورده است و متذکر شد که ۰۰۰/۳۰۰ نفر جمعیت بلوچستان اکنون فقط یک نماینده دارند و پارلمان در کشورهای همسایه بزرگتر از آن است که در ایران می باشد. او هم اکنون روی طرحهایی

برای یک مجلس جدید با تالاری بزرگتر که ۲۰۰ نماینده را در خودش جای دهد و ترتیبات بهبود یافته برای مطبوعات و هیئتهای دیپلماتیک هم در تالار و هم در بقیه ساختمان فراهم نماید کار می کند.

ب: او توافق داشت که دوره نمایندگی باید ۴ سال باشد نه دو سال. ولی او فکر نمی کرد که دوره نمایندگان فعلی تمدید به شود. در این مورد نظر او برخلاف بیشتر نمایندگان بود.

ج: او با پیشنهادات کاهش حد نصاب لازم موافق بود. او فکر می کرد که به جای دو سوم، یک سوم نمایندگان حاضر در تهران، برای برگزاری یک جلسه بحث، کافی خواهد بود و اینکه به جای سه چهارم حضار، حضور یک اکثریت آشکار از آنهایی که در تهران حاضر هستند برای رأی گیری کافی است.

د: او با هر قدرت و تو سلطنتی مخالف بود؛ حتی با حق تعلیقی که شاه اکنون در مورد لوایح مالی در خواست نموده. به عنوان مثال اینکه شاه می تواند درخواست مرور دیگری بر آنچه اکثریت دو سوم را برای تصویب لازم دارد، بکند. حکمت فکر می کند که قدرت شاه برای انحلال مجلس تحت ماده ۴۸ به او هر اختیاری که لازم داشته باشد می دهد ولی او انتظار داشت که اعلیحضرت روی گرفتن حق تعلیق پافشاری نماید.

ه: او با دادن قدرت به سنا در موضوعات پولی یا تحقیق در مورد حسابهای ملی مخالف بود. موقعی که چند سناتور آمده بودند که این موضوع را با او مطرح نمایند، وی به آنها متذکر شده بود که خیلی از نمایندگان از طریقی که سنا رفتار می کند عصبانی هستند، و اینکه ۱۴ مجلس یا بیشتر بدون سنا پیش رفته است و اگر نمایندگان در کنگره برای مسدود نمودن رأی دادند، سناتورها ممکن است بفهمند که مؤسساتشان کاملاً از میان رفته؛ این حرف سناتورها را بر جایشان نشانده. (رئیس مجلس آشکارا از این جدل خوشحال بود و شنوندگان که از سناتورها ناراضی بودند با او قهقهه ای را سر دادند.) مخالفین در مجلس حکمت ما را مطمئن ساخت که خواست شاه برای یک مجلس آرام در زمان غیبت او برآورده خواهد شد. او اضافه کرد که پس از بازگشت شاه مخالفین ممکن است کاری انجام دهند. وقتی من از او در فرانسه پرسیدم که این مخالفین چه اندازه هستند، ۵، ۱۰، ۲۰، او پاسخ داد که ۱۲ تا ۱۴ نماینده را در بر می گیرد رد.

چند لحظه بعد که شهباز از حکمت پرسید آیا تخمین خود او در مورد ۱۸ تا ۱۹ نماینده مخالف، صحیح نبوده است. رئیس مجلس با تصدیق پاسخ داد.

بقیایی و انتخابات در کرمان من از حکمت پرسیدم که اگر بقیایی برای مجلس انتخاب شود نتایج چه خواهد بود. آیا واقعاً می تواند در دسر ایجاد کند. او به این طریق پاسخ داد که اولاً بقیایی انتخاب نخواهد شد و ثانیاً چیز بدی خواهد بود.

همان طور که پسر حکمت عبارت را به فرانسه ترجمه می کرد، او (بقیایی) از آن نوع آدمهایی بود که همیشه با حيله های مزورانه باعث انقطاع کارها می شد.

احتمالات در احزاب سیاسی حکمت با پیشقدمی خودش موضوع امکان ایجاد حزب سیاسی یا احزاب سیاسی در ایران را پیش



کشید. او گفت که برای مدت‌ها با شاه در مورد احتیاج به یک حزب سیاسی صحبت می کرده است. به نظر رسیده که شاه با فکر او موافقت کرده، ولی البته موضوع تا بازگشت شاه به تعویق افتاده بود. او امیدوار بود که اعلیحضرت را قانع کند.

در حالی که تلاش می کردم که از رساندن این مفهوم که ایران به سادگی از ترکیه تقلید می کند اجتناب ورزم، پرسیدم که آیا منظور حکمت این است که نوعی از حزب ناسیونال که حمایت و پشتیبانی رئیس کشور را دارا باشد، مورد نظر است و یا منظور او این بود که ایران فوراً ممکن است چندین حزب داشته باشد و در حقیقت مکانی و لزومی برای انتقادات از دولت وجود دارد و هیچ زیانی در سازماندهی آنها به عنوان مخالف وجود ندارد.

اظهارنظر: این آشکار سازی یک طرح برای بنا نهادن یک حزب، ممکن است این را تشریح نماید که چرا ارنست پرون هر زمانی که موضوع احتیاج به کمی «جنبش» ملی برای الهام بخشیدن به جوانان ایرانی را مطرح می نمود، همیشه بر این اصرار داشت که منظور او ایجاد یک حزب سیاسی نبوده است. من قبلاً آگاه نبودم که کسی در حال حاضر برای ایجاد یک حزب فشاری آورده است.

تمایل به عدم تمرکز موضوع دومی را که حکمت بدون هیچ سؤالی از طرف من مطرح نمود، تمرکز پیش از حد در ایران بود. او احساس می کرد که مردم در شهرهای استانها و دهکده ها دولت را یک موجودیت دور از دسترس و چیزی که به خاطر دور افتادگی زیادش قادر به، به حساب آوردن تمایلات عامه نیست، می دانند.

هدف او این بود که شوراهای شهری و استانی برای مشاوره با استانداران و زیر دستان آنها معرفی شوند.

وقتی من، از او درباره قدرتی که این شوراها باید داشته باشند سؤال کردم، او روشن ساخت که آنها باید کاملاً مشورتی باشند و مجلس باید تمام قدرت اعمال نظر را داشته باشد.

حزب زحمتکشان - ۱۰ محرمانه تاریخ: ۲۲ اوت ۱۹۵۵ - ۳۱/۵/۱۳۳۴ شایعات درباره آینده دکتر مظفر بقایی در حدود دو هفته بعد از عزیمت ژنرال زاهدی و شایعاتی در تهران منتشر شد مبنی بر اینکه دکتر مظفر بقایی رئیس حزب زحمتکشان و در ابتدا همکار نزدیک و بعداً دشمن شدید مصدق، به زودی از اقامت اجباری در زاهدان که به وسیله زاهدی آنجا فرستاده شده بود، آزاد شده و به یک سمت جدیدی که دارای اختیار و قدرت است، یا به عنوان وزیر کابینه، یا به عنوان نخست وزیر منصوب خواهد شد. از آن زمان این شایعات یا شایعات مشابه آن نقل محافل تهران شده است. در حالی که این گزارشها را نمی توان به یک منبع نسبت داد و ردیابی کرد، در عین حال این شایعات قدرت حیاتی حیرت انگیزی از خود نشان داده است.

این شایعات در آخرین هفته ماه ژوئیه به اوج خود رسید، ولی از آن زمان به بعد تاکنون در حال فروکش کردن است، ولی ممکن است بار دیگر اوج بگیرد. به طوری که گزارش شده است، بقایی وقت خود را در

زاهدان به نوشتن کتابی با سلسله مقالاتی اختصاص می داد و تنها تفریح او هر هفته رفتن به ایستگاه راه آهن و مشاهده ورود قطار از پاکستان بوده است. بیش از دو ماه قبل نامه ای از بقایی در میتینگ سالیانه حزب زحمتکشان قرائت شد. این نامه شدیداً چپگرایانه و ضد غربی بود. هر چند محتوای عقیدتی نداشت احتیاجی به گفتن نیست که به هیچ وجه حمله ای علیه شاه یا نهاد سلطنت در بر نداشت. در این میتینگ اتفاقاً عکسهایی از بقایی و آیت الله کاشانی در کنار یکدیگر به نمایش گذاشته شد.

آخرین شایعه تأیید نشده حاکی است که علی زهری یکی از وردستهای سیاسی بقایی با او در زاهدان گفتگو می کند و نامه مهوری از شاه برای بقایی آورده است. همچنین گزارش شده است که بقایی اخیراً دو یخچال برقی از دربار دریافت کرده است و اینکه هر هواپیمای بازرگانی که از تهران به زاهدان پرواز می کند گوشت یخ زده و سایر تنقلات از دربار برای سردخانه شخصی بقایی می آورد. براساس یک شایعه که همین اواخر منتشر شده، بقایی ممکن است شهر زاهدان را به زودی ترک کرده و در یکی از املاک علم وزیر کشور که در شرق ایران واقع است اقامت گزیند. (شایعات اخیر درباره بازگشت بقایی با شایعه دیگری مبنی بر اینکه چین، سفیر ما، با چهره های ملی گرا و دست چپی روابط دوستانه ای دارد همزمان پخش شده است.) شایعات دیگری حاکی از این است که نشریه های زیرزمینی از سوی حزب زحمتکشان، شدیداً حزب توده و نهضت مقاومت ملی را مورد حمله قرار داده ولی از شاه تمجید می کنند و در عمل از سوی نیروهای امنیتی تشویق می شوند. بعضی از نشریات نیروی سوم گویا با همین لحن نوشته شده و چنین گزارشی به این اعتقاد عمومی جور درمی آید که جناح راست نیروی سوم با دربار تماس دارد.

شایعات درباره بازگشت قریب الوقوع بقایی همچنین در میان کارگران بیسواد و در عین حال در سالن مجلس شنیده می شود. شمس الدین قنات آبادی، وکیل مجلس کار را تا آنجا پیش برد که به یک روزنامه نگار گفت که مجلس هرگز در تحت هیچ شرایطی بقایی را به عنوان کابینه یا نخست وزیر نخواهد پذیرفت. قنات آبادی همچنین به یک دوست شخصی چند دقیقه بعد اظهار داشت که اگر بقایی در ساختمان مجلس ظاهر شود، با دستهای خودش او را خفه خواهد کرد.

ناظران سیاسی مطلع، تصور می کنند که اعم از اینکه این شایعات صحت داشته باشد یا خیر، این شایعات مبتنی بر فرضیه ای است که شاه در شوق خود برای برطرف کردن فساد و به وجود آوردن اصلاحاتی اجتماعی و اقتصادی، به طور جدی در این فکر است که از بقایی به عنوان تنها شخص با انرژی و بی امان و دارای شوق انقلابی، که می تواند برای خرد کردن محافظه کاران و طرفداران زاهدی و فراهم آوردن اصلاحات فوری در شرایط زندگی مردم و در عین حال به عنوان شخصی که قابل قبول و روشنفکران و اقلیت آگاه سیاسی طبقات پائینتر است، استمداد کند. همچنین تصور می شود که در حالی که بقایی را ممکن است هر لحظه که مطلوب باشد وارد کابینه کرد، او در صورتی نخست وزیر خواهد شد که مجلس منحل شود.

تا زمانی که این شایعات تأیید نشده است، آنها را باید به عنوان شایعات به احتمال غیر صحیح تلقی کرد. علاوه بر این احتمال می رود که شاه به طور جدی در فکر انجام معامله ای با بقایی یا با گروههای دیگر ملی گرا به عنوان وسیله ای برای تسریع اقدام درباره برنامه اصلاحی خود باشد. حتی اگر شاه احساس کند که محافظه کاران در کابینه و در دستگاه دولتی و مجلس شورای ملی برنامه اصلاحاتی او را به طور تعمدی





جلوگیری می کنند.

شاه ظاهراً آنقدر مایوس یا دور از واقعیت نیست که فکر کند از یک چنین مانوری در سیاست می تواند جان سالم به در برد و درک نکند که اگر عوامفریبی از قماش بقایی را بر روی صحنه سیاسی ایران با پشتیبانی شاهانه رها کند، چه انباری از بلاها بر روی مردم خواهد ریخت.

در صورتی که فرض شود که شایعات صحت ندارد، ادامه پخش آنها این مسئله را پیش می آورد که چه کسی این شایعات را آغاز کرد و چه کسی آنها را در حال جریان نگه می دارد. سه فقره امکان، درباره منبع این شایعات در زیر به ترتیب احتمال آنها تشریح می شود:

شاه و احتمالاً وزیر کشور، در حالی که در پی آن نیستند که امکان به حکومت رساندن یک چنین مرد خطرناک و جاه طلبی را در نظر بگیرند، ممکن است این شایعات را آغاز و تقویت کرده باشند، تا پارلمان را با حکومت هماهنگ کنند. عملاً تهدید بازگشت احتمالی بقائی، عنصری در متمایل کردن اکثریت محافظه کار پارلمان به این اعتقاد است، که آنها نباید حکومت علاء را سرنگون کنند. مبادا شاه در نتیجه خشم خود و به وسیله آوردن چپ گرایان ناسیونالیست قوی و انحلال مجلس یک بازرسی به مراتب بدتری را بر منافع متعادل کشور تحمیل کند.

هواداران دکتر بقایی از جمله دستیاران سیاسی او در حزب زحمتکشان دلیل کافی دارند که چنین شایعاتی را پخش کنند، زیرا این شایعات به حیثیت گروه آنها می افزاید. معذالک دشوار است درک شود که چگونه چنین هیئت کوچک و بدون نفوذ از سیاستمداران می تواند این شایعات را تا چنین مدت درازی در جریان نگه دارد. اگر آنها در واقع چنین کرده اند، منابع مالی آنها بایستی بیشتر از آنهایی باشد که تاکنون شناخته شده بود.

همچنین ممکن است که اشخاص مختلف در نظاره بر صحنه سیاسی منطقی تصور کرده باشند که شاه متفکین جدیدی را برای برنامه اصلاحی خود جستجو کرده باشد و اینکه آن گاه این اشخاص شایعات را درباره بقایی پخش کرده اند، تا این تأثیر را ایجاد کنند که آنها خودشان درباره تحولات آینده سیاسی آگاه بوده اند. این امکان وجود دارد که گروههای محافظه کار افراطی در داخل پارلمان و خارج از آن شدیداً از آن سوءظن دارند، که شایعات را اندکی پس از روی کار آمدن حکومت علاء پخش کرده است؛ تا محافظه کاران میانه روتر را از کوشش برای رسیدن به یک سازشی با شاه بترسانند. معذالک ادامه این شایعات در جریان دو ماه اخیر اثر دلسرد کننده ای در روحیه بسیاری از محافظه کاران از جمله نمایندگان مجلس داشته است که احساس می کنند که سازش با حکومت علاء بهتر از آن است تا در معرض الطاف بقایی قرار بگیرند و اینکه شیطنی را که آدم می شناسد، کم خطرتر از موجودی است که در بیرون زوزه می کشد. بنابراین احتمالی به نظر می رسد که اگر محافظه کاران افراطی هواخواه زاهدی، این شایعات را آغاز کرده اند، پس از چند هفته اول حدود و ثغور این شایعات از کنترل آنها خارج شده است.

از جانب سفیر ویلیام کرون، پسر رایزن سفارت در امور سیاسی



حزب زحمتکشان - ۱۱ سری - غیر قابل رؤیت برای خارجیان اکتبر ۱۹۵۹ (آذر ۱۳۳۷) - وزارت خارجه مظفر بقایی کرمانی دکتر مظفر بقایی کرمانی (معمولاً دکتر بقایی خطاب می شود) رهبر حزب کارگران و یک بار دومین شخصیت مهم در جبهه ملی، یک سابقه سیاسی به عنوان مخالف برای خود دست و پا کرده است، بدون توجه به شکل سیاسی دولت بر سر کار، به طور دائمی یک منبع عمده مخالف بالقوه یا بالفعل در بقایی پیدا می شود. در نتیجه در گذشته کوششهایی به عمل آمده است که او را به وسیله خریدن وفاداری رسمیش وزارت و سفارت ساکت نمایند، که او امتناع ورزیده است. بقایی جاه طلب هدفش را بر روی کمتر از نخست وزیری تنظیم نکرده است اخیراً گزارش شده بود که او به دو نفر از متخصصین حزب کارگران خود وظیفه تهیه یک برنامه عمل و «کابینه در خفا» را، آماده برای استفاده در صورتی که سرانجام زمام قدرت به دست او افتد، محول نموده است. اگر چه او فرصت طلب و زیرک است، شاهدهی بر احتمال وقوع چنین چیزی وجود ندارد.

محاسبات خوش بینانه بقایی از این اعتقاد ناشی می شود که با بدتر شدن وضعیت سیاسی، شاه (محمد رضا شاه پهلوی) به وی به عنوان میانه روترین نماینده نیروهای اصلاح طلب، ملی گرا در ایران روی خواهد آورد. در این فرضیه شاه تاج و تخت خود را حفظ خواهد نمود، اگر چه اختیارات او محدود و مشخص خواهد شد. به هر حال از اواخر ۱۹۵۹ چنان احتمالی، با در نظر گرفتن این حقیقت که حزب کارگران ادعای هیچ گونه نمایندگی پارلمانی نمی توانست داشته باشد، مورد سؤال به نظر رسید. آن (حزب - مترجم) غیر از روش تغییر مسیر (تغییر موضع) که به وسیله رهبر آن در پاسخ به دستورات فرصت طلبانه اتخاذ شده که به تنهایی شامل پیروان شخصی بقایی و فاقد ساخت بنیانی (یک پایگاه توده ای) و هر گونه جهت سیاسی می باشد. حزب کارگران ملی گرا، ضد کمونیست و به طور مبهمی در اهدافش سوسیالیست می باشد و عمدتاً کارگران کارخانه و کاسبهای بازار را جذب می کند؛ هر چند موقعیتهایی در جذب عناصر ناراضی تمام طبقات و قسمتهای مشخصی از ارتش و پلیس به دست آورده است. مدرکی در دست نیست که حزب به طور موفق آن ملی گراهایی که در میان طبقات تحصیلکرده هستند و به نخست وزیر سابق، محمد مصدق به عنوان سمبل مخالفتشان با رژیم می نگرند را جذب کرده باشد. اگر چه آن (حزب کارگران) آزادی عملی را که دو حزب رسمی ایران از آن برخوردارند، ندارد. لیکن حزب بقایی در محدوده های دقیقاً مشخص شده از طرف دولت تحمل می شود. حزب کارگران به طور ناموفقی از طرف حزب رسمی مخالف؛ حزب مردم، دعوت به همکاری شد.

بقایی در سال ۱۲۹۷ در کرمان متولد شد تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در ایران به پایان رسانید و درجه ای در فلسفه و آموزش و پرورش کودک از سوربن در پاریس دریافت نمود.

او حرفه اش را به عنوان استادیار فلسفه و آموزش و پرورش کودک در دانشگاه تهران از سال ۱۳۱۵ شروع کرد و این مقام را تا ۱۳۲۳ حفظ نمود. در سال ۱۳۳۶ او به عنوان نماینده مجلس پانزدهم از کرمان انتخاب شد، متعاقباً در دوره های شانزدهم و هفدهم مجلس هم انتخاب شد. بقایی در مجلس با موافقتنامه تکمیلی نفت با شرکت نفت ایران و انگلیس مخالفت کرد و یکی از نمایندگان بود که تحت رهبری مصدق

برای طرح ملی کردن نفت فشار آورد. او به ارتش به طور آزاد برای مداخله در سیاست حمله نمود و یکی از دشمنان رک و بی پرده رئیس ستاد، ژنرال علی رزم آرا بود. در ۱۳۳۸ مبارزه تمام عیار بقایی بر علیه دولت از طریق روزنامه اش (شاهد) برای او یک طرفداری سرتاسری عمومی کسب کرد، ولی منجر به دستگیری وی و محکومیت یک سال زندان به وسیله یک دادگاه نظامی شد. در اثر فشار عمومی در عرض یک ماه وی آزاد شد و موضوع، بیشتر پی گیری نشد.

زمانی که مصدق در فروردین ۱۳۳۰ نخست وزیر شد، مظفر بقایی طلا-یه دار جنبش ملی گرایی بود و از لحاظ اهمیت در جبهه ملی در درجه دوم پس از مصدق مورد توجه قرار می گرفت. در اردیبهشت ۱۳۳۰، بقایی و خلیل ملکی رهبر اسبق حزب توده تحت کنترل کمونیستها، برای تشکیل حزب کارگران به هم پیوستند، حرکتی که موقعیت بقایی را با به خدمت گرفتن کادرهای مارکسیست ملکی برای آرمان سیاسی خودش بالا برد. به هر حال این اتحاد زود گذر بود و یک تفرقه بین دو فرقه در مهر ۱۳۳۱ همکاری با ملکی را پایان داد. بقایی خیلی زود پس از جدایی به حالت طبیعی مخالف خوانیش بازگشت و یکی از تندترین مخالفان مصدق شد. این گسیختگی به قیمت (از دست دادن - مترجم) بیشتر پیروان او در مردم تمام شد. روزنامه بقائی، شاهد، یک روزنامه مخالف برجسته شد که بشدت از سر و سر مصدق با حزب توده انتقاد می کرد و بقایی آن را یک حزب خارجی می دانست و در نتیجه مضر برای منافع یک ملی گرای حقیقی. بقایی ترسان از آسیب بیگانه، خصوصاً ضد انگلیسی بود و مصدق را متهم نمود که به اندازه کافی در محدود نمودن انگلیس در ایران به پیش نرفته است.

با سقوط رژیم مصدق در مرداد ۱۳۳۲، مخالفت پر سر و صدای بقایی متوجه دولت پیروز فضل الله زاهدی شد که او آن را متهم به فساد و خیانت در برقراری مجدد روابط دیپلماتیک یا بریتانیا در اواخر ۱۳۳۲ نمود. ژنرال زاهدی که در رسیدن به یک موافقت با بقایی شکست خورد، بر علیه وی عمل نمود و روزنامه شاهد را تعطیل کرد و تلاشهای وی برای انتخاب به نمایندگی در مجلس هیجدهم را خنثی نمود.

بقایی در سال ۱۹۵۴ به خاطر مبارزه در کرمان دوبار در منزل تحت نظر قرار گرفت، که مرتبه دوم برای یک دوره یکساله بود. در آذر ۱۳۳۴ از اقامت اجباری خلاص شد و هدایت فعال حزب مخالفت و خودداری از انتقاد از شاه در درخواستهایش برای اصلاحات، در اردیبهشت ۱۳۳۶، حق برگزاری اولین گردهمایی سیاسی غیر رسمی را، از زمان کودتایی که جبهه ملی مصدق را سرنگون کرد، به دست آورد. او به برگزاری گردهمایی ها، ترغیب ناراضیها برای راهپیمایی در حزبش (تنها حزب سوسیالیست در ایران)، طرفداری از استقرار اتحادیه های صنفی و حمله به پیمان بغداد و امپریالیسم انگلیس ادامه داده است.

دولت که مواظب است اجازه ندهد، عملیات او از کنترل خارج گردد، یک کنترل دقیق روی حزب کارگران برقرار نموده است. بقایی هنوز به خاطر تعدادی اتهامات مرتبط با فعالیتهای گذشته اش مواجه با محاکمه می باشد، دولت اسلحه ای مؤثر در دست دارد که او را خاموش کند.

مظفر بقایی باهوش و زیرک، ولی بی ثبات در فلسفه سیاسی خود و یک هوچی (عوام فریب) بی پروا، محسوب می شود. اگر چه موضع او در رابطه با ایالات متحده مطلب قابل ذکری نیست، اعتقاد بر این است که وی کمتر از بریتانیا و شوروی نسبت به این کشور (آمریکا) خصمانه است. بقایی از نظر اجتماعی خوش مشرب و معتدل و یک سخنران آتشین می باشد، که مخالفتهای تند او گاهی او را در جنگ پارلمانی درگیر نموده است. بقایی یک مرد بزرگ توصیف شده است. در گذشته او



مواد مخدر تحمل نموده است. او فارسی، فرانسه و کمی عربی صحبت می کند. دکتر بقایی از زنش جدا شده.

حزب زحمتکشان - ۱۲ سری - غیرقابل رؤیت برای خارجیان تحت کنترل مداوم گزارش اطلاعاتی حوزه مأموریت کشور: ایران موضوع: امکان نامزدی بقایی در انتخابات آینده تاریخ اطلاعات: قبل از ۱۵ اکتبر ۱۹۵۹ تا این تاریخ محل و تاریخ: تهران، ایران (اواخر اکتبر ۱۹۵۹) شماره گزارش: ۴۵۴۴ تاریخ گزارش: ۵ آوریل ۱۹۶۰ - ۱۶/۱/۱۳۳۹ منبع: یک مأمور اطلاعاتی ایران که دسترسی به گزارشهای امور مربوط به امنیت داخلی را دارد.

ارزیابی مفاد و مضمون: (احتمالاً صحیح) (۳) ۱- طبق اظهار علی فراهانی، عضو برجسته حزب زحمتکشان ایران که متصدی امور مالی این حزب، تا قبل از ۱۱ مهر ۱۳۳۸ بوده است، دکتر مظفر بقایی از طریق میانجیگری شاهدخت شمس به حضور شاه شرفیاب شده است.

۲- دکتر بقایی تقاضا کرده است که او به عنوان رهبر حزب، و علی (زهری) به عنوان چهره برجسته در این حزب، در مبارزات انتخاباتی آینده شرکت کنند. شاه با انتخاب بقایی به نمایندگی مجلس موافقت کرد، ولی از اجازه دادن به علی زهری برای درگیر شدن در فعالیتهای سیاسی خودداری کرد. (احتمالاً و امکاناً صحیح) (۳ و ۲) ۳- دکتر بقایی به رهبران حزبش دستوراتی صادر کرد و آماده برای شرکت در مبارزات انتخاباتی به کمک و مساعدت مالی بازرگانان کرمان شد.

۴- همچنین طبق اظهار فراهانی قبل از ۱۵ مهر ۱۳۳۸، دکتر قاسمی از حزب ملیون و دکتر بقایی تصمیم گرفتند ائتلافی در بهمن ۱۳۳۸ تشکیل دهند. آن گاه، دکتر بقایی قرار بود در مبارزات آینده به عنوان نامزد هر دو حزب از کرمان شرکت کند.

(۱) نظریه حوزه مأموریت: منبع این گزارش در ماه اردیبهشت ۱۳۳۸ گزارش داده بود که علی زهری نماینده سابق، ناشر روزنامه شاهد ارگان حزب زحمتکشان و از دوستان بسیار نزدیک دکتر بقایی است.

(۲) نظریه حوزه مأموریت: روز ۱۵ مهر ۱۳۳۸ منبع این گزارش، گزارش داد که طبق اظهار فراهانی، دکتر بقایی هنوز هم کوششهایی برای به دست آوردن توافق شاه جهت نامزدی خود به عمل می آورد. این امر البته با بند ۲ مذکور در فوق تضاد دارد.

نظریه حوزه مأموریت: روز ۱۸ اسفند ۱۳۳۸ یک مأمور امنیتی ایران که با گروههای دست راستی تماس دارد، گزارش داد که مطمئن است که شاه به طور جدی در نظر دارد از دکتر بقایی تقاضا کند که نخست وزیر شود، زیرا دولت اقبال درباره مسائل مربوط به اصلاحات ارضی همچنان شکست

می خورد. (۱) حزب زحمتکشان - ۱۳ محرمانه شماره سند: ۱۸۲ - تاریخ: ۴ ژانویه ۱۹۶۲ - ۱۴/۱۱/۱۳۴۱ از: سفارت آمریکا - تهران به: وزیر امور خارجه - واشنگتن دی.سی.

موضوع: تبرئه دکتر مظفر بقایی محکومیت دکتر بقائی، رهبر «پاسداران آزادی»، که اتهام وی تحریک پلیس به شورش بود، در تاریخ ۷ دی توسط یک دادگاه استیناف نظامی رد شد. دکتر بقائی، به دنبال یک رشته فعالیت‌های انتخاباتی ضد دولتی، در شهریور ۱۳۳۹ دستگیر و در خرداد ۱۳۴۰ به دو سال زندان محکوم شد.

دکتر بقایی در جریان استیناف خواستن خود، روابطش را با جبهه ملی و قطع پیوندش را با مصدق بررسی نمود. دفاع وی از فعالیت‌هایش (در دادگاه) حمله ای بسیار تند بر علیه جبهه ملی در برداشت.

استیناف خواهی دکتر بقایی و به دنبال آن آزادی وی علایق به خصوصی را در اینجا به وجود آورده و گمان‌هایی را در مورد طرح‌های آینده وی برانگیخته است. گمان‌های اخیر در بعضی قسمت‌ها شامل این اعتقاد هم می شود که بقایی از طریقی، به عنوان حربه ای برای مقابله با مخالفین به خصوص جبهه ملی، توسط دولت مورد استفاده قرار خواهد گرفت. خود بقایی در مطبوعات قویاً این مطالب را تکذیب کرده است. با هر نقش سیاسی ایران با ظهور مجدد سیاستمداری زیرک و هوچی همچون دکتر بقایی تأثیراتی پذیرد.

راک ول

ص: ۸۲

---

۱- توضیح: برای آشنایی خوانندگان با علایم موجود در این سند و اسناد مشابه ترجمه مطالب صفحه اول فرم چاپی سند اصلی ارایه میشود: گزارش اطلاعاتی حوزه ماموریت. نسبتاً قابل اطمینان. C. معمولاً قابل اطمینان B. کاملاً قابل اطمینان A: سنجش منبع F. (غیر قابل اطمینان) (به منابعی که صداقت یا وفاداریشان □ علی‌رغم کارایی مورد تردید است □ اطلاق می شود E. معمولاً غیر قابل اطمینان D قابلیت اطمینان را نمی توان تشخیص داد (به منابعی که آزمایش یا به حد کافی آزمایش نشده اند □ اطلاق می گردد). ارزیابی محتوی: ۱ توسط منابع مستقل و قابل اطمینان دیگران تأیید شده است. ۲ احتمالاً صادق است. ۳ امکاناً صادق است. ۴ مورد تردید. ۵ احتمالاً کاذب است. ۶ نمی توان تشخیص داد. ۷ سندیت بر اساس سند اصلی.

حزب زحمتکشان - ۱۴ شماره سند: ۵۳۶۷ محرمانه تاریخ: ۱۶ ژانویه ۱۹۶۲ - ۲۶/۱۱/۱۳۴۱ کشور: ایران موضوع: فعالیتها و نظرات مظفر بقایی از زمان آزاد شدنش از زندان تاریخ اطلاعات: اواخر ۱۳۴۰ - دی ۱۳۴۰ مکان و زمان: تهران - ایران آذر ۱۳۴۰ - دی ۱۳۴۰ منبع: پاراگراف: ۱: معاون سیاسی مظفر بقایی منبع (۲) (F): مأمور اطلاعاتی ایران (C) با دسترسی به گزارشهای مربوط به موضوعات امنیتی داخلی.

ارزیابی مفاد (گزارش): ۱۳ - مظفر بقایی رهبر پاسداران آزادی و حزب زحمتکشان از زمان آزادیش از زندان در اواسط دی گفته است که او به علی امینی نخست وزیر حمله نخواهد نمود و به دنبال برکناری او نخواهد بود تا وقتی که امینی قبول نماید، او به عنوان نخست وزیر نمی تواند به کار ادامه دهد و اینکه وی شکست خورده است.

بقایی احساس می کند که از لحاظ سیاسی امکان پذیر است که به امینی زمان بیشتری داده شود، برای اینکه بینیم آیا او موفق می شود. بقایی ادعا کرد اجازه نخواهد داد (۱) امینی در پست نخست وزیری باقی مانده، تا به سادگی خود را از بین ببرد. همچنین اجازه نخواهد داد که ایمان مردم به دولتها که کمی از آن را دولت امینی ایجاد کرده از بین برود. بقایی این حقیقت را تشخیص داد که امینی با اختلافات فاحشی رو به رو می باشد؛ ارتش نیروهای دست راستی از قبیل اسدالله رشیدیان، سید جعفر بهبهانی و مالکان و کسانی که به وسیله مبارزه علیه فساد صدمه دیده یا در خطر افتاده اند، همه بر علیه امینی هستند، بقایی مشتاق پیوستن به رشیدیان، بهبهانی، سردار فخر حکمت یا دیگر مخالفان امینی نبود. در اولین گردهمایی بقایی در ۱۵ دی ۱۳۴۰ هیچ کدام از سخنرانان به طور جدی به امینی حمله نکردند. مردم کرمان از بقایی، وکیل مدافع و سردبیر کیهان دعوت کردند که از کرمان دیدن کنند و بقایی در نظر داشت که در حدود ۲۵ دی به آنجا مسافرت نماید.

۲- بر طبق گزارشاتی که در سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) تهیه شده، اعضای پاسداران آزادی و حزب زحمتکشان در طول مهر و آبان و آذر ۱۳۴۰ به ملاقات با همدیگر ادامه دادند، منجمله واحدهایی از دانشجویان دانشگاه، کارمندان دولت و واحدهای زندانیان آزاد شده به قید التزام. آنهایی که حاضر بودند، مسائل بین المللی از قبیل بحران الجزایر، کنگو، بیست و دومین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و آزمایشات اتمی را مورد بحث قرار دادند. در زمینه مسائل داخلی گروهها از آموزش و پرورش در ایران، تأخیر در انتخابات و دولت امینی انتقاد کردند. (۳) در میان کسانی که در جلسات مختلف شرکت کردند، این اشخاص بودند:

حسین مکی (۴) رضا محمدی (عضو واحد کارگری) سید حسن وحیدی حیدر کارگر (عضو واحد کارگری)

ص: ۸۳

۱- برای شناخت حروف و اعداد موجود در سند به پاورقی شماره ۱۲ □ حزب زحمتکشان □ مراجعه فرماید.



حسین حامی- اکبر احمدی (عضو واحد کارگری) جعفر جهان- سید حسن حسنی (عضو واحد کارگری) ناظرزاده- کرمانی(۱) (FNU) غلام علی بگ (عضو واحد کارگری) ناصر قندی- رزقی، نانوا، (عضو واحد کارگری) علی آبادی (استاد) (FNU)-فراهانی (۵) (FNU) مهندس عقیلی (۵) (FNU)-میردامادی (۵) (FNU) محمدرضا قوانینی- تواده (FNU) (۵) سید جواد طباطبائی-محمد مروی (رهبر بعضی واحدهای- زندانیان التزامی) غلام علی معصومی،- معلم سید جلال حسینی رهبر واحدهای دانشجویی ولیزاده، کارمند رادیو ایران (FNU)-قناد. (۵) (FNU) مطوف، دانشجوی دانشگاه (FNU)-علی اصغر خبره زاده سیاوش رضایی،- دانشجوی دانشگاه جهانگیر اشرفی عباس لاجوردی- دانشجوی دانشگاه جواد جعفری دباگین (FNU)- دانشجوی دانشگاه شگری دانشجوی دانشگاه تربیت معلم (۵) نوزاد شهریاری (۵) بزرگ نژاد (۵) یوسف زاده (۵) ولی الله قدیمی (۵) ناصر کاظمی (۵) نورزاد (۵) محمدعلی اکبری (۵) سعیدیان (۵) مختار یحیی زاده (۵) اظهار نظر حوزه مأموریت ۱- طبق گفته یک تاجر ایرانی (B) که حضور داشت، حدود پنج هزار نفر در گردهمایی بقایی حاضر شدند و چند نفر بر پلیس در خیابان مستقر شدند. سخنرانان غلامحسین رحیمیان، حسین مکی و بقایی بودند. رحیمیان متذکر شد که وقتی امینی در مجلس بود چیزی به طرفداری از مردم نگفت، ولی اکنون به عنوان نخست وزیر دفعتاً می خواهد که همه چیز برای مردم انجام دهد که رحیمیان باورنکردنی خواند

ص: ۸۴

---

۱- نام اول معلوم نیست.

چون که امینی از یکی از خانواده های ثروتمند قدیمی است. رحیمیان گفت که امینی اختلاف ما بین خودش و آنهایی که در گردهمایی حاضر بودند را می فهمد و او می داند که محدود نمودن فساد دوستان و خانواده او را تحت تأثیر قرار خواهد داد. امینی از برگزاری انتخابات هراسان است به خاطر اینکه اشخاص حزب انتخاب خواهند شد و این برای او و دوستانش خطرناک خواهد بود.

مکی به اختصار سخن گفت؛ بقایی را معرفی نمود و قول به ادامه مبارزه برای آزادی داد.

بقایی گفت آنها باید امینی را مورد انتخابات راهنمایی کنند. امینی نباید اشتباهاتی را که پشتیبان او جعفر شریف امامی و منوچهر اقبال مرتکب شدند، بکند. این حقیقت که شریف امامی و اقبال رفته اند و بقایی میتینگ برگزار می کند، ثابت می کند که آنها مهم نیستند و بقایی و حامیانش مهم هستند. امینی با شکست در برگزاری انتخابات، قانون را مورد بی توجهی، قرار داده است، ولی بقایی قسم خورد که برای انتخابات مبارزه کند. بقایی چند لحظه ای در مورد کار خوبی که امینی برای محدود نمودن فساد انجام می دهد، صحبت کرد.

۲- طبق گفته رهبران جبهه ملی، اطلاعاتی از چندین نفر به جبهه ملی رسیده که شاه می خواست بقایی تبرئه شود و بعد به او اطلاعاتی دهد که با آن به جبهه ملی حمله کند. طبق شایعاتی در چند محفل نظامی، بقایی با قول برای حمله به جبهه آزادی ملی، آزاد شد.

۳- سازمان پاسداران آزادی چند تراکت توزیع کرده بود. منجمله یادبودی برای دانشجویان کشته شده در ۱۳۳۲ در دانشگاه به تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۴۰ که به وسیله دانشجویان وابسته به پاسداران آزادی امضاء شده بود.

۴- نه نفر در این ستون از طرف ساواک اعضای شورای عالی پاسداران آزادی خطاب می شوند.

۵- بر اساس حضور در گردهمایی، بقایی در حدود دو سال پیش، هویت احتمالی برخی اشخاص در اینجا آمده است: مهندس نظام الدین عقیلی، عبدالله شکری، حمزه بزرگ نژاد، محمدعلی یوسفی زاده، علی فراهانی، علی اصغر قناد.

۶- این گزارش با سفارت هماهنگ شد.

حزب زحمتکشان - ۱۵ تاریخ: ۷ ژوئن ۱۹۶۲ - ۱۷/۳/۱۳۴۱ محرمانه آقای فرانک کرافورد - قسمت سیاسی آقای داگلاس مارشال - قسمت کنسولی گفتگو با دکتر بقایی در ۳ ژوئن ۱۹۶۲ سابقه:

همان طور که می دانید حدوداً یک هفته پیش من، منصور رفیع زاده، یک دانشجوی ایرانی، را که به ایالات متحده باز می گردد تا درسش را در فوق لیسانس اقتصاد تمام کند، ملاقات کردم. رفیع زاده معاون رئیس گروه ملی دانشجویان ایرانی در ایالات متحده که سازمان دانشجویان حامی دکتر مظفر بقایی است، می باشد. او همچنین یک روزنامه ماهیانه (که به زودی هر دو هفته یک بار منتشر می شود) که از نظرات و

سیاستهای دکتر بقایی حمایت می کند و بین ۴۰۰۰ دانشجوی ایرانی در ایالات متحده و کشورهای اروپای غربی توزیع می شود منتشر می کند.

از آنجایی که او یک شخص جالب و مطبوع است و چون او خواهر زن من و شوهرش را در ایالات متحده می شناسد، من او را به خانه ام دعوت کردم که همسر مرا ملاقات کند و پیش از بازگشتن به ایالات متحده مشروبی (با-ما) صرف نماید. او بعداً به من تلفن زد که بگویند که چون او می خواهد به منزل یک دکتر که از دوستانش می باشد برود، قادر به آمدن نخواهد بود و از من و همسر دعوت کرد که با او همراهی کنیم. من موافقت کردم و یکشنبه شب (۳ ژوئن ۶۲) ما او را در سفارت در حدود ساعت ۹ بعد از ظهر ملاقات کردیم و ماشینم را در آنجا گذاشتم و به وسیله تاکسی به خانه دوست او رهسپار شدیم. پس از ورود به آنجا من حیرت زده شدم وقتی که دیدم دوست او خود دکتر بقایی بود، من گمان می کنم او وقتی مرا دعوت کرد این را به من گفته بود، ولی من متوجه نشدم که به خانه چه کسی می روم. ما حدود ۳ ساعت در خانه بقایی به خوردن و نوشیدن و صحبت کردن گذرانیدیم. علاوه بر صحبت‌های متفرقه زیاد، مطالب زیادی مطرح شد ولی اکنون قسمت شما باشد:

امینی: دکتر و گروه او امینی را صادق ولی نه توانا و نه در موقعیتی که بتواند نیازهای ایران را برآورده کند، می بینند. در هر صورت حزب بقایی به طور باز بر علیه امینی مبارزه نمی کند. حتی روزنامه گروه دانشجویان ملی در ایالات متحده در حال حاضر نه به امینی و نه به سیاستهای او حمله نمی کنند.

اصلاحات ارضی: برنامه اصلاحات ارضی فعلی محکوم به شکست است. شرایط به طور وسیعی از منطقه به منطقه فرق می کنند. بعضی مالکان سالیانه ۱۰ تا ۱۵ درصد روی داراییهایشان دریافت می دارند و دیگران خوشحال هستند که ۲ یا ۳ درصد دریافت دارند. بایستی که برنامه قابل انعطافی برای تعدیل در شرایط متنوع در قسمتهای مختلف کشور وجود داشته باشد. به هر صورت اصلاحات ارضی لازم است و باید انجام شود.

آشوبهای دانشگاهی: آشوبهای اخیر که منجر به بسته شدن دانشگاه تهران شد، نتایج تحریکات ژنرال بختیار بود. ژنرال بختیار به وسیله «آن سرهنگ» در دفتر وابسته نظامی سفارت آمریکا (آن سرهنگی که اسم روسی دارد) در این فعالیتها ترغیب و همیاری شده بود. بعد از کمی فکر کردن او یاتسوچ را به عنوان اسم سرهنگ معرفی کرد. من سؤال کردم که چگونه است که سفارت که به طور وسیعی معروف به طرفداری از دولت امینی است، تحمل نماید که یکی از افسران از بختیار در یک تلاش برای ضعیف کردن یا سرنگون کردن دولت امینی حمایت نماید. جواب بقایی مبهم و سربسته بود و کم و بیش این نتیجه را می گرفت که وزارت خارجه (آمریکا) و ارتش همیشه روی سیاست یا اقدام موافقت نداشته اند، من آگاهی به فعالیتهای یاتسوچ را انکار کردم و تصور غلط بقایی در مورد موقعیت او (یاتسوچ) در سفارت آمریکا را رد کردم.

شاه: به نظر می رسد که شاه به عنوان یک شیطان (دیو) لازم نگریسته می شود. من چنین تصور کردم که اگر بقایی در قدرت باشد به شاه اجازه خواهد داد که سلطنت کند نه حکومت. او (شاه - مترجم) به عنوان یک رئیس پوشالی برای توده های ایرانی که خودشان را به او معرفی می نماید، سودمند دانسته می شود.

طبق گفته بقایی شاه زمانی که امینی را منصوب نمود، طرفدار او بود. به هر صورت بعدها او واقعاً می خواست که از شر امینی

خلاص شود و او را با کسی دیگر طرفدار او بود. به هر صورت بعدها او واقعاً

ص: ۸۶

می خواست که از شر امینی خلاص شود و او را با کسی دیگر تعویض نماید. به دلایل تشریح نشده (تشریح نشده برای من) این کار نمی تواند انجام شود و شاه اکنون با قدرت در پشت امینی است. این قسمت مرا مغشوش نمود و درخواست توضیح نمودم و مثل قبل مغشوش باقی ماندم.

انتخابات: هیچ انتظار نمی رود.

حزب بقایی: (حزب) بشدت از اصلاحات در ایران طرفداری می کند. ظاهراً این شامل همه چیز می شود. خصوصاً اصلاحات ارضی و مالیاتی و پاکسازی دولت. بقایی احساس می کند که با مالیات بندی و جمع آوری صحیح، ایران می تواند به طور وسیعی مبلغ کمک خارجی مورد نیاز و زمانی که برای آن لازم است را کاهش دهد. حزب او هیچ معامله ای با روسها نمی خواهد (صورت دهد) و از نفوذ یا سلطه روسها در ایران می ترسد. همچنین او می خواهد تا آنجایی که ممکن است کار کمتری با انگلیسیها انجام گیرد. به نظر می رسد که او بشدت طرفدار، آمریکا است و اگر که دولتی تشکیل داد انتظار حمایت و همکاری ایالات متحده را دارد. به طور ضمنی توسط یک وکیل ایرانی به من گفته شده که بقایی وقتی با آمریکاییهاست به طرفداری از آمریکا صحبت می کند، وقتی با روسهاست به طرفداری از روسیه صحبت می کند و وقتی با انگلیسیهاست به طرفداری از انگلیس صحبت می کند؛ و به همین ترتیب. حزب او بشدت ضد جبهه ملی است و مصدق را یک تهدید برای ایران می داند. بقایی عکسی از یک دانشجو که در تظاهرات ضد مصدق چندین سال پیش کشته شد، روی دیوار خانه اش دارد.

مطالب بالا آشکارا حاصل و خلاصه ۳ ساعت گفتگو نیست، ولی اگر نظرات بقایی در هر موردی که اشاره نشده سودمند باشد، ممکن است قادر باشیم که به خاطر بیاوریم که آیا به موضوع اشاره شد و چه چیزی گفته شد. فارسی من کافی نیست و دکتر فقط فارسی و فرانسه صحبت می کند، بنابراین مکالمه توسط رفیع زاده به عنوان مترجم انجام شد.

در راه بازگشت به سفارت به وسیله تاکسی، رفیع زاده اظهار داشت که دکتر اشاره کرده است که ما با تاکسی بیایم چون که خانه او تمام مدت تحت مراقبت است و اگر ماشین من در خارج (خانه) دیده شود، ممکن است شایعاتی در مورد یک کودتای محتمل الوقوع انتشار پیدا کند.

در مقدمه میهمانی من برای بقایی توضیح دادم که خیلی کم در مورد کشور او، مردمش، آداب و رسومش و سیاستهایش می دانم و در محل کارم در قسمت کنسولی به نظرات سفارت یا سیاستها در مورد هر مسئله ای آگاه نیستم و فقط می توانم مشاهدات خصوصی خودم را ابراز دارم.

حزب زحمتکشان - ۱۶ یادداشت سری / غیر قابل رؤیت برای خارجیان / فقط استفاده داخلی شماره سند: ۶۴/۵۹۹ پ تاریخ: ۱۴ دسامبر ۱۹۶۴-۲۳ آذر ۱۳۴۳ از: CAS (منبع کنترل شده آمریکایی) به: رئیس بخش سیاسی موضوع: جزوه ای که توسط بقایی علیه وضع موافقت نامه نیروها نوشته شده مطالب زیر برای اطلاع شما و هرگونه مصرفی که از آن در چارچوب محدودیتهای امنیتی تعیین شده می خواهد به عمل آورید. هرگونه ارزشی از جانب شما از این اطلاعات باید دارای کنترل غیر قابل رؤیت



برای بیگانگان "NOFORN" باشد. ولی لزوماً احتیاجی نیست که CAS به عنوان منبع ذکر شود.

۱- به پیوست یک نسخه و خلاصه ترجمه جزوه ای تحت عنوان «آیا آن است یا آن نیست» که در آن وضع حقوقی موافقتنامه مربوط به نیروها مورد حمله قرار گرفته و به وسیله دکتر مظفر بقائی رئیس حزب زحمتکشان نوشته شده است ارسال می شود. هر چند این جزوه در تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۹۶۴ نوشته شده معذالک دو هفته قبل پخش شده است.

۲- بر اساس گزارش یک خبرگزاری رسمی ایرانی در تاریخ ۲۵ آبان دکتر بقائی در تاریخ ۱۹ آبان گفت که اظهارات او قرار است در جریان هفته آینده چاپ شود و برای اینکه توجه مقامات امنیتی منحرف شود، در یک شهر چاپ شده و در شهری دیگر پخش خواهد شد. آن طور که گفته می شود دکتر بقائی گفت که هر چند انتشار اظهارات او علت دستگیری او خواهد بود، ولی این موضوع چندان اهمیتی ندارد.

(اظهار نظر: همچنین رجوع شود به ۶۴/۵۳۴ پ مورخ ۱۳ آبان از یک منبع دیگر.) در آن زمان ساواک قصد داشت که دریابد که اظهارات (بقائی) کجا چاپ خواهد شد و از انتشار آن جلوگیری شود.

۳- هنگامی که مطلب پیوست از این یادداشت جدا شود، آن را باید به عنوان یک مطلب برای استفاده محدود تلقی کرد.

حزب زحمتکشان - ۱۷ دولت ایالات متحده آمریکا - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - فقط مصرف داخلی یادداشت.

تاریخ: ۳ نوامبر ۱۹۶۴ - ۱۲/۸/۱۳۴۳ شماره سند ۶۴/۵۳۴ پ از: منبع کنترل شده آمریکایی (CAS) به: رئیس بخش سیاسی موضوع: نقشه های دکتر بقائی درباره انتشار رساله ای که به وضع موافقتنامه نیروها حمله می کند مراتب زیر برای اطلاع شما است و استفاده ای که بخواهید از آن در چارچوب محدودیتهای امنیتی تعیین شده، بنمایید. هرگونه گزارش این اطلاعات از جانب شما باید دارای کنترل NOFORN (غیر قابل رؤیت بیگانگان) باشد. ولی لزومی ندارد CAS را به عنوان منبع ذکر کنید. منبع یک مقام ایرانی است (B) که دارای رابطهای خوبی در دستگاههای امنیتی است، از بقائی (۱) -۱ دکتر مظفر بقائی روز ۱۱ آبان ۱۳۴۳ گفت که آیت الله خمینی یک نطق مهمی در قم در روز ۴ آبان وضع موافقتنامه نیروها و همچنین موافقتنامه دویست میلیون دلاری خرید اسلحه را که اخیراً از تصویب مجلس گذشته، مورد حمله قرار داده است.

۲- بقائی گفت که خود او سرگرم تهیه رساله ای است که به امضای خودش خواهد بود و طی آن او حکومت را به خاطر پشتیبانی و تصویب وضع موافقتنامه نیروها با ایالات متحده آمریکا مورد حمله قرار

ص: ۸۸

۱- احتمالاً منظور این است که رابطین منبع در سازمانهای امنیتی مسئول مراقبت از فعالیتهای بقائی بوده اند.

خواهد داد. بقایای همچین گفت که خطی که او در مقابل آمریکاییها از آن دفاع خواهد کرد این خواهد بود که آمریکاییها به طور غیر معقولانه ای اجازه می دهند که این قانون به وجه آنها و شهرت آنها در ایران لطمه بزند. بقایای همچین گفت که او حاضر است، به خاطر انتشار این رساله به زندان بیفتد ولی احساس می کند که برای او لازم است که ابتکاری در این زمینه به عمل آورد، زیرا او انتظار دارد که دیگرانی که مخالف این موافقتنامه هستند، نیز آن را مورد حمله قرار دهند.

۳- بقایای این عقیده را ابراز کرد از آنجایی که برای او غیر قابل تصور است که سخنگویان مخالف لایحه این قانون جرأت کنند بدون موافقت قبلی شاه اظهار نظر کنند. شاه بایستی به طور تاکتیکی حملاتی را که در طی مباحثات اخیر مجلس علیه موافقتنامه صورت می گیرد، تأیید کرده باشد.

گروه ۱ مستثنی از خروج از طبقه بندی و تنزل طبقه به طور اتوماتیک حزب زحمتکشان - ۱۸ ۱۳ ژانویه ۱۹۶۶ - ۲۳/۱۰/۴۴ سری / انتشار خارجی ممنوع مظفر بقایای کرمانی ایران رئیس، حزب زحمتکشان و پاسداران آزادی مظفر بقایای از سال ۱۳۲۸ مخالفی سرسخت بوده است. او شدیداً ملی گرا است و در او رنگی از سوسیالیسم به چشم می خورد. قلباً با کمونیست ضدیت داشته و شدیداً ضد انگلیس است، ولی نسبت به آمریکا احساسات خصمانه ای ندارد. بر اساس آنچه گفته شد، سیاست او همان سیاست باری به هر جهت بوده و بستگی به شرایط زمانی دارد. بقایای زمانی از حامیان نخست وزیر سابق مصدق به شمار می رفت و در یک زمانی دومین چهره محبوب ایران بود. ولی از آن پس سرمایه سیاسی به میزان قابل توجهی رو به کاهش نهاد. در حال حاضر پیروان کمی دارد، که در پشت دو سازمان سیاسی - حزب زحمتکشان و پاسداران آزادی - قرار دارند، هر دوی آنها (سازمان) بدون پایگاه مردمی عمده و با روحیه فرد پرستی می باشند.

دولت فعالیتهای بقایای را خیلی محدود کرده است و حزب توده (کمونیست) و جبهه ملی مصدق نیز با او به مخالفت دست زده اند. نیروی او در تندگویی بود که نتیجه عوامفریبی ماهرانه اوست. او در عزمش برای احراز نخست وزیری احتمالاً حاضر است چند چیز جزئی را فدا کند، ولی او در طول زندگی برای خودش چند دشمن سیاسی به وجود آورده است که شانس او را برای رسیدن به این هدف تقلیل می دهد.

یک منبع اظهار کرده است که شاه حاضر است به بقایای به عنوان مهارى برای دولت، آزادی عمل محدودی بدهد.

بقایای در سال ۱۲۸۷ در کرمان متولد شد. شهاب کرمانی، پدرش یک میهن پرست مشروطه خواه مشهور بود. مظفر تحصیلات ابتدایی را در ایران گذراند و از دانشگاه سوربن در سال ۱۳۱۴ درجه دکترا در رشته فلسفه و فن تعلیم و تربیت گرفت. پس از بازگشت به ایران، به هیئت علمی دانشگاه تهران پیوست و اکثر مواقع سخنرانیهایی بر اساس اخلاقیات ایراد می کرد. در سال ۱۳۱۸-۲۰ خدمت سربازی را به صورت یک افسر احتیاط به پایان رسانید. بنا به گزارش، بقایای در سال ۱۳۲۱، به حزب توده پیوست، ولی



چندی نگذشت که از آن جدا گشت. در سال ۱۳۲۶ به عنوان نماینده مردم کرمان به مجلس راه یافت. اولین بار در سال ۱۳۲۸ به دلیل حمله اش به کمپانی نفتی ایران و انگلیس و ارتش محبوبیتی بین مردم کسب کرد.

در آبان ۱۳۲۸ او را به اتهام درج مطالب انتقادآمیز درباره ارتش در روزنامه اش به نام شاهد، توقیف کردند. یک دادگاه نظامی او را به یک سال حبس محکوم نمود، ولی دادگاه مدنی او را تبرئه نمود. بقایی در مجلس به جبهه ملی مصدق پیوست و در ماه اردیبهشت ۱۳۳۰ حزب زحمتکشان را به عنوان یک پاسخ از سوی جناح راست به محبوبیت حزب توده تأسیس نمود، بقایی حزب زحمتکشان را این گونه تعریف می کند: این حزب تا آنجا سوسیالیست است که سوسیالیسم لطمه ای به سیاستهای حکومت وارد نیورد.

در آن زمان او دومین شخصیت محبوب بعد از مصدق در جبهه ملی به شمار می آمد و به همراه مصدق در مهر ۱۳۳۰ به سازمان ملل رفت تا جوابگوی شکوائیه بریتانیا علیه ایران در شورای امنیت درباره ملی کردن کمپانی نفت ایران و انگلیس باشد. در اوائل ۱۳۳۰ در حزب زحمتکشان بین بقایی و دسته ای افراطی تر به رهبری خلیل ملکی جدایی به وقوع پیوست. در مهر ۱۹۵۲ بعد از بازگشت بقایی از بیمارستان و به دست گرفتن رهبری حزب، رفع کدورت و خصومت غیر ممکن گردید. ملکی و یارانش سازمان خاص خود را تشکیل دادند. در همان حال بقایی بر سر نقش حزب توده در سیاست ایران با مصدق مخالفت کرد. او در روزنامه اش - شاهد - و در مجلس به انتقاد از خط مشی مصدق پرداخت. در فروردین ۱۳۲۲ بقایی متهم به دست داشتن در قتل رئیس پلیس مصدق ژنرال محمد افشار طوس گردید.

مصدق در تلاش بود تا مصونیت پارلمانی بقایی را از بین ببرد و او را به محاکمه بکشد، ولی در مرداد ۱۳۳۲، رژیم مصدق سرنگون گردید. بقایی این بار متوجه نیروهای طرفدار شاه به رهبری نخست وزیر جدید فضل الله زاهدی گردید. اما پس از اینکه معلوم گردید که زاهدی در صدد ماندن در پست خود برای مدت نامعلوم می باشد، بقایی جاه طلب بنای مخالفت را گذاشت. در دی ۱۳۳۲، بی گناهی او را در ماجرای افشار طوس اعلام کردند، ولی روزنامه اش را به دلیل حمله به دولت توقیف نمودند. با انحلال مجلس در دی ۱۳۳۲ حرفه پارلمانی بقایی نیز پایان گرفت.

تلاش او برای راه یافتن دوباره به مجلس در ۱۳۳۳ و تلاشهای دولت برای جلوگیری از این عمل باعث شد که انتخابات در کرمان چندین ماه به تعویق افتد. در تیر ۱۳۳۳ بقایی یک ماه به زندان رفت و در آذر همان سال دستگیر و برای یک سال به زاهدان تبعید گردید. در آذر ۱۳۳۴ آزاد گردید و دوباره در خلال بازپرسی در مورد قتل سال ۱۳۳۰ نخست وزیر پیشین، علی رزم آرا، یکی از مخالفین بقایی در دوره ۳۰-۱۳۲۸ و کسی که بقایی بعد از مرگش جشن گرفته بود، دستگیر گردید. بقایی تبرئه شد و در آذر ۱۳۳۵ آزاد گردید. پس از آن چند سالی دست از فعالیت کشید، ولی در سال ۱۳۳۹ خود را دوباره کاندید ورود به مجلس نمود. او بنای انتقاد از حیل‌های انتخاباتی آن سال را گذاشت و پاسداران آزادی را تأسیس کرد که خواستار انتخابات منصفانه بودند. در آذر ۱۳۳۹ او را به جرم ایجاد اغتشاش دستگیر و در تهران تحت نظر قرار دادند. در اسفند ۱۳۳۹ وقتی که سعی داشت برای مبارزات انتخاباتی به کرمان بازگردد، دستگیر و زندانی گردید، ولی دوباره به حکم دادگاه مدنی تبرئه شد. از آن پس فعالیت او خیلی محدود گردید این بار به حکم دادگاه نظامی به دو سال محکوم گردید و در انتخابات ۱۳۴۲ بار دیگر به او دستور داده شد که در تهران بماند. حزب او که قادر به فعالیت در ایران نبود در اروپا و آمریکا شعبه

هایی تأسیس نمود. در حال حاضر روزنامه شاهد در آمریکا چاپ می شود. بقایای مردی تنومند و ناطقی آتشین است. زمانی که به

ص: ۹۰

نرمی سخن می گوید او را مردی روشن فکر و مطلع قلمداد می کنی. او از همسرش جدا شده است، چون معتقد است که سیاستمدار در تجرد بهتر می تواند عمل کند. در سال ۱۳۳۱ سخت مریض شد، او خود را مبتلا به شبه حصبه و مرض قند می دانست، اما بعضی از منابع آگاه معتقد بودند که او از اعتیاد به کوکائین و مشروبات الکلی رنج می برد. بقایای فرانسه را علاوه بر فارسی خیلی خوب دانسته و تا حدی عربی می داند. (۱) حزب زحمتکشان - ۱۹ ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۱ - ۱۳۵۰/۷/۶ استفاده اداری محدود مأمور سیاسی - آقای فورد مأمور سیاسی - دونالد. آر. توسن رایزن سیاسی محلی، منوچهر سعیدی، مراتب زیر را گزارش داده است که به عقیده من ممکن است مورد علاقه شما باشد.

۱- دکتر بقایی کرمانی که مدتها در میان هواخواهان سوسیالیست و دانشجویان دانشگاه محبوبیت داشت، اخیراً اجازه گرفته است تا یک حزب سیاسی تشکیل دهد (اسم این حزب معلوم نشده است). او از هم اکنون برای حزب در نزدیکی مجلس در میدان بهارستان، یک محوطه ساختمانی اجازه کرده است.

۲- سعیدی حدس می زند که فعالیتهای کرمانی ممکن است باعث دردسر برای دولت باشد، زیرا او اندکی کننده احساسات اشخاص بیسواد و همچنین عوامفریب است و در میان سوسیالیستهای سالخورده و دانشجویان پیروان قابل ملاحظه دارد.

من صحت این داستان را تضمین نمی کنم ولی فکر کردم شما ممکن است بخواهید، اگر ارزش آن را داشته باشد مطلب را دنبال کنید.

یادآوری: طبق اظهار سعیدی، دکتر بقایی کرمانی از یک خانواده قدیمی و سرشناس برخاسته ولی وضع مادی مرتبی ندارد و از قرار معلوم معتاد به تریاک هم هست.

رونوشت: سیاسی / بیوگرافی مأمور سیاسی: توسن حزب زحمتکشان - ۲۰ جهت الصاق به پرونده های سیاسی سری از: CAS، سپتامبر ۱۹۷۱ تاریخ: ۳۰ سپتامبر ۱۹۷۱ - ۸/۷/۵۰ موضوع: دکتر مظفر بقایی (بقایی، بقایی کرمانی) پرونده های CAS - که اکثراً شامل گزارشات از سال ۱۳۲۹ سفارت و بخش سیاسی است - بر این دلالت می کند که دکتر مظفر بقایی که در سال ۱۲۸۹ در کرمان به دنیا آمد، در طی سالهای ۱۳۲۹ و قبل از آن و تا اواخر سالهای ۱۳۳۹ به عنوان رهبر حزب زحمتکشان فعال بود.

او به طور متناوب تا سال ۱۳۴۱ به دلیل تحریک مردم زندانی شد. او به دنبال سرنگونی مصدق به دلیل

ص: ۹۱

مخالفتش با دولت زاهدی (مورد حمایت آمریکا و «فاسد») سرشناس شد و در یک زمان یا گاهی دیگر ضد شاه، ضد آمریکا، ضد کمونیست بوده است. او به اینکه نسبت به اکثر سیاسیون ایران باهوشتر است و اصلاح طلب می باشد، مشهور است.

گفته اند که او به طور پنهانی (با ترتیب زمانی) توسط روسیه، انگلستان، شاه و ساواک کشف و مورد حمایت قرار می گرفت. در مرداد ۱۳۵۰، CAS متوجه شد که دکتر بقایی به توسط ساواک اجازه یافته است (احتمالاً تشویق شده است) که حزب زحمتکشان را فعال کند. به دکتر بقایی گفته شد که برای ستاد مرکزی حزب دفتری اجاره کند.

این امکان به طور عمده وجود دارد که دکتر بقایی در سال ۱۳۵۰، حزیش را در حالتی که برای ساواک قابل قبول باشد به عنوان وسیله ای برای انحراف انرژیهای سیاسی چپ به کانالهای مسئول، به کار اندازد.

سوابق:

۱۳۱۵: استادیار دانشگاه تهران (فرم بیوگرافی سفارت ۱۳۲۹) ۲۰-۱۳۱۸: دو سال خدمت نظام به عنوان افسر احتیاط ۲۸-۱۳۲۶: نماینده مجلس پانزدهم مهر ۱۳۲۸: سردبیر «شاهد» که بیانی شبیه به روزنامه حزب توده دارد. بقایی به داشتن تماسهای سری با سفارت شوروی مورد سوءظن می باشد.

آذر ۱۳۲۸: به اتهام توطئه چینی علیه ارتش ایران دستگیر شد.

اسفند ۱۳۳۸: در دادگاه مدنی دوباره محاکمه شد، از زندان آزاد شد، برای مجلس شانزدهم انتخاب شد.

فروردین ۱۹۵۱: گزارش شده که از مشاوران نزدیک مصدق است. فراقسیون وی در مجلس متشکل از بازرگانان خرده پای بازار و صنعتگران می باشد. آن (فراقسیون) نماینده جناح راست حزب ملی زحمتکشان ایران است که در بهمن ۱۳۳۰ منشعب شد، از مصدق حمایت می کند، تصفیه حزب زحمتکشان را از عناصر کمونیست خواهان است، بر پیوستگی به اسلام تأکید دارد.

مرداد ۱۳۳۱: بقایی باهوشترین و همچنین فرصت طلب ترین و خطرناکترین عضو مجلس در نظر گرفته می شود.

مهر ۱۳۳۲: گفته می شود بقایی رهبر جناح راست مخالف دولت زاهدی می باشد. بدون دلیل گفته می شود که از انگلستان پول می گیرد.

آذر ۱۳۳۲: بقایی استاد زیبایی شناسی دانشگاه تهران است. او در بافت دستگیر شد و در خلال انتخابات برای مجلس هیجدهم و به صورت منزوی نگهداری شد. او هنوز «شاهد» را که به دولت زاهدی حمله می کند، انتشار می دهد.

دی ۱۳۳۲: سرهنگ دوم مقدم (احتمالاً مردی که در سال ۱۳۵۰ رئیس دایره سوم ساواک شد) در بین افسران جزء ارتش به نفع بقایی مبارزه کرد. در کرمان بر این گمانند که انگلستان از طریق سید ضیاء طباطبائی از بقایی حمایت می کند.

اسفند ۱۳۳۲: بقائی به کمیته حزب زحمتکشان (طراحان) گفت که در نظر دارد با نوشته به زاهدی بگوید که او به وسیله آسیب رساندن به پسر زاهدی، اردشیر، از آزار و شکنجه های او نسبت به خودش

ص: ۹۲

انتقام خواهد گرفت.

۱۱-۱۹ خرداد ۱۳۳۳: به وسیله نخست وزیر زاهدی دستگیر و سپس آزاد شد.

مرداد ۱۳۳۳ تبعید به اراک دی ۱۳۳۳: به دلیل تحریک مردم دستگیر شد. به صورت تبعید به زاهدان فرستاده شد. (به نظر می رسد مانند بازی مونوپولی است.) مرداد ۱۳۳۴: هنوز به صورت تبعید در زاهدان است، ولی شایعات حکایت می کند که، الف) شاه نامه ای سربسته ای برای او فرستاده است، ب) بقایای ممکن است زاهدان را به منظور اینکه به جای اسدالله علم وزیر کشور، فعالیت کند، ترک کند. چنین احساس می شود که شاه ممکن است بقایای را به عنوان یک نخست وزیر اصلاح طلب لازم داشته باشد.

آذر ۱۳۳۴: بازگشت به تهران دی ۱۳۳۴: به اینکه قسمتی از نقشه موفق سوء قصد به نخست وزیر ژنرال رزم آرا بوده، متهم شد.

تیر ۱۳۳۵: دوباره در سیاست فعال می شود. به گفته یک منبع قابل اعتماد، او تظاهر می کند که طرفدار آمریکاست.

مرداد ۱۳۳۹: سخنرانی عمومی ایراد کرد.

شهریور ۱۳۳۹: به دلیل انتشار رساله ملی گرایانه در دانشگاه سرزنش شد.

بهمن ۱۳۳۹: به او پیشنهاد شد که حزب زحمتکشان را به جبهه ملی متصل کند.

اسفند ۱۳۳۹: بقایای به وسیله لژ فراماسونری حمایت می شود، بنابراین در این مورد که حمایت انگلستان را به دنبال دارد مورد سوءظن است، دوباره زندانی می شود.

شهریور ۱۳۴۰: از زندان آزاد می شود.

شهریور ۱۳۴۰: استاد ادبیات دانشگاه تهران است. در لیست ساواک از سیاسیون ایران به عنوان رهبر «پاسداران آزادی» و حزب زحمتکشان می باشد.

دی ۱۳۴۷: استاد رشته آمار دانشگاه تهران است. هنوز پیروانی دارد، به خصوص در کرمان، وضع سلامتی خوبی دارد.

مرداد ۱۳۵۰: به او اجازه دوباره فعال کردن حزب زحمتکشان داده شده است. در حال حاضر برای ستاد مرکزی حزب به دنبال دفتری می گردد.

حزب زحمتکشان - ۲۱ تاریخ: ۱۹ مارس ۱۹۷۵ - ۲۸/۱۲/۱۳۵۳ محرمانه از: مأمور سیاسی، آقای اسکودرو به: مأمور سیاسی، آقای میلز - از طریق آقای بولستر موضوع: اطلاعاتی درباره زندگینامه مظفر بقایی با توجه به نامه سرگشاده اخیر مظفر بقایی خطاب به شاه، در انتقاد از تأسیس حزب رستاخیز ایران به عنوان یک اقدام غیرقانونی و غیر معمول، من فکر کردم که شاید

اطلاعاتی درباره زندگینامه مظفر بقایی برای شما به درد بخور باشد. بقایی یک مخالف گوی مادرزاد است. در زندگی سیاسی ایران از اواسط سالهای ۱۳۲۰ فعال بوده است. او از نقطه نظرهای مختلف چپ گرایانه پیروی کرده است، ولی همیشه

ص: ۹۳

مقدار زیادی از فرصت طلبی شخصی خود را داخل آنها کرده است. او مدت کوتاهی عضو حزب توده بود، بعداً به جبهه ملی پیوست و پس از اینکه در سال ۱۳۳۰ حزب زحمتکشان را تأسیس کرد به صورت دومین شخصیت در جبهه ملی در آمد. او در ۱۳۳۱ میانه اش با مصدق به هم خورد و بالنتیجه مقدار زیادی از پشتیبانی حزب زحمتکشان را در این جریان از دست داد. بعداً او ابتدا از ژنرال زاهدی پشتیبانی کرد و سپس با او مخالفت کرد. از آن زمان به بعد او با هر نخست وزیری مخالف بوده است. در نتیجه مخالفت‌های دائمیش او از داشتن دوستانی در میان دستگاه حاکمه (مقصود گردانندگان چرخهای امور، اعم از مجلس و دولت و حامیان آنها - مترجم) کمتر برخوردار است و دشمنان نیرومند زیادی دارد. این دشمنان او را بارها یا زندانی کرده اند و یا تبعید، ولی او همواره به نحوی از انحاء خود را از مهلکه به در برده است. مثلاً او متهم به همدستی در قتل ژنرال رزم آرا و همچنین ژنرال افشارطوس رئیس شهربانی مصدق و همچنین چند فقره جنایات کم اهمیت تر شده، ولی معمولاً در رسیدگیهای بعدی تبرئه شده است. به همان میزان که قدرت شاه رشد پیدا کرد، موقعیت برجسته بقایی رو به کاهش رفت و با روی کار آمدن حزب ایران نوین او تقریباً از نظرها ناپدید شد. علیرغم یک دوران حرفه ای متلاطم، او در سیاست دولت کمتر نفوذ داشته است به استثناء زمانی که او رهبر نهضتی بود که موفق شد انتخابات عمومی قلابی سال ۱۳۳۹ را لغو کند. موقعیت او به نحو پیگیری ناسیونالیستی و شدیداً ضد انگلیسی بوده است و شاید با آغاز موافقتنامه سال ۱۳۳۹ راجع به وضع نیروها (مقصود کاپیتولاسیون است - مترجم) گرایش ضد آمریکایی نیز پیدا کرد.

بقایی هر چند جاه طلب و فرصت طلب است ولی در اموری که مربوط به پول باشد شرافتمند شناخته شده است و به طور ساده در جنوب تهران زندگی می کند و به همین خاطر نیز مورد احترام است. او از تاکتیک نامه سرگشاده لااقل دوبار در گذشته استفاده کرده است. یک بار در سال ۱۳۲۸ برای انتقاد از کنترل‌هایی که به وسیله ژنرال رزم آرا رئیس ستاد وضع شده بود و بار دیگر در سال ۱۳۳۲ هنگامی که او نامه سرگشاده ای به نیکسون که آن زمان معاون رئیس جمهوری بود در روزنامه خود، - شاهد - نوشت. او اظهار نظر کرده بود که اگر احیاناً روزی نخست وزیر به شود (این زمانی بود که نخست وزیران در ایران از اهمیت و اعتبار برخوردار بودند) او به شاه اجازه خواهد داد که سلطنت کند، ولی اختیارات شاهنشاهی او را محدود خواهد کرد. از سوی دیگر شاه ظاهراً به او بیش از سایر سیاستمداران دست چپی روی خوش نشان داده بود و حتی در سال ۱۳۵۰ به بقایی از طرف ساواک اجازه داده شد تا حزب زحمتکشان را دوباره سازمان دهد. تصور می شود که این اقدام برای جلب پشتیبانی از بقایی در مقابل گروههای دست چپی بود که کمتر نرمش داشتند. با همه این احوال از تأسیس حزب زحمتکشان یا خود بقایی تا زمانی که این نامه سرگشاده را به شاه نوشت، خبری نشد.

حزب زحمتکشان - ۲۲ تهران - ۱۶ ژانویه ۱۹۷۸ جناب آقای ویلیام سولیوان سفیر کبیر ایالات متحد آمریکا در ایران با اظهار امتنان وصول نامه مورخه ۴ ژانویه ۱۹۷۸ را به استحضار می رساند و مخصوصاً از این که بیانیه مورخه هیجدهم آذر ۱۳۵۶ هیئت اجراییه حزب زحمتکشان ملت ایران را به دقت مطالعه فرموده اید



مراتب جناب عالی در بیان این مطلب که اساس سیاست دولت حضرت جیمی کارتر مبنی بر عدم مداخله در امور داخلی کشور ماست امیدوار کننده به نظر می رسد زیرا اطمینان داریم چنانچه قدرتهای خارجی در امور داخلی کشور و به ضرر ملت اقدام نکنند ملت ایران توفیق خواهد داشت حکومت قانون و دموکراسی را در این کشور آن چنان که منطبق با آمال تمام آزادی خواهان جهان است مستقر نماید.

از پیشنهاد جناب عالی به منظور تبادل نظر در مورد تأمین حقوق اولیه بشر خوشوقتم و در گذشته نیز به مناسبت سمت و مسؤولیتهای ملی ملاقاتهایی با مقامات عالی رتبه و سفرای ممالک متحده آمریکا داشته ام. معتقدم که وجود چنین تماسهایی برای حسن تفاهم و بهبود روابط بین دو ملت مفید خواهد بود.

با تقدیم احترام دکتر مظفر بقایی کرمانی رئیس حزب زحمتکشان ملت ایران حزب زحمتکشان - ۲۳ خیلی محرمانه یادداشت بیوگرافیک دکتر مظفر بقایی کرمانی - در حدود سالهای ۹۹-۱۲۹۷ در استان کرمان به دنیا آمده است - در لیست سیاستمداران پرونده های CIA (سیا) ثبت شده است.

بقایی کرمانی است. در سال ۱۳۴۱ رهبر حزب زحمتکشان ایران بود. پس از آن او مؤسس و رئیس حزب ملی کارگران ایران، یک گروه کوچک و بسیار قدیمی که از اواسط تا اواخر ۱۳۳۹ به اطراف و حواشی گروههای جبهه ملی نزدیک می شده بود.

بقایی کرمانی یک عضو سابق مجلس است که در خلال دوران مصدق بسیار منتقد شاه بود. او در اواخر نوامبر نامه ای به نخست وزیر نوشت که در آن از دولت به خاطر نقش آن در حادثه جاده کرج جایی که مردان جوان بدون یونیفورم به اجتماع یک گروه سیاسی از مخالفین حمله کرده و بیش از صد نفر را مجروح کردند، انتقاد کرد. دکتر بقایی کرمانی برای کارمند سیاسی سفارت، استمپل، به عنوان «نمونه ای از سانچوپانزای مجموعه جبهه ملی ایران» توصیف شده است.

اگر چه او در گذشته فعال و ظاهراً مورد احترام بود، ولی اینک از او خصوصاً از جانب بسیاری از افراد فعال کنونی در حرکت مخالفین به خوبی یاد نمی شود.

کارمند سیاسی - جی.دی. استمپل خیلی محرمانه

## کتاب بیست و چهارم

### احزاب سیاسی در ایران (۵)







در کشورهای خارجی پخش نشود ۲۴ اکتبر ۱۹۶۳-۲/۸/۱۳۴۲ محاکمات نهضت آزادی ایران رئیس بخش سیاسی ۳ اوت ۱۹۶۳ ۶۲۶۰ مأخذ ۲۲ اوت ۱۹۶۳ ۶۲۸۲ مأخذ ۹ سپتامبر ۱۹۶۳ ۶۲۹۵ مأخذ مطالب زیر برای اطلاع شما و موارد مصرفی است که می خواهید در چارچوب محدودیتهای امنیتی تعیین شده از آن به عمل آورید. در هرگونه گزارشی از این مطالب از طرف شما منبع که CAS است، لازم نیست ذکر شود.

۱- حکومت خواهد کوشید تا متهمان نهضت آزادی ایران را در محاکمات، به ۱۰ تا ۱۵ سال زندان محکوم کند. به طوری که گفته می شود این تصمیم طبق میل شاه است. (این از یک مأمور اطلاعاتی ایران (C) که به گزارشهای مربوط به امور امنیتی داخلی دسترسی دارد به دست آمده است، ما این اطلاعات را مؤثق تلقی می کنیم. تاریخ این اطلاعات ۳۰ مهر ۱۳۴۲ است.)  
۲- نهضت آزادی ایران در تهران میل دارد علیه محاکمات رهبران این نهضت تظاهراتی راه بیندازد، ولی آنها درباره عاقلانه بودن این تظاهرات نظر حتمی ندارند، زیرا چنین اقدامی ممکن است منجر به آن شود که متهمین به احکام شدیدتری محکوم شوند. بدین ترتیب نهضت آزادی ایران با هماهنگی دانشجویان جبهه ملی در خارج، تظاهراتی علیه این محاکمات به راه خواهد انداخت تا توجه جهانیان را نسبت به این محاکمات جلب کند. (این اطلاعات از یک منبع مؤثق از یک عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران به دست آمده است. تاریخ اطلاعات اول آبان ۱۳۴۲ است.) ۳- الف: نهضت آزادی ایران از اینکه جبهه ملی در ایران دستهای خود را از محاکمات نهضت آزادی ایران شسته است نگران است. رهبران نهضت آزادی ایران که محاکمه می شوند از آنهایی که در خارج به سر می برند سؤال کرده اند که آیا باید دفاع آنها شدید باشد کاری که باید انجام بدهد تصمیم نگرفته است.

ب: جعفر شریف امامی از شاه خواسته است تا مهدی بازرگان را عفو کند. شریف امامی به عنوان رئیس کانون مهندسان، که بازرگان از اعضای آن است، این تقاضا را از شاه کرده است. شاه به شریف امامی گفته است که پرونده مربوط به بازرگان بسیار جدی است. شریف امامی گفت، «ولی مراحم و الطاف اعلیحضرت بزرگتر است.» شاه گفت که در حال حاضر شدیداً گرفتار دیدارکنندگان خارجی است، ولی به این موضوع توجه خواهد کرد. شاه به بازرگان پیام فرستاده است که او باید نزد شاه آمده و از او تقاضای عفو کند.

بازرگان رد کرده است زیرا این کار، او و نهضت آزادی ایران را نزد مردم بی اعتبار خواهد کرد. جعفر شریف امامی به خاطر پا در میانی خود نزد مخالفین، اندک وجهه ای کسب کرده است. ژنرال حسین زمانی، رئیس دادگاه نظامی در محاکمات نهضت آزادی ایران از بازرگان معذرت خواسته و گفته است که نسبت به او احساس همدردی می کند، ولی او باید وظیفه خود را انجام دهد. مادر بازرگان تقریباً سه هفته قبل فوت کرد و صدها تسلیت در جراید محلی منتشر شد.

ج: حاج آقا رضا زنجانی، آخوندی که با نهضت آزادی ایران و شاید فداییان اسلام ارتباط دارد، از نزدیک تحت مراقبت قرار گرفته. در جریان این محاکمات مراقبت از او و از خیابانهای اطراف خانه او بسیار شدید است.

و: (اطلاعات گنجانده شده در بند ۳، از منبع عموماً مؤثقی از یکی از بانیان نهضت آزادی ایران به دست

آمده. تاریخ اطلاعات اول آبان ۱۳۴۲ است.) ۴- بازرگان به عنوان یک استاد دانشگاه و همچنین از لحاظ تقوی و پرهیزگاری قویا مورد احترام است. هر چند ممکن است عجیب به نظر برسد، ولی درباره او به عنوان رئیس دانشکده فنی دانشگاه تهران هنوز صحبت می شود. در واقع دانشکده فنی با جهانشاه صالح در تاریخ ۳۰ مهر تماس گرفت. صالح شکست خورد، زیرا حتی آنهایی که او می خواست که کاندیدای ریاست دانشکده فنی بشوند، رد کرده اند.

جلسه بدین ترتیب تمام شد که نه کسی انتخاب شد و نه منصوب. (این مطلب از یک دانشجوی دانشگاه (C) که یکی از رهبران دانشجویان جبهه ملی است به دست آمده.) نهضت آزادی - ۲ صورت مذاکرات طبقه بندی: سری / محدود شرکت کنندگان: محمد توکلی، مهندس راه و ساختمان - جان دی استمپل، سفارت آمریکا تاریخ و محل: ۸ می ۱۹۷۸-۱۸/۲/۵۷ - رستوران ال چیکو موضوع: جبهه آزادی بخش ملی ایران (نهضت آزادی ایران) توکلی و استمپل در الچیکو، جایی که به وسیله یک دوست به هم معرفی شدند، ملاقات نمودند. توکلی به عنوان کسی که تماسهایی با افراد نهضت آزادی دارد و در حقیقت ممکن است خودش هم یک شخصیت مهم نهضت آزادی باشد، به استمپل معرفی شده بود. فردی که توکلی و استمپل را به هم معرفی کرده بود، برای ۱۵ دقیقه به صحبتی کوتاه راجع به سابقه استمپل پرداخت. در سراسر ملاقات آشکار بود که سوءظنی اساسی از طرف توکلی در این مورد که استمپل یا خبرچین ساواک است و یا جاسوس سیا، وجود داشت. گفتگو به آهستگی پیش رفت و در این مدت معلوم شد نفر سوم که بهرام نامیده می شد، مهندسی راه و ساختمان را در انگلیس و علوم سیاسی را در ایالات متحده تحصیل کرده و برای چند سالی در دانشگاه دیتون تدریس کرده بود. توکلی تمایل نداشت که نام کاملش را بگوید ولی در مقابل سؤال مستقیم (اسمش را) گفت. توکلی که چهل و چند ساله به نظر می رسید گفت مهندسی را در آلمان تحصیل کرده است.

پس از مقداری گفتگوی مقدماتی توکلی از استمپل پرسید که فکر می کند مسائل ایران چه هستند. استمپل شکل متعادل کردن توسعه اقتصادی یا توسعه سیاسی را مورد بحث قرار داد و گفت که او مایل است راجع به جامعه ایران بیشتر بداند. توکلی سپس پرسید که استمپل فکر می کند ایرانیها نسبت به ایالات متحده چه احساسی دارند؟ استمپل جواب داد که ایرانیها نظرات مختلفی دارند، بعضی فکر می کنند که ایالات متحده به اندازه کافی در دفاع از دنیای آزاد نیرومند نیست، در حالی که دیگران از حضور اساسی آمریکا با تمام فرضها متنفر هستند. عده ای دیگر تکنولوژی آمریکا را تحسین می کنند ولی خیلی از جنبه های جامعه آمریکا را دوست ندارند. استمپل اشاره کرد خیلی از ایرانیان «آمریکاییها» را به عنوان طلّیعه مشکلات برون شهری قلمداد می کنند، که با حضور یا بدون حضور آمریکا وجود خواهند داشت. توکلی گفت چندین هزار نظامی آمریکایی در ایران حضور دارند. استمپل با این اشاره که تعداد آنها به صدها می رسد تا هزاران، پاسخ گفت. اغلب آنها در آموزش تکنیکی شرکت دارند؛ خیلی از ایرانیها فکر می کنند تعداد نظامی بیشتری از آنچه که واقعا هست، وجود دارد؛ چونکه خیلی از غیر نظامیهایی که در اینجا کار می کنند سابقه

نظامی داشته اند. توکلی سپس برای اولین بار کمی بازتر صحبت کرد و گفت حدس می زند کمی کمتر از نصف مردم ایران، آمریکاییها را به خاطر حمایتشان از شاه و دولت دوست ندارند و به آنها اعتماد نمی کنند.

استمپل پاسخ داد که او از این احساس آگاه است، هرچند ممکن است با ارقام مخالف باشد. در این موقع توکلی به طور ناگهانی از استمپل پرسید آیا او فکر می کند که صحبت کردن در یک مکان عمومی امن می باشد، برای اینکه آنها همیشه حضور دارند». استمپل موقعیت خوب میز را متذکر شد و گفت البته بعضی گفتگوها نامناسب می باشند، ولی گفتگوی کلی مثل آن گفتگویی که داشتیم برای او اشکالی ندارد.

توکلی سپس صدایش را پایین آورد و گفت او رهبری عالی نهضت آزادی را خیلی خوب می شناسد، اما گفت خیلی از آنهایی که او می شناسد در مورد انگیزه های آمریکا برای گفتگو درباره نهضت مظنون هستند (نظریه: منجمله توکلی). دلایل شما برای گفتگو با نهضت آزادی چه هستند؟ استمپل با عبارت کلی که می گوید، ایالات متحده همیشه در حرکتهای سیاسی و اقتصادی ذیعلاقه است، پاسخ داد. اگر قرار است که سیاست آمریکا به طور مخلصانه نمایانگر منافع آمریکا باشد، حائز اهمیت است که ما در مورد تمام فرهنگها خصوصا آنهایی که به پیچیدگی ایران هستند بیش از آنچه که می دانیم شناخت پیدا کنیم. توکلی گفت او احساس می کند که فاصله زیادی بین منافع آمریکا و سیاست دولت آنها وجود دارد. استمپل پاسخ داد که همیشه این طور نیست، و بحث نفوذ منافع آمریکا بر روی سیاست خارجی دنبال شد. توکلی سپس پرسید که آیا استمپل پروفیسور ریچارد کاتم را می شناسد؟ استمپل پاسخ داد که او هرگز این مرد (کاتم) را ملاقات نکرده ولی در مورد سابقه او در وزارت خارجه و شهرت او به عنوان یک محقق آگاهی دارد.

توکلی به استمپل اصرار کرد که کتاب «ناسیونالیسم در ایران» کاتم را دوباره بخواند. این یک تاریخ خوب از وقایعی است که منجر به ایجاد جبهه آزادیبخش (نهضت مقاومت) در اوائل دهه ۱۳۳۰ در ابتدا گردید و سرانجام در خلال شورشهای ۱۳۴۱ جبهه ملی سازمان داده شد. توکلی سپس پرسید که آیا استمپل راهی برای اثبات اینکه یک مأمور وزارت خارجه است، دارد و آیا ایرادی دارد که، درباره او از پروفیسور کاتم تحقیق شود. استمپل با آمادگی با هر نوع تحقیقی (در مورد خودش) که توکلی می خواهد، موافقت نمود و پیشنهاد کرد که او (توکلی) یا دوستانش می توانند از دفتر ثبت وزارت خارجه (آمریکا) شروع کنند. توکلی اصرار بیشتری کرد و پرسید آیا راهی هست که سفارت مستقیما بتواند نزد مهندس مهدی بازرگان تأیید کند که استمپل یک کارمند سفارت است؟ استمپل پاسخ داد که هرکدام از دوستان دانشگاهی توکلی می توانند به سفارت تلفن بزنند و این را تأیید کنند. اما استمپل راه دیگری را نمی دانست و در این مورد که منظور توکلی از این کار چیست پرسش نمود. (نظریه: ممکن است که توکلی برای نوعی از ارتباط جاسوسی تحقیق می کرد). توکلی سپس سؤال کرد آیا سفارت مایل به انجام گفتگوهایی یا ملاقاتهایی با رهبران جبهه ملی می باشد؟ استمپل پاسخ داد که سفارت در موضوع کلی ذیعلاقه است، ولی شاید لازم باشد که کارها آهسته تر پیش برود. استمپل تردیدهای خودش را در اینکه توکلی همان کسی است که خودش می گوید، ابراز کرد. (استمپل این را چندین بار در گفتگو، وقتی که توکلی سوءظنهایش را در مورد وی - استمپل - ابراز داشت، انجام داد). توکلی گفت که اگر تحقیقات در مورد استمپل مثبت بود، او آماده خواهد بود که ترتیب ملاقات استمپل با اشخاصی را که به عنوان رهبران جبهه آزادیبخش ملی (نهضت آزادی) توصیف کرده بود (منجمله بازرگان) بدهد. وقتی استمپل سؤال کرد چگونه بداند که او خود بازرگان است، توکلی پاسخ داد؛ «شما





آمریکاییها منابع خودتان را دارید». استمپل متذکر شد که او به طور دسته جمعی با یک یا دو نفر از جبهه ملی ها (او معرفی نکرد کدامیک را) ملاقات کرده و تمایل دارد که در چنین جلسه ای شرکت کند. توکلی اشاره کرد او در فاصله مناسبی چنانچه همه چیز صحیح باشد، به منزل استمپل تلفن خواهد زد.

نظریه: این یک ملاقات عجیبی بود که پر بود از سوءظن ابراز شده از هر دو طرف؛ ولی همچنین همراه با تمایل به ادامه دادن گفتگو. استمپل پیشنهاد کرد که گفتگوها باید به عنوان قسمتی از یک فرآیند مشاهده شود. توکلی سوءظن خود را در مورد انگیزه های ایالات متحده بیان کرد و چندین بار به این سؤال که ایالات متحده امید دارد که چه به دست آورد بازگشت. جواب، همیشه بعضی موضوعات گوناگون بود:

درک بهتر و پذیرش جنبش. در یک مورد استمپل مجبور شد که به توکلی مستقیماً اطمینان بدهد که او برای هیچ سرویس اطلاعاتی کار نمی کند و امیدوار است که توکلی هم همین را بگوید. این موجب یک لبخند کنایه آمیز شد.

توکلی به دقت مواظب خودش بود و در ابتدا تمایل نداشت که ببیند، همراهش آنجا را ترک می کند.

پس از اینکه نفر سوم رفت، به هر صورت، توکلی کمی دوستانه تر شد و علیرغم بدگمانیهایش در مورد انگیزه ها راجع به یک ملاقات صحبت کرد. نفر همراه، «بهرام»، بیشتر آمریکایی مآب به نظر رسید و شاید به همراه او فرستاده شده بود که حسن نیت استمپل را تصدیق کند. پس از مقدار کمی زور آزمایی در مورد اعضای هیئت علمی دانشگاه اوهایو که هر دو با آنها آشنا بودند، استمپل احساس کرد بهرام باور کرد که استمپل درباره سابقه اش صادق بوده است.

نهضت آزادی - ۳ صورت مذاکرات سری شرکت کنندگان: مهندس مهدی بازرگان، از نهضت آزادی ایران، دکتر یدالله سبحانی، از نهضت آزادی ایران، مهندس محمد توکلی، از نهضت آزادی ایران، جان ذی استمپل از سفارت آمریکا در تهران زمان و مکان: ۲۵ ماه مه ۱۹۷۸ (۴/۳/۵۷) - یک خانه شخصی در در روس موضوع: نظریات نهضت آزادی ایران در مورد سیاست در ایران توکلی در ساعت ۹ صبح مرا سوار کرد و به یک خانه شخصی که از خانه من ۱۵ دقیقه فاصله داشت، برد. در آنجا من به مهندس بازرگان و دکتر سبحانی، یک استاد بازنشسته زمین شناسی از دانشگاه تهران، معرفی شدم. توکلی، بازرگان را به عنوان رهبر نهضت آزادی و سبحانی را به عنوان یک همقطار نزدیک معرفی کرده بود. (ما معتقدیم که او یکی از مشاوران عالی بازرگان است.) بعد از اینکه تعارفات رد و بدل شد ما خیلی محتاطانه شروع به صحبت و بحث راجع به سیاست در ایران کردیم. آشکار بود که دو رهبر نهضت (توکلی نقش مترجم را بازی کرد ولی به طور اساسی در بحث شرکت کرد به طرزى که نشان دهنده این بود که او نیز یک عضو کادر مرکزی می باشد) می خواستند که تحلیل رد و بدل کنند و آماده بودند که به طور صریح و بی پرده صحبت کنند. در جریان گفتگو، آنها نظرات نهضت در مورد موقعیت فعلی نهضت آزادی در ایران را ارائه کردند و از من پرسش و آزمونی در مورد حقوق بشر کارتر به عمل آوردند. در انتهای ملاقات، بازرگان نامه ای به من داد که او آن را تحویل شاه داده بود و تقاضای یک مناظره تلویزیونی بین شاه و رهبران نهضت آزادی را کرده بود. گفتگو که فقط کمی بیش از دو ساعت طول کشید، در زیر به

وسیله عناوین جزئی که استنتاج شد تشریح شده است.

سیاست حقوق بشر ایالات متحده رهبران نهضت آزادی با پرسیدن اینکه من فکر می‌کنم سیاست حقوق بشر کارتر چیست، شروع کردند. من با استخراج از مطالب توجیهی مختلف، سیاست حقوق بشر هیئت دولت را به عنوان سیاستی پویا برای تقویت ارزشهای مرتبط با آزادی شخصی و اجتماعی تشریح کردم. رهبران نهضت آزادی در مورد تنزل محبوبیت پرزیدنت کارتر سؤال کردند و می‌پرسیدند که آیا این تنزل قابل انتساب به خود سیاست حقوق بشر می‌باشد، یا به شکست او در اجرای آن به صورتی قویتر؟ من پاسخ دادم که عوامل زیادی در ارتباط با محبوبیت ریاست جمهوری دخیل می‌باشد و فکر می‌کنم که سیاست حقوق بشر فقط اثرات جزئی بر روی محبوبیت او داشته است. مثل دیگر موارد بر روی هر دو جنبه تلاشهای حقوق بشر هیئت دولت انتقاد وجود دارد: انجام دادن خیلی زیاد و انجام دادن خیلی کم. من این حقیقت را خاطر نشان کردم که علاقه کنگره آمریکا در حقوق بشر به قبل از دولت فعلی بر می‌گردد؛ حمایت از اجزاء مختلف برنامه حقوق بشر آمریکا از هر دو طرف جناحهای سیاسی وجود دارد.

نظر نهضت آزادی ایران در مورد تاریخ در این موقع، بازرگان وارد صحبت شد تا نظر نهضت خود را در مورد اوضاع سیاسی ایران در طول ۲۵ سال گذشته، شرح دهد.

او به طرز استواری اصرار می‌ورزید که سیا، شاه را به سلطنت بازگردانده است. (او به این دخالت با وجود تکذیب من ادامه داد و ما موافقت کردیم که مخالف باشیم و او امکان وجود دیگر عوامل را قبول کند و من بپذیرم که نفوذ آمریکا قطعاً در آن زمان قوی بود.) بازرگان تصویری از کاهش پی‌درپی آزادیهای سیاسی در ایران از ۱۳۳۲ تا پایان ۱۳۵۵ ارائه داده من این را رد و اشاره کردم که به نظر می‌رسد که جذر و مدی در رابطه با فعالیت و آزادی سیاسی در بعضی از زمان‌ها وجود داشته که در بعضی اوقات کم و بعضی اوقات هم زیاد بوده است.

بازرگان مدعی بود که روند کلی، نزولی بوده است.

تحولات کنونی برطبق گفته بازرگان، از اواخر سال ۱۳۵۵ بعضی آزادیهای سیاسی اجازه داده شد. نهضت آزادی در طول بهار و تابستان سال ۱۳۵۶ شروع به آزمایش نمودند که ببینند، چه تعداد سخنرانی و برای چه تعداد شنوندگانی می‌تواند انجام بشود. تلاش اصلی گروه، یک سخنرانی بازرگان برای ۱۴۰۰۰ نفر در یکی از مساجد مهم تهران در فروردین ۱۳۵۶ بوده است.

هر سه نفر رهبران نهضت آزادی تأکید می‌کردند که شاه بایستی وادار به دادن آزادی شود و آنها این را به طور کامل به سیاست حقوق بشر پرزیدنت کارتر نسبت می‌دادند. من اشاره کردم که سیاست حقوق بشر پرزیدنت کارتر فقط یک عامل می‌باشد و وقایع داخلی ایران خیلی از افراد دیگر را ترغیب به فشار به شاه برای دادن آزادی کرده است. بحث در مورد این نکته نشان داد که به طور محکمی قانع هستند که شاه هرگز

آزادی نخواهد داد، مگر اینکه به وسیله نیروهای خارجی مجبور به دادن آزادی شود. بازرگان با تصدیق اینکه ساواک به اندازه گذشته در موضوع مخالفین داخلی دخیل نیست، گفت که تا زمانی که احتمال فعالیت بر علیه مخالفین وجود دارد، یک چنین حرکت‌های ضد مخالفین امثال «کمیته زیرزمینی برای انتقام» هنوز امکان پذیر می باشد. او تصدیق کرد که فعالیت‌های این کمیته بر علیه اعضای شناخته شده نهضت آزادی در ۱۰ روز گذشته کاهش پیدا کرده است. او هیچ گونه اهمیتی برای این موضوع قائل نشد. با بازگشت به موضوع اعطای آزادی که در ۱۳۵۶ صورت پذیرفت، بازرگان گفت که به دنبال مسافرت شاه به واشنگتن، مجدداً به نظر رسید که سرکوبی دستور روز باشد و این کار تا مسافرت پرزیدنت کارتر به ایران در روزهای اول سال ادامه و شدت یافت. بازرگان گفت، پس از آن، اینطور به نظر نهضت آزادی رسید که دولت به توسل به اعمال وحشیانه بازگشته است.

بعد از آن بحثی زنده دنبال شد. من گفتم که دولت دخالت زیاد خود را در اواسط آذر و پیش از سفر کارتر تغییر داد. بازرگان با ناخوشایندی این را تصدیق کرد، ولی اشاره کرد که این کار در جهت آمادگی برای سفر رئیس جمهور بود. من اشاره کردم که دوره قبل از ۱۰ دی یک دوره نسبی بی عرضگی اداری، با پلیس آموزش ندیده که مسئول واقعه قم در ۱۹ دی و بی کفایتی اداری که یک علت عمده برای شورشهای تبریز در بهمن بود، به نظر می رسد (و دولت ایران این را قبول کرده است). به نظر نمی رسد که ساواک نقش مهمی ایفا کرده باشد. شاید به همین خاطر است که کار به طور غیر کافی انجام گرفته است. بازرگان و توکلی به میان بحث پریدند و اصرار می ورزیدند که ساواک تمام این وقایع را هماهنگ می کرده است. من جواب دادم که برداشتهای شخصی من از آنها (وقایع) چنین گفته ای را تأیید نمی کند: ساواک مثل هر کس دیگری گیج به نظر می رسد. ما به بحث در زمینه سیر وقایع تاکنون ادامه دادیم و رهبران نهضت این امکان را مورد توجه قرار دادند که سازماندهی کمتری از آنچه در ابتدا فکر می کردند، در پشت حرکت متقابل دولت وجود داشته است. هیچ گونه تلاشی برای متقاعد ساختن من در اینکه اشتباه فکر می کنم وجود نداشت و تقدیر دوستانه ای نسبت به تمایل من به بی پرده سخن گفتن به نظر رسید. بازرگان سپس به ادامه این موضوع، برای معتقد شدن به اینکه آشوب ۶ هفته گذشته، توطئه دولت بود که نشان دهد مردم واقعا برای آزادی آماده نیستند، پرداخت. او و سحابی تقبیح شدید خود را از تلاشهای دولت در جهت مرعوب ساختن جنبش مخالف بیان کردند و در حالی که نمی خواستند و یا نمی توانستند سندی قطعی برای شرکت دولت ارائه نمایند، آنها به طور استوار متقاعد بودند که سیستم اداری در پشت این حمله ها است. من فرض می کنم باید متقاعد باشند که چیزی که آنها احساس می کنند اطلاعات قابل اطمینانی در این رابطه است.

برنامه ریزی برای آینده در این موقع بازرگان گفت که دیر شده است (بازرگان و سحابی سالها با هم دوستان صمیمی بوده اند) و ما موافقت کردیم که به گفتگویمان در ۹ خرداد، قبل از تعطیلات من، ادامه دهیم. من به بیشتر دانستن در مورد نهضت آزادی ابراز تمایل کردم و آنها آرزو کردند که با تفصیل بیشتری وارد جزئیات شوند. بازرگان بر این نکته سه بار تأکید کرد که این یک دوره بحرانی برای دموکراسی در ایران می باشد، شکلی از مخالفت باید مجاز گردد و این فرصت نمی تواند از دست برود. به دنبال ملاقات، توکلی اضافه کرد که قصور نهضت آزادی ایران برای پیدا کردن نقشی در زندگی ایرانی، بدون شک زمینه نشو و نمای تروریستها را فراهم

می آورد (یک موضوع استاندارد از ۱۳۳۲ به این طرف). او اشاره کرد که از شش ماه پیش تروریستها شروع به اصرار ورزیدن نمودند، که ناامید کننده است اگر راجع به تغییر بدون آشوب فکر کنیم، و آنکه فشار مستمری بر روی نهضت آزادی وجود خواهد داشت. من از او پرسیدم که او این را از کجا می داند؟ آیا نهضت با تروریستها تماسی دارد؟ او با ابهام اشاره کرد که نهضت آزادی این خبر را از «دوستان» گرفته است. من تأکیدی بر این نکته نکردم. ما به طور خلاصه رابطه نهضت آزادی با جنبش اسلامی را مورد بحث قرار دادیم و بازرگان و توکلی گفتند که جنبش اسلامی به طور اساسی متمایل به غرب است. مایه تأسف است اگر شاه آن را در دست دیگر نیروهای متخاصم بیندازد.

بازرگان و سحابی (که زیاد صحبت نکرد) هر دو هوشیار و افرادی باهوش هستند. اگرچه آنها تعصب خاصی دارند و مورد ایدئولوژیک خود را خوب ارائه می کنند، اما امکان بحث زنده و صمیمی وجود دارد و آنها متمایل هستند که دیگر نقطه نظرها را هم قبول کنند. آنها به طور واضح از ملاقات خوشنود بودند و به طور مثبت علاقه خود را برای دیگر ملاقاتها اظهار داشتند. بازرگان اظهار داشت که او انتظار یک گفتگو با سفارت آمریکا را دارد و از صحبتهای ابتدایی کاملاً خوشنود بود.

او سپس یک نسخه از نامه اش به شاه را به من داد. او از شاه برای یک مناظره تلویزیونی با خودش و دیگر رهبران مخالف برای بحث در موضوعات زیر دعوت کرده است:

۱- نظام سلطنتی و قانون اساسی.

۲- وسعت و عمق مخالفت در ایران.

۳- آزادیهای قانونی و خشونت پلیس.

۴- خدمات و موفقیتهای انقلاب سفید (شاه و مردم).

او بی پرده از من پرسید که آیا فکر می کنم شاه قبول خواهد کرد؟ من پاسخ دادم که نمی دانم، اما بیشتر این احتمال به نظر من می رسد که او یک نمایش تلویزیونی را رد خواهد کرد، ولی ممکن است خواستار چیزی خصوصی تر باشد.

گزارشگر: جی.دی. استمپل نهضت آزادی - ۴ سری صورت مذاکرات شرکت کنندگان: مهندس مهدی بازرگان، جبهه آزادیبخش ملی، محمد توکلی، مهندس ساختمان، جبهه آزادیبخش ملی، جان، دی. استمپل، سفارت آمریکا، تهران زمان و مکان: ۳۰ مه ۱۹۷۸ ۹/۳/۵۷ - خانه شخصی در دروس موضوع: مذاکرات بیشتر با مقامات نهضت آزادی ایران من به گرمی توسط توکلی و بازرگان خوشامد گفته شدم. آنها از اینکه دکتر سحابی به سبب بیماری نتوانست حضور یابد معذرت خواستند. بعد از تعارفات معمول صمیمانه پرسیدم آیا بازرگان جواب نامه خود به شاه را که در آن پیشنهاد شده مصاحبه تلویزیونی بین شاه و رهبران مخالف انجام پذیرد دریافت کرده است. (رجوع شود به یادداشت مذاکره بازرگان - استمپل، ۴ خرداد). بازرگان جواب داد که هیچ پاسخی نبوده است، اما کنفرانس مطبوعاتی وزیر اطلاعات - داریوش همایون - او را به شگفت آورده



است. (در گزارش تهران آمده) در آن کنفرانس همایون اظهار داشته مخالفینی که وفاداری خود را به کشور و سلطنت ابراز دارند، از امکانات و سایل ارتباط جمعی برای ارائه عقاید خود برخوردار می شوند.

در جواب سؤالم که موضع نهضت نسبت به بیان یاد شده چه بود، بازرگان گفت که اگر شاه بتواند تلقی خود از سلطنت را مشخص کند، «ما آماده ایم تا بگوییم که آیا آن اعلامیه را باور داریم یا نه». از نظر تاریخی، سلطنت در ایران یک نهاد استبدادی بوده است. نه مشروطه. آنگاه با صرف دقت در انتخاب لغاتی که بکار می برد گفت که نهضت آزادی به قانون اساسی معتقد است. «اگر شاه حاضر باشد که تمام مواد قانون اساسی را به اجرا درآورد ما آماده ایم تا سلطنت را بپذیریم.» بازرگان گفت که در اینجا دو مسئله وجود دارد؛ یکی از جنبه نظری که آیا شاه قانون اساسی را خواهد یافت؟ و دیگری از جنبه سیاسی که آیا آن را رعایت خواهد کرد؟ آیا او حاضر است مقداری از قدرت را به گروههایی که ممکن است قدم پیش نهند واگذارد؟ توکلی گفت: که به اعتقاد نهضت آزادی او چنین کاری را نمی کند.

موضوع نهضت آزادی در این موقع من عنوان کردم که برای ما نه تنها فایده بلکه لزوم هم دارد، که درباره نهضت آزادی بیشتر بدانیم. اگر از قدرت و میزان نفوذ نهضت چیزی در دست نداشته باشیم و قدری از سیاست نظری آن را ندانیم، جدی گرفتن آن دشوار خواهد بود. چگونه بدانم آنچه را که از دو آقای روبروی خود می شنوم جز دیدگاههای چند رفیق صمیمی چیز دیگری نیست؟ توکلی به میان حرفم دوید و گفت که مسئله ای هست که مقدم بر هر چیز باید روشن شود: آیا مدیریت کارتر «کانال جداگانه ای» در سفارت دارد؟ در جواب کنجکاوی من گفت که نهضت شنیده بود که مدیریت کارتر منابع «خاص خود» را در سفارت دارد. (اظهار نظر: اول فکر کردم که این یک اشاره ضعیف به پیوندهای مبهم سیا است. مذاکره بعدی برایم روشن ساخت که فردی به رهبران نهضت در آمریکا گفته بود که نوعی مداخله جداگانه هم وجود دارد.) من جواب دادم تا آنجایی که اطلاع دارم «کانال جداگانه ای» وجود ندارد. افراد گاهی نامه ای غیر رسمی به دوستان شخصی خود می نویسند؛ شاید یک نفر اشتباها این نوع مکاتبه را کانال «رسمی» تلقی کرده است. سفیر نماینده شخصی رئیس جمهور است و پیامهایی که به واشنگتن ارسال می شوند را تصویب می کند.

من سپس به بازرگان اظهار داشتم که صحبتهایمان را فقط با سفیر، قائم مقام سفیر و مشاور سیاسی در میان می گذارم. البته سفیر، حق تصمیم گیری نهائی در مورد آنچه که به واشنگتن فرستاده می شود را دارد و می تواند مطمئن باشد که در آنجا یک کارمند که مسئولیت سیاسی دارد آنها را می خواند. بعد پرسیدم که تا چه اندازه مذاکره قبلی مان را با دیگران در میان گذارده بودند. توکلی جواب داد که درباره آن با «دیگران» صحبت نکرده بودند. بعد از یک صحبت مختصر با بازرگان، توکلی موضوع صریحتری را اظهار داشت.

نهضت آزادی می خواست که پاسخگوی تمایل ما برای اطلاع بیشتر از نهضت باشد. آنها امید داشتند که تبادلات مفصل، صادقانه ادامه یابد (او بر کلمه صادقانه تأکید ورزید) اما آنها حتی آمادگی داشتند به طور یکجانبه به ما اطلاعات بدهند، زیرا که نهضت اعتقاد دارد که انجام این کار به نفع اوست.

او اشاره کرد زمانی که ریچارد کاتم کارمند وزارت خارجه بود، نهضت اطلاعات زیادی در اختیار او گذارد و به این کار ادامه می دهد. نهضت فکر می کرد که در آن مورد این کار خیلی سودمند بوده است. من



اظهار داشتیم که اگر او و بازرگان بخواهند، من هر گونه اطلاعات را که به ویژه حساس باشند مستقیماً به سفیر گزارش خواهم داد. هر دو گفتند که قید و بندهای آنچنانی هم ضرورت ندارد و آماده اند که در ملاقات بعدیمان که احتمالاً پس از بازگشت من از تعطیلات خواهد بود، با تفصیل بیشتری درباره نهضت بحث کنند. (احتمالاً در هفته دوم تیر واقع می شود) به هر حال این نوع پیشگامی ایجاب می کرد که با رهبران دیگر مشورت گردد.

بازرگان آن گاه در خصوص ارتباطی که یکی از مأموران سفارت قبل از شروع ملاقاتهای من با این گروه از طریق یک دوست ایرانی حاصل کرده بود سؤال کرد: آیا این ارتباط باید ادامه یابد؟ پس از مقداری بگو مگو دریافتم که لامبراکیس مشاور سیاسی، چندین هفته قبل از طریق یک رهبر مخالف دیگر، این درخواست را مطرح کرده بود. بازرگان این نظر را ابراز داشت که ارتباط بیشتر، ضرورت ندارد اما اگر آقای لامبراکیس مایل باشد ملاقاتی صورت گیرد، او با خوشحالی می پذیرد. من جواب دادم که این موضوع را از آقای لامبراکیس تحقیق خواهم کرد. (نظریه: در مجموع من و لامبراکیس معتقدیم که ارتباط عرفی گاه و بی گاه بین او و بازرگان چیز خوبی است، زیرا به چشمان مراقب دولت ایران نشان خواهد داد که «ارتباط» ما در کجاست. البته رهبرانی که گمان می رود برای پلیس شناخته شده نیستند منجمله توکلی، نخواهند خواست که با لامبراکیس ملاقات داشته باشند.) وقایع گوناگون در این مرحله در حالی که دسر صرف می کردیم صحبت هم رسمی بودن خود را بیشتر از دست داد.

توکلی و بازرگان اطلاعات زیر را درباره وقایع ده روز گذشته ایران ارائه نمودند. فشاری که شاه بر نهضت مخالفان وارد می آورد، قطعاً افزایش یافته است. علیرغم آرامش جاری، وقایع چندی صورت پذیرفته است. مهمترین این وقایع در قم بوده که تا ۸ خرداد شمار زیادی از ملاها و طلاب دستگیر شده بودند.

آیت الله شریعتمداری تحت مراقبت دقیق ساواک قرار دارد. یکی از ملاهای سرشناس آقای ناطق نوری است. فضل الله محلاتی و جعفر شجونی دو ملای دیگر بودند که به تاریخ ۸ خرداد در تهران بازداشت شده بودند. نهضت آزادی ادعا کرد از اینکه چرا آنها دست چین شده اند، بی خبر است. (ناطق و محلاتی جزو عده ای بودند که یک رابط دیگر که با وزارت دربار صحبت کرده بود، آنها را برای دستگیری توصیه نموده بود. آنها و از قرار معلوم شجونی، هر دو از افراد خمینی هستند.) تظاهرات پیشنهاد شده ساواک با تمام مساجد شهرهای عمده تماس گرفته و گفته است که در ۱۵ خرداد مراسمی برگزار نخواهد شد. رهبران دینی و رهبران نهضت آزادی از مردم خواسته اند که بیرون نیایند؛ یعنی نوعی اعتصاب عمومی تا به دولت نشان داده شود که تمام کشور هم متحد و هم ناراحت است. نهضت آزادی فکر می کند که هر گونه میتینگ سیاسی با حملات ارتش به تظاهرکنندگان مواجه خواهد شد. تاریخ ۱۵ خرداد گرامیداشت زمانی است که شاه به ارتش دستور داد به قصد کشتن شرکت کنندگان در شورشهای سال ۱۳۴۲ جبهه ملی تیراندازی کنند و به تبعید آیت الله خمینی انجامید. در جواب سؤال من، بازرگان گفت که معلوم نیست که در ۲۹ خرداد تظاهراتی برگزار شود. این بستگی داشت به اینکه روز ۱۵ خرداد چه اتفاق



در روز جمعه ۵ خرداد کماندوها به سی دانشجویی که در شمال غربی تهران مشغول کوهنوردی بودند حمله ور شدند. این کماندوها پلیس ضد شورش بودند که تیم پزشکی خود را همراه داشتند. دانشجویان به سختی کتک زده شده و بعد برای درمان پزشکی به دهکده افجه برده می شوند. چادرها از سر زنان که ۴ تا ۵ ساعت در معرض توهین قرار داشتند، کشیده شده بود. لاقل افرادی از این عده آزاد شدند. اما بازرگان نمی دانست که آیا از بقیه کسی دستگیر شده بود یا نه. توکلی پرسید که از این رویداد چه برداشتی داشتم؟ من جواب دادم که به نظر می رسد پلیس افراط کاری کرده بود.

دولت حقوق اعضای هیئت استادان دانشگاه آریامهر را که در اعتراض به انتقال دانشگاه به اصفهان اعتصاب کرده اند، قطع نموده است. بازرگان گفت که منابعش تصور می کنند که ارتش می خواهد از محیط دانشگاه آریامهر، برای تأسیس مدرسه مهندسی خاص خود استفاده کند. بازرگان از قول یکی از کارمندان پایین رتبه دانشگاه تهران نقل کرد که شهبانو فرح یک جلسه هیئت امناء تشکیل داده بود تا به مشکلاتی که نمایندگان دانشجویان مطرح می کنند گوش دهد. در پایان فرح اظهار داشته بود که بین دانشجویان و نخست وزیر آموزگار، یک ملاقات ترتیب خواهد داد. این طور که گزارش شده بنا به راهنمایی او هیئت امناء مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال در ماه، سهمیه مسکن برای هیئت علمی تصویب کرد.

نظریه: دید نهضت آزادی از وقایع فوق الذکر، مخصوصاً حمله پلیس به دانشجویان احتمالاً تمام ماجرا را در بر نمی گیرد. باید آن را حاوی هسته ای از حقیقت در میان مقداری گزاف گویی دانست، تا زمانی که منابع دیگر آن را تصحیح یا تأیید کنند.

نقش توکلی رفتار توکلی امروز بعد از ظهر آشکارا نشان داد که او یکی از اعضای محترم کادر مرکزی نهضت آزادی است. بازرگان در دو یا سه مورد موضوع را به او واگذارد و او هم از جانب خودش نه به عنوان مترجم صرف، صحبت نمود. کارمند بخش سیاسی: استمپل نهضت آزادی - ۵ طبقه بندی: سزی - توزیع محدود - تهران - ایران تاریخ سند: ۶ ژوئن ۱۹۷۸ - ۱۶/۳/۵۷ جناب آقای هنری پرشت بخش خاور نزدیک / ایران وزارت امور خارجه واشنگتن، دی.سی.

هنری عزیز به ریاست فرماندهی مرکزی امور خاور نزدیک / ایران خوش آمدید. ما خوشحالیم از اینکه شما را سرکار می بینیم؛ هرچند و نه آنقدر که مایلز از آن خوشوقت است. آنچه که ما برای شما امروز داریم، به شما فرصت خواهد داد که خیلی زود با آن کلنجر بروید.

همان طور که می بینید یادداشتهای مذاکراتی، ضمیمه این نامه اند و به دقت مورد توجه قرار دارند. من

خواستیم که آنها را با چند کلمه توضیح و اظهار نظر همراه کنم تا امکان داشته باشد که از آنها به بهترین وجه استفاده گردد.

محمد توکلی، عضو عالی‌رتبه نهضت آزادی ایران (که تا به اینجا این مطلب را تصدیق نکرده است) که هیئت نظارت یا کمیته اجرائی آن را اداره می‌کند، در نتیجه یک تماس دیگر در محدوده هیئت دیپلماتیک، به جان استمپل معرفی شد. همان گونه که از یادداشتهای مذاکرات دستگیرتان خواهد شد، این رابطه به آهستگی پیش رفته اما مطابق اطلاعاتی که از رابطه‌های دیگر خود کسب کرده ایم، از نقطه نظر نهضت آزادی پیشرفت آن بسیار مورد رضایت بوده است. به نظر می‌رسد که آنها علیرغم سوءظنشان مایل به شروع مذاکرات با محتوایی با جان (استمپل) باشند. این مذاکرات می‌توانند بینش و اطلاعاتی از نهضت آزادی و گروه‌های جنبی دیگر به دست ما بدهند تا آنها را با استفاده از تماسهای دیگر بخش سیاسی و سفارتخانه تکمیل کنیم.

تقریباً نهضت آزادی به طور یقین در یکی از مراحل به ما اصرار خواهد کرد، که به اعمال گوناگونی دست بزنیم. ما از نحوه تماس جزئی که با ما ترتیب داده شده بود، فهمیدیم که آنها کاملاً مشتاقند که با ما صحبت کنند، اما همان وحشت معمول را نسبت به دخالت سیا دارند. شما و دیگران می‌توانید نظریات خود را با ترتیب مناسب درباره جهت‌گیری که ما بخواهیم این تماس به طرف آن میل کند، فشارهایی که باید آماده به قبولشان باشیم و مقاصد خود که می‌توانیم در زمانهای آینده بر آنها پافشاری کنیم، ارائه کنید. فکر می‌کنیم که در حال حاضر باید این کار به خصوص را تا حد امکان مسکوت نگاه داریم.

ما کار توزیع بیشتر این نامه را به صلاحدید خود شما وا می‌گذاریم. واضح است که ادامه استفاده از این تماس به تشخیص عالی‌انتهایی که از آن مطلعند بستگی دارد.

ما نمی‌دانیم که پیدایش این عقیده نهضت آزادی ایران مبنی بر اینکه حکومت (آمریکا) «کانال جداگانه‌ای» به سوی سفارت دارد (مراجعه شود به یادداشتهای ۹ خرداد) از کجا ناشی شده است. ولی ما بسیار ناخشنود خواهیم بود اگر شاهد آن باشیم که طرف ما این تماس را به عنوان چیزی شبیه به آن توصیف کند.

ما موضوع را در اینجا چنین برآورد می‌کنیم که به طور کلی بکوشیم که با طیف کاملی از اشخاص در موقعیتهای مختلف در تماس باشیم و اجازه دهیم در همین حد ادامه یابد. برای ما بسیار جالب است که ریچارد کاتم، همان طور که چند نفر از ما فکر کرده بود، هنوز رابط عمده نهضت آزادی در آمریکاست و آنها (نهضتیها) هم مایل بودند که حتی در مراحل اولیه مذاکره بر این موضوع صحه بگذارند.

ضمایم: همانهایی که در فوق اظهار شد.

بخش سیاسی: جی.دی. استمپل با عرض ارادت چارلز دبلیو. ناس وزیر مختار - کنسول

نهضت آزادی - ۶ طبقه بندی سری - انتشار محدود یادداشت مذاکرات شرکت کنندگان: مهندس مهدی بازرگان (جبهه آزادیبخش ملی)، محمد توکلی مهندس ساختمان (جبهه آزادیبخش ملی)، دکتر یدالله سبحانی، (جبهه آزادیبخش ملی)، جان دی استمپل، کارمند سیاسی، سفارت آمریکا زمان و مکان: ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۸-۲۷/۴/۵۷ خانه شخصی در دروس تهران موضوع: نهضت آزادی ایران - ابهام در وضع سیاسی ایران، احتیاط در تماس با آمریکا خلاصه و اظهارنظر: این ملاقات از بسیاری جهات نامطلوبترین مواجهه من با مقامات نهضت آزادی بود. زیرا برای اولین بار کاهش اعتماد نهضت آزادی را آشکار ساخت و آنها گیج و فاقد ابتکار سیاسی به نظر رسیدند. از همان اول روشن بود که نظر هر سه رهبر نهضت، بر کنفرانس مطبوعاتی ۲۱ تیر جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر متمرکز بود. در آن مصاحبه تخلفات دولت در زمینه حقوق سیاسی به صورت فهرست وار بیان شده بود. در مذاکره در مورد تحولات اخیر سیاسی از قبیل قانون پیشنهاد شده برای تظاهرات، طرح فعالیتهای انتخاباتی و دید رهبران مذهبی، رهبران نهضت بیشتر وقت را به انتقاد از مقاصد دولت ایران و پیش بینی عدم اجرای آنها توسط دولت گذراندند. آنها دقیقاً منعکس کننده اغتشاش خاطری بودند که شاه، ظاهراً با موفقیت، در مخالفین خود ایجاد کرده است.

رهبران درباره فعالیتهای مطروحه نهضت آزادی صحبتی نکردند، اما عمدتاً مایل بودند که درباره نظریه و ایدئولوژی خود صحبت کنند. در نتیجه آنها از پیشنهاد خود (که در ملاقات ۹ خرداد طرح کردند) مبنی بر صحبت بی پرده تر درباره جبهه روگرداندند.

احتمالاً دلیل اصلی این کار اعتقاد آنها به این بوده است که خبر ملاقات به بیرون درز کرده است. توکلی گفت که گزارشهایی مبنی بر تماس ما به گوشش خورده است. او نتوانست یا نخواست جزئیات بیشتری را معلوم کند. من به او اطمینان دادم که از جانب ما جریان فقط به شکل خیلی محدودی مطرح شده است. به نظر رسید که آنها این را پذیرفتند، ولی معهداً مظنون باقی ماندند. در حال حاضر آنها موافق نیستند که من به طریقی بتوانم با آنها تماس بگیرم و این طور نشان دادند که در یک یا دو هفته آینده دوباره به من تلفن خواهند کرد. معلوم است که اقدامات اخیر شاه تخم تردید و گیجی نشانده است. امتناع آنها از وارد نشدن به جزئیات درباره ادعای درز خبر ملاقاتها، این سؤال را بر می انگیزد که آیا بطور غیرعمدی جایی صحبت شده است یا اینکه فقط وسیله ای است که بتواند عقب کشیدن آنها را توجیه کند.

علاوه بر اینکه آنها به من یک نسخه از اعلامیه جمعیت دفاع از آزادی را ارائه کردند، اطلاع هم دادند که میتینگی در بعد از ظهر ۲۹ تیر در یک باغ نزدیک سفارت به فاصله هفت خیابان از تخت جمشید به طرف پهلوی، برگزار خواهند کرد، آنها مشکلی را پیش بینی نمی کنند اما احتمال می دهند که پلیس بخواهد به نحوی دخالت یا ایجاد محدودیت کند. نکات اصلی مذاکره در ذیل می آید. (پایان خلاصه) مخالفت تدافعی حقوق بشر کنفرانس مطبوعاتی ۲۱ تیر جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر مسائل متعددی را عنوان کرد

که همه آنها قبلاً در گزارشات سفارت مطرح شده اند. یک نسخه از اظهارات جمعیت جداگانه مخابره می گردد. بازرگان و توکلی نظرم را درباره آن جویا شدند. من جواب دادم که آن مجموعه و اسناد مفیدی از مشکلات بود مسلماً شایستگی آن توجهی را که به خود جلب کرده بود داشت. توکلی که امشب در انجام گفتگو نقش فزاینده رهبری را داشت، ندا در داد که این امر ثابت می کند که شاه قابل اعتماد نیست و ظاهراً می کوشید تا یک پاسخ رسمی از ما (ایالات متحده) را بیرون بکشد.

من پرسیدم که آیا بین نهضت آزادی و جمعیت حقوق بشر ارتباط رسمی وجود دارد؟ بازرگان جواب داد که نهضت از جمعیت حقوق بشر حمایت می کند ولی هیچ وابستگی سازمانی با آن ندارد. اعضای نهضت به عنوان افراد عادی به جمعیت می پیوندند. اساسنامه جمعیت ایجاب می کند که از سیاست مستقل باشد و علت اینکه تأسیس یک اداره را در اینجا بی خطر دانسته است همین است.

درز خبر تماسهای نهضت با سفارت در اینجا توکلی به میان آمد و پرسید که آیا من با کسی درباره تماسها حرفی زده ام. من مانند شش هفته پیش تکرار کردم که فقط با سفیر، قائم مقام او و رئیس خودم صحبت شده است. پرسیدم چرا چنین سئوالی کردید. او گفت این حرف، که نهضت آزادی با سفارت مذاکره می کند، از یک منبع دیگر به او رسیده است.

من درخواست خصوصیات بیشتر کردم و او اظهار کرد که جزئیات بیشتری را نمی داند. من او را در این مورد تحت فشار گذاردم، اما او نتوانست (یا نخواست) چیزی علاوه بر آن بدهد. به او گفتم که اشخاص بسیاری درباره تماسهای سفارت حدسیاتی می زنند و نسخه مقالات دو روزنامه را برای اینکه نشان بدهم چگونه گاهی این مطالب اشتباه برداشت می شوند به او دادم. پرسیدم کسی را می شناسند که توانسته باشد حدس بزند، ما با هم تماس داریم یا چنین کسی در گروه خودش هست. بازرگان گفت فقط سه یا چهار نفر دیگر از اعضای گروه از تماسشان با من اطلاع دارند. من از آشکار شدن این تماسها ابراز نگرانی کردم، اما اشاره نمودم که آگاهی یافتن و ملاقات با گروههای مختلف جزء سیاست دولت آمریکاست. ممکن است کسی به صورت ساده تصور کرده باشد که ما در مهمانیها یا جایی دیگر ملاقات کرده باشیم. من قول دادم که از جانب خودم بررسی انجام بگیرد و از آنها هم خواستم که تحقیقات جزئی تری انجام دهند. آنها آمادگی خود را برای اقدام نشان دادند.

نهضت آزادی ایران و آزادیهای سیاسی من نظر نهضت را درباره طرح اخیر انتخابات و قانون پیشنهادی تظاهرات پرسیدم. نمی دانستم که این دو در مواضع و استراتژی نهضت تغییری به وجود آورده است یا نه. بازرگان گفت قانون انتخابات جالب بود. گروه آنها سیاست گام به گامی را نسبت به قانون جدید پیش گرفته بود. به هر حال تمام ایرانیها هم چنان به مقاصد شاه عمیقاً مطنونند. چگونه می شود کسی که مدت ۳۷ سال مستبدانه حکومت کرده است ناگهان تغییر عقیده دهد. جمعیت حقوق بشر به دقت خشونت‌های اخیر را ثبت کرده بود و نهضت آزادی معتقد بود که شاه صداقت ندارد. در ایران هرگونه قانون تظاهرات برخلاف آمریکا که در آن تصویب تظاهرات مستلزم محافظت پلیس می شود، به سادگی وسیله ای خواهد بود که پلیس کنترل خود را بر دسته جات مخالف اعمال کند؛ مهم مقصود دولت است. هیچ دلیلی وجود نداشت که باور کنیم دولت واقعا

خواهان آزادی است. دولت اخبار مربوط به فعالیتهای جمعیت را در مطبوعات درج نکرده بود. مطبوعات از پخش آگهی یک میتینگ عمده سیاسی - مذهبی که قرار بود بعد از ظهر ۲۹ تیر برگزار شود امتناع ورزیدند. آن گاه بازرگان دو اعلامیه دستی که در آن آگهی میتینگ در زیر نام حدود صد نفر از شخصیت‌های برجسته مذهبی و سیاسی آمده بود به من داد. بازرگان اظهار کرد که این میتینگ به منظور جواب به درخواست آیت الله خمینی برای برگزاری محدود روز تولد دوازدهمین امام انجام می گرفت. (اظهار نظر: از مذاکرات آشکار بود که رهبران سیاسی نهضت آزادی، هم صف با ملاحی‌هایی هستند که خمینی را حمایت می کنند، نه آنهایی که شخصا به شریعتمداری وفادارند. رهبران دیگر این اعلامیه های دستی را امضا نکردند.) در جواب سؤال من بازرگان اطمینان داد که میتینگ از نوع آزاد است. آمدن خبرنگاران و وابستگان مطبوعاتی استقبال می گردد و از قرار معلوم هر کس دیگر هم می توانست بیاید. او مشکلی را پیش بینی نکرد، اما احتمال حضور محافظان پلیس و دخالت بالقوه آنان را بعید ندانست.

استراتژی نهضت آزادی در آینده در جواب به کنجکاوی من که استراتژی نهضت در برخورد با اقدامات پیشنهاد شده برای ایجاد آزادی چه خواهد بود، رهبران نهضت بعد از مقداری دست به دست کردن و تقبیح مقاصد دولت بالاخره گفتند که هر گونه کوششی بی نتیجه است، مگر اینکه دولت ایران «مجبور شود» مواضع خود را تغییر دهد. توکلی در حالی که به نمایندگی از هر سه نفر سخن می گفت با ناراحتی اظهار داشت که نهضت در هر گونه کوششی از قبیل انتخابات شرکت می کند اما خوشبین نیست. من جواب دادم که سفارت هم سیاست انفعالی صبر و انتظار را اتخاذ می کند. به منظور اکتشاف بیشتر از رهبران نهضت پرسیدم که نهضت آزادی چگونه فعالیت می کرد. آنها تاریخ نهضت آزادی را از ۹ ماه فعالیت آزادش در ۱۳۴۰، زندانی شدن رهبران آن به مدت‌های ۴ تا ۱۰ سال و تجدید فعالیتش بر مبنای نیمه مخفی در ۱۳۵۰ برایم بازگو کردند. آنها به دقت، اهمیت اتحادیه گروه‌های جبهه ملی تحت نظر داریوش فروهر را تنزل دادند. آنها تأکید کردند که در اواخر یا اواسط دهه پنجاه کار خود را برای القاء کردن انگیزه ایدئولوژیکی خود در جامعه شروع کردند. نهضت آزادی، سیاسی است و وابستگی‌های نزدیکی به اسلام دارد. در اینجا توکلی اظهار داشت انتخاب جوانان ایران بین مارکسیسم و دین محمدی است. این باعث این سؤال شد که نظر نهضت آزادی در حمایت از خواست ملاحی‌ها به داشتن حق و توازن طریق شورای علما بر تمام قوانین که می گذرد چیست. توکلی گفت که این شورا به طور واقعی هرگز تشکیل نشده است. این نظریه ضعیف و محتاج روشن سازی است. سؤال کردم آیا امکان ندارد ملاحی‌ها از آن برای قبضه قدرت و کنار گذاردن گروه‌های مادی تر استفاده کنند. توکلی گفت که من تفاوت بین سابقه اسلام و سابقه مسیحیت در غرب را درک نمی کنم. علما رهبری سیاسی را قبول می کنند و تنها می خواهند مطابقت قانون کشور با قانون مذهبی را حفظ کنند. من شک خود را در صحت این امر در اوضاع اظهار کردم و موافقت کردیم که نظرات جداگانه مان را حفظ کنیم. (اظهار نظر:

رهبران نهضت آزادی آشکارا اعتماد دارند که در هر گونه ائتلاف با رهبران مذهبی تسلط خود را حفظ خواهند کرد. این استحکام عقیده آنها قابل ذکر است ولی به نظر می رسد عقیده آنها کمی اشتباه باشد.) آن گاه توکلی به من اطمینان داد که توده های مردم ایران پشت سر نهضت آزادی هستند، زیرا سیاست آن بر اساس عمل قاطع بر ضد شاه و فعالیتش «واقع بینانه» است. به دنبال آن پنج دقیقه از ایدئولوژی آن

صحبت شد که نهضت آزادی را رهبریت روشنگرانه «جنبش آزادی خواهی» ایران معرفی کرد. وقتی که به آهستگی عنوان کردم که آیت الله شریعتمداری گفته بود سرنگونی شاه ضرورتی ندارد، توکلی به تندی پاسخ داد اگر شریعتمداری این نظر را تأکید کند توده های مردم او را تنها خواهند گذارد. (اظهارنظر: خیلی مشکوک است.) نهضت آزادی به طور وضوح در مورد این پیشگویی که سایر گروههای مخالف به ویژه مذهبیین به یک برنامه ایدئولوژی منسجمی که با شاه کنار بیایند، خواهند رسید، سخت گیر بود.

تشکیلات نهضت آزادی وقتی بیشتر درباره تشکیلات فعلی نهضت آزادی کنجکاوی کردم، رهبران فوراً عقب کشیدند. من توضیح دادم که آگاهی بیشتر درباره تشکیلات آنها سودمند است، زیرا کمک می کند که آنها در مدنظر باشند. آرام جواب دادند که فکر می کردند که من فقط به سوابق و نظریه ها توجه دارم. آنها از اطلاعات دادن به من به دلایل امنیتی و این واقعیت که نهضت آزادی هنوز «علنی» نشده بود، ناراحت بودند. پرسیدم آیا این عقب کشیدن از آنچه که شش هفته پیش گفته بودند، می باشد. توکلی و بازرگان به دقت از تأیید یا تکذیب آن طفره رفتند، اما در ملاقاتهای بعدی عبارت «مبادله اطلاعات» به کار بردند که علامت تماسی محدودتر بود.

من پیشنهاد کردم که یک راه دیگر که بتوانم با آن تماس برقرار کنم غیر از تلفن کردن به صورت مستقیم به مهندس بازرگان (که من هرگز نکرده ام)، ارائه دهند. توکلی گفت که طی یک یا دو هفته آینده دوباره به من زنگ خواهد زد و می توانیم دوباره ملاقات داشته باشیم. آن دو رهبر گفتند اینکه توکلی به تنهایی با من ملاقات کند اشکالی ندارد و امکان تصادفی آمدن به خانه من را قبول کردند. از مذاکره معلوم بود که حوادث اخیر بدگمانی اولیه آنها را افزایش داده بود و من این احساس را دریافتم که «به ما تلفن نکن، ما به تو تلفن خواهیم کرد» که دقیقاً وضع فعلی ما همان است. به نظر می رسد نهضت آزادی بشدت مشغول تفکر و بررسی در خود خواهد شد. تماس ما در آینده نزدیک محدودتر خواهد شد و باید بشود.

بخش سیاسی: جی دی. استمپل نهضت آزادی - ۷ صورت مذاکرات سری شرکت کنندگان: محمد توکلی، از نهضت آزادی ایران و جان دی. استمپل، مأمور سیاسی سفارت آمریکا در تهران تاریخ و محل ملاقات: ۲۱ اوت ۱۹۷۸ (۳۰/۵/۵۷) رستوران شمال شهر موضوع: وضعیت سیاسی ایران توکلی در ۲۹ مرداد بعد از یک وقفه یک ماهه در گفتگوهایمان با من تماس گرفت. او با من به تنهایی و بدون حضور دیگر مقامات نهضت آزادی که قبلاً با ما ملاقات کرده بودند، ملاقات کرد. مقصود از ملاقات از نظر او این بود که برداشتهای نهضت آزادی از وقایع یک ماه گذشته را ارائه دهد. نکات مهم زیر از این ملاقات پدیدار شده است:

الف: نهضت آزادی درک کاملاً متفاوتی از واقعیت نسبت به بیشتر دیگر گروههای مخالف دارد و

مطمئناً نقطه نظر کاملاً متفاوتی با دولت دارد. این اختلاف در حال حاضر چنان است که صحبت بین دولت ایران و نهضت آزادی را اگر غیرممکن نکرده، بشدت مشکل کرده است.

ب: توکلی گفت که جنبش «ج» در ایران فاقد یک پایگاه توده ای است. انتخاب، بین اسلام و کمونیسم است، برای اینکه جنبش باید دارای یک ایدئولوژی باشد.

ج: دولت ایران به طور مداوم و استوار در رابطه با نیروهای نظامی و پلیس در اطراف مساجد، محرک بوده است. «مردم» بدون شک به تظاهرات ادامه می دهند و امکان یک درگیری شدید دیگر هم می رود.

نهضت آزادی پیش بینی می کند که در تهران حکومت نظامی از ۱ و یا ۲ شهریور برقرار خواهد شد.

(نظریه: این غیر محتمل به نظر می رسد.) وقایع اخیر: توکلی ملاقات سیاسی بدون نتیجه را تشریح کرد (در تلگراف ۷۰۲۲ گزارش شد). او خاطر نشان کرد که یک عضو کمیته ایرانی آزادی و حقوق بشر، مهندس هاشم صباغیان که ترتیب استفاده از ملکی که گردهمایی در آنجا انجام می گرفت را داده بود، به وسیله ساواک در ۳۱ تیر دستگیر و در زندان کمیته در ایران به سر می برد. خانواده اش یک بار او را ملاقات کرده اند و حال او خوب است. اتحادیه بین المللی حقوق بشر در مورد این دستگیری به نخست وزیر اعتراض کرده و کمیته دفاع از حقوق بشر به عمل پلیس در به هم زدن اجتماع، اعتراض نموده است. توکلی از گفته شاه در کنفرانس مطبوعاتی ۲۶ مرداد، که گفته بود آزادی خیلی گران دارد تمام می شود، به عنوان سندی که شاه حتی یک حداقل قولی را در مورد دموکراسی حفظ نخواهد کرد، انتقاد کرد. او اغتشاشات اخیر اصفهان و شیراز را بررسی کرده و گفت که اینها تحریکات دولت بوده است. او گفت که یک دکتر در شیراز گزارش ۳۸ کشته و ۳۰۰ مجروح را در آشوبهای اواسط مرداد داده است. من اشاره کردم ارقام او خیلی بالاتر از چیزی است که دیگر منابع گزارش کرده بودند اما او سرسختانه بر روی حرف خود پافشاری کرد و گفت که پلیس قالیه‌های مساجد، دوچرخه ها و موتورسیکلتها را سوزانده و حتی به یک زن در محوطه مسجد حمله کرده است. (نظریه: این با هیچ کدام از گزارشهای مربوط به حوادث شیراز و حتی نظریات دیگر مخالفان که اینجا شنیده می شود مطابقت ندارد.) توکلی ادعا کرد که در بهبهان ۱۰ نفر در حمله به مسجد کشته شده اند. توکلی فعالیت مساجد در تهران را در روزهای اخیر گزارش کرد و اشاره کرد که پلیس در به هم زدن اجتماعات در مساجد لرزاده، امام حسین، و مسجد بازار نقش فعالی داشته است. او گفت که مقامات نهضت آزادی، منجمله مهندس بازارگان، در مساجد مختلف سخنرانی کرده اند، ولی مسجد کانون توحید در میدان کندی در شبی که بازارگان می خواست صحبت کند (۲۹ مرداد) بسته شد. توکلی گفت که در مسجد قبا ۵ بلوک پایین تر از کلپ آمریکایی پارس، جمعیت برای نماز مغرب در چند روز گذشته به ۲۰ هزار نفر رسیده است. (نظریه: ما بعد از این ملاقات با توکلی به اطراف این مسجد رفتیم، یک کارشناس اجتماعات از برکلی می گوید که بیش از ۶ یا ۷ هزار نفر در داخل و خارج مسجد حضور نداشتند.) سخنرانیها ضد دولتی بود ولی ما زیاد آنجا نماندیم. هشت کامیون از سربازان دولتی در ۳ ناحیه مستقر شده بود. اما رفتار هر دو، هم سربازان و هم جمعیت در طول ۱۵ دقیقه ای که ما آنجا بودیم انتقاد ناپذیر بود.

فاجعه سینمای آبادان: توکلی نقطه نظر نهضت آزادی را در مورد آبادان به طور اجمال بیان کرد، و روی تناقضات داستانه‌های متعدد تأکید نمود. او خصوصاً اهمیت می داد به اینکه اشاره کند که رئیس پلیس آبادان، سرلشکر رزمی، کسی است که در

موقع اغتشاشات قم در دی ماه، رئیس پلیس قم بود. توکلی

ص: ۱۱۴



اظهار داشت که ارقام در گزارشهای خبری اولیه تحریف شده و مأموران ساواک حداقل از انتشار اخبار جزئی در یک روزنامه محلی جلوگیری کردند. او از آتش نشانی آبادان، به خاطر اینکه به سرعت وارد صحنه نشده بود، انتقاد کرد و از دولت برای اینکه گفته است که تروریستها و چریکها مسئول این کار بوده اند، انتقاد کرد، «چرا که آنها هرگز به مردم حمله نمی کنند». من به سرعت نتیجه ای از جمله آخری او گرفتم و پرسیدم که آیا او به مسئولیت یا تبانی دولت اشاره می کند؟ او از هر نتیجه گیری مستقیم سر باز زد، اما گفت که نهضت آزادی تحقیقات خودش را انجام می دهد و اشاره کرد که خبرنگار سازمان مطبوعاتی فرانسه و دیگر خبرنگاران به آبادان رفته اند.

مسئولیت برای ناآرامیها - خارجی یا داخلی؟ توکلی بشدت پلیس را برای تحریک ناآرامیها مسئول قلمداد می کرد و اظهار داشت که دو راه برای تحریک مردم وجود دارد:

الف: به وسیله تحریک دایمی مأموران پلیس در اطراف مساجد و ب: عوامل خارجی. در پاسخ به اینکه این عوامل چه کسانی هستند، توکلی گفت بعضی از آنها امکان دارد از افراد دولت باشند اما «دیگران امکان دارد از خارج باشند». ما در این مورد به تفصیل گفتگو کردیم و او ظاهرا، ولی با کمی اکراه پذیرفت که رهبری نهضت آزادی به این که ممکن است «دیگرانی» باشند که تحت کنترل کامل نهضت نیستند، مظنون می باشد.

او دیگر تا آنجا پیش نرفت که بگوید اینها از پشتیبانی خارجی برخوردارند. ولی وقتی که من جزئیات دلایلی را که ما مظنون به این هستیم که عناصر خارجی ممکن است دخالت داشته باشند را بیان کردم، او سراپا گوش شد. و در این مورد اعتراضی نکرد و گفت که نفوذ نهضت آزادی بر جنبش مذهبی به اندازه ای که آنها می خواهند کامل باشد، نیست.

اتحادیه جبهه ملی به خصوص، داریوش فروهر و کریم سنجابی، سخت مورد انتقاد قرار گرفتند. توکلی گفت این گروه حالا بر این عقیده اند که نمی شود با شاه همکاری کرد، اگر چه زمانی فکر می کردند که می شود. (نظریه: با توجه به اینکه تماس مستقیمی با این افراد نداریم ما متمایل هستیم در اینکه، آنها موضع خود را به طور اساسی تغییر داده اند، شک کنیم. مخصوصا با توجه به گشوده تر شدن صحنه سیاسی ایران.

واضح است که اصطکاک قابل توجهی در داخل گروه هماهنگی مخالفین وجود دارد، بین جبهه ملی های سابق و افراد مصمم و بی باک نهضت آزادی). ایدئولوژی نهضت آزادی و عکس العمل آنها نسبت به آزادیهای شاه:

در پاسخ به سئوالی مستقیم در مورد سخنانی روز قانون اساسی شاه، توکلی گفت که این سخنانی از تمایلات (مقاصد) خوبی برخوردار بود، اما دلیلی ندارد که قبول کنیم اعمال شاه به وعده حرفهای او جامه عمل می پوشاند. او اظهار تعجب کرد که سفارت آمریکا هنوز در مورد این موضوعات صحبت می کند. و گفت که یکی از دلایل تبادلات اطلاعاتی ما این بوده که نقطه نظر صحیح - (از نظر نهضت آزادی - را از وقایع منعکس در سیاست آمریکا به دست آوریم. من گفتم که نگرانی ما در این موارد بدین دلیل است که:

چون که آنها حقایق زندگی عامه می باشند که ما هم همچنین نظاره گر هستیم، تا ببینیم آیا عمل با حرفها جور در می آید.

(منظور قول شاه است - مترجم.) توکلی بیان داشت که رابطه نزدیک بین نهضت

ص: ۱۱۵

آزادی و جنبش مذهبی ضروری است. ایران به وسیله مذهبها و مارکسیستها در حال تجزیه شدن است. او جایی برای یک فلسفه میانی که از شاه حمایت کند باقی نگذاشت. تمام اینها خواهد گذشت و جنگ حقیقی در آینده بین اسلام و کمونیسم خواهد بود. بدین دلیل است که نهضت آزادی در جهت نزدیکتر کردن روابط خود با رهبران مذهبی می باشد.

از زمان مصدق نهضت آزادی پایگاه توده ای خود را از دست داده و در کنار اسلام این پایگاه بایستی که دوباره بنا شود. (این یکی از تعجب آورترین صحبت‌های یک فرد مخالف بود که در طول دو سال گذشته به من گفته شده بود. مخالفان معمولاً مجادله می کنند که آنها نماینده اکثریت مردم تحت قید و بندی هستند که نمی توانند حرفهایشان را بزنند.) نظریه پایانی: توکلی از آرامش بیشتری در مقایسه با ملاقات قبل برخوردار بود. من از او پرسیدم آیا کس دیگری از ملاقات اول ما باخبر است. او اسامی را نگفت، اما گفت که اشاره ای در مورد ملاقاتهای خاص به غیر از تماسهای نهضت وجود نداشته است. تنها ۴ مقام نهضت آزادی از این تماسها با اطلاعند.

من گفتم که به نظر من این طور می آید که یک نفر در حال حدس زدن یا دادن اهمیتی کلی (به این ملاقاتها) بوده است. او تأیید کرد که ممکن است چنین وضعی باشد. اما به نحوی ظنین باقی ماند.

مأمور سیاسی: جان. دی. استمپل نهضت آزادی - ۸ شماره سند: ۹۲۵۱ طبقه بندی: سری تاریخ سند: ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ (۳/۷/۱۳۵۷) گزارشگر: استمپل از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن دی. سی - فوری رونوشت برای قسمت حفاظت منافع آمریکا - بغداد موضوع: خمینی در خانه تحت نظر قرار گرفت، نهضت آزادی ایران در پی تماس بیشتری با ایالات متحده می باشد خلاصه: نمایندگان نهضت آزادی ایران به مأمور سفارت اطلاع دادند که دولت عراق آیت الله خمینی را در خانه اش تحت بازداشت قرار داده و فقط به نزدیکان اجازه ملاقات می دهد. خمینی ممکن است بخواهد عراق را ترک کند. نهضت آزادی ایران معتقد است که یا اتحاد شوروی و یا ایالات متحده به عراقها فشار آوردند که این حرکت را انجام دهد. مأمور سفارت نقش آمریکا را تکذیب کرد. نهضت آزادی ایران برای روشن کردن اهدافش و درخواست همکاری از ایالات متحده آمریکا پیشنهاد می کند که با نمایندگان ایالات متحده آمریکا ملاقات کند. نظر به فعالیت رو به فزونی چپها تظاهرات بیشتری ممکن است در پیش باشد. (پایان خلاصه) ۱- بنابر درخواست فوری نمایندگان نهضت آزادی ایران، مأمور سیاسی - استمپل - با دو نماینده نهضت در ۲۵ سپتامبر (۳ مهر) ملاقات نمود. نهضت آزادی درخواست ملاقات نمود به این خاطر که در ۲۴ سپتامبر (۲ مهر) اخباری به ایران رسیده بود که دولت عراق سربازهایی را در اطراف خانه خمینی گمارده

است و فقط به دو نفر (هر دو فامیل) اجازه داده بودند که از خط پلیس بگذرند و به داخل بروند. پلیس به خمینی گفت که این کار به خاطر اینکه عراق خواستار روابط حسنه با ایران می باشد، انجام گرفته است.

خمینی گفت که او احتمالاً تصمیم خواهد گرفت که عراق را ترک کند. نمایندگان نهضت آزادی گفتند که نهضت معتقد است عراقیها سرخود این کار را نمی کنند و اتحاد شوروی یا ایالات متحده را متهم نمودند که به عراق برای انجام این کار فشار آورده اند. نمایندگان نهضت گفتند که جامعه مذهبی ایران خیلی هیجان زده است و بعضی رهبران مذهبی صدور دستور کشتن شهروندان روسی و آمریکایی را در صورتی که همدستی هر کدام (آمریکا یا شوروی) اثبات شود، مورد توجه قرار داده اند.

مأمور سفارت به دو نماینده نهضت گفت که این نامعقول است که فکر کنیم ایالات متحده دستی در این اقدام داشته و حبس آیت الله، هر دلیلی که داشته، اگر حمله به خارجیان انجام پذیرد، برای تمام آنهایی که نگران هستند فاجعه آمیز خواهد بود. به نظر رسید که نمایندگان نهضت آرام شده اند و از برخورد خصومت آمیز دست برداشتند.

۲- دو نماینده نهضت سپس نظر مخالفین در مورد وقایع جاری را به طور خلاصه شرح دادند:

شاه مورد تنفر اکثریت وسیعی از مردم ایران می باشد. چپی ها مخصوصاً گروههای زیر زمینی توده فعال می شود و از لحاظ سازمانی توانایی بهتری از دیگران برای استفاده از حکومت نظامی دارند. ایالات متحده باید قدم به میان گذارد، و ایران را برای تمام شدن این مرحله انتقالی دشوار، کمک کند. نماینده ارشد نهضت آزادی سپس گفت:

ملاقات با استمپل به منظور ترتیب دادن تماس در سطح بالا با ایالات متحده و برای ارائه نظرات نهضت آزادی درخواست شده بود. چنین ملاقاتی می تواند مرکب از ۲ یا ۳ نفر از هر طرف باشد. و هدف آن تشریح سیاستهای نهضت آزادی و تحصیل موافقت ایالات متحده برای تهیه مقدمات انتقالی که سلسله پهلوی را با بهترین منافعی برای ایران و ایالات متحده به انتها برساند. در چنان جلسه ای نهضت آزادی ایران ثابت خواهد نمود که رابطین مذهبی خوبی دارد. مأمور سفارت پاسخ داد که ایالات متحده از این فرضیه مقدم شروع می کند که شاه نقشی مهم در تحولات سیاسی آینده دارد و ایده برای یک چنین ملاقاتی نابهنگام و بلندپروازانه به نظر می رسد. او قول داد بعداً جواب بدهد.

(نظریه: علیرغم تکذیبهای نسبتاً تند مأمور سفارت، تیم نهضت آزادی اصرار می ورزید که ایالات متحده در رابطه با دولت ایران هر کاری که بخواهد می تواند انجام دهد. مأمور سفارت گفت که این مضحک است.) ۳- در جریان گفتگو، تیم نهضت آزادی بشدت روی این موضوع اصرار می ورزید که هرج و مرج به هیچ کس کمک نمی کند و شاه و دولت فعلی ایران نمی توانند برای اجرای وعده ها مورد اطمینان واقع شوند. مأمور سفارت پرسید نهضت آزادی چه قدمهایی برای تعدیل حالتی روشنتر نسبت به طرفهای خودش برخواهد داشت؟ علیرغم تکذیب نهضت آزادی در اینکه نهضت با دولت ایران همکاری خواهد کرد، واضح بود که اندیشه ای قوی به استراتژی انتخاباتی احتمالی تخصیص داده شده بود و نهضت آزادی از این حقیقت که قدرت خمینی محدود شده بود، بشدت مضطرب بود. نهضت آزادی گفت اعتصاب عمومی احتمالاً اعتصاب آرام در یک دوره دو یا سه روزه برای اعتراض به رفتار با خمینی وجود خواهد داشت. دو عضو نهضت اضافه کردند که

گروههای زیرزمینی حزب توده تظاهراتی را برای ۲۳ مهر

ص: ۱۱۷

برنامه ریزی می کنند که اگر به طور شایسته و مناسب اداره نشود، احتمالاً برخوردی با دولت ایران به وجود خواهد آمد. (این آخرین گزارش همچنین، با کمی اختلاف در شکل از منبع دیگری به مأمور سیاسی رسید.) ۴- نظریه: نهضت آزادی آشکارا به وسیله حرکت عراق توازن خود را از دست داده و در این مورد که چگونه باید برنامه اعطای آزادیهای ایران را به کار گیرد نامطمئن باقی می ماند. تقاضا برای ملاقات با مقامات سیاسی ایالات متحده (یک هدف دراز مدت مخالفین) تلاشی به نظر می رسد برای اینکه دولت ایالات متحده در نجات دادن نهضت آزادی از مشکلی که در آن گرفتار شده است، کمک کند. ۵- برای بغداد: از هرگونه اطلاعاتی که شما می توانید در مورد خط رسمی عراق و موقعیت واقعی خمینی در نجف یا بغداد فراهم نمایید، قدردانی می کنیم.

سولیوان نهضت آزادی - ۹ سَری صورت مذاکرات شرکت کنندگان: بهرام بهرامیان و محمد توکلی از نهضت آزادی ایران، جان. دی. استمپل، مأمور سیاسی، سفارت آمریکا زمان و مکان: ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ (۳/۷/۵۷) - خیابان دولت.

موضوع: نهضت آزادی در پی ملاقات با مقامات بلندپایه آمریکایی می باشد خلاصه: مقامات نهضت آزادی تقاضای یک ملاقات فوری با مأمور سیاسی استمپل را نمودند، تا پی ببرند که آیا آمریکا رابطه ای با تحت مراقبت قرار دادن آیت الله خمینی در خانه اش به وسیله دولت عراق دارد. مقامات نهضت آزادی می گفتند که جنبش آنها در پی یک ملاقات در سطح سیاسی با مقامات آمریکایی است تا وضعیت خودشان را، برای جلب حمایت ایالات متحده در ترتیب دادن انتقال از دولت استبدادی فعلی در ایران به یک سیستم دموکراتیک تر، ارائه نمایند. افراد نهضت آزادی اشاره کردند که کمونیستها و دیگر بازیگران آشوب طلب در حال شروع به ایفای نقش مهم در ایران می باشند. آنها ادعا می کنند احساسات ملی (توده ای) به نحو مقاومت ناپذیری بر علیه شاه است.

حبس بودن خمینی با قبول تقاضای آنها در مورد ملاقات فوری، استمپل با بهرامیان و توکلی ملاقات کرد و در اطراف منطقه شمال تهران به رانندگی پرداختند، در حالی که گفتگو صورت گرفت. دو نفر عضو نهضت آزادی آشکارا مضطرب بودند و به استمپل اطلاع دادند که در ۲۳ سپتامبر مقامات عراقی آیت الله خمینی را به طور واقعی در خانه بازداشت و تحت مراقبت قرار داده اند. از آن موقع فقط دو نفر اجازه داشته اند به خانه او بروند، و پلیس عراق به خمینی اطلاع داده که عراق خواستار روابط خوب با ایران است و او بایستی که فعالیتهای سیاسی را متوقف کند. خمینی جواب داد: «مرگ بر (حکومت) ایران، من به کشور و ملت خدمت می کرده ام، کشور و ملت خدمت می کرده ام و این جا را ترک خواهم کرد.» دو نفر عضو نهضت آزادی گفتند که نهضت معتقد است که شوروی یا آمریکا پشت این اقدام است که

بشدت خطرناک می باشد. جامعه روحانیت ایران در تمام روز ۲ مهر آشفته و نگران بود و چندین آیت الله می خواستند دستور کشتن آمریکاییها و روسها را بدهند. استمپل جواب داد سفارت آمریکا چیزی راجع به محدود نمودن خمینی نمی داند و گفت نامعقول است که فکر کنیم ایالات متحده چنین نفوذی بر روی عراق دارد. او گفت یک فاجعه خواهد بود اگر جامعه مذهبی با یک مستمسک سست، «شروع به کشتن آمریکاییها» بنماید. دولت عراق از فعالیتهای شوروی می ترسیده و برای مانع شدن خمینی دلایل خودش را داشته است.

پس از چند دقیقه گفتگوی بیشتر، افراد نهضت آزادی کمی آرام شدند و تقریباً در طول بقیه ملاقات خیلی نگران نبودند. آنها تأکید کردند که آمریکا باید از نفوذش برای آزاد کردن خمینی استفاده کند.

استمپل پاسخ داد، مسخره است که حتی فکر کنیم این کار امکان پذیر می باشد.

نهضت آزادی در پی ملاقات سطح بالا می باشد:

بهرامیان سپس موقعیت فعلی سیاسی را با عبارت زیر تشریح نمود: کمونیستها خیلی فعال هستند و سازمان زیرزمینی حزب توده هم به طور اساسی از حکومت نظامی سود برده است، چون که او (توده) می تواند به طرزی مؤثرتر از یک سازمان قانونی کار کند. یک نوع اعتصاب بزرگ در ۲۳ مهر وجود خواهد داشت که حزب توده و دیگر تندروها احتمالاً برای تبدیل آن به حمله ای خشن بر علیه دولت تلاش می کنند. یک «اعتصاب عمومی» کوچکتر در چند روز آینده، برای اعتراض به محدودیت خمینی وجود خواهد داشت، که احتمالاً به صورت ماندن در خانه ها می باشد. نهضت آزادی به شاه اطمینان نمی کند، و معتقد نیست که او قصد دارد یک نوع سیستم دموکراتیک به وجود آورد.

بحث قابل توجهی در این زمینه صورت گرفت، و استمپل مستقیماً پرسید که نهضت آزادی در چند ماه آینده در نظر دارد چگونه برنامه هایش را به اجرا بگذارد.

توکل گفت که نهضت آزادی یک تا دو سال احتیاج دارد که سازماندهی شود و فکر می کرد که بایستی مواظب دولت بود و اگر می خواهیم پیشرفتی وجود داشته باشد، باید حداقل به طور لفظی به آن (دولت) حمله نمود. (نظریه: مادامی که افراد نهضت آزادی صحبت از عدم همکاری با دولت می کنند، واضح است که آنها فکر خود را روی امکان استراتژی انتخاباتی متمرکز کرده اند). بهرامیان سپس گفت که باید ملاقاتی، بین مقامات آمریکایی که نفوذ سیاسی دارند و نهضت آزادی صورت پذیرد. نهضت آزادی تاکتیکهای خود را برای به دست آوردن هدف دموکراسی تشریح خواهد کرد. استمپل پرسید چنین ملاقاتی چه مقصودی را دنبال می کند، و از آن چه نتایجی مورد نظر می باشد؟ بهرامیان گفت این کار به نقل سیاستهای نهضت آزادی برای واشنگتن در سطحی مناسب کمک می کند و نهضت آزادی امیدوار است که موافقت ایالات متحده، برای فعالیتهای بدون خشونت که به خلاص شدن از شر سلسله پهلوی بینجامد، را به دست آورد. استمپل جواب داد، آمریکا به طور واضح وضعیت ایران را از دید نهضت آزادی نگاه نمی کند و به شاه به عنوان یک نیرو برای ثبات و به عنوان یک عامل اصلی برای هدایت تغییرات دموکراتیک می نگرد. استمپل سپس، با یک تشریح پرشور چند دقیقه ای، از اینکه چگونه توده ایرانیان از شاه متنفر هستند و می خواهند که او برود، روبرو شد: «ما برای از شر او خلاص شدن از شما تقاضا نمی

کنیم، فقط موافقت نمایید که برای تغییر به ما کمک کنید».

توکلی گفت نهضت آزادی برای دو سال کوشیده است که فعالیتهای ملی گرایان را بدون خشونت

ص: ۱۱۹



نگهدارد: «اکنون ما به جایی داریم می‌رسیم که توده‌ها شروع به ترک ما برای فعالیتهای خشن می‌نمایند.» نهضت آزادی در پی خشونت یا هرج و مرج که فقط به کمونیستها سود می‌رساند، نیست.

بهرامیان گفت حتی ممکن است امکان پذیر باشد که شاه را هم در چنین ملاقاتی شرکت دهیم. ولی توکلی مخالفت کرد و گفت شاه باید برود.

استمپل گفت البته، او تقاضای آنها را به دولتش گزارش خواهد کرد، ولی یک چنین ملاقاتی کمی بزرگ و غیر عادی به نظر می‌رسد و به واسطه کیفیت گفتگوهای ایالات متحده با نهضت آزادی، تاکنون و به واسطه فرضیهایی که بر آن اساس نهضت آزادی فعالیت می‌کند، شایسته به نظر نمی‌رسد.

چگونه دولت ایالات متحده بداند که توکلی و دوستانش برای چیزی بیشتر از خودشان صحبت نمی‌کنند؟ دو عضو نهضت آزادی جواب دادند که سند کامل حسن نیت آنها در ملاقات، که ممکن است در خارج از ایران با دو یا سه نفر از هر طرفی صورت پذیرد، ارائه خواهد شد. استمپل گفت که او به تقاضای آنها بعداً پاسخ خواهد داد.

دیگر اتفاقات: اعضای نهضت آزادی گفتند که جبهه ملی یک گروه ساختگی است که بر محور افراد دور می‌زند. آنها گفتند که نهضت آزادی دیگر واقعا با جبهه ملی همکاری نمی‌کند. (نظریه: این با چیزی که دو عضو دیگر جبهه از دسته‌ای دیگر به ما می‌گفته‌اند، مطابقت دارد.) مرگ اخیر پسر آیت‌الله گلپایگانی در یک حادثه رانندگی در نزدیکی یزد، علتی عمده برای گردهماییهای مذهبی بود. جمعیتی در یزد به دولت ایران فشار آوردند که برنامه‌هایش برای حمل جنازه به وسیله هواپیما به قم را رها سازد، و جنازه به وسیله مؤمنین مذهبی و به وسیله اتومبیل به قم برده شد.

توکلی این نکته را متذکر شد، که آیت‌الله شریعتمداری اخیراً بر عدم مذاکره با شاه، و همچنین حمایت مستمرش از خمینی تأکید کرده است. توکلی از آژانس مطبوعاتی فرانسه، به خاطر پوشش خبری بدون «همکاری» در مورد جنبش مخالف، به تندی انتقاد کرد و گفت که مخبر آژانس مطبوعاتی فرانسه به خاطر زن روسی‌اش تحت فشار قرار گرفته بود. افراد نهضت آزادی اضافه کردند که شمارش آنها از تعداد کل کشته‌های حادثه میدان ژاله و مناطق اطراف به حدود ۱۰۰۰ نفر می‌رسد. وقتی سؤال شد که این توده (کشته) کجا دفن شده‌اند، آنها گفتند که خیلی از آنها بدون جواز دفن در قبرستان مسگرآباد در شرق تهران دفن شده‌اند. (نظریه: ما این شایعه را در جای دیگری نیز شنیده‌ایم، ولی مدارک بیشتری برای ارزیابی آن نداریم.) نظریه پایانی: در ۵ مهر، مطبوعات ایرانی اعلام کردند که محدودیتها در مورد خمینی مرتفع شده‌اند. از ۶ مهر، هیچ گونه تقاضایی برای اعتصاب عمومی یا دیگر تظاهرات وجود نداشته است. گفتگو با دیگر شخصیت‌های جبهه ملی اشاره بر این دارد، که فشار برای یک ملاقات در «سطح سیاسی» با مقامات ایالات متحده، حداقل قسمتی از ریشه‌هایش در اختلافات داخلی بین نهضت آزادی و جبهه ملی می‌باشد.

نهضت آزادی - ۱۰ سری، غیرقابل رؤیت برای اتباع خارجی شماره سند: ۹۸۹۲ از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۱ اکتبر ۱۹۷۸-۱۹/۷/۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی. دارای حق تقدم گزارشگر: استمپل موضوع: نهضت آزادی ایران: قدمهای بعدی ارجاع به: تهران ۹۲۵۱ خلاصه: نهضت آزادی می خواهد امکان ملاقات با مقامات آمریکایی را حفظ کند. نهضت آزادی معتقد است انگلیسیها گروه بررسی نهایندی را حمایت می کنند. این گروه انتظار دارد که طی دو هفته آینده اوضاع فعلی از طرق مهمی تغییر یابد. (پایان خلاصه) ۱- صبح روز ۱۹ مهر نمایندگان نهضت با استمپل کارمند بخش سیاسی تماس گرفتند تا جواب به درخواست خود برای ملاقات در سطح سیاسی با مقامات آمریکا دریافت کنند. (تلاکس مرجع). آنها اوضاع ایران را که بعضی از مردم به دلیل نارضایتی از دولت در اعتصابند، و بقیه هم به دلیل اینکه دولت ایران برای پوشاندن «ماهیت واقعی ناآرامی» دستور داده است اعتصاب کرده اند، خیلی شوم تصویر کردند. سپس نمایندگان نهضت آزادی پرسیدند که جواب ایالات متحده چیست؟ ۲- آن گاه کارمند سفارت سیاست آمریکا را رسم کرد: حمایت از شاه به عنوان بهترین وسیله حصول اعطای موفقیت آمیز آزادیهای سیاسی، حمایت از اعطای آزادیهای سیاسی، اما عدم دخالت در امور داخلی ایران. وی افزود این سیاست دولت آمریکاست و دولت آمریکا نمی تواند با نظر نهضت آزادی که شاه باید برود موافقت کند. اینک زمانی است که عناصر مخالف با یکدیگر همکاری کنند تا سیستم را از هرج و مرج که به نفع هیچ کس نیست و احتمالاً به تسلط نظامی یا انحصاری منتهی خواهد شد، برکنار دارند. به نظر ما حتی بین نهضت آزادی و دولت ایران علائق مشترک به حدی است که بیش از سابق امکان فعالیت‌های اصیل سیاسی بود. دولت شریف امامی اهدافی را دنبال می کند که تمام آنها این نظر را تأیید می کنند: آزادی مطبوعات، استقلال دانشگاه، آزادی گردهمایی و آزادی انتخابات.

۳- نمایندگان نهضت آزادی گفتند که آنها می توانند با بیشتر آنچه که گفته شد به استثنای نقش شاه موافقت کنند. آنها از احتمال «نتیجه نامطلوب» هرج و مرج ابراز نگرانی کردند و گفتند حوادث دو هفته آینده احتمالاً دیدهای متفاوتی به همه خواهد داد. (اظهار نظر: در مقابل اضطرابی که در ملاقات قبلی همان طور که در تلاکس مرجع آمد ابراز کردند این دو عضو نهضت آزادی این بار مطمئن به نظر رسیدند که زمان و شرایط دولت آمریکا را به نقطه نظرهای آنها نزدیکتر خواهد کرد.) ۴- کارمند سفارت گفت نهضت آزادی اگر بخواهد می تواند در واشنگتن از سیاست دولت آمریکا و به عنوان خط مشی اطلاع یابد. نمایندگان نهضت آزادی با عجله به کارمند سفارت اطمینان دادند که قبول دارند خط واقعی ایالات متحده را درک می کنند و فکر می کنند «در حال حاضر» ملاقات در واشنگتن لازم نیست اما ابراز تمایل کردند که این امکان همچنان باقی بماند و بدین ترتیب جواب رسمی را به بعد موکول کردند.

۵ - سپس مقامات نهضت آزادی پرسیدند که به عقیده دولت آمریکا نقش انگلیس چگونه است.

کارمند سفارت جواب داد نهضت آن را باید از دولت انگلیس پرسد (که بنا به منبع، آنها حاضر به چنین کاری نبودند). کارمند سفارت عقیده داشت که موضع دولت انگلیس نسبت به دولت ایران در اصل مانند موضع ایالات متحده است. اما نمایندگان نهضت آزادی گفتند که آنها احساس می کنند انگلیس به مراتب بیشتر به کمک کردن به شاه و خانواده سلطنتی مایل است و قطعاً از گروه سیاسی در حال تشکیل نهانندی، وزیر علوم و آموزش عالی، حمایت می کنند. آمریکا حداقل قلبش را سر جای خود نگه داشته است.

کارمند سفارت به نهضت آزادی هشدار داد که سیاست آمریکا را بد تعبیر نکند: «ما ادامه حضور شاه را برای به ثمر رساندن تغییرات فعلی ایران لازم می دانیم.» ۶- در جواب سؤال مأمور سفارت درباره تحولات آینده نزدیک نمایندگان نهضت آزادی گفتند که احتمالاً در ۲۲ مهر راهپیمایی های مذهبی به مناسبت تولد امام رضا خواهد بود، و بدون شک در ۲۶ یا ۲۷ مهر نوعی «اعتصاب عمومی» وجود نخواهد داشت (این دو آن طور نشان دادند که تاریخ و حالت آن هنوز معین نشده است). آن گاه نمایندگان نهضت آزادی آخرین اعلامیه مواضع نهضت آزادی را به فارسی ارائه دادند و خواستند که ترجمه انگلیسی را به دست آورند. کارمند سفارت پیشنهاد کرد که دو - سه روز بعد با او تماس بگیرند و آنها موافقت کردند. سولیوان نهضت آزادی - ۱۱ صورت مذاکرات محرمانه شرکت کنندگان: جان استمپل، مأمور سیاسی - محمد توکلی، نهضت آزادی ایران زمان و مکان: ۱۹ و ۳۱ اکتبر، تهران - ایران (۲۷/۷/۵۷ و ۹/۸/۵۷) موضوع: نظرات نهضت آزادی ایران نسبت به انتخابات ملایم می شود توکلی تقاضای ملاقات با من را نمود تا یک نسخه از خلاصه ترجمه، سفارت از جدیدترین سند نهضت آزادی را بگیرد. (بعضی روزنامه ها نهضت آزادی ایران را «جنبش آزادیبخش ایران» می خوانند ولی توکلی می گوید نهضت آزادی ایران بهتر است.) پس از اینکه او ترجمه را دریافت نمود، ما در مورد وقایع جاری به طور خلاصه گفتگو کردیم.

توکلی گفت: که در تظاهرات ۲۳-۲۴ مهر در کرمان ۲۰ نفر کشته و ۵۰ نفر زخمی شدند. حملاتی از جانب پلیس در دیگر شهرها نیز وجود داشته است. او متمایل بود نتیجه بگیرد که این دولت بود که آشوب را به وجود آورد نه تظاهر کنندگان. من اشاره کردم که هیچ کس انحصاری در مورد وقایع اخیر نداشت و سؤال کردم که آیا این استراتژی نهضت آزادی است که به تظاهرات بر علیه دولت ادامه دهد، تا اینکه به دولت در مورد سیاست انتخاباتی اش فشار آورد. توکلی گفت که نهضت آزادی هنوز به شاه اطمینان نمی کند و نمی خواهد که در انتخابات، چنانچه آزاد نباشند، شرکت کند. من از او سؤال کردم که نهضت آزادی چه چیزی را به عنوان تضمین هایی برای انتخابات آزاد، در نظر دارد. توکلی گفت با این دولت هیچ تضمینی نمی تواند وجود داشته باشد و فکر می کرد که شریف امامی باید برود. نمایندگان نهضت آزادی ایران، و جبهه ملی، احتمالاً در انتخابات شرکت نخواهند کرد، مگر اینکه دولتی تحت نخست وزیری شخص دیگری وجود داشته باشد.

در جواب به این سؤال که آیا برنامه ریزی نشده که علی امینی نخست وزیر شود، توکلی گفت که این یک احتمال است؛ ولی علی امینی مایل نیست که بدون کنترل ارتش و ساواک نخست وزیر شود.

من اشاره کردم که امینی شانس خود را برای نخست وزیر شدن از دست داد و تلاش نمود تا یک موفقیت کامل به دست بیاورد تا یک پیروزی جزئی. توکلی نیشخندی کنایه آمیز زد و موافقت نمود که شاید چنین باشد.

من از توکلی پرسیدم که آیا او فکر نمی کند که تظاهرات مداوم، باعث روی بر کار آمدن یک دولت نظامی خواهد شد. او گفت نهضت آزادی امیدوار است که چنین نشود زیرا دولت نظامی به افزایش خشونت و فاجعه ای بزرگتر خواهد انجامید. من اشاره کردم که سفارت مخالفتش را باروی کار آمدن دولت نظامی به دولت اعلام کرده بود. به نظر رسید که توکلی از این حرف واقعا خوشحال شد و گفت هرکسی امیدوار است که وضع بدتر نشود.

من در پاسخ، با یک حالت تقریبا شکاک گفتم که فشار آوردن به شاه برای برگزاری انتخابات آزاد، استراتژی بهتری از پیشنهاد خشونت مستمر است. توکلی دوباره گفت که دولت نمی تواند مورد اطمینان باشد. من گفتم خیلی از میانه روها فکر می کنند، که مخالفین جدا انتخابات را نمی خواهند. آیا نهضت آزادی واقعا در تلاش این است که همه را «فریب دهد» (همه را مخالف کند)؟ آیا آنها فقط خواستار قدرت سیاسی، به هر قیمتی که باشد، هستند؟ اگر نهضت آزادی در مورد انتخابات جدی می باشد، چرا به جای تظاهرات برای تضمین فشار نمی آورند؟ توکلی با صحبتهای تند من کمی عقب کشید و گفت: البته نهضت آزادی امکان انجام کارهایی را در این زمینه مورد توجه قرار می دهد. من جواب دادم که آمریکا حس می کند، اکنون زمان مناسبی است برای گروههای مخالف مختلف که وعده های دولت را به حد کافی جدی گرفته و ببینند آیا می توانند به حساب بیایند (مورد شناسایی واقع شوند). این طور به نظر من رسید که فقط آنهایی که به دنبال آشوب هستند (شاید بدلالی غیر مرتبط با ایران) در جستجوی خشونت مداوم می باشند. توکلی تصدیق کرد که ممکن است چنین باشد، و فعالیتهای حزب توده در دانشگاهها باعث شروع نگرانی هم نهضت آزادی و هم جبهه ملی شده است. او اشاره کرد که برای مدتی تماس نخواهد گرفت ولی به طور قطع می خواهد که دوباره با من ملاقات کند. ما ۹ آبان را تعیین نمودیم.

توکلی متمایل تر به نظر می رسد که امکان مشارکت با دولت برای نوعی از انتخابات را مورد توجه قرار دهد. او بدون تردیدی قوی، تناقضات مطرح شده به وسیله من، بین طرفداری از خشونت و همکاری با سیستم را قبول کرد. او آشکارا در مورد عملکرد نهضت آزادی در رابطه با تظاهرات سخت گیر بود، اما همچنین آشکارا آن را به عنوان وسیله ای برای حفظ فشار روی دولت می بیند. او درباره ملاقات برنامه ریزی شده بین مهندس بازرگان و خمینی در پاریس چیزی نگفت، یا به خاطر اینکه به او دستور داده شده بود که حرفی نزند و یا به خاطر اینکه تصمیم نهایی در آن ملاقات گرفته نشده بود (دو روز بعد اعلام شد) در ملاقات ما در ۹ آبان، توکلی گفت تنها جواب برای متوقف نمودن آشوب، خمینی است.

او انتظار داشت که بازرگان، ۱۲ یا ۱۳ آبان بازگردد و در آن موقع ایده بهتری از اینکه موضع نهضت آزادی چیست، خواهد داشت. گزارشگر: جی.دی. استمپل

نهضت آزادی - ۱۲ شماره سند: ۱۱۸۱۲ سری از: سفارت آمریکا در تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن، دی.سی.

گزارشگر: استمپل تاریخ: ۳ دسامبر ۱۹۷۸-۱۲/۹/۵۷ موضوع: رابط خمینی ۱- محمد توسلی که در تلگراف مرجع نامبرده شد، شخصی است که ما او را به نام محمد توکلی می شناسیم و از ماه می ۱۹۷۸ دائما با استمپل، کارشناس سیاسی ما در رابطه بوده است. او پیرو خمینی نیست مگر در زمینه های به خصوصی (محدود). او از رهبران درجه دوم نهضت آزادی ایران، پشت سر اشخاص برجسته ای مانند بازرگان و سحابی که با آنها هم تماس داشته ایم، می باشد.

البته نهضت آزادی، گروهی است که بیش از دیگر مخالفین هوادار خمینی است.

۲- توسلی، وقتی به او گفته شد که سفارت نام واقعیث را می داند، ناراحت شد. این رابط به چندین دلیل نسبت به این موضوع خصوصا حساس است. ما مایلیم بدانیم آیا منبع این نام را با انگیزه های شخصی داد؟ (توضیح مترجم: منبعی که نام حقیقی وی را برای سفارت فاش کرده بود). سفارت متوجه است که مسئله رابطه های آمریکا با مخالفین، متأسفانه در کشور خودمان علنی شده ولی امیدواریم که وزارتخانه بتواند چنین منابع حساسی مانند این و دیگران حفظ کند. مقالات روزنامه ها مانند مقاله «واشنگتن پست» نوشته «ابردورفر» در ۲۸ نوامبر که برای تازه کاران صحیح نبود، افشاگری مضر می نمود که در شرایط کنونی می تواند موجب شود که نهضت آزادی و دیگران عقب بکشند و این در شرایطی است که چنین کانالهای مخفی باید باز بماند. سولیوان نهضت آزادی - ۱۳ شماره سند: تهران ۱۲۲۴۹ تاریخ سند: ۱۴ دسامبر ۱۹۷۸- (۲۳ آذر ۱۳۵۷) طبقه بندی: محرمانه گزارشگر: استمپل از سفارت آمریکا - تهران به وزارت امور خارجه، واشنگتن دی - سی - فوری موضوع: دیده های نهضت آزادی ایران از وقایع اخیر خلاصه: منبع نهضت آزادی ایران دید نهضت را در مورد تظاهرات تاسوعا- عاشورا ارائه نمود و با شدت خواست که آمریکا شاه را دور اندازد. کارمند سفارت دوباره حمایت خود را از دولت ائتلافی تحت حکومت شاه را اعلام کرد. (پایان خلاصه) ۱- بعد از ظهر ۲۲ آذر، منبع نهضت آزادی به استمپل کارمند سفارت در خانه اش تلفن کرد و آمادگی خود را برای ارائه تمام عیار دیدگاه نهضت در قبال تظاهرات آرام ۱۹ و ۲۰ آذر (تاسوعا و عاشورا) را اعلام نمود. منبع گفت براساس شمارش نهضت، جمعیت ۱۹ آذر ۵/۱ میلیون نفر و ۲۰ آذر (عاشورا) ۲- ۷/۱ میلیون نفر بود. کارمند سفارت اظهار داشت که اینها بیش از تخمینهایی است که روزنامه نگاران و

دیگران که در راهپیماییها حاضر بودند ارائه داده اند، اما منبع همچنان به ارقام خود پای بند بود.

۲- نهضت اعتقاد داشت که تظاهرات یک فراندوم متحرک بر ضد شاه بود، روحیه مردم عظیم و دلگرم کننده بود. راهپیمایی نشان داد که اگر شاه در بخشی از تهران «قدرت خود را کنار گذارد» و سربازان مأمورین امنیتی خود را بردارد چه اتفاق خواهد افتاد. هم چنین نشان داد که جبهه ملی قادر به سازماندهی دولت هست. وی شرکت کنندگان در آن را به منزله «کاهی از کوهی» دانست و گفت این واقعه نشان دهنده میل مفرط به خلاصی از شر شاه است. مأمور سفارت درباره تلاشهای دور روز گذشته در طرفداری از شاه سؤال کرد. منبع جواب داد که اینها تحریکات دولت بودند؛ در اصفهان نیروهای دولتی به خشونت گراییده بودند و مردم را «قتل عام» می کردند. هرگاه که دولت خود را داخل می کرد، در دسری ایجاد می شد. در جواب به یک سؤال، منبع گفت که نهضت آزادی واقعا نمی تواند ارقام دقیق تلفات را ارائه کند، زیرا سربازان «حتی اگر لازم می شد با هلیکوپتر مردم را تا خانه هایشان شکار می کردند». به هر حال وی فکر می کرد تعداد کشته شدگان بین ۵۰ تا ۲۰۰۰ نفر بود (تذکر: این رقم به میزان معتابهی با ارقامی که توسط کنسول آمریکا در اصفهان گزارش شد تفاوت دارد و ظاهراً، «تحریفی» را که در تبلیغات نهضت آزادی و جبهه ملی وجود دارد نشان می دهد). ۳- سپس منبع اظهار داشت که حوادث چند روز گذشته نشان داد که آمریکا باید شاه را به عزیمت وادارد. مأمور سفارت عبارت معمول برای انکار این که آمریکا قدرت یا میل به دخالت در ایران را دارد ابراز داشت. منبع جواب داد، ایالات متحده از ویتنام تا ایران همواره علیه مردم بوده آن گاه مأمور سفارت با مقصداری تندى حرفهای خود را به منبع گفت، ضمن آنکه دید هوچیگرانه وی را از وقایع مورد اعتراض قرار می داد. سپس وی موضع آمریکا را تکرار نمود بدین مضمون که دولت ائتلافی بهتر از ادامه رویارویی می تواند مقاصد نهضت آزادی و یا جبهه ملی را برآورده سازد. چرا جبهه ملی از جرات تازه خود برای ایجاد دولت استفاده نمی کرد؟ منبع با همان شعار آشنا در مورد عدم اطمینان به شاه پاسخ گفت. فضای تشنج آلود گفتگویمان آرامش گرفت و منبع پیشنهاد کرد که در چند روز آینده باز هم درباره راهپیماییهای عاشورا ارائه مدارک کند، مأمور سفارت پذیرفت.

۴- اظهار نظر: احساسی که از مطالب فوق به دست می آید مشابه اظهارات اکثریت وسیعی از دیگر رابطین ما که پشتیبان جبهه ملی هستند می باشد. هر چند که توسلی همیشه سرسخت بوده است، شاید به آن دلیل که وی رابط «رسمی» نهضت با سفارت است، ولی دید وی بدین مضمون که طبع آرام تظاهرات صرفاً قدرت جبهه ملی را تأیید می کرد و دلیل بر ایراد شک در اقتدار دولت ایران بود نیز، در بین اعضای متعهد جبهه ملی حائز برجستگی است. اگر طرحهایی مبتنی بر استراتژی صلح آمیزتری در جریان باشد، هنوز در بیان عمومی پشتیبانان جبهه ملی انعکاس نیافته است.

سولیوان

ص: ۱۲۵

نهضت آزادی - ۱۴ شماره سند: ۱۲۳۵ سری از: سفارت آمریکا تهران تاریخ: ۱۸ دسامبر ۷۸-۲۷/۹/۵۷ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی.سی.

گزارشگر: استمپل موضوع: نهضت آزادی ایالات متحده را تحریک می کند خلاصه:

رابط نهضت آزادی ایران دیدگاه نهضت را ارائه می کند و از اینکه چرا آمریکا پای بند شاه باقی مانده است، تعجب می کند. منبع اظهار می دارد ادامه وفاداری ایالات متحده به شاه اکنون که «خواست مردم» شناخته شده، اوضاع را پیچیده می کند و به روابط نهضت آزادی با آمریکا صدمه می زند، و هم به ایران و هم به آمریکا لطمه وارد می کند. منبع اصرار کرد که ایالات متحده به منظور یک انتقال آرام در تحمیل راه حل شورای سلطنت کمک کند. کارمند سفارت با تکرار استدلال از دولت ائتلافی طرفداری کرد و گفت دیدگاههای نهضت آزادی به اطلاع دولت ایالات متحده خواهد رسید. (پایان خلاصه).

۱- توسلی از نهضت آزادی (شدیدا حفاظت شود) تقاضای یک ملاقات از استمپل کارمند سفارت نمود تا در آن از طرف رهبری نهضت خصوصا دیدگاه آن از وقایع را عرضه کند و از نقش فعلی و آینده آمریکا در ایران پرسش نماید. وی اشاره نمود که راهپیماییهای عاشورا به وضوح نشان دادند که مردم شاه را نمی خواهند. اکثریت قریب به اتفاق مردم می خواهند که شاه برود، اما پرزیدنت کارتر هنوز از او حمایت می کند؛ بدین ترتیب نهضت معتقد است که آمریکا حقوق مردم ایران را نادیده می گیرد.

۲- در چند روز گذشته، شاه دوباره به سرکوب خشونت آمیز متوسل شده است (اشاره به تظاهرات طرفداری از شاه در بخشهای گوناگون ایران) تا احساسات عمومی را حفظ کند. در گذشته هرگاه که پرزیدنت کارتر با شاه ملاقات یا اعلام حمایت از وی کرده، با تحریک مسئولین خشونت به دنبال داشته است. در جواب سؤال کارمند سفارت، منبع گفت که بعد از سفر شاه به واشنگتن و سفر کارتر به ایران، اظهارات کارتر در روز ۱۳ شهریور و بعد از عاشورا، حملات قابل توجهی علیه مخالفین صورت گرفت.

کارمند سفارت اظهار داشت که این طبیعت حوادث بودند، رابطه علت و معلول. پرزیدنت در بسیار مواقع دیگر هم از شاه حمایت کرده است، بدون اینکه خشونتی نتیجه گردد.

توسلی همچنان پافشاری کرد که حمایت کارتر از شاه منجر به خشونت می شود و مردم ایران آمریکاییها را مقصر سیاستهای دیکتاتوری شاه می دانند. وقتی که کارمند سفارت دوباره معنی مسئولیت آمریکاییها را طلب کرد، توسلی با اظهار اینکه «مردم این گونه فکر می کنند» از موضوع گریز زد.

۳- منبع گفت مهندس مهدی بازرگان و دیگر رهبران نهضت آزادی مایلند بدانند که نقش آمریکا چه خواهد بود. نهضت «در قبال حمایت خارجی و حتی حمایت بی اندازه مطبوعات آمریکا از ما» از ادامه حمایت آمریکا از شاه حیرت زده است. کارمند سفارت در جواب به این مطلب اعتراض کرد، ولی منبع از جواب سؤال طفره رفت و هم چنان به نظر اصلی خود پرداخت که حمایت فعلی آمریکا از شاه برای روابط نهضت با آمریکا خوب نیست. حرکت اسلامی همیشه ضد کمونیست

خواهد بود؛ هیچ گونه دیگر نمی شود.

این حرکت باید به غرب تکیه کند و از اینکه آمریکا بیشتر کمک نکرده مأیوس شده است. این اوضاع آینده

ص: ۱۲۶



را تیره می کند و می تواند زمانی که نهضت آزادی بر مرز موفقیت قرار دارد به بستن درها منجر شود. بدین ترتیب این سیاست نه به نفع ایران است نه آمریکا.

۴- آنچه که آمریکا می خواهد - منظور دولت ائتلافی با بودن شاه - غیرممکن است. حرکت اسلامی آن را تحمل نمی کند و مردم «رعد آسا آن را رد می کنند». آمریکا در کمک به حل مسئله چه کمکی حاضر است بکند؟ نهضت آزادی آماده است با آمریکا کار کند، اما تلاش دو جانبه باید بر «راه حل واقع بینانه» متمرکز باشد (یعنی رفتن شاه).

آمریکا با کمک به متقاعد ساختن مردم به اینکه پیشنهادات شورای سلطنت فقط چاره های عملی برای جایگزینی آرام می باشد، می تواند کمک جایگزینی آرام می باشد، می تواند کمک عمده ای به اوضاع نماید.

۵ - کارمند سفارت به موقع خود، مطلب بالا- را یادداشت نمود و به توسلی گفت که این گزارش خواهد شد. وی آنگاه ملاحظاتی را در باب نقش آمریکا ارائه داد اول اینکه حمایت آمریکا از شاه همیشه همراه با اظهاراتی به نفع، دادن آزادیهای سیاسی بوده است. حمایت آمریکا از نظریه دولت ائتلافی بر این عقیده استوار است که آن راه مطمئن تر و بهتری برای وارد شدن جناح مخالف در جریانات حکومتی عرضه می کند. سپس نکاتی را که قبلاً اشاره شده بود درباره اهمیت حضور شاه در قانع کردن ارتش به قبول راه حل احتمالی که مصالحه در برداشته باشد، و جلوگیری از آنها به برهم زدن هرگونه توافق پیشنهادی مرور کرد. کارمند سفارت یادآور شد که اقدام طرح ائتلافی حکم چتر حفاظت برای آنها، که اکثراً برای اولین بار، در حکومت شرکت دارند و مشاغل خود را یاد می گیرند خواهد داشت. توسلی با متانت گوش داد و بعد گفت مشکل اینجاست که خمینی دولت ائتلافی را قبول نخواهد کرد؛ حرکت اسلامی که نهضت آزادی رهبر آن است، نمی تواند با راه حلی که سرنگونی شاه را در برداشته باشد موافقت کند. کارمند سفارت مشاهده نمود که دیگران کم انعطاف تر بودند و از نهضت آزادی خواست «اگر وقت کرد» طرح ائتلاف را در نظر آورد. ملاقات در فضای مطبوعی به پایان رسید.

۶- اظهار نظر: مطالب جدید عبارت بودند از پیشنهاد بلا واسطه دائر بر همکاری نهضت آزادی با آمریکا (البته، با شرایط خود نهضت) و اظهار نظر صریح منبع به اینکه مطابق دید نهضت از مسیری که کشور در پیش دارد، اوضاع در حال رسیدن به مرحله ای است که حمایت آمریکا از شاه اساساً برای آمریکا زیان آور خواهد بود. توسلی خیلی مطمئن بود و برخلاف گذشته دستهایش این طرف و آن طرف بازی نمی کرد. او توضیح داد که این اقدام مورد تصویب رهبریت نهضت آزادی قرار گرفته بود. نهضت از نظر تثبیت شده خود که شاه باید برود یک ذره هم بر نمی گردد. این بار توسلی با آن شور همیشگی از آن دفاع نکرد، اما به نظر رسید این به آن جهت بود که فکر می کرد اوضاع همان طور که نهضت می خواهد پیش می رود.

نهضت آزادی - ۱۵ شماره سند: ۰۰۶۶ محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۲ ژانویه ۱۹۷۹-۱۲/۱۰/۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن گزارشگر: استمپل موضوع: (توضیحات) کاتم درباره خمینی، نهضت آزادی و جبهه ملی خلاصه: پروفیسور ریچارد کاتم ملاقات ۷ دی خود را با آیت الله خمینی برای سفارت مرور نمود و برداشتهای خودش را از مخالفین پس از یک سفر کوتاه به ایران ارائه داد. او معتقد است که نهضت آزادی و دیگران با بی میلی موافق دولت بختیار خواهند بود، ولی امید به تغییر نهایی آن به شورای مشورتی که از طرف نهضت آزادی حمایت شود دارند و علاوه بر آن به خروج دائمی شاه امیدوار هستند. کاتم سازمان خمینی را تشریح نمود و گفت او معتقد است گروه او کنترل خوبی روی جمعیت های خیابانی دارد. تمام مخالفین توافق دارند که بی نظمی مستمر راه را برای سازمانهای کمونیستی جهت ایفای نقشی بزرگتر باز خواهد نمود.

۱- پروفیسور کاتم با استمپل، مأمور سفارت، در ۱۱ دی برای دو ساعت مرور بر روی وضعیت سیاسی فعلی، منجمله گزارش ملاقات ۷ دی وی با آیت الله خمینی ملاقات نمود. کاتم یک روز را با اطرافیان خمینی گذراند و معتقد است ابراهیم یزدی باید مدبر و متخصص تاکتیک، تاکتیسین در گروه خمینی باشد.

کاتم دریافت که خمینی به مقدار زیادی یک کلی گرا است که دوست ندارد وارد جزئیات بشود. خمینی رهبر روحانی و مرز بند (تعیین کننده حدود) جنبش اسلامی است که یزدی رئیس ستاد او می باشد.

کاتم تماسهای اصلی صادق قطب زاده مثل تماس با گروه موسی صدر در لبنان (کاتم چیزی برای ارائه در مورد آن معما نداشت) و با بومدین در الجزایر را تشریح کرد. رابطه قطب زاده با قذافی متغیر است چون که هر دو کمی خُل هستند.

۲- خمینی اظهار داشت که او علاقه مند نیست که ملاها دولت را به دست بگیرند و این احساس را به جا گذاشت که موفقیت جاری نهضت تقدیر خداوند و حتمی بوده است. کاتم از اینکه به نظر می رسد خود خمینی چقدر کم در نهضت درگیر است و از فقدان موارد اختلاف در بین آنهايي که اطراف خمینی هستند، متعجب شد. کاتم اشاره می کند که این شدت غیرعادی است و احتمالاً انعکاس مساوات ایدئولوژی اجتماعی اسلام است که به وسیله علی شریعتی که جریان روشنفکری مسلط در جنبش خمینی می باشد، تفسیر شده است. اطرافیان خمینی نیمی فارغ التحصیلانی هستند که برای کار کردن برای نهضت درس را رها کرده اند و نیمی ملاهای جوانی که در پیش استاد درس می گیرند.

۳- کاتم این مشاهده (برداشت) را ارائه داد که به خاطر قبول کردن سوسیالیسم اسلامی شریعتی در جنبش خمینی ملاهای محافظه کار در ایران (گروه شریعتمداری را بخوانید) به او اعتماد ندارند. کاتم شنید که یک آیت الله به خمینی به عنوان «عملاً یک سنی» اشاره کرد. در اکثریت عظیمی از تماسهای کاتم، افراد تحصیلکرده در ایران خمینی را یک مرتجع می دانند، «کمی بهتر از یک وهابی سعودی». این نظر خمینی را که کاتم احساس می کند به مراتب لیبرال تر است، بدجلوه می دهد. کاتم حس می کرد که قسمتی از این درک دروغین به خاطر تصمیم آگاهانه یزدی و خمینی برای تأکید نکردن روی ارتباطات با مصدق می باشد.

منظور این بود که نشان دهند جنبش جدید اسلامی با پایه محکم ایدئولوژیکی که در نوشته های خمینی و شریعتی دارد، به همان میزان که سیاسی است، مذهبی نیز هست.

۴- در رابطه با موضوع سازمان خمینی در داخل ایران، کاتم گفت رهبر واقعی سازمان سید محمد بهشتی یکی از ملاحای قلهک است، که جنبش را هدایت می کند و رابط اصلی با پاریس می باشد. آیت الله طالقانی، آیت الله رفسنجانی و آیت الله منتظری رهبران اصلی افتخاری هستند. ولی قطعاً شکی وجود ندارد که بهشتی و گروه او متشکل از ملاحای جوانتر و همکاران غیر روحانی منجمله حسن نزیه، رئیس مترقی کانون و کلا، کار اصلی را انجام می دهند. بازرگان رهبر افتخاری مهمی است ولی یک سازمانده واقعی نیست.

۵- کاتم گفت نهضت آزادی دولت بختیار را تحمل خواهد کرد. این از طرف یک دوست برجسته کاتم از نهضت آزادی، بهرام بهرامیان و دو عضو دیگر چیزی که کاتم به عنوان کادر مرکزی نهضت آزادی توصیف نمود، عنوان نشده است. موافقت با دولت بختیار مخالفت با شاه را متوقف نمی کند و نهضت آزادی امید دارد که عاقبت عزیمت شاه برای مرخصی به چیزی مثل طرح شورای مشورتی چهار نفره، که نهضت آزادی تلاش نمود به شاه عرضه دارد، تنظیم گردد. کاتم گفت بهرامیان مدعی است شاه در شرف قبول این مقدمات (ترتیبات) در اواسط آبان بود، ولی پس از گفتگو با سفیر کبیر ایالات متحده از قبول آن منصرف شد. (توضیح: ما اطلاع داریم این «انتظار» به علت عدم تمایل شاه به ترک کشور شکست خورد.) کاتم می گوید که جنبش خمینی در دراز مدت قطعاً در نظر دارد که براساس جذبه روحانی خمینی یک حزب سیاسی تشکیل دهد. کاتم فکر می کند چنین حزبی تمام کرسیهای مجلس را که بر سر آن رقابت می کند به دست خواهد آورد. (توضیح: ما آن را کاملاً به آن صورت نمی بینیم). مشخص نیست چگونه چنین حزبی (اگر باشد) با بقیه جبهه ملی مرتبط خواهد بود.

۶- کاتم گفت آدمهای خمینی نسبت به قدرت سازمانی خودشان برای کشاندن مردم به خیابانها خیلی مغرور هستند. آنها یک مشکل کوچک با جبهه ملی دارند، ولی با دادن سهم و شعارهای جبهه ملی به خودش در ۱۹-۲۰ آذر (تاسوعا-عاشورا) آن را حل کردند. کاتم فکر می کرد که نهضت آزادی می تواند افراد کافی خوبی برای اداره کردن (کشور) پیدا کند و با این نظر که فقط ۲ یا ۳ نفر از رهبریت قابل رؤیت نهضت آزادی به نظر می رسد که تجربه و شعور لازم برای اداره وزارتخانه های جدید (مدرن) را دارا باشند مخالفت نمود. کاتم توافق داشت که این به هر صورت مسئله اصلی است و گفت جای زیادی برای شک باقی می ماند.

۷- تمام مخالفینی که کاتم آنها را دیده بود هم رأی بودند که آشوب بیشتر به قطبی شدن بین جنبش اسلامی و حزب توده منجر خواهد شد. حزب توده در یک چنین قطبی شدنی برنده اصلی است، چونکه سازمانش هنوز واقعا شناخته شده نیست و خیلی از رهبران سابقش همین اواخر از زندان بیرون آمده اند.

کاتم متذکر شد که این فشاری روی نهضت آزادی وارد نمود که چاره ای برای یک توافق بیندیشد، ولی نه به اندازه ای که بر خط سازش ناپذیر خمینی غلبه کند.



از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی.سی.خیلی محرمانه به: سفارت آمریکا در تهران، فوری ۴۲۹۹ تاریخ: ۲۸ اوت ۱۹۷۹-  
۶/۶/۵۸ گزارشگر: هنری پرشت شماره سند: ۶۴۲۶ موضوع: گزارش محکومیت تعدادی از سوسیالیستها توسط دادگاه انقلاب  
ایران ۱- تمام متن محرمانه است.

۲- یک منبع برجسته حزب کارگران آمریکا از ما خواهش کرده که ما درباره خبری که او در رابطه با ۱۲ مرد و ۲ زن وابسته  
به حزب کارگران سوسیالیست که اخیراً در دادگاه انقلاب ایران محکوم شده و حکم اعدام آنها نیز صادر شده است بررسی  
بنماییم.

منبع ما اسامی چهار نفر از اشخاصی را که احتمالاً محکوم شده اند به شرح زیر در اختیار ما نهاده است:

عبدالله سماک، حمید شهریار، موسی هاشمی، مصطفی گرگ زاده.

منبع چیزی درباره حزب کارگران سوسیالیست نمی داند ولی حدس می زند که از گروه تروتسکی باشند. ممکن است  
گزارشی راجع به اطلاعات داده شده تهیه نماید.

۳- یک شهروند آمریکایی اطلاع داده است که شوهرش به نام حمید شهریاری امروز اعدام شده است.

که البته این شخص احتمالاً جزو همان گروه مذکور می باشد. آیا سفارت اطلاعاتی درباره او دارد؟ ونس حزب کارگران  
سوسیالیست - ۲ از: سفارت آمریکا در تهران محرمانه به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی.سی.فوری ۳۵۲۳ تاریخ: ۲۹ اوت  
۱۹۷۹- ۷/۶/۵۸ گزارشگر: الیزابت سوئیفت شماره سند: ۹۶۰۸ مرجع: پرونده دولتی ۴۲۹۷ موضوع: گزارش محکومیت  
سوسیالیستهای ایران به وسیله دادگاه انقلاب ۱- تمام متن محرمانه است.

۲- سفارت هیچ گونه سابقه ای در مورد افراد مذکور در تلگراف مرجع، که توسط دولت موقت ایران اعدام شده اند، ندارد.

۳- دولت موقت بعضی از اعضای حزب کارگران سوسیالیست را به اتهام اقدامات ضد انقلابی و قیام مسلحانه در خوزستان  
محاكمه نموده است.

۴- دو زن عضو این حزب به نامهای مهسا هاشمی و فاطمه فلاحی در رابطه با «اقدامات ضد انقلابی و مبارزه مسلحانه» علیه  
حکومت کنونی ایران مجرم شناخته شده و در ۴ شهریور به حبس ابد محکوم گردیدند.

۵- سفارت گزارشی از اعدام حمید شهریاری دریافت نکرده است، آیا وزارتخانه می تواند جزئیات

بیشتری را در این باره در اختیار ما قرار دهد؟ ۶- حزب کارگران سوسیالیست یک حزب مارکسیست تروتسکیست می باشد، که رهبر آن بابک زهرایی و تعداد زیادی از اعضای آن تحصیلکرده آمریکا هستند.

۷- ما همچنان در حال تهیه اطلاعات بیشتر هستیم و به محض یافتن اطلاعات بیشتر در اسرع وقت، آن اداره را در جریان خواهیم گذاشت.

تامست حزب کارگران سوسیالیست - ۳ شماره سند: ۰۱۰۶ از: وارن جی مگنوسان سناتور آمریکایی تاریخ: ۳۱ اوت ۱۹۷۹- ۹/۶/۵۸ به: سفیر آمریکا در سفارت آمریکا در تهران طبقه بندی: ندارد خانم فلاحی، همسر غلام عباس فلاحی موکل اینجانب است که در حال حاضر در اهواز زندانی است.

آقای فلاحی اجازه اقامت دائم در ایالت واشنگتن دارد. از هرگونه اقدامی که شما در زمینه آزادی فوری وی انجام دهید سپاسگزار خواهیم بود.

وارن جی - مگنوسان آمریکا حزب کارگران سوسیالیست - ۴ شماره سند: ۰۱۷۶ محرمانه از: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی.سی. تاریخ: ۳۱ اوت ۱۹۷۹- ۹/۶/۵۸ به: سفارت آمریکا - تهران - فوری گزارشگر: کلمنت موضوع: محکومیت گزارش شده سوسیالیستهای ایران به وسیله دادگاههای انقلاب ۱- تمام متن محرمانه است.

۲- خانم آن فلاحی شهروند آمریکایی همسر غلام (هرمز) فلاحی به ما اطلاع داده است، نامه هایی که خانواده شوهرش از دوستانشان در ایران دریافت می کنند، دلالت بر این هراس دارد که فلاحی اعدام خواهد شد. فلاحی جزو دوازده مرد و دو زن گروه حزب کارگران سوسیالیست است که در اهواز محاکمه شده اند.

فلاحی دارای ویزای اقامت دائم خارجیان است که حدود شش ماه پیش «برای شرکت در انقلاب» به ایران بازگشت. حدود ۲ ماه پیش او در اهواز دستگیر شد. اتهام وی آن طوری که گزارش می شود فروش روزنامه به کارگران منطقه نفتی و تحریک آنها به اعتصاب بوده است. فلاحی بیست و سه ساله است.

والدینش، دو برادر و یک خواهرش طی سه سال گذشته در ایالات متحده زندگی می کرده اند.

۳- حتی با قبول این خطر که فلاحی و دیگران قبلاً اعدام شده اند و بنابراین نمایندگی هم در رابطه با آنها بیهوده است، ممنون می شویم اگر شما در این مورد با دولت ایران در سطح سیاسی (احتمالاً میناچی) تماس

حاصل کنید. شما باید روشن سازید که ما اشخاصی مانند فلاحی را ایرانی می شناسیم تابع قوانین ایران ما بحثی در مورد بی گناهی یا گناه آنان نداریم و کوشش نمی کنیم که در مسائل داخلی ایران دخالت کنیم.

معهدا، چنین مواردی، از نقطه نظر حقوق بشر و مراحل قانونی کار و بر این اساس که آنها اقوام آمریکایی بلافصلی دارند و خودشان دارای اجازه اقامت دائم در ایالات متحده می باشند، دارای علائق مشروعی هستیم. همچنان که بارها روشن ساخته ایم ما در مورد طرز عمل دادگاه انقلاب و مجازاتهای بیش از اندازه که اعدامها نمایانگر آن است، نگران هستیم. آیا ممکن نیست عدالت با بعضی گذشتهها و ملاطفتها، به خصوص در مورد بزهکاران جوان، ملایمتر گردد؟ علاوه بر حقوق بشر و ملاحظات انسانی شما باید به عنوان یک دوست اثرات منفی غیر قابل اجتناب این گونه اخبار بر افکار عمومی آمریکاییان در مورد انقلاب ایران را خاطر نشان کنید. این اگر چه نمی تواند کمکی بکند اما در جریان بهبود روابط دو کشور که هم اکنون مشکل می باشد، اثر می گذارد.

ونس حزب کارگران سوسیالیست - ۵ شماره سند: ۹۸۱۹ تاریخ: ۵ سپتامبر ۱۹۷۹-۱۴/۶/۵۸ از: سفارت آمریکا در تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن، دی. سی. فوری گزارشگر: الیزابت آن، سوئیفت طبقه بندی: محرمانه موضوع: حزب کارگران سوسیالیست ایران ۱- (تمام متن محرمانه) ۲- خبرنگار نیوزویک در تاریخ ۱۴ شهریور به مأمور سیاسی گفت که باقیمانده اعضای حزب کارگران سوسیالیست ممکن است تا ۱۵ شهریور در اهواز محاکمه شوند. خبرنگار گفت که بابک زهرایی رهبر حزب کارگران سوسیالیست در تهران در تلاش بوده است که توجهات را در این مورد برانگیزاند:

۳- سفارت سعی داشته است که با زهرایی تماس بگیرد ولی به نظر می رسد که او در مورد علاقه ما به این موضوع خیلی مظنون است و تمایل ندارد که با ما صحبت کند. ما فکر می کنیم او ممکن است احساس کند که تماس با سفارت آمریکا در این برهه اگر برملا گردد برای محاکمه سودمند نخواهد بود. ما به تلاشمان ادامه خواهیم داد.

۴- سفارت پیغام زیر را از سناتور وارن. جی. مگنوسان، از دفتر او (واقع در سیاتل - واشنگتن) دریافت کرده است:

«موکل من خانم فلاحی همسر غلام عباس فلاحی است که در حال حاضر در اهواز زندانی است.

آقای فلاحی مقیم دائمی ایالت واشنگتن (است). از هر کمک ممکن که شما در سرعت بخشیدن به آزادی فوری او می توانید صورت دهید قدردانی می شود.» ۵ - از تماس وزارت خارجه با سناتور مگنوسان و در جریان قرار دادن سناتور در مورد قضیه، قدردانی می شود. سفارت قویا احساس می کند که مداخله مستقیم سفارت در این قضیه بجز آن مقداری که

ما تاکنون به وسیله میناچی انجام داده ایم، ممکن است که در قضیه فلاحی بشدت زیان بخش باشد.

سفارت در هیچ موردی نمی تواند بیشتر از کوشش برای مطمئن شدن از اینکه فلاحی تحت قوانین انقلابی ایران به طرز منصفانه محاکمه شود، انجام دهد.

تامست حزب کارگران سوسیالیست - ۶ محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی.سی. فوری ۳۶۹۷ تاریخ: ۹ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۱۸/۶/۵۸ گزارشگر: الیزابت سوئیفت شماره سند: ۹۹۰۵ مرجع: تهران: ۹۸۱۹ موضوع: حزب کارگران سوسیالیست ایران ۱- تمام متن محرمانه است.

۲- روزنامه فارسی زبان بامداد در ۱۸ شهریور نامه ای را که رهبر حزب کارگران سوسیالیست به آیت الله قدوسی دادستان کل ایران نوشته بود، به طور کامل چاپ کرده است. در این نامه از قدوسی خواسته شده که به پرونده های اعضای حزب کارگران سوسیالیست اهواز رسیدگی کرده و یا آنها را آزاد کند و یا در دادگاههای علنی محاکمه نماید.

۳- در نامه عنوان شده که در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۵۸، نه عضو آن حزب به جرم «خرابکاری» در اهواز دستگیر شده اند. در تاریخ ۲ خرداد، هفت عضو دیگر این حزب که از تهران برای بررسی موقعیت به اهواز رفته بودند نیز دستگیر شدند. از ۱۴ (این باید ۱۶ باشد مترجم) نفر دستگیر شده دو نفر آزاد شده اند. در شب ۴ شهریور مهسا هاشمی و فاطمه فلاحی که دو زن عضو این حزب هستند در پشت درهای بسته در کمتر از یک ساعت محاکمه و به حبس ابد محکوم شدند.

در ادامه نامه آمده که در همان اثناء اخباری به حزب رسیده که حاکی از آن بوده که دوازده نفر بقیه نیز به زودی محاکمه و اعدام خواهند شد. تنها اعتراضهای گروههای خارجی و ایرانی باعث نجات یافتن آنها شد.

۴- در این نامه ادعا شده که این دوازده نفر در اهواز زندانی شده اند و «اجازه ملاقات با اعضاء خانواده شان یا وکلایشان یا اعضای حزبشان را ندارند.» این زندانیان به جرم شرکت در خرابکاری که زهرایی آن را انکار می کند دستگیر شده اند، اما زهرایی اظهار داشته که همه اتهامات آنها مشخص نیست.

زهرایی همچنین ادعا می کند که بعضی از این زندانیان در این مدت شکنجه شده اند.

۵- بامداد همچنین نامه گروههای مختلف از شهروندان آمریکایی به نخست وزیر را که در آن خواستار آزادی اعضاء حزب کارگران سوسیالیست شده اند منتشر کرده است. داستان یک تظاهرات به نفع آنها در هاید پارک (لندن) نیز در بامداد منتشر شده است.

۶- سفارت سعی کرده که با بابک زهرایی تماس بگیرد ولی او عمداً به تماسهای ما جواب نمی دهد.

(یک بار حتی او به مأمور سیاسی ما که صدای او را می شناخت گفت که زهرایی در خانه نیست) ما



تماسهای بعدی با زهرایی را به عهده او می گذاریم.

تامست حزب کارگران سوسیالیست - ۷ از: سفارت آمریکا در تهران محرمانه به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی.سی. فوری  
۳۸۰۵ تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹-۲۶/۶/۵۸ گزارشگر: الیزابت سوئیفت شماره سند: ۰۱۳۳ موضوع: حزب سوسیالیست کارگران  
ایران ۱- کل مطلب محرمانه است.

۲- در ۲۵ شهریور مأمور سیاسی سفارت تلفنی از آقای وزیر ارشاد ملی، میناچی، در رابطه با تحصیل پسرش در آمریکا داشت.  
در خلال تلفن میناچی گفت که دادستان انقلاب قدوسی مشغول بررسی پرونده های افراد عضو حزب سوسیالیست کارگران  
که در اهواز زندانی هستند می باشد. او گفت که با اداره دادستانی انقلاب صحبت کرده و به زودی ترتیبی خواهد داد که  
مأمور سیاسی سفارت به اهواز سفر کرده با زندانیها ملاقات کند و وضع زندان را ببیند. (سفارت احساس می کند که وقوع این  
ملاقات محتمل نیست.) ۳- میناچی به سفارت توصیه کرد که مقاله روزنامه بامداد مورخه ۲۴ شهریور که جواب اتهامات  
حزب سوسیالیست کارگران ایران به وسیله رئیس دادگاههای انقلاب خوزستان آقای احمد جنتی داده است، بخوانیم.

۴- جواب اتهامات به وسیله جنتی طولانی است. او اظهار کرده که ۲ تن از زنان حزب سوسیالیست کارگران که متهم بودند با  
بازرسی مخالفت کرده، تنظیم کیفرخواست را قبول نکرده اند و حاضر نیستند که اظهارات دادگاه را بشنوند. محاکمه ۶ مرد  
دیگر اولین مرتبه در یک دادگاه عمومی با یک جلسه ۴ ساعته شروع شد که برای تلویزیون هم فیلمبرداری شد. مرحله بعدی  
دادگاه در حال انجام است. اعضای دیگر حزب هنوز به محاکمه کشیده نشده اند. جنتی گفت که اعضای حزب مزبور محکوم  
به اتهاماتی از قبیل توطئه و نقشه کشی بر ضد انقلاب اسلامی که در اوضاع کردستان، ترکمن صحرا، و خوزستان اثر گذارده  
و کوشش برای منحرف کردن انقلاب اسلامی و کوشش برای درگیری افراد مسلمان با یکدیگر به نفع دشمنان اسلام و حتی  
به ارزش زیر تسلط بیگانگان قرار گرفتن می باشند. جنتی، سپس به نوشته ها و یادداشتهای این گروه اشاره کرد تا به گفته  
های خود حقیقت بخشد.

۵- سپس بامداد به نشر اظهارات رئیس زندان اهواز پرداخته که می گوید اعضای حزب کارگران سوسیالیست شکنجه نشده  
اند. حتی برای رفتار ما یک تقدیرنامه به پاسداران نوشته اند و گفته اند که وضع ما بد نیست. برطبق اظهارات رئیس زندان،  
زندانیها یک روز به علت سروصدای زیاد در قرنطینه (حبس انفرادی) نگه داشته شدند. ولی بلافاصله از آنجا آزاد شدند.

۶- مقاله بامداد بسیار طولانی است ولی در صورتی که وزارتخانه به تمامی متن احتیاجی داشته باشد به ما اطلاع دهید تا آن را  
ارسال داریم.

لینکن

ص: ۱۳۴

توضیح:

از آنجائی که در متن اصلی اسناد اختصاراتی که حاکی از طبقه بندیها و قیود مختلف در مورد اطلاعات مندرجه به کار رفته، لذا در ترجمه آن همان علائم به کار رفته است.

ذیلاً همان علائم همراه با متن انگلیسی و ترجمه فارسی آن درج می شود.

بدون طبقه بندی (U)=Unclassified) خیلی محرمانه (C)=Confidential) سـری (S)=Secret) هشدار  
(WN)=Warning Notice) هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است and methods Involved  
(WNINTEL)=Warning Notice Intelligence Sources).

غیرقابل رؤیت برای اتباع بیگانه (NF)= NOFORN=Not Releasable to Foeign Nationals).

غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران و مشاوران پیمانکار (NC)=NOCONTRACT= Not Releasable to  
Contractorsto or Contractor/Consultants).

پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده (OC)=CRCON=Dissemination and Extraction of  
Information Information Controlled by Originator).

به عنوان مثال عباراتی که دارای علامت (S/NF/NC/OC) باشند بدین معنی خواهند بود.

سری / غیرقابل رؤیت برای اتباع بیگانه / غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران و مشاوران پیمانکار / پخش و اقتباس خبر تحت نظر  
تهیه کننده.

**چریکهای فدایی و مجاهدین**

ص: ۱۳۵

ایران سری تفسیری در مورد تروریسم در یک وضعیت انقلابی (S/NOFORN) یک دوره طولانی بی ثباتی که به وسیله آشوبهای مکرر دانشجویی - مذهبی که در دی ۱۳۵۷ با چندین روز تظاهرات در شهر مقدس قم شروع شد، هم اکنون به عنوان یک انقلاب شناخته می شود. تا پاییز اذیت و بی حرمتی فیزیکی بر علیه افراد جامعه آمریکائی در ایران افزایش یافته بود؛ آنها وادار به ترک ایران یا بعداً تخلیه شدند. در دی ۱۳۵۸ شاه ایران کشورش را ترک کرد. اگر چه دو گروه اصلی تروریستی ایران به این گرایش ملی عمومی، که تا وقتی شاه و حامیان خارجیش از جا برداشته نشوند هیچ چیز مثبتی نمی تواند انجام پذیرد، کمک کردند، ولی آنها در اعمال ضد آمریکایی اواسط ۱۳۵۷ درگیر نبودند.

(طبقه بندی نشده) به هر حال آنها قسمتی از انقلاب بودند. آیت الله روح الله خمینی سبب و رهبر قیام، برجسته ترین حلقه ارتباط بین مخالفین مذهبی و تروریستها بود. او از ۱۳۴۲ به این طرف در تبعیدگاه، از رژیم شاه بدگویی می کرده است. در ۱۳۵۱ او اظهار داشت که وظیفه هر مسلمان خوبی است که مجاهدین خلق ایران را حمایت کند. رگبار تبلیغات مداوم او از طریق نوارهای کاست و به وسیله رهبران روحانی داخل کشور جو شورش ۱۳۵۷ را به وجود آورد. از زمان بازگشت آیت الله و ایجاد دولت موقت سازمانهای تروریستی نقشهای اجتماعی مختلفی را به عهده گرفته اند. مجاهدین، پاسداران انقلاب شده اند که به وسیله شورای انقلاب به عنوان یک نیروی شبه نظامی به کار گرفته شده است. چریکهای فدایی به طور آشکار با دولت جدید ابراز مخالفت می کنند.

(طبقه بندی نشده) به خاطر این تغییرات اساسی و به خاطر کیفیت کاهش پیدا کرده جامعه آمریکایی در ایران تعریف این گروه ها به عنوان تهدیدهای واقعی یا نهانی برای پرسنل یا منافع آمریکا بایستی که تعدیل شود. با این حال به خاطر اینکه تعریف برای دوره ۵ ماهه گزارشی مناسب بود، آنها هنوز در این مجله مورد شمول قرار گرفته اند.

چریکهای فدایی خلق خلاصه اجرایی (S/NOFORN) یک گروه مارکسیست غیر مذهبی که قبلاً از سرنگونی شاه حمایت می کرد. سازمان چریکهای فدایی خلق اکنون به طور آشکار از انحصار اسلامی انقلاب ایران به وسیله آیت الله روح الله خمینی انتقاد می کنند.

(S/NOFORN) چریکهای فدایی خلق به خوبی به وسیله گروههای فلسطینی تعلیم داده شده اند و یک انبار وسیع از تپانچه، تفنگ و مسلسل و نارنجکهای دستی از انواع مختلف و همچنین قابلیت تولید مواد منفجره را دارا می باشد. اخیراً فداییان تسلیحاتی از انبارهای نیروهای امنیتی ایران ضبط نموده اند.

(S/NOFORN) چریکهای فدایی خلق که گمان می رود در حال حاضر چندین هزار برابر قویتر می باشند، قبلاً در واحدهای کوچک مستقل که مقدماتاً مرتکب اعمالی بر علیه هدفهایی که مستقیماً مرتبط با دولت ایران می شد و با به کار بردن تکنیک ترور به وسیله مسدود نمودن جاده با اتومبیل، فعالیت می نمود. به هر

حال سازمان در چندین واقعه ضد آمریکایی که برجسته ترین آن در اختیار گرفتن سفارت آمریکا در بهمن ۱۳۵۸ بود، درگیر شد. در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ گروه عملیاتش را بر علیه ارتش ایران و نیروها و تأسیسات پلیس به منظور ایجاد یک فاصله بین آنها و جامعه افزایش داد.

سازمان - اهداف:

(S/NOFORN) چریکهای فدایی خلق یک گروه مارکسیست انقلابی غیر مذهبی است که از جنگ چریکی برای سرنگونی شاه حمایت می کرد و بیشتر با انقلابیون آمریکای لاتین مطابقت دارد، تا با اتحاد شوروی یا چین. این گروه بیشتر بر روی هدفهای ایرانی تمرکز داشت و دلیل می آوردند که اگرچه حملات به آمریکاییها وابستگی شاه به ایالات متحده را نشان می داد ولی پاسخی خیلی سنگین، از طرف سازمانهای امنیتی به دنبال داشت.

(C/NOFORN) به دنبال واقعه ضد آمریکایی آذر ۱۳۵۶ یک سند از چریکهای فدایی خلق، اشتغال کامل جدید گروه را به حضور ایالات متحده در ایران نشان داد. گروه از استثمار کشور انتقاد کرد و خواستار اخراج تمام خارجیان شد.

(U) به زودی پس از بازگشت خمینی به ایران سازمان چریکهای فدایی خلق نامه ای سرگشاده برای او فرستاد که از گرایش برای «به انحصار در آوردن انقلاب» اظهار ناراحتی می کرد و از اعمال متعصبهای مذهبی نسبت به «هر چیزی که اسلامی نیست» شکایت می کرد.

قدرت تخمینی:

(U) چندین هزار. (؟) رهبران اصلی:

(U) اطلاعاتی در دست نیست.

سابقه:

(U) چریکهای فدایی خلق در ۵۰ - ۱۳۴۹ به وسیله اعضای طرفدار عمل و ناراضی از تشکیلات سازمان جوانان حزب کمونیست توده متمایل به مسکو، تشکیل شد. سازمان در ابتدا مبادرت به ایجاد شورش دهقانی در دامنه های شمال کوههای البرز بین تهران و دریای مازندران نمود. بعداً در فعالیتهای شهری درگیر شد و در اوایل ۱۳۵۴ بیشترین فعالیت را داشت و با مجاهدین خلق همکاری داشت. در ۱۳۵۴ و در ماههای اردیبهشت و خرداد ۱۳۵۵، سازمان متحمل شکستهای سختی شد، رهبر عملیاتی آن کشته شد، دیگر اعضای آن کشته و یا دستگیر شدند و یا خودکشی کردند، و بعضی خانه های تیمی و مراکز تدارکاتی آنها به وسیله مقامات کشف شد. اگر چه دستگیریهایی بیشتری در بهمن ۱۳۵۵ انجام شد و برخی درگیریهایی مسلحانه بی ثمر با پلیس صورت گرفت، گروه به فعالیت کمی ادامه داد و احتمال داده می شود که انرژی گروه به تجدید سازمان و آموزش مجدد تخصیص یافته بود. سازمان که همیشه قادر به انجام اعمال تروریستی تشخیص داده شده بود، یک دوره ۱۸ ماهه نسبتاً غیرفعال را، در آذر ۱۳۵۶ با عملیات



ضد آمریکایی پایان داد. در اوائل ۱۳۵۷ گروه مبارزاتش را بر علیه ارتش ایران و نیروهای پلیس افزایش داد.

(S) گزارشات متضادی در طول سالیان در رابطه با هماهنگی احتمالی چریکهای فدایی و مجاهدین خلق دریافت شده است. به خاطر اینکه گروهها به طور همزمان برخی از تاکتیکهایشان و محل استقرار پایگاههایشان را تغییر دادند، گمان می رود همکاری از سر گرفته شده به هر حال وجوه اختلاف مداومی مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که بر طبق گزارشات، چریکهای فدایی خلق رهبران متخصص تری دارد، مجاهدین از حمایت اجتماعی قویتری برخوردار است. هر کدام از گروهها رهبری و عضویت جداگانه خود را حفظ می کنند. تحلیلهای گذشته نشان می دهد که از زمان مرگ رهبران عملیاتی هر دو گروه روابط محکمتر نشده، بلکه بدتر شده است. از رفتار (گرایش) متباین در ۱۳۵۷ هنگامیکه چریکهای فدایی تجدید فعالیت می نمود و در حالی که سازمان مجاهدین از طرف مخالفین میانه رو دعوت به ممانعت از تروریسم می شد، این طور به نظر آمد که گزارشات جعلی از همکاری ارائه می شود.

(S) ۲۵ درصد از اعضای دستگیر شده چریک های فدایی خلق زن بودند که یک نشان ویژه خیلی مهم در یک کشور مسلمان سنتی می باشد.

تاکتیکها و متدهای عملیات:

(S/NOFORN/WN INTEL) هدفهای چریکهای فدایی خلق منحصرآ ایرانی بودند:

- پرسنل سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران (ساواک). - مقامات پلیس، نظامی و دولتی ایران سبک استفاده از جو شدت گرفته ضد شاه در ۱۳۵۷ با این الگوی عمل معمولی مطابقت داشت.

(سازمان نیروهای پلیس و نظامی را مورد حمله قرار داد).

(C/NOFORN) در دی ۱۳۵۷ در یک نامه خطاب به یک پیمانکار دفاعی ایالات متحده، چریکهای فدایی خلق موضع قبلی خویش در مورد اتلاف منابع در هدف قرار دادن آمریکاییها مورد تجدید نظر قرار داد و علاقه (نفع) جدید خود را به آنها (آمریکاییها) به عنوان هدفهای پرمفعت اظهار داشت. سازمان مسئولیت بمب گذاری در انجمن ایران و آمریکا در آذر ۱۳۵۶ را به عهده گرفت، ولی ادعای اعتبار برای آن و دخالت در هیچ واقعه ضد آمریکایی دیگری تا تسخیر سفارت آمریکا در تهران در بهمن ۱۳۵۷ را ننمود.

(S) حمل سلاح در فعالیتهای غیر عملیاتی روزانه شان منجر به درگیریهای مسلحانه بی هدف با پلیس شاه و از دست دادن پیوسته اعضا شد.

(U) چریکهای فدایی خلق نبرد خلق را منتشر می کند که توجهات را به زندگی و مشقات کارگران معطوف نماید و بدین وسیله آنها را برای بالا بردن درک طبقاتی تعلیم دهند، تحریک کنند و بسیج نمایند.

تشکیلات:

(S/NOFORN) برخی گزارشات اشاره می کنند که چریکهای فدایی خلق غالباً دارای واحدهای اولیه ۲ تا ۵ عضوی هست  
که اطلاعات کمی را مبادله می کنند. واحدهای (تیمهای) نظامی اعمال خرابکارانه را

ص: ۱۳۸

انجام می دهند (مثل ترورها)، تیمهای سیاسی در دانشگاه تبلیغات می کنند.

ستادها- پایگاهها:

(S/NFNC/WN) چریکهای فدایی خلق که تصور می شود بر روی خانه های «تیمی شهری و برون شهری» تکیه می کنند، به طوری که گفته شده در سال ۱۳۵۶ تصمیم گرفت که بعضی واحدهای مستقر در تهران، اصفهان، شیراز و مشهد را منحل کند. استقرار مجدد چریکهای فدایی خلق در شهرهای کوچکتر در شمال و جنوب پیشنهاد شد. این پیشنهاد ممکن است فریبی برای گمراهی مقامات، بوده باشد. این پیشنهاد به خاطر مشکلاتی که تروریستها در صورت مبادرت به جذب در جوامع محلی احتمالاً با آن روبرو می شدند، مورد تردید قرار گرفت.

(S/NF/NC/WN) اواخر بهمن ۱۳۵۸ فداییان دانشگاه تهران را اشغال نمودند.

آموزش:

(S/NOFORN) چریکهای فدایی خلق خیلی خوب آموزش دیده اند. تعلیمات توسط جبهه خلق برای آزادی فلسطین و دیگر گروههای امتناع در برخی پایگاهها در لیبی و از جبهه خلق برای آزادی عمان در عمان و جمهوری دمکراتیک خلق یمن، داده شده است. اتهامات ساواک مبنی بر دریافت آموزش از طرف کوبا هرگز تأیید نشد.

تسلیمات:

(S/NOFORN) چریکهای فدایی خلق با مواد منفجره، خصوصاً اسید پیکریک خیلی خوب کار می کنند.

روشن شده است که سازمان مواد منفجره را در مقادیر زیاد تولید کرده است ولی مقدار کمی از آن را استفاده نموده. بنابراین یک ذخیره بزرگ ممکن است وجود داشته باشد. عقیده بر این است که فقط دو کیلوگرم تری نیترو تولوئن (تی.ان.تی) و نوعی از مکانیسم زمان بندی (ساعت)، بمبی را که در انجمن ایران و آمریکا استفاده شده تشکیل می داده است.

(S/NF/NC/WN) سلاحهای اولیه به وسیله دزدی تهیه شد. بعداً قسمت اعظمی از سلاحهای چریکهای فدایی خلق از اروپا تهیه شد. بهترین اسلحه در انبار مهمات جنگی سازمان، تپانچه خودکار ۹ میلیمتری ۶۳-ام لهستانی می باشد. دیگر اسلحه ها شامل: تپانچه های کالیبر ۳۸، هفت تیرهای آسترا ساخت اسپانیا، هفت تیرهای آدامیگ، مسلسلهای نیمه خودکار «پورت سعید»، تفنگهای شکاری پر قدرت، مهمات تنگستن سوراخ کننده زرهپوش و تفنگهای طرح لهستانی ۴۷-AK با پرتاب کننده های نارنجک و نارنجکهای تکه تکه شونده ضد تانک، می باشد آخری ممکن است از محصولات مجاز عراق باشد. بعضی سلاحها ممکن است از مجاهدین خلق به دست آمده باشد.

(SINFINCI WN) گمان بر این می رود که سازمان برای غلبه بر زیانهایی که در مقابل نیروهای امنیتی دولتی داشت و عملیات را تحت تأثیر قرار داده بود، در اواسط ۱۳۵۶ دوباره از خارج مسلح شده باشد. تا اواخر بهمن ۱۳۵۸ سازمان مسلسلهای اوزی، تپانچه های کالیبر ۳۸ و تجهیزات ارتباطی از نیروهای





امنیتی ایران به تصرف در آورد.

منابع مالی:

(S) اولین وجوه به وسیله دستبردها، دزدی از پدر و مادر و حقوق به دست آمد، در نیمه دوم اوایل ۱۳۵۵ مبلغ زیادی پول رایج آمریکا از اعضا و خانه های تیمی سازمان به دست آمد. به طوری که گفته شده پول به وسیله فلسطینیها و لیبی فراهم شد. در سال ۱۳۵۵ لیبی متهم به فراهم آوردن ۴۰۰/۰۰۰ دلار کمک سالانه به چریکهای فدایی خلق شد. سازمان مجاهدین خلق نیز ممکن است به تأمین بودجه کمک کرده باشد.

ارتباطات بین المللی:

(S/NOFORN) ارتباط با لیبی، عراق، جمهوری دموکراتیک خلق یمن و فلسطینیها در بالا اشاره شد.

ارتباطات در میان فلسطینیها به وسیله جبهه امتناع صورت می گیرد.

(S/NOFORN/WNINTEL) مهدی خانابا تهرانی (Khanbaba Tehrani) رهبر کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا ممکن است رئیس چریکهای فدایی خلق در اروپا باشد. کنفدراسیون دارای اعضای زیادی می باشد که ستادها و شعبات اصلی آن در آلمان غربی، ایالات متحده، بلژیک، کانادا، انگلیس، ایتالیا و سوئد می باشد. احتمالاً فقط بخش کوچکی طرفدار خشونت هستند. اعضای کنفدراسیون به مؤسسات دیپلماتیک ایران در بن، ژنو و پاریس حمله کرده اند. رهبران کنفدراسیون با تروریستهای آلمان غربی، آنارشیستهای سوئدی، PFLO، PELO و جنبش خلق برای آزادی آنگولا- ارتباط دارند.

تحلیل واقعه:

(C) عملیات چریکهای فدایی خلق به منظور ایجاد یک جدایی بین پلیس یا ارتش و مردم ایران و وادار کردن پرسنل امنیتی برای در نظر گرفتن جامعه به عنوان یک تهدید می باشد.

(S/NOFORN) در عملیات برنامه ریزی شده بدون اشکال چریکهای فدایی خلق، از تسلیحات و خودروهایی گوناگونی بر علیه هدفهای منتخب استفاده می شد. موتورسیکلت مکرراً در معیت اتومبیل در محاصره پستهای نظامی و ایستگاههای پلیس با در انجام ترورها مورد استفاده قرار گرفته است. در این آخری، یعنی ترور به وسیله بستن راه با اتومبیل، از یک اتومبیل برای بستن جاده استفاده شد، در حالی که یک اتومبیل دیگر و یا موتورسیکلت، تیرانداز یا تیراندازان را به منطقه تیررس حرکت داد. سازمان مسئولیت عملیاتش را در جزوه های منتشر شده، سطح عمومی به عهده گرفت.

فعالتهای مهم:

(C/NOFORN) یک افزایش در تعداد حملات مسلحانه به افراد امنیتی و قرارگاهها برجسته ترین روند در فعالتهای سازمان

در سال ۱۳۵۷ بود، در حالی که هنوز مبادرت به ترور می شود، به نظر می رسد که هدفها اهمیت کمتری از آنهایی که در سال ۱۳۵۳-۵۴ انتخاب می شد داشته باشد.

ص: ۱۴۰

اسفند ۱۳۵۲ (S/NOFORN) یک مأمور مخفی ساواک را که سالها پیش در حزب توده نفوذ کرده بود، ترور کردند.

آذر ۱۳۵۳ (C) یک مأمور ایرانی که به مأموریت در کمیته مشترک ضد تروریسم دولت گمارده شده بود، ترور شد. (در عملیات مشترک با مجاهدین خلق) اردیبهشت ۱۳۵۴ (S/NOFORN) یک عضو سابق چریکهای فدایی خلق را که با مقامات همکاری می کرد ترور کردند.

آذر ۱۳۵۶ (S/NF/NC/WN) در انجمن ایران و آمریکا، یک مرکز آکادمیک را که سازمان ارتباطات بین المللی ایالات متحده سرپرستی آن را به عهده داشت بمب گذاری کردند (سابق).

دی ۱۳۵۶ (C/NOFORN) نامه ای در مورد هدف قرار دادن منابع آمریکا در ایران را برای پیمانکار دفاعی ایالات متحده فرستادند.

اسفند ۱۳۵۷ (S/NF/NC) یک حمله مسلحانه به یک پاسگاه پلیس در تبریز با استفاده از نارنجک دستی، کوکتل مولوتف و اسلحه های خودکار انجام دادند.

شهریور ۱۳۵۷ (U) با پوشیدن یونیفورم ژاندارمری در سر راه یک گشتی نظامی در تبریز کمین کردند.

در طول یک ساعت درگیری ۹ نفر کشته شدند و ۷ نفر مجروح شدند.

- (S/NOFORN) حمله ای به جلوی یک قرارگاه پلیس در جنوب غربی تهران انجام دادند.

- (S/NOFORN) به یک قرارگاه دیگر پلیس در تهران حمله بردند.

مهر ۱۳۵۷ (U) یک سرهنگ پلیس و راننده اش را با کمین کردن در مشهد کشتند.

- (C) احتمالاً در حمله ای به کنسولگری عراق در سالانه به چریکهای فدایی خلق شد. سازمان مجاهدین خلق نیز ممکن است به تأمین بودجه کمک کرده باشد.

خرمشهر که یک گارد امنیتی کشته شد و دیگری زخمی، مسئول بودند. ساختمان به منظور اعتراض به اخراج آیت الله خمینی از عراق به آتش کشیده شد.

- (C) احتمالاً در حمله به یک پاسگاه ژاندارمری در جنوب غربی اصفهان که در یک درگیری مسلحانه طولانی یک نفر کشته و چند نفر زخمی شدند مسئول می باشند.

آبان ۱۳۵۷ (S) گمان می رود که مسئول مبادرت به ترور رئیس پلیس کرمان بوسیله بستن راه با اتومبیل می باشند، راننده رئیس پلیس زخمی شد.

آذر ۱۳۵۷ (S/NF/NC/WN) چهار موتورسیکلت سوار با اسلحه های خودکار بر روی یک تأسیسات پلیس در تهران آتش گشودند یک پلیس کشته و یکی زخمی شد.

دی ۱۳۵۷ (U) مسئولیت حمله به سه قرارگاه نظامی در تهران را به عهده گرفت.

- (S/NF/NC/WN) به یک اتوبوس نیروهای مسلح نزدیک دانشگاه تهران حمله کردند.

- (C/NOFORN) به یک پاسگاه پلیس در تهران حمله کردند.

- (U) دو موتورسیکلت سوار به ستاد ژاندارمری در تهران حمله بردند. چندین سرباز کشته شدند و سربازهای دیگر زخمی شدند.

- (C/NOFORN) احتمالاً مسئول قتل یک مقام پلیس در تبریز می باشند.

ص: ۱۴۱

بهمین ۱۳۵۷ (U) سفارت آمریکا در تهران را تسخیر کرد و چندین گروگان را در آنجا نگه داشتند تا اینکه به وسیله وفاداران به دولت موقت مجبور به ترک آنجا شدند.

- (U) به مرکز رادیو تلویزیون ملی ایران حمله بردند.

مجاهدین خلق ایران - IPS خلاصه اجرایی (S/NF/NC/WN) مجاهدین پیشقراول مخالفین مذهبی شاه، با جنبه های ضد مذهبی برنامه مدرنیزه کردن او مخالفت ورزیدند و به پشتیبانی ایالات متحده و غرب از رژیم او حمله کردند. اکنون در مسیر اصلی جنبش انقلابی، مجاهدین چندین هزار عضو دارد و هنوز به رشد ادامه می دهد.

(S/NOFORN/WNINTEL) سازمان مجاهدین خلق عمدتاً در کشورهای غرب و با فلسطینیها آموزش دیده است. و لذا سازمان بندی خوبی دارد که به صورت شاخه های پشتیبانی مجزائی است که هر یک وظیفه ای انجام می دهند. انبار مهمات جنگی آن شامل منفجر شونده های پیکرات، مهمات ضد زرهی، تجهیزات ارتباطی پیچیده و مجموعه ای از اسلحه های گوناگون می باشد. لیبی یک تغذیه کننده مهم است.

(S/NOFORN) مجاهدین تا سال ۱۳۵۶ پرسنل امنیتی ایران، مؤسسات مرتبط با غرب (منجمله ایالات متحده)، و پرسنل نظامی و غیرنظامی ایالات متحده (تماماً در ایران) را مورد هدف قرار می دادند.

در سالهای اخیر مجاهدین عملاً از تروریسم اجتناب ورزیده و آن را به مخالفین سیاسی سازمان داده شده ای که اهداف مجاهدین را برمی آوردند واگذار نمودند.

مجاهدین خلق ایران جهت گیری - اهداف:

(S/NF/NC/WN) مجاهدین، متعصبین سنتی مذهبی، با رژیم شاه به خاطر جنبه های ضد مذهبی برنامه های مدرنیزه کردن آن خصوصاً آنهایی که قدرت رهبران مذهبی را کاهش می داد مخالفت نمودند، و آن را گناه نفوذ غرب می دانستند. مجاهدین که بشدت هراسان از بیگانه هستند ایالات متحده را به خاطر حمایت از شاه مورد حمله قرار دادند. مجاهدین که مارکسیستهای اسلامی نامیده می شوند، مارکسیزمشان فعالیتهای سیاسی را بیش از فلسفه تبلیغ می کند، در حالی که عنصر دینی تفکراتشان بر مخالفت با نابرابری اجتماعی تأکید دارد.

(U) آرم مجاهدین خلق مرکب از چندین سمبل که صفات ممیزه گروه را اعلام می کند، می باشد.

آنها شامل یک آیه از قرآن که بیان کننده عقیده اسلامی؛ ستاره صبح، نشان دهنده امید که با اولین روشنایی روز آورده می شود؛ داس و سندان، سمبلهای کشاورزان و کارگران سخت کوش؛ مسلسل؛ نمایانگر مبارزه مسلحانه، شاخه زیتون، نشان دهنده تمایل برای صلح؛ نقشه ایران و کره زمین که مبارزه برای غلبه بر ستم در ایران و دیگر جاها در دنیا را نشان می دهد.

نیروی تخمین زده شده:

(S/NF/NC/WN) مجاهدین که در ماههای اخیر به طور واضحی رشد کرده اند اکنون می توانند ادعا کنند چندین هزار نفر عضو یا هواخواه دارند.

رهبر اصلی:

(S/NOFORN) محمدتقی شهرام یک ایدئولوگ مارکسیست که به طوری که گزارش شده رهبری را از پاییز ۱۹۷۶ به دست گرفت. گفته شده است که شهرام بر روابط بین مجاهدین خلق و چریکهای فدایی خلق تأکید می کند.

سابقه:

(S) مجاهدین خلق در سال ۱۳۴۰ بنیاد نهاده شد، در دهه بعدی چندین بار تجدید سازمان شد.

سازمان نام مجاهدین را در اواخر ۱۳۵۰ برگزید. در ۱۳۵۱ آیت الله روح الله خمینی شخصیت برجسته مذهبی شیعه اظهار داشت که وظیفه تمام مسلمانان خوب است که مجاهدین را حمایت کنند، و شاه را سرنگون سازند این فرمان به مجاهدین خلق مشروعیت داد و آن را قادر ساخت که حمایت اجتماعی و وسیعتری کسب کند. بازرگانان خیلی محتاط بازار، مطلوبترین پاسخ را دادند.

(S) پس از یک دوره عمل بر علیه هدفهای غربی و ایرانی یک دوره زوال در تابستان ۱۳۵۲ وجود داشت که متأثر از تلاشهای متقابل نیروهای امنیتی بود و نتیجه اولین ترور ضد آمریکایی بود.

(SNOFORN) در اردیبهشت ۱۳۵۴ به نظر آمد که یک شکاف بین مارکسیستهای اصولی و متعصبین مذهبی مجاهدین خلق بوجود آمد. مارکسیست ها با چریکهای فدایی خلق همکاری و فعالیت نمودند.

این دوره عمل در ۵-۱۳۵۴ منجر به سرکوبی دولت و در عوض منجر به سکون عملیاتی مجاهدین خلق شد که از مرداد ۱۳۵۵ شروع شد. در پاییز ۱۳۵۵ رهبر عملیاتی مجاهدین خلق کشته شد، اعضای دیگر دستگیر و کشته شدند یا با کپسولهای سیانور خودکشی کردند. به هر صورت گروه به وسیله این زیانها شدیداً تحت تأثیر قرار نگرفت.

(S/NOFORN) با نگاهی به گذشته، سال ۱۳۵۵ نقطه پایان یک دوره برجسته از تروریسم مجاهدین خلق بود. در سال ۱۳۵۶ مجاهدین خلق و فداییان به طور همزمان بعضی از تاکتیکهایشان و محل استقرار پایگاههایشان را تغییر دادند (این تحول به عنوان مدرکی برای تجدید اتحاد ذکر شده).

با این حال هر گروه، رهبران و اعضای جداگانه شان را حفظ کردند. نشانه های بارزی مجاهدین خلق را با جبهه ملی مرتبط می کند، یک ائتلاف در میان گروههای مخالف ایرانی با جهت میانه روی سیاسی به نظر آمد، موقعی که از جبهه ملی درخواست می کرد (یا جبهه ملی از مجاهدین خلق درخواست می کرد) که به ائتلاف، شانسی برای کمک کردن به اهداف

دموکراتیک سیاسی استانداردها را بدهد، مجاهدین خلق عمداً از آشوب اجتناب ورزید.

(SNOFORN) تا مهر ماه ۱۳۵۷ هیچ دلیل محکمی در دست نبود مبنی بر اینکه مجاهدین خلق با آشوب مذهبی - دانشجویی ۵۷ مرتباً است. در آن زمان مجاهدین یک تظاهرات آشکار در دانشگاه آریامهر برگزار کردند و به عنوان قهرمانان ملی مورد احترام قرار گرفتند. در تمام طول دوره، خمینی و

ص: ۱۴۳



دیگر آیت الله های مسلمانان تماسهایی با مجاهدین خلق داشتند و از طریق آنها احتمالاً روابط بین مخالفین مذهبی و تروریستها حفظ می شد.

تاکتیکها و روشهای عملیات:

(S/NF/NC/WN) مجاهدین در ابتدا بر علیه هدفهایی که مستقیماً با دولت ایران مرتبط می شد از قبیل پاسگاههای پلیس و ساختمانهای دولتی عمل می کردند. به تدریج مؤسساتی وابسته به غرب (برای مثال:

مراکز فرهنگی، تجارتخانه و سفارتخانه ها) هدف قرار گرفتند. مجاهدین تکنیک ترور به وسیله بستن جاده را بر علیه مقامات ساواک و پرسنل نظامی و غیر نظامی آمریکایی مورد استفاده قرار دادند. در سال ۱۹۷۵ مجاهدین به سفارت آمریکا و اداره موتوری هیئت مستشاری نظامی به وسیله استفاده از کارمندان ایرانی نفوذ کردند.

سازمان در مورد قسمتهای مختلف جامعه مقامات آمریکایی خصوصاً آنهایی که به نحوی وابسته به سفارت بودند، اطلاعاتی جمع آوری نمود. سازمان مجاهدین معتقد بود که حمله به هدفهای آمریکایی اثر زیادتری از هدفهای ایرانی داشت، آنها توجه رسانه های گروهی را به خود جلب کردند، شاه را بی اعتبار ساختند و به خروج دسته جمعی تکنسینهای ایالات متحده کمک کردند و بدان وسیله سرعت حرکت برنامه مدرنیزه کردن را کاهش دادند.

(S) مجاهدین قابلیت استراق سمع ارتباطات ساواک را دارا می باشند.

تشکیلات:

(S/NOFORN) مجاهدین خلق که به وسیله یک کمیته اداره می شود که به گروههای سیاسی - نظامی تقسیم شده و به عنوان جوخه های ترور و جناحهای پشتیبانی آموزش داده می شوند. جناحهای پشتیبانی وظایف بیشماری دارند: اطلاعات و نظارت (هدفهای آینده ترور)، تبلیغات (نوشتن و تولید جزوات و گذاشتن آنها در محلهای عمومی) تدارکات (انتخاب، به دست آوردن و حمل و نقل - تدارکات، منجمله قاچاق اسلحه)، تیمهای ارتباط خارجی (برای حفظ روابط با اعضاء و هواداران در اروپا و ایالات متحده)، تیمهای پزشکی (شامل دکترها)، یک تیم انضباط داخلی و یک تیم مالی؛ تماماً به قسمتهای مجزا تقسیم شده اند و عملاً در فعالیتهاشان مستقل هستند.

(S/NOFORN/NOCONTRACT) گمان می رود که تشکیلات گروههای اسلامی زیر مجموعه ای از مجاهدین خلق باشد.

ستادها - پایگاهها:

(S/NOFORN/NOCONTRACT/WNINTEL) این طور که مشخص شده روی خانه های تیمی تکیه می کنند. در سال ۱۳۵۶ به طوری که گزارش شده مجاهدین خلق (همراه با فداییان) تصمیم گرفتند که بعضی واحدهای مستقر در تهران، اصفهان، شیراز و مشهد را منحل کنند. پیشنهاد شد که مجاهدین خلق مجدداً در شهرهای کوچک در شمال و جنوب مستقر

شوند. این پیشنهاد ممکن است فریبی برای گمراهی مقامات بوده باشد. این پیشنهاد به خاطر مشکلاتی که تروریستها در صورت مبادرت به جذب در جوامع

ص: ۱۴۴

محلی احتمالاً با آن روبرو می شدند، مورد تردید قرار گرفت.

(S/NOFORN) یک واحد مجاهدین خلق ممکن است در پاریس وجود داشته باشد.

آموزش:

(S/NOFORN) تعلیمات در لبنان، لیبی، سوریه از طرف سازمان آزادیبخش فلسطین، الفتح و جبهه خلق برای آزادی فلسطین و دیگر گروههای تندرو آموزش داده می شود.

(S/NOFORN/NOCONTRACT/WNINTEL) جمهوری دموکراتیک خلق یمن ادعا نمود که قاتلان غیر نظامیان ایالات متحده در سال ۱۹۷۶ را تعلیم داده است.

(U) ادعای ساواک مبنی بر آموزش مجاهدین خلق در کوبا هرگز مورد تأیید قرار نگرفته است.

تسلیحات:

(S/NOFORN) مجاهدین خلق در دوران تروریستی اش خود کفایی تسلیحاتی را ترجیح می داد و مهماتی منجمله گلوله های ضد زرهی برای تپانچه های خودکار ۶۳ و منفجر شونده های پیکرات با کیفیت بالا برای استفاده در بمب با تکنولوژی پیشرفته، تولید کرده اند مجاهدین خلق مواد منفجره را به مقدار زیاد تولید کرده است، ولی خیلی کم استفاده نمود، بنابراین یک انبار بزرگ ممکن است وجود داشته باشد.

(S/NOFORN) انبار مهمات جنگی مجاهدین خلق شامل: تپانچه های کالیبر ۳۸، دیگر تپانچه ها، تپانچه های نیمه اتوماتیک، صدا خفه کن، تفنگهای ۴۷ - AK تپانچه های خودکار ۹ میلیمتری ۶۳ تپانچه های اتوماتیک ۹ میلیمتری براونینگ، تپانچه های اسپانیایی آسترا و مهمات مربوطه می باشد.

تجهیزات شامل رادیو و بی سیمهای دستی و همچنین دستگاههایی از قبیل اسیلوسکوپ، فرستنده، باطری، رله و مدارهای مجتمع می باشد.

(C/NOFORN) لیبی تسلیحات و مهمات را از طریق کویت و بحرین فراهم نموده است.

امور مالی:

(S/NOFORN) پس از دعوت آیت الله خمینی از مؤمنین برای حمایت از مجاهدین در سال ۱۳۵۱، تجار بازار و افراد متمایل به مذهب و مخالف مادیت، جوهری را از طریق دانشجویان و زائران مکانهای مقدس عراق به خمینی منتقل کردند. (تا مهر ۱۳۵۷ خمینی در شهر نجف عراق مستقر بود). او (خمینی) قسمتی را رد کرد و بقیه را به مجاهدین داد.

(S/NOFORN) کمکهای مستقیم بیشتری به وسیله همان طرفداران خمینی ممکن است به مجاهدین داده شده باشد.

(S/NOFORN) لیبی کمک مالی هم برای خمینی و هم مجاهدین خلق فراهم نمود. بطوریکه گفته شده است سفارت لیبی در بیروت هر سه ماهه ۰۰۰/۱۰۰ دلار برای مجاهدین می فرستد.

(S/NOFORN) مجاهدین گاهی به بانکها دستبرد زده اند.

ص: ۱۴۵

(S/NOFORN) آموزش و کمک از طرف عراق، لیبی، جمهوری دموکراتیک خلق یمن، سوریه و فلسطین در بالا- اشاره شد.

تحلیل واقعه:

(C) تقریباً تمامی ترورهای مجاهدین از نوع مسدود کردن جاده به وسیله اتومبیل بوده است قربانیان به دقت مراقبت می شدند و ساعات و مسیر رفتنشان به سرکار به وسیله تروریستها کاملاً مشخص می گردید. یک تا چهار عامل اجرا در کار دخالت داشتند و تقریباً بدون استثنا فرار کرده اند.

عملیات مهم:

اردیبهشت ۱۳۵۱ (S/NOFORN) مبادرت به ترور یک سرتیپ نیروی هوایی ایالات متحده به وسیله بمب گذاری نمودند.

خرداد ۱۳۵۲ (S) یک سرهنگ دوم ارتش آمریکا را که عضوی از گروه مستشاری نظامی ارتش ایالات متحده بود و به عنوان مشاور مالی وزارت جنگ ایران خدمت می نمود ترور کردند. دو مرد مسلح عملیات را انجام دادند که گمان می رود به تلافی اعدام چریکهای محکوم بوده است.

آذر ۱۳۵۳ (C) یک مأمور ایرانی مسئول در کمیته مشترک ضد تروریسم دولت را ترور کردند (در عملیات مشترک با چریکهای فدایی خلق).

اسفند ۱۳۵۳ (C) سرتیپ رضا زندی پور رئیس کمیته مشترک ضد تروریسم دولت را ترور کردند (در عملیات مشترک با چریکهای فدایی خلق).

اردیبهشت ۱۳۵۴ (U) دو افسر نیروی هوایی ایالات متحده را ترور کردند. صبح زود زمانی که دو آمریکایی به وسیله یک شوفر نظامی ایرانی از خانه شان در شمال تهران به محل کارشان در ستاد نیروهای مسلح ایران برده می شدند (جائی که آنها در گروه مستشاری نظامی کار می کردند)، حمله صورت گرفت.

یک اتومبیل ایرانی جاده را مسدود کرد و در همان حال یک وانت از عقب به اتومبیل افسران کوبید. سه تروریست از اتومبیل و وانت بیرون پریدند و به راننده ایرانی دستور دادند که عقب بکشد. بعد چندین بار از نزدیک آتش کردند و افسران را کشتند و با یک اتومبیل سوم فرار کردند.

خرداد ۱۳۵۴ (C) انجمن ایران و آمریکا در مشهد را بمب گذاری کردند.

تیر ۱۳۵۴ (C) کنسولگری انگلیس در مشهد را بمب گذاری کردند.

(C) یک کارمند ایرانی سفارت آمریکا را ترور کردند (هدف اصلی یک مقام کنسولی ایالات متحده بود). مرداد ۱۳۵۵ (U))  
۳ کارمند غیر نظامی یک پیمانکار دفاعی ایالات متحده را در یک عملیات آدمکشی به وسیله مسدود نمودن جاده مشابه با  
اتفاق مه ۱۹۷۵ ترور کردند، و فقط این بار ۴ تروریست در عملیات شرکت داشتند. - مرکز مهاجرت یهودیان مرتبط با سفارت  
اسرائیل را تحت نظر گرفتند.

ص: ۱۴۶

چریکهای فدایی ۱ شماره سند: ۲۶۸۱ از: سفارت آمریکا تهران محرمانه ۱۳۵۷/۱۲ به: وزارت خارجه واشنگتن دی.سی. تاریخ: ۴ مارس ۱۹۷۹ گزارشگر: استمپل موضوع: ایرانیهای چپ □ مارکسیست □ غیراسلامی و در حال رشد ۱ محرمانه تمام متن ۲ خلاصه: فداییان خلق که شاخه نظامی مخالفین دست چپی انقلاب اسلامی است □ سازمان یافته به نظر می رسد □ ولی هنوز از ضعف رهبری رنج می برد. رنگ و بوی قوی فلسطینی در سازمان فداییان خلق وجود دارد. گروههای کوچکتر کمونیست با یکدیگر منازعه می کنند. ضد آمریکایی بودن گرایش مسلط بر ایدئولوژی است که با تقاضا برای دموکراسی خالص به طور نزدیک دنبال می شود. بعضی پیش بینی نمی کنند که تا هنگام انتخابات مجلس مؤسسان فعالیت عمده ای از جانب چپ صورت گیرد اما فداییان خلق همچنان به طور ثابت بر دولت ایران فشار خواهند آورد.

۳ در گفتگو با چند تن ایرانی مطلع و یک روزنامه نگار غربی که از (مقر) ستاد فداییان خلق دیدن کرده □ مأمور سیاسی برداشتهای زیر را از فداییان خلق و دیگر گروههای مارکسیست که در صحنه ایران پدیدار شده اند پیدا نموده است.

۴ بزرگترین و مهمترین گروه که شماره افراد آن به ۵۰۰۰ در چندین واحد می رسد (شماره به وسیله خودشان به روزنامه نگار داده شده) فداییان خلق است (که قبلاً در گزارش سفارت چریک فدایی خلق معرفی می شد). این سازمان یک دفتر مرکزی در شمال دانشگاه تهران دایر کرده که دارای قسمت مطبوعات و قسمتهای مختلف که امور اداری سازمان را اداره می کند می باشد. روزنامه نگاری که از دفتر دیدن کرد □ تحت تأثیر سازمان اداری قرار گرفته بود □ ولی گفت که رهبری آن به صورت یک مشکل باقی می ماند. هیچ رهبر واحدی یا سری رهبرانی که از خفا بیرون آمده تا فرماندهی به رسمیت شناخته شده سازمان را به دست بگیرند □ وجود ندارد. سرخ پوستهای زیادی هستند ولی رئیس وجود ندارد. (و یا مطابق گفته دیگران که با گروه تماسهایی دارند: رؤسای زیادی هستند □ ولی سرخ پوستی وجود ندارد) ۵ نیروی اصلی فداییان آن دسته افرادی هستند که در سازمان آزادیبخش فلسطین تعلیمات اساسی دیده اند. این موضوع و تمایل به سازمان آزادیبخش در اعلامیه های عمومی آن و تکنیک سازمانیش منعکس می باشد. تعدادی معتقدند که سازمان به طور موفقیت آمیزی در قسمتهایی از جنبش اسلامی نفوذ کرده است. در هفته گذشته دو جریان به عنوان تلاشهای فداییان برای پابرجا ساختن سازمانیش به عنوان یک سازمان مهم سیاسی نمایان بوده اند؛ اولی ضدآمریکایی بودن (که باضدامپریالیسم و ضدصهیونیسم مخلوط گردید) که برای حذف نفوذ سیا و ایالات متحده از ایران کوچک شده است. حداقل دو منبع معتقدند که به خاطر این موضوع سفارت آمریکا دست کم به عنوان هدف سمبلیک این گروه باقی می ماند. امکان حملات بیشتری به سفارت رد نشده است.

فداییان خلق شروع به دایر کردن (یا علنی کردن) شعباتی در جاهای دیگر کشور نموده اند. مطبوعات در ۱۳ اسفند اعلام کردند ستاد فداییان خلق در آبادان دایر شده است.

۶ دومین جریان □ لزوم ادامه انقلاب است تا حصول نتیجه ذاتی آن منجمله برقراری دموکراسی خالص (دموکراسی که به وسیله ایده آل های اسلامی محدود نشده باشد به گزارش دیگری در این باره رجوع کنید). در این مقوله خواستهایی برای جایگزینی گارد ملی انقلابی به جای ارتش □ کنترل صنایع □ بانکها و غیره به وسیله کمیته های خلق و حملاتی به تبعیت دولت از ایدئولوژی اسلامی به عنوان اینکه این ایدئولوژی تنگ نظر می باشد □ شده است.

۷ فداییان خلق و دیگر گروههای چپی □ همچنین تلاشهای ویژه ای در میان دانشجویان دانشگاه به عمل آورده اند. علیرغم ادعاهای رسمی خارج کردن فداییان خلق از دانشگاه تهران □ رابطهای دانشگاهی ایرانی گزارش می کنند که حضور آنها دائمی و اساسی است اگرچه تمایل دارند به اینکه حضورشان را از کانال بحث ایدئولوژیکی دنبال کنند □ تا حضور مسلحانه.

۸ حداقل ۳ گروه قابل شناسایی مارکسیست دیگر فعلاً در صحنه ایران وجود دارند □ اما هیچ کدام جناح مسلح ندارند (حداقل هیچ کدام از آنها که در صحنه ظاهر شده اند). اولی خط قدیمی سازمان توده است که خصوصاً در داخل ایران فعال نبوده است. ظاهراً خیلی از اعضای آن با ظهور توانمندان انقلاب به فداییان خلق پیوستند. دومی حزب کمونیست ایران است (که ادعا می کند از توده جدا است) که در داخل دانشگاهها فعال بوده است و ظاهراً نزدیکی و وابستگی بیشتری از سازمان قدیمی توده به مسکو دارد.

فداییان خلق به اندازه کافی از طرف این گروه آزرده شده بود که در ۱۲ اسفند اعلامیه ای منتشر کرد که می گوید آنها (فداییان) هیچ رابطه ای با حزب کمونیست ایران ندارند و از حزب کمونیست شدیداً. به خاطر ابزار منافع خارجی "بودن انتقاد کرد. کشمکش بین چپها دومین ستیزه آشکارش را در ۱۲ اسفند به خود دید □ وقتی که اعضای حزب کمونیست ایران یا فداییان (در اینجا ابهاماتی وجود دارد) به گروههایی سوم مارکسیست که یکی از مؤسسين آن رضا براهنی است (حزب کارگران سوسیالیست ایران) حمله بردند. حزب مورد حمله گروهی که علایم (یانکی به خانه ات برگرد) و پوسترهایی که می گفت (براهنی باید برود) را در دست داشتند □ واقع شد. دیگران □ حزب کارگران سوسیالیست ایران را شاخه تروتسکیست جنبش مارکسیست می دانند.

۹ چپهای تندروتر به وضوح خودشان را به عنوان یک نیرو در سیاستهای ایران مطرح کرده اند. آنها حتی یزدی معاون نخست وزیر را که به آنها اخطار کرد □ به یاد داشته باشند که انقلاب ایران اسلامی است و حتی اگر مارکسیستها از آزادی فعالیت سیاسی بهره مند می شوند □ نباید به اساس اسلامی انقلاب حمله کنند □ یک هدف قرار داده اند. از لحاظ جنبه های عملی چنان حمله هایی ادامه داشته است و واحدهای فداییان خلق به قرارگاههای پلیس و دیگر تأسیسات به طور منظمی در دو هفته گذشته حمله کرده اند.

عقاید در این مورد که آیفداییان خلق در آینده نزدیک به اقدامی عمده برای به دست گرفتن قدرت دست خواهند زد یا نه □ متفرق است. چند تن از ناظران مطلع معتقدند که فداییان خلق فشار را بر روی دولت ایران حفظ خواهند کرد □ تا هم یک ابزار سودجویی و هم تلاشی باشد در جهت اینکه دولت جدید ایران را نامتعادل نگهدارد و به موفقیتهایی که می تواند دست یابد. با این نظریه فشار اصلی چپها □ بعد از فراندوم و در زمان انتخابات مجلس مؤسسان خواهد بود □ مگر اینکه دولت اسلامی بر اثر ضربه های ایدئویی از هم بپاشد.





چریکهای فدایی ۲ یادداشت محرمانه از: مایکل مترینکو تاریخ: ۱۸ اوت ۱۹۷۹ ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ به: بایگانی موضوع: چریکهای فدایی خلق شب قبل با یک ژنرال بازنشسته که تماسهای نزدیکش را با پرسنل فعال نظامی و پلیس حفظ می کند شام خوردیم. او اظهار داشت چریکهای فدایی به آرامی تهران را ترک کردند و شروع به تمرکز سلاحها و دیگر منابع در سیاهکل در منطقه خزر کرده اند. برطبق گفته ژنرال □ چریکهای فدایی معتقدند که در حال حاضر به طور علنی کار زیادی نمی توانند صورت دهند و یک بار دیگر مخفی می شوند. به این دلیل کامیونهای بارگیری شده از جنگ افزار و دیگر تسلیحات به یک انبار مخفی نزدیک سیاهکل فرستاده شده اند.

ص: ۱۴۹

مجاهدین خلق - ۱ از: سفارت آمریکا - تهران محرمانه برای اقدام به: وزارت خارجه - واشنگتن، دی.سی. تاریخ: ۲۰ مارس ۱۹۷۹-۲۹/۱۲/۵۷ گزارشگر: جی.بی. لامبراکیس موضوع: بافت و وفاداری مجاهدین ۱ - تمام متن محرمانه است.

۲- در مذاکره ۲۸ اسفند سفیر از بازرگان نخست وزیر در مورد ارزیابی (تشخیص) او از بافت و وفاداریهای مجاهدین سؤال کرد. بازرگان شروع به دادن توضیح پیچیده ای به زبان فرانسه نمود که دنبال کردنش برای سفیر و کنسول سیاسی مشکل بود، ولی به نظر رسید که گفت سه یا چهار سال قبل یک شکاف در جنبش مجاهدین وجود داشته است که بعضی از آنها خط صریح مارکسیست را دنبال کردند.

۳- تفرقه بیشتری بعداً در حزب اصلی اسلامی به وجود آمد که به بهترین نحو می تواند به تندروها و میانه روها تعریف شود. این افراد از فداییان متمایز هستند ولی به طور کلی نمایانگر نظرات افراطی هستند و همیشه نهضت بازرگان را حمایت نکرده اند. در حال حاضر هر دو گروه مجاهدین و فداییان می گویند که از جنبش حمایت می کنند ولی بازرگان اشاره کرد که به این موضوع اعتقاد زیادی ندارد.

۴- بازرگان اشاره کرد که فداییان اصلی که در قیام سیاهکل مداخله داشتند عملاً از بین رفته اند.

دیگران بعداً اسم و نسب آنها را گرفتند؛ همان طوری که مجاهدین اسامی خیلی خوب را از گذشته ایران انتخاب کردند.

۵- نظریه: برخلاف یزدی، طالقانی و بعضی دیگر به نظر نمی رسد که بازرگان مجاهدین را به عنوان قسمتی کامل از نهضت خودش بداند. با این حال نیروهای مجاهدین، (۱) در میان سایر وظایف در حفاظت سفارت شرکت دارند و عکس العمل بازرگان سؤالی را درباره نقش دقیق و وفاداری یزدی قائم مقام نخست وزیر در ذهن ما تقویت می کند. یزدی به عنوان یک پل بین دولت و کمیته ها آشکارا در حق خودش مقتدر است و در تأثیر گذاری و حتی دادن دستور به جنبش مجاهدین قادر به نظر می رسد.

مجاهدین خلق - ۲ شماره سند: ۳۹۲۳ از: USIFO - واشنگتن دی.سی. تاریخ: ۱۷ اوت ۱۹۷۹-۲۵/۵/۱۳۵۸ به: سفارت آمریکا - تهران طبقه بندی: ندارد (مطالب سرویس خارجی زیر برای انتشار نیست) همراه با این نامه قطعات برگزیده ای از مقاله روزنامه ۲۵ مرداد کریستین ساینس مانیفور نوشته تونی الاوی با عنوان ستاد چریکهای ایران به وسیله حزب الهی های رقیب تحت نظر قرار گرفت آورده شده است.

بزرگترین جاذبه متداول تماشاگران تهرانی، مقر چریکهای تندرو و مسلمان مجاهدین خلق می باشد. این

ص: ۱۵۰

۱- اصطلاح مجاهدین در بعضی از اسناد □ گذشته از وابستگان مجاهدین خلق به نیروهای مسلح مردمی و خصوصاً افراد کمیته ها اطلاق می شود. مترجم.

آخرین سنگر عمده مترقی است که به وسیله افراطیهای مسلمان حزب اللهی (حزب خدا) تسخیر نشده است.

مجاهدین همیشه مشتاق کسب اعتبار و به دست آوردن نیروهای تازه هستند و به اندازه ای که می توانند در مورد این واقعیت تبلیغ می کنند، اما در حالی که چریکها از هیچ کوششی برای به نمایش در آوردن موقعیتشان فروگذار نمی کنند، این حقیقت آشکار است که حزب اللهی ها مشتاق هستند که آن را به تصرف خود در آورند و ممکن است که هنوز هم تلاش کنند.

تعطیل مذهبی ۲۴ مرداد که یادآور شهادت امام علی (محترم ترین شخص در میان مسلمانهای شیعه ایران) می باشد، به نظر می رسد که نظم زودشکن (شکنده) را پس از دو روز و نیم ناآرامی بین مسلمانها و چپها به پایتخت ایران بازگرداند.

اخطارهای بیشتر دولت برضد تظاهرات بدون مجوز، به نظر رسید که حداقل به طور موقت چپها و مسلمانها را وادار به ترک خیابانها کرد.

اما در خارج مقر مجاهدین (که قبلاً مرکز یک بنیاد خیریه در مرکز تهران بود و به وسیله شاه اداره می شد) صدها دانشجوی هوادار بر روی پیاده رو نشسته بودند و تشکیل یک دیوار انسانی در مقابل هر حمله احتمالی را داده بودند.

مقر به وسیله انتظامات مخصوص مجاهدین با بازوبندهای قرمز مراقبت می شد و بعضی تمام شب را برای محافظت از ساختمان در آنجا مانده بودند. دو آمبولانس در نزدیکی توقف کرده و آماده برای آشفستگی بودند. یک مجاهد با پیراهن سیاه برای یک جمعیت کوچکتر راجع به معنی آزادی در اسلام سخنرانی می کرد.

وانت های کوچک پر از مردانی از مناطق فقیرنشین جنوب تهران (قلب دیار حزب اللهی ها) از جلوی ساختمان گذشتند، احتمالاً موقعیت را ارزیابی می کردند. در داخل که به وسیله یک نرده بلند آهنی و یک دیوار بلند کیسه شن دیگر (بعد از نرده) حفاظت می شد، چریکهای مسلح صبورانه منتظر یک حمله بودند.

یک مقام به صورتی احساساتی گفت ما در یک وضعیت محاصره هستیم. «ما اگر لازم باشد می جنگیم.» حزب الله منتظر است تا ما را غافلگیر کند. ولی ما مصمم هستیم که بایستیم. این فقط یک جنگ برای یک ساختمان نیست بلکه کوششی است برای آزادی حقیقی و ما آماده هستیم، برای این بمیریم.

این را بعداً خواهیم دید، ولی نیروی آشکار آنها می تواند حزب اللهی را از حمله باز دارد. هم چنین علائمی وجود دارد که دولت نیز از آدم کشی افراطیهای مسلمان کمی خسته شده است.

تحویل گرفتن مکان چپها در ۱۳ اوت ممکن است هدفی را برای دولت در برداشته است، یا دست کم برای روحانیون تندخوی ضد کمونیست در رأس قدرت ایران. اما در انجام این چماقداریهها و چاقو کشیها، حزب اللهی های متعصب تبلیغات ارزشمندی از کیسه گروه مسلمان به جبهه مترقی چپ داده اند. در حال حاضر، حمله به یک گروه که به اسلام ولو با یک تفسیر رادیکال معتقد است و رهبر مذهبی آیت الله روح الله خمینی را حمایت می کند، گاهی به قیمت اعتبار آن (حمله) فقط به خجالت مقامات (رسمی) اضافه خواهد کرد.

در ۱۴ اوت همین قدر به وسیله سخنگوی دولت، صادق طباطبایی اشاره شد که، او برای یک تغییر، از سرزنش کردن چپی ها برای تمام آشفتگی به حمله به حزب اللهی ها تغییر موضع داد.

ص: ۱۵۱

او گفت، آنها (حزب الهی ها) به وسیله جاسوسان شاه و صهیونیسم بین الملل در یک توطئه ضد انقلابی هدایت می شده اند تا اسلام را به بی احترامی بکشانند.

او گفت «شنیده شده است که بعضی از چماقداران مسلمان بر سر مردم ریخته اند و آنها را کتک زده اند» آنها همان چماقدارانی هستند که به اسم دفاع از اسلام وارد صحنه شده اند ولی در حقیقت اسلام را نابود می کنند... (پایان مطالب برگزیده) مجاهدین خلق - ۳ سرهنگ دوم معزی یکم فروردین ۲۵۳۶ فرمانده اسکادران ۷۰۷ هنگ اول ترابری نیروی هوایی شاهنشاهی ایران به مناسبت پنجاهمین سالگرد سلسله پهلوی، نیروی هوایی شاهنشاهی ایران مرحله مهم دیگری در زمینه خدمات و دستاوردهای برجسته خود را پشت سر گذاشته است.

هنگ اول ترابری موفق شده است واجد شرایط بودن خدمه و تکامل آنها را در فهرست موجودی پیشرفته ترین اسکادران هواپیمای سوخت رسان و باری در جهان تحقق بخشد.

این پلاک به یادبود این حادثه و با پاس مناسبات نزدیک بین هنگ اول ترابری نیروی هوایی شاهنشاهی ایران و هیئت پشتیبانی لجستیکی تقدیم می شود.

مبارک باد آی. آر. استور مدیر عملیات وی. ال. کاسل نایب رئیس مدیر کل توضیح سند شور انقلابی که در ملت شریف ایران، بعد از اشغال لانه جاسوسی و افشاء حرکت‌های شیطان بزرگ و مهره هایی که در این جریان برای آمریکا خوش رقصی کرده اند، رشد پیدا کرد، موجب آن شد که در هر جایی، مؤمنین پاکباز و شیفته انقلاب اسلامی در پی قطع ریشه ها و رسوا نمودن ایادی آمریکای جنایتکار برآیند و بدین ترتیب اسنادی را جمع آوری کرده و به لانه جاسوسی تحویل می دادند.

از جمله این اسناد، لوحه ای است که به توسط پرسنل مسلمان و فداکار پایگاه یکم و هفتم ترابری به لانه جاسوسی فرستاده شده بود.

این سند، لوحه قدردانی است که از طرف مستشاری نظامی آمریکا در ایران و به مناسبت پنجاهمین سالگرد سلسله منفور پهلوی به بهزاد معزی داده شده بود. معزی در طی یکی از مانورهای سوخت رسانی نیروی هوایی ایران، به عنوان فرمانده اسکادران در هنگ اول ترابری، بهترین کیفیت کار را ارائه داده است.

با اوج گرفتن انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی، معزی به عنوان خلبان مخصوص شاه جنایتکار، وظیفه شناسی خود را ثابت کرد و او را از چنگ این ملت شریف، به دامان ارباب طغیانگرش

معزی پس از انقلاب نیز با فراری دادن دو نفر دیگر از ایادی آمریکا، وظیفه شناسی خود را به طور کامل به ثبوت رساند. به هر جهت این سند، گویای سوابق مبارزاتی این مجاهد خلق است! سند شماره یکم پرسنل پایگاه یکم و هفتم ترابری بنام خدای بزرگ و کوبنده جباران و یاری دهنده مستضعفین ۱- این تابلو که سندیست تقدیمی از جانب پرسنل مسلمان پیرو خط امام در پایگاه یکم و هفتم ترابری به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، جهت افشا نمودن وابستگی سرهنگ خلبان بهزاد معزی که مورد تأیید ساواک و ضداطلاعات ارتش و سازمان سیا و موساد بوده و به همین دلیل هم خلبان مخصوص شاه خائن بوده به امپریالیزم آمریکا و خاندان منفور پهلوی که هم اکنون فرمانده پایگاه هفتم ترابری مستقر در شیراز می باشد.

۲- این سند را که تقدیری است از جانب امپریالیزم آمریکا به سرهنگ بهزاد معزی به مناسبت پنجاهمین سالگرد حکومت فاسد پهلوی. سند شماره یک افشاگری پرسنل مسلمان پیرو خط امام پایگاه یکم و هفتم ترابری می نمایم. (۱)

## حزب توده

ص: ۱۵۳

---

۱- این مطلبی است که پرسنل مؤمن پایگاه یکم و هفتم ترابری هنگام ارائه این سند لانه جاسوسی به عنوان شرحی بر آن نوشته اند. در زمانی که این سند تحویل لانه جاسوسی شده بود □ بهزاد معزی در سمت فرماندهی پایگاه هفتم ترابری شاغل بود.

تاریخچه مختصر حزب توده) ژوئن ۱۹۵۰ برابر با خرداد ۱۳۲۹ هسته مرکزی حزب توده در اوائل سال ۱۲۹۹ آشوب و هرج و مرج در شمال ایران حکمفرما بود. یک گروه هفتصد نفری از کمونیستها از باکو با دو هواپیما به رشت حمله کردند و قصد داشتند جمهوری سوسیالیستی گیلان را تشکیل دهند. در آن زمان مشیرالدوله که یک میهن پرست بود، زمام امور را در دست داشت. او سردار فاخر حکمت را مأمور رشت کرد تا کنترل دولت را در آنجا مجدداً برقرار کند. سردار فاخر موفق شد میرزا کوچک خان را که یک انقلابی بود و بعداً علیه احسان الله خان و سایر کمونیستها جنگیدم به سوی خود جلب کند. احسان الله، خان بود که کمیته جوانان کمونیست ایران را تشکیل داد.

روز ۱۶ شهریور ۱۲۹۹ نخستین کنگره کمونیستی ملل شرق در باکو تحت ریاست زینونف تشکیل شد. نماینده کمونیستهای ایران در این کنگره حیدرخان عمواغلی بود که درباره برانگیختن انقلاب در ایران، افغانستان، عراق، هند و عربستان علیه انگلیسها صحه گذارد.

در حوالی اواسط سال ۱۲۹۹ یک نیروی دو هزار نفری از کمونیستها که بیشتر آنها گرجی و ارمنی بودند، تحت فرماندهی خازانف به شمال ایران حمله بردند. آنها عده ای از اشخاص ثروتمند را غارت کرده و با غنائم خود به باکو بازگشتند. چنین یورشهایی هرچند وقت یک بار تا سال ۱۳۰۰ ادامه داشت.

کودتا روز ۳ اسفند ۱۲۹۹ سردار سپه (رضا شاه معدوم) بعنوان فرمانده کل در حکومت سید ضیاء به قدرت رسید.

در جریان سه ماه فرمانروایی سید ضیاءالدین طباطبایی در ازاء شناسایی حکومت شوروی از سوی ایران روسها از پشتیبانی خود از کمونیستهای ایران باز ایستادند. نیروهای دولتی به آهستگی ولی با اطمینان کمونیستها را مغلوب کردند و بعضی از آنها از مرز گذشته و به روسیه رفتند.

کمونیستها را مغلوب کردند و بعضی از آنها از مرز گذشته و به روسیه رفتند. از آن زمان به بعد مناسبات ایران و شوروی وارد مرحله جدیدی شد، به شوروپها بعضی امتیازات از سوی سردار سپه داده شد و آنها پشتیبانی خود را از کمونیستهای ایران پس گرفتند.

تا سال ۱۳۰۷ فعالیتهای کمونیستی در ایران نبود. آن گاه یک تبعه شوروی برای یک «مأموریت علمی» به ایران فرستاده شد. طبق اسناد رسمی او برای تجدید سازمان حزب کمونیست در این کشور که به حالت بی فعالیتی در آمده بود به ایران آمده بود. او موفق شد «اتحادیه کارگران ایران» را که بعداً حزب کمونیست «نامیده شد تشکیل دهد». در اواخر ۱۳۰۷ کنگره کمونیستهای ایران و ترکیه در رضاییه به طور مخفیانه تشکیل شد. حسین اف از سوی این کنگره به نمایندگی ایران در نهمین کنگره بین المللی در مسکو منصوب شد.

پلیس ایران به صفوف این سازمان جوان کمونیستی در ایران رخنه کرده بود، ولی قانونی برای سر و کار داشتن با کمونیستها، به نحو صریح و مؤثر وجود نداشت.

در اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ مجلس یک قانون هفت ماده ای را تصویب کرد که به موجب آن اشخاصی که





به گروه‌های ضد سلطنت یا کمونیستی تعلق دارند، به سه تا ده سال حبس محکوم می‌شوند.

باند ۵۳ نفر دکتر ارانی که رشته پزشکی را در ایران به پایان رسانده بود، رهسپار آلمان شد و در آنجا مطالعه عمیقی درباره تعالیم مارکسیستی و کمونیستی انجام داد. او در سال ۱۳۰۹ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۱۳ مجله «دنیا» را منتشر کرد که در آن نظریات کمونیستی مارکس و انگلس مورد بحث قرار می‌گرفت. این مجله دارای چنان سطح متعالی بود که مدتی وقت لازم بود تا پلیس ایران جهت گیری آنرا کشف کند.

دکتر ارانی همراه با پنجاه و دو نفر دیگر دستگیر و به مدتی زندان، از سه تا ده سال، محکوم شدند. روز چهارده بهمن ۱۳۱۸ (فوریه ۱۹۳۹) دکتر ارانی به وسیله تزریق آمپول هوا کشته شد و ۵۲ نفر دیگر بعداً آزاد شدند.

در نتیجه هشیاری و بیداری پلیس مخفی ایران و شیوه بیرحمانه‌ای که رضا شاه با مردمی که حتی مظنون به داشتن عقاید کمونیستی بودند رفتار می‌کرد، سازمان کمونیستی که شایستگی نام کمونیست بودن را داشته باشد، در طی سلطنت رضا شاه وجود نداشت. کمونیست‌هایی که وجود داشتند وقت خود را پشت میله‌های زندان می‌گذراندند.

حزب توده در سال ۱۳۲۰ سربازان انگلیسی و شوروی ایران را اشغال کردند و رضا شاه به نفع پسرش، شاه کنونی، استعفا کرد. مقامات شوروی، مرحوم فروغی، نخست وزیر وقت را تحت فشار قرار دادند تا زندانیان سیاسی را عفو کند.

۵۲ کمونیست همراه با چهل نفر دیگر هسته مرکزی حزب توده ایران را در شهریور ماه ۱۳۲۰ تشکیل دادند.

تنها شخص مهمی که در میان آنها بود یک شاهزاده قاجار به نام سلیمان میرزا محسن اسکندری بود.

در مدت کوتاهی حزب توده سازمانهای کارگری، کشاورزان، زنان و جوانان را تشکیل داد و به پیروی از «جبهه متحد کمونیستی» فعالیت‌های خود را از طریق همکاری با سایر گروه‌ها و احزاب از قبیل حزب ضد فاشیست مصطفی فاتح که می‌خواست حزب توده را تحت کنترل خود درآورد، گسترش داد. روزنامه مردم «که ارگان حزب مصطفی فاتح بود بعداً ارگان حزب توده شد. مدت کمی بعد این حزب یک اتحادیه مطبوعاتی به نام «جبهه آزادی» تشکیل داد که هفتاد درصد از روزنامه‌ها را در آن زمان تحت کنترل خود داشت. در سال ۱۳۲۱ حزب توده هشت کرسی در مجلس داشت.

حزب دمکرات آذربایجان در حالی که حزب توده یک حزب سراسری ایران بود که از اندیشه‌های کمونیستی هواداری می‌کرد، شورویها لازم تشخیص دادند که برای تأسیس یک رژیم پوشالی در آذربایجان ایران بکوشند. برای این منظور آقای جعفر پیشه‌وری که اعتبارنامه وی در مجلس چهاردهم مردود شناخته شد و رهبری گروه چپگرای کاوه را به عهده داشت انتخاب شده بود.

پیشه‌وری قبلاً همراه با شبستری در باکو با مقامات بلند پایه جمهوری قفقاز تماس گرفته بود.

پیشه‌وری با کمک قلی اوف کنسول شوروی و سایر مقامات شوروی در تبریز شالوده حزب دمکرات



آذربایجان را ریخت. این حزب مبلغ خودمختاری آذربایجان و شناسایی زبان ترکی به عنوان زبان رسمی این ایالت بود.

روز ۲۱ شهریور ۱۳۱۹ حزب دمکرات یک مجلس مؤسسان تشکیل داد. پیشه وری رئیس این دولت خودمختار و شبستری نفر دوم آن بود.

در این مرحله شورای متحده مرکزی حزب توده وابستگی خود را به حزب دمکرات اعلام داشت.

روز ۲۲ آذر ۱۳۲۳ دمکراتها تبریز و سایر پادگانها را تصرف کردند. پیشه وری کابینه نه نفره خود را به مجلس مؤسسان آذربایجان معرفی کرد.

در دی ۱۳۲۵ قوام به عنوان نخست وزیر زمام امور را به دست گرفت و در این زمان حکومت مرکزی هیچ گونه اعتباری در آذربایجان نداشت. ارتش شوروی در گیلان و مازندران به نهضت‌های مشابهی کمک می کرد. حزب توده اکنون در اوج قدرت خود، به ویژه در شمال، بود. این حزب «حزب میهن» و گروه طبرستان که به وسیله احسان طبری رهبری می شود را در کنترل داشت، در چنین اوضاع و احوالی بود که قوام به مسکو سفر کرد.

قوام پس از بازگشت به تهران در اسفند ۱۳۲۴ به عناصر و نهضت‌های چپگرا آزادی عمل داد. وی قراردادی با شورویها منعقد ساخت که شامل ماده ای بود درباره حل و فصل «مسئله آذربایجان که یک امر داخلی است».

قوام سه وزیر کمونیست را در کابینه خود راه داد که عبارتند از: دکتر کشاورز، دکتر یزدی و دکتر اسکندری که سمت وزیران فرهنگ، بهداری و پیشه و هنر را به عهده داشتند تا «اصلاحات» لازم را انجام دهند.

در ضیافتی که از طرف حزب توده در باشگاه آنها با حضور نخست وزیر و وزیران و رئیس مجلس تشکیل شده بود ایرج اسکندری در جریان نطقی اظهار داشته بود: «ما یک میلیون عضو و سه وزیر در کابینه داریم. سال دیگر ما ۱۰ میلیون عضو و تمامی کابینه را خواهیم داشت.» شخصی که در کمک به قوام برای سر و کار داشتن با این گونه مسائل به ویژه مؤثر بود، مظفر فیروز بود، که اعتقادات او به عنوان یک «کمونیست خوب» شدیداً باید مورد پرسش قرار گیرد.

در آذر ۱۳۲۵ ژنرال رزم آرا معدوم حمله نیروهای دولتی علیه شورشیان به فرماندهی غلام یحیی، فرمانده کل نیروهای دولتی آذربایجان را طرح ریزی کرد. ظرف ۱۰ روز شورشیان در هم شکسته و حزب دمکرات از هم متلاشی شد.

در تهران و همه شهرهای جنوبی و شمالی، مردم باشگاههای حزب توده را به تاراج برده و آنها را به آتش کشیدند. دو اعلامیه که پشت سر یکدیگر به وسیله حزب در این زمان منتشر شد، نشان دهنده اختلافی بود که در داخل حزب روی داده بود.

عده ای از اعضای حزب توده به رهبری احسان طبری بر این عقیده بودند که حزب باید فعالیت خود را درباره طبقات تحصیلکرده متمرکز کند در حالی که دیگران معتقد بودند، فعالیت باید در حول و حوش کارگران باشد.

آل احمد، مهندس ناصحی، ملکی، انور خامه ای، فیروز شهابپور و مهندس زنجانی می کوشیدند تا «طبقه حاکمه» حزب را

سرنگون کنند.

ص: ۱۵۶

در اردیبهشت ماه ۱۳۲۶، رادیو باکو و رادیو مسکو منحرفین را مورد حمله قرار داده و آنها را به مزدوری انگلیس متهم کردند. روز ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ (فوریه ۱۹۴۸) سوءقصدی علیه شاه به وسیله یک نفر که گویا عضو حزب توده بود صورت گرفت و حزب توده از سوی دولت غیرقانونی اعلام شد. عده زیادی از رهبران توده دستگیر و بازداشت شدند. (مهمترین اعضاء این عده توانستند در جریان نخست وزیری رزم آرا فرار کنند).

از فروردین ماه ۱۳۲۸ حزب توده فعالیت زیرزمینی خود را آغاز کرد. روزنامه «مردم» ارگان حزب توده روزهای شنبه با تیراژ ده هزار نسخه در سراسر کشور منتشر شد. عقیده بر این بود که حزب در تهران ۲۰۰۰۰ نفر عضو دارد.

حزب توده دارای تعداد قابل ملاحظه ای سمپات و اعضاء رسمی در وزارت فرهنگ، وزارت دادگستری، وزارت دارایی و وزارت کشور بود.

تعداد قابل ملاحظه ای از اعضاء حزب توده در بخش بهداشت وزارت بهداری بودند که برای فعالیتهای مبارزه با مالاریا و فعالیتهای مشابه به شهرستانها اعزام می شدند. این عده از این مأموریتها به نفع حزب توده بهره برداری کرده و در میان کشاورزان تبلیغات کمونیستی انجام می دهند. این موضوع درباره بخش جنگلداری نیز صدق می کند. تعداد بسیار زیادی از لوکوموتورانان و ترمزبانان راه آهن دولتی ایران از اعضاء شورای متحد مرکزی هستند. این حزب نفوذ زیادی در سیلو و کارخانجات ونک و انحصار دخانیات دارد که بخش بزرگی از کارگران آن از اعضاء حزب توده هستند.

طبقه بندی اعضا:

اعضای حزب توده به طور کلی به گروههای زیر تقسیم می شوند:

الف) کارگران صنعتی ب) کارگران صنعتی و متفرقه ج) پیشه وران د) کشاورزان ه) طبقات روشنفکر بعضی از سازمانهایی که به عنوان وابسته به حزب توده شناخته شده اند عبارتند از:

۱) سازمان دانشجویان دانشگاه تهران ۲) سازمان دانش آموزان دبیرستانهای تهران ۳) انجمن مبارزه با بی سوادی ۴) جمعیت طرفداران صلح ۵) سازمان زنان ۶) جمعیت مبارزه با شرکتهای نفتی امپریالیستی ۷) جمعیت حقوقدانان دمکراتیک و جمعیت روزنامه نگاران دموکراتیک ۸) سازمان دهقانان ۹) محفل جوانان دمکرات ۱۰) جمعیت کمک به کشاورزان

ص: ۱۵۷

۱۱) شورای متحده مرکزی (۱۲) باشگاه ورزشکاران دمکرات (۱۳) جمعیت آذربایجانیان (۱۴) جمعیت فارغ التحصیلان دانشسرای عالی سازمان دانشجویان دانشگاه این یک سازمان بسیار خوب سازماندهی شده است که به ویژه در دانشکده های پزشکی و حقوق نفوذ دارد. این سازمان با تبلیغ تعلیمات رایگان دانشگاهی جهت دانشجویان بی بضاعت و تقاضای اصلاحات مختلف دیگر چند صد دانشجوی دانشگاه را علاوه بر آنهایی که قبلاً از اعضای سازمان دانش آموزان ایران بوده اند، به طرف خود جلب کرده است. بعضی از آنها به عنوان دانشجوی دانشگاه به هر صورت احتمالاً در آینده سمتهای مسئولی به دست آورده و خدمات قابل ملاحظه ای به حزب خواهند کرد.

جمعیت مبارزه با بی سوادی این جمعیت در نقاط مختلف تهران و در دهات و شهرستانها کلاسهای برای با سواد کردن اشخاص بالغ دائر کرده است. همراه با تعلیم سواد به نوآموزان تبلیغات متناسب به آنها از سوی «آموزگاران» که در کلاسهای کادر حزب برای این منظور آموزش دیده اند، داده می شود. از آنجایی که بی سوادی مورد شناسایی هر حکومتی است که ممکن است روی کار آید، این جمعیت تا اندازه ای از «مصونیت» برخوردار است و می تواند فعالیتهای خود را آزادانه انجام دهد.

جمعیت مبارزه با شرکتهای نفتی امپریالیستی این جمعیت در سال ۱۳۲۹ تأسیس شده است تا حزب توده بتواند سهم منصفانه خود را در «نهضت ملی نفت» به رهبری جبهه ملی داشته باشد. طبق اطلاعاتی که در دست است این جمعیت شش هزار عضو دارد.

سازمان زنان این سازمان به ویژه موفق بوده است زیرا از تظلمات زنان تحصیلکرده در ایران به نحو کاملی بهره برداری کرده است. این سازمان از حقوق مساوی برای زنان در همه شئون زندگی و به ویژه حق رأی در انتخابات طرفداری کرده است. تعداد زیادی از دختران و زنانی که در ادارات دولتی کار می کنند یا در مدارس تدریس می کنند به این سازمان تعلق دارند.

جمعیت حقوقدانان دمکراتیک این جمعیت عده ای از شخصیتهای سرشناس قضایی را در برمی گیرد، که هنگامی که اعضاء حزب گرفتاریهای قضائی دارند می توانند سودمند باشند.

جمعیت روزنامه نگاران دمکرات این جمعیت در کارهای مطبوعاتی و تبلیغاتی سودمند است.

جمعیت طرفداران صلح این جمعیت سرگرم جمع آوری امضاء برای صلح در پشتیبانی از انعقاد یک معاهده صلح در میان پنج

قدرت بزرگ بوده است. این جمعیت تظاهراتی بر علیه جنگ در محکوم کردن آمریکاییها و انگلیسیهای جنگ افروز و معرفی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان مدافع صلح جهانی ترتیب داده است. این جمعیت به جمعیت‌های صلح کشورهای دیگر نمایندگانی فرستاده و از این جمعیتها نیز نمایندگان پذیرفته است.

همچنین کاروانهای صلح به نقاط مختلف جهت کارهای تبلیغاتی فرستاده است.

سازمان دهقانان اعضاء آموزش دیده حزب توده به دهات مختلف اعزام شده و مناسبات بین کشاورزان و مالکان را به نحو جامعی مطالعه می کنند. تظلمات دهقانان آنگاه مورد بررسی قرار می گیرد و اعضاء جدید از میان خود دهقانان که برای تشکیل هسته مرکزی حوزه های دهقانان پرورش یافته اند به کار گرفته می شوند.

دهقانان توده ای دهکده رباط کریم عرصه را بر افراد سینمای سیار آمریکا چنان تنگ کرده بودند که آنها ناگزیر محل را ترک کردند. این جمعیت اصل «سربازگیری» جوانان را دقیقاً مراعات می کند.

جمعیت آذربایجانیان که در تهران تشکیل شده اکنون دارای ۲۵۰۰ نفر عضو است و علی آذری سر دبیر روزنامه «پیک امروز» کانديد آنها برای نمایندگی مجلس از تبریز است. این جمعیت قصد دارد بزودی شعبه ای در تبریز ایجاد کند. این جمعیت جایگزین حزب دمکرات آذربایجان است.

جمعیت فارغ التحصیلان دانشسرای عالی این جمعیت نشریه ای از خود به نام «مهرگان» دارد.

یکی از عوامل اصلی که به موفقیت حزب توده در جمع هواداران جدید کمک کرده است، اصل انتخاب مرد صحیح برای کار صحیح بوده است. یک عضو روشنفکر حزب با سایر اعضای روشنفکر مورد انتظار سرو کار دارد. اعضای آموزش دیده حزب که خودشان کارگر بوده اند (مانند علی امید) با طبقات کارگر که زبان آنها را خوب درک می کنند سرو کار دارند. در میان صفوف رهبری کننده حزب توده اشخاصی که خود بزرگ بینی سیاسی داشته باشند، وجود ندارد.

بعضی از نقشه های آینده حزب توده سازمان دانشجویان دانشگاه تهران به زودی دانشجویان دانشگاههای تبریز، شیراز و مشهد را در بر خواهد گرفت و کنگره دانشجویان دانشگاههای ایران را تشکیل خواهد داد. سازمان جوانان حزب توده به «نهضت دفاع از حقوق جوانان» تبدیل خواهد شد، به طوری که جوانان از هر طبقه و گروه بتوانند در یک سازمان گرد هم آیند.

در پایان باید اضافه کرد که شورویها از طریق عامل خود ملا مصطفی بارزانی اکنون که در روسیه است، توجه ویژه ای به کردها داشته اند. به کردها به دلیل همکاریهای آنها وعده خودمختاری داده شده است.

سازمانهای توده ای که در قلمرو کمیته مرکزی سازمان جوانان قرار گرفته اند.

۱- سازمان فرهنگی ارمینهای ایران ۲- سازمان فرهنگی آشوریهای ایران ۳- سازمان فرهنگی کردهای ایران سازمانهایی که تحت قلمرو کمیته سازمانی تهران و حومه قرار می گیرند و تابع کمیته مرکزی هستند:



۱- جمعیت آزادی ایران ۲- اتحادیه کوهنوردان ۳- اتحادیه هنرپیشگان (زن و مرد) ۴- جمعیت روزنامه نگاران مبارز ۵- جمعیت آذربایجانیان

ص: ۱۵۹

سازمانهای کارگری وابسته به حزب:

۱- اتحادیه کارگران سینماها ۲- اتحادیه مستقل لوله کشها ۳- اتحادیه کارگران ساختمان ۴- اتحادیه نانوهای تهران ۵ - اتحادیه مستقل خیاطها ۶- اتحادیه نقاشها ۷- اتحادیه کارگران کارخانه چیت سازی ۸ - اتحادیه کارگران کارخانه شماره ۵ ونک ۹- اتحادیه کارگران انحصار دخانیات ۱۰- اتحادیه کارگران چاپخانه ها ۱۱- اتحادیه انبار چای سازمان برنامه ۱۲- اتحادیه کارگران خشک شویی و رنگرزی تهران ۱۳- اتحادیه کارگران سیلوی تهران ۱۴- اتحادیه مکانیکها ۱۵- اتحادیه سوزنبانان و کارمندان راه آهن همه اینها در قلمرو سازمانی به نام ائتلاف اتحادیه کارگران تهران قرار می گیرند.

سایر اتحادیه های توده ای:

۱- اتحادیه پرستاران ۲- جمعیت کمک به کودکان ۳- اتحادیه کارمندان دولت ۴- اتحادیه تلگرافچی های تهران ۵ - اتحادیه کارگران بهداری بخش بهداشت.

سازمانهای بین المللی که حزب توده با آنها ارتباط دارد ۱- جمعیت (بین المللی) حقوقدانان دمکراتیک در پاریس ۲- کمیسیون اعلامیه حقوق بشر در پاریس ۳- دبیرخانه فدراسیون اتحادیه های جهانی در وین

ص: ۱۶۰

رهبران حزب توده ایران - تهران ۲۴ ژوئن ۱۹۵۰ ۱۳ ژوئیه ۱۹۵۰ خرداد ماه ۱۳۲۹ ایرانیانی که تماس نزدیکی در میان دانشجویان در دانشگاه تهران دارند ۱- سازمان حزب توده در آذربایجان الف) رهبران: دو نفر از رهبران زیرزمینی در حال حاضر به شرح زیر تشخیص هویت شده اند:

(۱) علی شمس. صاحب کارخانه ریسندگی در تبریز (۲) غفاری. (یادداشت حوزه فعالیت - در ایران اعضاء خانواده غفاری مرکب از صدها نفر است فردی که در اینجا به نام غفاری توصیف شده است، هنوز هویتش معلوم نگشته است).

ب) اعضاء حزب در یک خانه واقع در همسایگی دفتر اطلاعات شوروی کوچه دان در تبریز در طرف مقابل خیابان پهلوی اجتماع می کنند.

ج) تعداد اعضاء را نمی توان مشخص کرد. طبق تبلیغات دمکراتهای آذربایجان اعضاء حزب توده در آذربایجان به چند هزار نفر که دارای کارت عضویت هستند بالغ می شود. معذالک به عقیده یک منبع تعداد اعضا از ۲۰۰۰ نفر تجاوز نمی کند.

د) شایعاتی در تبریز و تهران در جریان است مبنی بر اینکه دمکراتهای آذربایجان که اکنون در روسیه شوروی هستند قصد دارند، بخشهای شمالی آذربایجان ایران را با به کمک اعضاء حزب توده آذربایجان در طول پاییز امسال، تسخیر کنند.

۲- سازمان حزب توده در تهران الف) رهبران:

(۱) دکتر تقی رضوی. او یکی از رهبران مهم زیرزمینی حزب توده است و امور حزبی را به ترتیبی اداره می کنند که سوءظن پلیس سیاسی تهران را جلب نکند. این شخص زمانی پزشک دربار شاهنشاهی بود و سپس مشاور پزشکی یک شرکت بیمه ایرانی بود. او به علت افکار رادیکال خود از کارش برکنار شد. او سالها عضو حزب توده بوده است. او اکنون یک کلینیک شخصی در تهران دارد.

(۲) بزرگ علوی. یک رهبر برجسته زیر زمینی حزب توده که با گروههای سیاسی غیر حزب توده در کشور تماس نزدیکی دارد.

(۳) خانم مریم فیروز. یک زن ثروتمند که به پشتیبانی مالی از فعالتهای حزبی کمک می کند. معذالک او در وضع دشواری قرار گرفته، زیرا تحت مراقبت پلیس واقع شده است. در عین حال وی با رهبران حزب توده تماس برقرار کرده و ترتیب اجتماعات سری را در خانه خود می دهد. او گاهی به عنوان پیک بین اعضاء حزب مورد بهره برداری قرار می گیرد و اغلب اسناد حزبی را در کیف دستی خود حمل می کند.

(۴) صادق هدایت. یک نویسنده سرشناس ایرانی همچنین به طور غیرمستقیم در فعالتهای حزب توده شرکت داشته و گاهی در جلسات آن شرکت می کند.

ب) محل جلسات حزبی در تهران (۱) مقر حزب در کوچه فرعی خیابان خاکی حشمت الدوله، خیابان سی متری قرار گرفته است.



(۲) درست مقابل این کوچه فرعی که فوقا اشاره شد پاساژ کوچکی وجود دارد. در یکی از خانه های واقع در پاساژ خانه کوچکی است که جلسات سری در آن تشکیل می شود. این خانه مریم فیروز است.

(۳) خانه دکتر رضوی که فوقا مطرح بود در خیابان کاخ نزدیک سه راه شاه است.

(۴) همچنین یک محل ملاقات در شمیران قرار گرفته که نشانی آن معلوم نیست.

ج) سازمان حزب توده دارای یک اتومبیل شخصی با پلاک ۲۰۰۴ سیاه از مدل سدان است. این اتومبیل اغلب دیده می شود که به یزد مسافرت می کند و عقیده بر این است که این اتومبیل مورد بهره برداری پیکهای حزب قرار می گیرد که با اعضای حزب که به آن شهر تبعید شده اند، تماس حاصل می کند.

د) جلسات حزبی شب هنگام تشکیل می شود و در هر بار بیش از سه یا چهار نفر در آن شرکت نمی کنند.

۳- ستاد زیر زمینی حزب توده در تهران تماس نزدیکی با سازمان تبریز دارد، که سازمان تبریز نیز به نوبه خود با مقامات شوروی از طریق مرکز اطلاعات شوروی در تبریز تماس دارد.

۴- لازم به توجه است که حزب توده در آذربایجان با حزب دمکرات آذربایجان یکی است.

حزب توده - ۲ حزب کمونیست ایران سری تهران - ایران (بخش ارامنه) تا قبل از ۶ دسامبر ۱۹۵۰ (۱۵ آذر ۱۳۲۹) بازرگانان تهران که دارای ارتباطات خوب در محافل ارامنه هستند ۱- هنگامی که حزب توده به فعالیت زیرزمینی روی آورد سازمان آن از مرکزیت درآمد و کادرهای آن دوباره گروه بندی شد. حوزه های بزرگ که برای کارهای غیرقانونی نامناسب بود و خبرچین ها به آسانی در آن رخنه می کردند به توسط «گروه های پنج نفری» جایگزین شد، این گروه ها و رهبران آنها از یکدیگر اطلاعی ندارند و بدین ترتیب یک نوع امنیت را تضمین می کنند. ۱۰ «گروه پنج نفری» از طریق رهبران خود تابع یک «رهبر ده گانه» هستند. و پنج «گروه ده گانه» تابع یک «رهبر پنج» هستند. چهار «گروه پنج» به نوبه خود تابع یک رهبر منطقه ای هستند که بدین ترتیب نماینده یک هزار عضو است و در مقابل کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران مسئول است. در کمیته مرکزی همه بخشهای ملی نماینده دارند، بخش ارامنه در تهران دارای ۲۰۰ عضو است. کمیته مرکزی دستورات خود را از اتحاد شوروی یا به طور مستقیم و یا از طریق مردی که بطور ویژه در سفارت شوروی تعیین شده است می گیرد.

۲- فعالیت های «گروه ها» اساسا همان فعالیت هایی هستند که در زمانی که حزب قانونی بود، انجام می گرفت. یعنی اجتماعات و سخنرانیها درباره برنامه های حزب، تاریخ، تبلیغات به منظور بیدار نگه داشتن آگاهی طبقاتی و رهنمودهای سیاسی در مبارزه، خط مشی حزبی نسبت به مسائل مختلف روز.

کادرها در معرض خطرات غیر لازم قرار نمی گیرند و به عنوان یک نیروی متشکل، برای اینکه هنگام لزوم رهبران توده ها باشند، نگه داشته می شوند.

۳- کارهای اطلاعاتی و ارتباطاتی، مستقل از سازمان حزبی بوده و به وسیله اشخاص ویژه ای که با



اعضاء مختلف سفارت شوروی ارتباط دارند، انجام می شوند. اشخاص نامبرده در زیر مضمون به آن هستند که به عنوان عامل برای سفارت شوروی ایفای نقش می کنند.

دکتر م. پاتواکانیان - تهران دکتر کاسپار ها کوپیان - تهران دکتر س. ماگاشیان - اصفهان این اشخاص در نتیجه حرفه خود به آسانی قابل دسترس بوده و همچنین می توانند بدون اینکه توجه کسی را جلب کنند با هر کسی که بخواهند ملاقات کنند. تماسهای آنها با اعضاء سفارت شوروی در بیمارستان شوروی صورت می گیرد. در این مقوله از عمل باید اشخاص زیر را نیز گنجانند.

آقای جانبازیان - که دارای یک مدرسه باله است.

خانواده سروریان - که دارای یک کودکستان به نام «مانکاکان پالات (کاخ کودکان)» به معنی کاخ کودکان دارند.

دادیان - صاحب یک کتاب فروشی بنیان گذاران شرکت تعاونی «آناهیت» که اعضاء آن درباره ماهیت دقیق این مؤسسه اطلاعی ندارند.

۴- برای مقاصد تبلیغاتی و ضد تبلیغاتی اشخاص و سازمانهای زیر فعالیت جدی دارند.

ه. کاراکاش - با روزنامه خود به نام «ورادتنوند» این شخص احتمالاً در خدمت بیش از یک ارباب است.

«شاکویت» - سازمان جوانان «ساسونتسی داویت» - سازمان تربیت بدنی جوانان فعالیت برای جمع آوری امضا برای «عریضه صلح» در میان ارامنه تهران به وسیله سازمانهای مذکور در فوق انجام گرفت.

حزب توده ۳ خیلی محرمانه به - قسمت کنسولی ۱۱ اوت ۱۹۵۹ برابر با ۲۰ مرداد ۱۳۳۸ از - قسمت موضوع: فریدون تقی زاده متقی ۱- ما اطلاعات زیر را در مورد شخصی به نام متقی داریم که احتمال دارد با شخص مورد نظر شما یکی باشد.

وی در اسفند ۱۳۲۶ در جلسه حزب توده که توسط مقامات رسمی سفارت شوروی ترتیب داده شده بود، حضور داشته است. وی عضو کمیته مشورتی حزب توده بوده است (۲۱ مرداد ۱۳۲۹). عضو کمیته ایالتی حزب توده در تهران (۱۷ بهمن ۱۳۳۳)، عضو سازمان جوانان حزب توده، کمیته مرکزی (۲۱ فروردین ۳۴)، سخنگوی شیلات ایران - شوروی، شدیداً علاقه مند به سیاست و هوادار سرسخت ملا بهبهانی. «رفیق گرانمایه» (۴ تیر ۳۱). شایع است که پس از اینکه فعالیتها در سال ۱۳۲۸ زیر زمینی شدند رهبریت انجمن مرکزی اتحادیه های بازرگانی را عهده دارند (۲ فروردین ۳۴). احتمالاً با تقی متقی یکی می باشد.

الیاس پرهیزگار، مشاور کمیته مرکزی و مترجم اخبار خارجی برای روزنامه مردم (۲۳ فروردین ۳۴).

بنا به گزارشات واصله عضو کمیسیون پشتیبانی بود. طبق نشریه رکن ۲ حزب توده، عضو هیئت اجرائی بوده (۴ مهر ۳۴).

۲- اطلاعاتی در مورد علی متقی که ممکن است پدر شخص مورد بحث باشد: با پلیس سازمان امنیت همکاری کرده و از حزب توده اخراج شد در اسفند ۳۶ (۲۰ فروردین ۳۸). عضو کمیته ۳ نفری معاونین حزب توده، کمیته ایالتی تهران بوده (اواسط ۳۴). یکی از ۳ رهبر حزب توده در ۱۸ تیر ۳۶ بوده. جانشین معاون کل بوده است. (۲۰ تیر ۳۶).

در خواست تعیین صلاحیت فریدون تقی زاده متقی:

شخص مورد بحث با مسئولین شرق و غرب کمیته تهران حزب توده، در تماس بوده (۲۶ دی ۳۶). از اعضای فعال کمیته ایالتی تهران حزب توده (۲۱ مهر ۳۵).

قطعه نامه سازمان مرکزی جوانان توده را مبنی بر مخالفت با تشکیل گروه جدید توده امضای نموده است (۱۹ دی ۲۶).

اطلاعاتی درباره متقی (احتمالاً علی متقی):

رهبریت سازمان جوانان توده را عهده دار شد (۵ شهریور ۳۴). رئیس کمیته منطقه ای شماره ۱۱ و شایع شده که ممکن است به علت تبلیغات منفی ای که علیه وی شده ایران را ترک کند (۱۵ شهریور ۳۶).

تماسش را با گروه آذربایجان قطع کرده است (۲ آبان ۳۶). به عنوان رهبر حزب توده، نامه ای به رهبر سابق حزب توده نوشته و آینده شغلی وی را سؤال نموده است (۱۳ مهر ۳۶). عضو سازمان مرکزی تکش و مسئول امور توده ای ها در خراسان، فارس و مازندران است (۱۷ خرداد ۳۵). کمک مدیر بوده است در امور حزب تا مدیر اصلی از خارج برگردد (۳ خرداد ۳۵). سعی کرده که حزب توده را تجدید سازمان دهد (۱۴ شهریور ۳۵).

حزب توده - ۴ صفحه اول محتوی، خیلی محرمانه می باشد.

اداره مشاوره های سیاستاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۷۶ برابر با ۶ اسفند ۱۳۵۴ مشاور امور کنسولی (کریس)، همان طور که درخواست کرده بودید به پیوست چند پیشنهاد از بخش سیاسی ارسال می گردد. هاوک صفحه دوم محرمانه به: آقای میلس - بخش سیاسی تاریخ: ۲۵ فوریه ۱۹۷۶ از طریق: آقای بولستر - بخش سیاسی از: ج. استمپل - بخش سیاسی موضوع: حذف اعضای سابق حزب توده از لیست احتیاطی ویزا اگرچه قسمت کنسولگری خودش پرونده هایی برای افراد مهمی که اسمشان به علت عضویت سابق در حزب توده باید از ویزا محروم گردند دارد، معذالک به پیوست چندین اسم که در خاطرم بود جهت



اقدامات لازم ارسال می گردد:

منوچهر تسلیمی، وزیر بازرگانی هادی هدایتی، وزیر کشور فریدون مهدوی، وزیر امور حزبی جهانگیر بهروز، سردبیر نشریات اکو مرتضی سرمد، دیوان عالی کشور شاهین آقایان.

چنان که من می دانم آقای کریستنسن قصد دارد که این افراد را از لیست احتیاط ویزا حذف کند. شما می توانید با او صحبت کنید که کلیه افرادی را که سابقاً عضو حزب توده بوده اند و سپس خارج شده اند را از لیست ویزا حذف کنید.

شما می توانید با او بر سر عقب نشینی از این موضع صحبت کنید. این کار حکم یک تقاضا برای محرومیت کلی افرادیست که سابقاً عضو حزب توده بوده و «راه آمده اند.» حزب توده -۵ شماره: ۰۸۵۳۹ از: سفارت آمریکا- تهران تاریخ: ۸ ژوئیه ۱۹۷۸ برابر با ۱۷ تیر ۵۷ به: وزارت خارجه - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه شروع متن (استفاده محدود اداری) موضوع: جبهه ملی خط مشی حزب توده را رد می کند ۱- جبهه ملی در تاریخ ۱۵ شهریور پیشنهاد گزارش شده کمیته مرکزی حزب توده مبنی بر پیوستن به سایر نیروها جهت براندازی رژیم را رد کرده است. موضوع از آنجا شروع شد که خبرگزاری فرانسه از پاریس گزارش داد که حزب توده از همه گروههای مخالف در ایران خواسته که جهت براندازی رژیم ایران متحد شوند. برنامه حزب توده به شرح زیر داده شده بود: «دولت اتحاد ملی»، مجازات خطاکاران، از بین بردن قوانین مغایر با حقوق اساسی و قانون اساسی مشروطه، انحلال مجلس و سنا، انحلال پلیس سیاسی، ایجاد مجلس مشروطه، ملی کردن صنایع نفت، اخراج مشاوران نظامی آمریکا، انحلال معاهدات نظامی ایران و آمریکا، بیرون آمدن از پیمان سنتو، سلب مالکیت از سرمایه های خصوصی، و رد سیاست اقتصادی بی در و پیکر.

۲- کریم سنجابی رهبر جبهه ملی گفت که با توجه به «تجربه تلخی» که در اوایل دهه ۱۳۳۰، از روابط جبهه ملی با حزب توده ناشی می شود، هرگونه اتحاد سیاسی «غیرقابل تصور» می باشد. بیانات قبلی وی مبنی بر تقاضای قانونی کردن حزب توده نباید موجب سردرگمی شود و اینکه وی خواهان همکاری با حزب توده است. به نظر سنجابی حزب توده وابسته به یک قدرت خارجی است و این تقاضا فقط آزادیهایی را که دولت ایران باید بدهد منعکس می سازد.

پایان متن (استفاده محدود اداری) شروع متن (خیلی محرمانه)

ص: ۱۶۵

۳- نظریه: این داستان جنبه ای خاص خود دارد. به نظر غیرعادی می رسد که دفتر مرکزی حزب توده در برلن شرقی باشد و بیانیه اش در پاریس منتشر شود. شاید جمهوری دموکراتیک آلمان نمی خواست قبل از ملاقات شاه از آنجا، وی را خجالت زده کند و حزب توده احتمالاً از روابطش با دانشجویان فعال در پاریس جهت این کار استفاده کرده است. احتمال دارد که این کار ساواک باشد تا موجب سرافکنندگی جبهه ملی و سایر گروههای مخالف شود. هرچه که دلیل این کار باشد، نتیجه مهم و اصلی این بوده که جبهه ملی را به طور مستند مخالف اتحاد با حزب توده جلوه داد.

سولیوان حزب توده - ۶ شماره: ۱۹۵۳ از: سفارت آمریکا - مسکو تاریخ: ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸ برابر با ۲۲ شهریور ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی.

طبقه بندی: محرمانه موضوع: نقل قولی از پروادا درباره حزب توده ۱- تذکرات سفارت آمریکا در بخارست درباره احتیاط رومانیها در روابطشان با حزب توده جالب است، مخصوصاً با توجه به شماره ۲۲ شهریور پروادا که از معاون اول حزب توده بیاناتی در مورد انسانیت ذکر کرده است. اسکندری، معاون اول حزب توده، علت بحرانهای سیاسی فعلی در ایران را «نارضایتی عمومی از اعمال رژیم» توصیف کرد و افزود که «اختناق و ظلم سفاکانه و دخالت پلیس مخفی، ساواک» مزید بر علت است. اسکندری همچنین حضور مستشاران آمریکایی در ایران را مورد انتقاد قرار داد.

۲- نظریه: شوریوها نیز در مورد به رسمیت شناختن حزب توده محتاطانه عمل کرده اند، ولی چاپ بیانات اسکندری در روزنامه پروادا بیانگر حمایت شوروی از ناآرامی فعلی در ایران می باشد. همچنین ذکر نام ساواک در مطبوعات شوروی غیر عادی به نظر می رسد.

گاریسون حزب توده - ۷ شماره: ۷۹۹۲ از: سفارت آمریکا - مسکو تاریخ: ۱۶ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۲۵ آبان ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی. دارای حق تقدم پیرو: سند ۲۷۱۱۰ مسکو طبقه بندی: محرمانه موضوع: رهبر حزب توده مخالفت مذهبی ایرانیان با شاه را تمجید می کند خلاصه متن: در یک مصاحبه مهم و تاریخی رهبر حزب توده، اسکندری، از درگیر شدن روحانیت شیعه منجمله از آیت الله خمینی در مخالفت با شاه تمجید و تعریف می کند. در فراز عجیب وی گفت که منکر آن است که رهبران مذهبی مرتجع و واپس گرا می باشند، و ریشه های عمیق مذهب را در ایران قبول دارد، و از اتحاد همه نیروهای «دموکراتیک» در ایران به انضمام مذهبها استقبال می کند. نظرات وی به خودی

خود مهم می باشند، ولی شاید مهمتر از آن اجازه چاپ این مطالب در مجله رسمی شوروی به نام «مشکل صلح و سوسیالیسم» می باشد. (پایان خلاصه) ۱- سفیر ایران به عرض ما رسانده است که یک مصاحبه بینهایت جالب با رهبر حزب توده ایران، اسکندری، در مجله کمونیستی شوروی «مشکل صلح و سوسیالیسم» شماره ۱۱ مورخ ۱۳ مهر به چاپ رسیده است.

۲- شروع متن طبقه بندی نشده. خلاصه متن، اسکندری:

... به طور مفصل، بعد مذهبی نهضت ضد شاه در ایران را مورد تمجید قرارداد و افزود که روحانیت شیعه نه تنها واپس گرا نمی باشد بلکه موضع آیت الله خمینی در قبال نهضت ضد شاه را ستود.

... ادعا کرد که حزب توده همیشه به عقاید مذهبی که «ریشه های عمیق در اکثریت مردم ایران دارد» احترام گذاشته است و افزود که حزب توده از اتحاد بین همه نیروهای دموکراتیک از جمله مذهبها حمایت خواهد کرد. اسکندری گفت که ما در کلیه مسائل با رهبران مذهبی موافق نیستیم ولی «باید واقع گرا باشیم».

... از جبهه ملی با توجه به نفوذی که آنها در طبقه روشنفکر و دانشجویان دارند، به خوبی یاد کرد.

... خاطرنشان ساخت که تنها نیروی حامی شاه ارتش و پلیس می باشند که «توسط مشاوران آمریکایی رهبری می شوند» و افزود که (علامت نافرمانی افسران و سربازان در تیراندازی به مردم) نشانگر این است که این حمایت از شاه، ابدی نخواهد بود.

... امپریالیسم آمریکا را به عنوان اصلی ترین پشتیبان خارجی رژیم توصیف کرد.

... از خط مشی جمهوری خلق چین در قبال ایران انتقاد کرد، و از نفوذ ضد شوروی چین در ایران یادآوری کرد و ملاقات هواکوفنگ از تهران را دلیل وجود «معاملات» چین - آمریکا در حمایت از رژیمهای نامردمی در سراسر دنیا دانست. (پایان متن طبقه بندی نشده) ۳- نظریه: نقطه نظرهای تاریخی و در عین حال مثبت اسکندری نسبت به جنبه های مذهبی وقایع جاری در ایران چیزی کاملاً جدید و پر معنی است. اهمیت این مطلب را از دو جنبه می بینیم. اول، در ارتباط با تحولات داخل ایران، نظرات اسکندری نه تنها قدرت عظیم و عمیق مخالفت مذهبی با شاه را به طور غیرعادی نشان می دهد، بلکه به طور ضمنی ضعف حزب توده را توسط خودشان بیان می کند. ما کسب اطلاعات بیشتر در امور داخلی ایران را به دیگران محول می کنیم، ولی به نظر می رسد که اظهار علاقه مدام اسکندری جهت اتحاد با نیروهای مذهبی در یک جبهه مردمی علیه شاه بیشتر به خاطر جلب حمایت بعضی از رهبران مذهبی باشد تا اینکه بخواهد یک نوع ائتلاف سیاسی با آنها کرده باشد.

۴- دوم و شاید مهمتر این است که، شوروی اجازه چاپ مصاحبه اسکندری را داده است. واضح است که مجله «مشکل صلح و سوسیالیسم» ارگان سیاسی متنفذ «احزاب کمونیست و کارگران» که در پراگ چاپ می شود بدون تأیید مسکو اقدام به چاپ یک و او هم نخواهد نمود.

نتیجتاً با این اقدام علنی، اگرچه هنوز غیرمستقیم، مسکو با چاپ نظریات اسکندری در مورد اوضاع داخلی ایران بیش از پیش

حمایتش را از نهضت ضد شاه در ایران آشکار ساخته است.

۵- به طور اخص ما نظر مثبت اسکندری را درباره آیت الله خمینی قابل ذکر می دانیم. این یک ذکر نام بی سابقه ای از جانب شوروی (یا با تأیید شوروی) از آیت الله می باشد.

ص: ۱۶۷

۶- رسانه های گروهی شوروی هنوز نظریه ای مفصل درباره اقدامات دولت نظامی ایران نداده اند. ولی در عین حال به طور ضمنی از اختناق و ظلم در ایران، اقدامات ضد آمریکایی در کشور، و حمایت رسمی آمریکا از دولت ایران، یاد کرده اند.

تون به عنوان مثال پراودا در ۲۱ آبان در مورد داستان اخیری که از جانب خبرگزاری فرانسه در مورد آشوبهایی که در تهران ایجاد شده (تلگرام مرجع) بدون اشاره ای به مسبب این آشوبها، تحلیلی داده بود، و هیچ اشاره ای نکرد که خبرنگار پراودا در تهران از آیت الله به عنوان مسبب این آشوبها انتقاد کرده است.

حزب توده -۸ خیلی محرمانه ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده (کمونیست) ایران (از بهمن ۱۳۴۹ تاکنون). یکی از بنیان گذاران حزب توده ایران و یکی از اعضای کمیته مرکزی از سال ۱۳۲۰ تاکنون بوده که در سال ۱۳۲۸ به عنوان رهبر حزب برگزیده می شود و تا وقتی که به سمت فعلی خود برگزیده نشده بود به عنوان رهبر این حزب غیرقانونی (در سال ۱۳۲۸ منحل و غیرقانونی اعلام شد) شناخته می شد.

از سالهای ۱۳۰۴ که به عنوان دانشجو در فرانسه بود یکی از گردانندگان جنبش کمونیسم جهانی در اروپا و ایران بود. او یکی از کسانی است که در گرایش این حزب به سمت شوروی نقش داشته است.

اسکندری از سال ۱۳۲۸ به بعد در اروپا به حال تبعید به سر می برد. اوایل در پاریس در (۳۰-۱۳۲۸) و وین (۳۳-۱۳۳۰) و این اواخر در شهرهای مختلف اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی بوده و فعلاً در مسکو به سر می برد.

او که یک سخنران خوب و یک نویسنده تواناست، یکی از مهره های تبلیغاتی با ارزش به شمار می رود.

در طول اقامت خود در اروپای شرقی، فعالیت های آشکار وی ظاهراً به شرکت در کنفرانسهایی که دست کمونیستها در پشت سر آن بود، محدود گشت. در این کنفرانسه ها او سخنرانی هایی ایراد می کرد که در آنها از رژیم شاه انتقاد و از اندیشه های روسی تحت پوشش حزب توده دفاع می کرد. در طول بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست شوروی ملاقاتی که در اسفند ماه ۱۳۵۴ با فیدل کاسترو، نخست وزیر کوبا، داشت موجب شد که دولت ایران با کوبا قطع رابطه بکند. در شهریور ۱۳۵۷، در یک سخنرانی در مورد ناآرامی های شهرهای ایران، اسکندری از گروه های مخالف خواست که حزب توده را هم در یک جبهه ائتلاف ملی که هدف آن براندازی رژیم سلطنتی و برقراری یک دولت ائتلافی می باشد، به شمار آورند. تا ماه نوامبر ۷۸ (آبان ۵۷) هنوز نشانی از اینکه او توانسته باشد با محافظه کاران مذهبی یا با رهبران جبهه ملی به تفاهمی برسد، وجود نداشت. در اواخر مهر ۵۷، عناصر مخفی حزب توده یک بار در تمام دانشگاه های ایران، علنی شدند. دامنه دخالت اسکندری در این رویداد یا در ناآرامی های داخلی ۱۳۵۷ معلوم نیست.

سوابق و گذشته وی ایرج اسکندری در ۷ فوریه ۱۹۰۷ (۱۸ بهمن ۱۲۸۵ شمسی) در شهر ساری در استان مازندران به دنیا آمد. او عضوی از خاندان قاجار بشمار می رود. قاجاریه تا زمانی که به وسیله پدر شاه فعلی در سال ۱۳۰۰ برکنار شدند، بر ایران حکومت می کردند. اسکندری در سال ۱۳۰۴ در شهر گرنوبل فرانسه تحصیل حقوق کرد و در همان زمان وارد فعالیتهای کمونیستی شد.

او ده سال دیگر در فرانسه ماند و به تبلیغ کمونیسم در میان ایرانیان و سایر فعالیتهای کمونیستی پرداخت. در سال ۱۳۱۴ او به ایران بازگشت تا به کارهای حقوقی بپردازد و پستی در وزارت دادگستری به دست آورد.

در سال ۱۳۱۶ یکی از بستگان نزدیک وی، سلیمان اسکندری عضو حزب توده در جریان یک گردهمایی کمونیستها، دستگیر شد. بلافاصله پس از آزادی سلیمان در سال ۱۳۲۰، ایرج که برای آزادی وی تلاش زیادی کرده بود، در آن موقع به عنوان یکی از اعضای کمیته مرکزی ارتقاء مقام یافت و در سال ۱۳۲۳ برای مدت کوتاهی به مجلس راه یافت.

در سال ۱۳۲۴ اسکندری به عنوان نماینده شورای مرکزی اتحادیه بازرگانان (که تحت سلطه حزب توده بود) جهت شرکت در جلسات فدراسیون جهانی اتحادیه های بازرگانی (WFTU) به پاریس رفت. در ۱۳۲۵ به ایران بازگشت و به مدت سه ماه به عنوان وزیر بازرگانی و صنایع، کار کرد. دوباره در ۱۳۲۶ به فرانسه رفت و احتمالاً در دانشکده حقوق دانشگاه پاریس به کار پرداخت. در طول آن مدت او در همکاری با کمونیستهای فرانسه و حزب توده نقش مهمی بازی می کرد و علاوه بر آن در تبلیغات کمونیستی بر روی جامعه ایرانیان مقیم فرانسه فعالیت داشت. در ۱۳۲۸ بعد از یک ترور ناموفق به جان شاه توسط یک فرد کمونیست، او و سایر رهبران توده غیابا به اعدام محکوم شدند. اسکندری در ۱۳۲۹ به استخدام WFTU درآمد و در سال ۱۳۳۰ که WFTU از فرانسه اخراج شد، او به وین رفت. او تا سال ۱۳۳۳ در وین همچنان در استخدام WFTU بود.

اطلاعات شخصی اسکندری جهت شرکت در کنفرانسهایی که باطنا کمونیستی بودند به نمایندگی از طرف حزب توده، مسافرتهای زیادی نموده است. او عضو سازمانهایی نظیر شورای جهانی صلح و جامعه بین المللی حقوقدانان دمکرات نیز هست. در ۱۳۳۱ و ۱۳۳۳ او دوبار سعی کرد تا جهت شرکت در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل به عنوان نماینده WFTU به آمریکا برود، ولی موفق به کسب ویزا نشد، او در سال ۱۳۳۲ در تشییع جنازه جوزف استالین در مسکو شرکت کرد.

اسکندری حداقل دو زن داشته، به نامهای همایون (احتمالاً هما - مترجم) کاووسیان و زهرا بیات. آنها نیز از فعالان حزب توده بودند. اسکندری فرانسه صحبت می کند.

۱۷ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۶ آبان ۱۳۵۷ - مترجم)

حزب توده - ۹ شماره: ۱۱۳۷۹ از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۲۰ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۲۹ آبان ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی.

گزارشگر: ۱۱۶۵۲ طبقه بندی: خیلی محرمانه پیرو: سند مسکو شماره ۲۷۹۹۲ موضوع: بیانات اسکندری سفارت تهران درخواست دارد که متن کامل ترجمه انگلیسی بیانات اسکندری را ارسال دارید.

خلاصه ای که ارسال شده بود به مقامات ایرانی داده شد. مقامات بالا نگران هستند که بیانات اسکندری ممکن است بیانگر تغییر موضع شوروی در جهت دخالت بیشتر در ناآرامیهای اخیر ایران باشد.

سولیوان حزب توده - ۱۰ شماره: ۱۱۷۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۳۰ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۹ آذر ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی سی گزارشگر: ۱۱۶۵۲ طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: مصاحبه رهبر حزب توده ایران ۱- اف. بی. آی. اس. از لندن گزارش می دهد که رهبر حزب توده ایران، اسکندری، مصاحبه ای تحت عنوان «ابراز تأسف رهبر حزب توده از عدم تشکیل جبهه متحد» انجام داده است.

۲- این طور به نظر می رسد که شورویها سعی دارند خودشان را از اتهاماتی مبنی بر اتحاد با خمینی دور نگهدارند.

از ارسال نظرات وزارت خارجه و سفارت در مسکو متشکر خواهیم.

سولیوان حزب توده - ۱۱ شماره: ۰۱۶۰ از: سفارت آمریکا - نیکوزیا تاریخ: ۱۶ ژانویه ۷۹ برابر با ۲۶ دی ۵۷ به: وزارت امور خارجه آمریکا - واشنگتن دی.سی.

طبقه بندی: محرمانه موضوع: پیام حزب کمونیست آکل به حزب توده ۱- در شماره ۱۳ ژانویه نشریه (هراوگی) که روزنامه رسمی حزب کمونیست آکل می باشد، گزارش

ص: ۱۷۰

شده است که کمیته مرکزی آکل پیامی مبنی بر همبستگی به حزب توده ایران ارسال داشته است. در طی این پیام از قیام و مبارزه مردم ایران که «کمونیسته‌ها در خط مقدم آن هستند» یاد شده است و آرزو شده است که یک رفورم انقلابی رادیکال در ایران به وقوع بپیوندد.

۲- نظریه: آکل به عنوان یک طرفدار پر و پا قرص مسکو شناخته شده است و در سازماندهی تظاهرات ضد شاه در قبرس نقش مهمی داشته است. اگر چه ما در موقعیتی نیستیم که مفهوم و معنی این پیام را قضاوت کنیم، ولی فقط جهت اطلاع وزارت خارجه گزارش می شود.

استون حزب توده -۱۲ شماره: ۵۴۲۳ از: دفتر منافع آمریکا در ناتو تاریخ: ۲۷ ژوئیه ۱۹۷۹ برابر با ۵ مرداد ۵۸ به: وزارت خارجه - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه گزارشگر: لورنس لگر موضوع: بحث (سیاسی) در مورد ایران ۱- (تمام متن محرمانه است) ۲- در جلسات کمیته سیاسی مورخ ۲۶ ژوئیه، نماینده بلژیک گفت که سفارت بلژیک در مسکو گزارش داده است که سفارت ایران در آنجا یک پیام شخصی از جانب آیت الله خمینی به برژنف تسلیم داشته است. اعلام داشته است که از محتوای پیام اطلاعی ندارد. او پرسید که آیا متحدین دیگر گزارشاتی مبنی بر تأیید این گزارش دریافت داشته اند یا خیر؟ ۳- مضافاً اینکه نماینده جمهوری آلمان فدرال مقاله ضمیمه را درباره موضع شوروی در ایران توزیع کرد.

۴- اقدام مقتضی هرگونه اطلاعاتی که واشنگتن یا مسکو درباره پیام خمینی - برژنف داشته باشند ارسال دارند.

۵- شروع مقاله نماینده جمهوری آلمان فدرال الف: در حال حاضر موضع شوروی در قبال ایران ضد و نقیض است و اصلاً واضح نمی باشد. نتیجتاً این وضع در آینده تحولات سیاست داخلی ایران اثر خواهد گذاشت، بسته به روال سیاست خارجی آن.

چنان که در ابتدای امر به نظر می رسید، همدردی مسکو با انقلاب ایران جای خود را به نگرانی تبدیل می کند، زیرا رهبریت ناهمگون ایران ظاهراً آن طور که شوروی فکر می کرد به امیدهای اقتصادی شوروی پاسخ مثبتی نداده اند.

ب: بنابراین هرچه بیشتر این حقیقت آشکار می شود که، تنها دلیل موضع مثبت شوروی در قبال انقلاب ایران، این است که انقلاب باعث ضعف و از دست رفتن موقعیتهای غرب در ایران و منطقه شده است. اگرچه، این مسئله با تحولات سیاسی داخلی ایران خشی می شود، زیرا این تحولات خطرانی برای منافع شوروی در منطقه دارد (مثال افغانستان و عراق).



ج: شوروی کرارا تأکید کرده است که دول دیگر در امور داخلی ایران دخالت نکنند، و همین مسئله جلوی منافع خودش را می‌گیرد. با توجه به این مسئله است که جالب به نظر می‌رسید اظهار نظرات مقامات شوروی را بدانیم. این مقامات معتقدند که تحولات در داخل ایران فعلاً باعث نگرانی هم غرب و هم کشورهای سوسیالیستی شده‌اند و آرزوی خمینی مبنی بر تشکیل یک کشور اسلامی با کمک یک حزب متحد اسلامی، از نظر تاریخی قدمی به عقب می‌باشد.

د: این عقیده بیش از آنچه به نظر می‌رسد، باعث شده است که شوروی در مورد رهبریت ایران رفع ابهام نماید. چندین مسئله که توسط ملاها و دولت ایران عنوان شد، در رسانه‌های گروهی شوروی به تفصیل بحث شدند و باعث شدند که علناً شوروی از گروه‌های نزدیک به رهبریت ایران انتقاد نماید. در عین حال رسانه‌های شوروی سعی دارند که نقاط مثبتی درباره بعضی اتفاقات در ایران عنوان کنند از قبیل: تصمیم به ملی کردن بعضی کارخانجات، که باعث قبول کردن هواداری شوروی از انقلاب ایران است.

ه: اگرچه خمینی به طور مستقیم در مطبوعات شوروی مورد انتقاد قرار نمی‌گیرد، ولی حتی نام او نیز، به عنوان عنصر مثبتی برای شوروی، ذکر نمی‌گردد. انتقاد حول و حوش مشاوران وی دور می‌زند، اگرچه شوروی دلایل کافی مبنی بر انتقاد خود خمینی دارد. این خودداری شوروی یک عمل تاکتیکی می‌باشد و چیزی به عنوان اصل به حساب نمی‌آید. شوروی وجه تشابه کمی با خمینی دارد و از نظر ایدئولوژیک اصلاً تشابهی با خمینی و انقلاب اسلامی اش ندارد. از نظر شوروی خمینی نقش «مترقیش» را به خوبی ایفا کرد، در اینکه نفوذ غرب را در ایران از بین برد. هنگامی که منافع حیاتی شوروی توسط انقلاب اسلامی به خطر بیفتند، خمینی رسماً توسط شوروی حذف خواهد شد. این مسئله در انتقاد شوروی به اتهام دخالت ایران در امور داخلی افغانستان شکل می‌گیرد. لگر حزب توده - ۱۳ شماره سند: ۸۸۲۸ از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۷ اوت ۷۹ برابر با ۱۶ مرداد ۵۸ به: هیئت نمایندگی آمریکا در ناتو گزارشگر: ویکتور ال. تامست طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: مذاکرات مشاوران سیاسی و مناسبات شوروی با ایران ۱- (تمام متن محرمانه) ۲- پیامی که به وسیله نماینده بلژیک به آن اشاره شده احتمالاً ممکن است همان پیامی باشد که محمد مکرری سفیر ایران به مسکو هنگامی که وی به اتحاد شوروی بازگشت آن را همراه داشت. متن پیام به شرح زیر است: «بسمه تعالی» ۲۳ ژوئن ۱۹۷۹، جناب آقای لئونید برژنف، صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی از پیام محبت آمیز شما و علاقه شما درباره جمهوری اسلامی ایران متشکرم، از خداوند متعال رفاه و رستگاری مردم اتحاد جماهیر شوروی را خواستارم و من امیدوارم که جمهوری اسلامی ما که مبتنی بر وحدت کلمه براساس انقلاب ارزشمند اسلامی و سرنگونی رژیم شیطنی استوار است، نقش شایسته‌ای را

در وحدت و اتفاق ملل جهان ایفا کرده و خواهد کوشید تا صلح و رفاه را طبق آرزوی ملت ما و اسلام تحقق بخشد.

«روح الله الموسوی الخمينی» ۳- ما سند جمهوری فدرال آلمان را که در تاریخ ۲۶ ژوئیه ارائه شده بود، بسیار خوب تشخیص دادیم.

ما نیز این گرایش را داریم که متوجه شویم که اتحاد شوروی در مورد ایران بر سر دوراهی گیر کرده است. ما تصور می کنیم که چندین عامل احتمالی باعث شد که شورویها پیوندهای خود را با شاه قطع کنند و در جستجوی اتحاد نامقدسی با خمینی و نهضت اسلامی او باشند. این عوامل عبارتند از:

-- فقدان راه دیگر. در زمستان گذشته خمینی به نظر می رسید همه کارتهای برنده را در دست دارد.

حزب توده طرفدار مسکو (کمونیست) ضعیف بود و اعتبار خود را به طور عمده در ایران از دست داده بود.

گروه بندیهای «ترقی خواه» سیاسی دیگری که به اندازه کافی نیرومند باشند، که خمینی را به مبارزه بطلبند یا حاضر باشند که با شورویها علیه خمینی کار کنند، وجود نداشتند.

-- امید بهره برداری به قیمت ما. ما از لحاظ اینکه از شاه حمایت می کردیم و ارتباطات طولانی با او داشتیم به وضوح دشمن شماره یک خارجی برای نیروهای ضد شاه بودیم. شورویها نیز در این مورد تا اندازه ای آسیب پذیر بودند، ولی نسبتاً بسیار کمتر از ما. چشم انداز کاهش قابل ملاحظه نفوذ ما در ایران حتی اگر چشم انداز خود شورویها برای به دست آوردن نفوذ در معرض سؤال قرار گرفته بود بجز اینکه مورد استقبال شوروی قرار بگیرد وضع دیگری نداشت.

-- ترس از بی ثباتی در جناح اتحاد جماهیر شوروی. از دیدگاه ما چنین به نظر می رسد که مسکو در عین حالی که همواره برای بهره برداری از آشوب در حال آماده باش است، مایل نیست که آشوب محض خاطر آشوب صورت بگیرد. به دنبال عزیمت شاه نهضت اسلامی خمینی به نظر می رسید که تنها امکانی را برای تحمیل وجود سریع یک حاکمیت نیرومند متمرکز فراهم می کند.

-- میل به حمایت و حفاظت از منافع اقتصادی خود در ایران. اتحاد شوروی حجم رشد یابنده ای از معاملات با ایران در سالهای اخیر انجام داده بود، هر چند با مقایسه با بعضی از کشورهای صنعتی غربی چندان بزرگ نبود. گازی که از طریق IGAT-۱ و سهم قابل ملاحظه ای از ساختمان ۲-IGAT که برای شورویها اختصاص یافته بود و سودهای حاصله از معاملات سه جانبه در مورد گاز در نتیجه آن برای مسکو دارای اهمیت ویژه ای بود.

۴- هنوز هم شق بلافاصله دیگری که جایگزین خمینی باشد وجود ندارد و این واقعیتی است که بنا به عقیده ما دلیل اصلی آن است که شورویها هنوز خمینی یا نهضت او را رد نکرده اند. در عین حال دلایل کافی وجود دارد که برطبق آنها شورویها ممکن است لااقل در نظر داشته باشند علیه خمینی برخیزند، مثلاً در حالی که مقامات جدید در ایران با ایالات متحده و شورویها به نحوی متساوی از آنچه در دوران شاه واقعیت داشت رفتار کرده اند، شورویها احتمالاً در این مورد تسلی خاطر

نسبتاً کمی دارند، زیرا جمعیت‌های اسلامی هر دو طرف را برای انتقاد هدف قرار می‌دهند. علاوه بر این واقعیت‌های اوضاع ایران آغاز به تأثیر گذاردن در ادراکات دولت موقت ایران کرده است درباره اینکه منافع این حکومت در کجا واقع شده است و این ادراکات روی هم رفته نسبت به موضع شوروی درباره ایران تمایل مساعدی نشان نمی‌دهد. یکی از موارد بحث بدین مناسبت ادامه ناآرامی در کردستان است که در آنجا امکان عصیان

ص: ۱۷۳

قومی، لزوم داشتن ظرفیت نظامی برای مقابله با آن را پیش آورده است. این امر به نوبه خود علاقه به تجدید مناسبات و تحویل تجهیزات نظامی را با ایالات متحده برانگیخته است.

۵- علاوه بر این ۶ ماه پس از انقلاب، اوضاع سیاسی در ایران در وضع سیالی قرار دارد. دولت موقت ایران نتوانسته است اولویت خود را در مسائل مربوط مدیریت دولتی در مقابل ساختار غیر رسمی دولتی و کمیته های انقلابی و ضمایم آن که اغلب اعمال قدرت سیاسی واقعی می کنند مسجل کند، و ظاهراً در امور فنی - اداری در یک مقیاس ملی ناتوان به نظر می رسد. شورویها باید چشم اندازهای نامعین را برای ثبات در ایران مورد توجه قرار دهند به ویژه هرگاه عدم ثبات در این زمینه منافع شوروی را در جاهایی نظیر افغانستان تا اندازه معینی مورد تهدید قرار دهد.

۶- سرانجام شورویها بهتر از هر کشور دیگری در برقراری معاملات در ایران بعد از انقلاب کاری انجام نداده اند. حمل گاز از طریق IGAT-۱ هنوز به آن سطح حجمی که مربوط به دوران قبل از انقلاب بود نرسیده است. علاوه بر این ایرانیان خواسته اند قیمتی را که شورویها برای گاز می پردازند برای افزایش مورد بحث قرار گیرد و آنها ظاهراً قصد ندارند IGAT-۲ را بسازند.

۷- ما با نامه جمهوری فدرال آلمان موافقیم که «هنگامی که انقلاب اسلامی آغاز به تهدید منافع حیاتی شوروی را بکند، شوروی رسماً خمینی را به کنار خواهد گذاشت.» معذالک این خط مرزی یک خط کاملاً مشخصی که قابل تشخیص باشد نیست، ما چنین احساس می کنیم که شورویها ممکن است فرآیند تجدید نظر و تجدید بررسی در سیاست خود نسبت به خمینی را آغاز کرده باشد، ولی هنوز نتوانسته اند تصمیم بگیرند که زمان تغییر خط مشی فرا رسیده است. نتیجه آن شده است که یک نوع دودلی نسبت به ایران و انقلاب اسلامی وجود دارد که تا زمانی که اوضاع در این کشور مانند چند ماه گذشته، در هم و برهم باشد مداومت خواهد داشت. لینکن حزب توده - ۱۴ شماره: ۹۶۴۶ از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۳۰ اوت ۱۹۷۹ برابر با ۸ شهریور ۱۳۵۸ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: خط مشی شوروی در قبال ایران ۱- (تمام متن محرمانه است) ۲- بنابر گزارشات اخیر اف. بی. آی. اس. از رسانه های گروهی شوروی (اورت و کلاندستاین) احتمال دارد که موضع و خط مشی در قبال ایران در حال تغییر باشد. در حالی که خمینی هنوز هم غیر قابل انتقاد می باشد، ولی دولت موقت ایران از چنین مصونیتی برخوردار نیست. دولت برای مسائلی از قبیل بستن روزنامه مردم حزب توده، جنگ در کردستان، و به باد فنا سپردن انقلاب با مذاکره با آمریکا در مورد خرید اسلحه، سرزنش و تحقیر می شود.

۳- به نظر ما می رسد که مسکو ممکن است خط مشی و موضع قبلی اش را تعدیل نماید. این موضع عبارت بود از حمایت ضمنی از انقلاب اسلامی ایران و ممکن است به صورت انعطاف پذیرتری در قبال

موقعیت ناپایدار ایران در آید. عدم تمایل شوروی به حمله مستقیم به خود خمینی، می رساند که آنها قبول دارند که وی هنوز تواناترین شخصیت سیاسی در صحنه می باشد. ولی تمایل شدید به قهرمانانه جلوه دادن مبارزات کردها و «مترقی»های غیراسلامی شورویها و خمینی و ایدئولوگهای افراطی اسلامی را در درک واقعیت سهیم می کند که تاکنون قادر به در دست گرفتن حکومت ائتلافی نبوده اند.

اگر این مسئله صحیح باشد، آیا شوروی تمایلی به نفوذ بیشتر در اتفاقات جاری ایران بیش از آنچه تاکنون نشان داده است خواهد داشت یا خیر؟ ما قبلاً از نقطه نظرهای وزارت خارجه و سفارت آمریکا در مسکو استقبال می کنیم. تامست

**گرایشهای سیاسی**

ص: ۱۷۵

از: ویکتور ال. تامست تاریخ: ۷ اوت ۱۹۷۹-۱۶/۵/۵۸ به: کاردار آقای ال.بی.لینگن موضوع: احزاب سیاسی ایران با وجود اینکه در طول شش ماه گذشته از عمر انقلاب بیش از ۱۵۰ سازمان سیاسی حضور خود را به عموم ابلاغ کرده اند، ولی تعداد کمی از آنها را می توان به مفهوم کلاسیک حزب سیاسی نامید. اکثر آنها به صورت دوره که عبارت است از تجمع افرادی که با منظوری مشترک به حمایت از یک نفر به عنوان رهبری می پردازند، برگزار می گردد. به این ترتیب، حجم آنها کوچک ولی دستخوش بحرانهای بزرگ هستند. به علاوه، گرچه این چنین سازمانهای سیاسی براساس اصول ایدئولوژیک تشکیل می شود، ولی بنا به اقتضای زمان، اتحادهای عجیب و غریب نیز در میانشان پدید می آید. به عنوان مثال به حمایت کنونی حزب توده از جمهوری اسلامی اشاره می کنیم. در نتیجه نمی توان چیزی بهتر یا بیشتر از یک تصویر تقریبی از سازمانهای سیاسی تهیه نمود. اینها براساس آشنایی ایدئولوژیک به دسته جات مختلف تقسیم شده اند، لیکن این دسته بندیها نمی تواند نمایانگر ارتباط بین اجزاء یک دسته و یا ارتباط بین دو دسته باشد.

سازمانهای اسلامی:

حزب جمهوری اسلامی به وسیله شخص مورد اعتماد خمینی و عضو سرشناس شورای انقلاب دکتر محمد بهشتی اداره می شود، در حال حاضر از بیشترین میزان حمایت مردمی در میان دیگر احزاب سیاسی ایران برخوردار است. ولی مسلماً نمی توان گفت که در عمل از یک ساختار سازمانی برخوردار باشد. فقط با گذشت زمان خواهیم فهمید که آیا این حزب صرفاً انعکاس محبوبیت کنونی خمینی است و یا در غیاب وی نیز قادر به حفظ بقاء خود می باشد. خط مشی این حزب، تا آنجا که می دانیم قویاً ایجاد یک حکومت الهی است.

حزب جمهوری خلق مسلمان درباره رئیس حزب که شخصی به نام علیزاده است، اطلاعات چندانی در دست نیست، ولی اکثراً معتقدند که این حزب وسیله تحرک سیاسی آیت الله کاظم شریعتمداری است.

این حزب نیز طرفدار حکومتی با محتوای شدیداً اسلامی است ولی مرامنامه آن در مقایسه با مرامنامه حزب جمهوری اسلامی با شدت کمتری خواهان یک حکومت الهی است.

علاوه بر این، از حمایت نژادی خاص برخوردار بوده و به خصوص در میان ترکهای آذری محبوبیت فراوان دارد.

مجاهدین خلق - به عنوان یک نهضت شبه نظامی علیه رژیم پهلوی آغاز به کار کرد، بعدها به صورت یک سازمان دربرگیرنده چند گروه که حمایت شان از اسلام به نحو غریبی انجام می شد درآمد، و اخیراً نیز در حال تجزیه به صورت عناصری اصلی است که دائماً با یکدیگر در تضاد هستند. بخشی که علنی ترین فعالیت سیاسی را انجام می دهد، توسط مسعود رجوی جوانی که بیشتر یک سیاسی رادیکال چپ می نماید تا یک محافظه کار اسلامی، رهبری می شود.

فرقان - فرقان گروه کوچکی است که معتقد به اسلام بدون علما است. این گروه تروریسم را به عنوان

بهترین وسیله ابراز سیاست خود برگزیده اند.

احزاب راست و ملی:

حزب پان ایرانیست - از سال ۱۳۲۹ وجود داشته و ریاست آنرا عضو پیشین مجلس محسن پزشکیور به عهده دارد. این حزب رویای ایرانی وسیعتر (شامل الحاق دو بحرین و اراضی تحت کنترل تزار روس به ایران) را می بیند، ولی برای اینکه بتواند به حیات خود ادامه دهد نتوانسته است به خواسته‌های سیاسی مهمی توسل جوید. در ۱۳۵۴ حزب پان ایرانیست از طرف حزب رستاخیز، تنها حزب قانونی ایران بین آن سال و سال ۱۳۵۷ تعطیل اعلام گردید.

حزب ملت ایران - که به وسیله وزیر کار داریوش فروهر رهبری می شود تا دو ماه قبل بخشی از جبهه ملی به شمار می رفت.

سازمانهای غیر مذهبی غیر مارکسیستی:

جبهه ملی - جبهه ملی واقعا یک حزب نیست، بلکه مجموعه ای از احزاب است. از زمان جدایی فروهر، و از بین رفتن اعتبار حزب ایران به خاطر پذیرفتن پست نخست وزیری توسط بختیار در ژانویه و رشد استقلال نهضت آزادی ایران از زمان انتصاب مهدی بازرگان به سمت نخست وزیری، این مجموعه در حال تجزیه بوده است. ایجاد جبهه ملی دمکراتیک توسط هدایت اله متین دفتری نیز حمایت بسیاری از غیر مذهبیون زیر پنجاه سال ایرانی را جذب نمود. نتیجه این بوده است که برای جبهه ملی تعداد زیادی رئیس سالخورده (چون کریم سنجایی) ولی حامیان خیلی جوان خیلی کم، بجا مانده است.

جبهه دموکراتیک ملی جبهه دموکراتیک ملی بیشتر یک حزب است تا یک جبهه، ولی خود نیز می پذیرد که در خلق یک ساختار سازمانی کاری انجام نشده است. جبهه به وضوح به دنبال یک فرصت است، ولی در پیوستن به غیر مذهبیون غیر مارکسیست جناح مخالف و یا پیوستن به مسلمانان نادانی که دائما به امپریالیسم شرق و غرب می تازند، تردید دارد.

نهضت آزادی ایران - این حزب که توسط نخست وزیر بازرگان رهبری می شود در شش ماه گذشته در وضع عجیبی به سر می برد. اعضای اصلی آن که در حال حاضر اعضای حکومت ایران هستند، هنوز حداقل بطور آشکار در فعالیتهای این حزب شرکت نجسته اند. لیکن، اعتبار بعضی از آنها به عنوان اعضای مهم دولت موقت به نفع حزب تمام شده است. مثلاً، نتوانسته بود یک گروه از افراد را بطور جداگانه به عنوان نامزدهای انتخابات مجلس خبرگان معرفی نماید که البته برای جبهه ملی حتی امکان آن هم وجود نداشت.

نهضت رادیکال نهضت رادیکال که به وسیله رحمت اله مقدم مراغه ای رهبری می شود نیز زمانی در رابطه با جبهه ملی بوده است. از حمایت پیروان زیادی برخوردار نیست، ولی به خاطر روابطش با کانون و کلا و پایگاهش در

میان ترکهای آذری از اهمیتی برخوردار است. مقدم مراغه ای خود از طرف آذربایجان شرقی برای مجلس خبرگان انتخاب شده بود. وی از طرف حزب خودش و از طرف حزب جمهوری خلق مسلمان حمایت می شد.

سازمانهای مارکسیستی حزب توده: حزب توده که در حال حاضر توسط نورالله (نورالدین - مترجم) کیانوری رهبری می شود، همگام با دیگر احزاب در صحنه بوده است ولی با وجود هواداران معدود از ساختار سازمانی یک حزب برخوردار است. در حال حاضر این حزب با نهضت اسلامی پیمان اتحاد بسته است.

فداییان خلق ایران: فدائیان نیز چون مجاهدین به صورت یک سازمان شبه نظامی به مخالفت علیه شاه وارد عمل گردید. هنوز هم خود را سازمانی با شرایط پیشین می داند، ولی در ماههای اخیر بیش از پیش سیاسی بوده است. فداییان تعدادی کاندیدا برای ورود به مجلس خبرگان ارائه دادند و برای انتخاب شدن آنها به فعالیت انتخاباتی پرداختند. روزنامه کار که روزنامه ای است شدیداً سیاسی نیز توسط آنها منتشر می شود.

حزب کارگران سوسیالیست حزب کارگران سوسیالیست که به وسیله یک جوان رادیکال تحصیلکرده آمریکا به نام بابک زهرایی رهبری می شود به نظر می رسد از تعداد خیلی کمی هوادار برخوردار است. اهمیت نسبی آن در این روزها بیشتر به خاطر توجهی است که کمیته انقلاب به آن معطوف داشته است. به نظر می رسد که انقلاب اسلامی قصد آزادی اکثر اعضای این حزب را دارد.

احزاب نژادی حزب دموکرات کرد. این حزب که توسط عبدالرحیم قاسملو رهبری می شود ظاهراً دارای تمایلات چپی عجیب است، ولی در اصل دارای هویت نژادی است. در ابتدا این حزب با احزاب دیگر بر سر جلب حمایت ساکنین کردستان در مبارزه بود ولی اخیراً سخنان شیخ عزالدین حسینی چهره محبوب مذهبی کردستان، بر حزب دموکرات کرد بیش از دیگر احزاب ارجح نهاده است. از طرف آذربایجان غربی قاسملو برای مجلس خبرگان انتخاب گردید.

سازمان سیاسی اعراب مسلمان: ظاهراً این سازمان یک پدیده نوظهور سیاسی است. درباره آن اطلاعات زیادی در دست نیست، فقط می دانیم خواستار حقوق بیشتر برای اعراب ایرانی ساکن استان خوزستان است. این حزب مجلس خبرگان را غیرقانونی اعلام کرد که حتی از طرف نژاد عرب نیز مورد انتقاد سیاسی قرار گرفت.

تامست

ص: ۱۷۸



گرایشهای سیاسی - ۲ ارزیابی تهدیدات: ایران سری تهیه شده توسط: استفانی.س. استافر ۱۴ ژوئن ۱۹۷۹ (۲۴ خرداد ۵۸) تصدیق شده توسط: بوین. ه. میلر اخطار: این گزارش شامل منابع و متدهای اطلاعاتی و جاسوسی می باشد.

به ملیتهای خارجی داده نشود - به رابطها داده نشود.

ارزیابی تهدیدات بیان تهدید (استفاده محدود اداری) ایران کشور تضادها، عدم اعتمادها و فشارها است. آنچه که امروز در ایران وجود دارد، ممکن است فردا وجود نداشته باشد. کشور در حال تغییرات پی در پی و مداوم است و موقعیت آن را می توان خطرناک توصیف کرد. ناآرامیهای گسترده داخلی در اطراف ایران مخصوصا در ناحیه کردستان و اخیرا در خرمشهر وجود دارد. به هر حال امنیت سفارت آمریکا در تهران بهتر می شود، ولی این بدان معنی نیست که افراد داخل محوطه از امنیت برخوردار باشند.

پیچیدگیهای سیاسی و مذهبی ریشه های ناآرامیهای اخیر به قرنهای قبل برمی گردد. فرقه شیعیان اسلام که بیشتر مسلمانان ایران متعلق به آن هستند، به طور مرسوم با هر نوع دولت غیرروحانی مخالف بوده است. شیعیان مانند مذاهب سنی دارای سلسله مراتب نیستند. ملاهای (روحانیون) منفرد هر کدام پیروانی برای خود دارند. از طریق تعلیم و ترتیب، الهیات و رهبری، یک ملا می تواند به سطح قابل نفوذ اجتهاد برسد و بعد تعداد زیادی از پیروانش را که شامل سایر ملاها و پیروان آنها می شود، رهبری کند. آیت الله روح الله خمینی، پرنفوذترین آیت الله بوده است. چه قبل از خلع سلطنت تخت طاووس (پهلوی) و چه بعد از آن. او از مدتها قبل سخنرانی، مخالف دولت و مخالف روابط ایران با آمریکا بوده است.

سه دلیل اصلی برای نارضایتیهای روحانیون وجود دارد. روحانیت شیعه در سال ۱۲۹۵ موفق شد که دولت را مجبور کند تا ماده ای مبنی بر تشکیل یک شورای عالی مذهبی را در قانون اساسی بگنجانند، تا آنها در مورد قانونگذارهای مغایر با تعلیمات قرآن حق و تو داشته باشند. این شورا بعد از به قدرت رسیدن رضا شاه پهلوی در ۱۳۰۰ منحل شد. روحانیت تشکیل شورا را با همان اختیارات خواستار شده است.

اصلاحات ارضی شاه و آزادی زنان دلایل دیگر نارضایتیهای اصلی روحانیت می باشد. در سال ۱۳۴۲ هنگامی که شاه برنامه اصلاحات ارضی را وضع کرد، اموال و زمینهای مساجد (وقفی - مترجم) که قابل توجه هستند و همراه با آن اموال خصوصی آنها (مساجد) را مصادره کرد که این اموال به دهقانان تعلق گرفت. وقتی این اموال از آنان گرفته و در نتیجه از قدرتش کاسته شد، رهبران مسلمین برای بازگشت سرزمینشان کوشش کردند. روحانیت همچنین با آزادی زنان از طرف شاه مخالفت کرد.

مدافعان خمینی می گویند که مبارزه او در طول سالها برای براندازی شاه از سلطنت و تخت طاووس، همگام با سنت شیعه بوده است. در مقایسه با رهبران مذهبی در کشورهایمانند عربستان سعودی و یا امارات متحده عربی، ملاهای ایران به طور سنتی نقش انتقادآمیزی را در مقابل سیستم قانونگذاری اتخاذ کرده اند و در واقع به عنوان مخالف مذهبی عمل کرده اند. ملاهای شیعه ایرانی در قرون ۱۷ و ۱۹ (قرن ۹ و



۱۱ هجری) درگیر جنگهای قدرت با امپراطوریهها بوده اند. مثلاً در سال ۱۲۶۱ رهبران مذهبی یک اعتصاب وسیع توده ای را بر علیه دادن امتیاز تنباکو به انگلیسها رهبری کردند. آنها همچنین کوشش نمودند، تا در تنظیم قانون اساسی ۱۲۹۵ ایران که بر اساس مفاد غیرمذهبی بلژیکی بوده و شاه و پدر دیکتاتورش مکرراً با پایمال کردن حقوق سیاسی آن را نقض کرده اند، مؤثر باشند.

به نظر می رسد که آیت الله خمینی به طور فزاینده ای از مخالفین جمهوری اسلامیش و حملات تروریستی به یاران نزدیکش ناراحت و عاجز گشته است. غیر روحانیون میانه رو چپگرا، هر دو، انتقاد خشن خمینی از آنها را به عنوان گواهی برای دیکتاتوری روحانی تلقی می کنند. غیر روحانیون از بخشهای پیام منتشر نشده خمینی به نخست وزیر بازرگان در مورد برگزاری هرچه زودتر فرماندم قانون اساسی ۵ خرداد ۱۳۵۸ مضطرب شده اند. پیام اشاره می کند که نمایندگان انتخاب نخواهند شد بلکه برای ملحق شدن «فراخوانده» می شوند. این تفسیر بدین معنا است که خمینی قصد دارد که برای به حداقل رساندن اختلافات عقیدتی، مرحله قانونگذاری به وسیله جنبش اسلامی کنترل شود. تظاهرات اخیر ضد آمریکایی و بیانیه خمینی که به طور غیرمستقیم ایالات متحده را مقصر دانسته که کوشش کرده آیت الله هاشمی رفسنجانی را به قتل برساند، باعث افزایش نگرانی بین بسیاری از غیر روحانیون در مورد آینده تفکرات ضد خارجی خمینی شد. بیشتر ایرانیان غیر مذهبی عقاید سیاسی و اجتماعی خمینی را به عنوان عقایدی غیر عملی و غیر واقعی می دانند. مطمئن نیستیم که آیا اقدامات اخیر آیت الله به همکاری چپها و غیر روحانیون میانه رو خواهد انجامید، یا باعث فعال شدن آنها خواهد شد. ولی گروههایی که در طیف سیاسی هستند، به طور فزاینده ای از اهداف انقلاب انتقاد می کنند.

با سقوط سیستم (رژیم) پهلوی، تمایل به تجزیه و گروه گرایی به سرعت افزایش یافت. این تجزیه صرفاً طولی یعنی مثلاً تقسیم ایدئولوژیکی بین مارکسیستهای چپ و اسلامیهای راست نیست، بلکه دارای چندین جهت می باشد. این هم دلیل ائتلافهای عجیب و غریبی مثل ائتلاف بین بعضی اعضای مجاهدین خلق اسلامی و فداییان مارکسیست (چریکهای فدایی خلق سابق) و همچنین پیشرفت کند دولت موقت در تثبیت اقتدار خود به دنبال پیروزی برق آسای انقلاب بر رژیم گذشته که امری خلاف معمول (نسبت به دیگر انقلابها-م) است، می باشد. این تقسیمات خود را در پنج طریقه مختلف آشکار کرده اند:

ایدئولوژیکی، نسل به نسل، اجتماعی، فرقه ای و سازمانی. مهمترین گروههای سیاسی غیرمذهبیون مارکسیست و اعضای دولت هستند که دریافت بنیادگرایانه ای از اسلام دارند. همچنین قبلاً ائتلافی از «تجدد طلبهای» سیاسی، قدرت سیاسی قابل توجهی داشتند. با سقوط رژیم سابق، این گروه سیاسی میانه پراکنده شده و از هم پاشیدند. اما اکنون این گروه ظاهر شده تا دوباره گروه بندی کند و صدایش را به صدای سایرین بیفزاید. اختلافات بینشی، طیفی وسیع که یک طرف آن خمینی و همپالکیهای مذهبی در هفتاد سالگی و طرف دیگر آن جنگجویان جوان خیابانی هستند را به وجود آورده است. تحت بهترین شرایط، برای این نسلها مشکل است که با یکدیگر ارتباط فکری برقرار کنند. در این مورد، علائم رشد نارضایتی بین جنگجویان جوان خیابانی و نسل پیرتر وجود دارد. نسل جوان خودش را کسی می داند که انقلاب را به پیروزی رسانده و آماده بوده تا جانش را برای نهضت ایثار کند. آنها به عنوان نتیجه و پاداش خواهان سهم بیشتری در دستاوردهای انقلاب می باشند. از لحاظ اجتماعی، دیدگاههای متفاوت تجددطلب و سنت گرا، شکافی بین رده های اقتصادی ایجاد می کند. از لحاظ

قومی فوری ترین نتیجه حاصله از



اختلافات، درخواستهای خودمختاری برای کردستان می باشد. گروههای مختلف مشخصی وجود دارد که یا از لحاظ لهجه و زبان متفاوت هستند (لهجه ترکی آذربایجان و لهجه عربهای خوزستان) و یا اختلافات مشخص قومی دارند (مانند کردهای سنی و بلوچها)، که رسماً خودشان را جدا از جریان اصلی فرهنگ ایرانی می بینند. از لحاظ سازمانی، مسئله سیستم دوگانه دولت موقت و «کمیته»های انقلاب باید رسیدگی شود.

امکان خشونت تروریسم حقیقتی پذیرفته شده در سراسر تاریخ ایران است. در گذشته دو تا از مهمترین سازمانهای تروریستی، مجاهدین خلق (مبارزان مردم) و فداییان خلق (فدایی و چریک مردم) بودند. یک گروه ناشناخته به نام فرقان مسئول آخرین حملات جنایتکارانه ای است که بر ضد وابستگان خمینی جهت داده شده است. (بعدا توضیحات جزئی را در مورد فرقان ببینید).

از هم گسستن جنبش اسلامی و بسیاری از گروههای سیاسی که برای جلب رضایت عمومی رقابت می کنند، شاید دوباره آمریکا را هدف جذب کننده ای برای تبلیغات و ضدیت قرار دهد. و این می تواند احساسات ضد آمریکایی را بیشتر رشد دهد. به طور کلی هر تصمیم سیاسی که ایرانیان آن را مضر تلقی می کنند، می تواند شروع تظاهراتی ضد آمریکایی باشد. پاسخ خیابانی (تظاهرات) به قطعنامه ۱۷ مه سنا آخرین مورد این مسئله است. همچنین تهدید دیگر می تواند از طرف جناح سیاسی چپ و یا جناح راست باشد. در طرف چپ حزب توده (کمونیست و وابسته با احزاب چکسلواکی، روسیه و آلمان شرقی) و فداییان (مارکسیست) قرار دارند. در طرف راست، فداییان اسلام، مجاهدین خلق و آراجاهدین خلق (؟ مترجم) و نیز سایر گروههای کوچک وجود دارند. همچنین یک گروه آموزشی سازمان آزادیبخش فلسطین در ایران وجود دارد که ظاهراً اعضای نیروی دفاعی اسلامی داخلی را آموزش می دهند.

گزارشهای مربوط به اندازه این گروه با یکدیگر تفاوت دارند، ولی یک کارمند سیاسی رسمی سفارت، اطلاعات معتبری دارد که نیرویی حدود ۲۵۰ نفر می باشد. اگر چه این نیرو برای فعالیتهای آموزشی گمارده شده اند، ولی می توانند به عنوان سردمداران یک حمله به سفارت یا افراد آمریکائی در خارج از سفارت عمل کنند. چنین نیروی آموزش دیده و دارای نظم، تهدیدی جدی تر از اعضای گروهی هستند که در ۱۴ فوریه به سفارت حمله کردند.

چریکها و مجاهدین تا سقوط سلطنت تخت طاووس، به طور زیر زمینی فعالیت کردند. هر دو گروه هنوز هم گروههایی تروریست می باشند، ولی تا اندازه ای در ماههای اخیر هر دو گروه جهت علایقشان را تغییر داده اند.

در ۱۴ فوریه ۱۹۷۹، سفارت آمریکا در تهران به وسیله چریکها که سازمانی بودند که قبلاً بر علیه آمریکاییها فعالیت نکرده بودند، زیرا حس می کردند چنین برخوردی عکس العمل بسیار قوی از سوی مؤسسات امنیتی ایران به دنبال خواهد داشت، مورد حمله قرار گرفت به هر حال با بحرانهای داخلی دولت ایران، آنها حمله کرده و در این کار کاملاً موفق بودند. مجموعه سفارت و تقریباً یکصد آمریکایی که سفیر مختار سولیوان نیز شامل آنها می شد را احاطه کردند. اعضای مجاهدین، نیروهایی که به کمک آمریکاییها آمدند و در آن زمان به عنوان پلیس موقت عمل می کردند، بدتر از همه بودند. از ۱۳۵۱ مجاهدین



امریکایی را به قتل رسانده اند، (سه شخص نظامی و سه کارمند راک و ول بین المللی). آنها همچنین کوشش کردند که با بمب سرتیپ نیروی هوایی آمریکا را به قتل رسانند، سفیر مختار آمریکا را بربایند و اشتباها کارمند ایرانی سفارت آمریکا را به قتل رسانند (هدف واقعی کارمند کنسول آمریکا بود). در حال حاضر، یکی از بخشهای مجاهدین از سفارت مواظبت می کند (برای توضیح بیشتر بخشی را که تحت عنوان «امنیت سفارت» است را ببینید).

از بزرگترین مشکلات دولت خمینی قبایل سرکش و گروههای محلی هستند که تقاضای استقلال داخلی دارند و قدرتهای مرکزی را به ستوه آورده اند. دولت سعی دارد که نیروهای نظامی را به شایستگی که آنها در زمان شاه داشتند، برساند. گروههای جنگی (مسلح - م) غیررسمی ایران با این مسئله مخالفت می کنند و پافشاری می کنند که به جای آن «ارتش مردمی» را به وسیله سربازهای کمیته و کارمندان انتخابی تشکیل دهند. کوششهای دولت برای انحلال این گروهها و ضبط اسلحه های آنان، شکست خورده است. مفهوم ارتش غیر رسمی کمیته ها و افسران منتخب این فرصت را به جنگجویان غیررسمی می دهد که کنترل نیروی نظامی را به تدریج در دست بگیرند. تا به حال مجاهدین خلق اسلامی و فداییان مارکسیست به اندازه کافی اعضای را در داخل ارتش به استخدام درآورده اند تا کوششهای دولت را خنثی کنند. اینها گروههایی هستند که برای نفوذ در ارتش رقابت می کنند. گروه بزرگتر یعنی مجاهدین پیرو اصول خمینی هستند. به هر حال آن گروه مستقلی است که تصورات انقلابی اجتماعی تری از خمینی و نخست وزیرش، مهدی بازرگان دارد. از طرف دیگر، فداییان انقلاب پرولتری را برای رهبری به جامعه کمونیستی جستجو می کنند.

مجاهدین (سری / غیرقابل رؤیت برای خارجیان) مجاهدین گروه مذهبی متعصب محافظه کار و مخالف دولت شاه بودند و به خاطر جنبه های ضد مذهبی برنامه مدرنیزه کردنش، مخصوصاً آنها که قدرت رهبران مذهبی را کاهش داده اند و به خاطر نفوذ غرب آنرا سرزنش می کردند. آنها مارکسیستهای اسلامی نامیده می شدند. جنبه مارکسیستی این گروه، فعالیت سیاسی را بیشتر از فلسفی تأکید می کند و در ضمن اجزاء اسلامی تفکرات آنان با بی عدالتی اجتماع مخالفت می کند. رهبری آن بیشتر مارکسیست و اعضا و هواداران آن مذهبی هستند. در ۱۳۴۰ تأسیس شد. مجاهدین در دهه بعدی چندین بار متحول گشتند. نام فعلیش را در ۱۳۵۰ انتخاب کرد. در ۱۳۵۱ خمینی اطلاعیه ای صادر کرد که وظیفه تمام مسلمین خوب است که از مجاهدین حمایت کنند و شاه را سرنگون کنند.<sup>(۱)</sup> این گفته به گروه جنبه مشروعیت داد و آنها را قادر کرد که حمایت گسترده تری را جلب کنند. اعمال ضدآمریکاییش در ماه خرداد ۱۳۵۱، زمانی که گروه کوشش کرد با بمب گذاری سرتیپ نیروی هوایی آمریکا را به قتل برساند، اتخاذ گشت. آخرین عمل مهم ضد آمریکاییش در ۱۳۵۵ در به قتل رساندن سه کارمند راک و ول بود. پس از آن در اواخر سالهای ۵۶-۱۳۵۵ یک گروه دولتی ایران به نام کمیته مشترک بر علیه تروریسم شروع به فعالیت برای دستگیری مجاهدین و چریکها کرد و در آخر گزارش داد که مجاهدین در خرداد ۱۳۵۶ مراقب مرکز مهاجرین

ص: ۱۸۲

---

۱- همان گونه که قبلاً تذکر داده شد هرگز امام چنین اطلاعیه ای را صادر نکردند و شرح مفصل آن توسط یکی از اطرافیان امام در رسانه های عمومی عنوان شده است.

یهودی در تهران، سازمانی که به سفارت اسرائیل در تهران وابسته بود، بودند. کمیته مشترک ضد تروریسم (خرابکاری) قبل از ورود وزیر امور خارجه ونس در اولین سفرش به ایران، در این امور با مجاهدین برخورد داشت.

چریکها (سری / غیرقابل رؤیت برای خارجیان) چریکها که برای بیرون انداختن شاه، مبارزه مسلحانه را شیوه خود قرار دادند، یک گروه غیرمذهبی مارکسیست انقلابی می باشند. چریکها به انقلابیون آمریکای لاتین نزدیکتر هستند تا به اتحاد جماهیر شوروی یا جمهوری خلق چین در ۵۰-۱۳۴۹ به وسیله اعضای فعال کمونیست سازمان جوانان حزب توده که به مسکو اتکا داشتند، تشکیل شد. چریکها ابتدا در دامنه های شمالی البرز بین تهران و دریای خزر به فعالیت مسلحانه پرداختند. بعدا در عملیات شهری که فعالترین آن در اوایل ۱۳۵۴ بود شرکت کردند. تا قبل از آذر ۱۳۵۶، اهداف چریکها تقریبا فقط شامل ایرانیان بود: افراد سازمان امنیت و اطلاعات ملی ایران (ساواک) پلیس کارمندان نظامی و دولتی. برای اولین بار در آذر ۱۳۵۶، وقتی که مسئولیت بمب گذاری در انجمن ایران و آمریکا را به عهده گرفت، آمریکاییها را مورد هدف قرار داد. در دی ۱۳۵۶ در نامه ای که برای یک پیمانکار دفاعی آمریکا فرستاده شده بود، چریکها نسبت به مواضع قبلی خود که حمله به آمریکاییها اتلاف نیرو بوده تجدیدنظر کرده و علاقه خود را مبنی بر اینکه آنها (آمریکاییان) هدفهای خوبی هستند، ابراز داشتند.

فرقان - رویدادها (محرمانه - غیرقابل رؤیت برای خارجیان) فرقان اولین بار ضرب شصتس را زمانی نشان داد که مسئولیت به قتل رساندن رئیس سابق ستاد مشترک دولت موقت، سرتیپ محمد ولی قرنی که به خاطر رفتار ارتش با خودمختاری طلبان کرد مورد سرزنش قرار گرفت و مجبور به استعفا شد را در ۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ به عهده گرفتند. در اواسط اردیبهشت ۱۳۵۸ آیت الله مطهری هنگامی که خانه یدالله سحابی (وزیر کشور برای طرحهای انقلابی) را ترک می کرد، به قتل رسید. مطهری عضو شورای انقلاب بود. گزارش شده که او رئیس شورای انقلاب بود و امنیت شخصی خیلی سختی داشت. او به خاطر شلیک سه گلوله در سرش کشته شد. در تلفنهائی که به مؤسسات خبری بین المللی در شب ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ شد، یک تلفن کننده که مدعی بود از فرقان است، گفت که به قتل رساندن مطهری برای پیاده کردن ایده آلهای بعدی آنها است (NFI). گوینده گفت که در لیست فرقان نفرات بعدی ابراهیم یزدی، مهدی هادوی (رئیس دادستان کل)، صادق قطب زاده، عباس امیر انتظام و تمام اعضای شورای انقلاب هستند. گوینده مدعی بود که اسامی و تصاویر همه اعضای شورا را دارد، در ۴ خرداد ۱۳۵۸، فرقان کوشش کرد که حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی، یک رهبر مذهبی سرسخت ضد کمونیست را به قتل رساند. او به طور جدی در نزاعی با دو مرد مسلح که به داخل خانه وی در تهران، هنگامی که وی مشغول نماز بود، وارد شدند، مجروح گردید. رفسنجانی یار نزدیک خمینی است و گزارش شده است که عضو شورای انقلاب است. فورا خمینی و آیت الله های ایران، آمریکا و چپهای ایرانی ساخت آمریکا را مقصر شناختند. خمینی گفت که «آمریکا و سایر ابرقدرتها باید بدانند که با چنین کوششهای احمقانه نمی توانند انقلاب ما را از بین ببرند». در پیامی به



ملت در ۷ خرداد ۱۳۵۸، دادگاه انقلاب اسلامی تهران گفت که فرقان توسط رئیس پیشین سیا، ریچارد هلمز که بعداً به عنوان سفیر در ایران خدمت کرد، تشکیل شده است. در ۸ خرداد ۱۳۵۸ فرقان نیت خود را برای کوشش دیگری در به قتل رساندن رفسنجانی اطلاع داد. به طوری که گزارش شده خمینی و سایر رهبران مذهبی که در لیست مرگ فرقان هستند، امنیت خودشان را قوی تر کرده اند. او به پلیس نظامی مرکزی دستور داده است که امنیت را از چریکهای نیمه وقت غیررسمی تحویل بگیرند.

(محرمانه) اطلاعاتی که در ۲۱ خرداد ۱۳۵۸ دریافت شده نشان می دهد که فرقان ممکن است هدف بعدیش را رئیس کل سرویسهای پزشکی ارتش، سرتیپ نورالدین مستحدی (MastAhed) قرار دهد. این اولین باری است که هدف مخصوصی را تعیین کرده اند.

فرقان - زمینه تاریخی:

چنانکه گزارش شده فرقان چهار سال پیش به عنوان گروه کوچک مذهبی بدون هیچ سابقه خشونت قبلی تأسیس گشته است. اسمش را از یک اصطلاح قرآنی به معنای «کتاب مقدس» یا «اختلاف بین حق و باطل» گرفته است. گفته می شود که این گروه از لحاظ سیاسی چپگرا است. جهت اصلی اهداف اخیر آن مخالفتش با نقش روحانیت در دولت جدید ایران است.

قرنی به قتل رسید، زیرا «او به خاطر خیانتش در زمان رژیم شاه و به خاطر نقش سرسختش در حمله به شورش کردستان در سنندج در مارس به اعدام انقلابی محکوم شده بود». به دنبال به قتل رساندن مطهری، فرقان «دیکتاتوری ملاها یا رهبران مذهبی و سرکوب کردهای ایران را به عنوان دلائل این عمل ذکر کردند». امنیت آمریکاییها پیش از تخلیه اکثر آمریکاییها از تهران، افراد نظامی و غیرنظامی آمریکا بدرفتاریهای زیادی را تجربه کردند. تلفنهائی مبنی بر اینکه اگر آنها کشور را ترک نکنند کشته خواهند شد، می شده که قبل از تخلیه اصلی آمریکاییها از ایران روزانه اتفاق می افتاده است. اخطارهای تهدیدآمیز به محل سکونتشان تحویل داده می شد. به ماشینشان ضمیمه می شد یا در محل کارشان گذاشته می شد.

تعدادی از این اخطاریه ها در اصفهان و تهران به تعداد زیاد تکثیر شده بود. شرکتها و مدارس آمریکایی که دانش آموزان آمریکایی داشتند، تهدید به بمب گذاری می شدند. تاکتیک موفق دیگر ترویج شایعه های بی اساس مانند اخطارهایی که تعداد زیادی از آمریکاییها در روز مخصوصی کشته خواهند شد، بود به طور کلی، مغازه داران محلی از فروش به آمریکاییها امتناع می ورزیدند، رانندگان تاکسی از پذیرش اتباع آمریکایی به عنوان مسافر طفره می رفتند و فروشندگان به آمریکاییها گاز مورد نیاز را برای استفاده اجاقها و سایر اسباب خانگی نمی فروختند. همچنین تهاجماتی به وسائل شخصی یا محلهای آمریکاییها وجود داشتند. ماشینهای خصوصی آتش زده شدند. بمبهای آتش را از طریق پنجره ها به محلهای اقامت خصوصی پرتاب شده اند و تعدادی از رستورانها در تهران، اصفهان و شیراز که موافق سلیقه خارجیان بودند مورد حمله قرار گرفته، بمب گذاری شده و آتش گرفتند.

احساسات ضد آمریکایی که چندین ماه پیش به دنبال تخلیه تمام آمریکاییها ظاهر شد رو به افزایش است. فرقه فرقه شدن جنبش اسلامی و بسیاری از گروههای سیاسی برای رقابتشان در جلب عموم ممکن است یک بار دیگر آمریکا را به عنوان

هدفی مناسب برای تبلیغات و تهاجم قرار دهند. تظاهرات اخیر علیه قطعنامه سناتور جاکوب جاویتس در مورد ایران اشاره به این حقیقت می کند که به طور کلی هر

ص: ۱۸۴

تصمیم سیاسی را که ایرانیان به ضرر خود بدانند باعث تظاهرات ضد آمریکایی و یا رویدادهای ضد آمریکایی می شوند. با توجه به این، تصمیم که به شاه یا اعضای خانواده اش اجازه اقامت را برای ملاقات یا باقی ماندن در آمریکا دهد، می تواند عواقب جدی به دنبال داشته باشد. عکس العمل ایرانیان احتمالاً فوری و خشونت آمیز خواهد بود. چنین تصمیمی احتمالاً تنها عامل پیوستگی و اتحاد طیف سیاسی می باشد.

امنیت محوطه (سفارت) در حال حاضر محوطه توسط یک گروه مجاهدین که به وسیله ماشاءالله کاشانی رهبری می شود که ادعا می کند مدارکی مستقیماً از خمینی دارد، حفاظت می شود. نیروهای او که حدس زده می شود حداکثر ۴۰ نفر با افراد رزرو که در دو مسجد در ناحیه قرار گرفته اند، آموزش ندیده، بی نظم و مسلح به سلاحهای مختلف هستند (برخی از اسلحه ها از سفارت آمریکا دزدیده شده است) و دارای وسایل رادیویی هستند که از کنسولگری در ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ منتقل گشته است. افراد سرویس خارجی گزارش می دهند که فقط پنج تا ده نفر از افراد گارد در طول روز در مجموعه هستند. در طول ساعات غروب نیروها به پانزده تا بیست نفر افزایش می یابند. در بازدیدهای متناوب در شب معمولاً دیده شده که اکثر خواب هستند.

از نگرانیهای اصلی فقدان کنترل فعالیتهای ماشاءالله و گروهش بعد از ساعات (کار) است. او از محوطه سفارت به عنوان عملیات انقلابی و اطلاعاتی خودش استفاده کرده است. او عوامل ساواک را در محوطه آورده و اطاق موتور را برای اهداف بازپرسی استفاده می کند. با توجه به این که ماشاءالله ممکن است یک زندانی را در مجموعه شکنجه داده باشد، کاردار دستور داد که این فعالیتهای متوقف شود. این عقیده وجود دارد که این فعالیت متوقف شده است. به هر حال ماشاءالله راههای دیگری برای سرگرم کردن خودش پیدا کرده است. او عملیاتی را بر علیه روسها و همچنین برخی از ایرانیان انجام داده است. یک ماشین سفارت در توقیف سه روسی استفاده شد و خانه امنیتی خارج از محدوده سفارت قرار گرفته بود. شلیکهای بی هدف به یکدیگر و اشخاص ناشناس در مجموعه سفارت در طول تاریکی شب مشکل دیگر ماشاءالله و مجاهدینش است. در انتها ماشاءالله و نیروهایش راههای دسترسی به محوطه را کنترل می کنند. آنها تهدید می کنند، سوءاستفاده می کنند و بطور کلی راههای طبیعی قابل دسترسی به محوطه را مسدود می کنند.

کوششهای انجام شده تا نیروهای پلیس رفته رفته برخی از مسئولیتهای امنیتی مجاهدین را در دست بگیرند.

اغتشاشات قومی در استانها گروههای ناسیونالیست که تا سقوط شاه به صورت زیر زمینی فعال بودند، حالا بوضوح برای گروههای قومی خود تقاضای استقلال می کنند. این شامل کردها در غرب، بلوچها در جنوب غربی و آذری ها در شمالغربی می باشد. آخرین واقعه خشونت آمیز در سی می ۱۹۷۹ در خرمشهر اتفاق افتاد. به دنبال حادثه ای که در آن یک گارد انقلابی دو عرب را به خاطر مشاجره کارگری در بندر کشت. جامعه عرب به بندر و ساختمانهای عمومی حمله کردند. درگیری مسلحانه شدت یافت و چند صد نفر تلفات به دنبال داشت. حملات ناگهانی اخیر به وسیله نیروی هوایی عراق در خطوط مرزی روی استحکامات

کردستان، مخصوصا سازمان جلال طالبانی خشم بیشتر کردها را نسبت به دولت موقت ایران باعث شده است. شاه توافقنامه ای با عراق داشت که به کردها اجازه داد که اساسا در صلح بدون ترس از انتقامهای عراق زندگی کنند و این توافقنامه حالا توسط عراقیها شکسته شده است.

## کتاب بیست و پنجم

### خط میانه (۱)

ص: ۱۸۶





بسم الله الرحمن الرحيم در اسناد مندرج در مجموعه های «دخالت‌های آمریکا در ایران» و احزاب سیاسی در ایران تفصیلاً مشخص شد که آمریکای غدار در مواجهه با انقلاب اسلامی به دنبال چهره های میانه رو بود تا با بر سر کار آوردن آنها از یک سو مانع از به قدرت رسیدن نیروهای انقلاب تحت رهبری امام امت شود، و از سویی با حفظ بافت رژیم شاه که چهره های جدید ولی با ماهیت مشابه در رأس آن قرار گرفته باشند، منافع حیاتی خود را در منطقه و در ایران که در معرض خطر بود حفظ کند. اسنادی که در مجموعه حاضر تحت عنوان خط میانه منتشر شده است، شرح ملاقاتها و دیدارهایی است که با این چهره ها صورت گرفته است و در واقع زمینه برای تحلیلهای جاسوسان آمریکا همین ملاقاتها بوده است که قبلاً به چاپ رسیده است.

افرادی که در این طیف گسترده خط میانه قرار می گیرند، از سویی وابستگان رژیم شاه هستند که علیرغم نزدیکی همه جانبه به شاه و تفکر شاهنشاهی به پاره ای از عناصر و اعمال حاکمیت شاهنشاهی روی رقابتهای نفسانی خرده می گیرند، که چرا آنان از سوی شاه عهده دار مقامات و متصدی امور نشدند. در طرف دیگر این طیف سیاستمداران قدیمی هستند که سابقه مبارزه با شاه هم داشته اند و حتی بعضاً زندانهای طویل المدت را هم گذرانده اند و پاره ای از آنها خود را از حامیان امام و وابستگان به حرکت ایشان می دانند، البته به اضافه اینکه حساب آمریکا را از شاه جدا می دانند و معتقدند سرنگونی شاه نیاز اجتناب ناپذیر به موافقت آمریکا دارد و بقیه نیز در این میان به دست و پا مشغولند، شیطان بزرگ از میان اینان به دنبال یک جانشین مناسب برای شاه است و میانه روها در این فرصت اعطایی که مردم با خون خویش ایجاد کرده اند، به دنبال دستیابی به قدرت از کانال ارباب بزرگ می باشند. ویژگیهایی که در میان این جماعت عمومیت دارد به طور خلاصه در سه محور زیر خلاصه می شود:

۱ - عدم اعتقاد به اجرای اصول اسلامی بدون کم و کاست و بدون تأثیر از القائات شرق و غرب.

۲ - به دنبال اولی عدم تمکین از رهبری امام به عنوان رهبر مذهبی سیاسی (نایب امام زمان) و نپذیرفتن ولایت امام.

۳ - گرایش به آمریکا با بهانه جلوگیری از خطر نفوذ کمونیسم. به دلایل فوق اینها هرگز با مردم همصدا نشدند و شعارهایشان همیشه اگر با خواست مردم متضاد نبوده از حیث زمان فرسنگها با مردم فاصله داشته اند.

پس از رشد نهضت و نمود مشخص نقش روحانیت در رهبری حرکت، اسناد به خوبی نشان می دهد که جستجوی آمریکا در میان اقشار میانه رو یاد شده متمایل به جناحی می شود که در میان مردم وجهه و

سابقه اسلامیت داشته باشند، چرا که به خوبی دریافته اند مردم اسلام را می خواهند و به دلیل ماهیت ضد اسلامی شاه، بر علیه او قیام کرده اند. در میان این چهره های به اصطلاح مذهبی انگشت روی کسانی گذاشته می شود که به خیال آنها قابلیت، مقابله با امام را داشته باشند، محور این افراد آقای شریعتمداری است که تمام سیاستمداران میانه رو به ظاهر مذهبی می کوشند تا او را به عنوان محور رهبری جریانات داخلی به صحنه بکشانند و از او برای تعدیل نقطه نظرها و مشی امام استفاده کنند.

«میناچی گفت خمینی یک موضوع سخت و محکم را حفظ می کند او از این موضوع با ناامیدی آشکار و مشخصی صحبت می کرد.» میانه روهای فعال گشودن این گره را در تجمع حول محور شریعتمداری می دانستند تا جریان نهضت را به خیال خود از حالت یک قطبی آن که در رهبری امام متجلی می شد تجزیه کنند و با تقویت جناح مقابل امام، خط تند روی نهضت را به خیال خود به یک حالت میانه رو بکشانند و در مصالحه و توافق با آمریکا راهی جز این را برای خود میسر و مقدور نمی دانستند.

ناگفته نماند که این خط پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم دنبال شد، بعضی از همین چهره ها با حضور در دولت موقت ادامه این نقش را در مقابله با انقلاب اسلامی که بدون توقف پس از سرنگونی شاه قصد اخراج همه جانبه آمریکا را از جای، جای سرزمین شهیدان داشت، به عهده گرفتند، که بعدا درباره آن خواهیم نوشت. بحمدالله تمامی توطئه های آمریکا در پرتو رهبری ولایت فقیه روز بروز برای مردم افشاء شد و جریانهای منحرف یکی پس از دیگری علیرغم ظاهر فریبنده و ادعاهای گول زننده، پس از اینکه چهره واقعی خود را به مردم نمایانند، با لطف خدا و روشنگری امام به دست (مردم از صحنه سیاسی این لاله زار شهیدان خارج شدند).

اسناد مربوط به خط میانه در چهار جلد منتشر می شود که سه جلد اول مربوط به اسناد قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است و جلد چهارم مربوط به بعد از انقلاب اسلامی می باشد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام



سند شماره (۱) سری - ۱۱ می ۱۹۶۴ برابر با ۲۱ اردیبهشت ۴۳ غیر قابل رؤیت برای خارجیان ایران، رهبر ایل خسرو قشقایی خسرو خان قشقایی جوانترین و بالقوه ضد دولتی ترین خان از چهار خان مهم (تمامشان برادرند) ایل قشقایی می باشد. اگر چه بزرگترین برادر او، ناصر، رئیس ایل است، خسرو برای سالیان متمادی رهبر جنگی ایل بود و فرماندهیش از احترام قابل توجهی در میان ایلیاتیها برخوردار است. او سه احساس قوی دارد:

یک نفرت تلخ از شاه، یک وفاداری قوی نسبت به ایل و فامیلش، و جاه طلبی برای جایگزین شدن به جای خانواده پهلوی به عنوان حکام ایران. این انگیزه ها از هر دوستی و یا اتفاقی که ممکن است شکل پذیرد فراتر می رود.

او اغلب نسبت به ایالات متحده ابراز دوستی کرده است، ولی برای حمله به سیاست آمریکا در ایران به خود تردید راه نداده است. او یک بار شاه را به عنوان یک عروسک ایالات متحده که ثروت ایران را به تاراج می دهد، خواند.

از ۱۹۵۴ وقتی که خسرو و دو تا از برادرانش تبعید شدند، وی در توطئه های بی شمار و شورشهای ایلیاتی شایع در گیر بوده است. او به طور نزدیکی با سازمان جبهه ملی در آلمان غربی جایی که هم اکنون زندگی می کند مرتبط است، هر چند جبهه ملی او را یک ملی گرای واجد شرایط نمی داند و گزارش شده که او با حزب توده (کمونیست) در آلمان شرقی در ارتباط می باشد و جبهه ملی را ترغیب به همکاری با توده بر علیه دشمن مشترکشان، شاه، نموده است.

همچنین شایع است که او با ناصر رئیس جمهور، جمهوری متحده عربی در ارتباط است. در ۱۹۶۳ مذاکراتی بین قشقایها و دولت برای اجازه دادن به دو تا از برادران برای بازگشت انجام گرفت، هر چند خسرو مورد نظر قرار نگرفت.

خسرو قشقایی ۱۹۲۱ در فیروزآباد، شهر اصلی قشقایها در جنوب ایران متولد شد. پدرش اسماعیل خان قشقایی (صولت الدوله) در روزهای اولیه سلسله پهلوی به دستور شاه مسموم شد. تنفر پسران اسماعیل از شاه گفته می شود که از این واقع شروع شده. خسرو در ۱۹۳۹ از کالج آمریکایی تهران فارغ التحصیل شد و به ایل بازگشت که وظایف ارثی خود را به عهده بگیرد. از ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۷ او به عنوان فرماندار فیروزآباد خدمت نمود.

خسرو علاوه بر فرماندهی جنگی ایل، مسئول روابط خارجی و سیاستهای ایل بود. در ۱۹۴۷ او به وسیله قشقایها به عنوان وکیلشان به مجلس فرستاده شد. او در سه دوره متوالی تا ۱۹۵۳ نماینده بود.

خسرو قشقایی نایب رئیس مجلس شانزدهم (۵۲ - ۱۹۵۰) و عضوی از کمیسیون کشاورزی در طول آن دوره بود.

مخالفت خانهای قشقایی با دولت تقریباً از جنگ دوم به این طرف مستمر بوده است. در آن کشمکش (جنگ دوم) آنها از آلمانها حمایت می کردند و در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ آنها انقلابات ایلی را برای

جایگزینی سلسله پهلوی هدایت کردند. از ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳ آنها حامیان قوی محمد مصدق نخست وزیر وقت بودند. خسرو در سال ۱۹۵۲ یک سخنرانی در مجلس ایراد نمود و ایالات متحده را برای مخالفتش با رژیم مصدق تقییح نمود، هر چند او به ابراز دوستی نسبت به مقامات آمریکایی در تهران ادامه داد. وقتی که مصدق در ۱۹۵۳ سرنگون شد او به فیروز آباد بازگشت و در آنجا با نمایندگان حزب توده صحبت کرد و احتمالات انقلاب را ارزیابی نمود. سرانجام در ۱۹۵۴ او موافقت نمود که کشور را ترک کند. او چندی را در ژنو گذراند و سپس در مونیخ مستقر شد.

خسرو قشقایی یک مرد قابل تحریک است و متمایل به کمی اغراق گویی می باشد. او دارای قامتی متوسط و هیكلی چهارشانه است. رشادت او و قدرت سازمانی او و طبیعت جنگجویی خیلی مورد احترام قوم او می باشد.

وی مجرد است و با مادرش زندگی می کند. در ۱۹۴۸ گزارش شد که او از پرنسس فاطمه خواهر شاه خواستگاری نمود و در ۱۹۵۸ یک دختر آمریکایی ادعا نمود که همسر او است. خسرو نسبتاً ریخت و قیافه خوش سیمای ترکی، موی ضخیم پر پشت سیاه و یک لبخند دلپذیر دارد. یک گزارش اظهار می دارد که او به مواد مخدر معتاد است.

خسرو قشقایی سه برادر و یک خواهر دارد، ناصر و ملک منصور دو برادر بزرگتر که در ۱۹۵۴ با خسرو تبعید شدند و برادر دیگر محمد حسین که از ورود به منطقه تهران ممنوع شده است. بی بی (خواهرش) در سیاست دخالتی ندارد و هنوز در شیراز زندگی می کند. از ۱۹۴۷ به میزان زیادی در اروپا و به طور متناوب در ایالات متحده مسافرت نموده است.

او فارسی، ترکی و انگلیسی را به خوبی صحبت می کند.

۱۱ می ۱۹۶۴

## آیت الله سید کاظم شریعتمداری

سند شماره (۲) سری - ۲۰ اوت ۱۹۶۴ - ۲۹ مرداد ۴۳ غیر قابل رؤیت برای خارجیان - فقط استفاده داخلی پیوست به ۶۴/۴۲۶ - پ آیت الله سید کاظم شریعتمداری آیت الله سید کاظم شریعتمداری در حدود ۶۴ تا ۷۰ سال سن دارد و در قم ساکن است. یکی از چهار قدرت مذهبی قم می باشد. وی در تبریز متولد شده و نفوذ قابل توجهی در تبریز و آذربایجان دارد و در این ناحیه بیشتر از ۵۰۰/۰۰۰ مقلد دارد. اگر چه او در واقع اعمال آیت الله خمینی را دوست ندارد، ولی بدون اینکه بروز دهد، در همان جهت خمینی فعالیت می کند. او در حدود یک میلیون تومان وجوهات شرعی از مردم دریافت می کند و اخیراً بنای ساختمانی در قم به نام «خانه ترویج اسلام» و با همان عنوان شعبه ای در تهران خیابان شاهرضا، مقابل دانشگاه تهران شروع کرده است. او برای بنای این ساختمانها یک اعتبار ۵ میلیون تومانی کسب کرده است و در نظر دارد که محصلین مذهبی به این دو مدرسه بپیوندند. به آنها علاوه بر مطالعات دینی، علوم جدید و یک زبان خارجی آموخته می شود و دانشجویان موفق برای ترویج اسلام به کشورهای خارج اعزام می شوند. تا قبل از اغتشاشات ژوئن ۱۹۶۲ (خرداد - ۴۲) او ماهیانه

ص: ۱۹۲

۳۰۰/۰۰۰ تومان به عنوان وجوهات دینی دریافت می کرد و در ماههای آخر او ماهیانه ۵۰۰/۰۰۰ تومان دریافت می کرد. او کتابهای مذهبی منتشر کرده است و مقالاتی درباره فلسفه تغییر قوانین مذهبی نوشته و منتشر کرده است او کمی ترسو است، اما خودخواه و با هوش است و به اندازه کافی تحصیلات و آگاهی دارد.

سند شماره (۳) خیلی محرمانه - تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۶۴ - ۱۸ شهریور ۴۳ گزارشگر: ویکتور ولف، جونز نام: سید کاظم شریعتمداری شغل فعلی: روحانی بزرگ شیعه اطلاعات:

شخصی: در حدود سال ۱۸۹۴ در تبریز در یک خانواده روحانی متولد شده است. در حال حاضر یک زن دارد، ولی در قدیم چندین صیغه داشته، مخصوصا در سفرهایش به شهرهای مذهبی در عراق و ایران، چیزی درباره فرزنداناش در دست نیست. اگر چه بدون شک وی فرزندانانی دارد.

تحصیلات: در تبریز تحصیلات مذهبی خود را شروع کرد و بعد در قم و همچنین در مشهد چند سالی تحصیل نمود و مدت کوتاهی هم در نجف و کربلا تحصیل کرده است.

تعلیم: شریعتمداری یکی از چهار مقام روحانی بزرگ شیعه در قم است و یکی از مدرسین برجسته می باشد. تخصص در فقه دین دارد، در حال حاضر با استفاده از زکات که در دسترس اوست مشغول ساختمان یک «خانه نشر اسلامی» در قم و شعبه آن در تهران در خیابان شاهرضا روبروی دانشگاه تهران است. وی همچنین برای این منظور اعتباری به مبلغ ۵۰ میلیون ریال (۶۶۷۰۰۰ دلار) دریافت داشته است. دانشجویان در این خانه، علوم جدید و زبانهای خارجی را در کنار مطالعات عادی مذهبی می آموزند. فارغ التحصیلان این مدرسه به طوری که گزارش شده به عنوان مبلغ برای تبلیغ اسلام در کشورهای خارجی مورد استفاده قرار می گیرند. چند سال پیش شریعتمداری به مقام اجتهاد ارتقاء یافت و از مراجع ارشدترین روحانی شیعه و یکی از نامزدهای مقام زعامت شیعه است) دانسته می شود. به خودی خود او یک روحانی افضل دانسته می شود، که دستورالعمل هایش بایستی پیروی شود و حق دارد که به مؤمنین دستور دهد. او همچنین به طور قانونی می تواند از عنوان آیت الله استفاده کند.

مسافرت: به عراق زبانها: فارسی و عربی فعالیتها: سیاسی: شریعتمداری پیروان قابل توجهی در تبریز و آذربایجان دارد و پایگاه سیاسی او در بازار تبریز است. گزارشات تخمین می زنند که شاید او ۵۰۰/۰۰۰ پیرو در شمال غرب ایران داشته باشد.

او یک پایگاه دومی در قم جایی که پیروانی به ویژه در میان آذربایجانیهایی، که در آن شهر مقدس تحصیل می کنند دارد.

شریعتمداری شدیداً محتاط و محافظه کار دانسته می شود، وقتی که پای تاکتیک به میان می آید، ولی او آرام و متین، باهوش و کمی نوگرا در نظریه مذهبییش می باشد (رجوع شود به گرایشات اجتماعی و

شریعتمداری احتمالاً از برجستگی آقای خمینی خیلی خوشحال نیست. به هر حال به خاطر اهمیت سیاسی فعلی و پیروانی که آقای خمینی دارد، شریعتمداری باید حداقل مشخصه‌ای از حمایت از او را نشان بدهد.

شریعتمداری احتمالاً نمی‌خواهد که آقای خمینی بزرگترین رهبر شیعیان شود. اگر شریعتمداری از تضعیف کلی آن مقام روحانی آگاه گردد، محتمل است که عقب بکشد و یا حمایتش را از آقای خمینی کاهش دهد.

شریعتمداری در گذشته این نگرانی را ابراز داشته که موضع روحانیون در مباحثه اخیر با دولت در رسانه‌های ارتباط جمعی انعکاس پیدا نکرده است. او به طور کلی از روحانیون مخالف با سیاست اصلاحی دولت پشتیبانی می‌کند. به هر حال باید اشاره شود که شریعتمداری ارتباطاتی با جبهه ملی و طرفداری نسبت به آن دارد. او احتمالاً به خودی خود مفهوم اصلاح را آنطوری که بعضی از همقطاراننش آنرا رد می‌کنند نفی نمی‌کند. او بدلائیل تاکتیکی آن را ضروری یافته که خودش را با مخالفت کلی روحانیون هماهنگ کند که پایگاه سیاسی خودش را حفظ نماید. به هر حال محتمل است که او ترجیح دهد که برخی اصلاحات معتدل بنیاد نهاده شود و اینکه دولت امتیازاتی کوچک جهت اجازه شرکت اندک مخالفین، مخصوصاً جبهه ملی در امور سیاسی ایران را بدهد.

گزارشات سیاسی و اجتماعی: شریعتمداری معتقد است که روحانیون در مورد اصلاحات ارضی واقعا نگران نیستند و در حقیقت مایل هستند که ببینند بعضی از مالکان ثروتمند از ثروشان محروم شوند. او اظهار می‌دارد که زمینهای وقفی در حال حاضر یک منبع درآمد مهم را برای روحانیت تشکیل نمی‌دهد. او بشدت با موضع ابتدایی دولت که روحانیت باید از سیاست خارج شود مخالف است. شریعتمداری واقعا طرفدار یک نوع حکومت روحانیون در ایران است. او به طور مکرر به ماده ۵ قانون متمم قانون اساسی (۱۹۰۷) اشاره می‌کند که بررسی تمام قوانین به وسیله ۵ روحانی مهم برای تطبیق با قانون اسلامی را میسر می‌سازد.

شریعتمداری یکی از آن روحانیونی است که موضعش را در مورد حقوق زنان از آشوبهای محرم ۱۹۶۳ تعدیل کرده است. از آن موقع شریعتمداری اظهار نداشته که گسترش حقوق اجتماعی و سیاسی به زنان ضد مذهبی است. او فقط اصرار ورزیده که این کار به یک طریق صحیح انجام شود (این بدان معناست که تحت سرپرستی روحانیت صورت پذیرد). در حقیقت شریعتمداری یکی از آنهایی است که با هیچ کدام از اصلاحات به خاطر خود اصلاحات مخالفت نمی‌کند بلکه نگران این است که اصلاحات آن طوری که دولت در نظر دارد قدرت سیاسی و اجتماعی اصلی روحانیت در زندگی ایرانی را از بین ببرد.

گرایشات نسبت به ایالات متحده و دیگر کشورهای خارجی: شریعتمداری مثل تمام همقطاراننش از تماس با خارجیان اجتناب می‌ورزد. او می‌ترسد که چنین تماسهایی شهرت او را از بین ببرد و اینکه او از طرف توده‌های مذهبی به عنوان عامل خارجیان مورد توجه قرار گیرد. شریعتمداری همچنین گاه گاهی اظهار خشم نموده که رژیم از طرف دولتهای خارجی مثل ایالات متحده حمایت می‌شود. تا این حد او احتمالاً نسبت به ایالات متحده سرد است. در عین حال بایستی تشخیص داده شود

که شریعتمداری به عنوان یک روحانی محافظه کار قابل اطمینان از کمونیسم متنفر است. در دقایق درون گرائیش، او بدون

ص: ۱۹۴

شک تشخیص می دهد که رابطه ایران با ایالات متحده به شدت برای محافظت آزادی ایران و محدود نمودن مؤثر نفوذ کمونیسیم در ایران مهم است.

نظریه: شریعتمداری یکی از ۷ یا ۸ روحانی ارشد شیعه است که برای مقام رهبری عالی شیعیان رقابت می کند. او به خودی خود وفاداری شاید در حدود نیم میلیون مسلمان شیعه در اینجا و یک تعداد ناشناخته اضافی که از او به عنوان دومین انتخابشان حمایت می نمایند را دارد.

یک تعداد ناشناخته مسلمانان در جهان شیعه هنوز تصمیم نگرفته اند که چه کسی را برای رهبری برتر خودشان خواهند خواست. شریعتمداری یک رقیب مهم برای وفاداریهای آنها می باشد. او علاوه بر این از جهت اینکه نمایانگر اصلاح طلبانه ملایم در میان گروه روحانیون اینجا می باشد، حائز اهمیت است. یک نقص در مسابقه او برای مقام برتر، این حقیقت است که خصوصیت‌های مذهبی او برتر هستند، ولی نه برجسته. با این وجود او باید به عنوان یکی از معدود اشخاص مهم در دنیای شیعه در نظر گرفته شود.

### **فعالیت‌های ضد دولت ایران و ضد آمریکایی در داخل محافل مذهبی در قم**

سند شماره (۴) خیلی محرمانه - تاریخ گزارش ۵ آوریل ۱۹۶۶ برابر با ۱۶ فروردین ۱۳۴۵ تاریخ اطلاعات: مارس ۱۹۶۶ مکان و زمان: ایران - تهران ۳۰ مارس ۱۹۶۶ کشور: ایران منبع: یک ملای ارشد با رابط‌های خوب در محافل مذهبی و دادگاه. او اطلاعات گاه به گاه ولی صحیحی در مورد فعالیت‌های مذهبی از ۱۹۶۳ به اینطرف تهیه کرده است.

موضوع: فعالیت‌های ضد دولت ایران و ضد آمریکایی در داخل محافل مذهبی در قم ۱- در ۱۷ مارس ۱۹۶۶ مأموران امنیتی دولت ایران شیخ (نام کوچک نام معلوم) منتظری و حداقل ۳ ملای دیگر را در قم پس از یک صحبت ضد دولت ایران که یک جزوه انتقادی از دولت در سه مورد زیر پخش شد، دستگیر کردند.

الف: قصور دولت در اجازه دادن به آیت‌الله روح‌الله موسوی خمینی برای بازگشت به قم برای تعطیلات نوروز: تلاش‌های وزارت آموزش و پرورش برای برقرار نمودن همان کنترل‌هایی که بر مدارس دولتی ایجاد می کند بر روی مدارس مذهبی ج: یک طرح منتسب به دولت که به طلاب از طرف دفتر اوقاف که به وسیله دولت کنترل می شود کمک هزینه‌هایی در یک تلاش برای تطمیع نمودن آنها جهت خودداری از فعالیت‌های ضد دولتی داده شود.

از ۳۰ مارس جامعه مدرسین قم که از نمایندگان تمام رهبران مذهبی در قم تشکیل یافته در تلاش بود که با آیت‌الله سید احمد خوانساری در تهران تماس بگیرد که از او تقاضا نماید که وی از مقامات امنیتی و دادگاه جهت آزادی ملاهای دستگیر شده، درخواست نماید.

۲- حامیان بیش از حد محافظه کار آیت‌الله خمینی، همچنین آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری از قم را مورد حمله قرار دادند. آنها مدعی هستند که مرکز تبلیغات مذهبی که در ۱۹۶۵ به وسیله شریعتمداری در قم بنیان نهاده شد، بایستی الزاماً کمک مخفی دولت را داشته باشد، چرا که شریعتمداری سرمایه شخصی کافی برای پرداخت جهت مدرسه جدید را ندارد.

(نظریه: دیگر منابع گزارش، پخش حداقل دو اعلامیه

ص: ۱۹۵

ضددولتی به یاد بود شهدای مدرسه علوم دینی فیضیه که در ۱۹۶۳ در طول یک حمله به مدرسه علوم دینی فیضیه کشته شدند و به ادعاهای مخالفین به وسیله عوامل دولت صورت گرفت را کرده اند.) ۳- حامیان خمینی همچنین ادعا می کنند که یک چاشنی آمریکایی در دستورالعمل هایی که به وسیله مدرسه شریعتمداری داده می شود وجود دارد. آنها به عنوان مثال شیخ مهدی حائری را ذکر می کنند، معلمی که فلسفه تطبیقی را در ایالات متحده تحصیل کرد و فلسفه مذهبی خودش را با عقاید وارداتی آمریکایی توضیح می دهد. در نتیجه این حملات، شریعتمداری با بی میلی استعفای حائری را از مدرسه از پایان سال تحصیلی جاری پذیرفته است.

۴- عوامل طرفدار خمینی معتقدند شریعتمداری کاندیداتوری خمینی برای رهبری فرقه مسلمانان شیعه را ترویج نکرده به خاطر اینکه او خودش این عنوان را می خواهد و در شروع پخش شایعاتی مبنی بر اینکه شریعتمداری به وسیله ایالات متحده و رژیم شاه حمایت می شود، فعال بوده اند و آنها معتقدند که کاملاً به سود منافع ایالات متحده می باشد.

۵- در مارس، جامعه مدرسین قم جزوه ای را منتشر و پخش نمود با این عنوان «خطر آمریکا و اسرائیل برای اسلام». جزوه اظهار می داشت که مردم ایران به طور فزاینده ای از دیپلماسی آمریکا نفرت پیدا می کنند و اینکه دولت آمریکا از طریق کنترلش بر روی دولت شاه در تلاش شکست دادن اسلام و استقلال ملی ایران هستند.

### مکالمه با ناراضی ایرانی

سند شماره (۵) یادداشت مکالمه خلی محرمانه زمان و محل: ۱۸ ژانویه ۱۹۷۸ در خانه مقدم برابر با ۲۸ دی ۵۶ شرکت کنندگان: رحمت الله مقدم مراغه ای از «نهضت رادیکال» جرج لامبراکیس مشاور امور سیاسی سفارت آمریکا موضوع: مکالمه با ناراضی ایرانی آقای مقدم مراغه ای یک نسخه از اعلامیه شماره ۱۰ نهضت رادیکال را برای سفیر در پاسخ به پیشنهادی که در پاسخ ما گنجانده شده بود، فرستاده بود. او تلفنی از من دعوت به نهار در منزل خود برای روز ۱۸ ژانویه کرد. ما به تنهایی نهار خوردیم و او آزادانه بیشتر به زبان انگلیسی صحبت کرد. هیچ گونه نشانه علنی از این که خانه او تحت نظر باشد و یا او از لحاظ دیگری مورد تعقیب مأمورین امنیتی باشد، وجود نداشت.

سابقه شخصی آقای مقدم یک مرد با ظاهری ممتاز با موهای سفید است که ۶۰ ساله به نظر می رسد. او فرزند یک افسر ارشد در گارد شاه قاجار است و خود تا سال ۱۹۵۵ افسر حرفه ای بوده است. تحصیلات او در رشته مهندسی ظاهراً در فرانسه صورت گرفته است، زیرا فرانسه به نظر می رسد زبان اول خارجی او باشد، او ارتش را ترک کرد تا شرکت مهندسی مشاور خود را تحت نام «خدمات ایران زمین» تأسیس کند، او در مجلس به عنوان نماینده ای از آذربایجان خدمت کرد و به طوری که خود او می گوید خانواده او از ۱۵۰



سال قبل در آذربایجان مستقر شده است. او که از نیاکان ایرانی زاده شده است، خانواده اش از آنهایی است که بین قبیله های ترکی و کردی قرار داده شده تا به صلح در آن منطقه کمک کند.

او با افتخار و یک نوع احساس دفاع از خود که من در او احساس کردم گفت که خانواده او زمینهایی را که بایر مانده بود شخم می زدند. در سال ۱۹۶۱ پس از آنکه مجلس منحل شد او یک بورس سفر دو ماهه به عنوان رهبر را از آمریکا پذیرفت. او این سفر را با شادی به یاد دارد. فرزند ارشد او در رشته عمران منطقه ای در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی سرگرم تحصیل است. او فرزند دیگری دارد که ۱۲ ساله است و با خود او در اینجا زندگی می کند. به جز عکسهایی از پدرش و یک نقاشی از یکی از نیاکان دور همسرش (که از یک خانواده برجسته شیرازی است) تنها عکس دیگری که در اتاق نشیمن او به چشم می خورد عکس مصدق نخست وزیر اسبق است که به نحو مناسبی در زیر آن امضاء شده است. مقدم توضیح داد که او شخصا مصدق را در سال ۱۹۵۳ نمی شناخت، ولی این عکس را بعدا هنگامی که احساس تحسین او نسبت به مصدق باز هم بیشتر رشد یافته بود، دریافت کرده است.

سابقه سیاسی مقدم این نکته را چند بار تکرار کرد که آمریکاییها مصدق را خوب درک نکرده بودند، و اینکه او یک میهن پرست حقیقی بوده است و نه یک کمونیست. او به طور تلویحی گفت که در نتیجه تحریکات انگلیسها بوده است که ایالات متحده آمریکا از پشتیبانی اولیه گریدی سفیر از مصدق و جبهه ملی به پشتیبانی بعدی از شاه تغییر یافت و اینکه به عقیده مقدم و مردم ایران ما آمریکاییها شاه را بر روی تاج و تختی نهادیم که او امروز حکومت می کند. مقدم متن یک نطق دو ساعته ای را که وی در مجلس ۱۵ سال پیش یعنی دو هفته قبل از اینکه شاه مجلس را منحل بکند ایراد کرده بود، به من داد. نطق او از طرف شاه با نظر نامساعدی تلقی شد، ولی مقدم مصرأ گفت که او همیشه کوشیده است تا آزادی را در حدود قانون اساسی ایران حفظ کند و هرگز از آن حدود فراتر نرفته است. او سالهای اولیه دهه ۱۹۷۰ را به عنوان دورانی از سرکوبی افراطی نیروهای امنیتی در پاسخ به تقاضاهای شاه توصیف کرد. داستانهای مکرری در مطبوعات درباره به اصطلاح «تروریستها» که چپ و راست در داخل و اطراف شهر به قتل می رسیدند و همچنین موارد مستند بسیاری از شکنجه وجود داشت. او کوشیده بود که در انتخابات اخیر مجلس به نمایندگی انتخاب شود، ولی نام او از لیست هنگامی که این لیست برای رسیدگی به حزب رستاخیز برده شده بود حذف شد و عرض حالهای او به دادگاهها مورد توجه قرار نگرفت. مقدم رئیس انجمن نویسندگان ایرانی است که درباره آن در زیر شرح داده خواهد شد.

نهضت رادیکال مقدم و عده دیگری نهضت رادیکال را سه سال قبل در اوج دوران سرکوبی تأسیس کردند. ابتدا آنها منع تراکتهایی را که توزیع می کردند با ارسال آنها با پست از پاریس و لندن استتار می کردند. این امر باعث شد که دستگاههای امنیتی این عقیده را پیدا کنند که منشاء این تراکتهای خارج از کشور است درحالیکه منشاء واقعی آن همین جا بود. او اعتراف کرد که گروه دارای حدود سی عضو است که از میان آنها تنها خود او نماینده سابق مجلس بوده است و دیگران عبارتند از استادان و دبیران و سایر اشخاص صاحب حرفه، او

گفت جوانان نیز مانند پیران در آن عضویت دارند، ولی جزئیات نهضت رادیکال باید سری بماند. اعلامیه شماره ۱۰ که به مناسبت دیدار کارتر و والدهایم دبیر کل سازمان ملل متحد از ایران نوشته شده و یک نسخه آن برای سفیر فرستاده شده بود، نخستین اعلامیه ای بود که از سوی یکی از اعضای نهضت امضاء شده بود و در این مورد به خصوص امضاء کننده، خود او بوده است. او چندین بار خاطرنشان ساخت که او یقین ندارد تا چه مدت در آزادی به سر خواهد برد، زیرا اکنون توجه مقامات را به سوی خودش جلب کرده است. او در ضمن توضیح داد که کلمه «رادیکال» در نام این نهضت از حزب رادیکال فرانسه الهام گرفته شده است و اینکه متأسفانه این کلمه در زبان انگلیسی معنای دیگری دارد. او تمایلات سیاسی خود را چنین توصیف کرد که بین سوسیالیستها و میانه روها در فرانسه است، او به کرات خاطرنشان ساخت از پیروان قدیمی جبهه ملی نیست (او عضو حزب مردم بوده است) و با گروه جدید فروهر (در جای دیگر گزارش شده است) که اخیراً در اطراف مجموعی از رهبران قدیمی جبهه ملی تشکیل شده است، اختلافاتی دارد.

جامعه نویسندگان مقدم همچنین رئیس (یا یکی از روسای) جامعه نویسندگان است. این جامعه سازمانی است که مدعی است وفاداری بیشتر نویسندگان درجه بالا در ایران را به همراه دارد و نتوانسته است مورد پذیرش پلیس قرار گرفته و به ثبت برسد و از لحاظ فنی غیر قانونی است. او حادثه ای را که اخیراً در یازدهم ژانویه روز چهارشنبه رخ داده بود، تعریف کرد. چند روز قبل از این تاریخ تصمیم گرفته شده بود که حدود ۹۰ عضو جامعه نویسندگان در دفتر مراغه ای برای آن روز چهارشنبه برای انتخاب هیئت مدیره و غیره و رسیدگی به امور سازمانی اجتماع کنند. آنها مقاصد خود را به اطلاع آموزگار نخست وزیر رساندند. پس از آن از مقدم و چند نفر دیگر خواسته شد که به پلیس مراجعه کنند و پلیس پیشنهاد نخست وزیر را که چنین اجتماعی صورت نگیرد، به آنها ابلاغ کرد. هنگامی که آنها به دفتر مقدم رفتند، آنها دفتر را در محاصره پلیس یافتند و نتوانستند به داخل راه یابند.

سایر حوادث این یک حادثه دیگری از کنفرانس مطبوعاتی اعلام نشده در خانه دکتر سنجابی است که روز پنجشنبه ۱۲ ژانویه (در جای دیگر گزارش شده است) صورت گرفته است. در ارتباط با این امر از روزنامه نگاران داخلی و خارجی دعوت شده بود که در مراسم اعلام تشکیل کمیته حقوق بشر ایران حاضر شوند و چندین نفر آمده بودند که از جمله خبرنگاری از اطلاعات بود. شخص اخیر، به سایر حاضرین گفت که او به عنوان یک فرد نیامده، بلکه به مأموریت از جانب روزنامه خود آمده است (اظهار نظر: اطلاعات همان روزنامه ای است که مقاله ای که طی آن خمینی رهبر مذهبی تبعید شده مورد حمله قرار گرفته بود در آن چاپ شده بود و به عنوان عکس العمل نسبت به چاپ این مقاله تظاهرات خونینی در قم رخ داد). معذالک درباره این اجتماع یا نامه ای که به والدهایم نوشته و توزیع شده بود مطلبی در مطبوعات منعکس نشد.

مقدم گله کرد از این که کمیته حقوق بشر ایران که تحت ریاست شاهدخت اشرف وجود دارد، یک پدیده غیر طبیعی است. زیرا دفاع از حقوق بشر را به یک شاهدخت واگذار کرد. حقوق بشر به خاندان سلطنتی

ارتباطی ندارد، بلکه از آن مردم عادی است. مقدم با ادعای (ناراضیان درباره اینکه تلفات تظاهرات قم به ۷۰ نفر یا بیشتر در مقابل روایت رسمی ۵ یا ۶ نفر) رسیده است آشنا بود. او تمایل داشت از اینکه باور کند که رقم اخیر صحیح است هر چند او از یک چیز اطمینان داشت و آن اینکه یک پزشک که با او آشنا بود چهارده گواهی فوت صادر کرده بود.

جزئیات درباره سازمان ناراضیان مقدم اطلاعاتی درباره انوعی از سازمانهایی که در اعتراض به رژیم کنونی فعالیت دارند فراهم کرد.

چندین سازمان در کنفرانس مطبوعاتی حقوق بشر دکتر سنجابی در تاریخ ۱۲ ژانویه نماینده داشتند، دکتر سنجابی همچنین یک گروه سی نفری از خود تحت رهبری دارد بغیر از این گروه (که نام آن چیزی مانند «نهضت برای آزادی و غیره» است) یک گروه سی نفری دیگر مرکب از ناراضیان برجسته وجود دارد که یک گروه مرکزی هفت نفری که در واقع جبهه ملی جدید است، انتخاب کرده اند. مقدم مانند بازرگان، سنجابی، سمیعی، سنگ آبادی، زنجانی و یک نفر دیگر که نام او را من فراموش کرده ام یکی از آنهاست. او توضیح داد که بعضی از این افراد نماینده احزاب هستند (حزب ایرانیان و غیره) و بعضی دیگر عبارتند از شخصیت‌های برجسته. اینها با مجموعه ای از افراد جبهه ملی که اخیراً توسط فروهر سرهم بندی شده است فرق دارند، در حالی که یکی از آنها یک رهبر روحانی است این گروه اساساً ارتباطی با روحانیون مخالف رژیم مانند آنهایی که تظاهرات قم را به وجود آوردند، ندارند. مقدم افزود که حقوقدانان تحت رهبری متین دفتری که به طور جداگانه گزارش شده است، متشکل شده اند.

هدفها و جهت گرایی مقدم در حالی که هر گونه ارتباط مستقیمی را با تروریستها انکار می کرد، تأکید کرد که او به خوبی درک می کند که چرا جوانان باید در عکس العمل خود نسبت به رژیم به تروریسم متوسل شوند، این نکته را از چندین زاویه از جمله خشونت پلیس و اعمال شکنجه مورد بحث قرار داد. او به عنوان یک نمونه بارز داستان دختر چهارده ساله ای را تعریف کرد که حدود سه سال قبل هنگامی که مقاله ای علیه شاه و انقلاب سفید در یک کلاس انشاء نوشته بود و به وسیله معلمش لو رفته بود، بازداشت شده است. برادر او (که ظاهراً یک تروریست بوده است) قبلاً به وسیله پلیس امنیتی به قتل رسیده بود. پلیس در حالی که می کوشید برادر او را دستگیر کند پدر و مادر و آنگاه برادر دیگر و خواهر دیگر را دستگیر کرده بود. یک خواهر بزرگتر دیگر نیز در زندان وضع حمل کرده بود. مقدم با این مادر ملاقات کرد و اعتقاد داشت که داستان حقیقت دارد. او می توانست وضع دختر چهارده ساله را درک کند و معتقد بود که زندانی کردن او کار غیر انسانی بوده است.

مقدم گفت علاوه بر این تا یک هفته قبل خود او معتقد بود که شکنجه متوقف شده است، ولی تنها چند روز قبل او درباره ماجرای دو جوانی که در زندان بوده اند و تحت شکنجه قرار گرفته اند کسب اطلاع کرد.

وقتی که من پرسیدم که آیا آنها تروریستهای مظنون بوده اند یا خیر او جواب مستقیم نداد، او گفت می تواند اسامی این دو نفر را به من بدهد ولی شاید قبل از این که من محل را ترک کنم فراموش کرد.

مقدم همانطوری که من انتظار داشتم درباره هدفهای ویژه خود فراتر از «آزادی» رویه مبهمی داشت.



او استدلال کرد که مردم ایران با مرور سالها از رژیم شاه و بوروکراسی حکومتی جدا شده بودند و این که مردم ایران با بسیاری از عرفهای حکومت مخالفند و شدیداً معتقدند آمریکا مسئول حفظ این حکومت در قدرت است. یک نوع اعتقاد وجود دارد که آمریکاییها جای سایر کشورهای بیگانه را که در گذشته در ایران نفوذ همه گیر داشته اند مانند روسیه و انگلیس گرفته است. او خواستار مشاوره بیشتر شد («ما باید با یکدیگر اجتماع کرده و درباره این چیزها فکر کنیم»). او از کنوانسیون قانون اساسی آمریکا که تقریباً دو قرن قبل تشکیل شده منجر بر این که می توان به مردم اعتماد داشت که تصمیمات صحیح بگیرند و باید به مردم اجازه داده شود که بیش از یک رأی در امور خود داشته باشند، نقل کرد. او تأکید کرد که تنها روز قبل او با عده ای از کشاورزان آذربایجان صحبت می کرد و آنها به او عقیده خود را درباره اینکه کارگران کشاورزی روحیه خود را از دست داده و اینکه روح کشاورز شکسته شده است را ابراز کردند. او به اظهارات و سؤالهای من درباره اصلاحات ارضی پاسخ داده، اهمیت این تدبیر را کوچک جلوه گر ساخت.

ضمن اشاره به سیاستهای حکومت درباره قیمت گذاری پایین تولیدات کشاورزی (اظهار نظر: یک نمونه که به تکرار نقل شده است) او گفت بسیاری از کشاورزان در جنوب کشور در شرایطی زندگی می کنند که بهتر از شرایط در قرنهای پیش نیست.

تأثیرات کلی روی هم رفته مقدم چهره یک مرد متعادل و کاملاً طرفدار آمریکا و روشنفکر معقول را می نمایاند که صمیمی بوده، صریحاً صحبت می کند. او با نهایت علاقه درباره تماسهای خود با لاری سماکیس مأمور سفارت که او هنگامی که اخیراً در آمریکا بود با وی ملاقات کرده است. به خاطر آورد او همچنین یک یا دو مأمور سفارت آمریکا را از سالهای ۶۱ - ۱۹۶۰ که نسبت به آرمان او نظر نا مساعد داشته و به نفع شاه نظرات تنگ و محدود ابراز داشته بودند، به یاد آورد. او نسخه هایی از نشریات متعدد از جمله دو نامه خطاب به والدهایم را به من داد که یکی از آنها نامه ای بود که خلعتبری در اشارات اخیر خود (تهران ۶۴۹) به آن استناد کرده بود. او ظاهراً نمایانگر لیبرالهای سنتی است که از جبهه ملی قدیم فاصله می گیرند (او در جلسه ای که در جاده کرج صورت گرفت حاضر نبود) ولی به موازات آنها و سایر ناراضیان کار می کنند.

اطلاعات او درباره نهضت‌های محافظه کار مذهبی و دانشجویان رادیکال همچنین محدود به نظر می رسد.

## ناکامی در حکومت ایران و دولت آموزگار

سند شماره (۶) خیلی محرمانه صورت مذاکره زمان و مکان: ۶ فوریه ۱۹۷۸ - ۱۷/۱۱/۱۳۵۶ رستوران چتینکز شرکت کنندگان: سیروس الهی دستیار ویژه وزیر آموزش گنجی، جان دی. استمپل، سفارت آمریکا - تهران، باربارا شل، سفارت آمریکا - تهران، موضوع: ناکامی در حکومت ایران و دولت آموزگار الهی که بیش از دو سال است که هر دو مأمور سفارت را می شناسد از نخست وزیر آموزگار در مورد مهار مشکلات اساسی آموزش بسیار انتقاد داشت. الهی از موضع تعهد به مشی سیاسی وزیر خود منوچهر

گنجی صحبت می کند و بیانات او باید از همان موضع مورد توجه قرار گیرند. الهی یک دانشگاهی با جهت گیری مساعد نسبت به مشارکت عمومی است و بارها نارضایتی خود را از کندی دستگاه اداری اظهار داشته و یکی از مردان صاحب نظر گروه گنجی است. الهی فکر می کند که، آموزگار طرح ادغام پیشنهادی وزارت آموزش و وزارت علوم و آموزش عالی را تو کرد (علوم و آموزش عالی حدود دو ماه قبل بر عهده گنجی گذاشته شده بود با این قصد که این وزارتخانه ها نهایتاً ادغام شوند. قرار بر این نیست که قضیه این طور ادامه یابد). در جواب به سؤالات الهی گفت که نمی داند چرا نخست وزیر با طرح ادغام، که الهی و گنجی فکر می کنند تنها راه مقابله موفقیت آمیز با فشارها و تضییقات موجود در آموزش عالی ایران است، موافقت نمی کند. چنین فشارهایی مستقیماً با کمبودهای آموزش متوسطه ایران ارتباط دارند. طبق گزارشها، نخست وزیر احساس می کند که هر دو کار مجموعاً برای یک نفر بیش از اندازه بزرگند. (بر سر شام چند شب پیش الهی گفت که احمد قریش رئیس دانشگاه ملی نامزد اول برای احراز مقام وزارت جدید علوم و آموزش عالی است). الهی گفت که با گنجی در وزارت آموزش خواهد ماند (تفہیم اینکه پیشنهاد دیگری شاید از قریش دریافته بود)، زیرا احساس می کند که مشکلات آموزش متوسط فوری ترند و حل بعضی از آنها بعد از چند سال عوارض خوبی بر آموزش عالی خواهد داشت. الهی ممکن است به سادگی وفادار به گنجی باشد یا به مزایای خاص خود اطمینان نداشته باشد.

دولت جدید آموزگار هنگامی که مذاکره به بحث دولت آموزگار در هیئت کلی گسترش یافت، الهی موضوعی را که در محافل بسیاری در حال رواج است، تکرار نمود، بدین مضمون که کابینه آموزگار پر است از تکنسینها، اما سیاستمدار کم دارد و امروز ایران نیازمند سیاستمداران است. الهی وزیر خود گنجی را یکی از معدود اعضای کابینه دانست، که واقعا ذهن سیاسی دارد. (تردید داریم که نظر وی به اینکه گنجی سیاسی است در جاهای دیگر مورد اتفاق باشد، در واقع به نظر می رسد که گنجی در مسئله سازماندهی مجدد وزارتخانه و در تدابیر امور عقب افتاده است).

الهی گفت که عده ای از مردم در حیرتند که چرا معینی وزیر کار بر سر کار نگاه داشته نشده و با دیگران موافق است که رئیس یک جناح حزب رستاخیز، مجیدی یکی از نالایق ترین عالیرتبه های ایران در حیات اجتماعی امروز است. الهی هم چنین شایعاتی را که جای دیگر شنیده بودیم با مضمون اینکه قبل از نوروز تغییراتی در کابینه روی خواهد داد، تأیید کرد او گفت که «چهار یا پنج» وزیر تیغ اخراج نصیبشان خواهد شد. او چهار یا پنج تن از محتمل ترین نامزدهای اخراج را وزرای کار، بهداری، داد گستری و شاید امور اقتصاد و دارایی نام برد.

تذکار بیوگرافی الهی آشکارا فشار کوشش برای مبارزه با تبلی دستگاه اداری دانشگاهی ایران را حس می کند. او فعالیت‌های خود در حزب رستاخیز را ادامه می دهد، اما ظن ما بر این است که او تقریباً خرمگس حزب شده و با انتقادات خود آزار می رساند به جای اینکه از زمان انتخاب شدن به عنوان دستیار گنجی یک شرکت کننده جدی آن شده باشد. او تدریس در دانشگاه ملی را ادامه می دهد و هشت ماه است که زندگی مشترک

شادی را آغاز نموده است. نام همسر جدیدش فری است که به علاوه فارسی، آلمانی را در سطح عالی و انگلیسی را به خوبی تکلم می کند.

یک نکته فرعی جالب از خصلت الهی که در رفتار شخصی وی از زمانی که به دولت پیوسته، حاصل شده است. این است که در ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ الهی فردی صریح و بی تکلف بود که از انتقاد علنی از دولت نمی ترسید. در شش ماه گذشته او از لحن محاوره ای خود کاسته و اینک با دقت مواظب اطراف است و بیشتر نگران این است که چه کسی ممکن است، مکالمات او را بشنود. حالا او حرفهای پر لغت و لعاب خود را برای کنار خیابان ذخیره می کند.

سیاسی: جی. دی. استمپل

### تظاهرات دانشجویی، پیشرفت ایران و نگرانی طبقه متوسط

سند شماره (۷) صورت مذاکره خیلی محرمانه شرکت کنندگان: جان دی. استمپل، کنت ای. هاس، دفتر سیاسی سفارت آمریکا - تهران، پرفسور تورج ناصری، دانشکده فنی آریامهر، زمان و مکان: ۱۲ فوریه ۱۹۷۸ - ۲۳/۱۱/۵۶ - رستوران تیفانی موضوع: تظاهرات دانشجویی - پیشرفت ایران و نگرانی طبقه متوسط اطلاعات بیوگرافی:

پرفسور ناصری سخنوری بسیار خوب و استاد مهندسی سازه دانشگاه صنعتی آریامهر است. او که متأهل و دارای یک فرزند است (با رئیس ساواک رابطه فامیلی ندارد) از خانواده ناصریهای اصفهان است، خانواده اش دارای تماسهای معتبری است و چنان با قاطعیت درباره بعضی از امور دربار و کابینه صحبت می کند که گویی از منبع موثقی شنیده است. دکتر احمد مینایی دبیر کل پیمان منطقه ای از خویشاوندان نزدیک اوست. ناصری فردی است که خیلی درباره جامعه و موقعیت خود در آن فکر می کند. هشت سال در انگلیس درس خوانده و دکترای راه و ساختمان دارد. برادرش هم اکنون در آمریکاست که دوست نزدیک کارمند سابق سفارت، میتووارد، است.

حقوق بشر و ناراضیان ناصری گفت که دانشجویان از آزادی (فضای باز) که دولت به آنها داده، سوءاستفاده و برای اعتقادات سیاسی خود فشار وارد می کنند. او با بسیاری از دوستان دانشگاهیش، در این مورد که دانشجویان حق دارند گله هایی در امور اداری و درسی داشته باشند، مخالف است و گفت در شش ماه گذشته تمام تظاهرات دانشگاه صنعتی برای آزادیهای بیشتر سیاسی بوده، مانند آزادی بیان و تمایل به داشتن فعالیت سیاسی بیشتر.

ناصری بسیاری از تظاهرات امسال دانشگاه آریامهر را مشاهده کرد و نتیجه گیری نمود که امسال بیش از سالهای قبل پلیس در برخورد با تظاهرات خویشتنداری نشان داده است، هر چند فعالیت بیشتری در این سال وجود داشته است. پلیس هنوز هم برای آرام کردن اوضاع دخالت می کند، اما منتظر می ماند تا تحریکی پیش آید و به طور کلی برخوردش با دانشجویان ملایمتر است. اینک دانشگاه آرام است و این

انعکاس نیاز برای برقراری امتحانات است که موعدهش نزدیک می شود. ناصری گفت که دانشگاه صنعتی آریامهر به طور سنتی جلودار تظاهرات سیاسی بوده است. برای سالها روشنفکرترین محصلین ایرانی به رشته های مهندسی رفته اند و اکثر آنها در مورد مطالعه در امور سیاسی به مراتب حریصتر از همقطارانسان در علوم اجتماعی در دانشگاههای ایران، هستند. او با خنده گفت که دلیل این امر این است که خیلی از روشنفکرترین دانشجویان از خواندن ریاضیات در موضوعات مهندسی خسته شده و طرق دیگری برای مطرح کردن خود در وقت بیکاری جستجو می کنند. مهندسی از این جهت دانشجویان را به خود جلب می کند که برای پیشرفت راه خوبی است. ناصری با تأیید در مورد خط مشی های حقوق بشر کارتر صحبت کرد و گفت که، در حالی که بسیاری از همقطاراناش از پس گرفتن آنچه که قبلاً تبلیغ می شد، مأیوس گردیده اند، اما او فکر می کند این امر از نظر تأثیر سیاسی لازم است. او معتقد است که سیاست آمریکا درباره حقوق بشر تاکنون بسیار خوب بوده، فشار، اما نه آنقدر که عکس العملی را تحریک کند.

(اظهار نظر: از نظر یک استاد دانشگاه، وی یک درک هشیارانه تر از مشکلات کمونیسم در ایران ارائه داد و این هشیارانه تر از نظرات سایر رابطین استادی بود که استمپل، کارمند سفارت، تا به حال ملاقات کرده است.) توسعه و پیشرفت در ایران او معتقد است که پیشرفتهای ایران به حدی سریع بوده که طبقه متوسط و تجددگرایان، هویت ملی خود را دارند از دست می دهند. اشتیاق برای پول سازی یک ارزش عمده و اصلی شده است و این امر توأم با این نگرانی است که توسعه ایران به کجا منجر خواهد شد. وی از دیدگاه خودش این پدیده را، که توسط تعدادی از مأموران خدمات خارجی آمریکا در ایران مورد توجه واقع شده است، تأیید می نماید که افرادی که موفقیت کسب می کنند همچنین در جستجوی فرار می باشند و آن اخذ کارت سبز آمریکا برای روز مبادا است.

ناصری تذکر داد که بسیاری از دوستانش به وی اصرار نمودند که تدریس دانشگاهی را کنار گذاشته و «پول بسازد». او افزود که بسیاری اگر گفته نشود که اکثریت، از اساتید دانشگاه تماسهای درسی خود را صرفاً برای کمک به فعالیتهای با استفاده تر دیگرشان حفظ می کنند. ناصری برای نشان دادن ضعف اساسی پیشرفت جاری، جریان ملاقات خود را با یک پروفیسور چینی که از ایران دیدن می کرد، شرح داد.

پروفیسور چینی گفت که ایران ترجیح می دهد اجناس ماشینی را از خارج بخرد چون دقیقتر است و لذا همیشه وابسته خواهد ماند، ولی چین حتی اگر جنسی را با ۲۰ درصد راندمان بتواند تهیه کند، آن را تهیه می کند و از خارج نمی خرد. پروفیسور چینی گفت، چین بعد از ۵ سال آنها را به ۸۰ تا ۹۰ درصد راندمان می رساند، در حالی که ایران هنوز به تکنولوژی خارجی وابسته است.

ناصری پذیرفت که ایران رشد سریع اقتصادی را بر رشد تواناییهای خود ترجیح می دهد. چنین تصمیمهایی به وسیله اندکی از افراد اتخاذ می شود و در یک ساخت سیاسی و یا هر چیزی به جای آن، مورد بحث واقع نمی شود. او بدون اینکه نام ببرد گفت که، چندین شرکت ایرانی ساختمانی مهندسی که به وسیله غیر مهندسین اداره می شود، وجود دارد. چنین چیزی در کشورهای پیشرفته غیر ممکن است.

مهندسین ایرانی که شرکت درست می کنند، با آنها قرارداد بسته نمی شود، پارتی بازی مهمتر از تخصص و





مهارت است. شرکتهای ساختمانی در ایران، به طور ساده نماینده پیمانی شرکتهای ساختمانی غیر ایرانی هستند. بعد از ۱۵ سال سده سازی همه فکر می کنند که ایرانی تکنولوژی و تواناییهای ساختمانی را به خارج صادر می کنند در عوض بزرگترین کمپانی ایرانی وابسته به مهندسين وارداتی باقی می ماند.

او بزرگترین مشکل را اینطور بیان کرد: در ایران متخصصین با صلاحیت مورد اعتماد نیستند و آنها که مورد وثوقند، مهارت فنی ندارند. تا وقتی پول هست این سیاست اشکال ندارد، ولی وقتی که پول تمام شد چه می شود؟ نگرانی طبقه متوسط تحولات فوق الذکر توأم با افزایش نفوذ مذهبی و خصومت، دلیل نگرانی طبقه متوسط است.

احساسات نهفته در درون مردم ناشی از آشوبهای قم و دیگر جاها ممکن است باعث شود که دست راستیهای مرتجع قدرت را به دست بگیرند و در نتیجه یک حمام خون برای طبقه متوسط به راه می افتد (مثل عراق در ۱۹۵۸) و یا موقعیتهای اقتصادی از دست می رود. نظریه اخیر در بین دوستان ناصری، که از همسران شان شنیده اند که در خیابانها آنها را سرزنش می کنند که چرا چادر به سر نمی کنند، قوت گرفته است. این مسئله کوچکی بود، ولی به آنها که هنوز تردید دارند این احساس را می دهد که تا قرن هشتم فقط یک قدم، آن هم به عقب، باقی مانده است.

هاس

### مکالمه دوم با مخالف ایرانی، بمب اندازیهای اخیر و تهدیدها

سند شماره (۸) سفارت آمریکا تهران - ایران، صورت مذاکراتخیلی محرمانه، زمان و مکان: ۲۴ آوریل در خانه لامبراکیس (۴ اردیبهشت ۵۷) شرکت کنندگان: رحمت اللہ مقدم مراغه ای از «نهضت رادیکال»، جرج لامبراکیس رایزن امور سیاسی سفارت آمریکا در تهران موضوع: مکالمه دوم با مخالف ایرانی آقای مقدم دعوت مرا به نهار در خانه من پذیرفت، زیرا آخرین نهار قبلی در خانه او در تاریخ ۱۹ ژانویه بود. او پیامد آمد و ظاهرا تعقیب نمی شد.

بمب اندازیهای اخیر و تهدیدها هر چند مقدم ظاهر با شهادتی را نشان می داد معذالک وی حسابی تکان خورده بود، یک نوع تفاوت کوچک نسبت به بار گذشته وجود داشت (یعنی سه ماه قبل) و آن اینکه این بار او در اتهامات خود علیه شاه تیزتر و مشخص تر بود، در حالی که درباره نقشه های خود مربوط به آینده همچنان مبهم بود، من این امر را یک امیدواری کمتر و تلخی بیشتر تعبیر می کنم. از زمانی که خانه او هدف بمب اندازی در دو هفته قبل قرار گرفته بود او مرتب پیامهای تهدیدآمیز تلفنی دریافت می کند. یکی از آنها را پسر ۱۱ ساله او روز قبل دریافت کرده و این امر مقدم را بسیار ناراحت کرده بود. پیام دیگری را نیز آن طوری که من درک کردم یک پیر زن خانواده که با آنها زندگی می کند و دچار فشار خون است دریافت کرده بود و پس از آن بسیار بیمار

ص: ۲۰۴

شده بود، بعداً در جریان مکالمه مقدم به من گفت که او به تازگی تقاضای گذرنامه کرده تا ببیند چه اتفاقی خواهد افتاد ولی بیشتر به آن خاطر او به طور جدی در نظر دارد کشور را برای مدت یک ماه یا بیشتر (به مقصد پاریس) ترک کند که فکر می‌کند ایران دیگر مکانی برای پسر او نیست (دختر بزرگترش گویا در آمریکا زندگی می‌کند). در ضمن مقدم خاطر نشان ساخت که او حدود ۵۴ سال دارد و این سن کمتر از آنی است که ظاهرش نشان می‌دهد. او وضع نابسامان خود را به شرح زیر توصیف کرد، او قادر نیست به طور فیزیکی (جسمی) در مقابل حملات فیزیکی (جسمی) مبارزه کند، ولی در عین حال نمی‌خواهد اینجا بماند و آرام بنشیند. بنابراین ترک کشور ظاهراً برای او تنها راه دیگر برای آینده نزدیک است.

در نظر مقدم هیچ گونه شک و شبهه‌ای وجود ندارد که بمب اندازه‌یها به دستور صریح شاه توسط گروه معینی انجام می‌گیرد. مقدم (که خود یک نظامی باز نشسته است) ضمن گفتگو با یک افسر ساواک از او شنیده بود که این گروه ممکن است حتی به ساواک تعلق نداشته باشد، بلکه یک گروه فرعی جداگانه تحت دستور مستقیم شاه باشد. این گروه متشکل از جوانان کله شقی است مانند چهار نفری که در حول و حوش خانه او می‌پلکند و اینها اشخاصی هستند که دست مزد می‌گیرند و اتومبیل به آنها داده می‌شود و از لحاظ‌های دیگر نیز به خاطر به اصطلاح اجرای قانون به آنها کمک می‌شود ولی خود آنها شکننده قانون هستند. مقدم در ضمن خاطر نشان ساخت که یک افسر پلیس که بر ماجرای بمب اندازه‌ی خانه او رسیدگی می‌کرد وقتی که مقدم به او سوء ظن‌های خود را درباره اینکه چه کسی این کار را کرده است گفته بود او شدیداً تکان خورده بود و از قرار معلوم به مقدم با صدای بسیار دل‌آزرده‌ای گفته بود که اگر شخصاً این افراد را در هنگام ارتکاب جرم می‌گرفت در جا آنها را می‌کشت. این مطلب از سوی مقدم به عنوان نشانه‌ای از واکنش حتی افسران ضابط قانون نسبت به این گونه حوادث نقل شده، در عین حال این اشخاص عاجزند و از اقدام ترس دارند.

فلسفه مخالفین مقدم علاقه مند است نظرهای خود را درباره اوضاع از لحاظ تئوریک و عملی مورد بحث قرار دهد. او گفت ثروت نفتی ایران در زمین است و شاه آن را ایجاد نکرده است، ولی شاه قسمت اعظم این ثروت را به باد داده است و او و اطرافیانش از این ثروت فاسد شده‌اند، این فساد به مردم ایران رخنه می‌کند. مقدم و دیگران نظیر او به برنامه لیبرالیزه کردن اوضاع که از طرف شاه اعلام شده بود و کلمات الهام بخش که از سوی پرزیدنت جیمی کارتر ایراد شده بود، لبیک گفتند. مقدم و سایرین نظیر او علاقه مند به ترور فیزیکی (جسمی) نیستند، بلکه مایلند موضوعاتی که در سیاست تأثیر دارد با شاه و حکومت او و از طریق نمایندگان بیشتری مورد بحث قرار دهند و اگر پاسخ شاه بمب اندازه‌ی و تهدید و نقض قانون باشد مقدم و سایرین نظیر او دیگر محلی و نفوذی نسبت به دیگرانی که در جبهه مخالف قرار گرفته‌اند و بالتیجه به سوی افراط بیشتری کشیده می‌شوند، ندارند. مقدم با به کار بردن کلمه «تروریست» از سوی من مخالفت کرد (همان طوری که متین دفتری نیز به مناسبت دیگری با بکار بردن این کلمه مخالفت کرد) و گفت اینها چریکها هستند که برای آرمانی مبارزه می‌کنند. آنها از خانه‌های خوب برخاسته‌اند و بیشتر آنها تحصیلات خوب دارند. در حالی که او پیوندهایی با آنها ندارد می‌تواند آنها را خوب درک کند.

مقدم چندین بار به موضوع خود مبنی بر اینکه آمریکاییها شاه را به قدرت رسانده‌اند و از او از لحاظ

سیاسی پشتیبانی می کنند و به او اسلحه می فروشند و بنابراین نمی توانند از لحاظ اخلاقی خود را از مسئولیت در بدکارهای شاه عقب بکشند، اشاره کرد. او القاء کرد که احساسات ضد آمریکایی بدین مناسبت رشد پیدا خواهد کرد و اگر شاه القاء می کند که بعضی به خاطر اینکه او پیوندهایی با آمریکا دارد با او مخالفند این یک نظر نادرستی از حقیقت است. حقیقت بیشتر این است که از نظر ایرانیان معمولی آمریکاییها به علت داشتن پیوند با شاه زیان می بینند. هنگامی که من اعتراض کردم که به عقیده من او میل آمریکا را درباره عدم مداخله در امور کشورهای دوست درک می کند. مقدم گفت او با من به عنوان یک دوست صحبت می کند و محدودیتهای آن چیزی را که من می توانم به عنوان یک نماینده آمریکا انجام دهم یا بگویم می پذیرد. در عین حال مقدم مدام نظریه خود را به نحوی به من القاء می کرد که معلوم بود او علاقه مند است که ما کاری انجام دهیم. مانند گذشته او درباره ویژگیهای برنامه فراتر از صحبت درباره لزوم یک گفت و شنود آزاد و بیان آزاد در کشور در چهارچوب سلطنتی که خود را به وسیله قانون اساسی محدود می کند صحبت می کرد.

شکنجه، دستگیری، دیدار از زندان من از مقدم پرسیدم که آیا او اطلاعی درباره موارد ویژه ای از شکنجه از سوی مقامهای امنیتی در ماههای اخیر دارد و به او یادآوری کردم که او گویا درباره دو مورد در دفعه گذشته ای که با هم ملاقات کردیم چیزی می دانست، ولی هرگز نامهای مورد بحث را که قرار بود به من بدهد نداده است. مقدم گفت که فراموش کرده است که چه مواردی آن موقع مورد بحث بود. او درباره موارد ویژه چیزی نشنیده است هر چند امکان دارد همان طوری که شنیده می شود، شکنجه ادامه داشته باشد. معذالک با همین لحن او گو اینکه اعتراف کرد که معتقد نیست شکنجه وجود داشته باشد گفت مردم از شکنجه می ترسند، نه از زندانی شدن. تمام ایران به مفهومی به صورت زندان در آمده است و زندانی بودن واقعی لااقل این امتیاز را دارد که انسان می داند که خانواده او در امان به سر می برد. او بیان کرد که اکنون عقیده بر این است که دیگر شکنجه اعمال نمی شود و این خود توضیح دهنده آماده بودن مردمی مانند او به بیان صریح و امضاء کردن نامه ها است که ظرف یک سال گذشته صورت گرفته است.

مقدم درباره حادثه چند روز قبل در نزدیک دانشگاه ملی هنگامی که افراد گارد مقاومت (گویا نیروی پایداری باشد) و پلیس ضد اغتشاش با گروهی از دانشجویان در افتاده و باعث مجروح شدن بسیاری از آنها قبل از دستگیری عده ای از آنها شد چیز به خصوصی نداشت که اضافه کند. او معتقد بود که جرایم در تعداد زخمیها غلو کرده اند و او گفت که بعضی از این دانشجویان نیز تا ساعت ۴ بامداد روز بعد نیز همچنان از سوی این گارد تحت تعقیب بودند، معذالک چند نفر از آنها توانسته بودند فرار کنند. او خاطر نشان ساخت که بعضی از اشخاصی که در این جریان حضور داشتند لزوما جزو مخالفین نبودند، بلکه صرفا اشخاصی بودند که علاقه مند به آن بودند که ببینند چه جریانی روی می دهد و برای استماع سخنرانان و بحثها حاضر شده بودند. معذالک این اشخاص نیز همان طوری که در این گونه موارد رخ می دهد همراه با دیگران مضروب شده و دستگیر شده اند و همه این وحشیگری نمونه دیگری از وسایلی است که شاه پس از آنکه تماس خود را با مردم از دست داده به آن متوسل می شود.

مقدم آگاه بود که یک نماینده از سازمان عفو بین المللی یا صلیب سرخ و هلال احمر بین المللی در

اواسط آوریل بلافاصله پس از پایان اعتصاب غذای زندان قصر از این زندان دیدن کرده است و این نماینده زن بوده است، او دیگر چیزی در این باره نمی دانست.

مخالفان مذهبی و جناح چپ مقدم آشکار ساخت که او و تعدادی از رهبران همفکر او (بازرگان، سنجابی، لاهیجی و غیره) اخیراً با بعضی از رهبران مذهبی دیدار کردند. رهبران مذهبی از بمب اندازیه‌ها و سایر انواع رفتارهای حکومت سخت بر آشفته بودند. یکی از آنان حتی پیشنهاد کرده بود که آنها نیز به نوبه خود بمب‌هایی در خانه‌های سه رهبر برجسته دولت کار گذارند. مقدم گفت مدتی طول کشید تا این شخص را از این نقشه به هنگام یک برداشت منفی منصرف کنند. او نتایج ملاقات را چنین خلاصه کرد که رهبران مذهبی چنان محو طرح‌های خود هستند که با استراتژی یا تاکتیک همکاران مقدم هیچگونه توافقی ندارند.

هنگامی که من درباره کمیته هماهنگ کننده هفت رهبر که او درباره آن با من دفعه گذشته صحبت کرده بود پرسیدم، مقدم خاطرنشان ساخت عدم توافقهایی در این گروه وجود دارد، ولی این گروه روی هم رفته حرکت‌هایی دارد. او داوطلبانه گفت که این گروه در اندیشه‌های چپ‌گرایانه و سوسیالیستی گروهی که به رهبری فروهر فعالیت می‌کند، سهیم نیست. فروهر تمایل به آن دارد که هواداران جبهه ملی قدیمی را سازمان دهد در حالی که اتحاد گردآوری شده به وسیله مقدم قصد دارد شبکه وسیعتری را ایجاد کند.

آموزگار مقدم (مانند دیگر مخالفانی که ما با آنها صحبت کرده ایم) از آموزگار شدیداً انتقاد می‌کرد، او آموزگار را تکنوکراتی توصیف کرد که فاقد استعداد یک سیاستمدار است. و این به نحو اساسی او را از مسئله اصلی که مبتلا به کشور است بدور نگه می‌دارد.

نظریه: مقدم ظاهراً روحیه خود را از دست داده است و طبق ارزیابی من بیشتر از متین‌دفتری که من او را اندکی قبل و اندکی بعد از صحبت با مقدم دیده بودم. ما به طور موقت و آزمایشی نقشه‌هایی برای ملاقات با بعضی از رهبران دیگر که به طور نزدیک با مقدم کار می‌کنند تنظیم کرده ایم و من در انتظار این ملاقاتها هستم که به عقیده من آنها برای ارزیابی روحیه و کشش مخالفان به دنبال تدابیر متنوع و وسیعی که دولت درباره آن تصمیم گرفته است، اهمیت خواهد داشت.

### **بررسی وضعیت مذهبی در مذاکره با هدایت اسلامی نیا**

سند شماره (۹) خیلی محرمانه، یادداشت مذاکرات شرکت کنندگان: هدایت اسلامی نیا نماینده سابق مجلس، سیمین هدایت، مترجم، جورج بی. لامبراکیس، کنسول سیاسی، جان دی استمپل، دبیر اول زمان و مکان: ۱۵ می ۱۹۷۸ - ۲۵ اردیبهشت ۵۷ - خانه اسلامی نیا موضوع: وضعیت مذهبی آقای اسلامی نیا فاش ساخت که یک فرستاده سری دو بار در چند روز گذشته با آیت الله شریعتمداری ملاقات کرده است. او بهبهانیان قائم مقام وزیر دربار است که مسئول داراییهای شاه می‌باشد و پس از

سال خدمت، به او خیلی نزدیک است و با سیاست هیچ میانه ای ندارد. از این حقیقت که چنین ملاقاتهایی صورت گرفته فقط شریعتمداری، هویدا و اسلامی نیا مطلع می باشند. سری نگاه داشتن آنها در حال حاضر مهم می باشد. اسلامی نیا در این سفرها با بهبهانیان همراه بوده است.

درخواستهای شریعتمداری در اولین ملاقات در جمعه ۱۲ می بهبهانیان در مدت ۲ ساعتی که شریعتمداری صحبت کرد، عمدتاً به او گوش داد. بهبهانیان در عصر دوشنبه به تهران رفت و بعد به قم بازگشت. موضوع اصلی پیام شریعتمداری این بود که دولت بایستی مسائل مذهبی را به حال خود بگذارد و مداخله مداوم در آنها را متوقف سازد. او با افرادی از دولت که راجع به قرآن صحبت می کنند و راجع به آن چیزی نمی دانند، مخالفت کرد. این موضوع شامل پرنسس اشرف نیز می شد. درخواست دوم شریعتمداری این بود که دولت ۴ رهبر عالیمقام مذهبی را که در زندان هستند (برای حدود ۲ ماه گذشته) آزاد سازد. موضوع سوم این بود که ملاقاتهای شریعتمداری با فرستاده شاه بدون تبلیغات انجام شود. اگر شریعتمداری ببیند که شاه درخواستهای مختلف او را قبول می کند، وی سپس راجع به آن به مردم خواهد گفت.

اسلامی نیا گفت خود وی از شریعتمداری پرسید که آیا وی با گفته هایی که از طرف خمینی در مصاحبه با لوموند ابراز شده است موافقت دارد. شریعتمداری گفته بود که موافق نیست.

به او گفته شد که شریعتمداری انتظار ندارد شاه با ۱۰۰ درصد تقاضاهای او موافقت نماید ولی خوشحال خواهد شد که با علایم کافی، شاه نشان دهد، همکاری می نماید. اسلامی نیا با خوشحالی ابراز امیدواری نمود که برخی افراد اطراف شاه از قبیل ژنرال نصیری ممکن است کنار گذاشته شوند.

جلسه امنیتی اسلامی نیا فاش ساخت که در روز شنبه ۱۳ می جلسه ای با شرکت تمام روسای سرویسهای امنیتی و پلیس ایران تشکیل شده است. این جلسه شامل افسران عالیرتبه نظامی نیز بوده است. نصیری از ساواک این نظریه را ارائه کرد که راه مقابله با آشوبها بستن بازار شهرهایی نظیر قم و استفاده از تمام نیروی لازم از جمله کشتار مردم می باشد. ژنرال فردوست نظری مخالف ارائه نمود. او به اشکال روش نصیری اشاره کرد که اگر رهبران برجسته ای نظیر شریعتمداری در حال حمل قرآن در جلوی پیروان خود ظاهر شوند، چه واقع خواهد شد. او سؤال کرد، آیا سربازان حمله خواهند کرد، اگر یک نفر در چنان وضعیتی به یک رهبر تیراندازی کند، فاجعه به بار خواهد آمد. در ضمن اینکه شکست در سرکوبی تظاهرات ممکن است حتی منجر به پیوستن برخی از سربازان به طرف دیگر شود. او فکر می کرد به عنوان یک اصل کلی سربازان وظیفه اشخاص درستی برای چنین کاری نیستند و بایستی به شهرهایی چون قم فرستاده شوند، برای نمونه فقط پلیس بایستی فرستاده شود. او علاوه بر این توصیه کرد که دولت گفتگویی را با مردم شروع کند و به جای اینکه فقط آنها را سرکوب کند، با آنها صحبت کند. به همان صورت که خود فردوست به اسلامی نیا گفت ممکن است به خاطر رابطه مشخصاً نزدیک فردوست با شاه (او با شاه به مدرسه رفت و رئیس فعلی بازرسی سلطنتی است) یا به هر دلیل دیگری که باشد جلسه نظرات فردوست را پذیرفت. وی مأمور شد که آنها را به عنوان پیشنهادات جلسه به شاه گزارش کند. در گفتگوی بعدی (که به طور جداگانه

گزارش می شود) اسلامی نیا به ما گفت شاه این روش را پذیرفت و متعاقبا سربازانی که در شهر قم مستقر شده بودند، تخلیه شدند.

اسلامی نیا راجع به سوءاستفاده های مختلف ساواک صحبت کرد، او نمونه هایی از رشوه گیریها را ارائه داد و سازمان اصناف (کنترل قیمت) را به عنوان گروهی دیگر که در فساد و رشوه خواری افراط می کند، ذکر کرد. او اشاره کرد که علی فرشچی کمونیست سابق رئیس سازمان اوقاف است. وی بایستی تغییر داده شود. شریعتمداری می خواست که به شاه بگوید اسلامی نیا، بایستی این شغل را داشته باشد، ولی اسلامی نیا به او گفت که چنین نکند چونکه نمی خواست به نظر آید که بخود خدمت می کند. اسلامی نیا مجددا اختلاس های شخصی نصیری را مورد حمله قرار داد. او گفت که وی دلایلی در دست دارد که نصیری مقادیر زیادی پول از ساواک دزدیده است. او یادداشتی برای شاه به هویدا داده بود که چندین نقل و انتقال پول را از لیست کرده بود که یکی ۷۰ میلیون تومان، دیگری ۶۰ میلیون تومان و مبالغ زیاد دیگری را شامل می شد.

اسلامی نیا جزئیات بیشتری در مورد چیزی که وی به هویدا گفته بود، برای ما تشریح نمود. شاه به نظر می رسد که از عملکرد حزب رستاخیز خیلی ناراحت است. او به طور رسمی اظهار داشته است که حزب به خوبی فعالیت نمی کند. مردم به انصاری یا مجیدی اعتماد ندارند و آموزگار شخص بسیار ناراحتی است:

شاه مسائل صحیحی را در مصاحبه اش در ۱۳ می اظهار نمود. او از خودش به عنوان یک فرد مذهبی صحبت کرد که خلیها را در میان مذهبیهون خوشحال نمود، ولی وی می تواند عملکرد خودش را به صورتهای مختلفی بهبود بخشد. یک طریقه این است که از یکی کردن مخالفین مذهبی با کمونیستها دست بکشد. او فقط بایستی به کمونیستها حمله کند. مسخره کردن افراد مذهبی با عنوان امل فقط تعداد زیادی از افراد را نسبت به او خشمگین می سازد، چون که بیشتر مردم در ایران امل هستند. مذهب بایستی به مذهبیهون واگذار شود.

اسلامی نیا سپس ایده خودش را با ما در میان گذاشت. او پیشنهاد کرد تعدادی از رهبران برجسته که از نظر مردم محبوب هستند بایستی در مقامهای با اهمیت و قدرت گماشته شوند، شاید به عنوان جناح سوم حزب رستاخیز. او آقای فرهنگ پور و دکتر علی خانی (عضو حزب مردم، دوست نزدیک علم، پسر یک آیت الله مشهد و رئیس بنیاد پهلوی) را ذکر کرد. مردم به یک چنین رهبرانی اعتقاد دارند، هر روز ۲۰۰ نفر به دیدار هر کدام از آنها می آیند. اگر ۲۰ نفر نظیر این افراد در ساختمان مرکزی حزب قرار داده شوند هر روز ۴/۰۰۰ نفر داخل و خارج می شوند و خواهند دید که حزب برای کمک به آنهاست. این رهبران قادر خواهند بود جناحهایی که به وسیله انصاری و مجیدی رهبری می شوند را به صورتی مؤثر مورد انتقاد قرار دهند. رستاخیز به صورتی که هست یک جسد می باشد.

فعالیت خمینی اسلامی نیا سپس مورد دیگری از آشوبی که به وسیله افراد خمینی ایجاد شده بود را ارائه نمود. آنها چند روز پیش آیت الله خوانساری را که محترمتترین آیت الله در تهران می باشد، مورد تهدید قرار دادند و ا رفتن وی به مسجد برای اقامه نماز جلوگیری به عمل آوردند. متعاقبا از یکشنبه ۱۴ می تمام مساجد در تهران بسته شدند. هویدا از بابت این موضوع نگران است (او زمانی که ما در آنجا حضور داشتیم به





اسلامی نیا تلفن زد) و با پیشنهاد اسلامی نیا موافقت کرده است که ملاهای برجسته دیگر بسیج شده و به پیش خوانساری که (یک شخص پیر و خارج از سیاست است) رفته و از او تقاضا کنند که بازگردد و از چهارشنبه نماز را اقامه نماید. در یک گفتگوی بعدی (که به طور جداگانه گزارش می شود) اسلامی نیا به ما گفت رهبریت مذهبی با موفقیت خوانساری را بازگردانده است و مساجد در چهارشنبه ۱۷ می مجدداً باز شده اند و علیرغم چیزی که افراد خمینی خواسته اند، تا آخر هفته باز می مانند.

اسلامی نیا صحبت‌هایش را با تشریح کوتاهی از چیزی که به خمینی قدرت می دهد، پایان داد. افراد او به وی اعتقاد دارند و برای این اعتقاد پاداش دریافت می دارند. افراد مذهبی دیگر هیچ گونه وفاداری مثبتی نسبت به دولت ندارند، چون که آنها توسط افرادی نظیر علم، نصیری و اعضای جورواجور سابق حزب توده که شاه به دستگاه وارد کرده است و جایگزین دوستان قدیمی او شده اند، کنار گذاشته شده اند.

اسلامی نیا به تجربه خودش به عنوان مشاور هویدا نخست وزیر و عضو مجلس از شهرری اشاره کرد. او به هویدا می گفت که به برخی از افراد واقعا فقیر مذهبی پول و کمک‌های دیگری بدهد که هویدا چنین می کرد و در نتیجه آنان که مدیون او شده بودند، پیروانش می شدند. زمانی که اسلامی نیا آن شغل را رها کرد این روش متوقف شد. مردم به تدریج بیگانه شدند.

نظریه: شکی وجود ندارد که اسلامی نیا در برقراری یک پل بین دربار و رهبریت محافظه کار مذهبی خیلی فعال و مؤثر بوده است. او جاه طلبی خودش برای بازگشت به موقعیتی از قدرت که بتواند حتی مؤثرتر واقع شود را خیلی کم پنهان می دارد. هر دو مأمور سفارت که با وی ملاقات می کنند تحت تأثیر توانایی های وی قرار گرفته اند. وی در یک دادگاه کشوری (یا خیلی بالاتر) در آمریکا یک سیاستمدار مؤثر و قوی خواهد بود. روش او به نظر می رسد که در اینجا هم مؤثر واقع شود.

سند شماره (۱۰) خیلی محرمانه، صورت مذاکرات شرکت کنندگان: هدایت اسلامی نیا، نماینده سابق مجلس، لایلا (اسم اول نامفهوم)، مترجم، جرج بی. لامبراکیس، کنسول سیاسی - تهران، جان دی. استمپل، دبیر اول - تهران زمان و مکان: ۲۳ می ۱۹۷۸ (۲/۳/۵۷) خانه اسلامی نیا موضوع: سیاست داخلی و مذهب آقای اسلامی نیا بعد از ملاقات با هویدا وزیر دربار مستقیماً به منزل و برای دیدار با ما برگشت. در طول سه ساعت بحث، اسلامی نیا روی مباحث متعددی تکیه کرد که در رابطه با برخوردهای داخلی ایران بود. مباحث بر حسب موضوع در زیر خلاصه شد:

حمایت کنندگان خمینی اسلامی نیا گفت که او به هویدا پیشنهاد کرده است که سازمان امنیت ایران باید ۸ تا ۱۰ نفر از افراد سازمان خمینی را که ایجاد دردسر می کنند و اعتصاب راه می اندازند، دستگیر کند. این گروه که اعضای اصلی یک دسته تقریباً سی نفری می باشند که از خمینی پشتیبانی می کنند، لزوماً حامیان و یا حتی دوستان گروه به رهبری آیت الله شریعتمداری نیستند. آنها در واقع رهبران مذهبی تهران را اگر با بعضی مطالب به

خصوص موافقت نکنند، تهدیدات جسمی می کنند. اسلامی نیا به یک دادخواست ضد دولتی اشاره کرد که در تاریخ ۱۸ می در مسجد بزرگ تهران منتشر شد (در تاریخ ۱۸ می) چندین ملای محلی در میان ۸۰ نامی که در لیست ذکر شده بود امضاء نکردند و چند نفر دیگر از آنان مجبور شده بودند که نام آنان در لیست ذکر شود. خیلی از دوستان اسلامی نیا نمی دانند که در مقابل این تهدیدها چه کنند، او اسامی ۸ نفر را که به عنوان «گانگستر» به هویدا داده است، توضیح داد. او از دادن پاسخ مستقیم به این سؤال که آیا افراد خمینی با گروه های تروریست یا گروه های غیر قانونی دیگر ارتباط دارند، طفره رفت، ولی گفت که مردان خمینی حتی مذهبیهایشان در فعالیت های اخیر خود را به صورت آدمهای بی همه چیز نشان داده اند.

پیدا کردن چند فرد (مناسب) اسلامی نیا بحث مطلوبی را پیش کشید، احتیاج به مردان مناسب سیاسی در ایران، او دولت آموزگار را کنار گذاشت، زیرا نتوانست خیلی خوب با مذهبون و درباریان کنار بیاید. در حال حاضر هیچ عضوی از کابینه فعلی مورد اعتماد مردم نیست. اسلامی نیا در موقعیتی آموزگار را به عنوان آدمی «متزلزل» و «زن صفت» توصیف نمود. اسلامی نیا به وزیر دربار هویدا تأکید کرد که تماسهای گسترده خود را حفظ کند و چندین گروه از روحانیون و بازاریهای مسلمان را به دیدن هویدا برد، اما هیچ شخص دیگری این کار را انجام نمی دهد. سؤال شد که چه کسی برای ایفای این نقش خوب خواهد بود؟ اسلامی نیا فکری کرد و مطالب اساسی زیر را پیشنهاد کرد: محمد تقی فلسفی که یک ناطق زبر دستی بود و شخصیت بسیار مناسبی برای کار با دولت است (یادداشت قبلی را ببینید). او علاوه بر مردم رهبران را نیز می تواند جمع کند. حکومت او را برای مدت ۷ سال از صحبت کردن در مساجد ممنوع کرده بود، اما عملاً او همه سخنگویان مساجد تهران را از لحاظ مذهبی تصویب می کند. آیت الله خوانساری از تهران، علیه دولت ایران کار نمی کند، او در حقیقت به اتفاق دیگر رهبران مذهبی تهران بر خلاف حامیان خمینی که سعی در بستن بازار در تاریخ ۱۷ و ۱۸ می نمودند (به یادداشت قبلی رجوع شود)، سعی در باز نگهداشتن بازار دارد.

ناصر قلی فرهادپور، یک ملا که رئیس اصناف تهران است، گروهی که متصدیان کنترل قیمتها را به منظور پایین نگهداشتن قیمتها تحت فشار قرار می دهد. او تقریباً برای هر کاری خوب است و در میان طبقات مردم فقیر مورد احترام است و نیز یک سخنگوی خوبی است.

رحیم زهتاب فرد، نماینده سابق مجلس از تبریز، یک آذربایجانی که در بین جامعه ترکهای ایران از اعتماد زیادی برخوردار است. او یک سازمان دهنده خیلی خوب و اصلاح گر قابل ملاحظه ای نسبت به هر کس دیگر در سلسله مراتب فعلی حزب رستاخیز می باشد.

دکتر علی نقی خانی رئیس فعلی بنیاد رضا پهلوی، او در صداقت مشهور است و پدرش یک چهره سرشناس مذهبی بود. از عهده هر پست سطح بالایی بر می آید.

عبدالعزیز قطب، رئیس سابق دیوان عالی کشور، پیر است ولی یک حقوقدان برجسته می باشد می تواند وزیر برجسته و یا رهبر حقوقی در هر موقعیتی باشد.

دکتر منوچهر شاهقلی، وزیر بهداشتی، در مدت ده سال صدارت هویدا، به خاطر ثابت و ارزان نگهداشتن هزینه پزشکی در ایران

مردم او را به خوبی به یاد دارند.

ص: ۲۱۱

اسلامی نیا دو نفر دیگر را ذکر کرد که عبارتند از سناتور دها و ژنرال صفری که برای مناصبی در حزب رستاخیز در نظر گرفته شده اند. شهبانو فرح به خاطر توجه به مردم امتیازات خوبی به دست آورده است.

ولی اخیراً داستانهایی راجع به دعوت او از خوانندگان و رفاصان در جزیره کیش منتشر می شود (و این امر به سرعت داستان سودوم و گومور را برای مؤمنین مسلمان تداعی می کند). اسلامی نیا گفت که رضا قطبی که فامیل سببی ملکه است نباید رئیس رادیو و تلویزیون باشد، زیرا همه شکایات در مورد رادیو تلویزیون به فرح برمی گردد.

شاه، دولت و مؤمنین - ملاقات بین بهبهانیان معاون وزیر دربار و آیت الله شریعتمداری به خوبی انجام گرفت، آنان تا به حال دوبار ملاقات داشتند (به یادداشت قبلی مراجعه کنید) و قرار است باز هم ملاقات داشته باشند. شاه به گزارش این ملاقات گوش داده و به نظر می رسد که مایل است که چیزهایی را که شریعتمداری خواسته انجام دهد، اما این زمان می خواهد.

تفسیر: اسلامی نیا به وضوح احساس می کند که جداسازی اطرافیان سر سخت خمینی از دیگر رهبران مذهبی کلید پیشرفت و ارتباط در این زمینه است. مشکل اساسی اینجاست که شاه همه تصمیمات را هر چند کوچک خود می گیرد و این باید تغییر یابد.

اسلامی نیا دو داستان برای روشن کردن موضوع آورد. یک مأمور ساواک کشیده ای به یک ملا زد و بعداً ادعا کرد که او دو بطری شراب با خودش داشت در صورتی که او کاری نکرده بود، شریعتمداری به اسلامی نیا شکایت کرد، که او رفت پیش هویدا و دو هفته بعد کار درست شد. همین طور شریعتمداری اخیراً تلگرامی از آیت الله خمینی دریافت داشته بود، اداره پست و تلگراف و تلفن از ارسال جواب خمینی خودداری کرد و مجدداً لازم شد، درخواست از هویدا و آنگاه به شاه بشود. تقریباً دو هفته طول کشید تا پیام آیت الله برای ارسال، تصویب شود. بدتر از این رفتار و برخورد بعضی از رهبران دولتی است.

اسلامی نیا جزئیات بیشتری درباره ملاقات خودش با حدود ۲۰ - ۳۰ نفر از افراد ارتش و مقامات امنیتی در ۱۳ می، داد (گزارش ۱۵ می) نصیری رئیس ساواک گفت که به نظر او تمام بازار در سراسر کشور باید بسته شود و آنهایی که شلوغ کاری می کنند باید به رگبار بسته شوند. ژنرال فردوست رئیس بازرسی شاهنشاهی در آمد و گفت که اگر آیت الله شریعتمداری لباس سفید بپوشد و رهبری یک راه پیمایی را در قم انجام دهد ارتش هم امتناع خواهد کرد از تیراندازی. بهتر است که از ارتش فقط در موارد اضطراری علیه تظاهرکنندگان استفاده شود. در ضمن ملاقات فرمانده نیروی زمینی ژنرال اویسی قرآن به دست گرفت و قسم خورد که برای بهتر شدن وضع مردم و سربازان کاملاً وفادار به شاه کار کند.

گفتگوی دولت و شریعتمداری شنبه ۲۰ می بعد از پایان سخنرانی شریعتمداری در اجتماع ۶ - ۵ هزار نفری در قم دیگران که کوشش در به وجود آمدن درگیری می کردند، دستگیر شدند. بی. بی. سی، داستان را چنین نقل می کند که دولت و شریعتمداری گفتگویی داشتند، بنا به درخواست آیت الله (شریعتمداری)، اسلامی نیا به هویدا تلفن زد و او درز خبر را از طریق دولت ایران منکر شد، شریعتمداری مذاکره را انکار کرد و گفت که نمی خواهد راجع به این موضوع با پیروانش صحبت کند تا بیشتر مقاصد را درک کند. تکذیب خبر ساده بود، زیرا مذاکره با نماینده شخصی شاه صورت گرفته بود نه دولت ایران، اسلامی نیا وضع مذاکرات را «مذاکره درباره مذاکره



توصیف کرد، اما به وضوح احساس می کرد که وضع میان دربار و گروه های مذهبی بهتر از دو سه هفته قبل است. درز خبر مذاکره البته مشکلات داخلی چندی برای شریعتمداری ایجاد کرد، اما اسلامی نیا گفت طرفین امیدوار بودند که موضوعات به خاطر منافع پیشرفت ساکت نگهداشته شود.

فساد در خلال مذاکره چندین اسم در جرگه «بدها» (از نظر مؤمنین مذهبی) ذکر شد (که عبارتند از): اردشیر زاهدی (سفیر ایران در واشنگتن) که به عنوان یک آدم بیرحم طرد می شد و دسترسی او به یک پست مهم در ایران دردسر واقعی برای دولت درست می کرد. هوشنگ انصاری (رئیس شرکت نفت) به عنوان «دزدی» معرفی می شد که در اختفای رد پایش تخصص دارد. یک تاجر عمده به نام یاسینی به عنوان شخصی نام برده می شد که به نصیری رئیس ساواک غالباً رشوه پرداخت می کرده و اخیراً برای اجتناب از پرداخت عوارض گمرکی در مورد ۵۰ واگن خط آهن در هفته ۱۵ تا ۱۹ می چنین کاری کرده است. فساد به عنوان یکی از عمده ترین نگرانیهای جامعه مذهبی توصیف می شود که از نظر اهمیت برای مؤمنین تقریباً برابر با عدول دولت از تعالیم و عبادات شده است.

### مکالمه سوم با رحمت الله مقدم مراغه ای

سند شماره (۱۱) خیلی محرمانه، صورت مذاکرات تاریخ و محل: ۱۲ ژوئن ۱۹۷۸ اقامتگاه مقدم، برابر با ۲۲ خرداد ۱۳۵۷ شرکت کنندگان: رحمت الله مقدم مراغه ای از نهضت رادیکال، جرج لامبراکیس مشاور سیاسی سفارت آمریکا ایران من به تقاضای مقدم از او دیدن کردم و ملاحظه نمودم که خانه او تحت نظر باشد. او تأیید کرد که مردمی که به نحو مشهودی در اطراف و اکناف خانه او در ملاقات قبلی در تاریخ ۲۴ آوریل پراکنده بودند، دیگر نیستند. در جریان مکالمه او همچنین تأیید کرد که دیگر مطلبی از «کمیته زیر زمینی انتقام» در هفته های اخیر نشنیده است و تهدیدی نیز از آنها دریافت نکرده است.

مخالفان تجدید سازمان یافته و برنامه های احتمالی مقدم گفت که او میل دارد به ما اطلاع دهد که او به طور نزدیکی با چهار رهبر دیگر کار می کند و این پنج نفر در واقع رهبری سیاسی نهضت مخالفان را به عهده گرفته اند، اینها عبارتند از بازرگان، سنجابی، فروهر و سید جوادی. او با اندیشه ملاقات با من و همسر در یک شب (همانطوری که بار اخیر پیشنهاد کرده بودیم) به بازرگان مراجعه کرده بود، ولی عکس العمل بازرگان این بود که در انتظار بماند و در ضمن مقدم می توانست به عنوان نماینده گروه با من تماس بگیرد.

یکی از مطالبی که گروه در جلسه روز قبل (یازدهم ژوئن) مورد بحث قرار داده بود، پیامی از سوی محمد صادق کاظمی معاون نخست وزیر بود. در این پیام محمد صادق کاظمی دریافت نامه اخیر را از کمیته اجرائیه حقوق بشر و آزادی دریافت کرده، ولی دریافت نامه های قبلی از این گروه را انکار کرده بود و پیشنهاد کرده بود که نمایندگان گروه بیایند و موضع را با او مورد بحث قرار دهند. مقدم تأکید کرد که

چنین ملاقاتی انجام خواهد گرفت.

در جریان مکالمه، مقدم آشکار کرد که گروه در نظر دارد بکوشد تا یک برنامه سیاسی مثبتی سرهم بندی کند. آنها معتقدند که با موفقیت توانسته اند توجه رسانه های بین المللی را نسبت به نهضت مخالفان جلب کنند و بنابراین باید وارد مرحله دوم نقشه عملی خود بشوند. او اعتراف کرد که سرهم بندی کردن انواع نظریات دشوار خواهد بود، ولی ارزش زحمت آن را خواهد داشت. او این فرایند را چنین مجسم کرد که شامل اشخاصی بیشتر از پنج رهبر خواهد بود به طوری که برنامه مثبتی بر آن چیزی باشد که مردم واقعا می خواهند. در ضمن از طریق پیامی از سوی آیت الله شریعتمداری به رهبری این گروه اطمینان داده شده بود که شریعتمداری با حکومت مذاکره نخواهد کرد و برای گنجاندن «رهبران سیاسی» یعنی مقدم و رهبران همتای او به توافقی با دولت نخواهند رسید. این پیام در یک جلسه (شاید همان جلسه ای باشد که در بالا ذکر شد) روز قبل با شرکت رهبرانی از بازار به آنها داده شده بود، او به طور محرمانه گفت که فردی که این پیام را رسانده است شخصی به نام شبستری زاده است. در آن اجتماع مقدم و همراهان او، بنی احمد (نماینده تبریز) نماینده مجلس را به بازاریان معرفی کردند.

ساواک و مخالفان در پاسخ به سؤالی، مقدم درباره جایگزین شدن ژنرال نصیری به وسیله جنرال مقدم به عنوان رئیس ساواک اظهار نظر مثبت ولی خویشندارانه کرد.

او ژنرال مقدم را از زمانی که در مدرسه نظامی با یکدیگر همکلاس بودند می شناسد، هر چند آنها هرگز با یکدیگر دوستی نزدیکی نداشتند و با یکدیگر خویشاوند نیز نیستند. ژنرال مقدم به عنوان بازپرس در سیستم دادگاهها آغاز به کار کرده است بنابراین او با قانون آشنا است و باید آن را اعمال کند. این امر در سابقه نصیری وجود ندارد. مقدم همچنین مناسبتی را در سال ۱۹۶۴ به خاطر آورد هنگامی که او می کوشید درباره «سیاست، آب و خاک» گروهی را دور هم گرد آورد که از قرار معلوم قرار بود فراتر از مسئله های فنی رفته و ماهیت سیاسی بگیرد. ژنرال مقدم به او مراجعه کرده و اخطار کرده بود، که شاه نسبت به تشکیل چنین گروهی ناراضی است و بهتر است او چنین گروهی را تشکیل ندهد. مقدم از اندیشه تشکیل این گروه منصرف شد. خصوصیات شخص ژنرال مقدم هر چه باشد او هنوز خود را «نوکر شاه» می داند، و نظریات خود را به همین نحو بیان خواهد کرد. ژنرال مقدم دوست ژنرال فردوست است. شخص اخیر هر چند از مردان نیرومند رژیم است، اطلاعات کمی درباره جامعه ایران دارد و خود را از صحنه داخلی کشور منزوی نگه می دارد.

مقدم همچنان از فعالیتهای حکومت انتقاد می کرد، او گفت که پلیس اخیرا حدود ۷۰۰ دختر و ۱۷۰۰ پسر را از خوابگاههای خود در دانشگاه تهران در نیمه شب بیرون رانده است. بسیاری از این دانشجویان جایی ندارند که بروند و در پارک فرح می خوابند. هنگامی که من اشاره کردم که اقدام پلیس به طوری که من شنیده بودم به دنبال مقدار کافی آشوب از سوی دانشجویان بود که آن خوابگاهها را در هم ریخته بودند. او اظهار نظری نکرد. مقدم درباره این که مخالفت با رژیم چقدر توسعه یافته است صحبت کرد. او گفت که داوطلبان جدیدی از دانشگاههای آریامهر و تبریز و همچنین گروهی از دانشجویان حقوق که اخیرا متشکل شده اند، وارد جرگه گشته اند. او گفت کارگران کارخانه مخالفت خود را ابراز نمی دارند، زیرا

تحت کنترل شدیدی از سوی ساواک هستند، به همین ترتیب اشخاصی که متصدی تعاونی های دولتی هستند کشاورزان را تحت کنترل دارند به طوری که آنها جرئت ندارند، مخالفت خود را زیاد ابراز کنند.

همچنین افرادی مانند کسبه جزء و پیشه وران و غیره مخالفت خود را ابراز می دارند و حتی اگر شما از کارگران ساختمانی سؤال کنید، آنها نیز گله خواهند کرد.

در این رابطه یک خبرنگار آسوشیتدپرس اخیراً به سنجابی تلفن کرده و القا کرده بود که حوادث ۵ ژوئن به منزله نقطه توقف برای مخالفان است، ولی او اشتباه کرده بود. مقدم گفت در حالی که شمال تهران به طور عادی کار می کند در جنوب تهران همه جا تعطیل است. اوضاع در سایر شهرها نیز طبق اظهار مقدم آرام است (و این اظهار تا اندازه ای دقیق است). چند دکانی که در اطراف بازار باز است دکانهایی هستند که دولت به آنها گفته است که باز باشند. اشخاصی نظیر جواهر فروشان به نحو سنگین متکی به حسن نیت مقامات هستند و هر کاری را که مقامات از آنها بخواهند انجام می دهند.

ایالات متحده و قانون اساسی از همان آغاز مقدم حسن نیت گروه خود را نسبت به ایالات متحده ابراز داشت و تمایل دوستی با ایالات متحده را به جای پذیرفتن مساعدت از محافل مخالف یعنی اتحاد شوروی تأکید کرد. آنها ایالات متحده را تنها به خاطر موضع آن در پشتیبانی از شاه و علیه مصدق در گذشته مورد سرزنش قرار می دادند.

این موضع حقوق بشر را که پرزیدنت کارتر درباره آن صحبت می کند مورد بی توجهی قرار می دهد.

او از من خواست تا اوضاع را ارزیابی کنم و من به طور اختصار این کار را انجام دادم. هنگامی که من گفتم که در آن نوع از ثباتی که شاه به کشور آورده است منافی وجود دارد، مقدم قائل به استثنا شد. او استدلال کرد که ثباتی وجود ندارد و تنها چیزی که وجود دارد سرکوبی قانون اساسی است. مقدم با همکاران خودش مانند بازرگان کار کرده بود و بازرگان ابتدا نمی خواست که از قانون اساسی کنونی پشتیبانی کند. مقدم او را در این مورد متقاعد کرده بود که حتی اگر قانون اساسی کامل نیست درباره اختیارات شاه محدودیتهایی قائل شده است و اختیارات دیگری را به مجلس و مردم واگذار کرده است و اجرای آن به خودی خود هدف کافی برای مخالفان محسوب می شود. او خاطر نشان ساخت که قانون انتخابات که در حال حاضر مورد بحث مجلس است، بر خلاف قانون اساسی است. هنگامی که من درباره آن ماده از قانون اساسی که پیش بینی می کند پنج رهبر مذهبی درباره هر کاری که مجلس انجام می دهد حق و تو داشته باشند، توضیح خواستم او این ماده را به عنوان یک چیز جزئی که هرگز بمورد اجرا گذاشته نشده رد کرد. مقصود تلویحی او آن بود که این قانون هرگز به مورد اجرا گذاشته نخواهد شد....

هنگامی که من درباره واکنش او نسبت به کنفرانس مطبوعاتی شاه در چند هفته قبل پرسیدم او شانه های خود را بالا انداخت و گفت شاه به منزله شخصی می ماند که در حال عقب نشینی است و نمی تواند افکار خود را متمرکز کرده و درباره مطلبی درک صحیح داشته باشد. یک دیکتاتور باید در قضاوتهای خودش بیشتر اعتماد به خود داشته باشد و بالاخره هر چه باشد، این تنها منفعت دیکتاتوری است. او گفت علاقه فوری مخالفان این است که مطبوعات را آگاه کنند که آنها دعاوی اخیر همایون وزیر اطلاعات و دیگران را، مبنی بر اینکه عناصر مخالف حاضرند با دولت کار کنند، تکذیب می کنند. او گفت این



ادعا حقیقت ندارد.

ص: ۲۱۵

مقدم در ضمن گفت که نه‌اوندی می‌خواست گروهی از روشنفکرانی که در حال حاضر اثرات انقلاب شاه و ملت را مطالعه می‌کنند، به عنوان یک جناح سومی از حزب رستاخیز متشکل شوند. معذالک سنجابی به مقدم گفته بود که بیشتر اعضای گروه با این اندیشه مخالفند و در مقابل آن ایستادگی می‌کنند.

گرفتن تلفن عمومی مقدم که سر صحبتش درباره این موضوع گرم شده بود، میل رهبران پنجگانه را درباره ایجاد یک سازمان برای یافتن اینکه مردم از لحاظ یک برنامه مثبت چه می‌خواهند، تأکید کرد. هنگامی که من پرسیدم که شاه چه امتیازاتی ممکن است بدهد که آنها را به سازش وادارد او انحلال پارلمان و انتخابات جدید را که «بدون نفوذ زیاد» از جانب دولت باشد، ذکر کرد. او انتظار داشت که ساواک همچنان نیرومند باقی خواهد ماند و خواهد دانست که چکار بکند تا در این انتخابات نفوذ کند، ولی جلوی ساواک را باید گرفت.

او گفت ایران تغییر کرده است. تلویزیونی وجود دارد و همچنین تماس با دنیای خارج. مردم می‌بینند چگونه نظام‌های دیگر کار می‌کنند و همین چیز را برای ایران می‌خواهند. پیشرفت در ورای زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و در زمینه سیاسی مورد نیاز است. شاه ممکن بود به چنین پیشرفتی کمک کند، ولی او خودخواه است و فعالیت خود را به تحکیم قدرت خود محدود کرده است. در حالی که دوران سالهای ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۰ را می‌توان یک «ظهور ملی» تلقی کرد مردم انتظار دارند، که اتفاقاتی بیش از این روی دهد. ولی شاه به جای آن بطریق هانری چهارم رفتار کرده است. هیچ کس او را دوست ندارد و مردم خواهان دگرگونی هستند. امتیازها و تجملات خاندان سلطنتی مردم را مضمز می‌کند. آنها می‌بینند که چگونه آمریکاییها هر چند سال یک مرتبه رئیس‌جمهوری خود را تغییر می‌دهند ولی نظام همچنان باقی است، یک کاسب ساده اخیراً به مقدم گفته بود که کارگران پس از اینکه ۲۰ تا ۲۵ سال زحمت کشیده‌اند باید اجازه داشته باشند که استراحت کنند، شاه مدت ۳۶ سال باعث این دردسر بوده است و اکنون زمان دگرگونی فرا رسیده است.

و اما درباره لیبرالیزه کردن اوضاع مقدم گفت شاه «ما را به بازی گرفته است» او تصور می‌کند که زمانه به نفع او کار می‌کند، زیرا کارتر یکی دو سال بعد مدت مأموریتش تمام خواهد شد. تنها نگرانی شاه این است که حکومت ایالات متحده را خشنود نگه دارد و مانع آن شود که حکومت ایالات متحده در ایران دخالت کند. او در فکر مردم کشور خود نیست.

مقدم ضمن اشاره فرعی دیگری به «ایجاد رعب» پلیس برای یک خبرنگار زن فرانسوی به نام کنیزمراد از نشریه «نوول ابزرواتور» نام برد که اخیراً به دیدن شریعتمداری رفته بود. شریعتمداری او را به دیدن برادر خمینی در قم فرستاد که نام او «پسندیده» است. یک جوانی که به عنوان راهنما همراه او فرستاده شده بود از سوی پلیس متوقف شد و دستخوش ضرب و شتم قرار گرفت. آنها او را به پاسگاه پلیس بردند و وقتی که آن زن به پاسگاه پلیس رفت تا درباره او پرس و جو کند به او گفتند وضع او مرتب است، ولی یک روز یا بیشتر او را همچنان در پاسگاه پلیس نگه خواهند داشت. به همین ترتیب مقدم تأکید کرد که در حال حاضر ۱۷ ملا در تبعید داخلی (یعنی از یک شهر به شهر دیگر) به سر می‌برند. بیشتر آنها در حاشیه کویر زندگی می‌کنند. او همچنین اشاره کرد که شایع است که بمب اندازیه‌های صورت گرفته به وسیله

به اصطلاح «کمیته انتقام» ممکن است کار یک گروه وفادار به شاه به نام باشگاه ورزشی تاج به سرکردگی ژنرال خسروانی باشد، او اعتراف کرد که برای این حدس شواهدی وجود ندارد.

تغییرات در حکومت و مسائل متفرقه شایعه دیگری که او ذکر کرد این بود که آموزگار ممکن است به وسیله شریف امامی جایگزین شود.

مقدم تصور می کند که این بسیار مضحک است، معذالک شاه کسی را لازم دارد که صد در صد طرف خودش باشد. مقدم گفت آنچه که واقعا مورد لزوم است نخست وزیری است که می تواند به عنوان یک حایل یا یک واسطه بین شاه و «مردم» عمل کند. هنگامی که از او درباره شخص مورد نظر پرسیده شد، او نام علی امینی نخست وزیر اسبق را به میان آورد. شایع است که او از خارج به تهران بازگشته است. (ما این را همچنین از یک منبع روزنامه نگاری شنیده ایم) مقدم اعتراف کرد که امینی بسیار پیر است یعنی ۷۲ سال دارد و به همین جهت درباره این نامزدی زیاد پافشاری نمی کرد.

مقدم به طور خصوصی گفت که او در حال حاضر آسوده تر از دفعه قبلی است که با او ملاقات کردیم. او گفت در آن زمان ترس واقعی او از این بود که «تروریستها یا کمونیستهایی» ممکن بود سنجابی یا خود او را به عنوان هدفهای سودمند ربوده و بکشند و گناه آن را به گردن حکومت بیاندازند. همه کس می دانست که ساواک در پشت سر «کمیته انتقام» قرار دارد. ولی مقدم یقین داشت که ساواک نمی خواهد آنها را بکشد، هر چند ساواک ممکن است آنها را دستگیر کند یا کتک بزند. هنگامی که من پرسیدم که آیا او با تروریستها تماس ندارد و تعجب کردم از اینکه چگونه او انتظار دارد که تروریستها کاملاً قادرند اگر بتوانند در مقابل حکومت امتیازهایی به دست آورند اشخاصی مانند او را قربانی کنند.

سرانجام مقدم موضع مخالفین را چنین تشریح کرد که آنها «نه هرج و مرج طلب هستند و نه کمونیست و نه ضد آمریکایی» آنها می خواهند سهمی قانونی از قدرت را برای مردم در مقابل شاه به دست آورند. اگر اوضاع یک کمی بیشتر شل شود به طوری که مردم بتوانند اجتماع کنند و آزادانه به بحث درباره مسائل پردازند ممکن خواهد بود که بینیم مردم در کدام جهت می خواهند، حرکت کنند.

مقدم در نظر دارد سفری به اروپا و ایالات متحده (برای قرار دادن پسر ۱۳ ساله اش در مدرسه در نزدیکی بوستون) انجام دهد ولی رهبران همکار او، او را تحت فشار قرار داده اند که تابستان جاری را در اینجا باقی بماند. او تأیید کرد که در ۱۹ ژوئن تظاهرات مذهبی صورت خواهد گرفت، ولی کار او متمرکز در مسائل سیاسی خواهد بود. روز دیگر او به من تلفنی در دفتر گفت که او از نقشه های خود برای سفر صرف نظر کرد و تابستان جاری را در شهر خواهد بود، او میل دارد همچنان در تماس باشد.

اظهار نظر: رفتار مقدم که آسوده تر و از اعتماد به نفس بیشتر برخوردار بود، بهترین شاهد مبنی بر این است که زندگی برای مخالفین در ایران بهبود یافته است. کوششها برای سرهم بندی کردن یک برنامه واحد مثبت آنقدر ماهیت غیر ایرانی دارد که باید در این باره شکاک بود. معذالک او به روشنی این امر را به حساب می آورد که به او اجازه خواهند داد آزادی بیان و آزادی نسبی برای سازمان یافتگی سیاسی به دست آورد، که هر دوی اینها اعترافهای جالبی در نوع خود می باشد.



سند شماره (۱۲) یادداشت مذاکرات خلی محرمانه شرکت کنندگان: هدایت اسلامی نیا نماینده سابق مجلس، خانم سیمین اسلامی نیا (جدیدا ازدواج کرده اند)، جورج بی. لامبراکیس کنسول سیاسی سفارت آمریکا - تهران، ایران زمان و مکان: ۲۱ ژوئن ۱۹۷۸ برابر با ۳۱ خرداد ۵۷ منزل اسلامی نیا موضوع: آخرین تحولات در جبهه مذهبی شریعتمداری از خمینی جدا می شود من به تنهایی با اسلامی نیا ملاقات کردم، هر چند قرار بود که با آقای عباسی داماد شریعتمداری که به مأموریتی از طرف پدر زنش به تهران آمده است نیز، ملاقات کنم. پیامی که وی از طریق هویدا برای شاه آورده بود این بود که شریعتمداری پیامی برای آیت الله خمینی فرستاده بود که به وی می گفت او (شریعتمداری) دیگر با خمینی همکاری نمی کند، چون که خمینی در مقابل شاه قرار گرفته است.

به این ترتیب شریعتمداری مایل بود که بر وفاداریش به شاه تأکید کند. در عین حال وی این تقاضا را مطرح ساخت که برخی افراد مذهبی مجاز باشند تا سال آینده در انتخابات مجلس شرکت کنند و نه فقط افراد حزب رستاخیز. شریعتمداری گفت چنانچه فقط افرادی که توسط حزب رستاخیز تأیید شده اند مجاز به شرکت در انتخابات باشند، وی با انتخابات مخالفت خواهد کرد. نهایتاً شریعتمداری تقاضای قبلیش را که پرنسس اشرف ایراد سخنانی در مورد مذهب را متوقف سازد تکرار کرد. (وقتی من گفتم از اینکه او چنین سخنانیهایی ایراد می نموده است بی خبر بوده ام، اسلامی نیا با شوخی پاسخ داد که وی مطمئناً دفعه بعد مرا از آن مطلع خواهد ساخت و وی (اشرف) فقط ۱۰ روز است که راجع به موضوع (مذهب) صحبت نکرده است.) اسلامی نیا گفت شاه، بهبهانیان از وزارت دربار را پیش شریعتمداری فرستاده است تا نسبت به صحت این پیام تحقیق کند. شریعتمداری آن را تأیید نمود. شریعتمداری همچنین فاش ساخت که وی مایل است با آمریکاییها ارتباط داشته باشد و با آنان صحبت کند. او به بهبهانیان اطمینان داد که وی چیزی بر علیه شاه به آنان نخواهد گفت. بهبهانیان پاسخ داد که شاه چنان تماسهایی را با خارجیها دوست ندارد و در مورد آن به شریعتمداری هشدار داد. ظاهراً شریعتمداری بعداً به اسلامی نیا گفت که وی از اینکه این موضوع را ذکر کرده است پشیمان است، ولی کاری است که شده.

اسلامی نیا این موضوع را به عنوان دلیل اینکه چرا داماد شریعتمداری قرار ملاقاتش را با من به هم زده است، اقامه کرد.

بعدا در خلال گفتگو اسلامی نیا اشاره کرد که وی مناقبی را به نجف فرستاده است، تا با آیت الله خویی گفتگو کند. اسلامی نیا خویی را به عنوان معتبرترین از میان تمام آیت الله ها معرفی کرد، خیلی بیشتر از خمینی یا حتی شریعتمداری یا خوانساری در تهران.

خویی در نجف زندگی می کند، ولی همیشه با خمینی موافقت ندارد. مناقبی این پیام را برای خویی می برد که مذهبیون دیگر از خمینی پیروی نمی کنند، چون که وی طرفدار جاری شدن خون است. مناقبی سپس به دیدار خمینی می رود تا همین جریان را پیش روی او عنوان کند. دو فرستاده معتبر دیگر هستند (او نامهای آنها را علوی داماد یک ملای معروف به نام چیزی شبیه بروجدی (بروجردی) که در گذشته است و طباطبایی عنوان نمود) که یکی پس از دیگری و نه با همدیگر و با پیام مشابهی به دیدار خمینی

خواهند رفت. اسلامی نیا گفت شاه از این برنامه مطلع است. (این بدان معناست که فرستادگان آنها بی هستند که شریعتمداری در پیامش به شاه به آنها اشاره نمود).

اسلامی نیا و دولت اسلامی نیا به ترتیبی که عادت دارد به موضوع مورد علاقه اش یعنی حمله به خیلی از اطرافیان آموزگار پرداخت. او گفت در حال حاضر برخی مسائل مابین شاه و آموزگار وجود دارد. افرادی نظیر جعفریان، موسوی یا فرشچی (فرشی) نمایندگان خوبی برای آموزگار نیستند و بدون اینکه نیازی بوده باشد، دشمنانی نظیر نهایوندی و پزشکپور به وجود آورده اند. اسلامی نیا برای اولین بار به طور صریحی چیزی را که قبلاً با کنایه به آن اشاره کرده بود یعنی اینکه وی علاقه دارد که به مسئولیت سازمان اوقاف گماشته شود را مطرح نمود، این یکی از مقامهایی است که اکنون فرشچی-ی (فرشی) دارا می باشد. اسلامی نیا گفت آموزگار فکر می کند که وی یکی از افراد هویدا است و بنابراین به وی اعتماد ندارد، ولی وی اشتباه می کند. اسلامی نیا به من اطمینان داد اگر آموزگار او را به این مقام منصوب کند، نسبت به وی وفادار خواهد بود. او آرزو داشت که این پیام به آموزگار برسد. در هر حال او توضیح داد که وی از طریقی که هویدا در گذشته اخیر با وی رفتار کرده است و در زمانی که ژنرال نصیری بر علیه او با هویدا صحبت کرد، خیلی خوشحال نیست.

اسلامی نیا به مقدار زیادی راجع به مناسب بودنش برای این کار و این حقیقت که رهبران مذهبی را به مدت زیادی می شناسد و احترام آنها را دارا می باشد و مناسب نبودن دیگران صحبت کرد. او اشاره کرد افرادی نظیر استاندار آزمون معتقدند آموزگار دارد از دور خارج می شود و بنابراین هیچ کاری به او ندارند.

اسلامی نیا گفت وی می تواند در زمینه مهم مذهب به آموزگار کمک کند. به عنوان نمونه او گفت چنانچه مسئولیت سازمان حج به وی داده شود افراد را ملزم به گرفتن اجازه کتبی از ملای محل اقامت متقاضی می نماید. اینکار ملاها را به دست آوردن پول بیشتر می رساند (از کلاهبرداریهای لازم) و به آنها قدرتی می دهد که خوشحالشان می سازد.

اسلامی نیا مثل اینکه می خواست به پیشنهادش پایانی بدهد، این فکر را مطرح ساخت که وی و بعضی از دوستانش در مورد برنامه های احتمالی آینده بحث می کرده اند.

آنها در این فکر بوده اند که به نزد افراد مذهبی در شهرهایی مثل تبریز و مشهد و جاهای دیگر بروند و بر علیه افرادی نظیر جعفریان و دولت صحبت کنند. آنها می توانند باعث به وجود آمدن نوعی از تظاهرات یا نمایش قدرت بشوند. وقتی سیمین از او پرسید که آیا این کار به خشونت منجر نمی شود، اسلامی نیا شانه هایش را بالا انداخت و گفت این خشونت ممکن است واقع شود. من توضیح دادم که اگر وی در پی طرفداری از آموزگار است اینکار مطمئناً وی را در پیش آموزگار عزیز نخواهد کرد. اسلامی نیا با ملاطفت لبخند زد و گفت هنوز هیچ تصمیمی گرفته نشده است، این جریان به دو سمت می تواند کشیده شود، او آشکارا این تهدید را مطرح می ساخت که اگر دولت وی را به کار نگیرد بر علیه آن کار خواهد کرد.

تماسهای رسمی دیگر با رهبران مذهبی اسلامی نیا سپس گزارش کاملی از فعالیتهای اخیرش با تأکید بر اهمیتش در مقایسه با تعدادی از افراد در رژیم فعلی ارائه داد. او اشاره کرد که آیت الله خوانساری را به ملاقات با هویدا و قبول ملاقات ژنرال مقدم رئیس جدید ساواک که شاه به وی گفته است بایستی روابط خوبی با مذهبیون داشته باشد، وادار کرده است.

اسلامی نیا روی فلسفی یک سخنران برجسته که از ملاقات با هویدا یا ژنرال مقدم امتناع ورزیده است، کار می کرده است (مراجعه کنید به گزارشات قبلی). فلسفی نسبت به شاه و تمام آنهایی که برای او کار می کنند خیلی خشمگین است چون که به مدت هفت سال به وی اجازه صحبت علنی داده نشده است. مقدم از طریق اسلامی نیا پیامی برای او فرستاده است که می گوید این مقدم نیست که جلوی او را برای صحبت کردن گرفته بود. اسلامی نیا روی یک ملاقات تصادفی کار می کند که وی و ژنرال مقدم یک روز عصر زمانی که فلسفی از خانه اش بیرون می آید از مقابل خانه او عبور می کنند و او را سوار اتومبیل خواهند کرد.

آنها سپس به خانه شخص دیگری خواهند رفت که هویدا به طور اتفاقی در آنجا خواهد بود. اسلامی نیا مجدداً نیاز به برقراری خطوط ارتباطات را تأکید کرد.

اسلامی نیا فاش ساخت که حدود ۸۰ تا ۹۰ فرد مذهبی (جوان) طرف ۱۰ تا ۱۵ روز از زندان آزاد خواهند شد. او به طور ضمنی تفهیم کرد که تلاشهای شخصی وی عمدتاً در این کار تأثیر داشته است، چون که وی با ژنرال فردوست (رئیس کمیسیون سلطنتی)، هویدا و ژنرال مقدم روی این موضوع کار کرده است.

به تعداد ۷۰ - ۶۰ نفر که اجازه صحبت علنی نداشته اند، به طور اضافی اجازه سخنرانی اعطاء می شود.

زمانی که من راجع به نمونه هایی از انواع چیزهایی که مذهبیون در عوض همکاریشان با دولت ممکن است تقاضا کنند سؤال کردم، اسلامی نیا به تعدادی از مسائل اشاره کرد:

-- آزادی ملاها زمانی که آنها در زندان هستند؛ -- اجازه مسافرت به مکه یا عراق به افرادی که رهبران مذهبی تقاضا می کنند داده شود؛ -- ممنوعیت دولت در مورد مقاله های ضد مذهبی در روزنامه ها؛ -- جواب به دادخواست علیه رفتار نا شایسته برخی نمایندگان ساواک در نقاط مختلف کشور؛ -- کمک به افرادی که مریض هستند یا خانواده هایشان در وضعیت بدی هستند؛ -- کلاً به مذهبیون بذل توجه شود.

سرانجام اسلامی نیا به من متذکر شد که شریعتمداری با وی در مورد اخباری که از موافقت شاه با دفن زباله های اتمی کشور دیگر (اطریش) به او رسیده بود صحبت کرد.

او بدون هیچ گونه شرط نامطمئنی با آن مخالف بود، ولی او آگاه بود که وی (شریعتمداری) داستان کامل را نمی داند.

من اشاره کردم که این داستان را از یک روزنامه نگار که با شریعتمداری مصاحبه کرده بود شنیده ام. من نکاتی را متذکر شدم که اسلامی نیا می توانست آنها را با شریعتمداری مطرح کند. اسلامی نیا گفت که وی قبلاً این نکات را با شریعتمداری

مطرح کرده بود (که خود ایران نیاز دارد زباله هایش را دفن کند و ایالات متحده به طور مرتب چنان زباله هایی را بدون هیچ خطری دفن می کند).

به هر حال اسلامی نیا گفت که وی از مطرح کردن مجدد این موضوع با شریعتمداری اجتناب خواهد

ص: ۲۲۰



ورزید. وی اشاره کرد که شریعتمداری را به این باور خواهد کشانید که زباله های مورد نظر همانهایی هستند که خود ایران به وجود خواهد آورد. این مشکل پیچیده ای است که روابط خارجی را مطرح می سازد و طبق گفته اسلامی نیا زمانی که وی نگرانی شریعتمداری از این موضوع را به هویدا متذکر شده بود، هویدا به شدت عصبانی گردیده بود.

نظریه: اسلامی نیا به فعالیت به عنوان یک رابط مهم همچنان ادامه می دهد. شانسه های او برای اینکه مورد قبول آموزگار قرار گیرد خیلی کم هستند، ولی از طرف دیگر اسلامی نیا بی قرار می شود. ممکن است اگر شخصا از او مراقبت به عمل نیاید یا وضعیت مذهبی در مقابل دولت به طور مؤثری تغییر پیدا نکند، وی تا پاییز آینده به یک زورآزمایی کشانیده شود (که من معتقدم وی قادر به انجام آن هست).

### وکلاي مخالف «کانون وکلا» را تسخير مي کنند

سند شماره (۱۳) از: سفارت آمریکا، تهران شماره سند: ۵۹۴۴ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی. سی.

طبقه بندی محرمانه خیلی محرمانه - تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۹۷۸ - ۳۱/۳/۵۷ موضوع: وکلای مخالف «کانون وکلا» را تسخير می کنند و تصمیم دارند که موارد دادگاههای سیاسی را با دقت بیشتری بررسی کنند.

۱- آلمن چندین هفته است که کانون وکلای ایرانی صحنه برخوردهای جالبی بین رهبری موجود که صرفا به مسائل مادی و روزمره توجه دارد و اعضای جوان یاغی که به آزادیهای سیاسی علاقه مندند و خودشان نهضت متری تشکیل داده اند، شده است. آنها انتخابات جداگانه ای از هیئت مدیره تشکیل دادند و تبلیغات سیاسی پر سر و صدایی به راه انداختند که در مطبوعات محلی درج می شد.

۲- شمارش آرا تمام شده و ۱۵ ژوئن ما توسط یکی از رهبران جناح مترقیون مطلع شدیم که از ۱۲ کرسی، ۵ کرسی را به دست آوردند و ۲ کرسی از ۶ کرسی علی البدل را نیز هم چنین. آنها می توانستند یک کرسی دیگر هم به دست بیاورند ولی رأی مساوی آوردند و بعد از قرعه کشی آنها باختند. ۹ رأی بی اعتبار شناخته شدند چون یا امضاء نداشتند و یا علایم غیر مجاز بر آنها بود. تمام این ۹ رأی به نفع مترقیون بود و اگر شمرده می شدند ۲ کرسی دیگر برای مترقیون به دست می آمد، در حالی که منبع ما از پیروزی به دست آمده شاد بود گفت که جناحش از ۴ نفر منفرد که پیروز شده اند حمایت می کند، و لذا آنها در بیشتر موارد اکثریت مؤثر را خواهند داشت. او در مورد رأیهای بی اعتبار گفت که خیلی از وکلای جوان و نیز مسن تر (عده ای در چهل سالگی) در مورد قوانین رأی گیری اشتباه کردند، چون آن اولین انتخابات آزادی است که در آن شرکت کرده اند.

۳- کاندیداهای زیر انتخاب شده اند:

اسم - جناح - آراء هدایت الله متین - دفتری مترقی - ۶۶۸ حسن - نزیه - ۶۶۵ محمد جلال نایینی - عضو سابق انجمن وکلا - ۶۳۰ محسن پزשکپور - منفرد - ۶۲۴ صادق وزیري □ صارم الدین - مترقی - ۶۱۷



محمد تقی دامغانی-مترقی- ۵۸۷ محمود معینی عراقی-مترقی-۵۶۶ مسعود اعتصام عضو انجمن- ۵۵۸ عبدالمجید اردلان منفرد- ۵۵۰ اسماعیل زاهد عضو انجمن- ۵۳۵ عبدالکریم انواری منفرد- ۵۳۲ ولی الله شهاب فردوسی-۵۱۴ و اعضای علی البدل: (۶ اسم و مشخصات دیگر) ۴- مترقیون وضع خودشان را در کانون خیلی بهبود بخشیده اند، قبلاً آنها فقط ۳ کرسی در شورای اجرائی داشتند و اینها فقط اعضای علی البدل بی قدرت بودند. با وجودی که انتخابات برای رئیس کانون تا ششم ژوئیه برگزار نخواهد شد پیش بینی می شود که کاندیدای کنونی مترقیون حسن نزیه انتخاب شود.

طبق قانون رئیس باید حداقل ۵۰ سال سن داشته باشد و حداقل بیست سال در کانون کار کرده باشد و توسط ۳۲ اکثریت تأیید شود. متین دفتری که بیشترین رأی را آورده شخصیت سرشناسی در جنبش داخلی مخالفین و نوه مصدق است، اما چون ۴۶ سال دارد و کمتر از ۲۰ سال در رشته حقوق کار کرده، واجد شرایط انتخاب ریاست نبود.

۵- تبلیغات و رقابت خیلی شدید بود و برای خلیها که به این تجربیات عادت نکرده اند هیجان انگیز بود. آنها همچنین امیدوار که این انتخابات و کلا- نشانگر خواسته شاه در جهت پیشرفت به طرف جامعه ای آزاد باشد. و کلا در صفوف اول حرکت مخالفین در تهران بوده اند و ما می توانیم منتظر تصمیم مجدد این گروه برای تغییرات بیشتر باشیم. آنها به طور خصوصی به ما گفته اند که دادگاهها را از نزدیک تحت نظر خواهند داشت تا هر گونه رفتارهای ناشایست را از طرف مقامات دولتی شامل دادستانها و قاضیها شناسایی بکنند.

ناس

### کوششهای مخالفین برای وحدت

سند شماره (۱۴) خیلی محرمانه تاریخ و مکان: ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۸ در خانه مقدم (برابر با ۲۶ تیر ۵۷) شرکت کننده: رحمت الله مراغه ای از «نهضت رادیکال» و جرج لامبراکیس رایزن سیاسی سفارت آمریکا تهران - ایران موضوع: مکالمه با ایرانی مخالف کوششهای مخالفین برای وحدت مقدم در تهران مانده است و برنامه گذراندن تعطیلات در اروپا را که خانواده او بسیار طالب آن است به اصرار صریح رهبران همکار مخالف رژیم او مانند بازرگان و سنجابی به تأخیر انداخته است. معذالک او از روی تأسف گفت که پیشرفت سریع پیش بینی شده از سوی همکاران او در سرهم بندی کردن یک برنامه واحد از سوی مخالفین تحقق نیافته است. او به من یک سری پیشنهادهای کتبی داد که او به عنوان رهبر

ص: ۲۲۲

حزب رادیکال بامداد همان روز در ملاقات منظم خود با سایر رهبران مخالف یعنی بازرگان، سنجابی، فروهر و حاج سید جوادی تسلیم کرده است. مشکل اولیه این است که سنجابی و فروهر می خواهند جبهه ملی را در امتداد خط قدیمی آن احیاء کنند. مقدم و بازرگان این موضع را انتخاب کرده اند که جبهه ملی باید در امتداد خطوط جدید باشد و اشخاصی را مانند مقدم که عضو جبهه ملی قدیمی نبودند در خود بگنجانند. آنها پیشنهاد می کنند که یک دفتر سیاسی حزبی ابتدا تأسیس شود تا اعضاء بتوانند در آنجا با یکدیگر ملاقات کرده و به بحث درباره مسائل بپردازند و بدین ترتیب به نتایج برسند.

مقدم چند بار به من تکرار کرد که به عنوان دوست به من اعتماد دارد و محرمانه صحبت می کند. او به صراحت گفت که آقای حاج سید جوادی که نویسنده است یک مرد سازمانی نیست، ولی او معتقد است که حاج سید جوادی می تواند با آثار خود نهضتی را آغاز کند. فروهر که جوانتر از دیگران است خود را به عنوان یک سوپر (ما فوق) ناسیونالیست جا می زند و بیشتر از اندازه لازم تظاهر می کند. سنجابی از لحاظ جسمی ضعیف است و اندکی بیش از اندازه لازم لیبرال است، یعنی نمی تواند تصمیم بگیرد. بهترین همکار او بازرگان است که حتی در سن ۷۱ - ۷۲ سالگی (همسن سنجابی) نیرومند است و به عنوان یک فرد با مقصد و معنی ادامه می دهد. او تأیید کرد که بازرگان یک شخص مذهبی است و خیلی دست چپی نیست.

اعتصاب جدید در زندان در پاسخ به سؤال من مقدم تأیید کرد که شب روز ۱۱ ژوئیه ملاقاتی با خبرنگاران خارجی و ایرانی در تهران صورت گرفته است و این ملاقات در دفتر جدید کمیسیون ایرانی حقوق بشر و آزادی در خیابان حسینی الشطی مقابل مسجد در خیابان شمیران قدیم صورت گرفته است. اعضاء خانواده های وابسته به زنان در زندان قصر حاضر بودند. ۷۲ نفر از این زندانیان مدت یک هفته یا ۱۰ روز قبل از این کنفرانس مطبوعاتی دست به این اعتصاب غذا زدند، این اعتصاب غذا به هنگام اعتراض به ورود کماندوهای که زنان را مضروب کردند آغاز شده است آن حادثه ناشی از اختلافات درباره روند بازرسی سلولهای زندان زنان بود که منجر به زد و خورد بین محافظان و زندانیان شده بود و کماندوها برای سرکوب کردن آن وارد شده بودند. اعتصاب غذا به پایان رسیده، ولی زندانیان هنوز هم شکایت دارند که آنها فاقد وسایل دوخت و سایر نعمات در زندان خود می باشند. در این کنفرانس مطبوعاتی ۸ نفر از اعضاء کمیته اجرایی کمیسیون حقوق بشر حاضر بودند. سنجابی غیبت داشت. مقدم نام دیگران را چنین ذکر کرد: بازرگان، دکتر حاج سید جوادی و برادرش، خود مقدم، نزیه رئیس جدید کانون وکلای دادگستری، لاهیجی حقوقدان و دو نفر دیگر که نام آنها گویا میناچی و تاوندی (احتمالاً تابنده) بوده است.

فعالیت در تبریز مقدم (که خود از منطقه آذربایجان است) گفت که روز قبل یک هیئت نمایندگی از تبریز با او ملاقات کردند و اینها بیشتر بازاری بودند که قبلاً به دیدار آیت الله شریعتمداری در قم رفته بودند. اینها گله داشتند که رهبری مخالفین هیچ کار نمی کنند، اینها تهدید کردند که اگر رهبران سیاسی و مذهبی کاری از پیش نبرند خود مبتکر کار شوند. مقدم گفت که او بارها توصیه کرده است که آرامتر و آهسته تر حرکت کنند و کسی را تهدید نکنند. او به ویژه به آن ها توصیه کرده است همگام با بقیه نهضت در کشور باشند. به جای

آنکه کار خود را به پیش ببرند. او معتقد بود که آنها با سایر اشخاص که در صفوف مخالف قرار دارند، برای همین تقاضا جهت اقدام ملاقات خواهند کرد.

این امر باعث شد که مقدم آنچه را که شریعتمداری هنگام دیدار اخیر خود با وی گفته بود، شرح بدهد.

شریعتمداری به او گفته بود که او انتظار دارد ظرف دو یا سه ماه آینده اوضاع در ایران وخیمتر شود. مقصود او افزایش دشواریهای اقتصادی و بی نظمی و هرج و مرج در دولت و حزب رستاخیز بوده است که بیشتر این حزب را بی اعتبار خواهند کرد. این اوضاعی است که اشخاص مذهبی از آن بهره گرفته و فعلاً روزشماری می کنند.

انتخابات پارلمانی یکی از طرحهای شخصی مقدم برای آینده نزدیک احیای نامه سالانه او به دادگاه در اعتراض به غیر قانونی بودن پارلمان کنونی است. او از انتخابات سال ۱۹۷۵ به بعد هر سال نامه ای نوشته است. او انتظار دارد بار دیگر نامه مفصلی مشتمل بر ۱۵ صفحه نوشته و آن را برای ماه اوت حاضر کند. در این نامه تقاضا خواهد شد که قانونی بودن پارلمان توسط دادگاههای ایران رسیدگی شود. اگر دادگاهی وجود نداشته باشد که طرز انتخابات پارلمانی را بتواند رسیدگی کند، آنگاه مردم خواهند دانست موضوع از چه قرار است، همان طوری که او می بیند. اینکه اعتراض او برنده شود یا نشود اهمیتی ندارد، آنچه مهم است ادامه کوشش برای نشان دادن ضعف نظام کنونی و این واقعیت است که قانون اساسی فقط بر روی کاغذ وجود دارد.

مقدم چندین بار به این تقاضا که در این نامه گنجانده خواهد شد، مبنی بر اینکه شاه انتخابات پارلمانی کنونی را حذف کرده و بلافاصله انتخابات برای پارلمان تازه ای را آغاز کند اشاره کرد. او نگرانی از آن دارد که اگر این امر انجام نگیرد، پارلمان بعدی شباهت بسیاری به پارلمان کنونی خواهد داشت.. او بعداً در گفته خودش تضادی را قائل شد و آن اینکه خاطرنشان که مخالفان بخوبی امیدوارند که در پارلمان بعدی کاندیداهایی ارائه دهند، حتی اگر هم این پارلمان منحل نشود. استدلال او این بود که شاه باید از تأسیس یک سیستم سیاسی با ثبات تر در ایران به جای ادامه فرمانروایی (تنها از طریق زور) استقبال کند. تدبیر مشابهی عبارت خواهد بود از تغییر حکومت آموزگار و قرار گرفتن یک حکومت بی طرف. او شایعاتی را شنیده بود که از شخصی مانند دکتر بقایی ممکن است که تقاضا شود نخست وزیر شود (من در این باره اظهار تردید کردم) علاوه بر این سانسور مطبوعات باید کاملاً برچیده شود تا اینکه دیگران علاوه بر حکومت فرصتی برای بیان اظهار نظرهای خود داشته باشند او از آغاز تغییراتی در روندهای ساواک استقبال کرد، ولی خواستار چیزهایی بیشتر از این بود. سرانجام درباره فعالیت نزیه رئیس کانون وکلای دادگستری مقدم اظهار نظر کرد که نزیه بیش از اندازه صحبت می کند و می کوشد خود را بالا ببرد. او آشکار کرد که نزیه تا یک سال قبل عضو حزب رادیکال به رهبری مقدم بوده است و بعد این حزب را ترک کرده و به «نهضت آزادی» به رهبری بازرگان پیوسته است.

اظهار نظر: این ملاقات سوء ظن قبلی ما را تأیید می کند که مخالفان به محض اینکه نوبت به طرح یک برنامه متحد برسند، اختلافات داخلی خود را کشف خواهند کرد. آنها برای اینکه بتوانند یک مبارزه طلبی جدی و متحد را به حکومت کنونی نشان دهند. هنوز راه طولانی در پیش دارند. معذالک پیشرفت در



لیبرالیزه کردن ادامه دارد و بر قراری دفاتری برای کمیسیون حقوق بشر و آزادی که از لحاظ فنی یک سازمان غیر قانونی است، به علت اینکه هرگز به طور رسمی از طرف دولت به ثبت نرسیده (و دولت آن را تحمل می کند)، خود شاهد زنده ای در این باره است.

### تحولات مذهبی و موضع سرسختانه تر رژیم سلطنتی در مورد تظاهرکنندگان

سند شماره (۱۵) طبقه بندی سری - تاریخ: ۱ اوت ۱۹۷۸ - ۱۰ مرداد ۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه، واشنگتن موضوع: جو سیاسی نامطمئن - تحولات مذهبی، موضع سرسختانه تر رژیم سلطنتی در مورد تظاهرکنندگان خلاصه: منبع که در کار وساطت برای تماس دوباره با گروههای مذهبی کمک می کرده، متذکر می شود که در محافل رسمی در برابر تحولات اخیر خصوصاً امتناع آیت الله شریعتمداری از اینکه در ملاء عام روابط خود را با خمینی بر هم زند، ناامیدی وجود دارد. حال و سلامتی شاه بعضی مقامات دربار را نگران کرده است. به گفته این منبع به دنبال شورشهای ۲۹ - ۲۶ ژوئیه شاه آغاز خط خیلی خشن تری را علیه تظاهرکنندگان توصیه کرده است. در حال حاضر نیروهای کمونیست و نیروهای خمینی در کنار صحنه مخالفت قرار دارند، دولت ایران را هنوز فاقد نظم و صف آرای می دانند. منبع دیدگاه بدبینانه ای را که عرضه می کند در مجامع چندی رایج است، اما احتمالاً در بیان وجوه منفی وضع فعلی مبالغه می کند، به هر صورت در مراکز دیگر نیز از بخشهای مختلفی از نظریاتش حمایت می شود و حالت سیاسی ایران ظاهراً در حال حاضر بر پایه های لغزانی استوار است. (پایان خلاصه) ۱- هدایت اسلامی نیا که طی چندین ماه اخیر وضع مذهبی را با کارشناسان سیاسی سفارت در میان گذاشته، در ۲۵ ژوئیه در حالی که روحیه اش خراب بود، ملاقاتی با کارشناس سیاسی استمپل داشته است.

وضع مذهبی بهم ریخته شده، اسلامی نیا از ژنرال فردوست و رئیس ساواک مقدم فهمیده بود که شاه خیلی ناراحت است که آیت الله شریعتمداری به طور علنی با دعوت آیت الله خمینی برای جلوگیری سیاسی از برگزاری تولد امام دوازدهم (۲۱ ژوئیه) مخالفت نکرده است. اسلامی نیا می گوید شریعتمداری و حامیانش بی علاقگی شان را نسبت به خمینی تا حد تنفر افزایش داده اند، چون گروههای طرفدار خمینی، گروههای طرفدار شریعتمداری را با تهدید به بستن یا آتش زدن مغازه هایشان در بازار تحت فشار قرار داده اند. در مورد آیت الله شریعتمداری اسلامی نیا گفت وقایع اخیر نگرانی شریعتمداری را در مورد موقعیت خودش افزایش داده است. خمینی تقریباً از احترام عرفانی توده جمعیت بی سواد برخوردار بوده و شریعتمداری احساس می کند که با بودن خمینی در جمع نمی تواند، مخالفت قابل توجهی با او ابراز دارد.

(نظریه: ما مطمئن نیستیم که تا چه حد شریعتمداری مستقل است). اسلامی نیا اشاره کرد که تمام آیت الله های عمده در ایران مبارزه برای موقعیت شخصی را شروع کرده اند، این می تواند وضعی را به وجود بیاورد که در آن شخصیتهای مذهبی میانه رو مشکلاتی در حفظ سیاست مرکزیت در برابر رقابتهای گروههای ارتجاعی داشته باشند.

در برابر آشوبهای ایران در ۲۱ و ۲۲ ژوئیه، شاه با یارانش ژنرال فردوست و رئیس ساواک ژنرال مقدم

ملاقات کرد تا سیاست آینده در برابر تظاهرکنندگان را تعیین کند. اسلامی نیا که هم با فردوست و هم مقدم دوست است، گفت شاه از نتایج تظاهرات مذهبی دلخور بوده و بعد از جلسه ای که در آن به مقدم شدیداً انتقاد شد، شاه دستور داد که از این به بعد تظاهرات توسط نیروی نظامی پراکنده شود و ارتش اجازه آتش گشودن بر تظاهرکنندگان را به دست آورد. در جواب سؤالی اسلامی نیا گفت که او برای سه روز تلاش می کرده تا این تصمیم را عوض و یا معتدل کند، ولی شاه و مشاوران اصلیش معتقد هستند که سازش با رهبران مذهبی امکان ندارد. اسلامی نیا معتقد است که این موضع افراطی است و امیدوار است که عوض شود، ولی روشن است که شاه موضع سرسختتری در برابر مخالفین با آگاهی به عدم توانایی یا عدم علاقه شریعتمداری به مخالفت علنی با خمینی اتخاذ کرده، مثلاً شاه حالا مخالف اجازه دادن به ملا فلسفی برای سخنرانی عمومی است، چون می ترسد که او اغتشاش قابل توجهی را جرقه بزند. بعد اسلامی نیا گفت که فردوست و مقدم که دوستان خوب او هستند نگران سلامتی شاه هستند. کارشناس سیاسی اشاره کرد که شایعاتی در تهران وجود دارند که اتفاقی افتاده، اسلامی نیا فوراً جواب داد که تا تاریخ ۲۲ ژوئیه شاه از لحاظ جسمی سالم بوده است، ولی روحیه اش پایین است. به گفته اسلامی نیا جهت آزمایشات خون دستور داده شده تا مشخص شود که آیا ناراحتی جسمانی دارد یا خیر.

اسلامی نیا بعداً در صحبتها گفت که آمریکا و دیگران باید مواظب شاه باشند و اگر اتفاقی بیفتد آنها باید او را مجبور کنند تا شورای سلطنت تشکیل دهد و ایران را برای تغییراتی آماده کند نه اینکه ایران را مانند پدرش بدون مقدمه ترک کند. وقتی که کارشناس سیاسی نظر داد که این فکرها هنوز زود است، اسلامی نیا صرفاً به طور غمناکی لبخند زد و گفت که آینده نگری عمیقتر است. (غیبت شاه از چشم عموم باعث شایعاتی می شود. اسلامی نیا نگران است، چون نزدیکان شاه، که او آنها را می شناسد، نگران هستند. این وضع نتیجه سفر اخیر شاه است که در آن فقط چند بار در میان عموم حاضر شد. سفارت شواهدی ندارد که نشان دهد که مشکلی پیش آمده، ولی شایعات به صورتی در آمده اند که حالت واقعیت را پیدا کرده اند).

وقتی که از اسلامی نیا پرسیده شد رهبران مذهبی تغییرات کابینه ای اخیر را چگونه می بینند، او آهی کشید و گفت «فرقی ندارد که سطلهای آشغال را چگونه بچینند، نخست وزیر و کابینه در واقع کاری در مورد رقابتهای مذهبی و سیاسی انجام نمی دهند و اصرار دارند که این مشکل شاه و ساواک است. فقط خود شاه و وزیر دربار نگران هستند و وقت می گذرد. وضع بدی به وجود آمده چون (حزب) توده (کمونیست) و گروههای رادیکال خیلی آرام پشت خمینی وحدت کرده اند، آنها نقشه دارند که بگذارند جناح خمینی به طور دلخواه از کاندیداهایی برای مجلس پشتیبانی کند که بعد از انتخابشان چهره واقعی شاه را افشا خواهند کرد و متحدانه بر علیه سیستم فعلی مبارزه خواهند کرد. اسلامی نیا معتقد است که این تاکتیک مفید است، چون دولت در نابسامانی سیاسی به سر می برد.

حزب رستاخیز گنج است و نخست وزیر با سرعت کافی برای تحکیم نیروها پیش نمی رود. اسلامی نیا اسامی زیر را، که چهره های سیاسی هستند و ممکن است از وجود آنها برای سخنرانی استفاده کنند، نام برد. تمام آنها از فعالان سیاسی هستند که مورد احترام رهبران مذهبی و سیاستمداران می باشند. ساعد وزیری - رحیم زهتاب فرد، رئیس قبلی حزب رستاخیز آذربایجان شرقی که قبل از شلوغیهای تبریز استعفا کرد محمود طلوعی - عبدالحسین طباطبایی - فعلاً یک قاضی و قبلاً وکیل مجلس - دکتر شکرایی، عضو قبلی مجلس از قم با ارتباط بسیار محکم با اردوی شریعتمداری. اینها و افراد دیگری مثل اینها





سیاسی کاری کنند به طوری که خطوط اصلی مربوط به مواضع دولت را تا زمان گشایش دانشگاه در ماه سپتامبر اعلام کنند. اگر این امر انجام نگیرد نهضت‌های دانشجویی به دست یک یا چند گروه مخالف که الآن برای قیام‌های دانشگاهی طرح ریزی می‌کنند، می‌افتد. اسلامی نیا مشکل بزرگتر را در فساد می‌بیند.

تعدادی از بازاریهای عمده از جمله کلیه رهبران مهم، اخیراً نامه علنی به وزیر دارایی نوشته‌اند و خواستار تحقیق در چندین معامله تجار ثروتمند شدند، اسلامی نیا از سه نفر نام برد.

الف: علی رضایی، ۲ میلیون تن آهن وارد کرده کیلویی ۲۰ ریال و مالیات گمرک را نپرداخته و آن را ۳۶ ریال (کیلویی) می‌فروشد. آهن فروشی‌های کوچک بدین ترتیب منافع ندارند و ضرر می‌بینند در حالی که رضایی منفعت عظیمی به دست می‌آورد.

ب: کارخانه دار یاسینی یکی از دوستان نزدیک اشرف، ۲ میلیون متر پارچه وارد کرده و گمرک‌های لازم را نپرداخته، او آنها را به دو برابر قیمت می‌فروشد.

ج: صاحب کارخانه منسوجات دیگری، لاجوردی، هم پارچه‌های ارزان وارد کرده و آنها را به قیمت زیاد فروخته، به علاوه تعدادی از واردکنندگان وسایل یدکی وسایط نقلیه که از دوستان اشرف هستند، قیمت‌ها را برای خرده‌فروشان بی‌جهت بالا برده و لذا استفاده‌های آن را کم کرده‌اند. نتیجه بگفته اسلامی نیا آغاز موج جدیدی از نارضایتی برای خانواده سلطنتی و دولت به وجود می‌آورد و مسئله فساد را به عنوان یک مسئله سیاسی عمده مطرح می‌کند. اسلامی نیا گفت که او فکر می‌کند، شاه باید قبل از اینکه تجار کوچک و تولیدکنندگان متقاعد شوند که منافعشان در (همراهی) با مخالفین است کاری انجام دهند.

(نظریه: در حالی که مسئله فساد یکی از نگرانی‌های دایم اسلامی نیا در گذشته بود، سفارت از چندین منبع مطلع شده که معاملات مالی مربوط به خانواده سلطنتی و دوستانشان افراد زیادی از تجار را تحت تأثیر قرار داده و آنها که زیرکتر و جسورترند آماده شده‌اند تا این مسائل را به طور علنی مطرح کنند.) اظهارنظر: این گفتگو توسط نامه هوایی گزارش می‌شود چون چندین مسئله که قبلاً هم طی ماه گذشته در مورد نابسامانی وضع سیاسی شنیده ایم مطرح می‌کند:

الف: تلگرافی برای سلامتی شاه ب: افزایش مشکلات برای آوردن رژیم و رهبران مذهبی در خط مسالمت آمیز ج: نگرانی فزاینده در مورد فساد و مشکلات نابسامانی سیاسی دولت.

وضع واقعی البته به این صورتی که بدین‌ها می‌گویند نیست. در محافل سیاسی نگرانی و نامطمئنی زیادی وجود دارد که باعث افزایش سوءظن‌ها و تمایلات بسیار نومیدانه در مورد چهره‌های سیاسی ایرانی گردیده است. سیاست ایران بدون شک تابستانی از نارضایتی در پیش دارد. ائتلاف‌های جدید ممکن است، تشکیل بشود یا نشود. لکن ناظران نباید به این نتیجه برسند که کشور در سبدهای به سوی جهنم می‌رود. وضع طوری است که باید سعی کرد که این دردهای دیرباز روز افزون سیاسی را، تحت شرایطی مطلوب رفع کرد.

**علی امینی مجدداً به لیستهای سیاسی وارد می شود**

ص: ۲۲۷

سند شماره (۱۶) از: سفارت آمریکا - تهران طبقه بندی خیلی محرمانه - تاریخ: ۳ اوت ۱۹۷۸ (۱۲ مرداد ۵۷) به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: علی امینی نخست وزیر اسبق مجدداً به لیستهای سیاسی وارد می شود خلاصه: امینی درخواست یک دولت آشتی ملی را نمود و اظهار می دارد که از وی خواسته شده به عنوان یک میانجی بین مخالفان سیاسی و دولت ایران عمل نماید. به خاطر ادعاهای گذشته که وی یک بازیچه ایالات متحده بوده، ابتکارش با سوء ظن مورد توجه قرار گرفته است.

(پایان خلاصه).

۱- دکتر علی امینی نخست وزیر سابق ایران (۶۲ - ۱۹۶۱) در ۲۳ ژوئیه بیانیه نوشته شده ای را منتشر نموده که در مطبوعات فارسی زبان به طور کامل چاپ شد (ولی در روزنامه های انگلیسی فقط به آن اشاره شد). امینی تقاضای یک دولت آشتی ملی را نمود و همچنین گفت که از وی درخواست شده که بین دولت ایران و مخالفین مذهبی میانجیگری کند. او اظهار داشت وضعیت سیاسی و اقتصادی ایران آنقدر وخیم است که بایستی قبل از انتخابات پارلمانی که برای اواسط ۱۹۷۹ برنامه ریزی شده، اقدامی صورت گیرد.

جریان صعودی تظاهرات مستلزم یک اتحاد ملی وسیع است تا یک حزب جدید سوسیال دموکراتیک. او روشن ساخت که از شاه حمایت می کند ولی تغییری در دولت را نیز اساسی می بیند.

۲- در اول اوت روزنامه حزب رستاخیز ابتکار امینی را مورد حمله قرار داد و به اتهاماتی که همین اخیراً در اکتبر وارد شده بود اشاره نمود، که کابینه وی برای ایران یک فاجعه اقتصادی بود. (پایان مطالب طبقه بندی نشده) شروع مطالب محرمانه ۳- اندرو ویتلی که با امینی برای روزنامه انگلیسی فاینشال تایمز مصاحبه کرده به طور محرمانه به مأمور سفارت گفت که تقاضای وی برای یک دولت اتحاد ملی دعوتی محرمانه از آموزگار نخست وزیر به استعفا دادن بوده است. امینی به ویتلی گفت که وی آشکاراً طرفدار شاه بوده است و در حقیقت وی در ابتکارش توسط هویدا وزیر دربار در اواسط ژوئیه تشویق شده است. مشکل از بین رفتن اعتماد عمومی به کابینه آموزگار بوده و برخی تغییرات بایستی صورت گیرد، والا تظاهرات از کنترل خارج می شود. ویتلی به طور مختصر اشاره کرد که مشخص نیست که آیا امینی از کجا حمایت می شود، از جای دیگر و یا از طرف کسانی که وی قصد دارد در بین آنها میانجیگری کند.

۴- امینی به ویتلی گفت وی هیچ گونه جاه طلبی های شخصی ندارد و فکر می کند که صحبت از احزاب جدید لزومی ندارد. یک گروه بندی سیاسی وسیعتر مورد نیاز است. (وی لغت فرانسه **Rassemblement** را چندین بار مورد استفاده قرار داد تا به چیزی که فکر می کرد، اشاره کند).

۵- بیانیه رسمی امینی در خیلی از قسمتها با حیرت و سوءظن روبرو شد که زمینه اصلی آن اینست که «آمریکاییها حرکت خودشان را انجام می دهند». مأموران سفارت منجمله کاردار مجبور بوده اند در پاسخ به سؤال کنندگان از اعضای حزب رستاخیز ایران گرفته تا شخصیتهای مخالف، این را که ایالات متحده از امینی حمایت می کند را، تکذیب نمایند. حمله روزنامه حزب رستاخیز به امینی آشکاراً پاسخ دفاعی



نخست وزیر بود و نیز تلاشی برای در زمینه قرار دادن نخست وزیر اسبق به عنوان شخصی ناپاک و ماهر از گذشته.

۶- نظریه سفارت: ابتکار امینی در اینجا مانند یک انتظار بزرگ برخورد نشده بلکه به سادگی مثل یکی از بیانیه های متعدد با آن روبرو شده اند. متأسفانه معدودی از سیاستمداران ایرانی ارزشمند از باور کردن اینکه ایالات متحده به طریقی در پشت کوشش امینی است، اجتناب خواهند ورزید، ولی این بایستی که در دسر کمی ایجاد کند تا اینکه یک مشکل اصلی باقی بماند. امینی یک مسئله سنجیده نشده دیگر را به جریانات متلاطم سیاسی ایران اضافه نمود و خودش را برای ایفای نقشی در آینده در دسترس قرار داده است. اگر برداشت ما از طرز تفکر فعلی مخالفین و مشکلات دقیق باشد، به هر صورت امینی در وقایع چند ماه آینده احتمالاً یک نقش اصلی را ایفا خواهد نمود (علیرغم دعوتش برای اقدام سریع)، ولی ممکن است بگونه ای همانطور که مبارزات انتخاباتی نزدیک می شود، بیشتر دیده شود.

### **گرایش عمومی نسبت به دولت مرکزی، عکس العمل نسبت به آشوبهای فعلی**

سند شماره (۱۷) کنسولگری ایالات متحده آمریکا - اصفهان - ایران خیلی محرمانه، صورت مذاکرات شرکت کنندگان: امیرامان الله بزرگ ایل دره شویی: رهبر ایل کاشفی و عضو پارلمان از مهرگرد، هلاکو کاشفی: کارخانه دار و ملاک - اصفهان، دیوید سی. مک گافی: کنسول آمریکا در اصفهان، اعضای خانواده و ملازمین افراد مذکور در بالا زمان و مکان: مزرعه کاشفی نزدیک مهرگرد - استان اصفهان ۴ و ۵ اوت ۱۹۷۸ - (۱۴ مرداد ۵۷) موضوع: گرایش عمومی نسبت به دولت مرکزی، عکس العمل نسبت به آشوبهای فعلی امیر امان الله که بزرگترین پسر زیات (احتمالاً زیاد - مترجم) خان رئیس شاخه دره شویی از ایل کاشفی و برای اولین سال نماینده مجلس می باشد، هنگامی که من و خانواده ام تعطیلات آخر هفته را در مزرعه کاشفی می گذرانیدیم از آنجا دیدن کرد، در یک سری گفتگو که امیر امان الله بیانیه ها و سیاست رسمی را تصریح می نمود، موافق بود که اغلب اشخاصی که او ملاقات نموده تمام اعتقادشان به تمایل یا توانایی دولت ایران برای اجرای سیاستهایش را از دست داده اند. کاشفی از این فراتر رفت و اظهار داشت که مردم تمام ایمان و اعتمادشان به دولت و خانواده سلطنتی را از دست داده اند و دولت داشتن هر ارتباطی با اکثریت مردم ایران را از دست خواهد داد، مگر اینکه کابینه جاری با کابینه ای که به وسیله شخصی که به عنوان مخالف حرص و آز و بی کفایتی خانواده سلطنتی دیده شود، تعویض گردد. او به طوری اندوهناک متذکر شد که ۱۷ نفر از ۲۴ پسر عمو (عمه، دایی، خاله)های او (مردان جوانی که رهبری را باید میسر سازند) یا اقامت دائم (کارت سبز) در آمریکا به دست آورده اند و یا سرمایه گذاریهایی در اروپا که به آنها اجازه زندگی در آنجا می دهد کرده اند (اغلب آنها در حال حاضر هنوز در ایران زندگی می کنند). او اظهار داشت که سرمایه گذاری خصوصی جدید در ایران علیرغم آمار و ارقام هیچ است. هر چیزی که شبیه سرمایه گذاری جدید است یا تلاشی بیهوده برای حمایت از سرمایه ای است که هم اکنون در پروژه های موجود مستهلک شده و یا یک سرمایه گذاری فریب آمیز برای پوشاندن انتقال سرمایه های بزرگ از ایران است. کاشفی اساساً طرفدارش شاه بود، اما تأکید کرد که دو شکست اساسی، شاه را در حال حاضر مسئول

(زیان) برای ایران نموده است.

الف: ناتوانی در تشخیص حدودش و نماینده بودنش ب: ناتوانی یا عدم تمایل برای تشخیص دادن رشوه گیری خانواده اش و اعضای کابینه امیر امان الله گفت که عقاید کاشفی در همه جا منتشر است و در حالی که او آنها را اغراق آمیز می دانست، حقیقت را در آنها تشخیص می داد. او گفت از مجلس انتظار دارد که در سال و یا سالهای آینده خیلی بیشتر خودش را به دفاع از تأدیب کردن سوءاستفاده های سطح بالا اختصاص دهد. هر دو نفر راجع به احتمال جایگزینی علی امینی نخست وزیر قبلی با جمشید آموزگار صحبت کردند، و توافق داشتند که امینی بهترین احتمال است. ولی گفتند او احتمالاً استقلال و اختیار زیادتری از آنچه که برای شاه مورد قبول است، تقاضا خواهد نمود. من سؤال کردم که آیا این یک نتیجه قطعی است که آموزگار تعویض خواهد شد و هیچ کدام شک نداشتند که این تعویض اتفاق خواهد افتاد. تنها ترس آنها این بود که او با شخص دیگری که فقط در پر کردن حساب بانک سوئیس خود علاقه مند باشد، تعویض گردد. هر دوی آنها می پنداشتند که آموزگار میلیونها (دلار) در زمان تصدی خود به دست آورده باشد.

آشوب های فعلی من از آنها راجع به عکس العمل شان در مورد تظاهرات اخیر در اصفهان سؤال نمودم. یک احساس کلی وجود داشت که دولت از دست زدن به هر اقدامی برای جلوگیری از چنان آشوبهایی هراسان بود، همان طور که مقامات ارشد دولتی علت و مقصود از تظاهرات را نفهمیدند و می ترسیدند که هر اقدامی نتیجه معکوس دهد. دولت فقط امیدوار است که تظاهرات فروکش کند، همان طور که در بهار این طور به نظر رسید. کاشفی فکر می کرد. آنها حداقل اشتباه می کنند و آشوبها ادامه پیدا خواهد کرد و شدیدتر خواهد شد مگر اینکه:

الف: دولت اقدام دقیق جدی بر علیه رهبران جناحها و محرکین به عمل آورد.

ب: یک تغییر اساسی حداقل در نمود و ظاهر دولت (و در قبولی دولت در مورد فسادهای سطح بالا) وجود داشته باشد. او معتقد است تظاهرات از توده هایی برمی خیزد که خسته هستند از اینکه ببینند عده معدودی به طور جنایتکارانه ای از توسعه ایران ثروتمند می شوند، در حالی که دستمزدهای آنها در کمبودها و تورم کم می شود. او گفت محرکین فقط زبردستانی هستند که تلاش خواهند نمود که از قدرت تظاهرات توده ای برای پیوند زدن خودشان به دولت مردان فاسد استفاده نمایند. او در این گروه ملاحا و رهبران مذهبی از قبیل شریعتمداری را که او به عنوان «مردی شریر» توصیف نمود به حساب می آورد.

افراد دیگر در بحث، منجمله امیر امان الله با تأکیدات او و بعضی جزئیات مخالفت نمودند، ولی با نکات عمده صحبت های او موافق بودند.

**سازمان جدید سیاسی میانه روها به رهبری پیراسته**

سند شماره (۱۸) طبقه بندی خیلی محرمانه شماره سند: ۸۱۳۴ تاریخ: ۲۷ اوت ۱۹۷۸ - ۵ شهریور ۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی. موضوع: سازمان جدید سیاسی میانه روها به رهبری پیراسته ۱- مهدی پیراسته در تاریخ ۲۱ اوت اعلام کرده است که سازمانی تحت عنوان «جبهه مدافعان قانون اساسی» تشکیل داده است. پیراسته که مدعی است حمایت ۳۰۰ نفر از افراد سرشناس را به دنبال دارد، برای حفظ آزادی و اجرای قانون اساسی تلاش می کند. در شرایط فعلی تمامی ملت باید بسیج شوند تا از تمامیت ارضی و استقلال ایران دفاع کنند «سعی و کوشش ما باید بر این اساس باشد که قانون اساسی را با رعایت تعالیم اسلام به عمل درآوریم. ما بر این اعتقادیم که تمام ایرانیان در این مأموریت ما را یاری خواهند کرد.» ۲- پیراسته یک شخصیت نیرومند دولتی سابق است که به دلیل مخالفتهاش با اعضای بلند پایه دولت ایران در سالهای ۱۹۶۰ (به صورت خدماتی سیاسی خارجی) به تبعید فرستاده شد. بعد از خدماتی در وزارت دادگستری به مجلس رفت و از مخالفان سرسخت جبهه ملی مصدق شد. او بشدت طرفدار اقتدار شاه است. در منصب استاندار فارس و سپس خوزستان (سالهای ۶۲-۱۹۵۹) به عنوان یک شخص سنگین و رنگین و چهره ای مدیر و مدبر معروف شد. او در سال ۱۹۶۳ به عنوان وزیر دادگستری وارد کابینه شد، ولی به علت مخالفت با نخست وزیر منصور به عنوان سفیر روانه عراق شد. به علت اینکه بعد از سه سال کار مداوم موفق شد، روابط دولت ایران و جامعه شیعه عراق را خوب کند مورد تمجید قرار گرفت، او سپس به عنوان سفیر در بروکسل کار کرد.

۳- پیراسته این شهرت را دارد که تیتراژ درشت روزنامه ها را به خود اختصاص دهد و از مبارزات روابط عمومی با نتایج محکم بیرون می آید. تصور می شود که روابط نزدیکی با شاه دارد. او ادعا می کند، ظاهراً با صداقت، که همانطور که با موفق شدن در عراق نشان داد، از روابط خوبی با مذهبیین برخوردار است. او رئیس سابق انجمن ایران و آمریکاست و دوست دارد که با آمریکاییها مراوده داشته باشد.

اظهارنظر: چند نفر از مخالفین به کارمند سفارت گفته اند که پیراسته به حدی به شاه نزدیک است که نمی توان انتظار داشت، در نقش جدید مؤثر باشد. به هر حال تشکیل این جبهه درست چند روز قبل از تعویض دولت بود (۲۷ اوت). پیراسته چهره عمده ای است که انتصاب شریف امامی را تأیید می کند. در حال حاضر آینده جبهه بایستی نامطمئن به حساب آید. سولیوان

### ملاقات با جبهه ملی

سند شماره (۱۹) تاریخ: ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۸ - ۳۰ شهریور ۱۳۵۷ خیلی محرمانه از: وزیرمختار مک گافی - کنسولگری آمریکا - اصفهان به: جان استمیل - قسمت سیاسی سفارت آمریکا- تهران موضوع: ملاقات با جبهه ملی در تاریخ ۲۱/۹ با آقای رشید برومند گفتگو کردم و به ایشان گفتم که شما از ملاقات با دوستان مشارالیه خوشحال خواهید شد. او سؤالاتی در مورد توانایی شما برای برقراری ارتباط مطرح کرد، چرا که



به گفته او، انگلیسی دوستانش ضعیف است، به نامبرده توضیح دادم که هم فرانسه و هم فارسی شما خوب است. من درخواست کردم که ملاقات در طی ساعات کار و یا اوائل شب یکشنبه صورت بگیرد. پس از چند ساعت، او پاسخ داد که دوستانش می توانند در ساعت ۸ بعد از ظهر شما را ملاقات کنند. رشید هنوز هم اندکی درباره برقراری ارتباط نگران است و او ممکن است که به تهران سفر کند و به عنوان مترجم به شما بیوندد.

تقاضا می شود با آنها در آپارتمانهای ایران سکنی واقع در خیابان ونک، آپارتمان ۳۱۰، طبقه سوم دیدار کنید. رشید بایستی اسمهایی را ذکر کند.

وی همچنین پرسید که آیا امکان دارد ملاقاتهای آینده در سفارت آمریکا واقع در پاریس صورت بگیرد یا نه. طبق اظهارات وی تماس در آنجا شاید آسانتر باشد. من پاسخ دادم که سفارت پاریس در درجه اول به روابط آمریکا و فرانسه علاقه مند است، اما اگر تمایل داشته باشید می توانند مسئله را با شما در میان بگذارند، برای من جالب است در روابط آنها آنقدر فرانسوی است. رشید بار دیگر تأکید کرد که افراد مورد ملاقات شما احتمالاً توافق کاملی با سیاست آمریکا ندارند، اما علاقه مند هستند که آمریکا موقعیت آنها را درک کند و آنها را به عنوان ضد آمریکایی و کمونیست محکوم به دور از دسترس بودن نکند. وی خاطر نشان کرد که در مقاله شماره اخیر مجله تایم نکاتی بود که او سؤالاتی در مورد آن دارد. من بار دیگر خاطر نشان کردم که مطالب مطبوعات بیانگر سیاست آمریکا نیستند، اما گمان می کنم که در مورد موضع شما و یا موضع ایالات متحده در رابطه با بعضی مطالب مندرج در مطبوعات از شما سؤالاتی بشود. من از دستپاچگی رشید حدس می زدم که حداقل یکی از اشخاصی که با شما دیدار خواهد کرد. احتمالاً نظریات خصومت آمیزی دارد و رشید سعی می کند که ملاقات، با رنجش شما از نقطه نظرهای آن شخص پایان نپذیرد. در ضمن رشید به مناسبت موفقیت اجلاس کمپ دیوید به من تبریک گفت. او شاید احساس بکند که با نزدیک ساختن دو مخالف به یکدیگر نقش یک دلال شرافتمند را بازی می کند. اگر چنین باشد تفاهم زیادی در پیش خواهد بود. موفق باشید و ممنون خواهم بود. اگر در جریان امر قرار بگیرم.

## نیاز برای آشتی ملی

سند شماره (۲۰) خیلی محرمانه، صورت مذاکره زمان و مکان: ۳ اکتبر ۱۹۷۸ - ۱۱ مهر ۵۷، رستوران چت نیک تهران - ایران شرکت کنندگان: دکتر سیروس الهی، معاون مخصوص وزیر آموزش و پرورش جان دی. استمپل، کارمند بخش سیاسی، باربارا شل، کارمند بخش تجاری، دلیو. گریگوری پرشت، کارمند بخش سیاسی موضوع: نیاز برای آشتی ملی خلاصه: الهی گفت که مرکزیت سیاسی چنان سر در گم و بی نظم است که نمی شود بدون اطمینان از اینکه دولت لیبرال در راه است، وارد معرکه سیاست شد. میانه روها احتیاج به اشاراتی از جانب شاه دارند.

اشاراتی از قبیل اینکه او واقعا قصد دارد به فساد خاتمه داده و اجازه مخالفت صریح بدهد. پیگیری عناصر فاسد یک نیاز قطعی است، ولی باید به منظور جلوگیری از درگیر شدن شاه در سطح پایینتری از هویدا متوقف شود. اگر برنامه اعطای آزادیها و مسئله فساد حل شود رهبران مذهبی اکثر نفوذ مذهبی شان را از دست می دهند. در هر حال شاه باید بماند. ایران نمی تواند به عنوان یک جمهوری دمکراتیک فعالیت کند.



حکومت نظامی احتمالاً فقط تا بعد از عاشورا در دسامبر باقی خواهد ماند. در عین حال به نظر می رسد که ترم پاییزه دانشگاه آینده روشنی نداشته باشد. (پایان خلاصه).

دکتر الهی به تفصیل وضع مرکزیت سیاسی را توصیف کرده، تأکید نمود که میانه روها هنوز هم آنقدر بدبین و مظنون هستند که نمی خواهند به طور سیاسی تشکل ایجاد کنند. آنها قبلاً هم برنامه مبارزه با فساد را شنیدند و دیده اند که مجرم تنبیه نشده است. آنها هم چنین شنیده اند که دولت از «آزادی بیان» صحبت می کند، در حالی که می دانند جرأت ندارند صدای خود را بلند کنند. در نظر آنها دولت شریف امامی سمبل بسیاری از سوءاستفاده های قبلی است. خود نخست وزیر در طی دوره طولانی ریاست سنا یک شریک فعال (در سوءاستفاده ها) بوده است. این طرز تلقی در شکل افراطی بر این باور است که مناظرات پارلمانی که بسیار نمایش داده شده، فقط تبلیغ است و شامل هیچ تحول جدیدی نیست. در واقع تمام برنامه اعطای آزادیها دسیسه ای است برای اینکه مخالفین، خود را نشان دهند تا بتوان آنها را از بین برد.

معدالک دکتر الهی گفت که شخصی باید این مرکزیت را به تحریک وادارد، راه دیگری برای برقراری آرامش وجود ندارد. اگر حزب رستاخیز توسط فردی مثل گنجی (وزیر آموزش و پرورش فعلی) رهبری می شد، می توانست این کار را بکند. آموزگار فن سالار (تکنوکرات) بدترین انتخاب در نوع خود بود. به هر حال یک گروه سیاسی جدیدی باید به وجود آید تا میانه روها را بسیج کند. در غیر اینصورت احتمال می رود که آنها انتخابات را تحریم کنند.

در حال حاضر تنها راه حل واقعی در کاخ سعدآباد قرار دارد. میانه روها به دنبال اشارتی از شاه هستند که معلوم کند فعالیت های سیاسی مطلوب است. این امر ممکن است به صورت ضمانت شخصی در مورد آزادی بیان ناراضیان و سرکوب و پیگیری فساد باشد. همچنین شاه باید نشان دهد که رفاه ملت را مافوق رفاه خانواده خود می داند. قول های دولت شریف امامی به این دلیل که تضمین آن را از دهان خود شاه نشنیده، مخالفین را متقاعد نکرده است. او (شاه) باید شخصا به ملت اعلام کند که نظارت بر یک سیستم لیبرالی را به عهده خواهد گرفت و امنیت آنهایی را که به این جریان سیاسی می پیوندند، تضمین می کند.

پیگیری فساد بدگمانی ایرانیانی را که اکثر لیستی از افرادی که به عنوان گناهکار «می شناسند» در اختیار دارند، از بین می برد. وقتی پرسیده شد که لیست شامل چه کسانی است؟ الهی جواب داد، روحانی وزیر سابق کشاورزی، و در صدر همه هوشنگ انصاری است که «باید» تحت تعقیب قرار گیرد. کارمندان سفارت اظهار داشتند که ممکن است بعضی از متهمین بی گناه باشند، اما الهی گفت اهمیتی ندارد، مردم آنها را مقصر می دانند و رأی بی گناهی آنها را نخواهند پذیرفت. شاه باید چندین بره قربانی فراهم کند. وقتی سؤال شد که دامنه پیگیری تا کجا باید وسعت داشته باشد تا میانه روها را راضی کند، وی گفت باید تا حدی پایینتر از هویدا برسد. غیر ممکن است که هویدا را به محاکمه کشانید بدون اینکه خود شاه را تحت تعقیب قرار داد و تنها شاه است که می تواند ثبات را در ایران حفظ کند. الهی تا آنجا پیش رفت که گفت اگر ناچار به انتخاب باشد، او مایل است که شاه را «حتی به زور یک حکومت نظامی» نگه دارد. او امیدوار بود که کار به آنجا نکشد.

به اعتقاد الهی از آنجایی که خود مذهب نقش کوچکی در ناآرامی های فعلی دارد، رهبران مذهبی به طور ذاتی از قدرت اندکی برخوردارند. چنانچه نیازهای سیاسی و اجتماعی مردم برآورده شود، در آن صورت اشخاصی مثل شریعتمداری نیز از

صحنه محو خواهد شد، تا چه رسد به خمینی. مذهب صرفاً

ص: ۲۳۳

کانالی بوده برای ابراز نارضایتی، زیرا تاکنون هیچ راه دیگری برای انجام این کار وجود نداشته است.

کارمندان سفارت در این مورد با او بحث کردند، ولی او متزلزل نشد.

به نظر او حکومت نظامی یک مرحله غیر لازم بود. اقدامات قاطع برای ایجاد ایمنی لازم است، اما این امر به هیچ وجه نیازمند حکومت نظامی نیست، زیرا مخالفین از آن به عنوان حربه ای علیه دولت شریف امامی استفاده می کنند. الهی حدس می زند که حکومت نظامی در ماه دسامبر بعد از عاشورا خاتمه یابد.

الهی در رابطه با دانشگاهها گفت که آینده ترم پاییزه را تیره می بیند. دانشکده ها باز خواهند شد، ولی فوراً تعطیل خواهند گردید. طرح استقلال دانشگاهها به قدری نامنظم است که دولت هرگز دانشگاهها را به پذیرش آن وادار نخواهد کرد. او از نپاوندی چیز بهتری انتظار نداشت، زیرا که نپاوندی به مدت ده سال مدیریت دانشگاهها را به عهده داشته و در این مدت هیچ حرکتی دال بر اینکه نشان دهد دانشگاهها باید مستقل باشند، از خود بروز نداده است. وی کوششهای نافرجام دوباره دانشگاه ملی را برای تکمیل ترم بهار گذشته و انجام امتحانات نهایی تشریح کرد. نکته طنزآمیز این است که دولت با وجود شرایط حکومت نظامی تسلیم اقلیتی از دانشجویان شد و از تلاش برای برقراری امتحانات منصرف گردید. در عوض کلیه دانشجویان نمره «نا تمام» گرفتند.

اظهار نظر: موضع تغییر یافته الهی در قبال شاه بسیار عجیب است، او چند بار تکرار کرد که ایران بدون شاه نمی تواند دوام بیاورد. این امر سایر گزارشات را در موارد اینکه مخالفین میانه رو که در گذشته به شاه حمله می کردند، هنگامی که به راههای دیگر می اندیشند لحن خود را تغییر خواهند داد، تأیید می کند. الهی که لزوم بسیج مردم را در بسیاری از موارد مورد تأکید قرار داده است، احساس می کند که این امر (بقای شاه) اساسی است. او مانند اکثر «متجددین» (رهبری مذهبی را تحقیر کرده و شدیداً آن را دست کم می گیرد. ما فکر می کنیم که او در این مورد اشتباه می کند، اما همین طرز تلقی است که مصالحه سیاسی را میان بسیاری از متجددین و میانه روهای مذهبی مشکل می سازد.

### معامله احتمالی مذهبیون با دولت ایران

سند شماره (۲۱) سری - غیر قابل رؤیت برای خارجیان از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۱۱ اکتبر ۱۹۷۸ - ۱۹ مهر ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه واشنگتن موضوع: معامله احتمالی مذهبیون با دولت ایران نماینده آیت الله شریعتمداری (خیلی نامش محفوظ بماند) با کارشناس سفارت به منظور تحقیق درباره موضع آمریکا در قبال دولت حاضر ملاقات کرد، و نیز می خواست معامله بالقوه محتمل الوقوعی را بین دولت ایران و رهبران میانه رو مذهبی به رهبری شریعتمداری، خاطر نشان سازد معامله شامل کوششهایی است برای قانع کردن آیت الله خمینی در پاریس که کمی در مخالفت کوتاه بیاید. رهبران مذهبی آماده بودند تا سیاسیون جبهه ملی را هم در برنامه بگنجانند. مذاکرات برای چند روز آینده ادامه خواهد داشت. (پایان خلاصه).

۱- دکتر ناصر میناچی خزانه دار کمیته دفاع از حقوق بشر، در یک تماس تلفنی درباره یک موضوع



دیگر، تقاضا کرد که کارشناس سفارت استمپل را برای یک وضعیت اضطراری ملاقات کند. میناچی گفت او مخصوصاً از جانب آیت الله شریعتمداری مأمور شده است تا نظر آمریکا را در قبال دولت شریف امامی دریابد. شریعتمداری و سایر رهبران مذهبی قم آماده بودند تا با دولت ایران، اگر این دولت قرار است باقی بماند، همکاری کنند. رهبری برای شخص شریف امامی احترام قائل است و معتقد است که شرایط در ایران تا آنجا در حال خرابی است که هدفهای رهبران مذهبی را در معرض خطر قرار می دهد.

۲- استمپل گفت سیاست آمریکا مبنی بر این اعتقاد است که ثبات و تداومی که سمبلش شاه باشد بهترین امید را برای موفقیت جریان آزادیبخشی حمایت کردیم، اما هرگز (تأکید) در سیاست داخلی ایران مداخله نمی کنیم. (میناچی هم این فکر را به میان آورد که رهبری مذهبی (شریعتمداری) معتقد (است که شاه کلید حفاظ در قبال هرج و مرج و کمونیسم است). ما (آمریکا) معتقدیم که اینک زمان آن است که گروههای مخالفت مختلف سعی کنند تا با دولتی که نشان داده است هدفش بسیاری از همان هدفهایی است که جنبش مذهبی دنبال می کند، همکاری نمایند. میناچی پرسید آیا کارشناس سفارت فکر می کند دولت شریف امامی دوام بیاورد؟ آیا آمریکاییها از فرد دیگری مثل علی امینی حمایت می کنند؟ کارشناس سفارت این مسئله را تکرار کرد که دولت آمریکا به هیچ وجه در انتخاب دولت ایران دخالت نمی کند و مطمئناً از هیچ فردی، مثل علی امینی هم حمایت نمی کند. دلیلی دیده نمی شد که فکر کنیم دولت ایران به زودی عوض شود، و دلایلی چند وجود دارد، برای اینکه فکر کنیم باقی می ماند. به نظر آمریکا می رسد که دلایل بسیار موجود است که چرا رهبری میانه روی مذهبی می خواهد با دولت فعلی ایران برای ایجاد شرایط برای «آزادی بخشی» موفقیت آمیز همکاری کند. میناچی تأیید کنان گفت که این نظر او و تا آنجا می داند نظر شریعتمداری است.

۳- میناچی گفت که قدم بعدی مطلع کردن مأمور سفارت است در مورد اینکه مذاکرات بین او و نخست وزیر از صبح ۱۱ اکتبر (تاریخ این گزارش) برای ایجاد زمینه ای بین دولت ایران و رهبران میانه روی مذهبی شروع شده است. گروهش می خواهد که اگر مردم با دولت فعلی مخالفت ابراز کنند به این کار ادامه دهد. ولی تحت شرایط فعلی مذاکرات با نخست وزیر طی چند روز آینده از سر گرفته خواهد شد. اگر موفقیت آمیز باشد میناچی - مهندس بازرگان و یدالله سبحانی (هر دو از رهبران جبهه ملی) و پسر شریعتمداری مهندس حسن شریعتمداری آماده اند که اوائل هفته آینده به پاریس بروند و آیت الله خمینی را متقاعد کنند که مخالفت با شاه را کنار بگذارد. میناچی گفت جبهه ملی متقاعد شده که خمینی نمی فهمد وضع واقعی ایران چگونه است و رهبری جبهه ملی مطمئن است که می تواند همکاری خمینی را جلب کند، تا حداقل زیاد با شاه مخالفت نکند.

۴- مأمور سفارت گفت که او موضع جبهه ملی را درک می کند. برخورد رهبران مذهبی نوعی وحدت خواهی است که در شرایط فعلی به نفع ایران است. در پاسخ به سؤال، میناچی مطمئن به نظر می آید که رهبری مذهبی می تواند افراد غیر مذهبی جبهه ملی را متقاعد کند تا با طرز برخوردی که مورد حمایت کامل آیت الله ها (شریعتمداری گلپایگانی - مرعشی) می باشد. کنار بیایند. (اظهار نظر: به نظر می آید تمامی «مثلث قم» هم رأی باشند) میناچی گفت که سفارت را در جریان وضعیت خواهد گذاشت.

۵ - نظر سفارت: تماسهای میناچی با شریعتمداری همیشه خوب بوده، و اگر این امر همان طور که نشان داده توسعه یابد، می تواند عنصر اساسی مثبتی در وضع سیاسی اینجا باشد. جناح رادیکالتر جبهه

ص: ۲۳۵



ملی از عین خط سیاسی آمریکا صبح امروز آگاه شده (این گزارش طی تلکس جداگانه ای به وزارتخانه فرستاده خواهد شد) و امیدواریم که این امر هر گونه دو دلی و تردید موجود در رهبری مذهبی میانه رو را در مورد تعهد آمریکا به شاه و پیشرفتهای سیاسی تکاملی (در مقابل انقلابی) از بین ببرد.

میناچی آنچه را که قبلاً دیگران به ما گفته بودند، تأیید کرد که رهبری میانه روی مذهبی برای شریف امامی احترام قایل است و ظاهراً آماده است که با وجود مشکلات حکومت نظامی با او همکاری کند. ما چندان شک نداریم که شریف امامی در صورت پیشنهاد، به یک مصالحه مناسبی دست خواهد یافت، مگر اینکه اتفاقات غیر مترقبه ای در یکی دو هفته آینده وضع سیاسی موجود را شدیداً تغییر دهد. ما درباره توانایی رهبران میانه رو در اقناع کامل خمینی در تردید هستیم، ولی فکر می کنیم که مخالفتی که صدایش ساکت شده کافی است تا به میانه روها فرصت نفس کشیدن بدهد و این رضایتبخش است. هر معامله ای که انجام بگیرد، احتمالاً ضمنی خواهد بود نه صریح، طرفین مقابل باید شدیداً حدس و گمان را محدود کنند و از هر اظهار نظر عمومی در مورد زمینه های احتمالی حذر نمایند. سولیوان

## اوضاع داخلی

سند شماره (۲۲) خیلی محرمانه، یادداشت مذاکرات شرکت کنندگان: مهدی پیراسته - جی.بی. لامبراکیس - سفارت آمریکا در تهران محل و تاریخ: ۱۱ اکتبر ۱۹۷۸، محل سکونت رضا امینی، کارمند ارشد، آژانس بین المللی ارتباطات (برابر ۱۹ مهر ۵۷) موضوع: اوضاع داخلی پیراسته از وفاداران نسبتاً برجسته شاه است که طبق مدارک سفارت در زمان مصدق به نفع شاه و اشرف خیلی فعال بوده و متعاقب آن به مقام وزارت کشور، استانداری فارس و خوزستان، سفارت در عراق و پس از آن بروکسل ارتقاء یافت. او وفاداریش را پنهان نکرده، ولی می گوید که «بله قربان گو» نیست و رهنوردی طولانی در بیابان سیاست از زمان خدمتش در بروکسل به بعد (در سال ۱۹۶۷) را مدیون این خصلت خود می داند. ملاقات به تقاضای او از طریق امینی که از دوستان دوره دبستان وی است، انجام شد. بایگانی ما شواهدی از فساد در سنوات اول خدمتش را نشان می دهند، اما نشانه اثری و کار آئی فوق العاده در اجرای کارهای اغلب فرصت طلبانه را در تلاشش برای تحصیل یک ترقی سریع در سوابق خدمتی خود نیز دارد. او مکرراً خود را برای نامزدی صدارت اعظم عرضه کرده است. تحصیلات او در وکالت بوده و فرزند یک مجتهد سرشناس اراک است که وی ادعا می کند خانواده اش خمینی را در سالهای اول زندگیش تحت حمایت خود قرار داده اند:

یکساعت و نیم اول صحبتمان به طور مفصل، در شرح گذشته عالی پیراست سپری شد. بدیهی است که او فردی است زیرک و آراسته. وی همچنین عادت دارد که هر مطلبی را به پنج یا شش طریق مختلف تکرار کند و این خصلتی است که فکر می کنم در برابر مستمعان خاصی به وی کمک می کند. شاید ملاحظه کنید که به قول خودش مکرراً ملاقاتشان می کند، نیز از آن دسته مستمعان باشند.

پیراسته گفت که حدود یک هفته پیش، یکساعت و بیست دقیقه در حضور شاه بوده و شاه از آنچه که پیراسته درباره مشکلات در جامعه مذهبی اظهار داشت، تحت تأثیر قرار گرفته و به نظر می رسد که



عقیده اش مبنی بر اینکه مورد احترام همه مردمش قرار دارد و در مملکت همه چیز به خوبی می گذرد، متزلزل شده باشد. پیراسته مدعی است که یکی دو دوست صمیمی در دربار دارد. به علاوه وی وقایع گوناگونی را که بر اثر «حقیقت گوئی» او به شاه پیش آمده بودند و موقتا در جریان کارش متحمل آنها شده بود، نقل کرد.

پیراسته گفت که به قم رفته و با آیت الله های گلپایگانی، شریعتمداری و نجفی ملاقات کرده است، با برادر خمینی نپندیده (پسندیده - مترجم) که حدود یک ماه پیش مسئولیت آزادی او را از زندان پذیرفته بود. غذا صرف کرده است. او همچنین به تقاضای برادر خمینی پنج نفر دیگر را از زندان خلاص کرده بود.

او اینک قصد داشت از برادرزاده خمینی، به عنوان پیام رسان به خمینی استفاده کند.

پیراسته با دوستانش مشغول فعالیت برای تشکیل یک حزب جدید است. این حزب بزرگ نخواهد بود، چرا که ثبت نام از افراد «عامی» پایگاه آنرا ضعیف خواهد کرد. (نظریه: منابع سفارت می گویند که او مدتی است صدای تشکیل چنین حزبی را در آورده است) او مقاله بلندی به شکل یک جزوه در انتقاد از خط مشی آمریکا به جهت تزلزل تصمیم گیری آن در این بخش جهان نوشته است که قطعه ای از آن در مطبوعات چاپ شد. (نظریه: از آنچه که گفت به نظر می رسد که پیراسته پایبند عقیده حمله به چیزی برای رفع ظن طرفداری از آن است. او به کرات فایده این روش را استتار سرسپردگیها و انحراف حملات را متذکر شد. او فهماند که ما باید انتقاد وی از خط مشی ایالات متحده را در همین رابطه فرض کنیم.) او حماقتی را که با درج مقاله اطلاعات در ژانویه ۱۹۷۸ در حمله به خمینی انجام شده بود، مطرح کرد.

او باور نمی کرد که من ندانم نویسنده واقعی آن مقاله چه کسی بود و گفت که کاخوده (احتمالاً آزموده - مترجم) آن را نوشته و هویدا در محضر همایون آن را تصحیح کرده بود. او تأیید کرد که علیرغم تکذیبها، مدارکی دارد که هویدا واقعا بهائی است و با انتقاد هویدا را نخست وزیری ضعیف دانست، زیرا هرگز در «دورانهای سخت» امتحان نداده است.

پیراسته توضیح داد که مشغول کار برای آرام کردن خمینی است و از آن انتظارات سیاسی دارد. او به من گفت که امیدوار است در ظرف ۱۲ روز نتایج این کوشش را به دست آورد و ۸۰ درصد به موفقیت آن اطمینان دارد. خطی که وی انتخاب کرده این است که خمینی می تواند از رفتن شاه مأیوس گردد. بدین ترتیب این او را مجبور می کند که از وضع موجود استفاده کند، تا منافی سیاسی برای اسلام به دست آورد.

او مرا آزمود تا ببیند که به نظر من «به عنوان یک ناظر خارجی مطلع» شاه به چه چیزهایی ممکن است تن در دهد. وی گفت که این نکته حائز اهمیت است که پارلمان پس از انتخابات آزاد قدرت عمل بیشتری داشته باشد و نخست وزیری بر سر کار بیاید که عملاً خود خط مشی دولت را معین کند. به جای اینکه در مقابل مردم مسئولیت اشتباهات بر عهده شاه بماند. هر چه باشد، شاه صاحب اختیار انحلال پارلمان و دولتها است. او نباید در مقابل مردم جلوتر از آنها (پارلمان و دولت) قرار بگیرد.

من این فرصت را مغتنم شمردم تا نظرمان مبنی بر اینکه دولت شریف امامی بهترین دولتی است که در شرایط حاضر می توان انتظار داشت، و برای مدتی باقی خواهد ماند، را بیان کنم. او مخالفتی نکرد. وی قبلاً نظر نامساعد خود نسبت به علی امینی را

اظهار داشته بود. من همچنین امیدمان به اینکه عناصر میانه رو در حیات سیاسی ایران مقام مؤثری کسب کنند و رودررویی فعلی بین حکومت و مخالفین تحت رهبری افراد دینی فیصله یابد تا مملکت بتواند بسوی مرحله خطیر بعدی یعنی انتخابات آزاد حرکت کند، را اعلام

ص: ۲۳۷

کردم. تو گویی پیراسته با همه موافقت داشت.

قبلاً پیراسته سه نکته از برنامه خود برای حل مشکلات روز را شرح داده بود که عبارتند از: اولاً جلب مخالفین مذهبی برای جدایی آنها از دیگران و شناسایی واقعی بقیه. ثانیاً اجرای مبارزه مؤثرتری بر علیه فساد، با گذراندن قانونی مبتنی بر قانون ۱۹۵۹ که افراد را ملزم می نمود نشان دهند که ثروتشان از کجا آمده. (در ۳۰ سپتامبر یک مقاله روزنامه این مطلب را پیش کشیده بود که در تلگرام تهران ۸۱۳۴ گزارش شد). او این قانون را در مورد حدود ۴۰۰ مستخدم ارشد دولتی جاری خواهد ساخت، با این انتظار که محاکمه آنها منجر به تعقیب بازرگانی که با تبانی با این مقامات سود برده اند، بشود. ثالثاً دست به اصلاح مراحل کار اداری خواهد زد تا مردمی که دستشان از وسایل کوتاه است، خدمات بهتری از مستخدمین دولتی عایدشان شود. او چند طریقه برای دستیابی به این مسئله را نام برد.

نظریه: پیراسته آشکارا فردی است دلپسند با گذشته ای طولانی. به علت سابقه مذهبی وی که با خمینی نزدیکی دارد، ممکن است در حال حاضر، عنصری مفید باشد. دامنه کارآیی وی و ارتباطش با وضع موجود، باید در هفته های آتی آشکار گردد. (در ضمن، نظر چند تن از کارمندان سفارت بر این است که او یک عامل انگلیسی است.) بخش سیاسی: جی. بی. لامبراکیس  
۱۵ اکتبر ۱۹۷۸

### وضع داخلی از نگاه مهدی پیراسته

سند شماره (۲۳) خیلی محرمانه، یادداشت مذاکرات محل و تاریخ: سفارتخانه ۱۱ اکتبر ۱۹۷۸ - ۱۹ مهر ۵۷ شرکت کنندگان: خسرو اقبال - جرج بی. لامبراکیس - سفارت آمریکا در تهران موضوع: وضع داخلی خسرو اقبال، برادر ناتنی منوچهر اقبال، نخست وزیر پیشین که اخیراً فوت شده، می باشد. او از پاریس، که بیشتر اوقات خود را به سبب «تشنجات» داخلی در آنجا می گذارند بازگشت. او این وضع را بدتر از اوضاع سال ۱۹۵۳ می داند و تا حل شدن آن اینجا می ماند. اولین حرف او این بود که چه کسی بجای شاه خواهد نشست و اگر فردا او بمیرد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ موقعی که من یادآور شدم که نشانه ای در دست نیست که شاه در وضع سلامتیش دچار اشکال باشد، او گفت که آدم هیچوقت نمی تواند این چیزها را پیش بینی کند. شاه سه سال پیش دچار حمله قلبی شد و اخیراً پس از شنیدن خبر کودتای افغانستان، مبتلا به خونریزی معده شده و مجبور گشت برای طی دوره نقاهت از شیراز به کیش نقل مکان کند. اقبال مدعی است که همه این مطالب را از پزشک شاه شنیده است.

اقبال دو روز پیش با علی امینی نهار خورد. امینی گفت که خودش برای نخست وزیری به مدت طولانی خیلی پیر است اما حاضر بود که در یک دولت موقت، تا هنگامی که انتخابات آزاد افراد جوانتر را بر سر کار آورد، این شغل را بپذیرد. به هر حال در شرایط حاضر آن را قبول نخواهد کرد. شاه همچنان به در اختیار داشتن تمام قدرت اصرار می ورزد. امینی روز قبل از علی اردلان، وزیر دربار خواسته بود ملاقاتی با شاه را برایش ترتیب دهد. امینی به وی گفته بود که این ملاقات در مورد صحبت نخست وزیر شدنش نیست، بلکه به سادگی می خواهد که نظریات خود را به شاه بدهد، زاهدی نیز طرف تقاضای امینی واقع



شده بود، اما نتوانسته بود ملاقاتی با شاه را ترتیب دهد.

در جریان مذاکره اقبال از برادر خود یاد کرد که از ملاقاتی که مدتی کوتاه پیش از مرگش با شاه داشته بود، سخن گفته بود. اقبال به شاه اظهار داشته بود که آرزو دارد قبل از خاتمه حکومت شاه بمیرد، زیرا از آنچه که بعد پیش خواهد آمد، می ترسید. مردم در مملکت ناراحتند. شاه به وی گفته بود که دیوانه شده؛ شاه بهتر می دانست. اقبال گفت این حرف مقداری موجب ناراحتی و مرگ برادرش بود. وی گفت که اصولاً شاه مرد ضعیفی بود که قیافه یک مرد قوی را به خود می گرفت. او شامه بدور از خطایی در انتخاب افراد ضعیف و بد برای خدمت به خود داشت. بدون اینکه پی ببرد که آنها در زمان بحران بی ارزش خواهند بود. شاه قبل از ۱۹۵۳ آدم خیلی جالبی بود اما حوادث آن سال او را تغییر دادند. او احساس کرده بود که مردم ایران به وی خیانت کرده اند و در نتیجه آدم بد عنقی شد.

اقبال مدعی دوستی نزدیک با کریستیان پینه نخست وزیر پیشین فرانسه است. پینه طی دیدار اخیرش از ایران (برای امور فرانسه) با شاه نهار صرف کرد. روز پس از بازگشتن اقبال با وی در پاریس شام خورد و پینه کاملاً نظریات اقبال را پذیرفت و گفت که آنها را به ژیسکاردستن گزارش می دهد. پینه بعد به اقبال گفت که ژیسکار با نظریات اقبال موافق بود و درباره اوضاع ایران با آمریکاییها تماس خواهد گرفت. پینه انتظار داشت که در آینده نزدیک از طرف اقبال به ایران بازگردد و آن موقع با اقبال تماس خواهد گرفت.

اقبال در مذاکره ای با فلاح شنیده بود که شرکت ملی نفت ایران کسری بودجه فعلی ایران را ۱۰۰ میلیارد تومان (۱۴ میلیارد دلار) محاسبه کرده و به شاه اطلاع داده بود. (نظریه: این با رقمی که شاه در مورد کسری بودجه به سفیر داده بود، منطبق است).

اقبال قدرت احساسات مذهبی در مملکت را مهم نگرفت و اوضاع جاری را به کوتاهیهای اقتصادی فراوان و نارضایی عمومی نسبت داد. او باور نداشت که بتوان به ارتش اعتماد کرد؛ تیمسارها همگی مترصد «فرصت» هستند و اگر شاه برود در یک وضع جانسپین آن ۷ پایداری نخواهند کرد. این موضوع تعیین کننده است که وی در ضمن آماده کردن وضع برای زمان عزیمتش، مدتی بر سر کار بماند. شاه باید با ظاهر شدن بر صفحه تلویزیون ابتکار عمل را در دست بگیرد. او باید از مردم خود برای غفلت از احتیاجات آنها در زمان توجه به افزایش قدرت دفاعی کشور در چند سال گذشته، پوزش بطلبد. این کار باید همزمان با یک دولت جدید متشکل از افرادی که در ۱۵ سال گذشته در حکومت خدمت نکرده اند، صورت پذیرد.

(نظریه: بر طبق پرونده های سفارتخانه، اقبال مورد تماس مکرر مأموران سفارت در گذشته بوده است.

ممکن است که خود در کارهای قابل بحثی درگیر شده باشد. او مانند بسیاری از سایر ایرانیانی که ما با آنها صحبت می کنیم، یک منفعت طلب است). مقامات سفارت در زمینه نحوه سنجش اطلاعات وی متحیر شده اند، زیرا مواقعی وی راست گفته و نظریات قانع کننده ای ارائه داده است، اما در بقیه موارد مصاحبین خود را گمراه کرده است. معهذاً این نشانه زمانی است که مردی با سابقه اقبال این طور بی پرده علیه شاه و متد حکومت وی با یک مأمور سفارت مانند من که برای بار اول ملاقاتش می کرد، سخن می گوید.

بخش سیاسی: جی. بی. لامبراکیس ۱۲ اکتبر ۱۹۷۸

**مشاهداتی راجع به شرایط در ایران (مذاکرات با اسلامی نیا)**

ص: ۲۳۹



سند شماره (۲۴) یادداشت مذاکراتخیلی محرمانه زمان و مکان: ۱۵ اکتبر ۱۹۷۸ برابر با ۲۳ مهر ۵۷ - خانه اسلامی نیا شرکت کنندگان: آقا و خانم هدایت اسلامی نیا، آقا و خانم جورج بی. لامبراکیس، آقا و خانم جان دی. استمپل موضوع: مشاهداتی راجع به شرایط در ایران در جریان مهمانی شام برای شش شرکت کننده، آقای اسلامی نیا که اخیراً از ایالات متحده بازگشته بود، مشاهدات زیر را در مورد شرایط در ایران که وی آنها را در خلال مطالعات اولیه اش دریافت کرده بود، ارائه کرد.

وضعیت مذهبی - اسلامی نیا حس می کرد که در ظرف دو هفته جامعه از جدایی بین آیت الله خمینی و آیت الله های مقیم در ایران به رهبری شریعتمداری مطلع خواهد شد (نظریه: یک هفته بعد برخی اشارات شروع به ظاهر شدن در روزنامه ها کردند). این اختلاف عقیده ممکن است سرانجام یک تفرقه عمومی واقعی شود، ولی در حال حاضر احتمالاً بی سر و صدا باقی خواهد ماند.

اسلامی نیا داستانی را که شنیده بود تعریف کرد که نخست وزیری علی امینی رد شده بود، زیرا وی اصرار داشته که شاه به مدت شش ماه به خارج از کشور برود. او به طور مختصر گفت که آیت الله شریعتمداری زمانی فکر می کرد که می تواند با امینی همکاری کند، ولی اکنون مایل است که با دولت شریف امامی کار کند.

حضور واقعی کمونیستها در مساجد و مدارس مذهبی ظاهر می شود. این حضور از جانب فرزندان اعضای سابق حزب توده می باشد. که آموزش مذهبی دیده اند. اسلامی نیا گفت آیت الله های میانه رو در مورد این نفوذ نگران شده اند. ماه اسلامی محرم که از ۲ دسامبر شروع می شود زمان مشکلی خواهد بود، چون که مراسم مذهبی اجباری هستند و دیگران ممکن است از تاکتیکهای نفاق افکنانه استفاده کنند.

وضعیت سیاسی در ایران - دانشجویان و دانش آموزان به آسانی فریب نخواهند خورد که به مدارس بازگردند. در حقیقت اسلامی نیا در این بدبینی کلی اشتراک نظر داشت که سال تحصیلی نهایتاً به هم خواهد خورد و تعطیل می شود. او همچنین نقش هواداران حزب توده در دانشگاهها را متذکر شده و گفت دانشجویان مذهبی به عنوان تنها رقبای سازمان یافته آنان ظاهر شدند. ما می توانیم انتظار دیدن برخوردهای بیشتری بین جنبش های دانشجویی اسلامی و گروههای سنتی تر چپی را داشته باشیم. این موضوع آرام کردن محیط تحصیلی را ساده تر نمی کند. خیلی از اعتصابات دیگر ایران دارای لحن سیاسی هستند و برطرف کردن آنها مشکل خواهد بود. اسلامی نیا در مورد خشنودی دولت شریف امامی در توافقهایی بیش از حد سخاوتمندانه اظهار ترس کرد و پیش بینی کرده که این توافقهها در درسر بیشتری را به وجود خواهند آورد.

اسلامی نیا در نظر داشت که در هفته ای که در پیش بود از مشهد دیدن کند و با رهبران مذهبی آنجا گفتگو نماید.

**گفتگو در خلال شام در محل سکونت وزیر مختار**

سند شماره (۲۵) یادداشت برای بایگانی‌خیلی محرمانه تاریخ: شب ۱۶ اکتبر ۱۹۷۸ (برابر با ۲۴ مهر ۵۷) موضوع: گفتگو در خلال شام در محل سکونت وزیر مختار در شامی که ناس وزیر مختار به افتخار سولارز نماینده کنگره داده بود، تعدادی از ایرانیان بی پرده تر و با نظری عمیقتر از مواقعی که معمولاً درباره مسائلی که مقابل ایران قرار دارد ابراز می کنند، صحبت کردند.

آنچه در زیر می آید خلاصه نکات عمده مذاکره است. در مواردی متکلمین نام برده شده اند که هویت آنها به عمق گفتارشان می افزاید.

همگی توافق داشتند که بی قراری وسیعی که دامنگیر حیات اجتماعی ایران شده، ناشی از امتزاج عواملی است که تقریباً همزمان به وجود آمده اند. حسین نصر رئیس دفتر مخصوص شهبانو و احمد قریشی مرد قدرتمند حزب رستاخیز در این مسئله متفقند که بیشتر ناراحتی طبقه متوسط به دلیل آن است که مردم از لحاظ اقتصادی مرفه ترند، اما از لحاظ فرهنگی از خود بیگانه گشته اند. طبقه متوسط جدید قدرت اقتصادی دارد، اما هنوز قدرت سیاسی را به دست نیاورده است. در یک کوشش برای به دست آوردن قدرت سیاسی، این طبقه به جانب علمای شیعه روی آورده است. نصر خاطر نشان کرد که بین مقام پادشاهی و علما همواره یک تفاهم وجود داشته است. در واقع «ملاها به شاه محتاجند» آیت الله های جلودار شیعه در داخل ایران، انتخاب حاکمیت بر خود را نپذیرفته اند. نصر گفت، حملات خشن آیت الله خمینی می تواند به شکافی در جهان شیعه و یک بدعت و خامت بار در اسلام شیعی منتهی گردد.

تمام حاضران اظهار داشتند که تا چندی پیش اکثر سیاستمداران ایران می توانستند با علما گفتگو داشته و با آنها همکاری کنند. به تدریج که تکنوکراتها به مناصب قدرت دست یافتند، این توانایی ایشان نیز زایل گشت و برای نوآوران، دیگر علما مطرح نبودند - افراد جدید، ایران جدید را می ساختند. این کار از خود خلایی فکری برجای گذاشت که مارکسیسم آن را پر کرده است. حتی در محافل مذهبی نیز بسیاری از مجتهدین جوانتر چپی هستند. آنها را کسانی تعلیم داده اند که کاملاً قادرند دکرین صوفیانه شیعه را با علم سیاست مارکسیستی درآمیزند. احیاء فلسفه اسلامی کوششی بوده در جهت دفع رخنه هایی که مارکسیسم با ارتقاء روشنفکرهای درجه چهارم مثل رضا براهنی در دانشگاهها داشته است. کمونیستها برای بسیاری از لیبرالهای غربی دلپذیر بوده اند و سعی نموده اند که برخوردشان با غرب با استفاده از اصطلاحات معمول چپی باشد. تا به حال شاه در بین این جریانها ایستاده و بدین ترتیب آماج حمله دو طرف بوده است. اگر خمینی پیروز شود، حکومتی اسلامی که جایگزین می شود، خیلی زود شاهد تجزیه ایران در مرزهای خود خواهد بود، بلوچها، کردها و ترکمنها برای تشکیل حکومتهای کوچک خود جدا خواهند شد.

واقعۀ میدان ژاله - چند تن از حاضران ضمن اتفاق نظر قابل ذکری، با داشتن شواهد عینی یا اطلاع گروهی، ادعای مخالفین را مبنی بر اینکه هزاران نفر کشته شده اند را کلاً رد کردند. دستیار مخصوص نخست وزیر در امور بین المللی گفت که برای کمک اجتماعی به اقوام قربانیان، تحقیقی خانه به خانه به دنبال آنها به عمل آمده بود. بیشتر از ۱۲۲ تن از این قربانیان شناسایی نشده بودند. پرویز راین خبرنگار آسوشیتدپرس که طی تیراندازی در میدان ژاله حاضر بود، گفت که در کنار دستگاه مخابرات نظامی



نشسته بود و زمانی که حوادث تمام شدن از دستگاه رادیو شنید که شماره کشته شدگان بیش از ۹۰ نفر نبوده (او رقم کلی ۱۲۰ نفر را قبول داشت، با اشاره به اینکه سایرین در جاهای دیگر کشته شده بودند).

همچنین راین و دیگران قبول داشتند که ممکن بود ۲۰ تا ۳۰ نفر دیگر نیز در سایر جاها کشته شده و در گورستان اصلی دفن نشده باشند).

نظریه سفارت: در حالی که راین ارقامی را که فکر می کند صحت دارند و در همان حال با اعلامیه های دولت متناقضند، همیشه انتشار نداده، اما در مقابل ایرانیان یا خارجیان در ابراز نظریات خود، زمانی که با خط رسمی دولت تفاوت دارند، ابا نداشته است. همچنین نصر، رئیس دفتر شهبانو، کوشش مخالفین برای ساختن یک «قتل عام» را شاهکار هوجبگری سیاسی داشت.

بخش سیاسی: جی.دی. استمپل ۲۲ اکتبر ۱۹۷۸

### ملاقات با کمیته دفاع از حقوق بشر و آزادی

سند شماره (۲۶) یادداشت برای بایگانی ملاقات با کمیته دفاع از حقوق بشر و آزادی خیلی محرمانه محل و تاریخ: ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸ (برابر با ۲۵ مهر ۵۷) دفتر جان دی. استمپل بخش سیاسی سفارت آمریکا - تهران دکتر ناصر میناچی، خزانه دار کمیته دو تن از همکارانش صدر حاج سید جوادی (به نمایندگی نهضت آزادی ایران) و رحمت الله مقدم مراغه ای (به نمایندگی از نهضت رادیکال) را آورد تا درباره حقوق بشر با سولارز نماینده کنگره گفتگو کنند. این کمیته عکسهایی به نماینده کنگره ارائه و ادعای خود را مبنی بر این که بین سه تا چهار هزار نفر در میدان ژاله کشته شده بودند را بیان کرد. میناچی مخالفت خمینی با شاه را افراطی خواند و گفت که آیت الله شریعتمداری یک میانه رو است. در بحث درباره امکان انتخابات هر سه، سوء ظن فوق العاده خود به شاه را ابراز داشتند، اما وقتی سولارز پرسید چه چیز آنها را قانع می کند که انتخابات آزاد خواهد بود. مقدم مراغه ای پیشنهاد کرد که شاید یک هیئت متشکل از مقاماتی که در سطح وزارت باشند با حضور گسترده نمایندگان مخالفین در آن را بتوان برای اداره انتخابات ایجاد کرد. این سه اتفاق نظر داشتند که در صورت عدم وجود یک مطبوعات آزاد انتخابات بی معنی خواهد بود. میناچی گفت که برای هر ایرانی مشکل است مشاهده کند، دولت شریف امامی پیشاپیش همه برای کسب آزادی سیاسی قدم بر می دارد، زیرا نخست وزیر خودش مدت مدیدی آلت دست شاه و همچنین فاسد بوده است.

لازم بود که دخالت شاه در تمام زمینه ها متوقف و ساواک مهار گردد. مخالفین دنیوی نگران فقدان آزادی و مخالفین مذهبی نگران دوری از اسلام بودند.

در جواب به یک سؤال در مورد سیاست خارجی مخالفین، میناچی و مقدم مراغه ای گفتند که این سیاست مبتنی بر ناسیونالیسم و خواهان مناسبات خوب با همه خواهد بود. در جواب یک سؤال صریح آنها اعلام کردند که «البته ایران فروش نفت به اسرائیل را قطع خواهد نمود. «میناچی» روابط بسیار نزدیک «ایران با اسرائیل را منشاء عمده نارضایتی جماعت مذهبی بنیادگرا دانست. صدر حاج سید جوادی در میان کلام گفت که دولت ظاهرا مشغول بازگرداندن دانشجویان کمونیست است،

تا با افراد مذهبی مقابله کنند. همگی نهضت مذهبی را ضد کمونیست وصف کرده و گفتند که از دولت بدور نبوده که برای سلب اعتبار آن از کمونیستها استفاده جوید.

ص: ۲۴۲

نماینده کنگره از جمع خواست که از طریق دکتر استمپل در سفارت متون ترجمه انگلیسی اسناد را به وی تسلیم کنند. همگی فوراً موافقت نمودند. (نظریه سفارت: استمپل فرصتی دستش آمد تا ۱۰ تا ۱۵ عکس را که این جمع ارائه کردند ملاحظه کند و ملتفت شد که به فرض صحت بعضی، معدودی از آنها متعلق به میدان ژاله بودند. به نظر می‌رسید که اکثر آنها طی راهپیمایی پنجشنبه ۷ فوریه در جاده قدیم شمیران و بلوار پهلوی برداشته شده بودند). میناچی گفت که سعی خواهد نمود تا نسخه‌هایی از عکسها را برای سفارت فراهم کند.

جمع از سفارت جهت اجازه ملاقات برای عرضه حرفهای خود به سولارز نماینده کنگره تشکر فراوان کرد.

بخش سیاسی جی. دی. استمپل ۲۳ اکتبر ۷۸

### توضیح دمکراسی برای توده ایرانی (خواسته شاه از آمریکا)

سند شماره (۲۷) طبقه بندی خیلی محرمانه - تاریخ: ۱۸ اکتبر ۱۹۷۸ - ۲۶ مهر ۵۷ از: سفارت آمریکا در تهران شماره: ۱۰۱۷۰ به: وزارت امور خارجه واشنگتن. دی - سی - با حق تقدم رونوشت جهت: سفارت آمریکا در لندن موضوع: توضیح دمکراسی برای توده ایرانی ۱- طی ملاقات رسمی با شاه در ۱۷ اکتبر، سولارز نماینده کنگره پرسید که در اوضاع فعلی چه کمکی از دست ایالات متحده بر می‌آید، شاه پس از تأمل کوتاهی گفت خدمتی که ایالات متحده و سایر دمکراسیها می‌توانند انجام دهند، این است که به توده ایرانی توضیح دهند که دمکراسی واقعا چیست.

۲- او گفت که افکار عوام ایرانی درباره دمکراسی مقداری مغشوش است. بسیاری از مالاها نوشته‌های قرآن را طوری تفسیر می‌کردند که مفهوم حاصل این می‌شد که دمکراسی یعنی تساوی کلی در مالکیت، درآمد و سایر چیزها. رهبران دیگری که عوامفریب تر بودند، تفسیری ارائه می‌کردند که بر حقوق هر اقلیت برای اشاعه نظریات آنها تأکید داشت به آنارشی منجر می‌شد.

۳- او امید داشت که ما بتوانیم روشن سازیم که دمکراسی بر قبول اراده اکثریت و حاکمیت قانون تکیه دارد و احساس می‌کرد که جهت آمادگی برای انتخابات آزاد لازم است که این به وضوح بیان گردد.

۴- من با دستیاران خود درباره راههای ممکن برای اجرای این پیشنهاد مشورت کردم. آژانس جهانی ارتباطات ایالات متحده مشغول بررسی احتمالات گوناگون است به هر حال یک نتیجه کلی که گرفته شده این است که احتمالاً بی.بی.سی. بهترین وسیله برای بیان این مطلب است. بنابراین من این پیشنهاد را به سفیر بریتانیا نیز رسانیدم.

۵- این ایده، نظر سفیر بریتانیا را جلب کرده، اما به علت ظرافت ارتباط بی.بی.سی. او باید به دقت به سمت آن برود. از آنجایی که گفته است که قادر نیست «بی.بی.سی.» را کنترل کند او باید از گذاردن این اثر در اذهان که وی می‌تواند در آن اعمال نفوذ کرده تا برنامه‌هایی که پیشنهاد می‌کند، پخش نماید، اجتناب ورزد. سولیوان

### اوضاع داخلی از نگاه خسرو اقبال



سند شماره (۲۸) یادداشت مذاکرات خلی محرمانه تاریخ و محل: ۲۱ اکتبر ۱۹۷۸ برابر با ۲۹ مهر ۵۷ - اقامتگاه اقبال شرکت کنندگان: خسرو اقبال - جرج لامبراکیس رایزن سیاسی سفارت آمریکا، تهران، موضوع: اوضاع داخلی اقبال روز قبل با شریف امامی نخست وزیر به تقاضای خود نخست وزیر ملاقات کرده بود. اقبال می گوید نخست وزیر از او پرسید که آیا او حاضر است با او (شریف امامی) همکاری کند (به عنوان عضو کابینه). اقبال می گوید که او این تقاضا را رد کرده وی در عین حال پیشنهاد کرده است که می تواند به انحاء دیگر کمک کند. او می گوید که به نخست وزیر گفته بود که به عقیده وی اوضاع بسیار دشوار است و همچنین پشتیبانی خود را از کوششهای نیرومند شریف امامی ابراز داشت. یکی از برادران اقبال تولیت آستان قم است. وی پیر و بیمار می باشد و شریف امامی می خواهد، او اگر با کس دیگری که بتواند نقش واسطه را بین حکومت و رهبران مذهبی در قم ایفا کند تعویض نماید. شاه قبلاً یک نفر را که شریف امامی نام او را برده بود، رد کرده است. اقبال گفت که شاه بایستی به شریف امامی کمک کند. او باید به میدان آمده و خطاب به مردم صحبت کند. شاه باید به طور مکرر در تلویزیون ظاهر شده و بگوید که برای بعضی از خطاهایی که روی داده متأسف است ولی به سختی می کوشد و خواستار وحدت مردم در آینده است و ایرانیان به آسانی کسی را که از آنها تقاضای پوزش می کند می بخشند. من در مورد اینکه این روش شاه باشد یا نه، اظهار شک و تردید کردم. اقبال پافشاری کرد که چهره گرم و صمیمانه ای از شاه در زمان ظاهر شدن در تلویزیون مورد لزوم می باشد. او حتی یکی از سردبیران سابق اطلاعات را برای فراهم کردن سناریو جهت چنین ظهوری در تلویزیون در نظر داشته است. نخست وزیر نیز می توانست به تناوب در تلویزیون ظاهر شود.

راه دیگری که شاه می توانست از آن طریق کمک کند این است که به اردشیر زاهدی و همپالگهای او از حوادث سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) بگوید که اقداماتی را که آنها با حمله علیه مسجد کرمان آغاز کرده بودند، متوقف کنند. او نمونه مشابهی را در ری ذکر کرد و گفت نقشه هایی در نظر است که در مازندران، اصفهان و آنگاه تهران، در همین زمینه اتفاق افتد. نخست وزیر در این باره دل خوشی نداشت و این خود یک خط مشی احمقانه ای است.

اقبال همچنین پیشنهاد کرد که یک نوع «مخزن فکری» مرکب از پنج یا شش مشاور غیررسمی با نخست وزیر همکاری کنند تا به او و شاه در بنا نهادن چهره عمومیشان کمک کنند. (روشن است که اقبال خود را یکی از این اشخاص تصور می کند).

اقبال همچنین مدعی است که «رئیس دفتر» شریف امامی که یکی از دوستان قدیمی اوست به او گفت که پنجاه سرباز به دلیل خودداری از تیراندازی به سوی جمعیت در میدان ژاله در تاریخ ۱۷ شهریور در بازداشت بسر می برند. (این یک گزارش هیجان انگیز، شبیه گزارشهای دیگری است که ما قبلاً درباره آن نیز شنیده ایم. ما اساسی برای اینکه آنها را باور کنیم نداریم).

سرانجام اقبال درباره همه چیز اظهار سرخوردگی عمومی کرد. ارتش به وسیله ژنرالهای فاسد اداره می شود (که بسیاری از آنها در زمین های ملی شده جنگلی که به آنها طبق نقشه های مختلف «فروخته شده



بود» سهیم شده اند) و نمی توانند در مقابل فشار مقاومت کنند. شاه در زیر فشار خم می شود. او فعلاً ضروری است ولی دیگر هرگز نمی تواند موقعیت قبلی خود را دوباره برقرار کند و بهتر آن است که زمینه را برای جانشینی پسرش در چند سال آینده تهیه کند. اگر جانشینی با ملکه صورت بگیرد کاری از پیش نخواهد برد. ایرانیان درباره درستی انتخابات نظر عیب جویانه ای دارند و هرگز نمی توانند باور کنند که انتخاب واقعا «آزاد» است. آنها می دانند که پول آراء را خواهد خرید. در واقع اگر دولت می خواهد امروز پول خرج کند می تواند عده زیادی طرفدار به دست آورد. ایرانیان از قدیم الایام آموخته اند که در مور موضوعات سیاسی در جهت وزش باد بذل توجه نمایند.

در ضمن خسرو اقبال برادر تنی منوچهر اقبال است نه برادر ناتنی، پدر او چهارده فرزند از یک مادر داشته است.

اظهارنظر: اقبال به عنوان یک شایعه پراکن و یک مردی است که از شایعات مختلف با چابکی به نفع خود استفاده می کند. در عین حال روشن است که او به بخشهای متعددی از دستگاه حاکمه ایران و همچنین عده ای از سفیران کشورهای اروپایی (فرانسه، ایتالیا و...) که او آنها را اغلب می بیند، دسترسی دارد. اطلاعات او را بایستی با مقداری شک و تردید نگریت.

### مخالفین در حرکت، آیا معامله ای در کار است؟

سند شماره (۲۹) سری - تاریخ: ۲۲ اکتبر ۷۸ (برابر با ۳۰ مهر ۵۷) از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی موضوع: مخالفین در حرکت، آیا معامله ای در کار است؟ خلاصه: هیئت مشترک ایران را برای پاریس ترک می کند تا آیت الله خمینی را ببیند، سخنگویان جبهه ملی بر احتمال ائتلاف تأکید دارند، آنها به دولت به خاطر فساد آن حمله می کنند و خواستار این هستند که دولت با بی طرفی انتخابات را انجام دهد. (پایان خلاصه).

۱- اخبار ۲۲ اکتبر، گزارش رفتن مهندس مهدی بازرگان و دکتر ناصر میناچی از ایران را برای پاریس جهت مطرح ساختن مسائل حساس با آیت الله خمینی دادند. بازرگان رئیس کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر و میناچی صندوقدار و دوست نزدیک شریعتمداری می باشد. آنها مأموریت سیاسی آشتی دادن را دارند، یکی از اعضای هیئت مدیره به کارشناس سیاسی استمپل در ۲۲ اکتبر گفت که جبهه ملی تماس مرتبی با خمینی از وقتی به پاریس آمده داشته و به نرم شدن موضع او بعد از هفته گذشته اشاره می کند. منبع ملی می گوید حمله خمینی به حزب توده نشانه تغییری از موضع قبلی او می باشد. خمینی همچنین خواسته اش را راجع به دولت اسلامی تصحیح کرده و حالا خواستار عدل اسلامی و اجرای اصول اسلامی است. منبع گفت اگر این تغییرات تایید شدن راه برای هیئت بازرگان - میناچی در مورد نوعی ائتلاف بین رهبران داخلی و خمینی باز می شود، منبع فکر می کرد هیئت باید حداقل همکاری خمینی را به دست بیاورد تا اجازه دهد آیت الله شریعتمداری با دولت همکاری کند.

۲- تفسیر: میناچی قبلاً به کارشناس سفارت گفته بود که هیئت فقط موقعی به پاریس خواهد رفت که گروه شریعتمداری احساس کند، چیزی برای تقدیم کردن دارد. از این مسئله به علاوه نتیجه صحبتی که در

۲۰ اکتبر با نماینده نهضت آزادی (توضیح در زیر است) انجام شد، می توان فهمید که مقدمات یک معامله واقعی در شرف تکوین است. از طرف دیگر با خواندن مصاحبه های منتشر شده خمینی، ما به آن خوش بینی که منبع جبهه ملی در مورد اینکه، خمینی با رهبران محلی کنار خواهد آمد، نرسیده ایم. ما از گزارشات دیگری از پاریس در مورد گفته های خمینی قدردانی خواهیم کرد.

۳- در ملاقاتی که قبلاً بین کارشناس سفارت و نماینده نهضت آزادی در ۲۰ اکتبر ترتیب داده شده بود از تظاهرات اخیر کرمان (نهضت آزادی ادعا دارد که ۲۰ نفر کشته شده اند. ۵۰ نفر زخمی) و شهرهایی که حکومت نظامی در آنان اعلام نشده بود و بررسی موضعگیریهای اساسی آمریکا، صحبت شد. در مورد امکان برگزاری انتخابات منبع از گذشته خوشبین تر بود و وقتی که کارشناس سفارت خواست دلایل عدم تمایل نهضت آزادی در فشار آوردن برای برگزاری انتخابات را توضیح دهد، نماینده گفت که نهضت آزادی امکان دارد روشهایی را در نظر بگیرد تا اطمینان حاصل کند که انتخابات آزاد است. نماینده نهضت آزادی گفت تظاهرات مداوم باعث عکس العمل ارتش خواهد شد و کارشناس سفارت گفت که سیاست آمریکا اساساً مخالف حکومت نظامی می باشد و بر این مسئله تأکید کرد که نهضت آزادی و دیگر مخالفین برای تحکیم اهدافشان باید وضعی را به وجود بیاورند که دولت ایران احساس نکند اعمال نظامی ضروری هستند. نماینده نهضت آزادی تأکید کرد که می خواهد دوباره در ۳۱ اکتبر صحبت کند ولی چیزی در مورد سفر بازرگان به پاریس نگفت. نماینده نهضت آزادی خوشحال بود که آمریکا هنوز خواهان انتخابات بوده و بعد از گفتارهای معمول در مورد کمبودهای دولت شریف امامی، تلویحاً گفت که نهضت آزادی خواهان دولت بی طرفی است که انتخابات را برگزار کند. (توضیح: امکان دارد ملاقات ۲۰ اکتبر قبل از مطلع شدن منبع از سفر بازرگان برگزار شده باشد، ولی موضع مثبت او نسبت به اقسام دیگر فعالیت سیاسی غیر از تظاهرات مکرر نشان دهنده انعطاف پذیری بیشتر نهضت آزادی می باشد.) ۴- چند روز گذشته رهبران جبهه ملی چندین بیانیه دادند که اکثراً موضوعات مشترکی دارند. الف) دولت باید به اشتباهات گذشته خود اقرار کند ب) انتخابات فقط می تواند توسط افرادی برگزار شود که در ۲۵ سال گذشته در فساد دست نداشته باشند. ج) حکومت نظامی در ایران به فاجعه خواهد انجامید. عضو هیئت مدیره، بختیار، به کارشناس سفارت گفت عامل اصلی قانع کردن جبهه ملی به هر طرح انتخاباتی، این اطمینان بود که افرادی که مسئول وقایع گذشته بودند، نباید در رأس امور قرار گیرند. مشکلات دیگر در ایران شکستن اعتصابات و ریشه کن کردن فساد بود. شاه باید در برابر مجلس حاضر شود و به اشتباهات گذشته اقرار کند و خواهان احترام گذاری به قانون اساسی بشود و بگوید، که طبق تعریف قانون اساسی حکومت خواهد کرد. بختیار اقرار کرد که این کار برای او مشکل است و اضافه کرد که سخنرانی شاه برای مجلس در ۱۹ اکتبر (در تلکس جداگانه گزارش شده) که از ترتیبات انتقالی سخن می گفت شواهدی بود مبنی بر حقانیت مخالفین که می گویند، شاه سرسختانه با پذیرفتن حدود قانون اساسی مخالفت می کند. بختیار معتقد بود که بزرگترین مانع در راه انتخابات مشکل تضمین شرکت آزادانه گروههای مخالف می باشد. او به عنوان پیشنهاد گفت دولت انتقالی به رهبری یک قاضی می تواند یک ماه قبل از انتخابات روی کار بیاید.

۵ - نظر سفارت: فعالیت‌های مخالفین در چند روز گذشته به طور کلی نشان می دهد که نوعی همکاری با دولت توسط نیروهای وابسته به جبهه ملی در شرف تکوین می باشد. در حالی که این برای رهبران قدیمتر

مخالفین مشکل است و آنها می دانند که اعتصابات و خشونت برای کشور مفید نیستند. منابع نهضت آزادی و جبهه ملی بر امکان سوءاستفاده کمونیستها تأکید داشتند و مدعی داشتن شواهدی هستند مبنی بر اینکه طرفداران حزب توده پشت صحنه در دانشگاهها و جاهای دیگر مخصوصاً در محله های کارگری کار می کنند، خیلی از اعتصابات کارگری یک یا دو خواسته سیاسی در میان خواسته های اقتصادی دارند. اگر نتایج ملاقات در پاریس بین خمینی و مخالفین و دولت در جهت همکاری بین رهبران مذهبی داخلی و دولت ایران مساعد باشد، این می تواند جریان تشنج زدایی را شروع کند.

سولیوان

### تلاشهای آشتی جویانه دولت ایران با بازاریها

سند شماره (۳۰) خیلی محرمانه - تاریخ: ۲۴ اکتبر ۱۹۷۸ - ۲ آبان ۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن، گزارشگر. لامبراکیس موضوع: تلاشهای آشتی جویانه دولت ایران با بازاریها ۱- سناتورهای که محرم اسرار شریف امامی نخست وزیر است، کنسول سیاسی را در ۲۳ اکتبر، در جریان تلاشهای در حال پیشرفت برای کشاندن تاجرهای بازار از جبهه مخالفین به ۹ طرف دولت ایران، قرار داد.

۲- اولاً- سازمان اصنافی وجود دارد که سناتور رهبریت آن را خوب می شناسد و می تواند از طرف آنها اطمینان دهد. او رهبری را در جمعه ۲۰ اکتبر به دیدن نخست وزیر آورد و آنها خوشحال رفتند. یک کمیسیون مخصوص منصوب شد، که قرار است در طی ۲۰ روز با یک طرح قانونی برای تسلیم به پارلمان که به اصناف قدرت کنترل اساسی بر روی امور خودشان، همانطوری که می خواهند را می دهد، گزارش کند. به عبارت دیگر، کنترل قیمت و تلاشهای ضد رشوه خواری مسئولیت دولت ایران خواهد بود، نه مثل گذشته اخیر مسئولیت اصناف. اصناف در عمل سندیکایی مستقل خواهد شد. چونکه رئیس قبلی اصناف (به خاطر فساد) برکنار شده است، انتخابات جدید برای ۱۹ سپتامبر برنامه ریزی شده است. برقراری حکومت نظامی باعث تعویق انتخابات شد، ولی نهایتاً صورت خواهد گرفت. در این میان یک کارمند صادق و محترم دولت در وزارت بازرگانی به عنوان سرپرست عمل نموده است و امور اصناف را با کمک ۵ عضو اصناف اداره می کند. سناتور (که یک پیرمرد قدیمی برجسته در سیاستهای تهران است) گفت مشکل در مورد آنها وجود ندارد، آنها با دولت ایران کار خواهند کرد.

۳- یک گروه متفاوت دیگر تعدادی تاجر برجسته بازار هستند که از آیت الله خمینی پیروی و حمایت کرده اند. او لیستی از آنها برای کنسول سیاسی تهیه نمود که در حال ترجمه شدن است. او از این گروه دست برداشته است و روی آنها کار خواهد کرد.

۴- هدف حقیقی هم اکنون گروه سوم بازاریها است که به طور کلی راه میانه آیت الله شریعتمداری را پیروی می کنند. آنها را طرفداران خمینی می ترسند، ولی از موقعیت بیزار هستند و دارند پول از دست

می دهند. سناتور دو هفته دیگر قرار ملاقاتی برای نهار با آنها در بازار دارد.

۵- در این میان سناتور به سخت کار کردن روی تعدادی دیگر که با دولت ایران مخالفت می کنند ادامه می دهد. او به یک رهبر سیاسی برجسته (سید جوادی) SEHJAVADI اشاره نمود، که بعداً روی او کار خواهد کرد.

۶- او مجدداً اخطار کرد که تمام این اطلاعات در حال حاضر باید بدقت نگهداری شود.

### موارد موافقتنامه دولت ایران با مخالفین مذهبی

سند شماره (۳۱) از: سفارت آمریکا - تهرانخیلی محرمانه به: وزارت امور خارجه - واشنگتن، گزارشگر: لامبراکیس، موضوع: موارد موافقتنامه دولت ایران با مخالفین مذهبی خلاصه: محرم نخست وزیری جزئیات موافقت بین نخست وزیر و رهبر مذهبی میانه رو آیت الله شریعتمداری و همچنین مهدی بازرگان رهبر یک فرقه از جبهه ملی را فراهم آورده است. او گفت که وی به نخست وزیر نه گزارش کرده و نه اطلاع داده که این اطلاعات را به کنسول سیاسی می دهد و خواهش کرد که این اطلاعات بشدت محرمانه نگهداری شود. حساسیت آن (اطلاعات) می تواند به حساب این حقیقت که اطلاعات ما از چندین منبع دیگر تمایل به تناقض با آن دارد گذاشته شود. (پایان خلاصه).

۱- سناتوری که همکار پشت پرده شریف امامی نخست وزیر است در ۲۳ اکتبر به دنبال کنسول سیاسی بود، که او را در جریان موافقتنامه اخیر بین شریف امامی و نمایندگان شریعتمداری از مخالفین مذهبی میانه رو بگذارد. نخست وزیر با ۹ تقاضا از ۱۲ تقاضای مخالفین در عوض همکاری ساکت (آرام) که به وسیله آن بخش مهم از مخالفین قول داده شده موافقت نمود.

۲- به علاوه، بازرگان و میناچی رهبران مخالفین به فرانسه رفته اند که با خمینی صحبت کنند. برخلاف توضیحاتی که آنها به مطبوعات دادند، مأموریت اصلی شان این است که ببینند آیا خمینی با بازگشت به ایران در ۹ تا ۱۰ ماه براساس محترم شمردن قانون اساسی از طرف او (برای مثال؛ دست برداشتن از درخواستهایش برای سرنگونی رژیم سلطنتی، برقراری جمهوری اسلامی و غیره) موافقت خواهد نمود.

اگر خمینی موافقت نماید، تغییر در موضع عمومی او تدریجی خواهد بود. بازرگان و میناچی ۱۰ روز برای خودشان در فرانسه برای انجام این کار زمان قرار داده اند.

۳- تقاضاها در ملاقات سری با نخست وزیر به وسیله بازرگان، میناچی و پسر شریعتمداری و منبع ما که تمام جریان را ترتیب داده بود ارائه شد. (سحابی که از جناح چپ جبهه ملی است نیز قرار بود بیاید، ولی منبع ما اضافه می نماید که او پیدایش نشد). نسخه نوشته شده ای از تقاضاها به ما قول داد شد است. در این میان مطالب زیرین از حافظه سناتور آمده است. ۹ تقاضای موافقت شده عبارتند از:

الف: بازرگان، میناچی و رهبران مذهبی می خواهند حزب خودشان را تشکیل دهند. آنها متقاضی عدم دخالت و اگر امکان پذیر باشد حمایت از طرف دولت ایران می باشند. نخست وزیر قول حمایت داد.

ب: تقاضا دارند که به محل اجتماع مذهبی (حسینیه ارشاد) در جاده قدیم شمیران اجازه گشایش مجدد داده شود. اجازه داده شد.

ج: به سازمان حقوق بشر میناچی - بازرگان به طور رسمی اجازه ثبت داده شود، اجازه داده شد.

د: آزادی کامل مطبوعات، اجازه داده شد (این به پیش از اعتصاب اخیر روزنامه نگاران که منتج به تسلیم دولت ایران به تقاضاهای روزنامه نگاران شد برمی گردد).

ص: ۲۴۸

ه: خانواده سلطنتی خارج از تمام کارها باقی بمانند و به طور کلی تحت کنترل جدی قرار گیرند.

نخست وزیر گفت که او مشتاقانه موافقت نموده و برای این کار فشار خواهد آورد.

و: انتخابات آزاد تابستان آینده به تعویق نیفتد، موافقت شد.

ز: قانون ویژه ای برای سرعت بخشیدن به محاکمات در مورد فساد. نخست وزیر موافقت نمود که از مجلس تقاضا کند چنین قانونی را بگذراند، ولی متذکر شد که این قانون باید معتدل باشد نه آنچنان شدید که دولت را از زیر خراب کند.

ح: شاه سلطنت کند نه حکومت و بنابراین در کارهای روزانه دولت ایران دخالت ننماید. نخست وزیر موافقت نمود و اشاره کرد که به هر حال شاه همیشه باید به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح باقی بماند. او اشاره نمود که در حال حاضر وی مشکلات خودش را با شاه و ارتش دارد و گفت در شرایط فعلی وی نمی تواند از این جلوتر برود.

و: موضوعات مذهبی بیشتری در کتب درسی مدارس وجود داشته باشد. نخست وزیر با الحاق چیزهایی که اشخاصی نظیر بازرگان، میناچی و شریعتمداری به آن معتقدند موافقت نمود و نه با مقدار زیادی آشغالهایی که به وسیله بعضی ملاحا موعظه می شود.

۴- سه تقاضایی که به وسیله نخست وزیر قبول نشد عبارتند از:

الف: پایان فوری حکومت نظامی، نخست وزیر گفت او تلاش خواهد نمود که آن را قبل از شش ماه اگر امکان پذیر باشد پایان دهد.

ب: انحلال فوری پارلمان. نخست وزیر گفت او ممکن است بعدا امکان منحل کردن پارلمان را در یک یا دو ماه قبل از ژوئن آینده و انتقال به دوره انتخاباتی پس از آن را در نظر بگیرد.

ج: آزادی تمام زندانیان سیاسی. نخست وزیر آزاد ساختن آتی تمام زندانیان بجز آنهایی که محکوم به جرایم ویژه ای از قبیل قتل، تروریسم و غیره هستند را متذکر شد (روز تولد شاه).

۵ - گروه علاقه اش به ادامه گفتگو از جانب آیت الله شریعتمداری را ابراز نمود. به هر حال افراد زیادی اینروزها ادعا می کنند که از طرف او صحبت می کنند. نخست وزیر باید بداند که تنها نمایندگان قانونی شریعتمداری، میناچی یا عباسی (یک محرم نزدیک شریعتمداری) باید باشند. آنها یا مستقیما به خود نخست وزیر و یا توسط سناتور باید مراجعه نمایند و نه هیچ کس دیگر.

۶- نظریه: برای ما روشن نیست که چرا سناتور در این لحظه تصمیم به آشکار ساختن جزئیات برای سفارت گرفت، مگر اینکه او به دنبال رابطه بلند مدت خوب با ما باشد (وی گفت این کار را به خاطر کشورم انجام می دهم) و ممکن است ترجیح دهد در صورتی که ما به آن از طریق مخالفین آگاهی پیدا کنیم، اولین کسی باشد که آن را به ما می گوید. اعتماد به این گزارش

برخلاف اطلاعاتی که از منابع مختلف دیگر به نتیجه رسیدن هر نوع موافقتی را تکذیب می نماید، می باشد، اگر چه آیت الله شریعتمداری مشتاق یک موافقت می باشد. حساسیت شدید اطلاعات در این زمان می تواند به حساب نقل قولهای متضاد گذاشته شود.

### **تحولات سیاسی از نگاه شریف امامی**

ص: ۲۴۹

سند شماره (۳۲) خیلی محرمانه - تاریخ: ۲۹ اکتبر ۱۹۷۸ - ۷ آبان ۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: تحولات سیاسی ۱- سناتور نزدیک به شریف امامی در ۲۹ اکتبر از طریق واسطه با کنسول سیاسی تماس گرفت که بگوید او تازه نخست وزیر را دیده است و او (نخست وزیر) علیرغم شایعاتی که در شهر وجود دارد که دولت او در حال سقوط است، محکم ایستاده است. نخست وزیر با شریعتمداری صحبت کرده بود. دومی (شریعتمداری) پسر و دامادش عباسی را به پاریس می فرستد (احتمالاً برای بحث بیشتر با خمینی).

۲- او همچنین گفت که وزیر امور اجرائی - آزمون استعفا کرده است و استعفایش قبول شده است. (در مطبوعات امروز استعفا رد شده بود) او در مقامش خواهد بود تا زمانی که جانشینی پیدا شود.

اکنون جانشینی پیدا شده و استعفا بزودی اعلام خواهد شد. (به نظر می رسد که این با گزارش از طرف محرم دیگر شریف امامی که به ما گفت نخست وزیر به خاطر اینکه ۱۱ وزیر اصلی او به وسیله شاه معین شدند، منجمله وزیر امور خارجه، ناراحت بود و اینکه او برای عوض کردن آنها تلاش خواهد نمود، جور در می آید. آزمون وزیری بود که نخست وزیر باید بیشتر از همه با او مخالف می بود، امین (صنایع و معادن) و کانی (اوقاف) کمتر از دیگران.

## وضعیت سیاسی ایران

سند شماره (۳۳) صورت مذاکرات خیلی محرمانه شرکت کنندگان: شهریار آهی، بانک عمران، مجید تهرانیان، مؤسسه توسعه و ارتباطات ایران، استیفن کوهن، معاون دستیار دبیر، کارل کلمنت، مأمور میز ایران (وزارت خارجه)، جورج لامبراکیس، کنسول سیاسی، جان استمپل، مأمور سیاسی زمان و مکان: ۶ نوامبر ۱۹۷۸ - مؤسسه توسعه و ارتباطات ایران (برابر با ۱۵ آبان ۵۷)، موضوع: وضعیت سیاسی ایران در طول بیش از ۲ ساعت و نیم بحث، آهی و تهرانیان مشاهدات جالبی را در مورد جنبه های سیاسی - اجتماعی بحران جاری ایران ارائه کردند. کوهن روی سیاست حقوق بشر ایالات متحده براساس اثر آن بر روی ایران صحبت نمود و گروه بحث کرد که آیا بحران سیاسی تهران بدون تحریک سیاسی حقوق بشر ایالات متحده رخ می داد.

ریشه های وضعیت فعلی آهی گفت دفاع دولت کارتر از حقوق بشر با تمایل دولت ایران بدادن آزادی سیاسی دست به دست هم دادند و موقعیتی را به وجود آوردند، که دولت ایران کنترل های سیاسی را در زمانی که نارضایتی اقتصادی بالا می گرفت کم کم از میان برداشت. در نتیجه ۱۰ تا ۱۵ سال سرکوبی مخالفین سیاسی، جنبشهایی نظیر جبهه ملی و جنبش های مذهبی به طور زیرزمینی فعالیت کرده اند. مخالفین مجبور بوده اند به مذهب روی



بیاورند و در چند سال گذشته نفوذ مذهبی در زندگی ایرانی قوی تر شده است. تهرانیان گفت تحقیقی به وسیله مؤسسه توسعه ارتباطات ایران که دو یا سه سال پیش انجام شد، نشان داد که ۶۰ درصد دانشجویان دانشگاه بر یک پایه ایدئولوژیکی در دکماتیک ترین حد ممکن بودند. آنهایی که با رژیم فعلی مخالفت کردند خودشان را جلب شده به طرف مخالفین مذهبی دریافتند، حتی جنبشهای چریکی که در ۱۹۷۱ شروع شد.

تحولات جاری کلمنت اشاره کرد شاید سیاست حقوق بشر ایالات متحده یک عامل جزئی بوده و اینکه از میان برداشتن ترس از ساواک از طریق اعطای آزادی سیاسی با این حقیقت که جنبش های اولیه چریکی نشان داده بودند که سیستم ضربه پذیر است به هم پیوستند و ساواک را کمتر از عالی جلوه دادند.

گروه توافق داشت که اعطای آزادیها فوراً منجر به مبارزه بر علیه فساد و برکندن ریشه آن گردید. آهی گفت که راهی بهتر برای هدایت کردن جریان اعطای آزادیها، می توانسته یک جریان متوالی بوده باشد. شاه می توانست از موضع قدرت حرکتی بسیاری انجام دهد، تا اینکه تحت فشار مجبور به دادن امتیازات گردد.

سازمان حزب بحث به تکامل احزاب سیاسی معطوف گردید. تهرانیان و آهی توافق داشتند که حزب رستاخیز یک فاجعه بود. حزب به سادگی نمی توانست به طور صحیح شکل داده شده و ساخته شود. حزب رستاخیز هیچ انگیزه حرفه ای و شغلی نمی داد و در مراحل بعدی آن، امیدی برای نفوذ بر روی سیاست دولت وجود نداشت. آهی تصور می کرد که شاه بین دو مفهوم حزب گیر افتاده بود. حزب به عنوان یک سازمان (گروهی از کارکنان دفتری که به وسیله نفع شخصی دارای انگیزه شده اند) و به عنوان منقذ دولت که به اعضایش این شانس را بدهد که از سیاست دولت انتقاد کنند و روی آن نفوذ پیدا نمایند، شکست خورد.

تهرانیان گفت پارلمان ایران احتمالاً به درد ساختمان حزبی به معنای غربیش نمی خورد. او اشاره کرد که ایرانیها اصلاً طرفدار استبداد هستند که بین نهایت مفعولیت (تأثیر پذیری به میزان خیلی زیاد) و حداکثر سبیت (وحشیگری) در تناوب می باشند. بی رحمی در فعالیتهای کنترل شده ساواک در اوایل دهه ۱۹۷۰ آشکار بوده است. تأثیر پذیری احتمالاً در رقابت برای جلب توجه و مرحمت سلطان یا رهبر که نشان ویژه سیاستهای دربار بود، انعکاس پیدا نمود. حتی در دوران احزاب مردم و ایران نوین نمایش اینکه احزاب برای طرفداری و توجه شاه رقابت می کنند، سودمند بود.

سیر تکامل شاه در ایران تهرانیان و آهی این نکته جالب را متذکر شدند که وقتی شاه یک سلطان ضعیف بود و به وسیله آشوبهای داخلی و خارجی احاطه شده بود علاقه ای واقعی نسبت به او وجود داشت. کلمنت اشاره کرد که ایرانیان اساساً قدرت را در یک مرد بدون قدرت می بینند. گروه توافق داشت که آیت الله خمینی از این تاکتیک استفاده نمود و اینکه سخنرانی شاه در اعلام دولت نظامی بازگشتی به این فرم بود که او از ۱۹۴۹ به

این طرف آن را به کار نبرده بود. برای اولین بار در سالیان دراز شاه با صدایی مطیع و لحنی فروتنانه صحبت کرد. استفاده او از «من» بجای «ما» زمانی که او خود را به حکومت قانون اساسی متعهد نمود، قویا نیت او را برای اینکه یک سلطان مطابق قانون اساسی باشد می رسانید. در جواب به یک سؤال تهرانیان با آمادگی توافق داشت که گریه کردن ممکن بود به قضیه شاه کمک بیشتری بنماید، ولی به هر حال رفتار و طرز برخورد عمومی او در طول سخنرانی قطعا به ایرانیان این طور می رسانید که او از گذشته درس عبرت گرفته است در حالی که امکان دارد بعضی از شرکت کنندگان با برخی از نظریاتی که در بالا به طور خلاصه شرح داده شد مخالف باشند، تمام آمریکاییها احساس کردند که این یک درون بینی جالب در فکر سیاسی ایرانی بود. آهی و تهرانیان که در حدود ۳۵ سال دارند، روشنفکران ایرانی هستند که راجع به جریانات سیاسی تعمق قابل ملاحظه ای نموده اند.

### مخالفین در عکس العمل نسبت به سخنرانی شاه از هم جدا می شوند

سند شماره (۳۴) سری - توزیع محدود تاریخ: ۷ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۱۶ آبان ۱۳۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن گزارشگر: جان استمپل موضوع: مخالفین در عکس العمل نسبت به سخنرانی شاه از هم جدا می شوند خلاصه: در معیت ملاقات کنندگان از واشنگتن مقامات سفارت با دکتر میناچی و همچنین رهبران نهضت آزادی ایران گفتگو کردند. عکس العمل آنها نسبت به دستگیری قدرت به وسیله نظامیان اساسا مختلف است. میناچی معتقد است این اقدام چنانچه دولت نظامی در کوتاهترین زمان ممکن با دولت ائتلاف ملی جایگزین شود، امکان دارد مؤثر واقع شود. رهبری نهضت آزادی همچنان تبعیت شفاهی مطلق سخت خود را از خط خمینی حفظ می نماید و اصرار دارد که شاه باید برود. نهضت آزادی ایران در دولت ائتلافی شرکت نخواهد کرد، مگر این که خمینی آن را تأیید بنماید و ادعا می کند که مردم هرگز دولت نظامی را قبول نخواهند کرد. نهضت آزادی ایران ادعا می کند که هیچ کس در دولت ائتلافی شرکت نخواهد کرد، چنانچه خمینی به مخالفت با آن ادامه دهد. (پایان خلاصه).

۱- کوهن قائم مقام دستیار دبیر A.H کلمنت مأمور میز ایران و مأمور سفارت - استمپل با دکتر ناصر میناچی در ۶ نوامبر و در آستانه اعلام شاه مبنی بر به دست گرفتن موقتی قدرت به وسیله دولت نظامی گفتگو کردند. میناچی گفت این حرکت تا زمانی که دولت نظامی به مدت کوتاهی بر سر کار باقی بماند و کاری انجام ندهد که مانع ظهور سریع یک دولت ائتلاف ملی جدید همان طوری که شاه قول داد، بشود، ممکن است مؤثر واقع شود. میناچی پیشنهاد کرد که شاه ممکن است حتی یک مقام برای مذاکره در مورد چنان دولتی معرفی نماید و یا شکلی از شورای سلطنت یا مجلس مؤسسان را جهت اعلام یا تصویب چهارچوبی جدید برای دولت به وجود بیاورد. او تصور می کرد که امکان دارد که رهبران مذهبی (منظور او میانه روها بود) را نیز به ترتیبی همراه نمود. مهمترین جنبه بحث او ادراک او از اینکه جای مانور وجود دارد بود. میناچی آیت الله شریعتمداری را در ۷ نوامبر در قم خواهد دید. او هنوز به دنبال موافقت دولت ایالات متحده با تلاشها و طرحهایش می باشد.

۲- توضیح میناچی در مورد مذاکرات بین خمینی و مهدی بازرگان از نهضت آزادی و خودش از اهمیت مساوی برخوردار بود. میناچی گفت خمینی یک موضع سخت و محکم را حفظ می کند (او از این موضوع با ناامیدی آشکار مشخصی صحبت می کرد). خمینی روی سه موضوع اصرار می ورزد:

۱- شاه باید کناره گیری کند و کشور را ترک کند.

۲- سلسله های سلطنتی باید منفصل گردد.

۳- رژیم باید یک جمهوری باشد که رئیس مملکت همیشه انتخاب شود.

خمینی گفت که او برنامه ای برای آینده دارد. میناچی گفت پسر و داماد آیت الله شریعتمداری به پاریس رفته بودند که نامه ای از شریعتمداری برای دریافت «برنامه خمینی» به صورت نوشت شده را به خمینی بدهند. شریعتمداری انتظار دارد که جوابی در پایان این هفته یا اوائل هفته آینده دریافت کند. او تصمیم گیری را تا آن زمان به تعویق خواهد انداخت.

۳- قابلیت انعطافی که به وسیله میناچی نشان داده شد و به وسیله رهبر دیگر جبهه ملی - بختیار، یک روز جلوتر به طور ضمنی ابراز شد با گرایش و برخورد تند افراطی که به وسیله گروه رهبران جبهه ملی متشکل از بازرگان، پروفیسور سحابی، و محمد توکلی که با کوهن، کلمنت، استمپل و کنسول سیاسی - لامبراکیس در بعدازظهر ۶ نوامبر ملاقات کردند، در مغایرت عمده ای می باشد. جلسه معارفه این اطلاعات را در بر می گرفت که بازرگان از طریق لندن به پاریس رفته بود و در آنجا (لندن) با عفو بین المللی که قرار است در هفته آینده تیمی برای کار کردن روی وضعیت زندانیان به ایران بفرستد، ملاقات نمود. تیم نهضت آزادی ایران فکر می کردند که بیش از ۶۰۰ زندانی سیاسی باقی مانده اند.

۴- تیم نهضت آزادی بعداً متذکر شد که دو حقیقت گفتگو نشده در قضیه جاری وجود دارد: یک اکثریت ممتاز از ایرانیان شاه و رژیم او را نمی خواهند و یک اکثریت قاطع از مخالفین، خمینی را به عنوان رهبرشان در نظر دارند و به دنبال یک دولت اسلامی هستند. سلطان به طور واژگونه ای مورد تنفر است.

آنهايي که منجمله کشورهایی که، به دنبال ثبات در ایران هستند در این تفکر که شاه می تواند آن را حفظ کند، اشتباه می کنند. آنها باید جنبش اسلامی را مورد توجه قرار دهند. ممکنست روی ارقام نهضت آزادی که اکثریت با شاه مخالفند بحث کرد، ولی گروه هم رأی باقی ماند و بازرگان اصرار می ورزید خمینی به خاطر موضع آشکارش بر علیه شاه رهبر ایرانیان است. او گفت حتی پیروان شریعتمداری در مسائل سیاسی به خمینی احترام می گذارند (تسلیم می شوند). در جواب به لامبراکیس در این مورد که آیا مردم از یک جمهوری اسلامی طرفداری می کنند، سحابی گفت مردم دولت اسلامی می خواهند نه لزوماً جمهوری اسلامی. نهضت آزادی فکر می کرد که کمیته انتخاب شده به وسیله مردم باید به طور موقتی جایگزین سلسله سلطنتی بشود و تا بعد از برگزار شدن انتخابات آزاد حکومت کند. با توجه به وقایع جاری، بازرگان گفت موضوع روشن است: یا شاه می رود یا اکثریتی از ایرانیان بایستی که کشته شوند. نهضت آزادی چیزی جز کشتار از دولت نظامی انتظار ندارد. بازرگان به تندی با گفته شاه که او به دنبال یک دولت ائتلافی است به مخالفت برخاست. بازرگان گفت

شاه می خواهد که ارتش و پلیس را تحت کنترل خود نگهدارد که در دولت مداخله کند. این دلیل شکست معامله با امینی بود. او به عنوان یک فکر بعدی اضافه کرد که حتی شریف امامی اقبال بیشتری می داشت، اگر که او کنترلی بر روی ارتش داشت.

۵- لامبراکیس در مورد اصرار نهضت آزادی مبنی بر ترک کردن شاه به عنوان اولین مرحله هر

ص: ۲۵۳

قراردادی سؤال نمود. او اشاره کرد که از شاه نمی توان انتظار داشت که همه چیز را یکباره رها کند و شاه در تضمین نمودن مبادله هر موافقت امکان پذیری بین خودش و مخالفین دارای ارزش است. بازرگان تصریح نمود که هیچ راهی برای خارج شدن از بن بست وجود ندارد، مگر این که شاه برود. او یک جریان مرحله به مرحله با رفتن شاه و با بر سر کار آمدن دیگران برای کار کردن روی دولتی که مورد قبول خمینی باشد را می دید. (وقتی از او سؤال شد این به چه معناست، بازرگان گفت که خمینی تازه شروع به کار کردن بر روی نوعی از تجویز در این مورد که ایران چه نوعی دولتی می خواهد داشته باشد، کرده است). سحابی گفت اولین مرحله آشکارا بایستی که عزیمت شاه باشد. دومین مرحله انتخابات آزاد مردم برای پارلمان و ظهور دولت اسلامی خواهد بود. لامبراکیس سؤال کرد پس از اینکه شاه رفت چه چیزی می تواند مانع چند سرهنگ از به دست گرفتن قدرت و تیراندازی به طرف تمام مخالفین گردد. بازرگان استوار و محکم باقی ماند و عملاً واقع شدن این وضعیت را رد کرد. به هر حال این اشاره به نظر رسید که او را کمی ناراحت نمود.

۶- در جواب به سؤال کوهن در اینباره که آیا چیز امیدوار کننده ای در سخنان شاه برای ملت وجود داشت، بازرگان (کمی به طور متناقض) گفت اعلامیه (سخنرانی) به خوبی تهیه و پرداخته شده بود و می توانست بدون دولت نظامی دقیقاً همان چیزی باشد، که ما خواستیم. سخنان در صورتی که حسن نیت وجود می داشت می توانست اجرا گردد ولی مردم وعده های شاه را قبول نخواهند کرد، حتی تعهد او را نسبت به قانون اساسی. کلمنت سپس پرسید که آیا نهضت آزادی در یک دولت ائتلافی که ممکن است به وجود آید شرکت می کند؛ در حقیقت هیچ دولتی چنانچه آیت الله خمینی با آن مخالفت کند، نمی تواند ظهور پیدا نماید و شاه آن را غیر ممکن می بیند که هر مخالف دیگری را راضی بنماید که یک دولت ائتلافی تشکیل دهد.

۷- نظریه سفارت: هر دو مأموران سفارت و دیدار کنندگان از موضع افراطی خیلی شدیدی که به وسیله رهبران نهضت آزادی گرفته شده بود، ضربه خوردند. آشکارا عکس العمل بازرگان نسبت به تقاضای خمینی این بود که با آنها همراه شود در حالی که عکس العمل میناچی نگاه کردن به دورو بر برای پیدا کردن راهی در پیرامون آنها (تقاضاها) بود. هیچ کدام از رهبران نهضت آزادی قابلیت انعطاف محدودی که در گفتگوهای قبل با مأموران سفارت وجود داشت را نشان ندادند. در حقیقت همان طوری که یک دیدار کننده اشاره کرد مشکل است تصور کنیم که این گروه از رهبران نهضت آزادی قادر باشند که یک کشور مدرن و بزرگ مثل ایران را اداره کنند. گفتگو حالت درگیری و بحث ایدئولوژیکی به خود گرفت، تا بحث سیاسی.

۸- مطالب بالا به وسیله تمام شرکت کنندگان دولت ایالات متحده تصحیح شد (روشن شد).

## عکس العمل های خمینی

سند شماره (۳۵) سری - تاریخ: ۷ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۱۶ آبان ۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران: وزارت امور خارجه، واشنگتن موضوع: عکس العمل های خمینی ۱- تا این لحظه تمام ایران منتظر است که بشنود آیت الله خمینی چگونه در مقابل سخنرانی شاه و منصوب نمودن دولت نظامی عکس العمل نشان می دهد. ما تاکنون روی تلگرافهایی که از پاریس می آید،

چیزی ندیده ایم.

۲- با این وجود، سفارت انگلیس می گوید که دو گزارش متناقض از پاریس دریافت نموده است. رویتر می گوید؛ خمینی از پیروانش خواسته است که به مقاومت ادامه دهند. سرویس جهانی بی.بی.سی.

می گوید، وی تقاضای قیام مسلحانه نموده است. سفیر انگلیس از FCO خواسته است تا تلاش کند بی.بی.سی. را وادار به اجتناب ورزیدن از بی مبالاتی در سرویس فارسی خود که برنامه بعدی آن در ساعت ۳۰/۱۵ پخش خواهد گردید، بنماید، خصوصاً برای بی.بی.سی. گزارشی قیام مسلحانه اگر که حقیقتاً ناصحیح باشد، مایه تأسف خواهد بود.

۳- تقاضاهای خمینی برای مقاومت وضعیتی بحرانی را در اینجا مطرح می سازد. باید دید که آیا روحانیون اینجا با وی مخالفت خواهند نمود و بر اعتدال اصرار خواهند داشت یا تقاضاهای رادیکال او را تأیید خواهند نمود. آن تصمیم ماهیت آتیه سیاسی اینجا را معین خواهد کرد.

۴- در هر حال اگر تقاضاهای خمینی در اینجا مورد قبول واقع شود، ما انتظار یک بخش ضد خارجی در مجموع آن را داریم. جامعه بزرگ آمریکایی در اینجا مورد خطر خواهد بود. بنابراین ما قویاً پیشنهاد می کنیم اگر که امکان پذیر است هر گونه بیانیه رسمی برای حمایت از دولت نظامی که مقامات واشنگتن احساس می کنند باید بیان گردد، قبلاً با این سفارتخانه (تهران) در میان گذارده شود.

### گزارش مطبوعاتی بی.بی.سی. در مورد خمینی

سند شماره (۳۶) سری - تاریخ: ۷ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۱۶ آبان ۵۷ از: سفارت آمریکا - لندن به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: گزارش مطبوعاتی بی.بی.سی. در مورد خمینی ۱- تلکس مرجع الف تا پس از پخش برنامه ساعت ۱۱ بی.بی.سی. دریافت شد.

۲- ما فوراً نگرانی شما را به اطلاع (FCO) فرانک جاد وزیر کشور رساندیم و وی قول داد که موضوع را به منظور مطمئن شدن از صحت گزارشات خبری بی.بی.سی. در سرویس فارسی مورد بررسی قرار دهد.

۳- درست پس از تلفن ما به جاد (JUDD) مأمور بخش ایران (در وزارت خارجه) انگلیس به پارسونز سفیر آمریکا گفت که وی به تازگی به لوکاس سرپرست دپارتمان خاورمیانه تلفن زده تا گزارش کند که وی با در نظر گرفتن مشکل ترجمه دقیق کلمات فارسی که مورد استفاده قرار گرفته، مطمئن نیست که آیا بی.بی.سی. می تواند به طور منصفانه متهم به بی دقتی شود یا نه. تا آنجایی که (FCO) می داند مأمور بخش ایران نتیجه گرفت که زمینه واقعی برای شکایت از بی.بی.سی. وجود ندارد.

۴- چند دقیقه پیش مایکل ریچاردسون یکی از کارمندان جاد به (DCM) تلفن کرد، تا گزارش کند که از ساعت ۳۰/۱۰ روز ۶ نوامبر هیچ گونه اشاره ای به خمینی در هیچ کدام از برنامه های فارسی بی.بی.سی. نشده است.

در ۶ نوامبر از خمینی نقل قول شده بود که وی «هیچ گونه نیازی به شورش مسلحانه» نمی بیند.

ریچاردسون از پیدا کردن هر گونه اشاره دیگری در برنامه ها به «قیام مسلحانه» عاجز بوده است. با این وجود ریچاردسون بر اعتقاد (FCO) که منظور ما خوب فهمیده شده تأکید کرد - خصوصا در این روزهای

ص: ۲۵۵

بحرانی حیاتی است که بی.بی.سی. در گزارشاتش کاملاً دقیق باشد.

## طرح مخالفین برای کناره گیری شاه

سند شماره (۳۷) خیلی محرمانه - تاریخ: ۹ نوامبر ۱۹۷۸ - ۱۸ آبان ۱۳۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن گزارشگر: لامبراکیس موضوع: طرح مخالفین برای کناره گیری شاه خلاصه: به سفارت انگلیس و ما، آخرین طرح مخالفین برای حل بحران جاری ارائه شده است. طرح، کناره گیری شاه، شورای سلطنت، انتخابات آزاد و مجلس مؤسسان برای در نظر گرفتن ادامه رژیم سلطنتی یا تغییر به هر شکل دیگری از حکومت را مورد نظر دارد. از ما و سفارت انگلیس تقاضا شده که این (طرح) را به شاه ارائه کنیم.

۱- میناچی رهبر مخالف مذهبی - حقوق بشر در ۴ نوامبر به سفیر انگلیس دسترسی پیدا نمود و دیروز ملاقاتی در پی آن با رئیس دفتر سفارت انگلیس در ۸ نوامبر برای ارائه راه حلی مطابق قانون اساسی در مورد موقعیت فعلی داشت. میناچی عناصر طرح خود را برای کنسول سیاسی در ۹ نوامبر و پس از آنکه انگلیسیها ما را در این مورد در جریان گذاشتند، تکرار نمود.

۲- راه حل، کناره گیری و عزیمت شاه را مجسم می نماید. شورای سلطنت به ریاست ملکه یا هر کس دیگری که شاه تعیین کند با حداقل چهار غیر نظامی و سه نظامی دارای استحکام (قدرت) می شود. در میان غیر نظامیان نمایندگان احزاب سیاسی و همچنین احتمالاً نخست وزیر و رئیس پارلمان خواهند بود.

سه نظامی شامل ژنرالهای بازنشسته مثل جم، گارزان، مدنی یا اخوی خواهند بود. حضور آنها به منظور حفظ همکاری ارتش در این مرحله می باشد. انتخابات برای مجلس مؤسسان به مدت کوتاهی پس از آن دنبال خواهد شد و مجلس برای تصمیم گرفتن در مورد اینکه آیا هیچ ماده ای از قانون اساسی احتیاج به متمم دارد یا نه تشکیل خواهد شد.

۳- میناچی متذکر شد که صحبتهایی از رفتارندم در مورد ادامه رژیم سلطنتی بوده است، ولی مخالفین ایده ای که در گذشته تجربه شده است را دوست ندارند. مجلس مؤسسان با قانون اساسی ۱۹۰۶ شروع خواهد کرد و خواهد دید که چه چیز لازم است اضافه و یا عوض بنماید.

۴- میناچی که تازه از قم برگشته بود گفت که وی موافقت شریعتمداری و آیت الله گلپایگانی و مرعشی را با این پیشنهادات به دست آورده است. او همچنین موافقت بازرگان (که میناچی به او خیلی نزدیک است) را به دست آورده است و انتظار دارد که دیگران از قبیل سنجابی سریعاً موافقت نمایند، چون که این طرح چیزی را ارائه می دهد که آنها می خواهند وقتی که کنسول سیاسی اشاره نمود که این نمایانگر سخت تر شدن موضع مخالفین میانه رو (خمینی بکنار) به میزان قابل توجهی می باشد، میناچی قبول کرد که فقط جزئی (موضع) از آن سخت تر شده است. او گفت شریعتمداری و دیگران در مورد اجرای قانون اساسی ۱۹۰۶ صحبت می کرده اند. از نظر فنی این شامل متممهای بعدی نمی شود. متمم ۱۹۲۵ است که صحبت از سلطنت دایمی به وسیله سلسله پهلوی می ماند. او همچنین قبول داشت که این متمم ها بود که



شامل قوانینی برای تصویب تمام قوانین مجلس به وسیله ۵ ملا بود. بنابر این میناچی به طور ضمنی رسانید که شریعتمداری از ابتدا درباره پایان دادن به سلسله پهلوی صحبت می کرده است.

۵- کاملاً روشن بود که میناچی این طرح را به سفارتخانه های انگلیس و ایالات متحده ارائه می کند که دو سفیر کبیر آن را به شاه عرضه نمایند و او را وادارند که آن را قبول نماید. مخالفین آماده بودند که طرح را مستقیماً به شاه بدهند، ولی فقط قبل از اینکه انگلیسی ها و آمریکاییها وی را برای آن آماده کردند. میناچی گفت او دیکتاتوری قوی است و مطمئناً اگر که مخالفین طرح را اول به او عرضه نمایند آنرا به کناری پرت خواهد کرد. چونکه شاه بشدت روی حمایت مستمر از جانب دولت های آمریکا و انگلیس تکیه می کند.

توجه او نسبت به طرح چنانچه آن دو دولت حمایت خودشان را از آن نشان دادند به مقدار زیادی ساده تر خواهد گردید. مخالفین می خواهند به دولت آمریکا و انگلیس اطمینان دهند که (مخالفین) آنها را به عنوان دوستانشان می پندارند و تشخیص می دهند که آنها منافع اساسی در ایران برای حفاظت دارند.

۶- کنسول سیاسی گفت خوشحال است که طرح به صورت جزئیات برای او تشریح شده است و البته آن را به سفیر کبیر و واشنگتن گزارش خواهد نمود. او فکر می کرد که رئیس دفتر سفارت انگلیس مقدماتاً عکس العملی منفی نشان داده است که کنسول سیاسی صادقانه فکر می کند که آن عکس العمل دولت ایالات متحده نیز باشد. میناچی آگاه بود که او از ایالات متحده و انگلیس تقاضا می کرد که در جریانات سیاسی داخلی ایران دخالت نکنند. او مشکوک بود که دولتهای ایالات متحده و انگلیس بخواهند چنین کنند و یا این مسئولیت را به عهده بگیرند که چنین قدمی موجب تضمین یک نتیجه خشنود کننده از نظر تمام گروههای ذی نفع و مردم ایران خواهد بود. برتر از آن او فقط جرأت کرد بگوید (با یک حالت شخصی) که طرح به نظر او نابهنگام می رسد. با شاه که فقط چند روز پیش قادر به پایان رسانیدن مذاکرات برای یک دولت ائتلافی نبوده است و به برقراری یک دولت نظامی اجازه داده است، طرح به نظر می رسد که یا خیلی زود و یا خیلی دیر باشد. میناچی درک خودش را با یک لبخند نشان داد و بحثی نکرد.

۷- نظریه: طرح آن طوری که عنوان می دارد، البته یک دعوت مؤدبانه از شاه برای تسلیم است. طرح تمام عوامل، بهترین نتیجه ممکن را از نقطه نظر مخالفین به هم می پیوندد. در عین حال نشانه کمی وجود دارد که مخالفین آماده باشند، خیلی از این طرح به عقب برگردند و مذاکره نمایند. ما نمی توانیم پیش بینی کنیم که شاه به طور جدی نسبت به آن توجه کند، مگر اینکه دولت نظامی در برقراری نظم و قانون شکست بخورد و او بدون هیچ راه حل بادوام اختیاری دیگری، در تمایلش برای برقراری ثبات در ایران، باقی مانده باشد.

## گزارش وضعیت ایران

سند شماره (۳۸) سری - تاریخ: ۹ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۱۸ آبان ۵۷ از: وزارت امور خارجه و واشنگتن به: تمام پستهای دیپلماتیک اروپایی، خاور نزدیک و جنوب آسیا موضوع: گزارش وضعیت ایران شماره ۹، ۹ نوامبر ۱۹۷۸ ۱- وضعیت ایران از ساعت ۱۵:۳۰، ۹ نوامبر ۱۹۷۸ ۲- تهران آرام باقی ماند، ولی گزارشاتی از آشوب در استانها وجود داشت است و در غیاب

پوشش

ص: ۲۵۷

خبری روزنامه‌ها و به حداقل رسیدن گزارشات رادیویی شایعات فراوان شده‌اند. افزایشی در تعداد تهدیدهای تلفنی بی‌هدف به خارجیها وجود داشته است و به آنها نصیحت شده که ایران را ترک نمایند؛ و گرنه کشته می‌شوند. هیئت نمایندگی اسرائیل گزارش تأیید نشده‌ای دارد مبنی بر اینکه ۴ آلمانی در ساری در سواحل دریای خزر کشته شده‌اند. به پرسنل برنامه توسعه سازمان ملل توصیه شده به علت این که وزارتخانه‌های دولتی کار نمی‌کنند تا اطلاع بعدی در خانه‌ها بمانند.

۳- از طرف مخالفین از ایالات متحده و انگلیس خواسته شده که شاه را برای آخرین پیشنهاد آنها که توسط آیت‌الله‌های برجسته در قم تأیید شده و خواستار کنار رفتن شاه و انتخابات آزاد می‌باشد، آماده کنند. میناچی رهبر مخالفین گفت: مخالفین تمایل دارند انگلیس و ایالات متحده را از دوستی خود و تشخیص اینکه ما (آمریکا و انگلیس) در ایران منافع اساسی داریم که باید از آنها حفاظت شود، مطمئن سازند. سفارت تهران نمی‌تواند پیش‌بینی نماید که شاه به طور جدی طرح را مورد توجه قرار خواهد داد، مگر اینکه تمام راههای چاره‌دیگر از بین رفته باشد.

۴- در ملاقاتی با سفیر، نخست‌وزیر دورنمایی خوشبینانه برای حل مسئله اعتصابات ارائه نمود. او گفت که ایران تجهیزات کنترل جمعیت اضافی که کشنده نیستند به دست خواهد آورد و برای آموزشهای کنترل جمعیت از انگلیس کمک خواهد گرفت. او قصد داشت دولتش را مطابق قانون اساسی برای کسب تأیید به مجلس معرفی نماید. نخست‌وزیر اعتراف نمود که درخواست از غیر نظامیان برای خدمت در کابینه اش مشکل بوده است.

۵- دولت نظامی در جستجوی حمایت گسترده از جانب رهبران نظامی و مذهبی در تلاشش بر علیه خشونت عوامل ضد شاه، بوده است. امروز دولت دستور داد که فرمانداران نظامی استانها کمیته‌هایی که رهبران مذهبی را در بر می‌گیرد تشکیل دهند، که در مورد کسانی که مسئول آشوب‌ها هستند تحقیق نموده و آنها را معرفی نمایند و نظم را برقرار کنند. این اولین باری است که از رهبران مذهبی با نفوذ خواسته شده که در اقدام دولت شرکت کنند.

۶- مجموع تولید نفت امروز به ۴۷۹/۱ میلیون بشکه افزایش یافت. افزایش به وسیله استقرار پرسنل نظامی در مناطق تولیدی اصلی، امکان‌پذیر گردید. هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که دولت یا شرکت ملی نفت ایران چه اقدام دیگری را به منظور حل کردن یا شکستن اعتصاب در نظر دارد. هیچ اولتیماتومی صادر نشد و کارکنان چکهای حقوق خود را دریافت نمودند. - درست مثل اینکه وضعیت عادی بوده در این اثنا اعتصاب ایران ایر ظاهراً در ۹ نوامبر حل شد و پروازهای بین‌المللی به لندن و نیویورک از شنبه به طور آزمایشی از سر گرفته می‌شود. برقراری خدمات داخلی به لحاظ منع عبور و مرور سخت مشکل خواهد شد. کارکنان برای تقاضاهای سیاسی که حل مسئله اعتصاب را غیر ممکن می‌کرد، فشار نیاوردند. اگر ایران ایر در برقراری خدمات بدون متوسل شدن به ارتش موفق باشد، دولت اولین پیروزی خیلی سمبلیک خود را در برقراری خدمات عمومی و تولید به دست آورده است.

**رهبران جبهه ملی دستگیر شدند**

سند شماره (۳۹) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا تهران به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی فوری تاریخ: ۱۱ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۰ آبان ۵۷ شماره سند: ۱۱۰۶ موضوع: اوضاع امنیت سیاسی: رهبران جبهه ملی دستگیر شدند ۱- کمی قبل از شروع کنفرانس مطبوعاتی رهبران جبهه ملی سنجابی و فروهر شخصا توسط ژنرال اویسی دستگیر شدند.

بختیار و بازاریان برجسته که حاضر بودند، دستگیر نشدند. طبق گفته گزارشگر محلی، بختیار به مخبرین که تجمع کرده بودند گفت که هدف از این نشست این بود که اتحاد خود را با خمینی اعلام کرده و خواستار برگزاری رفراندوم شویم که آیا ایران باید سلطنتی باشد یا جمهوری، ما انتظار داریم بی.بی.سی.

تمام اینها را به زودی گزارش کند.

۲- خانم سنجابی به خبرنگاران گفت که هدف از این نشست درخواست برای اعتصاب عمومی یکشنبه ۱۲ نوامبر بود.

۳- اعضای نهضت آزادی ایران امروز عصر با مأمور سیاسی سفارت ملاقات کردند و خواستار استعفای شاه و تشکیل شورای سلطنت شدند.

۴- اولیای حکومت نظامی در یک اعلامیه دستور داده اند که قوانین و مقررات حکومت نظامی از ۱۲ نوامبر شدیداً به مورد اجراء در خواهد آمد. مسئولین امنیتی نیز اظهارات مشابهی امروز به ما اعلام داشتند.

۵- نظریه: مخالفین و دولت تا این لحظه ظاهراً عزمشان بر این است که فردا یا در آینده نزدیک رودرویی داشته باشند.

سولیوان

## کریم سنجابی

سند شماره (۴۰) طبقه بندی خیلی محرمانه از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی.سی تاریخ: ۱۵ نوامبر ۷۸ برابر با ۲۴ آبان ۵۷ به: سفارت آمریکا تهران - فوری شماره سند: ۹۲۷۹ موضوع: کریم سنجابی سناتور پرسی و سناتور استیونسون و سیمون نماینده کنگره به نیابت موکل خود پسر کریم سنجابی که تبعه آمریکاست از ما خواسته اند، تا درباره وضعیت کریم سنجابی تحقیق کنیم.

آیا سفارت در صورت امکان فردا می تواند اطلاعاتی درباره اینکه سنجابی در کجا بازداشت شده است، تحت چه شرایطی است و چه اتهامات ویژه ای به او وارد شده است، گزارش کند.

ص: ۲۵۹

سند شماره (۴۱) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۶ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۵ آبان ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی موضوع: کریم سنجابی دیروز، بهادری معاون وزیر دربار، به تقاضای ما تحقیقاتی بعمل آورد و اطلاع می دهد که سنجابی ضمن آنکه در بازداشت است، در شرایط راحتی به سر می برد. رئیس ساواک، تیمسار مقدم که شاگرد سنجابی در درس حقوق بوده شخصا همین مطلب را به ما ابراز داشته است. ما قبلاً دلایل دستگیری وی را به موجب بند ۵ قانون حکومت نظامی زمانی که به طور غیر قانونی سعی داشت یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار کند، گزارش کرده ایم.

سولیوان تهیه توسط: جی.بی. لامبراکیس

### گفته رئیس جمهور آمریکا در مورد ایران

سند شماره (۴۲) تاریخ: ۱۶ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۵ آبان ۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت خارجه - واشنگتن موضوع: گفته رئیس جمهور (آمریکا - مترجم) در مورد ایران ۱- تفسیر فارسی بی بی سی از گفته رئیس جمهور در مورد ایران آن طوری که به وسیله چندین منبع سفارت شنیده شد «تبهکاران» را به سختی به «طبقه وازده اجتماع» ترجمه می کند. ما می شنویم که این سؤالاتی را در میان مخالفین به وجود آورده است. به طوری که گزارش شده شریعتمداری رهبر برجسته مذهبی در قم به رئیس ساواک، ژنرال مقدم در مورد این موضوع تلفن کرد. بنابر این ما تعجیل داریم که نسخه هایی از متن (سخنان) ریاست جمهوری (که کلمه صحیح «آشوب» را به جای «تبهکاران» استفاده کرده) را در میان مردم منجمله ژنرال مقدم، توزیع کنیم که با ملاحظه آن رهبران مذهبی نیز بدانند که رئیس جمهور چه گفته است.

۲- مجدداً نیاز فوری برای بررسی اساسی نسخه های کاخ سفید قبل از آنکه آنها منتشر شوند، خاطر نشان می شود. سولیوان

### کریم سنجابی

سند شماره (۴۳) از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۶ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۵ آبان ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن خیلی محرمانه گزارشگران: جان استمپل، جی.بی. لامبراکیس موضوع: کریم سنجابی خلاصه: سنجابی در زندان نظامی و تحت اتهام نقض حکومت نظامی در شرایط خوبی است و با دولت ایران در ارتباط بوده است. (پایان خلاصه).

ص: ۲۶۰

۱- ما گزارش کرده ایم که منبع وزارت دربار برای کنسول سیاسی در صبح ۱۲ نوامبر تصدیق کرد که سنجابی تحت ماده پنج قانون حکومت نظامی نگهداشته می شود.

۲- دکتر میناچی، خزانه دار کمیته دفاع از حقوق بشر و آزادی بعداً در ۱۶ نوامبر و به طور محرمانه به استمپل مأمور سفارت گفت که سنجابی در زندان نظامی جمشیدآباد تهران همراه با تمام وزرای قبلی که دستگیر شدند، می باشد. همسرش به طور مرتب از او دیدن می کند. میناچی شرایط را «خیلی خوب» توصیف کرد. میناچی گفت در حقیقت سنجابی مکالماتی با دولت داشته است و موقعیت را خیلی رضایتبخش توصیف نمود. او گفت که وی شنبه ۲۵ نوامبر بیشتر گزارش خواهد کرد.

۳- سفارت هیچ مخالفتی با دادن (گذشتن) مطالب بالا به سناتورها و اعضای کنگره بدون اشاره به منبع و حذف این حقیقت که سنجابی با دولت مذاکره می کند، ندارد. شاید خود وزارت خارجه بتواند پسر سنجابی(۱) را مطمئن سازد که پدرش در شرایط خوبی به سر می برد و به طور منظم به وسیله خانواده از او دیدار می شود، بعد شاید به این حقیقت اشاره کند (وزارت خارجه) که حبس بودن در این زمان به نظر نمی رسد که مشکل بزرگی برای خود او و همقطاران سیاسی او باشد. میناچی این احساس را به مأمور سفارت داد، گر چه او به طور مستقیم چنین نخواهد گفت، که وضعیت کاملاً ناخوشایند برای سنجابی و جبهه ملی نیست.

۴ - شایعه ملاقات سنجابی با شاه به طور مرتب اینجا و آنجا شنیده می شود. ما هیچ گونه تأییدی نداریم، هر چند آن (ملاقات با شاه) با ملاقات فقط با دولت خیلی تفاوت خواهد داشت. وزارت خارجه به یاد خواهد آورد که شاه موقعی که سنجابی به پاریس رفت که با خمینی صحبت کند، علاقه داشت با او صحبت کند. (و وقتی او بازگشت، حداقل به طور عمومی به خط تند خمینی برگشته بود).

### گفتگو با میانه روهای مخالف و وفاداران به سلطنت

سند شماره (۴۴) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۶ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۵ آبان ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن گزارشگر: لامبراکیس موضوع: گفتگو با میانه روهای مخالف و وفاداران به سلطنت ۱- اخیراً در شبهای متوالی کنسول سیاسی با محمد درخشش رئیس اتحادیه معلمان و سناتور محمد علی مسعودی طرفدار برجسته شریف امامی و وفادار به شاه ملاقات نمود. مقدار زیادی از زمینه گفتگو با درخشش، ۱۷ سال گذشته را که وی در دولت فعال نبوده است در بر می گرفت، او پس از خدمت نمودن به عنوان وزیر آموزش و پرورش پیشنهاد این شغل را در کابینه علم آن روزها پذیرفت. او یک هفته قبل پس از گذراندن دو هفته، عمدتاً در یک بیمارستان نظامی به خاطر مسئله فشار خون، آزاد گردید، او به خاطر گفته های مخالفین توسط مقامات حکومت نظامی دستگیر شده بود. درخشش که رهبر یک اتحادیه مرکب از چهارصد هزار معلم در سراسر ایران است، یکی از نسبتاً معدود اشخاصی است که می تواند یک سازمان

ص: ۲۶۱

۱- البته لازم به تذکر است که یکی از پسران سنجابی به نام سام سنجابی از ایادی سازمان سیا است که اسناد مربوط به آن

جداگانه منتشر خواهد شد.

را بسیج نماید.

او اشاره کرد که علاقه مند است روش آشتی جویانه را دنبال نماید که به شاه اجازه می دهد باقی بماند و سلطنت کند، نه حکومت، ولی دولت جلوی تمام تلاشهایی که او و گروهش برای انتشار یا فعال بودن از لحاظ سیاسی کرده اند را گرفته است.

۲- درخشش گروهی را که از او پیروی می کنند اکثریت معلمین می خواند، طبق گفته او، اقلیتی کوچک دنباله روی سازمانهای زیر زمینی کمونیست هستند، در حالی که اقلیتی بزرگتر طرفداران مذهبی که خمینی بر آن تسلط دارد می باشند. او اشخاصی را که در طول ۱۷ سال گذشته مقامهایی در دولت داشته اند از نظر اخلاقی (حتی اگر نه در هر موردی از نظر مالی) فاسد می داند. او تجربه خودش را ذکر می کند، زمانی که حقوقش برای سالها قطع شد و او مجبور بود که به اتکای درآمدهای زنش زندگی کند. تمام این به نظر نمی آید که اوضاع را برای او خیلی ناگوار کرده باشد و کنسول سیاسی و همچنین گریفین مأمور اداره INR از آمادگی او به دنبال کردن یک راه میانه که ممکن است کشور او را از دو قطب افراطی که وضعیت به آن طرف می لغزد نجات دهد، آگاهی دارند.

۳- مسعودی که در حمایت از شریف امامی به عنوان نخست وزیر در پشت پرده فعال بود به فعال بودن با خیلی از مخالفین همچنین عناصر طرفدار سلطنت ادامه می دهد، وفاداری مستمری را که خیلی از ایرانیان برای شاه علیرغم درکشان از اشتباهات زیادی که احساس می کنند مرتکب شده، نمایان ساخت.

مسعودی و دخترانش یکسره درباره گناهان اشخاصی که شاه را در دهه گذشته احاطه کردند و از نقششان به عنوان واسطه بین شاه و مردم بهره مند شدند، صحبت کردند. هویدا خصوصا مورد انتقاد شدید قرار گرفت.

۴- ما این دو ملاقات را برای نشان دادن پیچیدگی وضعیت داخلی ایران گزارش می کنیم. عناصر گوناگونی در اجتماع وجود دارند که علاقه مند مشاهده نوعی از راه حل از طریق مصالحه که شاه را نگهدارد و مانع از پیروزی کامل نیروهای خمینی شود، می باشند. خیلی از این اشخاص متقاعد هستند که کمونیستها علیرغم موقعیت پایشان در اپوزیسیون فعلی، سرانجام قادر خواهند بود که بر هر دولت جانشینی غلبه کنند. دیگران می خواهند که از چیزی که آنها آن را به عنوان تعصب مذهبی می بینند جلوگیری نمایند و تماما تشخیص می دهند که نتیجه وضعیت فعلی هر چه می خواهد باشد، نقش اساسی باید به وسیله نیروهای مسلح ایفاء گردد. سولیوان

## ملاقات با علی امینی

سند شماره (۴۵) توزیع محمودسری از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۷ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۶ آبان ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن گزارشگر: ویلیام سولیوان موضوع: ملاقات با علی امینی ۱- علی امینی نخست وزیر پیشین با احتیاط از من خواست که او را عصر روز ۱۶ نوامبر در منزل یک دوست مشترک ملاقات کنم. صحبت با بیان دو جانبه بی میلی قبلی برای ملاقات، به خاطر شایعات بی





اساس تهران، که امینی عروسک خیمه شب بازی آمریکا یا جاسوس سیا است، شروع شد. امینی گفت آن جنبه تا زمانی که وی جاه طلبی‌هایی برای نخست وزیر شدن در خود می‌پرورد برای او مهم بود. او سرانجام تصمیم گرفت که چنان‌جا طلبی‌هایی را انکار نماید و از اینرو در پی فرصت بود که با من مبادله نظرات کند.

۲- امینی گفت که وی تصمیم گرفته بود که می‌تواند با فعالیت به عنوان یک میانجی و سازمان دهنده برای مصالحه به بهترین نحو به کشورش خدمت نماید. او و انتظام با شاه و همچنین گروه‌های مخالف به طور نسبتاً منظمی ملاقات می‌کرده‌اند. او گفت که احساس می‌کند پیشرفتی حاصل گردیده، ولی هنوز می‌بایستی فاصله زیاد بی‌اطمینانی را پر نماید. او از جایی که می‌دانست ما نیز تماس‌های مستمری با شاه و گروه‌های مخالف داشته‌ایم از من پرسید که وضعیت را چگونه می‌بینم.

۳- من گفتم این گمان من است که شاه در تمایلش به تشکیل یک دولت ملی و پیش رفتن به سوی انتخابات آزاد صادق است. عمق و قلمرو مخالفت عمومی با وی و رژیمش او را تکان داده بود. به هر حال ما گروه‌های مخالف را برای مصالحه سر سخت و بی‌میل دریافتیم. آنها عمیقاً به شاه بی‌اعتماد هستند و احساس می‌کنند که هر نوع گفتگویی به طریقی به در تله افتادن منجر خواهد شد. آنها از سفیر کبیر انگلیس و من خواستند که واسطه‌های آنها باشیم، ولی شرایط آنها شامل تسلیم شدن شاه بود. ما به طور قطعی از میانجیگری امتناع ورزیدیم. موضع ایالات متحده چندین بار به طور قاطع به وسیله پرزیدنت کارتر عنوان شده است. ما خودمان را در تلاش برای ساخت سیاست‌های داخلی ایران شرکت نمی‌دهیم. آن بایستی که یک تلاش ایرانی بوده باشد.

۴- امینی گفت او با این موضع موافق است و تلاش می‌کند که میانجی باشد. ایده او این بود که ملاقات‌های صمیمانه‌ای بین گروه‌های کوچکی از اشخاص با نفوذ از قسمت‌های مختلف جامعه ایران و شاه ترتیب دهد.

او احساس می‌کرد که این کار شهرت وسیع‌تری به عقیده ما که شاه در تمایلش برای برگزاری انتخابات آزاد صادق است، خواهد داد. اگر این عقیده می‌توانست انتشار یابد دیوار بی‌اعتمادی را خواهد شکست.

وی قصد داشت که با تعداد اندکی از نوع دانشگاهی (ملاقات دانشگاهیان) شروع کند و سرانجام آن را به سمت سیاستمداران جبهه ملی هدایت کند. او از من پرسید که چه فکر می‌کنم.

۵- من گفتم یک گروه که بایستی مورد شمول قرار گیرد، رهبران بازار هستند. امینی با آمادگی موافقت کرد و گفت اگر که شاه موافق بود ۴ یا ۵ رهبر را گرد هم خواهد آورد.

۶- من گفتم شایعاتی در شهر هست که شاه قبلاً سنجابی را دیده است. علی‌امینی گفت که وی آنها (شایعات) را شنیده است، ولی نسبت به آنها مشکوک است. به هر حال ما شاه را شنبه خواهیم دید و اطلاع حاصل خواهیم نمود. من گفتم من نیز شنبه شاه را خواهیم دید و توافق کردیم که هر دو مان وی را از حقیقت ملاقاتمان با اطلاع گردانیم.

۷- ما سپس به زمانبندی که جریان گفتگوهای سیاسی را در بر می‌گرفت و امینی به طور اجمالی آن را تهیه کرده بود، پرداختیم. او گفت مذاکرات بایستی که سریع باشد و قبل از محرم به انجام رسد. او احساس می‌کرد که آیت‌الله‌های میانه

رو می توانند جامعه را تا آن زمان آرام نگهدارند و اگر توافقی بین میانه روها و شاه قبل از آن موقع برقرار نشد، خمینی می تواند از التهاب دوران محرم برای ایجاد آشفستگی استفاده کند.

۸- به هر صورت او فکر می کند که نفوذ خمینی به طور کلی رو به کاهش است. من گفتم او یکی از چندین شخصیت سیاسی است که این را به من گفته، ولی من نمی دانم که آیا آن (کاهش نفوذ) وضعیت را در

ص: ۲۶۳

بین دانشجویان و بازاریها منعکس می کند. او احساس می کرد که ارتباط مشترک بین آن دو گروه و خمینی تنفر شدید نسبت به شاه است، ولی مشکوک بود که آنها اساساً با هم مرتبط باشند.

۹- من از امینی نظراتش را درباره اینکه تا چه میزان، انتخابات آزاد برگزار شده در یک حد نسبتاً آرام، واقعی از کار در خواهد آمد، جویا شدم. او به مقدار زیادی همان طور که دیگر شخصیت‌های سیاسی گفته بودند گفت که انتخابات، یک پارلمان متوازن (متعادل) که به قانون اساسی احترام بگذارد و یک رژیم سلطنتی را که سلطنت کند نه حکومت ترجیح دهد، اعاده خواهد نمود. آنها (انتخابات) همچنین به نقش شاه به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح احترام خواهند گذاشت. او این پیش بینی را بر اساس این حقیقت قرار داد که بیشتر رهبران سیاسی موکلین (حوزه های انتخاباتی) نفوذشان را دارند. او گفت به هر صورت لیستهای انتخاباتی بایستی که موافقت (تأیید) ملاحظه را بگیرد. و بر قراری توافق بین آنها و طرفدارانشان و شاه بدین خاطر مهم می باشد.

۱۰- در موقع جدا شدن ما توافق نمودیم که تماس را حفظ نمایم، ولی همچنین توافق نمودیم که نقش ایالات متحده در هر مرحله ای از اعاده اعتماد ایرانیان به شاه پشتیبانی باشد، نه یک حمایت متمرکز.

### ملاقات با محمدرضا جلالی نائینی

سند شماره (۴۶) خیلی محرمانه - تاریخ: ۱۹ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۲۸ آبان ۵۷ موسسه بین المللی ارتباطات، تهران - ایران، صورت مذاکرات، شرکت کنندگان: سناتور محمدرضا جلالی نائینی، جک اچ. شلنبرگر اقامتگاه سناتور تقاضای ملاقات کرد. او به تازگی از پاریس بازگشته و در آنجا با بعضی از اعضای جبهه ملی قدیمی که جلالی وطن کرده اند ملاقات کرده است. او خمینی را ندیده است. سناتور معتقد است که هر روزی که می گذرد اشتباهات نظامیان را برای اینکه خود را در مسند قدرت نگه دارند، می افزایش دهد. حتی با افزایش غیر نظامیان در کابینه اختیار تصمیم دست نظامیان است، او این اندیشه را نمی پذیرد که تا گذشت محرم هیچ کاری نباید انجام بگیرد. او معتقد است که پس از عاشورا بهانه دیگری برای حفظ وضع موجود پیش خواهد آمد.

سناتور معتقد است که می توان یک حکومت غیر نظامی تشکیل داد که قابل قبول شریعتمداری باشد، زیرا نفوذ شریعتمداری به عقیده او پا به پای نفوذ خمینی در محکم آزمایش بقاء، دوام خواهد یافت. یک چنین حکومتی به بهترین نحو از میان اعضای جبهه ملی تشکیل خواهد شد که عده ای از آنها تجربیات قابل ملاحظه در حکومت دارند.

او از تحسین کنندگان سنجابی و بازرگان است و هر یک از این دو نفر را شایسته احراز مأموریت برای تشکیل حکومتی می کند، که قابل قبول گروههای مختلف سیاسی باشند و حکومتی باشد که در مقابل رادیکالیسم ایستادگی کند. او معتقد است که شاه باید در بیان قصد خود برای سلطنت به جای حکومت بیش از حال حاضر صراحت نشان دهد. او معتقد است که کنترل امور از دست شاه به تدریج خارج می شود و اینکه به انتظار نتیجه محرم نشستن در حکم تحکیم موقعیت نظامیان در قدرت خواهد بود. او استدلال

می کند آنچه که اکنون باید انجام گیرد، این است که از طریق شخصی که قابل قبول شاه و آیت الله خمینی باشد با خمینی وارد تماس گردند. به عقیده او یک چنین افرادی وجود دارند.

سناتور انتظار دارد که او همچنان به عنوان تنها سناتوری که به طور علنی علیه حکومت از هاری صحبت خواهد کرد، باقی خواهد ماند.

اظهار نظر: سناتور را می توان به طور روشنی یک ایده آلیست نامید، بدین معنی که او معتقد است قانون اساسی ۱۹۰۶ بدون یک دوران انتقالی تدریجی کاملاً قابل اجراست. وی که یک دانشمند و حقوقدان سرشناس و مورد احترام است، چنین به نظر می رسد که واقعیتها و پیچیدگی ها و عرف و عادات سیاسی به طور ویژه ای موجب نگرانی او نیستند.

شلبرگر

## گزارش وضعیت ایران، شماره ۱۹ و ۲۱

سند شماره (۴۷) طبقه بندی: سری از: وزارت امور خارجه - واشنگتن تاریخ: ۱۹ نوامبر ۷۸، ۲۸ آبان ۱۳۵۷ به: تمام پستهای دیپلماتیک (اروپایی - خاور نزدیک و آسیای جنوبی) موضوع: گزارش وضعیت ایران، شماره ۱۹ - تهران دوباره آرام بود، ولی در اصفهان و شیراز آشفتگی وجود داشت. بیشتر ناظران انتظار دارند که مخالفین سرگرم آماده کردن نیروهایشان برای تلاشهای قاطعانه در جهت ایجاد آشوبهایی در محرم که از ۲ دسامبر شروع می شود، می باشند. تولید نفت در ۱۹ نوامبر کمی افزایش پیدا کرد و به ۸/۳ میلیون بشکه رسید.

۲- اعتراض کنندگان در اصفهان در پاسخ به اعلامیه فرمانداری نظامی در ۱۸ نوامبر که تمام مغازه ها باید باز کنند، سه ساختمان را آتش زدند. همچنین سه وسیله نقلیه متعلق به ایالات متحده در سه روز گذشته، آسیب دیده است. گزارشی در مورد زخمی شدن آمریکاییها وجود ندارد. در شیراز سربازان به طرف جمعیت چند هزار نفری پس از تلاشهای ناموفقی برای متفرق کردن آنها شلیک کردند. گزارشهای اولیه اشاره می کند که در حدود ۱۵ نفر تیر خوردند.

۳- رژیم به تعهدش برای انتقال سازمانهای نیمه خصوصی که تحت کنترل خانواده سلطنتی بودند، به دولت عمل می کند. روزنامه های اصلی هنوز انتشار پیدا نکرده اند. شاه اشاره کرده است که قصد دارد به زودی ۴۰۰ نفر از در حدود ۷۰۰ نفر زندانی سیاسی باقیمانده در زندان را آزاد کند. شاه به طور خصوصی تکذیب نمود، که با سنجابی رهبر جبهه ملی ملاقات نموده است.

۴- مدارس ابتدایی رسماً از ۱۸ نوامبر باز هستند، ولی حضور دانش آموزان به صورت پراکنده بوده است. دولت ایران رژه نظامی روز آذربایجان در ۱۲ دسامبر که یک روز پس از عزاداری عاشورا واقع می شود را، لغو کرد.

۵ - دو ناظر با اطلاع وزیرک در مورد صحنه (وقایع) ایران این هفته در واشنگتن توضیح دادند که شاه باید خیلی خوش اقبال باشد، تا بتواند در شرایط فعلی یک سلطنت مطابق قانون اساسی را حفظ نماید. آنها که به طور جداگانه صحبت می کردند،

هر دو حمايت ايالات متحده از شاه را به عنوان تنها راه ممكن تأييد

ص: ٢٦٥

کردند، ولی نتیجه گرفتند که ضروری است شاه یک نقشی که کمتر قابل رؤیت و کمتر فعال باشد در امور هر روزه دولت ایران اتخاذ نماید، چنانچه او می خواهد که بر بحران مستقل بودنش، صداقتش و کفایتش و قابل قبول بودنش از طرف ارتش و مخالفین شناخته شده باشد، راه اساسی است. نخست وزیر پیشین علی امینی، رئیس ستاد اسبق ژنرال جم و سنجابی از جناح مخالف در این رابطه مورد بحث قرار گرفتند. هر کدام مثل هر شخصیت سیاسی ایرانی دیگری بعضی عدم تواناییهای جدی را دارند. یک ناظر تأکید کرد که برخلاف تجربه گذشته هر عضو کابینه باید احترام قسمت را دارا باشد (برای مثال، مطبوعات، کشاورزی، یا دانشگاههای تحت سرپرستی او) ۶- هر دو ناظر موافق بودند که درجه موفقیتش هر چه باشد، یک دولت نظامی احتمالاً به دنبال دائمی کردن خودش می باشد. در حالی که حمایت نظامی قوی برای هر رژیم لازم است که نظم را برقرار کند، گروه افسران نه جذب سیاسی دارند و نه لیاقت فنی، که کشور را از میان بحران هدایت نمایند.

سند شماره (۴۸) طبقه بندی: سری - تاریخ: ۲۱ نوامبر ۱۹۷۸ - ۳۰ آبان ۵۷ از: وزارت امور خارجه - واشنگتن به: تمام پست های دیپلماتیک اروپا و خاور نزدیک و جنوب آسیا موضوع: گزارش وضعیت ایران، شماره ۲۱ ۱- آرامش نسبی که با آشوبهای مستمر گاه و بی گاه در چندین شهرستان می شکند، ادامه پیدا می کند.

(یک سفارتخانه خارجی معتقد است که ۲۰۰ نفر در دو هفته گذشته کشته شده اند.) سفارت معتقد است که آرامش فعلی، با علائم مختلف ترغیب کننده اش فقط مقدمه ای است بر محرم، زمانی که مخالفین تلاش خواهند نمود که میزان آشوبهای خطرناک بالا رود که به هدف سرنگون کردن شاه قبل از پایان دسامبر برسند.

۲- این علائم ترغیب کننده عبارتند:

- حضور در مدارس ابتدایی تهران بالقوه به حالت طبیعی برگشته است، اگر چه در استانها مشخصاً گسیخته تر است.

- بازار تهران برای دو روز گذشته با دستور ملاها و خمینی به باز بودن مغازه ها تا ۲ دسامبر برای قادر ساختن مردم به ذخیره سازی باز بوده است.

- تولید نفت برای ۲۱ نوامبر انتظار می رود که به ۳/۴ میلیون بشکه برسد، که ۶۶/۳ میلیون آن برای صدور است.

۳- اگر چه خدمات تلکس مجدداً شروع به کار نموده است، ارتباط تلفنی راه دور به عنوان مشکل باقی می ماند. خاموشی برق سراسری در تهران وجود داشت، ولی برق تا نیمروز به حال اول بازگشت. یک اتومبیل متعلق به آمریکاییها در عصر روز ۲۰ نوامبر با بمب به آتش کشیده شد.

۴- مشکلات اقتصادی و آشفتگی بوروکراتیک ایران موجب یک کندی در باز پرداخت بدهیها به بستانکاران بخش خصوصی و عمومی گردید. شرکتها نیز مشکلاتی را در به جریان انداختن و پرداخت برای محموله های صادراتی گزارش می نمایند. احتمال معتبری وجود دارد که اغلب پروژه های نظامی و

غیر نظامی متحمل موشکافی و بررسی دقیق شوند، چونکه دولت ایران تلاش می کند که هزینه ها و مبالغ سرمایه گذاری ارز خارجی را کاهش دهد.

۵- رئیس جمهور فرانسه - ژیسکار دستن در کنفرانس مطبوعاتی تلویزیونی ۲۱ نوامبر اظهار داشت، که دولت فرانسه چندین بار به آیت الله خمینی متذکر شده است که خاک فرانسه سرزمینی نیست که از آنجا دعوت به آشوب صورت گیرد. مفهوم روشن این است که فرانسه به ترتیبی فعالیتهای خمینی را زمانی که او در آنجا باقی می ماند مهار می کند. ویزای سه ماهه او در اوائل ژانویه منقضی می شود.

۶- مطالب زیر نکات برجسته ارزیابی سفارت از دو هفته اول دولت نظامی می باشند: «پس از کمی بیش از دو هفته، دولت از هزاری درجه ای تعجب آور از امنیت را در تهران و شهرهای اصلی ایران اعاده نموده است، اگر چه کار زیادی باقی مانده است، آن طوری که بتوان گفت نظم و قانون به طور کامل بازگردانده شده. اگر چه موفقیت نسبتاً خوبی در بازگرداندن اعتصاب کنندگان اصلی به سرکارها به دست آمده است، آنجا محدوده دیگری است که کار به هیچ طریقی کامل نیست. دولت یک تیم قوی (۱۸ غیر نظامی و ۶ نظامی) را به کار گرفته است که به طور کلی از نظر تکنیکی لایق هستند و کلاً بد نامی همکاری با رژیم ۱۵ سال گذشته شاه را با خود حمل نمی کنند».

«اگر دولت نظامی قادر باشد که انتظار پیروزی خمینی و مخالفین برای سرنگونی شاه در طول دسامبر را کند، کند، آن بایستی که به یک تمایل مشروط از طرف مخالفین برای قانع شدن به کمتر کمک کند.

آن همچنین به شاه انگیزه ای برای تلاش مهمتری برای پیدا کردن یک دولت جانشین غیر نظامی، شاید از یک ماهیت ائتلافی با عناصری از مخالفین، می دهد. چنین دولتی احتمالاً در پی برداشتن حکومت نظامی موقعی که سطح آشوب پایین آمد و شاید نه تا آخر ژانویه خواهد بود و سپس حرکت در جهت انتخابات».

«بعضی مخالفین در پی کمک ما در تسهیل یک انتقال قدرت از شاه به خودشان هستند. این گرایش آخر، انتظار می رود تا زمانی که انتظاراتی برای حرکت کردن به سوی یک دولت ائتلافی و انتخابات در آینده نزدیک وجود دارد، ادامه پیدا کند. به هر حال اگر قرار باشد که دولت نظامی شش ماه دیگر یا بیشتر بر سرکار بماند، ما خیلی محتمل می بینیم که در جناح مخالف یأس بیشتری پدیدار شود و این امر منتهی به اتخاذ موضع زننده تری در قبال ایالات متحده گردد.

### نظرات بازاریها در مورد وضعیت جاری

سند شماره (۴۹) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۲۲ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۱ آذر ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: نظرات بازاریها در مورد وضعیت جاری خلاصه: گروه رهبران بازار در دومین ملاقاتشان با مأموران سفارت درجه ای از استقلال از خمینی و تمایل به حداقل ارائه درخواستشان به وی را به شرطی که دولت در کارهایشان نشانه ای ارائه کند که آماده است، تا قسمت اصلی تقاضاهای آنان را برآورده سازد، نشان دادند. به نظر می آید آنها و دیگر بازاریها با قبول ریسک نارضایتی خمینی بازار تهران را در ۲۰ نوامبر باز گشودند. آنها برای ایالات متحده ابراز دوستی و برای برنامه حقوق بشر کارتر ابراز قدرشناسی و برای همکاری در تلاش برای دستیابی به یک





راه حل میانه جهت مشکلات جاری ایران ابراز تمایل نمودند. (پایان خلاصه).

۱- مأموران سفارت در ۲۱ نوامبر در خانه یک واسطه در پی ملاقاتهای دیگر با بازاریها ملاقات کردند. اینبار حاج کریم حسینی و حاج محمد تقی اتفاق، (ETTEFAGH) حاج احمد پور قادری اصفهانی عضو سوم و جدید گروه را آوردند. اتفاق از جانب گروه بیشترین صحبت را نمود.

۲- پس از تعارفات اولیه، مشخص شد که این بازاریها به طور فعالانه ای در تلاشند تا جریانات را به منظور جلوگیری از عواقب ماندنی جدا شدن بازاریها به دو قطب حامیان شاه و حامیان خمینی متعادل نمایند. اتفاق با وجود آگاهی از شکایتهایی که مردم علیه شاه و دولتهای وی در سالهای اخیر دارند، به طور محرمانه اظهار داشت چنانچه دلایل محکمی از آمادگی دولت برای تعدیل سیاستهای مختلف و برطرف کردن اشتباهات به او، ارائه شود، وی آماده است تا به پاریس مسافرت نماید و از خمینی درخواستهایی بنماید. او همچنین به ما گفت که این گروه از بازاریها اخیرا با یک عضو دولت از هاری که نامش گفته نشد ملاقات کردند و وی قول داد که به آنان کمک نماید. چنانچه به او دلایل و توجیحات کافی ارائه شود اتفاق حاضر است، به طور مخفیانه تا هفته دیگر به پاریس مسافرت نماید.

۳- از او سؤال شد این بازاریها در این هنگام چه نوع چیزهایی از دولت می خواهند (موضوعی که بحث قابل توجهی در اولین ملاقات در مورد آن صورت گرفت، مراجعه کنید به تلکس مرجع)، اتفاق چندین مورد را لیست کرد.

۴- اول، دولت بایستی کشتن مردم را متوقف سازد. زمانی که ما متذکر شدیم چنین کشتاری به عنوان عکس العمل در مقابل تظاهرات توده ای صورت می گیرد، او و واسطه اشاره کردند، اغلب زمانی که مردم برای تظاهرات شروع به جمع شدن می نمایند کاری به وسیله پلیس یا سربازان صورت نمی گیرد، ولی به گروه مردم اجازه داده می شود تا به اندازه ای زیاد شوند که بر خورد صورت گیرد و مردم کشته می شوند.

بازاریها مظنون هستند که این کار یک سیاست آگاهانه دولت می باشد. اگر اینچنین نیست، دولت بایستی قادر باشد در ابتدای کار مراقب این گروهها باشد و آنان را به جای تیراندازی با آب یا گاز اشک آور متفرق سازد.

۵- دوم، حالا که برخی از این افراد معروف مثل ژنرال نصیری رئیس ساواک و همایون وزیر سابق اطلاعات دستگیر شده اند، بایستی به سرعت بازجویی شوند و به پای میز محاکمه برده شوند. گروه فکر می کرد که قوانین کافی وجود دارند و دادگاههای ویژه جدید مورد نیاز نمی باشند. دولت در تحقیق و بازجویی از مخالفانش به سرعت حرکت می نماید. کندی در این مورد فقط یک بهانه است. با این همه هر کسی می داند که مقاله همایون در حمله به خمینی در روزنامه اطلاعات در ماه ژانویه بود که جرقه عکس العملهای مذهبیون را روشن ساخت، بنابر این همایون مسئول تعداد زیاد کشتار است و بایستی برای آنان پاسخگو باشد.

۶- سوم، اصلاحات ارضی به صورت صحیح انجام نشد و کشاورزی را از بین برد، برخی تغییرات در این قوانین لازم می باشند، بازاریها گفتند که گروهی در بازار روی این تغییرات پیشنهادی در قوانین اصلاحات ارضی و دیگر قوانین مشغول کار

۷- چهارم، انواع مختلف و زیادی از قوانین و مقررات تحمیل شده اند که از تجارت جلوگیری می کنند و سودهای کلانی به معدودی که از حقوق انحصاری اعطایی دولت برخوردار شده اند، می رسانند. حتی از

قوانین مذهبی چشم پوشی شده است. قصابها مجبور شده اند گوشت یخ زده از خارج خریداری نمایند که به طریقی که در اسلام مقرر شده است، ذبح نشده اند. در حقیقت گرانتر که نه بلکه ارزانتر تمام می شود تا گوسفند زنده را از کشورهای همسایه ای مثل ترکیه که برای صادرات اضافی دارد، وارد کرده و گوسفند را در اینجا ذبح کنیم، ولی دولت اجازه آن را نمی دهد. چنین مقرراتی بایستی منسوخ گردد.

۸- پنجم، دولت و خصوصا ساواک بایستی رفتار بد با علما را متوقف سازد. همین چند روز پیش یک رهبر مذهبی که از ملاقات با خمینی در پاریس باز می گشت به همان ترتیبی که از هواپیما پیاده می شد، دستگیر شد. او اکنون پس از مقدار زیادی مداخله از جانب وی آزاد شده است، ولی وی هرگز نمی بایستی دستگیر می شد.

۹- ششم، به روزنامه هایی مثل آتش که دوباره اخیرا انتشار پیدا کرده اند (پس از پنج سال غیبت) نبایستی اجازه داد، که منتشر شوند. آنها هر چیزی را که افراد برای نوشتن آن به آنها پول می دهند می نویسند و توده ها را خشمگین می کنند. این کار در حال حاضر سودمند نیست.

۱۰- در آن هنگام حسینی و اتفاق با یکدیگر گفتند. مایل بوده اند تا فرصتی به دست آورده و بگویند که آنها از آمریکاییها خوششان می آید و از آمریکاییها برای کمکی که به ایران کرده اند تشکر نمایند. آنها از پرزیدنت کارتر برای تأکیدش بر حقوق بشر تشکر کردند. آنها فکر می کردند آیا می توانند بر همکاری با آمریکاییها حساب کنند. کنسول سیاسی ابراز قدردانی کرد و گفت همکاری دقیقا چیزی است که ما نیز در نظر داشته ایم و در این گفتگو در جریان انجام آن هستیم. او سپس از گروه راجع به گزارشاتی سؤال کرد که می گوید، شروع محرم مشکلات امنیتی خطرناکی برای کشور به همراه دارد. اتفاق و حسینی فوراً این را تکذیب کردند. آنها گفتند افراطیون مخالف در پاسخ به تهدیدات دولت برای بستن مساجد، تهدید به یک وضعیت انفجاری در دسامبر می نمایند. دولت نبایستی مساجد را ببندد و بایستی آرامش را حفظ کند، بازاریها پیامی برای دولت فرستاده اند که دولت بایستی با رهبران بخش های مختلف جامعه ایران تماس حاصل کند (بازاریها، دانشجویان و غیره) و از آنان بخواهد تا پیروانشان را تحت کنترل بیاورند. بازاریها می توانند اینکار را در مورد پیروان خودشان انجام دهند. آنها در نظر دارند بازار را در خلال محرم، (چنانچه دولت تحریک به آشوب ننماید)، بجز شش روز از، ۸ دسامبر تا ۱۳ دسامبر در اطراف عاشورا، باز نگهدارند. آنها تهدیدات ابراز شده راجع به وجود آمدن آشوب توسط سنجابی جوان سخنگوی مخالفین در ایالات متحده را دروغ توصیف کردند.

۱۱- اتفاق سپس گفت وی موضوع سری دیگری را برای ما خواهد گفت. اگر دولت شواهد کافی از حرکت در جهت تقاضاهای بازاریها ارائه کند وی آماده است تا در ظرف چند روز به کربلا برود و سپس به پاریس رفته تا با خمینی صحبت کند. کنسول سیاسی سؤال کرد که آیا وی فکر می کند زمانیکه خیلی از دیگر افراد شکست خورده اند وی در رویارویی با خمینی موفق خواهد شد. کنسول سیاسی اشاره کرد بازاریهای دیگری وجود دارند که به نظر می رسد نماینده خمینی باشند و یک خط افراطی را دنبال می کنند، اتفاق، حسینی و اصفهانی تکرار کردند که آنها رفتن پیش خمینی را وظیفه خود می دانند. پول بازاریها از بین رفته است. آنها به خمینی فشار خواهند آورد تا شاه را که در محدوده قانون اساسی عمل خواهد کرد بپذیرد. و فرستادن پیام های آشوبگرانه اش را به ایران متوقف سازد.

۱۲- در يك ملاقات جداگانه کوتاه پس از این ملاقات، حسینی، اتفاق و واسطه گفتند آنها مایل هستند

ص: ۲۶۹

تا با شاه ملاقات نمایند و همکاری ما در ترتیب دادن آنرا درخواست نمودند. کنسول سیاسی گفت وی این درخواست را با سفیر کبیر در میان می گذارد. پس از انجام آن در روز بعد، وی پیامی می فرستد که ما می دانیم علی امینی (کسی که این بازاریها نسبت به او خوشبین هستند) در نظر دارد در روزهای آینده با نمایندگان بازاریها ملاقات کند و از طرف شاه نقش میانجی به عهده او واگذار شده است.

۱۳- ترجمه سفارت از اعلامیه های فارسی که در ۱۵ نوامبر در تهران منتشر شده اشاره بر این دارد که گشایش بازار در ۲۰ نوامبر توسط بیش از ۸۰ رهبر مذهبی محلی درخواست شده بود و نه از جانب خمینی، اعلامیه می گوید بازگشایی تا اطلاع ثانوی خواهد بود. این کار موضعی را که بازاریها گرفته اند تقویت می کند و اشاره بر تمایل فزاینده از جانب بازار و رهبران مذهبی برای دفاع از منافع خودشان حتی با قبول خطر ناراضی کردن آیت الله خمینی دارد. این جریان هنوز به جایی نرسیده است و در هر حال این تردید وجود دارد که قبل از شروع محرم تا کجا می تواند به پیش برود.

### کتاب بیست و ششم

#### خط میانه (۲)

ص: ۲۷۰







سند شماره (۱) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا تهران تاریخ: ۲۲ نوامبر ۱۹۷۸ - ۱ آذر ۵۷ به: وزارت امور خارجه واشنگتن با حق تقدم موضوع: علی امینی موضع می گیرد ۱- استیو ارلانگر (حفاظت شود) از (روزنامه) بوستون گلوب طی مذاکره ای با مأمور سفارت گفت که علی امینی نخست وزیر پیشین در ۲۰ نوامبر به وی گفته بود که مخالفین نزدیک به حصول توافق بر سر دولت ائتلافی بودند.

امینی بدون نام بردن از کسی اظهار داشت که نامزد نخست وزیری انتخاب شده است. او مدت ۱۵ سال از سیاست به دور بوده است، اما فردی محترم و با تجربه قابل ملاحظه است. امینی گفت که می خواهد در ۱۳ نوامبر با بازاریان ملاقات کرده و در مورد پشتیبانی از این دولت ائتلافی بحث نماید. این طرح شامل معرفی هیئت مشورتی به طور همزمان با آن به شاه خواهد بود که متشکل از رهبران مسن تر مخالفین است تا در کابینه پیشنهادی برای مخالفین جوانتر و توانمندتر و همچنین بعضی افرادی که به عنوان معاون در وزارتخانه ها خدمت کرده اند، جای کافی بگذارد. امینی همچنان هیچ اسمی را به زبان نیاورد.

۲- در جریان مکالمه دو ساعته امینی گفت که شاه باید بماند، نه فقط بدان جهت که رهبر کشور است بلکه اگر برود «ارتش از هم خواهد پاشید». ارلانگر افزود که ملاقاتهایش با چند تن از افسران منتخب رتبه میانه که از طریق دوستانش به آنها معرفی شده بود، مؤید این واقعیت بودند که ارتش در اساس وفادار به شاه است. به هر حال اگر او برود، افسران جوان لزوما خود را مجبور به قرار گرفتن در یک صف با بالا دستهایشان احساس نخواهند کرد. (نظریه: در حالی که سفارت با بیان امینی مبنی بر اینکه ارتش «از هم می پاشد» موافقت ندارد، اصل وفاداری افسران ارشد همچنان برای شاه خواهد بود و هر نقشه ای که او را دچار اشکال جدی نماید تشنجات داخلی در ارتش ایران را به طور قابل ملاحظه ای بالا خواهد برد).

تهیه توسط: جی. دی. استمپل سولیوان

## گزارش وضعیت ایران، ۲ آذر ۱۳۵۷

سند شماره (۲) سرّی از: وزارت امور خارجه - واشنگتن تاریخ: ۲۳ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲ آذر ۱۳۵۷ به: تمامی پستهای دیپلماتیک اروپا، خاور نزدیک و آسیای جنوبی موضوع: گزارش وضعیت ایران، ۲۳ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲ آذر ۱۳۵۷ - ۱ تولید نفت تقریباً از یک میلیون بشکه به ۲/۵ میلیون بشکه افزایش پیدا نمود که ۵/۴ میلیون بشکه از آن برای صدور قابل استفاده خواهد بود. فردا یک افزایش اساسی بیشتر مورد انتظار است که تولید را تقریباً به سطوح عادی برخواهد گرداند. به نظر می رسد که یک متارکه دعوی کارگری موقت به قیمت قول امتیازات عمده اقتصادی، به دست آمده باشد.

۲- دولت نظامی از هاری رأی اعتماد مجلس را با رأی ۱۹۱ در برابر ۲۷ و ۶ نفر که در رأی گیری

شرکت نکردند، پس از دو روز بحث به دست آورد. از هاری سخترانی طولانی کرد که همان خط آشتی جویانه ای را که در سخترانش پس از انتصاب عنوان کرد، دنبال می کرد و تأکید می نمود که گروههای مخالف تا زمانی که در محدوده قانون اساسی عمل نمایند (برای مثال، ماده قانون برای ابقای شاه به سلطنت) مورد قبول هستند.

۳- گروهی از تجار بازار با مأموران سفارت ملاقات کردند و درجه ای از استقلال از خمینی و یک تمایل برای دنبال کردن یک راه حل میانه منجمله شاهی که در محدوده قانون اساسی عمل نماید را نشان دادند.

این بازاریها اظهار می کنند که آماده اند خمینی را در مورد این نتیجه تحت فشار بگذارند.

۴- یک ابلاغیه خمینی برای همگان را به حمایت از کارگران اعتصابی نفت دعوت می کند. این نشانه که اعتصاب نفت ممکن است خاتمه نیابد، تهرانیها را به پمپ بنزین ها کشانده که ذخیره سازی کنند.

۵- کنسولگری شیراز گزارش می کند که واقعه تیراندازی ۱۹ نوامبر، هرچند که تحت پوشش خبری بین المللی قرار گرفت. در تعداد کشته ها شاید به اندازه ۱۰ درصد ادعای ۲۰۰ نفری مخالفین عراق گویی شده است. حقایق هرچه باشد، واقعه احتمالاً تبدیل به میدان ژاله شیراز خواهد شد. دوشنبه و سه شنبه، بازار و نصف دیگر مغازه های شهر و امروز بالقوه تمام شیراز به عنوان اعتراض بسته بود.

۶- تأسیسات تلفن و تلکس در جزئی از ظرفیت به خاطر وقفه های حاصل از اعتصاب فعالیت می نمایند. روشن نیست که این وقفه عمدی است، چون که فقدان نگهداری (حفاظت) به ناچار دخیل بوده است. شایعاتی که خاموشیهای برق از لحاظ سیاسی ترغیب شده، به نظر می رسد که صحیح باشد.

۷- فردا گزارش وضعیتی وجود نخواهد داشت (روز شکرگزاری) مگر اینکه حوادث ملزم نماید.

هنگامی که این گزارش ارسال می شود گزارشات مطبوعاتی در زمینه درگیریهای و خیمی در بازار تهران وجود دارد.

### ملاقاتهای سفیر با شریف امامی و علی امینی

سند شماره (۳) سرّی از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۲۵ نوامبر ۱۹۷۸ - ۴ آذر ۵۷ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. - فوری توزیع محدود تهیه شده توسط: دبلیو. اچ. سولیوان موضوع: ملاقاتهای سفیر با شریف امامی و علی امینی ۱- در بعدازظهر ۲۴ نوامبر با نخست وزیران پیشین شریف امامی و علی امینی به طور جداگانه و متعاقب یکدیگر ملاقات کردم. این دو نمایانگر تباین جالبی هستند. شریف امامی وردست سنگین و موقر شاه و تربیت شده آلمان است که حسابهای بنیاد پهلوی را در دست داشته و فردی بوده که شاه در تلاشش برای اعطای آزادیها به عنوان رهبر انتخاب کرده است. علی امینی مردی ریزاندام، تحصیلکرده در فرانسه، شخصاً متمکن، بی احترام نسبت به شاه و موسفید، تحت الحمایه آمریکا در دوران کندی است.

۲- شریف امامی که او را به تنهایی در منزل برادران ضیایی ملاقات کردم روایتی طولانی از پیشنهادی



که اعضای جبهه ملی به وی داده بودند به من ارائه نمود. این پیشنهاد همان درخواست آشنا برای شورای سلطنت بود که جایگزین شاه می شد و صلاحیت تشکیل یک دولت ائتلاف ملی را به یک گروه نامعین می داد تا آن گاه انتخابات آزاد را برگزار و سلطنت را برای ولیعهد تضمین نماید.

۳- در مورد عدم اعتبار این پیشنهاد من نام چند گروه را که به دقت انتخاب شده بودند، بوی دادم و گفتم که این پیشنهاد حداقل سه مرتبه به طور غیرمستقیم به من ارائه شده بود. من تأکید کردم که با خمینی هیچ مصالحه ای قابل انعقاد نبود و شاه می بایست به عنوان پادشاه و فرمانده کل نیروها بر سر جای مانده و جبهه ملی می بایست این امور را به عنوان واقعیت قبول کند.

من مخصوصاً در ابراز این نکات دست سنگین گرفتم. مقداری به این جهت که فکر می کنم شریف امامی خیلی هوشمند نیست و مقداری نیز به این جهت که فکر می کنم ممکن است شاه او را به این مصاحبه روانه کرده باشد، تا استحکام عقیده مان را بسنجد.

به هر قیمتی که بود من او را واداشتم که پس از اتمام سخنرانی این درس را بند به بند تکرار کند تا یقین حاصل کنم که آن را خوب دریافته است.

۴- پس از آن من از او و برادران ضیایی که بعد به ما ملحق شدند، خواستم که روی بازاریان، کارخانه داران و ملاها کار کنند، تا درک نمایند که شاه در تلاشش برای یک آینده دمکراتیک صداقت دارد و در طول محرم از تشنجات بکاهند. من تأکید ورزیدم که شاه حاضر است، به طور خصوصی با هر کس که مردد است ملاقات نماید و آنها باید در جلب کسانی که ذی نفوذ خواهند بود به ملاقات با وی کمک کنند.

۵- متعاقب آن، با علی امینی دیدار کردم که گفت جبهه ملی او را نیز غرق همین پیشنهادها کرده بود و وی به همه آنها گفته بود که برگردند و قبل از سعی در تعقیب بلندپروازیهای خود افکار خود را مرتب کنند.

وی اظهار داشت که در جبهه ملی یک آدم حسابی یافته بود، که قصد داشت همان شب او را به دیدار شاه ببرد. (من اطلاع یافتم که او صدیقی نخست وزیر پیشین مصدق بود. اگرچه امینی ظاهراً در مورد نام کوچکش مقداری ابهام داشت). امینی او را درست کار، واقع بین و در سلسله مراتب جبهه ملی بالاتر از سنجابی می داند. او معتقد است که شاه می تواند وی را به عنوان نخست وزیر معرفی کند.

او می گوید که بازاریان حمایتش می کنند و از موافقت شریعتمداری برخوردار است.

۶- امینی همچنین درباره ملاقاتهایی که با دانشگاهیان، بازاریان و صاحبان صنایع که او در کار تجمع آنان برای ملاقات با شاه بوده است صحبت کرد. او گروه دانشگاهی را روز شنبه به دیدار شاه خواهد برد و امیدوار است بازاریان را تا دوشنبه گرد هم آورد.

۷- به امینی گفتم که با شاه به تفصیل درباره مسئله عدم اعتمادی که سیاستمداران و بازاریان در برخورد با مسئله حصول توافق با او دارند بحث کردم.

گفتم که اکثر آنها سعی داشتند در هر معامله ای که با شاه دارند، ایالات متحده به عنوان تضمین کننده حضور داشته باشد. خاطرنشان کردم که برای یک قدرت خارجی دادن چنین تضمینهایی غیرممکن بودند. به هر حال پیشنهاد کردم که او، انتظام و هر فرد سرشناس که ممکن است از طرف شاه برای «هیئت مشاورین سلطنتی» انتخاب شوند، می تواند به عنوان تضمین کننده عمل نمایند.

او و گروهش با داشتن اعتماد عمومی می توانند در تفاهمات بین شاه و سیاستمداران شرکت کنند. اگر

ص: ۲۷۵

هریک از دو طرف از حدود توافقها تخطی کنند، این شورا می تواند آن را اعلام کند. او احساس کرد که این کار موجب اطمینان کافی برای هر دو طرف خواهد بود، زیرا او و یارانش از توییح و نکوهش برحذر خواهند بود.

۸- عاقبت ما درباره نیاز به اطمینان خاطر از برخورد در محرم گفتگو کردیم، من گفتم که ژنرال گست را روانه کرده بودم تا با تیمسار اویسی درباره لزوم تأمین مقررات عملی بین مقامات حکومت نظامی و ملاحا در رابطه با راهپیماییها و سایر امور در خلال محرم مذاکره کند. من در این خصوص که دسته های محرک توده ای در میان مؤمنین رخنه کرده و برخوردهایی را ایجاد کنند، اظهار بیم کردم.

۹- نظریه: بازگشت خیلی آهسته ای به سوی برقراری نوعی ارتباط بین شاه و مخالفین وجود دارد. اگر امینی و دیگران بتوانند ترغیب آن را ادامه دهند و در همان زمان شاه بتواند نیروهای ارتش را ثابت قدم نگهدارد، ممکن است که برای ممانعت از بعضی از بدترین وجوه احتمالی در ماه محرم امکانی وجود داشته باشد. من قصد دارم روی بعضی از هواداران عمل در ارتش در چند روز آینده کار کنم، تا انرژی ایشان را به سوی کوششهای سازنده تغییر جهت دهم.

سولیوان

## گزارش وضع ایران

سند شماره (۴) سرّی - تاریخ: ۲۹ نوامبر ۱۹۷۸ - ۸ آذر ۵۷ از: وزارت امور خارجه به: کلیه سفارتخانه های اروپایی و چند سفارتخانه دیگر موضوع: گزارش وضع ایران ۱- همه ایران برای یک رویارویی اساسی در ضمن ماه محرم مجهز شده است. سرویس فارسی زبان بی. بی. سی دعوت خمینی را برای یک اعتصاب عمومی در ماه دسامبر گزارش کرده است.

۲- کارگران (اداره) برق در اصفهان تهدید به یک خاموشی ۲۴ ساعته و همچنین قطع شبکه آبرسانی در آن روز را می کنند. در نتیجه، تقریباً دوره اعتصاب شروع شده است. شروع یک سری اعتصابات در گمرک احتمالاً هواپیمایی ایران و کارگران رادیو و تلویزیون و کلاً در مراکز قدرت تأثیر جدی بر زندگی مردم گذاشته است.

مشکلات کارگری در شیراز و پالایشگاه تهران (که سربازان اشغال کرده اند) نتیجه اش به وجود آمدن صفهای طولانی دارندگان اتومبیل در پمپ بنزینها برای ذخیره کردن بنزین می باشد. تظاهرات نسبتاً کوچکی در تهران و سایر شهرها اتفاق افتاده است.

۲- سفارت گزارش می کند که امکان تشکیل یک دولت ائتلافی داخلی تا قبل از عاشورا (یازدهم دسامبر) بعید به نظر می رسد. کسانی که اخیراً شاه را ملاقات کرده اند، حال او را بسیار افسرده توصیف می کنند.

۳- یک آمریکایی که با طرفداران خمینی در ارتباط است امروز به یک مأمور (سفارت - مترجم) گفت که نیروهای مخالف (مخالف شاه - مترجم) در ایران، در اظهار نظر نسبت به آمریکاییهایی که در ایران هستند از خود احتیاط نشان می دهند، زیرا که خمینی هنوز امید دارد که آمریکاییها سیاست «حمایت



همه جانبه از شاه» را تغییر دهند.

با ترک این امید از طرف خمینی، آمریکاییها باید انتظار موقعیت خطرناکتری را در ایران داشته باشند.

همین منبع حکایت از شکافی می کند که در حال گسترش پیدا کردن بین نیروهای خمینی و سیاستمداران جبهه ملی است که امیدوارند از طریق سازش با شاه به راه حلی برسند. او (منبع) کسانی که حامیان خمینی هستند را مشتاق برای تماس با دولت ایالات متحده توصیف کرد. در یک گفتگوی جداگانه، به کارمند سفارت از طرف یک شرکت بزرگ آمریکایی که نماینده اش در یک شهر ایرانی محلی (کرمانشاه) به وسیله رئیس پلیس مطلع شده بود، گفته شد که تظاهرکنندگان جوان در حال فراگرفتن استفاده از سلاح بوده اند.

۴- تولید نفت به افزایش ادامه می دهد و ۹/۵ میلیون بشکه در ۲۹ نوامبر تولید شده است. حمل گاز به شوروی از دو روز پیش از سر گرفته شد.

ونس

### بازیابی اطلاعاتی در مورد دکتر عباس میرآخور، رئیس قسمت اقتصاد

سند شماره (۵) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۳۰ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۹ آذر ۵۷ از: مارلین مک کافی - NEA یادداشت برای پرونده به سفارت: آمریکا در تهران موضوع: بازیابی اطلاعاتی در مورد دکتر عباس میرآخور، رئیس قسمت اقتصاد دکتر عباس میرآخور که از سپتامبر ۱۹۷۷ تا یک هفته پیش در ایران بوده، در این مدت به عنوان رئیس بخش اقتصادی دانشگاه فرح پهلوی انجام وظیفه می نمود، که این بخش از دانشگاه را خودش تشکیل داده است. او ایرانی است ولی مقیم دائمی آمریکا است. او این سمت را در دانشگاه فرح پهلوی قبول کرد تا تحقیق درباره او پیک و پیشرفتهای ایران از تاریخ ۱۹۷۸ تاکنون را ادامه دهد. دکتر میرآخور از نظر بینش در پیشرفتهای ایران شخص آگاهی است. در این مدت او با رهبران مذهبی (از جمله شریعتمداری) و ایرانیان برگزیده صحبت کرده، ولی تماسهای او ظاهرا با افراد طبقه متوسط تحصیلکرده غرب، «میانة رویهایی که سکوت اختیار کرده اند» بوده که می گوید آنها عقب کشیده و نیز از درگیر کردن خود در کارها می ترسند و همچنین اطمینانی به نفوذ در تحولات در حال وقوع ندارند. دکتر میرآخور تنها امید را کمک به گروه متوسط می داند که این راه دولت را از ورطه سقوط به چپ یا راست بازمی دارد، او آشکارا درک می کند که نفوذ آمریکا می تواند کمک کند که اشخاص متوسط پیشنهادها خود را در مورد به کار گرفتن فعالیتهاشان در امور سیاسی و دولتی ارائه دهند. دکتر میرآخور معتقد است با انجام این کار شاه ۵۰ درصد شانس دارد که از یک طوفان آبی نجات پیدا کند. او معتقد نیست که شاه بتواند به عنوان یک فرد سلطنت طلب برای مدت زیادی اداره امور کشور را در دست داشته باشد.

او معتقد است که تنها راه خاموش کردن بحران، این است که آمریکا فوراً افراد متوسط را مطمئن سازد که یک دولت نماینده مردم روی کار آید. فرضیه او این است که بدتر شدن وضع اقتصادی (در حال حاضر) در اثر اعتصابات و کمبودها نه تنها به آرامش بیشتر مردم کمک می کند، بلکه خشم توده ها را برنمی انگیزد.





سند شماره (۶) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۳۰ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۹ آذرماه ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه واشنگتن و سازمان سیا واشنگتن موضوع: سیاستمدارهای میانه رو در حال سازماندهی می باشند خلاصه: گروههای میانه رو استادان دانشگاه، وزرای دولت و دیگران طرحهایی مبنی بر ایجاد یک گروه غیرنظامی میانه رو بلافاصله بعد از عاشورا را دارند. آنها می گویند که آنها به موافقت شاه و حداقل رهبران مخالف مذهبی میانه رو احتیاج دارند. تاکتیکهای آنها در حال کامل شدن می باشد. (پایان خلاصه) ۱- جلسه ای که در تاریخ ۲۹ نوامبر به منظور گزارش به دکتر «رابرت با وی» مقام سازمان سیا که در حال حاضر از ایران دیدن می کند تشکیل شده بود، تبدیل به یک بحث گسترده تری راجع به طرح گروههای میانه رو که مایل به همکاری برای تشکیل یک دولت جدید غیرنظامی می باشند، شد.

مهدی هروی معاون دانشگاه ملی، دکتر پرویز سروری رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه ملی را همراه خودش آورده بود تا با «با وی» و مأمور سیاسی گفتگو کنند. هروی به مذاکرات ۱۰ روز پیشش با کنسول سیاسی اشاره کرد و برنامه های گروهش را تشریح کرد.

در طی سال گذشته هروی و دیگران به طور منظم با یکدیگر جلسه داشته اند تا راجع به اوضاع سیاسی بحث کنند، به ویژه اینکه چگونه می توانند از خطری که توسط قطبی شدن اوضاع بین طرفداران شاه و گروه خمینی برای مخالفین میانه رو به وجود آمده جلوگیری کنند.

گروه اول از استادان دانشگاه تشکیل شده بود که بعداً شامل دیگران نیز شد و بعضی از افراد از آن تاریخ تاکنون وزیر دولت نیز شده اند، ۱۰ نفر اعضای این گروه که شامل هروی و سروری نیز می شود عبارتند از حسین نجفی وزیر فعلی دادگستری، مصطفی پایدار وزیر فعلی مشاور در امور اجرائی، جواد شهرستانی شهردار تهران، احمد احرار روزنامه نگار معروف، احمد سمیعی روزنامه نگار و کارمند عالیرتبه دولت و استادان دانشگاه دکتر حسن غفوری، دکتر ابوالفضل قاضی و دکتر حکمی.

۲- گروه درصدد بوده از شخصیت‌های معروفی مثل محمد سروری پدر دکتر سروری، که یک حقوقدان معروف و وزیر پیشین می باشد، بخواهد که یک جلسه ۴۰-۵۰ نفری از رهبران میانه روها تشکیل دهد و راجع به تشکیل یک دولت میانه رو غیرنظامی بحث کنند.

پس از گفتگو با علی امینی، سروری و دیگران راجع به این موضوع، گروه از برگزاری چنین جلسه بزرگی منصرف شده و به جای آن روی کاری و چیزی تمرکز داده شد که سریعتر به نتیجه برسد، به طوری که دولتی آماده باشد تا سریعاً قدرت را از دولت نظامی فعلی احتمالاً یک هفته بعد از عاشورا (حدود ۲۰ دسامبر) تحویل بگیرد.

۳- گروه فکر می کند که چهار یا پنج آدم مهم و سرشناس از دولت جدید پشتیبانی و پرستیژ خود را در اختیار این دولت قرار خواهند داد. آنها سروری پدر، امینی، عبدالله انتظام، دکتر محمدحسین انتظام (دیپلمات مسن و بازنشسته) و احتمالاً الهیار صالح رهبر سابق جبهه ملی را در نظر داشتند. آنها خوشحال خواهند بود که در صورت امکان یک رهبر معروف فعلی جبهه ملی را به لیست اضافه نمایند. این افراد به عنوان شورائی برای دولت جدید و یا وزرای مشاور عمل خواهند کرد.



آنها به نخست وزیر کمک خواهند کرد که وزرایی را انتخاب کند که هم قابل قبول شاه و هم قابل قبول رهبران مذهبی باشد، هرچند آنها شهرستانی شهردار را برای نخست وزیری کاندید کرده بودند ولی اکنون کاندید بهتری برای نخست وزیری در نظر گرفته اند و آن نجفی، وزیر دادگستری می باشد.

وی چون نوه یک رهبر مذهبی مهم از اصفهان می باشد، روابط خوبی با رهبران مذهبی مانند شریعتمداری دارد. وی همچنین با امتناع از آلت دست بودن برای نصیری رئیس ساواک و شاهزاده اشرف برای خودش اسم و رسمی دست و پا کرده است.

۴- اولین مشکل، جلب موافقت گروه ۴ یا پنج نفری از افراد سرشناس برای خدمت است. دکتر سروری که همه آنها را خوب می شناسد (وی دکتر آنها می باشد) معتقد است که آنها یک نشانه واضح از شاه می خواهند که نشان دهد که شاه مایل است که آنها امور را به دست گیرند و یک اعلام عمومی مناسب کند تا شرایط را برای کار کردن دولت جدید آسانتر نماید، اعلامی که آنها به وی اشاره می کنند راجع به داراییهای شاه و خانواده اش می باشد.

آنها معتقدند که شاه با اجازه دادن به دولت ازهارای برای انتخاب یک کمیسیون سه نفره از حقوقدانان برای رسیدگی و بررسی دارایی های خانواده سلطنتی آن گونه که اعلام شده است، مرتکب اشتباه شده است، رسیدگی آنها مشکل و طولانی خواهد بود و هرچه که این کمیسیون تصمیم بگیرد اعتباری نزد مردم نخواهند داشت.

بهتر است که شاه خودش شخصا تصمیم بگیرد و اعلام کند که داراییهای مشخصی از خانواده سلطنتی به دولت بازگردانیده خواهد شد، بعد از همه اینها، همه معتقدند که شاه بهترین کسی است که می تواند قضاوت کند که این داراییها از کجا آمده است و در هر حال صاحبان این داراییها نیز شدیداً صدمه نخواهند دید، چون آنها ذخیره کافی در خارج از کشور دارند. این اعلام با استقبال مردم مواجه خواهد شد و به دولت جدید نیز کمک خواهد نمود. آنها عقیده کنسول سیاسی را مبنی بر این که این اعلام ممکن است در نظر بعضی ها ارائه تغذیه اتهام زندگان به وسیله شاه تلقی شود را پذیرفتند، اما معتقد بودند که این تنها روش مؤثر می باشد.

شاه می تواند این گونه شروع کند که اعلام کند که وی بنیاد پهلوی را به مردم پس می دهد، همان طور که قبلاً قول داده بود اما عمل نکرده بود.

۵- مانع دیگر مکانیسم این عمل می باشد. این افراد مهم بدون گرفتن اجازه از شاه برای کاری که باید انجام دهند، حرکت نخواهند کرد و خودشان هم اینچنین پیشنهاد و یا تقاضایی را از شاه هم نخواهند نمود.

گروه معتقد بود که مؤثرترین روش این است که این مطلب توسط سفارت آمریکا به شاه گفته شود، چون شاه به مرحله ای رسیده است که دیگر به هیچ ایرانی اعتماد نمی کند. اضافه اینکه این افراد محافظه کار مسن، شاه را تحت فشار نخواهند گذاشت. کار اصلی آنها این است که شهرت و اعتبار و پرستیژ خودشانرا در اختیار دولت جوانتری بگذارند، تا کشور را برای انتخابات آزاد آماده نمایند.

۶- بنابراین لازم است که شاه از این افراد دعوت کند تا بیایند و با وی ملاقات کنند و به آنها دستور دهد که در تشکیل یک

دولت غیرنظامی بعد از عاشورا کمک کنند و بسیار مفیدتر خواهد بود، اگر شاه خودش نجفی وزیر دادگستری را به عنوان یک شخص خوب برای نخست وزیری پیشنهاد کند. در غیر این صورت امکان دارد که مشاوران دیگر شاه شخص و یا اسم دیگری را به شاه پیشنهاد کنند و شاه هم این افراد را

ص: ۲۷۹

پیشنهاد کند و این افراد مهم و سرشناس راجع به این موضوع با شاه مخالفت نخواهند کرد.

این مطلب منجر به بحث و گفتگو راجع به بعضی اسامی شد و اظهار امیدواری شد که رقابتی برای پست نخست وزیری اتفاق نیفتد.

به این مسئله نیز توجه شد که احتمال دارد که علی امینی که در حال حاضر از جانب شاه در جستجوی میانه روها می باشد، ممکن است که تصمیم گرفته باشد که انتظام نخست وزیر آینده ایران باشد. اگر نجفی برای پست نخست وزیری قابل قبول نباشد، هروی و سروری موافقت کردند که وی به عنوان معاون نخست وزیر به انتظام کمک نماید.

۷- بحثهای زیادی راجع به شرایط و اوضاع غم انگیز کنونی شد. سروری و هروی نمونه هایی از سازمانهای مؤثر در بین مخالفین ارائه نمودند. در زمانی که حتی ارتش ایران از این چنین سازماندهی برخوردار نیست باید نسبت به حزب توده تنها گروهی که در تاریخ ایران دارای سازماندهی قوی می باشد، مضمون بود. هروی فعالیتهای مخالفین را به تاکتیکهای روسهای پطروگراد در مقابل سوسیالیستهای کرسنکی در انقلاب روسیه، تشبیه کرد. هدف آنها این است که روحیه کارمندان دولت و سایر میانه روها را خراب کنند.

فعالیتهای اعتصابی، پخش شایعه، تظاهرات و کشتارها همه به منظور همین هدف انجام می گیرند.

سروری یک مثال مشخص ارائه داد و گفت یک روز که وی به سرکارش ساعت ۶ صبح به بیمارستان رفت، اعلامیه ای را دید که دکترها را تشویق به کار نکردن و یا آهسته کار کردن می کرد، این اعلامیه در آن شب در تمام تهران پخش شده بود.

۸- پس از بحث و گفتگوی بیشتر هروی و سروری موافقت کردند که آنچه را که می خواستند انجام دهند، بدون کمک مستقیم سفارت آمریکا در حال حاضر انجام دهند. هروی در نظر دارد که نجفی را ببیند و موضوع را با وی در میان بگذارد. او به عهده نجفی می گذارد که ببیند که آیا می تواند موافقت آیت الله شریعتمداری و بعضی از آیت الله های دیگر را جلب کند یا خیر. هروی نیز با امینی صحبت خواهد کرد که ببیند آیا وی حاضر است به عنوان میانجی بین شاه و یکی از دو گروه افراد مسن سرشناس یا هروی - سروری و یکی دو نفر دیگر از گروهشان عمل نماید یا خیر و ترتیب ملاقات آنها با شاه را بدهد تا پیشنهاد را به وی بکنند. آنها گفتند که باز خواهند گشت و با ما تماس خواهند گرفت. سولیوان

## گزارش اوضاع ایران

سند شماره (۷) سرّی از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۳۰ نوامبر ۷۸ - ۹ آذر ۵۷ به: تمام پستهای دیپلماتیک فوری موضوع: گزارش اوضاع ایران ۱- با شروع محرم، نگرانی و شایعات زیاد می شود. اعتصاب دیروز رادیو تلویزیون که پخش ضعیف قبلی خبر را فلج کرده است، کمکی به اوضاع نکرده است. در همین زمان بی.بی.سی، مقاله ای از تایمز لندن که درخواست جایگزینی یک شورای سلطنت به جای شاه را نموده است پخش کرد، که شایعات تهران را به همراه دارد. (گرچه دولت انگلستان به حمایت خود از شاه ادامه خواهد داد، ولی جوابی به درخواست



دولت ایران برای جلوگیری از سرویس فارسی بی.بی.سی (سی نخواهد داد). ۲- به ما گفته شده است که گزارش اول دسامبر مک نیل / لورر مصاحبه ای را با آیت الله خمینی مطرح می کند.

۳- یک منبع قابل اعتماد طرفدار شاه که ۱۰ روز قبل ساعتها با آیت الله شریعتمداری بوده است گزارش می دهد که شریعتمداری: - خیلی نگران است که از برخوردهای مورد انتظار محرم خونریزی زیادی حاصل خواهد شد. - مایل نیست که صدها تن را قربانی نوعی از پاکی اسلامی کند، و معتقد است که شاه باید بماند، زیرا که او مشکلات کوشش برای اداره بدون شاه را تشخیص می دهد. منبع معتقد است که اگر شریعتمداری گشایشی را برای ائتلاف پس از عاشورا (۱۱ دسامبر) مشاهده کند موقعی که برخورد آخری فرا رسد از خمینی خواهد برید.

۴- رئیس مستشاری نظامی ما در ۲۸ نوامبر با نخست وزیر ژنرال ازهراری صحبت کرد، و او را با روحیه ای خوب یافت در هر حال ازهراری گفت که او در مورد افسران ناراحت است و احساس می کند که احتیاج است به آنها مراجعه کرده تا آنها را به صورت تیم درآورد. احتمالاً نشانه اختلاف در سلسله مراتب است. ازهراری همچنین گفت او آلمانها را آورده تا ظاهراً جای اعتصابیون در نیروگاهها را بگیرند.

۵- برخورد با نیروهای امنیتی در تهران و حداقل ۴ شهر دیگر گزارش شده است. ونس

## گرایشات نسبت به شاه

سند شماره (۸) خیلی محرمانه صورت مذاکرات زمان و مکان: ۳ دسامبر ۱۹۷۸ - برابر با ۱۲ آذر ۵۷ اقامتگاه جدلی سازمان بین المللی ارتباطات تهران - ایران شرکت کنندگان: احمد جدلی، تدارکات نیروی هوایی ایران - جک اچ، شلنبرگر PAO مکان: اقامتگاه جدلی موضوع: گرایشات نسبت به شاه سابقه:

من در ابتدای مأموریتم در اینجا با احمد و خانواده اش از طریق نامزد او که در صدای آمریکا یک سکرتر می باشد آشنا شدم، خانواده جدلی از طبقه متوسط می باشند. پدرش کارمند بازنشسته دولت است و خواهرش دانشجوی دانشگاه. خود احمد یک فوق لیسانس در علوم سیاسی از دانشگاه جورج تاون دارد و اکنون مشغول انجام وظیفه نظامی به صورت یک غیرنظامی در دفتر تدارکات نیروی هوایی ایران با مسئولیتهای ویژه برای ارتباط با پرسنل لاکهید می باشد.

او می گوید کارش آنچنان است که به وی توصیه شده به دفتر من نیاید، یا حتی در سفارت تنیس بازی نکند. بنابراین ما به طور متناوب در آپارتمان ساده خانواده او در خیابان روزولت، شمال سفارت ملاقات می کنیم.

احمد از چیزی نگران است که وی آن را یک فرسایش وخیم در حمایت از شاه از طرف پرسنل نظامی که وی هر روز آنها را می بیند، می داند. داستانها و شایعاتی منتشر شده اند که ژنرالهایی که اکنون در رأس



هستند برای آماده شدن برای یک مهاجرت سریع مبالغ هنگفتی جمع آوری می کنند.

وفاداری به شاه از نظر آنها یک مصلحت موقتی است و برای نظامیان از درجات پایین تر به صورتی متزلزل می باشد. علت ریشه ای تمام ناراحتیها خود شاه است که به خانواده اش و افراد نزدیک به خودش اجازه داد به قیمت فقر توده ها ثروتمند شوند. چیزی که ما شاهد آن هستیم یک تغییر ناگهانی گسترده بر علیه سلسله پهلوی است که هیچ اشاره ای به کارهای گذشته (اصلاحات ارضی، حقوق زنان و آموزش و پرورش) نمی تواند آن را دفع کند.

یک نتیجه تأسف بار تمام اینها از خود بیگانگی است که در میان مردم ایران و دولت ایالات متحده و خارجیان در ایران به وقوع پیوسته است. احمد واقعا متقاعد است که من و خانواده ام در اینجا در مخاطره هستیم و اینکه ما باید تا آنجایی که ممکن است از انظار مخفی باشیم، پدرش با او هماهنگ شد و گفت که وی شک ندارد که روسها خودشان را از طریق حزب توده به میان اوضاع رسانده اند. هر دو اظهار داشتند مذهب فقط پوششی است برای ابراز نارضایتی در ایران. به طور جالبی هر دو مشکوک هستند که وقایع خشونت بار در اطراف کشور کار انحصاری مخالفین است. آنها مظنون هستند که دولت نظامی برای توجیه کردن قبضه قدرت توسط خودشان در پشت بعضی از این وقایع می باشند.

نظریه: در حالی که هیچ کدام از این تماسها نمایانگر هیچ اصلی نیست و هیچ کدام از اهمیت بالایی برخوردار نیست، نظرات آنها به نظر رسید که به صورت انعکاس برخی طرز تفکرهای طبقه متوسط را این روزها در تهران برمی شمرد.

### طرحهای مخالفین برای رفتن شاه

سند شماره (۹) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۴ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۳ آذر ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه واشنگتن - فوری عطف به: (الف) تهران ۱۱۰۹۷ - (ب) تهران ۱۱۰۸۳ موضوع: طرحهای مخالفین برای رفتن شاه خلاصه: دکتر میناچی به کارمند سفارت گفت که پیشنهاد کارمند سفارت مبنی بر ایجاد شورای سلطنت در ۴ سپتامبر به نمایندگان اصلی خمینی ارائه می شود، آنها به پاریس خواهند رفت تا خمینی را متقاعد کنند اگر لازم بود با فشار، که آنها را قبول کند، میناچی شایعاتی شنیده است که شاه احتمالاً برای قبول شورای سلطنت آماده است.

علی امینی به میناچی گفته است که «مستشاران نظامی خارجی» گفته اند که فرماندهان نظامی با خروج شاه موافقت نخواهند کرد و گفت که اگر نظریه تعیین شورا پذیرفته شود، شاه باید فرماندهان نظامی را عوض کند.

کارمند سفارت، این حرف را از قول مستشاران نظامی تکذیب کرد. میناچی گفت که مخالفان خواهند پذیرفت که فرماندهان فعلی ارتش در شورای سلطنت باشند، وقتی میناچی پرسید که آیا به کوششهایش ادامه بدهد. کارمند سفارت گفت که تمام تلاشهای مسالمت آمیز مفید و لازم هستند و افزود که واقعیت امور باید بر تمام جوانب تحمیل گردد. (پایان خلاصه)

۱- به درخواست میناچی، استمپل با او ملاقات کرد. میناچی خزانه دار کمیته دفاع از حقوق بشر است و همین طور دستیار آیت الله شریعتمداری است، میناچی می خواست که اوضاع جدید را بررسی کند و در این میان آخرین نظریات آمریکا را هم بداند، زیرا می خواست ۲ نفر از ۳ نفر نماینده عالیرتبه خمینی را که در دو سه روز آینده به پاریس خواهند رفت، هنگام نهار آماده نموده و اطلاعات کافی در اختیار آنان بگذارد.

این ۲ نفر، منتظری از قم و رفسنجان از تهران هستند (که با طالقانی از تهران می شوند ۳ نفر، به گفته میناچی این سه نفر «فرماندهی عالی» خمینی در ایران می باشند).

آنها طرح شورای سلطنت را پیش روی خمینی خواهند گذاشت که این شورا جایگزین شاه شده است، (برای ذکر جزئیات به تلگرام مرجع رجوع نمایید) و بعد دولت مؤتلفه را انتخاب خواهند نمود. آنها آماده هستند تا خمینی را مجبور کنند که این پیشنهاد را بپذیرد. تمام مخالفان و گروه شریعتمداری در قم و مشهد قبول کرده اند که با این دولت همکاری و از آن حمایت کنند.

۲- میناچی مذاکرات ده روزه خود با علی امینی و همچنین نخست وزیر سابق شریف امامی را که به اوضاع فعلی انجامید شرح داد و گفت که شریف امامی و امینی هر دو در همان مرحله اول شنیدن طرحهای او را ارجمند دانسته، اما بعد خود را کنار کشیدند. (در جریان مذاکرات میناچی با امینی، امینی گفته بود که آمریکاییها تنها تماس با شما را تجویز کرده اند. کارمند سفارت این موضوع را تکذیب می کند و می گوید که ما فقط امینی و دیگران را تشویق به مذاکره با همه افراد ذینفع کرده بودیم). اطلاع کارمند سفارت این است که شاه هر گونه راه حلی که سلطان بودن و فرماندهی کل ارتش را از او بگیرد، رد خواهد کرد.

میناچی نباید اجازه دهد که افکار آرزومندانه این نکته را از نظر گروهش به دور دارد. میناچی گفت که نه او و نه اعضای گروهش در آخرین تحلیل به امینی و شریف امامی اعتماد ندارند.

۳- مشکل دیگر، موقعیت درونی ارتش بود که در آخرین ملاقات میناچی و کارمند سفارت مورد بحث قرار گرفت. بنابه سخنان میناچی، امینی به او گفت که: افسران نظامی خارجی، که مشاور و راهنمای نیروی مسلح ایران هستند، به وی (امینی) گفته اند که اگر شاه برود، فرماندهان نظامی دیگر، از افرادی که بعدا حکومت خواهند کرد، اطاعت نخواهند نمود، کارمند سفارت پرسید که آیا آن افسران آمریکایی بوده اند یا نه و میناچی گفت که حتما منظور امینی همان افسران آمریکایی بوده اند، که چنین حرفی را به رهبران سیاسی اظهار داشته اند.

کارمند سفارت صریحا این حرف را از قول نظامیان تکذیب کرد که چنین حرفی را خصوصا به رهبران سیاسی اظهار داشته باشند.

همان طوری که میناچی می دانست، کارمند سفارت در آخرین ملاقات (تلگرام مرجع الف) اظهار تردید کرده بود که افسران نظامی با طرح مشتمل بر خروج شاه به هر حال از روی میل برخوردار خوبی داشته باشند. میناچی گفت که شاه قبل از خروج

خود، هر وقت که اراده کند، می تواند فرماندهان ارتش را عوض کند، و به هر صورت در شورای سلطنت افراد وفادار به شاه جای خواهند داشت. او نام چندین نفر از این نظامیان را که مورد قبول مخالفان هستند، بدین قرار اعلام کرد: اسقاوی، جم، باتمانقلیچ، گارزان و رضوانی، به علاوه دریادار بازنشسته مدنی که بسیار مورد اعتماد شاه و فردی است درخشان و همفکر با جبهه ملی. وقتی که کارمند سفارت راجع به این موضوع که فرماندهان نظامی در حال خدمت خود راجع به

ص: ۲۸۳

برکناری خود ساکت بمانند و تن به تعویض دهند، اظهار تردید کرد، میناچی امکان این مدعا را تصدیق کرد و اما بعدا گفت حضور این نظامیان در شورای سلطنت هیچ اشکالی نخواهد داشت.

کارمند سفارت بار دوم از او سؤال کرد، میناچی گفت که این درست است، نکته اساسی خلع قدرت از شاه است. تمام مخالفان، موافقت خود را با خدمت آنها تحت ریاست شورای سلطنت، که رهبران نظامی فعلی هم در آن شرکت دارند، اعلام کرده اند. (اظهار نظر: این با نظرات قبلی تفاوت معناداری را نشان می دهد. در حالی که تغییر مذکور این پیشنهاد را برای شاه خوش آیندتر نخواهد کرد، مفید خواهد بود که آن را به یاد داشته باشیم.) ۴- میناچی از دیدگاه خود و مخالفان، طرح شورای سلطنت را این طور بیان کرد که این شورا آن هیئت مشورتی که در اصلاحیه ماده ۳۸ متمم قانون اساسی ۱۹۰۷ آمده است، نیست. نظریات مخالفان بر این است که، شورای سلطنت به صورت یک گروه سلطنت را به جای شهبانو به دست خواهد گرفت و هیچ احتیاجی به شورای مجسمه وار نیست، شورا ترکیبی از ۲ یا ۳ نفر تیمسار از افراد فوق الذکر، رئیس ستاد ارتش و دیگر نمایندگان سازمانهاست، البته اگر این یکی لازم بود. کارمند سفارت حرفی نزد جز اینکه گفت که طرح، ظاهرا مورد قبول شاه نخواهد بود.

۵- در نتیجه گیری مذاکرات، میناچی نظر شخص کارمند سفارت را پرسید که آیا او باید به مذاکرات این طرح ادامه دهد و حتی آیت الله هابی را به پاریس بفرستد، با توجه به اینکه ظاهرا موقعیتها هنوز خیلی مساعد نشده است. در جواب کارمند سفارت گفت که ادامه مذاکرات نسبت به خشونت ارجحیت دارد و از امکان اینکه رهبران درون کشوری و جناحهای شریعتمداری و خمینی از اصرار شدید بر رفتن شاه منحرف گردند، پرسش کرد.

این سؤال برای میناچی کمی ناخوشایند بود، اما نهایتا اظهار داشت که چنین تغییر عقیده ای غیرمحمول به نظر می رسد. او اظهار امیدواری کرد که حوادث و اتفاقها، نقطه نظرها را در هر دو جهت تغییر دهد و آرزو کرد که خشونت با فعالیتهای مستمر پس از زمان منع رفت و آمد همراه نباشد. کارمند سفارت از او با تأکید خواست که موقعیت را آن طور که هست با حداکثر دقت ممکن با آیت الله ها در میان بگذارد و افزود که هیچ کدام از ماها خونریزی را دوست نداریم و بهترین راه جلوگیری از آن این است که مردم هم کمی بیشتر انعطاف نظر داشته باشند و عقاید خود را بر چیزی مبتنی نمایند، که بتواند دستمایه مصالحه گردد.

میناچی سر را به علامت این که فهمیده است تکان داد.

۶- میناچی این موضع گیری مرسوم را هم افزود که آمریکا این طرح را به پادشاه نشان دهد «تا راه را هموار کرده باشد، و ریشخند کارمند سفارت را که او بار دیگر سعی داشت آمریکا را به دخالت در اوضاع داخلی ایران وا دارد با صمیمیت پذیرفت. دیگر بحثها راجع به زندانیان سیاسی در تلگرام جداگانه ای گزارش می شود.

۷- اظهار نظر: جدا از قبول شرکت نظامیان عالیرتبه فعلی در شورای سلطنت پیشنهادی، تنها تغییری که در اوضاع روی داده حرکت آینده ایست که در رابطه با خمینی صورت خواهد گرفت.

تا آنجایی که ما می دانیم، این تنها تلاش در آینده نزدیک از طرف طرفداران مخالفان برای تحت فشار قرار دادن خمینی است، تا در موضع خود جایی برای دادن قدری «امتیاز» باز کند. سولیوان

**جنب و جوشهای بیشتر در میان رهبران میانه رو**

ص: ۲۸۴

سند شماره (۱۰) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۵ دسامبر ۱۹۷۸ برابر با ۱۴ آذر ۵۷ به: وزارت امور خارجه واشنگتن - فوری موضوع: جنب و جوشهای بیشتر در میان رهبران میانه رو خلاصه: رهبر اتحادیه معلمان می گوید که راه حل سومی یافته است که هم جلوی پیروزی خمینی را بگیرد و هم مانع از دوباره به قدرت رسیدن شاه می شود. او می گوید که شاه باید برود ولی شورای سلطنت بماند. این اعتقاد در میان مخالفین رژیم در جبهه ملی نیز وجود دارد. (پایان خلاصه) ۱- در سوم دسامبر (۱۲ آذر) محمد درخشش رهبر اتحادیه معلمان که با دوستان دیگرش که در شغل‌های دیگری مشغول به کار هستند و از فعالان سیاسی به شمار می روند، مشاور سیاسی را برای مباحثه دعوت کرد. درخشش به تفصیل راجع به ضرورتی که خود و میانه روه‌های مخالف شاه و همفکر او برای یافتن «راه سومی» که جدا از راه خمینی باشد احساس می کنند، سخنانی گفت دیگر دوستانش هم همین نظر را دارند. آنها این چاره را شامل خروج شاه و تشکیل یک شورای سلطنت از میان مردان بسیار محترم و قضات و غیره، می دانند. این شورا سپس گروهی نمایندگان سیاسی از میان رهبران جبهه ملی، احزاب دیگر، بازاریان و خود او و غیره را انتخاب می کند، که آنها دولت را تشکیل خواهند داد و مقدمات انتخابات آزاد را فراهم می کنند تا دولت جدید از میان مجلس منتخب جدید، تعیین و معرفی گردد.

۲- درخشش اعتقاد دارد، که این راه حلی است که بسیاری راجع به آن صحبت می کنند او زیاد روی تأثیری که خروج شاه روی فرماندهان بلندپایه نظامی خواهد داشت، حساب نمی کند. (او فکر می کند که این تأثیر توسط افسران خوب سابق و بازنشسته مهار خواهد شد.) اما تمایل به بحث داشت و این طور که به نظر می رسید از مشکلاتی که در اثر سقوط احتمالی ارتش به وجود خواهد آمد، مقداری متأثر شده بود. او به خلقی بودن ارتش به جای اینکه ارتش فقط از یک نفر، شاه، حمایت کند، تأکید داشت. او که خدمت وظیفه اش را در زمان رضاشاه به عنوان افسر به پایان رسانده فساد و بزدلی افسران بلندپایه را به یاد می آورد. او به نکته ای اشاره کرد که تغییر در ارتش احتمالاً باید با تدریج بیشتری صورت پذیرد، در ضمن اینکه آن تغییر تدریجی به مثابه یک چتر برای محافظت از تغییرات اصولی در سیستم سیاسی به کار گرفته شود.

۳- درخشش اعتراف کرد که هم از دیکتاتوری مذهبی تحت سلطه خمینی می ترسد و هم از حکومت کمونیستها بعد از برکناری خمینی، وحشت دارد. عقیده او بر این است که ایران را باید به راه یک دولت دموکراتیک سوق داد. او با این عقیده مشاور سیاسی بدین مضمون که ایران با طرح اعطای آزادیها توسط شاه به طرف آن غایت روانه بود مخالفت نکرد، جز اینکه اظهار داشت، همچنان نمی تواند چیزی را که شاه می گوید باور کند.

وی گفت که او یا همراهانش اگر می پذیرفتند که در دولتی تحت حکومت شاه کار کنند، خیلی زود خائن محسوب شده و طرفداران و محبوبیت خود را از دست می دادند. او مکرراً رجوع می کرد به این نکته که شاه باید برود... در غیر این صورت قدرت پیروان خمینی آنقدر کاسته نخواهد شد که اجازه دهد عناصر دمکرات فعال شده و یک آئین دموکراتیک را برای ایران سازمان دهند.

۴- درخشش نشان داد که با معلمان بسیاری در رابطه است. او عریضه های دراز لوله شده ای را بیرون کشید که بسیاری از آنها صدها امضاء روی خود داشتند و از استانهای مختلف به دستش رسیده بود. در یکی از آنها معلمان به یک مسجد پناه برده بودند و پس از دستگیری ۵ نفر، جمع آنها این عریضه را امضا کرده بودند. تمام این عریضه ها ضد شاه هستند.

۵- درخشش شکایت کرد که وقتی در اوایل سال جاری او و پیروانش سعی داشتند که تعدادی اعلامیه و روزنامه چاپ کنند، دستگیر شده بودند. او همچنین افزود که شاه در تعیین شریف امامی با وجهه ای که دارد در این موقعیت آشوب به عنوان یک نخست وزیر اشتباه کرده است. او گفت، شاه احتمالاً می توانست قسمت اعظم موقعیت خود را با تعیین دولتی که عده ای از مخالفان را دربرداشته باشد، به دست آورد. او به ضرورتی که خود و دوستانش برای فعالیت سیاسی احساس می کردند، علیرغم یأس آمیز بودن فعالیتهای سیاسی در آینده نزدیک، ضمن آنکه جنگ قدرت بین خمینی و شاه به اوج خود رسیده است، اشاره کرد.

او با مشاور سیاسی اتفاق نظر داشت که با گذشت دوره محرم، مطالعه دوباره اوضاع باارزش خواهد بود، تا بررسی شود که آیا راه حل مصالحه با شاه در نقش مشروطه سلطنتی، برای میانه روهای سیاسی مانند خود او، که خطر حکومت حزب توده، یا بدتر از آن موقعیت جناح خمینی مخالفین را تشخیص می دهند، منطقی خواهد بود یا نه. او همچنین طی ملاقات چندین بار نظریات مشاور سیاسی را پذیرفت که مسائل اقتصادی ایران مدرن، برای هر دولت آینده باقی خواهد ماند، که با آن دست و پنجه نرم کنند و با ترغیب افکار عمومی به این نظر که علت ریشه ای همه مشکلات شاه است، در بین مردم این توقع ایجاد می شود که مشکلات وقتی تمام خواهند شد، که شاه برود. وقتی که مشکلات برطرف نشوند، نارضایتیها و نابسامانیها برای دولت آینده حتی اگر از جناح جبهه ملی مخالفین باشد، خواهند ماند. با وجود این درخشش نسبت به هر راه حلی که خروج شاه را در بر نداشته باشد، با تردید بسیار می نگرد.

۶- نظریه: درخشش از آن سری رهبرانی است که از پیروزی خمینی می ترسند و سعی دارند که یک راه سومی پیدا کنند. درخشش معتقد است که این راه حل تا خروج شاه برای تشکیل شورای سلطنت، عملی نخواهد بود. این موضع با نظریه افراد جبهه ملی خیلی نزدیک می باشد. این موضوع را میناچی در همان روز این دیدار به مأمور سفارت گفته بود، (در تلگرام جداگانه آمده است). آنها آشکارا در تماس بودند.

سولیوان

## ایران بعد از محرم کجا می رود؟

سند شماره (۱۱) خیلی محرمانه از: کنسول آمریکا - شیراز تاریخ: ۶ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۵ آذر ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: ایران بعد از محرم کجا می رود؟ خلاصه (خیلی محرمانه): مخالفان رژیم پهلوی امیدوارند این رژیم را در جریان ماه محرم به سقوط وادارند در حالی که در تهران امید این است که محرم ناتوانی مخالفان را در رسیدن به اهداف خود بدون اینکه قبلاً شاه را به مخاطره اندازند، ثابت خواهد کرد. هر دوی این امیدواریها بیش از اندازه خوش بینانه است. احتمالات آنطوری که از شیراز می توان دید این است که رویارویی حتی بعد از محرم نیز ادامه





خواهد یافت و اگر این اوضاع همچنان مداومت داشته باشد، سیر تحولی مواضع و روشها در داخل دستگاه نظامی اهمیت حساسی را پیدا خواهد کرد. پایان این تحولات سیاسی هرچه باشد، نقش نظامیان یقیناً اهمیت برجسته خواهد داشت. منافع ملی ما اقتضا می کند که این ناراحتیها که در ماههای اخیر باعث این همه از هم پاشیدگی شده است، پایان یابد. تحت شرایط موجود بهترین سیاستی که ما می توانیم از آن پیروی کنیم این خواهد بود که بگذاریم جریانات سیر طبیعی خود را بدون کمترین دستکاری از جانب ما ادامه دهد و به مرحله نهایی برسد. (پایان خلاصه) (خیلی محرمانه) عناصر مخالف در شیراز و نقاط دیگر در جنوب ایران ظاهراً امیدوارند که از طریق ترکیبی از اعتصابها و سایر اقدامات فلج کننده کارگری و تظاهرات بستن دکان و رویارویی عمومی با دولت که در ماه محرم به اوج خود خواهد رسید، شاه از تاج و تخت خودش بیرون رانده خواهد شد و ایرانیان در همه جا سرانجام به تحقق آرزوهای سیاسی خود خواهند رسید.

از سویی دیگر امیدواری در تهران آن طوری که از شیراز دیده می شود این است که محرم ناتوانی مخالفان را در سرنگون کردن رژیم پهلوی ثابت خواهد کرد و اینکه بعد از آن فشارها بر رهبران مخالفان افزوده خواهد شد تا با شاه سازش کنند.

(خیلی محرمانه) هر دو این امیدواریها شاید بیش از حد خوش بینانه باشد. علیرغم شایعات مبنی بر وفور محمولات اسلحه قاچاق در سراسر کشور، محتمل به نظر نمی رسد که ارتش ایران قریباً در معرض خطر ضعف کمی تسلیحاتی در مقابل مخالفان رژیم قرار گرفته باشد. مخالفان رژیم تاکنون جز شور و هیجان و آنچه که در خیابانها به دستشان رسیده و گاهگاهی نیز یک وسیله منفجره دست ساز چندان سلاحهای بیشتری نداشته اند.

بدین ترتیب با توجه به اینکه سلاحهای در دست طرفین با یکدیگر تعادلی ندارد و با فرض اینکه نظامیان هنوز برای به دست گرفتن وظیفه به راه انداختن شاه به نفع مخالفان او آمادگی ندارند، احتمال این است که شاه قادر خواهد بود تا مدتی طولانی تر اگر میل داشته باشد، همچنان به قدرت خود بچسبد.

(خیلی محرمانه) معدالک یک حکومت ائتلافی حتی حکومتی که شامل عناصری مخالف باشد و پیش بینی کننده انتخابات ملی در ماه ژوئن باشد، چشم اندازهای مشکوکی برای موفقیت خواهد داشت.

قابل تصور است که بعضی از عناصر نسبتاً میانه و همچنین تعداد زیادی از فرصت طلبان از هر رنگ و بوی سیاسی که با مطلق گرایهای سلطنتی (گرچه نه با خود سلطنت) مخالفند، دچار وسوسه خواهند بود تا در یک حکومت ائتلافی به یکدیگر بپیوندند، ولی آنهایی که برای از میان بردن سلطنت به عنوان یک نهاد متعهد شده اند، همچنان با کمال اطمینان به ایستادگی ادامه خواهند داد. این گروه اخیر لااقل در جنوب ایران ظاهراً بزرگ و مصمم به نظر می رسند.

علاوه بر این با توجه به محیط و جو خصومت و سوءظن و بی توجهی نسبت به مقدسات موجود که بر نظریات این عناصر آشتی ناپذیر تسلط دارد احتمال ندارد که هرگونه حکومت ائتلافی حتی حکومتی که شامل مخالفان مسلم رژیم باشد، قابلیت اعتماد در بین آنها داشته باشد. اینها متمایلند که آمادگی به سر و کار داشتن با رژیم پهلوی را فی نفسه یک عمل خیانت آمیز تلقی کنند.

(خیلی محرمانه) با توجه به چنین اوضاع و احوالی رویارویی ممکن است عملاً بدون کم و کاست ادامه داشته باشد. آنهایی که پایبند ایثار در سرنگونی شاه هستند، خواهند کوشید فشار را بر او و حکومت او

ص: ۲۸۷

همچنان فعال نگهدارند و آنها به احتمال قوی کوششهای خود را در اطراف اقدامات اقتصادی که تاکنون ثابت کرده است که اثر برهم زننده ای دارد متمرکز کنند. در عین حال حکومت خواهد کوشید تا کارهای روزمره اداره دولتی را در محیطی از فوریت سیاسی و هرج و مرج اقتصادی انجام دهد و انتخابات ملی را که در نتیجه نقطه نظرهای مختلف در میان اعضای ائتلافی و فقدان اجماع آرای عمومی دستخوش موانع شده است، سازمان دهد.

در حالی که انتخابات نزدیک می شود، منازعات داخلی در میان عناصر ائتلافی به طور اجتناب ناپذیری تصاعد خواهد یافت تا مرحله ای که خود ائتلاف ممکن است به طور جدی به مخاطره افتد. اگر انتخابات سر و سامان یابد (با توجه به روشهای کنونی مخالفان سرسخت) مشکوک به نظر می آید از اینکه این انتخابات دیگر مفهوم و یا سودمندی نهایی را داشته باشد، مانند انتخاباتی که به طور مرتب در جنوب ویتنام صورت می گرفت.

(خیلی محرمانه) سیر تحول نظامیان در هفته های آینده بدین ترتیب به مرحله حساس می رسد، در حال حاضر افسران ارشد در شیراز مأموریت خود را با نظر حساسی تلقی می کنند. تنها چندی پیش رئیس حکومت نظامی شیراز خود را به عنوان یک نیروی بی طرف بین حکومت و مخالفانی که می خواهند شدیداً به آن حمله کنند توصیف کرد. او با نهایت دقت از محکوم کردن مخالفان به عنوان مخالفان احتراز کرد و مدعی شد که کار او نیست که در مسائل سیاسی قضاوت کند. او گفت که مخالفان نیازمند راه حلهای سیاسی هستند که تنها می توان در تهران آن را پیدا کرد.

چنین روشهایی در درازمدت تنها در صورتی قابل نگهداری است که راه حلهای مورد لزوم واقعاً پیدا شوند و در مورد ایران مسئله همین جا است. اگر یک سازش متقابل بین شاه و اکثریت مردم او ممکن نباشد، یک نیروی خارجی دیر یا زود باید یک چنین سازشی را تحمیل کند. نظامیان با توجه به نفرت آنها نسبت به آشوب سیاسی از هر نوع و قدرت تحمیل اراده آن برای چنین مأموریت و رسالتی به صورت کاندیدا درمی آیند.

(خیلی محرمانه) در چنین صورتی به عهده گرفتن نقش داور سیاسی از سوی نظامیان ممکن است به یکی از دو خط مشی عمومی منجر شود.

عقل و خرد قراردادی ظاهراً به نفع یک برداشت محافظه کارانه تر رأی خواهد داد که در آن نظامیان به طور ساده مسئولیت را چه برای حفظ صلح و چه برای ادامه کار حکومت به عهده می گیرند. البته این امر مستلزم آن خواهد بود که در زمینه های غیر از تحمیل قانون دخالت مستقیم بیش از آنچه تاکنون تحت نظر حکومت از هاری اعمال می شد به عمل آید. تحت چنین برداشتی لزوم مشروعیت و شاید عواطف به نفع حفظ شاه نظر خواهد داد، هرچند شاید به خاطر نمایش ویتروینی باشد تا چیز دیگری. معذالک نگهداشتن شاه بر روی تخت بدون شک و یقیناً به معنای ادامه مخالفت عمومی با حکومت خواهد بود.

(خیلی محرمانه) در حالی که سوابقی درباره رژیمهای نظامی نامطلوب وجود دارد و بعضی از آنها دوام قابل ملاحظه ای از خود نشان داده اند، مخالفت عمومی چیزی نیست که معمولاً به خاطر خود مخالفت مورد محبت قرار گیرد. در واقع اعضای دستگاه نظامی نیز مانند هر کس دیگری می خواهند مورد مهر و محبت قرار گیرند و این واقعیت همراه با نقش رسولی که اغلب در میان برگزیدگان جهان سوم ظاهر می شود، ممکن است نظامیان را در اینجا وادار کند تا به عنوان «میانجی شرافتمند»

بین مردم ایران و شاهی

ص: ۲۸۸

که بسیاری از آنها می خواهند او را سرنگون کنند عمل کنند.

یک چنین سناریویی ممکن است مستلزم دعوت از جانب نظامیان به شاه برای گرفتن یک مرخصی در خارجه تا زمان حل اوضاع سیاسی در ایران و توصیه برای اینکه شاه به نفع فرزند خود استعفا کند و یک شورای نیابت سلطنت تشکیل شود، یا به طور ساده خاندان پهلوی در پاسخ به اراده عمومی برچیده شود، خواهد بود.

(خیلی محرمانه) معذالک نتیجه نهایی حوادث هر چه که باشد تقریباً حتمی به نظر می رسد که نظامیان در آن نقش برجسته ای خواهند داشت. منافع ملی ما اقتضاء می کند که این ناآرامیها که تا این اندازه در ماههای اخیر برهم زنده بوده است برطرف شود، دادن نقش مرکزی تری به نظامیان در اداره امور دولت یک چنین نتیجه ای را تضمین نخواهد کرد و یقیناً هرگونه کوششی از جانب ما برای تحت تأثیر قرار دادن فرآیند سیاسی در این جهت پر از خطرات قابل ملاحظه خواهد بود.

در عین حال علیرغم عدم محبوبیت عمومی شاه که کاملاً ظاهر است، طرد او در چنین مرحله ای دردها را درمان نخواهد کرد و به احتمال قوی از نظر بسیاری حتی از نظر مخالفان او یک نوع بی شرمی از جانب یک قدرت بزرگ تلقی خواهد شد.

معذالک کاملاً مشکوک به نظر می رسد که شاه هرگز بتواند نقش رهبری را که زمانی داشته است بار دیگر اعمال کند. علاوه بر این حتماً اجتناب ناپذیر است که راه حل سیاسی پایانی در ایران اعم از اینکه به نفع نگهداری شاه یا چیز دیگری باشد، نسبت به مصالح ملی ما خصمانه خواهد بود.

در شرایط کنونی بهترین سیاست ما این خواهد بود که توصیه به میانه روی و سازش بکنیم در حالی که نسبت به امکان مداخله خارجی هشیاری نشان بدهیم، ولی از لحاظ جنبه های دیگر بگذاریم حوادث سیر تحول طبیعی خود را داشته باشد.

### **آزادی رهبران مخالف رژیم و نقشه برای تظاهرات**

سند شماره (۱۲) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۷ دسامبر ۱۹۷۸ برابر با ۱۶ آذر ۵۷ به: وزارت امور خارجه واشنگتن - برای اقدام موضوع: آزادی رهبران مخالف رژیم و نقشه برای تظاهرات خلاصه: حکومت ایران کریم سنجابی و داریوش فروهر را عصر روز ششم دسامبر آزاد کرد. این دو نفر قرار است هفتم دسامبر با رهبران جبهه ملاقات کنند. جبهه ملی در تظاهراتی که برای دهم دسامبر به مناسبت تاسوعا تعیین شده شرکت خواهد کرد. پروفیسور کاتم آمریکایی در ایران در معرض شایعات قرار گرفته است. (پایان خلاصه) ۱- دکتر ناصر میناچی پس از پایان مقررات منع رفت و آمد در شش دسامبر برای بحث درباره اخبار مربوط به اینکه حکومت ایران کریم سنجابی و داریوش فروهر را آزاد کرده است، به خانه استمپل مأمور سفارت آمد. میناچی آزادی آنها را تأیید کرد و گفت او تلفنی با آنها صحبت کرده است. اجتماع رهبران عمده جبهه ملی برای بعدازظهر روز هفتم دسامبر تعیین شده است که در آن اقدامات بعدی را مورد بحث قرار خواهند داد. میناچی خاطر نشان ساخت که حکومت ایران تصمیم گرفته بود که این زوج را روز

چهارم دسامبر آزاد کند و این اقدام به منزله رفتاری مبنی بر حسن نیت، لااقل از سوی رهبران میانه روی جبهه ملی تلقی شده بود. رابط ما در نهضت آزادی ایران، به مأمور سفارت در بامداد ۷ دسامبر گفت که آزادی ایندو نفر «جالب است» ولی چیز مهمی را تغییر نداده است و تقاضا کرد که بامداد روز ۸ دسامبر ملاقات کنند.

۲- میناچی گفت: جبهه ملی از هم اکنون نقشه‌هایی برای حرکت در تظاهرات بزرگ که از سوی آیت الله طالقانی سازمان داده می‌شود و قرار است ساعت ۹ بامداد روز ۱۰ دسامبر آغاز شود ترتیب داده است.

طبق اظهار میناچی تظاهرات در نزدیکی میدان شهناز در انتهای شرقی خیابان شاهرضا آغاز شده و به سوی غرب حرکت خواهند کرد و به گروه‌هایی که در سایر نقاط شهر تشکیل می‌شود ملحق خواهد شد.

میناچی گفت نظر این است که یک کوشش عظیم جمعی صورت گیرد. کمیته دفاع از حقوق بشر و آزادی راهپیمایی جداگانه ای را از سوی این کمیته برای همان روز طرح ریزی کرده بود، ولی هنگامی که رهبران روحانی کوشش همگانی را به مقیاس وسیع در نظر گرفتند. کمیته دفاع از حقوق بشر و آزادی از نقشه خود منصرف شد، میناچی معتقد بود که بیشتر گروه‌های مخالف شرکت خواهند کرد.

۳- یک نفر روزنامه نگار از لندن تلفنی از مأمور سفارت خواست تا داستان مربوط به اقامت پروفیسور ریچارد کاتم آمریکایی را در ایران تأیید کند. مأمور سفارت درباره این موضوع اظهار بی‌اطلاعی کرد. بر اساس مخبرین اطلاعاتی که ما داریم، کاتم اینجا نیست. موجب تقدیر خواهد بود اگر وزارت امور خارجه به نحو بی‌سر و صدایی حضور او را در پترزبورگ تأیید کند.

### برنامه علی‌امینی - نخست وزیر پیشین

سند شماره (۱۳) سرّی - ایران سازمان مرکزی اطلاعات (سیا) ۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۷ آذر ۱۳۵۷ علی‌امینی - نخست وزیر پیشین خطاب می‌شود: دکتر علی‌امینی علی‌امینی، یک میانه رو و ضد کمونیست، مدت کوتاهی پس از استعفایش تحت فشار شدید پس از ۱۴ ماه به عنوان نخست وزیر در طول ۶۲-۱۹۶۱، در تلاش بوده است که این مقام را دوباره به دست آورد. او هیچ پایگاه حقیقی قدرت ندارد، ولی دوستان زیادی در میان مخالفین دارد و ممکن است به عنوان رهبر یک دولت آشتی ملی مورد قبول قرار گیرد. دو عامل غیرقابل تفوق احتمالی که بر علیه او کار می‌کنند عبارتند از: دلسرد شدن سیاسی و شخصی او از شاه تقریباً برای دو دهه و سوءظن شایع در ایران (هرچند ظاهراً بی‌اعتبار) که او یک عامل آمریکاست. (در حقیقت او ایالات متحده را به خاطر باعث استعفایش شدن در ۱۹۶۲ سرزنش کرد و متعاقباً نظر داد که این کشور یک دشمن بد و بدترین دوست است.) اخیراً شاه به امینی در مورد امکان قبولی نخست وزیری اشاره ای کرد. ولی امینی روی کنترل نیروهای مسلح و ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) اصرار ورزید؛ شرایطی که شاه را بدون قدرت می‌سازد. (سرّی) برنامه امینی اگر که سابقه گذشته او و گفته‌های عمومی و خصوصی اخیرش نشانه‌های واقعی عقایدش باشند،

چنانچه امینی نخست وزیر شود، یک اصلاح طلب خواهد بود تا یک انقلابی. او از چشم پوشی از آشوب و اغتشاش امتناع می ورزد و حکومت نظامی را (با توسل کمتری به زور) برای یک دوره نامشخص ادامه خواهد داد. او هر کاری که برای فعالیت مناطق نفتی لازم باشد انجام می دهد. او پارلمان فعلی را منحل خواهد کرد و انتخابات جدیدی برای استقرار یک جو دموکراتیک سالم که نیازهای مردم بر طبق قانون بتواند برآورده شود، برگزار خواهد نمود. او به یک دولت از متخصصین توجه دارد، ولی احتمالاً مجبور است که یک چاشنی از سیاستمداران و نمایندگان مذهبی چنانچه به او کمک کردند که قدرتش را به دست آورد، شامل نماید. او که بیشتر بحران فعلی را متوجه سیاستهای اقتصادی درک نشده و برنامه ریزی اقتصادی غیرمعقول می داند، احتمالاً هزینه دفاعی را کم می کند که توسعه بیشتر را تأمین مالی کند. او تلاش خواهد نمود که سیاستهایی از قبیل اصلاحات ارضی بیشتر که پیش بردن توزیع عادلانه تر ثروت ملت را تقویت می کند اتخاذ نماید.

او همچنین تلاش خواهد نمود که فرار سرمایه از کشور را متوقف نماید. او می گوید تمام اتهامات فساد مقامات رسمی در طول ۱۵ سال گذشته را تحقیق خواهد نمود و تمام متجاوزین را محاکمه می نماید. در اوائل ۱۹۷۸ امینی از استمرار شاه در قدرت حمایت می کرد در سپتامبر با پشیمانی استعفایش را طلب می کرد و در اوایل نوامبر به نظر رسید که او متمایل به یک سلطنت مطابق قانون اساسی می باشد (حداقل برای حال حاضر) (سری) زندگی و حرفه اولیه امینی در حقوق و اقتصاد از دانشگاه پاریس یک دکترا دارد. پس از یک سری پستهای قضائی و مالی دولتی در ۱۹۴۷ به عضویت پارلمان انتخاب شد. او به عنوان وزیر اقتصاد ملی (۱۹۵۰-۱۹۵۱)، دارایی (۵۵ - ۱۹۵۳)، و دادگستری (۱۹۵۵) خدمت نموده است. او در ایالات متحده در طول سالهای ۵۸ - ۱۹۵۵ سفیر کبیر بود. (طبقه بندی نشده) وقتی در می ۱۹۶۱، امینی نخست وزیر شد ایران در اواسط حادثترین بحران سیاسی از ۱۹۵۳ به بعد بود. او پارلمان را منحل نمود، اصلاحات سریعی را اعلام کرد و مقامات نظامی و دولتی بسیاری را به اتهام فساد دستگیر نمود. زمان تصدی او گردبادی از اصلاحات با کمی حمایت از طرف هر کس بجز شاه بود و آن هم نامشخص بود.

امینی کارهای زیادی انجام داد ولی در ژوئیه ۱۹۶۲ اختلاف با شاه، یک بحران بودجه ای - مالی، ناآرامیهای اجتماعی مرتبط با به تعویق انداختن انتخابات و خستگی شخصی منجر به استعفای او شد.

(محرمانه) پس از استعفایش امینی تحت مراقبت پلیس قرار گرفت و از فعالیت مخالف سیاسی وی ممانعت به عمل آمد. او به محاکمه برای معاملات نادرست زمین که ظاهراً همسر او و اعضای خانواده اش را هم گرفتار می کرد تهدید شد. (به نظر می رسید که وی شخصاً صادق است). در اواخر دهه ۱۹۶۰ دولت در پی این بود که او را با اتهامات قدیمی فساد و خدمت به عنوان جاسوس شرکتهای نفتی خارجی بی اعتبار سازد. او ظاهراً دهه بعدی را به اداره کردن و افزایش ثروت به ارث برده قابل توجه خود و کشف راههایی برای بازگشت به قدرت پرداخت.

اطلاعات خصوصی امینی ۷۱ ساله، گاهی بدون در نظر گرفتن عواقب صحبت می کند و ممکن است یک رگ انتقامجویی داشته باشد. او خیلی شوخ، باهوش و خوش صحبت است. او به میزان وسیعی در ایالات متحده، اروپا و خاورمیانه مسافرت نموده است.

مادر او عضوی از سلسله قاجار بود که تا زمانی که پدر شاه فعلی به سرنگونی آنها در ۱۹۲۱ کمک نمود بر ایران حکومت کردند. امینی فرانسه را به طور سلیس و به اندازه کافی انگلیسی صحبت می کند.

(محرمانه)

### کریم سنجابی دبیر کل، کمیته اجرائی جبهه ملی

سند شماره (۱۴) خیلی محرمانه تاریخ: ۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۷ آذر ۵۷ کریم سنجابی دبیر کل، کمیته اجرائی جبهه ملی (از سپتامبر ۱۹۷۸) خطاب می شود: آقای سنجابی در ۲۳ اوت ۱۹۷۸ کریم سنجابی احیای ائتلاف جبهه ملی دهه ۱۹۵۰ را به عنوان جبهه ملی ایران (معمولاً به آن با عنوان جبهه ملی رجوع می شود) اعلام نمود. جبهه ملی فعلی که هنوز از لحاظ حمایت عامه آزمایش نشده است، یکی از بزرگترین و وسیعترین گروه مخالفین سیاسی سازمان داده شده می باشد.

سنجابی، جبهه ملی فعلی را به عنوان یک سازمان رسمی ولی نه یک حزب سیاسی رسمی توصیف می کند.

جبهه ملی قدیمی از محمد مصدق نخست وزیر در کشمکش او بر سر قدرت با شاه حمایت می کرد. پس از سقوط مصدق خیلی از اعضای جبهه ملی از کشور گریختند و به اروپا یا ایالات متحده رفتند، سنجابی در ایران باقی ماند. در ۱۹۷۷ پس از سالها عدم فعالیت اجباری و در پاسخ به نشانه های اعطای آزادیهای سیاسی او شروع به پرداختن به امر مهم نوسازی جبهه ملی نمود. (محرمانه) سنجابی در اعلامیه اوت ۱۹۷۸ خود به تندی به شاه شخصاً حمله نمود و برنامه اعطای آزادیهای سیاسی او را یک ریاکاری خواند. در اظهارات بعدی او ادعا نمود که جبهه ملی در آینده هر انتخاباتی را تحریم خواهد نمود. مگر اینکه آزاد باشند و تقاضای یک تحقیق در ثروتهایی را که به وسیله بعضی ایرانیان اندوخته شده بود نمود. او گفت که وی هیچ مخالفتی با ادامه سلطنت ندارد مشروط بر اینکه آن یک سلطنت واقعا مطابق با قانون اساسی باشد و اینکه دولت باید بین دموکراسی واقعی و حکومت نظامیان یکی را انتخاب نماید. سنجابی اظهار داشت که جبهه ملی تقاضای سه عامل در هر دولت آینده را می نماید:

ناسیونالیسم، دموکراسی و سوسیالیسم. (طبقه بندی نشده) در اکتبر ۱۹۷۸، سنجابی به پاریس رفت که رهبر مخالف مذهبی در تبعید، آیت الله روح الله خمینی را ببیند که پیروان او از لحاظ شماره خیلی بالاتر از جبهه ملی است. در آنجا آنها یک اعلامیه مشترک منتشر کردند که شامل سه نکته بود:

- از رژیم سلطنتی نباید حمایت شود، - جنبش اسلامی - ملی نمی تواند یک رژیم سلطنتی غیرقانونی را تأیید کند،



- دولت باید براساس اصول دموکراتیک که به وسیله یک فرماندوم تأیید می شود، باشد.

سنجابی در ۱۰ نوامبر به ایران بازگشت و یک اطلاعیه تند که هر ائتلافی یا همکاری را با شاه و دولت رد می کرد منتشر نمود. او ادعا نمود که با خمینی به یک توافق رسیده اند (و ممکن است وی اتحادی با خمینی تشکیل داده باشد). روز بعد وی دستگیر شد، یک اقدام از طرف دولت که آشکارا به معنی دلگرم کردن سیاستمداران مخالف میانه رو و دلسرد نمودن آن رهبران مخالفی که سرنگون کردن شاه را در نظر قرار داده بودند بود. سنجابی در ۶ دسامبر آزاد شد. (محرمانه) جبهه ملی جبهه ملی یک سازمان دربرگیرنده چندین گروه است که اعضای آن اغلب کارمندان حرفه ای طبقه متوسط می باشند. اعضای جبهه ملی به طور کلی در درخواست از شاه برای تبعیت او از قانون اساسی ۱۹۰۶ متحد هستند، ولی به طور دیگر به مقدار زیادی با هم اختلاف دارند.

بعضی تمایل دارند با شاه همکاری کنند به این امید که قدرتی در ۷ ژوئن ۱۹۷۹ به دست آورند.

دیگران تمایل دارند که در انتخابات شرکت کنند ولی می خواهند که اختیارات شاه را به طور اساسی کاهش دهند و بیشتر اعضای تندرو می خواهند که شاه استعفا دهد. سنجابی ظاهراً تصمیم گرفته که سرنوشت خودش را با افراطی ترین جزء جبهه ملی طرح بریزد و این تصمیم منجر به ملاقاتش با خمینی و دستگیری بعدی وی شد.

زندگی اولیه و حرفه کریم سنجابی در ۱۹۰۴ متولد شد. او یک کرد و عضوی از ایل سنجابی است. در سن ۱۳ سالگی او با دیگر اعضای ایل برای سه سال به بغداد تبعید شد. (در طول جنگ جهانی دوم او و بعضی از اعضای خانواده، منجمله پدرش به وسیله نیروهای اشغالگر انگلیسی دستگیر شدند، تا این تاریخ او از انگلیسیها و ارتش نفرت داشت.) او یک درجه حقوق از دانشگاه تهران در ۱۹۲۸ دریافت نمود و سپس هفت سال بعد را در فرانسه، جایی که یک دکتر در حقوق از دانشگاه پاریس دریافت نمود سپری کرد. (تر او این عنوان را داشت: رفرم کشاورزی در ایران) پس از بازگشت به ایران او در ۱۹۳۵ به وزارت آموزش و پرورش وارد شد و سپس در ۱۹۴۰ به وزارت دارایی وارد شد. در اواسط ۱۹۴۰ او به بنیانگذاری حزب ایران که بعداً یک جزء اصلی جبهه ملی شد کمک نمود. یک وکیل موفق و با دستمزد بالا در تهران، او در ۱۹۴۴ رئیس دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و در ۱۹۴۶ معاون رئیس آن دانشکده. (محرمانه) سنجابی که یک حامی قدیمی مصدق بود با او در طول دوره برتریش همکاری نزدیکی داشت. پس از اینکه نخست وزیر سرنگون شد، سنجابی مخفی شد. بعداً او از مقام دانشگاهیش برکنار و زندانی شد. در موقع آزادیش برای مدت زمانی از سیاست دور ماند به هر صورت او در ۱۹۶۰ فعالیت سیاسی را از سرگرفت و عضوی از کمیته مرکزی حزب ایران شد، او همچنین به دانشگاه بازگشت.

او در سال ۱۹۶۱ مجدداً دستگیر شد و آزاد شد، دوباره در ۱۹۶۳ دستگیر شد و در ۱۹۶۵ آزاد شد.

او که از این زندان آخری از نظر فیزیکی و روانی خسته بیرون آمد، به دانشگاه تهران به عنوان استاد

بازگشت، ولی از فعالیت سیاسی خودداری نمود. او از صحنه دور ماند تا اینکه وقایع ۱۹۷۸ به جبهه ملی اجازه تجدید سازمان پس از یک وقفه ۲۵ ساله را داد. (محرمانه) اطلاعات خصوصی سنجابی معتدل ولی صریح است. او به کردی، فرانسه و عربی صحبت می کند و کمی انگلیسی می داند.

سنجابی ازدواج کرده است.

او و همسرش - فخری - سه فرزند دارند. (طبقه بندی نشده)

### ناصر میناچی - از رهبران جبهه ملی

سند شماره (۱۵) سَرّی تاریخ: ۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۷ آذر ۱۳۵۷ ناصر میناچی - رهبر جبهه ملی ناصر میناچی وکیل و عضو فعال حقوق بشر و یکی از دو رئیس بازار تهران که پایگاه سنتی مخالفین مسلمانان است، می باشد. او همچنین خزانه دار کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر می باشد. در مقام رئیس هیئت مدیره حسینیه ارشاد - مرکز مذهبی در تهران - او مدتها طرفدار و حامی پشت پرده رهبران مذهبی میانه رو مخالف بوده و او دوست نزدیک آیت الله کاظم شریعتمداری می باشد. (این مرکز اخیرا بعد از ۵ سال بسته بودن به دلیل ایراد سخنانیهایی علیه شاه، دوباره گشایش یافته است.) (سَرّی) میناچی منطقی و میانه رو از رژیم جعفر شریف امامی (اوت - نوامبر ۱۹۷۸) حمایت نموده و اظهار داشته که مذهبیهون میانه روی مخالف باید در جهت آزادیهای سیاسی با دولت همکاری کنند. او معتقد است که شاه حامی ایران در مقابل آنارشیسم و کمونیسم می باشد. در اکتبر ۱۹۷۸ او به منظور دیدن روح الله خمینی رهبر مذهبی مخالف به پاریس رفت و هم اکنون در پی آن است که راه گریزی و چاره ای در مورد درخواستهای افراطی خمینی پیدا کند. او معتقد است که خواستهای خمینی امکان دارد آرام و نرم شود و قانون اساسی هم نجات پیدا کند، در صورتی که رهبران مذهبی میانه رو از برنامه ای حمایت کنند که به موجب آن شاه کشور را ترک کرده و یک شورای کشوری جایش را بگیرد، شورائی که پشتیبان یک دولت آشتی ملی خواهد بود و اختیار عمل لازم برای برگزاری هرچه سریعتر انتخابات آزاد خواهد داشت.

(سَرّی) میناچی مدتهاست که احساس کرده کوششهایش در مورد حقوق بشر وی را در معرض خطر قرار داده و به عنوان یک سپر محافظتی او سرسختانه و قاطعانه در پی آن بوده که تأیید رسمی ایالات متحده را در مورد فعالیتهايش به دست آورد. او در اوت ۱۹۷۸ از واشنگتن به منظور مذاکره با مقامات حقوق بشر وزارت امور خارجه دیدار کرد. او با مقامات سفارت ایالات متحده در تهران بی تزویر و ساده بوده و اطلاعات می داده است. (سَرّی)

### مهدی پیراسته رهبر جبهه دفاع از قانون اساسی

ص: ۲۹۴

سند شماره (۱۶) خیلی محرمانه تاریخ: ۸ دسامبر ۷۸ - ۱۷ آذر ۵۷ مهدی پیراسته رهبر جبهه دفاع از قانون اساسی (از اوت سال ۱۹۷۸) آقای پیراسته خطاب می شود مهدی پیراسته یک فرصت طلب پرزرق و برق است. هنگامی که او جبهه دفاع از قانون اساسی را به عنوان گروه سیاسی خویش که مدعی پشتیبانی ۳۰۰ ایرانی است، تأسیس کرد، اعلام داشت که مقصود از این جبهه «مبارزه برای آرمان اجرای موثر قانون اساسی بر طبق تعالیم اسلام» است. وی در یک مکالمه با مأموران آمریکایی در اکتبر ۱۹۷۸ گفت که برنامه او شامل اصول سازش با مخالفان مذهبی است، تا این مخالفان را از سایر عناصر ضدشاه جدا کند و تصور می شود که این مخالفان با خود او متفق خواهند شد و سایر مواد برنامه او عبارتند از: پیروی از یک مبارزه ضدفساد مؤثرتر و اصلاح روندهای بوروکراتیک برای اینکه عوام الناس از آن سود ببرند. (خیلی محرمانه) پیراسته مناسبات خوبی با جامعه تشیع دارد و مدعی است که آزادی چندین نفر از پیروان آیت الله خمینی، رهبر تبعید شده مذهبی مخالف دولت، را از زندان به دست آورده است. پیراسته برای سالها خواسته است که نخست وزیر شود و به طوری که گفته می شود، تماسهای خوبی با دربار دارد، ولی آخرین سمت مهم دولتی او، سفیر ایران در عراق در طول سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۷ و سفیر ایران در بلژیک در طی سالهای ۶۷ تا ۷۱ بوده است که این پستها را خود او تبعید تلقی می کند. او ظاهراً نسبت به ایالات متحده نظر مساعد دارد، ولی این موضع ممکن است ناشی از این اعتقاد باشد که این کشور دارای نفوذ قابل ملاحظه ای در امور داخلی ایران است. بعضی از مأموران سفارت آمریکا در تهران سوءظن دارند که او یک عامل انگلیس است (محرمانه) سوابق حرفه ای.

پیراسته مدعی است که درجه دکترا از دانشگاه تهران دارد، ولی به احتمال قوی او فقط یک لیسانس حقوق دارد. پس از ۱۴ سال در سیستم دادگاهها و وزارت دادگستری در سال ۱۹۴۶ به سمت دادستان تهران منصوب شد و به سرعت استعدادی برای رشوه گیری و اختلاس و توطئه چینی سیاسی و انجام کارهای حمایتی برای اشخاص مطلوب از جمله چند نفر از اشخاصی که با شاهدخت اشرف خواهر دوقلوی شاه وابستگی داشتند، نشان داد.

در سال ۱۹۴۸ وارد مجلس شد و از طرفداران پروپاقرص شاه در جریان مبارزات او با محمد مصدق نخست وزیر ایران (سالهای ۱۹۵۱-۵۳) بود. بعداً او به عنوان استاندار فارس (۱۹۵۹ - ۶۱) و خوزستان (۱۹۶۲-۶۳) خود را یک مدیر مؤثری که دارای شم اتخاذ آرمانهای عمومی بود نشان داد. او در سال ۱۹۶۳ به عنوان وزیر کشور خدمت کرد.

خصوصیات شخصی پیراسته در حدود ۷۱ ساله است. حيله گر و بی شرف و از لحاظ روشنفکری سطحی و پرحرف و عاشق شهرت، لاف زن و گاهی ناهنجار است. معذالک او مرد عمل بوده و سابقه ای از کارهای انجام شده دارد.

او به اندازه کافی انگلیسی صحبت می کند ولی زبان فرانسه او صریح تر است.

**احمد بنی احمد رهبر حزب اتحاد برای آزادی**

سند شماره (۱۷) خیلی محرمانه تاریخ: ۸ دسامبر ۷۸ - ۱۷ آذر ۵۷ غیرقابل رؤیت برای بیگانگان احمد بنی احمد رهبر حزب اتحاد برای آزادی آقای بنی احمد خطاب می شود احمد بنی احمد یک آموزگار کهنه کار و از سال ۱۹۷۵ عضو مجلس است. در ۹ نوامبر ۱۹۷۸ در اعتراض به سیاستهای دولت، از کرسی نمایندگی تبریز استعفا داد. او که در سیاست با انتقادات مستمر خود دیگران را اذیت می کند، نسبت به دولتهای اخیر نیز انتقاد داشته است. او آمار تلفات منتشره توسط دولت نخست وزیر وقت، جعفر شریف امامی پس از تظاهرات سپتامبر ۱۹۷۸ را مورد دعوا قرار داده و در ادامه آن به یک اعتصاب غذا دست زد که تا استعفای دولت طول کشید. در اکتبر او خواستار کنار گذاشتن طرحهای خرید دو راکتور اتمی از فرانسه شد. با این ادعا که در تصمیم به خرید، فساد و بی قاعده گیهای وجود داشتند. بنی احمد طالب تشکیل کابینه اتحاد ملی به عنوان وسیله اعاده ثبات به کشور است و دولت نخست وزیر غلامرضا ازهاری را متهم به عجز در پایان دادن ناآرامیهای داخلی نمود. او در سیاست جاه طلب بوده و ظاهرا با رهبران سیاسی دیگر، بازارها، مراکز سنتی اسلامی قدرت، از کانالهای ارتباطی برخوردار است. (خیلی محرمانه) بنی احمد که عضو پیشین حزب رو به فناء رستاخیز ملت ایران، که شاه آن را برای پیشبرد انقلاب شاه و مردم خود ایجاد کرد، بوده است، در ژوئیه ۱۹۷۸ تشکیل گروه سیاسی خود را اعلام نمود. اما کناره گیری خود را از حزب رستاخیز تا اوت ۱۹۷۸ زمانی که متقاعد شد می تواند با مصونیت کناره گیری کرده و حزب خود را ایجاد کند، اعلام ننمود. حزب اتحاد برای آزادی او که تمایلات سوسیالیستی چپ دارد، به طور وسیعی در دست برگزیدگان است و هواداران کمی داشته و فاقد برنامه است. در ماه اکتبر هنگامی که بنی احمد در رم در یک «کنگره دانشجویان ایرانی غیر کمونیست» حاضر بود، اعلام کرد که حزبش تقاضای عضویت در سوسیالیست بین الملل را خواهد کرد. (خیلی محرمانه) بنی احمد در خانواده ای مشهور و محترم در آذربایجان چشم به دنیا گشود. پس از اخذ دیپلم ادبیات از کالج معلمان رضاییه، بنی احمد به نوبت، معلم، مدیر و ناظم مدارس مختلف منطقه گردید. در دهه ۱۹۵۰ پس از تکمیل خدمت نظام خود کفیل ریاست اداره آموزش و رئیس اداره اوقاف شد.

(خیلی محرمانه) بنی احمد حدودا ۵۸ سال دارد و سه کتاب نوشته است. وی به ترکی و انگلیسی تکلم می کند. (بدون طبقه بندی)

**عبدالکریم لاهیجی از رهبران جبهه ملی**

ص: ۲۹۶

سند شماره (۱۸) خیلی محرمانه تاریخ: ۸ دسامبر ۷۸ - ۷ آذر ۵۷ اداره مرکزی مراجعات سازمان مرکزی اطلاعات (سیا) عبدالکریم لاهیجی رهبر جبهه ملی نحوه خطاب «آقای لاهیجی» است.

وکیل برجسته مخالف، عبدالکریم لاهیجی تاکنون از تعداد زیادی از موارد حقوق بشر دفاع کرده و یکی از افراد برجسته مخالف رژیم در کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر بوده است. او چندی بعد از دفاع از ۱۱ دانشجوی در یک دادگاه مدنی به دلیل کوفتگی و جرح در آوریل ۱۹۷۸ به طور جزئی بستری شد.

### محمد درخشش رهبر پیشین حزب اتحاد ملی

سند شماره (۱۹) سزّی - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان اداره مرکزی مراجعات ۸ دسامبر ۷۸ - ۱۷ آذر ۵۷ سازمان مرکزی اطلاعات (سیا) محمد درخشش رهبر پیشین حزب اتحاد ملی نحوه خطاب «آقای درخشش» است محمد درخشش که از سران مخالفین سیاسی است، مدت کوتاهی در سال ۱۹۶۱ به عنوان وزیر آموزش و پرورش خدمت کرد. در سال ۱۹۷۳ او به عنوان سخنگوی حزب اتحاد ملی که در آن موقع تازه تشکیل شده بود و خواستار اجرای انقلاب شاه و مردم بود، انتخاب گردید. همچنین درخشش زمانی یکی از سران کلپ مهرگان، که اینک از هم پاشیده شده و دوست نزدیک امیر اسدالله علم - متوفی، نخست وزیر پیشین و دوست نزدیک شاه - بود. (سزّی)

### کاظم شریعتمداری رهبر مخالفین مذهبی

سند شماره (۲۰) خیلی محرمانه تاریخ: ۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۷ آذر ۵۷ سازمان مرکزی اطلاعات (سیا) کاظم شریعتمداری رهبر مخالفین مذهبی کاظم شریعتمداری یک آیت الله (یعنی رهبر سرشناس) است و مدتها جزء چهره های ارشد شیعه بوده است. در خلال یازده ماه تظاهرات، ناآرامیها و شورشهایی که از ژانویه ۱۹۷۸ شروع شده اند، وی خود را به عنوان سخنگوی اجتماعی مخالفان مذهبی و بانفوذترین روحانی شیعه در کشور نشان داده است.

بنابراین گزارشها، در سپتامبر وی خود را «تنها» رهبر شیعه اعلام کرد.

در صورتی که وی واقعا چنین عنوانی به خود نسبت داده باشد، بدون شک با آیت الله روح خمینی که وی نیز چنین ادعایی دارد، برخورد خواهد داشت. (خمینی چهارده سال در تبعید به سر برده و دشمن

آشتی ناپذیر شاه است و خواهان پایان سلطنت می باشد) جماعت مذهبی بیشتر از آنچه ناظران غربی در نظر داشتند، متفرق است و حسادت میان رهبران رواج دارد. با ظهور فعالیت‌های اخیر ضد شاه، این رقابتها و شکستگیها ممکن است کمتر شده باشد، ولی همچنان باقی مانده اند. (خیلی محرمانه) شریعتمداری برخلاف بسیاری از روحانیون هم سنخش با مدرنیزاسیون مخالفت نمی ورزد و با تداخل بعضی عقاید غربی در اسلام موافق است و تأکید دارد که با هرگونه تحولی مخالف نیست. ایراد اساسی او به دولت پیرامون ماده ۲۷ متمم قانون اساسی ۱۹۰۷ می باشد. این ماده مربوط به مراقبت پنج رهبر برجسته مذهبی بر قانونگذاری به منظور تطابق با اسلام است و حاوی حق وتوی روحانیت، هم بر مجلس و هم بر پادشاه است. شاه طی مدرنیزه کردن کشور به سادگی ماده ۲۷ را نادیده گرفته است.

شریعتمداری اصرار دارد که رهبران روحانی باید صاحب حق قانونی خود در قانونگذاری و نظارت بر اجرای قوانین باشند. (خیلی محرمانه) در گذشته شریعتمداری بیشتر از خمینی تمایل به توافق با شاه نشان داده است. به هر حال با پیش آمدن حوادث سه ماه گذشته، این طور به نظر می رسد که وی ناچار به انتخاب مواضع مبارزه جویانه تری شده باشد. او بین کابینه ۶ نوامبر ۱۹۷۸ غلامرضا ازهاری و کابینه های قبل از آن، اختلافی جز در تاکتیک نمی بیند و اخطار کرد که اگر کابینه ای غیرنظامی جانشین آن نشود، عواقب بدی در پی خواهد داشت. او حتی ندای خمینی برای ایجاد یک جمهوری اسلامی که در آن روحانیت صاحب قدرت و نفوذ بسیار خواهد بود را تکرار کرده است. او معتقد است که این گونه حکومت دمکراتیک است، زیرا اکثریت قاطع ایرانیان مسلمانند. (خیلی محرمانه) زندگانی و مشی اولیه کاظم شریعتمداری در حدود ۱۹۰۲ در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. وی تحصیلات دینیش را در شهر خود، تبریز شروع کرد و در شهرهای مقدس قم و مشهد و نجف و کربلا- ادامه داد. در اوائل ۱۹۶۰ وی به عنوان مجتهد شناخته شد و بعد به مقام مرجعیت دست یافت. در نهایت عنوان آیت الله را به دست آورد.

پایگاه سیاسی اصلی وی بازار تبریز بود. اما نفوذ او در تبریز و آذربایجان نیز، موج زنان پیش رفت.

تجار بازار کمکهای زیادی هم به شریعتمداری و هم به خمینی داده اند. شریعتمداری پایگاه دیگری را در قم برپا نمود، جایی که وی در حال حاضر یک مدرسه مذهبی را که جزو معتبرترین مدارس در جهان شیعه به شمار می رود، اداره می کند. (قم) یک شهر شلوغ و تجارتمند است که در جنوب غربی تهران قرار دارد و همچنین مرکز زوار و تعلیم به شمار می رود. در قم جایی برای الکل، قمار، فیلم و زنان ملبس به لباسهای امروزی وجود ندارد. در طی برخوردی که بین نیروهای پلیس و نیروهای مذهبی در قم روی داد بحران یک ساله ایران شروع شد. (خیلی محرمانه).

اطلاعات شخصی شریعتمداری مرد ساکتی است که همواره ردهای سیاه و خاکستری می پوشد و عمامه سیاهی بر سر دارد که او را از اولاد علی، اولین امام شیعیان نشان می دهد. او عربی تکلم می کند و کارشناس قانون تجارت شیعه است. آیت الله ازدواج کرده است، معلوم نیست آیا فرزندی دارد یا نه. (بدون طبقه بندی)

**گزارش سیاسی امنیتی - ۸ دسامبر ۷۸**

سند شماره (۲۱) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۷ آذر ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: گزارش سیاسی / امنیتی - ۸ دسامبر ۱۹۷۸ - آشوبهای تهران در شب گذشته نسبتاً آرام ادامه یافت. تظاهراتی همراه با تیراندازی پس از ساعت منع عبور و مرور از میدان ژاله گزارش شد، ولی تیراندازی با سر و صدای خیلی کمی از شمال تهران گزارش شد. خرابکاران بمب آتش زایی به داخل خانه معاون وابسته نیروی هوایی انداختند، ولی مشتعل نشد. بمب آتش زایی نیز به اقامتگاه انگلیسیها پرتاب شد ولی خسارتی به بار نیاورد.

کنسولگری شیراز برای دو شب گذشته سر و صدا و تیراندازی زیادی را پس از ساعت منع رفت و آمد گزارش می کند.

نیروهای امنیتی محلی می گویند این سر و صداها نهایتاً روی نوار ضبط شده بود؛ ولی این موضوع غیرمحمول است، چون که برق در بیشتر این مدت خاموش بوده است.

برخی سر و صداها حقیقی بوده اند. سربازان ظاهراً در تعقیب تظاهرکنندگان شروع به داخل شدن به خانه ها نموده اند. خاموشیهای برق به طور غیرعادی طولانی شده اند. خاموشی شب گذشته از ساعت ۲۱ شروع شد و تا ۳۰/۱ ادامه یافت و دوباره از ۳۰/۳ شروع شد و در بعضی نقاط شهر تا نیمروز ادامه پیدا کرد.

کنسولگری اصفهان تظاهرات آرامی را در روز گذشته گزارش می کند. شب گذشته بمبی در کنار آپارتمان یک شهروند آمریکایی منفجر شد. تیراندازی شدیدی از ساعت ۵ تا ۶ شب ۷ دسامبر مشهود بود، ولی شب گذشته تکرار نشد. تعداد معدودی مغازه و حتی یک بانک در روز گذشته باز بودند.

بیشتر مغازه ها همچنان بسته بودند. البته برق نیز دوباره خاموش بود، همچنان که در تهران نیز به این صورت بود. کنسولگری تبریز امروز صبح تیراندازی نسبتاً شدیدی را از بازار و حدود پارک گلستان گزارش می کند.

۲- امروز کلاً آرام می باشد. هیچ آشوبی از تهران گزارش نشده اعلان سفارت که وابسته ها می توانند با هزینه دولت به ایالات متحده بروند، ناگزیراً ایجاد تحریک نمود. ما تأکید می کنیم که این یک تخلیه نیست، ولی شهروندان نگران آمریکایی تا حدودی مصمم هستند آنچه را که می خواهند بشنوند.

پرواز ویژه پان آمریکن برای شهروندان آمریکایی که کارمند دولت نیستند و مایل هستند با هزینه خودشان ایران را ترک کنند، نیمه شب امشب حرکت خواهد کرد.

۳- حرکتهای سیاسی زیادی در جهت مصالحه بدون خشونت در دو روز قبل از یکشنبه که به عنوان روز بزرگ برخورد اعلام شده است، وجود دارد. این تلاشها مؤثر هستند، ولی ما نسبت به اینکه آیا آنها می توانند در این زمان دیر وضعیت را عادی نمایند، مشکوک هستیم.

دکتر ناصر میناچی از کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر به سفارت گفت که رهبریت مذهبی و دولت ایران روی یک تظاهرات آرام توافق کرده اند (که مقامات حکومت نظامی اجازه تظاهرات وسیع را بدهند و رهبران مذهبی آن را آرام و

مذهبی برگزار کنند و عناصر تندرویی را که تلاش می کنند در آن شرکت نمایند،

ص: ۲۹۹



نپذیرند).

موافقت از طریق کمکهای علی امینی حاصل شد. راهپیمایان در ۸ نقطه اجتماع خواهند کرد، پل سیدخندان در جاده قدیم شمیران، میدان شهناز، تقاطع شاهرضا و جاده قدیم شمیران (این گروه طالقانی خواهد بود) میدان ارک کمی بالاتر از بازار (این گروه سازمان حقوق بشر خواهد بود)، میدان گمرک، میدان شاه در شرق بازار، میدان کندی در غرب تهران و میدان ونک. تمام گروهها به طرف تقاطع جاده قدیم شمیران با شاهرضا برای راهپیمایی در شاهرضا به طرف میدان شهید رهنما خواهند شد.

راهپیمایی قرار است از ساعت ۹ تا ۱۵ به طول انجامد. (نظریه: قابل توجه است که رهبریت مذهبی منجمله بعضی از افراد خمینی، اگر نه خود خمینی، می گوید که با رژیم توافق پیدا کرده است، ما نسبت به توانایی شریعتمداری یا دیگر میانه روهای مذهبی برای کنترل تندروها مشکوک هستیم. تبدیل راهپیمایی به یک برخورد خونین نبایستی برای محرکین مشکل باشد).

۴- یک منبع مطبوعاتی ایرانی که به طور کامل قابل اطمینان دانسته نمی شود به مأمور سفارت گفت که وی دیروز با ازهارى نخست وزیر ملاقات کرد و وی گفت (ازهارى) که ۵۰ شخصیت مهم روز گذشته نامه ای به قم بردند که در آن از آیت الله ها تقاضا شد، تا گروههای مردم را آرام کنند. منبع گفت امکان دارد شریعتمداری، گلپایگانی و نجفی در این رابطه اعلامیه ای منتشر کنند و مردم را به برگزاری آرام و مذهبی محرم ترغیب نمایند و به آنها در مورد طرحهای خرابکاران هشدار دهند. گزارشات دیگری که ما داریم (تلکس جداگانه) بر تردیدی قابل توجه در رأی شریعتمداری در این مورد که دقیقا چه اقداماتی باید صورت گیرد، اشاره دارد.

۵- توسلی (حفاظت شود) نماینده نهضت آزادی نیز نشانه هایی از توافق را امروز به مأمور سفارت گزارش کرد. برای مثال متذکر شد که سربازان از اطراف مسجد هدایت جایی که جلسات جبهه ملی برگزار می شده است، و دیگر مساجد تخلیه شده اند. او تأیید نمود که واحدهای زیرزمینی خودشان را مسلح می نمایند، ولی تردید داشت که آنان دست به اقدامی بزنند.

جبهه ملی معتقد است ژنرال خسرو داد یکی از اعضای گروه دوازده نفره است که بر علیه آن (جبهه ملی) توطئه می نمایند و به طوری که گفته می شود به ترتیب دادن آتش سوزی ۵ نوامبر کمک نموده است.

در رابطه با سؤال مهمتر مصالحه سیاسی، توسلی اظهار داشت نهضت آزادی هنوز بر کنار گذاشتن شاه به عنوان شرط قبلی اصرار می ورزد.

وی همچنین برای یک راهپیمایی صلح آمیز در روز یکشنبه اظهار امیدواری نمود و از دولت ایالات متحده خواست که از طریق کنترلش بر ارتش سربازان را از گشودن آتش منع کند. مأمور سفارت اتهام «کنترل» را به تندی رد کرد و گفت دولت ایالات متحده برای صلح هرگونه نفوذی را که دارد به کار می گیرد.

۶- آیت الله شیخ نوری از تهران به مأمور دیگری از سفارت گفت که جامعه مذهبی شاه را مطابق با قانون اساسی می پذیرد. او در رابطه با یکشنبه گفت جامعه مذهبی خواهان یک راهپیمایی صلح آمیز است و امیدوار است که دولت ایران نیز چنین

احساسی داشته باشد.

یک توافق جامع امکان پذیر است، ولی چون که مخالفین به شاه اعتماد ندارند دولت ایالات متحده بایستی برقراری آن را تأیید نماید.

منبع دیگری به ما گفت، آیت الله قمی از مشهد آماده پذیرش نقش مطابق قانون اساسی برای شاه در

ص: ۳۰۰

محدوده یک راه حل توافق شده می باشد.

۷- نظریه: به نظر می رسد که اینها تماما اشاره بر این دارند که مخالفین مذهبی از یک آزمایش خونین قدرت می گریزند. در هر حال مشکلات همچنان به قوت خود باقی می مانند، یک راهپیمایی صلح آمیز حتی تحت بهترین سناریو، به طور غیرقابل اجتنابی شامل شعارها و پلاکاردهایی به طرفداری از خمینی و بر علیه شاه خواهد بود. علاوه بر این هیچ خبری از پاریس نرسیده است که خود خمینی خواهان یک یکشنبه آرام می باشد، و دولت ایران موضع عمومی خودش را که راهپیمایی مجاز نخواهد بود، تغییر نداده است.

حتی با اینکه سربازان زبان خشن دستورات حکومت نظامی را اجرا ننموده اند، ولی آنها تاکنون به طور مداوم اجتماعات را در تهران پراکنده نموده اند و معمولاً به بالای سرشان تیراندازی نموده، ولی به طور گهگاهی به طرفشان تیراندازی کرده اند.

تیزبینی ایرانی آشکارا در حال عمل است. ولی روشن نیست، آیا برای دولت موفقیت آمیز خواهد بود.

### گفتگو با آیت الله نوری

سند شماره (۲۲) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۸ دسامبر ۱۹۷۸ برابر با ۱۷ آذر ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: گفتگو با آیت الله نوری خلاصه: مأمور سفارت عصر روز ۷ دسامبر برای سه ساعت در خانه بازاری مشهور، حاجی کاشانی با آیت الله یحیی علامه نوری ملاقات کرد. آیت الله نظریه ای میانه در مورد راه حل احتمالی برای آشوب سیاسی فعلی ایران ابراز نمود، از جمله ابراز تمایل به باقی ماندن شاه به عنوان پادشاه مطابق قانون اساسی (ولی نه به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح) مشروط بر اینکه ایالات متحده مایل به ایفای نقش ضامن برای چنان توافقی باشد.

نوری بدون اظهار اطلاعاتی خاص در مورد تظاهراتی که برای عاشورا برنامه ریزی شده، متذکر شد که توافقی کلی بین رهبران اسلامی و دیگر رهبران مخالف وجود داشته، که تظاهرات بایستی مسالمت آمیز باشند. او بعضی از حامیان خود را ترغیب نمود، به جای پیوستن به تظاهرات در خانه بمانند و پیشنهاد نمود که ایالات متحده از نفوذش برای کنترل رفتار سربازان ایرانی استفاده کند.

این ایده که ملاقاتهای بیشتری بایستی بین او و مأمور سفارت و نیز با دیگر آیت الله های ایرانی صورت پذیرد مورد قبول نوری قرار گرفت. (پایان خلاصه).

۱- مأمور سفارت گفتگو را با بیان موضع ایالات متحده در حمایت از شاه و تمایل ابراز شده شاه برای قبول نقشی مطابق قانون اساسی که شامل حفظ مقام وی به عنوان فرمانده نیروهای مسلح می باشد، شروع کرد. مأمور سفارت اظهار داشت که چنان ترتیبی از حمایت رهبران نظامی ایران نیز برخوردار می باشد.

پس از بحثی طولانی در مورد وضعیت کشمکش که به طور سنتی بین رژیم سلطنتی و رهبران اسلامی در ایران وجود داشته است، نوری اظهار داشت که بالاترین رجحان برای مردم ایران این خواهد بود که شاه کشور را ترک کند و یک جمهوری

اسلامی جای رژیم سلطنتی را بگیرد. در هر صورت اگر قدرتهای بزرگ

ص: ۳۰۱

و دیگران اصرار دارند که شاه به عنوان یک شخصیت مطابق قانون اساسی باقی بماند که سلطنت کند و نه حکومت، رهبریت اسلامی این را قبول خواهد کرد. بایستی بازگشتی به قانون اساسی ۱۹۰۶ وجود داشته باشد نه نسخه فعلی که از طریق اصلاحات به نفع سلسله پهلوی به فساد کشانیده شده است.

این بازگشت باعث جلوگیری از نقش شاه به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح می شود، چونکه این اصلاحیه پس از برقراری کنترل پهلوی اضافه شد. علاوه بر این مردم به شاه اعتماد ندارند که وی تعهدات خودش را در مورد هرگونه توافق مطابق با قانون اساسی رعایت کند، اما انتظار دارند که وی از هرگونه فرصتی که برای تجدید استقرار قدرهای دیکتاتوریش پیش می آید، استفاده نماید.

نوری پیشنهاد کرد که ایالات متحده به عنوان قدرت خارجی که بیشترین نفوذ را بر شاه دارد به عنوان ضامن حسن نیت شاه در هرگونه قرار و ترتیب مطابق با قانون اساسی عمل نماید.

۲- دولت نظامی بایستی قبل از استقرار یک دولت مطابق با قانون اساسی از طریق رفراندوم یا انتخابات منحل شود. نوری گفت که رهبریت اسلامی با همکاری یکدیگر می توانند اعلامیه ای منتشر کنند که به وسیله اکثریت سربازان و افسران رتبه پایین اطاعت خواهد شد و در نتیجه ایالات متحده به ارتش اجازه نخواهد داد که شکل استقرار صلح را در ایران تحمیل نماید. به دنبال انحلال دولت نظامی یک دولت انتقالی بایستی به طریقی به وجود آید که بحران را پایین آورده و یک جو عمومی اطمینان در میان مردم به وجود آورد. (چندین مرتبه در خلال مذاکره، نوری این نکته را متذکر شد که در حالی که روحانیت ایران به اشکال زیادی رهبر انقلاب ایران است، ولی آنها نیز توسط مردم هدایت می شوند و چنانچه روحانیت به طور ناگهانی نشان دهد که خیلی میانه رو است و یا برخلاف آن خارج از کنترل است، به سرعت توسط مردم کنار گذاشته می شود.) نوری معتقد بود ماهیت هرگونه دولت انتقالی بایستی یک شورای اسلامی ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفره باشد که به وسیله رهبریت اسلامی به مردم معرفی خواهند شد. شورا متشکل از نمایندگان جبهه ملی، جامعه دانشگاهی، رهبران اسلامی و دیگر عناصر مهم جامعه ایران خواهد بود.

اعضای شورا به وسیله مردم انتخاب خواهند شد (روش تشریح نشد) و در حالی که وظایف آن تا حدودی روشن نبود، محتمل به نظر می آید که مقصود نوری این باشد که شورا پیکر اصلی تصمیم گیری ایران بوده باشد.

۳- نوری گفت که ایرانیان در یک سیستم مطابق قانون اساسی خواهان حفظ روابط خوب با ایالات متحده و غرب هستند و در عین حال خواهان حفظ فاصله ایشان از اتحاد شوروی می باشند.

وی امیدوار بود که ارتباط سودمند دوجانبه ای بین قیمت نفت و قیمت کالاهای وارداتی از غرب توسط ایران به وجود آید، ولی وی این موضوع را تشریح نکرد.

نوری در پاسخ به یک سؤال گفت که جامعه اسلامی از حضور برخی مشاوران دست چپی در اطراف خمینی نگران نیست. شاید ۹۷ درصد تمام ایرانیان مسلمان هستند و از تعداد معدودی که ادعای کمونیست بودن می کنند، که مطمئناً از ۵ درصد

بیشتر نیستند، درجه وفاداریشان به حد یک سیستم اقتصادی سوسیالیستی است تا بنیان فلسفی کمونیسم. اسلام ریشه عمیقی در روان ایرانی دارد و به نفع کمونیسم از بین نخواهد رفت. ترس و نگرانی از اینکه عزیمت شاه منجر به دولتی کمونیست در ایران خواهد شد بی اساس است و توسط رژیم شاه در تلاش برای بالا بردن حمایت غرب از بقای رژیم سلطنتی

ص: ۳۰۲

ساخته و پرداخته شده است.

۴- مأمور سفارت سپس به طور فرضی سؤال کرد، اگر در زمینه تغییرات سیستم اداره کننده ایران موافقتی حاصل شود که مورد قبول توده مردم ایران و نمایندگان آنها از جمله گروه رهبران اسلامی داخل کشور باشد، خمینی چه نقشی بر عهده خواهد داشت؟ اگر تمام یا اکثر عناصر سیاسی ایرانی با ترتیب و قراری موافقت نمایند که برخلاف تقاضاهای خمینی جایی برای شاه در آن منظور شده باشد، آیا رهبریت اسلامی داخل کشور پیش خمینی خواهند رفت و به او خواهند گفت که چنان قراری بدون در نظر گرفتن موضع او و با حمایت آنها اجرا خواهد شد؟ نوری که شاید نمی خواست پیروانش بفهمند با انگلیسی شکسته ای پاسخ داد: «این کار خیلی مشکل و خطرناک خواهد بود. کاری باید صورت گیرد.» ۵ - تظاهرات: نوری دوبار از دادن پاسخ صریح به سؤالات مربوط به اینکه تظاهرات عاشورا چه زمانی و در کجا صورت می گیرد طفره رفت. در هر حال او اشاره کرد که تظاهرات موضوع مذاکرات با جبهه ملی بوده است. و همه موافقت کردند که طبیعت آن آرام و صلح آمیز باشد.

(نظریه: این گفته با اطلاعاتی که مأمور سفارت از بازاریها دریافت کرده مطابقت دارد. این موضوع نمی تواند چیزی بیشتر از صحنه ای تاریک برای خشونت پنهان باشد که بتوان تقصیر آن را به گردن دولت انداخت. در هر صورت اگر این موضوع صحت داشته باشد، سیاست هشیارانه عدم خشونت در عاشورا به نظر می رسد که قدمی به عقب توسط مخالفین داخل ایران از موضع افراطی که خمینی بدان اعتقاد دارد باشد.) ۶- در خلال گفتگو راجع به تظاهرات، جوان دیگری به گروه ۱۳ نفره بازاریها و جوانان همراه با نوری پیوست و جریان خشونتی را که اخیرا توسط سربازان در مورد یک زن و فرزندانش اعمال گردیده بود تعریف کرد. این کاشانی تحریک شده در هر حال یک فتنه جو می باشد که جزئیات خونین دو واقعه نقل شده در تهران و یکی در منطقه جیرفت کرمان را تعریف می کند، که در آن سربازان مبادرت به خشونت نموده اند. همراهان جوانتر که احساساتشان تحریک شده بود از آیت الله درخواست کردند که دستور دهد تا با سربازان با اسلحه مقابله شود. نوری که در خلال گفتگو صدایش را هرگز بلند نکرده بود (حداقل روی این گروه کوچک) پاسخ داد که چنین روشی پاسخگوی هیچ نیازی نیست. طبق گفته نوری در عاشورا سه امکان وجود دارد:

مردم تظاهرات خواهند کرد ولی سربازان به آنان تیراندازی نخواهند نمود؛ مردم تظاهرات خواهند کرد و مورد اصابت گلوله ها قرار خواهند گرفت؛ یا مردم با اقامت در خانه ها تظاهرات خواهند کرد. نوری به وضوح راه حل سوم را ترجیح می داد. وی گفت دومین امکان خودکشی خواهد بود، چون که نیروهای دولتی با تانک و دیگر سلاحهای مدرن به آتش اسلحه پاسخ خواهند داد.

وقتی من به شما دستور می دهم که با سربازان دولتی بجنگید، من می خواهم که شما به خوبی آنان مسلح شده باشید. در هر حال هر کسی می داند که شیعیان در عاشورا تظاهرات می کنند. اگر همه در خانه ها بمانند، دنیا خواهد دانست که این کار به خاطر ظلم و ستم رژیم فعلی ایران می باشد و این موضوع، تظاهراتی عظیم تر و مؤثرتر از آنکه بتواند در خیابانها برپا شود را تشکیل خواهد داد. چشمهای تمام دنیای اسلامی روی ایران و روی درگیری بین اعتقاد و رژیم سلطنتی خیره شده است. اگر ما در ایران





شکست بخوریم، این شکست برای تمام اسلام خواهد بود و دیگر دولتهای ملل مسلمان امکان دارد که تشجیع شده و بر علیه اعتقاد عمل کنند.

(نظریه: آشکار نیست که آیت الله تا چه درجه ای در برنامه ریزی تظاهرات عاشورا سهیم است. به هر صورت در این وقت کم موعظه های وی برای طرفدارانش که در ۱۰ دسامبر در خانه ها باقی بمانند به نظر می رسد که زیاد به کار نیایند.) ۷- سرانجام نوری اظهار نگرانی کرد که درگیری در عاشورا ممکن است از دولت شروع شده و خشونت مفرط می تواند هرگونه تغییری برای یک توافق مطابق با قانون اساسی را به خطر اندازد. وی پیشنهاد کرد که ایالات متحده از نفوذش بر نیروهای مسلح و شاه جهت جلوگیری از تیراندازی به تظاهرکنندگان استفاده نماید. مأمور سفارت هیچ گونه نظریه ای در مورد این تقاضا ابراز نکرد.

۸- مأمور سفارت نامه ای که به طوری که مشهور است از آیت الله خویی می باشد و مردم را تشویق می کند که با اعتدال در مبارزه شان علیه رژیم رفتار کنند را به نوری نشان داد و پرسید آیا این نامه جریان تظاهرات را تحت تأثیر قرار نمی دهد؟ نوری اظهار داشت که نامه تکثیر مجدد از یک نسخه اصلی مربوط به دو سال پیش توسط پیروان خویی است. او سپس اشاره کرد که دیدار اخیر ملکه با خویی توسط دولت عراق و بدون آگاهی قبلی به خویی، ترتیب داده شده بود.

آیت الله مجبور شد این گونه به شکایت ایرانیان پاسخ دهد که وی وقتی فرح را در آستانه در دید از بستر بیماری برخاست و اگر که از پیش می دانست که فرح می آمد با دیدار او موافقت نمی کرد. (نظریه: با اینکه بقیه این داستان با اطلاعات سفارت از دیگر منابع مطابقت دارد، ولی این اولین ادعا است که نامه خویی انتشار مجدد نسخه قدیمی توسط دیگران می باشد.) ۹- با به خاطر داشتن مرجع ب، مأمور سفارت پرسید آیا نوری می تواند مقادیری از کتابها و مواد درسی که در مدارس دینی مختلف در ایران تدریس می شود فراهم آورد. نوری به منظور افزایش درک از اسلام با انجام آن موافقت کرد. نوری که حدود ۴۰ سال دارد و کمی چاق است فارغ التحصیل مدارس مذهبی قم، مشهد و نجف می باشد.

در عین حال او دو درجه لیسانس و یک دکترا در حقوق اسلامی از دانشگاه تهران دارا می باشد. او اشاره کرد پیش از اینکه به عنوان یک آیت الله شناخته شود حدود ۲۵ سال تحصیل مورد نیاز بوده است، علاوه بر تعلیم، شهرت به عمل صالح نیز شرط قبلی می باشد. در مورد نوری، وی یک بیمارستان، ۵ کلینیک و چندین مدرسه کوچک مذهبی در محل تولد خود وقف کرده است.

نوری به هیچ وجه کلیشه یک ملای گمنام که مأمور سفارت انتظار داشت باشد، نیست. وی فردی مطلع و میانه رو بود و به وضوح با دیگر عناصر مخالف در هماهنگی بود. وی به خاطر فعالیتهای سیاسی زندانی شد که احتمالاً مقام او را در میان سلسله مراتب اسلامی بالا تر برد. او در برخورد خونین در ۸ سپتامبر در میدان ژاله آیت الله رهبر (اصلی) بود، به طوری که گزارش شده ولی تلاش نمود تا جمعیت را از مقابل ارتش پراکنده کند، ولی مورد توجه واقع نشد. هنوز امکان پذیر نیست که اهمیت او را نسبت به دیگر آیت الله های درجه دوم از قبیل طالقانی ارزیابی نمود. او تلاش دارد که فضایی متواضعانه به وجود آورد و در رفتارش نسبت به پیروانش مغرور نیست. در هر صورت مأمور سفارت مظنون است که بیشتر تواضع او ریاکاری است که به واسطه موقعیت او لزوم پیدا می کند. نوری آشکارا نسبت به دانش خود و این حقیقت



که وی ۱۷ کتاب و جزوه منتشر نموده که برخی از آنان به زبانهای اروپایی و شرقی ترجمه شده مغرور می باشد. وی به خاطر نظرات ضداسرائیلی شدید مشهور می باشد (همین طور پیروانش) و این نظرات توسط جزوه وی در مورد جنایات اسرائیل در لبنان نشان داده شده است (این جزوه به خاطر عکس خوبی که از نوری داشت برای INR/OIL/B ارسال شد). تنها اشاره به اسرائیل که در این رابطه مطرح شد، نظریه وی در این مورد بود که رژیم فاقد نمایندگی مردم ایران تصمیم گرفت که بدون مشورت با مردم در جنگ ظفار دخالت کند، و به اسرائیل نفت بفروشد.

۱۰- در پایان گفتگو نوری موافقت کرد که به مأمور سفارت در ملاقات با دیگر آیت الله ها کمک کند.

نوری اشاره کرد که وی همچنین مایل است زمانی که دقت کافی برای تفکر در مورد نتایج این گفتگو داشت، دوباره و احتمالاً برای شش یا هفت ساعت با مأمور سفارت ملاقات کند.

### نقشه اقبال برای نجات ایران

سند شماره (۲۳) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۹ دسامبر ۷۸ - ۱۸ آذر ۵۷ از: وزارت امور خارجه - واشنگتن به: سفارت آمریکا - تهران موضوع: نقشه اقبال برای نجات ایران ۱- تمام متن خیلی محرمانه خلاصه: اقبال در نظر دارد که یک روزنامه سیاسی را شروع نماید که در ابتدا و با توافق شاه و دولت، برای برقراری اعتبار روزنامه دولت و رژیم را مورد حمله قرار می دهد و سپس شروع به نابودی خمینی به عنوان یک رهبر مخالف با نفوذ می نماید. اقبال حس می کند که شاه می تواند نقشی سودمند هم در بعد زمانی (برنامه زمانبندی) سریع و هم احتمالاً در سال آینده، به وسیله اعمال نفوذ بر ارتش و به عنوان شخصیت با اختیار ضروری و همان طوری که مؤسسات سیاسی دیگر توسعه پیدا می نمایند، بازی کند.

اقبال کاملاً آماده است که اگر به حل بحران جاری کمک می کند، شاه را به دور بیندازد. او متقاعد است که اگر ارتش به مدت ۶ ماه در قدرت باقی بماند، از رها کردن آن امتناع خواهد ورزید.

اقبال احساس می کند که لازم است ژنرال جم در یک زمانی بازگردد و امور ارتش را دوباره به دست گیرد. او وزیر دادگستری فعلی - نجفی را یک کاندیدای عالی و تمیز برای نخست وزیری آینده می بیند، مشروط بر اینکه نجفی از دولت فعلی قبل از اینکه آلوده شود استعفا دهد.

۲- خسرو اقبال، برادر نخست وزیر پیشین و رئیس شرکت ملی نفت، در ۴ و ۶ دسامبر با بخش خاور نزدیک / ایران ملاقات کرد. او گفت که قصد دارد هرچه که می تواند برای نجات کشور انجام دهد (ولی چنین بیانی را در مورد شاه اظهار نکرد). طرح او براساس شروع مجدد یک روزنامه سیاسی است که او در زمان جنگ جهانی دوم آن را داشت. او این کار را فقط با موافقت دولت و شاه خواهد کرد و ادعا می کند که امام جمعه تهران را به عنوان فرستاده خود برای این منظور در نظر گرفته است. برای چند هفته اول او در نظر خواهد داشت که به طور کلی به دولت و رژیم حمله کند و همچنین به شاه، ولی با ملایمت بیشتر. هنگامی که اعتبار و شهرت روزنامه برقرار شد، او سپس به طرف مقصود واقعی خود که تلاش برای محدود ساختن خمینی به عنوان یک رهبر مخالف با نفوذ است پیش خواهد رفت.



اقبال گفت هنگامی که نفوذ خمینی کاهش پیدا کرد، دیگر ملاها را می توان با تطمیع کنترل کرد. او تعریف کرد که چگونه برادرش وقتی که نخست وزیر و رئیس شرکت ملی نفت بود، همیشه مبالغ قابل توجهی پول روی ملاها خرج می کرد. از نظر اقبال قطع چنین پرداختهایی خطرناکترین اشتباهی بود که آموزگار در زمان نخست وزیریش مرتکب شد. اقبال متقاعد است که تمام این کار می تواند در عرض دو ماه انجام شود.

۳- پس از اینکه او موفق به کاهش نفوذ خمینی شد، اقبال بازگشت ژنرال جم به پست سابقش به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح را می بیند. او احساس می کند که این موضوع مطلقاً ضروری می باشد، چون که به نظر او جم تنها کسی است که از احترام نه فقط نظامیان بلکه شاه و همچنین غیرنظامیان برخوردار می باشد. او حتی می تواند جم را در نقش دوجانبه ای که اکنون به وسیله ازهاری ایفا می شود ببیند. اقبال گفت که او با ژنرال جم در لندن صحبت کرده بود. جم به او گفته بود که نمی خواهد کاری بکند که شاه را ناراحت کند، ولی اگر ملت به او احتیاج داشت آماده خواهد بود.

به هر صورت ارجحیت اقبال برای نخست وزیری یک غیرنظامی است و اولین کاندید او برای این مقام وزیر دادگستری فعلی - نجفی می باشد. برطبق گفته اقبال، نجفی پاک و خیلی مورد احترام است. اقبال متذکر شد که اگر نجفی قرار است نخست وزیر شود، بایستی که خیلی زود از دولت فعلی با عدم موافقت به صورت آشکار با سیاستهایش استعفا کند. اقبال گفت وقتی نجفی شغل فعلی خود را تقبل کرد، تقاضا کرد که از طرف شاه به ساواک، پلیس و مقامات دربار دستور داده شود که با او در تحقیقات مربوط به فساد همکاری کنند.

شاه موافقت نمود، ولی چیزی اتفاق نیفتاد. بعد از ۴ روز او استعفایش را تسلیم نمود و فقط وقتی موافقت نمود باقی بماند که رئیس پلیس پیش او آمد و به او گفت که از طرف شاه به او دستور داده شده که با وی همکاری نماید. اقبال این را به عنوان یکی از چند نمونه ای که او عدم صمیمیت مستمر شاه در انجام وعده ها و آزادی سیاسی می نامید، ذکر کرد. اقبال گفت که اگر شاه در هر صورت صمیمی شود می تواند به تلویزیون برود و مردم را در مورد این حقیقت متقاعد سازد، ولی مردم را نمی توان گول زد.

۴- اقبال احساس می کند که خیلی مهم است که شاه حداقل دو کار را انجام دهد:

الف: ساواک را به عنوان یک سازمان منسوخ کند، بعضی از وظایف آن می تواند به وسیله پلیس و ارتش انجام شود؛ ب: توسط خودش و نه از طریق کمیته سه نفره مبلغ ثروتی را که اعضای خانواده سلطنتی به طریق نادرست انباشته کرده اند تصدیق کند و تمام داراییهای آنها در ایران را مصادره کند و آن را به مردم بازگرداند. اقبال همچنین فکر می کرد که او نیز باید چنین کاری را با تمام ثروتش در ایران بنماید.

۵- اقبال با حرارت متذکر این نکته شد که صحبت کردن راجع به دولت ائتلاف ملی احمقانه است، برای اینکه مطابق روش انجام کارها به طریقه ایرانی واقعا هیچ ائتلافی وجود ندارد. فقط منازعه و درگیری داخلی مداوم بدون بودن شخصی در قدرت و اختیار حقیقی وجود خواهد داشت. او فکر نمی کرد که رهبران مخالف سیاسی توانایی رهبری کشور را داشته باشند و اضافه کرد که در هیچ موردی آنها، نماینده گروه پیروان زیادی نیستند. اقبال احساس می کرد که یک دولت با تسلط مذهبی

هیچ شانس موفقیتی نخواهد داشت.

ص: ۳۰۶

۶- اقبال خیلی هراسان است که اگر بر سر قدرت بودن ارتش برای ۶ ماه ادامه یابد، آنها دیگر تمایل نداشته باشند که قدرت را از دست بدهند. او فکر نمی کند که یک دولت نظامی راه حل مشکلاتی که ایران با آن رو به روست، باشد.

۷- اقبال در حالی که بیشتر سرزنش را به خاطر مسائلی که به وجود آمده اند، متوجه علم و هویدا می دانست، آماده پذیرش رفتن شاه اگر به حل بحران فعلی کمک کند، می باشد. در عین حال در صورتی که این بتواند نتیجه دهد، اقبال یک نقش سودمند برای شاه برای آینده نزدیک و احتمالاً تا یک سال می تواند بیند. آن نقش برقراری قدرت و اختیار روی ارتش و عمل به عنوان شخص باقدرت ضروری و در حالی که مؤسسات سیاسی جدید به وجود می آیند، می باشد. اقبال فکر نمی کند که انتخابات خود بخود هیچ راه حل نهایی را فراهم آورد.

۸- در حالی که او در حرفهای زیادش تقاضای حمایت ایالات متحده برای طرحش را نکرد، ولی با این وجود آشکار بود او برخوردار بودن از چنین حمایتی را دوست دارد. او پس از بازگشتش به تهران در هفته آینده با لامبراکیس در تماس خواهد بود.

### برنامه های مخالفین برای آینده

سند شماره (۲۴) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۱۰ دسامبر ۱۹۷۸ برابر ۱۹ آذر ۵۷ از: وزارت امور خارجه - واشنگتن به: سفارت آمریکا - تهران موضوع: برنامه های مخالفین برای آینده ۱- ما چندین سؤال درباره گفتگویی که در تلکس مرجع گزارش شد داریم.

-- آیا کمیته دفاع از حقوق بشر و آزادی نماینده دیگر گروهها در مذاکرات مشترک با دولت یا در تماسها با آمریکاییها و انگلیسی ها می باشد؟ (پاراگراف تلکس مرجع) -- اگر قرار باشد که شاه با شورای سلطنت موافقت نماید و سپس ایران را ترک کند آیا او مجاز خواهد بود که ابتدا اعضای شورای سلطنت را انتخاب نماید؟ (پاراگراف ۴) -- آیا وی همچنین مجاز خواهد بود که کابینه جدید را انتخاب نماید؟ (پاراگراف ۴) -- آیا کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر از سفرای ایالات متحده و بریتانیا انتظار دارد که لیستهای کابینه و شورای سلطنت را برای انتخاب توسط شاه به او عرضه کنند؟ آیا از سفرای انتظار می رود که لیست را تأیید کرده و به شاه اصرار نمایند که آن را قبول کند؟ (پاراگراف ۴).

۲- از نظر سفارت چه کسی برای مذاکره راهپیمایی صلح آمیز ۹ دسامبر عمدتاً مسئول بود. (تلکس مرجع به علی امینی اشاره می کند؛ دیگر گزارشات به سنجابی اشاره دارند و به زاهدی نیز نسبت داده شده است.)

سند شماره (۲۵) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۱۱ دسامبر ۱۹۷۸ برابر با ۲۰ آذر ۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: برنامه ۱۷ ماده ای مخالفین ۱- در آخر روز ۱۰ دسامبر چندین منبع مطبوعاتی متن قطع نامه ۱۷ ماده ای را که گفته می شود، توسط تظاهرکنندگان در اجتماع میدان شهید تأیید شد، به دست آوردند. ما قادر نبوده ایم که حقایق مربوط به این قطعنامه را که ظاهراً توسط گروههای مخالف شاه در بین مطبوعات توزیع شد، تصدیق کنیم.

گزارشاتی وجود دارد که این قطعنامه فقط در ۱۰ دسامبر توزیع شده و در ۱۱ دسامبر اعلام خواهد شد.

۲- مطالب زیرین خلاصه قطعنامه است که توسط نمایندگان محلی مطبوعات برای سفارت تهیه شد:

(۱) خمینی رهبر است، (۲) سرنگونی رژیم، (۳) جمهوری اسلامی، (۴) دفاع از حقوق بشر، (۵) حذف دولت نظامی، (۶) اجرای تقاضاهای مذهبی، (۷) آزادی زنان، (۸) حقوق کامل کارگران، (۹) پایان سوءاستفاده از قدرت، (۱۰) اصلاحات کشاورزی، (۱۱) حمایت کامل از اعتصابیون، (۱۲) ضد فقر، (۱۳) تیراندازی به تظاهرکنندگان خیانت است، (۱۴) ادعاهایی که کمونیسم بین المللی در پشت جنبش است مزخرف مطلق است، (۱۵) اسلام بیشتر، (۱۶) آزادی زندانیان سیاسی، (۱۷) مبارزه ادامه خواهد یافت.

۳- معلوم نیست چه کسی این قطعنامه را تهیه کرده یا چه کسی در تظاهرات آن را برعهده گرفته. برنامه نشانه هایی از رد پای خمینی را دارد، ولی در چندین مورد از خط همیشگی خمینی معتدل تر است. بنابراین می تواند از طرف مخالفین میانه روتر باشد که به اجازه خمینی حرکت می کنند.

## شورای سلطنت

سند شماره (۲۶) از: وزارت امور خارجه - واشنگتن تاریخ: ۱۲ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۱ آذر ۵۷ به: سفارت آمریکا - تهران خیلی محرمانه موضوع: شورای سلطنت امکان دارد که در اول وقت اداری فردا به وقت واشنگتن شرحی از اساس قوانین ایران برای موضوع شورای سلطنت به ما بدهید. ما در قانون اساسی ۱۹۰۶ یا قانون متمم قانون اساسی ۱۹۰۷ هیچ اشاره ای به شورای سلطنت نمی بینیم. شاید ما نسخه ای که اصلاحات اخیر را منعکس سازد نداریم.

در هر حال، امکان دارد به ما بگویید قانون ایران در رابط با نایب السلطنه و شورای سلطنت چه چیزی را معین می دارد؟

## محسن پزشکیور رهبر حزب پان ایران



سند شماره (۲۷) سازمان مرکزی اطلاعات (سیا) خیلی محرمانه تاریخ: ۱۳ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۲ آذر ۵۷ محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایران (از سال ۱۹۴۸) نحوه خطاب به او: آقای پزشکپور محسن پزشکپور از افرادی بود که به بنیانگذاری حزب پان ایران در سال ۱۹۴۸ کمک کرد. این حزب در دوران رونقش طی سالهای دهه ۱۹۶۰ و اوائل دهه ۱۹۷۰ یک سازمان ناسیونالیست افراطی، ضداجنبی و طرفدار اصالت رأی حکومت بود که بسیاری از ناظران را به یاد حزب نازی می انداخت.

گروه پزشکپور عملاً از هیچ جذبۀ عمومی برخوردار نبود و احتمالاً هنوز هم نیست. در ۱۹۴۷ زمانی که دولت حزب رستاخیز ملت ایران را تنها حزب قانونی شناخت، حزب پان ایران منحل شد.

پزشکپور به حزب رستاخیز پیوست، اما در سال ۱۹۷۷ به عضویت کمیته پارلمانی دفاع از حقوق بشر درآمد و از دولت انتقاد کرد. در ژوئن ۱۹۷۸، او با این ادعا که حزب رستاخیز مسئول بسیاری از «بحرانهای جامعه ایرانی» است، از حزب رستاخیز استعفا کرده و تجدید فعالیت حزب پان ایران را اعلام نمود. او همچنان به انتقاد از دولت در مسائل مختلف ادامه می دهد. (خیلی محرمانه) طی یک دهه که در خلال نخست وزیری محمد مصدق (۵۳-۱۹۵۱) آغاز می شود، پزشکپور همچنان رهبر رسمی حزب پان ایران باقی ماند، اما بیشتر اوقات فعالیتی نداشت. با بازگشت به صحنه سیاست در سال ۱۹۶۱ او پس از اینکه داریوش فروهر کناره گیری کرد و گروه خود، حزب ملت ایران را تشکیل داد، تنها رهبر حزب شد. دولت از این حزب برای حمله به رئیس جمهور وقت مصر، جمال عبدالناصر استفاده می کرد اما در بقیه موارد آن را تحت مهار شدیدی نگاه می داشت. با موافقت شاه، به پزشکپور اجازه داده شد تا در انتخابات سال ۱۹۷۶ به عنوان کاندیدا شرکت کند و برای مجلس رأی آورد. (خیلی محرمانه) پزشکپور به علت تعصب میهن پرستی افراطیش، شهرت بدی یافته است. او مدت زیادی است که روی «ایرانی بودن» چندین سرزمین خارج از ایران - منجمله تحت الحمايه سابق انگلیس، بحرین که ایران نسبت به آن یک ادعای تاریخی داشته - اصرار ورزیده است.

در سال ۱۹۷۰ زمانی که شاه با تصمیم انگلستان به دادن اجازه برای یک سنجش آرای عمومی در بحرین (که به نفع استقلال داده شد) موافقت نمود، پزشکپور برای خرده گیری از دولت طرحی را تسلیم نمود. شاه که خشمگین شده بود جریان وجوهات به حزب پان ایران و پشتیبانی از آن را قطع کرد و آشکار نمود که پنج نماینده این گروه دوباره انتخاب نخواهند شد. با این حال شاه بعداً آرام گرفت و پزشکپور کار خود را در قوه مقننه ادامه داده است. (خیلی محرمانه) پزشکپور حدوداً ۶۱ ساله است و دارای یک مدرک لیسانس قضائی از دانشگاه تهران می باشد و عضو هیئت اجرائی جامعه وکلا است. او چند مقاله به علاوه یک کتاب به نام «ما چه می خواهیم» نوشته است، وی به انگلیسی تکلم می کند.

**شورای سلطنت**

ص: ۳۰۹

سند شماره (۲۸) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۱۳ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۲ آذر ۵۷ از: سفارت آمریکا- تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: شورای سلطنت ۱- مرجع الف و ب نظر مخالفین در مورد طرح شورای سلطنت در مفاد (مفهوم) را ارائه می دهد. این براساس ماده ۳۸ قانون متمم قانون اساسی که در ۹ سپتامبر ۱۹۶۷ اصلاح شد، می باشد و در زیر به طور کامل نقل شده.

- در صورت انتقال تاج و تخت، ولیعهد شخصا وقتی که به سن ۲۰ سالگی می رسد (براساس سال شمسی محاسبه می شود) وظایف شاه را ایفا می نماید. اگر او به این سن نرسیده باشد، شهبانو، مادر ولیعهد سلطنت را به دست می گیرد، مگر اینکه شخص دیگری به وسیله شاه برای آن مقام نامزد شده باشد.

نایب السلطنه بایستی شورائی مرکب از نخست وزیر، رؤسای هر دو مجلس (سنا و شورا) رئیس دیوانعالی و ۴ شخصیت دانا و مشهور دیگر کشور که به وسیله نایب السلطنه انتخاب می شوند تشکیل دهد، و نایب السلطنه بر طبق قانون اساسی وظایف شاه در قانون اساسی را با شورا تا زمانی که ولیعهد به سن ۲۰ سالگی می رسد به دست می گیرند. در صورت مرگ یا استعفای نایب السلطنه، شورا موقتا وظایف نایب السلطنه را انجام می دهد تا زمانی که نایب السلطنه دیگری (نه یک عضو از خانواده قاجار) از طرف مجلسین منصوب شود. در صورت ازدواج مجدد توسط شهبانو - نایب السلطنه باید از شورا استعفا دهد.

۲- شورای سلطنتی آن طوری که در قانون دیده می شود، اساسا برای راهنمایی نایب السلطنه است.

نظر جبهه ملی این است که شاه شورای سلطنت را برقرار (تعیین) می نماید و بعد آن را معرفی می کند؛ نه اینکه شهبانو وظایف نایب السلطنه را ایفا نماید. سپس استعفا می نماید و قدرتش (اختیاراتش) را به شورا منتقل می نماید. اساس برای این شرطی است که در جمله ماقبل آخر برای شورا آمده، که به عنوان نایب السلطنه پس از مرگ یا استعفای نایب السلطنه عمل نماید.

مطابق گفته دکتر میناچی نایب السلطنه جدید تا زمانی که پارلمان منتخب آزاد جدید وضعیت سلطنت را مورد توجه قرار نداده است، تعیین نمی شود و بنابراین شورای سلطنت را در موضع اعمال اختیارات سلطنتی قرار می دهد تا جدایی طبقات مردم متحقق شود. در حالی که این دقیقا طریقی نبود، که ماده ۳۸ وقتی اصلاح شد در نظر بوده که اجرا شود. سناریوی مخالفین به نظر می رسد که شرایط قانون را داشته باشد.

### مکالمه تلفنی با سفیر ایران زاهدی - ۱۷ دسامبر

سند شماره ۲۹ تاریخ: ۱۷ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۶ آذر ۵۷ طبقه بندی: سرّی از: سفارت آمریکا در تهران به: وزارت امور خارجه واشنگتن مرجع: تهران ۱۲۲۰۳ موضوع: مکالمه تلفنی با سفیر ایران زاهدی - ۱۷ دسامبر ۱- اردشیر زاهدی عصر هفدهم سپتامبر بعد از صرف ناهار با شاه به من تلفن کرد و گفت وی می خواست اقدامات انجام گرفته در مورد موضوعات مختلفی که من و او در ۱۳ دسامبر گفتگو کرده بودیم

را گزارش دهد.

۲- نخست راجع به سؤال بانک مرکزی، او گفت که تحقیقات نشان داده بود که این مسئله بیشتر اداری است تا سیاسی. بنابراین تصمیم گرفته شد تا خوش کیش تعویض شده و سمعی جایگزین او شود. این پیشنهاد در ۱۸ دسامبر به سمعی داده می شود.

۳- در رابطه با شرکت نفت تصمیم گرفته شده است که انتظام (عبدالله) رئیس ظاهری شرکت نفت باشد.

زیرا او یکی از معدود افراد واجد شرایط تحت منشور شرکت ملی نفت ایران است، سپس مینا و نابغ به عنوان دو معاون بازگردانده خواهند شد و اداره شرکت را به عهده خواهند گرفت.

۴- راجع به مسئله اعتصابات گمرکی او پیشنهاد قابل توجهی نداشت. او گفت که تصمیم گرفته شده است که تا بازگشت به تهران از اجلاسیه اوپک (خوشبختانه عصر هفدهم دسامبر است) صبر شود. از آنجا که مخالفان ۱۸ دسامبر را روز اعتصابات عمومی اعلام کرده اند. زاهدی امید کمی دارد که قبل از آن کاری انجام پذیرد. برنامه او برای گرد هم آوردن گروهی از شهروندان برجسته برای ناهار که با یک ملاقات با شاه دنبال می شود، به خاطر این مشکل که بسیاری از آنها با یکدیگر اختلاف دارند و از صرف ناهار با هم امتناع می ورزند در هم ریخته شده است. او هنوز امیدوار است که در آینده نزدیک ۱۰ یا ۱۵ نفر را برای صرف چای با شاه گرد هم جمع کند.

۵- او سعی دارد یک گروه از بازاریها را (او صحبت از ۲ هواپیمای درست پر می کرد) برای فشار وارد کردن روی خمینی که موضعش را نرم کند به پاریس بفرستد. او می گوید اینها اشخاص بااهمیتی هستند که از آشوب اقتصادی فعلی صدمه می بینند. او امیدوار است که چند روحانی نیز با آنها باشند.

۶- زاهدی خودش ۱۸ دسامبر به اصفهان خواهد رفت تا سعی کند که طرفداران متعصب شاه را هماهنگ کند و از برخورد بیشتر آنها جلوگیری کند. از آنجا که من در روز ۱۸ دسامبر با شاه ملاقات دارم، موافقت کردیم که ۱۹ دسامبر با هم ملاقات داشته باشیم تا تبادل نظر کنیم. سولیوان

## اضافات لیست شورای سلطنت

سند شماره (۳۰) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۱۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۷ آذر ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

مرجع: تهران ۱۲۱۶۸ موضوع: اضافات لیست شورای سلطنت میناچی به سفارت اطلاع داده است که در ۱۷ دسامبر اسامی ۲ نفر به لیست اعضای شورای سلطنت آینده اضافه شده است. آنهایی که اضافه شدند: علی امینی نخست وزیر سابق که در حال مذاکره بین مخالفین و دولت ایران بوده است و دیگری دکتر کریم سنجابی رئیس فعلی جبهه ملی می باشد. میناچی در پاسخ به سؤالی گفت: این دو به لیست اضافه شدند تا لیست نامزدها را به ۸ نفر برسانند. (۱) سولیوان

---

۱- این متن در کتاب ۲۶ سند لاتین نداشت.

سند شماره (۳۱) طبقه بندی: محرمانه تاریخ: ۲۱ دسامبر ۱۹۷۸ برابر با ۳۰ آذر ۵۷ از: سفارت آمریکا در تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری موضوع: مذاکره با رهبر قشقایی ۱- در ۱۷ دسامبر مأمور سفارت با ملک منصور خان قشقایی برادر ناصرخان ایلخان قشقایی ملاقات نمود. این ملاقات کاملاً اتفاقی نبود بلکه به سبب مذاکراتی بود که از طرق دیگر با برادران قشقایی انجام گرفته بود. مأمور سفارت هیچ سعی ننمود که مکالمه را به جهت سیاسی سوق دهد. به هر حال ملک منصورخان پس از ارائه یک سخنرانی مفصل و نه کاملاً بی طرفانه درباره سابقه قشقایها به عنوان مردمی جنگجو، خانواده خود را علیرغم آنچه که بر آنها رفته بود، حامی شاه دانست. او گفت که «من یک فرد عادی نیستم، من یک خان بزرگم، با این حال در یک اتاق اجاره ای زندگی می کنم، نمی توانم به سرزمین قشقایی بازگردم و این به اصطلاح پارلمان، زمینهای مرا از اصفهان تا خلیج فارس گرفته است». او خصوصاً از نصیری رئیس پیشین ساواک که با وی یک رقابت شخصی داشت و اسدالله علم که ملک منصور خان فکر می کند که طبقه خود و خاطره پدرش، جناب امیر شوکت الملک را به دور انداخت، انتقاد کرد.

۲- ملک منصورخان تصور می کند که ناصرخان، برادرش که پس از معالجه ناراحتی چشمش در مونیخ، به تازگی به ایالات متحده بازگشته ممکن است به زودی به ایران مراجعه کند، ناصرخان به خانواده اش اطلاع داده که در دو هفته آینده منزل او را آماده سازند.

۳- نظریه: تندی ملک منصور خان از روی سادگی بود، همان طور که آرزویش برای دستیابی دوباره به آنچه که فکر می کند است، همین حال را دارد. اگر برادرانش نیز به همین نحو فکر کنند و اگر شاه حاضر باشد از حمایت آنها از مصدق چشم پوشی کند، احتمالاً معامله ای صورت خواهد گرفت که برای شاه، حمایت خانواده صاحب ریاست قشقایی را در قبال ارزش آن حمایت تضمین خواهد نمود.

سولیوان

### گرایش انگلیس نسبت به شورای سلطنت

سند شماره (۳۲) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۲۲ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱ دی ۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: گرایش انگلیس نسبت به شورای سلطنت ۱- رئیس دفتر سفارت انگلیس، دیوید میرز به مأمور سفارت، استمپل گفت که اخیراً انگلیسیها طرح میناچی برای شورای سلطنت را شنیده اند، در جواب به تقاضای میناچی برای رساندن آن به شاه، هم سفیر انگلیس و هم میرز به میناچی گفتند که انگلیسیها هر نظریه ای را برای شاه چنانچه از طرف او سؤال شد برای خود محفوظ خواهند نمود. میرز تأکید کرد که انگلیسیها هیچ تعهدی برای مطرح نمودن موضوع به طور مطلوب (به طرفداری) نداده اند و آماده حمایت از ایده شورای سلطنت، هم اکنون و همچنین دخالت

ص: ۳۱۲

در امور داخلی ایران به هیچ طریقی نیستند.

۲- میرز این طور ادامه داد که میناچی حقیقت را در توضیح موضع آمریکا برای انگلیسیها پوشانیده است و ادعا نموده که مأمور سفارت گفته است که طرح شورای سلطنت به طور مطلوبی به سفیر کبیر (آمریکا) عرضه (معرفی) خواهد شد.

مأمور سفارت میرز را مطمئن ساخت که ایالات متحده برای شورای سلطنت متمایل به طرفداری نبوده و چنان اشاره ای به میناچی نکرده است.

۳- میرز این عقیده را ابراز نمود که میناچی در تلاش است که مفهومی از شورای سلطنت را که به مقدار زیادی با نظرات آیت الله متناسب است به خمینی عرضه دارد و در عوض در تلاش است که فرمولی مشابه ولی نه یکسان را (مسافرت و شورای سلطنت به عنوان یک هیئت موقت) به شاه عرضه نماید.

میناچی تاکنون در هیچ کدام از طرق موفق نبوده است. به عقیده میرز اضافات یا دوباره تفسیر کردنهای میناچی از تلاشهای ایالات متحده و بریتانیا، به سادگی تلاشهای وکیل خوب ایرانی برای بیرون کشیدن چیزی می باشند. میرز خیلی نگران این موضوع به نظر نمی رسید و گفت فکر بریتانیا این است که به گوش دادن به میناچی ادامه دهد زیرا در آینده ممکن است وی، سودمند باشد.

۴- مأمور سفارت قبلاً ناخوشایندی سفارت ایالات متحده در مورد طریقه ای که مواضع ایالات متحده و انگلیس، هر دو، به طور بدی برای طرف دیگر تفسیر شده است را به میناچی ابراز نموده. احساس ما این است که اگر قرار باشد میناچی سرانجام سودمند باشد، به میزان قابل توجهی بهتر خواهد بود اگر که او طرح آزمایشی خود را محکمتر نگهدارد.

### طرح بازگشت ناصر خان قشقایی

سند شماره (۳۳) طبقه بندی: خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: طرح بازگشت ناصر خان قشقایی ۱- مأمور سفارت در ۲۳ دسامبر با هوشنگ شهبازی، وابسته فامیل عمده قشقایی، برای شنیدن مباحثه در مورد مزیت بازگشت ناصر خان ایلخان قشقایی به ایران برای شاه ملاقات نمود. شهبازی با آمادگی قبول کرد که به موازات اسکان دادن قبایل طبیعت و خوی آنها تغییر کرده است. به هر صورت او مدعی بود که ناصر خان نفوذی فوق العاده در میان افرادش و در میان رهبران مذهبی در استان فارس دارا می باشد. به علاوه طبق گفته شهبازی، قشقایی جای نفوذ و اهمیت را در میان هزار فامیل ایران پر می کند و بازگشت او به تقویت حمایت آنها برای ابقای سیستم فعلی کمک می کند. ناصر خان به ویژه به ژنرال زاهدی نزدیک بود و به طوری که منتسب است همراه با زاهدی دستی در مرگ رئیس پلیس مصدق، ژنرال افشار طوس داشت.

۲- شهبازی، قشقایی را یک خان باهوش و زیرک ولی با ضعف منجمله پول دوستی و تمایل به بازگشت به موقعیت احترام (تشریفات) و قدرت تقریباً شبیه به آن چیزی که او در زمینهای ایل قبل از تبعیدش برخوردار بود، توصیف نمود. ناصر خان اصلاً از جبهه ملی طرفداری می کند؛ به این خاطر که در



دهه ۱۹۵۰، شاه بزرگترین تهدید را در مقابل برخورداری رؤسای ایلها و مالکان بزرگ از امتیازات سنتی آنها مطرح نمود. شهبازی معتقد است که ناصرخان در حال حاضر این فکر را در نظر خواهد آورد که ابقای شاه چیزی است که با یک دیدگاه سنتی نسبت به ساخت قدرت در ایران سازگاری و بنابراین مطلوبیت دارد. می توان فرض نمود که وی به عنوان یک عضو قدیمی جبهه ملی مورد استقبال سران جبهه ملی فعلی قرار خواهد گرفت، خصوصاً بدلیل اینکه او میلی به تصدی مقام سیاسی نخواهد داشت.

۳- آیا ناصرخان باید بازگردد؟ شهبازی معتقد است سودمند خواهد بود که وی برای چند روزی به منظور بالا بردن اعتبارش دستگیر گردد. زمانی که آزاد شود، ناصرخان قادر نخواهد بود که مستقیماً با خمینی مخالفت کند و همچنین چنان تناقضی مطلوب نخواهد بود، چون که حداقل بعضی از مخالفین را به زور به موضعی افراطی تر در دفاع از خمینی می کشاند. بلکه کمک ناصرخان در داخل مجالس مخالفین، بحث به طرفداری از لزوم حفظ شاه خواهد بود. در فارس و خصوصاً در شهرهایی از قبیل شیراز و جهرم نفوذ ناصرخان می تواند به برقراری نظم کمک کند. خصوصاً نظر به اینکه بویراحمادی ها و کفدراسیون خمسه احتمالاً از رهبری قشقایی پیروی می کنند.

۴- شهبازی که اظهار می دارد او هنوز در مورد این موضوع به ناصرخان یا فامیل او دسترسی پیدا نکرده است و سؤال کرد که آیا مأمور سفارت مایل به ملاقات برادران ناصرخان برای گفتگوهای بیشتر می باشد. مأمور سفارت پاسخ داد که وی در موقعیتی نیست که اثر بازگشت ناصرخان یا تمایل دولت ایران به بازگشت وی به ایران را ارزیابی نماید.

به هر صورت چون که دولت ایران او را تبعید نموده است هر بحثی یا موافقتی درباره بازگشت وی به طور صحیح باید روی دولت ایران متمرکز شود.

ایالات متحده در هیچ موردی قدمی نامتناقض با حمایتش از شاه برنخواهد داشت و مأمور سفارت به این دلیل مشکوک است که گفتگوی پیشنهاد شده با برادران ناصرخان واقع شود، مگر اینکه پیشنهاد مورد علاقه دولت ایران باشد.

۵ - نظریه: شاه چون که در طول سالیان از روی قصد، قدرت رهبران سنتی جامعه ایران را بدون همراهی سودمندی در میان قسمتهای دیگر جامعه کاهش داده است، در حال حاضر او خود را کاملاً متکی بر ارتش برای حمایت داخلی درمی یابد. تحت این شرایط ظهور حامیان قدرتمند سنتی ممکن است جالب واقع شود. به هر صورت، دولت ایران باید صرفه های نهانی حضور ناصرخان در مقابل اثر محتمل بازگشت وی روی سلطه شکننده رهبری مخالفین میانه رو که به گفتگو با شاه در مورد دولت ائتلافی - انتقالی نزدیک می شوند را به دقت اندازه گیری نماید. در دهه گذشته رایج بوده که نفوذ رؤسای ایلیاتی و دیگر عناصر رهبری سنتی در ایران را پایین بیاورند. بدون نظر دادن راجع به درجه نفوذ حفظ شده به وسیله خانواده قشقایی - ایلخانی، ما ذکر می کنیم که تجدید حیات اسلامی بر این اشاره دارد که آن یک دسترسی خیلی سهل الوصول است.

**گروه پیشنهادی طرفدار شاه**



سند شماره (۳۴) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۲۶ دسامبر ۱۹۷۸ برابر با ۵ دی ۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: گروه پیشنهادی طرفدار شاه ۱- جرج ناتانسون، یک تاجر آمریکایی که در ایران ارتباطات خوبی دارد، روز سیزدهم و بیست و یکم دسامبر به سفارت آمد تا در مورد افکاری که راجع به یک گروه مخفی برای حمایت از شاه دارد گفتگو کند.

او برای بخش بازرگانی به عنوان یک گرداننده بزرگ شناخته شده است که با دربار رابطه دارد و با آزادی به شاهزاده اشرف و ملکه فرح مراجعه می کند. او پرت مأمور سفارت را مرتبه اول دید و دفعه دوم پرت و لامبراکیس کنسول سیاسی را ملاقات نمود. انوشیروان باتمانقلیچ او را همراهی می کرد. او که یک عضو خانواده مشهور باتمانقلیچ است می گوید ۴ سال پیش در (SAIS) دانشگاه علوم امور بین المللی و دیپلماسی جان هاپکینز به تحصیل اشتغال داشت.

۲- ناتانسون با عبارات گسترده بازرگانی و تجارتنی راجع به سازماندهی یک برنامه ضربتی از طرف شاه برای روابط عمومی و برای کارهای خوب اقتصادی جهت خنثی کردن آشوب صحبت می کرد. هر دو نفر با عبارات توطئه آمیز صحبت می کنند، ولی در گفتگو راجع به آنچه که در فکرشان است، اقدام سیاسی را به وضوح دنبال می نمایند. آنها می گویند که قصد دارند از منابع خصوصی در ایالات متحده و یا جای دیگر پول تأمین نمایند تا پروژه های رفاهی و اجتماعی خیلی نمایانی را در جنوب تهران و جاهای دیگر شروع کنند و در مورد آنها تبلیغات به راه بیندازند.

۳- ناتانسون این نکته را تذکر می دهد که وی به دنبال همکاری با حمایت ایالات متحده نیست، ولی تماس مجدد با سفارت را حفظ می کند (او به تازگی درخواست یک ملاقات برای امروز ۲۶ دسامبر را نمود و پرت او را خواهد دید). کنسول سیاسی عاقلانه فکر کرد که چندین بار به وضوح در ۲۱ دسامبر عنوان و تصریح نمود که هر چه گروه ناتانسون انجام می دهد در هیچ حالتی نباید به درگیری دولت ایالات متحده تفسیر یا نمایانده شود. علاوه بر آن کنسول سیاسی به ناتانسون و باتمانقلیچ توصیه کرد که تمام طرحهایشان را به دقت با شخصی که واقعا از طرف شاه نمایندگی دارد در میان بگذارند، چون که این کار واقعا مربوط به ایرانیان است و آمریکاییهایی که نمایندگی دولتی ندارند نباید کاری را انجام دهند. که مغایر با طرز فکر شخصی شاه می باشد. او اشاره کرد که آمریکاییها پیشنهادات بدون وسوسه ای راجع به چگونگی اداره کردن مشکلات به شاه می داده اند، ولی شاه ایده های شخصی خودش را در مورد استراتژی مناسب دارد و این امتیاز متعلق به او است. ناتانسون با هر دو این موارد توافق داشت، ولی صراحتا ما فکر می کنیم که تصریح و تأکید قابل توصیه است. باتمانقلیچ در نظر دارد در چند روز آینده مسافرتی به ایالات متحده داشته باشد و اگر مایل باشد با هر کسی از دولت ایالات متحده تماس بگیرد، اسم پرشت را در وزارت خارجه دارد. (ما فکر کردیم عاقلانه است که او را در آن جهت هدایت کنیم). ۴- ناتانسون با آزادی راجع به منافع گسترده تجاری صحبت می کند (شاید در مورد آنها اغراق می کند). او از آمریکاییها و دیگرانی نام می برد که خیلی از آنها نوعی از کار مخفی در سابقه شان وجود دارد. در میان آمریکاییها و دیگرانی که اشاره شد، گریگوری لیما، بروس مک نیل، بیل (خسرو) ایلرز، و

ایرانی، امیر دولتشاهی و حتی روزنامه نگار محلی انگلیسی جیمز آندروود، می باشند. گروهی دیگر از اسامی وجود دارد که عمدتاً افراد نظامی و از تجربه گذشته او هستند. ۵- نظریه: این موضوع صراحتاً چیزی مثل یک کوشش آماتوری برای تکرار وضع ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) به نظر ما می رسد. در حالی که شاه بدون شک می تواند از کمک و مشورت دوستانه استفاده کند، ما مشکوکیم که گروه ناتانسون واجد شرایط ترین برای ارائه آن باشد. ما مشکوکیم که وی خیلی بتواند سازماندهی کند. ولی اگر او این کار را بکند، تلاشهایش به نظر خواهد رسید که به برخی نظارت‌های دقیق توسط سفارت حکم می کند. دیگر سازمانها در اینجا هیچ علاقه ای به او ندارند. بنابراین اگر باتمانقلیچ با او تماس بگیرد، پیشنهاد می کنیم پرشت تلاشهای او را به جاهایی هدایت کند که خطر احتمالی برای وجهه ایالات متحده در این مرحله از بازی در ایران را به حداقل برساند.

### (سخنان) میناچی در مورد کوششهای صدیقی برای تشکیل دولت

سند شماره (۳۵) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۲۷ دسامبر ۱۹۷۸ - ۶ دی ۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: (سخنان) میناچی در مورد کوششهای صدیقی برای تشکیل دولت خلاصه: میناچی تصدیق کرد که مهدی بازرگان و نهضت آزادی به طور محتاطانه ای از کوشش صدیقی برای تشکیل دولت حمایت می کنند. کمیته دفاع از حقوق و آزادی بشر نیز از کوشش صدیقی حمایت می کند.

میناچی فکر می کند صدیقی آماده است که کابینه را اعلام دارد، ولی می خواست که از سابقه مصدق پیروی کند و تأیید مجلس برای دولت را پیش از گرفتن حکم از شاه دریافت دارد. میناچی در مورد این سؤال که آیا دولت جدید قادر خواهد بود که به اعتصابات که در حال فلج کردن ایران هستند پایان دهد و با این ترتیب حداقل اصلاحی در وضعیت صورت خواهد گرفت، دو پهلو حرف زد. او دولت صدیقی را به عنوان راه حلی نهایی برای مشکلات ایران نمی بیند. او تصدیق نمود که آیت الله خمینی مؤمنین را ترغیب نموده که آنهایی که چماقداری می کنند و بر علیه آنها تظاهرات می کنند را بکشند. (پایان خلاصه) ۱- دکتر ناصر میناچی با استمپل مأمور سفارت در ۲۷ دسامبر در محل دفتر حسینیه ارشاد برای بررسی وضعیت فعلی ملاقات نمود.

در جواب سؤال مأمور سفارت، میناچی گفت هم نهضت آزادی و هم کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر به طور ضمنی از کوششهای صدیقی برای تشکیل یک دولت حمایت می کنند. مهندس بازرگان در ۲۳ دسامبر با صدیقی ملاقات نمود که به او بگوید در دولت جدید خدمت نخواهد کرد، ولی او را در ادامه جریان دلگرم خواهد نمود. میناچی گفت گروه بازرگان معتقد است که اگر دولت صدیقی موفق باشد، توافق خمینی را دارد که باعث شکست آن نشویم. میناچی فکر می کرد که صدیقی قادر به تشکیل دولت می باشد و هم اکنون بیشتر، اگر نه تمام، کابینه اش را انتخاب کرده است.

میناچی گفت او فقط دو انتخاب را می داند، برای وزارت دادگستری محسن پزشکیور، رهبر پان ایرانیست مخالف در مجلس و دکتر حمید مولوی، دانشگاهی برجسته برای وزارت بازرگانی.

۲- طبق گفته میناچی صدیقی می خواهد که از سابقه مصدق پیروی کند و تأیید پارلمان برای دولتش را قبل از گرفتن فرمان از شاه دریافت دارد. میناچی فکر می کرد امکان داشته که موضوع در پارلمان و در جلسه غیرعلنی امروز مورد بحث قرار گرفته باشد. (توضیح: دیگر منابع اطمینان کمتری دارند که کار ترکیب کابینه آنقدر به جلو رفته باشد و معتقدند صدیقی تقاضای زمان بیشتری برای جمع آوری اعضای کابینه نموده است. منابع پارلمانی می گویند جلسه امروز فقط بحث کلی در مورد وضعیت فعلی بود و جلسه غیرعلنی دوم برای هفته آینده برپا خواهد شد.) ۳- مأمور سفارت پرسید که آیا حمایت از کوشش صدیقی تا آنجا پیش می رود که به متوقف نمودن اعتصابات که اکنون ایران را فلج می نماید، کمک کند. میناچی در مورد این سؤال دوپهلوی صحبت کرد، ابتدا گفت که اعتصابات ادامه پیدا خواهند کرد. چونکه «مردم می خواهند که شاه برود، حتی خمینی به عنوان نخست وزیر از حمایت عامه برخوردار نخواهد بود اگر که شاه بماند.» (توضیح: میناچی به طور کلی در مورد موضوع «شاه باید برود» تندتر از قبل بود.) به هر حال میناچی همچنین گفت که اگر دولت جدید شروع خوبی داشت و سربازان را از خیابانها خارج می نمود کارها بهتر خواهد شد و آشوبهای کمتری وجود خواهد داشت. به هر حال، میناچی گفت دولت صدیقی آخرین راه حل برای مشکلات ایران نیست.

شاه هنوز باید برود.

مأمور سفارت و میناچی توافق داشتند که کوشش صدیقی از آشوب بهتر خواهد بود و در پاسخ به سؤال مستقیم میناچی، مأمور سفارت گفت فکر می کند که هیچ کدام از راه حلها که شامل شورای سلطنت و رفتن شاه از کشور می باشد قابل قبول نخواهد بود، حتی اگر خمینی با آنها موافقت نماید. میناچی گفت فکر می کند پس در این صورت راه حل افراطی نظامی به کار گرفته خواهد شد و باعث خونریزی های زیادی می شود. مأمور سفارت گفت ایالات متحده نمی خواهد که ببیند چنین چیزی اتفاق می افتد و این دلیل آن است که از دولت ائتلافی و مصالحه طرفداری نمود. میناچی اشاره نمود که تلاش صدیقی درست چنین ایده ای است و با مأمور سفارت توافق داشت که اگر (صدیقی) موفق گردد، ممکن است وضعیت را از برخورد دور کند و به طرف سیاست بکشانند. میناچی سپس مکثی نمود و اضافه کرد که صدیقی می تواند به وضعیت کمک کند و پاسخ درازمدت نخواهد بود. به هر حال یک نکته از برنامه صدیقی انتخابات سریع، انحلال پارلمان در دو ماه و انتخابات نسبتاً سریعی پس از آن خواهد بود. مجلس جدید سپس می تواند با موضوع سلطنت درگیر شود.

۴- وقتی مأمور سفارت در مورد تظاهرات متعدد او را تحریک نمود، میناچی با خوشحالی گفت که اینها تماماً گروههای مذهبی بوده اند. مأمور سفارت سپس سؤال کرد که چرا سفارت آمریکا در ۲۴ دسامبر انتخاب و مورد توجه مخصوص قرار گرفته بود؟ میناچی که از جا پریده بود در ابتدا سؤال کرد که آیا مطمئن هستم که عوامل ساواک نبوده اند، وقتی به او گفته شد این آن را پاک نمی کند، قبول کرد که تمام گروههای مذهبی واقعا تحت کنترل نیستند. او بی درنگ ارتباط گروههای مذهبی را با ترورهای اخیر در اهواز تکذیب نمود و گفت اینها (ترورها) باعث دردسر کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر شده اند. مأمور سفارت اشاره کرد که آنها ایالات متحده را نیز دچار دردسر کرده اند. (توضیح: میناچی معمولاً خیلی در مورد موضوعات عملیاتی با اطلاع نیست ولی آشکار بود که او حتی خیلی بیش از قبل درباره جنبه های آتی اعمال خشن که خارج از کنترل نهضت هستند، عصبانی بود.)



۵- میناچی گفت خمینی در واقع حکمی صادر کرده که از مؤمنین می خواهد هرکسی را که به تظاهرات مذهبی با چماق یا اسلحه حمله کرد بکشند (یک اشاره آشکار به تظاهرات طرفدار شاه). این (حکم) نیروی قانون را دارد و از طرف کسی با اختیار مذهبی خمینی می آید. مأمور سفارت توضیح داد که به نظر می رسد این کار یک عکس العمل افراطی از نقطه نظر مشکلات نهانی که می تواند ایجاد کند، می باشد.

میناچی این را قبول کرد، ولی گفت این وضعیت چیزی است که شرایط فعلی در ایران را خیلی انفجاری کرده است (خمینی هم قدرت سیاسی و هم مذهبی برای گردانیدن (امور) بر علیه شاه را دارد). در ۱۹۵۳ شاه حمایت رهبران مذهبی را دارا بود. شرایط اکنون فرق می کنند.

۶- گفتگو با ابراز امیدواری دوجانبه که آشوب بر سیاست مسلط نشود، پایان گرفت.

### ملاقات با درخشش (مخالف)

سند شماره (۳۶) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۷ دی ۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: ملاقات با درخشش (مخالف) ۱- سفیر کبیر که به وسیله کنسول سیاسی همراهی می شد با رئیس اتحادیه معلمین، محمد درخشش، در خانه یک کارمند محلی سفارت در ۲۷ دسامبر ملاقات نمود. درخشش به وسیله دو عضو دیگر از گروه سیاسیش که موجودیتی جداگانه ولی موازی با اتحادیه معلمین دارند، همراهی می شد: دکتر داوود رسایی، یک وکیل که معلمی بازنشسته است و دکتر صادق رئیس زاده، رئیس بزرگترین دبیرستان تهران (که بیشتر ساکت ماند). ملاقات که بنا به درخواست درخشش برگزار می شد به منظور طرح نمودن عقاید گروه برای سفیر کبیر بود. (آنها - ایده ها - قبلاً برای کنسول سیاسی در ملاقات قبلی با رسایی و درخشش، یک هفته قبل طرح شده بودند). ۲- گروه بدون تزلزل معتقد است که وضعیت به نقطه ای رسیده است که شاه باید کشور را ترک کند. حتی اگر خمینی تصمیم بگیرد که شاه می تواند بماند، مردم امروز این را قبول نخواهند کرد. در هر موردی گروه درخشش وعده های شاه را که او در مواقع مختلف در گذشته آنها را نقض نموده است باور نخواهند کرد.

۳- اگر شاه برود، این به خودی خود طرفداری از خمینی را ۵۰ درصد کاهش خواهد داد. بنابراین خمینی خیلی ضعیف خواهد بود که جمهوری اسلامی را برقرار کند و میانه روهایی از قبیل درخشش شانس این را خواهند داشت که دولتی که دموکراتیک، ضد کمونیست، طرفدار غرب و ضد روحانی خواهد بود، تشکیل دهند.

۴- سناریویی که آنها مجسم می کنند انتقال اختیارات شاه به یک شورای سلطنت است. آنها خیلی در مورد عضویت شورا ایراد گیر هستند و هیچ مخالفتی با اسمهایی از قبیل انتظام، سروری، صالح و غیره ندارند. با این وجود آنها با علی امینی مخالفند. آنها فکر می کنند شورا باید مرکب از ۹ تا ۱۱ نفر باشد که ۴ تا ۵ نفر آنها نظامی باشند. نظامیان بایستی ژنرالهای بازنشسته باشند که فاسد نشده باشند. به طور قابل ذکری ژنرال جم، این شورا دولت جدید را که یا به وسیله درخشش و یا شخصیت دیگری از مخالفین هدایت می شود، منصوب می نماید.

یک دولت جدید از مردم خواهد خواست که برای ۲ یا ۳ ماه یک برنامه که به طور واضح اعلام شده و مردم آن را دوست دارند اجرا نماید. انتخابات آزاد می تواند دنبال شود که منجر به پارلمانی که بعدا دولت جدید را تشکیل می دهد، خواهد شد.

۵- گروه امیدوار است که مشکل یک عکس العمل نظامی نسبت به این سناریو به وسیله خود شاه با آن برخورد شود، که به طور مسئولانه ای به اعضای شورای سلطنت و فرماندهان عالیرتبه ارتش دستور دهد که همکاری کنند، یا آن فرماندهانی را که فاسد هستند بازنشسته کند و یا با خود ببرد. انگیزه شاه امیدش به حفظ سلسله اش به شکل بازگشت پسرش بعد از چند سال برای جایگزین شدن با شورای سلطنت خواهد بود.

۶- گروه توجه را به طور کامل به ترسش از حکومت مذهبیون به وسیله خمینی و دیگر ملاها و احتمال اینکه خلیفه چنانچه آن یک واقعیت شد کشور را ترک خواهند کرد، معطوف نمود. گروه همچنین روی تاریخ طولانی نبردش با کمونیستها که با مقاومتش در مقابل حزب توده در ۳۰ سال پیش شروع شد تأکید نمود (با روزنامه مهرگان). گروه سیاسی فعلی خودش را در حدود ۳ یا ۴ سال قبل تجدید شکل داد و در آن زمان در حدود ۸۰ نفر عضو داشت. سنجابی و حدود ۱۲ نفر عضو دیگر جبهه ملی به مدت کوتاهی پیش از منحل اعلام شدنش به وسیله شاه درخواست کردند که به آن پیوندند.

بعضی اعضای گروه از قبیل نجفی و پایدار اخیرا در دولتهای شریف امامی و ازهارای وزیر شدند و دیگر با گروه هر چند تحت شرایط خوب، همکاری ندارند.

چند ماه پیش گروه تلاش نمود که روزنامه را دوباره به وسیله چاپ اولین شماره «آذردگان» احیاء نماید ولی درخشش دستگیر شد و شماره های بعدی اجازه داده نشد (انتشار یابد). ۷- درخشش متذکر شد که این هفتمین بار است که دستگیر شده و زمانی را در زندان گذرانده است.

درخشش که یک عضو سابق پارلمان و وزیر آموزش و پرورش در اوایل دهه ۱۹۶۰ بود به ما گفت که او سابقه ای از استحکام (قدرت) و فساد ناپذیری به وجود آورده است. او از شرکت در دولتهای فاسد بعدی امتناع ورزید. او هدایت و رهبری حدود ۴۰۰/۰۰۰ معلم را به واسطه ۱۷ یا ۱۸ سال عدم فعالیت سیاسی حفظ نموده است. او به عنوان عضو سابق پارلمان و رئیس اتحادیه معلمان روابطی را با استانها برقرار می نماید و جلسات زیادی در خانه اش که اغلب آنها با گروه سیاسی او مرتبط هستند تا با اتحادیه معلمان دارد. او روشن ساخت که در میان ملاقات کنندگان وی در خانه اش رهبران جبهه ملی مثل سنجابی و بازرگان و همچنین طرفداران خمینی مثل بهشتی و شخصی بنام دکتر باهور (باهنر) هستند.

۸- در تمام گفتگو، گروه تأکید داشت که کاری باید فوراً صورت گیرد چون که چندین هفته بیشتر ممکن است برای کشور دیر باشد.

تعداد زیادی دانشجو از اروپا و آمریکا در هفته گذشته بازگشته اند و مسئول تاکتیکهای خیابانی مؤثرتر و خشن تری که در چند روز گذشته در تهران دیده شده می باشند. آنها درسهایشان را در خارج فرا گرفته اند و بدون شک به وسیله حزب

کمونیست هماهنگ می شوند. طرفداران توده بی شمار نیستند ولی خیلی خوب برای عرضه موضع سیاسیشان در میان گروههای مخالف تعلیم دیده و سازمان داده شده می باشند. این به آنها قدرتی بیشتر نسبت به تعداد حقیقیشان می دهند.

۹- سفیر کبیر خودش را به گوش دادن به آنها و پرسیدن سؤالاتی توضیحی و اعلام موضع ایالات

ص: ۳۱۹

متحده به طرفداری از استقلال ایران، یک دولت دموکراتیک و راه حلی میانه برای مشکل فعلی (اگر چنان راه حلی بتواند به دست آید) محدود نمود.

### صدیقی سردرگم (پوشان)

سند شماره (۳۷) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۷ دی ۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: صدیقی سردرگم (پوشان) خلاصه: نامطمئنی قابل توجهی در این مورد که صدیقی در تلاشهایش برای تشکیل دولت به کجا رسیده است وجود دارد. مدارکی قوی وجود دارد که او شانس کمی در تشکیل کابینه داشته است، ولی شایعات بر این اصرار دارند (خصوصاً در محافل دیپلماتیک) که وی ممکن است به دستگیری زمام امور نزدیک باشد. برخی از نامزدهای کابینه مشهور او متعاقباً به طور علنی و یا خصوصی اشاره کرده اند که آنها (در کابینه) خدمت نخواهند کرد. حتی اگر صدیقی تحت شرایط فعلی قادر به تشکیل دولت باشد در خیلی از قسمتها سوءظن سختی وجود دارد که کابینه او بتواند کار زیادی انجام دهد. در نتیجه در هم ریختگی کلی نظم عمومی در تهران و کمبودهای فعلی و پیش بینی شده مواد اصلی از قبیل نفت و بنزین به نظر سفارت این طور می آید که زمان برای سیاست خیلی کوتاه است. (پایان خلاصه).

۱- پاراگراف ۷ مرجع الف بر این اشاره دارد که پیشقدمی های سیاسی در حال حاضر در مرکز سکون و بی حرکتی قرار دارند. آشکارا غلامحسین صدیقی هنوز برای تشکیل یک کابینه که قدرت را از دولت ژنرال ازهراری تحویل بگیرد، قرار است تلاش نماید. در نتیجه دولت ازهراری به طور فزاینده ای در اینجا (در این مرحله)، حتی به وسیله اعضایش به عنوان یک دستگاه اداره کننده ناتوان دیده می شود. وزرایش از گرفتن تصمیمهای مستقل حتی در مورد موضوعات ساده، بیزار هستند. سفارت به طور خصوصی شایعات مختلف زیادی را تماماً از منابع خوب در مورد پیشرفت صدیقی شنیده است. خوشبینانه ترین (شایعه) می گوید او کابینه را تقریباً تشکیل داده (مرجع ب) و آماده خواهد بود که در چند روز آینده شروع به کار نماید.

این با شایعاتی که در ۲۷ و ۲۸ دسامبر جریان داشت که اعلام دولت جدید در ۳۱-۲۹ دسامبر واقع خواهد شد، مطابقت دارد. به هر صورت منابع خوب مشابهی می گویند صدیقی حداقل شانس را برای لیست کردن افراد واجد شرایط (آنهايي که به وسیله شرکت در دولتهای ۱۵ سال گذشته فاسد نشده اند) داشته است و قادر بوده که فقط ۴ تا ۸ نفر را ردیف کند.

۲- تعدادی از نامزدهای کابینه گزارش شده وی، متعاقباً یا به صورت علنی یا خصوصی اشاره کرده اند که آنها نسبت به دولت ائتلافی علاقه مند نیستند. محسن پزشکیپور در جلسه غیرعلنی پارلمان در ۲۷ دسامبر گفت که دولتی ناآلوده، رادیکال و جوان مورد نیاز است.

در یک مکالمه خصوصی بعدی که توسط ما بر آن اصرار شده بود، وی تصدیق کرد که وی آماده است که خود را به عنوان کاندید نخست وزیری پیشنهاد کند و بنابراین اشاره می کند که وی در وزیر دادگستری صدیقی شدن همان طوری که قبلاً فریاد کرده ذیعلاقه نیست. مهدی آذر که حداقل در دو لیست از آنهايي



که توسط صدیقی جستجو می شد بوده است به دوستانش به طور خصوصی گفته است که وی اکنون در هیچ پستی ذی‌علاقه نیست. این حقیقت که شایعات درباره آنهایی که مایل به خدمت (در کابینه) می باشند خیلی کم است. همچنین به این باور که صدیقی با کشمکش‌های سخت رو به روست ارزش می بخشد. خصوصاً که سنجابی رهبر جبهه ملی به طور علنی گفت جبهه ملی در شرکت داشتن (در کابینه) علاقه مند نیست.

۳- توضیح ناخوشایندی که نشانه صحنه سیاسی می باشد این باور کلی است که حتی اگر صدیقی دولتی تشکیل دهد، قادر نخواهد بود که در غیاب شرکت سازمان داده مؤثر مخالفین کار زیادی انجام دهد. نهضت آزادی بازرگان که بی طرفی ملایمی را حفظ می کند، حتی در فراهم نمودن پرسنل دست دوم برای دولت صدیقی بی میل می باشد.

ناآرامیهای عمومی فزاینده در تهران و سقوط بالقوه اقتصادی کشور در دو روز گذشته به اضافه نمودار شدن کمیابی محصولات حیاتی نفتی در چند روز آینده، اشاره دارد که وقت کمی (اگر وقتی باشد) برای افراط در تجمل تشکیل کابینه باقی می ماند. حتی اگر صدیقی فردا قدرت را به دست بگیرد، محتمل نیست که اعتصابیون فوراً اعتصاب را متوقف نمایند (یا حتی به طور کلی). این دولت جدید را با همان اختیارات ناخواسته ای که رو در روی دولت فعلی است درگیر می سازد. (سختگیری تند نظامی یا ترک صحنه به آرامی و مخفیانه). ۴- بدبختانه برای آنهایی که از راه حل سیاسی برای مشکلات ایران طرفداری می کنند، ما متقاعد نیستیم که شخصیت‌های بالای سیاسی در احساس فوریتی که سفارت احساس می کند وضعیت بدان نیاز دارد، شریک هستند. ما شایعاتی شنیده ایم که صدیقی اکنون برای به دست گرفتن قدرت بی میل است و ترجیح می دهد که کارها وخیم تر شوند، تا دولت او شانسی بهتر برای بقای داشته باشد. هر کسی که حتی سابقه ای کم با خیابانهای تهران یا وضعیت اقتصادی در چند روز گذشته داشته است، درک می کند که آینده همین حالا است. درهم ریختگی بافت اقتصادی و اجتماعی در آینده ای نزدیک وقتی تولیدات تصفیه شده نفت تمام شدند، کامل خواهد شد

## گزارش موقعیت ایران

سند شماره (۳۸) طبقه بندی: سرّیتاریخ: ۲۹ دسامبر ۱۹۷۸ - ۸ دی ۱۳۵۷ از: وزارت امور خارجه - واشنگتن به: کلیه سفارتخانه ها در کشورهای اروپایی شماره سند: ۷۰۶۲ موضوع: گزارش موقعیت ایران ۱- تهران امروز صبح نسبت به چند روز گذشته آرامتر بوده است. تمرکز، امروز روی نقطه نظرهای سیاسی بود که سفارت از یکی از وزرای دولت ازهارای شنید که به طور قطعی در روز ۳۰ دسامبر استعفا خواهد کرد. به علاوه دکتر شاهپور بختیار رهبر جبهه ملی ایران با استوارنامه ای تا اندازه ای مشکوک به سفارت گفت که شاه به او در روز ۲۸ دسامبر حکم اختیار برای تشکیل یک دولت جدید را داده است. او می خواست که در تاریخ ۳۰ دسامبر، یک مأمور سفارت را ببیند و امید به حمایت ایالات متحده دارد. به علاوه یک منبع خبرگزاری آمریکایی از فعالیت بزرگی در قسمت زاهدی گزارش می دهد. همه طرف

صحبت‌ها، در مورد شکست کوشش‌های صدیقی مطمئن هستند.

۲- مخالفین میانه رو موافقند که شاه هنوز حداقل قدرت را دارد، تا انتقال به شورای نیابت سلطنت را که آنها می خواهند، انجام دهد. با این مفهوم، یک شورای نیابت سلطنت قدرتهای اجرایی شاه را بعد از اینکه شاه کشور را ترک کرد، به دست خواهد گرفت. یک نخست وزیر و کابینه تعیین خواهد کرد. مخالفین از هرج و مرجی که از رفتن بدون برنامه شاه نتیجه می شود، وحشت دارند.

۳- سرویس اخبار محلی فرانسه از پاریس گزارش می دهد که به خمینی اجازه اقامت در فرانسه بعد از اینکه ویزای توریستی اش هفته آینده منقضی شود، داده شده است. سفارت فرانسه در واشنگتن به ما می گوید که هیچ تصمیمی گرفته نشده است، اما انتظار یک جواب مثبتی می رود. همین طور گزارش شده که خمینی فردا را در ایران به خاطر آخر ماه محرم عزای عمومی اعلام کرده است.

۴- تولید نفت خام آشکار مانند حدود دیروز، ۳۱۹۰۰ بشکه محاسبه شده است. تمام تولید به پالایشگاه آبادان تحویل داده خواهد شد. یک واحد تولیدی دیگر به خاطر سقوط اساسی بیشتر تولید در ۳۰ دسامبر تعطیل خواهد شد. این برخورد پیچیده است، زیرا این واحد گاز طبیعی برای آبادان تهیه می کند که پالایشگاه به اندازه زیادی متکی به این گاز برای مواد سوختی می باشد. دسترسی به گازوئیل در تهران بدتر شده است.

۵ - مخالفین بیان کرده اند که کارگران نفت پیشنهاد کرده اند که به کار خودشان برگردند. اگر دولت تضمین کند که همه تولید برای داخل مصرف شود و خصوصاً اصلاً به اسرائیل صادر نشود. کارگران، پخش را تحت نظر خواهند داشت.

۶- مدیر عامل به کنسول ما در تبریز گفت که انتظار می رود که اعتصابیون، پالایشگاه محلی را فردا تعطیل کنند. موجودی نفت چراغ برای گرم کردن به مدت یک هفته کافی می باشد. دیگر تولیدات اندکی تهیه شان بهتر است. عقیده متفق القول بین همه مرتبطين با کنسول این است، که شاه باید برود.

۷- یک تظاهرات آرام با شرکت چندین هزار نفر در اصفهان انجام شد. در حال تعطیلی بود و نیروهای امنیتی فاصله شان را حفظ کردند.

۸ - کمپانی گرومن در شیراز تصمیم گرفته است که کارمندانش را به حداقل لازم کاهش دهد و افراد باقیمانده را به پایگاه هوایی انتقال دهد. انتظار این هست که روی برنامه اف - ۱۴ اثر بگذارد.

۹- انجمن ایران - آمریکا در اهواز در آخر وقت بعدازظهر ۲۸ دسامبر توسط جمعیتی حدود ۷۰ نفر مورد حمله واقع شد و خسارت قابل ملاحظه ای به آن وارد شد. نیوسام

**گزارش وضعیت ایران، شماره ۵۹، ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸**

سند شماره (۳۹) طبقه بندی: سرّی تاریخ: ۳۰ دسامبر ۷۸ - ۹ دی ۵۷ از: وزارت امور خارجه - واشنگتن به: تمام پست های

دیپلماتیک اروپایی، خاور نزدیک و آسیای جنوبی موضوع: گزارش وضعیت ایران، شماره ۵۹، ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸ -۱- چندین هزار تظاهرکننده امروز کنسولگری آمریکا در تبریز را محاصره کردند، ولی فقط بعضی از آنها واقعا پس از خرد کردن در جلو به محوطه وارد شدند. این تظاهرکنندگان آتش سوزیهای کوچکی برپا

ص: ۳۲۲

نمودند، ولی خسارتی جزئی بیار آورد. آنها به وسیله نیروهای امنیتی ایرانی که در محل کنسولگری مستقر بودند دفع شدند و برای متوقف نمودن آنها از گاز اشک آور و تیراندازی بالای سرهایشان استفاده نمودند.

نیروی تقویتی به سرعت وارد شد و جمعیت متفرق گردید. هیچ کسی زخمی نشد و کنسول و کارمندان ایرانی او سالم و امن هستند. کنسولگری ترکیه نیز مورد حمله واقع شد. وضعیت در تهران با تظاهراتی پراکنده در قسمتهای مرکزی و جنوبی تهران، سوزاندن اتومبیلها، آتش سوزی به وسیله لاستیکهای کهنه و اتومبیل و قرار دادن ورقه های ضد شاه روی شیشه جلو اتومبیلها به وسیله تظاهرکنندگان به طور طبیعی ادامه پیدا کرد. نیروهای ارتشی ایران که از سفارت حفاظت می کنند، در جواب به شایعات درباره ممانعت از حملات به سفارت تقویت شده اند و به طور متناوب برای مأموس کردن جوانان تظاهرکننده تیراندازی هوایی می نمایند. در نتیجه کمبود بنزین و نیز دستور روز عزا از طرف خمینی (به یادبود آشوبهای قم تقریباً یک سال پیش که ناآرامی را شروع کرد) ترافیک در تهران سبک بود. صفوف طولانی در پمپ بنزین ها و مغازه نفت فروشان وجود داشت. به عنوان یک اقدام حفاظتی (صرفه جویی) برنامه های رادیو تلویزیون ایران کاهش داده شده اند. برنامه های رادیو ایران همچنین آغاز به آماده نمودن مردم برای یک کمبود مورد انتظار نان در نتیجه مشکلات مرتبط با کمبود سوخت در کارخانه های (آسیاب) آرد، نانوائی ها و بخش حمل و نقل نموده است.

۲- مطابق گزارشات کنسول ما در شیراز تظاهرات بی شماری همراه با تیراندازی به وسیله نیروهای امنیتی در شیراز به وقوع پیوست (ولی حالا دیگر این (تظاهرات) در شهرهای بزرگ ایران یک اصل طبیعی شده است).

۳- شاپور بختیار پیش یک مأمور سفارت تأیید کرد که شاه از او خواسته که یک کابینه تشکیل دهد و اشاره کرد که انتظار دارد در ۳ یا ۴ ژانویه سوگند یاد کند. بختیار ادعا می کند که او مجاز خواهد بود که تمام وزرایش را انتخاب کند، که آزادی بیان و مطبوعات فوراً پس از به دست گرفتن قدرت از طرف او برقرار شود، که حکومت نظامی به طور مرحله ای و به تدریج متوقف شود، و اینکه اعلام انتصاب او به وسیله یک بیانیه از طرف شاه مبنی بر قبولی یک موضع قانون اساسی از طرف مقام سلطنت که بدان وسیله او فقط سلطنت نماید نه حکومت همراه خواهد بود. مطابق گفته بختیار در موقعی پس از اینکه دولت جدید قدرت را به دست می گیرد، شاه به یک مسافرت طولانی خواهد رفت.

آشکار نیست که بختیار تا چه درجه ای از حمایت عناصر مختلف مخالفین برخوردار است. او ادعا می کند که حمایت آیت الله شریعتمداری شخصیت برجسته مذهبی ایران را به دست آورده است او به دنبال حمایت از طرف مهدی بازرگان رهبر نهضت آزادی ایران می باشد. جبهه ملی مخالفتش با کوششهای بختیار برای تشکیل یک دولت را اعلام کرده است. بازاریها در مورد بختیار دو دسته شده اند، که کمی دلگرم کننده است. ترس از یک دولت نظامی خشن که به وسیله افسران افراطی رهبری شود ممکن است به حمایت از بختیار به عنوان بهترین از یک سری از راه حلهای بد منتهی شود.

۴ - تولید نفت ایران امروز فقط ۲۳۱۰۰۰ بشکه بود که تماماً به پالایشگاه آبادان حمل شد. کارمندان OSCO در اهواز مورد تهدیدهای بیشتری واقع شده اند و در نتیجه این (تهدیدها) وضعیت امنیتی و عدم قدرت به کار به علت اعتصابات، بعضی کارمندان OSCO و وابستگان و همچنین بیشتر وابستگان و کارمندان اغلب شرکتهای خدمات نفتی با یکسری پروازهای دربست شروع به ترک ایران نموده اند



(مقدمتاً آتن). اعضای گروههای مخالف، به طوری که گزارش شده برای پیدا کردن راه حل بازگشت به کار یک تعداد کافی از پرسنل برای تولید فقط به اندازه احتیاجات داخلی، با اعتصاب کنندگان در تماسند.

انتظام رئیس شرکت ملی نفت با این تقاضاها که نفت خام صادر نخواهد شد، موافقت نموده است. او ظاهراً با تخلیه نظامیان از دفاتر OSCO و تأسیسات مناطق نفتی نیز موافقت کرده است.

دولت به نظر می رسد که معتقد باشد که مصالحه ای با اعتصاب کنندگان می تواند انجام گیرد.

### **نظر میناچی درباره کوشش بختیار برای تشکیل دولت**

سند شماره (۴۰) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۰ دی ۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: نظر میناچی درباره کوشش بختیار برای تشکیل دولت خلاصه: میناچی معتقد است که بختیار در تشکیل دولت موفق خواهد بود، چون که رهبران مذهبی با او مخالفت نخواهند نمود و بعضی با او همکاری و کمک خواهند کرد. خشم سنجابی بر علیه بختیار مایه تأسف و لی بی ربط (بی اهمیت) خوانده شد.

بازرگان با بختیار مخالفت نخواهد نمود، ولی احتمالاً از دادن تعهد نهائی تا وقتی که از جنوب برگردد خودداری خواهد نمود، جایی که ابتکار او برای پایان دادن به اعتصاب نفت به خوبی پیشرفت می کند.

آیت الله شریعتمداری درخواست از عموم برای مخالفت با خصومت بر علیه خارجیان را مورد ملاحظه قرار می دهد. (پایان خلاصه).

۱- استمپل مأمور سفارت تحولات فعلی سیاسی را با دکتر میناچی در محل دفتر او در حسینه ارشاد و در بعد از ظهر ۳۱ دسامبر مورد مطالعه قرار داد. میناچی فکر می کرد که بختیار مطمئناً در تشکیل دولت موفق خواهد شد، چون که روحانیون میانه رو از تلاشهای او به اندازه کافی طرفداری می کنند که از مخالفت کردن با او ممانعت ورزند. حمله شدید دکتر سنجابی به بختیار در عصر روز ۳۰ دسامبر ناموفق بود، ولی در مقابل حمایت ضمنی رهبران مذهبی از بختیار اهمیت نخواهد داشت.

۲- مطابق گفته میناچی، مهندس مهدی بازرگان رهبر نهضت آزادی ایران نیز با بختیار تا حد مخالفت نکردن موافق خواهد بود؛ ولی احتمالاً موضع نهایی خودش را تا زمانی که از اهواز ۲ یا ۳ روز دیگر بازگردد، مشخص نخواهد کرد. میناچی گفت، بازرگان نامه هایی از خمینی و شریعتمداری دریافت نمود که شخصاً او را به عنوان رئیس هیئت اعزامی به مناطق نفتی منصوب کرده اند. دیگر اعضاء کمیته ۵ نفره آیت الله هاشمی رفسنجانی، مهندس کتیرایی، مهندس حسینی و مهندس صباغیان هستند.

اهمیت منصوب شدن بازرگان به طور خصوصی این است که وقتی می خواهد تشکیل دولت دهد، به او برخورداری از موافقت اجتماعی را می دهد (میناچی گفت احتمالاً دولتی که سرانجام پس از انتخابات بهار آینده بر بختیار پیشی می گیرد). میناچی اضافه کرد که به طوری که گزارش شده اردشیر زاهدی پیشنهاد عرضه یک کابینه که به وسیله بازرگان هدایت شود

را به شاه نموده است، ولی احتمالاً- این موضوع فقط در صورتی که ابتکار بختیار به نتیجه نرسید و رهبران مذهبی کاملاً به زاهدی اعتماد نکردند، به وقوع خواهد پیوست.

ص: ۳۲۴

۳- میناچی گفت کمیته برای دفاع از حقوق بشر و آزادی در ساعت ۴ بعدازظهر روز ۳۱ دسامبر جلسه خواهد داشت و مطمئناً وزنه گروههای مختلفش را در پشت پیشقدمی بختیار (برای تشکیل دولت) خواهد گذاشت.

میناچی پس از اینکه نتیجه این ملاقات مشخص شود، به شریعتمداری تلفن خواهد زد و او را در ۳ ژانویه در قم برای تحکیم حمایت میانه روها از کابینه بختیار ملاقات خواهد نمود. در جواب به سؤال مأمور سفارت که آیا شرایط در خیابانها آنقدر تأخیر را روا می دارد، میناچی گفت شرایط در ۳۱ دسامبر خیلی بهترند چون که مشخص شد که شاه آماده ترک کشور است. (توضیح: اگر چنین باشد، بهبودی خیلی حاشیه ای - بی اهمیت - است) در هر حال شریعتمداری در نظر داشت که اعلامیه ای منتشر کند و از مؤمنین مذهبی درخواست کند که به برادران و خواهران خارجی حمله نکنند و از قدمهایی که در جهت یک راه حل سیاسی که از خونریزی جلوگیری به عمل آورد تمجید نماید. در جواب سؤال، مأمور سفارت تأیید کرد که این شاید یک راه حل خیلی سودمند برای پایین آوردن بعضی احساسات ضد خارجی که در چند روز اخیر رشد پیدا کرده بود باشد.

۴- توضیح: میناچی هر چند به طور کلی یک فرد خوشبین است، او قادر بود چندین دلیل محکم برای اعتقادش که بختیار موفق خواهد بود بیاورد و گرایش خودش این را روشن ساخت که او خیلی می خواهد که بختیار دولت تشکیل بدهد و خیلی از مخالفین میانه رو دیگر متمایل بودند که به طور خوشایندی با تلاش بختیار به خاطر کشور موافقت نمایند.

اگر مواضع شریعتمداری و بختیار به آنچه که میناچی می گوید نزدیکتر شود، به شانسهای بختیار بهبودی خواهد بخشید.

میناچی گفت او امیدوار است که از اسامی افراد کابینه بعداً مطلع شود، ولی می دانست که نامزد وزارت دادگستری شهاب فردوز (فردوس) یک قاضی اسبق و وکیلی برجسته و پیشرو می باشد.

## تحولات سیاسی

سند شماره (۴۱) طبقه بندی: سرّی تاریخ: ۱ ژانویه ۷۹ برابر با ۱۱ دی ۵۷ از: وزارت امور خارجه - واشنگتن به: سفارت آمریکا - تهران موضوع: تحولات سیاسی ۱- ما به خاطر داریم که خبرگزاری پاریس و شاهپور بختیار اظهار داشته اند که شاه در نظر دارد در یک زمان نامشخص در آینده موقتاً از کشور خارج شود. این گزارش همچنین در خبرهای مطبوعات از منابع وزارت دربار و به وسیله زاهدی سفیر کبیر (در آمریکا) تکذیب شده است. آیا شما اطلاعات معتبر دارید؟ ۲- اگر این حقیقت دارد که شاه برای تسهیل کار بختیار در برقراری یک دولت جدید کشور را ترک می کند، ما در شگفت هستیم که چرا شاه با شرط مشابه با صدیقی موافقت نمود که ظاهراً یک کاندید قویتر از بختیار برای نخست وزیر می باشد.

از توضیحات شما تقدیر می شود.

## اظهار نظرهای جمشید هرمز رئیس سابق فدراسیون دانشجویان ایران در اطریش



سند شماره (۴۲) خیلی محرمانه تاریخ: ۱ ژانویه ۷۹ - ۱۱ دی ۵۷ از: سفارت آمریکا تهران به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی. فوری موضوع: اظهار نظرهای جمشید هرمز رئیس سابق فدراسیون دانشجویان ایران در اطریش ۱- جمشید هرمز معمار تحصیل کرده اطریش رئیس فدراسیون دانشجویان ایرانی ضد شاه در دوران دانشجویی خود در وین بوده است. او هنگامی که در میتینگی از فدراسیون جهانی دانشجویان دانشگاهها در آلمان شرقی شرکت کرده بود، به وسیله ساواک شناسایی شد و در سال ۱۹۷۱ هنگامی که به ایران بازگشت دستگیر شد. هرچند هرمز مدعی است که عضویت در فدراسیون در آن زمان غیرقانونی نبود. بنا به اظهارات هرمز از او بازپرسی شد و تحت شکنجه قرار گرفت. (از جمله او را از یک پلکان به پایین پرتاب کردند که سبب شد بعداً تحت عمل جراحی دیسک قرار گیرد. به مدت ۱۴ ماه در زندان انفرادی نگهداری می شد، بدون اینکه هیچ گونه اتهامی به او وارد شده باشد. پس از ۱۸ ماه زندان او را به محاکمه احضار کردند و آن هم پس از اخطار بیست دقیقه ای به او و بدون هیچ تدارک قبلی، او مقصر شناخته شده و به ۱۹ ماه زندان محکوم شد که ۱۸ ماه آن را گذرانده بود. در ۳۱ دسامبر در یک نهار در خانه دکتر هرمز میربابایی، هرمز اظهار نظرهای زیر را برای مأمور سفارت ایراد کرد.

۲- او مدعی شد که نظریات او مشابه نظریات اکثریت دانشجویان ایرانی و جامعه دانشجویان است و اعلام کرد که نتیجه ایده آل تقلاها و کشمکشها نه تنها استعفا بلکه تشکیل یک دادگاه خلق برای محاکمه شاه به دلیل جنایاتش خواهد بود. چنین دادگاهی باید طبق نص صریح قوانین ایران بوده و به شاه اجازه دهد که برای دفاع از خویشتن از ایران یا سایر کشورها که حاضر باشند از او دفاع کنند، وکیل بگیرد. هرمز اطمینان داشت که نتیجه هرگونه جریان منصفانه قانونی علیه شاه، «میخکوب کردن این خون آشام به دیوار خواهد بود». (این ترجمه آزاد مطلبی است که به دقت احساس او را منتقل می کند). معذالک هرمز احساس می کند که نتیجه بالمال مبارزه سیاسی در ایران و شکل هر حکومت آینده ایرانی بایستی با آرای مردم، شکل بگیرد. تنها شرط او این خواهد بود که هر حکومت ایرانی باید بیان آزاد نظریات سیاسی را اجازه دهد.

۳- هرچند او مدعی است که ضد آمریکایی نیست و اصرار دارد که مردم ایران دعوی با مردم آمریکا ندارند، هرمز شدیداً مخالف سیاست ایالات متحده در ایران است. او گفت ایالات متحده درس عبرتی از پشتیبانی از دیکتاتورها در کره جنوبی، شیلی و ویتنام، نیاموخته و همان اشتباهات را در ایران مرتکب شده است. سیاستمداران ایالات متحده دایره تماسهای خود را به آنهایی که نزدیک به شاه هستند، محدود کرده و بنابراین ایران را از دریچه امپریالیسم نظاره کرده اند. علاوه بر این حکومت ایالات متحده، شاه را همواره برای دادن آنچه که خواسته است آماده دیده و بنابراین ایالات متحده از جنایات متعدد و افراط کاریهایی که شاه و خانواده او مرتکب شده اند چشم پوشی کرده است.

مردم ایران هنوز کاملاً مخالف ایالات متحده نیستند. ولی پشتیبانی مداوم علنی ایالات متحده از شاه نه تنها مردم را نسبت به آن بیگانه می کند. بلکه برای هر حکومت آینده ایران، همکاری با دولت ایالات متحده را دشوار خواهد ساخت. سولیوان

**دیدگاه محمدحسین خان قشقایی راجع به کاندیدایی بختیار و ژنرال فریدون جم**

سند شماره (۴۳) تاریخ: ۲ ژانویه ۱۹۷۹ - ۱۲ دی ۱۳۵۷ از: سفارت آمریکا در تهران به: وزیر امور خارجه - واشنگتن گزارشگر: اسکودرو شماره سند: ۱۰۰۶۳ تهران موضوع: محمدحسین خان قشقایی راجع به کاندیدایی بختیار و ژنرال فریدون جم اظهار نظر می کند ۱- اول ژانویه طی بحثی با محمدحسین خان قشقایی در آپارتمانش، ایلخان قشقایی، به کارشناس سفارت گفت که خانواده قشقایی آماده هستند - از شاهپور بختیار به عنوان نخست وزیر تحت شرایطی حمایت کنند. دوستی بین این دو به زمان رضاشاه بازمی گردد و بین خانواده های بختیار و قشقایی ازدووجهای زیادی طی صد و پنجاه سال گذشته انجام گرفته است. ولیکن محمدحسین خان تأکید کرد که حمایت قشقایی از دولت بختیار، اگر که تشکیل شود، در صورتی که شاهپور دست خالی نیاید خیلی بیشتر خواهد بود. محمدحسین خان معتقد است که اگر بختیار سوم ژانویه بدون اعلام رفتن شاه برای معالجه پزشکی و یا به هر دلیل دیگری زمام نخست وزیری را به دست گیرد، مردم در ششم ژانویه بر علیه بختیار تظاهرات خواهند کرد. در ضمن صحبت، محمدحسین خان یک پیغام تلفنی از گچساران دریافت کرد که حاکی از تظاهرات ۳۰۰۰ بختیاری و قشقایی بود، او اشاره کرد که اگر بختیار بدون گرفتن امتیازاتی از شاه، نخست وزیری را قبول کند، آبروی بختیارها می رود و محبوبیت او در میان ایل کم خواهد شد.

۲- طبق گفته محمدحسین خان مردم کمتر نگران نفت و بنزین خواهند بود و بیشتر متوجه اعمال بختیار در مورد ساواک و ارتش خواهند بود. سازمان امنیت باید منحل شود و اگر به سازمان مشابهی احتیاج هست اسم آن را باید عوض کرد. حکومت نظامی باید زودتر پایان گیرد و خیلی از ژنرالهای بلندپایه باید برکنار شوند.

محمد حسین خان که از رهبری ارتش ایران خصوصاً ژنرال اویسی خشنود نیست، به کارشناس سفارت در مورد ژنرالهای ایرانی اخطار کرد و گفت آنها مانند فرماندهان متحدین در جنگ جهانی دوم نیستند، بلکه مانند قدرت طلبانی در لباس نظامی هستند که رتبه های خودشان را با وفاداری به دست آورده اند و نه با توانایی نظامی. البته یک استثناء در این مورد، فریدون جم، می باشد. محمدحسین خان او را روز دوم ژانویه ملاقات می کند. او سقوط محبوبیتش به سه عامل بستگی داشت.

- جم دستور شلیک به تظاهرات ۱۹۷۱ از تهران به کرج را احمقانه خوانده بود، او متوجه نبود که رئیس ساواک وقت، نصیری با شاه، که در آن موقع در پاکستان بوده، مشورت کرده و اجازه رسمی برای شلیک گرفته بود.

- مخالفت جم بابت خرید تجهیزات نظامی جدید قبل از تعلیم کادر ایرانی برای نگهداری و محافظت از دستگاههای موجود. مخالفتش توسط طوفانیان و دکتر ایادی به شاه گزارش شده بود.

- جم در پاکستان، گفته بوده که شاه را به عنوان برادر دوست می دارد و شاه این را به عنوان سخنی گستاخانه یافته بود.

۳- محمدحسین خان، که امروز صبح با بختیار ملاقات کرده بود و می خواهد دوباره در روز دوم ژانویه

او را ببیند، او (بختیار) را این گونه تشریح کرد که بیش از حد ساده صحبت می کند و یک سیاستمدار موفق نیست. مخصوصاً در زمینه مذهب، بختیار ناخوشنودیش را برای خمینی آشکار می کند و محمدحسین خان معتقد است، بهتر است بختیار سکوت کند.

۴- برای محمدحسین خان هنوز روشن نیست که آیا بختیار موفق خواهد شد کابینه ای تشکیل بدهد یا نه. تصمیم سنجابی مبنی بر اخراج او از جبهه ملی و نظر اعضاء حزب ایران بختیار، این است که او به طرف اعمال انحصارطلبانه و غیرهماهنگی پیش می رود و این حامیانش را کم خواهد کرد.

۵- هومن خان قشقایی پسر محمدحسین خان هم حضور داشت و گفت که فرق کمی، بین برنامه بختیار و سنجابی وجود دارد و چرا شاه نباید سنجابی را انتخاب کند که از حمایت بیشتری برخوردار است، پدرش جواب داد که اولاً بختیار مرد خمینی نیست. ثانیاً اینکه بختیار با مسئله رفتن شاه با ظرافت برخورد کرد، ولیکن سنجابی آن را فوراً و قاطعانه با شاه مطرح کرد. لحظه ای که او اینکار را کرد شاه گفتگو را پایان داد و گفت دیگر مسئله ای برای بحث نیست.

۶- هومن همچنین به شایعات تکراری در مورد اینکه خارجی ها نباید اجازه داشته باشند ایران را ترک کنند، اشاره کرد، چرا که برای تأمین احتیاجات اساسی صنایع بعد از رفتن شاه ضروری هستند. در همان حال هومن کاملاً متوقع است که شاه بماند و یا برگردد یا اگر یک دولت غیرنظامی مفید واقع شود، خارجیان و مخصوصاً آمریکاییان مورد حمله گروههای چریکی قرار خواهند گرفت. هومن و پدرش معتقد هستند که شاه آنقدر زرننگ هست که طرح بازگشت به ایران را به وسیله کودتا، بعد از اینکه دولت غیرنظامی عدم کارآیی خودش را ثابت کرد، پیاده کند.

محمدحسین خان، شاه را به عنوان باهوشترین رهبر ایرانی طی دو قرن اخیر می داند، ولی معتقد است دو مسئله به او ضربه زده اند، ناتوانی او در حفظ قاطعیت و طمع او برای پول و قدرت.

سولیوان

### خسرو قشقایی

سند شماره (۴۴) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۳ ژانویه ۱۹۷۹ - ۱۳ دی ۵۷ از: وزارت امور خارجه - واشنگتن به: سفارت آمریکا - تهران موضوع: خسرو قشقایی ۱- خسرو قشقایی در ۲ ژانویه با مسئول بخش ایران در اداره امور خاور نزدیک ملاقات نمود تا نظراتش را در مورد بحران ایران ارائه دهد. قشقایی به طور مستقیم گفت تا زمانی که شاه در ایران باقی بماند هیچ راه حلی امکان پذیر نخواهد بود. او ایالات متحده را ترغیب به تماس با نیروهای خمینی در ایران که او آنها را به عنوان قابل ترین در کشور می داند، نمود. او اشاره کرد که برخی اختلاف عقاید بین خود او و اعضای خانواده اش وجود دارد و اینکه پدرش به امید اینکه دستگیر خواهد شد و سنبلی از مخالفت قشقایی با شاه خواهد شد. به ایران بازمی گردد. او هیچ اعتمادی به اینکه بختیار قادر خواهد بود که یک دولت بادوام تشکیل دهد، نداشت و هیچ طرفداری (هواخواهی) برای تلاشهای نخست وزیر منصوب شده ابراز نداشت.



۲- قشقای واشنگتن را به مقصد مونیخ جایی که او اقامت دارد، ترک نمود.

۳- ما این را برای سابقه گزارش می کنیم و هیچ درکی از اهمیت آن برای سیاستهای ایران یا ایلی نداریم.

### نظریات بازاریها درباره نامزدی بختیار و ادامه رویارویی

سند شماره: (۴۵) طبقه بندی: سرّی تاریخ: ۳ ژانویه ۷۹ برابر با ۱۳ دی ۵۷ از: سفارت آمریکا در تهران به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: نظریات بازاریها درباره نامزدی بختیار و ادامه رویارویی خلاصه: یک نفر بازاری برجسته منعکس کننده نفرت عاطفی نسبت به رژیم و ظلم و ستمهای آن است (او به این ستم ها اعتقاد دارد) به آمریکاییها اخطار می شود که به خاطر پشتیبانی از شاه ما صدمه خواهیم دید. (پایان خلاصه).

۱- مأمور سفارت روز دوم ژانویه با حاج علی اصغر کاشانی یک بازاری ذینفوذ ملاقات کرد. وی گفت که بازاریها پس از اندکی بحث، تصمیم گرفتند از پشتیبانی از شاهپور بختیار به عنوان نخست وزیر خودداری کنند. آنها بختیار را بسیار نزدیک به شاه می دانند آنها همچنین بختیار را فرصت طلب تر از آن می دانند که از او پشتیبانی کنند، حتی اگر بختیار ثابت کند که موفق شده است عزیمت شاه را فراهم کند.

اگر بختیار نخست وزیر شود بازار همچنان به امید ساقط کردن بختیار و جایگزین کردن او به وسیله شخصی که به عقیده کاشانی منتخب حقیقی مردم است، یعنی کریم سنجابی بسته خواهد ماند.

۲- هنگامی که مأمور سفارت اظهار نظر کرد که ادامه مخالفت با یک حکومت غیرنظامی که می کوشد تقاضاهای مردم را برآورده کند، منجر به ارتکاب شقاوتها از قبیل آنچه که اخیرا در مشهد انجام گرفت خواهد شد، کاشانی در پاسخ با حرارت اظهار داشت که چنین چیزهایی هم اکنون در پایتخت انجام می گیرد. روز سی و یک دسامبر جمعیت انبوهی، خانه یک سرهنگ ساواکی را که در خیابان بهار سکونت داشت، مورد حمله قرار داد. سرهنگ را زنده گرفته و جمعیت او را تکه تکه کرد در حالی که همسر و فرزندان او در میان آتشی که خانه سه طبقه او را با خاک یکسان کرد، سوزانده شدند.

کاشانی مدعی است که خود او بقایای این خانه و قسمتهایی از جسد مرد مقتول را که در تاریخ اول ژانویه در معرض تماشای مردم قرار گرفته بود، دیده است در میان خاکسترهای زیرزمین این خانه به اظهار کاشانی، ابزار شکنجه کشف شد.

هنگامی که مأمور سفارت وحشیگری از این نوع را از هر کدام از طرفین که باشد تأکید کرد کاشانی خشمناکتر شد. او حادثه ای را که در قزوین اتفاق افتاده بود نقل کرد که در آن یک کودک در زیر زنجیرهای تانک له شده بود و مادر کودک هنگامی که برای نجات او می شتافت به ضرب گلوله از پای درآمد. او هم چنین مراسم (تشییع جنازه سه جوان ایرانی را در روز دوم ژانویه در بهشت زهرا که خود او در آن حضور داشت تشریح کرد. این سه جوان ایرانی از قرار معلوم به طوری که گفته می شود روز سی دسامبر زیر شکنجه در زندان اوین مرده بودند. اجساد این سه جوان بدون آنکه پوشانده شده باشند بر

روی تابوتها بر در گورستانها گردانده می شد تا جمعیت مشاهده کند که چگونه بدن آنها سوزانده شده و ناخنهای انگشتان

ص: ۳۲۹

آنها کنده شده بود.

کاشانی فریاد زد این کاملاً طبیعی است که مردم نوکران رژیم را که چنین کارهایی را انجام می دهند مورد حمله قرار دهند. (در این مرحله کاشانی واقعا سخت برآشفته بود. یکی از این روزها مأمور سفارت انتظار دارد که شاهد آن باشد که دهان او از خشم کف کند). (پایان اظهارنظر) ۳- هنگامی که کاشانی توانست بار دیگر خود را کنترل کند. نطق مفصلی در این باره کرد که چگونه بازاریان مسئولیت همه این جنایات را به گردن آمریکا می اندازند و آن هم به خاطر پشتیبانی درازمدت ما از رژیم خیمه شب بازی شاه (آنچه نوشته شده همان است)، کاشانی آن گاه خاطر نشان ساخت خشم فزاینده مردم علیه آمریکا ممکن است، منجر به حملاتی علیه افراد آمریکایی در تهران بشود. در این زمینه کاشانی به مأمور سفارت توصیه کرد تا فوق العاده با احتیاط باشد و فعالیت خود را در خارج از محوطه سفارت تقلیل دهد.

۴- اظهار نظر سفارت: متأسفانه صدای این بازاری منعکس کننده احساسات بخشهای رو به افزایش جمعیت ایران است. سفارت هر روز در معرض دریافت تقاضاها و توصیه در اینباره است که ما کاری درباره شاه انجام دهیم. زیرا شاه آمریکاییان را مانند یک لنگر به پایین می کشاند. سولیوان

### دیدگاه پرویز آموزگار درباره بختیار نخست وزیر، و آینده ایران

سند شماره (۴۶) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۵ ژانویه ۷۹ برابر با ۱۵ دی ۵۷ از: سفارت آمریکا در تهران به: وزارت امور خارجه آمریکا - واشنگتن دی. سی.

موضوع: نقطه نظرهای پرویز آموزگار مدیر دانشگاه مشهد درباره بختیار نخست وزیر، و آینده ایران ۱- بر طبق اظهارات پرویز آموزگار مدیر دانشگاه مشهد و عضو جامعه روشنفکران دانشگاهی که شاید بیشتر محصلین شامل آن نیستند، مایل است به بختیار یک فرصت مناسب داده شود تا او خودش را نشان دهد. معهدا چنانچه روی کار آمدن بختیار، با بیانیه ای از جانب شاه حاکی از مریضی او و ترک کشور برای معالجه پزشکی و پس از آن خروج فوری شاه، همراه نباشد، جامعه دانشگاهیان مخالفت خود را تقریباً فوراً ابراز خواهد داشت.

بدیهی است بعضی از عناصر مخالف بختیار، او را برخلاف بیانیه خیلی استقبال شده او در تشریح ۲۸ مرداد به عنوان روزی که شاه بر علیه دولت ملی کودتا کرده، محکوم نمودند. تظاهرات و پلاکاردهای ضد بختیار در حال حاضر در مشهد به چشم می خورد و مقام رسمی سفارت هم دو نمونه از شعارهای ضد بختیار را بر روی دیوارهای تهران دیده است.

۲- داماد آموزگار، علی ضیایی و خواهرش مخدره ضیایی با این احساس بسیاری از ایرانیان هم عقیده اند که بیشتر ناراحتیهای ایرانیان و موقعیت جاری ایران از آمریکا ناشی می شود و آمریکا را در این مورد سرزنش می کنند. در حالی که آنها می پذیرند که آمریکا در گذشته چاره ای جز همکاری با شاه نداشته است. اما آنها اشاره به یک سری سیاستهای اشتباه آمریکا کردند، از جمله در زمینه برنامه اصل چهار که شامل ارائه ضعیف برنامه ها و تبادلات فرهنگی و محدودیت تماس سفارت با هواداران شاه و به کار گماردن رئیس سابق سیا هلمز به عنوان سفیر و تغییر روابط اطلاعاتی آمریکا به سازمان ICA (آژانس





ارتباطات بین المللی) (که خیلی شبیه به سازمان سیا به نظر می آید) و فقدان همبستگی بین مقامات آمریکایی و ادامه حمایت فعلی آمریکا از شاه در حالی که بسیار روشن است که بیشتر توده مردم خواستار او نیستند.

۳- اگر چه آنها موافق ترک فوری شاه می باشند اما آموزگار و دیگران تأکید می کنند که ایران به نهاد سلطنتی نیازمند است و امکان دارد که شاه فعلی با محدود کردن خود در امور سلطنت (اگر او مایل به چنین کاری باشد) پس از اینکه یک دولت ملی اوضاع را در دست گرفت، به ایران برگردد.

شاه در تمامی بحران فعلی، خیلی دیر و کم امتیازاتی داده است و اگر از ترک کشور با حفظ شخصیت خودداری کند، هر نوع امکان بازگشت، و موقعیتش را در تاریخ و آینده خاندان پهلوی را به مخاطره می اندازد و باید منتظر سقوط باشد.

### کابینه ای که جدیداً معرفی شد

سند شماره (۴۷) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۶ ژانویه ۷۹ - ۱۶ دی ۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: کابینه ای که جدیداً معرفی شد ۱- کابینه اساساً آن طوری که به وسیله خبرگزاریها گزارش شده صبح امروز به وسیله نخست وزیر برگزیده، شاهپور بختیار به شاه معرفی شد. منصوبین اینها هستند:

- کشور - خود بختیار، شامل کنترل روی پلیس، ژاندارمری، و احتمالاً ساواک.

- جنگ - ژنرال فریدون جم (که در راه بازگشت از لندن می باشد).

- امور خارجه - احمد میرفندرسکی، که در سال ۱۹۷۳ به وسیله شاه از قائم مقامی وزارت خارجه به طوری که گزارش شده به خاطر تجاوز به حدود شاه در اجازه دادن به پروازهای روسی از فراز ایران در زمان جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل برکنار شد.

- دادگستری - یحیی صادق وزیری، یک وکیل و قاضی حرفه ای که کرد می باشد.

- اطلاعات و جهانگردی - سیروس آموزگار، قبلاً چیزی مثل یک دست چپی، نویسنده و روزنامه نگار، با نخست وزیر قبلی جمشید آموزگار ارتباطی ندارد.

- اقتصاد و دارایی - رستم پیراسته، بانکدار بین المللی، نماینده سابق چیس مانهاتان بانک در اینجا - محمد مشیر یزدی - قائم مقام نخست وزیر برای امور مالی و اداری، کارمند عالیرتبه وزارت کار (منجمله قائم مقام دائمی) که مثل اینکه یک دوست قدیمی بختیار باشد.

- کشاورزی - منوچهر کاظمی، با تجربه در PBO، بانک ملی، فارغ التحصیل هاروارد در سال ۱۹۲۰، با آمریکاییها دوستانه است ولی از رژیم انتقاد می کند.

- صنایع و معادن - عباسقلی بختیار، پسرعموی نخست وزیر که کارمند عالیرتبه دولت، با سابقه در شرکت ملی نفت که در

این پست اخیر به عنوان معاون این وزارتخانه خدمت کرده است، شاید نسبت به آمریکاییها حساس باشد.

- آموزش و پرورش - دکتر محمدامین ریاحی، کارشناس برجسته آموزش و پرورش و روزنامه نگار.

ص: ۳۳۱

- کار و امور اجتماعی - منوچهر آریانا، کارمند دولت در وزارت کار که به طوری که گزارش شده پسرعموی ژنرال آریانا بازنشسته می باشد (یکی از آن ژنرال هایی که اشاره شد مورد قبول بعضی مخالفین می باشند).

PPTLUTF - علی صمیمی - مقام رسمی - بهداری - منوچهر رزم آرا، دکتر تحصیل کرده در آمریکا - مسکن - جواد خادم، یک پیمانکار ساختمانی خیلی فعال، به طوری که گزارش شده احساساتی و شاید ضدآمریکا.

۲- هیچ کدام از منصوب شدگان قبلاً به عنوان وزیر خدمت نکرده اند. جم و میرفندرسکی هر دو سفیر کبیر بوده اند. جدا از برخی فعالیت‌های شدیدالحن ضد رژیم در یک یا دو مورد (آموزگار - کاظمی) کابینه متشکل از تکنوکرات هایی با سابقه طولانی در محدوده های کارشناسی و سوابق پاک از نظر موضوع فساد هستند.

۳- کابینه شامل هیچ کدام از مخالفین سیاسی که زمانی شایع شده بود به آن می پیوندند نیست. اینها شامل افرادی از قبیل محمد درخشش، رئیس اتحادیه معلمین (برای فرهنگ و هنر)، مهندس احمد مصدق، پسر مصدق (برای راه) و حتی سخنگوی مذهبی حقوق بشر ناصر میناچی (برطبق شایعات اخیر) نمی باشند.

۴- وزارتخانه هایی که بدون وزیر می مانند عبارتند از: بازرگانی، فرهنگ، برنامه ریزی و بودجه (اگر از بین نرفته باشد)، راه، نیرو، علوم و آموزش عالی، همچنین وزرای سنتی (تشریفاتی) کشور برای چیزهایی از قبیل امور پارلمانی و امور اجرایی. همچنین وزیری برای اوقاف وجود ندارد، مطابق گزارشاتی که ما داشته ایم این محدوده ممکن است به رهبری مذهبی تسلیم شود.

۵ - اطلاعات بیوگرافی ویژه بیشتری به دست خواهیم آورد.

### **یکی دیگر از مخالفین میانه رو با بختیار مخالفت می کند**

سند شماره (۴۸) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۷ ژانویه ۷۹ - ۱۷ دی ۵۷ از: سفارت آمریکا در تهران به: وزارت امور خارجه آمریکا - واشنگتن دی - سی گزارشگر: لامبراکیس موضوع: یکی دیگر از مخالفین میانه رو با بختیار مخالفت می کند ۱- رهبر اتحادیه معلمین و مخالف سیاسی میانه رو، محمد درخشش، در یک تماس مختصر تلفنی در روز هفتم ژانویه مخالفت کامل خود را با دولت بختیار بیان کرد. او این موضوع را که کاندیدای مقامی (برخلاف گزارشی که سفارت در هفته گذشته از دیگر منابع کسب کرده بود) بوده است، تکذیب کرد. افراد متعدد دیگری از گروهش تقاضای بختیار را قبول نکرده اند.

۲- درخشش گفت اگر کسانی (مانند سمیعی) از احزاب مخالف جزء کاندیداها هستند، از افراد عالیرتبه و سرشناس نیستند. او گفت این مطلب را می دانم که وزیر جدید علوم (ریاحی) یکی از اعضای فعال ساواک می باشد. درخشش سالها قبل برای او که معلمی بیکار بود کاری تهیه کرده بود. دیگر افراد جدید کابینه تا همین اواخر جزء مقامات رسمی و عضو حزب رستاخیز بوده اند و به کار گرفتن آنها یک



جوک است.

۳- وقتی مأمور سیاسی درباره این فکر شاه که می خواهد به تعطیلات برود، پرسید درخشش گفت که وی تحت تأثیر واقع نشده است شاه قبلاً هم به مسافرت و تعطیلات رفته و برگشته است این سفر آخر، سفر دائمی که لازم است نمی باشد.

۴- درخشش گفت که شاه همیشه در تصمیم گیریش عقب است روی کار آوردن دولت بختیار کاری بود که یکسال قبل باید می کرد ولی حالا خیلی دیر است. این مملکت مریض یک علاج و دوی واقعی می خواهد، نه داروها و قرص های گرد سفید (یعنی مسکن - مترجم). او دوباره به مورد موضع گروه خودش تأکید کرد که شاه بایستی برود تا از قدرت خمینی کاسته شود و اجازه داده شود که میانه روهای اصلی روی پای خود بایستند. ۵ - درخشش در سومین اعلامیه هفتگیش دیروز به بختیار حمله کرد. سولیوان

### واسطه سیاسی مایوسانه و تشکیل گروه سیاسی میانه روی دیگر

سند شماره (۴۹) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۷ ژانویه ۱۹۷۹ برابر با ۱۷ دی ۵۷ از: سفارت آمریکا - تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: واسطه سیاسی مایوس گردیده است؛ با این حال گروه سیاسی میانه روی دیگری تشکیل شد خلاصه: واسطه کهنه کار سیاسی به خاطر ناشایستگی مستمر دولت ایران مایوس شده است. او مشاهده می کند که حزب (کمونیست) توده خیلی فعال می شود. تلاشهای فعلی او در جهت تشکیل یک گروه میانه رو در پشت سر علی امینی است که وسیله ای خواهد بود برای حمایت از دولت بختیار تا زمان انتخابات (پایان خلاصه).

۱- مأمور سفارت در ۴ ژانویه با هدایت اسلامی نیا واسطه سیاسی دائمی چندین ساله که مأمور سیاسی با وی برای حدود یک سال در تماس بوده است، ملاقات نمود. او صریحاً از سیر حوادث دلسرد بود. دولت ایران به طور تعجب آوری در مقابله با بحران بی لیاقت بوده است و در نتیجه فعالیت حزب توده گسترده تر می شود. او گفت چند تن از دوستانش از جنوب اشاره کرده اند که سازمان دهندگان قدیمی توده ای در آشوبهای کارگری اخیر درگیر بوده اند. (نظریه: این با آنچه که ما از منابع دیگر شنیده ایم مطابقت دارد). ۲- اسلامی نیا سپس گفت وی تعدادی از دوستان که در مقامهای مختلف هستند را دور هم جمع کرده تا گروهی را در پشت سر علی امینی تشکیل دهند (این گروه از دولت بختیار حمایت خواهد نمود، ولی خودش را برای انتخابات آماده خواهد نمود). او اشخاص زیر را به عنوان اعضای اولیه گروه معرفی کرد:

آقای فضایی: رهبر سابق حزب مردم، عبدالحسین طباطبایی: نماینده سابق مجلس از شیراز، ناصر زهتاب فرد: رئیس اصناف (گروه نظارت بر قیمتها)، منوچهر ساعد وزیری: نماینده سابق مجلس و در حال حاضر یک مقاله نویس روزنامه؛ آقای حکمت یزدی: یک بازرگان؛ آقای تیمور و آقای رزان از اصناف؛

حاج کریم حسینی یک بازاری که از آیت الله خمینی حمایت می نماید؛ و حسن خان بیات رئیس صنف کشاورزان.

گروه فقط منتظر علامت به پیش علی امینی است تا به صورت رسمی سازمان داده شود.

۳- نظریه: گروه مشابه خیلی از گروههایی است که اکنون تشکل پیدا می نمایند و اگر آن واقعا سازمان داده شود، سفارت بعدا گزارش خواهد داد. اغلب این گروههای میانه رو تا این تاریخ یعنی ۷ ژانویه از دولت بختیار حمایت می نمایند.

### سازماندهی روحانیت برای استقرار نظم عمومی

سند شماره (۵۰) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۷ ژانویه ۱۹۷۹ برابر با ۱۸ دی ۵۷ از: سفارت آمریکا در تهران به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی گزارشگر: استمپل شماره سند: ۱۰۳۶۷ تهران موضوع: سازماندهی روحانیت برای استقرار نظم عمومی خلاصه: دکتر ناصر میناچی در صبح روز ۸ ژانویه به مأمور سیاسی گفت که عده ای از منابع او خاطر نشان کرده اند که خروج شاه نزدیک است. در این رابطه روحانیت تهران سازمانی به وجود آورده است تا نظم را طی این دوره انتقالی به سوی یک تشکیلات سیاسی جدید حفظ کند. اعلامیه ای داده شده که خواستار آرامش می باشد. نگرانی در مورد رفتار ارتش هنوز وجود دارد. (پایان خلاصه).

۱- دکتر ناصر میناچی به مأمور سیاسی استمپل در صبح روز ۸ ژانویه اطلاع داد که رهبران روحانی در تهران تشکیل یک گروه که ترجمه آن «سازمان روحانیت» می شود را داده اند. هدف این گروه کمک نمودن به برقراری نظم اجتماعی در چند هفته آینده می باشد.

میناچی گفت که منابع پارلمانی او گفته اند که دولت جدید به مجلس معرفی خواهد شد و در ۹ ژانویه به تصویب خواهد رسید.

سپس به مجلس سنا می رود و در ۱۰ ژانویه به تصویب خواهد رسید.

قویا شایع شده است که شاه بعد از این تصویب نهائی کشور را ترک خواهد کرد. روحانیون قرار است بعد از ظهر جلسه داشته باشند تا برنامه هایی تهیه کنند که ابراز احساسات مردم در جهتی سازنده قرار گیرد «اگر ممکن باشد». ۲- مأمور سفارت قویا از این فکر حمایت نمود و تذکر داد که در صورت خروج شاه از ایران، ارتش خیلی تحریک پذیر خواهد بود و عملکردهای ساعات و روزهای اول آن بحرانی خواهد بود.

میناچی گفت که او بیشتر از این نمی تواند موافقت نماید و کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر تلاش خود را برای سازماندهی تمام آنچه گفته شد برای رسیدن به این هدف خواهد کرد. مأمور سفارت بر امتناع از تحریک و خشونت تأکید نمود که موجب عکس العمل ارتش می شود، مانند آنچه در قزوین و مشهد اتفاق افتاد. میناچی گفت که او مسئله را به خوبی فهمیده است.

۳- به نظر میناچی، روحانیت گروه اصلی بوده اند و سازمان روحانیت چرخهای اصلی حرکت خواهد بود. رهبر آنها، آیت الله

محمد بهشتی است (شناخته شده برای سفارت، یکی از رهبران اصلی جناح

ص: ۳۳۴

خمینی)، روحانیون اصلی به شرح زیرند:

حجت الاسلام رفسنجانی، عبدالکریم موسوی اردبیلی و محمد مفتاح. آنها امیدوار بودند که طرح ۸ ژانویه آنها به اجرا گذاشته شود بعد از آن، آنها آماده تماس با آیه الله منتظری، که انتظار می رفت با آخرین نکات باریک از موضع خمینی در عصر ۹ ژانویه یا ۱۰ ژانویه در تهران باشد، می شدند.

۴- بیانیه آیت الله طالقانی که در تهران انتشار یافت در ۸ ژانویه نیز توسط رهبران روحانی، همچون مثلث قم، متشکل از آیه الله های ارشد امضاء شده بود. این بیانیه از مردم می خواست که آرام باشند و از درگیری با نیروهای امنیتی خودداری کنند و خارجیه را مورد تهدید و حمله قرار ندهند. این اطلاعیه به طور کامل در مطبوعات ایرانی ۸ ژانویه و در مطبوعات خارجی ۹ ژانویه به چاپ خواهد رسید.

میناچی گفت خط اساسی سازمان روحانیت و کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر این است که موقعی که شاه کشور را ترک می کند مردم باید ثابت کنند که نظم و آرامش را رعایت می کنند. میناچی خودش زیاد نگران جمعیت های نامنظم نمی باشد ولی اذعان دارد که ممکن است افرادی در خیابانها شلوغ کرده و ایجاد زحمت کنند و در این صورت رهبران مذهبی امیدوار هستند که با آنها همچون راهپیمایی های تاسوعا و عاشورا (۱۰ و ۱۱ سپتامبر) بدون خشونت برخورد شود. نظریه: سفارت خوشبین نیست (تکرار می کند نیست) که جمعیت را به سادگی بتواند کنترل کند، با این حال مأمور سفارت برای او در تلاشهای آرزوی موفقیت نمود.

۵- میناچی نگرانی خودش را در مورد دخالت نظامی در شرایطی که وضع امنیتی وخیم شود ابراز کرد، ولی گفت که کوششهای مخالفین میانه رو در جهتی است که چنین اتفاقی نیفتد، وقتی که مأمور سفارت به داستان ژنرال جم که به عنوان وزیر جنگ استعفا داده بود اشاره کرد، میناچی برای لحظه ای ناراحت به نظر می آمد، او اطلاعی در مورد این مسئله نداشت ولی گفت که چندین ژنرال دیگر بودند که می توانستند آن شغل را به عهده گیرند و «نخست وزیر تمام آنها را می شناسد.

او به طور مشخصی از ژنرالها، نصراللهی، باتمانقلیچ، رضوانی، اخوی نام برد. میناچی شخصا معتقد بود نصراللهی بهترین انتخاب برای جانشینی جم است، ولی هر کدام از افراد بالا قابل قبول بودند.

۶- نظریه: این روش تشویق کننده است که میناچی و مخالفین میانه رو اهمیت زیادی به مشکلات احتمالی گذرا می دهند.

در حالی که میناچی می گوید که شاه باید تدریجا برای همیشه برود، ولی رهبران مذهبی میانه رو نمی خواهند که روی موضوع اکنون فشار بیاورند. رفتن شاه برای تعطیلات یا برای درمان طبی کافی می باشد. او معتقد بود که گروه بازرگان (نهضت آزادی) نهایتا به مرور که واقعیت جریان پدیدار می شود اوضاع را به همین صورت خواهند یافت. حتی برای لحظه ای، جدای از بازرگان (او هنوز در شیراز است ولی شب ۸ ژانویه به تهران بازمی گردد)، اگر شاه برود، قسمت عظیمی از مخالفتها ظاهرا به یک دوره انتقالی آرام تبدیل خواهد شد. میناچی از این که چه کسی ممکن است برای شورای سلطنت منصوب گردد، اطلاعی نداشت.



۷- ما به تازگی دریافتیم که جلسه بعدی مجلس تا ۱۱ ژانویه به تعویق خواهد افتاد و جلسه سنا هم به ۱۳ ژانویه موکول شده است. چگونه این دیر کرد روی محاسبات و فعالیتهای مخالفین تأثیر خواهد گذاشت. باید منتظر بمانیم، ببینیم چه می شود. سولیوان

**کتاب بیست و هفتم**

**خط میانه (۳)**

ص: ۳۳۵



میانجی پس از دیدار با بختیار، برای ملاقات با خمینی به پاریس می رود

ص: ۳۳۷



سند شماره (۱) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ ۸ ژانویه - ۱۸ دی ۱۳۵۷ از: سفارت آمریکا در تهران به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری گزارشگر: لامبراکیس شماره سند: ۳۴۱ موضوع: میانجی پس از دیدار با بختیار، برای ملاقات با خمینی به پاریس می رود خلاصه: میانجی پس از تبادل نظر با نخست وزیر جدید، بختیار، که نقاط ضعف آشکاری در دولتش مشهود است، با خوش بینی در صدد است که بتواند با دلایل کافی با خمینی صحبت کند. (پایان خلاصه) ۱ - خسرو اقبال بنا به دلایل میهن پرستی و اعتماد به نفس کامل که قبلاً برای مدت کوتاهی سردبیر روزنامه بوده و برای مدت مدیدی وکیل بوده و از موقعیت خوبی در فرانسه برخوردار می باشد، امروز که ۸ ژانویه است، برای ملاقات با خمینی به پاریس پرواز می کند. اقبال امیدوار است که بتواند هرج و مرج هایی که در حال توسعه است را برای خمینی تشریح کند؛ منجمله به دست گرفتن قدرت توسط کمونیست ها در ماههای آینده. او با اصرار خمینی را وادار خواهد کرد که کمتر لجوج و سرسخت باشد و زمانی که شاه ایران را به قصد تعطیلات ترک می کند به ایران بازگردد. پس از یکی دو سال آینده که شورای سلطنت در مصدر کارها قرار گرفت و اقتصاد مملکت ثابت پیدا کرد، وقت کافی هست که بتوان دربار سلطنت دراز مدت در ایران چاره ای اندیشید. او دربار بقیه برنامه های خمینی و عجله در رفراندوم بحث و جدل خواهد کرد.

۲ - او خمینی را نمی شناسد، فقط بر بیطرفی خود تکیه دارد تا بتواند اعتباری کسب کند. (او فکر می کند که سنجابی و یا بازرگان به آنچه که خمینی می تواند برای آنها انجام دهد آنقدر علاقه مندند که نمی توانند با استدلال صحیح این پیرمرد را تحت فشار قرار دهند.) او می گوید که فکر می کند خمینی او را به تنهایی بدون حضور اطرافیان دست چپش (منجمله یزدی) بپذیرد.

۳ - اقبال دیروز بختیار را دید، بختیار به او گفت که:

الف: از همان روز تمام زندانیان (که هویدا نیز جزو آنها می باشد) اجازه ملاقات ندارند و فعالانه تحت بازجویی می باشند. (او چیزی درباره اینکه زندانیان توسط دادگاه نظامی محرمانه بازجویی شده اند نگفت. اما بنا به گفته یک منبع موثق این طور بوده. تهران ۲۴۰) ب: تیمسار طوفانیان استعفا داده و تقاضای ترک کشور را به دلیل بیماری کرده است. بختیار این مسئله را رد کرده است.

ج: بختیار قبلاً به اتفاق تیمسار جم، زمانی که هر دو جوان بودند مسافرتی به وسیله قطار به فرانسه (برای شرکت در جلسه STCYR) کرده اند و از آن تاریخ تا به حال او را ندیده است. به هر حال به خاطر اینکه چیزهای خوبی از مردم درباره او شنیده است، او را به عنوان وزیر جنگ انتخاب کرده است. بختیار به جم اجازه خواهد داد تا فرماندهان شهربانی و ژاندارمری و غیره را انتخاب کرده تا بتواند کنترل قانون و اجرای دستورات را در او متمرکز کند.

بختیار علاقه مند شد، وقتی که اقبال یادآوری کرد که در یکی از سفرهای خارج از کشور (زمانی که

جم رئیس ستاد بود) شاه از او دعوت کرد که به جای خودش تحت عنوان رئیس ستاد کل کار کند. این یک سابقه خوب است. جم در صبح روز ۱۷ ژانویه وارد تهران شد و عصر همان روز به حضور شاه رسید.

بختیار به ارتش و شهربانی دستور داده تا هیچ گونه برخوردی با تظاهرات مسالمت آمیز نداشته باشند.

ولی اگر تظاهرات مسالمت آمیز نبود آنها می توانند از گاز اشک آور، ماشینهای آب پاش و تیرهای هوایی استفاده کنند اما حق ندارند قبل از آنکه از بختیار شخصا اجازه بگیرند به طرف تظاهر کنندگان تیراندازی کنند.

۴ - اقبال پیشنهاد کرد که:

الف: هیچ کدام از مخالفین شاه از او پشتیبانی نمی کنند ولی اگر او کارهای خوبی انجام دهد امکان این هست که از طرف مردم پشتیبانی شود. بختیار گفت که اگر مردم دو ماه و نیم به او مهلت دهند کارهای مهمی خواهد کرد. (نظریه: اقبال قبول داشت که درخواست چنین کاری در این مقطع زمانی مثل دسترسی به کره ماه می باشد). ب: بختیار باید کاری کند که شاه داراییهای خود و خانواده اش را به مردم بازگرداند. بختیار جواب داد که درباره این مسائل با شاه صحبت کرده است.

ج: اکثریت اعضای شورای سلطنت باید از وجهه خوبی در بین مردم برخوردار باشند تا بتوانند کمبود دولت بختیار را تکمیل کنند.

اقبال به بختیار گفت که برای مثال، وزیر جدید آموزش و پرورش ساواکی بوده و در سفارت ایران در آنکارا خدمت می کرده و مسئول دانشجویان آنجا بوده و زمانی که خمینی در سال ۶۴ - ۶۳ به آنجا تبعید شد کار او مراقبت از او بود. بختیار گفت این مسئله را نمی دانسته و درباره این مسئله تحقیق خواهد کرد. (و همچنین درخشش را در رابطه با آن وزیر می توان نام برد که درخشش می گوید او یکی از اعضای فعال ساواک بوده). د: بختیار باید سرود ملی ایران را از سرود پیروزی قبلی رژیم پهلوی به یک سرود جنگی و ملی، شبیه سرود ملی فرانسه تغییر دهد.

ح: بختیار باید از انسانهای خوبی برای سخنرانی، نوشتن و حضور در رادیو و تلویزیون کمک بگیرد.

(او سپهر - که یک دیپلمات بوده - و کیوانی - که سردبیر قبلی اطلاعات بوده - را پیشنهاد کرد). ط: بختیار باید به خاطر کم کردن فشارهایی که به او می آید با شوروی تماس برقرار کند. بختیار معتقد است که شاه مناسبات را با شوروی بی خود خراب کرده است. می توان مناسبات را با شوروی داشت.

(نظریه: این تنها توصیه خطرناکی بود که اقبال به بختیار کرده بود). ۵ - مدتی که اقبال آنجا همراه رئیس ساواک مقدم، مقامات رده بالای پلیس، و افراد دیگر بود، شاه برای شکایت از رویه مطبوعات، به خصوص از مندرجات مخالف کیهان و اطلاعات که به تازگی تجدید مخالفت کرده اند تلفنی با تیمسار مقدم صحبت کرد. مقدم مجبور بود اقرار کند که برنامه ای که برای توسعه کنترل دولتی وسایل ارتباط جمعی که چند ماه قبل توسط دولت شریف امامی تهیه و تصویب شده بود هرگز اجرا نشده است.

۶- بالاخره، حضور قره باغی برای کمک به ارتش توسط ژاندارمری که تا صبح روز ۱۶ ژانویه زیر حملات افراد مسلح کرد در شهر بانه در کردستان بودند، الزامی بود.

ص: ۳۴۰

۷- نظریه: کار نخست وزیر جدید، یک مسئله ساده نیست. بنا به اظهار یکی دیگر از میانجیها، بختیار در صبح روز ۷ ژانویه با دکتر حجازی برای مدافعه و پشتیبانی از طرف رهبران مذهبی کشور تلفنی تماس گرفت. به هر حال در حال حاضر ما سه گزارش مختلف از بدنامی و خصوصیات فردی افراد منتخب بختیار برای کابینه، داریم. اقبال و درخشش بر اینکه وزیر آموزش و پرورش ساواکی بوده، متفق القول هستند. خواهرزاده اقبال (که جداگانه کار می کند) در عصر روز ۷ دسامبر به مشاور سیاسی سفارت گفته که دو نفر دیگر از وزرای بختیار گذشته درخشانی ندارند، یکی از آنها عباسقلی بختیار (وزیر صنایع و معادن) است و دیگری جواد خادم (وزیر مسکن و شهرسازی)، کسی که برای مدتی در استخدام او بوده است. با چنین اتهاماتی که قبلاً توسط افراد دیگر بازگو شد (مثل اقبال و خواهرزاده اش) که می خواهند از بختیار پشتیبانی کنند، دیگر حتی نمی توان تصور کرد که جناح مخالف به زودی چه نوع ضربه هایی به او خواهند زد.

۸- مطالب بالا قبل از اینکه ما از اعلام مخالفت جم در پیوستن به کابینه بختیار مطلع شویم تایپ شده است. سولیوان

### ارتشبد جم پیشنهاد قبول وزارت در دولت بختیار را رد می کند

سند شماره (۲) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۸ ژانویه ۷۹ - ۱۸/۵۷/۱۰ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

گزارشگر: لامبراکیس موضوع: ارتشبد جم پیشنهاد قبول وزارت در دولت بختیار را رد می کند ۱ - اقبال - میانجیگر - در تماسی با مشاور سیاسی سفارت موضوع انصراف ارتشبد جم را برای قبول کار در دولت بختیار و بازگشت او به لندن را به محض اینکه جایی در هواپیما برای رفتن پیدا کند تأیید کرد.

۲ - جم تا نیمه شب در حضور شاه بود و شاه نگرانی خود را از ترک کشور و اینکه امکان دارد افسران ارتش در غیابش کارهایی انجام دهند اظهار داشت. جم مسئله کابینه بختیار را نومیدانه دانسته و گفته که برخلاف خواستهای خمینی نمی تواند عمل کند. او به اقبال گفته است که اگر خمینی از او بخواهد که وزیر دفاع شود قبول خواهد کرد.

۳ - برای این مطلب مهم اقبال سفری برای دیدن خمینی در نظر گرفته است. او امید کمی دارد که از ایده و استراتژی خمینی چیزی به دست آورد که شاید مفید به حال جم باشد.

۴ - تفسیر: تلگراف قبلی گزارش می دهد که استراتژی بازرگان (نهضت آزادی) این است که چند روزی فقط با دولت بختیار کار کند که ببینند آیا او می تواند شاه را مجبور به ترک کشور کند یا نه. اگر شاه کشور را ترک کند، نقشه این است که خمینی با پیروزی برگردد. ما متوجه شده ایم که خمینی بیانه های مسالمت آمیز درباره ارتش از پاریس می فرستد. تمام این پیشنهادات حاکی از این است که او آماده مراجعه به ایران می شود (البته اگر شاه کشور را ترک کند) تا این ترک کردن را دائمی کند. اگر شاه تا آخرین لحظه تصمیم بگیرد که نرود درگیری ادامه خواهد داشت و اولین قدم، سرنگونی بختیار خواهد بود.





سند شماره (۳) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۹ ژانویه ۷۹ - ۱۹/۵۷/۱۰ به: وزیر امور خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری گزارشگر: اسکودرو شماره سند: ۴۳۰ موضوع: وضع قزوین ۱- خلاصه: کارشناس سفارت در ۸ ژانویه به همراه یکی از اعضای فعال جبهه ملی، شمس الدین صدر به قزوین در فاصله دو ساعته تهران رفت. کارشناس سفارت در مجلس عزاداری مسجد محل و راهپیمایی عظیم و آرامی شرکت کرد و دیدگاه دست اولی نسبت به نتایج شلوغیهای جدی که در قزوین در دو هفته گذشته صورت گرفته است، به دست آورد. وضع آن قدر که کارخانه شایعه سازی تهران توصیف می کند، بد نمی باشد ولی با تأیید ۱۸۶ نفر کشته و تعداد غیر مشخصی زخمی و مقدار زیادی مغازه و خانه و یک هتل که غارت و سوخته شده اند، اوضاع به اندازه کافی بد است. تنفر عمیقی که کارشناس سفارت در مشهد حس کرد، آنقدر در قزوین قوی نمی باشد ولی مردم هیچ حمایتی برای شاه و بختیار و یا هرکس دیگر غیر از خمینی ابراز نمی کردند. (پایان خلاصه) ۲-

در سفر کارشناس سفارت در ۸ ژانویه با مبارز جبهه ملی، شمس الدین صدر، برادر او دکتر احمد صدر حاج سید جوادی (اعضای یک خانواده قدیمی و قدرتمند قزوین) و یک عضو عادی جبهه ملی دکتر خاوری (نام اول نامعلوم) از قزوین بازدید کردند. هدف به دست آوردن اطلاعاتی در مورد شرایطی بود که به دنبال آن خشونت شدیدی روی داده بود که تجار شایعه تهران آن را شبیه به وحشیگری در مشهد کرده بودند. در موقع ورود، کارشناس سفارت مستقیماً به دیدن مسجد ۵۰۰ ساله صفوی برای شنیدن سخنان یک سری آخوند و ملا و یک مجتهد که جمعیت چندین هزار نفری داخل مسجد و حیاط را برای راهپیمایی روز بزرگداشت عزاداری خمینی تحریک و آماده می کردند، رفت. جالبترین سخنرانی که کارشناس تا به حال شنیده بود آن بود که توسط احمد صدر حاج سید جوادی که یکی از ماهرترین سخنرانان فارسی زبان هست اجرا شد. وقتی که صدر، نه با اسم و رسم، صرفاً به عنوان یک خبرنگار از تهران معرفی شد، از او با فریادهای ساواکی، ساواکی، استقبال شد ولی بعد از چند دقیقه جمعیت مال او بود. او آنها را از طرفی به طرف دیگر می برد تا وقتی که او صحنه ای را توصیف می کرد که رئیس پلیس نجف آباد (نزدیک اصفهان) با کلت خود به هوا شلیک کرد تا جمعیتی را که می خواستند به کسانی که در درگیریهای محلی زخمی شده بودند خون بدهند پراکنده کند. نصف جمعیت به وضوح گریه می کردند... با وجود وضع حساس، جمعیت دستورات مجتهدی را که شیشه شکستن و سوزاندن و سنگ پرانی و آزار سربازان را در طی راهپیمایی منع می کرد، محترم شمردند.

۳- راهپیمایی مستقیماً خارج از مسجد و به داخل خیابانها در جایی که راهپیمایان دیگر به آنها ملحق می شدند کشانده شد. کارشناس سفارت آمریکا به محل محرمانه ای راهنمایی شد، یعنی پشت ردیف روحانیون، ملاها، پرچم ها، شعارها و عکسهای خمینی و شهدای قزوین که راهپیمایی را رهبری می کرد.

با چنین ادای احترامی و چنین تعداد زیادی از راهپیمایان احساساتی، رد کردن شرکت در راهپیمایی

می توانست خیلی زنده باشد و کارشناس سفارت برای چند خیابان رل تظاهرکننده ای که شعار نمی داد را قبول کرد تا موقعیت مناسبی پیش آید و از صف خارج شود. مانند راهپیماییهای عاشورا و تاسوعا در تهران، راهپیمایی قزوین هم بسیار منظم بود. حدود ۱۵ هزار نفر (خبرنگار بی. بی. سی. دیوید لین که حضور داشت حدود ۵۰ هزار نفر تخمین می زد ولی این مسخره است) در هنگهای ۵۰۰ نفری تنظیم شده بودند و سرود می خواندند. اینها توسط افرادی که شعارها را حمل می کردند و فواصل ثابتی را از گروه جلویی حفظ می کردند، از هم جدا می شدند. راهپیمایی همچنین حدود ۳۰۰ نفر زن چادری به همراه داشت. (تفسیر: وجود این همه زن نشانه عمق احساسات ضدشاهی در قزوین است، جایی که زنان به ندرت خانه های خودشان را برای هر منظوری ترک می کنند.) مأموران انتظامات جوان، با دستبندهای قرمز، نظم راهپیمایی را حفظ می کردند و مانع می شدند که جمعیت زیاد به نقاط حساس نزدیک شود؛ مانند پادگان ارتشی که توسط زنجیر مردم حفاظت می شد. راهپیمایی ظاهراً آرام بود. کارشناس سفارت هیچ خشونتی را ندید، صدای تیر و یا شایعه زدو خوردی در رابطه با راهپیمایی نشنید.

۴- راهپیمایان قبلی اینقدر خوش شانس نبودند. در ۲۷ دسامبر حدود ۵۰۰ نفر که از ایستگاه ژاندارمری می گذشتند توسط یک ژاندارم به نام زنجانی به آنها تیراندازی شد، سه نفر کشته شدند، و ۶ نفر به دام آن ژاندارم افتادند (مشخص نیست چطور) و سه نفرشان فوراً کشته شده بودند، یکی زخمی شد و بعد مرد، یکی به پایش تیر خورد و جوانان دیگر فرار کردند و خبر را پخش کردند. در ۲۸ دسامبر مردم به خیابانها ریختند و ۹۶ نفر دیگر کشته شدند.

۵- در شب اول و دوم ژانویه، ملاها در یکی از بیمارستانهای محلی به خاطر خانواده های کشته شدگانی که از دادن جسد های کشته شدگان شان جهت تدفین جلوگیری شد، اعتصاب نشسته کردند. تا صبح جمعیت زیادی بین ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر (به گفته دکترهای بیمارستان) برای حمایت جمع شده بودند.

در ضمن ارتش با نیروی ۷۰۰ نفری از زنجان تقویت شده بود. سربازان حمله کردند و جمعیت را متفرق کردند و در خشونت های بعدی در دوم و سوم ژانویه که طی آن ارتش به وضوح از کنترل خارج شده بود، حداقل ۸۳ نفر دیگر کشته شده بودند. سربازها به یک گروه از راهپیمایان که از بازار خارج می شدند تیراندازی کردند و آن طور که گزارش کرده اند ۳۲ نفر کشته شدند. (نظریه: کارشناس سفارت محل سوراخ شده تیر را در دیوارها و درها مشاهده کرد که از ارتفاع زانو تا بالای سر متفاوت بود. بازار مانند هر جای دیگری از شهر برای عزاداری تعطیل بود، لذا غیر ممکن بود که داستان این جریان را تأیید کنیم، ولی روشن بود که تیراندازی بر علیه جمعیت، در آن محوطه بسته، تلفات زیادی خواهد داشت.) ۶- ارتش، مغازه های زیادی را غارت کرد و سپس آتش زد. کارشناس سفارت از مغازه ای که گاوصندوق آن مانند قوطی ساردین باز شده بود، دیدن کرد. بزرگترین و جدیدترین هتل قزوین، پاساژ هتل، که ۴۵ اتاق و ۴۸ مغازه داشت کاملاً غارت شده بود، که این به ضرر صاحب طرفدار خمینی آن، علی زاهدی تمام شده بود که ۳۵ میلیون تومان (۵ میلیون دلار) ضرر داشت. می گویند ارتش همچنین تانکها را به داخل چندین داروخانه برد، داروها را غارت کرد و بعد آنها را آتش زد. چندین دکتر هم از تهران و شهرهای دیگر برای کمک به زخمیان آمدند. دکترهای محلی دیگری اعلام کردند که زخمیها را مجانی درمان خواهند کرد و خانه های دو نفر از این دکترها مورد حمله سربازها قرار گرفت و آتش زده شد.

کارشناس سفارت، خانه یکی از اینها، دکتر (نام اول نامعلوم) دفتری را بازدید کرد. آیت الله خمینی خواسته

ص: ۳۴۳

است که شهرهای دیگر، غذا و کمک به قزوین بفرستند ولی گزارش می کنند که ارتش سه کامیون از این چنین وسایلی را توقیف کرده است. گفته می شود که بیشتر از ۷۰۰ اتومبیل آتش زده شده اند، گفته های تأیید نشده زیادی هستند که ارتش خیلی از کشته ها و زخمیها را به محل حمل کرده و بعضی از اینها را در یک گور دسته جمعی زنده زنده، در محلی خارج از قزوین به نام آب گیلکی دفن کرده است.

۷- اظهار نظر: جو قزوین عصبی بود ولی به هیچ وجه قابل مقایسه با انتقام جویی شدیدی که بر مشهد در سفر اخیر و بعد از دیدار کارشناس سفارت حاکم بود، نمی باشد. کارخانه شایعات مانند معمول وقایع قزوین را بزرگ کرده. مثلاً با وجودی که دو کودک توسط تانکهای ارتش مجروح شده بودند، درست نیست (با تأکید) که راهپیمایان در قزوین زیر تانکها له شده اند و یا اینکه از تانکها برای خرد کردن خانه های مخالفین فعال استفاده شده است. تأثیر در گیرها این بوده که قزوینیهای مخالف را بیشتر متحد کرده و در برابر هر کاری که شاه بکند می ایستند. کارشناس سفارت قادر نبود کسی را در شهر پیدا کند که نسبت به شاه یا بختیار دید خوبی داشته باشد. نظر کلیه مردم شاید بهتر از همه توسط هتلدار قبلی، زاهدی، توصیف می شود که می گفت: مردم از هر کسی که خمینی به عنوان نخست وزیر انتخاب کند حمایت خواهند کرد و نه از هیچ کس دیگر. خیلی از قزوینیها به چنین غارتهایی توسط ارتش در مشهد و نجف آباد اشاره می کنند و در روش محترمانه ایرانی اشاره می کند که آن اعمال ارتش به عنوان قسمتهایی از توطئه عظیمتر ارتش، هماهنگ شده بود. وزارتخانه باید توجه داشته باشد در حالی که پرونده های بیمارستانها تعداد کشته ها را تأیید می کند منابع بقیه اطلاعات بالا بیطرف نیستند. در قزوین هیچ کس بیطرف نیست ولیکن آنقدر افراد مختلف، همین داستان را تکرار کرده اند که کارشناس سفارت تا حد زیادی از وقایع مطمئن است. کارشناس با ارتش تماس نگرفت. داستان آنها این است که فقط ۱۲ نفر در زدوخوردهایی که توسط حمله مردم شهر به سربازان صورت گرفت، کشته شده اند. دکترها اصرار دارند که هیچ سربازی در قزوین از سوم دسامبر کشته نشده است. در این موقع یکی با کارد زخمی شده بود ولی پس از عمل جراحی خوب شد.

۸- نظریه: سازماندهی و ماهیت صلح آمیز راهپیمایی خیلی شگفت انگیز بود. مخصوصاً با در نظر گرفتن وقایع اخیر، در حالی که در تهران استنباط می شود که رهبران اسلامی و دیگر رهبران مخالفین ممکن است دیگر کنترل کامل بعضی از عناصر جمعیتها را نداشته باشند. این به روشنی در مورد قزوین صدق نمی کند. سولیوان

### **نظرات بختیار در مورد فروشهای نظامی و رابطه امنیتی**

سند شماره (۴) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۹ ژانویه ۱۹ دی ۵۷ به: وزیر امور خارجه - واشنگتن موضوع: نظرات بختیار در مورد فروشهای نظامی و رابطه امنیتی ۱- دو گزارشگر به طور محرمانه نظرات بختیار نخست وزیر برگزیده که به وسیله او و دفترش به آنها داده شده است را به ما گفتند.

۲- طبق گفته اولین گزارشگر، بختیار اعلام خواهد نمود که وی در نظر دارد (از نظر در دسترس بودن

وجوه) مطالب زیرین را بررسی نماید:

مجموع ۱۲ میلیارد دلار خریدهای نظامی از ایالات متحده که هم اکنون در راه است.

مجموع ۱۰ میلیارد دلار از انگلیس که اکنون در راه است.

۲۰۰ هواپیما از ایالات متحده.

هواپیماهای رادار پرواز کننده و شش کشتی از آلمان غربی.

۳- در همین رده ولی با ویژگی کمتر، بختیار به گزارشگر دیگر گفته است که او فروشهای نظامی خارجی را از نظر (الف) پول موجود و (ب) احتیاجات نظامی، مورد بررسی قرار می دهد. در این جریان بختیار گفت او به قراردادهایی که هم اکنون امضاء شده احترام خواهد گذارد مگر اینکه کاملاً با منافع ایران مغایر باشند. او گفت که از وزیر دارایی خواسته است لیست آنچه را که ایران می تواند از عهده برآید تهیه نماید. بختیار توضیح داد که کارگران خارجی که حقوقهای زیاد می گیرند و کاری انجام نمی دهند باید بروند.

۴- سرانجام او گفت ایران هرگز دوباره ژاندارم خلیج فارس نخواهد بود، ولی خریدهای نقدی و انتقالی از ایالات متحده اگر که آمریکا موافقت نمود همچنان امکان پذیر خواهد بود.

### **بختیار نخست وزیر در مسیر موقعیت سیاسی جاری**

سند شماره (۵) سری از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۹ ژانویه ۷۹ - ۱۹ دی ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: بختیار نخست وزیر در مسیر موقعیت سیاسی جاری خلاصه: بختیار دولتش را در ۱۱ ژانویه به مجلس و ۱۳ ژانویه به سنا معرفی خواهد نمود. شاه احتمالاً تا رأی اعتماد برای ترک ایران صبر خواهد نمود. او انتظار دارد تا ۳۰ نماینده بر علیه دولت صحبت کنند.

طبق گفته بختیار هنوز تلاشهایی به عمل می آید که ژنرال جم به دولت پیوندد. بختیار شورای سلطنت را در بعد از ظهر ۹ ژانویه با شاه مورد بحث قرار می دهد. اصفهان شهر بعدی خواهد بود که حکومت نظامی در آن لغو خواهد شد. (پایان خلاصه) ۱- نخست وزیر، مأمور سیاسی - استمپل - را برای یک ملاقات کوتاه در ۹ ژانویه پذیرفت و گفت که وی دولتش را در ۱۱ ژانویه به مجلس معرفی خواهد نمود. برای سرعت بخشیدن به جریان تأیید، نخست وزیر دولت جدید و برنامه را در صبح ۱۳ ژانویه به سنا معرفی خواهد نمود و سپس برای مذاکره به مجلس باز خواهد گشت. او گفت تعدادی از نمایندگان (شاید ۳۰ نفر) می خواهند بر علیه دولت صحبت کنند:

«اکنون تمام آنها می خواهند نشان دهند که چقدر میهن پرست هستند.» در جواب به سؤال، او رأی اعتماد نهایی را در نزدیک پایان هفته آینده (ایرانی) ۱۶ یا ۱۷ ژانویه، انتظار دارد (اما از دیگر منابع فهمیده ایم که نخست وزیر با ضربات سنگینتری از آنچه انتظارش می رفت مواجه شده است). ۲- بختیار گفت شاه احتمالاً تا رأی اعتماد برای ترک ایران صبر خواهد نمود ولی

پس از آن خیلی سریع پیش خواهد رفت. (بعضی محافل عقیده دارند که شاه ممکن است پس از اینکه دولت به هر دو مجلس معرفی شد حرکت کند. در حال حاضر وضعیت خیلی متحرک به نظر می رسد.)

ص: ۳۴۵

۳- نخست وزیر گفت هنوز تلاشهایی به عمل می آید که ژنرال جم به کابینه پیوندد و فشار (برای پیوستن او) وارد می شود. بختیار می گوید با وجود این اگر لازم باشد او یک کاندید دیگر آماده دارد. او ترجیح داد که از او در این زمان نام نبرد. (سفیر کبیر گفت برداشت خودش این است که جم قطعاً حذف شده است). ۴- بختیار ترکیب شورای سلطنت را در بعد از ظهر ژانویه با شاه مورد بحث قرار می دهد. بختیار گفت علاوه بر اعضای قانونی (نخست وزیر، رؤسای دو مجلس و رئیس دیوانعالی) او نامهایی از قبیل عبدالله انتظام (رئیس شرکت نفت)، غلامحسین صدیقی (نخست وزیر نامزد شده قبلی)، و شاید کریم سنجابی (رهبر جبهه ملی که قبل از اینکه از او خواسته شود از آن امتناع ورزیده است) را پیشنهاد خواهد نمود؛ مقام چهارم برای شاه خواهد بود که منصوب نماید. حالت بختیار اشاره بر این داشت که او انتظار دارد یک معامله بر سر ترکیب شورا صورت گیرد.

۵- برقراری مجدد نظم اجتماعی، بیشتر وقت نخست وزیر را می گیرد. او گفت امروز اطمینان بیشتری نسبت به وفاداری ارتش حس می کند و گفت حس می کند که قادر است به طور خیلی رضایتبخش با رئیس جدید ستاد، ژنرال قره باغی کار کند. تصمیم لغو کردن حکومت نظامی شیراز به نظر می رسد که موفق بوده باشد. اگر تمام کارها خوب پیش برود، اصفهان شهر بعدی خواهد بود که حکومت نظامی از آن برداشته می شود؛ احتمالاً اوایل هفته آینده.

۶- نخست وزیر در سلامت و روحیه عالی به نظر می رسد. رئیس دفتر کابینه او به مأمور سیاسی (با قدری تعجب) گفت نخست وزیر روزانه تا ۸ یا ۹ بعدازظهر بدون نشان دادن هر گونه اثری کار می کرده است.

### ابتکار ناتانسون و دیگر پیشرفتها

سند شماره (۶) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۹ ژانویه ۷۹ - ۱۹ دی ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

موضوع: ابتکار ناتانسون و دیگر پیشرفتها ۱- مقام رسمی سفارت، پرت، در ۲۸ دسامبر با جورج ناتانسون و همکارش گریگوری لیما ملاقات کرد. لیما یک روزنامه نگار عمومی است که قبلاً برای کیهان بین المللی مقاله می نوشته. او صاحب یک شرکت روابط عمومی است (آودوریس) و ادعا می کند که ارباب رجوع های مشخصی دارد. او نزد کارکنان رسمی روزنامه کیهان به خاطر مقالاتش اشتهار خوبی دارد.

۲- گرچه ناتانسون کار گروهش را تلاشی برای ابقای شاه معرفی کرد، اما لیما گفت که شاه نمی تواند بماند. همچنان که بسیاری دیگر می گویند، او گفت که افراد میانه رو که از خمینی متنفر بوده و می ترسند، جرأت نمی کنند مادامی که شاه در ایران است از خمینی جدا شوند. اگر شاه به طور غیر رسمی مملکت را ترک کند، می توان راه حلی پیدا کرد. شاید هم سرانجام او را به مملکت برگرداند، هرچند که حتی این سناریو نیز خالی از خطر نیست. لیما ادامه داد که با گروههای میانه رو طرفدار غرب که می خواهند افراد مارکسیست و مارکسیست اسلامی دور از قدرت بمانند در تماس می باشد. مأمور رسمی سفارت موافقت کرد که با او در تماس باشد.



۳- آقای ناتانسون در دوم ژانویه به سفارت آمد و گفت حالا او نیز پی برده است که شاه نمی تواند باقی بماند. مهمترین چیز نجات ایرانی است که طرفدار غرب باشد و افراتیون را از قدرت دور نگه دارد. او هنوز می خواهد که یک برنامه توسعه ضربتی، ترجیحا به صورت یک شرکت غیر انتفاعی و نیز یک شرکت انتفاعی تأسیس کند. او می گوید که برنامه ای برای ملاقات با معاون کل دربار، تیمسار فردوست ترتیب داده و سعی دارد که زاهدی را هم ببیند.

ناتانسون درباره گروه میانه روی که با لیما در تماس هستند صحبت کرد. او جلال عبده را نام برده ولی از دادن دیگر اسامی خودداری کرد. او اضافه کرد که گریگوری لیما به عنوان نوعی مدیر مطبوعاتی برای بختیار - نخست وزیر - کاندید شده است. لیما فهرستی از سؤالات به اضافه جوابهای احتمالی آنها برای کنفرانس ۳ ژانویه بختیار حاضر کرده بود.

۴- ناتانسون مشتاق است که پروژه های توسعه خود را ادامه داده و پرسید که چطور می تواند برای تجدید فعالیت دو شرکت قبلی یکی مرکز تجارتي آمریکای لا-تین (غیر انتفاعی) و دیگر شرکت ترخیص کالای پان امریکن (انتفاعی) اجازه بگیرد. مأمور سفارت گفت که سفارت به هیچ وجه نمی خواهد حتی به طور غیر مستقیم در این مورد دخالت کند. ناتانسون موافقت کرد (تفسیر: او همیشه موافقت می کند ولیکن دوباره برای هماهنگی بیشتر باز می گردد) و گفت که امکان دارد مستقیما با دولت آمریکا در واشنگتن اقدام کند. مأمور سیاسی سفارت هیچ گونه توصیه ای در مورد قانونی بودن شرکتهای سابق ناتانسون به عمل نیاورد، ولی موافقت کرد اگر وی مایل باشد مشورتی در مورد افتتاح یک شرکت صرفا خصوصی داشته باشد و او را در تماس با بخش اقتصادی قرار دهد. او بعد از اینکه برنامه اش را با دولت ایران ترتیب داد با سفارت تماس خواهد گرفت.

۵ - نظریه: اگر چه ناتانسون قدری غیر عادی است ولی احمق نیست. او یک بلوف زن نمی باشد و اگر که یک قرارداد مناسب از طرف ایرانیان دریافت کند بدون شک سعی خواهد کرد که با برنامه های سریع العمل و به وسیله پروژه های توسعه ای کار را پیش ببرد. عقایدش به هیچ وجه مضحک نیست و اینکه که قبول کرده شاه رفتنی است، این فکرش به نظر منطقی تر می آید. اینکه بتواند علاقه ایرانیان را جلب کند موضوع دیگری می باشد؛ اما او در زمینه پروژه های بزرگ توسعه در گذشته دست داشته است. در عین حالی که او فوراً بیانیه سفارت را پذیرفت که دولت آمریکا در این زمینه دخالتی نخواهد کرد ولی به روشنی نوعی دخالت را ترجیح می دهد و سعی خواهد کرد که در صورت راه افتادن پروژه اش این دخالت را به دست آورد.

### **ظهور یک گروه سیاسی میانه رو دیگر به رهبری عدنان مزارعی**

سند شماره (۷) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۹ ژانویه ۷۹ - ۱۹ دی ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. گزارشگر: پرت موضوع: ظهور یک گروه سیاسی میانه رو دیگر به رهبری عدنان مزارعی ۱- دکتر عدنان مزارعی استاد اقتصاد دانشگاه تهران و کارمند سابق سفارت در بخش اقتصادی بنا به تقاضای خود در دوم ژانویه با مأمور سیاسی ما - پرت - ملاقات کرد. مزارعی در این ملاقات خواستار

حمایت اخلاقی آمریکا از گروه سیاسی خود، (راما) (رسالت انسانی ملت ایران) شد. این گروه مبتنی بر ایدئولوژی نوع دوستی است که قادر است ایران را از فشار قدرت مارکسیستها و اسلامیه‌های افراطی نجات دهد.

۲- مزارعی در این ملاقات مدت زیادی در مورد ایدئولوژی و گروهش صحبت کرد. او گفت مکتب او ترکیبی از جنبه‌های خوب کاپیتالیسم و سوسیالیسم است. او مدتی است که در این مورد مطالبی انتشار داده و صحبت کرده و در سال ۱۹۶۵ او سعی کرد حزب مشابهی تشکیل دهد به نام «رستاخیز انسانی ملت ایران» که اینک به جای کلمه منفور «رستاخیز» کلمه رسالت را قرار داده است. مزارعی گفت که با درخشش تماس گرفته و قرار شده که هر کدام که موفقیت کسب کردند دیگری را کمک کند. مزارعی ادعا کرد که گروه وی ۱۵۰ نفر عضو مشهور که اغلب وکیل و دانشمند هستند، دارد و در حدود هزار نفر هوادار دارد که در تهران و شهرستانها شعبه‌هایی ایجاد کرده است. مزارعی درصدد تشکیل جلسات هفتگی و انتشار روزنامه است. آرزوی او این است که روزی رهبر بزرگترین گروه سیاسی ایران شود.

۳- در مورد وضع فعلی سیاسی، مزارعی دیدگاه بسیاری دیگر را که با ما در تماس هستند منعکس کرده و می‌گوید: خمینی امروز در قدرت کامل می‌باشد و این به دلیل خشم و کینه‌ای است که مردم نسبت به شاه دارند. اما اگر شاه ایران را ترک کرده بود فوراً گروه‌هایی ظاهر می‌شد و گروه‌هایی مانند راما، جبهه ملی و سایر گروه‌ها جدا و مستقل از خمینی اعلام موجودیت می‌کردند؛ لکن در حال حاضر جرأت چنین کاری را ندارند زیرا هرکسی که با خمینی مخالفت کند به نظر می‌رسد که از شاه حمایت می‌کند و احساسات عموم بر علیه وی برانگیخته خواهد شد. بنابراین او اصرار می‌کند که وادار کردن شاه به ترک کشور حتی اگر تحت شرایطی که منجر به بازگشت مجدد او شود، در این مرحله امری اجباری است. تا زمانی که شاه باقی بماند هیچ راه حلی وجود ندارد. مزارعی عجله‌ای برای انتخابات فعلاً ندارد زیرا در این صورت پیروزی از آن بنیادگرایان مذهبی خواهد بود.

۴- به مزارعی تفهیم شد که در عین حال که ما علاقه مند به مذاکره و مباحثه در مورد این موضوعات با سیاسیون فعال هستیم نمی‌توانیم (به مفهوم سابق) از هیچ کدام آنها حمایت کنیم. البته او از ما انتظار حمایت مالی ندارد بلکه فقط خواستار تقویت معنوی می‌باشد. او امیدوار است که برای تبادل اطلاعات با ما به طور مرتب تماس داشته باشد. موافقت کردیم که دوباره با وی ملاقات کرده و در جریان تلاشهای سیاسی او باشیم.

۵- نظریه: مزارعی آدم خوش صحبت و هوشیاری است. پرونده‌های بیوگرافی با استخدام او در سفارت (سال ۵۹ - ۵۸) بر خودبینی و غرور او تأکید دارند. لکن در این ملاقات او خود را خوب نشان داد.

ما هیچ نوع تأیید جدا و مستقلی از قدرت و نفوذ سیاسی او نداریم، اما هر گروه میانه رو و متمایل به غربی که به مبارزه علیه «ملاها» برخیزد طرفی خواهد بود که البته پیشرفت آن را با علاقه دنبال خواهیم کرد.

سولیوان

**گروه مخالف میانه روی دیگری با ما تماس می‌گیرد**



سند شماره (۸) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ: ۹ ژانویه ۷۹ - ۱۹ دی ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. گزارشگر: لامبراکیس موضوع: گروه مخالف میانه روی دیگری با ما تماس می گیرد ۱- چهارم ژانویه آقای رحیم صفاری به درخواست خودش با مشاور سیاسی ملاقات کرد. صفاری یک مخالف قدیمی رژیم شاه است که سنش حدود ۶۰ سال می باشد. او کتابهای زیادی نوشته است. وی می گوید که کتابها و جزوات بیشتری خواهد نوشت. او یکی از اعضای معتدل میانه روی مخالفین می باشد.

مشاور سیاسی او را در یک جشن مشروبخواری سفارت کشور سومی چند ماه پیش دیده بود.

۲- صفاری توضیح داد که رئیس حزب اتحاد برای آزادی که بنی احمد نماینده مجلس دبیر کل آن است، می باشد. او معتقد بود که این نتیجه اشتباه تاکتیکی بنی احمد بود که روز اول برای شرکت در دولت شریف امامی اعلام آمادگی کرد و در نتیجه بعد تحت فشار مخالفین مجبور شد موضعش را تغییر دهد.

پیروان او که از این عدم تیزیابی او ناراحت شده اند سراغ صفاری آمدند و از او خواستند که رهبر اولشان باشد. او خودش را به عنوان دوست مصدق معرفی کرد؛ حتی بیشتر از بعضی از رهبران جبهه ملی که حالا از اسم مصدق برای پیشبرد اهداف خود استفاده می کنند.

۳- صفاری روشن ساخت که او حمایت از دولت بختیار را رد کرده و یک کپی از جزوه انگلیسی که از فارسی ترجمه شده بود به ما داد که برنامه ای را پیشنهاد می کند. خیلی شبیه به برنامه های گروههای دیگر میانه روی، اولین نکته آن استعفای شاه و تأسیس شورایی از افراد تحصیل کرده و معتمد مردم است. هر دو مجلس باید منحل شود و امکانات سریع انتخاب آزاد فراهم گردد؛ پایان حکومت نظامی، انحلال ساواک و... صفاری گفت می خواهد با ما در تماس باشد.

۴- نظریه: ما نمونه بالا را به عنوان نمونه دیگری از گروههای میانه روی و متفرق که امیدوارند فرصتی بیابند تا آینده شان را اگر حوادث اجازه بدهد بازسازی کنند، تلقی می کنیم.

سولیوان

### حرکت گروه استادان جهت بازگشایی دانشگاه

سند شماره (۹) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ: ۱۰ ژانویه ۷۹ - ۲۰ دی ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

موضوع: حرکت گروه استادان جهت بازگشایی دانشگاه خلاصه: گروه استادان سعی می کنند برای ۱۳ ژانویه دانشگاه را باز کنند. آنها سعی دارند از دولت قول عدم مداخله بگیرند. گروه آموزش (تعلیم و تربیت) در مورد محاکمات مربوط به فساد کاملاً تندرو است و معتقد است که دولت بختیار اگر بخواهد پابرجا بماند باید اقدام قاطع به عمل آورد.

۱- مأمور سیاسی در ۶ ژانویه با استاد علی محمدی، استاد مدیریت در دانشگاه (احتمالاً فرح) در تهران صحبت کرد. محمدی

در رتبه اداری بالاتر از دکتر ناصر پاکدامن و گروه همراه او که ۷۰ تا ۱۰۰ نفر متحصن در دانشگاه تهران هستند، می باشند. محمدی در حدود چهل و چند سال دارد (۴۲ یا ۴۳) محمدی درجه دکترای خود را از دانشگاه کلمبیا دریافت کرد. مدتی با رادیو و تلویزیون ملی ایران همکاری داشت

ص: ۳۴۹

و از چند سال قبل به تدریس روی آورد.

۲- محمدی گفت که در ۹ و ۱۰ ژانویه ملاقاتهایی بین گروه پاکدامن، مدیران دانشگاه و مقامات دولتی خواهد بود. منظور از ملاقات تعیین مقرراتی است برای بازگشایی دانشگاه که اگر همه چیز به خوبی پیش برود ۱۳ ژانویه دانشگاه باز خواهد شد. محمدی صریحاً گفت که گروه دانشگاه دولت بختیار را قبول ندارند ولی فکر می کنند که این موقعیتی است تا دانشگاهها را باز کنند و دانشجویها برگردند و بتوان توجه آنها را به یک جهت سازنده جلب کرد. اهداف اولیه گروه همبستگی دانشگاه این است که نوعی خودمختاری برقرار سازد تا تعیین رؤسای دانشکده ها و مقامات عالیتر به دانشگاه را مستقلاً به عهده گیرد.

محمدی گفت استادان دانشگاه احتمالاً اصرار و پافشاری در مورد قوانین انتخاب رئیس دانشگاه و یا معاون او نخواهند داشت (تکرار می شود نخواهند داشت) ولی به طور قطع آنچه را که می خواهند این است که اقتداری بیش از آنچه که دولت ایران تاکنون (به استادان) داده است، بدهد. (مطبوعات ۱۰ ژانویه نوشته اند که بعضی از شوراهای دانشکده ها خواسته اند که تا یک هفته دانشگاهها باز شوند). ۳- مهمترین نکته در نظر محمدی مسئله فساد است. او گفت استادان دانشگاه نیروی عمده ای هستند که برای محاکمه عمومی «لیست پانزده نفری» چهره های سرشناس فشار وارد می آورند. نظر شخصی او این است که امیدوار است که تعقیب قضایی حتی در چنین محاکمات عمومی دنبال شود. ولی فکر می کند که در طی دو هفته عده ای از مردم روی تیرهای برق اعدام خواهند شد.

۴- محمدی در مورد دولت بختیار گفت که گروه همبستگی در دانشگاه فکر می کنند که اگر نخست وزیر بنابر خواسته اکثریت مردم عمل کند نتیجه بدی عاید نمی شود. گروه همبستگی در دانشگاه، دولت بختیار را پلی به طرف انتخابات آزاد می دانند. به نظر محمدی مشکل در این است که اعضای بی هویت کابینه آنقدر دانش اداری و بوروکراتیک ندارند که بتوانند وزارتخانه های خود را به صورتی فعال و مؤثر درآورند. معمولاً وزیاری که می آیند، می توانند یک کادری (هیئتی) از دوستان و آشنایان خود تشکیل دهند تا در روزهای اول از آنها حمایت کنند. بزرگترین مشکلی که بختیار و یا هر دولت دیگری با آن روبه رو خواهد بود این است که با از میان برداشتن تمام آنهایی که در دستگاه دولت تجربه ای دارند، خود را به سطح کارآیی بسیار پایینی نزول می دهند؛ آن هم درست زمانی که کشور احتیاج به عمل و کار دارد. او گفت بهترین مثال این جریان، وزیر جدید آموزش و پرورش، محمد ریاحی هیچ سابقه مدیریت ندارد و حتی در میان شاگردانش و یا استادان دانشگاهی که درس می داد، مورد احترام نیست. محمدی که ریاحی را می شناسد، می گوید که او تا اندازه ای امین و متکبر و (خودبین) است ولی چندان کارآمد نیست (تکرار می شود کارآمد نیست).

۵- نظریه: جالب است که گروه پاکدامن، آن طور که به نظر می رسد بیشتر علاقه مندند که وضع دانشگاه را جور کنند تا اینکه در مسائل سیاسی درگیر شوند. در حالتی متفکرانه محمدی گفت که ایران احتیاج به گروههای بیشتری دارد که علاقه مند به فعالیت در همان تخصصهای خود باشند؛ چون اگر قرار باشد دموکراسی مدت زیادی دوام بیاورد، چگونگی رفتار صاحب منصبان ایرانی باید تغییر یابد. سفارت با این موضوع موافق است همان طور که با سایر نظرات او در مورد افراد ناآزموده دولت و مشکلات ناشی از آن موافق است. سولیوان



سند شماره (۱۰) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ: ۱۰ ژانویه ۷۹ - ۲۰ دی ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

گزارشگر: لامبراکیس موضوع: ترس رهبران مذهبی از رفتن شاه ۱- سفارت گزارشاتی مبنی بر نگرانی عمیق رهبران میانه رو مذهبی از وضعی که بعد از رفتن شاه به وجود می آید از منابع مختلف تهیه کرده است. البته دلایل ذکر شده شاید منطقی نباشند. انگیزه های عمل مورد بحث کاملاً روشن نیستند. ظاهراً چنین وحشتی هست اما ممکن است که نفوذ این رهبران میانه رو با حکومت نظامی و یا با پیروزی کمونیستها و سایر جناحهای چپ خنثی شود.

۲- یکی از منابع مذکور از وساطت منصور اقبال، تاجر جوان تحصیل کرده آمریکا که از فرزندان خانواده اقبال می باشد، گزارش می دهد، که در هفته های اخیر وساطتی بین دکتر حجازی سخنگوی مذهبیهای میانه رو و ملکه انجام داده است. او در حدود یک هفته پیش به رایزن امور سیاسی گفت که مذهبی های میانه رو خواسته های خود را در چهارچوب قانون اساسی با حفظ شاه اعلام کردند. چند روز پیش وی در مورد تماسی که با زاهدی گرفته گفت که متأسف است از اینکه زاهدی و دربار او را دست انداخته بودند. وی یادآور شد که درصدد بود که ملاقاتی بین زاهدی و شریعتمداری یا حجازی ترتیب بدهد که در آخرین لحظات زاهدی آن را به تعویق انداخت. (به نظر می رسد که اقبال از برکناری زاهدی توسط شاه خبر ندارد). ۳- اقبال بر این مسئله که، رهبران میانه رو از موقعیتی که خمینی برایشان به وجود آورده است سخت عصبانی هستند تأکید کرده و گفت که البته راه چاره ای نمی بینند. وی گفت که به آنها فشار آورده است که نزدیکی بیشتری با آمریکا بکنند چون در هر صورت بدون حمایت یکی از دو ابرقدرت جهان نمی شود، امیدوار بود.

۴- چند روز پیش معاون سنا، آبتین، در تماسی که با رایزن امور سیاسی سفارت گرفت، گفت که آیت الله میلانی (که از نفوذ زیادی در مشهد برخوردار است و حداقل دوبار در داخل کشور تبعید بوده) از وخامت اوضاع نگران بوده و اظهار امیدواری کرده که شاه کشور را ترک نکند. آبتین گفت که میلانی درصدد بوده که با سفارت تماس بگیرد (و ما سعی می کنیم که این کار با شیوه ای ایرانی صورت بگیرد). همچنین آبتین گفت که ملاهای کمونیست اطراف خانه های شریعتمداری و دو آیت الله دیگر قم را گرفته بودند و برای مردم دیدن آنها خیلی مشکل شده بود.

۵- نظریه: این دو گزارش با دیگر مکالمات و گزارشاتی که دریافت کرده ایم مطابقت داشت. نکته قابل توجهی که در آنها بود این است که به نظر می رسد که رهبران میانه رو اکنون به اندازه کافی از ابراز کردن نگرانیهای خود هراس دارند. در حین اینکه نقطه نظرهای خود را مبتنی بر ابقای شاه در چهارچوب قانون اساسی ارائه می دهند، به عنوان تاکتیک یا به دلایل دیگر چنین وانمود می کنند که در خط خمینی هستند و این جدایی تا حدی هر دولتی را مایوس می کند آنها از شاه و دولت او از اینکه چندان توجهی به آنان نشده انتقاد می کنند. البته شاید در آغاز کار آنها محق بودند ولی بعدها این انتقاد به خود آنها وارد است که شهادت انتخاب روش جدایی را نداشتند.



۶- البته یکی از دلایل بی میلی مخالفت رهبران مذکور با خمینی، شاید وحشت آنها از افکار عمومی است زیرا آنها از دولت باج می گرفتند و سالها زیر سایه دولت هویدا امرار معاش کرده بودند. به عبارت دیگر ملاحیبهی هستند که احتمالاً قبلاً صادقانه با خمینی کار می کردند و امروز با دولت سازش کرده و باج می گیرند. بنابراین افشاگری به دو طریق می شود صورت گیرد. خراب کردن تمام رهبران مذهبی در اذهان عمومی که این عامل مهمی است که در پیش بینی هایمان در مورد ایران باید مد نظر داشته باشیم. کمونیستها و دیگر جناحهای چپ ممکن است که این سلاح را خیلی مفید یافته و در برخوردهای داخلی استفاده نمایند که امکان پیروزی در این زمینه هست. آنها یا در صدد این خواهند بود که رهبران مذهبی را بی اعتبار نموده و یا از آنها باج بگیرند و تهدید به سکوت کنند. با این همه تعدادی از همکاران نزدیک خمینی در پاریس گرایشات چپی دارند و از آنجایی که این لکه ها به خمینی نمی چسبد آنها اهرمهای خود را با افشای این مطالب در معرض مخاطره قرار نخواهند داد.

سولیوان

## وزیر دفاع جدید

سند شماره (۱۱) سری از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ: ۱۰ ژانویه ۷۹ - ۲۰ دی ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

موضوع: وزیر دفاع جدید خلاصه: نهضت آزادی ایران اشاره کرده است که سرتیپ خلیل بخشی آذر که هم اکنون رئیس رکن ۵ ارتش (طرحها) است، یک جانشین رضایتبخش برای ژنرال جم به عنوان وزیر دفاع خواهد بود. نهضت آزادی معتقد است که بختیار تأیید پارلمان را به دست نخواهد آورد مگر اینکه ژنرال ارشدی که مورد قبول آن باشد انتخاب شود. جنبش اسلامی در پی رفراندوم در مورد سلطنت خواهد بود. نهضت آزادی مشکلاتی با چپها دارد. (پایان خلاصه) ۱- امیرانتظام، عضو کمیته مرکزی نهضت آزادی در صبح ۱۰ ژانویه از مأمور سیاسی - استمپل - درخواست یک ملاقات فوری نمود. منظور از ملاقات این بود که تذکر دهد که نهضت آزادی موافقت نموده که نام ژنرال خلیل بخشی آذر را برای جایگزینی با ژنرال جم به عنوان وزیر دفاع در کابینه بختیار ارائه کند. انتظام گفت نامزدی با بختیار در صبح ۱۰ ژانویه بحث شده و انتظار می رود که بختیار موافقت نماید. انتظام گفت تحقیق نهضت آزادی در مورد پارلمان نشان می دهد که بختیار امیدی برای به دست آوردن تأیید پارلمان بدون یک ژنرال ارشد مهم به عنوان وزیر دفاع ندارد. بخشی آذر مورد قبول نهضت آزادی و جبهه ملی است که هر دو در این دم به بختیار کمک می کنند که کابینه اش را جمع و جور کند.

۲- انتظام می خواست که ایالات متحده بدانند بخشی آذر از نظر آن (آمریکا) کاندید خوبی است و انتظام فکر می کرد از نظر بعضی دیگر نیز چنین است. انتظام از ایالات متحده درخواست نمود که ارتش را متقاعد سازد که بخشی آذر را قبول نماید؛ به ویژه از این نظر که ژنرال خسرو داد در اظهارات روز ۷ ژانویه خود که در صبح ۱۰ ژانویه در مطبوعات تهران گزارش شد گفته بود که: این غیر ممکن است که شاه کشور را ترک نماید؛ ما بختیار یا هر عضوی از جبهه ملی که زمام دولت را به دست گیرد تأیید نمی کنیم، چون که ما شاه را



می خواهیم. مأمور سفارت سیاست حمایت از راه حل قانون اساسی را تکرار کرد و گفت او ابتکار انتظام را به سفیر کبیر گزارش می کند که البته او هر تصمیم نهایی که مناسب به نظرش آید خواهد گرفت.

۳- انتظام گفت لیست اسامی تأیید شده به وسیله خمینی برای شورای سلطنت (احتمالاً شورای انقلاب) احتمالاً در ۲۴ ساعت آینده در دسترس خواهد بود. در جواب به سؤال مأمور سیاسی درباره جواب نهضت اسلامی به شورای سلطنتی که شاه انتخاب کرده، چیست؟ انتظام گفت نیروهای خمینی قطعاً تصمیم گرفته اند که ساکت باقی بمانند و به بختیار اجازه دهند که کار را انجام دهد. انتظام فکر می کرد که بختیار در عرض یک ماه تقاضای یک رفراندوم در مورد سلطنت خواهد نمود که مشکل را قطعاً حل خواهد نمود. او تقریباً به عنوان یک فکر بعدی اضافه نمود که جنبش اسلامی از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل خواهد خواست که بر جریان رفراندوم نظارت کند. در پاسخ به سؤال، انتظام گفت این تصمیم برای این گرفته شده که به دنیا نشان داده شود که انتخابات آزاد است. البته طرفداران سلطنت آزاد خواهند بود که در کنار مخالفان مبارزه کنند.

۴- در یک ملاقات جداگانه، توسلی از نهضت آزادی مشکل قابل توجهی در تلاش برای تدبیر راه حلی برای توافق موضوع نفت (همان منبع، یک هفته پیش این موضوع را تکذیب کرد) با چپها داشته است و نام خمینی تنها راهی بود که بازرگان موفق گردید. به این دلیل نهضت آزادی فکر می کند خمینی شخصیت اصلی در مطمئن ساختن ثبات هر دو راه حل نهایی و انتقالی می باشد.

۵- توضیح سفارت: ژنرال بخشی آذر خیلی خوب و به طور مطلوبی از نظر سفارت شناخته شده است.

او به عنوان یکی از باهوش ترین ژنرالها دانسته می شود ولی متأسفانه به خاطر این موضوع خیلی از همکاران وی می خواهند که او را کمی بیشتر محدود نمایند. به عنوان وزیر دفاع احتمالاً او با فشارهایی در ارتباطاتش با همکاران ارشد، خصوصاً فرماندهان خدماتی رو به رو خواهد شد.

## ملاقات با آیت الله شریعتمداری

سند شماره (۱۲) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۱۰ ژانویه ۱۹۷۹ برابر با ۲۰ دی ۵۷ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. - فوری گزارشگر: پرت واسکودرو موضوع: ملاقات با آیت الله شریعتمداری ۱- آنچه در زیر می آید خلاصه ای از نکات چشمگیر ملاقات ۱۰ ژانویه با آیت الله شریعتمداری در قم می باشد. گزارش کامل در تلگرافی جداگانه فرستاده خواهد شد.

۲- دو نفر از کارمندان سفارت به نام های پرت و اسکودرو، همراه با ناصر میناچی، رهبر جبهه ملی در تاریخ ۱۰ ژانویه در قم با حاج سید محمد کاظم شریعتمداری، مهمترین رهبر اسلامی موجود در ایران، به طور خصوصی ملاقات کردند. کارمند سفارت بر رفتاری آرام و غیر تحریک آمیز اصرار و تأکید داشت تا از افزایش عصبانیت از جانب ارتش، زمانی که شاه ایران را ترک می کند، جلوگیری کند.

سپس کارمند سفارت خاطر نشان ساخت که آمریکا از هر گونه نفوذی که برایش مقدور باشد استفاده خواهد کرد تا ارتش را

نیز تشویق و وادار کند که به طرز منطقی و مسئولانه برخورد و رفتار نماید.

۳- شریعتمداری فوری با بیانات کارمند سفارت در مورد تهدید و حملات ارتش موافقت کرد. او

ص: ۳۵۳

نگرانی و درک عمیق خود را در این مورد که ارتش خروج شاه را نمی پذیرد نشان داد. با ذکر و توجه به شایعاتی در این مورد که آنها با شاه توطئه چیده اند تا آشوبهایی ایجاد کرده و باعث سقوط دولت ملی شوند و در نتیجه بازگشت شاه را به قدرت ممکن بسازند، او مکرراً پیشنهاد می کرد که آمریکا هرچه را در توان دارد به کار گیرد تا از این امر جلوگیری کند. به هر حال با ذکر این که چپها و سایر عناصر توطئه گر ممکن است از دستوراتش اطاعت نکنند. او موافقت کرد که اعلامیه ای در روز ۱۱ ژانویه صادر کند. با ذکر توصیه هایی که در آن به طرفدارانش امر می کند که از هر نوع آشوب و یا هر گونه اعمال تحریک آمیز نسبت به ارتش در طی مدت خروج و نبودن شاه خودداری نمایند. این اعلامیه و دستورات، با مهر وی و همچنین مهر آیت الله های دیگر گلپایگانی و مرعشی صادر خواهد شد.

۴- آیت الله در رابطه با روابط آینده مابین ایران و آمریکا خیلی مهربان و خوشبین بود. او قدردانی خود را از کمکهای آمریکا در گذشته اظهار داشت و متذکر شد که ایران همان اندازه محتاج به فروش نفت است که آمریکا محتاج به خریدن آن. او خاطر نشان ساخت برای محفوظ بودن در مقابل شوروی به کمک آمریکا احتیاج دارد. انتقادات فعلی از آمریکا از این عقیده غلط که آمریکا در امور داخلی ایران دخالت می کند سرچشمه می گیرد. این مشکل می تواند به طور کامل رفع شود و روابط خوب ایران و آمریکا بر پایه یک احترام متقابل می تواند دوباره برقرار شود.

۵- شریعتمداری اظهار داشت که او نه دولت بختیار را تأیید کرده و نه تکذیب. ابهاماتی چند در برنامه بختیار در رابطه با معنی سوسیالیسم در عبارت «سوسیال دموکراسی» و همچنین در نظارت دولت بختیار نسبت به عملیات حزب توده در ایران (که آیت الله با آن مخالفت خواهد کرد) وجود دارند. ضروری است که این ابهامات کاملاً رفع شوند. همچنین نخست وزیر باید کاملاً و اکیداً هماهنگ با قانون اساسی عمل کند.

۶- نظریه: شریعتمداری آشکارا از دیدن شخصی از جانب دولت آمریکا خوشحال بود. موضعش کاملاً منطقی و مساعد (موافق برای همکاری) بود. به هر حال، مشکوک به نظر می رسد که او مایل باشد موضعی خیلی بعید و پرت در مقابل موضع خمینی اتخاذ نماید و باید منتظر شد و دید در عمل موضع مساعد و همکاری جویانه شریعتمداری تا چه اندازه در رفتار سیاستمدارانی که به طور سنت نزاع طلبند، هنگامی که شاه ایران را ترک کرد و قدرت به دست آنها افتاد، تجلی پیدا می کند.

سولیوان

### **بختیار کابینه اش را معرفی می کند؛ شفقت وزیر دفاع است**

سند شماره (۱۳) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۱ ژانویه ۱۹۷۹ برابر با ۲۱ دی ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: بختیار کابینه اش را معرفی می کند؛ شفقت وزیر دفاع است خلاصه: بختیار نخست وزیر کابینه اش را در صبح روز ۱۰ ژانویه به مجلس معرفی نمود. جعفر شفقت جانشین اسبق رئیس ستاد و اخیراً فرماندار آذربایجان شرقی به عنوان وزیر دفاع نامیده شد. مشکل بختیار مشابه اشارات قبلی بود. مجلس در ۱۴ ژانویه برای شروع بحث تشکیل جلسه خواهد داد. معرفی به سنا در ۱۳ ژانویه صورت می گیرد. رأی احتمالاً ۱۶ یا ۱۷ ژانویه داده خواهد شد. (پایان خلاصه)

۱- شاهپور بختیار کابینه اش را در صبح ۱۱ ژانویه به پارلمان معرفی نمود و به طور خلاصه رئوس مطالب برنامه دولتش را ارائه داد.

اعضای کابینه همانهایی بودند که در مرجع الف آمده بود. بجز جایگزینی ژنرال جم به وسیله ژنرال جعفر شفقت برای وزارت دفاع. شفقت فرماندار آذربایجان شرقی کمی پس از آشوبهای تبریز در فوریه ۱۹۷۸ بوده است. (به مرجع الف برای اطلاعات بیوگرافی مراجعه کنید). ۲- جایگزینی برای جم بزرگترین سؤال در دولت بختیار بود و شفقت به طوری که گزارش شده کاندیدای نظامیان فعال بود. اگر چه تماس با مخالفین اصلی برای نظریه دور از دسترس است ولی فهمیده شده که دیگران کاندیداهای مرجح بوده اند. عقیده سفارت بر این است که شفقت یک تندرو در استقرار نظم اجتماعی می باشد. بنابراین نامزدی او در بعضی قسمتها می تواند به عنوان تأیید شایعاتی تلقی شود که بختیار تحت کنترل شاه و ارتش است. به هر صورت کنسول تبریز گزارش می کند که شفقت خیلی مورد احترام است و در خیابانهای تبریز بدون همراهان مسلح خیلی زیاد قدم می زند. این ممکن است بدین خاطر باشد که او یک تبریزی است که زبان محلی را صحبت می کند. ما از قضاوت در حال حاضر باید خودداری کنیم.

۳- بختیار به طور خلاصه رئوس مطالب برنامه اش که مشابه آن چیزی بود که قبلاً گزارش شده بود ارائه داد: مفسدین به سرعتی که ممکن است محاکمه خواهند شد، و دادگاههای ویژه مورد استفاده قرار خواهند گرفت. اگر که قوه قضائیه نتواند به سرعت اقدام کند. ساواک از بین خواهد رفت و یک واحد اطلاعاتی خیلی کوچک در دفتر نخست وزیری برقرار خواهد شد. امنیت کشور در مقابل تهدید خرابکاری برقرار خواهد شد، ولی روابط خوب با تمام کشورها برقرار خواهد شد. روابط بهتری با اعراب پیگیری خواهد شد. تمام زندانیان سیاسی آزاد خواهند شد ولی نه جانان. وزارت علوم و آموزش عالی منحل خواهد شد و دفتر ارتباط کوچکی در دفتر نخست وزیر برقرار خواهد شد که با رؤسای دانشگاهها که خودمختاری واقعی خواهند داشت کار کند. رهبران مذهبی مورد احترام خواهند بود و در تمام تصمیمات مهم با آنها مشاوره خواهد شد.

۴- بختیار در بخش آخر تقریباً احساساتی سخنانش از ملت درخواست نمود که به دولتش وقتی معقولانه برای پیشرفت بدهند. او گفت برای ۲۵ سال از دور سیاست خارج بوده است و دستگیر شده و در زندان بوده است و بنابراین می داند مردم چه می خواهند. او آماده است که آن را به مردم بدهد ولی کمی زمان لازم دارد.

۵- مجلس برای شروع بحث روز یکشنبه ۱۴ ژانویه تشکیل جلسه خواهد داد؛ خیلی از نمایندگان در نوبت قرار می گیرند و پایان هفته را در مجلس خواهند خوابید که جای خودشان را در لیست برای صحبت کردن حفظ کنند. به هر حال ما شنیده ایم که این احساس در میان قانونگذاران رشد پیدا می کند که پس از صحبت ۱۰ نماینده از هر طرف تقاضای کفایت مذاکرات بنمایند. این می تواند رأی اعتماد را تا عصر ۱۴ ژانویه موجب شود. سنا همزمان پس از معرفی کابینه در روز ۱۳ ژانویه بحث را شروع می نماید ولی نمی تواند تا زمانی که رأی دهد رأی بدهد. رأی موافق در سنا، مقدم از نتیجه قرار گرفته است.

۶- اظهار نظر: انتخاب شفقت به این معنی است که کابینه احتمالاً تأیید می شود؛ ولی وضعیت خیابانها احتمالاً نیروی تازه ای می گیرد مگر اینکه بختیار حداقل موافقت ضمنی جبهه ملی و نهضت آزادی را برای



انتصاب شفقت به دست آورده باشد. مخالفین اگر که باور کنند انتصاب شفقت برای جلوگیری از کودتا لازم است ممکن است مایل باشند که ساکت بمانند.

## پیش نویس گزارش حقوق بشر

سند شماره (۱۴) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۱ ژانویه ۱۹۷۹ برابر با ۲۱ دی ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: پیش نویس گزارش حقوق بشر ۱- با در نظر گرفتن وضعیت شدیداً بحرانی در ایران، سفارت از نویسندگان پیش نویس گزارش برای بررسی مسائل پیچیده با روشی مؤثر قدردانی می کند. ما فقط دو تغییر در مورد زبان برای پیشنهاد داریم، ولی تعدادی مشاهدات (رعایتها) که یا ممکن است اگر که برخی احتمالات به وقوع بپیوندد در گزارش جای داده شود و یا به عنوان سابقه برای ارائه نظرات و یا گواهی دادن مورد استفاده قرار گیرد.

۲- تغییرات پیشنهادی در زبان: در پاراگراف ۶، آخرین جمله کلمه (سخت = STRICT) را خارج کنید.

کنترل‌های حکومت نظامی در مورد فعالیت سیاسی در تئوری خیلی محکم بودند ولی در عمل کاملاً سست.

در حقیقت رژیم حکومت نظامی به خودی خود آنقدر ملایم بوده است به طوری که علیرغم اتهامات مخالفین برخلاف این موضوع و بعضی استثنای قابل ذکر از این قابلیت انعطاف در مشهد و قزوین در طول دو هفته گذشته، تقریباً به اسمش خیانت می کند. در پاراگراف ۷(۱)، دستگیری اختیاری، جمله آخر بایستی به طوری که خواننده می شود تجدید نظر گردد:

علاوه بر این در طول اعتصاب تأسیسات نفتی که در پاییز ۱۹۷۸، روی داد، دولت ایران اعلام نمود که کارگران اعتصابی که از بازگشت سرکار امتناع بورزند متهم به خرابکاری و در یک محکمه ویژه محاکمه خواهند شد. این کار در حقیقت هرگز انجام نگرفت. اعلامیه دولت ایران به نظر می آید که جنگ روانی بوده است و با اجرای موافقتنامه بازرگان در اوایل ژانویه ۱۹۷۰ تمام احزاب به توافق می رسند که هیچ محاکمه ای تحت اعلامیه قبلی وجود نخواهد داشت.

۳- البته گزارش، وارد از هم پاشیدگی اساس اجتماعی که در سه یا چهار ماه گذشته در ایران روی داده است نمی شود و نباید هم بشود. با این حال، از هم پاشیدگی و تجزیه در اجرای عدالت و برخی موارد اتفاقی غیر قابل اجتناب در اداره قضایی سیستمی که قبلاً زیر فشار سخت قرار داشت، اثر حل مسئله قدرت بوده است. تا حد زیادی به خاطر تلاشهای وزیر دادگستری اخیر، نجفی، وضعیت به سختی تحت کنترل درآمده است. وزیر دادگستری جدید بختیار، یحیی صادق وزیری که نیز یک قاضی محترم است، مشکلاتی غیر قابل اجتناب در سازماندهی به کارش در وضعیتی نیمه انقلابی خواهد داشت - اگر که به مدت کافی در مقامش دوام بیاورد که تلاش نماید این کار را انجام دهد.

۴- مطالب بالا- توسط این حقیقت که مبارزه بر علیه فساد، بزرگترین موضوع منفرد سیاسی است که کشور آن را در مقابل دارد، پیچیده می شود و اولین مشکلی خواهد بود که بختیار، نخست وزیر اظهار داشته است که وقتی رأی اعتماد گرفت با آن که درگیر خواهد شد. حالت کشور طبق گفته بعضی وکلای مهم و معلمین قانون (قانونی) می تواند دولت ایران را وادار به محاکمه نمائشی نمایندگان سیاسی رژیم سابق برای





فساد و دیگر اتهامات بنماید. تعدادی از ایرانیان که از اثر سیاست حقوق بشر ایالات متحده انتقاد می نمودند خیلی دقیق مراقب خواهند بود که ببینند آیا دولت ایالات متحده در دفاع از حقوق طرفداران سیستم سیاسی قبلی همان قدر قوی هست که قبلاً در دفاع از مخالفین بوده است.

۵ - خوشبختانه قدم های سطح پائینی که دولت ایالات متحده تاکنون در جهت مسائل حقوق بشر در ایران برداشته است، توجه خودش را به ابراز نگرانیهای خصوصی معطوف خواهد نمود. آیا این در بخشهایی که ممکن است در اجتناب ورزیدن یا حداقل خنثی سازی افراط کاریها سودمند باشد لازم خواهد شد برعکس، چون که گروههای خصوصی قبلاً در حمایت از حقوق شخصیتهای مخالف صدایشان بلند بوده است، برای ما سودمند خواهد بود اگر که آنها علاقه شان را به طی مراحل قانون ایران بدون توجه به اینکه مدافعان چه کسانی ممکن است باشند حفظ نماید. با در نظر گرفتن حساسیت دولت و مخالفین نسبت به این گروهها، این همچنین می تواند فشار سازنده ای را بر علیه افراط گرایی قانون به کار گیرد. در این ارتباط می توان اشاره نمود که کمیته دفاع از حقوق و آزادی بشر اکنون موافقت نموده است که با وزارت دادگستری در برقراری حقوق کامل قضایی برای مردم همکاری نماید.

سند شماره (۱۵) خیلی محرمانه از: گریگوری پرت، مأمور سیاسی تاریخ: ۱۱ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۱ دی ۵۷ یادداشت برای بایگانی من در ۱۱ ژانویه با سیاوش دهش ملاقات کردم: یک بازرگان جوان ثروتمند که از ایالات متحده برای کمک به رژیم بازگشته است (محل اقامت اصلی او دالاس است). او می خواست که از سیاست ما در رابطه با عزیمت شاه مطلع شود و از اینکه فهمید ما می خواهیم منتظر بمانیم و اجازه دهیم که آن (عزیمت شاه) روی دهد ناراحت بود. او گفت ارتش بدون شاه متلاشی خواهد شد و از طرف دیگر نیروهای چپ از خمینی به عنوان یک وسیله استتار برای به دست گرفتن قدرت استفاده خواهند کرد. او تقاضاهای افزایش یابنده از طرف مخالفین را متذکر شد و پیش بینی نمود که پس از عزیمت شاه چپ به دولت برای آزاد گذاشتن او در رفتن (شاه) بدون محاکمه حمله خواهد نمود. بنابراین گروه خمینی بختیار را پایین خواهد کشید. دهش تمایل شدیدی به ضربت زدن به مخالفین مثل ۱۹۵۳ داشت و علیرغم مخالفت من اصرار می ورزید که این کار هنوز نمی تواند انجام شود: فقط اشاره کنید و ما می توانیم در عرض ۴۸ ساعت تمام این میمونها را جمع آوری کنیم او استدلال می کرد که ارتش هنوز دست نخورده در حالی که در ۱۹۵۳ خیلی از هم پاشیده بود. او و دو ستانش هنوز امیدوار بودند که از رفتن شاه ممانعت به عمل آورند و یا در هر حالتی بازگشت شاه به قدرت را حتمی کنند او به طور خاص از شاه تحسین نمی کند ولی معتقد است کشور بدون او نمی تواند با ثبات باقی بماند. دهش نمایانگر طبقه ای است که خوشبختیش را زیر سایه پهلوی ها به دست آورد. آنها افرادی هستند که ما انتظار داریم از شاه دفاع کنند ولی در حقیقت هیچ کاری به جز آماده شدن برای مهاجرت انجام ندادند. بنابراین من از اینکه دهش اینجا در تلاش بود تحت تأثیر قرار گرفتم، اگرچه گروه او دیگر در موقعیتی نیست که نظم را برقرار نماید، که دیر یا زود از جانب دیگر نیروها خواهد آمد (برقراری نظم). نگرانی او از مخاطره به دستگیری قدرت به وسیله چپها بی اساس

نیست ولی آن خطری است که به خاطر نقصان آینده نگری رژیم و خام دستی مخالفین ایران باید هم اکنون با آن رو به رو شد.

### حامیان شاه منتظر موقعیت برای تغییر موضع هستند

سند شماره (۱۶) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ: ۱۱ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۱ دی ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: حامیان شاه منتظر موقعیت برای تغییر موضع هستند ۱- مشاور سیاسی سفارت با آقای علی شاپوریان و دکتر انوشیروان افراسیابی در تاریخ ۱۱ ژانویه ملاقات کردند. شاپوریان چند سال قبل به عنوان مشاور مطبوعاتی سفارت در واشنگتن خدمت کرده و بعد هم در لندن کار می کرده و چندی پیش هم معاون وزیر مطبوعاتی بوده است و تا ۳ ماه قبل هم به عنوان رابط عمومی شاهدخت اشرف فعالیت می کرده است. او در حال حاضر مدیر انتشاراتی مرز نو - یک قسمت انتشاراتی که به وسیله گروه انتشارات فرانکلین اداره می شود - می باشد. افراسیابی یک پزشک است که در تهران و انگلیس دوره دیده است و گرداننده یک زایشگاه در مرکز شهر تهران است و تا ۵ سال قبل به عنوان سرهنگ در ارتش خدمت می کرد و عضو حزب مردم علم بوده و تا برکناری هویدا برای روزنامه رستاخیز و بعد از آن برای اطلاعات و کیهان مقاله نوشته است. این اشخاص معلوم است که مخالف نیستند.

۲- بعد از گفتگو و توضیح اینکه آمریکا موقعیت کنونی را چطور می بیند، شاپوریان گفت بیشتر ایرانیان ساکت هستند و از شاه حمایت می کنند و از اینکه شاه بخواهد ایران را ترک کند نگران هستند. در صحبت از حس بی مسئولیتی روزنامه ها در کشور، او گفت که موافقت تیمسار ازهراری را در چند هفته گذشته برای انتشار یک روزنامه که «تنها واقعیات را گزارش دهد» و هر از چند گاهی حتی به دولت ازهراری هم حمله کند جلب کرده است و دولت احتیاج به سرمایه داشته و بدین دلیل تحقق نیافته است.

۳- بعد افراسیابی عقیده خود را ابراز داشت و گفت دو چیز بایستی فوراً انجام پذیرد: اول اینکه شاه باقی بماند و ریاست ارتشی را که با شدت عمل در عرض ۴۸ ساعت کنترل اوضاع را به دست می گیرد عهده دار شود، که این کار را می توان با نظامیان شخصی نما که کارهای مربوط به دولت را در دست می گیرند، انجام داد. این کار کلاً با خونریزی صورت خواهد گرفت ولی ارزش انتخاب و بررسی را دارد.

۴- به نظر افراسیابی راه دوم این بود که دولت آمریکا شاه را تمام شده تلقی کند و یک دولت ائتلافی متشکل از ارتش، جبهه ملی و شخصیت‌های مذهبی و بقیه اشخاص بجز کمونیستها روی کار آورد که این دولت بتواند روی کار بوده و از تسلط کمونیستها جلوگیری کند. او احساس کرد که زمان برای این کار هم خیلی دیر شده. دولت آمریکا بدون فوت وقت بایستی وارد عمل شود زیرا چشم پوشی از این کار به کمونیستها شهادت و جرأت خواهد داد و راه حل مطلوب نخواهد بود.

۵- مشاور سیاسی تفسیر افراسیابی را در مورد وضع بحرانی مملکت قبول کرد و گفت که تجزیه و تحلیل افراسیابی و راه حل او خوب است ولی باید به خاطر داشت که کشور آمریکا کشوری است خارج از ایران و در امور داخلی ایران دخالت نمی کند. ما از دولت مشروطه که توسط شاه برگزیده شده بود حمایت



کردیم و از مشروطه حمایت خواهیم کرد و از هر تصمیمی که شاه انتخاب و در آینده بگیرد پشتیبانی خواهیم کرد.

۶- تفسیر: این نمونه دیگری بود از تجزیه و تحلیل افراد وفادار به شاه که خود را با اوضاع روز وفق داده اند (باد از هر طرف بوزد به همان طرف می روند). آنها عموماً با این طرز تفکر ما که افرادی نظیر آنها بایستی تشکیلات وسیعتری با طرحهای مؤثری در میان طبقه میانه رو و برای آگاهی آنها که در کشاکش بحران سیاسی هستند و برای تحریک آنها ارائه دهند، موافقت کردند. معهداً آنها راه طولانی در پیش دارند.

### اولین ملاقات با کریم سنجابی، رهبر جبهه ملی

سند شماره (۱۷) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ: ۱۴ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۴ دی ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: اولین ملاقات با کریم سنجابی، رهبر جبهه ملی خلاصه: سنجابی در اولین ملاقات با سفارت از اهمیت فوری عملی کمی برخوردار بود (گذشته از احتیاج مشخص برای ممانعت مردم از تحریک ارتش پس از اینکه شاه کشور را ترک می کند)، ولی خواهان برقراری ارتباط می باشد. او روشنفکر و دارای تصور طرفداری غرب نسبت به دولت ایالات متحده، که تمایل برای حمایت ما را می رساند. او عدم تمایلش را به کار کردن با دولت بختیار یا وارد شدن به هرگونه شورای سلطنتی که از طرف شاه منصوب باشد را تأیید کرد. او خودش را کاملاً با خمینی در یک صف قرارداد و گفت وی شخصاً یک رژیم سلطنتی مطابق با قانون اساسی را اگر که بتوان با خمینی راجع به آن صحبت نمود، ترجیح خواهد داد و خطر ناشی از کمونیستهای داخلی را کم ارزش نمود. به عبارت دیگر، او گفت وی نسبت به خطرات از جانب اتحاد شوروی هوشیار است، خصوصاً در میان اقلیتهای ایرانی و سؤال نمود که آیا دولت ایالات متحده نسبت به مردم ایران ایمان دارد. او گفت یک ملت خوشحال ایرانی می تواند نفوذی مثبت روی کشورهای همسایه مثل افغانستان، عراق و حتی مردم مسلمان اتحاد شوروی داشته باشد. (پایان خلاصه) ۱- کریم سنجابی رهبر جبهه ملی کنسول سیاسی را در خانه یکی از بستگان در ۱۱ ژانویه برای اولین تماس واقعیش با سفارت آمریکا در سالیان دراز (بیش از یک دهه و نیم) پذیرفت. ملاقات به درخواست او بود و برای اینکه بختیار نخست وزیر را ناراحت نکند به آرامی صورت پذیرفت. خانه یک عمارت بزرگ در شمال تهران می باشد. کنسول سیاسی پس از اینکه توسط خدمتکار به داخل راهنمایی شد، وارد یک سالن پذیرایی وسیع شد که به طور پراکنده مبلمان شده بود و بجز آتشی که در بخاری دیواری که در انتهای سالن شعله ور بود، نور کمی داشت. سنجابی موقر مسن از یکی از دو مبل راحتی بلند شد که به استقبال کنسول سیاسی بیاید و ملاقات به زبان فرانسه و به صورت رو در رو و صندلیهایی که به فاصله ۱۰ یارد از یکدیگر قرار داشت و خدمتکاری که به طور گاه به گاه چای، آجیل و میوه می آورد دنبال شد. آنجا صحنه یک فیلم خوب بود.

۲- سنجابی با بررسی مختصر از آخرین گفتگویش با شاه شروع نمود که به شاه گفته بود وی انتصاب به نخست وزیری را به شرطی که شاه کشور را ترک کند و خمینی قبولی انتصاب از طرف وی را تأیید نماید

می تواند بپذیرد. شاه در امتناع ورزیدن یکدنده بوده است. با این حال چند روز بعد صدیقی (سنجابی تلاش صدیقی را نادیده گرفت، هرچند وی شخصاً چند چیز خوب در مورد صدیقی گفت) پیش سنجابی آمد (بدون مشورت قبلی) که بگوید از او خواسته شده که شب گذشته شاه را ببیند و شاه نخست وزیری را به جبهه ملی پیشنهاد کرده است، با این قول که در این جریان کشور را ترک نماید. سنجابی این تحول را مورد استقبال قرارداد و لی گفت شرط سوم (تأیید خمینی) هنوز بایستی گرفته شود و جبهه ملی باید برای دیدن خمینی به پاریس برود. سنجابی که به عنوان رهبر جبهه عمل می کند سپس موضوع را با اللهیار صالح که با این جریان موافقت نمود مطرح کرد.

۳- آن روز عصر وقتی که وی بازگشت، نماینده AEP از او تقاضای عکس العمل نسبت به اعلامیه رسمی بختیار که بختیار با تشکیل دولت جدید به تقاضای شاه موافقت نموده است را کرد. این اولین باری بود که سنجابی در مورد آن چیزی می شنید. او با بختیار تماس گرفت و وی (بختیار) از بازپس گرفتن حرف خود امتناع ورزید. شورای اداره کننده جبهه ملی سپس جلسه تشکیل داد و بختیار را از حزب ایران اخراج نمود. سنجابی و به علاوه خودش، شورای هفت نفره مرکب از دکتر آذر (وزیر آموزش و پرورش مصدق، مثل خود سنجابی)، دکتر شمس الدین امیرعلایی (وزیر دادگستری مصدق)، دکتر مبشری (قاضی و مدیر کل وزارت دادگستری در دولت علی امینی)، داریوش فروهر (رهبر حزب ملت ایران)، رضاشایان (رهبر گروه سوسیالیست ایران) و ابوالفضل قاسمی (دبیر کل جدید حزب ایران)، آن را آشکار نمودند (اخراج بختیار را).

۴- سنجابی توضیح داد که وی به شاه گفته بود هرگونه به دستگیری قدرت توسط جبهه ملی باید به طریقی صورت گیرد که مردم در خیابانها به آن به عنوان پیروزشان بنگرند. این نوعی از شور و اشتیاق را از آنها می گیرد که به دولت کمک می نماید تا نظم را برقرار نماید. روش به وجود آمدن دولت بختیار به طریقی بود که در مقابل این قرار می گیرد. او گمان نمی برد که آن (دولت بختیار) بتواند خودش را مستقر نماید. گذشته از این موافقت بدون حداقل اجازه ضمنی از طرف خمینی به معنای جدایی از جنبش مذهبی خواهد بود (چیزی که جبهه ملی نمی توانست تحمل نماید).

۵ - سنجابی سپس مستقیماً از دولت ایالات متحده درخواست نمود که «نسبت به مردم ایران ایمان داشته باشید». او گفت «ما ظرافت و موقعیت جغرافیایی - سیاسی خودمان را درک می کنیم». با روسها در مرزها و قرار گرفتن ایران در بین عراق، افغانستان و غیره، ایران منطقه ای است که شدیداً مهم (او گفت):

حتی مهمتر از اروپای غربی برای ایالات متحده و شکننده ترین می باشد. ایرانیها با صمیمیت منافع مشترکی با ایالات متحده و دموکراسی های اروپای غربی دارند.

۶- سنجابی ادامه داد: شاه بدون سابقه شریر و مستبد بوده است. خانواده سلطنتی کاملاً فاسد است.

ایرانیان مثلی دارند: «وقتی سر فاسد شود، بدن بدون معطلی آن را دنبال می کند». شیوع این فساد نارضایتی گسترده ای را به وجود آورده، و آن خمینی را به وجود آورده است. به هر حال ایران کشوری است بزرگ، مهم و ثروتمند. مردمش تحصیل کرده تر از آنی هستند که بودند، (نظریه: علیرغم «دولت شریر، فاسد») بعضی اصلاحات برای پیش رفتن در یک جهت ملی و دموکراتیک سوسیالیستی لازم هستند. ولی اگر مردمش خوشحال باشند، قدرت ایران می تواند نفوذی پرمعنفت روی همسایه

هایی از قبیل عراق، افغانستان و حتی مردم مسلمان اتحاد شوروی داشته باشد.

ص: ۳۶۰

۷- در پاسخ به سؤالی، سنجابی گفت وی با کمونیستها و چپها در داخل ایران خیلی آشنا نیست. او با خیلی از آنها در ایالات متحده و اروپای غربی آشناست. آنها ناامیدانه تجزیه شده اند. فرقه های طرفدار روسها، مائوئیست ها، اعضای توده، مبارزین ضد توده (که خیلی از آنها اعضای مایوس قبلی هستند). او به تازگی یک جزوه ۴۰ صفحه ای را که توسط آنها نوشته شده بود و به حزب توده به عنوان برده کور امپریالیسم شوروی حمله می کند دیده بود. سنجابی معتقد است که نفوذ کامل آنها در اینجا کم و قابل اداره کردن است.

۸- سنجابی گفت: به عبارت دیگر باید به دقت مواظب روسها بود، خصوصا در تحریک اقلیتها. خود سنجابی یک کرد است و با وضعیت در غرب آشنایی دارد. در جنوب کردستان تجزیه طلبی وجود ندارد تعدادی در منطقه سنجاب، مرکز و بیشتر در شمال، نزدیک رضائیه هستند. ولی آنها بدون درد سر می توانند کنترل شوند.

۹- در پاسخ به یک نظریه سنجابی توافق داشت که ۲ یا ۳ نفر با عقاید چپی در اطراف خمینی هستند که وی آنها را ناسیونالیست های متخاصم نامید. قطب زاده با کمونیستهای فرانسوی تماسهایی داشته است ولی لزوما این کار او را یک کمونیست نمی کند. دکتر یزدی مذهبی است. هر دو نسبت به جبهه ملی خیلی خشمگین هستند، که وی نمی داند چرا. بنی صدر که شخصا خیلی جاه طلب است با جبهه ملی است. او اشاره کرد محمد مکرری «استاد تحقیق» در یک انستیتوی فرانسوی نیز چنین است. (کنسول سیاسی از یک منبع با اطلاع مذهبی دیگر توضیح عدم اطمینان خمینی نسبت به سنجابی و جبهه ملی از زمان مشاجره ای که مصدق با کاشانی بیش از ۲۵ سال پیش داشت را دریافت نموده است. طبق این تئوری خمینی هرگز مصدق را برای متحد شدن با شاه و خدمت نمودن به عنوان نخست وزیر او وقتی که وی به اندازه کافی قدرت داشت که وی را (شاه را) سرنگون سازد، نبخشیده است. علاوه بر این، این منبع اضافه می کند، خمینی فکر می کرد که مصدق و افراد او در اجازه دادن به حزب توده برای نزدیک شدن به آنها بی احتیاط بوده اند که در نتیجه آن، عمل متقابل ایالات متحده را برانگیخت که شاه را حفظ نمود. با یک چنین سابقه ای خمینی هیچ دلیلی نمی بیند که برای قدرت دادن به جبهه ملی دوباره اعتماد کند. این تشریح متقاعد کننده ترین تشریحی است که ما برای توصیف عدم اطمینان آشکار خمینی نسبت به جبهه ملی و سنجابی شنیده ایم). ۱۰- در اظهار نظر راجع به دیگر رهبران جبهه ملی، سنجابی اظهار کرد که وی برای کار کردن با بازرگان همیشه مشتاق بوده است ولی به صورتی شرایط همیشه هم پیمان می شوند که آنها را از هم جدا نگاهدارند. حتی در روزهای قدیم دکتر سحابی و بازرگان کمی از بقیه جبهه ملی جدا ماندند. سنجابی گفت وی از برنامه قطعی خمینی (برای یک جمهوری اسلامی) مطلع نیست، ولی مطمئن است از قانون اساسی به دور نیست. خمینی ممکن است به موقعش یک رژیم سلطنتی مطابق قانون اساسی را قبول نماید ولی بایستی موافقت او را جلب نمود. به طور مثال برای جبهه ملی، سنجابی همیشه این موضع را گرفته که این فرم نیست که مهم می باشد بلکه اساس و شالوده واقعی مهم است. او شخصا شکل جمهوریهای عراق و یا افغانستان را دوست ندارد و یک رژیم سلطنتی با قانون اساسی مدل اروپایی غربی را ترجیح می دهد.

می توان موضعی اتخاذ نمود که ولیعهد که صغیر است معصوم می باشد. درست همان طوری که در مورد شاه فعلی زمانی که جایگزین پدرش شد گفته می شد، اکنون شاه از پدرش بدتر شده است. (او به طور ضمنی



قبول نمود که این یک استدلال قوی برای رژیم سلطنتی مطابق قانون اساسی نیست، حداقل نه تحت سلسله پهلوی).

۱۱- سنجابی ادامه داد اگر بختیار بتواند تشنج خیابانها را پایین بیاورد، اعتصاب کنندگان را به سر کار بازگرداند و دانشگاهها را باز کند، مخالفین می توانند به او زمانی را که وی تقاضا می نماید بدهند ولی سنجابی فکر نمی کرد او موفق گردد. او شروع بدی داشته است و کابینه ای از افراد بی ماهیت و نه حتی تکنوکرات های مشهور دارد. آن حتی نمی تواند به عنوان یک دولت انتقالی دوام بیاورد. در پاسخ به یک سؤال مستقیم سنجابی گفت وی نمی تواند با دولت بختیار پس از آنچه که اتفاق افتاده کار کند. این موضوع شخصی نیست بلکه موضوعی اصولی و اخلاقی است.

۱۲- سنجابی با آمادگی با کنسول سیاسی موافق بود که رفتار ارتش بایستی مورد توجه قرار گیرد.

کنسول سیاسی این پیام را به او داد که ما در تلاش آرام کردن افسران هستیم، ولی رهبران مخالف نیز باید از پیش سازماندهی کنند که روزی که شاه کشور را ترک می کند شاهد تظاهرات بی نظم که ارتش را تحریک بنماید نباشند. سنجابی موافقت داشت ولی پیشنهاد کرد کمکی خواهد بود اگر که بعضی افسران با شاه کشور را ترک نمایند و یا قبل از اینکه او برود توسط وی برکنار شوند. کنسول سیاسی پاسخ داد که بعضی از آنها قبلاً کشور را ترک کرده اند. همان طوری که سنجابی می داند و وی امید داشت حضور مستمر برخی دیگر به عنوان بهانه ای برای تحریک ارتش قاپیده نشود، خصوصاً چون که بعضی افسران و سربازان ممکن است از عزیمت شاه ناآگاه و شدیداً عصبانی باشند. سنجابی گفت آن نمی تواند اتفاق بیفتد.

۱۳- سنجابی اضافه کرد البته ممکن است محاکمات کوچکی در مورد چند افسر در جریان تعویض ارتش شاه به یک ارتش ملی وجود داشته باشد. کنسول سیاسی گفت وی امیدوار است که چنان محاکماتی مرتبط به اقداماتی که توسط این افسران در جریان اجرای وظایفشان انجام شده نباشد. سنجابی مطمئن نمی خواست که تکرار محاکمات نورنبرگ را در ایران ببیند. سنجابی گفت وی نمی خواهد و موضوع را رها کرد (نظریه: ولی ما مشکوک هستیم که وی عقاید خویش را اظهار نکرد).  
۱۴- کنسول سیاسی کمی به سنجابی در مورد گرایش وی در جهت یک شورای سلطنت فشار آورد، منجمله تمایل خود سنجابی به خدمت در آن. سنجابی در مورد هر شورایی که توسط شاه منصوب گردد منفی بود. او گفت شاه قادر به انتصاب رهبران خوب در چنان شورایی نمی باشد. شورای سلطنت در هیچ حالتی نمی تواند قدرت بیشتری از آنچه که مطابق قانون اساسی به شاه اجازه داده شده به کار گیرد.

بنابراین کسی که دولت را اداره می کند مهمتر است. سنجابی سپس برای یک دقیقه ایده یک کمیته ملی برای تعیین سیاست برای یک دولت را مورد بحث قرارداد (هرچند اصرار بر چنان کمیته ای در حقیقت تلاشی برای جایگزینی و اجرای وظایف یک دولت است). او کمیته ۲۰ تا ۳۰ نفره غیره رسمی که به عنوان مشاوران دولت مصدق در روزهای قدیمی خدمت می کرد را یاد آور شد. او به یاد آورد که آنها هر یک یا دو هفته یک بار تشکیل جلسه می دادند.

۱۵- سرانجام سنجابی این نکته را متذکر شد که مخالفین چیزی بر علیه اقلیتهای مذهبی ندارند. او نظرات کنسول سیاسی را قبول داشت که بهاییها ممکن است ترسی در دل داشته باشند، ولی او گفت این (ترس) فقط از جمعیتهای سطح پایین است، نه از رهبری مخالفین (نظریه: این تفاوتی ایجاد نمی کند).

یهودیها به خاطر همکاری با اسرائیل چیزی را از دست خواهند داد ولی مردم به صورتی دیگر با آنها

ص: ۳۶۲

دشمنی ندارند. او به سیاست مدارا که به زمان شاه عباس بر می گردد اشاره کرد. همان طوری که او کنسول سیاسی را با آرزوهای حسن نیت و امید به آینده ای بهتر به خارج راهنمایی می کرد گفت وی خوشبین است.

۱۶- نظریه: در این اولین ملاقات با سفارت، سنجابی می خواست که چیزی را که وی حسن نیت خودش، عقاید روشنفکرانه و گرایش طرفدار غرب را برای توجه دولت ایالات متحده ولی به طور غیر مستقیم می داند منتقل کند. در کنار تمایل وی برای کار در جهت عدم تحریک ارتش چیزی که وی گفت از اهمیت عملی فوری برخوردار نبود. بدون اصرار آشکار، وی امیدوار است که دولت ایالات متحده وی را و حزبش را به عنوان بی خطر برای منافعش در ایران و در حقیقت یک متحد سیاسی معرفی نماید. به هر صورت سنجابی از موضعی که قبلاً رسماً اتخاذ نموده بود به طور قابل توجهی فراتر رفت و در حقیقت ما شک داریم که وی در این زمان به آن اندازه برای گفتن به ما چیزی داشته باشد. او امیدوار بود که صحنه را برای آینده تنظیم نماید.

### گزارش سیاسی - امنیتی

سند شماره (۱۸) خیلی محرمانه به: وزارت امور خارجه - واشنگتن تاریخ: ۱۵ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۵ دی ۵۷ موضوع: گزارش سیاسی - امنیتی خلاصه: خمینی بر همکاری با ارتش در مقابل اوباشها اصرار می ورزد. اعضای شورای انقلاب اسلامی وی اعلام شدند. گروهی مسئولیت ترور کریم را به عهده می گیرد. تظاهرات گسترده ای که متضمن برادری با سربازان می باشد. سنا دولت بختیار را تأیید می کند. تظاهرات بیشتری در پیش است. (پایان خلاصه) ۱- تظاهرات گسترده ای دیروز به وقوع پیوست ولی عموماً منظم و بدون خشونت بودند. در کرمان به طوری که گزارش شده گروههای مردم به مشروب فروشها و سینماها خسارت وارد آوردند، این یک استثناء بود. کنسولگری تبریز گزارش می کند که تروریستها امروز صبح یک سرگرد پلیس (فرمانده حوزه یک) و دو محافظ او را با آتش اسلحه های اتوماتیک هنگامی که سرگرد خانه اش را ترک می کرد ترور کردند.

۲- شبکه عدالت خلق به کسب انگیزه ادامه می دهد. آیت الله قمی از مردم درخواست نمود که امنیت مشهد را به دست گیرند. کمیته استانی جبهه ملی در تبریز درخواست مشابهی نمود و حتی مطبوعات از یک دادگاه خلقی فعال در شهر کوچک ارومیه نزدیک رضائیه گزارش می کنند. به طوری که گزارش شده دادگاه ۴ نفر مرد را به اعدام محکوم کرد. مطبوعات همچنین گزارش می کنند دو پلیس به وسیله تیراندازی شب شنبه در بهبهان زخمی شدند.

۳- سید جلال الدین تهرانی به ریاست شورای سلطنت منصوب شد. چون که شورا تحت ماده ۴۲ تشکیل شده التزام قانونی مراجع به عضویت آن وجود ندارد. به همین خاطر است که قاضی دیوان عالی، برای مثال، در شورا نیست.

۴- کارکنان برق اعلام اعاده خاموشیهای شبانه از ساعت بیست و پانزده دقیقه تا بیست و یک و چهل و پنج دقیقه را نمودند و اپراتورهای تلفن از این پس تلاشهایشان را برای توقف کار روزانه از ساعت ۱۰ تا

۵- آیت الله خمینی دیروز اعلامیه ای منتشر نمود که در مورد یک توطئه خارجی توسط منافع مقرر که تلاش می کند مردم و ارتش را در مقابل یکدیگر قرار دهد اخطار می نماید. سربازان مزدور به سربازان و تأسیسات دولتی برای اینکه ارتش را وادار نمایند فکر کند مردم می خواهند آنها را نابود نمایند، حمله می کنند. «جامعه مکلف است که با اعضای نیروهای مسلح امنیتی با عطف برادرانه رفتار نماید» و از آنها در مقابل حملات احتمالی اوباشها دفاع نمایند. ارتش و اعضای پلیس نیز موظفند در مقابل جامعه با مهربانی و روش برادرانه رفتار نمایند و آگاه باشند که اگر به وسیله اوباشها مورد حمله قرار گرفتند ملت نبایستی که سرزنش گردد بلکه توسط عوامل خارجی و ماجراجویانی که قصد دارند در دسر ایجاد کنند تحریک به حمله شده اند. آیت الله دستغیب از شیراز اخطار مشابهی منتشر نمود.

۶- شورای انقلاب خمینی به طوری که گزارش شده شامل دکتر ابراهیم یزدی، مهندس بازرگان، صادق قطب زاده، فضل الله بنی صدر و دریادار بازنشسته احمد مدنی می گردد. گروه خمینی لیست را تأیید نموده است.

۷- سنا امروز به دولت بختیار رأی اعتماد داد. رای ۳۸ به ۱ بود با ۲ غایب. مجلس فردا بحث را از سر خواهد گرفت.

۸- آیت الله خوانساری از تهران نامه سرگشاده ای به بختیار که وی را به خاطر تهمتش به خمینی نصیحت می نماید انتشار داد. او اصولاً بختیار را به خاطر اینکه می گوید خمینی توسط کمونیست ها احاطه شده است مورد انتقاد قرار می دهد.

۹- گروهی به نام موحدین مسئولیت ترور پل گریم، قائم مقام مدیرعامل اسکو (OSCO) در اهواز در ماه گذشته را به عهده گرفت. نام (گروه) جدید است و ما تلاش خواهیم نمود که اطلاعات بیشتری در مورد آن کسب نماییم.

۱۰- مارتین برکوتیز کارمند آمریکایی پارسونز جوردن دیروز در کرمان در گذشت. ما تاکنون قادر نبوده ایم که مشخص نمائیم آیا مرگ به خاطر علل طبیعی بوده یا ناجوانمردی.

۱۱- جبهه ملی ایران امروز صبح در تبریز یک راهپیمایی برگزار نمود. خود بازاریها استفاده کمی برای جبهه ملی دارند ولی دیگر عوامل بدون شک به آن پیوستند. تظاهرات بزرگی امروز صبح در شیراز نزدیک کنسولگری روی داد. به هر حال تمرکز راهپیمایی جای دیگری بود و جمعیت منظم مزاحم کنسولگری نشدند.

### شریعتمداری در پی حمایت آمریکا

سند شماره (۱۹) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۷ دی ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: بر طبق گزارش، شریعتمداری در پی حمایت آمریکاست خلاصه: واسطه سیاسی گفت آیت الله شریعتمداری مایل است حمایت بی سر و صدای آمریکا برای رقابت مذهبیون میانه رو با خمینی را داشته باشد. منبع به روشنی شرح داد که کمونیستها و سایر رادیکالها

هر روز قویتر می شوند و اظهار داشت گروه خمینی حقیقتاً نمی تواند ایران را کنترل کند حتی اگر خمینی مراجعت کند. منع به گروه خمینی حدود ۲ یا ۳ هفته قبل از اینکه توسط مجموع مشکلات ایران مدرن و مبارزین چپ مستغرق شود زمان داد. این یک نظر معمولی و عادی است، اما چیزی است که هنوز ثابت نشده است. (پایان خلاصه) ۱- هدایت اسلامی نیا صبح روز ۱۵ ژانویه به ملاقات مأمورین سیاسی، استمپل و پرت، آمد تا درباره اوضاع فعلی ایران صحبت کرده و پیغامی که وی گفت مستقیماً از جانب آیت الله شریعتمداری است را برساند. اسلامی نیا پیغام شریعتمداری را این طور بیان کرد: دولت ایران بی لیاقتی خود را در اداره نمودن رهبران مذهبی ثابت کرده. دولت حتی نتوانست به طور موفقیت آمیز رشوه بدهد. موج کنونی تظاهرات به هرج و مرج تبدیل شده است. علمای تهران دعوت به آرامش نمودند و از آنها اطاعت نشد. (نظریه: تا اندازه ای درست است، اما اغلب تظاهراتی که در این هفته صورت می گیرد توسط نهضت آزادی ایران سازمان داده شده و نسبتاً خوب نظم داده شده است. کمونیستها و رادیکالها دارای سازماندهی هستند که واقعاً ایجاد دردسر نمایند. آنها آماده انجام چنین کاری هستند. در مقایسه با اینها مالاها خوب سازماندهی نشده اند.

۲- عمده مردم منجمله رهبران مذهبی برجسته (او همه را گفت جز خمینی) هرج و مرج نمی خواهند.

مغازه داران و سایرین تهدید شده اند که بگویند مغازه ها بسته شود ولی میل دارند باز باشند. بازگرداندن اعتصابیون به سرکار تحت حکومت هر دولتی خیلی مشکل خواهد بود، چون که قدرت بالقوه مضمحل شده است.

۳- روحانیون میانه رو داخل کشور عموماً خمینی را دوست ندارند ولی می ترسند که علناً با او مخالفت نمایند. معهداً شریعتمداری گفته است که او علمای میانه رو را جمع کرده تا با چیزی مانند جمهوری اسلامی خمینی مخالفت کنند. (نظریه: روحانیون داخل کشور احتمالاً ترجیح می دهند شاه به عنوان سلطان باقی بماند، حتی اگر به مرخصی برود، آنها او را به عنوان سدی علیه بلشویسم می دانند.) مأمور سفارت متعجب بود چه چیزی برای عکس العمل نشان دادن میانه روها در برابر خمینی باعث گرفتن این زمان طولانی شده است. اسلامی نیا گفت آنها می ترسند و آن به این خاطر بود که میانه روها بدانند که پشتیبانی آمریکا را دارند. مأمور سفارت پرسید این به چه معنی است؟ اسلامی نیا ابتدا گفت منظور کمک با توجه به بینشهای خارجی در مورد هر کوشش ضد خمینی است و سپس به این موضوع پرداخت که مسأله حمایت ایالات متحده عمدتاً مقدمه ای برای علل روانی تقویت کردن روحیه آیت الله ها خواهد بود. مأمور سفارت اظهار کرد که متحیر است که ببیند آمریکا چه کاری می تواند انجام دهد که بی حاصل نباشد. آنها تا این حد اسلامی نیا را سرزنش کردند که اگر روحانیون به اندازه کافی قوی نبودند که خود بتوانند این کار را انجام دهند، به نظر می رسد به دست آوردن پشتیبانی خارجی که اگر کشف شود فاجعه آمیز خواهد بود، بی حاصل باشد. اسلامی نیا تصریح کرد که حمایت بایستی محتاطانه باشد.

۴- در این لحظه کنسول سیاسی برای مدت کوتاهی به ما پیوست و او نکات قبلی را بررسی نمود و تذکر داد که برای رهبران مذهبی میانه رو خیلی دیر شده است که تصمیم بگیرند شروع به انجام کاری کنند.

اسلامی نیا افسوس خورد و توافق داشت و نیز تذکر داد که دولت ایران در گردآوری حمایت مذهبیون کاملاً ناشایسته بوده است، وقتی که رهبران مذهبی می خواستند با رژیم کار کنند دولت ایران و وزارت دربار



برای اقدام کردن خیلی کند بودند.

۵- مأمور سفارت گفت که آنها نظرات بالا را به اطلاع سفیر می‌رسانند. اسلامی نیا گفت که اگر حقیقتاً دولت آمریکا می‌خواهد که حمایت خود را از میانه روها نشان دهد و نهایتاً با آنها همکاری کند، زمانی که کوشش خمینی در هم ریخت وقت برای شروع فرا رسیده است. علاوه بر این مانند تمام آیت‌الله‌ها، شریعتمداری حمایت سایر علما را می‌خواهد. هر کوششی که برای به دست آوردن حمایت مذهبی صورت می‌پذیرد باید تماس با دیگر ملاها و حجت‌الاسلام‌ها و غیره را نیز در بر بگیرد که بنابراین وقتی که آیت‌الله ارشد درخواست اقداماتی را می‌نماید، دیگران خواهند گفت: «او صحیح می‌گوید!» مأمور سفارت گفت این کار مثل تلاشی بزرگ برای یک دولت به نظر می‌آید نه برای یک سفارت. اسلامی نیا فقط با نظر موافق خنديد.

۶- نظریه: اسلامی نیا در خلال ۹ ماه گذشته توسط دولت ایران مایوس و محزون شده است. او و دیگران در اول سال ۱۹۷۸ کوشیدند تا رژیم را وادار به رفتار معقولانه با رهبران مذهبی میانه رو نمایند. او (با غبطه) این حقیقت که به نظر می‌رسد خمینی این دور را برنده شده است می‌پذیرد ولی به وراى زمانی می‌نگرد که او و دیگران حس می‌کنند مخالفین در میان خود به منازعه خواهند پرداخت. اسلامی نیا احساس می‌کند که آمریکا باید در سکوت رهبران مذهبی میانه رو را حمایت کرده تا تحولات ناخوشایندی که در پیش است را جلوگیری نموده و یا کاهش دهد. اسلامی نیا ارتباط خوبی با افرادی مثل ژنرال مقدم دارد. ما مطمئن نیستیم که اسلامی نیا دقیقاً از جانب چه کسی در این مرحله کار می‌کند، بنابراین برخی احتیاطها در دستور (کار) است.

### سازمان دهنده مذهبی به دنبال حمایت ایالات متحده برای میانه روهاست

سند شماره (۲۰) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۷ دی ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: سازمان دهنده مذهبی به دنبال حمایت ایالات متحده برای میانه روهاست خلاصه: سازمان دهنده (جناح) شریعتمداری در مورد وضعیت طرح ریزی شده برای چند روز آینده از مأمور سیاسی تحقیق نمود. میانه روهای مذهبی متمایل هستند که برای سقوط محتمل راه حل دولت هدایت شده به وسیله خمینی، سازماندهی کنند. او اصرار بر حمایت ایالات متحده، هر چند محتاطانه برای این تلاش را داشت و هراسی واقعی از اینکه دست خارجی در پشت خمینی است را ابراز نمود.

۱- استمپل، مأمور سیاسی با هدایت اسلامی نیا و دکتر جواد مناقبی، استاد دانشکده الهیات تهران و یک محرم آیت‌الله شریعتمداری (رجوع شود به یادداشت مذاکرات مورخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۸) در صبح ۱۶ ژانویه ملاقات نمود. مناقبی سرگروه متفکرین گروه شخصیت‌های مذهبی است که با رهبران مذهبی میانه رو هم عقیده اند ولی روابط خوبی با گروه خمینی برقرار نموده اند.

۲- دو نفر ایرانی نظرات ایالات متحده را در مورد تعدادی سؤالات مشکل می‌خواستند: آیا خمینی باز

خواهد گشت و کی؟ آیا او به سرعت عمل خواهد نمود و سلطنت را متروک خواهد ساخت؟ مأمور سفارت گفت ایالات متحده جوابهای قطعی برای این سؤالات ندارد ولی به نظر می رسد که خمینی یک زمانی باز خواهد گشت و تلاشهایی وجود خواهد داشت که دولت عوض شود. این سؤال که آیا خمینی با اتکای به آنچه که تلاش کرده انجام دهد و عکس العمل نظامی موفق خواهد بود، در این رابطه جایی وجود داشت و مأمور سفارت اظهار عقیده نمود که فشار مذهبی میانه روی خمینی زیاد سریع عمل نمی کند.

۳- مناقبی گفت که این نظر شریعتمداری و گروه او است که تلاش برای پشتیبانی از دولت بختیار بی حاصل است و هرچه زودتر خمینی قدرت را به دست گیرد و مردم ببینند که بهشت در یک ماه نمی تواند حاصل گردد هرچه سریعتر کار جدی برای تجدید بنای ایران می تواند انجام شود. مشکل بزرگ این است که آیا حرکت خمینی در جهت جمهوری اسلامی می تواند به اندازه کافی برای پدیدار شدن تلاشهای مخالفین کند و یا بی صدا گردد. مناقبی گفت خود خمینی یک ضد کمونیست ثابت قدم است. یزدی، قطب زاده، بنی صدر و بعضی جوانان دیگر در اطراف او در پاریس مارکسیست های تندرو هستند که کوشش می کنند کشور ایران را نابود کنند و آیت الله های میانه روی این را می دانند. جمهوری اسلامی برای سه نفر غیر روحانی در اطراف مرد روحانی یک تظاهر است. مناقبی چندین بار به این موضوع که دست خارجی در پشت خمینی است بازگشت. او با آمادگی اطمینانهای مأمور سفارت را قبول کرد که این دولت ایالات متحده نیست ولی فکر می کرد که احتمالاً روسها و ممکن است که انگلیس باشد. مأمور سفارت پاسخ داد که دولت ایالات متحده فکر می کند حمایت همه جانبه ای از طرف منابع خارجی وجود ندارد ولی آشکار است که اتحاد شوروی از آب گل آلود ماهی می گیرد.

۴- گروهی که مناقبی هدایت می کرد آماده برای اقدام برای اعتدال و کاهش در نفوذ رادیکال های چپ در جنبش بود. تا زمانی که قطعی باشد تلاش محکوم به شکست نیست گروه خواهان حمایت ایالات متحده و یا حداقل تضمین در مقابل مداخله خارجی بر علیه آن بود. مأمور سفارت پاسخ داد که دولت ایالات متحده شکل خارجی را خیلی با دقت دنبال می کند و به انجام آن ادامه خواهد داد؛ سؤال مربوط به حمایت بیشتر ایالات متحده در جای دیگر بایستی مورد توجه قرار بگیرد ولی مأمور سفارت فکر می کرد که این با در نظر داشتن احساسات ضد خارجی جاری در ایران ممکن است سودمند نباشد. دو نفر ایرانی موافق بودند که چنین حمایتی بایستی که بیشتر سمبلیک باشد تا واقعی. در حال حاضر اطمینان ساده که دولت آمریکا فکر می کند فعالیت ارزشمند می باشد، سودمند خواهد بود. مأمور سفارت از پاسخ به سؤال اجتناب ورزید ولی اشاره کرد دولت ایالات متحده از میانه روی و دولت مطابق با قانون اساسی طرفداری می کند.

۵- دو نفر سؤال کردند شش ماه آینده چه به دنبال خواهد داشت. مأمور سفارت اشاره کرده دولت ایالات متحده همان مشکلی را با گوی بلورین (غیبگویی) دارد که هرکس دیگری دارد. مناقبی فکر می کرد اگر رفتارندم در مورد سلطنت بتواند شش ماه به تعویق بیفتد، سلطنت می تواند آن را بسرد، چنانچه رهبران مذهبی فعال شوند. دو نفر کاملاً در انتقاد از بی عرضگی همه در دولت ایران از شاه گرفته تا وزیر دربار، تا دیگر مقامات ارشد تند و تیز بودند. اسلامی نیا گفت وضعیت به این خاطر به شکل کنونی در آمد که شاه خودش را گم کرد و هیچ کمکی از آنهایی که بایستی تشخیص می دادند آنها هستند که بیشتر از همه می بازند، نگرفت.



۶- نظریه: قطعاً آشکار بود که هر دو نفر تشخیص داده اند که زمان برای راه حل میانه، جهت خنثی کردن خمینی گذشته است. نظرات خصوصاً از طرف مناقبی اشاره می کند که فشارها هم اکنون شروع به

ص: ۳۶۷

رخنه در جنبش مذهبی نموده اند و نیروهای شریعتمداری شروع به نگرستن به دوره بعد از شاه برحسب بالا بردن موقعیت خودشان در مقابل آنهایی که معتقدند به اسلام ضربه وارد می کنند کرده اند. مناقبی به طور گிரایی یک استاد باهوش است که بهترین درک از موضوعات سیاسی ایران را نسبت به دیگر شخصیت‌های مذهبی که مأمور گزارش دهنده با آنها درگیر بوده است دارا می باشد. او در اوایل ۵۰ سالگی خود می باشد و فارسی صحبت می کند ولی بالقوه هیچ انگلیسی صحبت نمی کند. او ادعا می کند که شبکه حامیان مذهبی وی در وادار نمودن آیت الله خمینی به اعتدال در موضعش در حمله به خارجیان عامل مهمی است. (طبق گفته دکتر این غیر اسلامی است.) سفارت تماس را حفظ خواهد نمود.

### شکست یک هیئت اعزامی به نزد خمینی

سند شماره (۲۱) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۷ دی ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری گزارشگر: لامبراکیس موضوع: شکست یک هیئت اعزامی به نزد خمینی ۱- خسرو اقبال که یک هفته قبل با امید تمام ایران را ترک کرد تا خمینی را در مورد نقطه نظر خودش در مورد میانه روی در ایران قانع کند (تلگراف مرجع را ببینید) از طریق یک واسطه پیامی فرستاده که خمینی یک «هیولای متکبر» است. ظاهراً اقبال نتوانسته یک صحبت خصوصی محرمانه که فکر کرده به او قول داده شده با خمینی داشته باشد و به این نتیجه (شتابزده) رسیده که خمینی توسط کمونیستها احاطه شده است.

۲- اقبال با کمی تناقض اشاره به چیزی نمود که وی آن را به عنوان سرنوشت ایران می بیند: تغییری از زندگی در زیر دیکتاتوری چکمه به زندگی در زیر دیکتاتوری نعلین. دوست ما اقبال که مردی پریشان حواس ولی عاقل است به طوری که گزارش شده اقامت خود را در فرانسه برای آینده ای قابل پیش بینی تمدید نموده است.

### بیمهای بازاریها برای آینده

سند شماره (۲۲) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۷ دی ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: بیمهای بازاریها برای آینده ۱- کنسول سیاسی و مأمور سفارت - پرت - با چهار بازاری در ۱۴ ژانویه در خانه اسلامی نیا- واسطه سیاسی - ملاقات کردند. بازاریها که بیشتر آنها قبلاً با مأموران سفارت ملاقات کرده اند. نگرانی زیادی در مورد آینده ایران ابراز نمودند ولی تصور کمی از اینکه چگونه می شود از آشوب ممانعت به عمل آورد داشتند. آنها به طور مکرر از مأموران سفارت سؤال کردند چه باید بکنند و جواب ما که این مشکلات بایستی به وسیله خود ایرانیها حل شود آنها را راضی ننمود. تماماً از انحلال ارتش و یک موج متعاقب آشوب که آنها نمی توانستند آن را متوقف نمایند می ترسیدند. این موج شامل توده ها، بیشتر جوانان، که

چیزی نمی دانند ولی قدرت قطع زندگی عادی تجارتي را دارند، می شود. این افراد هم اکنون به وسیله کمونیستها کنترل می شوند و رهبران تجاری در مقابل آنها نمی توانند مقاومت کنند. آنها از آشوب واقعی هراس دارند و معتقدند کارها ممکن است به نحوی خراب شود که رهبران ایلیاتی، آزاد از کنترل مرکزی، به سادگی زمینهای اجدادی بختیاری و قشقایی را به تملک خود درآورند.

۲- اینها تماماً بایستی در جایی متوقف شود. در زمانی دولت باید بگوید: اکنون ما تمام تقاضاهای شما را انجام داده ایم، به سرکارها برگردید. در هر صورت بازاریها مطمئن نبودند که این کار چگونه می تواند انجام شود. در جایی آنها گفتند که دولت بختیار ممکن است در برقراری نظم موفق شود، اگر که بختیار به وعده هایش وفادار بماند، خصوصاً در مورد وعده تنبیه مقصرین. (بازاریها مثل اغلب دیگر افرادی که ما ملاقات می کنیم خواهان دیدن نوسان اجساد در انتهای یک طناب قبل از آنکه به هر دولتی اعتماد کنند می باشند.) به عبارت دیگر آنها گفتند که هر دولت جدیدی باید از نفوذ خمینی برای حل بحران استفاده کند و اضافه نمودند که تمام آنها صد در صد در پشت خمینی هستند. ایالات متحده بایستی که با خمینی تماس بگیرد ولی ما باید با خود او درگیر شویم؛ مشاورین او نظراتش را به طور بدی جلوه گر می نمایند. (بحثهایی و عدم توافقی که آیا دستیاران خمینی کمونیست کامل هستند یا نه وجود داشت.) ۳- از نظر انتظارات خود آنها برای آینده، بازاریها جدا از ترسشان چیز کمی برای گفتن داشتند. آنها معتقد بودند که مردم یک شاه را قبول نخواهند کرد مگر اینکه شاید او مثل شاه انگلیس حکومت کند. اگر انتخابات آزاد برگزار شود، آنها در نظر ندارند که رأی دهند. از این می ترسند که از نظر سیاسی درگیر شوند ولی کارمندانشان رأی خواهند داد.

۴- نظریه: این بازرگانان سنتی متوحش و حیران هستند. دو ماه پیش وقتی ما آنها را برای اولین بار ملاقات نمودیم لیستی از تقاضاهای به خصوصی داشتند که اگر برآورده می شد به حل بحران منجر می شد.

اکنون آنها فقط آرامش می خواهند ولی نمی دانند چگونه آن را به دست آورند. آنها مثل خیلی از ایرانیان از هر عقیده و نظریه سیاسی در جستجوی یک پاسخ به دولت ایالات متحده روی می آورند. وقتی که ما گفتیم که ما در موقعیتی نیستیم که کاری به صورت مستقیم انجام دهیم، آنها به علامت توافق سر تکان دادند ولی پس از مدت کمی به همان سؤال بازگشتند. آنها با خوشحالی از هر وعده موضوع بازگشت ثبات حمایت می کنند همان طور که در تمام چیزها، با موافقت خمینی.

## برنامه های خمینی

سند شماره (۲۳) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۷ دی ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری گزارشگر: لامبراکیس موضوع: برنامه های خمینی ۱- منبع با دسترسی (به اخبار موثق)، اما بدون سابقه خیلی درخشان به مشاور سیاسی در روز ۱۷ ژانویه گفت که دکتر حجازی از نهضت مذهبی، شریعتمداری را یک الی دو روز پیش در قم دیده است.

شریعتمداری به او گفته است:

الف: خمینی شنبه یا یکشنبه دیگر به ایران بر می گردد (۲۰ یا ۲۱ ژانویه).

ب: راهپیمایان ۱۹ ژانویه کاخ را تصرف خواهند کرد.

ج: برنامه اولیه خمینی برای برگشتن دو روز بعد از رفتن شاه عوض شد، چون بختیار استعفا نکرده بود. ولی شریعتمداری شک دارد که بختیار بتواند اعتصابات را پایان دهد، یا در برابر مخالفین پایداری کند.

۲- مطالب بالا برگشت خمینی را زودتر از اطلاعات به دست آمده اخیر از منابع نهضت آزادی بیان می کند. سعی در تصرف کاخ، مقابله مستقیم با ارتش ایران را در بر خواهد داشت و این با سیاستهایی که خمینی در عموم ذکر کرده متضاد خواهد بود. لذا، این گزارش ممکن است صرفاً عمیقترین ترسهای شریعتمداری را منعکس کند. با در نظر گرفتن دیدگاه احساسی منبع ممکن است این گزارش بعضی از گزارشهای شخصی او را هم در بر داشته باشد.

سولیوان

### وضعیت سیاسی - امنیتی ایران

سند شماره (۲۴) سری از: وزارت امور خارجه - واشنگتن تاریخ: ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۷ دی ۵۷ به: تمام پستهای دیپلماتیک اروپایی، خاور نزدیک و آسیای جنوبی موضوع: وضعیت سیاسی - امنیتی ایران به سفارت گفته شده است که آیت الله شریعتمداری خواهان حمایت بدون سرو صدای ایالات متحده برای یک رقابت مذهبی میانه روانه با خمینی می باشد. طرف گفتگو گفت علت این امر قدرت فزاینده کمونیستها و دیگر رادیکال ها است و اظهار داشت این پیشرفت به نقطه ای رسیده است که گروه خمینی حتی اگر خمینی مراجعت نماید واقعاً نمی تواند ایران را کنترل نماید.

ایران امروز آرام است. پس از خوشگذرانی دیروز با صداهای بلند ناهنجارش، نفس عمیق امروز تقریباً قابل شنیدن است و تقریباً به طور قطعی به تدارکات برای راهپیمایی ۱۹ ژانویه که خمینی اصرار دارد بزرگترین تظاهرات تاریخ ایران باشد قابل استناد است.

حدس و شایعات در مورد برنامه های مسافرت احتمالی خمینی کاملاً گیج کننده اند. البته کمی این معنی را تأیید می کنند که او منتظر است تا ببیند مثلاً فعالیتهای ارتش پیش از مراجعت وی به ایران دستخوش چگونه تحولاتی می شود.

اعلامیه ۱۶ ژانویه وی شامل نکات زیرین اضافه بر آنهایی که قبلاً گزارش شده بود می باشد:

کشاورزان از لحاظ سیاسی بایستی فعالتر شوند و صادرات (احتمالاً واردات - مترجم) گندم را متوقف سازند.

اسلام، هیچ بانک با سیستم بهره نباید تأسیس شود.

درهم ریختگی شدیدی در بوروکراسی رادیو و تلویزیون ملی ایران وجود دارد. تمام ایستگاههای رادیو دیروز از کار ایستاد ولی امروز کار را از سر گرفت. شایعات اصرار بر این دارد که کانال بین المللی تلویزیون به زبان انگلیسی بسته خواهد شد.

دلیل ارائه شده اظهارات بختیار در مجلس است که خیلی از

ص: ۳۷۰

اعتصابیون رادیو و تلویزیون ملی ایران در حقیقت عوامل ساواک هستند که اکنون برای آزادی پخش برنامه فشار وارد می آورند. گمان می رود که حقایقی در این نکته وجود دارد.

## گزارش وضعیت ایران، امنیت آمریکاییها

سند شماره (۲۵) سری از: وزارت امور خارجه - واشنگتن تاریخ: ۱۸ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۸ دی ۵۷ به: تمام پستهای دیپلماتیک اروپایی، خاور نزدیک و آسیای جنوبی تمام پستها اقدام فوری به عمل آورند (سیاسی - امنیتی) موضوع: گزارش وضعیت ایران، شماره ۱۰۰، ۱۸/۱/۷۹.

۱- بختیار نخست وزیر، به طور خصوصی تأیید کرد که وزیر دادگستری او آقای بزیری (وزیری) در ۱۷ ژانویه استعفا کرد. بزیری ادعا نمود که وزارتخانه وی فاقد صلاحیت تکنیکی و نیروی انسانی برای محاکمه آنهایی که متهم به فساد هستند می باشد. اندیشه هایی وجود دارد که این حرکت نتیجه تهدیداتی است که به وسیله کارمندان اعتصابی وزارت دادگستری بر علیه وزیر صورت گرفته است. وزیر قبلاً یک بار از دفترش به بیرون پرتاب شده بود. این آشکارا یک توهین نسبت به بختیار است.

۲- همچنین ۱۵ نماینده مجلس دیروز استعفا کردند با این دلیل که آنها قادر به انجام وظایفشان تحت شرایط فعلی نیستند. آنها شخصیتهای مخالف بودند. این حرکت هماهنگ با درخواست خمینی برای استعفا به منظور هموار نمودن راه برای دولت جدید وی می باشد.

۳- روحانیت دستورهایی برای راهپیمایی ۱۹ ژانویه صادر نموده است و درخواست نموده که یک واقعه اسلامی خالص باشد. شعارها یا پلاکاردهایی متناقض با اسلام نباید وجود داشته باشد. نهضت آزادی، گروه سیاسی مرتبط با خمینی راهپیمایی را اداره خواهد کرد. چون که این یک روز عزاداری رسمی می باشد، دولت مجبور نیست اعلامیه ای جهت درخواست حمایت منتشر کند و نظریه ای نداده است.

۴- ایران دوباره به طور اساسی ساکت است زیرا که تدارکات برای راهپیمایی عظیم فردا ادامه می یابد.

۵- وزارت خارجه تأیید نموده است که سفرای ایران در بریتانیا، برزیل، ایتالیا، هند، سوریه، فرانسه و سازمان ملل برکنار شده اند.

امنیت آمریکاییها ۱- فرودگاه تهران امروز در هوای ابری به طور عادی فعالیت می کرد، به هر حال به طور نمایانی خوب بود. هواپیمای ۷۴۷ پان آمریکن ۳۳۵ مسافر حمل نمود. لوفت هانزا، بریتیش ایرویز، افرانس، سوئیس ار، آلیتالیا، سابنا، ک.ال.ام. و خطوط هوایی چک و فنلاند پروازهایی داشتند.

۲- طبق تمام گزارشات فرودگاه ۱۹ ژانویه بسته خواهد شد. به این خاطر پان آمریکن دو برنامه ۷۴۷ در روز ۲۰ ژانویه دارد.

نهضت آزادی ایران در پی آرام کردن وضعیت و شتاب بخشیدن به پیشرفتش می باشد

ص: ۳۷۱

سند شماره (۲۶) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۸ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۸ دی ۵۷ به: تمام پستهای دیپلماتیک اروپایی، خاور نزدیک و آسیای جنوبی موضوع: نهضت آزادی ایران در پی آرام کردن وضعیت و شتاب بخشیدن به پیشرفت می باشد خلاصه: منبع نهضت آزادی که از طرف مهدی بازرگان صحبت می کند اصرار داشت سفارت به اعمال نفوذ روی ارتش ایران برای شلیک و حمله نکردن به مردم ادامه دهد. بازرگان همچنین می خواهد ایالات متحده بدانند که برنامه زمان بندی تسریع شده برای حرکت نهضت آزادی به سوی (تشکیل) دولت، اگر که دستاوردهای اساسی چپها قرار است بر آن پیشی بجوید، لازم می باشد. نهضت آزادی حس می کند که درگیری بین شورای پیشنهادی خمینی و دولت فعلی ایران خودش را با مشکلات جزئی دمساز می کند و جنبش اسلامی قدرت را به دست خواهد گرفت. این موضوع اشاره بر این دارد که شایعات مربوط به یک معامله بین بختیار و جنبش اسلامی ممکن است دارای اساسی باشد. در این اثنا مسائل مربوط به تنظیم برنامه بازگشت خمینی به ایران و دیگر نامطمئنیهها اشاره می کند که خمینی و دستیارانش به دقت موقعیت خودشان را قبل از اینکه تصمیم بگیرند از چه راهی اقدام نمایند مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند.

(پایان خلاصه) ۱- محمد توسلی (همچنین به عنوان توکلی شناخته می شود)، مقام ارشد نهضت آزادی با استمپل، مأمور سیاسی، طبق دستور بازرگان رئیس نهضت آزادی ملاقات نمود که دو نکته را متذکر گردد:

(الف) نهضت آزادی از ایالات متحده برای تلاشهایش در جلوگیری از ارتش برای به دست گرفتن قدرت از طریق کودتای نظامی متشکر است و اصرار دارد که دولت ایالات متحده به این کار ادامه دهد و (ب) اگر که حملات شدید حزب توده (کمونیست) قرار باشد که در سیستم سیاسی فعلی ایران صورت پذیرد برای جنبش اسلامی لازم خواهد بود که برنامه زمان بندی شده اش را سرعت بخشد.

۲- در مورد سؤال در تحت کنترل نگهداشتن ارتش، منبع نظر نهضت آزادی در مورد وضعیت اهواز در دو روز گذشته را از زبان مأموران خود جنبش در محل تعریف کرد:

عصر ۱۶ ژانویه ارتش مجسمه شاه را برای جلوگیری از بی حرمت شدن آن پایین آورد. مردم خوشحالی کردند و در تمام شب به فریاد کردن ادامه دادند. روز بعد فرماندار نظامی خوزستان، ژنرال جعفریان، سربازان را در مراسم صبحگاهی مورد خطاب قرارداد و آخرین نامه شاه که سربازان را به ایمن نگاهداشتن ملت ترغیب می نمود خواند. سپس در یک سخنرانی احساساتی جعفریان سربازان را به انجام آنچه که می توانند در دفاع از مقام شاه انجام دهند ترغیب نمود. متعاقباً مردم سربازان را مورد تمسخر قرار دادند و بعضی افسران جزء عکس العمل نشان دادند و آنها را کتک زده و با شلیک گلوله به دنبال آنها کردند.

سپس تانکها به خیابانها فرستاده شدند، اتومبیلها را برهم زدند و روی مردم تیراندازی کردند. این کار باعث یک درگیری سخت بین ژنرال جعفریان و شمس تبریزی فرماندار نظامی اهواز شد. در نتیجه شخصی (که شناخته نشد ولی احتمالاً با مقامات مرتبط است) گروه چماقداران که به دنبال حمله به مردم در خیابانها و در دانشگاه جندی شاپور رفتند را تشکیل داد. در بعد از ظهر ۱۷ ژانویه مردم در خانه هایشان مخفی شدند و از بیرون آمدن هراسان بودند. تخمینهای نهضت آزادی از کشته ها حدود ۳۰ نفر و دیگرانی





که به طور وخیمی زخمی شده اند می باشد.

(نظریه: این با دیگر گزارشات در تناقض نیست.) ۳- نهضت آزادی می گوید وقایعی مشابه ولی نه به خشونت اهواز، در دزفول، گیلان و اراک اتفاق افتاد.

نهضت آزادی دولت ایالات متحده را ترغیب نمود که به فشار بر ارتش برای حفظ خویشتن داری، ادامه دهد. مأمور سفارت گفت ما به انجام این کار ادامه خواهیم داد. ولی قویا روی احتیاج متقارن برای اینکه نهضت آزادی از افراط کاربها و زیاده رویهای حرارتی مردم جلوگیری به عمل آورد و صحبت مستقیم بارهبران نظامی که ما متقاعد هستیم خواهان خونریزی نیستند، تأکید نمود. منبع موضوع را با التفات خیلی بیشتری و بحث خیلی کمتری از گذشته قبول نمود.

۴- بحث سپس به مسائل سیاسی وضعیت فعلی معطوف شد: توسلی گفت نهضت آزادی معتقد است چپها قویتر می شوند. سخنرانان حزب توده، خصوصاً به آذین (محمد(۱) اعتماد زاده) رهبری که جدیداً از زندان آزاد شد و تقاضای جمهوری خالص نه جمهوری اسلامی را نمود، در هرجایی صحبت می کنند.

گروههای دانشگاهی نیز فعال هستند و خشونتهایی قبلاً بین دانشجویان مسلمان و رادیکال چپی در دانشگاه تهران روی داده است.

۵- وضعیت آشکارا ایجاب نمود که جنبش اسلامی برنامه زمان بندی شده اش را سرعت بخشد.

بازرگان از دولت ایالات متحده می خواهد که بدانند این قضیه اصلی است و درخواست حمایت و تفاهم ما را نمود. وقتی سؤال شد چه حمایتی درخواست شده توسلی گفت فقط درک اینکه جنبش به کجا می رود و نفوذ بر ارتش برای جلوگیری از ترتیبات نفاق افکنانه و مغشوش کننده ارتش. مأمور سفارت گفت دولت ایالات متحده راه حل صلح آمیز و منظم را حمایت می نماید و نهضت آزادی را به همکاری با دولت فعلی ایران ترغیب نمود. توسلی گفت این کار در دست اقدام است.

۶- برنامه زمان بندی شده طبق گفته بازرگان به ترتیب زیر است: خمینی اسامی افراد شورای انقلاب اسلامی را در ۱۹ یا ۲۰ ژانویه اعلام خواهد نمود. بازرگان و رهبر جبهه ملی، کریم سنجابی، مطمئناً در شورا خواهند بود. ولی دیگر اسامی مشخص نیست. هیچ رهبر مذهبی در شورا نخواهد بود. توسلی گفت برنامه های فعلی که کاملاً روی آن کاری انجام نشد شامل گروه مشاور ویژه از رهبران مذهبی اصلی مثل آیت الله طالقانی، منتظری و غیره می باشد. به دنبال اعلام شورای اسلامی احتمالاً استعفاهای اعضای مجلس و وزرا که هم اکنون در ۱۷ ژانویه شروع شده ادامه خواهد یافت. سپس انتظار می رود بختیار نخست وزیر، پیشقدم شده و قدرت را به شورای انقلاب اسلامی که انتخابات را نسبتاً زود برنامه ریزی می کند، منتقل نماید. (توسلی فکر می کرد حدود ۲ یا ۳ ماه برنامه زمان بندی کار باشد ولی هنوز هیچ تصمیم قاطعی اتخاذ نشده بود.) ۷- در پاسخ به سؤال در مورد ارتباط بین شورای خمینی و شورای سلطنت که ارتش نسبت به آن وفادار است، توسلی گفت وی می داند تلاشهایی در جریان است که نوعی از معامله انجام پذیرد ولی نمی دانست چه تلاشهایی (نظریه: توسلی ظاهراً از تلاشهای مراجعه شود.) ۸- مسأله بازگشت خمینی هنوز کمی نامطمئن است ولی تفکر جاری خود خمینی آن طوری که برای بازرگان

ابراز شده این است که بازگشتش را تا زمانی که شورای انقلاب اسلامی ردای قدرت را تصاحب

ص: ۳۷۳

---

۱- محمود مترجم.

نماید و ارتش تحت کنترل بیشتری درآید به تعویق می اندازد. این تصمیم زیر بررسی مداوم قرار داشت.

منبع فکر می کرد که این احتمالاً به معنای بازگشت خمینی در ۶ تا ۱۰ روز از حالا می باشد. بحث با قول منبع بر حفظ تماس عادی بیشتری در چند روز آینده پایان گرفت.

۹- نظریه: توسلی با مأمور گزارش دهنده دوستانه تر از همیشه بود و به نظر می رسید که با رفتارش می گوید که دولت ایالات متحده در ارزیابی وضعیت واقع بینانه تر از آنی که در گذشته بوده است می باشد.

او روشن ساخت که روی دستورات بازرگان که فکر می کرد مهم باشد که دولت ایالات متحده نکاتی را که وی ارائه نموده درک کند سخن می گوید. او تا این حد در مورد مقاصد آینده نهضت آزادی خوشبین بود که در مورد هیچ چیزی هرگز آنقدر (خوشبین) نبوده است و مایل بود که محدوده هایی را که وی کاملاً مطلع نبود مشخص نماید. در حالی که او یا درباره تلاشهایش برای صلح دادن (وفق دادن) شورای سلطنت و شورای خمینی چیزی نمی گفت یا اینکه او یک پنهان کار ماهر است یا اینکه چیزی نمی داند (مأمور گزارش دهنده به اولی اعتقاد دارد)، وی متقاعد می باشد که راه حل برای انتقال (قدرت) تدبیر خواهد شد.

طریقه ملائمی که هم توسلی و هم انتظام مشکلات اداره دولت مشروع را در راه چاره چارچوب اسلامی نادیده می گیرند اشاره بر معتبر بودن شایعات مربوط به اینکه بختیار قبلاً نوعی معامله با خمینی انجام داده است می نماید. (به گزارش مرجع رجوع شود) حتی اگر این قضیه مطرح باشد به نظر می رسد نهضت آزادی نقش ارتش که طبق نظرات (اطلاعات) ما به هیچ وجه آماده تسلیم شدن و قبول نمودن راه حل نهضت آزادی بدون بحثهای سخت و درگیری نیست را نادیده می گیرد.

۱۰- در مورد مسئله تنظیم زمان بازگشت خمینی، این اولین باری است که ما شنیده ایم یک شخصیت مسئول نهضت آزادی اظهار می دارد خمینی تا زمانی که ساخت (قدرت) اسلامی در مکان صحیح خودش یا از طریق به دستگیری قدرت و یا مصالحه قرار نگیرد بازگشت به ایران را به تعویق خواهد انداخت.

مشکل این طرح ریزی از نظر خمینی باید این باشد که وی هم اکنون از طرف گروههای داخل کشور برای بازگشت تحت فشار است. مطبوعات محلی چندین درخواست از وی برای بازگشتن را چاپ کرده اند و به طوری که گزارش شده علی امینی برای ترغیب او به بازگشت در پاریس است. ما گمان می کنیم حداقل برخی از این درخواستها واقعی هستند نه فقط تعارفات مورد انتظار ایرانی.

۱۱- مکالمات با شخصیتهای نهضت آزادی در ۲ یا ۳ هفته گذشته به اضافه انواع اعلامیه هایی که از پاریس می آیند (برای مثال به مرجع ب مراجعه کنید) اشاره بر برخی نامطمئنیهها در فکر خمینی و نظرات رد و بدل شده فزاینده بین دستیاران خمینی دارد. در این مرحله به نظر ما می رسد که در حالی که مذاکرات و بحثها در اینجا ادامه می یابد عدم تصمیم گیری و برنامه ریزی قابل توجهی در پاریس وجود دارد. با در نظر گرفتن نامطمئنیهها در اینجا و همچنین در پاریس، آشکار است که ما نه خارج از مشکلات سیاسی قرار داریم و نه هنوز کاملاً درگیر در چیزی که می تواند جریان سیاسی اجباری، آشتی برقرار

نمودن بین اختلافات مهم باشد هستیم. تنها جنبه واقعی مثبت این موضوع این است که خمینی به هر دلیلی از مراجعت فوری به ایران ممانعت به عمل آورده و بنابر این جایی برای بحثهای بیشتری، حداقل برای حال حاضر، گذاشته است.

**نظر مخالفین**

ص: ۳۷۴

سند شماره (۲۷) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۱۸ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۸ دی ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

گزارشگر: اسکودرو، پرت موضوع: نظر مخالفین خلاصه: گروههای انتخابی مخالفین ۳ ساعت به صدای بلند برای کارمندان سفارت صحبت نمودند، و دولت آمریکا را به خاطر شاه و گرفتاریهای ایران سرزنش نمودند.

۱- مأموران سفارت، اسکودرو و پرت، در روز ۱۲ ژانویه با گروههای انتخابی مخالفین، تقریباً حدود ۱۲ نفر که شامل مردان سرشناس و مشهوری از جمله حاج سید جوادی، دکترها، و کیلان، استادان دانشگاه، یک بازاری و یک کشاورز بودند، در منزل دکتر هوایی ملاقات کردند. (حدود ۳ تا ۴ خانم پوشیده (دارای روسری) برای آخر ملاقات در گوشه اتاق با هم صحبت می کردند. آنها چیزی نمی گفتند تا اینکه یکی از آنها در حالی که خیلی عصبانی بود به جمع غوغاها و صداها پیوست. اما مردها اهمیتی به او ندادند). کمیت این گردهمایی از صحبت صمیمانه جلوگیری نمود، اما هوایی می خواست که جمع وسیعی از مخالفین را جمع آوری نموده تا بتواند آنها را به سفارت ببرد. علیرغم تعدد افراد حرفه ای و وجود یک فرد بازاری، این گردهمایی یک گردهمایی جبهه ملی بود و آنها در مورد اسلام و آیت الله حاکم صحبت می نمودند.

۲- بجز مسأله درگیری که در مورد صحبت کردن در بین آنها وجود داشت، این گروه اوقات خوبی را گذراندند. آنها مؤدب بودند، اما در مورد خط مشی دولت آمریکا و دست نشانده ها بیرحمانه حمله می نمودند. مأمور سفارت پیام نیمه رسمی سفارت را مطرح کرد که اگر شاه کشور را ترک کند قوای نظامی و ارتش تحریک پذیر خواهند شد بنابراین جمعیت ها نباید کاری کنند که آنها را خشمگین نمایند و در این بین ما تا آنجا که بتوانیم به منظور مستحکم تر و آرامتر نمودن ارتش نفوذ و اقدام خواهیم نمود. رهبران میانه روی مذهبی قبلاً- این پیام را با تأیید خود پذیرفته اند، همچنان که چندین نفر از رهبران بازاری هم آن را قبول کرده اند. این گروه به هر حال به تندی هرکسی می داند که تمامی مسئولیت سوختن بانکها و غیره به عهده ساواک است. بنابراین چرا ما این پیغام را برای مخالفین می آوریم؟ علاوه بر این هرکسی می داند که ارتش در کنترل دولت آمریکا است بنابراین سلاحها و قوای نظامی آتش نخواهند نمود مگر اینکه، به آنها اجازه بدهیم. مأموران سفارت به مدت ۲ ساعت کلنجار رفتند تا اینکه این نکات را بفهمانند که اشتباه است. خصوصاً نکته دوم را، اما کوچکترین شانسی در این مورد پیدا نمودند. اتهامات استاندارد شده جلوتر آورده شده بود: دولت آمریکا شاه را روی کار آورد و به ساواکیها تعلیم داد و با شاه در غارت نفت ایران به وسیله قیمت بسیار ارزان همکاری نمود و غیره.

۳- زمانی که آنها به خط مشی آمریکا حمله می نمودند، گروه مشخص نمود که مذهب (و بنابراین خمینی) تنها عنصر برجسته و مسلط در این جنبش ملی نبوده است. در حقیقت با رفتن شاه آنها انتظار ندارند که حتماً یکی از آیت الله ها نقش بزرگی داشته باشد. مأمور سفارت پرسید که اگر انتخابات آزاد یک گروه از نمایندگان تأیید شده خمینی را روی کار آورد چه می شود؟ آنها گفتند که این طور فکر نمی کنند

مگر در بعضی از روستاها. یکی از مخالفین گفت که ۵۴ مردم شهرها تحصیل کرده هستند و در نتیجه آنها به جای آنکه کورکورانه به دنبال خمینی بروند خود انتخاب خودشان را می کنند.

۴- نظریه: به طور خلاصه این عقیده جبهه ملی و دانشگاهیان بود که مردم مذهبی از دست رژیم آسوده خواهند شد و بعد آنها (یعنی جبهه ملی) وارد معرکه شده و اوضاع را در دست می گیرند. آنها این طور فکر می کنند که آنها تنها گروه سیاسی تعلیم دیده و منظم در شهر می باشند. درست وقتی پیش بینی آنها جامه عمل می شود و اجتناب ناپذیر خواهد بود که ایران به طرف یک دموکراسی پارلمانتاریستی سوق پیدا کند.

این محل سؤال است.

سولیوان

### گزارش وضعیت ایران

سند شماره (۲۸) سری از: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۲۰ ژانویه ۱۹۷۹ - ۳۰ دی ۵۷ به: تمام پست های دیپلماتیک اروپایی، خاور نزدیک و آسیای جنوبی موضوع: گزارش وضعیت ایران ۱- تمام متن سری ۲- امنیتی - سیاسی: آیت الله خمینی امروز اعلامیه ای منتشر نمود که اشاره می کند وی در چند روز آینده به ایران مراجعت خواهد نمود. پیام خمینی به پیروانش بطوری که گزارش شده گفته است که: «با کمک خداوند تا چند روز دیگر در میان شما خواهم بود.» ۳- خمینی همچنین از اعضای پارلمان ایران خواست که از کرسیهایشان صرف نظر نمایند «تا نمایندگان واقعی مردم بتوانند مکان مشروع خود را به دست آورند.» ۴- نخست وزیر سابق، امینی، برداشت خودش را با سفارت در میان گذاشت که گروه خمینی از یک برخورد مستقیم با بختیار اجتناب ورزیده و هرچند آنها او را «غیرقانونی» می دانند ولی تلاشهایش را تحمل خواهند نمود. امینی بختیار را نصیحت کرده که محکم بایستد و در مقابل درخواستهای خمینی برای انحلال مجلس و شورای سلطنت مقاومت نماید.

۵- امینی که با چندین نفر از شخصیتهای مخالف ملاقات نموده است از گفتگوهایش متقاعد شده است که خمینی نظریه های میانه را می پذیرد و از اقدام عجولانه خودداری می نماید. علاوه بر این او معتقد است که نیروهای داخل کشور از قبیل آیت الله های قم، بازاریها و مردمی که بیکار هستند، شروع به دفاع از خود نموده و تدریجاً آزادی عمل مطلق خمینی را فرسایش خواهند داد.

۶- مقامات نهضت آزادی مرتبط با خمینی اظهار رضایت کلی از طبیعت بدون خشونت راهپیمایی ۱۹ مارس در تهران نموده اند. منابع نهضت آزادی اشاره کرده اند که یک کمیته اعتصاب منصوب از طرف خمینی، امروز با فرمانی برای بازگرداندن بخشهای اصلی به سرکار در اوایل هفته آینده، شروع به کار کرد.

۷- یک منبع مخالفین امروز به سفارت گفت که کمونیستها مشغول سازماندهی تظاهرات خودشان که در جنوب تهران در ۲۱ ژانویه برگزار می شود هستند.

۸ - کنسول اصفهان گزارش می کند که درگیری شدیدی در ۱۹ ژانویه بین گروههای مخالف و موافق

ص: ۳۷۶



شاه در شهرهای نجف آباد و تیران که خارج از اصفهان هستند روی داد. ماه گذشته نجف آباد صحنه خشونت و خرابکاری شدیدی توسط گروههای طرفدار شاه بود. حداقل ۱۲ نفر کشته شدند (هیچ آمریکایی کشته نشد). هیچ عمل خشونت آمیز عمده دیگری گفته نشده.

۹- کنسول شیراز گزارش می کند که دستگاه رسمی دولت در آنجا با استثنائاتی چند تقریباً از انجام وظیفه بازمانده است. رهبران مذهبی مداخله نموده که برخی خدمات اساسی را سازماندهی نمایند. در حال حاضر انقلاب بر هر چیز دیگری پیشی می جوید. اجتماعات و سخنرانیها تقریباً جنبه های مداوم صحنه داخلی هستند.

۱۰- طبق گفته عضوی از همراهان شاه در آسوان، شاه آسوان را به قصد مراکش در صبح روز ۲۳ ژانویه ترک خواهد نمود. شاه حسین از اردن نیز به طوری که گزارش شده خانواده سلطنتی را برای سفری به عمان دعوت کرده است.

۱۱- پراودا در ۲۰ ژانویه مقاله ای طولانی و تند و سخت منتشر نمود که در مورد خطر یک کودتای حمایت شده از طرف ایالات متحده و یک دیکتاتوری نظامی اخطار می کند. یک لحن ضد آمریکایی شدید در مقاله وجود دارد که به عنوان تلاشی از طرف شوروی برای بدنام کردن هم ایالات متحده و هم بختیار دیده شده است.

۱۲- نفت: طبق گفته یک ناظر موثق، اکثریت کارکنان نفت اکنون آماده اند تا کارشان را بر یک اساس عادی از سر بگیرند. به هر صورت ترس جلوی آنها را از انجام آن می گیرد. رهبران یکدنده اعتصاب، مشخص و روشن نموده اند که علیرغم خواسته های آیت الله خمینی تولید کامل فقط زمانی می تواند از سر گرفته شود که آنها بگویند و هرکسی که تلاش نماید با آنها مخالفت نماید این کار را با به مخاطره انداختن خودش انجام خواهد داد. رهبران اعتصاب گفته شده است که تقریباً کارمندان جوانی (اداری) هستند که مدت زیادی نیست از دانشگاه خارج شده اند.

۱۳- امنیت آمریکاییها: دو پرواز ۷۴۷ پان آمریکن امروز با مجموع ۵۷۳ مسافر در تهران فعالیت داشته اند. یک ۷۴۷ برای ۲۱ ژانویه برنامه ریزی شده است.

### مخالفین مذهبی - فعالیتها

سند شماره (۲۹) از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۲۰ ژانویه ۱۹۷۹ - ۳۰ دی ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن خیلی محرمانه موضوع: مخالفین مذهبی - فعالیتها خلاصه مطلب: منابع نهضت آزادی از ثمرات راهپیمایی و رژه ۱۹ ژانویه (که جداگانه گزارش شده) اظهار رضایت کردند. هیچ گونه خشونتی دیده نشد و تنها ۲ گروه چپ برای برهم زدن اوضاع کوشش کردند. اینها توسط نیروهای انتظامی راه پیمایی، بدون درگیری متفرق شدند. کمیته کنترل اعتصابات منتخب خمینی با حکم بازگرداندن قسمتهای مهم به کار، منجمله کارکنان دولتی صبح روز ۲۰ ژانویه شروع به کار نمود. نهضت آزادی گفته است که چپها کوشش خواهند کرد که راهپیمایی جداگانه ای در جنوب تهران در ۲۱ ژانویه بر گزار کنند. مذاکرات بین گروههای مذهبی و بختیار در حال پیشرفت است.

هیئت نمایندگی مذهبی امکان دارد به پاریس برود و با خمینی صحبت کرده و بگوید که شورای انقلاب



اسلامی بایستی بر اساس بعضی از بنیادهای قانونی به کار گمارده شود. نهضت آزادی نگران است که بختیار و شورای سلطنت تسلیم نشوند. آنهایی که این موضوع را زمینه قرار می دهند بایستی از خوش بینی بیجا اجتناب ورزند.

۱- مأمور سیاسی سفارت استمپل با مقامات نهضت آزادی، توسلی و امیرانتظام (قویا از اسم آنها محافظت شود)، در اواخر غروب ۱۹ ژانویه و دوباره با انتظام در ظهر ۲۰ ژانویه صحبت کرد. هر دو آنها از نتایج راهپیمایی خوشحال بودند. ارزیابی آنها این بود که در این مراسم راهپیمایی بیش از ۵/۲ میلیون نفر شرکت کردند (دیگران منجمله مطبوعات داخلی تعداد را بین ۴/۱ الی ۸/۱ میلیون نفر ذکر کرده اند) و روز بدون خشونتی به پایان رسید. توسلی یادآور شد ۲ گروه چپی کوشش کردند که خود را در قسمتی از راهپیمایی جا دهند اما از داخل جمعیت بدون حادثه ای توسط گروههای انتظامی راهپیمایی بیرون رانده شده اند. تمام شعارها، اسلامی بودند. افراد نهضت آزادی قبول کردند که روحیه جمعیت کمی کسل تر از راهپیمایی عاشورا بود، اما هر دو آنها (و نیز اغلب اشخاص دیگری که ما با آنها صحبت کردیم) این را به یأس مربوط به رفتن شاه منتسب می نمایند. حالا که شاه رفته است مردم نگران چیزهای دیگری هستند، هوا، محصولاتشان، کمبود بنزین و غیره...

۲- انتظام گفت: کمیته اعتصابات منتخب خمینی امروز کار را شروع کرد. دکتر یدالله سحابی به عنوان رئیس و دکتر محمد جواد باهنر یک رهبر روحانی و علی اکبر معین فر به عنوان اعضاء برگزیده شده اند. این گروه ۲ عضو اضافی دیگر انتخاب خواهند کرد. انتظام گفت سحابی در حال بررسی بود که آیا او (امیرانتظام) بایستی در کمیته باشد یا نه، زیرا که او کارهای هماهنگ کننده بیشتری در جای دیگر انجام می دهد. انتظام گفت به هر صورت کار کمیته را دنبال خواهد کرد. در جواب سؤال، امیر انتظام تأیید کرد که فرمان کمیته شامل هر دو بخش عمومی و خصوصی بوده است و هدف تلاشها به حرکت در آوردن مجدد کشور می باشد. مأمور سفارت اشاره کرد که نخست وزیر کوششهای زیادی می کند که بخش عمومی را از ۲۱ ژانویه به سرکار بازگرداند. اگر هدف کمیته همین بود خیلی مفید خواهد بود که کارش با سرعت کافی پیشرفت نماید، که از ایجاد برخورد جلوگیری به عمل آید. زیرا هر دو طرف متعهد به بازگشت به سرکار، شده اند. امیرانتظام این مطلب را دریافت و تأکید کرد که این توافق همچنین کمک خواهد کرد که از عناصر چپها که کوشش می کنند به حرکت کارگران لطمه بزنند، جلوگیری به عمل آید (نظریه: ما امیدواریم که این کوشش برای توافق به سرعت کافی انجام گیرد اما این موضوع به زودی انجام خواهد گرفت).

۳- توسلی گفت سازمان دهندگان حزب توده اعلامیه ای منتشر کرده و تقاضای گردهمایی بزرگ چپها (و احتمالاً ضد مذهبی) برای پیش از ظهر ۲۱ ژانویه را نموده اند. محل تظاهرات میدان قزوین با یک میل فاصله در شمال ایستگاه راه آهن تهران در خیابان ششم بهمن خواهد بود، (نظریه: بجز شرکت توده و چپیهای رادیکال در فعالیتهای دانشگاه این اولین و بزرگترین آزمایش قدرت حزب توده است که با شرکت جمعیت بیشتری خواهد بود. در حقیقت اگر این اولین راهپیمایی سازمان یافته چپ، جنبه عملی به خود بگیرد ممکن است انگیزه سودمندی برای میانه رویهای نهضت آزادی باشد که کوشش خود را برای سرعت بخشیدن در پیدا کردن یک راه حل سیاسی میانه به کار برند). ۴- در یک صحبت جداگانه دکتر میناچی (حامی آیت الله شریعتمداری) تأیید کرد که مذاکرات فی مابین مخالفین و نمایندگان بختیار برای چگونگی حل اختلاف بین شورای انقلاب منتخب خمینی و



شورای سلطنت به پیش می رود. میناچی گفت که شورای خمینی هنوز افرادش نامگذاری نشده که قسمتی از آن به این دلیل است که مذاکرات در مورد ارتباط طرح ریزی شده بین آن شورا و شورای سلطنت هنوز ادامه دارد. میناچی گفت که آیت الله رفسنجانی و مطهری امکان دارد آنها را همراهی کنند، غرض از این مسافرت این خواهد بود که خمینی را راضی کنند که بپذیرد که شورای سلطنت اسلامی بایستی رابطه قانونی با رژیم کنونی داشته باشد و گرنه روحانیون میانه رو در اینجا آن را کاملاً قبول نخواهند کرد.

میناچی نخواهد گفت که چگونه امکان دارد این موضوع تحقق پیدا کند ولی فکر می کرد که شاید شورای اسلامی بتواند انتصاباتش را از شورای سلطنت به عنوان قسمتی از جریان انتخابات بگیرد.

۵ - انتظام نگرانی کمی متفاوت را در مورد وضعیت سیاسی باز ابراز کرد. او گفت که خمینی در شرف اعلان شورای انقلاب اسلامی بود، که هم اکنون نخست وزیر و کابینه را انتخاب کرده است. (او ادعا کرد که اسامی را نمی داند و احتمالاً اسامی را می دانست.) مشکل این است که بختیار از دادن استعفا خودداری کرده است. (مطبوعات صبح امتناع علنی بختیار را از انتقال قدرت به خمینی چاپ کرده اند: «یک کاردینال به جای یک نخست وزیر نمی نشیند.») انتظام فکر می کند که شورای سلطنت و مجلس تا حدودی حاضر به استعفا و کناره گیری شده اند (نظریه: ما فکر می کنیم این عمل بی موقع و زودرس می باشد) و جدیت لازم می باشد تا اینکه بتوان بختیار را از سر راه برداشت؛ دولت آمریکا می بایست بختیار را نصیحت به کناره گیری نماید. مأمور سیاسی سفارت متذکر شد که بختیار نخست وزیر قانونی است و این عامل مهمی در نگهداشتن ارتش پشت سر یک دولت غیر نظامی می باشد. مأمور سیاسی نقطه نظرهای شخص خود را با جسارت بیان کرد و گفت اگر طرحهای خمینی امیدی به تحقق دارند برخی مطابقتها با فرمهای قانون اساسی لازم خواهد بود. انتظام که به نظر می رسد با صحبت مصالحه و سازش که در پاراگراف قبلی ذکر شده آشنا نیست، سری به علامت توافق تکان داد و از موضوع صرف نظر نمود.

۶- تجزیه و تحلیل: میزان مشخص سردرگمی و نامطمئنی از طرف هر دو - میناچی و انتظام - دقیقاً اشاره بر این دارد که مخالفین هیچ ایده روشنی از اینکه چنانچه بختیار و دیگر نهادهای دولت از تسلیم شدن امتناع ورزند وضعیت به کجا می انجامد، ندارند. میناچی که ذاتاً یک خوش بین است، سدی در مقابل سؤال چگونگی حل مسأله شورای سلطنت در مقابل شورای انقلاب اسلامی نمی بیند. بختیار متذکر شده است که اگر تحت فشار قرار گیرد نتیجه احتمالاً یک به دستگیری قدرت خونین توسط ارتش می باشد.

مشکل عکس العمل نظامی در مقابل پیشنهادات خمینی و فقدان هر گونه استمرار منطبق با قانون اساسی در مورد راه حل خمینی، دخالت رهبران مذهبی میانه رو را قویتر نموده است. اگرچه شریعتمداری در گذشته تمایلی به اختلاف داشتن به صورت علنی با خمینی نشان نداده است، ما مطلعیم که وی در ۱۹ ژانویه مصاحبه ای با مطبوعات داشته که تا حدی از دولت بختیار حمایت می کند و اصرار دارد که شورای انقلاب اسلامی بایستی اساسی منطبق با قانون اساسی داشته باشد. خمینی به هیچ وجه مقام برتر خود را از دست نداده است ولی فرسایشی (در مقام او) وجود دارد و اگر گروه رهبران مذهبی داخل کشور تمایل به ایستادن در کنار امتناع بختیار در مورد کنار رفتن خودش از صحنه داشته باشند. سپس وقایع ممکن است

خمینی را علی‌رغم لجajتش وادار به حرکت در جهت مصالحه بنماید.

۷- پیش‌بینی احتیاطی در دستور کار است. سفیر و دیگر مأموران گزارش‌دهنده متوجه شده‌اند منابع وزارت خارجه مطبوعات را که ظاهراً تا حدی بر اساس گزارشات تلکس ما از جریاناتی که در بالا بدان

ص: ۳۷۹

اشاره شده بوده اند سابقه اطلاعات قرار داده اند و به مذاکراتی که در داخل ایران بر سر موقعیت خمینی جریان دارد تا اندازه ای آب و رنگ داده اند. میناچی یک خوش بین ثابت می باشد و خمینی همیشه لجوج بوده است. مراحل مذاکرات ایرانیان هرگز یک مدل استدلال معتدل و روان نبوده و همیشه نسبت به جریانات بیرونی حساس بوده است. ما فکر می کنیم برای چند روز و هفته حساس آینده، نیازی به هیچ نظریه ای در مورد این جریان وجود ندارد. اگر دلایلی برجسته برای توجیه مطبوعات در مورد سابقه وجود داشته باشد (و ما در اینجا نمی توانیم مجسم کنیم آنها چه خواهند بود)، ما معتقدیم صحیح تر و نیز محتاطانه تر خواهد بود که نظریه ای مهار شده تر و کمتر خوش بینانه همراه با کلمات عالی هادینگ کارتر (سخنگوی وزارت خارجه) راجع به تقاضاهای مایوس کننده ارائه گردد.

### شایعات سیاسی در میان برگزیدگان جوان

سند شماره (۳۰) از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۲۱ ژانویه ۱۹۷۹ - برابر با اول بهمن ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن خیلی محرمانه موضوع: شایعات سیاسی در میان برگزیدگان جوان ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- خلاصه: دستیار سابق در شرکت ملی نفت ایران و مدیر کل سابق وزارت بازرگانی در مورد: رابطه بین ژنرال ناظم و ژنرال جم، «مبارزه ترور شخصیت» بر علیه ژنرال خسرو داد، استعفای وزیر دادگستری، نفوذ مارکسیستها روی وقایع، سنجابی، شرکت ظلی معاون دبیر وزارت امور خارجه در تظاهرات ۱۹ ژانویه و مجموعه ای از دیگر موضوعات، اظهار نظر نمودند. (پایان خلاصه) ۳- مطالب زیرین یادداشتهایی از گفتگوی ۹ ساعته روز ۲۰ ژانویه با بهرام چوبین، دستیار سابق دکتر پرویز مینا در شرکت نفت می باشد. چوبین به طور کلی صادق است. ولی راست یا دروغ باشد کمربند انتقال بدون تشخیص چیزی که می شنود، می باشد. در طول قسمتی از این زمان (۹ ساعته) مصطفی انصاری یک مدیر کل اسبق در وزارت بازرگانی به دو مأمور سفارت و چوبین پیوست.

۴- ژنرال ناظم و ژنرال جم: ژنرال ناظم چند ماه پیش استعفا داد. او کمی خل و خیلی خشن است.

چوبین گفت ناظم دو استعفا نامه به شاه نوشت که اولین نامه رد شد. در جواب به نامه دوم که فحش آمیز و تهدید کننده بود، شاه فقط موافقت نمود که ناظم را بازنشسته گردانند، ناظم و جم فامیل هستند و جم احترام فوق العاده ای برای قضاوت ناظم قائل است. چوبین ادعا نمود این ناظم بود که جم را متقاعد نمود که مقام وزارت جنگ را نپذیرد.

۵- ژنرال خسرو داد: چوبین گفت برای متوقف نمودن مبارزه هدایت شده توسط مارکسیستها برای ترور شخصیت علیه ژنرال خسرو داد که قوی و قادر است و ۱۲ یا ۱۶ هزار رنجر او هنوز می توانند کنترل کشور را در ۲۴ ساعت به دست بگیرند، باید کاری انجام گیرد.

۶- خاطرات شریف امامی: شریف امامی، نخست وزیر قبلی در خاطراتش به سختی از سفیر سولیوان انتقاد خواهد نمود. او به دوستانش می گوید که هر بار او با سفیر گفتگو کرد، سولیوان بدون توجه به اینکه چه می گذرد وی را ترغیب نمود که معتدل تر شود. (پدر چوبین و شریف امامی از زمان مدرسه با هم دوستان صمیمی بوده اند.)

۷- وزیر، وزیر دادگستری: چوبین اظهار نمود که وزیری در حقیقت استعفا نموده که یک حزب سوسیال دموکراتیک که بختیار نخست وزیر نهایتاً به آن خواهد پیوست تشکیل دهد. (نظریه: مزخرف) ۸- چوبین به گروهی به نام «کمیته ۲۸» که برای حمایت از بختیار تشکیل شده، پیوسته است. هر عضو قرار است ۵ عضو جدید دیگر به گروه بیفزاید. این موضوع در جریان گفتگوها گم شد و مأمور سفارت نفهمید که کمیته ۲۸ چه کسانی هستند.

۹- مارکسیستها: چوبین اظهار داشت که اقلیتهای منظم مارکسیست در حقیقت خیلی از اعتصابات را کنترل می نمایند و بجز اینکه به زودی (اعتصابات) متوقف شود، به طور مؤثری جنبش مذهبی را در اختیار خود خواهند گرفت. چوبین هم اکنون شریکی در شرکت مهندسی دلتا که یک پیمانکار است و کارهایی (هم اکنون فعال نیست) در پالایشگاه تهران، در IGAT-II و در کارخانجات NGL در مناطق نفتی خوزستان دارد. یکی از کارمندان او یک مارکسیست جوان به نام سوارکی است که به توضیح دادن در مورد اینکه چگونه گروه او جریان وقایع را هدایت می نمایند علاقه مند است. طبق گفته چوبین سوارکی می گوید خمینی هرگز باز نمی گردد؛ ما به او اجازه نمی دهیم. چوبین پیشنهاد ارائه جزوه های مارکسیستی را نمود که توسط سوارکی به او داده شده و سوارکی زیر حقایق اصلی را خط کشیده است و بقیه را «سخنان ستایش آمیز برای مصرف مذهبی» می نامد. چوبین همچنین گفت شایعه ای وجود دارد که در یک حمله مشترک چند هفته پیش، ساواک و سیا یک برنامه ۳۰ صفحه ای برای یک به دستگیری قدرت توسط کمونیستها در ۷ مرحله که تخمین زده شده است ۴ تا ۵ سال طول می کشد را پیدا نمودند.

۱۰- سنجابی: سنجابی برای مدت مدیدی اسمش در لیست حقوق شرکت ملی نفت ایران با حقوق ماهانه ۲۱۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰ تومان (۳۰۰۰ دلار ماهیانه) بوده است. حدود ۱۰ تا ۱۲ سال پیش سنجابی با ساواک در معرفی چپها در دانشگاهها همکاری نمود. چوبین اظهار داشت علاوه بر این سنجابی متولد ایران نیست. (اطلاعات بیوگرافی ما اشاره می کند که وی در منطقه ایلیاتی سنجاب نزدیک کرمانشاه متولد شده است.) چوبین در مورد تلاش برای ترغیب او به تشکیل دولت گفت شاه با سنجابی با این حقایق رو به رو شد و تهدید نمود که اگر سنجابی همکاری نکند سابقه او را فاش خواهد نمود. (نظریه: البته سنجابی امتناع ورزید.) ۱۱- ظلی، معاون دبیر وزارت امور خارجه: مصطفی انصاری گفت که در ۱۹ ژانویه به دنبال یک برخورد در وزارت خارجه بین آنهایی که می خواستند «انسجام با مردم را نشان دهند» و دیگرانی که احساس می نمودند وزارت خارجه بایستی دور از کشمکش بماند، ظلی به طوری که گفته شده گروهی را برای پیوستن به راهپیمایان هدایت نمود.

۱۲- به طوری که گفته شده رئیس مجلس به دنبال تعداد زیادی از دیگر نمایندگان استعفا می نماید که دست بختیار را در اداره نمودن توسط فرمان، باز بگذارد. (نظریه: این جنبه عجیب شایعه استعفای همگانی یک چیز برای توضیح دادن دارد: نمایندگان مستعفی احتمالاً به نظر می رسد که در حالی که با بختیار همکاری می نمایند، از خمینی هم پیروی می کنند و ضمناً از مسئولیت فرار می کنند. چیزی که آن را به نظر غیرمحمتمل می رساند این است که پیش اغلب نظرها این کار به شانس بختیار برای به دست آوردن هر نوع قدرت معنوی بیشتر صدمه می رساند، اگر که آن را از بین نبرد. حکومت به وسیله فرمان تحت چنین شرایطی مورد سؤال قرار خواهد گرفت.)





۱۳- مهران، وزیر سابق دارایی و اقتصاد خارج شده است و اکنون در لندن است.

۱۴- هویدا: چوبین داستان میکروفون پشت گل میخک هویدا را که در مطبوعات دیده شده تکرار نمود. او اضافه کرد که نوارهای گفتگوهای متهم کننده توسط هویدا با شاه و دیگران در مقر هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل توسط برادر هویدا ذخیره شده و اکنون از آنجا، برای نگهداری مطمئن آنها، خارج شده است.

سند شماره (۳۱) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۲۲ ژانویه ۱۹۷۹ - برابر با دوم بهمن ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- خلاصه: ایران در انتظار خمینی است. بختیار عهد می کند که محکم بایستد. خشونت طرفدار و ضد رژیم. چپها آشکارا تظاهرات می کنند. آیت الله های میانه رو خود را از بختیار دور می کنند. در تبریز شایع شده که به خاطر اینکه شریعتمداری عامل ساواک خوانده شده بین طرفداران شریعتمداری و خمینی درگیری به وجود آمد. حمله به خانه بهاییان در غرب ایران. پایان خلاصه.

۳- انتظار می رود که خمینی نزدیک ظهر روز جمعه وارد شود؛ هرچند منابع در مورد زمان و شرکت هواپیمایی اختلاف دارند. (بعضی می گویند افرانس؛ دیگران می گویند کارکنان ایران ایر به سرکار باز می گردند تا آیت الله را بازگردانند.) خمینی در این اثنا به طوری که گزارش شده مجدداً اظهار داشته که نمایندگان مجلس باید مقامهای خود را رها کنند و همچنین شورای سلطنت. او از ارتش خواست که با دولتی که به زودی تشکیل می گردد همکاری نمایند. ما شب گذشته از یک مصاحبه با رسانه های انگلیسی به طور غیر مستقیم مطلع شدیم که خمینی به طوری که گفته شده است فاش ساخته که وی معامله ای با ارتش انجام داده است.

۴- بختیار، نخست وزیر، دیشب ملت را مورد خطاب قرار داد و اظهار داشت که وی استعفا نخواهد کرد باقی خواهد ماند تا از قانون اساسی دفاع نماید. او علاوه بر این تقاضای پایان بخشیدن به تظاهرات و اعتصابات را نمود و از مطبوعات به خاطر انتشار پیامهای مسموم انتقاد نمود. او اضافه نمود که «هیچ توهین دیگری را نسبت به ارتش» تحمل نخواهد نمود. به هر صورت او قبول کرد که اختلافاتی در نیروهای مسلح بین گروههای مذهبی و غیر مذهبی به وجود آمده است. بختیار ادعا نمود که قویترین نخست وزیر ایران می باشد چون که او صادقانه حکومت می کند. او اظهار داشت اعتصاب کنندگان دستوراتشان را از دشمنان خارجی می گیرند که روی دولت فشار بیاورند، دولت هم اکنون تمام تقاضاهای کارگران را انجام داده است. ۵ نفر از ۲۱ نماینده مجلس که استعفا نمودند، از استعفایشان صرف نظر نمودند تا مجلس استحکام پیدا کند. شورای امنیت ملی ایران شب گذشته تشکیل جلسه دادند ولی ما نمی دانیم چه تصمیمی گرفته شد.

۵ - چپها به صورت فزاینده ای آشکارتر گردیده اند. مارکسیستها دیروز چندین هزار نفر را برای گردهمایی در دانشکده فنی تهران جمع آوری کردند. دانشجویان مسلمان راهپیمایان را اذیت کردند و در حالی که ظاهراً هیچ جنگ خیابانی وجود نداشت، مقدار زیادی کشمکش و تعدادی نزاع وجود داشت.

مطبوعات گزارش کرده اند یک هواخواه مسلمان که با اتومبیلش به سختی و عمداً به داخل جمعیت راند، به وسیله نیروهای امنیتی مارکسیست کتک زده شد. در این اثنا حزب توده در پاریس تأییدش را در مورد شورای انقلاب اسلامی خمینی اعلام نمود. حزب توده خصوصاً اظهارات خمینی بر علیه مداخله ایالات متحده در ایران را مورد تأیید قرار می دهد. تمام نیروهای ضدامپریالیستی باید متحد شوند؛ بنابراین توده یک دولت طرفدار خمینی را حمایت می کند. موضوع مارکسیست اسلامی که مدتها توسط خیلی از مخالفین رد می شد، اکنون آشکارتر از آن است که نادیده گرفته شود.

۶- در استانها آشوب به وجود آمده ولی ظاهراً بین گروههای مخالف و موافق رژیم، تا چپ در مقابل راست. ۱۰ نفر دیروز در برخوردی در شیروان و قوچان (شمال شرقی ایران) کشته شدند. تعداد بیشتری روز شنبه در مشکین شهر نزدیک تبریز کشته شدند دولت می گوید یک نفر کشته شد ولی افراد محلی می گویند تا ۴۰ نفر کشته شدند. همچنین حداقل یک مرگ در هرسین نزدیک کرمانشاه وجود داشت. دسته های چماقدار طرفدار شاه (در جاده بندر پهلوی)، آمل و دیگر شهرها حمله کرده اند.

چماقداران همچنین اتومبیلها را شب گذشته در خیابان پهلوی تهران متوقف کردند.

۷- اعتصابات بدون کاسته شدن ادامه می یابد. کارگران (کارکنان) مخالف شب گذشته درست پس از اینکه وی سخنرانیش را شروع نموده بود برق را قطع کردند، و قدرت پخش برنامه رادیو را برای رادیوهای باطری دار کاهش دادند. کارکنان رادیو و تلویزیون ملی ایران رسماً از قبول رئیس جدید شان، امیر مسعود برزین، خودداری نموده اند. کارکنان وزارت دادگستری نیز اظهار داشته اند هیچ وزیری را که توسط بختیار منصوب شده است قبول نخواهند نمود.

۸- مبارزات داخلی مذهبی آشکار گردیده است. در پاسخ به یک گفته بختیار که سکوت آیت الله در مورد دولت او نشانه رضایت است، آیت الله شریعتمداری، گلپایگانی، مرعشی نجفی و روحانی اعلامیه های جداگانه ای منتشر نموده و این تصور را که آنها از نخست وزیر حمایت می نمایند رد کردند.

مطبوعات فکر می کنند این پس از اینکه خمینی شریعتمداری را به خاطر حمایت مخفیانه از بختیار مورد حمله قرار داد واقع شد. منبع مطبوعاتی ایران که در گذشته گزارشاتی قابل اطمینان تهیه کرده است، به مأمور سفارت گفت که خمینی به طور خصوصی شریعتمداری را متهم به طرفداری آمریکا و ابزار سیا بودن کرد که در نتیجه آن شریعتمداری گفت چنان گفته ای را از یک کمونیست می توان انتظار داشت.

۹- کنسول تبریز شایعات زیادی که طرفداران شریعتمداری بر علیه طرفداران خمینی در خیابانها مبارزه می کنند را گزارش می کند. (تبریز خانه شریعتمداری است.) همچنین شایعاتی مبنی بر اینکه شریعتمداری یک عامل ساواک است منتشر شده است.

۱۰- مطبوعات پر از گزارشات تفرقه در ارتش، خصوصاً گزارش یک اعتصاب غذا توسط تقریباً ۴۰۰۰ نفر افراد نیروی هوایی در پایگاههای شاهرخی و وحدتی، می باشد. به طوری که گزارش شده حدود ۱۰۰۰ نفر در پایگاه هوایی بندرعباس شب شنبه تظاهرات آرامی برگزار کردند. به نظر می رسد پایه و اساس برای تمام این گزارشات وجود دارد ولی ما تأییدی برای جزئیات

آن نداریم.

۱۱- کنسول تبریز شاهد مکالمات تلفنی دو سرباز با تهران (یکی وظیفه و دیگری حرفه ای) بود که آنها در مورد وضعیتی که پس از بازگشت خمینی در روز جمعه ایجاد می شود ابراز نگرانی نمودند و توسط خانواده هایشان در تهران آدرسهایی به آنها داده شد که اگر می خواهند فرار کنند به آنجا بروند. تبریز مثل

ص: ۳۸۳

اغلب شهرها تعطیل باقی می ماند. هیچ فرماندار و شهرداری وجود ندارد و پلیس از خیابانها بیرون کشیده شده و در زندان قدیمی تمرکز پیدا کرده اند. گروههای مذهبی و چپی دو روز پیش در دانشگاه برخوردی داشتند.

۱۲- ما مطلع شده ایم که حدود ۱۰ روز قبل در شهر کوچک میاندوآب، موقعی که ۸۰ خانه آتش زده شد ۲۰۰۰ بهائی بی خانه شدند.

۱۳- امروز شیراز بجز برای یک تظاهرات (آرام) کوچک نزدیک کنسولگری و به طرف یکی از قصرهای شاه در آنجا آرام بود، ولی همچنین شامل فریادهای «یانکی به خانه ات برگرد» نیز بود.

### اطلاعات بیوگرافیک درباره دولت جدید

سند شماره (۳۲) از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۲۳ ژانویه ۱۹۷۹ - برابر با ۳ بهمن ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

طبقه بندی: سری - غیر قابل روت برای خارجیان گزارشگر: پرت موضوع: اطلاعات بیوگرافیک درباره دولت جدید ۱- (محرمانه) جزئیات مربوط به شاهپور بختیار، نخست وزیر، در ۱۶۲۷۶ - ۷۸ CRM ارائه شد.

۲- (سری) احمد میرفندرسکی - وزیر امور خارجه - در سال ۱۹۱۸ در یک خانواده وزارت خارجه ای متولد شد. او تحصیلات ابتدایی خود را در تفلیس، جایی که پدرش عنوان کنسولی داشت، گذراند و تحصیلات متوسطه اش را در تهران انجام داد. در سال ۱۹۳۷ وارد دانشگاه آمریکایی در بیروت شد و با درجه ای در حقوق از مدرسه سنت جوزف بیروت، تحصیلات دانشگاهیش را تکمیل کرد.

وی خدمت خود در وزارت خارجه را در سال ۱۹۴۷ آغاز کرد و مشاغلش شامل دبیر سومی در مسکو از ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۳؛ مأموریت کوتاهی در تهران در ۱۹۵۳؛ دبیر دومی در لاهه از ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۶؛ کفالت مدیریت قسمت عهدنامه ها و امور حقوقی از ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۷ مستشار در دهلی نو از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰؛ سرکنسول در استانبول از ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲؛ مدیر بخش اقتصادی در ۱۹۶۲ بوده اند. پس از مدت کوتاهی که مدیر اداره دوم سیاسی در ۱۹۶۳ بود، در مارس همان سال مدیر کل امور سیاسی شد. در ژوئن ۱۹۶۴ او به عنوان معاون امور سیاسی و پارلمانی انتخاب شد. سپس از ژوئیه ۱۹۶۵ تا سپتامبر ۱۹۷۱ به عنوان سفیر در مسکو خدمت نمود و پس از آن قائم مقام وزارت امور خارجه شد. در اکتبر ۱۹۷۳ از خدمت اخراج شد که ظاهراً به این سبب رخ داد که وی به هواپیمای شوروی که مأمور تأمین اعراب در حال جنگ بود اجازه داد از فضای هوایی ایران عبور کند، علیرغم آنکه شاه حدود خشکی اعمال کرده بود و بدین ترتیب نظر نامطبوع شاه را برای خود خرید. از آن زمان او جز شغل کوچک مشاور وزیر خارجه چیز دیگری در دست نداشته است. در واقع او در نتیجه خشمش از اخراج شدن و همچنین مطابق گزارشها به سبب یک اشکال اعتیاد به الکل چندین سال است که از صحنه بیرون مانده است. واضح است که میرفندرسکی گنجینه ای از تجارب با خود دارد و همکارانش در وزارتخانه با نظر احترام به وی می نگرند.

در مسکو او فرستاده موفقی بود، دلیلش این است که زبان آنها را با تبحر صحبت می کند و از قراری که گزارش شده در

روزهای جوانیش پس از صرف مقدار زیادی ودکا به رقص و آواز روسی پرداخت. از طرف دیگر او در مقام معاونت پارلمانی در ۱۹۶۴ در دفاع از لایحه اعطای مصونیت سیاسی به مستشاران

ص: ۳۸۴

نظامی آمریکا فوق العاده با ضعف عمل کرد. او مردی کوچک با پوست زیتونی و فردی صمیمی و جذاب است. بعضی مقامات دولت آمریکا او را در شرایط فشار به هیچ وجه شایسته اعتماد کامل ندانسته اند.

میرفندرسکی سه فرزند دارد. او علاوه بر آلمانی و انگلیسی، روسی و فرانسه را به خوبی تکلم می کند.

(باید متذکر شد که اطلاعاتی که وزارت امور خارجه در مورد چند فقره از مناصب گذشته اش تسلیم نموده، شدیداً با سوابق ما درباره احوال اولیه اش مغایرت دارند. این اطلاعات چنین می گویند که ورود به خدمت در ۱۹۴۲، خدمت در مقام دبیر سومی و دبیر دومی در مسکو از ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۱، اداره گذرنامه در ۱۹۵۱ و دبیر دوم و دبیر اول در لاهه از ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۶ بوده است.) ۳- (بدون طبقه بندی) لطفعلی صمیمی، وزیر پست و تلگراف و تلفن: حدوداً ۵۷ سال دارد. وی در سال ۱۹۵۴ در رشته مهندسی مکانیک فارغ التحصیل شد و سال بعد به اداره بی سیم پیوست. صمیمی که یکی از بنیانگذاران حزب ایران (یکی از اجزای جبهه ملی) است، در اوت ۱۹۵۴ به زندان افکنده شد. در ۱۹۶۳ پس از هفت سال تعلیق خدمت دوباره او را بر سر کار آوردند. وی سپس به مطالعات تخصصی در مهندسی ارتباطات در فرانسه و آلمان پرداخت. پس از آن به عنوان رئیس اداره مطالعات و مدیر خدمات پستی وزارت پست و تلگراف و تلفن خدمت کرد. آخرین مقام او بازرس وزارت پست و تلگراف بوده است.

۴- (بدون طبقه بندی) محمد مشیری یزدی، معاون مالی و اداری نخست وزیر: در سال ۱۹۲۱ به دنیا آمد. او از دانشگاه تهران مدرکی در علوم سیاسی دریافت داشته است. ورودش به خدمت دولت در وزارت حرفه و تجارت در ۱۹۴۰ بود و در ۱۹۴۶ به علت حجم کارش به وزارت کار انتقال یافت. مشاغلش از این قرار بوده اند: مدیر کل اداره کار اصفهان؛ رئیس ادارات کار در خوزستان و تهران؛ عضو هیئت رئیسه هیئت تعاون عمومی تهران؛ مدیر کل اداری وزارت کار؛ ناظر دولت در سازمان بیمه های اجتماعی کارگران و قائم مقام دائمی وزیر کار. در ژوئن ۱۹۷۱، او رئیس هیئت مدیره شرکت وامهای پس انداز مسکن شد. مشیری یزدی با... سازمان ملل و برنامه اصل چهار ایالات متحده کار کرده است. او به فرانسه و انگلیسی صحبت می کند.

۵- (خیلی محرمانه) منوچهر کاظمی، وزیر کشاورزی و منابع طبیعی: ۶۴ سال دارد. او در مهندسی و اقتصاد مدارکی در دست دارد و حداقل بخشی از کار دانشگاهیش را در هاروارد گذرانده است. او در سازمان برنامه و بودجه خدمت کرده و به مقام معاونت آن سازمان رسیده است. او دوست آمریکاییها، ولی منتقد رژیم شناخته می شود. وی به فرانسه و انگلیسی حرف می زند.

۶- (خیلی محرمانه) عباسقلی بختیار، وزیر صنایع معادن و تجارت: پسر عموی نخست وزیر است. او که متولد سال ۱۹۲۷ است، مدارکی در حقوق و ادبیات از دانشگاه تهران، مهندس شیمی از دانشگاه گلاسکو و دکترای شیمی از دانشگاه لندن به دست آورد. سوابق او شامل مناصبی به عنوان مدیر فنی شرکت سرمایه شکر؛ سخنران دانشکده فنی دانشگاه تهران؛ رئیس اکتشافات گاز و پتروشیمی شرکت نفت با مسئولیت طرح ریزی برای مجموعه پتروشیمی آبادان و (در ۱۹۶۶) مدیر اجرایی شرکت مشترک پتروشیمی آبادان بوده است. پس از آن وی با عنوان معاون صنعتی وزارت امور اقتصادی و دارایی خدمت کرد. در اوائل ۱۹۷۵ این مقام را ترک و به سازمان خریدهای نظامی منتقل شد. شایعات گویای این هستند که خروج او از وزارت امور اقتصادی و دارایی به دنبال یک کشمکش بر سر مسائل سیاسی با انصاری و نجم آبادی بود. بختیار وضع

سلامتیش متزلزل بوده و ادعا شده که یک حمله قلبی به سراغش آمده است.

ص: ۳۸۵



او عینک تیره به چشم می زند و در طرف راست صورتش فلج موضعی دارد. این حالت کمی بر تکلمش تأثیر می گذارد. او متمایل به آمریکا دانسته می شود. وی به انگلیسی صحبت می کند.

۷- (خیلی محرمانه) رستم پیراسته، وزیر امور اقتصادی و دارایی: ۴۶ سال دارد و از یک دانشگاه آمریکایی در اقتصاد و بانکداری دکتر گرفته است. سابقه بانکی او پیوندهای نزدیکی با ایالات متحده را در بردارد و در واقع بیشتر آن با «چیس مانهاتان بانک» نیویورک بوده است. پیراسته در چیس مانهاتان به عنوان یک معاون عالیرتبه و عضو کارکنان ارشد طرح ریزی کار کرده و گزارشها حکایت می کند که چیس مانهاتان نسبت به استعدادات او نظر عالی داشته است. پیراسته، چیس مانهاتان را ترک کرد تا مدیر بانک بین المللی ایران که ۳۵ درصد در تملک چیس مانهاتان است، شود. به نظر می رسد که ارتباط او با آمریکا او را در برابر موج ضدیت با آمریکایی که ایران را فرا می گیرد، زخم پذیر نشان دهد. در واقع او هم اکنون نیز از طرف کارکنان وزارت امور اقتصادی و دارایی متهم به داشتن تابعیت دوگانه از ایران و آمریکاست. در جلسه اخیر او با مدیرکل ها (مدیرکل های مشغول به کار) به او غیر قانونی و غیر قابل پذیرش گفته شد. او در تشکیل بانک بین المللی ایران که یک اقدام مشترک است، کارش را به خوبی انجام داد. وی که یک ناسیونالیست است از ایرانیان خواسته است که به جای سرمایه گذاری در خارج پول خود را در کشور نگاهدارند. او در برخورد با مسائل مادی دارای دیدگاهی گسترده است. پیراسته با ایجاد تعجب همگان از بانک بین المللی استعفا داد. در صحبتهای خود با خبرنگاران به توصیف برنامه های دراز مدت می پردازد، گویی که قصد دارد برای اداره آنها بر سر کار باشد. او ظاهراً بین اوضاع سیاسی و امور اقتصادی تمایز قائل می شود؛ این کاری است که به مقداری وقت نیاز دارد.

۸- (خیلی محرمانه) سیروس آموزگار، وزیر اطلاعات و جهانگردی: به سال ۱۹۳۴ به دنیا آمد. او با خانواده جمشید آموزگار نسبتی ندارد. در ۱۹۵۴ وی از دانشگاه تهران به دریافت لیسانس حقوق نائل آمد و در ۱۹۶۳ از همان دانشگاه دکترای اقتصاد گرفت. آموزگار ترکیب غربی از یک اقتصاددان و داستان نویس است. او به عنوان دستیار رئیس اداره مرکزی بانک اعتبارات ایران، مدیر یک شرکت نشر کتاب و مشاور اقتصادی وزارت کار خدمت کرده است. او کتابهایی درباره قانون و اقتصاد (که طبق گزارشها حاوی یک دیدگاه نسبتاً چپ است) انتشار داده است، به علاوه چندرمان، داستان کوتاه و نمایشنامه.

۹- (خیلی محرمانه) محمد امین ریاحی، وزیر آموزش: به سال ۱۹۲۳ در خوی تولد یافت. او در ۱۹۵۰ از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران لیسانس گرفت و سپس از آن دانشگاه به دریافت دکترای ادبیات نایل آمد. در ۱۹۵۰ به تدریس دبیرستانی در قم پرداخت و سال بعد معاون اداره کل آموزش آذربایجان شد. او تا سال ۱۹۲۵ (طبق کتاب هویت های اشخاص «WHO IS WHO» این تاریخ ظاهراً احتمالی است) مدیر دانشسرای مقدماتی معلمان بود. او از ۱۹۶۱ در مقام مدیر کل نشریات و آمار وزارت آموزش خدمت کرده است. ریاحی سردبیر ماهنامه آموزشی «آموزش و پرورش» بوده است. او همچنین نویسنده و مؤلف مجله «کیهان فرهنگی» بوده است. به علاوه او در مقام مدیر کلی هیئت امنای بنیاد شاهنامه خدمت کرده است. وی به انگلیسی و فرانسه تکلم می کند. منبع دانشگاهی مخالف، ریاحی را به عنوان نمونه میانه روی کابینه بختیار به مأمور سفارت معرفی کرد.

۱۰- (محرمانه) منوچهر رزم آرا، وزیر بهداشتی: یک پزشک و متخصص قلب است. تحصیلات خود را



در فرانسه تکمیل کرد و عضو جامعه کار دیولوژیستهای فرانسه است. جزئیات بیشتری در دست نیست.

۱۱- (سری) جواد خادم، وزیر مسکن و شهرسازی: فقط ۳۸ سال دارد. او از یک دانشگاه بریتانیا درجه ای در مهندسی ساختمان دارد. او سوابق خود را عمدتاً در بخش خصوصی دارد. او یک مقاطعه کار فعال بوده و آخرین شغلش مدیریت گروه ساختمانی آکام بوده است. مشهور است که او فردی احساساتی و احتمالاً ضد آمریکایی است، درباره خادم می گویند که در کار مقاطعه کاریش رشوه پذیرفته است.

۱۲- (خیلی محرمانه) منوچهر آریانا، وزیر کار و امور اجتماعی. در تهران به سال ۱۹۲۲ به دنیا آمد. او از دانشگاه تهران در اقتصاد و حقوق سیاسی فارغ التحصیل شد. وی در سال ۱۹۴۶ به وزارت کار پیوست و در آنجا با مشاغل مدیر کلی کار و امور اجتماعی استان تهران و سپس خوزستان؛ معاون فنی؛ نماینده دولت در هیئت نظارت سازمان بیمه های اجتماعی و (از اکتبر ۱۹۷۳) به عنوان مدیر اجرایی صندوق تحصیل فرزندان کارگران خدمت کرده است. بر طبق گزارشها، آریانا پسر عموی تیمسار بازنشسته آریانا است؛ یکی از نظامیان قدیمی که بعضی از مخالفین به طوری که گزارش شده قابل قبولش می دانند.

۱۳- (خیلی محرمانه) سپهد جعفر شفقت، وزیر دفاع: در سال ۱۹۱۵ در تبریز تولد یافت. او در دانشکده نظام تهران و دانشکده جنگ فرانسه تحصیل کرد و در حقوق بین الملل از دانشگاه پاریس دکترا اخذ کرد (۱۹۵۳). او تعلیمات حقوقی خود را طی سوابق نظامی خود به کار گرفته است. شروع کار او در لشکر یک پیاده آذربایجان در ۱۹۵۸ بود و در ۱۹۶۱ رئیس دیوان عالی شد. در سال ۱۹۶۴، او معاون فرمانده نیروهای زمینی شاهنشاهی ایران شد. از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱، شفقت به عنوان رئیس دادگاه عالی اداره قضایی مشغول بود. در ژوئن ۱۹۷۱، او آجودان شاه شد و در آن مقام بود که تحقیقات شورشهای فوریه ۱۹۷۸ تبریز را انجام داد. یک ماه بعد او استاندار آذربایجان شرقی شد. شفقت یک فرمانده برجسته که سریعاً اقدام می کند و از زیردستانش به خوبی استفاده می جوید، شناخته می شود.

دخالت عمیق او در امور حقوقی قسمتی از وظایف فرماندهی او را به خود اختصاص داد. کنسولگری تبریز گزارش می دهد که در تبریز او به خوبی مورد احترام بود (اینکه او از اهالی تبریز بوده و تسلطش به زبان آنجا بدون شک وی را یاری داده است). او را می شد اغلب اوقات در حال عبور از خیابانهای شهر یا در اتومبیل خود دید که بدون ملترزمین مسلح فراوان در انظار ظاهر می شد. به هر حال، در تهران مخالفین او را در قبال ناآرامی شهری، دارای موضع سخت می نگرند که احتمالاً به دلیل خدمت او در دادگاههای نظامی است؛ یک منبع مخالفین او را «جلاد» می نامد. او سه فرزند دارد و فرانسه را به خوبی و انگلیسی را به طور متوسط تکلم می کند. سولیوان

## گزارش وضعیت ایران، شماره ۱۱۰

سند شماره (۳۳) از: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۲۳ ژانویه ۱۹۷۹ - برابر با ۳ بهمن ۱۳۵۷ به: تمام پستهای دیپلماتیک اروپایی، خاور نزدیک و آسیای جنوبی سری موضوع: گزارش وضعیت ایران، شماره ۱۱۰ - (تمام متن سری) سیاسی - امنیتی گفته می شود که میانه روهای مذهبی منجمله شریعتمداری معتقدند که آنها خمینی را متقاعد نموده اند

که تا زمانی که با رهبریت مخالف در ایران مشورت نکرده است، او برای صدور اعلامیه های نهایی در مورد موضوعاتی از قبیل شورای سلطنت و دولت بختیار صبر کند. رهبران میانه رو مذهبی قویا معتقدند که قانون اساسی باید پیگیری شود، در غیر این صورت آنها یک خطر جدی کودتای نظامی را می بینند. بعضی از میانه روها که در جهت یک مصالحه کار می کنند، به دنبال راههایی برای ادغام شورای سلطنت و شورای اسلامی خمینی هستند. به طور اضافی، جنبش اسلامی در تلاش است که با ارتش در جهت مطمئن ساختن آن از اینکه بازگشت خمینی صلح آمیز خواهد بود کار کند.

۲- دانشجویان مسلمان دیروز به گزارشات تفرقه آمیز در محل دفاتر یکی از روزنامه های اصلی تهران (اطلاعات) اعتراض نمودند. سخنگوی دانشجویان گفت وی به ایدئولوژی هرکسی احترام می گذارد ولی ایسم هایی وجود دارند که صحیح نیستند انقلاب پیروزمند بایستی که به صورت صحیح در مطبوعات منعکس شود.

۳- ژنرال رحیمی فرماندار نظامی تهران برای جایگزینی با رئیس پلیس تهران برگزیده شده است.

دومی فقط دو ماه در پستش بوده است.

۴- کارگران چاپخانه ها اظهار داشته اند که آنها اسناد و مدارک دولتی منجمله پاسپورت ها را چاپ نخواهند کرد. آیت الله طالقانی از کارمندان بخش خارجی رادیو و تلویزیون ایران به خاطر سختی اعتصاب روی جامعه خارجیان درخواست نموده است که به سرکارشان بازگردند.

۵- کنسولگری اصفهان تهدیدات مستمر و برخی چپاولگریها را مرتبط با آمریکاییهایی که خانه هایشان را تخلیه می کنند و یا اثاثیه می فروشند گزارش کرده است. نیروهای امنیتی به نظر می رسد که از تظاهرات در هرجایی که اتفاق بیفتد جلوگیری می کنند. کنسولگری تبریز گزارش می کند که شهر هنوز کاملاً بسته است، منجمله دفاتر دولتی.

۶- ایزوستیا در ۲۲ ژانویه روی مطلب رسانه های گروهی در مورد تأسیسات جاسوسی ایالات متحده در ایران و تمایل گفته شده ایالات متحده در انتقال این تأسیسات به ترکیه به دقت کار کرده بود. نویسنده همچنین صحبت انتقال این وسایل جاسوسی از ایران به اسرائیل را مورد اشاره قرار داده بود. این مورد تأکید قرار گرفته بود که حضور نظامی ایالات متحده از هر نوعی، یک تهدید جدی نسبت به آرمان جنبش آزادیبخش ملی می باشد.

اقتصادی - مالی ۷- رستم پیراسته، وزیر دارایی ایران اطمینانهایی داد که هر نوع عقب افتادگی جبران خواهد شد و اقساط به تعویق افتاده نتیجه اعتصابات هستند و نه فشارهای مالی. دولت ایران دو تیم از مقامات ارشد مالی را به خارج می فرستد که بانکداران خارجی را مطمئن سازند. اولین (تیم) انتظار می رود که اواخر این هفته در نیویورک باشد.

۸- رئیس کل بانک مرکزی ایران، خوش کیش استعفا کرد. خوش کیش به خاطر رهبری غیر مؤثرش که اجازه داد اعتصاب بانک مرکزی به سرعت بالا بگیرد به طور وسیعی مورد انتقاد قرار گرفته بود.

پیراسته وزیر دارایی در نظر دارد که بهبودی بانک مرکزی ایران را خود سرپرستی کند.

۹- بانکهای تجارتي ايران به فعاليت ادامه مي دهند، اگر چه با خدمات محدود و اغلب با سهميه هايي

ص: ۳۸۸

در مورد بازگیری (پرداخت) از حسابها در طول هفته مختصر کار. نرخهای ارز خارجی غیر تجارتي بالا رفته اند که قسمتی از آن منعکس کننده موفقیت کارمندان بانک مرکزی در متوقف ساختن فروشهای ارز خارجی به وسیله بانک مرکزی به بانکهای تجارتي برای بازار تجارت می باشد. در ۲۲ ژانویه واسطه های ارز خارجی یک دلار را ۹۱ ریال (خرید) و ۹۴ ریال (فروش) قیمت گذاری کردند (نرخ عادی ۵/۷۰ ریال). ذخایر ارز خارجی بین ۴/۱۰ تا ۶/۱۰ میلیارد دلار تخمین زده می شود.

۱۰- پیراسته، وزیر دارایی در اوایل این هفته با نمایندگان بانکهای اصلی ایران ملاقات نمود که معیارهای جایگزینی را ارائه دهد و برای بازگیری سپرده ها راهنماییهای پیشنهاد نماید. طبق گفته پیراسته بانک مرکزی ایران احتمالاً تا ۵۰ درصد تعهدات واريز نشده ارز خارجی بانکها را از طریق وام خواهد پوشاند.

۱۱- رئیس سازمان انرژی اتمی ایران به سفارت اطلاع داد که برنامه انرژی هسته ای در ایران که سابقاً جاه طلبانه ترین طرح در جهان سوم بود بالقوه تمام شده است و کار روی پروژه های آلمانی و فرانسوی متوقف خواهد شد و تکنسین های خارجی به کشورهايشان باز خواهند گشت. خود سازمان انرژی اتمی ایران منحل خواهد شد.

### نقطه نظرهای سنجابی درباره خمینی و دولت

سند شماره (۳۴) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۲۳ ژانویه ۱۹۷۹ - برابر با ۳ بهمن ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری موضوع: نقطه نظرهای سنجابی درباره خمینی و دولت ۱- (تمامی متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: سنجابی با نظر شورای انقلاب اسلامی مخالفت می کند اما برای تغییر دولت در تلاش است. نهایتاً بازگشت ولیعهد را پیش بینی می کند. (پایان خلاصه) ۳- در دومین ملاقاتش با سفارت در ۲۳ ژانویه، سنجابی گفت با توجه به بازگشت آیت الله خمینی به ایران در جمعه آینده او در مورد وضعیت مملکت نگران می باشد. او به خمینی توصیه کرده است که هنوز به ایران برنگردد و بگذارد ابتدا اوضاع بهتر شود. او فکر کرد که دیگران هم به همین نحو به او توصیه کرده اند.

(نظریه: آنها چنین کرده اند) در هر حال خمینی یک خصوصیت مستبدانه در نهادش دارد و تصمیم گرفته است که بیاید سنجابی توسط بهشتی کمتر از یک هفته قبل پیامی برای خمینی فرستاد که اصرار برای به وجود آوردن یک شورای انقلاب اسلامی اشتباه خواهد بود. تمام تغییرات باید در چهار چوب قانون اساسی که کافی بر این امر است انجام شود. تغییر اصلی ضروری در این زمان یک دولت جدید مورد توافق خمینی است.

۴- سنجابی نزد کنسول سیاسی تأیید کرد که وی محرم اسرار افکار خمینی نیست؛ خصوصاً اینکه چه کسی و چه تعدادی در شورای انقلاب اسلامی خواهد بود. فروهر در پاریس است و در منزل خمینی در مورد نقطه نظرهای سنجابی تأکید می ورزد و هر روز تلفنی گزارش می دهد. او گزارش داد که ظاهراً بهشتی به خمینی اطلاع داده که سنجابی میل ندارد عضو شورای انقلاب اسلامی باشد؛ چیزی که سنجابی

هرگز نگفته است. او فقط با تشکیل چنین شورایی از هر جهت مخالف بوده. (نظریه: یک تشخیص عالی). ۵ - کنسول سیاسی موضع دولت ایالات متحده را مطرح کرد. اگر خمینی بعد از مراجعتش، روی نظراتش برای یک قانون اساسی دیگر تأکید نماید، ما نیز نگران بدتر شدن احتمالی اوضاع هستیم. ما از دولت منطبق بر قانون اساسی بختیار حمایت می کنیم و اشاره می کنیم که ارتش نیز از آن حمایت می کند.

خیلی بهتر خواهد بود اگر خمینی از مبارزه اش با سیستم فعلی دست بردارد و فقط موافق با انتخابات باشد که او احتمالاً از آن طریق می تواند اکثریت عظیمی برای آنچه که می خواهد انجام دهد به دست آورد.

علیرغم اختلافات اخیر بین دو مرد، ما امیدواریم سنجابی از بختیار که به هر حال یک دولت انتقالی منتهی به انتخابات در چارچوب قانونی اساسی است و سنجابی طرفدار آن است، حمایت و پشتیبانی کند.

۶- سنجابی به نیاز به تغییر دولت بازگشت. بختیار نظرات منسجمی ندارد. خیلی متکبر است و به زودی خواهیم دید که او هیچ طرفداری در بین مردم ندارد، برای مثال به طوری که گزارش شده او با کمک ساواک در حال ترتیب دادن یک تظاهرات موافق دولت برای فردا ۲۴ ژانویه در مقابل مجلس می باشد این احمقانه است زیرا او نمی تواند امیدوار باشد که تعداد خیلی زیادی را جمع کند و ممکن است برخوردهایی را به وجود بیاورد. باید به او توصیه شود که این برنامه ها را لغو کند زیرا ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد. (نظریه: در حقیقت بختیار یک چنین میتینگی را امروز بعد از ظهر ۲۳ ژانویه در استادیوم امجدیه که از سفارت دور نیست شروع نموده است.) ۷- در جواب سؤالی سنجابی گفت او احتیاجی نمی بیند که در دولت جدید باشد. او به طور ضمنی موافق بود که بازرگان به احتمال زیاد برای ریاست دولت یا عضویت در آن انتخاب خواهد شد. او گفت که درباره نظراتش اخیراً با بازرگان به طور خصوصی صحبتی نکرده و فقط با بهشتی صحبت کرده است.

(نظریه: این نشان می دهد که سنجابی حتی از همکاران سابق جبهه ملیش مانند بازرگان نیز جدا شده است و همچنین از طرف گروه خمینی.) سنجابی در مورد وسایلی که دولت ممکن است توسط آنها تغییر کند متحیر بود. او فکر می کرد این کار می تواند از طریق پارلمان یا شورای سلطنت صورت پذیرد. (که یکی از اعضای آن به تازگی در پاریس استعفا داد.) او فکر می کرد که ارتش نسبت به هر تغییری که از طریق مراحل قانون اساسی ابراز شود وفادار خواهد ماند. (نظریه: ممکن است او راست بگوید.) ۸ - سنجابی ادامه داد که اگر چه وی ترجیح می داده است (امام) خمینی مدت بیشتری خارج از کشور باشد اما بازگشت (امام) خمینی خاصیت دارد و آن این است که او را مجبور خواهد کرد که در تماس با سایر آیت الله های برجسته مانند شریعتمداری باشد. او نمی دانست که طرز فکر فعلی طالقانی چیست، اما گمان قطعی داشت که شریعتمداری و سایر آیت الله های قم با روش (امام) خمینی موافق نیستند، گرچه آنها می ترسند از اینکه مخالفت خود را بیان کنند. او امیدوار بود که (امام) خمینی به طریقی قانع شود که از مقصودش برای جمهوری که منجر به خونریزی خواهد شد اعتدالی ایجاد نماید. قانون اساسی فعلی در حقیقت برای ایران خیلی مناسب است. مردم ایران دیگر تمایلی به استفاده از خود شاه، برادران و خواهران، خواهر زاده و برادرزاده هایش، دایهها و عموهایش ندارند. در هر حال ولیعهد هنوز یک فرد خرد سال است و سنجابی بازگشت او را به عنوان یک شاه مطابق با قانون اساسی می پندارد. او فکر می کرد (امام) خمینی در حمله به نهاد پادشاهی خیلی زیاده روی کرده است (نظریه: این درست تکرار نکته ای بود که در صحبت قبلی ما چند هفته پیش عنوان

شد.)

ص: ۳۹۰



۹- در صحبت کوتاهی درباره اطرافیان (امام) خمینی، سنجابی قطب زاده را به عنوان دروغگوی بزرگ خواند. او از نفوذی که قطب زاده و یزدی روی (امام) خمینی داشتند نگران بود. (نظریه: درباره بنی صدر عضو سوم گروه سه نفره، سنجابی قبلاً به ما گفت که او بنی صدر را دوست جبهه ملی می داند.) سنجابی ملاقات چند ماه پیش خودش با (امام) خمینی را به یاد آورد؛ موقعی که او و (امام) خمینی موافقت نامه ای به وجود آوردند که (امام) خمینی شخصاً تأیید کرد (حتی یک کلمه اضافه کرد) و اسمی از جمهوری اسلامی نبرد. (امام) خمینی می خواست که این را اضافه کند اما سنجابی مخالفت کرد. اما روز بعد قطب زاده بیانیه ای به نام خمینی مبنی بر اینکه (امام) خمینی طرفدار جمهوری اسلامی بود صادر کرد که بهتانی به بیانیه مشترک بود.

۱۰- در جواب به یک پیشدستی از طرف کنسول سیاسی، سنجابی اظهار داشت که او مطمئن است ضد آمریکایی بودن کم می شود و پس از اینکه یک دولت واقع بین جدید قدرت را به دست بگیرد و صحنه را بررسی کند کمتر خواهد شد. او گفت نمی داند که تظاهر کنندگان چه روزهای اخیر حقیقتاً چه کسانی هستند. مطمئناً بعضی کمونیست هستند از مارک های مختلف.

نظریه: سنجابی در میدان رها شده، خود را تنها احساس می کند و در جستجوی دوستانی مانند دولت آمریکا است. نام او هنوز وزنه ای است در میان مخالفین، و او فهم و ذکاوت و تجربه اینکه نقش مهمی در آینده ایفا کند دارا می باشد. او گفت که وی مشغول فعالیت برای وسعت بخشیدن به پایگاه حزبش خصوصاً در میان جوانان می باشد. او به این احتیاج دارد.

سولیوان

### میانه روهای مذهبی قصد دارند به خمینی متکی شوند

سند شماره (۳۵) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۲۳ ژانویه ۱۹۷۹ - برابر با ۳ بهمن ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: میانه روهای مذهبی قصد دارند به خمینی متکی شوند ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: میناچی به مأمور سیاسی گفت که جنبش اسلامی برای جلسات ملاقات اضافی با ارتش برای تلاش در جهت صلح آمیز کردن بازگشت خمینی در ۲۶ ژانویه فشار خواهد آورد. در این ارتباط، میانه روهای مذهبی، منجمله شریعتمداری و آنهایی که در اطراف او هستند، معتقدند که آنها خمینی را متقاعد کرده اند که تا زمانی که با رهبریت داخل ایران مشورت کند و قبل از صدور اعلامیه های نهایی در مورد موضوعاتی از قبیل شورای سلطنت و دولت بختیار صبر کند. تلاش مصالحه اکنون متوجه نوعی از مانور برای ترکیب شورای سلطنت و شورای اسلامی خمینی شده است. رهبران میانه رو مذهبی قویاً معتقدند اشکال قانون اساسی باید پیگیری شود. بیمهایی برای ایمنی خمینی وجود دارد. (پایان خلاصه) ۳- دکتر ناصر میناچی محرم شریعتمداری پس از گذراندن بیشتر روز ۲۲ ژانویه در قم با شریعتمداری و دیگر آیت الله های اصلی قم در صبح ۲۳ ژانویه با مأمور سفارت ملاقات نمود. میناچی گفت گروه کاملاً با حامیان نهضت آزادی خمینی موافق بود که گفتگوها با ارتش باید به پیش برود. میناچی به ژنرال مقدم

فشار آورده بود که با این به جلو برود و دومی (مقدم) تقاضای مهلت کرده و گفته است که این توافق او با بازرگان نبوده است. میناچی به مقدم گفته که به هر صورتی با بازرگان تماس بگیرد. تا صبح مقدم این کار را نکرده بود در نتیجه بازرگان می خواست که با مقدم یا مستقیماً با ستاد ژنرال قره باغی تماس بگیرد.

(توضیح: ما کاملاً مطمئن نیستیم که چرا مقدم در این زمان چوب لای چرخ می گذارد، ولی ما قویاً هر دو طرف را نصیحت کرده ایم که به هم بیوندند و اگر نهضت آزادی با مقدم قابلیت انعطاف نشان می دهد و آن را به ما اظهار کنند، ملاقات در طول ۲۴ ساعت آینده باید صورت گیرد.) میناچی خوش بین بود که ملاقات خیلی زود روی دهد، در زمانی خوب برای تدارک کارها برای ۲۶ ژانویه.

۴- در مورد سؤال مهمتر رفتار خمینی در وهله ورودش، میناچی به محرمانه ترین صورت به ما گفت (بیشتر اعضای دو گروه نمی دانند) که خمینی نامه ای به شریعتمداری نوشته و نظراتش را در مورد معرفی اعضای شورای انقلاب اسلامی خواسته است. شریعتمداری به رسم خوب آیت اللهی پاسخ داده است که آن موضوع با آیت الله های اصلی در کشور باید مورد بحث قرار گیرد و خمینی موافقت نموده است. بنابراین برای بازگشت خمینی برنامه ریزی بدین صورت است که صبح ۲۶ ژانویه وارد می شود (میناچی زمان تخمینی ورود را بعداً قول داد) و به بهشت زهرا (خارج از مرکز تهران) رهسپار می شود و در آنجا سخنرانی می کند و سپس در یک مکان از پیش تعیین شده اقامت خواهد نمود که منتظر بیعت علما شود. خمینی برای ۲ یا ۳ روز در تهران باقی خواهد ماند، سپس در قم اقامت خواهد نمود. میناچی مطمئن بود که خمینی راه حل های نهایی برای مشکلات کشور ارائه نخواهد داد و نیز ارتش را به عکس العمل تحریک نخواهد نمود. مأمور سیاسی گفت نظر ما این است که اگر او در موقع ورود دولت رقیب را معرفی نماید، ارتش ممکن است بر علیه او حرکت کند. میناچی گفت تمام پیروان داخل کشور او، این را درک می کنند و به او فشار می آورند که کارها را به فاجعه نکشاند.

۵ - گفتگوهای مصالحه بین خمینی و دولت ایران اکنون متوجه پیدا کردن وسایل ترکیب کردن شورای سلطنت و شورای اسلامی خمینی می باشد. میناچی گفت مخالفین شایعاتی شنیده اند که بختیار نخست وزیر در نظر دارد که در ایران قبل از اینکه خمینی وارد شود اعلام جمهوری کند و از مأمور سیاسی پرسید که آیا این حقیقت دارد. مأمور سیاسی اظهار نظر کرد که آن حتی در شرایط فعلی سیاسی ایران، یک کمی اغراق آمیز به نظر می رسد. میناچی توافق نمود و گفت آن یک فاجعه خواهد بود؛ رهبران مذهبی میانه رو، خصوصاً شریعتمداری، قویاً معتقدند که لازم است از شکل های قانون اساسی پیروی شود. اگر این کار انجام نشود، میانه روها خطر جدی کودتای نظامی یا از هم باز شدن بعدی نیروهای مسلح یا جنگ داخلی را می بینند. بنابراین آیت الله های داخل کشور به خمینی فشار خواهند آورد که نظرات خودش را در مورد غیرقانونی بودن نهادها به سود کشور و اسلام تعدیل نماید. عامل اصلی مصالحه در مورد شکلی از تأیید شورای سلطنت برای دولت ناسیونالیست بعدی خواهد بود.

۶- میناچی گفت هر دو رهبران مذهبی و سیاستمداران غیر روحانی عمیقاً در مورد تهدیدات نسبت به ایمنی خمینی وقتی که بازگردد نگران هستند. میناچی شنیده بود که سربازان طرفدار شاه وجود دارند که قسم خورده اند خمینی را بکشند. نهضت آزادی و دیگران می دانند که گروه های کمونیستی با همان آرزو وجود دارند. تا آنجایی که میناچی می داند حتی ممکن

است قدرتهای خارجی وجود داشته باشند که بخواهند خمینی کشته شود. او به روسها و احتمالاً اسرائیلیها که طرحهایی روی خمینی دارند اشاره کرد.

ص: ۳۹۲

مأمور سیاسی نظر دیگری نداد بجز اینکه انتظار تکذیب آشکار اینکه ایالات متحده می خواهد خمینی آسیب ببیند را داشت.

۷- نظریه: اگر چه میانه روها و حتی نهضت آزادی به خمینی فشار می آورند که نباید، آنها با زیرکی به تلاش برای کشانیدن او به داخل سیستم، بدون وجود آمدن انفجاری اساسی، پرداختند. سابقه ای که یکی از طرفین درباره قهرمانیهای جریانات پوشیده دو ماه گذشته و از هم پاشیدن (سیستم) را که مورد انتظار بود مطرح کرد، شاید مطالب بالا دلسرد کننده نباشد ولی به نظر می رسد که آن روی اصل جدیداً کشف شده ایران که به بهترین نحو می تواند به آخرین مرحله آزمایش قدرت بدون برخورد توصیف شود تکیه داشته باشد.

## گفتگو با ایرانیان

سند شماره (۳۶) از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده - تهران تاریخ: ۲۵ ژانویه ۱۹۷۹ - برابر با ۵ بهمن ۱۳۵۷ به: سازمان اطلاعات دفاع - واشنگتن، کاخ سفید - واشنگتن سری، غیر قابل رؤیت برای خارجیان اخطار: شامل روشهای جاسوسی موضوع: گفتگو با ایرانیان خلاصه: این گزارش گفتگوی بین وابسته دفاعی و دریادار سابق احمد مدنی (اکنون دکتر) را در یک میهمانی شام در عصر ۲۴ ژانویه ۱۹۷۹ در خانه دکتر حاج علیلو، صاحبخانه وابسته دفاعی، در بر می گیرد.

جزئیات: الف) چندین هفته پیش از طرف صاحبخانه وابسته دفاعی از وی دعوت شد که آیا او میل دارد با دریادار بازنشسته احمد مدنی گفتگو کند، (یک وزیر احتمالی کشور در دولت آینده ایران) و سفری به قم برای صحبت با آیت الله شریعتمداری داشته باشد. پس از گفتگو با سفیر کبیر درباره یک ملاقات با شریعتمداری، تصمیم گرفته شد که یک غیر نظامی در این زمان بهترین خواهد بود. وابسته دفاعی سپس به صاحبخانه اطلاع داد که در یک تاریخی در آینده، خیلی خوب خواهد بود که به قم مسافرت نماید و احتمالاً در بهار؛ ولی در حال حاضر او قادر به رفتن نخواهد بود. به هر حال وابسته دفاعی اظهار داشت که یک ملاقات با دریادار مدنی خیلی خوشایند خواهد بود، چون که ما هر دو افسران نظامی هستیم و مدنی می تواند اطلاعاتی راجع به تمایلات و افکارش درباره یک دولت جدید ایران ارائه دهد. ملاقات شب گذشته، نتیجه این گفتگوها بود.

ب) پس از تعارفات معموله و صحبتهای کوتاه راجع به سابقه (دریادار مدنی پسر یک ملاست، مشروبات الکلی نمی نوشد، سیگار نمی کشد و یک مسلمان دیندار است)، گفتگوها به سیاست و دولت مورد نیاز در ایران (نظر مدنی) کشید. دریادار مدنی اظهار داشت که آیت الله خمینی قطعاً در جمعه ۲۶ ژانویه به ایران وارد می شود و اضافه نمود که او دیروز با بختیار - نخست وزیر - صحبت کرده است و برنامه هایی تنظیم شده است که بختیار زمام امور دولت را به بازرگان، منتخب آنها (پیروان خمینی) برای نخست وزیری جدید بدهد.

دریادار مدنی اظهار داشت که دکتر بختیار در یک مقام بالای دولتی، احتمالاً وزیر جنگ، حفظ خواهد

شد. وابسته دفاعی سپس پرسید که آیا ژنرال جم برای آن مقام در نظر گرفته نشده است و مدنی پاسخ داد که او (جم) یک ژنرال قوی و قادر به اداره ارتش می باشد. وابسته دفاعی سؤال کرد که آیا مدنی برای پست وزارت کشور در نظر گرفته نشده است و آیا او آن مقام را قبول خواهد کرد؟ او به هر دو سؤال جواب مثبت داد و اضافه نمود که کار زیادی باید در وزارتخانه انجام پذیرد چون که تجدید سازمان اساسی در ساواک، ژاندارمری و پلیس ملی باید صورت گیرد. او گفت قدرت ساواک سازمان داده شده به وسیله سیا به مقدار زیادی باید کاهش داده شود و تجدید بنا گردد. افسران فاسد هستند و شکنجه ها باید موقوف شود. وابسته دفاعی سپس اظهار داشت که تا آنجایی که او اطلاع دارد از زمانی که ژنرال مقدم ریاست ساواک را به عهده گرفته است شکنجه دیگر در ساواک مورد استفاده قرار نمی گیرد. مدنی گفت ممکن است این موضوع صحیح باشد ولی در ساواک افسران صادقی نداریم و سپس اضافه نمود که تمام ژنرالها در ساواک و در ارتش فاسد و نادرست هستند. وابسته دفاعی با تأکید پاسخ داد که او خیلی زیاد ژنرالهای مسلمان، سخت کوش و صادق را در ارتش ملاقات نموده که رهبری عالی ارتش را می توانند فراهم آورند. مدنی جواب داد اغلب آنها باید باز نشسته شوند چون که فاسد هستند.

ج) دریادار مدنی اظهار داشت که ارتش ایران اجبار ندارد که بزرگ باشد، فقط ۱۰/۰۰۰ نفر در نیروی دریایی، ۱۵/۰۰۰ نفر در نیروی هوایی و ۱۰۰/۰۰۰ نفر در نیروهای زمینی. او گفت هیچ تهدیدی از جانب همسایگان مسلمان نسبت به ایران وجود ندارد و روسها را حتی با نیروهای نظامی بزرگ ایران نمی توان متوقف نمود. او سپس با حالت خطابت پرسید چرا ما تمام این سیستمهای مدرن و گرانقیمت تسلیحاتی را احتیاج داریم؟ د) دریادار مدنی سپس اظهار داشت که ایالات متحده در حمایت از دولت فاسد شاه مرتکب اشتباه شد. خیلی مشابه آنچه ما در کوبا انجام دادیم. او اضافه نمود که ایالات متحده باید دولت جدید ایران را حمایت کند (یک دولت بازرگان حمایت شده به وسیله خمینی). افسر گزارش دهنده سؤال کرد که آیا منظور او این است که ایالات متحده باید از یک جمهوری انقلابی اسلامی حمایت کند. او پاسخ داد که اینها فقط الفاظی هستند که نشان دهنده چیزی نیستند و اینکه دولت جدید ایران یک دولت سوسیالیست بدون سلطنت خواهد بود. افسر گزارش دهنده سؤال کرد نه حتی یک رژیم سلطنتی بدون قدرت شبیه انگلیس، او به سرعت پاسخ داد که هیچ رژیم سلطنتی برای آن دوران به هیچ وجه در تاریخ ایران روی نداده است.

ه) افسر گزارش دهنده اظهار داشت که وی معتقد است ارتش، یک دولت خمینی را قبول نخواهد کرد و اینکه یک کودتای نظامی احتمالاً بر هر تغییرات در دولت غیر نظامی پیشی خواهد گرفت. مدنی اظهار داشت که آن یک خودکشی خواهد بود و اینکه او شخصاً با افسران جوان که از یک کودتای نظامی حمایت نمی کنند صحبت کرده است. او اضافه کرد که یک کودتای نظامی هدایت شده به وسیله مشاور آمریکایی شما، ژنرال هایزر فقط مبارزه انقلابی را به تأخیر خواهد انداخت چون که مردم آماده هستند برای آزادیشان کشته شوند. او گفت من و یک میلیون دیگر ایرانی حاضر هستیم جانهایمان را در یک انقلاب بدهیم هر کودتای نظامی به صورت یک تلاشی آمریکایی برای حفظ کردن یک دولت غیر قانونی فاسد دیده خواهد شد. او اضافه کرد که اگر یک کودتای نظامی روی دهد منتج به هرج و مرج و سپس به وسیله یک دولت کمونیست دنبال خواهد شد.

و) افسر گزارش دهنده پرسید آیا خمینی بازگشتش به ایران را به تأخیر می اندازد؟ دریادار مدنی گفت



نه؛ چون که وقت آن حالا است، او باید باز گردد و یک دولت جدید تأسیس نماید.

نظرات وابسته دفاعی ایالات متحده.

وابسته دفاعی معتقد است که دریادار مدنی یک طرفدار غرب و به طور نسبی فردی مذهبی و با هوش است. او یک افسر سابق نیروی دریایی است که چون نمی توانست با توسعه حجیم و پرخرج نیروی دریایی موافقت کند و نمی توانست فساد را که با این توسعه نیروی دریایی همراه بود تحمل کند به بازنشستگی زودرس هدایت شد. او یک دکتر در سیاست و اقتصاد به دست آورده (گفته خویش) و اخیراً در تدریس در دانشگاه‌های ایران درگیر بوده است. او بشدت اشاره کرد که مشکلات در ایران به وسیله ایالات متحده همدستی و طرفداری و تنزل داده شده است و اینکه او این مطلب (فکر) را از زمان ثبت نام در کالج جنگ دریایی ایالات متحده عوض نکرده است او به نظر می رسد که در صحبتش دوستانه (مخلص) باشد ولی افسر گزارش دهنده احساس می کند او ممکن است یک فرصت طلب الهام گرفته باشد که منتظر بازگشتن به جریان اصلی امور دولت می باشد. او مانند خیلی از ایرانیان تلاش می نماید که طرف خود را با معاشرتهای سطح بالای خودش و آگاهی باطنی از چیزی که دارد روی می دهد و اینکه چقدر خوب مطلع می باشد تحت تأثیر قرار دهد. دریادار مدنی عنوان می کند که وی ضد کمونیست می باشد و اینکه ایران نمی خواهد برای همکاری و پشتیبانی به طرف شرق روی بیاورد. او عنوان داشت که از آمریکاییها و غربیهای مورد نیاز برای بازگشت جهت کمک به ایران در بهبودی اقتصادی آن درخواست خواهد شد.

صرف نظر از قابلیت‌های واقعی او، دریادار مدنی از طرف میانه روه‌های اسلامی و ایرانیان زیرک (دکترها، وکلا، استادان، تجار و روحانیت) به عنوان یک افسر صادق، یک مسلمان مخلص و یک منتخب خوب به عنوان یک رهبر دولت آینده اگر که یک دولت غیر نظامی سوسیالیست بدون خونریزی مستقر شد دیده می شود. دریادار مدنی ممکن است به خوبی در رده بالا قرار گیرد.

### **برنامه هایی که برای ورود خمینی در تهران تنظیم شده**

سند شماره (۳۷) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۲۵ ژانویه ۱۹۷۹ - برابر با ۵ بهمن ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: برنامه هایی که برای ورود خمینی در تهران تنظیم شده ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: میناچی مأمور سفارت را در مورد برنامه هایی که به طوری که گزارش شده از طرف دولت ایران برای ورود آیت الله خمینی به تهران در ۲۶ ژانویه تأیید شده است توجیه نمود. خانواده خمینی برنامه ریزی شده که امروز وارد شوند. میناچی معتقد نیست که خمینی هیچ کدام از قدمهای آخری را در ۲۶ ژانویه اعلام نماید.

۳- دکتر ناصر میناچی، محرم آیت الله شریعتمداری، مخالف میانه رو و واسطه سیاسی، به استمپل مأمور سیاسی صبح ۲۵ ژانویه گفت که در آخر روز ۲۴ ژانویه بختیار - نخست وزیر - شخصا با بازگشت برنامه ریزی شده آیت الله خمینی با هواپیمای دربست افرانس موافقت نمود و همچنین برنامه ابتدائی خمینی را مورد تأیید قرارداد. برنامه شامل ورود آیت الله بین ۳۰/۸ تا ۹ صبح می باشد. ارتش فرودگاه را

بسته نگاه می دارد ورود گروه رسمی استقبال کننده را با کارت ورود اجازه می دهد. گروه شامل حدود ۱۰ یا ۱۲ نفر (آن طوری که اکنون برنامه ریزی شده، میناچی گفت این ممکن است افزایش پیدا کند) منجمله روحانیت برجسته تهران از قبیل آیت الله طالقانی، سید محمد بهشتی (نایب خمینی در داخل کشور) همچنین سیاستمداران مخالف، کریم سنجابی، مهدی بازرگان، داریوش فروهر، میناچی و دیگران می باشد.

۴- مردم به داخل فرودگاه راه داده نمی شوند، ولی جمعیت فراوانی در پای بنای یاد بود شهیاد و در طول جاده فرودگاه منتظر خمینی می مانند. پس از مراسم استقبال اولیه خمینی مستقیماً رهسپار قبرستان بهشت زهرا در جنوب تهران از طریق میدان شهیاد، خیابان آیزنهاور، بلوار پهلوی و جاده قم می شود.

آیت الله در بهشت زهرا سخنرانی خواهد کرد (ظاهراً همراه با دیگران) و سپس به اقامتگاهش در مدرسه اسلامی رفاه نزدیک مجلس فعلی رهسپار خواهد شد. آیت الله خمینی سپس علمای کشور را در طول ۲ یا ۳ روز پیش از اینکه برای قم عزیمت نماید خواهد دید.

۵- طبق گفته میناچی، نخست وزیر آیت الله را در فرودگاه ملاقات نخواهد نمود، مگر اینکه جواب مناسبی به نامه ای که او برای خمینی در ۲۳ ژانویه فرستاد دریافت نماید. نامه پیشنهاد می کند که وضعیت کشور را مورد بحث قرار دهد و با پیشنهاد تشریفاتی که خودش را در دسترس خمینی بگذارد تمام می شود. (نظریه: ما از دیگر منابع آگاه شدیم که نامه دوستانه و نزدیک بود ولی در جهت چاپلوسی بختیار از خمینی تا جایی که میناچی مطلب را می رساند به جلو نمی رود.) نظر به وضع کنونی، نخست وزیر در ابتدای اقامت آیت الله خمینی در تهران با او تماس خواهد گرفت (نظریه: میناچی گفت کی و کجا احتمالاً بستگی دارد به چگونگی آشکار شدن وقایع). ۶- میناچی گفت خانواده خمینی قرار است که ۲۵ ژانویه به تهران وارد شوند و در خانه تازه اجاره شده ای در خیابان دولت در منطقه دروس شمال تهران اقامت خواهند کرد. خمینی با آنها اقامت نخواهد کرد چون که به دلایل سیاسی او می خواهد که در جنوب تهران با مردم خودش باقی بماند. (نظریه: میناچی هیچ ایده ای نداشت که ورود خانواده با بسته بودن فرودگاه چگونه می تواند ترتیب داده شود، ولی به نظر نمی رسید که فکر کند این یک مشکل است). ۷- از میناچی برای یک ارزیابی اینکه آیا خمینی مستقیماً با دولت بختیار پس از وارد شدن رویارویی می کند سؤال شد. میناچی گفت آیت الله به وسیله حامیان داخل کشور خود تحت فشار شدید گذاشته شده که چنین نکنند و نشانه هایی وجود داشته که اعلامیه ای برای راه حل های نهایی تا زمانی که فرصت گفتگو و مشاوره با علمای داخل کشور را پیدا نکرده نخواهد داد. (توضیح: ما امیدواریم که به این حالت باشد. و نفس هایمان را نگهداشته ایم. مشاوره در رسم اسلامی عادلانه است و راه خوبی خواهد بود (شاید لازم باشد) برای مستحکم کردن حمایت رهبران مذهبی میانه رو تر. از طرف دیگر ما می توانیم فشارهای مخالف از طرف آنهایی که در پاریس در اطراف آیت الله هستند را مجسم کنیم). ۸- طبق گفته میناچی ملاقات بین افسران ارشد نظامی و مقامات ارشد خمینی هنوز واقع نشده است.

ژنرال قره باغی ادعا نمود که او در ۲۴ ژانویه خیلی مشغول است ولی میناچی به ژنرال مقدم فشار زیادی در مورد این موضوع آورد و گفت بازرگان و یک شخصیت بالای مذهبی آماده هستند که قره باغی را در هر کجایی ملاقات نمایند، حتی در خانه قره باغی. میناچی فکر می کرد که ملاقات به طور آزمایشی برای





عصر ۲۵ ژانویه تنظیم شده است. (نظریه: چنین ملاقاتی در برقرار نمودن همکاری ارتش در برنامه توضیح داده شده در بالا و در به مرحله نهایی رسانیدن توافق در مورد اداره کردن توده های بیرون آمده (از خانه) در ۲۶ ژانویه مهم خواهد بود. میناچی اشاره کرد که گفتگوها در چندین سطح بین جنبش اسلامی و ارتش در مورد این موضوع جریان دارد، ولی ملاقات سطح بالای رو در رو از نظر رهبری جنبش اسلامی بحرانی دانسته می شود.) ۹- نظریه: مطالب بالا تقریباً خوب تر از آن به نظر می رسد که راست باشد. ولی تعدادی پیش بینی وجود دارد. امنیت بزرگترین مسأله است. علیرغم توافق ظاهری با دولت و ارتش همیشه امکان اینکه واحدهایی با افرادی بخواهند تلاش کنند که به خمینی آسیب برسانند وجود دارد. جنبش اسلامی شدیداً درباره امکان وجود یک قاتل متعصب از هر بخش طیف سیاسی نگران است. همچنین امکان تلاش کمونیستها یا دیگر مارکسیستها برای عمل نفاق افکنانه وجود دارد. علیرغم فشار روی خمینی که از حد معین در موقع ورود به وسیله اعلام دولت رقیب، تجاوز نخواهد کرد، وی ممکن است به دلیل سرسختی یا اصل اخلاقی چنین کند. آن طور که ما می دانیم این کار قطعاً باعث عکس العمل دولت ایران که منجر به برخورد مذهبی - نظامی خواهد شد می شود. با این حال اگر سناریوی بالا عمل کند هر دو دولت ایران و مخالفین ممکن است دوران جراحی اثر بازگشت خمینی به ایران را با حداقل آشوب تمام کنند. این می تواند راه را برای فشارهای مخالفین به طرفداری از ادامه قانون اساسی برای عمل کردنشان در هفته ها و ماههای آتی باز کند.

۱۰- مطالب بالا قبل از رسیدن اخبار مربوط به کنفرانس مطبوعاتی در پاریس که تعویق در ورود خمینی تا یکشنبه ۲۸ ژانویه اعلام شد تهیه شده بود. پیام پیگیری در دست تهیه است.

## نظرات مخالفین

سند شماره (۳۸) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۲۵ ژانویه ۱۹۷۹ - برابر با ۵ بهمن ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: نظرات مخالفین ۱- پرت، مأمور سفارت در ۲۲ ژانویه با دکتر علی خواجوی، طرفدار جبهه ملی که قبلاً ملاقات بین مخالفین و مأمورین سفارت را ترتیب داده بود، ملاقات کرد (نام او به طور اشتباه در تلکس مرجع هجی شده بود). جدا از همقطارانش، خواجوی در مورد دورنمای بازگشت خمینی ابراز نگرانی و رضایت توأم نمود. او از تضمین پیروزی بر رژیم خوشحال بود ولی حالا- وی نگران خطر چپ بود. بر خلاف لحن عمومی ملاقات قبلی که نگرانی آمریکا در مورد ماورای چپ به مقدار زیادی مورد تمسخر قرار گرفت، خواجوی گفت وی خمینی را به عنوان آخرین مانع در مقابل یک ایران کمونیست می بیند. اگر خمینی شکست بخورد، کمونیستها که در موقعیت خوبی قرار دارند جای او را خواهند گرفت. او بنابر این از یک ترور یا به دستگیری قدرت توسط ارتش هراسان بود.

۲- مأمور سفارت گفت دولت ایالات متحده در بعضی از این ترسها سهیم است و به این دلیل است که ما امیدواریم مخالفین بختیار را حمایت نمایند. خواجوی گفت بختیار جرأت نشان داد، ولی او نمی تواند

حمایت عمومی را پس از اینکه اجازه داد مجلس غیر قانونی او را تأیید نماید به دست آورد. بنابر این خواجوی فکر می کند بختیار باید به کنار برود. او امید انتخابات آزاد سریع برای به راه انداختن یک سوسیال دموکراسی شبیه به سوئد یا فنلاند را داشت. او همچنین در مورد نفوذ بیش از حد مذهبی نگران بود و می گفت او و دوستانش به اسلام احترام می گذارند ولی نمی خواهند که بر زندگی آنها حاکم شود.

۳- خواجوی هدف گروه سیاسی جدید دوستش حاج سید جوادی - «جنبش سیاسی» - را یک مبارزه غیر مذهبی بر علیه کمونیسم تشریح کرد. او گفت اگر که شنوندگان مذهبی نیستند نمی توان از مذهب برای مبارزه با عقاید کمونیستی استفاده نمود. گروه که باید بدان به عنوان یک جنبش در داخل جبهه ملی نگرست تا یک حزب سیاسی جدید، بحث می نماید که منافع اجتماعی کمونیسم بدون استبدادی که تحت حکومت کمونیستی وجود دارد قابل حصول هستند.

۴- نظریه: خواجوی که مردی حساس و باهوش است، نگران و سردرگم می باشد. او و خیلی، شاید حتی اغلب، جبهه ملی ها به طور فزاینده ای قدرت گروههای مذهبی و چپی و ضعف خودشان را حس می کنند. او امیدوار است خمینی بتواند چپها را دور نگهدارد ولی آشکارا ایده یک جمهوری اسلامی را دوست ندارد. او طالب یک دموکراسی پارلمانی لیبرال می باشد. گروه او همیشه نماینده اقلیت کوچکی در داخل جنبش ملی بوده اند و اکنون برای اولین بار او و همقطاران او شروع به تشخیص آن نموده اند.

### هواداران هویدا از دور خارج می شوند

سند شماره (۳۹) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ: ۲۶ ژانویه ۱۹۷۹ - برابر با ۶ بهمن ۱۳۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

موضوع: هواداران هویدا از دور خارج می شوند ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: وزیر قبلی که از موافقین هویدا است و وفادار به شاه، برای استعفا و کناره گیری از قدرت که وضع ناگوار کنونی ایران را به وجود آورد، سوگواری می کند و می بیند که کمونیستها در زیر ردای ملاحا پنهان شده اند. او علاقه دارد که بازگشت شاه را ببیند. او برای این نظریه خود هیچ مدرک و گواهی ندارد، این نظریه برخلاف تمام دلایل ماست که جنگجویی فعلی مسلمانان احتمالاً بهترین سپر در دسترس در مقابله با تندروهای کمونیست است. (پایان خلاصه) ۳- در جواب درخواست ملاقات با یک «مخالف» در خانه یکی از واسطه ها، کنسول سیاسی در ۲۰ ژانویه با وزیر سابق بهداری (از ۱۹۶۵ تا ۷۳) منوچهر شاهقلی ملاقات کرد. این طور که به نظر رسید شاهقلی نمی دانست که کنسول سیاسی با سفارت همکاری دارد و پس از اینکه در پایان جلسه این موضوع را فهمید اظهار نگرانی و ناراحتی کرد، زیرا در وضع کنونی «نمی خواست از کسی طرفداری کند». وی پس از قول گرفتن از کنسول سیاسی نسبت به سری بودن کامل گفتگوها با جزئیات کامل شروع به تعریف کردن وفاداریش به شاه، و همچنین نظراتش که متعلق به هویدا بود، نمود. شاهقلی یک جراح پلاستیک بود.

۴- طی یک گفتگوی بی هدف، شاهقلی قدری به اشتباه شاه در منسوخ کردن احزاب سیاسی تأکید کرد که در نتیجه آن اشتباه، میانه روهایی که نسبت به شاه وفادار هستند راهی برای ابراز این وفاداری



ندارند وی به عنوان رهبر قبلی حزب ایران نوین مخصوصاً از اینکه می دید ایران نوین از بین رفته و رستاخیز به وجود آمده است متأسف بود. او گفت این کار پس از اینکه شاه متوجه شد که حزب ایران نوین تا چه حد قوی شده است، انجام پذیرفت؛ زیرا در یک دوره ای تمام کوششهای شاه و تمام پولهای بنیاد پهلوی که از طریق شریف امامی خرج می شد، قادر نبود رأی مردم را در رامسر از یک نماینده ایران نوین به کاندیدای حزب مردم برگرداند. وقتی که دیدند نمی توانند این کار را بکنند، شاه به این نتیجه رسید که زمان آن رسیده است تا سازمان دیگر را که داشت قدرت می گرفت نابود گرداند.

۵- شاهقلی در مورد سازمان کمونیستی در کشور ترس بیجایی داشت. او گفت که وی به داستانی که ما نیز از چندین منبع شنیده ایم اعتقاد دارد که حزب توده در طی مدت طولانی خودش را از طریق انتخاب جوانان ۱۵- ۱۶ ساله و تعلیم آنها برای طلبه شدن در مدارس مذهبی قم و جاهای دیگر سازماندهی کرده است. این کار از چندین سال قبل شد و حالا کمونیستها همان ملاحی در گوشه و کنار کشور هستند.

خمینی و سایر مردم مذهبی تصور می کنند که از طرف این ملاحی در زمینه های مذهبی حمایت می شوند و از خطر اصلی آگاه نیستند و در ضمن خمینی با به خدمت گرفتن این ملاحی جوان و طلبه های مذهبی برای آرمانش دست رهبریت مذهبی محافظه کار را کوتاه کرده است. شاهقلی داستان (تأیید نشده) دیگری را که قبلاً هم شنیده بودم تکرار کرد که شریعتمداری و سایر آیت الله های قم عملاً زندانیان ملاحی تندرو قم هستند که خانه هایشان در محاصره آنهاست و ملاقات کنندگان توسط آنها پاییده می شوند.

۶- شاهقلی گفت که ویدا حاجبی را که یک کمونیست شناخته شده است و در فرانسه تحصیل کرده و ۲۰ سال در خارج از کشور زندگی کرده و برای ۵ سال به ایران بازگشته و ۶ سال گذشته را در زندان گذرانده است، می شناسد. او حدود سه ماه قبل از زندان آزاد شده و از آن زمان هر روز ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر را که به منزلش مراجعه می کنند می پذیرد. حدود ۳ تا ۴ هفته گذشته او از صبح زود و شب دیر وقت از خانه خارج می شود. او متواضع، خوش برخورد و باهوش است و مسلماً برای آرمان کمونیستی به سختی کار می کند. شوهر کمونیست او که اخیراً از او (ویدا حاجبی) طلاق گرفته است، از نوزوئلا به پاریس آمده و در فکر این است که به ایران برگردد. شاهقلی با تلخی گفت که کسانی که این طور خالصانه و فعالانه کار می کنند استحقاق برنده شدن را دارند.

۷- او و شخص واسطه نمونه های دیگری از اینکه چگونه کشور به سمت چپ می رود را اظهار داشتند.

وقتی شاهقلی برای شرکت در این جلسه می آید، کسی محکم به ماشین او زده است و گفته که «ماه آینده من این ماشین را خواهم راندم.» گزارشهایی رسیده که مهاجمین به طرف جنگلهای شمال (دریای خزر) رفته و درختهای جوان را قطع کرده و می فروشند. روحیه ها از واقعیت پرت است؛ آنها در قلب انقلابی هستند که فقیر را غنی می کند. مثال دیگر ۲۰۰ مسلح افغانی بودند که روز پیش توسط دولت دستگیر شدند. (نظریه):

ما گزارش خوبی داریم از یک منبع افغانی که «افغانیهای مسلح» در واقع افغانیهای مختلف بودند که بدون اجازه به کار اشتغال داشتند و به وسیله پلیس جمع آوری شدند. ۸- شاهقلی گفت که در یک لیست اسامی ۳ هزار نفر قرار دارد که باید از طرف

دولت مورد بازجویی قرار گیرند فقط بودن نام شما در آن لیست موجب محکومیت شماست. اینها معاونان عالی‌رتبه وزارتخانه‌ها و مدیران مشاغل هستند؛ بدون آنها چه کسی کارهای مملکت را می‌گرداند؟ تز شاه‌قلی این بود که در سال گذشته دولت اختیار از دست داده بود. ساواک، پلیس و ارتش هیچ دستوری نمی‌گرفتند و نمی‌دانستند که

ص: ۳۹۹

چه کنند. خمینی این موضوع را دید و به سادگی در جای خالی پا گذاشت. شریف امامی به میان آمد و مثل نقل و نبات، امتیاز تقسیم کرد. او پیش از آنچه مردم می خواستند به آنها داد و با مخالفان وارد مذاکره نشد.

او بعضی وزرا را اخراج کرده، از نظر شاهقلمی آنهایی را که نباید، بیرون کرد. هویدا خودش به طرف گرگها پرتاب شد. ارتشبد از هاری آن گونه رفتار کرد، زیرا می ترسید که مورد تنفر واقع شود. و او هم به طرف گرگها پرتاب شود. هویدا می دانست که با مردم مذهبی چه کند او می دانست که پول چگونه باید توزیع می شد تا مورد قبول واقع شود. آموزگار که منبع، یک عمر او را می شناخت (آموزگار و برادر منبع در یک مدرسه با همدیگر بودند) برای نخست وزیری شخص مناسبی نبود. او حافظه خوبی داشت و همیشه شاگرد ممتازی بود زیرا زیاد درس می خواند؛ ولی ایده و ابتکار نداشت.

۹- جانشین وزارت شاهقلمی، شیخ الاسلام زاده نسبتاً مرد فقیری است. با وجود این دکتر خوبی است.

وی می بایست پول زیادی در آورد ولی در ۵ سال گذشته به عنوان وزیر اجازه نداشت از منابع دیگری کسب در آمد کند. این موضوع وقتی که قانون اجرا شد خود دلیل استعفای شاهقلمی در سال ۱۹۷۳ بود؛ زیرا وی نمی توانست با حقوق دولت زندگی کند. او می دانست که خانواده شیخ الاسلام زاده در آمریکا زندگی سختی دارند و در یک اتاق زندگی می کنند. اگر او در زمینه فساد وسیعی که به آن متهم شده مقصر بود این وضع وجود نمی داشت. همچنین حقیقت در مورد معاونش آرام که همسر آمریکایی دارد صدق می کند. او هم همچنین در مورد اتهاماتی که بر علیه اوست تقصیری ندارد. در حقیقت، شاهقلمی گفت وزرا در خانه های شیشه ای زندگی می کنند و از عهده رشوه گیری بر نمی آیند. قضیه رشوه گرفتن وزرا از آنجا ناشی می شود که واسطه ها مراجعین را به طور خصوصی به وزیر معرفی می کنند و سپس رشوه گرفته می گویند که برای وزیر است ولی در واقع برای خودشان است.

۱۰- شاهقلمی گفت آن طور که اوضاع پیش می رود، درگیری و خونریزی اجتناب ناپذیر است. اگر مجلس استعفا دهد، معلوم نیست که بختیار چگونه می تواند حکومت کند. هر انتخاباتی که بدون قانون واقعی و نظم اجرا شود قطعاً باعث خواهد شد که زندگی بسیاری از دست برود. حتی در شرایط بهتر، جریان انتخابات در ایران بستگی به زور و پول دارد. تحت شرایط کنونی چیزی در حد هرج و مرج رخ خواهد داد.

۱۱- شاهقلمی ادامه داد که اکثریت آنهایی که صدایشان در نمی آید هنوز علاقه مندند که برگشت شاه را ببینند. خیلی از مردم هستند که شاه را دوست نداشتند ولی در هر صورت او را رهبر خود می دانستند. در صحبت با دیگران گاهی انسان این سؤال برایش پیش می آید که «آیا شاه این را تأیید کرده؟» مردم هنوز برای راهنمایی به او چشم دوخته اند. شاهقلمی فکر می کند که هنوز خیلیها مایلند که ببینند او به روش رضایت بخش باز می گردد، همان طور که در ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) این کار را کرد. (نظریه: او خودش داوطلب نبود که رهبری گروهها را برای تسریع در این عمل به عهده گیرد. ولی به نظر می رسد که همه پیشنهادات و طرحها را مورد توجه قرار می دهد.) ۱۲- نظریه: شاهقلمی نمایانگر افرادی است که روز به روز بیشتر با آنها برخورد می کنیم. شخصی که در سالهای آخر دوره شاه به دلایل سیاسی از مورد لطف قرار گرفتن تنزل کرد ولی هنوز وفاداریش را به سیستم سلطنتی حفظ می کند و از جانشینان سیستم سلطنتی در هراس است. وی مانند بسیاری از مردم، بر این تئوری که حزب کمونیست خیلی قویتر از آن است که به نظر می رسد و عملاً نهضت (امام) خمینی را در





دست خواهد گرفت، صحنه می گذارد. هیچ شاهد و مدرکی برای این تئوری وجود ندارد. در واقع، تمام اخبار و نشانه های به دست آمده حاکی از آن است که قویترین نیرو در کشور، آشکارا یک اسلام جنگجو است که خود را به عدالت و مساوات اختصاص داده و در مقابل کمونیستها و چپها با قدرت مقاومت می کند.

سولیوان

### امور خارجه ایران از دولت ایالات متحده می خواهند که از خمینی حمایت کند

سند شماره (۴۰) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۲۸ ژانویه ۱۹۷۹ - ۸ بهمن ۱۳۵۸ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری موضوع: امور خارجه ایران از دولت ایالات متحده می خواهند که از خمینی حمایت کند ۱- (تمامی متن خیلی محرمانه است) ۲- خلاصه: دو مقام وزارت امور خارجه در حالی که به طور خصوصی صحبت می کردند از خمینی حمایت کرده و بختیار را کوچک می شمردند. آنها نمایندگان تعداد زیادی از مقامات وزارت امور خارجه هستند که به جبهه ملی گرایش دارند، پیام اصلی آنها این است که «جمهوری اسلامی» خمینی بهترین ضربه بر علیه کمونیسم است و الزاما با آمریکا غیردوستانه نخواهد بود. (پایان خلاصه) ۳- درست قبل از تعطیلات هفتگی، دو مقام بلند پایه وزارت خارجه به طور جداگانه به کنسول سیاسی گفته اند که مشتاقانه امیدوارند که آمریکا از خمینی حمایت کند. حتی با وجود اینکه آنها خودشان نه پارتیزانهای اسلامی هستند و نه از چنان جمهوری اسلامی حمایت می کنند. یکی از اینها منوچهر داودی (محفوظ بماند) است که رئیس قبلی اولین اداره سیاسی (ایالات عربی) و سرکنسول فعلی در هنگ کنگ می باشد. وی برای ملاقات کوتاه مدتی به اینجا آمد و درخواست ملاقات فوری با رایزن سیاسی کرد.

ضمن یک نهار طولانی، او این ایده را به میان آورد که تنها نقطه مقابل خمینیسم، کمونیسم است. او بر این عقیده بود که انقلاب اسلامی تنها گروه سازمان یافته جدا از کمونیستهاست و اختصاص دارد به اینکه کمونیستها را از قدرت دور نگهدارد. در بلندمدت، این مطمئن ترین راه چاره برای آمریکا و دنیای عرب است. ارتش نی باریکی برای تکیه دادن بر آن است و همین طور دیگران مانند بختیار، که هیچ قدرت واقعی ندارد. اگر دولت آمریکا بتواند به دستگیری قدرت توسط نیروهای خمینی را تسهیل نماید، می تواند خود را محبوب کند (خود شیرینی کند) و روابط را برای آینده بهتر کند.

۴- داودی به رایزن سیاسی یادآوری کرد که او قبل از هر چیز یک ضد کمونیست است و سوابق خوبی در وزارت خارجه دارد. او درخواست کرد که پیام فوق الذکر کاملاً محفوظ باشد، ولی به رایزن سیاسی یادآوری کرد که چندین ماه قبل در مورد توانایی شاه در بر سر کار بودن ابراز نگرانی هایی کرده است. او تکرار کرد تا آنجا که جمهوری اسلامی مورد نظر است، طرفداران خمینی آنقدرها که مجسم شده تندرو نیستند. عاقبت به موافقتهایی با واقعیت خواهند رسید. (یادداشت، او همچنین از اعضای یکی از گروههای مخالف بود که روز بعد مأمور سفارت با وی ملاقات داشت، به تلکس جداگانه مراجعه کنید). ۵- نوع دیگر از همین معنا، غروب روز بعد توسط عزالدین کاظمی عنوان شد که مدت زیادی رئیس

اداره حقوقی و قراردادهای وزارت خارجه بود و تأکید کرده است که از طرف بختیار از او درخواست شده که وزیر خارجه شود (و ما فکر می کنیم که صدیقی هم قبلاً همین درخواست را کرده بود). کاظمی، طرفدار و همفکر قدیمی جبهه ملی (که یک بار در ۱۹۶۱ به علت شرکت در تظاهرات به زندان رفته است) به ما گفت که او مخالف با عمل بختیار است که جبهه ملی را از خط اصلی انقلاب خمینی جدا خواهد ساخت.

بعدا وقتی که انقلاب پیروز شد وقت کافی برای گروههای مختلف که اختلافاتشان را حل نمایند وجود خواهد داشت. تا وقتی که شاه استعفا نداده است او هر لحظه که بخواهد می تواند به توسط سرنیزه های ارتش باز گردد. بنابراین نهضت باید از تنها فریادش، خمینی، تا مستقر شدن بر قدرت نگاهداری نماید.

جبهه ملی اگر از خمینی رویگردان شود دیگر هیچ شانس برای به دست آوردن نظر عموم نخواهد داشت.

به همین دلیل، کوششهای فعلی بختیار برای اثبات اینکه او در رقابت طرفداری از خمینی، از نوعی طرفداری مردم برخوردار است یک قضیه شکست خورده است و فقط جو را بدتر می کند. بیشتر طرفداران فعلی بختیار وابسته به ارتش، ساواک یا از پشتیبانان شاه که در رختخواب پر قو می میزند، هستند. این نشانگر خیانتی به آنچه که جبهه ملی و جنبش مذهبی طرفدار آن هستند می باشد. بختیار باید به سادگی دولت را به خمینی واگذار کند و به منظور جلوگیری از خونریزی بیشتر باید وسایل تسهیل این کار را فراهم نماید.

۶- کاظمی از پاسخ کنسول سیاسی که اگر خمینی قدمها را سریعتر بردارد امکان دارد ارتش حرکتی نماید، نسبتاً تحت تأثیر قرار گرفت. او عقیده ای که در میان خیلی از مخالفین شایع است که ارتش خودش به دو قسمت مقابل هم تجزیه شده و بنابراین موفق نخواهد شد، را ابراز نمود. به هر صورت وی نتوانست این بحث را رها کند که نتایج هرچه باشد مقدار معتناهی خونریزی از خود حرکت (ارتش) حاصل خواهد شد. او با بی میلی با این نظریه موافقت داشت که ارجح تر خواهد بود اگر از طریق طی مراحل قانون اساسی برای هر گونه تغییر انقلابی در سیستم دولت اقدام شود. با این وجود او چندین بار این نکته را متذکر شد که خمینی مردی نیست که اهل چانه زدن باشد.

۷- کاظمی طرفدار زندگی ساده است. او این طور اظهار داشت که ایالات متحده بایستی که ایران را با تمایلاتش و با عقب ماندگیهایش به حال خود بگذارد. او گفت که زندگی اقتصادی و اجتماعی بدون کوششهای سخت در پیشرفت و مدرنیزه شدن، که شاه با تشویق و دلگرمی آمریکا انجام داده، در جهت جلب رضایت مردم انجام خواهد شد. ایران هیچ مخالفتی با آمریکا ندارد و بسیاری از چیزهای غرب را می پسندد. اما کشور باید درجه پیشرفت خودش را بدون تسریع ایالات متحده بیابد. او این عقیده را که کمونیستها در ایران قدرتی دارند یا شوروی در ایران خیلی فعال است مسخره کرد. اما اگر آشوب کنونی به زودی رفع نشود این دو (شوروی و کمونیست) می توانستند در دراز مدت چنین قوی شوند. دولت آمریکا باید هر کار که می تواند انجام دهد تا از مانع راه خمینی بودن اجتناب ورزد. برای انجام این کار دولت آمریکا به قدر کافی بر روی ارتش کنترل دارد.

۸- کاظمی گفت که راجع به ماهیت جمهوری اسلامی خوش بین است. اصطلاح جمهوری برای سالها در نظر مردم ایران به

دست گرفتن قدرت توسط کمونیستها معنی می داده است. این خمینی بود که خیلی عاقلانه کلمه اسلامی را به آن اضافه کرد تا موضع خود را از کمونیسم جدا سازد. کاظمی خودش پیشنهاد می کند که یک کلمه توصیفی دموکراتیک اگر به آن اضافه شود نتیجه اش به صورت جمهوری دموکراتیک

ص: ۴۰۲

اسلامی توصیف خواهد شد. او عقیده داشت که این حقیقتا آن چیزی است که خمینی در نظر دارد نه یک دیکتاتوری روحانیون. (نظریه: این عقیده یک اقلیت است.) او عقیده نداشت که فعالیت گروههای مسلمان در خیابانها در این مرحله انقلابی حقیقتا نشانگر آن چیزی است که بعدها پیش خواهد آمد. از طرف دیگر خمینی عاقل است که الآن بر می گردد و در نتیجه انقلاب تا رسیدن به نتیجه منطقی آن ادامه می یابد. این به بختیار مربوط می شود که از خواستههای خمینی پیروی کند. خمینی درست به آن اندازه بر حق است که یک دولت جدید که پس از یک انقلاب یا یک کودتا روی کار می آید. قانونا او برای خود آنقدر مشروعیت دارد که بتواند دولت فعلی و قانون اساسی را تعویض نماید. او شخصیت خمینی را با «دو گل» مقایسه کرد (این اولین باری نیست که ما یک چنین مقایسه ای را می شنویم).

۹- کاظمی اقرار کرد که به طور غیر رسمی رهبری کمیته ای را که در وزارت خارجه به منظور حمایت از انقلاب تشکیل شده به عهده دارد.

او با تظاهر کنندگان طرفدار خمینی شرکت کرده است. ظلی (معاون وزارتخانه شماره دو در وزارت امور خارجه) به حمایت از بختیار و قانون اساسی تظاهرات کرده است. کاظمی و داودی هر دو نسبت به وزیر - میرفندرسکی - نظریه خوبی داشتند. وی به عنوان یک حرفه ای قابل، با تجربه و با نظریه قابل قبول آزادیخواهی دیده می شود.

۱۰- نظریه: هر دو منبع (کاظمی و داودی) به حدّ زیادی ثابت و استوارند و هیچ کدام افراطی یا در جهت کمونیستی نیستند. آنها نماینده (نمایانگر) تعداد قابل توجهی از مقامات وزارت امور خارجه هستند که از جبهه ملی طرفداری می کنند، اما در طی این سالها همواره ساکت بوده اند. آنها در مورد شناخت ایالات متحده از یک واقعیت در قدرت عظیم جنبش اسلامی که توسط خمینی رهبری می شود اصرار می ورزند. آنها در حالی که تصویر گلگونی از وضعیتی که ناشی از به دست گرفتن قدرت توسط خمینی است در ذهن تصویر می کنند، معتقدند که آنها در تشخیص حتمی بودن آن واقع بین هستند و طبق سوابق کمی مختلفشان، هر دو معتقدند نتیجه از دید ایالات متحده و غرب به طور معقولانه ای رضایت بخش خواهد بود.

### **دیگ سیاسی با پرزوری می جوشد، تهدید آشوب رشد پیدا می کند**

سند شماره (۴۱) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۲۸ ژانویه ۱۹۷۹ برابر با ۸ بهمن ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: دیگ سیاسی با پرزوری می جوشد، تهدید آشوب رشد پیدا می کند ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: اعلامیه بختیار مبنی بر اینکه او به پاریس می رود و ملاقاتها و مذاکرات آشتی از روال خارج شده را در تهران و بین تهران و پاریس به وجود آورده است. رهبران سیاسی میانه رو به طوری که گزارش شد، از ترس آشوب می خواهند که او هرچه سریعتر بازگشت خمینی را مورد مذاکره قرار دهد. در حالی که نهضت آزادی به نظر می رسد که بیشتر نگران یک معامله کامل سیاسی است، جمعیهایی که جمع شده اند (بعضی از استانها) تا به آیت الله خمینی خوشامد بگویند ببقرار هستند. روحانیت تهران درخواست

۴۸ ساعت آرامش بیشتر نموده است ولی احتمال برای آشوب قابل توجه است.

۳- در گفتگو با واسطه سیاسی میانه رو - میناچی - و انتظام از نهضت آزادی در طول ۲۴ ساعت گذشته، اینطور به نظر می رسد که تصمیم بختیار برای رفتن به پاریس با بهشتی، نایب خمینی در تهران و تعدادی دیگر شرکت کننده تدبیر شده بود. آن (تصمیم) همچنین کار تلفنی قابل توجهی را با پاریس به دنبال داشته رهبران عملاً تمام روز ۲۸ ژانویه را به طور مستمر برای تدبیر کردن جزئیات اضافی ملاقات خواهند نمود و میزان نامطمئنی در اطراف بالاست.

۴- میناچی معتقد است که نکته بحرانی این است که بختیار و خمینی را گرد هم بیاورند که زمان بازگشت خمینی را هرچه سریعتر تنظیم کنند. جمعیت هایی که در چند روز گذشته در تهران جمع شده اند تا به آیت الله خوشامد بگویند بی قرار می شوند. سخنرانان گردهمایی عزاداری ۲۷ ژانویه صریحاً اظهار داشتند که اگر خمینی در ۲۸ ژانویه بازنگشت، مبارزه مسلحانه در ۳۰ ژانویه باید شروع شود. هر دو - میانه روها و نهضت آزادی - خیلی نگران هستند که تأخیر بی مورد در پیشرفت در جهت معامله سیاسی که خمینی را بازخواهد گرداند، معنیش خشونت در چند روز آینده خواهد بود. احتمال عکس العمل های کنترل نشده به وسیله دسته های مسافران شهرستانی رشد پیدا می کند. گزارشات پراکنده ای از چپاولگری در جنوب تهران و دیگر وقایع در جاهای دیگر وجود داشته است. چندین منبع دانشگاهی ما می گویند فرقه های تندرو از جناح چپ جنبش مذهبی خواهان مبارزه فعالتر هستند. به هر حال موقعیت در حال حاضر تحت کنترل می باشد.

۵ - انتظام از نهضت آزادی معتقد است که بختیار باید یک معامله کامل سیاسی در پاریس انجام دهد، چون که، غیر از اینکه او این کار را انجام دهد او در زمانی که وقت آن می شود که هر موافقتی در تهران انجام پذیرد گروگان ارتش خواهد بود. یک طرح، بختیار را به صورت نوعی از احترام گذاری نسبت به خمینی مطرح می کند که توافق آیت الله را برای نخست وزیر بودن تا انجام انتخابات (سه تا چهار ماه) می گیرد و با یک هواپیما با آیت الله باز می گردد. طرح دیگر بختیار را وادار می کند که روی موافقت کار کند و باز می گردد که ارتش را آرام کند و سپس به خمینی خوشامد بگوید.

۶- در یک تلاش که وقتی به جریان امور سیاسی برای عمل می دهد، روحانیت تهران اعلامیه ای در صبح ۲۸ ژانویه با امضای آیت الله طالقانی منتشر نموده که درخواست ۴۸ ساعت آرامش بیشتر در حالی که نخست وزیر ترتیبات بازگشت خمینی را می دهد، نمود. هر دو - انتظام و میناچی - فکر می کنند که حداقل راه حل مشکل ورود تا آن زمان تنظیم شده باشد. در غیر این صورت نهضت آزادی و دیگران مشکلاتی در کنترل کردن عکس العمل جمعیت خواهند داشت.

۷- نظریه: میناچی معمولاً در مورد خشونت نگران نیست، و او الآن آشکارا نگران است. تعدادی روزنامه نگار آمریکایی که سه روز در شهر بوده اند، حالت هر دو جوامع و ارتش را به طور کلی خشن تر گزارش می کنند. سؤال اساسی در این موقع این است که آیا جریان سیاسی می تواند به یک راه حل کافی برای جلوگیری کردن از یک برخورد قبل از اینکه آدمهای شتابه کار مسائل را تحت کنترل خود بیاورند برسد.

**یکی از وفاداران مسن شاه به دولت آمریکاتبریک می گوید و خواهان برکناری شاه می شود**

سند شماره (۴۲) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۲۸ ژانویه ۱۹۷۹ برابر با ۸ بهمن ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: یکی از وفاداران مسن شاه به دولت آمریکا به خاطر سیاستش تبریک می گوید و خواهان برکناری شاه می شود ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- یکی از سلطنت طلبهای طرفدار شاه معتقد است که خمینی را نمی شود متوقف نمود و خواهان برکناری سریع و زود شاه برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع به نفع کمونیستها می باشد. وی معتقد است که دولت آمریکا با پشتیبانی عمومی از شاه که روسیه را آرام کرده است و زمینه را برای انتقال صلح آمیز قدرت به دولت الهام گرفته از خمینی آماده کرده است، ورقهای خود را خوب بازی کرده است. او معتقد است که در نهایت ولیعهد می تواند برگردد. ضمناً پشتیبانی بی سرو صدا و نه عمومی برای بختیار را نیز خواستار بود.

۳- ابراهیم خواجه نوری، سیاستمدار مسن و سناتور سابق از طریق یک واسطه تقاضای ملاقات با مأمور سیاسی کنسولگری را نمود و نظراتش را در تاریخ ۵ ژانویه به وی گفت. خواجه نوری بازنشسته است ولی فعال می باشد و سابقه طولانی سیاسی دارد و مهمترین نقش وی، معرفی کردن ارتشبد زاهدی به سفارت آمریکا در لحظات حساس در سال ۱۹۵۳ بود. خواجه نوری که از موضع سلطنت طلبی صحبت می کرد، حرفش این بود که روزگار شاه به سر آمده است و این به دلیل کارهای خودش و عدم توانایش در تطبیق خودش با تغییرات زمانه می باشد. تنها کناره گیری سریع وی می تواند سلطنت را حفظ کند از بدتر شدن اوضاع به نفع کمونیستها جلوگیری نماید.

۴- مانند سایر متفکران ایرانی، خواجه نوری معتقد است که خمینی قابل توقف نیست. هرچه سریعتر به خواسته خمینی جامه عمل پوشانده شود، به همان اندازه ایران به سمت عادی شدن اوضاع پیش خواهد رفت و از یک آشفتگی که فقط کمونیستها از آن بهره خواهند برد جلوگیری خواهد شد. دولت آمریکا باید آنچه که از دستش بر می آید انجام دهد تا شاه را تشویق به کناره گیری نماید. او تشخیص می دهد که گفتن مستقیم به شاه بهترین راه نیست، بلکه اشخاصی هستند که شاه به مشورت و نصیحت آنها گوش خواهد داد (سران کشورهای دیگر چه عربی و چه اروپایی) و آنها باید در جهت صحیح جدیت کنند. احتمالاً پس از اینکه این هیجان و سروصدا فروکش کند، ولیعهد قابل قبول خواهد بود. و این هیجانات تنها موقعی فروکش می نماید که دیگر شاه هرگونه امکان بازگشت به ایران را از خودش گرفته باشد و بنابراین باید به عوامل مخالف اجازه داد که عقاید و نظرات خودشان را که با نظرات خمینی متفاوت است نسبت به آینده بیان کنند.

۵- سناتور خواجه نوری معتقد است که وی عمق و حقیقت سیاست آمریکا را درک می کند و نه ظاهر این سیاستها را. او به آمریکا به خاطر پشتیبانی عموماً از شاه تبریک گفت. پشتیبانی عمومی که به نظر خواجه نوری به شاه کمک کرد تا غرق شود. با وجود اینکه از شواهد این طور بر می آید که آمریکا در حال از دست دادن ایران است، ولی آمریکا به طرز مؤثری روسها را آرام کرده است که در غیر این صورت ممکن

بود که مداخله کنند. فقط مایه بدبختی است که دولت آمریکا به طور عمومی از بختیار نیز پشتیبانی کرده است و بدین وسیله بوسه مرگ نیز بر وی زده است. بختیار، که خواجه نوری وی را شخصا نمی شناسد، یک مهره مفید برای انتقال قدرت می باشد. وی زمینه را برای به قدرت رسیدن خمینی آماده می کند و بنابراین می ارزد که از وی بی سروصدا پشتیبانی شود چون مسئله مهم جلوگیری از دخالت شوروی می باشد بنابراین سیاست آمریکا باید غیر مستقیم و مؤثر باشد همچنان که تاکنون بوده است. خواجه نوری بوسیله اظهارات مأمور سیاسی کنسولی که ما در امور داخلی ملتها دخالت نمی کنیم و سیاست ما همان است که آشکار است، متقاعد نشد. او لبخند عاقلانه ای زد و گفت که در دنیای کنونی تمام ملتها در بعضی از امور داخلی کشورهای دیگر مداخله می نمایند.

۶- خواجه نوری که خودش را به عنوان یک جامعه شناس (که کتابهای زیادی نوشته) و یک روانشناس عام توصیف کرد، گفت که شاه یک «فرد خودستا» می باشد، این گونه افراد معمولاً کارهای بزرگتر از کارهای واقع بینانه انجام می دهند و دارای افکار رؤیایی می باشند. او مطمئن است که شاه هنوز به فکر بازگشت به سلطنت می باشد و بنابر این بدون فشار قابل توجه از جانب مشاوران قابل اعتمادش قدم حساس کناره گیری را بر نخواهد داشت.

۷- نظریه: نکته مهمی که از این ملاقات می توان نتیجه گرفت این است که اسب جنگی پیر (منظور خواجه نوری) که نقش مهمی در بازگرداندن شاه در سال ۱۹۵۳ داشت، به این نتیجه رسیده است که شاه باید برود و اوضاع مساعد برای خمینی فراهم شود تا از سرمایه گذاری کمونیستها روی ادامه ناآرامیها جلوگیری نمود.

### **میان روها به شکل خود ادامه می دهند، اما ترس از کمونیستها و خمینی، هست**

سند شماره (۴۳) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۰ بهمن ۱۳۵۷ - ۳۰ ژانویه ۱۹۷۹ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

گزارشگر: لامبراکیس شماره سند: ۱۴۷۸-۱ موضوع: میان روها به شکل خود ادامه می دهند، اما ترس از کمونیستها و خمینی، هست ۲- خلاصه: مخالفین میان رو اولین میتینگ بزرگ و متشکل خود را اخیراً برگزار کردند و از این می ترسند که گروههای کمونیست میتینگشان را به هم بریزند. آنها از دیکتاتوری کمونیستها در نتیجه به قدرت رسیدن خمینی می ترسند. اما آنها راه حل دیگری جز همکاری با خمینی در آن لحظه نمی بینند آنها فکر نمی کنند که بختیار تا زمانی که شاه را تکذیب نکرده کوچکترین شانسی داشته باشد. (پایان خلاصه) ۳- از جمله گروههای مخالف، اتحادیه معلمین ایران می باشد که رئیس آن محمد درخشش است.

درخشش در روز ۲۸ ژانویه به مشاور سیاسی گفت که گروه سیاسی او یک میتینگ بین ۴ تا ۵ هزار نفره، ۵ روز قبل (۲۳ ژانویه) به منظور بحث کردن در مورد منافع مشترک در موقعیت سیاسی اخیر تشکیل دادند.

آنها در سه روزنامه تبلیغ نموده، بودند و همچنین، از کلپ معلمین که در اختیار وزارت آموزش و پرورش است، استفاده کردند. این تظاهرات برای آنها مقدور بوده، و با وجود اینکه آنها تقاضایی برای اجازه





برگزاری تظاهرات از مسئولین حکومت نظامی نگرفته بودند.

۴- مخالفین برجسته، جدا از سخنران اتحادیه معلمین صحبت نمودند. اینها شامل وکیل متین دفتری و وکیل لاهیجی از طرف کانون وکلا، و رحیم صفاری از طرف «حزب اتحاد برای آزادی» متعلق به بنی احمد (تهران ۴۵۱ را ببینید) و دکتر اشراقی از سازمان پزشکان و آقای موّنی از انجمن نویسندگان بودند در این گردهمایی در همکاری برای اجاره یک ساختمان برای یک کلوپ موافقت نمودند و آنها الان در جستجوی آن هستند. آنها همچنین در جستجوی اجازه گرفتن برای ادامه چاپ مجله هفتگی درخشش می باشند (که چند پلی کپی آن گاهی اوقات در چند ماهه گذشته ظاهر می شده).

۵- در انتهای گردهمایی چند کمونیست سعی به برهم زدن و متوقف نمودن آن به وسیله فریادهای خود نمودند. در حدود ۱۰۰ نفر از ناظران با نشانهای مخصوص از رفتن آنها به طرف سخنرانان جلوگیری به عمل آوردند و به علت اینکه میتینگ تقریباً تمام شده بود آنها آن را به هم نزدند. این مسئله سبب شد که درخشش اظهار نگرانی کند که کمونیستها در حال قویتر شدن هستند. شهر از کتابهای آنها مملو است که زیاد و ارزان می باشند. خانم درخشش گفت که آنها در میدان ولیعهد زیاد هستند و او خودش ۳ عدد کتاب خریده است. کمونیستها آماده می شوند تا اینکه به محض سقوط ملاحا قدرت را به دست بگیرند.

۶- همچنان که او در فرصتهای قبلی انجام داده، درخشش دوباره مخالفت خود را با جانشین شدن دیکتاتوری روحانیون مسلمان به جای دیکتاتوری شاه نشان داد. خمینی در کتابهایش خود را نماینده خدا می داند و چگونه شخصی می تواند با کلمات خدا بحث کند. دولتی که بر مبنای قرآن بنا شده باشد در حقیقت جز عقب گرد چیزی نیست و اصلاً تربیت و تعلیم صحیح و درست به مردم ایران نخواهد داد.

۷- درخشش شاه را به علت حمایتش از یک نوع خیلی محدود تحصیل و تعلیم و تربیت برای مردمش مقصر می دانست؛ زیرا که افق دید آنها را باریکتر نمود به جای اینکه دید و افق فکری آنها را وسیعتر نماید.

او گفت که بختیار احتمالاً اگر موقعیت حمله به شاه را اختیار کند خودش را می تواند نگاه دارد. آن چنان که او هست مردم فکر می کنند که او می خواهد که شاه برگردد و همچنین بختیار به عنوان نخست وزیر در چارچوب قانون اساسی ارتش را کنترل نمی کند. بلکه شاه توانایی کنترل ارتش را دارد. بختیار در آغاز به خاطر انجام بعضی وعده هایی که داده بود، تحویل گرفته شد. او زندانیان سیاسی را آزاد کرد. اجازه آزادی نسبی برای مطبوعات صادر نمود. تظاهرات را آزاد کرد اما در چند روز گذشته ارتش به طرف مردم تیراندازی کرده است؛ هرچند که او اعلام نموده بود که به طرف آنها تیراندازی نمی کند. این مطلب نشان می دهد که بختیار واقعاً نمی تواند ارتش را کنترل کند؛ آنچنان که خود او گفته می تواند.

۸- علیرغم تمامی مطالب بالا- درخشش تشخیص داد که راه حلهای او محدود است. او آرزو کرد که به بهترین وجهی رویارویی خمینی با ارتش در حالی که بختیار به عنوان واسطه عمل می کند، ادامه یابد. او همچنین گفت که او در مورد تهدید کمونیستها بسیار نگران بود. به طور مشخص انجمن معلمان در خطر بود و این اولین جایی است که کمونیستها سعی دارند در آن نفوذ کنند. خود درخشش در گذشته تحت حملات کمونیستها بوده و به آنها پاسخ داده است. او به نظر می رسد

که قانع شده است، چرا که هدف نهایی او برقراری جامعه ای دموکراتیک، خالی از عقاید خشک مذهبی است. او به عنوان یک تاکتیک هیچ راهی ندارد جز آنکه با نیروهای خمینی همپیمان شود. او به این ترتیب امیدوار است که بتواند در هر دولت مذهبی نفوذ کند و مردم مذهبی را به دست کمونیستها رها نمی کند. مشاور سیاسی به درخشش و دیگر

ص: ۴۰۷

میان‌ه‌روها پیشنهاد نمود که به منظور راهنمایی بیشتر مذاکرات، نزدیکی با افراد میان‌ه‌رو مذهبی مانند بازرگان داشته باشد و بازرگان می‌تواند به عنوان بهترین رابط در جریان حرکت اصلی مذهبی باشد.

۹- نظریه: درخشش به وضوح به حرکت قدرت‌گیری خمینی بدین است و او می‌ترسد که دیکتاتوری مذهبی به وجود آید که در نتیجه کمونیستها قدرت را به دست بگیرند.

## نظرات مخالفین

سند شماره (۴۴) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۳۰ ژانویه ۱۹۷۹ برابر با ۱۰ بهمن ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: نظرات مخالفین ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- کارشناسان سفارت، پرت و پاترسون در ۲۵ ژانویه با گروهی از مخالفین در منزل دکتر خواجوی ملاقات کردند. هدف اصلی از این دیدار، دستیابی به نظرات بازاری‌ها در مورد وضع سیاسی بود. پنج بازاری وجود داشتند: آقایان علی بابائی، عالی نصیبی، علاءالدین، نجیب بابائی و اسپهبدی. چندین تن از دوستان خواجوی در کمیته حقوق بشر نیز حضور داشتند. همچنین منوچهر داودی، افسر خدمات خارجی که سر کنسول در هنگ کنگ است نیز آمده بود. (داودی مشخصاً ناراحت بود که در یک شهر گردهمایی مخالفین شرکت دارد. به تهران ۱۳۷۵ رجوع شود). ۳- کوششهای کارشناس برای به دست آوردن تحلیل مخالفین از اوضاع سیاسی به ابزار حمایت کلی از خمینی و دشمنی با رژیم انجامید. ما فکر می‌کنیم که اکثر افراد باعث چنین مسئله‌ای شده (ما قبلاً خواسته بودیم که افراد کمتری حضور داشته باشد). این آقایان صحبت‌های مخالفین دیگر را تکرار می‌کردند و می‌کردند و می‌گفتند که بختیار قابل قبول نیست چون توسط شاه انتصاب شده و توسط مجلس غیرقانونی تأیید این توطئه‌ای است که در آن بختیار می‌خواهد وقت بگذارند تا شاه دوباره برگردد. آمریکا هم در خیلی از انتقاداتی که به شاه وارد بود شریک بود. یک بازاری (که خوب صحبت می‌کرد) گفت که ما یک فرصت دیگر به آمریکا خواهیم داد که ولی انگلیسیها را هرگز نخواهیم بخشید. (من اموال را قربانی خواهم کرد تا پیروز شویم چون روح من در خاکها کوبیده شد). احساسات منفی نسبت به آمریکا توسط این امر تبدیل شد که اشتباهات آمریکا سهواً بوده ولی برنامه‌های انگلیسیها و روسها توطئه‌های حساب شده‌ای برای سلطه بر کشور بوده است.

۴- متین‌ترین و محترم‌ترین بازاری، عالی نصیبی بود. او نطق کوتاهی کرده که مخلوطی از پیچیدگی و ناپختگی بود و در آن توضیح داد که چطور به دنبال افزایش در آمد نفت، واردات به سرعت به حدود ۱۵ بلیون دلار افزایش پیدا کردند و بیشتر آن شامل خرج‌های بی‌مورد برای اجناس لوکس و تکنولوژی بی‌فایده بود. او گفت با توجه به زمینهای نامناسب ایران، هوای خشک و خرج زیاد آبیاری کشور، باید آنقدر در کشاورزی سرمایه‌گذاری کند تا بتواند خود کفایت گردد و بقیه درآمد در صنایع مناسب که بتواند آن را صادر کند و جای درآمد نفت را بگیرد سرمایه‌گذاری شود. او تأکید بر لزوم ایجاد صنایع در مناطق غیر شهری داشت تا به بیکاری پنهان پایان دهد. در جواب سؤال کارشناس سفارت در مورد اینکه

جمهوری اسلامی چطور تشکیل خواهد شد (تمام بازاریها اصرار داشتند که دولت آمریکا از جمهوری اسلامی حمایت کند) عالی نصبی پاسخ داد که او از سیاست چیزی نمی داند ولی می تواند توصیه های اقتصادی به خمینی بکند: «من به او پیشنهاد می کنم که مثلاً ما صادرات نفت را به توسعه صادرات دیگر وابسته کنیم، و به کشورهای دیگر بگوییم که برای هر ده هزار بشکه نفت که ما به آنها بفروشیم آنها همچنین باید فلان مقدار فرش بخرند.» کارشناسان سفارت به صورت مؤدبانه ای گفتند چنین برنامه ای عملی نیست، چندین شرکت کننده توضیح دادند که مایلند تجارت بین ایران و آمریکا ادامه پیدا کند و توقع داشتند که در طی رژیم جدید این تبادلات افزایش پیدا کند.

۵- نظریه: دوباره این گروه سردرگمی خودش را نشان داد. آنها ابراز می کنند، حداقل پیش همدیگر، که همه طرفدار خمینی هستند، ولی مشکل می توان فهمید چرا آنها فقط توقع دارند که آینده به رهبری آیت الله روشتر باشد و اگر نباشد، خشم ضد رژیم آنان باید نقطه وحدت دیگری بیاید.

### ورود خمینی - مذاکرات ارتش خوب پیش می رود

سند شماره (۴۵) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۳۱ ژانویه ۱۹۷۹ برابر با ۱۱ بهمن ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری موضوع: ورود خمینی - مذاکرات ارتش خوب پیش می رود ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- دکتر میناچی ظهر ۲۱ ژانویه به مأمور سیاسی گفت که مذاکرات بین ژنرال قره باغی و مهندس مهدی بازرگان در عصر ۳۰ ژانویه خیلی سازنده بوده است. بعضی جزئیات امنیتی برای حضور خمینی در تهران در چند روز آینده بایستی حل بشود، اما اینها جزئی تلقی شده اند. نکته اصلی اطمینان دادن صریح قره باغی به بازرگان بود که ارتش «مخالفتی» با تغییر نخواهد کرد، حتی تغییرات در کابینه تا مادامی که مطابق قانون اساسی انجام گیرد. طبق گفته میناچی که صبح ۳۱ ژانویه ملاقات طولانی با بازرگان داشت، قره باغی به بازرگان گفت حتی تغییر در قانون اساسی در صورتی که مطابق با قانون اساسی انجام شود مورد قبول خواهد بود. ارتش سوگند خورده است که تا استقلال کشور را حفظ کرده و به قانون اساسی احترام گذارده و در سیاست دخالتی نکنند، به طوری که گزارش شده قره باغی گفته بزرگترین اشتباه نخست وزیر سابق شریف امامی این بود که او می کوشید ارتش را در سیاست دخالت دهد. (نظریه: مسلماً منبع ما انگیزه ای خودخواهانه دارد تا نظرات قره باغی را با بهترین زرق و برق ممکن ارائه داده باشد.) به نظر می رسد که ارتش به این نتیجه رسیده که ورود خمینی را بپذیرد و آماده است تا مادامی که به اصول قانون اساسی احترام گذاشته شود با جنبش اسلامی همکاری کند. ما مطمئن نیستیم که آیا چشم پوشی آشکار قره باغی از سوگند ارتش بر شاه تنها توسط منبع ما حذف نشده یا افسران ارشد ارتش به سادگی اهمیت جدیدی برای مأموریت ارتش قائل شده اند. اثر اصلی اوضاع سیاسی در هر حال مثبت به نظر می رسد.

۳- ورود خمینی در تلگرافهای مرجع آورده شده میناچی و منبع نهضت آزادی تأیید کردند که برنامه ها تنظیم شده اند. میناچی گفت که ارتش امنیت فرودگاه را به عهده گرفته و ماشین خمینی را تا میدان شهید

خواهد آورد آنجا مأموران امنیتی نهضت آزادی مسئولیت را به عهده خواهند گرفت. ظاهراً ارتش در مسیر تا قبرستان بهشت زهرا آماده خواهد بود، ولی خیلی آشکار نخواهد بود. در رابطه با کسانی که به آیت الله خیرمقدم می گویند مشکل جزئی به وجود آمده است ظاهراً ۱۲۰۰ کارت برای اجازه ورود به فرودگاه صادر شده است. ارتش مانع از این شد و گفت سالن فرودگاه بیش از ۵۰ نفر ظرفیت ندارد. تمام کارتها لغو خواهد شد و لیست اصلی طرح خواهد شد. میناچی گفت گروههای مخالف مختلف در تهیه لیست یکصد و چند نفر حضور داشتند که نخست وزیر از میان آنها ۵۰ نفر را برای استقبال از آیت الله انتخاب خواهد کرد. موقعی که سؤال شد چرا وظیفه انتخاب به عهده بختیار است، میناچی اطلاع داد که پیروان خمینی در کاهش افراد در لیست مشکلاتی داشتند. از این طریق بختیار مسئولیت حذف کردن بعضی از مردم را به عهده می گیرد. (نظریه: این یک راه حل عالی ایرانی برای مشکل است. در هر حال ممکن است مشکلاتی از طرف آنها بیاید که حذف شده اند و خبر پیدا نمی کنند وجود داشته باشند. میناچی گمان می کرد که این توسط کمیته مخالفین - ارتش در، در ورودی فرودگاه قابل حل خواهد بود.) ۴- میناچی گفت خانواده خمینی با همان هواپیمایی که آیت الله خواهد آمد، خواهند آمد و در خانه ای در خیابان دولت، همچنان که قبلاً گزارش شده اقامت خواهند کرد.

سولیوان

### گزارش سیاسی امنیتی - ۲ فوریه ۱۹۷۹

سند شماره (۴۶) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۲ فوریه ۱۹۷۹ برابر با ۱۳ بهمن ۵۷ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

موضوع: گزارش سیاسی امنیتی - ۲ فوریه ۱۹۷۹ ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: برنامه دید و بازدیدهای خمینی امروز بسیار سبک است، زیرا او بسیار خسته شده است.

مذاکرات نهضت آزادی و بختیار قرار است آغاز شود. تظاهرات بزرگی در گورستان اصفهان صورت می گیرد. فریدون زند، مشت زن سابق در تهران از سوی یک گروه چریکی اعدام شد. شعار عمده اجتماعی که امروز در جنوب تهران در جریان بود عبارت بود از «مرگ بر هائیزر» تهران روی هم رفته آرام است. (پایان خلاصه) ۳- یک منبع نهضت آزادی می گوید خمینی امروز بسیار خسته است و کم کار خواهد کرد. او فردا بحثهای سیاسی فشرده ای خواهد داشت. به نظر نهضت آزادی بختیار نخست وزیر همچنان سماجت دارد ولی مذاکرات نهضت آزادی بختیار قرار است امشب آغاز شود. نهضت آزادی انتظار دارد این مذاکرات در اطراف شورای اسلامی و نقش بختیار در حکومت انتقالی باشد. یک مسئله حساس این است که چه کسی انتخابات قریب الوقوع را کنترل کند.

۴- میناچی به استمپل، مأمور سیاسی گفت دیروز نیروی امنیتی روی هم رفته بسیار خوب کار کرده است هر چند در چند نقطه جمعیت چنان با شور و هیجان به سوی خمینی روی آورده بود که بیم آن می رفت او از هر سو در محاصره قرار گیرد. میناچی پیش بینی می کند که برای یافتن راه حل ۴ تا ۷ روز

بحث و مذاکره لازم خواهد بود.

۵- تهران روی هم رفته آرام به نظر می رسد و رفت و آمد بسیار سبک و سرو صدای نا هنجار شنیده نمی شود.

۶- ما همچنان می کوشیم تا آنچه را که خمینی روز گذشته در بهشت زهرا در نطق خود گفته است تجزیه و تحلیل کنیم. گزارشها ضد و نقیض است ولی این به نظر می رسد بشدت ضد خارجی و ضد آمریکایی بوده است. با وجود این ۲ منبع ایرانی این موضوع را تکذیب می کنند.

۷- یک منبع مطبوعاتی آمریکا به ما می گوید خمینی از نطقی که قرار بود در حضور گروهی از اشخاص در یک مدرسه در جنوب تهران در نزدیک ایراد کند خودداری کرد. این منبع گفت هزارها نفر در آنجا جمع بودند و از شعارهای عمده آن «مرگ بر هائیزر» بود. این منبع اظهار نظر کرد که نسبت به ژنرال هائیزر که به عنوان یک دستیار سفیر تصویر می شود و از دفتر سولیوان سفیر آمریکا عمل می کند، خصومت شدیدی نشان داده می شود. این منبع گفت که رادیوهای شوروی هائیزر را مورد حمله قرار می دهند. خمینی قرار است بعد ظهر امروز در اجتماعی از زنان سخنرانی کند.

۸- از اصفهان گزارشهایی درباره تظاهرات بزرگ می رسد و هزاران نفر به سوی گورستان راهپیمایی می کنند. عده زیادی از راهپیمایی کنندگان سوار بر کامیونها، از کنار کنسولگری آمریکا گذشته و شعارهای ضد آمریکایی، و ضد بختیار می دادند. معذالک راهپیمایان رویهمرفته شعارهای طرفداری از خمینی فریاد می زدند و هنگامی که در میان جمعیت تماشا کننده یک خارجی به چشم می خورد شعار آنها به مرگ بر بیگانگان تبدیل می شد. کارمند شرکت بل، که به سوی یک راننده تاکسی شلیک کرده بود همچنان در پناه آیت الله خادمی قرار گرفته است.

۹- خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش می دهد که شخصی به نام فریدون زند، ۲۸ ساله، مشت زن سابق، به قتل رسیده است. از قرار معلوم زند را از خانه او بیرون کشیده اند و شب گذشته به وسیله ۵ مرد مسلح اعدام شده است. آسوشیتدپرس گزارش می دهد که گروهی که خود را مجاهدین موحد خلق می نامد مسئولیت قتل او را به عهده گرفته و زند را به داشتن ارتباطهای کمونیستی و ساواکی متهم کرده است.

### **سنجانی رهبر مخالفین در مورد وضعیت جاری نظر می دهد**

سند شماره (۴۷) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا- تهران تاریخ: ۴ فوریه ۱۹۷۹ - ۱۵ - بهمن ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: سنجانی رهبر مخالفین در مورد وضعیت جاری نظر می دهد ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: در یک مکالمه زیرکانه سنجابی این عقیده را ابراز نمود که خمینی از ایده یک شورای انقلاب اسلامی یا یک مجمع بزرگ قانون اساسی صرف نظر کرده است. به نظر می رسد که او به موضع رقابتی با خمینی بازگشته است، هر چند که این را برای ما آشکار نمی کند. او اظهار داشت جمهوری جدید رئیس جمهوری قوی و پارلمانی مطابق آیین و قاعده (نه شورای اسلامی ویژه) خواهد داشت. (پایان)

خلاصه) ۳- در ملاقاتی بنا به درخواست سنجابی در ۳ فوریه با کنسول سیاسی، سنجابی نظرات خود را به روشی حفاظت شده، در مورد اوضاع جاری ارائه داد. او گفت که فکر می کرد خمینی وی را در شورای انقلاب اسلامیش می خواسته است. سنجابی هرگز به طور قطعی این دعوت را رد نکرده است ولی فکر می کند احتیاجی به یک شورا نیست. ظاهراً به طوری این مشورت را مورد توجه قرار داده و هیچ گونه شورای انقلاب اسلامی را اعلام نخواهد کرد. سنجابی گفت نمی داند چه کسی ممکن است در دولت اسلامی که توسط خمینی اعلام خواهد شد، باشد.

۴- فروهر در پاریس ملاقاتهای زیادی با خمینی داشت که برخی از آنها تنها و بدون حضور مشاورین بود، به یک تمایل دعوت برای نوعی از انجمن قانون اساسی (مجلس مؤسسان) از نمایندگان تمام قسمتهای کشور و تمام حرفه ها و مشاغل صحبت کرده بود ولی فروهر مشکلاتی را که در این کار درگیر بودند تشریح نموده بود و فکر می کرد که خمینی از این ایده صرف نظر نموده بود.

۵- در اظهار نظر راجع به قانون اساسی، سنجابی گفت که فکر می کند نزیه که یک وکیل است، در پاریس مشغول نوشتن آن است. او از گفته کنسول سیاسی که دوست نزیه اظهار داشته نقش نزیه ثانوی است نه مرکزی مبهوت و ناراحت شد (متین دفتری، رجوع شود به تهران ۱۶۹۸). وقتی از او سؤال شد که آیا خمینی نوعی از جمهوری را در نظر دارد که رئیس جمهور در آن قدرت دارد و یا جمهوری که نخست وزیر آن قدرت را در دست دارد، سنجابی گفت او فکر می کند که نوعی که رئیس جمهور قدرت دارد باشد. به عنوان مثال او سیستم ایالات متحده را ذکر کرد، هر چند که کنسول سیاسی راجع به سیستم جمهوری پنجم فرانسه فکر می کرد.

۶- سنجابی راجع به پارلمان آینده گفت کاملاً مشابه با پارلمانهای گذشته خواهد بود. در حقیقت او اظهار داشت که پارلمان فعلی خیلی متفاوت از پارلمانهایی که در دوران مصدق به قدرت رسیدند نمی باشد. در اولین پارلمان پس از به وجود آمدن جمهوری احتمالاً درصد زیادی ملا انتخاب خواهند شد ولی در غیر این صورت او فکر می کرد که انتخابات با گذشته خیلی فرق نخواهد داشت. سنجابی گفت چند ماه قبل در ملاقاتش با خمینی در پاریس به خمینی یادآوری کرده بود که از ۱۹۶۳ تا به حال خمینی درخواست رفتن شاه را نمی کرده است و فقط از شاه می خواسته که یک پادشاه مطابق اساسی باشد. این چیزی بود که مصدق نیز می خواسته. او همچنین یادآوری نموده بود که رهبران مذهبی دوران قانون اساسی ۱۹۰۷-۱۹۰۶ خیلی برجسته بودند.

این کار تعویض قانون اساسی و بقیه را تماماً غیرقانونی خواندن از طرف خمینی نسبتاً جدید است.

(نظریه: سنجابی در مورد عکس العمل خمینی ساکت بود.) ۷- سنجابی چیزی را که قبلاً به ما گفته بود تصریح نمود که تا آنجایی که به جبهه ملی و خود او مربوط می شود، وی همیشه طرفدار عقیده مصدق بوده که یک رژیم سلطنتی از نظر زمینه جغرافیایی و تاریخی برای ایران مناسبتر از یک جمهوری است. وقتی سؤال شد، او گفت هنوز این شانس را نداشته که با آیت الله صحبت کند. (نظریه: مراجعه شود به زیر.) در جواب به سؤالی دیگر او گفت آیت الله به نظر می رسد که در شرایط مزاجی خوبی باشد که برای مردی در سنی حدود ۷۸ خوب باقی مانده است. او وقتی که کنسول سیاسی گفت وی نیز در سن ۷۴ سالگی خوب باقی مانده است، خندید.





۸- سنجابی توجه را به محبوبیت ایده جبهه ملی در میان روشنفکران، معلمین و غیره که خیلی ایده یک جمهوری اسلامی را قبول نکرده اند، معطوف نمود. او گفت روزی که خمینی وارد شد، وی روی شانه بعضی تظاهر کنندگان حمل شد. او در مورد تماسهایش با بازرگان و گروه نهضت آزادی مبهم و سر بسته بود ولی گفت این (تماسها) ادامه دارند.

۹- نظریه: ما اطلاعات نسبتاً خوبی از منبع دیگری داریم که سنجابی در مشورت های خیلی محرمانه و سری با خمینی و همراه با بازرگان و چند رهبر دیگر از گروه خمینی شرکت داشته است. او متمایل به فاش نمودن این موضوع برای ما نبود. شاید او اکنون که در محفل داخلی خمینی، هر چند به عنوان یک عضو جدید، قبول شده به نظر می آید، هنوز دست به عصا حرکت می کند. اگر حقیقتاً این دلیل رفتار زیر کانه او با ما باشد می توان چنین نتیجه گرفت که عقاید او درباره شکل نهادهایی که در جمهوری جدید اسلامی به وجود می آید نسبتاً قابل استناد است. در عین حال او به روشنی می خواهد بازی جداگانه ای با سفارت داشته باشد و تأکید او بر ترجیح سلطنت مشروطه نسبت به جمهوری یکی از شواهد آن است.

سولیوان

### ما اکنون در کجا قرار گرفته ایم؟ ما به کجا می رویم؟

سند شماره (۴۸) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۶ فوریه ۱۹۷۹ برابر با ۱۷ - بهمن ۵۷ به: وزیر امور خارجه در واشنگتن موضوع: ما اکنون در کجا قرار گرفته ایم؟ ما به کجا می رویم؟ ۱- (تمامی متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: برقراری به اصطلاح «دولت موقت» اسلامی از سوی آیت الله خمینی در عصر ۵ فوریه به احتمال دورانی از مذاکرات فشرده را بین مذهبیون و نخست وزیر به دنبال خواهد داشت. چنین به نظر می رسد که نه حکومت ایران و نه جنبش اسلامی تمایلی ندارد که کارها را با عجله به یک رویارویی بکشاند. همین طوری که اقدامات پیش بینی شده نشان می دهد، رویارویی کوچک آینده ممکن است هنگامی صورت گیرد که بازرگان وزیران خود را منصوب کند؛ اگر این وزیران صلاحیت و اعتبار خود را اعمال کنند. جنبش اسلامی امیدوار است که به محض اینکه اعضای کامل کابینه انتخاب شدند خمینی را به قم انتقال دهد. کنترل فرماندوم پیش بینی شده یک مسأله حساس سیاسی است. اگر جنبش اسلامی بکوشد رأی عدم اعتماد پارلمانی نسبت به بختیار به دست آورد اوضاع پیچیده خواهد شد. ظاهراً نظامیان تا زمانی که از قانونیت مشروط پیروی می شود با اوضاع کنار خواهند آمد. مگر اینکه رویارویی آشکار صورت گیرد یا اینکه این رویارویی از سوی رادیکالهای غیر اسلامی تحمیل شود. (پایان خلاصه) ۳- در ذیل ملاحظاتی درباره حوادث ۱۲ ساعت گذشته با ارتباط به اینکه به کجا ممکن است منتهی شود ارائه می شود. تجزیه و تحلیلی که عرضه می شود ممکن است قطعی نباشد زیرا مقاصد بازیگران کلیدی را تا آن حدودی که ما آنها را می شناسیم و همچنین بعضی از حوادث پیش بینی شده را در نظر می گیرد.

۴- اعلام دولت اسلامی «موقت» از سوی آیت الله خمینی، به عنوان یک رویارویی بین جنبش مذهبی و

حکومت ایران به شمار می رود. چندین عامل از جمله اوضاع و احوال این اعلامیه این نظر را القا می کند که این صرفاً گام بعدی در نزدیکی احتیاط آمیز به توصیه نهضت آزادی ایران و میانه روهای مذهبی است.

خمینی نام اعضای کامل کابینه را اعلام نکرده است و همچنین به جز بازرگان به عنوان نخست وزیر نام وزیران دیگر را نبرده است. منابعی که در داخل این جنبش قرار گرفته اند به ما گفته اند که بازرگان در اعلام نامهای وزیران خود به کندی رفتار خواهد کرد، دقیقاً برای اینکه از رویارویی با نظامیان پرهیز کند. زیرا نظامیان در حالی که موافقت کرده اند از رهبری بختیار پیروی کنند و اعلام کابینه «سایه» را نادیده می گیرند، حاضرند از تأسیسات کلیدی در صورتی که وزیران بازرگان اعلام حاکمیت کنند دفاع کنند.

چهارچوب زمانی برای اعلام لااقل چند وزیر بین ۲ روز تا یک هفته است و احتمال دارد از این حدود هم اندکی بیشتر باشد.

۵- چندین منبع وابسته به جنبش اسلامی معتقدند که همه و از جمله خمینی ممکن است قانع به آن باشند که حوادث به تدریج پشتیبانی از نخست وزیر را تضعیف کند. اگر این نظریه حقیقت داشته باشد رویارویی کوچک بعدی هنگامی خواهد بود که «وزیران جدید» اداره وزارتخانه های خود را در دست بگیرند. بختیار خاطرنشان ساخته است که اگر این وزیران وارد وزارتخانه های خود شوند او به ارتش دستور خواهد داد تا آنها را دستگیر کنند. یک منبع نهضت آزادی ایران خاطرنشان ساخته است که وزیران جدید حاضرند وزارتخانه های خود را از یک «کیوسک تلفن» در صورت لزوم اداره کنند و بگذارند که پشتیبانی عظیم از نهضت خمینی در داخل بیشتر وزارتخانه ها کار تحقیق را از داخل به عهده بگیرند. اگر نظامیان، وزیران مورد قبول عامه را دستگیر کنند خمینی حاضر است وزیران دیگری منصوب کند تا آنکه وزنه «عدم مشروعیت» باعث سقوط کابینه شود.

۶- جنبش اسلامی تنها بر این نقطه اتکا ندارد. ما گزارش هایی دریافت کرده ایم مبنی بر اینکه هواخواهان نهضت آزادی ایران در مجلس ممکن است بکوشند خواستار تشکیل بحث در مجلس درباره رأی عدم اعتماد نسبت به بختیار بشوند. شاید این بحث از امروز یعنی ۶ فوریه پس از تصویب لایحه انحلال ساواک و قانون تشکیل دادگاههای ضد فساد آغاز شود. یک چنین بحث و رأی لااقل طبق برآوردهای صورت گرفته یک هفته به طول خواهد انجامید. نهضت آزادی ایران احساس می کند که نشانه هایی در دست است (از رئیس مجلس) مبنی بر اینکه بختیار رأی اعتماد نسبت به خود را از دست خواهد داد. (اظهار نظر: ما هنوز آنقدر یقین نداریم ولی اگر این اقدام صورت گیرد بختیار تحت فشار قرار خواهد گرفت و به مرحله آسیب پذیری خواهد رسید. اگر مجلس رأی به عدم اعتماد نسبت به او بدهد بختیار که خود را طرفدار قانون اساسی می داند راه دیگری جز استعفا نخواهد داشت.) هنگامی که کابینه بختیار از میدان کنار رود راه برای جنبش اسلامی برای مصالحه با شورای نیابت سلطنت درباره انتصاب بازرگان به عنوان نخست وزیر و اجرای موازین قانون اساسی و تصویب آنها از سوی مجلس و تصویب حکومت باز خواهد شد و جنبش اسلامی را با وسایل قانونی روی کار خواهد آورد. البته این امر بدان معنا خواهد بود که اتهام مخالفین درباره اینکه مجلس کنونی و شورای نیابت سلطنت «غیر قانونی» است کنار گذاشته خواهد شد و یا اینکه بایگانی خواهد شد.

۷- مراتب فوق پیش بینیایی است که نهضت آزادی ایران برای سروکار داشتن با بختیار که از مصالحه خودداری می کند به

عمل آمده است. چند منبع وابسته به جنبش مذهبی معتقدند که قبل از اینکه این

ص: ۴۱۴

سناریو به پایان برسد مصالحه انجام خواهد گرفت. طبق اظهار دکتر میناچی (حفاظت شود) از جنبش مذهبی، عامل کلیدی این خواهد بود که اعضای کامل کابینه منصوب شوند، آیت الله خمینی «به قم بازگشته و امور سیاسی را به دست بازرگان بسپارد». از بحثها چنین بر می آید که اعضای نهضت آزادی ایران در محل از موضع آشتی ناپذیر و سرکش خمینی به تنگ آمده اند و امیدوارند او را کنار بگذارند. آنها شاید نتوانند کاملاً موفق شوند ولی در اطراف خمینی فشارهایی از جانب میانه رویهای مذهبی در جریان است که ممکن است او را به بازگشت به قم به عنوان جزئی از مصالحه همگانی هدایت کند.

۸- منابع نهضت آزادی ایران ظاهراً احساس می کنند که نظامیان با سناریویی که نهضت آزادی ایران را طبق موازین قانونی روی کار خواهد آورد کنار خواهند آمد و شاید حق با آنها باشد؛ البته در صورتی که در این میان از رویارویی پرهیز شود. یک خطر بزرگ در حال حاضر (که حکومت ایران و جنبش اسلامی، هر دو آن را قبول دارند) این است که چپگرایان رادیکال یا اراذل و اوباش دست به عملیات خشونت آمیز بزنند که جنبش مذهبی را وارد میدان کنند. مهمترین عنصر در این سازش این مسأله است که چه کسی انتخابات را اعلام کرده و آن را کنترل خواهد کرد. اگر اردوگاه خمینی (و به ویژه خود آیت الله) راضی باشد از اینکه جنبش اسلامی سهم عمده را در کنترل فراندوم درباره سلطنت در مقابل جمهوری اسلامی خواهد داشت آن گاه آنها برای سازش بیشتر زمان کنونی حاضر خواهند بود. بختیار قبلاً به طور خصوصی خاطرنشان ساخته است در فراندوم و هر گونه انتخابات بعدی، آنها نقش اصلی خواهند داشت معذالک اردوگاه خمینی نسبت به بختیار و ارتش و سایر نیروهای طرفدار شاه مانند ژاندارمری و غیره مظنون است. در کوششهایی که برای سازش به عمل می آید این موضوع باید در نظر گرفته شود و همچنین سوءظنهای دیگری درباره نقش ایالات متحده نسبت به نظامیان باید مورد توجه قرار گیرد.

سولیوان

### در پی علی اصغر حاج سید جوادی برای دستگیری

سند شماره (۴۹) از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۷ فوریه ۱۹۷۹ برابر با ۱۸ بهمن ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: در پی علی اصغر حاج سید جوادی برای دستگیری ۱- (سری) ما در گزارش اوضاع، درباره دستگیری حاج سید جوادی اطلاع داده ایم. تماس گیرنده استمپل به مأمور سیاسی خاطرنشان ساخته است که حاج سید جوادی دستگیر نشده است بلکه در مخفی گاه به سر می برد. مهندس صالح بنفتی به پترسون، مأمور سیاسی، گفت که او شب بعد از دستگیری فرضی حاج سید جوادی با او صحبت کرده است و می داند او در مخفیگاه به سر می برد. حاج سید جوادی یک نویسنده برجسته است و در محافل مخالف رژیم مورد تحسین و احترام است. ما سال گذشته درباره تماس با او گزارش دادیم و مجموع نوشته های او را به وزارت امور خارجه فرستادیم و توصیه کردیم این نوشته ها ترجمه شود. حاج سید جوادی با اتحادیه نیروهای جبهه ملی و نهضت نویسندگان (رجوع شود به تهران الف ۱۹، اول فوریه ۱۹۷۸) علاوه بر CDHRF همکاری نزدیک داشته است. او یک رساله نویس ماهر سیاسی است. او به طور قطعی چپگرا و ضد صهیونیست و ظاهراً ضد آمریکایی است. روش او نسبت به اسلام ظاهراً یک روش پذیرش سیاسی است تا شور و شوق مذهبی. مقاله ای که او به خاطر آن «دستگیر

شده است» حتی یک بار هم کلمه اسلام را در هیچ گونه از اشکال به کار نبرده است ولی او همواره به «نهضت مردم ایران» و «انقلاب بزرگ ملی» اشاره می کند.

۲- (خیلی محرمانه) مقاله مورد بحث در تاریخ ۴ فوریه در روزنامه اطلاعات منتشر شده است. عنوان آن این است: «پاسخ به مسلسلها». این مقاله داری یک سرتیتر فرعی دیگر بدین مضمون «ارتش از چه چیزی دفاع می کند؟» و یک سرتیتر فرعی دیگر بدین مضمون «آنها به من پیغام داده اند که بدن مرا با گلوله های مسلسل مشبک خواهند کرد. این است پاسخ من به مسلسل های آنها». لحن مقاله به زبان فارسی بسیار زهر آگین است. هدف روشن آن تفرقه اندازی میان «ژنرالها» و بقیه نیروهای مسلح هست.

موضوع آن این است که ژنرالها نوکران وفادار کورکورانه شاه بودند و در چنین نقشی برای کوشش در متوقف کردن انقلاب بزرگ ملی، مردم را کشتار کرده اند و همه این کارها را برای حفظ امتیازات رژیم دیکتاتوری و حمایت از منافع صهیونیسم بین المللی و امپریالیسم آمریکا و شرکتهای چند ملیتی انجام داده تا آنکه خودشان و شاه و دوستانشان بتوانند از ایران همچنان بهره برداری کنند و ثروتهای ایران را به یغما ببرند. این ژنرالهای جنایتکار همه کوششهای خود را به کار می برند تا مانع آن شوند که افسران «شرافتمند و میهن پرست» و درجه داران و سربازان ایران درک کنند که آنها برای حفاظت از امتیازات جنایتکاران و منابع بیگانگان مورد بهره برداری قرار می گیرند به جای آنکه از استقلال ملی و امنیت ایران و مردم آن دفاع کنند. زبان مقاله خشن تر، آن است که در این خلاصه آورده شده است. تعجبی ندارد که «ژنرالها» از این مقاله به خشم آمده اند.

حاج سید جوادی که به عنوان عضو «دولت موقت» بازرگان نامزد شده است و شاید وزیر اطلاعات باشد از اینکه به خاطر نوشتن این مقاله تحت پیگرد قرار گرفته، برای مناسبات بین ارتش و بازرگان در صورتی که به عنوان وزیر منصوب شده باشد خبر خوبی نیست. سولیوان

### **فردوست طبق گزارش با جریان کنار می آید**

سند شماره (۵۰) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۷ فوریه ۱۹۷۹ - ۱۸ بهمن ۵۷ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی.

موضوع: فردوست طبق گزارش با جریان کنار می آید ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- در ۵ فوریه جورج ناتانسون، تاجر آمریکایی و توطئه چین بین المللی به گفته خودش، با فرانک باروز، رئیس هیئت مدیره اتاق بازرگانی ایران و آمریکا، به دیدن پرت، کارمند سفارت آمد. سفارت برای مدتی کوششهای ناتانسون، تثبیت «برنامه های اقدام» با کمی دخالت دولت ایالات متحده را دفع کرده است. کارمند سفارت مجبور بود که دوباره توضیح دهد که دولت ایالات متحده دخالتی در مورد نجات رژیم (شاه - مترجم) نخواهد کرد، اما این بار ناتانسون گفت که او پیغامی از جانب ارتشبد حسین فردوست دارد. این دو نفر شب قبل ملاقات کرده بودند.

۳- بنا به اظهارات ناتانسون، فردوست در پی آن است که هماهنگی و توافقی بین خمینی، دولت ایالات متحده و عناصر

طرفدار غرب مانند خودش، به وجود آورد. بختیار بیرون از ارتش طرفداران کمی دارد و

ص: ۴۱۶

وقتش رسیده که کوششها برای نرم کردن خمینی متمرکز شود. در حقیقت مطمئن شدن از اینکه دولت جدید خمینی موفق می شود اهمیت دارد، چرا که اگر او شکست بخورد قدرت مطمئناً به دست کمونیستها می افتد. از طرفی اگر دولت ایالات متحده به نیروهای خمینی نزدیک شود و ارزش و اهمیت یک وضعیت طرفدار غرب را نشان دهد، حزب اسلامی پژمرده خواهد شد. اگر ما روابط نزدیک با اعضای دولت جدید برقرار کنیم و خمینی هم قانون اساسی را قبول کند، شاید روزی حتی شاه هم قادر باشد برگردد، مشروط بر اینکه سلطنت کند نه حکومت. فردوست اعتقاد دارد که انگلیس و روسیه در تحریک کردن این بحران با هم همکاری می کنند (نظریه: ما اغلب این اتهام خیالی و خارق العاده را می شنویم). و دولت ایالات متحده باید برای نجات اوضاع اقدامی نماید؛ مخصوصاً ما بایستی مطمئن شویم که ارتش خارج از صحنه سیاسی خواهد ماند. ارتش می بایست نه بختیار را حمایت کند نه خمینی را. فردوست از سفارت انتظار پاسخ در رابطه با موضع ایالات متحده را دارد.

۴- نظریه: اگر چه ناتانسون یک رابط کاملاً قابل اعتماد نیست، ما هیچ دلیلی نداریم که در ملاقاتش با فردوست و یا درستی پیغامش شک روا داریم. به نظر می رسد که این یک مانور زننده از جانب یکی از نزدیکترین دوستان شاه باشد (فردی که سفارت با وی در سالهای اخیر عملاً هیچ گونه تماسی نداشته است) - صریحاً با کودتا مخالفت کردن و امیدواریش در مورد سرکار آمدن دولتی طرفدار غرب و یا حتی بازگشت شاه به پس از پیروزی خمینی. ما نمی توانیم از این امکان قوی چشم پوشی کنیم. این یک تحریک است.

سولیوان

**کتاب بیست و هشتم**

**خط میانه (۴)**

ص: ۴۱۷









بسم الله الرحمن الرحيم اینها می خواهند که فرهنگ همان فرهنگ باشد، از داخلش امثال آن اشخاصی که وزیر و وکیل سابق بودند و وکیل سابق بودند اینها درآیند، همینها این کشور ما را به باد فنا بدهند چنانکه دادند. همان وکلایی که در سابق بودند و همان وزرایی که در سابق بودند و همان سردمدارهای سابق. همان تحصیلکرده ها و روشنفکرهای دانشگاه داخل و خارج بودند و همان مصیبتهایی که به این ملت وارد شد به دست همین اشخاصی که به اسم مجاهدت و به اسم فدایی و با اسم چه وارد شدند و نگذاشتند که این ملت بحال خودش باشد و هر چه شما داشتید به جیب دیگران کردند و یققدری از آن را هم خوردند. دار و دسته شاه مخلوع همین جمعیتها بودند که الآن برخلاف نهضت دارند فعالیت می کنند.

امام خمینی با توجه به پیوندهای عمیق آمریکا و رژیم دست نشانده پهلوی و خصوصاً شخص شاه، آمریکا حتی در دوره هایی که شاه با بحرانهای قیامهای مردمی مواجه شد، هرگز در پی یافتن جانشینی برای این عنصر پلید نبود، لیکن توفندگی و گسترش حرکت امت مسلمان در سال ۵۷، آمریکا را متوجه ظهور حرکتی کرد که مصمم است پایه های حکومت شاه و کلاً رژیم سلطنتی را از ایران برکند. آمریکا در برخوردهای اولیه در سال ۵۷ هنوز به عمق این حرکت و هدف اصلی آن پی نبرده بود و به خاطر تحلیلها و شناختهای غلطی که از بافت جامعه اسلامی ایران داشت، دست به اقدامات پیش گیری کننده و تجربه شده ای که در طی سالیان حاکمیتش در مناطق مختلف جهان به دست آورده بود زد، که از آن جمله تشکیل دولت نظامی و یا طرح دولت ائتلاف ملی را می توان نام برد. شناخت غلط از جامعه اسلامی این گمان را برای آمریکا پیش آورد که محرکین و مشوقین مردم در این نهضت گروهها و دستجات سابقه دار سیاسی هستند که قبلاً با آنها به نحوی در تماس بوده است. این تماسها در آن مقطع زمانی بیانگر تمایل دو جانبه ای هم از سوی آمریکا و هم دستجات فوق بود. اهداف عمده ای که آمریکا از این تماسها دنبال می کرد، یکی کسب اطلاعات در

رابطه با ریشه های نارضایتی از رژیم و شناخت بافتهای مخالف و دیگر کانالیزه کردن این عناصر در جهت حمایت از شاه و بالمال آمریکا بود. هدفی که گروههای فوق از این تماسها دنبال می کردند، ریشه در عمق تفکرات و گرایشهای آنها داشت و بیشتر ناشی از بینش غربی آنان و این باور بود که هیچ حرکت مخالفی در ایران بدون حمایت و موافقت آمریکا نمی تواند صورت بگیرد. اسناد منتشر شده در مورد ویژگیها و اصول تفکرات این دستجات تاکنون به حد کافی روشنگر بوده است.

با رشد و تداوم حرکت امت اسلامی ایران آمریکا متوجه شد که این حرکت، ماهیتی متفاوت از این گروهها و دستجات دارد و خصلتهای اسلامی و مردمی بر آن حکومت دارد و نه اندیشه های ملی گرایانه.

اما شخصیتهای کاذبی که افراد و دستجات فوق کسب کرده بودند و بیشتر ناشی از عدم شناخت قبلی آنان از سوی مردم بود و هماهنگی منافقانه با فرامین و رهنمودهای امام به خاطر امکان حیات سیاسی در جامعه ایران، آمریکا را واداشت که با توجه به شناختی که خود از این دستجات داشت، از آنان در جهت دو امر سود جوید:

۱- سوق دادن حرکت مردم به سوی سازش با شاه منوط به اینکه شاه سلطنت کند و نه حکومت و به طور کلی سوق دادن مردم در جهت پذیرش حکومتی منطبق با قانون اساسی سال ۱۲۸۴ که حامی منافع آمریکا و غرب نیز باشد.

۲- در صورت شکست مرحله اول روی کار آوردن و حمایت از رژیمی که فقط از لحاظ نام و عناصر گرداننده با رژیم شاه متفاوت باشد. ولی از هر جهت منافع غرب و آمریکا را تأمین و حفظ نماید.

پویایی انقلاب و درک ماهیت اسلامی آن و رهبریت قاطع امام، از سال ۵۸ آمریکا را مطمئن ساخت که از یک سو رژیم شاه رفتنی است و از سوی دیگر با روی کار آمدن رژیمی به رهبری امام دستشان از تمام این آب و خاک و منابع این ملت قطع خواهد شد، بدین خاطر بر اجرای مرحله دوم طرح مصمم شد.

طیف گسترده خط میانه از روحانی نمایان و لیبرالهای مذهبی گرفته تا گروهها و عناصر سلطنت طلب و غیر مذهبی علیرغم اختلافات ظاهری با یکدیگر در حفاظت از منافع آمریکا و مقابله با خط اصیل اسلامی مشترک و متفق القول بودند. تماسها و ملاقاتهایی که در این مرحله با عناصر خط میانه صورت می گرفت بیشتر مبتنی بر تشویق و ترغیب این عناصر در جهت اتخاذ یک موضع واحد و تشکیل جناحی منسجم بر علیه خط امام و همگام با منافع غرب بود. شناختی که آمریکا در طی این مدت از جریانات انقلاب و خط اسلامی نهضت به دست آورده بود، او را ملزم می کرد که بیشتر بر جناحی از خط میانه تکیه کند که ظاهر و وجهه ای اسلامی داشته باشد و بتواند از احساس مذهبی مردم در جهت اعمال سیاستهای سوء خود استفاده کند. بدین خاطر توجه بیشتر او بر روی عناصر نهضت آزادی، حامیان و خود شریعتمداری و جبهه ملی متمرکز می شود.

تاکنون در کتابهای دخالتهای آمریکا در ایران، احزاب و دولت موقت (کتاب شماره ۱۸) عملکرد این گروههای قبل و بعد از انقلاب اسلامی آمده است، ولی اسناد این مجموع عملکرد خط ضد انقلابی این قشر بعد از انقلاب را به گونه ای بارز و مشخص نشان می دهد.

پیروزی انقلاب به هر صورت بزرگترین مهره دست نشانده آمریکا را از منطقه بیرون کرد. خط مشی اسلامی انقلاب و

رهبریت قاطع آن که سعی در ریشه کن کردن تمامی پایگاههای کفر و شرک و نفاق داشت در تداوم حرکت خویش مواجه با مشکلات و عکس‌العملهای گوناگون از جانب جناحهای مذکور شد.

ص: ۴۲۲

قدرت طلبان میانه رو و حامیان داخلی آمریکا که خود را مدعیان بلامنازع خوان نعمت انقلاب می دیدند در پی قبضه قدرت و نفی اجرای احکام اسلام بدون کم و کاست، برآمدند. هدف عمده آنان ترویج تفکرات و مفاهیم غرب گرایانه و لیبرالی در باطن و خدمت به انقلاب و مردم در ظاهر بود. جریانهای عمده ای از خط میانه که بعد از انقلاب در صحنه سیاسی به وضوح ظاهر شدند، دولتمردان موقت نهضت آزادی - جبهه ملی و جناحهای ریاکار وابسته به شریعتمداری بودند. البته در این طیف عناصر منفردی نیز حضور داشتند.

دولت موقت که ترکیبی از اعضای نهضت آزادی، جبهه ملی و مریدان شریعتمداری بودند علیرغم اختلافات ظاهری در درون خودشان در مقابله با خط امام و حمایت از حضور آمریکا در ابعاد نظامی، فرهنگی و اقتصادی دارای وجوه اشتراک فراوان بودند. سیاست کلی آمریکا در تقویت خط میانه به طور اعم و دولت موقت به طور اخص، به خاطر شناختی که از آنان داشت بود، زیرا موضع گیریها و سیاستهای ضد امپریالیستی امام راهی نبود که باب طبع آمریکا و یا حافظ منافع آنان در ایران و منطقه باشد و آمریکا تنها چاره برای از میدان بدر کردن امام و پیروان صدیق ایشان را تقویت جناح میانه روها و در رأس آنان دولت موقت می دید. البته اعضای دولت موقت نیز از درد دل و چاره جویی با مأموران آمریکایی و اظهار لطف به آنان دریغ نمی ورزیدند، و همیشه به دنبال حمایتهای ایشان بودند (اکثر اسناد موجود در کتابها به این موضوع اشاره دارند). حقوق بشر و مسئله انقلابی اعدامهای سران جنایتکار رژیم پهلوی در اوائل انقلاب و سیستم دادگاهها به عنوان یک مستمسک قوی بوده که به وسیله آن آمریکا چهره انقلابی اسلام و خط امام را از طریق رسانه های امپریالیستی بین المللی مخدوش و از این کانال چهره دمکرات منبشانه و حقوق بشری ایادی خود در دولت موقت را تقویت نماید. غرب زدگان خود باخته ای نیز که درس بشریت را در مکتب حقوق بشر سردمداران جنایت و بشر کش آموخته بودند، همنا با آمریکا در پی تخطئه اسلام و جمهوری برمی آمدند و اجرای احکام اسلام را نابودی آرزوهای دمکرات مآبانه خود می دیدند و علیرغم ظاهر ترقی خواهانه و ضد امپریالیستی خویش با عوامل امپریالیسم به گفتگو می نشستند:

«قائم مقام کنسول سیاسی سفارت در ۱۰ اکتبر با لاهیجی، وکیل برجسته و نایب رئیس کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر ملاقات نهاری داشت... فضای ملاقات بسیار دلننگ کننده بود، چرا که لاهیجی احساس می کرد امیدهای او و دیگر نیروهای مترقی برای انقلاب ایران بر باد رفته اند... لاهیجی گفت از ابتدا با ایده دادگاههای انقلاب مخالف بوده... لاهیجی وکیل یکی از ژنرالهای رژیم قبل بوده ولی بیش از دو ماه به او اجازه ملاقات با متهم را نداده بودند.» (اسناد ۳۸ و ۳۹).

با توجه به تمام جوانب و واقعیتهای حاضر در صحنه سیاسی ایران آمریکا تنها راه تأمین منافع خویش در ایران را تقویت خط میانه و دولت موقت می دید و سعی می کرد از پوشش حقوق بشر به عنوان اهرم فشاری برای کانالیزه کردن جریانات سیاسی در جهت منافع خویش بهره ببرد. مناسبترین تکیه گاهها برای این اهرم عناصری با تفکرات غربی بودند که فرهنگ وجودشان با این تفکرات سرشته شده بود. تنها مانع پیشبرد این اهداف ویژگیهای اسلامی و والای امام بود و بدین خاطر عمده تلاشها در جهت حذف این ویژگیها صورت می پذیرد.

«میناچی آمریکاییها را با خوشرویی و گرمی تمام پذیرفت...»

میناچی راجع به یک رشته عملیات و مبارزه بر علیه ایران در وسایل ارتباط جمعی آمریکا اظهار نگرانی و دلواپسی کرد. او

گفت که ایران می خواهد روابطش را با آمریکا ادامه داده و دولت آمریکا نباید توجهی نسبت به تبلیغات کمونیستها داشته باشد. او بخش فارسی زبان رادیو آمریکا را عالی توصیف کرد. میناچی گفت روابط آمریکا با انقلاب اسلامی ایران را در سطح بالا خوب و مورد توافق بوده....» (سند ۱۲) «او (کاظم رجوی) می خواهد که ایران از لحاظ سیاسی بدون تعهد باشد. اما می گوید که دولت بازرگان و او هر دو برای ایالات متحده احترام بسیار قائلند و در جستجوی راههای برقراری مجدد روابط خواهند بود.» (سند ۱۵).

ص: ۴۲۳

«میناچی گفت نخست وزیر اخیرا موافقت خمینی را جلب کرده تا انتقادات خود را در مورد امور خارجی عموما و روابط با ایالات متحده خصوصا کم کند..... مأمور سیاسی گفت تمام مشکل کلی ارتباط دولت موقت ایران - قم، آمریکا را نگران کرده خصوصا با توجه به اینکه خمینی پیوسته در مورد روابط ایران و آمریکا منفی بوده است. میناچی با ناراحتی قبول کرد که این حرف درست است، اما امیدش را روی کوششهای نخست وزیر برای بیرون بردن خمینی از عرصه بین المللی گذاشت.» (سند ۱۹) «در ضمن، اظهارات پروفیسور جیمز بیل در مجله تایم در مورد احساس طرفداری از آمریکا در میان مقامات عالیرتبه فعلی مذهبی در روزنامه های محلی پخش می شود، متأسفانه بیل از یزدی و انتظام که هر دو از افراد مهم دولت بازرگان هستند اسم می برد. در شرایط فعلی این عمل می تواند فقط به آنها صدمه بزند و ممکن است به این امر منجر شود که آنها گامی جهت اثبات اینکه عامل آمریکا نیستند، بردارند. از آنجایی که سفارت برای کمکهای عملی بسیار گسترده به این دو، از میان سایرین، وابسته است، چنین حادثه ای ممکن است به تنهایی انعکاس به خصوصی داشته باشد.» (سند ۶) جدای از، سیاستمداران دولت موقت، میانه روهای منفردی بودند که آنها نیز در پی استمرار همین خط مشی عمل می کردند، ولی به خاطر عدم انسجام و ارتباط، این نیروها کارآیی مؤثری نداشتند. اجتماع اینها بر حول یک محور واحد از امیال قلبی آمریکا بود. آقای شریعتمداری به عنوان این محور می توانست به طور آگاه یا حتی ناخودآگاه محل جذب این نیروهای پراکنده باشد. در مورد اینکه آیا این عناصر ضد انقلاب و میانه رو بودند که می خواستند حول محور آقای شریعتمداری جمع شوند و رهبر بتراشند و یا این خود آقای شریعتمداری بودند که کانون جذب این عناصر شده بودند، اسناد به خوبی گویاست. شخص شریعتمداری گذشته از ویژگیهای فردی به خاطر وجهه اسلامی که داشت یکی از مناسبترین افراد جهت طرح آمریکا برای رودررویی با خط امام بود.

به نظر او (شریعتمداری) دادگاههای انقلاب غیر قانونی و غیر اسلامی هستند و بنابراین او نه تنها دخالتی در این دادگاهها ندارد، بلکه نقشی در کارهای حکومتی نیز ایفا نمی کند... او اضافه کرد ایران امروز براساس عقل اداره نمی شود، بلکه اداره براساس احساسات است و احساسات ضد آمریکایی جاری را نمونه ای از این امر دانست. او ابراز امیدواری کرد که آمریکا نباید احساسات ضد آمریکایی کنونی را به عنوان احساسات اصیل ایران تلقی کند. وی با احتیاط تمام گفت که اظهارات خمینی تا حد زیادی به این رفتار ضد آمریکایی کمک کرده است، و وقتی مردم دوباره سر عقل بیایند، می خواهند که روابط ایران و آمریکا ادامه یابد. البته این روابط با آنچه در گذشته بوده فرق خواهند داشت. او گفت که آمریکا می تواند در این برهه مشکل از زمان مؤکدا بگوید که اسلحه های خود را به زور به ایران فروخته و



آمریکاییها به درخواستهای یک حکومت سلطنتی جواب مثبت داده اند. او اضافه کرد که ما باید به دقت از فرصتهایی که موجب استحکام دوستان آمریکا در ایران می شود، استفاده کنیم و با این تبلیغات (ضد آمریکایی مبارزه نماییم)» (سند ۱۱) با توجه به این طرز فکر و نکات و راهنماییهای ذکر شده از سوی آقای شریعتمداری مشخص می شود که آمریکا در تشخیص خود دچار اشتباه نشده و مرکز جاذبه شدن ایشان برای گروههای ضد انقلاب صرفاً یک تاکتیک سیاسی در جهت استفاده موقت از موقعیت ایشان نیست، بلکه خود ایشان یک پایه اساسی خط میانه هستند. در این طیفی که قصد داشتند حول محور شریعتمداری مجتمع شوند از عناصر لیبرالی دست راستی گرفته تا کاندیدای گروههای به اصطلاح مترقی چهگرا یافت می شوند:

«الهی اظهار داشت حکومت ایران خود را از بین برده، اما آمریکا هم مسئول است. شما نمی توانید شخص شاه را ۳۰ سال نگهدارید و بعد بگذارید او برود.. او و دیگران که در رژیم سابق دارای منصب مهمی نبودند و در بسیاری موارد ضد شاه هم بودند، با هم متحد می شوند... گروه الهی و بقیه امیدوارند که با شریعتمداری متحد شوند. او گفت رئیس سابق ستاد ژنرال قره باغی تحت حمایت شریعتمداری در خفا به سر می برد، که این مسئله این امید را به میانه روها داده است که وقتی شریعتمداری وضع را مناسب ببیند با آنها کنار خواهد آمد. (نظریه: تمام مطالب بالا یا چیزهایی که از جاهای دیگر شنیده ایم مطابقت دارد...) الهی می خواست به مأمور سیاسی اطلاع دهد که گروه میانه روها درصددند که جریان خود را با چند مأمور رسمی دولت آمریکا و چند تبعه آمریکایی از جمله رهبران مهم کنگره و آنها که قبلاً در جریان مسایل ایران بوده اند مانند سفرای آمریکا در ایران در میان بگذارند... کوشش خواهد شد که آمریکا و سایر کشورها از خمینی حمایت نکنند و یا حداقل او را به سوی مفاهیم دمکراسی غربی سوق دهند. حال هر چه می خواهند، نامیده شوند.» (سند ۱۶).

«... لاهیجی گفت در حالی که پشتیبانی توده ای مردم، هنوز از خمینی قدرتمندترین مرد ایران را می سازد، او تمام گروههای مترقی را بیزار کرده است. متجاوز از دو هفته گذشته این گروهها گفتگوهایی را آغاز کرده اند تا نیروهایشان را در یک گروه جمع کنند تا بتوانند خمینی را مجبور کنند که در پیش نویس قانون اساسی تجدید نظر کند. سازمان دهندگان این گروه امیدوارند که بتوانند جبهه ای از میانه روهای مسلمان و رهبران غیر مذهبی به وجود آورند. آنها قصد ندارند هیچ یک از چپ گرایان مسلمان یا فداییان را در فعالیتهایشان شرکت دهند، چون اختلافات طرفداران شریعتمداری چپها خیلی زیاد است. گروه جدید متشکل است از مسلمانان میانه رو در حزب جمهوری خلق مسلمان که در رابطه با شریعتمداری هستند و میانه روهای غیر مذهبی جبهه ملی کاظم حسینی و جنبش حاج سید جوادی. مضافاً این گروهها در حال مذاکره با مجاهدین خلق هستند، چون آن را یکی از قویترین نیروها در ایران می دانند.» (سند ۳۹) سیاست و ایده آل آمریکا تشکیل جبهه ای واحد از لیبرالهای راست و چپ و رهبریت فردی ظاهرالصلاح و با وجهه اسلامی بوده و با توجه نسبت به سابقه نه چندان درخشان آقای شریعتمداری در ارتباط با رژیم شاه و ترس افشای آن، رهبریت ایشان مورد تردید قرار گرفته است، ولی نباید از نظر دور داشت که در مقایسه با عناصر دیگری که در مقام کاندیداتوری برای امر رهبری در نظر گرفته می شدند باز هم آقای شریعتمداری مناسب ترین و برجسته ترین ویژگیها را داشت:

«نظریه سفارت: ... یک ائتلاف شریعتمداری / مجاهدین / جبهه ملی می تواند بسیار نیرومند و



سهمگین باشد... به هر حال این احتیاج به یک رهبری دارد و سفارت تردید دارد که شریعتمداری مایل باشد که از برج آجر گلش پایین بیاید و در سنگر بجنگد. حتی اگر او مزاجا و خلقا برای رهبری یک جناح مخالف شایسته باشد (که نیست)، روابط گذشته او با رژیم شاه او را به واسطه امکان افشای این معاشرتها، لکه دار و زخم پذیر می سازد» (سند ۳۹) در مورد عملکردها و نقطه نظرات آقای شریعتمداری انشاءالله در مجموعه های آینده بیشتر بحث خواهد شد. برخوردهای عملی خط میانه بعد از انقلاب بیشتر بر اساس رهنمودهای آمریکا و برخاسته از مفاهیم دمکراسی غربی و انگیزه های جاه طلبیهای فردی و گروهی عناصر این طیف بود. نشریات گوناگون، فریادهای حقوق بشری و امثال آن از سوی عناصر خط میانه صرفا مسائلی نبوده که به خاطر نفس دمکراسی و اعتقادشان به اجرای آنها مطرح شده باشد بلکه بیانگر تلاشهایی بود که برای نشان دادن علایمی از حیات خط میانه در صحنه سیاسی ایران و قدمهایی در جهت هماهنگ نمودن و واحد عمل کردن این خط در برابر خط اسلامی انقلاب صورت می گرفت. این اعمال به اضافه عملکردهای لیبرالی دولتمردان موقت بارقه های امید بود برای آمریکا تا نسبت به حضور و تداوم سیاستهای امپریالیستیش در ایران نگرانی به خود راه ندهد و حتی ترس آمریکا از ارسال کمکهای مالی و علنی به این گروهها ناشی از این سیاست بود که: «هرگونه ارتباط ضمنی با دولت آمریکا می تواند با توجه به انزجار عمومی نسبت به سیاستهای آمریکا به معنای مرگ گروه سیاسی جدید تلقی گردد.» (سند ۱۰). در این میان عملکردهای خط شریعتمداری و همگامی با کلیه باند ضد انقلاب همان گونه که در سند شماره ۱۴ و سندهای دیگر آمده تحت پوشش حزب خلق مسلمان تأییدی است بر گفتار بالا:

«به علاوه، خود جنبش علائم فزاینده ای از عدم اتحاد نشان می دهد، که حزب خلق مسلمان وفادار به آیت الله شریعتمداری به طور فزاینده ای آماده رقابت با تسلط نیروهای وفادار به خمینی می باشد. حزب جمهوری خلق مسلمان در چنگ زدن به موضوع آزادی مطبوعات به عنوان یک چماق سیاسی برای استفاده از رقبای اسلامیش سرعت به خرج داده است.

خود شریعتمداری چند روز پیش گفت. که دولت موقت ایران اختیار قانونی برای ترویج قوانین جدید را ندارد...» (سند ۲۶)

## عکس العمل نسبت به دولت بازرگان

سند شماره (۱) از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۲۸ فوریه ۷۹-۱۹ اسفند ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتنخیلی محرمانه  
موضوع: عکس العمل نسبت به دولت بازرگان ۱- عصر روز ۲۵ فوریه مأمور سفارت برای شام به خانه یکی از کارمندان  
ایرانی قسمت بازرگانی سفارت دعوت شده بود. کارمند همسر یک نماینده نویسنده است و همچنین یک دوست نقاش و  
شوهر بازرگان او را نیز دعوت کرده بود. مطالب زیرین برخی برداشتها از گفتگوهای میهمانی می باشد..

۲- تمامشان خیلی شدید طرفدار بختیار بودند. یکی از آنها جدل نمود که (بختیار) در درگیر شدن با خیلی از مشکلاتی که  
روبرو شد خیلی کند بوده است. ولی سه نفر دیگر موافقت داشتند که او در جلوگیری از یک کودتای نظامی که کشته های  
زیادی به جای می گذاشت و وضعیت را خیلی بدتر از آنی که اکنون می باشد می کرد، موفق بوده است. آنها خصوصا از  
ناسیونالیسم و تعهدش به دموکراسی تمجید نمودند.

۳- هیچکدام به طور اخص نسبت به دولت بازرگان مطمئن به نظر نمی رسیدند چون که دولت او به نظر می رسد که فاقد  
کنترل خیلی از عوامل که اکنون در صحنه سیاست مشغول بازی هستند، می باشد. آنها از اینکه (در روزنامه) خوانده بودند که  
بازرگان اعدام چهار ژنرال را از مطبوعات آگاهی پیدا کرده بود وحشت زده بودند، و از بابت امتناع دولت در فاش نمودن  
اسامی اعضای دادگاهی که ژنرالها را محکوم نموده بودند مضطرب بودند. تاکتیکهای دولت موقت از ظرف آنها خیلی  
متفاوت از تاکتیکهای رژیم قدیمی دیده نمی شد. دولت جدید احتمال دیکتاتور بودن و در هر موردی را مثل خلف خود  
نشان می دهد.

این نظر ارائه شده که حداقل در گذشته یک عامل امنیت در خیابانها وجود داشت و یک نفر می توانست شب را بخوابد.  
تعداد اسلحه های آزاد و دستهایی که آنها می یابند، ترساننده است.

۴- یک خطر احتمالی کمونیستها وجود دارد با این حال آنها در مورد ابعاد آن خطر نامطمئن هستند.

یزدی، قطب زاده و بنی صدر به عنوان بد ذات دیده می شوند و این حقیقت که خیلی از افراد اطراف خمینی ۱۰ تا ۱۵ سال  
گذشته را خارج از ایران گذرانده اند ناخوشایند است چون که آنها با واقعیتهای جاری کشور در تماس نیستند. آنها احساس  
می کنند که اشخاصی مثل آنها که به هیچ وجه حامیان رژیم گذشته نیستند، ولی انقلابیون فعالی نیز نیستند، باید شروع به  
درگیر شدن در یک تلاش برای جلوگیری از بی اعتدالیها بنمایند.

۵- میزبان اشاره کرد که بیشتر کارمندان رادیو تلویزیون ملی ایران هنوز در اعتصابند، خصوصا آنهايي که در قسمت تلویزیون  
کار می کنند. اعتصاب به خاطر سانسور مستمر ادامه پیدا می کند. احساس این است که مطبوعات نیز علیرغم اعلامیه های  
دولت که سانسور نمی شوند، سانسور می شوند. قطبی رئیس سابق رادیو تلویزیون به نظر می رسد که دو طرفه بازی می کند  
که خودش را در موقعیتی از قدرت دوباره تثبیت نماید. به طوری که گزارش شده او در هر دو گردهمایی چپی ها و مذهبی  
ها ظاهر شد.

۶- کمیته خمینی به وزارتخانه های دولت حمله نموده است، منجمله دفتر شهردار که یکی از اقوام یکی از میهمانان در آنجا

کار می کند، همان طوری که کارمندان برای پرس و جو به کناری برده می شوند کمیته به تلاشش برای نابود کردن افراد ساواک ادامه می دهد.

۷- شایعاتی که مورد بحث قرار گرفت اینها بودند:بختیار به وسیله بازرگان که وی را پنهان نموده است

ص: ۴۲۷

پناه داده شد. نظریه: آن طوری که در تلکس جداگانه گزارش شد، گمان بر این است که بختیار در پاریس باشد. به هر حال برای وی خیلی مشکل بوده است (اگر نه غیر ممکن) که بدون همکاری نخست وزیر فعلی به آنجا رسیده باشد. خمینی قرار است که در چند روز آینده به قم حرکت کند و از شریعتمداری خواسته است که به تبریز مراجعت نماید. شریعتمداری امتناع ورزیده است.

۸- انتظار کلی همه در میهمانی شام این بود که حد اقل یک تا دو سال لازم خواهد بود قبل از اینکه وضعیت شروع به عادی شدن بنماید.

۹- خیلی از نظرات که در طول میهمانی ابراز شد در یک مقاله که در یکی از مطبوعات انگلیسی زبان در ۲۷ فوریه جلب شد. منعکس شده بود.

### شخصیتهای ایرانی

سند شماره (۲) تاریخ: اول مارس ۱۹۷۹ - ۳ فروردین ۱۳۵۸ خیلی محرمانه موضوع: شخصیتهای ایرانی ۱- (تمام متن خیلی محرمانه است) ۲- وقتی که من در روز اول مارس با سنجابی وزیر امور خارجه صحبت کردم، او در اشاره ای به من گفت که شهریار روحانی با ونس ملاقات کرده بود. او می خواست که ما این را بدانیم که روحانی نماینده دولت ایران نیست. او گفت که روحانی جوان خوبی است و داماد یزدی می باشد، ولی هیچ مقام رسمی ندارد. آمریکا می تواند با او به طور غیر رسمی مدارا کند و به اصطلاح راه بیاید، ولی نماینده رسمی، کاردار است که من او را بنام فقیه شناختم. او گفت که به زودی نماینده ارشدتری معرفی خواهد شد.

۳- سپس من در مورد موقعیت سناتور ابورزک که گفته بود کنسول قانونی دولت ایران است، سؤال کردم. سنجابی گفت که آنها نام آن مرد را شنیده اند، ولی او هیچ ارتباطی با دولت ایران ندارد.

۴- نظریه: همان طوری که دپارتمان از سخنان دیشب بازرگان استنباط می کند، او و کابینه اش نسبت به چیزی که آنها به عنوان غصب مقام توسط تمام مقامات ایرانی منصوب شده از طرف خود رجوع می نمایند، حساس می باشند. من این طور تشخیص می دهم که روحانی جوان ممکن است سودمند به نظر آید ولی وزارتخانه باید درک کند که دولت بازرگان به افرادی از نوع او با سوءظن و خشم می نگرد. این دولت اگر چه در زمان حاضر بازده و کارآیی زیادی ندارد، ولی اگر ما بخواهیم که آن در مصدر قدرت بماند باید به قدرت و تمامیت آن احترام بگذاریم. «سولیوان»

### فساد در زمان پهلویها

سند شماره (۳) از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۳ مارس ۷۹ - ۱۲ اسفند ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن خیلی محرمانه موضوع: فساد در زمان پهلویها ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- در جواب سؤالی که از طرف مأمورین سیاسی استمپل و تامست در اول مارس در مورد بیانیه منتسب به دکتر ناصر میناچی وزیر اطلاعات و جهانگردی و اوقاف (قویا حفاظت شود) که ۱۰۰ میلیون



دلایر رشوه در رابطه با یک قرارداد هلیکوپتر پرداخت شده است، میناچی گفت که دولت وی مدرکی دال بر فساد در سطح وسیعی در بالا-ترین سطوح رژیم پهلوی و منجمله خانواده شاه دارد. سپس او پرونده ای رانشان داد و گفت این در وزارت دادگستری به دست آمده و شرح یک تحقیق است که چندین سال قبل توسط دادستان انجام شده بود. طبق گفته میناچی کشفیات دادستان توسط دستور شخص شاه بایگانی شده بود. او سپس قطعاتی منتخب از پرونده را خواند که بیشتر آن در باره فعالیتهای ابوالفتح محوی بود که میناچی گفت امتیاز یک شرکت انحصاری در سطوحی چند از هلیکوپتر گرفته تا کامپیوتر به او داده شده است. طبق پرونده، محوی بازپرداختهایی برای قراردادهای بی شماری که با شرکتهای خارجی ترتیب داده بود، دریافت نموده است. میناچی اشاره کرد محوی به خاطر نقشش به عنوان واسطه برای تعدادی از اعضای خانواده سلطنتی (او به اسنادی از پرونده در مورد چند تن از پهلویها اتخاذ سند کرد تا این موضوع را ثابت نماید) و همچنین به عنوان ترتیب دهنده خوشگذرانی شخص شاه مورد لطف بوده است. میناچی یادآور شد که تمام کوشش به کار برده خواهد شد تا آنهایی که درگیر بوده اند تحویل دادگاه انقلاب داده شوند. اما این ممکن است مشکل باشد زیرا خیلی از افراد (تحت تعقیب) بزرگ منجمله محوی خیلی وقت است که فرار کرده اند.

۳- اهمیت پرونده میناچی دعوی نیست که بر علیه کسانی که متهم به فساد هستند به وجود می آورد (در حقیقت خیلی از اینها دست نویس بود و شان می داد که چیزی جز نتیجه اولیه تحقیقات نیست) بلکه اثر روانی احتمالی آن بر روی افکار عمومی ایرانیان است. همانند لیست کمونیستهای سناتور جوزف مک کارتی محتمل است که لیست به عنوان سند غیر قابل بحث از فساد در سطوح بالای رژیم پهلوی پذیرفته شود، یک قبولی که ممکن است در موارد به خصوص به وسیله حقیقت اصلی تضمین نشود. اهمیت یا خطر برای ما این است که بیشتر معاملاتی که در پرونده ذکر شده مسائل خارجی و اکثراً آمریکایی را درگیر می سازد، به طور مثال جریان بل هلیکوپتر (آن نگرانیها)، و لذا آمریکا ممکن است خواسته یا ناخواسته و صرف نظر از گناه و یا بی گناهی مورد اتهام تند و شدیدالحن قرار گیرد.

### **انقلاب اسلامی تند (ترشروی) می شود**

سند شماره (۴) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۸ مارس ۷۹ - ۱۷ اسفند ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: انقلاب اسلامی تند (ترشروی) می شود.

۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه - کمیته خمینی دستور داده است که تمام مقامات ارشد ۱۵ سال گذشته دستگیر شوند یک منبع تخمین می زند که این می تواند بین ۱۶۰۰۰ تا ۳۰/۰۰۰ باشد. استانداران دولت ایران در استانها مورد قبول واقع نشدند. منابع نزدیک به اداره کنندگان زندان کمیته می گویند که اعدامها به مراتب بیشتر از آن است که تأیید می شود و به شدت از آمریکا در مورد حقوق بشر انتقاد کردند. روی معانی انقلابی تأکید بیشتری می شود. حمله خمینی به دولت راه را باز می گذارد برای اینکه فداییان به نام او عمل کنند. از هم پاشیدگی، اغتشاش و خشونت خصوصیات برجسته سیاستهای امروز در ایران هستند. (پایان خلاصه).



۳- هدایت اسلامی نیا (مراجعه کنید به گزارش قبلی در مورد این منبع) به فوریت تقاضا نمود استمیل مأمور سیاسی را در صبح روز ۸ مارس ببیند، یک نماینده سابق مجلس (۷۵-۱۹۷۱) و ورشکسته سیاسی سال گذشته. او گفت دو نفر از بهترین منابع مذهبی به وی اطلاع داده اند که دو یا سه روز قبل کمیته خمینی تصمیم گرفت که تمام مقامات ارشد دولتی برای ۱۵ سال گذشته را دستگیر نمایند. ممنوعیت در مورد مسافرتشان اولین قدم بود (قبلاً گزارش شد) و کمیته ها شروع به پخش شدن برای جمع آوری افراد نموده اند، دکتر موسوی یک دوست نزدیک او که تازه از قم بازگشته است گفت جو در مرکز کمیته شبیه دوران تروریسم در انقلاب فرانسه است، خصوصاً در آستانه سخنانی خمینی برای طلبه های علوم دینی در ۷ مارس (در گزارش وضعیت ۸ مارس گزارش می شود) که دولت ایران را ضعیف خواند. اسلامی نیا گفت دستگیریها به ۱۶۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ نفر خواهد رسید، اگر که کمیته تصمیمش برای دستگیری مقامات ارشد شهرستانها نیز عملی کند. اسلامی نیا گفت ۴ نفر از رابطهای او در مرکز استانها گزارش می کنند که استانداران منصوب شده دولت ایران بوسیله کمیته های محلی بازداشت شده اند و بوسیله نامزدهای محلی که از طرف مردم انتخاب شده اند جایگزین گردیده اند.

۴- اسلامی نیا و یک منبع دیگر نزدیک به چندین گروه از دانشجویان مذهبی در دانشگاه تهران گفتند، تعداد اعدامها خیلی بیشتر از آن است که اعلام شده، خصوصاً در استانها که تصفیه حسابهای قدیمی صورت می گیرد. کمیته ها یک یا دو مجرم اصلی را می گیرند و در مورد مرگ آنها حداکثر تبلیغات را می کنند، سپس به آرامی تا حدود یک دوجین از دیگران را، (طبق گفته منبع دانشگاهی اغلب ساواکیهای سطح پایین) می کشند. اسلامی نیا موسوی نظریه های نسبتاً تنیدی در مورد سیاست حقوق بشر آمریکا و فقدان موضعگیری قابل مشاهده از طرف واشنگتن در مورد اعدامهای کوتاه و دستگیریها دارند. اسلامی نیا با حالت طرب انگیزی سؤال نمود آیا مجازات مرگ برای لواط و تازیانه زدن برای زنا (هر دو در مطبوعات در روزهای اخیر مطرح شد) قسمتی از برنامه حقوق بشر دولت ایالات متحده برای ایران بوده است. هر دو نفر ادامه دادند که اکنون سؤال و جواب آشنا این است که سیاست حقوق بشر ایالات متحده شاه را فقط برای این ضعیف نمود که به چیزی بدتر ختم شود. در یک گفتگوی جداگانه مأمور سیاسی شنید که سناتور اسبق خانم منوچهریان در ۷ مارس یک هیئت نمایندگی زنان را به دفتر نخست وزیری هدایت کرد و از دولت ایران تقاضا نمود که اجازه ندهند زنان به قرون وسطی بازگردند.

گردهمایی در عصر روز ۸ مارس روز بین المللی زن برگزار شده بود و درست در زمانی واقع شد که خمینی در قم به شدت از حضور زنان برهنه در دولت عصبانی شده بود و دستور داد که تمام کارمندان دولت خودشان را بپوشانند. منوچهریان گفت آماده است که گروه وکلای زن را به اتحاد عملی با فداییان هدایت کند تا اینکه ببیند دست آوردهای گذشته از بین رفته اند.

۵- در چند روز گذشته، شخصیتهای دولت ایران به طور فزاینده ای انقلابی به نظر رسیده اند. این شامل انتقادات بیشتری از نقش ایالات متحده در ایران نسبت به انتقاداتی که در طی دو هفته اول که انقلاب صورت می گرفت، می شد. بالاترین حد عصبانیت خمینی در ۷ مارس در مورد دولت خودش با عنوان ضعیف و نه به اندازه کافی انقلابی بود. فارغ التحصیلان دانشگاهی که در عصر روز ۷ مارس با مأمور سیاسی ملاقات نمودند خوشحال بودند که حمله خمینی به دولت ایران به فداییان این شانس را می دهد که به اسم خمینی به دولت ایران حمله کنند. مقامات در سطح متوسط دولت ایران حمله خمینی به دولت ایران



را به طور باور نکردنی احمقانه توصیف کردند و گفتند این کار راه را برای فداییان باز می کند که خودشان را از همیشه بیشتر با انقلاب ممزوج نمایند و بعضی از مجاهدین دست چپی که در هفته گذشته سر و صداهایی مشابه به راه انداخته بودند را به همکاری برای هدف انقلابی خودشان بپذیرند.

۶- طی تلفنهای کوتاه به دفتر نخست وزیر در صبح امروز، آنجا را بی قاعده و کارمندان را در بی نظمی یافتیم. تلاش خمینی (به شکل مائو) برای همیشگی کردن انقلاب، قبل از اینکه وی حتی کنترل کاملی داشته باشد، به طور مخاطره آمیزی نزدیک به آشکار نمودن آنچه که از قدرت در ایران باقی مانده است شد. آشوب تحریک شده به عقیده اکثریت عظیمی از ناظران ایرانی برای اجتناب از خشونت را غیر ممکن ساخت. به نظر خیلی ها دولت انقلابی میانه رو نمی تواند زیر ضربه های پتک مانند ۵ روز گذشته دوام بیاورد، چونکه قادر نیست در زمانی که کمیته های انقلاب و فداییان مسلح فقط احکام خود را به طور خیلی مؤثری به اجرا می گذارند، اختیاراتش را وسعت ببخشد. مثال خوب برای این موضوع زمانی رخ داد که مأمور سیاسی یک مسافرت ۷ مایلی به خانه اسلامی نیا کرد. با اینکه در جهت موافق از دو راه بندان کوتاه گذشت، مأمور سیاسی سه ماشین که به وسیله گلوله های تیراندازی از خفا متوقف شده بودند را دید.

دو تا از اتومبیلها در خروجی خیابان میرداماد از اتوبان قرار داشت که در یکی هنوز بدن راننده که روی فرمان خم شده بود وجود داشت.

سولیوان

## بروس عزیز

سند شماره (۵) خیلی محرمانه جناب آقای بروس لینگن ۱۰ مارس ۱۹۷۹ - ۱۹ اسفند ۵۷ کاردار سفارت آمریکا - تهران بروس عزیز:

اجازه دهید تا خصوصیت نهاری را که این هفته من و پیترا با آگاه و منصور فرهنگ صرف کردیم برایتان توصیف کنم.

اول، غذا: حتی با استاندارد شهریار روحانی ساده بود. (ولی گمان می کنم سفیر فروغی همین را در مورد همبرگری که او با من در طبقه هشتم صرف کرد، گفته باشد). دوم، فرهنگ یک ضمیمه خوشایند به قسمت روابط عمومی سفارت خواهد بود. او در صحبت کاملاً ماهر، باهوش، و یک معتقد واقعی و یک آزادیخواه مدنی معترف می باشد. او و آگاه گفتند که ما (آمریکاییها) احتمالاً گروهها را کمک می کنیم یا خوشحال هستیم که روسها شورشیان افغان را سرکوب می کنند (به خاطر اینکه هر دو ابرقدرت با انقلاب اسلامی مخالفند). ولی او در مخالفت با محدودیت در مورد مطبوعات خارجی و تا درجه پایین تری مطبوعات تهران صادق است. او تمایلی دانشگاهی دارد که زمانی که دفاع می کند انتقاد نیز بکند. او گفت توسط بهزاد نیا از او تقاضا شده که از اقدامات دولت موقت ایران در مقابل مطبوعات در تلویزیون دفاع بکند. فرهنگ گفت وی موافقت نمود که در تلویزیون حاضر شود، ولی گفت «من به شما حمله می کنم، چون که من قویا با اقدامات شما مخالفم.» فرهنگ از اوایل دهه ۶۰ در کالیفرنیا بوده است و من به بی میلی او در قبول یک مقام رسمی که ممکن



است ارتباطی با کارت سبز داشته باشد، مشکوک هستم. علاقه دو پسر او به بیس بال و بی میلی همسرش برای سرزمینی بدون موزیک همچنین ممکن است نقشی در حرکت او در اینجا داشته باشد.

دوستدار شما هنری پرشت

## آسایش و مکان و محل شهروندان ایرانی

سند شماره (۶) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۲ مارس ۷۹ - ۲۱ اسفند ۵۷ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن فوری موضوع: آسایش و مکان و محل شهروندان ایرانی ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- علیرغم اظهارات خصوصی بسیاری از مقامات دولت ایران نسبت آمریکاییها، احساسات ضد آمریکایی به عنوان یک عاملی که می بایستی رویش حساب شود، باقی مانده است. کارمندان سفارت رابطین ایرانی را در ملاقات کردن با آنها، به خصوص در میان انظار، بی میل یافته اند. بنابراین ما معتقدیم که در حال حاضر اینکه سفارت به دنبال اقامتگاه ها و خانه های منابع بگردد، بی فایده خواهد بود. در اوضاع کنونی ایران اینگونه پرس و جوها به توسط خلیها بد تعبیر می شود و افراد رابط ممکن است به عامل «سیا» بودن و یا بدتر متهم شوند. در چنین زمانی و به محض اینکه شرایط عوض شود، ما از پی گیری تقاضای اطلاعات خوشحال خواهیم بود.

۳- کارمندان سفارت تا حدی در جریان فعالیتهای عادی، اطلاعات خواهند آورد، و البته آنها را گزارش خواهند داد. در میان اشخاصی که ذکرشان در تلگراف مرجع رفت از روی قراین انتظار داریم که عبدالله و نصرالله انتظام سالم باشند، زیرا آنها اشخاص مسن و قدیمی هستند و افرادی هستند که برای چندین سال نقش فعالی در دولت شاه نداشتند. آنها مانند بسیاری از اشخاص سرشناس دیگر نمی دانند که در آینده چه انتظاری را باید از دولت جدید داشته باشند و احتمالاً تا آنجایی که ممکن است خود را مخفی می کنند. چنین افرادی به ندرت به تلفن جواب می دهند و یا حتی اجازه می دهند که دیگران درباره محل زندگی شان صحبت کنند.

۴- در ضمن، اظهارات پروفیسور جیمز بیل در مجله تایم در مورد احساس طرفداری از آمریکا در میان مقامات عالیرتبه رهبری فعلی مذهبی در روزنامه های محلی پخش می شود. متأسفانه بیل از یزدی و انتظام که هر دو از افراد مهم دولت بازرگان هستند، اسم می برد. در شرایط فعلی این عمل فقط می تواند به آنها صدمه بزند و ممکن است به این منجر شود که آنها گامی به جهت «اثبات» اینکه «عامل» آمریکا نیستند، بردارند. از آنجایی که سفارت برای کمکهای عملی بسیار گسترده به این دو، در میان سایرین، وابسته است، چنین حادثه ای ممکن است به تنهایی انعکاس به خصوصی داشته باشد. این مسئله یک بار دیگر مضر بودن اظهارنظرهای هر مقام مهم رسمی و غیر رسمی را در مورد ایران نشان می دهد. مردم عامی ایران فرق بین رسمی و غیر رسمی را نمی دانند.

سولیوان

## اولین ملاقات با وزیر جدید دفاع

ص: ۴۳۲

سند شماره (۷) سری تاریخ: ۱۹ مارس ۱۹۷۹ - ۲۸ اسفند ۵۷ برای اقدام به: وزارت خارجه واشنگتن، دی - سی. فوری وزارت دفاع واشنگتن، دی - سی. فوری موضوع: اولین ملاقات با وزیر جدید دفاع ۱- تمام متن سری ۲- خلاصه: در جریان یک ملاقات طولانی و دوستانه نمایندگان سفارت و نمایندگان وزارت دفاع ایران یکسری کامل از موضوعاتی را که در جریانات و محموله های نظامی تأثیر می گذارد، هم در گذشته و آینده، مورد بحث قرار دادند.

۳- ژنرال گست رئیس هیئت مستشاری نظامی و کنسول سیاسی لامبراکیس در ۱۹ مارس به مدت یک ساعت و چهل و پنج دقیقه با مدنی وزیر جدید دفاع ملی و تعدادی از ایرانیان منجمله دکتر طاهرزاده که به جای ژنرال طوفانیان منصوب شده و آقای اعتصام که به زودی تهران را به قصد واشنگتن ترک خواهد نمود، که در آنجا کاردار سفارت ایران خواهد شد، ملاقات نمودند. ژنرال گست یک گزارش مفصل تهیه می کند؛ مطالب عمده در زیر می آید:

۴- پس از مروری بر یادداشت تفاهم ۲۱ فوریه و دیگر موضوعات برجسته به وسیله گست، مدنی پاسخ داد. او گفت ایران از گروه بندیهای بین المللی دور خواهد ماند و بنابراین بر ضد هیچ کس متفق نخواهد شد. با این حال ایران برای حفاظت از اسراری که به وسیله دیگر کشورها به او به صورت محرمانه داده شده است، احساس مسئولیت خواهد نمود و بنابراین از تجهیزات فوق پیچیده ۱۴ - اف، موشکهای مختلف و غیره که گست تقاضا کرده، حفاظت خواهد نمود.

۵- مدنی تقاضای حداکثر اطلاعات در مورد قراردادهای برجسته را نمود و گست نسخه هایی از موافقتنامه ۱۹۴۷ ایالات متحده - ایران که در مورد موقعیت هیئت مستشاری نظامی راهنمایی می کند و همچنین یک نسخه از MOU (یادداشت تفاهم) با یادداشتهای تشریحی را به او داد. مدنی گفت دولت جدید تمام قراردادهای بررسی خواهد کرد و تصمیم خواهد گرفت که کدامیک را می خواهد حفظ نماید او گفت دولت ایران برخی کارشناسان آمریکایی را در کشور احتیاج خواهد داشت و وقتی از او سؤال شد که آیا تقاضای گست برای جایگزین کردن بعضی از کارشناسانی که هنوز در اینجا هستند با افرادی مناسبتر از آنها قابل قبول می باشد، به طور مثبت و به علامت توافق سر تکان داد.

۶- مدنی سؤال کرد که آیا دولت ایالات متحده سیستمهای تسلیحاتی فوق پیچیده مثل F-۱۴ یا هلیکوپترهای AHJ-۱ (کبرا) را در صورتی که دولت ایران تصمیم بگیرد که دیگر به آنها احتیاجی ندارد، بازخرد خواهد کرد. گست گفت که وی موضوع را با واشنگتن مطرح خواهد نمود. مدنی گفت برای مثال بازپرداخت می تواند شکل لوازم یدکی برای دیگر سیستمها را داشته باشد. اعتصام در مورد انتقال به کشور سوم سؤال نمود و گست شرایط دولت ایالات متحده برای اجازه های به خصوص در مورد انتقال هر تجهیزاتی از پیچیده ترین تا ابتدایی ترین را تشریح نمود.

۷- گست فوریت برقراری ارتباط با دولت ایالات متحده به طور کتبی در ارتباط با تنخواه گردان ایران جهت تصمیمات دولت ایران درباره لغو تجهیزات را تشریح نمود. مدنی اشاره نمود که دولت ایران تصمیم

گرفته است که تمام چهار ناوشکن، زیردریایی دوم و برنامه آموزش خلبان هواپیمایی ارتش را فسخ کند.

او در مورد این موارد و همچنین ۱۶۰۰ دانشجویی که هنوز در ایالات متحده هستند و دیگر ابطالها قول یادداشتی را داد.

۸- گفتگوی قابل توجهی در باره تنخواه گردان ایران صورت گرفت که گست تشریح نمود که فقط مقامات مجاز ایالات متحده می توانند از آن برداشت کنند، و پولهای آن نمی تواند برای پرداخت فوق العاده به اکثریت کارآموزهای ایرانی مصرف شود، مگر اینکه وزارت دفاع ملی ایران به طور اخص چنین پرداختهایی را مجاز نماید. گست این حقیقت را عنوان کرد که مبالغ قابل توجهی از لوازم یدکی، لوازمات و تجهیزات در ۱۰ فوریه در ارتباط با انقلاب ایران به انبارها بازگردانده شده اند و اینها تا زمانی که دستورالعملهایی از طرف وزارت دفاع ایران مبنی بر تغییر مکان آنها داده نشده است، تولید هزینه می نمایند. او به عنوان یک نمونه دیگر مشکلات به ۲ میلیون دلاری که به وسیله شرکت حمل و نقل دولت ایران (بهرینگ) در نیویورک ادعا شده است، اشاره نمود که در جریان گرفتن دستور دادگاه برای جلوگیری از حمل و نقل بیشتر لوازمات نیروی هوایی به ایران می باشد. مدنی در مورد پیشنهاد گست برای یک گروه مشترک وزارت دفاع و هیئت مستشاری نظامی برای مطالعه این جزئیات عکس العملی نشان نداد، ولی او گفت ملاقات دیگری با همین گروه فعلی وقتی که تمام موارد بررسی شد لازم می باشند.

۹- دکتر طاهرزاده تقاضای یک حساب کامل از موارد استفاده وجود امانی ایران در طول سالهای گذشته را نمود. او اشاره نمود که وی علاقه مند است که بداند چه کسی چه پرداختهایی را مجاز دانسته و برای چه منظوری. گست اشاره نمود که این می تواند یک کار قابل ملاحظه و پرخرج باشد، ولی گفت که بیند چه کار می تواند انجام دهد. او اشاره کرد که سوابق دولت ایران در مورد خیلی از این معاملات موجود است و نام مکانهایی که آنها هنوز ممکن است پیدا شوند را برد.

۱۰- در پاسخ به دیگر درخواستهای گست و لامبراکیس، مدنی گفت او با صحبت کردن با نخست وزیر و وزارت خارجه در مورد مراحل تنظیم کردن حمل محموله های خانگی و تحصیل دسترسی به مکانهای هیئت مستشاری نظامی به منظور بررسی سوابق دولت ایالات متحده در مورد تجهیزات و لوازمات همکاری خواهد نمود. او خواست که ما تا پس از ۵ روز تعطیلات سال نو که از ۲۱ مارس آغاز می شود، صبر کنیم. او گفت که وی همچنین در مورد مشکل امنیت برای محوطه سفارت آمریکا و مسافرت مقامات آمریکایی در اطراف شهر همکاری خواهد نمود. اعتصام نیز اعلام نمود که وزارت خارجه کمک خواهد نمود. مدنی هیچ نظری در مورد موضوع ملک ریتان (RAYTHEON) در تهران نداد، ولی توافق داشت که وزارت خارجه باید در مورد این سؤال ارزیابی کند. سرانجام او (مدنی) اطلاع داد که نمایندگان بل هلیکوپتر در دفتر بیرونی وی منتظرش هستند که با او و گروهش صحبت کنند و علاقه سفارت در مشکل امنیت شهروندان آمریکایی در کشور را تشخیص می دهد و توافق نمود که اگر دولت ایران تقاضای پرسنل یا دیگر همکاریها از بل هلیکوپتر را نمود به سفارت اطلاع دهد.

۱۱- طاهرزاده مسئله سرمایه گذاری در مدرسه آمریکایی تهران را مطرح نمود. گست گفت مطمئن نیست، ولی فکر می کند که بهای تأسیسات (تسهیلات) و بیشتر تجهیزات آن پرداخت شده و متعلق به دولت ایران است. همین موضوع در مورد مدرسه اصفهان صدق می کند. کنسول اداری سفارت نگران بوده است که برخی مقامات دولت ایران را برای مذاکره در مورد بازگرداندن این مدارس به دولت ایران پیدا





کند. همین جریان در مورد بیمارستان نظامی ایالات متحده صادق است که به خاطر عمل محافظی که در تأسیسات مأمور شده بود، بسته شد. آن نیز به دولت ایران تعلق دارد و با روشی منظم باید منتقل شود.

گست اشاره نمود که افرادی که اکنون مالکیت آن را دارند ممکن است یا ممکن نیست، که نماینده دولت ایران باشند. مدنی موافقت نمود که تمام این مسائل ارزش بررسی را دارند و در عین حال مسائل باید به اطلاع وزارت خارجه نیز، برسد.

۱۳- ملاقات با ابراز تمایلات دو جانبه و تکرار نیاز به ملاقات دیگر از طرف مدنی پایان یافت. ژنرال گست بر یک مبنای شخصی به گروه گفت که با ارزیابی به وسیله تجربه اش به عنوان یک خلبان و کسی که در تدارکات تجربه دارد می تواند به آنها اطمینان دهد، نیروی هوایی که ایران دارد بهتر از آن چیزی است که خیلی از افراد می گویند و می توان زمانی که ساخت فرماندهیش را اصلاح نمود به کار عملیاتی پردازد.

سولیوان

### کمکهای نظامی ایالات متحده برای ایران

سند شماره (۸) سری از: هیئت مستشاری نظامی - تهرانتاریخ: ۲۰ مارس ۱۹۷۹ - ۲۹ اسفند ۱۳۵۷ به: فرماندهی کل نیروهای آمریکا در اروپا - واشنگتن، دی - سی موضوع: کمکهای نظامی ایالات متحده برای ایران ۱- نظرات ما ممکن است برای جوابگویی به پیغام مرجع سودمند باشد.

۲- (سری). درجه موفقیتی که بازرگان (یا هر جانشینی) ممکن است از آن برخوردار شود، تا حد زیادی به توانایی دولت در تشکیل مجدد نیروهای مسلح بستگی دارد. همان طور که قبلاً گزارش شد، تشکیل (ترکیب) مجدد نیروهای مسلح وابسته به چندین عامل می باشد که مهمترین آن سیاسی و دیگری، حتی اگر بازرگان راهش را بیابد، تشکیلات و رهبری در نیروهای مسلح می باشد. با فرض تشکیل مجدد نیروهای مسلح به مشاوران خارجی نیاز خواهند داشت. اینکه چند نفر و چه نوع مشاورانی را دولت تقاضا خواهد کرد به نظر ما به آگاهی تدریجی ایرانیان از وضع خراب امور در ارتش (مربوط) خواهد بود.

۳- (سری). نخست وزیر در ۱۹ مارس تمایلش را تصریح کرد که ژنرال گست و گروه او تا زمانی که دولت مطالعاتش را کامل نماید در ایران باقی بماند. در یک ملاقات با دریادار مدنی، مدنی به گست گفت که ما باید تا زمانی که آنها تصمیم بگیرند کدام کارشناسان مورد نیاز هستند، در محل باقی بمانیم.

۴- (سری) اگرچه ما گزارش کرده ایم که دریادار مدنی و ژنرال قره نی هر کدام به طور آشکار اظهار داشته اند که آنها انتصاب خودشان را موقتی و تا فرزندوم می دانند، مدنی چنان اثری را بر ما به جای نگذاشت، او مطالبی را برای دراز مدت عنوان کرد.

۵- ما برای مدتی، شاید هفته ها، نخواهیم دانست که آنها چه همکاری از دولت ایالات متحده یا پیمانکاران خصوصی

خواهند خواست. ولی حداقل ملاقات دیروز یک شگفتی برای آنان بود و ما معتقدیم که آن شروع یک گفتگوی مستمر بود. حضور ما در اینجا و گفتگوی بیشتر به آنان کمک خواهد نمود که از موقعیتی که در آن هستند و چیزی که لازم است قدردانی بعمل آورند و هر چه زودتر بهتر.

۶- (سری) تاکنون ما نشانه ای مبنی بر اینکه دولت خواستار تغییری در گردانندگان مستشاری به خاطر

ص: ۴۳۵

همکاری ما با رژیم گذشته باشد، نداشته ایم. این موضوع ممکن است تا حد زیادی ناشی از این حقیقت باشد که ما با گردانندگان جدیدی در تماس هستیم. ما موافق هستیم که اگر زمانی که وقت آن برسد، در سطح کار چهره های جدیدی احتمالاً مورد نیاز خواهند بود.

۷- (سری) با توجه به اندازه و ترکیب سازمان باقیمانده ما ترجیح می دهیم که تقریباً در حدود ۴۰ مأمور به خدمت باقی بمانیم. به هر حال ما علاقه مندیم که قابلیت انعطاف بالاتر رفتن یا پایین آمدن از آن سطح، با توجه به ظرفیت کارمان و شرایط امنیتی را داشته باشیم.

برای آینده ای قابل پیش بینی گزارش به تهران باید در وضعیت TDY باشد. ما در نظر داریم که جایگزینی ها را بر یک مبنای چرخشی تقاضا کنیم و در حقیقت قبلاً چنین کرده ایم. ما تمایل داریم که پرسنل به خصوصی تا موقعی که تأسیسات تدارکاتی را کاهش می دهیم، باقی بمانند. ولی حتی ما در اینجا می توانیم بعضی از افراد را به خاطر ملاحظات اخلاقی یا رفاهی در گردش (در قسمتهای مختلف) نگاه داریم. به ما اطمینان داده شده است که می توانیم پرسنلی را به عنوان جایگزینی یا اضافی برای مقاصد اداری بیاوریم. مشکل کمی در مورد پرسنل اضافی وقتی که آنها تقاضای ملاقات، اطلاعات یا همکاری مشورتی می نمایند باید وجود داشته باشد، برای مثال به منظور جواب دادن به سؤالاتی که دیروز در ملاقات با مدنی پرسیده شد، ما احتمالاً یک یا ۲ کارشناس برای تهیه اطلاعات و کار در مورد مسائل ایالات متحده مرتبط با وجود فروشهای خارجی و تنخواه گردان احتیاج خواهیم داشت.

۸- (محرمانه) ما آموزش زبان فارسی را برای مأموریت‌های PCS آتی به طور مؤکد توصیه می کنیم.

وقتی که گفتگوها به فارسی در حضور مشاور صورت می گیرد، فقدان اطلاع از زبان فارسی یک نقص است.

۹- (سری) به وسیله دریادار مدنی به ما اطمینان داده شده که دولت تمام قراردادهای فروشهای نظامی خارجی منجمه انتقالات به کشور ثالث را محترم می شمارد. توانایی ما در نظارت بر انتقالها بر این اساس می باشد که آنها گفته اند که تمام تقاضاها را به جریان می اندازند و فقط زمانی انتقال می دهند که دولت ایالات متحده تأیید نماید.

۱۰- (سری) وزیر دفاع مشغول بررسی فروشهای نظامی خارجی و ایرانیان متخصص در ایالات متحده آمریکا می باشد. خیلی زود است که فکر کنیم چه اقداماتی به عمل می آورند ولی ما به او توصیه نمودیم، به عنوان یک معیار اقتصادی فقط آنهایی را ثبت نام نکنند که در آموزش ۹۹۳-CG هستند.

گست

## دیدار کارمند سفارت با وزیر ارشاد ملی

سند شماره (۹) از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۲۹ مارس ۱۹۷۹ - ۹ فروردین ۱۳۵۸ به: آژانس ارتباطات بین المللی، واشنگتن دی - سیمحرمانه موضوع: دیدار کارمند سفارت با وزیر ارشاد ملی ۱- سه شنبه ۲۹ مارس وابسته مطبوعاتی و کارمند

سفارت تامست با ناصر میناچی وزیر ارشاد ملی ملاقات کردند. گفتگو به رادیو صدای آمریکا بخش فارسی و گزارش  
سانسور نوارهای ویدئو و فیلم، پیش نویس قانون اساسی و رادیوی مخفی روسی به زبان فارسی رسید.

ص: ۴۳۶

۲- میناچی با علاقه مندی از بخش فارسی رادیو صدای آمریکا و زمان و فرکانس آن جويا شد. وابسته مطبوعاتی گفت که افتتاح و برنامه رادیو را به میناچی اطلاع خواهد داد. میناچی اظهار امیدواری کرد که رادیو صدای آمریکا بخش فارسی وسیله دیگری در روشن نمودن اذهان مردم ایران باشد و گفت که از بی.بی.سی. و واژگونه نشان دادن حقایق در رابطه با مسائل گنبد کاوس راضی نمی باشد. او گفت که وزارتخانه تحت نظر او بزودی رادیویی به زبان انگلیسی برای آمریکا به عنوان یک عکس العمل ضمنی به بخش فارسی رادیو آمریکا افتتاح خواهد کرد.

۳- در مورد سانسور فیلم گفت که این مسئله صحیح نیست، زمانی که خبرنگاران خارجی در باره قدغن نمودن حجاب به وسیله خمینی گزارشهایی فرستادند و کسانی مثل کیت میلر در مورد حقوق زنان تفسیرهای مغرضانه و غلطی می کنند و فیلمبرداران شبکه ها تنها صحنه هایی از حجاب را بدون نشان دادن واقعیت فیلمبرداری می کنند، ما نه سانسور فیلم را برقرار کرده ایم و نه جلوی فرستادن فیلم شبکه های تلویزیونی را به خارج گرفته ایم، فقط از آنها خواسته ایم که رعایت حقایق را بنمایند. برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم میناچی یک مرکز خبر در ساختمان خبرگزاری پارس برقرار نموده است. این عمل برای جلوگیری از فریب خوردن مطبوعات خارجی به وسیله اخبار تبلیغاتی چپ و راست که در هتل اینترکننتینتال پخش شده بود انجام گرفته است. مرکز خبر مجهز به یک تلکس است، ولی خبرنگاران خارجی مجبور به استفاده از آن نیستند. در ضمن فیلمبرداری و یا فرستادن فیلمهای گرفته شده یا ویدئو نه نظارتی بر آنها می شود و نه حد و حدودی برای آنها است.

۴- میناچی و کیل و طرفدار حقوق بشر که شخصا در تصویب قانون اساسی شرکت داشته، گزارشهای مطبوعاتی را تهیه می کرده و معاون وزیر کشور طباطبایی منکر نقش نخست وزیر که کابینه را به مجلس معرفی خواهد کرد، شد. عنصر جدید قانون اساسی اسلامی شورای نگهبان است که متشکل از اعضای شورای عالی دادگاهها و علماست و بر امور تصویب لوایح در رابطه با اصول اسلامی نظارت خواهد کرد.

۵- میناچی گفت که در مورد رادیو صدای ملی ایران نسبت به روسیه اعتراض کرده، ولی روسیه هرگونه مسئولیتی در این مورد را رد نموده است. میناچی بخشی در خبرگزاری پارس برای خنثی نمودن تحریفات رادیوی مخفی و روشن نمودن افکار عمومی در رابطه با ایران و آمریکا ایجاد نموده است.

اسنور

## حزب سیاسی دیگری برای ایران

سند شماره (۱۰) از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۳ آوریل ۱۹۷۹ - ۱۴ فروردین ۱۳۵۸ به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی - سیخیلی محرمانه موضوع: حزب سیاسی دیگری برای ایران خلاصه: علی ایمانی ناشر روزنامه و تاجر، کارشناس سفارت را مطلع ساخته که تشکیل حزب سوسیال دموکرات ایران رسماً در هفته آینده اعلام خواهد شد. (پایان خلاصه) ۱- علی ایمانی (محفوظ بماند) ناشر و صاحب روزنامه ایرانی جدید، شهاب، کارشناس سیاسی را در دوم آوریل (۱۳ فروردین) مطلع ساخت که تشکیل حزب سوسیال دموکرات به زودی اعلام خواهد شد.

به گفته ایمانی بیشتر از ۵/۰۰۰ اسم در حمایت چنین حزبی گردآوری شده و لذا حزب می تواند، ادعای



مواضع حقوقی کند. ترکیب حزب مقدماتاً از طبقات متوسط و فنی خواهد بود. با جهت گیری متمایل به غرب، حزب سوسیال دموکرات یک موضع خط میانه خواهد داشت.

«نه کمونیست نه خمینیست» ایمانی گفت که طرح اصلی چنین حزبی از نخست وزیر سابق بختیار که ایمانی با او روابط نزدیک شخصی داشته، سرچشمه می گیرد. البته اسم بختیار افشاء نخواهد شد، تکرار می شود نخواهد شد و هر گونه ارتباطی فعلاً در افکار عمومی انکار خواهد شد. (لطفاً جدا حفاظت شود).

۲- حزب انتظار دارد در انتخابات پارلمانی (مجلس شورا) در چند ماه آینده شرکت کند و امیدوار است که بتواند حداقل تعدادی نماینده انتخاب کند. اگر سازماندهی حزب و حمایت مردم تا آن زمان تأمین گردد، ایمانی تصمیم دارد خودش در انتخابات شرکت کند (به عنوان کاندیدا).

۳- ایمانی در مورد امکان کمکهای مالی و مشورتی آمریکا در مراحل اولیه سازماندهی حزب از کارشناس سیاسی سؤال کرد. کارشناس سیاسی جواب داد که سفارت نمی تواند به هیچ وجه در این مسئله دخالت کند. جدا از این هر گونه ارتباط ضمنی با دولت آمریکا می تواند با توجه به انزجار عمومی نسبت به سیاستهای آمریکا به معنای مرگ گروه سیاسی جدید تلقی گردد. ایمانی گفت مشکلات فعلی و دلایل عدم دخالت آمریکا را درک می کند، ولی دوباره تأکید کرد که امیدوار است کمک مادی تدریجاً برسد.

کارشناس سفارت برای حزب آرزوی موفقیت کرد و دوباره سیاست عدم مداخله را متذکر شد.

۴- اطلاعات بیوگرافی: علی ایمانی در تهران در ۱۹۲۱ بدنیا آمده و از طایفه شاهسوند ترک می باشد او از ۱۹۴۶ شغلای متعدد دولتی در شهرداری داشته و اخیراً عضو انجمن شهر تهران بوده است. ایمانی یک تاجر موفق و عضو حزب منحل ایران نوین می باشد. در سالهای گذشته او صاحب چندین هتل در تهران بوده، ولی همه به جز یکی را فروخته تا کارش را روی زنجیر آژانسهای صادرات، واردات و مسافرتی متمرکز کند. ایمانی دو آژانس از این گونه در تهران و یکی در آلمان و طرحهای کامل و زمینهای لازم برای گسترش آن در لندن دارد. او مدعی است که در ماههای اخیر و با تشویق بختیار یک چاپخانه در تهران خریده و انتشار روزنامه شهاب را آغاز کرده است. سولیوان

### قشرهای موجود در جامعه روحانیت

سند شماره (۱۱) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۲۳ آوریل ۱۹۷۹ - ۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی - سی. دارای حق تقدم موضوع: قشرهای موجود در جامعه روحانیت ۱- (تمام متن خیلی محرمانه - این یک تلگراف گزارشی است) ۲- یک غیر ایرانی که سالهاست در ایران زندگی می کند و زبان فارسی را به خوبی می داند اخیراً با شریعتمداری به طور خصوصی صحبت کرده است و شریعتمداری صراحتاً بیان کرد که او از اعمال دادگاههای انقلاب بشدت ناامید شده است و امیدوار است که دنیای غرب این اعمال را به اسلام واقعی نسبت ندهند به نظر او دادگاهها انقلاب غیر قانونی و غیر اسلامی هستند و بنابراین، او نه تنها دخالتی در این دادگاهها ندارد بلکه نقشی در کارهای حکومتی نیز ایفا نمی کند.

۳- او اضافه کرد ایران امروز بر اساس عقل اداره نمی شود. بلکه اداره آن بر اساس احساسات است و

ص: ۴۳۸



احساسات ضد آمریکایی جاری را نمونه ای از این امر دانست. او ابراز امیدواری کرد که آمریکا نباید احساسات ضد آمریکایی گسترده کنونی را به عنوان احساسات اصیل ایران تلقی کند. وی با احتیاط تمام گفت که اظهارات خمینی تا حد زیادی به این رفتار ضد آمریکایی کمک کرده است. و وقتی مردم ایران دوباره سر عقل بیایند می خواهند که روابط ایران و آمریکا ادامه یابد، البته این روابط با آنچه در گذشته بود فرق خواهد داشت. او گفت که آمریکا می تواند در این برهه مشکل از زمان مؤکدا بگوید که اسلحه های خود را به زور به ایران نفروخته و آمریکائیها به درخواستهای یک حکومت سلطنتی جواب مثبت داده اند.

او اضافه کرد که ما باید به دقت از فرصتهایی که موجب استحکام دوستان آمریکا در ایران می شود استفاده کنیم و با این تبلیغات (ضد آمریکایی) مبارزه نماییم. به نظر او دولت آمریکا باید تبلیغات مثبتی راجع به برخورد جاری آمریکا نسبت به ایران ایجاد نماید.

۴- در مورد داخل کشور، او گفت که توده مردم از انحراف انقلاب خیلی ناراحتند. و این نارضایتی کاملاً گسترده است. او می ترسید که چپها قادر شوند که از وضع ذهنی ایرانیان بهره برداری نمایند.

۵- منبع خبری ما که این اولین ملاقاتش با شریعتمداری بود شدیداً تحت تأثیر قاطعیت، هوشیاری و سرعت انتقال شریعتمداری قرار گرفت. او در هیچ جمله ای به طور مستقیم به خمینی حمله نکرد، ولی با دقت تمام آشکار کرد که او چندان همدردی با وی ندارد.

۶- منبع خبری همچنین افزود که خبرهای زیر را از اطرافیان شریعتمداری گرفته است، او معتقد بود که آیت الله گلپایگانی و مرعشی به شریعتمداری نزدیکتر هستند و شایعه ای در قم حاکی از آن است که در یک مورد شریعتمداری تهدید کرد که به تبریز خواهد رفت، ولی خمینی به او دستور داد که در قم بماند یا به نجف برود. بر طبق اطلاعاتی که از قم و تهران جمع آوری شده، وقتی پسر خمینی و گلپایگانی هفته گذشته با شریعتمداری ملاقات کردند تا پیشنهاد خمینی را مبنی بر تشکیل شورای رهبری به او برسانند، شریعتمداری این درخواست را رد کرد و این پیشنهاد از طرف خمینی نقطه ضعف تلقی می شود.

۷- بیشتر ایرانیان که منبع خبری ما با آنها در تماس است، معتقدند که طالقانی با سفر اخیرش به قم و ملاقات با خمینی که متعاقب ناپدید شدن کوتاه مدت وی از تهران و در زمان دستگیری دو پسرش صورت گرفت، تا اندازه ای وجهه خود را از دست داد. اعلامیه خمینی و طالقانی بعد از ملاقاتشان نشان داد که طالقانی چندان موفق نبوده است و در عین حال بسیاری از منابع معتقدند که آشتی دو آیت الله سطحی است و شکاف بین آنها مجدداً در آینده نزدیک ظاهر خواهد شد. ناس

## ملاقات با میناچی وزیر اطلاعات و ارشاد

سند شماره (۱۲) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۲۹ آوریل ۱۹۷۹ - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۸ به: وزارت خارجه واشنگتن دی - سی موضوع: ملاقات با میناچی وزیر اطلاعات و ارشاد ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) این تلگرام گزارشی است.

۲- خلاصه مطلب: میناچی آمریکاییها را با خوشرویی و گرمی تمام پذیرفت و به خاطر پیام کاردار تشکر کرد. میناچی راجع به یک رشته عملیات و مبارزه بر علیه ایران در وسائل ارتباط جمعی آمریکا اظهار نگرانی و دلواپسی کرد. او گفت که ایران می خواهد روابطش را با آمریکا ادامه داده و دولت موقت

ص: ۴۳۹

ایران قادر است، از عهده اینها برآید. میناچی سه بار پیشنهاد کرد که او ترتیب ملاقات کاردار با بازرگان را خواهد داد. (پایان خلاصه).

۳- کاردار سفارت و شلنبرگر، و مأمور سیاسی سفارت استمپل در روز ۲۹ آوریل با دکتر میناچی وزیر اطلاعات و ارشاد در رابطه با قسمتی از ملاقاتهای دوره ای کاردار ملاقات کردند. کاردار سفارت گفتگو و بحث را با گفتن این مطلب که آمریکا خواستار آزادی و ترقی روزافزون ایران می باشد و آرزوی همکاری با دولت موقت ایران به میزانی که او خود می خواهد را دارد، شروع کرد. او در مقابل تبلیغات شدید شوروی در روزها و هفته های اخیر و به طور قطعی و پوست کنده بیان داشت که آمریکا اصلاً در امور ایران مداخله نمی کند. کاردار پیشنهاد کرد که وزیر ارشاد و یارانش می توانند در رساندن این پیام به خمینی کوشش کنند. کاردار به خاطر جلوگیری از اینکه عوامل محرک اجتناب ناپذیر تبدیل به مشکلات شوند، درخواست ملاقاتهای دوستانه داشت.

۴- میناچی باحالت خیلی دوستانه و گرم جواب داد که مطبوعات در ایران آزاد است و خیلیها فقط شعار می دهند. کابینه بازرگان (دولت آیت الله) مایل به ادامه همکاری و روابط با آمریکا می باشند. او از کاردار اجازه خواست که ترتیب یک ملاقات با بازرگان و در آینده با خمینی را بدهد. کاردار گفت که تصمیم داشته بازرگان را پس از دیدن تعدادی وزرا ملاقات کند، ولی در مورد ملاقات با خمینی اظهار نظری نکرد. در خلال مذاکره میناچی دوبار پیشنهاد قبلی را تکرار کرد و کاردار جوابی شبیه به جواب قبلی داد.

(نظریه: پاراگراف شماره ۹ را ببینید).

۵- وزیر اطلاعات گفت که دولت آمریکا نباید توجهی نسبت به تبلیغات کمونیستها بنماید. روابط گذشته شاه با آمریکا مشکوک هستند، ولی حالا همه چیز روبراه است. وضعیت ایران در یکی دو ماه آینده بهبود خواهد یافت. روابط آمریکا با انقلاب اسلامی ایران در سطح بالا خوب و مورد توافق بوده (در اینجا او با سر به رئیس امور سیاسی استمپل اشاره کرد، یعنی کسی که در چند نوبت در خلال روزهای بحرانی انقلاب با او ملاقات کرده است). میناچی گفت تفاهم آمریکا در گذشته، درک (مبارزات مطبوعاتی) رسانه های آمریکایی را علیه دولت جدید ایران مشکلتر کرده است. میناچی در رابطه با انتقادات آمریکا از محاکمات گفت که دولت موقت ایران حاضر بود، که مدارک را ارائه دهد. ولی در بیشتر زمینه ها مدارک دادگاه انقلاب حاکی از این است که آنها نمی خواهند شهادت و گواهی در مورد هتک ناموس و نمایش تجاوز به حقوق کسی در ملاء عام انجام گیرد. کاردار جواب داد که اعدامها در ایران برای بیشتر کشورها به خصوص کشورهایی که حامی انقلاب ایران بوده و پافشاری روی حقوق بشر دارند تعجب آور بوده، در صورتی که در این مورد مبارزه ای بر علیه ایران توسط وسائل ارتباط جمعی نبوده است. مأمور سیاسی سفارت به مذاکره قبلی با میناچی که در مورد مشکلات شهادت و گواهی و استاندارد عادلانه بین المللی محاکمه بود اشاره کرد. میناچی در جواب گفت که در آینده وزیر دادگستری مطالب بیشتری را در دسترس قرار خواهد داد. همچنین او گفت که فقط ۷۰ الی ۸۰ نفر اعدام شده اند. حساب ما ۱۷۶ نفر می باشد.

آمریکا تأکید به ادامه بازگشایی مرکز مطبوعات خارجی دارد. میناچی پاسخ داد که آن ادامه خواهد داشت. (معاون میناچی که دقیقاً یک آدم نحس انقلابی به نام بزارحین (BEZARHIN) است اشاره کرده است که امکان دارد مطبوعات خارجی

بسته شود).

ص: ۴۴۰

۶- میناچی گفت که کمونیستها نمی تواند خطر اصلی و جدی را برای انقلاب ایران تا زمانی که تعداد آنها کم و ناچیز است داشته باشند. آنها در بعضی از شهرها منتهی با یک جمعیت کم و محدود تشکیلات خوبی دارند. ولی پشتیبانی توده از خمینی باعث خواهد شد که آنها زیر نظر و کنترل باشند. میناچی سپس به صحبت در باره فساد و بی رحمی و وحشیگری رژیم سابق ادامه داد و از تصمیم انقلابی در مورد اعدام تعدادی برای جلوگیری و کاهش خشونت مردم دفاع کرد. او مقداری کمبود و نارسایی در مورد دادگاه انقلاب را اعتراف کرد و اشاره کرد که دادگاههای انقلاب بسته خواهند شد. او نسبت به مجموعه مسئولیتهای وزراء در رابطه با ماده ۶۱ (قانون اساسی شاه) تحت عنوان تصدیق در مورد تعدادی اعدام اشاره کرد. او گفت که دولت موقت ایران زمانی که به قدرت رسید با مشکلات زیادی مواجه شد ولی به مرور آنها را حل کرده. او اصرار کرد که سه نفر شنونده آمریکایی شکیا و صبور باشند، علیرغم سوءقصد های عناصر رژیم سابق به خصوص شاه که در جهت ورشکست کردن کشور تلاش می کنند، دولت جدید موقت ایران اداره مملکت را در دست خواهد گرفت. او تعدادی از ساختمانهای عمومی را که شاه «به گرو گذاشته بود» و وجوه آن را به حسابهای سوئیس فرستاده بود، برشمرد. او گفت که «حتی همین ساختمان (محل خودمان) به مبلغ ۳۵ میلیون دلار به رهن گذاشته شده بود.» ۷- تعدادی از تهدیدات باقی مانده اند منجمله او تشریح کرد که ساواکیهای سابق هر شب به پاسداران انقلاب حمله می کنند و تعدادی از آنها را می کشند. (تذکر: این برای اولین بار است که یک مقام دولتی بلند پایه دولت موقت ایران چنین اتفاقی را تشریح می کند و معلوم است که برای انتشار مطبوعات نبوده).

میناچی به تندروی کمیته خمینی که در آبادان تعداد ۴۰ نفر مارکسیست فدایی را در حدود پنج روز پیش وقتی که آنها می خواستند تولید مشکل نمایند دستگیر کرده، اشاره کرد.

۸- در جواب به نظریه سرویس رادیویی صدای فارسی زبان آمریکا، میناچی فوراً گفت که من خیلی از آن راضی و خوشنود هستم، که وزارت به طور دائم آن را دنبال کرده، و او آن را به بهترین وجه توصیف کرد و آن را یکی از مهمترین سخن پراکنی ها خواند. (او حرف خود را در مورد مقایسه مثبت با بی.بی.سی پس گرفت. ولی او مانند تعدادی از کارمندانش هرگز بی.بی.سی را دوست نداشته است).

۹- نظریه: میناچی اغلب خوشبین می باشد، ولی راجع به آنچه که می گوید مطمئن است، به طوری که او دائماً مسئله ملاقات با کاردار و بازرگان و خمینی را مطرح می کرد، نشان می دهد که دیگر وقت ملاقات با خمینی است، یک تلگراف جداگانه تقاضای ملاقات با خمینی را تحت بررسی و تحقیق قرار خواهد داد.

میناچی از سلامتی خوب برخوردار بود و نسبت به ملاقاتی که در ماه مارس گذشته با مأمور سیاسی داشته در یک وضعیت شغلی بهتری می باشد. روشن است که قدرت با دکتر می سازد. ناس

### رئیس بانک مرکزی محمدعلی مولوی و ابوالحسن بنی صدر

سند شماره (۱۳) از: سفارت آمریکا تهران تاریخ: ۱۰ می ۱۹۷۹ - ۲۰ اردیبهشت ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی. با حق تقدم خلی محرمانه موضوع: رئیس بانک مرکزی محمدعلی مولوی و ابوالحسن بنی صدر ۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: یک منبع بسیار قابل اطمینان که با محمد علی مولوی رئیس بانک مرکزی ایران معاشرت

ص: ۴۴۱

از نزدیک دارد، گزارش می دهد که مولوی در مقابل خط مشی های ابوالحسن بنی صدر در موضع تابعیت قرار دارد، از حمایت خمینی برخوردار نیست و از لحاظ سیاسی منحصرأ متکی به آیت الله شریعتمداری است. با این حال نسبت به بنی صدر که بسیاری او را یک اقتصاد دان رادیکال و یک احمق می دانند این واژه وجود دارد که نسبتاً بخت یارش باشد تا یک مقام اقتصادی بالایی به دست آورد.

۳- از قراری که گزارش شده، مولوی مدت کوتاهی پس از انتصاب خود با خمینی دیدار کرد. و دیدگاههای خود را در مورد بانکداری که ماهیتاً دیدگاههای مدرنی هستند ابراز نمود. خمینی (در قبال آنها) برافروخت. در اوائل مارس، ابوالحسن بنی صدر تنها کسی که به معرفی خود سخنگوی اقتصادی در دوران پیش از کودتا برای خمینی بود و اکنون نیز مفسر پر سر و صدای نظریه اقتصادی انقلاب (مرجع الف)، و اکبر هاشمی رفسنجانی که یک ملاست به عضویت در هیئت کنترل ذخیره اسکانس بانک مرکزی به جای دو نماینده مجلس انتخاب شدند. در آن زمان ما در گزارشهایمان اهمیت چندانی برای آن قائل نشدیم، چرا که فکر می کردیم این هیئت در تعیین خط مشی نفوذ کمی دارد و از آن کمتر وجهه اش به عنوان سکویی برای نفوذ اجتماعی است. منبع ما می گوید که بنی صدر و آن ملا دفترشان را مجاور اتاقهای رئیس بانک قرار دادند و اینک او را کنترل می کنند، او بدون تصویب آنها به هیچ کار مؤثر دست نمی زند.

۴- بنی صدر در آغاز چندان به تبعیت از اقتصاد معمول کتابها اعتقاد نداشت و اقتصاددانان حتی آنها که ملتزم انقلاب بودند (تلگرام مرجع الف) دیدگاههای وی را نسخه ای که فاجعه اقتصادی به بار می آورد می دانستند - انکار تمامی قروض خارجی، ملی کردن بانکها، بانکداری بدون بهره، خاتمه دادن به نفوذ خارجی در بانکداری، سازمانهای خدماتی دیگر و تعلیم و تربیت، و محدودیت تولید نفت تا ۴۰ درصد سطوح پیشین تولید مشمول این نسخه بودند. شاید حضور و رابطه متقابل با گروههایی که در تهران بودند موجب گردید که او در سخنرانی ۱۳ مارس خود در بانک مرکزی تحت عنوان «سیستم بانکداری در جمهوری اسلامی» تعدیلاتی در دیدگاهش به عمل آورد. او ضمن طرفداری از لزوم تغییرات درباره تغییرات ریشه ای سریع هشدار داد. در مورد نرخهای بهره، او گفت که الغای آنها تنها بازاریها را ثروتمند خواهد کرد و تنها نتیجه اش بدتر کردن وضع موجود اقتصاد خواهد بود. ملی کردن بانکها هیچ موفقیتی به بار نخواهد آورد. او باز هم نفوذ خارجی را خصوصاً در بانکداری و صریحاً بانک توسعه را به عنوان تعیین کننده سیاست و مجری سیاست ورشکسته صنعتی کردن مورد حمله قرارداد (این دیدگاه تماماً هم غلط نیست). او برای بانکداری ایران پنج مشخصه ذکر کرد (۱) نرخ بالای بهره (۲) کمبود اعتبارات سرمایه گذاری خصوصاً برای فقرا (۳) تنظیم ناقص آن توسط بانک مرکزی که دائماً سیاست پولی ورشکسته ای داشت، (۴) با نداشتن بازپرداخت و ROLL-OVER و (۵) تحت نفوذ بانکهای خارجی.

۵- بنی صدر همچنان به ایراد سخنرانیها (هر چند نه به اندازه یک یا چند سخنرانی در روز طی اولین ماه پس از کودتا) و نوشتن در مطبوعات ادامه می دهد. رابطهای ما به طوری که اذعان کرده اند تعصبات خود را ارائه می کنند، اما همه وی را یک احمق به حساب می آورند. از طرف دیگر با صحبت فراوان در مورد اینکه شغل وزارت امور اقتصادی در دولت آینده به او داده خواهد شد اکثر آن رابطها نفوذ رو به تزایدی را برای وی پیش بینی می کنند. تا هنگامی که اطلاعات مربوط به داشتن یک شغل تقریباً تمام وقت در بانک مرکزی به دستمان نرسیده بود، ما نمودار نسبتاً پایین فعالیت وی را تصور می کردیم ناشی از قطع نفوذ و فعالیت اقتصادی وی می باشد، این نتیجه گیری ظاهراً غلط از آب درآمد.





۶- شرح احوال: ابوالحسن بنی صدر حداقل ۱۵ سال پیش از بازگشت خمینی در خارج بسر برده است.

مطابق مطمئن ترین اطلاعاتی که در دست است او در فرانسه در رشته اقتصاد دانشجو و محقق بوده است.

وی می گوید که ایران را از آن جهت ترک کرده که سانسور در آن کار تحقیق را غیر ممکن می ساخت. از قراری که گزارش شده وی یکی از میزبانان خمینی در فرانسه بوده و همراه وی به ایران مراجعت نمود. یک مقام ارشد دولت ایران در ماه ژانویه به مأمور سفارتخانه اظهار داشت که از دیدن بنی صدر در گروه خمینی متعجب گردید. او به خوبی وی را به خاطر می آورد که همکاری در پژوهشکده تحقیقات و مطالعات اجتماعی و یکی از فعالین جبهه ملی بدون کشش عمیق دینی یا چپ رادیکال بود.

ناس

### تظاهرات ضد آمریکایی برنامه ریزی شده

سند شماره (۱۴) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۲۳ می ۱۹۷۹ - ۲ خرداد ۵۸ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی فوری موضوع: تظاهرات ضد آمریکایی برنامه ریزی شده ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- خلاصه: مسیرهای راهپیمایی برای تظاهرات ۲۴ و ۲۵ می هر دو در مطبوعات محلی منتشر شد.

راهپیمایی ۲۵ می برنامه ریزی شده که در جلوی سفارت تمام شود. آنچه که رسانه های گروهی از صبح ۲۳ می ارائه می دهند نسبت به ایالات متحده خصمانه تر شده است. ارزیابی ما این است که دولت موقت ایران خواهان خشونت نیست، ولی خواستار متذکر شدن درباره مداخله منتسب به ایالات متحده در امور داخلی ایران می باشد. احتمال وقایع خشونت بار که منجر به حمله به سفارت می شود قابل توجه باقی می ماند. احتیاطهای اضافی امنیتی اتخاذ می شود. پایان خلاصه.

۳- رسانه ها در صبح ۲۳ می مسیرهای راهپیمایی برای اعتراض به وسیله گروههای مخالف به رأی سنای ایالات متحده در مورد ایران هم در ۲۴ می و هم در ۲۵ می را اعلام نمودند. طبیعت اعلامیه ها چنان است که هیچ شکی وجود ندارد که دولت موقت ایران حداقل به تصمیمهای گروههایی از همه طیفهای سیاسی تسلیم شده است. تظاهرات ۲۴ می برنامه ریزی شده که از چهار محل جنوب و شمال سفارت در ساعت ۴ بعد از ظهر شروع شود و به طرف میدان ۱۷ شهریور (میدان قدیمی ۲۵ شهریور در تقاطع روزولت و کریم خان زند و بفاصله حدود ۶ بلوک از سفارت) راهپیمایی کنند. دو مسیر منجمله یکی از دانشگاه تهران به طرف خیابان تخت جمشید و روزولت از سفارت می گذرد. ما انتظار داریم که جمعیت بین ۵ تا ۶ بعد از ظهر از سفارت بگذرند. راهپیمایی های ۲۴ می از طرف مجاهدین اسلامی و حزب جمهوری اسلامی ( سازمان خمینی ) اعلام شده است.

۴- تظاهرات ۲۵ می از میدان ژاله و میدان ۲۴ اسفند نزدیک دانشگاه تهران در ساعت ۸ صبح شروع می شود. هر دو مسیر راهپیمایی در سفارت به هم می رسند، احتمالاً افراد حدود ساعت ۱۰ صبح شروع به وارد شدن در اینجا خواهند نمود. کارخانه شایعه پردازان در میان کارمندان محلی ما برای راهپیمایی ۲۵ می نگرانی به وجود آورده اند، ولی نه برای راهپیمایی

۲۴ می، چون که راهپیمایی ۲۴ می در شمال سفارت

ص: ۴۴۳

به پایان می‌رسد و نه در جلوی سفارت و در زمان پس از ساعات کار روی می‌دهد و بوسیله گروه‌هایی هدایت می‌شود که از دولت موقت ایران حمایت می‌کنند، به نظر می‌رسد که این تلاش تهدیدی کمتر از راهپیمایی جمعه که تلاشی توده‌ای است و مستقیماً متوجه سفارت شده است، در بردارد. ما معتقدیم که دولت موقت ایران می‌خواهد راهپیمایی‌های هر دو روز را به عنوان راهی برای متذکر شدن مداخله منتسب به ایالات متحده در امور داخلی ایران را با وارد کردن حداقل زیان نسبت به اساس روابط ایران - ایالات متحده صلح‌آمیز نماید. مشکل این است که تقریباً تمام گروه‌های طیف سیاسی در راهپیمایی ۲۵ می شرکت می‌کنند. منجمله شاید فلسطینیها (روزنامه‌ها این نکته را متذکر می‌شوند که یک مسیر راهپیمایی مستقیماً در آن روز از سفارت فلسطین در ساختمان قدیمی هیئت بازرگانی اسرائیل می‌گذرد) و فداییان مارکسیست که ممکن است مشتاق تحریک برای دردسر باشند. یک نکته ناراحت‌کننده دیگر این است که رهبران مذهبی در دیگر موارد از راهپیمایان درخواست نمودند که آرام باشند. تا ظهر روز ۲۳ می هیچ آیت‌اللهی تاکنون چنین اعلامیه‌ای درباره تلاش‌های ۲۴ و ۲۵ می صادر نکرده است. وضعیت نسبتاً انفجاری خواهد بود، و هر ذره انحرافی از خشونت‌های تصادفی می‌تواند به وسیله عوامل مضمض ضد آمریکایی برای روشن کردن جرقه نوعی از حمله به سفارت با اهمیت تر گردد. مأموران سیاسی به رابط‌های مذهبی‌شان متذکر می‌شوند که اعلامیه‌ای از جانب رهبران مذهبی مبنی بر تقاضای آرامش از راهپیمایان خیلی سودمند خواهد بود.

۵- از طرف دیگر، جدا از حساسیت ایجاد شده در مورد قطعنامه جاویتس، تهران به طور ویژه در حال حاضر هیجان زده نیست. برای مثال مأمور کنسولی که در صبح روز ۲۳ می در جلوی در ورودی مشغول رسیدگی به موضوعات ویزایی بود شنید که دو دانشجو که رهبران راهپیمایی ۲۴ می بودند به رهبر مجاهدین محافظ سفارت ماشاءالله کاشانی، نزدیک شدند که به او اطلاع دهند که باطریهای بلندگوهایشان کار نمی‌کند و باطریهای اضافی ندارند. آن دو تن سپس خواهش کردند که ممکن است بلندگوهایشان را به برق سفارت وصل کنند. جواب کاشانی در ادامه گفتگو گم شد.

۶- در مورد امنیت، سفارت از ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۲۴ می حداقل کارمند را در محوطه نگه خواهد داشت. روز جمعه قسمت اعظمی از مقامات سفارت (بجز امنیتی، فرمانده دریایی و گروه‌های فرماندهی) که در نزدیک ساختمان مرکز مستقر شده‌اند، تمام روز در مسابقه تنیس سفارتهای انگلیس - ایالات متحده در محوطه زمین تنیس متعلق به سفارت انگلیس در قلهک در شمال تهران شرکت می‌کنند و بنابراین پرسنل در اطراف محوطه سفارت آمریکا در جریان ساعات بحرانی نخواهند بود.

۷- نظر افسر حفاظت منطقه‌ای: همان طور که در تلگراف تهران ۵۳۰۱ در اینجا تا حال حاضر گزارش شد، وضعیت امنیتی ما به شرح زیر می‌باشد: عملیات ساختمانی ضد تروریستی در ساختمان مرکزی تا قبل از ۲۵ می کامل خواهد شد. درهای آهنی خارجی در مکان خودش است و درهای ضد انفجاری داخلی در دو روز نصب خواهند شد. جعبه‌های پنجره‌های متحرک نیز در این هفته نصب خواهند شد. تمام پنجره‌ها در تمام طبقات مشبک شده‌اند.

۸- برنامه‌های دفاع داخلی طرح F و E طرح ریزی شده‌اند و پس از موافقت کاردار امروز در میان کارمندان آمریکایی منتشر خواهد شد. کاردار امروز ملاقاتی برگزار کرد که در آن طرز عمل در صورت حمله یک گروه LA ۱۴/۲ یا یک

جمعیت خیلی زیاد به سفارت که می تواند در ۲۴ یا ۲۵ می روی دهد را

ص: ۴۴۴

مورد گفتگو قرار دهد. او در نظر دارد که فردا صبح (۲۴ می) با وزارت خارجه دولت ایران ملاقات کند، تا دولت ایران را برای حمله مسلحانه قبلی تحت فشار قرار دهد و به وسیله دولت موقت از تکرار حادثه ۱۴ فوریه (۲۵ بهمن) و یا یک حمله عمومی به ساختمان مرکزی و محوطه سفارت جلوگیری کند. در حال حاضر در PST بیش از ۹۰۰ نارنجک گاز اشک آور و مهمات تفنگ و تپانچه وجود دارد.

۹- افسر حفاظت منطقه ای ارزیابی می کند که پرسنل در ساختمان مرکزی از بابت اسلحه های سبک در امان خواهند بود، ولی نه در مقابل مواد منفجره و استفاده وسیع از مواد آتش زا. ما تجهیزات آتش نشانی را سه برابر کرده ایم و به زودی پنجره های فرار و نردبانهای بالا رونده را در محل خواهیم داشت. از ۲۵ می ما حالت دفاعی خودمان را افزوده ایم. ساختمان مرکزی از طرف آمریکاییهای اینجا قلعه آچایی نامیده می شود.

۱۰- محافظان تفنگدار دریایی در حالت آماده باشند و در جمعه ۲۵ می حدوداً ۳۰ آمریکایی در ساختمان مرکزی خواهند بود و همچنین ۳ کارمند بخش خدمات خارجی، دو اپراتور تلفن و راننده کاردار و نیروهای محافظ قراردادی نیز در محوطه حاضر خواهند بود، تمامی آنها برای دفاع از سفارت، کنترل آتش، کار ارتباطی یا خدمت به عنوان رابط با دولت ایران لازم به نظر می رسند. تمام آمریکاییهای دیگر همان طوری که اشاره شد غایب خواهند بود و تا زمانی مه سفارت اشاره کند که خطر رفع شده باز نخواهد گشت. ناس

### اطلاعات شرح احوال کاظم رجوی نماینده دائمی ایران در دفتر سازمان ملل در ژنو

سند شماره (۱۵) از: هیئت نمایندگی آمریکا در ژنو تاریخ ۲۵ می ۷۹ - ۴ خرداد ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی. رونوشت برای سفارت آمریکا در تهران محرمانه موضوع: اطلاعات شرح احوال کاظم رجوی نماینده دائمی ایران در دفتر سازمان ملل در ژنو ۱- به نظر می رسد که وزارتخانه درباره کاظم رجوی دیگری اطلاعات می دهد. سفیر رجوی به تاریخ ۱۱ می با سفیر وندن هیوول شام میهمان بود و سفیر وندن هیوول یادداشت زیر را در رابطه با این ملاقات ارائه نمود.

۲- نقل قول: تردید دارم که تلگرام ۱۲۲۴۲۹ صادره از وزارتخانه به تاریخ ۱۴ می ۱۹۷۹ در رابطه با سن رجوی درست باشد. او یا ۴۵ سال دارد یا اینکه چشمه جوانی را کشف کرده است. او که از دوران مصدق علناً با شاه مخالف بوده بیشتر ۱۵ سال گذشته را در ژنو به سر برده است. ژاک فریموند مدیر پیشین انستیتوی فوق لیسانس مطالعات بین المللی در ژنو به او به طور قابل توجهی کمک کرده است.

۳- نقل قول: رجوی رساله دکترای خود را تحت عنوان «رویزیونیسم در نظریه حکومت: مطالعه مواضع شوروی، یوگسلاوی و چکسلواکی. تنظیم کرد. من از او پرسیدم که از نظر سیاسی چگونه خود را معرفی می کند وی جواب داد «یک لیبرال دموکرات به مفهوم آمریکایی آن» ۴- نقل قول: حکومت شاه برادر وی را به زندان محکوم نمود. رجوی با دوستان غربی خود که به نجات زندگی برادرش کمک کردند جمعی تشکیل دادند. او می خواهد که ایران از لحاظ سیاسی بدون تعهد باشد اما می گوید که دولت بازرگان و او هر دو برای ایالات متحده احترام بسیار قائلند و در جستجوی راههای برقراری مجدد روابط خواهند بود. سورنسن



سند شماره (۱۶) سری از: سفارت آمریکا تهران تاریخ: ژوئن ۱۹۷۹ - ۱۶ خرداد ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی. فوری موضوع: میانه روها علیه انقلاب اسلامی ۱- (تمام متن سری - گزارش تلگرافی) ۲- خلاصه: مقام پیشین دولت ایران می گوید ارتش خود را آماده می کند تا سازماندهی کرده و از خود در مقابل انقلاب اسلامی دفاع کند. مقامات سابق زیادی از ایران فرار کرده اند، سران رژیم سابق در تدارک مبارزه ای علیه خمینی هستند. برخی از آنها در خارج مبارزه می کنند. (پایان خلاصه).

۳- سیروس الهی (شدیدا محفوظ بماند) استاد دانشگاه ملی و همکار وزیر آموزش و پرورش سابق منوچهر گنجی و رفیق قدیمی کارگزار سیاسی می باشد. وی میهمانی نهاری در تاریخ ۱۴ ژوئن ترتیب داد تا پیرامون وضع سیاسی اخیر ایران بحث کند. او حرفش را با این جمله شروع کرد که او محتاطانه تحت تعقیب بود، به خاطر نقشی که در رژیم سابق داشته است. او در دانشگاه ملی به تدریس اشتغال دارد که توضیح داد در بی نظمی است. او ممنوع الخروج بود ولی توسط یکی از شاگردان سابقش که مسئول لیست بود توانست اسمش را از لیست خارج کند. او حالا آزاد است که برود و بیاید ولی می خواهد در ایران بماند تا ببیند در آینده اسمش چه اتفاقی می افتد.

۴- الهی اظهار داشت حکومت ایران خود را از بین برده اما آمریکا هم مسئول است، شما نمی توانید شخص شاه را ۳۰ سال نگهدارید و بعد بگذارید برود. منبع و کارشناس سیاسی صحبتی را در مورد نقش آمریکا در ایران و اینکه آمریکا چکار می توانست و می بایست انجام دهد، آغاز کردند. او سپس به وضع موجود اشاره کرد: او و دیگران که در رژیم سابق دارای منصب مهمی نبودند و در بسیاری موارد ضدشاه هم بودند، با هم متحد می شوند. آنها می دانند که گروه حساس، ارتش است مخصوصا افسران، باقیمانده آنها با افسرانی که در حال تقویت واحدهای خود برای نبرد می باشند تماس گرفته اند. چند افسر که طرفدار انقلاب بودند از روشی که خمینی طی دو ماه اخیر پیش گرفته بدشان آمده بود. الهی سپس وارد این صحبت شد که آمریکا باید، برای روزی که میانه روها شانس به قدرت رسیدن را پیدا کنند، ارتش را مستحکم کند. او گفت تدارک نیروی پلیس امنیتی برای قم، خمینی و اطرافیانش را در یک موقعیت مغشوش گذاشته بود. زیرا که در همان حالی که محافظت می کردند. می توانستند گروگان هم بگیرند. الهی موقعیت قم را چنین تشریح کرد که غرق در بدگمانی و تردید است. جالب توجه اینکه مطبوعات ۶ ژوئن گزارش دادند که رئیس دژبانی، ژنرال رحیمی اعلام کرد که از این پس فقط همسایگان و اطرافیان خمینی محافظت خواهند شد. نه دیگر رهبران. او تغییر مشی را به عدم همکاری از طرف رهبران مذهبی نسبت داد. مأمور سیاسی کاملاً این مطلب را که آمریکا در نظر دارد که با ارتش بازی کند، آنچنان که الهی اظهار کرده بود، رد کرد.

۵- الهی گفت که میانه روها برای سازماندهی خود فعالیت خواهند کرد، ولی عنصر لازم برای هر گروهی که بخواهد با خمینی به مخالفت برخیزد، نیروی ارتش است. برای این کار افسران لازم می باشند.

مأمور سیاسی به منبع یادآور شد که شاه ارتش قوی داشت، اما پایگاه سیاسی را فاقد بود. او متعجب بود که

چگونه میانه روها می خواستند مسئله را به این طریق حل کنند. منبع جواب داد که تعدادی از وزرای سابق و ژنرالها از ایران فرار کرده اند. وزیر خود او منوچهر گنجی ظرف ۲۴ ساعت گذشته وارد آمریکا شده است حداقل دو ژنرال ارشد، در عرض دو هفته از ایران فرار کرده اند. گروه الهی و بقیه امیدوارند که با شریعتمداری متحد شوند. او گفت رئیس سابق ستاد ارتش ژنرال قره باغی تحت حمایت شریعتمداری در خفا به سر می برد، که این مسئله این امید را به میانه روها داده است، که وقتی شریعتمداری وضع را مناسب ببیند با آنها کنار خواهد آمد. (نظریه: تمام مطالب بالا، با چیزهایی که از جاهای دیگر شنیده ایم مطابقت دارد. فقط اطلاعات در مورد محل اقامت گنجی جدید است.) ۶- الهی می دانست که به زودی مأمور سیاسی پس از یک مأموریت ۴ ساله ایران را ترک می کند و می خواست به مأمور سیاسی اطلاع دهد که گروه میانه روها در صدند که جریان خود را به چند مأمور رسمی دولت آمریکا و چند تبعه آمریکایی از جمله رهبران مهم کنگره و آنها که قبلاً در جریان مسائل ایران بوده اند، مانند سفرای سابق آمریکا در ایران، در میان بگذارند. شخصی که تماس اولیه را خواهد گرفت یک شخصیت مهم است، ولی الهی از ذکر نامش خودداری کرد. کوشش خواهد شد که آمریکا و سایر کشورها از خمینی حمایت نکنند و یا حداقل او را به سوی مفاهیم دموکراسی غربی سوق دهند، حال هر چه می خواهد نامیده شود (یک گل رز با هر اسم دیگر...) ۷- گفتگو با تقاضای اینکه آمریکا نباید در حالی که ایران در عذاب است سرش را در شن فرو کند، به پایان رسید. مأمور سیاسی پاسخ داد اگر میانه روها قادر باشند که موفق شوند خوش به حالشان و اگر نه مایه تأسف است. در هر حال آمریکا علناً اعلام کرده است که در امور داخلی ایران دخالت نمی کند و به این مسئله مقید است. الهی موافق بود که اگر مداخله آمریکا کشف گردد به منزله مرگ حرکت میانه روها خواهد بود. ولی الهی اصرار داشت که آمریکا به منظور مقاصد روانی مخفیانه حمایت کند. مأمور سیاسی گفت که جواب هنوز نه می باشد، اما الهی موافقت کرد که تماس بگیرد.

۸- نظریه: این صحبتها شبیه مذاکراتی بود که در گذشته با افراد دیگر داشتیم و به طور مشروح گزارش شده است، زیرا الهی دسترسی به گنجی، امین علیمرد (رئیس سابق خدمات شهری) و چند نفر دیگر از گروه مؤسس را داشته است (و ما معتقدیم هنوز دارد). از صحبتهایش خیلی واضح بود که آنهایی که مانده اند و مارک فساد در گذشته را نخورده اند، امیدوارند که در پیشرفت آینده ایران تأثیر بگذارند.

ناس

## میانه روها علیه انقلاب اسلامی

سند شماره (۱۷) سری از: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. ۶ ژوئن ۱۹۷۹ - ۱۶ خرداد ۱۳۵۸ به: سفارت آمریکا در تهران مرجع: تهران ۵۸۵۷ موضوع: میانه روها علیه انقلاب اسلامی دوست واشنگتنی منوچهر گنجی تأیید نموده که او اکنون در آمریکا است و در حالت مخفی به سر می برد. ونس

## چپ، راست و دانشگاهها

ص: ۴۴۷



سند شماره (۱۸) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۱۱ ژوئن ۷۹ - ۲۱ خرداد ۵۸ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن، دی. سی. فوری موضوع: چپ، راست و دانشگاهها ۱- تمام متن محرمانه ۲- خلاصه: (جناح) راست اسلامی در ماه گذشته روی استادان تحصیل کرده غرب فشار آورده است.

چندین نفر (از آنان) به خاطر روابط منتسب با CIA اخراج شده اند. سیاست آموزشی در هم ریخته است.

گروههای چپ مرتبط با دانشگاه متفرق باقی می ماندند. منبع نزدیک به چپهای دانشگاهی معتقد است که آنها قادر نخواهند بود قبل از اکتبر پیشنهادی جدی برای قدرت ارائه دهند. چیز خیلی محتمل تر برخورد جدی در درگیری با مسئله قانون اساسی در تابستان خواهد بود. یادداشت بیوگرافی - (پایان خلاصه).

۳- مأمور سفارت با علی محمدی استاد دانشگاه که در جنبش استادان خیلی فعال بوده است ملاقات نمود. او در دوره دسامبر ژانویه کمک زیادی به سفارت کرده است، ولی در صحبت کردن با مأمور سفارت بی میل بوده است به این خاطر که به وسیله رقبای دانشگاهی خود به طور نزدیکی پاییده می شده است. در موقع استماع سخنان او مأمور سیاسی در حال ترک پست بود. او موافقت نمود که به طور خصوصی برای چند دقیقه در خانه ملاقات کند. به عنوان عضو هیئت اداره کننده سازمان ملی دانشگاهیان، وی در تماس وسیعی با تمام فرقه های صحنه دانشگاه بوده است.

۴- منبع بشدت از طریقی که انقلاب می رفت دلتننگ بود. او گفت دست راستی های اسلامی (فداییان اسلام آیت الله خلخالی و یک گروه دیگر، (انجمن اسلامی) پا پیچ استادان تحصیل کرده غرب شده اند. این همان گروهی بود که لیست مشترکین مجله USICA را از فداییان چپ گرفته و گیرندگان را به عنوان عوامل CIA مارک زده اند. منبع گفت او اطلاع دارد که بین ۱۵ تا ۲۰ نفر از استادان به زور این موضوع و به اضافه بهانه های گاه و بی گاه دیگر اخراج شده اند. در جواب به این سؤال که چرا این مسلمانها هستند و نه چپها که این کار را می کنند، او پاسخ داد که چپ جرات نمی کند (آنها می دانند که اگر به افراد تحصیل کرده غرب حمله کنند، آنها نیز به عنوان عوامل KGB مارک دار و پایپ می شوند. منبع فکر می کند که نوعهای اسلامی بنیادگرا مبارزه ای را برای نابود کردن ریشه نفوذ غرب ساز کرده اند. حتی به بعضی از استادان که همسران خارجی دارند حملات لفظی شده است.

۵- در نتیجه این حملات و آشفتگی کلی، سیاست آموزشی یک فاجعه می شود. بودجه ها برای تحقیق در اغلب دانشگاهها در حدود ۵۰ درصد کاهش داده شده است. اعضای کادر آموزشی ناراضی هستند، ولی از گفتن هر چیزی در جو غالب هراس دارند. خیلی به قید کفالت امسال تابستان از ایران خارج خواهند شد. منبع (و دیگرانی که ما با آنها گفتگو کرده ایم) هراسان است که این کار نهایتا سیستم دانشگاهی را به عنوان مکانی آموزشی برای محققین و مدرسین مشهور نابود گرداند. منبع قبلاً گفته بود که سیاسی کردن دانشگاهها این اثر را دارا می باشد، همچنین حملات فزونی گرفته در مورد استادان این اطمینان را داده است که عزیمتها به حد رسیدن خواهد رسید. این مشکل فارغ التحصیلان جوان دبیرستانی را حتی حادثه می گرداند. هر سال ۶۰۰/۰۰ نفر دبیرستان را به پایان می رسانند ولی فقط ۳۰/۰۰ نفر مکانهایی

در دانشگاه‌های محلی پیدا می‌کنند. ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی به نظر نمی‌رسد که پناهگاهی برای تعدادی اساسی همان طوری که در گذشته بوده است باشد و دانشگاه‌های محلی ممکن است قادر نباشند که ۳۰/۰۰۰ نفر را بپذیرند. منبع گفت‌وگو علیرغم سرزنش غرب به وسیله اسلامی‌ها اکثریت عظیمی از ایرانیان می‌خواهند که اگر می‌توانند در خارج به مدرسه بروند.

۶- در گفتگو راجع به قدرت چپها، منبع گفت جناح چپ مرتبط با دانشگاه در سازمان دادن به خودش شکست خورد. رقابتهای داخلی در میان جنبش چپ هر نوع هماهنگی متحد را از توسعه بازداشته است.

او در حالی که می‌خندید گفت باور نخواهد کرد که امکان داشته باشد جناح چپ به بی‌سازمانی ملاحظا باشد، ولی به نظر می‌رسد که آنها خودشان را اداره کرده باشند. او می‌ترسد که مجاهدین و حامیان فلسطینیها از جناح چپ جنبش اسلامی در گروههای چپ جمع شوند که با دست راستی‌ها مقابله کنند و کشمکش در داخل جنبش اسلامی را افزایش دهند. او امکان جدایی سه جانبه را رد نکرد، خمینی و آیت‌الله‌های رادیکال‌ش در یک گوشه مثلث، شریعتمداری و دیگر آیت‌الله‌های محافظه‌کار و رعایا در گوشه دوم و گروه چپهای مسلمان در گوشه دیگر، وقتی در مورد اینکه رهبر گروه سوم چه کسی ممکن است باشد به او فشار آمد، منبع اشاره کرد که آیت‌الله طالقانی و رهبر مجاهدین، مسعود رجوی احتمالاً شخصیت‌های اصلی خواهند بود. منبع فکر می‌کرد که زودترین موقعی که این نوع مقابله چپها می‌تواند سازمان داده شود، پاییز خواهد بود. احتمالاً قبل از اکتبر، چپ سنتی، حزب توده هنوز کمی سری به نظر می‌رسد. ایرانیان جوانتر تا سن ۳۰ آشکارا گروههای کمونیست رادیکالتر را انتخاب می‌نمایند (فداییان مارکسیست و تعدادی گروههای متفرق دیگر). ایرانیان مسن تر هنوز در داخل چهارچوب حزب توده کار می‌کنند و منبع فکر می‌کند سؤال بزرگ این است که توده قصد دارد چه بکند، اگر آن (حزب توده) در سهم خودش با دیگران شریک شود، جناح چپ در طول بحث بر سر قانون اساسی آینده می‌تواند، در دسر واقعی ایجاد کند. به هر حال تاکنون حزب توده از دیگران کنار مانده است.

۷- منبع حس می‌کند که کشمکش قانون اساسی یک جنجال بزرگ خواهد بود. تلاش خمینی برای خارج نگه داشتن مردم و گروهها از جریان به وسیله محدود نمودن به یک مجلس ۴۰ نفره برای بررسی قانون اساسی چیزی است که ممکن است جناح چپ را با لیبرالهای غیر روحانی متحد کند. منبع گفت نمی‌تواند باور کند که خمینی و اطرافیانش آنقدر کند ذهن باشند، ولی نمونه نظراتش اشاره دارد که آنها قصد دارند که قانون اساسی را تماما سرهم بندی کنند و آن طرحی که سرانجام بیرون می‌آید بیشتر مرتجعانه خواهد بود تا لیبرال. او یک تابستان طولانی داغ پیش بینی می‌کند. تمام تجربه ایران می‌تواند بین اواسط ژوئن و اوت از هم گسسته شود، مگر اینکه اقتصاد رونق پیدا کند.

۸- در یادداشت‌هایی در مورد بعضی شخصیتها، منبع گفت که وی سفیر جدید ایران در مسکو، محمد مکرری را می‌شناسد و او را با عنوان «یک کمی خل» توصیف نمود. منبع فکر می‌کرد که دولت ایران یا باید او را عوض نماید و یا اینکه به پدیدار شدن به عنوان بهترین دوست اتحاد شوروی منجر می‌شود. انستیتوی ارتباطات ایران اکنون توسط شخصی به نام دکتر اسدی اداره می‌شود. مجید تهرانیان رئیس قبلی از ایران فرار کرده و انستیتو به داخل یک دوره خیلی ضد خارجی می‌رود. کلاسهای انگلیسی به پایان رسیده اند و بولتن به زبان انگلیسی به حالت تعلیق درآمده است. منبع همچنین صادق تهرانی

معاون جدید امور سیاسی وزارت خارجه را به عنوان يك مسلمان خيلي دست راستي توصيف نمود، اسلامي تر از خدا. ناس

## ملاقات با میناچی

ص: ۴۴۹

سند شماره (۱۹) از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۳ ژوئن ۷۹ - ۲۳ خرداد ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، فوریخیلی محرمانه موضوع: ملاقات با میناچی ۱- تمام متن خیلی محرمانه - گزارش تلگرافی ۲- خلاصه: میناچی به بهبود روابط ایران و آمریکا امید دارد، می گوید که مجلس مربوط به قانون اساسی انتخاب خواهد شد. دولت موقت ایران امیدوار است که تا سپتامبر دولت جدید جایگزین شده باشد. دادگاههای انقلاب ممکن است ماه اکتبر معتدل تر شوند (یا تعطیل شوند). صلیب سرخ در حال دیدار از ایران است تا زندانها را مورد بحث قرار دهد. میناچی در مورد اختلاف بین آیت الله ها خیلی حساس است. (پایان خلاصه).

۳- وزیر ارشاد ملی و جهانگردی دکتر ناصر میناچی در نزدیکی آپارتمان مأمور سیاسی استمپل بعد از ظهر ۱۲ ژوئن برای دیدار کوتاهی به منظور خداحافظی، توقف کرد. میناچی اظهار تأسف کرد که مأمور سیاسی ایران را ترک می کند و به ادامه کوشش برای بهبود روابط ایران و آمریکا اصرار داشت. مأمور سیاسی اشاره کرد که حوادث گذشته اخیر نشان داد که راه بازگشت آهسته خواهد بود و احتیاج به خودداری از طرف ایرانیان دارد. میناچی قبول کرد، و گفت نخست وزیر اخیراً موافقت خمینی را جلب کرده تا انتقادات خود را در مورد امور خارجی عموماً و روابط با ایالات متحده خصوصاً کم کند (نظریه):

موقعی که آن را دیدی باور کن - نه قبلاً). مأمور سیاسی اظهار داشت که چیزهایی هستند که دولت موقت ایران می تواند انجام دهد تا علائم کوچکی نشان دهند که مایل به حرکت است، که بزرگترین آن آزادی رضا مینی است. میناچی زود ادعای همیشگی را در این مورد که دولت وقت نفوذ کمی روی دادگاهها دارد را مطرح کرد و مأمور سیاسی گفت تمام مشکل کلی ارتباط دولت موقت ایران - قم آمریکا را نگران کرده خصوصاً با توجه به اینکه خمینی پیوسته در مورد روابط ایران و آمریکا منفی بوده است. میناچی با ناراحتی قبول کرد که این (حرف) درست است، اما امیدش را روی کوششهای نخست وزیر برای بیرون بردن خمینی از عرصه بین المللی گذاشت.

۴- بحث سپس به قانون اساسی جدید کشیده شد. میناچی گفت روزنامه ها این هفته شروع به انتشار آن، و طرحهایی برای مجلس قانون اساسی تقریباً ۵۰ نفره که بوسیله استانها تنظیم شده است خواهند نمود. (نظریه: این اولین باری است که به امکان انتخاب مجلس با نفرات کمتر اشاره شده است. و اگر راست باشد، تندی مخالفین را نسبت به یک مجلس محدودتر خنثی می کند این همچنین نشاندهنده قدمی به عقب برای خمینی خواهد بود.) میناچی گفت خمینی و شورای انقلاب نیاز سریع در برقراری یک چهارچوب را درک کرده اند و امیدوار بود که تقلیل بیشتر شورا مشورتها را در عرض دو ماه می تواند تمام کند. در جواب به سه سؤال، میناچی گفت برنامه فعلی برای این است که بحث مجلس مؤسسان، رفتارندم و انتخابات مجلس به موقع باشد، تا دولت دائم در ماه سپتامبر برقرار شود. (نظریه: این توقع زیادی از سیستم سیاسی نوپای ایران است، ولی همچنان که میناچی تصدیق کرد «اگر ما به مردم فشار نیاوریم هیچ وقت کاری نمی توانیم بکنیم.»

۵- در بحث پیرامون دادگاههای انقلاب، میناچی گفت که ایران در انظار جهان تنبیه شده. ولی از لزوم اعمال قاطع شدیداً دفاع کرد. میناچی گفت خمینی به وزیر دادگستری مبشری و خود وی گفته که «مردم» حاضر بودند همه را در زندان قصر بکشند و اقدام سریع لازم است. مأمور سیاسی فقط اظهار کرد که آشکار نیست آیا رهبران مردم را رهبری می کنند یا مردم رهبران را رهبری می کنند. میناچی گفت نخست وزیر موافقت خمینی را جلب کرده است، تا تدریجاً در عرض دو ماه دادگاههای انقلاب منحل شود و موارد امنیتی و فساد به دادگاههای ویژه وزارت دادگستری که قرار است تشکیل شود ارجاع شود. او گفت قانون اساسی جدید بنیادی به دادگاه ویژه و همچنین روی کار آمدن شورای قضایی به جای یک وزیر دادگستری خواهد شد، تا بر سیستم دادگاهها نظارت نماید. این شورا متشکل از ۵ قاضی به انتخاب روحانیت و ۷ نفر منتخب دیوان عالی کشور خواهد بود.

(نظریه: این تعداد قاضی روحانی به نظر ما زیاد می رسد و احتمالاً به این معنی است که بقیه قانون اساسی از نفوذ روحانیت بیشتر از پیش نویس که در مطبوعات و تلکس مرجع راجع به آن صحبت شد برخوردار باشد.) ۶- میناچی همچنین گفت کمیته صلیب سرخ بین المللی در حال حاضر از ایران دیدن می کند. دولت موقت ایران به صلیب سرخ برای عدم انتشار گزارش خود در زمان شاه حمله کرده بود. صلیب سرخ سرانجام موافقت کرد که وزارتخانه میناچی نسخه هایی از آن را برداشته و منتشر و چاپ کند. میناچی گفت صلیب سرخ از دیدارهای اخیرش از زندانها خوشحال بود.

۷- موقع ترک میناچی، موضوع اختلاف آیت الله ها به میان آمد «میناچی همیشه به شریعتمداری خیلی نزدیک بوده است». میناچی در نظر دادن در مورد این موضوع خیلی محتاط بود و گفت رهبران مذهبی اکنون برای وحدت کوشش می کنند. او به هر حال شکی باقی نگذاشت که تفاوت های جدی بین خمینی و شریعتمداری وجود دارد، و این باعث مشکلاتی برای دولت موقت شده است. از او بیش از این چیزی بیرون کشیده نخواهد شد.

۸- نظریه: مأمور سیاسی از طریقی که خوشبینی قبلی میناچی که به سرحد نظر خوشبینانه در هر موردی می رسید در طول سه ماه گذشته جای خود را به درک معقولانه تر مشکلات دولت داده است.

میناچی هنوز یک خوشبین است ولی او حالا از دست اندازهایی که در سر راه جمهوری اسلامی است آگاهی بیشتری دارد. او یک همراه با حرارت و فعال در مرکز جریانات مذهبی - سیاسی باقی می ماند.

ناس

## مکالمه با دانشمند سیاسی ایران

سند شماره (۲۰) از: وزارت امور خارجه - واشنگتن تاریخ: ۱۴ ژوئن ۱۹۷۹ - ۲۴ خرداد ۵۸ به: سفارت آمریکا در تهران خیلی محرمانه موضوع: مکالمه با دانشمند سیاسی ایران ۱- (تمامی متن خیلی محرمانه است) ۲- روز نهم ژوئن مأمور وزارت امور خارجه مکالمه طولانی با دکتر فزونی که در اصطلاح «باز» نام گذارده شده، انجام داد دکتر فزونی یک ایرانی با درجه دکترا در علوم سیاسی از آمریکا است که مدت دو



سال در وزارت بهداشتی و رفاه اجتماعی کار کرده است و ایران را یک ماه قبل ترک کرده است. قبل از اینکه دکتر فزونی ایران را ترک کند، از طرف یک کمیته بازداشت شد. این کمیته سوءظن داشت از اینکه دکتر فزونی به علت ارتباطش با آمریکاییها در تعقیب پژوهش از سوی دولت ایران یک مأمور اطلاعاتی است.

نظریات فزونی درباره اوضاع در صحنه ایران با قسمت بزرگی از آنچه در گزارشهای سفارت منعکس شده مطابقت دارد و در اینجا جزئیات نقل نخواهد شد.

۳- به طور خلاصه او معتقد است که خمینی احساس می کند در موضع دفاعی قرار گرفته و این امر موضع آشتی ناپذیر او را در برابر دست چپها و لیبرالها و بیگانگان توجیه می کند. فزونی کمتر چشم اندازی برای بهبود سریع شرایط ایالات متحده در ایران می بیند و معتقد است که فرصتهای ایالات متحده برای پیشرفت تنها از طریق حضور بازرگانی ایالات متحده در ایران خواهد بود. فزونی گفت که پیش بینی نمی کند حکومت بازرگان تا چند ماه آینده از هم بپاشد. مگر اینکه حادثه غیر قابل پیش بینی از قبیل قتل و غیره روی دهد. او معتقد است که بیشتر گروههای دست چپی و دست راستی خود را برای یک رویاروی در یک آینده دورتر آماده می کنند.

۴- فزونی گفت که دو ملا به ویژه بر خمینی نفوذ دارند که یکی از آنها داماد او اشراقی است، که اخیراً در نتیجه شکست اقدام او برای زیر چادر گذاشتن همه زنان بی اعتبار شد و دیگری فرزند کوچکتر خمینی، احمد، که مسئولیت ارتباط با طالقانی، شریعتمداری و سایر روحانیون را به عهده دارد و همچنین یک چهره کلیدی در دستگاه رهبری مجاهدین انقلاب اسلامی است.

۵- ضمن بحث در باره شق احتمالی دیگر در رهبری ایران، فزونی سنجابی را به عنوان پیرتر از حد لازم رد کرد و متین دفتری را نالایق توصیف کرد. او گفت نوید بخش ترین رهبر غیرمذهبی، علی اصغر حاج سید جوادی است که خویشاوند وزیر کشور حاج سیدجوادی است و حدود چهل و پنج سال دارد و بسیار با استعداد است و در انتقاد علنی از نهضتهای سخت گیر اسلامی بسیار صریح بوده است. فزونی گفت به زودی از سوی بازرگان برای به عهده گرفتن یک سمت نیرومندتری در آینده احتمالی طرف توجه قرار می گیرد. سرانجام فزونی گفت بازرگان نزد قشر پایینتر طبقه متوسط و کسبه بازار محبوبیت دارد و کناره گیری بازرگان از دولت به منزله دستوری برای هرج و مرج در داخل کشور خواهد بود. زیرا هیچ کس دیگری جاذبه بازرگان را ندارد نیوسام

### **استعفای مقدم مراغه ای استاندار آذربایجان شرقی**

سند شماره (۲۱) محرمانه تاریخ: ۲۱ ژوئن ۱۹۷۹ - ۲۱ خرداد ۵۸ موضوع: استعفای مقدم مراغه ای استاندار آذربایجان شرقی برای بایگانی بر طبق اظهار یک عضو کارمند محلی سرویس خارجی مقدم مراغه ای برای رسیدگی به نسبتهای مربوط به شکنجه به زندان رفته بود. هنگام ورود او پاسداران انقلاب او را به داخل راه ندادند. هنگامی که به همراهی یکی از سران کمیته به زندان بازگشت به او اجازه دسترسی به زندان را دادند و او متوجه شد که یکی از دوستانش به نحو شدیدی مضروب و شکنجه شده بود. مقدم مراغه ای روز بعد رهسپار تهران شد و به عنوان اعتراض استعفای خود را تسلیم مقامات کرد.





تبصره: سرگرد حق شناس دوست استاندار چند روز قبل در تبریز اعدام شد. این سرگرد فرمانده کلانتری ناحیه ۶ در جریان بی نظمی های شهری در فوریه ۱۹۷۸ بوده است.

## اندیشه های وطنی از خارج

سند شماره (۲۲) خیلی محرمانه از: وزارت امور خارجه - واشنگتن - دی. سیتاریخ: ۲۷ ژوئن ۱۹۷۹ - ۶ تیر ۱۳۵۸ به: سفارت آمریکا - تهران موضوع: اندیشه های وطنی از خارج ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- ما نظرات و شایعات زیر را در مورد شخصیت های مختلف ایرانی تبعیدی و دیگر ناظرانی که اخیراً از ایران بازگشته اند، جمع آوری کرده ایم.

-- متین دفتری به طوری که گزارش شده به ایرانیان در لندن گفت که مطمئن است ملاهای تندرو سرانجام از موضع خود عقب خواهند نشست و بر سر مواضع با رهبران غیر روحانی مصالحه خواهند نمود. مشاهدات او از ایران کلاً خوشبینانه تر از مواضع عمومی انتقادش که بر علیه خمینی اتخاذ کرده بود، است.

-- امیر انتظام. دو روزنامه نگار بازگشته آمریکایی او را به عنوان سخنگوی دولت به طور استثنایی بی اثر می دانند. یکی از آنها گفت که وی حتی قادر نبود تکبری را که در پی اراده اش بود نمایش دهد (اجرا کند). یک روزنامه نگار گفت انتظام در یک مهمانی در حالی که تحت تأثیر الکل بود شکایت کرد که وی به خاطر موانعی که به وسیله دیگر رهبران ایرانی جلوی او گذاشته می شود، قادر نیست به عنوان یک سخنگو به طور مؤثر انجام وظیفه نماید. این روزنامه نگار فکر می کرد که انتظام به خاطر ناامیدی هایش به طور داوطلبانه از دولت بیرون خواهد آمد.

-- علی امینی، گفته می شود که وقتش را در پاریس به انتظار می گذراند و تظاهر به داشتن نقش یک «کارامانیس» ایرانی که سرانجام از او خواسته می شود که کشور را نجات دهد، می نماید. گفته می شود امینی معتقد است که ملاها به طور تاریخی لبه تیز در انقلابات سیاسی ایران بوده اند و سپس خارج شده و اداره امور روزانه را برای سیاستمداران و متخصصین غیر روحانی گذاشته اند. کریستوفر

## لیست مهمانهای مراسم دکتر ویلیام گریفت

سند شماره (۲۳) لیست مهمانهایی که در شامی که به افتخار دکتر ویلیام گریفت شرکت داشته اند عبارتند از:

پنجشنبه، ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۲۱ تیر ۱۳۵۸ ساعت ۵/۶ بعد از ظهر ۱- دکتر سعید گودرزنیا- رئیس کل بخش امور کنسولی از وزارت امور خارجه ۲- استاد اسد نظامی- از دانشگاه تهران ۳- استاد احمد آزرمی- از دانشگاه تهران ۴- حمید نظری- سردبیر یک مجله هفتگی انگلیسی زبان

۵ - علیرضا نوری زاده - سردبیر امید ایران ۶ - علی اصغر تسلیمی - گزارشگر سیاسی روزنامه تهران تایمز ۷ - تری گراهام - نویسنده آمریکایی تهران تایمز که مسلمان شده است.

۸ - بروس لینگن - کاردار ۹ - باری رزن - وابسته مطبوعاتی ۱۰ - میزبان شلنبرگر - مشاور روابط عمومی سفارت.

### **سخن پراکنی های رادیو تلویزیون ملی ایران ادعای مداخله دولت ایالات متحده را نمود**

سند شماره (۲۴) محرمانه از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۲۴ تیر ۵۸ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: سخن پراکنی های رادیو تلویزیون ملی ایران ادعای مداخله دولت ایالات متحده را نمود ۱ - وزارتخانه، EBIS لندن ۱۱۱۵۳۲ ژوئیه ۷۹ و ۱۱۱۵۳۴ ژوئن ۷۹ را مورد توجه قرار خواهد داد، که یک نمونه خشن از تبلیغات ضد آمریکایی است که گاه گاهی و به وسیله سخن پراکنی های سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران شنیده شده بود.

۲ - به منظور یادآوری به دولت موقت ایران که ما نسخه هایی از چنان تبلیغات را با اشتیاقی تقریباً تمام می خوانیم، من در ۱۴ ژوئن نامه ای برای یزدی وزیر خارجه فرستادم که توجه او را به این سخن پراکنی معطوف نمایم و آن را به عنوان کنایه های کاملاً فحش آمیز که اشاره بر مداخله ایالات متحده در امور داخلی ایران که رسماً حمایت می شود (از طرف آمریکا) دارد توصیف نمایم. نامه متذکر شده بود که ما آن را متشکل می یابیم که ببینیم چگونه چنان نظراتی همراه با ابراز علاقه های دولت موقت ایران برای روابط دوستانه و سودمند دو جانبه با ایالات متحده می باشد.

۳ - من متذکر شدم که در گفتگوی ۲ ژوئن ما، من به او یادآور شدم که پیشرفت در نیل به هدف روابط بهبود یافته نمی توانند بسته به خوش نیتی و تلاشهای یک طرف به تنهایی باشد.

۴ - ما نسخه ای از این نامه را برای میناچی وزیر ارشاد ملی فرستاده ایم. من تقاضای ملاقاتی با وی نموده ام و موضع خودمان را در آن زمان تصریح خواهم نمود.

نسخه ای از نامه به یزدی به بخش امور خاور نزدیک / ایران فرستاده شده است.

### **ملاقات با وزیر دادگستری جوادی**

سند شماره (۲۵) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۳۱ ژوئیه ۷۹ - ۹ مرداد ۵۸ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن موضوع: ملاقات با وزیر دادگستری جوادی ۱ - تمام متن خیلی محرمانه ۲ - خلاصه: کاردار با وزیر دادگستری جوادی در ۳۰ ژوئیه ملاقات کرد تا نگرانیهای ما را در مورد

حقوق بشر در ایران به طور اعم و در مورد قضیه شری و شبیانی و امینی به طور اخص ابراز کند. جوادی کاردار را به گرمی پذیرفت و از اثری که استنباطهای عمومی آمریکا از حقوق بشر روی روابط دو جانبه ما در ایران دارد تقدیر کرد، و قول داد که آنچه که می تواند در مورد حل سه قضیه به خصوصی که کاردار مطرح کرده بود، انجام دهد. او گفت که یک قدردانی در داخل دولت موقت ایران و وزارت دادگستری از محدودیتهای دادگاههای انقلاب وجود دارد، ولی اشاره کرد که آنها به منظور محدود نمودن اثرات یک تمایل گسترده برای انتقام در میان مردم ایران در عواقب فوری بعدی انقلاب تشکیل شده بودند. با این حال سیاست دولت موقت ایران این است که به سرعت تا آنجایی که شرایط اجازه می دهد اجرای عدالت را عادی کند. او هم چنین سیاست دولت موقت و رهبری در مورد رفتار منصفانه با اقلیتها را تکرار و تصریح کرد. (پایان خلاصه).

۳- جوادی کاردار با گفتن اینکه روابط ایران و آمریکا در گذشته خوب بوده است و دلیلی وجود ندارد که دو کشور قادر نباشند به داشتن رابطه نزدیک و سودمند دو جانبه ادامه دهند، خوش آمد گفت. او از تماسهای قبلیش با مأمور سیاسی پیشین سفارت استمپل و کنسول سیاسی لامبراکیس و توافقی که آنها در جهت چیزی که او و دیگر ایرانیان هم فکرش در تلاش به دست آوردنش بودند نشان داده بودند، بگرمی یاد کرد: کاردار با گفتن اینکه او نیز مشتاق است که روابط دو جانبه سودمند بین ایران و آمریکا ادامه پیدا کند و خصوصاً منابع انسانی که هر دو طرف می توانند آنرا مورد توجه قرار دهند پاسخ داد. او گفت که به او این دستور داده شده بود که بهترین آرزوهای آمریکا را برای وزیر و همکارانش در دولت موقت ایران و مردم ایران در تحکیم دستاوردهای انقلابشان برساند. چیزهایی که لازم نیست گفته شود به غیر از اینکه بعضیها اشاره کرده اند که دولت آمریکا و مردم آمریکا به طریقی حقیقت انقلاب ایران را قبول نکرده اند. او دوباره تأکید کرد که دولت ما خواهان یک رابطه خوب با ایران است و مردم آمریکا نیز خواهان چنین رابطه ای هستند.

۴- کاردار این طور به سخن ادامه داد که در زمینه تمایل ما برای یک رابطه سودمند دو جانبه او می خواهد که بعضی چیزها که وی مؤثر بر روی روابط بین دو کشور می بیند، مطرح نماید. جوادی با پیشی جستن بر کاردار گفت که وی می تواند منظور او از درک کند و با اتخاذ سند کردن به سفر اخیر رئیس جمهور اسبق نیکسون به مکزیکو برای دیدار شاه گفت که او و چندین ایرانی دیگر می توانند، بین سیاست رسمی دولت آمریکا یا حتی نیت کلی مردم آمریکا نسبت به ایران و اقدامات یک تبعه مستقل آمریکایی فرق بگذارند. با این حال آن ملاقات به طور کلی یک عکس العمل منفی در بین مردم ایران به وجود آورده بود.

کاردار گفت که او درک و آگاهی وزیر را ستایش می کند، زیرا که حرف زدن ساده و بی پرده را برایش آسانتر می کند. او گفت که به خاطر سابقه خود وزیر برای آرمان حقوق بشر و اهمیتی که پرزیدنت کارتر و مردم آمریکا برای حقوق بشر قائل هستند، و تمایل دو جانبه ما برای محدود نمودن مشکلاتی که به صورت مضری روابط دو جانبه ما را تحت تأثیر قرار داده، او احساس می کند که می تواند رک و بی پرده با وزیر حرف بزند که چطور درک عدالت در ایران در بین مردم آمریکا یک اثر منفی از ایران در آمریکا آفریده است. با مطرح کردن این موضوع او نمی خواست که وزیر بفهمد که آمریکا تلاش می کند که در امور داخلی ایران دخالت کند. بلکه می خواست که او اثر انجام عدالت در ایران، در ایالات متحده و نتیجه بعدی آن روی رابطه دو جانبه ما را بفهمد. جوادی سرعت کاردار را دوباره خاطر جمع کرد که نظراتش سوء



تعبیر نمی شود. او گفت که وی نیز دیگران تشخیص داده اند که انقلاب با خودش مشکلاتی همراه دارد، منجمله مشکلاتی که به وسیله دادگاههای انقلاب به وجود آمده است. به هر صورت او گفت که سیصد یا چهارصد اعدام از این جنبه نگریده شود، که اگر عملی برای به زور تحت کنترل درآوردن تمایل گسترده در میان مردم ایران برای انتقام در تعاقب انقلاب انجام نگرفته بود، هزاران نفر ممکن بود، کشته شوند. او گفت که مردم ایران نسبت به هر کسی که با رژیم قبلی رابطه داشته است آنقدر خشمگین بوده اند که اگر کاری که خشم آنها را فرونشاند انجام نمی گرفت آنها به وسوسه دستگیری و کشتن بدون محاکمه هر کسی که به دست آنها می افتاد تسلیم می شدند. با این حال او گفت که دولت موقت مشتاقانه منتظر جذب تدریجی وظایف دادگاههای انقلاب توسط سازمانهای عادی دولتی می باشد. او گفت که هر کار ممکن انجام گرفته است تا فعالیتهای دادگاههای انقلاب را تعدیل و محدود کند. اما شرایط اضافه شده در دوران بعد از انقلاب رسیدن به این مقصود را مشکل ساخته است.

۵- کاردار نارضایتی ما را از اینکه عفو عمومی اعلام شده در ۱۰ ژوئیه سریعاً با یک تعداد افزوده از اعدامها که برخی به اتهاماتی که کاملاً جنایی به نظر می رسد دنبال شد، ابراز نمود. ما آن را مهم پنداشتیم که نگرانیمان را در مورد اینکه چگونه اجرای عدالت در ایران به طور اعم و اعدامها به طور اخص به صورتی منفی در ایالات متحده مورد ملاحظه قرار می گیرد و بنابر این به صورتی مضر روی رابطه دو جانبه ما اثر گذشته است ابراز نماییم. جوادی مجدداً تشکر خودش را از ملاحظات ما ابراز داشت و تکرار کرد که سیاست دولت موقت ایران این است که قدرت دادگاههای انقلاب را هر چه سریعتر تا آنجایی که شرایط اجازه می دهد، تقلیل دهد.

۶- کاردار سپس به قضایای شری، شیبانی و امینی پرداخت. جوادی درباره سابقه هر کدام در حالی که کاردار آنها را ارائه می داد، یادداشتهایی برمی داشت. کاردار هرچه را که تا آن تاریخ در هر موردی انجام داده بود، به طور خلاصه شرح داد، با اشاره به اینکه در مورد قضیه شری ما به حبس شری بدون اتهامات به وزارت امور خارجه یا وزیر امور خارجه یزدی شکایت (اعتراض) کرده ایم. ما خوشنود هستیم که حالا شری از زندان آزاد شده است، اما امیدوار بود که با توجه به گواهی که او قبلاً در رسیدگی و تحقیق شرکتی که او سابقاً برایش کار می کرد داده است، حالا بتواند اجازه پیدا کند که سریعاً کشور را ترک کند.

۷- کاردار تأکید کرد که در هر سه قضیه ما مسلم ندانستیم که گناهکاری یا بی گناهی افراد درگیر را مورد قضاوت قرار دهیم، اما ما نسبت به روشی که با آنها رفتار شده است شدیداً نگران هستیم. حبس طولانی یا محدودیت آزادی حرکت و تا آنجایی که ما اطلاع داریم بدون هیچ اتهام رسمی است که قبول کردنش برای ما مشکل می باشد. او گفت که امیدوار است که قضیه آنها هرچه سریعتر بتواند رفع شود.

جوادی گفت بدون تعهدات خاصی وی می تواند در مورد هر سه تحقیق نماید.

۸- به عنوان آخرین نکته، مأمور اشاره کرد که ایالات متحده علاقه به خصوصی نسبت به وضعیت به عنوان اقلیت دارد. جوادی گفت که سیاست دولت موقت و رهبری اسلامی این است که نسبت به اقلیتها منصفانه رفتار شود. او گفت که اگر عنصری از یکی از گروههای اقلیت بازداشت شود، محاکمه شود و محکوم گردد، به خاطر اتهاماتی است که بر علیه او وجود

دارد و نه به خاطر وابستگی او به یک جامعه اقلیت کاردار گفت که ما در گزارشهای سفارت سعی کردیم که همین فرق را قائل شویم اما وضعیت بعد از انقلاب در ایران گاهی اوقات تفاوت قائل شدن بین این دو را برای افراد و گروههایی که در ایالات متحده به

ص: ۴۵۶

آن می نگرند، مشکل نموده است.

۹- کاردار به وسیله تشکر از جوادی برای اینکه اجازه داد که وی بی پرده صحبت کند و همدردی که در شنیدن سخنان وی از خود بروز داده بود به ملاقات خاتمه داد. جوادی با دعوت از او برای بازگشت در هر زمانی پاسخ داد.

### تماس با ارتشبد جم

سند شماره (۲۶) سری از: وزارت امور خارجه واشنگتن تاریخ: ۱۱ اوت ۷۹ - ۱۹ مرداد ۵۸ به: سفارت آمریکا در لندن - رونوشت به تهران موضوع: تماس با ارتشبد جم ۱- تمام متن سری ۲- ما هیچ گونه تماس و یا گزارش تماس با ارتشبد جم در ماههای اخیر نداشته ایم و معتقدیم که اگر موقعیتی دست دهد و با وی یک صحبت دوستانه داشته باشیم، مفید واقع خواهد شد. ما احتمال می دهیم که وی با گروههای مختلف ایرانی در تهران در تماس می باشد و می خواهیم که نظارت وی را راجع به اوضاع آنجا مخصوصاً نظراتش را راجع به نیروهای مسلح بدانیم. هرگونه اطلاعات راجع به نقشه های آینده اش مفید خواهد بود، اما از وی نمی خواهیم که قدمهای جدیدی بردارد. می خواهیم بدانیم که آیا وی نسبت به سروصدا و مشهوریت جدید بختیار عکس العملی دارد یا خیر.

۳- این را به عهده خودتان می گذاریم که تصمیم بگیرید، که آیا راجع به تماس با ارتشبد جم قبلاً با مقامات انگلیسی صحبت کنید یا نه. کوپر

### قانون جدید مطبوعات ایران

سند شماره (۲۷) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۱۳ اوت ۷۹ - ۲۲ مرداد ۵۸ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی. فوری موضوع: قانون جدید مطبوعات ایران ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- خلاصه: دولت موقت ایران قانون جدیدی برای مطبوعات اعلام کرده است که به طور کامل به وسیله گروههای گوناگون به عنوان تخلف از آزادی مطبوعات مورد حمله قرار گرفته است. در ۱۲ اوت ائتلافی از سازمانهای سیاسی غیر اسلامی یک راهپیمایی برگزار نمود، که به قانون جدید اعتراض کند.

راهپیمایی مبدل به خشونت بین معترضین و اسلامیهای خشن گردید، فقط غیر روحانیها نیستند که به قانون جدید به عنوان موضوعی سیاسی چنگ زده اند، بلکه آیت الله شریعتمداری و حزب جمهوری خلق مسلمان از محدودیتهایی در مورد آزادی مطبوعات استفاده کرده اند، تا بدان وسیله به رقبای خود در داخل جنبش اسلامی حمله کنند. (پایان خلاصه).

۳- همان طور که مکرراً در دوره بعد از انقلاب در ایران عمل شده، متن قانون مطبوعات جدید کشور از

طرف ناصر میناچی وزیر ارشاد ملی در ۱۲ اوت اعلام شد (چندین روز پس از بسته شدن روزنامه آیندگان و دستگاههای چاپ آن که به طور مؤثری انتشار چندین روزنامه دیگر که اغلب از رژیم اسلامی انتقاد می کردند را متوقف نمود) میناچی در کنفرانس مطبوعاتی که در ارتباط با ارائه متن برگزار شد، محدودیتهایی که قانون بر مطبوعات تحمیل می کند را به وسیله مقایسه کردن با زمان مصدق توجیه نمود وقتی که او گفت، حملات مطبوعات برای سقوط مصدق مسئول بودند و کشور را به ژنرال زاهدی تحویل دادند. با این وجود، میناچی مدعی بود که دولت موقت ایران کوچکترین فشاری روی مطبوعات نداشته است و گفت که وی آماده است که به هر خبرنگاری که بتواند صادقانه طور دیگر بگوید جایزه دهد.

۴- با وجود دلیری میناچی، قانون جدید مطبوعات و روشی که بدان وسیله به وجود آمد، به خوبی بیانگر آزادی مطبوعات در ایران نیست. قانون به وسیله بوروکراتها و انقلابیهای مسلمان با توجه کمی به نظرات روزنامه نگاران حرفه ای یا افکار عمومی طرح شد. قانون سپس از شورای انقلاب ابهام آمیز (سایه دار) گذشت، گروهی که هیچ کدامشان انتخاب نشده اند و اعضای آن محرمانه باقی می ماند. از ۴۱ ماده قانون، ۲۳ تای آن به طور کامل به معین کردن تنبیهات برای تخلفات از قانون یا روشی که بدان وسیله تنبیهات حکم داده می شود، اختصاص یافته است.

تقاضای امتیازهای بیشتر، به طریقی طرح ریزی شده که رژیم قدرت وسیعی برای تعیین اینکه چه کسی می تواند روزنامه منتشر نماید، خواهد داشت.

بنابراین قادر خواهد بود که کنترل نماید چه چیزی چاپ می شود، بدون اینکه متوسل به سانسور مستقیم شود. در حقیقت ظاهراً ۱۰ نشریه دیگر فوراً برای قبول نکردن قانون جدید بسته خواهند شد.

۵- قانون هم اکنون با مقاومتی لفظی از جانب گروههای ائتلافی نامتجانس که وجه اشتراکی جز پیشگوییهایشان درباره گرایشات دیکتاتوری جنبش اسلامی ندارند، روبرو است. هدایت الله متین دفتری رهبر غیر روحانی جبهه دموکراتیک ملی، در ۱۲ اوت یک راهپیمایی برای اعتراض به محدودیتهای در مورد آزادی مطبوعات ترتیب داد. تعدادی از دیگر گروهها به او پیوستند. همان طور که شرکت کنندگان به طور کامل پیش بینی کرده بودند (و شاید حتی خوشامد گفتند) به وسیله اسلامیهای خشن به راهپیمایان حمله شد. زد و خورد در طول مسیر راهپیمایی اتفاق افتاد و تعدادی از افراد (یک روزنامه گفت ۲۰۰ نفر) به طور جدی و به اندازه کافی که مستلزم بستری شدن باشند، زخمی شدند.

۶- علیرغم این چنین ادعایی، مشکوک به نظر می رسد که مقاومت در مقابل محدودیتهای در مورد آزادی مطبوعات به طور وسیعی از هم پاشیده شود. در حالی که نیروهای اسلامی از لحاظ تعداد خیلی برتر از غیر روحانی هایی هستند که در جلوی جبهه مبارزه برای دفاع از مطبوعات بوده اند، ولی یک عدم توانایی در سازمان دادن که به طرفداران مطبوعات آزاد جای وسیعی برای ادامه تحریک می دهد، نشان داده اند، بعلاوه، خود جنبش اسلامی علائم فزاینده ای از عدم اتحاد نشان می دهد، که حزب جمهوری خلق مسلمان وفادار به آیت الله شریعتمداری به طور فزاینده ای آماده رقابت با تسلط نیروهای وفادار به خمینی می باشد. حزب جمهوری خلق مسلمان در چنگ زدن به موضوع آزادی مطبوعات به عنوان یک چماق سیاسی برای استفاده در مورد رقبای اسلامیش سرعت به خرج داده است. خود شریعتمداری چند روز پیش گفت که دولت موقت ایران اختیار قانونی برای ترویج قوانین جدید را ندارد، نظریه ای که به طور آشکار بر علیه لایحه مطبوعات معلق در آن وقت جهت



گیری کرده بود. لینگن

**روزنامه مخالفین ایرانی که در پاریس منتشر می شود**

ص: ۴۵۸

سند شماره (۲۸) بدون طبقه بندی تاریخ: ۱۷ اوت ۱۹۷۹ - ۲۶ مرداد ۵۸ از: سفارت آمریکا - پاریس به: وزارت خارجه - واشنگتن، دی.سی موضوع: روزنامه مخالفین ایرانی که در پاریس منتشر می شود.

۱- لوموند روز ۱۷ اوت خبری دارد که اعلام می کند گروههای مخالف ایرانی در پاریس که به وسیله بختیار هدایت می شوند، شروع به انتشار یک روزنامه از تاریخ ۲۰ اوت به اسم نامه روز به مدیریت جواد علامیر، روزنامه نگار خواهند نمود.

۲- روزنامه جدید هشت صفحه خواهد بود به زبان فارسی و برای ۲۰۰۰ مشترک در ایران و همچنین ۵۰۰۰ مهاجر در جاهای دیگر اروپا فرستاده خواهد شد. پیش بینی انتشار یک چاپ انگلیسی آن در پاییز آینده در آمریکا شده است.

۳- ناشرین روزنامه مدعی حمایت از طرف چندین گروه غیرروحانی در ایران منجمله جبهه دموکراتیک ملی به رهبری متین دفتری می باشند.

### بنیاد مستضعفین

سند شماره (۲۹) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ: ۱۸ اوت ۱۹۷۹ - ۲۷ مرداد ۵۸ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن موضوع: بنیاد مستضعفین ۱- خلاصه (طبقه بندی نشده) بنیاد مستضعفین داراییهای قابل ملاحظه ای به دست آورده و مأموریتهای سازمانی برجسته ای را به دست آورده است. این بنیاد قرار است به عنوان یک مؤسسه خصوصی که تنها در مقابل یک هیئت هفت نفره که روحانیون مسلمان ارشد در آن وزنه سنگینی را تشکیل می دهند، مسئول باشند. شرکتهای آمریکایی هم سهم با شرکتهای خصوصی ایرانی سهم خود را از دست نخواهند داد. قراردادهای مربوط به مدیریت جدید در تأکید «احترام متقابل» و صراحت در امور مالی لازم خواهد بود. ما به شرکتهای آمریکایی توصیه می کنیم به اظهار علاقه بنیاد مستضعفین ایران در رو به راه کردن دادوستد عکس العمل مثبت نشان دهند. (پایان خلاصه).

۲- (طبقه بندی نشده) - ما از مدیر و همچنین مدیر سابق بنیاد مستضعفین که اکنون مشاور آن است و نام او محمد هویدا است دیدن کردیم، خاموشی موافقت کرد که این بحث انجام گیرد. او گفت او و همکارانش می خواهند بدانند چرا سفارت علاقه مند به بنیاد مستضعفین ایران است توضیح دادیم که به عنوان یک سهامدار عمده صنعتی و مدیر پیش بینی می کنیم که مواردی پیش آید که بنیاد مستضعفین و شرکتهای آمریکایی با یکدیگر کار خواهند کرد و در مواقع چنین مواردی پیش آمده است. بنابراین شرکتهای آمریکایی مورد بحث می خواهند بدانند که با چه مؤسسه ای و چه اشخاصی طرف معامله هستند و به همین جهت اظهار نظرهای آگاهانه سفارت برای آنها مفیدتر از شایعات یا حدسیات خواهد بود.

خاموشی آنگاه با یک لحن معترضانه ای گفت: «عرض کنم که من نمی توانم به شما بگویم دارایی ما کدام

است، زیرا من نمی دانم «مادر پاسخ گفتیم که ما از این اظهار در شکفت نیستیم، زیرا به دست آوردن اطلاع از داراییهای قابل ملاحظه ای که اکنون در دست بنیاد مستضعفان است، مدتی وقت لازم خواهد داشت.

۳- (طبقه بندی نشده) - خاموشی در این مرحله اندکی آسوده خاطر شد. هنگامی که از او خواسته شد تا بنیاد مستضعفین را تشریح کند، گفت که این بنیاد برای اداره داراییهای خاندان پهلوی و اموال مصادره شده مردم محروم شده در دادگاههای انقلاب تشکیل شده است. او افزود که سیاست دراز مدت این بنیاد، اداره این داراییها به نفع طبقه مستضعف است. او گفت بنیاد مجوز قانونی خود را از دستور دادگاه انقلاب مبنی بر ایجاد آن کسب می کند. ما درباره مناسبات این بنیاد با دولت موقت ایران سؤال کردیم به ما گفته شد که بنیاد مستضعفین و دولت موقت ایران در هدفهای انقلابی با یکدیگر سهیم هستند. ولی این بنیاد کاملاً مستقل از حکومت است هویدا خاطر نشان ساخت که در این مورد بنیاد مستضعفین یک سازمان خصوصی است «درست مانند بیشتر بنیادهای بزرگ آمریکایی».

۴- (طبقه بندی نشده) - خاموشی گفت به موجب دستور دادگاه انقلاب یک هیئت مدیره مرکب از هشت نفر تشکیل می شود. خاموشی نام اعضای این هیئت را مشخص نکرد، ولی مؤکدا اظهار داشت که چند روحانی برجسته در آن عضویت دارند. خاموشی گفت که او هنوز سیاست خود را از هیئت مدیره دریافت کرده و آنگاه با حدود ده معاون ارشد که هر یک از آنها در رأس یک فعالیت بزرگ بنیاد (کشاورزی، ساختمان و غیره) قرار گرفته است، کار را اداره می کنند. این ده نفر به اضافه خاموشی یک شورای اجرائیه را تشکیل می دهند که تصمیمات عمده مدیریت این بنیاد از آن ناشی می شود.

۵ - (طبقه بندی نشده) در پاسخ به سؤالی در باره مناسبات با هم پیمانهای شرکتهای مشترک (مانند ایران و ژاپن و... و غیره - مترجم) و مقاطعه کاران خارجی، خاموشی گفت، شرکتهای خصوصی که در آن بنیاد مستضعفین سهامدار است توسط یک هیئت مدیره انتخاب شده از سوی بنیاد مستضعفین اداره خواهد شد. او آنگاه توضیح داد که این بدان معنا است که هنگامی که مدیریت یک مؤسسه به تصویب بنیاد مستضعفین برسد، این هیئت مدیره برای انجام وظایف خویش آزاد گذاشته خواهد شد. مشروط بر اینکه بنیاد مستضعفین را به ویژه در زمینه امور مالی در جریان نگهدارد. (رجوع شود به تهران ۸۸۰۷).

هویدا آنگاه در حالی که خاموشی نیز با او هم عقیده بود گفت، ما نیازمند به کمک کمپانیهای آمریکایی برای به چرخش درآوردن مجدد کارخانجات خودمان هستیم. سهام آنها دست نخواهد خورد. او تقاضا کرد که مؤسسات تابعه آن به خوبی اداره شود، ولی بدین منظور چنین فهمیده می شود که آنها باید مستقل باشند و تنها تابع احترام گذاردن به سهامداران برابر باشند. خاموشی افزود که او مایل است شاهد آن باشد که مناسبات با شرکتهای بیگانه در صورت لزوم توسعه یابد و طرحهای جدید بایستی برای ایران سودمند باشد.

۶- (محرمانه) - خاموشی آنگاه پرسید که آیا سفارت می تواند کمک کند که بنیاد مستضعفین مالک داراییهای پهلوی و سایر داراییها در ایالات متحده را به دست آورد. ما گفتیم که تصور می کنیم نخستین گام به دست آوردن مشاوره حقوقی در ایالات متحده باشد و پیشنهاد کردیم که سفارت ایران بهترین صلاحیت را برای توصیه مؤسسات (مشاوره حقوقی - م) دارد. خاموشی گفت او این توصیه را قدردانی می کند، ولی پرسید که آیا ما می توانیم نام مؤسسه های با شهرت را در نیویورک بدهیم که او با آنها تماس بگیرد. ما گفتیم که نام چند شرکت را می توانیم بدهیم، مشروط بر اینکه او این موضوع را درک

کند که ما با این کار

ص: ۴۶۰

توصیه ای نمی کنیم (و بعداً ما به او نامه‌های ۳ شرکت مشاوره حقوقی را از فهرست حقوقدانان بین المللی دادیم). ۷- (محرمانه) - خاموشی هنوز چهل سالش نشده است. دارای یک ریش انقلابی نیمه پرورش داده است. زبان انگلیسی را به روانی تنظیم می کند، هر چند از لحاظ دستوری ممکن است دقیق نباشد. او از سؤالات خصوصی اجتناب می کند. به استثناء اینکه بگوید که او خود را یک «مدیر موقتی» تلقی می کند، همان طور که هویدا تنها برای مدت کوتاهی مدیر بود. در پاسخ به این سؤال که آیا به زودی به جای دیگری منتقل خواهد شد. خاموشی گفت به محض اینکه بنیاد مستضعفین سازمان یافته باشد. اظهار داشتیم که یک مؤسسه از این قبیل چند سال طول خواهد کشید (تا سازمان یابد) و او لبخند زد و اظهار موافقت کرد و گفت او آنقدر خواهد ماند تا این کار انجام پذیرد. او از این فکر چندان خوشنود نبود، ولی از موقعیتی که او در آن قرار گرفته مأموریت او بسیار عظیم است. هویدا که مردی ملایم و مؤدب و نمونه خوبی از یک بوروکرات ارشد نظام قدیم بوده و حدود ۵۰ سال است علاقمند است به خاموشی کمک کند و موقعیت حساس خویش را نسبتاً خوب اداره می کرد.

۸- (محرمانه) اظهار نظر: بنیاد مستضعفین تازه آغاز به کار فهرست بندی داراییها و مهر گذاشتن بر روی آنها کرده است. ما تصور می کنیم که شرکتهای آمریکایی که در طرحهای بنیاد مستضعفین علاقمندهایی دارند، احتیاج نخواهند داشت مدت طولانی در انتظار بمانند تا ببینند بنیاد مستضعفین چه کار می خواهد بکند. به زودی مدیران محلی یا سایر شرکتهای خارجی اگر نتوانند همپیمانهای سابق خود را به اینجا بکشانند خواهند کوشید تا اوضاع را در دست خود گیرند. شرکتهای آمریکایی شاید بتوانند به بهترین نحو از طریق پاسخ مثبت به سؤالات بنیاد مستضعفین درباره به جریان انداختن مجدد کارها از منافع خود حمایت کرده و آنها را پیش برند. و در عین حال به نحو بسیار آرامی اصرار ورزند که هماهنگ با مناسبات صریح و متقابلاً سودآور به مدیران آمریکایی اجازه داده شود که کارها را اداره کند بدون این که بنیاد مستضعفین در آن مستقیماً دست داشته باشد. لینکن

### حزب کارگران سوسیالیست ایران

سند شماره (۳۰) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۴ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۱۳ شهریور ۱۳۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی. فوری موضوع: حزب کارگران سوسیالیست ایران ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: مطابق تلگراف مرجع کاردار در ۴ سپتامبر میناچی را دید و یک دید کلی از اثرات منفی که فعالیتهای دادگاههای انقلاب در ایالات متحده گذاشته است. ارائه داد. او موضوع فلاحی را عنوان کرد، اما همچنین در موردی شری، شیانی و رضا امینی به عنوان نمونه هایی از عملکردی که در کش برای آمریکاییان مشکل است، ذکر کرد. او اظهار نگرانی کرد که جریان عادی کردن روابط بین ایران و آمریکا با چنین برداشتی از عدالت در ایران مشکل تر شده است. (پایان خلاصه).

۳- کاردار به همراهی سوئیفت کارمند سیاسی در ۴ سپتامبر میناچی را دید، کاردار گفت که او

می خواهد با میناچی به طور غیر رسمی و به عنوان یک دوست در مورد مشکلاتی که با مشاهده وضعیت ایران در میان مردم آمریکا در حال رشد است، صحبت کند. او گفت که این موضوعی است که قبلاً کاردار لینکن با وزیر خارجه یزدی بارها راجع به آن بحث کرده اند. یزدی بینشی را که در بین مردم ایران به دلیل همکاری طولانی و نزدیک ما با شاه به وجود آمده بود. ذکر کرده، بینشی که ما متوجه آن شده بودیم و سعی کرده ایم، با اعلام های عمومی راجع به پذیرش انقلاب ایران و اعمالی مانند آنهایی که در رابطه با سپرده های ایران و فروش فرآورده های نفتی و حمایت از دولت موقت انجام شده، آن را متعادل کنیم.

۴- به همین ترتیب کارهایی مانند اخراج خبرنگاران و تعطیل روزنامه ها یک اثر منفی در آمریکا ایجاد کرده است. اعمال دادگاههای انقلاب نیز چیزی است که مردم آمریکا به سختی می توانند درک کنند.

کاردار گفت که او مطمئن است که میناچی که خودش در امور حقوق بشر درگیری دارد و با زمینه ای که در قانون دارد، می تواند نگرانی ما را در مورد تأثیری که به وجود می آید، درک کند. او تصویرهایی را از اعدامهای سریع که اخیراً در کردستان صورت گرفته، یادآوری کرد. زندانی شدن بدون اتهام وجهی دیگر از همان مشکل است، او موارد شری، شیبانی و امینی را به عنوان نمونه ای از افرادی که تا آنجایی که ما می دانیم، بدون اینکه اتهامات رسمی علیه شان ایراد شود، زندانی شده اند، ذکر کرد. کاردار گفت که ما در نظر نداریم که در امور داخلی ایران دخالت کنیم. اما ما به چنین مواردی در زمینه حقوق بشر و به دلیل اینکه اینان یا تبعه و یا در غیر این صورت به ایالات متحده مربوط می باشد، علاقه داریم.

۵- کاردار گفت که مورد اعضای حزب کارگران سوسیالیست که در اهواز بازداشت شده اند یک نمونه دیگری از این موارد می باشد. یک عضو این گروه، غلام فلاحی، که با یک تبعه آمریکا ازدواج کرده خودش از مقیمان دائمی آمریکا بود و اعضای خانوادگی نزدیکی داشت که در آمریکا زندگی می کنند. مطالبی در این مورد که این افراد اعدام شده اند، باعث نگرانی زیادی در آمریکا شده بود. (توضیح: وزارت امور خارجه در ۳ سپتامبر بیانیه ای داد و در آن اعدام هر کدام از این اعضا را تکذیب کرد. ما تلاش می کنیم که یک کپی از این متن را به دست آوریم. پایان توضیح). کاردار تکرار کرد که ما در نظر نداشتیم که در مورد گناهکار بودن و یا بی گناه بودن آنها نظر بدهیم، اما تأکید داشتیم که ما معتقدیم که حتی یک گروه مارکسیستی هم شایستگی آن را دارد که حقوقی به آنان داده شود. این اثر در آمریکا که از حقوق به رسمیت شناخته شده آنها ممانعت می شود مانعی است، برای نیاز دو کشور برای بسط روابط دو جانبه.

۶- میناچی تمام مدت با دقت گوش می داد. او چند سؤال به خصوص راجع به شیبانی پرسید و به نظر آمد که حداقل مایل است تا برای کمک به او تلاش کند. او همچنین پرسید که اگر بتوان ترتیباتی داد، آیا سفارت مایل است فردی را به منظور بررسی شرایطی که اعضای حزب کارگران سوسیالیست در آن نگهداری می شوند، بفرستد؟ کاردار در حالی که به صورت تأیید جواب داد، اظهار داشت که سوئیفت، به عنوان کارمند مسئول سفارت در امور حقوق بشر، برای رفتن مهیا خواهد شد. میناچی گفت که چند روز طول می کشد تا در مورد امکان عملی بودن این دیدار تحقیق شود و اینکه او بعداً تماس خواهد گرفت.

۷- نظریه: میناچی بدون تردید مسئله را درک می کند. همچنین او تقریباً به طور کامل می خواهد کمک کند. ما مطمئن

هستیم که او هر کاری بتواند می کند، اما این یک حقیقت ناخوشایند است که کنترل اداره دادگستری ایران در قسمت انقلابی در اختیار اشخاصی مانند او نیست.

تامست

**ایران: محیط ارتباطات – رساله توضیحی**

ص: ۴۶۲

سند شماره (۳۱) از: سفارت آمریکا در تهرانتاریخ: ۱۰ سپتامبر ۷۹ - ۱۹ شهریور ۵۸ به: آژانس روابط بین الملل در واشنگتن دی - سی. فوریخیلی محرمانه موضوع: ایران: محیط ارتباطات - رساله توضیحی ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- پیشنهاد می کنیم که رساله مکافی تا دو بخش آخر که قابل توسعه است استفاده شود، ضمن توضیحات لازم نیز داده شده است، پیشنهاد می شود که دو قسمت نیز به بخش امکانات اضافه گردد:

۱) سطر دوم باید این طور نوشته شود که «آیت الله خمینی علاوه بر رهبریت سیاستها و برنامه های محافظه کارانه اسلامی ایران، شدیداً طرفدار اتحاد جهان اسلام بوده و دشمن احکام و اولویتهای اساسی غرب می باشد.» ۲) بخش زیر را اضافه نمایید: دسترسی محدود ما به اشخاص برجسته ایرانی چه در بخش خصوصی و چه در بخش دانشگاهی به خاطر وحشی است که نتایج تماس با آمریکاییها به خصوص مقامات رسمی آمریکایی در بردارد.

۳- کاوش جهت یافتن محدوده های ارتباطی در ۶ ماه یا یکسال آینده بسیار حائز اهمیت است، اما قبول نمایید که در عمل باید احتیاط بسیار به کار برد و به ایرانیان اجازه داد که سرعتشان را تنظیم نمایند.

برای تشریح جو متغیر و سخت اینجا لازم می دانم وقایع چند روز گذشته را که باعث شد آژانس روابط بین المللی بتواند به طرز موفقیت آمیزی ۱۶ ایرانی برجسته (شامل یازده ناشر و روزنامه نگار) را به محل اقامت کارمند امور سیاسی برای یک شب، مصاحبت و تحقیق VCR دوستانه دعوت کند، متذکر شود. این واقعه درست در روز بعد از حمله روزنامه های ایران با تیر درشت به نقشه CIA برای «تجزیه» ایران (کردستان / خوزستان) صورت گرفت. کارمند امور سیاسی و مأمور محلی به شیراز سفر کردند و توانستند با وکیل محلی مشهور و عضو پیشین هیئت انجمن ایران و آمریکا ملاقات نمایند در حالی که این شخص از نشستن در وسیله نقلیه به همراه مقامات آژانس روابط بین الملل آمریکا و یا ظاهر شدن با آنان در انتظار عموم امتناع می ورزید. ملاقات محرمانه ای در خانه شخصی سومی صورت گرفت.

۴- ما معتقد هستیم که نیاز مبرم کنونی ما یک «کارمند امور فرهنگی عالی» به اضافه یک ایرانشناس است که فارسی را خیلی خوب بداند و یک رابط بسیار عالی باشد چنین شخصی برای پر کردن فاصله ارتباطی و فعالیت برای ایجاد ارتباط فرهنگی خصوصاً در بخش دانشگاه و حتی شاید در میان رهبریت اسلامی ضروری است. به این منظور پیشنهاد می کنم که با ریچارد کاتم برای توصیه افراد مناسب تماس گرفته شود. یک امکان جری کلینتون از دانشگاه پرینستون است که قبلاً رئیس مؤسسه آمریکایی تحقیقات ایرانی بود.

۵- نظریه ای که در مرجع ب آینده نیز باید دنبال شود. بهترین رابط برای تحقیقات شما مهدی حایری است که خود این نظریه از اوست و در محافل مذهبی ایران راه یافته است. تازگیها از تهران به واشنگتن آمده است تا در دانشگاه جورج تاون به ادامه تحقیق پردازد. هنری پرشت او را می شناسد و می تواند ترتیب ملاقات شما را بدهد.

۶- همان طوری که در تلگرافهای جداگانه گزارش خواهیم کرد. باور کنید که امکان برپاسازی فعالیت



انجمن ایران و آمریکا در شیراز بسیار خوب است. در حالی که استرداد ساختمان و دیگر وسایل لازم خالی از اشکالات نیست، ولی باور کنید که چه ساختمانی در دسترس باشد و چه نباشد (در صورت نیاز می توانیم مکانی اجاره کنیم) این مرکز ۲۰ ساله زبان (در شیراز) و نهاد خیلی معتبر نقش حیاتی در دوباره سازی روابط ایران و آمریکا در این شهر مهم دارد.

۷- تا بهار یا سال آینده به نظر من بار دیگر خواهیم توانست ایرانیان را در برنامه بازدیدهای بین المللی به خصوص برنامه های چند منطقه ای درگیر سازیم. بخش روزنامه نگاری به نظر امیدوار کننده تر می باشد.

۸- در جواب نکات خاصی که در جلسه مورد بحث قرار گرفت، ما برداشتهای زیر را ارائه می کنیم:

الف: مسافرت متخصصین آمریکایی و شخصیتهای معروف به ایران: اینگونه سفرها بسیار مفید است ولی به منظور کسب فایده بیشتر بهتر است، اینگونه سفرها محرمانه ترتیب داده شود (تماس آشکار مقامات دولتی آمریکا مثرثمر و آسان نمی باشد). البته ممکن است استثنائاتی وجود داشته باشد. (مثلاً ملاقاتی که از طریق ویلیام گرفت انجام شده بود خیلی موفقیت آمیز بود)، به خصوص در باره متخصصین شایسته در سیاست خارجی و احتمالاً دیگر محدوده ها. این گونه سفرها اگر به وسیله اشخاص مردمی صورت گیرد خیلی خوب است، اما اگر ایالات متحده پیشخدمت شد، مفاهیم سیاسی باید مورد توجه قرار گیرد (عطف به منابع که در رساله اصلی آورده شده). اگر به طور خصوصی صورت پذیرفت افراد بایستی که با ایران جدید بستگی و در آن اعتبار داشته باشند و چون سفیر یانگ نسبت به هدف بهبود روابط ایران و آمریکا متعهد باشند.

ب: رهبران مذهبی ایرانی در آمریکا در بزرگداشت سالگرد هجرت: موافقیم، ولی اعتراف می کنیم که احتمال نمی رود رهبران مذهبی حضور پیدا کنند. احتمال بیشتر این است که متخصصین اسلامی ایران (دانشگاهیان) در مراسم شرکت کنند. این موضوع به هیچ وجه دلخواه نبوده و تنها به عنوان راه دوم می تواند، توصیه گردد. حمایت و پشتیبانی مادی باید در اختفا از طریق کمیته بزرگداشت هجرت ترتیب داده شود و شامل نمایندگان از دیگر کشورها نیز باشد.

ج: دانشمندان ایرانی در آمریکا: در حال حاضر مناسب نیست (بجز در مورد برنامه فولبرایت)، اما بعدها با آرامتر شدن اوضاع و باز شدن دانشگاهها قابل توصیه است. توصیه می کنیم از افراد به خصوص در مجمعی بین المللی چون سمینار سالزبورگ، اجتماعات بین المللی دانشگاهی، جلساتی از نوع ASPEN (اگر چه خود ASPEN به خاطر ارتباط با بنیاد پهلوی زیاد مناسب نیست) استفاده کنید.

د: کنفرانس دانشجویان ایرانی: می توان از کنفرانس NAFSA که به وسیله دانشجویان ایرانی برگزار می شود برای بحث پیرامون مشکلات دانشجویان ایرانی در آمریکا استفاده نمود. (ولی چندان رغبتی نسبت به آنها ندارد) باور کنید با در نظر داشتن موضع طرفدار چپ و ضد خمینی و بعضی دانشجویان ایرانی در اینجا و در ایالات متحده این موضوع ناگزیراً مفاهیم فرعی سیاسی مشکوکی را به وجود می آورد.

۹- باور کنید وقتی که میزبان کارمندان اجازه دهد، صدای آمریکا بایستی بخش برنامه به زبان فارسی را مورد توجه قرار دهد.

۱) مطالب بیشتری درباره وقایع ایران. خارج از محدوده سیاسی



۲) مجموعه ای از مطالعات و مراکز اسلامی در آمریکا، ۳) مصاحبه با دانشمندان آمریکایی (ایران شناسها)، مقامات رسمی و چهره های مردمی مناسب (مانند، سفیر یانگ و رمزی کلارک) ۱۰ - کاردار موافقت می کند.

۱۱ - امیدواریم نکات اشاره شده به اهداف شما کمک کند. تقاضا می شود مکانی در هر گونه ارتباطات دیگر که درباره این امور جریان می یابد جزو مخاطبین دریافت کننده رونوشت قرار گیرد.

### مدرسه برای پسر وزیر میناچی

سند شماره (۳۲) از: سفارت آمریکا تهران تاریخ: ۱۶ سپتامبر ۷۹ - ۲۵ شهریور ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی. فوریمحرمانه موضوع: مدرسه برای پسر وزیر میناچی ۱- پسر وزیر ارشاد ملی میناچی قصد دارد پاییز در دانشگاه جورج واشنگتن در رشته فوق لیسانس دانشکده مهندسی مکانیک حضور یابد. پسر میناچی به نامه علی میناچی برای شروع دانشکده در تاریخ ۴ سپتامبر تأخیر داشته و تا تاریخ ۲۶ سپتامبر به آمریکا وارد نخواهد شد.

۲- خیلی ممنون خواهم شد اگر وزارت امور خارجه با اداره پذیرش بخش فوق لیسانس تماس گرفته برای اطمینان اینکه پسر میناچی هنوز هم پذیرفته خواهد شد. لینکن

### مدرسه برای پسر وزیر میناچی

سند شماره (۳۳) از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی. تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۷۹ - ۲۶ شهریور ۵۸ به: سفارت آمریکا تهران - فوریکلی محرمانه موضوع: مدرسه برای پسر وزیر میناچی ۱- ثبت نام نهایی در دانشگاه جورج واشنگتن برای ترم پاییز در تاریخ ۱۷ سپتامبر به پایان رسید، اما دانشگاه استثنائاً موافقت کرد که علی میناچی را بپذیرد و برنامه مناسب منجمله تدریس خصوصی در صورت نیاز برای او ترتیب دهد.

علی میناچی باید بلافاصله پس از ورودش به واشنگتن با آقای ویلیام شاناهان رئیس پذیرش مهندسی در شماره ۷۲۵ خیابان ۲۳ N.W اطاق ۱۰۳ تماس بگیرد. ونس

### آقای وزیر عزیز

سند شماره (۳۴) سفارت ایالات متحده آمریکا تهران - ایران ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲۸ شهریور ۱۳۵۸ آقای وزیر عزیز:

سفارت در تاریخ ۱۶ سپتامبر تلگراف زیر را در خصوص دیر رسیدن فرزند شما به دانشگاه جورج واشنگتن، به وزارت امور خارجه در واشنگتن فرستاده است.

«فرزند (پسر) آقای میناچی وزیر ارشاد ملی قصد دارد در پاییز در دانشگاه جورج واشنگتن در رشته

فوق لیسانس در دانشکده مهندسی مکانیک حضور یابد.

پسر میناچی به نام علی میناچی برای شروع دانشکده در تاریخ ۴ سپتامبر تأخیر داشته و تا تاریخ ۲۶ سپتامبر به آمریکا وارد نخواهد شد. خیلی ممنون خواهیم شد اگر وزارت امور خارجه با اراده پذیرش بخش فوق لیسانس تماس گرفته برای اطمینان اینکه پسر میناچی هنوز هم پذیرفته خواهد شد» اکنون سفارت جواب زیر را از وزارت امور خارجه واشنگتن دریافت کرده است.

«ثبت نام نهایی در دانشگاه جورج واشنگتن برای ترم پاییز در تاریخ ۱۷ سپتامبر به پایان رسید، اما دانشگاه استثنائاً موافقت کرد که علی میناچی را بپذیرد و برنامه مناسب برای او فراهم آورد منجمله تدریس خصوصی اگر احتیاج باشد. علی میناچی باید بلافاصله پس از ورودش به واشنگتن با آقای ویلیام شاناهان رئیس پذیرش مهندسی در شماره ۷۲۵ خیابان ۲۳ N.W. اتاق ۱۰۳ تماس بگیرد.» من امیدوارم که این اطلاعات برای شما مفید باشد. پسر شما باید موقعی که به واشنگتن می رود این نامه را با خود ببرد تا در موقع ورودش به مقامات اداره مهاجرت نشان دهد.

دوستدار شما ال - بروس لینگن کاردار

### مدرسه پسر میناچی

سند شماره (۳۵) از: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی. تاریخ: ۵ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۳ مهر ۵۸ به: سفارت آمریکا در تهران  
محرمانه موضوع: مدرسه پسر میناچی ۱- (تمام متن محرمانه) ۲- طبق اطلاع واصله آقای علی میناچی در دانشکده مهندسی در دانشگاه جرج واشنگتن ثبت نام کرده و الآن سرکلاس می رود. کریستوفر سند شماره (۳۶) خیلی محرمانه از: وزارت امور خارجه - واشنگتن تاریخ: ۱۲ اکتبر ۷۹ - ۲۱ آذر ۵۸ به: سفارت آمریکا - تهران گزارشگر: هنری پرشت موضوع: ملاقات پیشنهاد شده ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- گذشته از چیزهای دیگر (برای مثال: هیچ تظاهرات خصمانه ای برنامه ریزی نشده) و با اجازه شما من می خواهم که سرانجام شما را ملاقات کنم، عصر روز شنبه به پان آمریکا وارد می شوم (۲۰ اکتبر) و صبح روز ۳۰ اکتبر عزیمت خواهم نمود. می خواهم که هر دقیقه بیداری را پر کنم و خودم را برای فعالیتها کاملاً در اختیار شما بگذارم. پیشنهادات زیر را ارائه می کنم که البته ممکن است نشدنی و یا نامناسب باشد:

-- ملاقاتهایی با میناچی و یزدی که من در دوره قبل از انقلاب با آنها ملاقات کردم. شما را در

ص: ۴۶۶

ملاقاتتان با چمران اگر که قبلاً با او ملاقات نکرده اید همراهی می کنم. کسی، احتمالاً رضا صدر را، در مورد درهم ریختگیهای بازرگانی و تلاشهای ما برای همکاری در ایجاد نظم در آن، ببینید.

-- آیا امکان دارد که با بهشتی یا دیگر رهبران سیاسی یا ناظران زیرک ملاقات نمود؟ اگر امکان پذیر باشد معتقدم که ملاقات نمودن با سخنگوی انجمنهای یهودی و بهایی سودمند خواهد بود. چطور است ملاقاتی با یهودیان دست چپی که از انقلاب حمایت می کنند، داشته باشیم؟ -- حدود ۲ روز را در خارج از تهران می گذرانم. نظرات (شما) مورد قبول است، ولی پیشنهاد می کنم که از طریق ساوه، کاشان و چند دهکده که می شناسم در روز جمعه به وسیله اتومبیل مسافرت کرده و یک روز را در اصفهان گذرانده و به وسیله هواپیما صبح یکشنبه بازگردیم.

-- میل دارم که نهاری را به طور خصوصی با دوست قدیمی علیرضا فرهمند مثل گذشته ها بگذرانم.

۳- هر چیزی را که بتوانم حمل نمایم و شما و کارمندان خواسته باشید می آورم، ماریان پیشنهاد می کند که برای آن سوئیفت و هم کلاسیهای سابق خرید کند.

## هنری عزیز

سند شماره (۳۷) سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۱۰ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۴ آذر ۵۸ طبقه بندی نشده رسمی غیر اداری هنری عزیز:

من از یادداشت مذاکره ۱۷ سپتامبر شما متوجه شدم که گاه گاهی با محمود فروغی تماس دارید. وقتی که دوباره او را دیدید امیدوارم که با او خواهید گفت که من و پنی، او و همسرش را از روی بیشترین علاقه از روزهای قدیمی در کابل به یاد داریم.

من با شما موافقم، فروغی یک جنتلمن واقعی ایرانی است. امیدوارم که شما به او بگویید که این طریقی است که من او را به یاد می آورم. همچنین به او بگویید که خانواده اش که شامل چندین فرزند که با آمریکائیهها ازدواج کرده اند می باشد، خوشبخت و سعادتمند باشند.

با گرمترین درودها دوستدار شما بروس لینگن آقای هنری پرشت مدیر امور ایران اداره امور خاور نزدیک و آسیای جنوبیوزارت امور خارجه، واشنگتن، دی - سی.

مکان: سالن پذیرایی وزارت خارجهزمان: ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲۶ شهریور ۵۸ یادداشت مذاکره محرمانه شرکت کنندگان: سفیر کبیر محمود فروغی هنری پرشت - بخش امور خاور نزدیک / ایران فروغی یک جنتلمن کلاسیک ایرانی، متمدن، رفتار ممتاز، مغرور به خانواده و کشورش، و واقع گرا است. پدرش دو بار نخست وزیر رضا شاه بود و تنها فردی بود که شاه پیر توانست در سال ۱۹۴۱ وقتی که کشورش اشغال شده بود به او تکیه کند. برادرش وزیر فرهنگ شریف امامی بود و هم اکنون در زندان

است. محمود فروغی یک مقام ارشد وزارت امور خارجه ایران و سفیر کبیر در ایالات متحده (اوایل دهه شصت) و افغانستان بود. او چند سال پیش به خاطر اینکه نمی توانست فساد را تحمل نماید از وزارت خارجه استعفا کرد. پاییز گذشته هویدا از او خواست که وزیر دربار شود، چون که آنها به کسی احتیاج داشتند که به شاه نه گوید، فروغی این شرط را مطرح کرد که یک پاکسازی واقعی منجمله در مورد اعضای خانواده سلطنتی وجود داشته باشد، خلافکاران بزرگ باید محاکمه و اعدام شوند. فروغی انتخاب نشد و بعدا در آن سال ایران را ترک کرد. او برای به دست آوردن تبعیت ایالات متحده اقدام نموده است.

فروغی معتقد بود که برتری ملاحا یک دوره گذرا است، ولی می ترسد که ممکن است کوتاه نباشد، ملاحا برای اداره امور پیچیده کشور مجهز نیستند ولی سؤال این است که چه نوع دولتی جانشین آنها می شود. او ایمان دارد که ملی گراهای میانه رو غلبه خواهند کرد، ولی او همچنین از قدرت فزاینده کمونیستها می ترسد. من گفتم که بزرگترین گناه شاه این بود که ایران را از یک نسل رهبران سیاسی محروم نمود. فروغی توافق داشت و اشاره کرد که پدرشاه هم چنین کاری را کرد. این غم انگیز است که هیچ شخصیت مردمی خارج از روحانیت وجود ندارد در ۵۰ - ۱۹۴۹ سنجابی، بازرگان و دیگر جبهه ملی ها ناشناخته بودند. ۳ سال طول کشید که پیروانی پیدا کنند. این احتیاج اکنون در ایران هست با ۳ تا ۴ سال دموکراسی که به گروهی از رهبران سیاسی اجازه دهد که خود را نشان دهند و در صحنه ملی آزمایش شوند. خطر این است که چپ یا راست راه توسعه سیاسی را ببندند.

من خطوط اصلی سیاستی که ما در قبال ایران دنبال می کنم را برای فروغی تشریح کردم. او فکر می کند که این مهم است که به مردانی نظیر بازرگان قدرت بخشیده شود برای اینکه آنها مردانی پاک و قابل هستند و تنها امید ایرانی در حال حاضر می باشند. ایالات متحده به طور بدی از شکست در انجام کامل سیاست حقوق بشر دولت در پاییز گذشته صدمه دید. حمایت ایالات متحده از حقوق بشر یک محرک بزرگ برای مخالفان بوده است، آنها وقتی که مخالفت شدت گرفت و حمایت آشکار وجود نداشت، ناامید شدند.

همچنین صدمه زیادی به وسیله زاهدی به آمریکا وارد شد. هر بار او به ایران بازمی گشت تا راهنماییهای بدی به شاه بکند. دوستان آمریکا چالوسانه فروتنی کردند چون که ایرانیان زاهدی را پیغامبر واشنگتن می دیدند. من به فروغی مشکل سختی را که ایالات متحده در درگیری با تمایل شاه به آمدن به اینجا روبرو بود گفتم. آیا امکان دارد که شاه ادعایش را از تاج و تخت انکار نماید؟ فروغی گفت ما می بایستی تشخیص می دادیم که شاه شخصی ضعیف بود که مقدراتش در هر بحرانی به وسیله دیگران نجات داده می شد. اگر دولت موقت ایران پیشنهاد معامله ای با او می کرد، وی ممکن بود که ادعایش را پس بگیرد. ولی هیچ دورنمایی برای این موضوع همان طور که در افغانستان بوده است وجود ندارد. شاه به سختی مورد تنفر است. ایرانیها ممکن است فکر کنند که سه سال پیش وضعیتشان بهتر بود. ولی هیچ کس از عزیمت شاه پشیمان نیست. فروغی فکر می کند خیلی خیلی برای ایالات متحده و برای غرب بد خواهد بود اگر که شاه در اینجا سکنی گزیند. ایرانیان این را نخواهند فهمید. آنها قبولی ما را به عنوان عملی بر علیه ایران و بر علیه منافع دراز مدت خودمان خواهند دید. بگذار شاه به آفریقای جنوبی برود. هر کسی روابط نزدیک او را با آن رژیم می دانست. او یک دوست حقیقی ایالات متحده نبوده است و ما را برای مزیت خودش مورد استفاده قرار داده است.

فروغی گفت که وی با میانه روترین گروه از چهار گروه شورشی افغانستان در تماس است. نماینده آنها

ص: ۴۶۸

از لندن به او برای صوابدید تلفن زد. نظر او این بود که «یک جمهوری اسلامی ترتیب ندهید.» او گفت بدبختانه، آن (جمهوری اسلامی - مترجم) برای تمامی مخالفین افغانی الزامی به نظر می رسد.

پرشت

## مباحثه یک وکیل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران

سند شماره (۳۸) از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۳ مهر ۱۳۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سیخیلی محرمانه گزارشگر: الیزابت سوئیفت موضوع: مباحثه یک وکیل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- قائم مقام کنسول سیاسی سفارت در دهم اکتبر با ع. ک. لاهیجی، وکیل برجسته و نایب رئیس کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر ملاقات ناهاری داشت (منبع حافظت شود). فضای ملاقات بسیار دلننگ کننده بود، چرا که لاهیجی احساس می کرد امیدهای او و دیگر نیروهای مترقی برای انقلاب ایران بر باد رفته اند و او نمی داند آنها چگونه می توانند، انقلاب را به مسیر اصلی بازگردانند.

۳- لاهیجی دوست نزدیک نزیه، متین دفتری و وزیر جدید علوم آموزش عالی و فرهنگ، حسن حبیبی می باشد. او همچنین به وزیر امور خارجه ابراهیم یزدی نزدیک بود، که به لاهیجی شغلی در وزارت امور خارجه پیشنهاد کرده بود و او از پذیرفتن آن امتناع ورزیده بود. او پیش از انقلاب در کانون و کلا فعال بوده و پس از فوریه یکی از اعضای گروه کوچک و کلا که خمینی را در نگارش قانون اساسی جدید یاری کردند، بوده است.

۴- وضعیت عمومی: لاهیجی گفت که در حال حاضر برای یک وکیل غیر ممکن است که بتواند در ایران کار کند. او و دیگر اعضای کمیته حقوق بشر شب قبل از این جریان به طور جدی درباره امکان انحلال کمیسیون حقوق بشر بحث کرده اند. سیستم دادگاههای انقلاب بسیار قدرتمند است. لاهیجی گفت که از ابتدا با ایده دادگاههای انقلاب مخالف بوده چون می ترسید آنها به صورت یک نهاد دائمی در آیند. در این دادگاهها هیچ تأمینی برای مدافع وجود ندارد.

جلسات خیلی کوتاه و مختصر بوده و عموماً ۲ تا ۳ ساعت طول می کشد، این هیچ وقتی برای متهم باقی نمی گذارد تا بتواند مدارکی جمع کند و از خودش دفاع کند. وکلا اجازه ورود به این دادگاهها را ندارند. لاهیجی وکیل یکی از ژنرالهای رژیم قبل بوده است، ولی بیش از دو ماه به او اجازه ملاقات با متهم را نداده اند، او هیچ اطلاعی از اینکه چه زمانی این ژنرال محاکمه خواهد شد نداشت. کمیسیون حقوق بشر تا به حال تعداد بی شماری نامه به خمینی و رهبران دولتی نوشته اند و در آن به این وضعیت اعتراض کرده اند ولی تا به حال جوابی نگرفته اند. در حال حاضر بیان کردن چنین مطالبی تدریجاً خیلی خطرناک می شود. او به مورد حسن نزیه اشاره کرد، و گفت برای مثال اگر قرار باشد مقالاتی بر علیه دولت کنونی ایران بنویسد و یا از یکی از طرفداران شاه در محاکمه اش دفاع کند، ممکن است با اتهامات و مسایل دروغین مواجه بشود، همچنانکه نزیه شد.

۵- در رابطه با فقدان قدرت در وزارت دادگستری لاهیجی گفت که این شغل دادستانهای دادگستری





است که درباره اتهامات وارد بر نزیه تحقیق کنند نه دادستانهای دادگاه انقلاب، شهشهانی، دادستان، خیلی ضعیف و بدون قدرت بوده است و حتی اعتراضی هم نکرده بود. لاهیجی صریحاً فکر می‌کند که سیستم دادگاهها بیش از پیش اسلامی خواهد شد و دادگاههای انقلاب قضاوت‌های خیلی خلاصه حداقل تا هنگامی که خمینی در قدرت است باقی می‌ماند، و در سیستم جدید جایی برای وکلای تحصیل کرده غرب وجود نخواهد داشت.

۶- در خلال مباحثه، مأمور سیاسی نگرانی خودش را درباره سلامتی متین دفتری ابراز داشت و اظهار امیدواری کرد که او در امان باشد. لاهیجی گفت که متین دفتری در وضع بدتری از نزیه قرار دارد، چرا که از حمایت افرادی چون بازرگان یا شریعتمداری برخوردار نیست. لاهیجی گفت که دفتری دوست خیلی نزدیکی است، ولی در مورد مشکلات فعلی او خود مقصر است. او اعتبارش را نزد رهبران میانه روی دولت موقت ایران مانند بازرگان، به خاطر ارتباط نزدیکش با گروه‌ها چپ، از دست داده است. متین دفتری رهبران گروه‌های چپ را به جبهه دمکراتیک ملی خود راه داده و اجازه داده تا آنها به وسیله توصیه‌های خود او را به مواضع افراطی سوق دهند. در طی چهارماه گذشته او از سازمان خود در جهت حمایت از فداییان استفاده کرده و همچنین سعی کرده از شرکت آنها در جنبشهای خودمختاری طلبانه کردستان، خوزستان و ترکمن صحرا حمایت کند. این مسئله حامیان قبلی او مانند بازرگان را منزوی کرده بود. پس از تظاهرات آزادی مطبوعات که در تاریخ ۱۱ اوت انجام شد، زمانی که دولت انقلابی علیه او اقدام کرد، او هیچ حامی نداشت.

نظریه: لاهیجی نگفت، ولی به نظر می‌رسد که اشاره کرد که متین دفتری هنوز در ایران است، اما سفارت همچنین توسط یک رابط مطبوعاتی ایرانی مطلع شده است که متین دفتری در آلمان است.

۷- مأمور سیاسی سفارت تلاش کرد از لاهیجی در مورد بهترین طریق حمایت آمریکا از کوششهایی که برای بهبود وضع حقوق بشر صورت می‌گیرد، مطالبی را بیرون بکشد. اگر چه سؤال به خوبی برایش روشن نبود، ولی به نظر می‌رسد که فشار پشت پرده به افرادی مانند بازرگان و یزدی را به هرگونه مقابله علنی ترجیح می‌داد. به نظر می‌رسد لاهیجی احترام مختصری برای بازرگان قائل است و او را فردی ضعیف، خوش نیت و کاملاً بی‌قدرت می‌دید.

نظریه: سفارت چندین هفته سعی کرده بود که با لاهیجی تماس بگیرد. اگر چه او چند دفعه خارج از شهر بوده، ولی جالب توجه است که این ملاقات اتفاقاً بلافاصله بعد از نشر خبر صحبت‌های کاردار با صباغیان درباره اعدام سناتورهای صورت گرفت. لینکن

### شکل گیری نیروهای مخالف داخلی

سند شماره (۳۹) از: سفارت آمریکا تهران تاریخ: ۱۶ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۴ مهر ۱۳۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سیخیلی محرمانه گزارشگر: الیزابت آن، سوئیفت موضوع: شکل گیری نیروهای مخالف داخلی ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- در جلسه نهار ۱۰ اکتبر، یکی از وکلای تهران ع. ک. لاهیجی (منبع حفاظت شود) درباره نقطه

نظریات سیاسی خود با قائم مقام کنسول سیاسی سفارت بحث کرد. لاهیجی، یک غیر مذهبی میانه روی حامی انقلاب و مخالف شاه درباره حکومت خمینی بسیار ناامید است و صریحاً درصدد یافتن طرقی برای تأثیرگذاری بر آن می باشد.

۳- لاهیجی گفت در حال حاضر خمینی توده ها را در ایران کنترل می کند، از روشنفکران میانه روی چون او برای جلوگیری از ایجاد یک حکومت کاملاً اسلامی به دست خمینی، جز کار اندکی بر نمی آید.

خمینی، همچون شاه سابق، به طور فزاینده ای منزوی نگاه داشته شده و توسط افراد بله قربان گو محاصره شده است، اکثر مشاورینش افرادی ضعیف همچون بازرگان یا فرصت طلب چون چمران و صباغیان هستند، آیت الله بهشتی جهت گیری غربی، که خیلی قوی نیست دارد و یزدی نیز همچنین بسیار جاه طلب است.

۴- لاهیجی خاطر نشان کرد که او در ابتدا از خمینی پشتیبانی می کرد، اما خمینی از زمانی که لاهیجی او را در پاریس دیده بود تغییر کرده است. در آن زمان، خمینی به میانه روها گفته بود که روحانیون باید خارج از صحنه سیاست قرار گیرند. لاهیجی گفت او و بسیاری از حقوقدانان دیگر (شامل وزیر جدید فرهنگ و آموزش عالی، حسن حبیبی) پیش نویس اصلی قانون اساسی را بر طبق اصول غربی نوشته بودند. حبیبی پیش نویس را درست قبل از اینکه خمینی تهران را به مقصد قم ترک کند به او داده است.

خمینی گفت که پیش نویس را دوست دارد ولی مایل است با رهبران مذهبی قم در این باره بحث کند. این رهبران نسبت به غیرمذهبی بودن پیش نویس اعتراض کردند و زمانی که خمینی پس از چند هفته این پیش نویس را به حقوقدانان برگرداند، تغییرات اسلامی زیادی در آن گنجانده شده بود. حقوقدانان این تغییرات را در پیش نویس وارد نمودند و پیش نویس، که لاهیجی فکر می کرد قابل قبول باشد، به مجلس خبرگان فرستاده شد و اکنون آن چنان تغییر یافته که قابل بازشناسی نیست. لاهیجی فکر می کرد که خمینی در تعقیب قانون اساسی اسلامی تری است که توسط مجلس خبرگان تنظیم شود، مخصوصاً او به دنبال ایده ولایت فقیه می باشد. قدرت مطلقه، مطلقاً ایجاد فساد می کند و خمینی ظاهراً تصمیم گرفته که باید خودش مملکت را اداره کند.

۵- لاهیجی گفت در حالی که پشتیبانی توده های مردم، هنوز از خمینی قدرتمندترین مرد ایران را می سازد، او تمام گروههای مرفقی را بیزار کرده است. متجاوز از دو هفته گذشته این گروهها گفتگوهای را آغاز کرده اند تا نیروهایشان را در یک گروه جمع کنند تا بتوانند خمینی را مجبور کنند که در پیش نویس قانون اساسی تجدید نظر کند. سازمان دهندگان این گروه امیدوارند که بتوانند جبهه ای از میانه روهای مسلمان و رهبران غیر مذهبی به وجود آورند. آنها قصد ندارند هیچ یک از چپگرایان مسلمان یا فداییان را در فعالیتهایشان شرکت دهند چون اختلافات طرفداران شریعتمداری و چپها خیلی زیاد است. گروه جدید متشکل است از مسلمانان میانه رو در حزب جمهوری خلق مسلمان که در رابطه با شریعتمداری است و میانه روهای غیرمذهبی جبهه ملی کاظم حبیبی (احتمالاً حبیبی باشد - مترجم) و جنبش حسن جوادی (بلکه حاج سید جوادی باشد - مترجم). مضافاً این گروهها در حال مذاکره با مجاهدین خلق هستند، چون آن را یکی از قویترین نیروها در ایران می دانند.

نظریه: سفارت شایعاتی را دریافت کرده بود که نیروهای میانه رو در حال تلاش برای سازماندهی خود می باشند، ما نشنیده بودیم که آنها سعی می کنند تا مجاهدین را نیز زیر چتر خود بیاورند.

ص: ۴۷۱

(دست زدن به چنین عملی) چه از سوی میانه روها و چه از جانب مجاهدین که با مرگ طالقانی، یک منبع اصلی پشتیبانی در میان روحانیت را از دست داده اند، قابل درک است. به خوبی ممکن است که بین شریعتمداری / مجاهدین پیوندی در حال رشد کردن باشد، چون به طوری که گزارش شده روزنامه ارگان حزب جمهوری خلق مسلمان هم اکنون با کمک مجاهدین چاپ می شود (سفارت نمی تواند این گزارش را تأیید کند). یک ائتلاف شریعتمداری / مجاهدین / جبهه ملی می تواند بسیار نیرومند و سهمگین باشد. به هر حال این احتیاج به یک رهبری دارد و سفارت تردید دارد که شریعتمداری مایل باشد که از برج آجر گلش، پایین بیاید و در سنگر بجنگد. حتی اگر او مزاجا و خلقا برای رهبری یک جناح مخالف سیاسی شایسته باشد (که او نیست). روابط گذشته او (شریعتمداری) با رژیم شاه او را به واسطه امکان افشاء این معاشرتها، لکه بردار و زخم پذیر می سازد، به علاوه تنها معدودی از روحانیون مایلند که آشکارا از خمینی بپسند و خود را در معرض اتهام تضعیف وحدت انقلابی قرار دهند. لینکن

### نظرات یک دیپلمات ایرانی در مورد کشورش

سند شماره (۴۰) از: دفتر وابسته دفاعی آمریکا - اسلو - نوژتاریخ: ۲۲ اکتبر ۷۹ - ۳۰ مهر ۵۸ به: سازمان اطلاعات دفاعی - واشنگتنسری موضوع: نظرات یک دیپلمات ایرانی در مورد کشورش خلاصه: این گزارش در مورد نظرات یک دیپلمات ارشد ایران در باره دلایل اصلی سقوط شاه، دولت کنونی و تحولات ممکن در ایران می باشد.

جزئیات: نظرات زیر توسط یک دیپلمات ارشد ایرانی که به مأموریت به اسلو گمارده شده، در یک مراسم رسمی که توسط مقام SRE (نام دیگر سیا - م) اسلو برگزار شد ارائه گردید.

۱- در مورد دلایل اصلی سقوط شاه: افراد ارشد نادرست دولت که شاه را احاطه کرده بودند و سیاست حقوق بشر ایالات متحده دلایل اصلی و اولیه می باشند. در ایران فقط دو طبقه از مردم وجود دارند:

ثروتمند و فقیر. فقیرها همیشه می دانستند که ثروتمندان تا حدی به وسیله دزدیدن چیزی که به فقرا تعلق داشت ثروتمندتر می شدند، ولی آنها حس می کردند که کاری در مورد آنها نمی توانستند انجام دهند و انجام ندادند، تا اینکه آنها شروع به اطلاع پیدا کردن در مورد حقوق بشر نمودند. فقر آن موقع بود که خمینی قادر شد پیروانی برای خود جلب نماید که به تدریج شاه را سرنگون کنند. همان طور که آشکار شد ما یک دیکتاتور تحصیل کرده را با یک دیکتاتور تحصیل نکرده مبادله کردیم.

۲- در مورد دولت فعلی: خمینی بیش از دو سال دوام نمی آورد. ما همیشه روحانیون را به عنوان انگل تصور می کردیم، و اکنون آنها کشور را اداره می کنند. خمینی یک مرد سالخورده است که به هیچ کاری عادت ندارد. او قادر نخواهد بود که فشار مقامش را تحمل کند. یا می میرد و یا خصوصیات سالخوردگی را پیدا می کند. اگر دومی اتفاق بیافتد، مردم خواهند فهمید و آنها از پیروی از او دست خواهند کشید. او کشور را خراب می کند. فقرا اکنون کمتر از آنچه که قبلاً داشتند دارند و آشوب در کشور مطمئناً تا زمانی که کارها بهتر شود و پیشرفت ظاهر شود، فروکش نخواهد کرد. وقتی از او در مورد شرایط جاری در دولت سؤال شد، او گفت، مشکل می شود فهمید، چونکه او هیچ تماس مستقیمی با ایران ندارد و بیشتر اطلاعاتش

را از طریق سخن پراکنی های بی. بی. سی دریافت نموده است.

ص: ۴۷۲

۳- در مورد تحولات سیاسی آتی در ایران، وقتی که نفوذ خمینی شروع به کاهش پیدا کردن نمود یا بمیرد، شخصی که در حال حاضر بتواند او را قادر به تشکیل یک دولت جدید مورد توجه قرار داد، وزیر امور خارجه، ابراهیم یزدی خواهد بود. از او به خوبی یاد می شود و پایگاه قدرتی را که از آنجا شروع نماید دارا می باشد. وقتی از منع سؤال شد در مورد یزدی چه احساسی دارد او پاسخ داد که یزدی یک فرد تحصیل کرده است و از خمینی برای کشور بهتر می باشد.

نظریه: منع در طول گفتگو با گزارشگر صریح و رک بود و به نظر رسید واقعا از تشریح مشکلات ایران لذت می برد. اگر چه او صریحا این را نگفت. ولی به طور ضمنی رسانید که وقتی دوره او تمام شد احتمالاً وی به ایران باز نخواهد گشت و با ارزیابی نظراتش در ارتباط با دولت وی گزارشگر معتقد است که او تصمیم خواهد گرفت، بازنگردد.

### گردهمایی هفتگی حزب جمهوری خلق مسلمان ایران

سند شماره (۴۱)(۱) گزارش در مورد گردهمایی هفتگی حزب جمهوری خلق مسلمان ایران که در جمعه ۱۹ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۷ مهر ۱۳۵۸) در دفتر حزب در تهران برگزار شده است تهیه شده به وسیله علیرضا جهان شاهی گردهمایی هفتگی جمعه گذشته حزب جمهوری خلق مسلمان پنجمین یا ششمین میتینگی بود که حزب هفته های اخیر برپا کرده است و بر طبق گفته اشخاصی که در تمام این جلسات هفتگی شرکت کرده اند، افزایش مؤثری در افراد شرکت کننده بوده است. اولین میتینگ فقط حدود ۱۰۰ نفر را جلب کرد، ولی این آخرین جمعه بیش از ۱۵۰۰ نفر برای شرکت در میتینگ تلاش کرده بودند.

موضوع اصلی سخنرانها که به وسیله چند نفر از مقامات بالای حزب جمهوری خلق مسلمان ایراد شد، چیزی جز موضوع ولایت فقیه نبود. تمام سخنرانان از شکلی که مجلس خبرگان ماده مربوط به ولایت در قانون اساسی را تصویب کرد، انتقاد می کردند.

اولین سخنران رحمت اله مقدم مراغه ای بود که نماینده مجلس خبرگان از استان آذربایجان می باشد.

مقدم مراغه ای گفت: انقلاب ایران به وسیله یک گروه و طبقه خاص صورت نگرفت، بلکه تمام توده های ایرانی، دانشجویان، کارگران، و روشنفکران در آن شرکت کردند، ولی در آخرین مراحل این انقلاب جامعه مذهبی ایران نقش تاریخی خود را بازی کرد و رهبری انقلاب را تحت راهنمایی امام خمینی به دست گرفت. این اشاره به امام خمینی در حقیقت یکی از معدود اشارتی بود که مستقیما به خمینی شد. برای تمام جلسه سخنرانان منجمله مقدم مراغه ای از اشاره به خمینی اجتناب ورزیدند.

مقدم مراغه ای از ولایت فقیه انتقاد می کرد و به عنوان یک مثال از مشکلات پنهانی (احتمالی) که این ماده از قانون اساسی در آینده می تواند به وجود آورد، گفت: فرض می کنیم که ما یک فقیه به عنوان بالاترین مقام کشور داشته باشیم و همان طور که مجلس خبرگان تصویب کرد او فرمانده کل نیروهای مسلح کشور است. فرض کنیم که نوعی از مشکل در کردستان، جایی که اکثریت مردم شیعه نیستند و پیروان بخش سنی اسلام هستند، داشته باشیم. اگر فقیه تصمیمی بگیرد که نیروهای مسلح ایران را به کردستان اعزام کند که با آشوب مقابله کنند. مردم کردستان می توانند بگویند که چیزی که دارد اتفاق





می افتد این است که در حقیقت ارتش شیعه با دستورات مستقیم رهبر مذهبی شیعه دارد می آید که مردم سنی کردستان را نابود کند. این می تواند به عنوان شروع یک جنگ فرقه ای در کشور باشد.

دومین سخنران دبیر کل حزب جمهوری خلق مسلمان دکتر علیزاده بود (نام کوچک او در حال حاضر در دسترس نیست) او شنوندگان را به وسیله شروع سخنانش با شعار معروف دوران گذشته سلطنتی (خدا، شاه، میهن) تکان داد. شاه مخلوع سالهای زیادی تلاش کرد که یک سری از اختیارات و برتریها را برای انجام چیزهای شخصی به دست آورد ولی او در به دست آوردن تمام آنچه که می خواست، موفق نبود.

حالا- که ما انقلاب کرده ایم چیزی که اتفاق افتاده است این است که ما تمام آن برتریها و اختیارات و قدرتهای مخصوص را که شاه به دنبالش بود توی یک سینی انباشته کرده ایم و می رویم که آن را به فقیه عرضه (تعارف) کنیم. این چیزی نیست که مردم ایران برای آن انقلاب کردند اگر فقیه امام خمینی باشد هیچ سؤالی نیست ولی ما چگونه می توانیم مطمئن باشیم که بعد از خمینی شخصی با شرایط مشابه رهبری مذهبی را به دست می گیرد و بنابراین فقیه زمان می شود. این (ماده مربوط به ولایت فقیه) یک عمل خیانت آمیز بر علیه نسلهای آینده مردم ایران است، ما انقلاب نکرده ایم به این منظور که زمینه را برای یک نوع دیگر استبداد آماده کنیم.

من پس از این سخنرانیها به پشت جایگاه رفتم تا با مقدم مراغه ای و چند نفر دیگر از مقامات حزب صحبت کنم. در این گفتگو مراغه ای می گفت که حتی رهبری مذهبی تشخیص داده است که قادر نخواهند بود که موضوع ولایت فقیه را با فرم فعلی آن به مردم ایران عرضه کنند. او اضافه کرد: مجلس خبرگان تصمیم گرفته است که یک بحث جدید را در مورد این موضوع شروع کند و من امیدوارم که تحولاتی در این رابطه امکان پذیر باشد.

یکی از همکاران مراغه ای، یک مجتهد که با آخرین مد عرب لباس پوشیده بود، عقیده داشت که هیچ کجای قرآن به طور مستقیم یا غیر مستقیم اشاره ای به ولایت فقیه نشده است. او می گفت: این اشخاص دارند یک مذهب جدید من در آوردی با تمام این مزخرفات درباره ولایت فقیه را شروع می کنند.

یک تحول جالب در هفته های گذشته ورود احمد خمینی جوان، به بحث درباره ولایت بوده است. او ورودش را با نامه ای به رئیس مجلس خبرگان آیت الله منتظری اعلام کرد. خمینی جوان پرسید چه خواهد شد اگر فقیه زمان یک عراقی، یک کوییتی یا یک پاکستانی باشد؟ آیا او هنوز بالاترین مقام و فرمانده کل نیروهای مسلح در ایران خواهد بود؟ منتظری جواب داد که در چنین موردی فقیه قبل از اینکه اختیاراتی را که برای او در قانون اساسی منظور شده است به دست بگیرد باید به تابعین ایران دربیاید.

در دومین نامه اش به منتظری، درحالیکه حمایتش را برای ایده ولایت فقیه تاکید می کرد، گفته است که حدود و مرزهای این موضوع به منظور اجتناب ورزیدن از سردرگمی های آینده به وضوح باید تعریف شود.

«همانطور که شما به خوبی آگاهیید هیچکس نمی تواند بگوید که یک فقیه بایست به ایران باشد و چنین شرط قبلی در هیچ

کتاب فقهی که ما از آن بااطلاعیم وجود ندارد. چیزی که باید توجه شود این نیست که چه کسی را شیعیان ایران به عنوان فقیه شناخته شده زمان در نظر دارند بلکه چه کسی را شیعیان ایران به عنوان فقیه شناخته شدن زمان در نظر دارند. شما می دانید که بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون شیعه در جهان وجود دارند که فقط ۲۷ میلیون آنها شیعیان ایران می باشند. به عبارت دیگر نجف را پیروی می کنند.

ص: ۴۷۴

شخصیت های شیعه ایرانی هستند که در نجف اقامت دارند و ی چه انفاق خواهد افتاد اگر دولت عراق تصمیم بگیرد که تمام ایرانیان منجمله رهبری مذهبی شیعه را از نجف از خارج کند. در این حالت شخصیت برجسته شیعه در نجف یک عراقی می شود و او بالاترین تعداد پیروان در جهان شیعیان را رهبری می کند.

شما گفته اید که فقیه باید به ایران بیاید. بر طبق تصویبات مجلس (خبرگان) این فقیه است که می گوید چه باید اتفاق بیفتد و یا نیفتد. بنابراین قوانین و مقررات تصویب شده بوسیله مجلس (خبرگان) نمی تواند بگوید که فقیه مجبور است که به ایران بیاید. این تصمیم اوست اگر تصمیم بگیرد که به ایران نیاید آیا این بدین معنی نیست که او قدرت فقیه وقت را از دست خواهد داد؟ تاکنون جوابی از طرف آیت اله منتظری وجود نداشته است.

در میتینگ جمعه این هفته حزب جمهوری خلق مسلمان یک مرد از میان جمعیت یادداشتی برای مقدم مراغه ای فرستاد و پرسید که آیا او می تواند به جایگاه بیاید و برای شنوندگان صحبت کند. این فرصت به او داده شد و او به خوبی جمعیت را به یک حالت شعار دادن کشانید. «اسلامی که ما در فرزندوم به آن رأی دادیم اسلام دکتر علی شریعتی بود نه اسلام...» مردم که در میتینگ بودند از این شعار واقعا خوششان آمد و مرد را برای چندین دقیقه تشویق کردند.

آشکارا او نام خمینی را از آن چیزی که گفت کنار گذاشت.

### میانه روی، آیا شانس دارد؟

سند شماره (۴۲) از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۲۶ اکتبر ۷۹ - ۴ آبان ۵۸ به: وزارت خارجه - واشنگتن خلی محرمانه موضوع: میانه روی، آیا شانس دارد؟ ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- خلاصه: احزاب سیاسی میانه روی ایران که در زمان انقلاب فعال بودند و گذشته ای طولانی از مخالفت با شاه را دارا می باشند، به وسیله آن گروهها و افرادی که تعبیری کوتاه نظرانه و مستبدانه از اسلام را دنبال می نمایند به عقب رانده شده اند. در طول چند هفته گذشته گروههای میانه رو که از یک جامعه متوازن تر همانند یک سوسیال دموکراسی غربی طرفداری می کند به صدا درآمده اند. آنها در حالی که مستقیما از آیت الله خمینی انتقاد نمی کنند، انتقاد خودشان را روی بعضی شکستهای آشکار رژیم فعلی متمرکز نموده اند. موضع سیاسی این گروهها هنوز مشکوک می باشد. آنها خودشان را از طریق معدودی سخنگوی غیر روحانی، برخی روحانیون لیبرال و تعدادی روزنامه کوچک مطرح می کنند. اگر چه آنها هنوز یک نیروی اصلی در صحنه سیاسی ایران نیستند این گروهها قادر بوده اند که خودشان را به اندازه کافی سازماندهی کنند با عقاید مخالف با عقاید دستگاه حاکم را ابراز نمایند. پایان خلاصه.

۳- نقش میانه رویهای روحانی و غیر روحانی - جانشینان - هنوز یک موضوع مورد بحث است. از زمان انقلاب شخصیتهایی مثل متین دفتری، نزیه، فروهر، سنجابی، و خود بازرگان به وسیله خمینی و متحدانش که در بینش حکومت روحانیون بر ایران وی مشترک هستند تحت الشعاع قرار گرفته اند. تمام این حامیان خمینی روحانی نیستند، آنها شامل «ملاهای غیر روحانی» از قبیل قطب زاده، یزدی، چمران،

طباطبایی و دیگران می باشند. این گروه بر دولت، مطبوعات، شورای انقلاب و مجلس خبرگان مسلط شده اند. گروه مخالفانش را نادیده گرفته و عاجز نموده است. بازرگان بدون قدرت باقی می ماند، متین دفتری و نزیه مخفی هستند، فروهر نادیده گرفته می شود، و سنجایی با تنفر شغلش را رها کرد و کشور را ترک کرد.

۴- اگر چه موضع احزاب میانه رو هنوز خیلی شکننده است، در هفته های اخیر آنها علائمی از حیات نشان داده اند، اگر چه مهمترین ارگانهای آنها منجمله روزنامه آیندگان و مجله فکاهی آهنگر در اوت توقیف شدند، آنها شروع به انتشار روزنامه های کوچک از قبیل خلق مسلمان (از حزب جمهوری خلق مسلمان)، جنبش (منتشر شده بوسیله علی اصغر حاج سید جوادی)، جبهه آزادی از حزب ایران و آزادی از جبهه دموکراتیک ملی، نموده اند. اگر چه تیراژ این روزنامه محدود است و نفوذ چاپی کمتری از سه روزنامه بزرگ (کیهان، اطلاعات و بامداد) دارند، آنها تفسیرهای اساسی و انتقادی در مورد وقایع ارائه می کنند - تفسیری که اغلب با تفسیر رسمی در تضاد است.

۵- برای شش هفته گذشته، حزب جمهوری خلق مسلمان، گردهماییهایی در بعد از ظهر جمعه ها در دفتر مرکزی خود ترتیب داده است. اگر چه اولین جلسه فقط حدود صد نفر را جلب نمود. مأمور سیاسی سفارت و دستیار سیاسی در گردهمایی ۱۹ اکتبر شرکت کردند و جمعیتی بیش از ۱۵۰۰ نفر را دیدند.

جمعیت عمدتاً طبقه متوسط و تحصیل کرده بودند. زنان زیادی در آنجا بودند، برخی با حجاب و تعدادی روحانی. سخنرانان شامل احمد علیزاده دبیر کل حزب جمهوری خلق مسلمان و رحمت الله مراغه ای رهبر جنبش رادیکال و نماینده آذربایجان شرقی در مجلس خبرگان، بودند، اگر چه مستمعین و سخنرانان هیچ علاقه ای به رژیم گذشته نداشتند، چند اشاره به آیت الله خمینی وجود داشت و هیچ گفته ضد آمریکایی وجود نداشت.

۶- آنها به وسیله حملاتشان به آخوند بازی، مجلس خبرگان و تلاشهای برقراری یک دیکتاتوری روحانیون از طریق ولایت فقیه بزرگترین پاسخ را دریافت نمودند. یکی از سخنرانان تپش جمعیت را مشاهده نمود وقتی که وی گفت: «ما اسلام دکتور شریعتی را می خواهیم، ما اسلام... را نمی خواهیم» و پایان را برای جمعیت خالی گذاشت که آن را پر کنند. هم مقدم مراغه ای و هم علیزاده از ولایت فقیه انتقاد می کردند. دومی گفت: «این ماده یک عمل خائنانه بر علیه نسلهای آینده مردم ایران می باشد. ما انقلاب نکرده ایم که زمینه را برای نوع دیگری از استبداد آماده کنیم.» پس از جلسه در یک صحبت خصوصی با مقدم مراغه ای، وی گفت که حتی رهبری مذهبی اکنون دریافته است که قادر نخواهد بود ولایت فقیه را به شکل فعلی آن به مردم ایران عرضه کند. «مجلس خبرگان تصمیم گرفته که بحث را در این موضوع مجدداً شروع نماید. من امیدوارم که نوعی از تحولات امکان پذیر باشد.

۷- میانه روها در انتقاد از ولایت فقیه، متحدانی در میان روحانیون از قبیل آیت الله نوری و شریعتمداری پیدا کرده اند که در این عقیده که چنین نهادی اگر صحیح تعریف نشود، می تواند منجر به دیکتاتوری گردد. اشتراک نظر دارند. یکی از جالبترین تحولات ورود پسر آیت الله خمینی، حجت الاسلام احمد خمینی به بحث در این موضوع بوده است. در این بحثها خمینی جوان موضعی که اشتراک زیادی با عقیده میانه روها که ولایت فقیه آن طوری که توسط قانون اساسی تعریف شده ابهاماتی مخاطره آمیز در بردارد، اتخاذ نموده است. سفارت این مسئله را در جزئیات بیشتر در پیام جداگانه مورد بحث قرار خواهد



۸- صراحت اخیر میانه روها تا حدی می تواند به سرخوردگی از بعضی جنبه های انقلاب، خصوصا گرایش در جهت حکومت استبدادی روحانیون نسبت داده شود. میانه روها همچنین از ضعف آشکار مدیریت دولت در مورد موضوعاتی مشخص برای جلب متحدین خارج از تشکیلات کوچک عادی گروههایی از قبیل جنبش رادیکال، حزب ایران، و جبهه ملی استفاده کرده اند. برای مثال شکست آشکار یک سیاست نظامی در کردستان درخواستهایی را برای مصالحه مطرح کرده است، حتی به وسیله شخصیتهایی در داخل پاسداران انقلاب، یک مقاله نویس در روزنامه محافظه کار انگلیسی زبان تهران تایمز اصرار بر خروج پاسدارهای غیر کرد از منطقه نموده است، مردم روزنامه حزب توده که به وسیله اتهامات درگیر بودن شوروی در کردستان گزیده شده، تقاضای صلحی از طریق مذاکرات را نموده است.

فقط حزب دست راستی جمهوری اسلامی از طریق ارگان خود جمهوری اسلامی به اشاره به شورشیان کرد به عنوان « مزدوران آمریکایی » ادامه داده است در هر صورت حزب جمهوری اسلامی به طور فزاینده ای در موضعش منزوی شده است.

۹- شکست دولت در تضمین امنیت فردی، تلاشهای خام آن در سانسور و افتضاحات مربوط به سیستم دادگاههای انقلاب (رشوه و دزدی در سطحی وسیع که شخصیتی نه کمتر از دادستان پیشین تهران، شخص آیت الله آذری قمی را درگیر می سازد) جذبه پیام میانه روی را گسترش داده است. روزنامه آزادی در تاریخ ۱۸ اکتبر حمله ای تند به سیستم قضایی انقلابی نمود و آن را متهم به چشم پوشی از دزدیهای ایلواوی دستیار سابق هادوی، دادستان کل در حالی که فاحشه ها و قاچاقچی های کوچک مواد مخدر را به جلوی جوخه آتش می فرستند، نمود.

حمله اخیر به دو خبرنگار در ساختمان مجلس خبرگان، روزنامه خیلی مشهور قانونی اطلاعات را به نوشتن یک مقاله شدیدالحن در صفحه اول با عنوان «اجازه دهید اشتباهات را تکرار نکنیم» سوق داد که متذکر شد که مردم قم و تبریز در زمان شاه شورش کردند، چون که برای دهها سال اظهار و بیانشان از آنها سلب شده بود.

۱۰- تمام اینها به چه می رسد؟ مهمتر از همه، میانه روهای حزب ایران، جبهه ملی و دیگر گروهها یک بار دیگر به آرزویشان می رسند و شروع به رک صحبت کردن می نمایند. در انجام آن، آنها مجبورند بر چندین مانع بزرگ غلبه پیدا کنند.

الف: رسانه های گروهی به طور کلی در دست مخالفین آنها باقی می ماند، جمهوری اسلامی هر روز خشمگین تر می شود و دیگر روزنامه های اصلی شدیداً محتاط هستند. در رادیو و تلویزیون، تحت هدایت فرصت طلبانه و غیر روشنفکرانه قطب زاده به ندرت از برنامه روزانه مزخرفات کاذب مذهبی و به طور پراکنده مزخرفات کاذب انقلابی انحراف پیدا می کند.

ب: تمام روشنفکران توسط تقبیحهای خمینی لکه دار شده اند، ادعای مشهور اوت وی که «ما روشنفکر نمی خواهیم»، هنوز به خاطر آورده می شود. انتقادات تلخ او بر علیه فساد غربی تمام علائم غربی منجمله کراوات را در چشم پیروانش مورد سوءظن قرار داده است.

۱۱- این گروههای میانه رو هنوز موجودیتی پرمخاطره را در حاشیه های زندگی سیاسی ایران نشان می دهند. امکان دارد که

آنها آزادانه گذاشته شود تا جلساتشان را برگزار نمایند و روزنامه هایشان را منتشر

ص: ۴۷۷

نمایند، چون که آنها به جریان سیاسی بی ربط دانسته می شوند. و به هر حال در سخنرانیهای اخیرش خمینی به آنها اخطار کرده و از آنها به جهت حملاتشان به ولایت فقیه روحانیت به تندی انتقاد کرده است.

در یک سخنرانی برای رهبران مذهبی تهران در ۲۰ اکتبر، خمینی مستقیماً به گردهمایی حزب جمهوری خلق مسلمان اشاره کرد، با گفتن اینکه، «اخیراً در یکی از جلساتشان یکی از همین گمراهان که چیزی راجع به اسلام نمی داند، پیشنهاد کرده که مجلس خبرگان باید منحل شود و دیگران هورا کشیده اند... شما که حتی در رأی گیری شرکت نکردید (برای مجلس) هیچ حقی ندارید که این را بگویید... این رهبران مذهبی بوده اند که به شما (مخالفین ولایت فقیه) آزادی برای گفتن آنچه که می خواهید بگویید دادند. شما وقتی که رهبران مذهبی بر علیه شاه و پدرش در تلاش بودند، مخفی بودید، حالا شما می خواهید مجلس را منحل کنید؟ شما قدرت انجام آن را ندارید من توی دهان شما می زنم. این را متوقف کنید و به ردیف اسلام بپیوندید و بگذارید این کشور به نظم برسد».

۱۲- حملات خمینی به این گروه هنوز فقط حرف هستند و غیر محتمل است که شکل سرکوبی تمام عیار که بستن روزنامه ها و ممنوع کردن گردهمایی ها و دستگیری رهبری را در برداشته، پیدا نماید خیلی از این گروهها او رهبرانشان سوابق برجسته ای از مخالفت با رژیم سلطنتی دارند (سوابقی که نادیده گرفتن آن مشکل است). به هر حال روحانیت تندرو و متحدانش مشغول منزوی کردن و حمله نمودن به اهداف منفردی از میان میانه روهایی از قبیل نزیه، متین دفتری، و فروهر بودند.

۱۳- اگر مقامات به بد اداره کردن چنان موضوعاتی از قبیل روابط ایران - اعراب، امور استانی و دادگاههای انقلابی ادامه دهند، پیام این گروههای میانه رو می تواند پیروانی وسیعتر را جلب نماید. هر چند محتمل نیست که آنها مخالفتی مستقیم با آیت اله و موضع او در مورد مسائلی از قبیل آنهایی که در بالا اشاره شد بنمایند. شاید آنها بتوانند آیت الله را قدری وادار به دادن امتیازاتی به کسانی کنند که در مورد حکومتی برای ایران منطبق با تعالیم برداشت خاصی که بخشی از یک فرقه اقلیت آن دین دارد، با امام اتفاق نظر ندارند.

۱۴- در درازمدت اگر این گروهها بتوانند برخی وابستگی ها را حفظ نمایند، آنها ممکن است راه حلی برای انحصار قدرت به وسیله روحانیون در ایران در دوران پس از خمینی ارائه نمایند. در آن زمان اعتبار نامه های انقلابی آنها ممکن است خیلی مهم شود. ولی برای آینده نزدیک، این گروهها احتمالاً در پیرامون سیاست ایران به سخنگویی ادامه خواهند داد، جالب توجه است، ولی قدرت واقعی کم را دارا خواهند بود.

### **دهمین گردهم آیی هفتگی حزب جمهوری خلق مسلمان**

سند شماره (۴۳) ۲۶ اکتبر ۱۹۷۹ در مقر حزب در تهران دهمین گردهم آیی هفتگی حزب جمهوری خلق مسلمان تهیه شده به وسیله علیرضا جهانشاهی در ۲۸ اکتبر ۱۹۷۹ - ۶ آبان ۵۸ گردهمایی هفتگی علیرغم هوای سرد توجه تعداد دلگرم کننده ای از افراد را به خود جلب کرده بود و تا آنجایی که حزب جمهوری خلق مسلمان مورد توجه است، جو در حقیقت جو خوبی بود.

تعدادی از سیاستمداران برجسته در این گردهم آیی حضور داشتند، منجمله دکتر سعید فاطمی رهبر گروه سیاسی ایران امروز و دکتر علی راسخ افشار از جبهه ملی.





برخلاف گردهمایی های هفته های گذشته این گردهمایی تحت مراقبت شدید پاسداران مسلح برگزار شد که از تبریز و قم به تهران فرستاد شده بودند. باید به خاطر سپرده شود که استان آذربایجان به طور اعم و تبریز به طور اخص سنگرهای حزب جمهوری خلق مسلمان می باشند.

یک مقام حزب به طور خصوصی گفت که به دنبال نظرات ابراز شده به وسیله امام خمینی در طول هفته گذشته بعضی مقامات حزب جمهوری خلق مسلمان هراس داشتند که مسلمانهای متعصب به جلسه هفتگی حزب حمله کنند. پاسدارهای قم از گروهی بودند که از آیت الله شریعتمداری رهبر روحانی حزب جمهوری خلق مسلمان حفاظت می کنند.

دکتر سعید فاطمی یکی از سخنرانان جلسه بود و وی نظراتش را بر روی دکتر محمد مصدق و تلاش او برای ملی کردن صنعت نفت ایران در دو دهه پیش متمرکز کرد. او از دولت سؤال کرد چرا شما نفت ثروت ملی ما را به قیمت بشکه ای ۲۰ دلار می فروشید در حالی که دارو را از ایالات متحده کیلویی ۲۰۰ دلار می خرید؟ او قیمت های مارپیچی که ساعت به ساعت بالا می روند را به سیاست فعلی استفاده نکردن از افراد متخصص در مقامهایی که می توانند مورد استفاده قرار بگیرند، نسبت داد.

دکتر احمد علیزاده دبیر کل حزب راجع به وضعیت کردستان صحبت کرد و گفت راه حل سیاسی تنها راه خارج شدن از بن بست فعلی در این قسمت از ایران است، او اضافه کرد ۴ میلیون کرد در ایران وجود دارند و هنوز حتی یک کرد در مجلس خبرگان حضور ندارد.

«من هفته گذشته در قم بودم و با آیت الله شریعتمداری ملاقات داشتم و از او تقاضا کردم که به تهران بیاید و با مسئله کردها درگیر شود. اگر به او اختیار داده شود می تواند مسئله را از قم حل کند.» سپس یک نفر از مستمعین که اظهار می داشت یک کرد است برای حضار صحبت کرد و گفت مطمئن است که مردم در کردستان که امپریالیست و صهیونیست خوانده می شوند حتی نمی دانند آن لغات چه معنی می دهد. او گفت من در بانه حضور داشتم وقتی که ۲۲ نفر در جلوی دادگاه اسلامی بدام انداخته شدند و پس از یک بازجویی ۱۱ دقیقه و بیست ثانیه ای به وسیله جوخه های آتش کشته شدند.

به دنبال این جریان یک نفر دیگر از شنوندگان که اظهار می داشت عضوی از شورای عالی تدارکات است، نظرات سخنران کرد را تکذیب کرد و او را یک دروغگو خواند. این موضوع باعث شد که جلسه بدو فرقه تقسیم شود، یکی بر علیه مرد تدارکات چی که به سخنش ادامه دهد و دیگری که از او می خواستند که به صحبت ادامه دهد. به خاطر آشوب دکتر علیزاده پایان جلسه را اعلام کرد، ولی سپس به تقاضای شنوندگان جلسه یکبار دیگر تشکیل شد که دکتر علی راسخ افشار از جبهه ملی به جایگاه آمد.

دکتر راسخ افشار گفت «۲۵ سال سیستم محمدرضا شاهی از هر ایرانی محمدرضاهاهی کوچکی ساخته است. تمام ما فکر می کنیم که ما برحق هستیم و دیگران حق اظهارنظرشان را نباید داشته باشند، او گفت من از تمام شما می خواهم که به نام ایران و پرچم ایران هورا بکشید» و مردم حاضر از صمیم دل فریاد کشیدند.

«هدف ما ضعیف کردن رهبران مذهبی در ایران نیست، چیزی که ما می‌خواهیم آنها انجام دهند این است که مثل افراد مرده با ما رفتار نکنند. اگر آنها ما را زنده بخوانند، پس انقلاب ما زنده باقی خواهد ماند، او گفت تمام چیزی که ما از آنها می‌خواهیم انجام دهند این است که به ما گوش دهند.»

ص: ۴۷۹

سخنگوی بعدی رسول مهربان بود که به تازگی در مشهد بوده است و برنامه سخنرانی او در دفتر جبهه ملی در مشهد قطع شده بود. او به حضور پاسدارهای مسلح اشاره کرد و سؤال کرد «آیا ما به مرحله ای از بلوغ سیاسی نرسیده ایم که بتوانیم جلسات سیاسی را بدون نیاز به حضور محافظین مسلح برگزار کنیم؟» او اضافه نمود، «یکی از چیزهایی که رهبری را می تواند تضعیف کند گرایشات انحصاری است، اگر آنها از اجرا و انجام سخنرانیها جلوگیری کنند در حقیقت آنها رهبریت انقلاب ما را تضعیف کرده اند.» پس از او عضو دیگری از شنوندگان که اظهار داشت یک خلبان نیروی هوایی ایران می باشد راجع به تجربیاتش در کردستان صحبت کرد و چیزهایی را که سخنان کرد قبلاً گفته بود تأیید کرد. او گفت «دوست کرد ما حتی یک چهارم وقایع کردستان را گزارش نکرد و من کتابی درباره ترس و بیزاری که از اعزام به کردستان دیدم نوشته ام و به زودی منتشر خواهد شد.» با تاریک شدن و سرد شدن هوا شنوندگان از اطراف شروع به کم تر شدن کردند. جلسه با درخواست مقامات حزب از مردم برای دعوت از دوستانشان برای جلسه هفته بعد پایان یافت.

## کتاب بیست و نهم

### افغانستان (۱)

ص: ۴۸۰





بسم الله الرحمن الرحيم... ما، بار دیگر پشتیبانی بی دریغ خود را از برادران مسلمان و مظلوم افغانی اعلام می داریم و اشغالگران را شدیداً محکوم می نماییم. ما مسلمانیم و شرق و غرب برایمان مطرح نیست، ما از مظلوم دفاع می کنیم و بر ظالم می تازیم، این یک وظیفه اسلامی است.

امام خمینی برای بررسی کوتاه در مورد افغانستان و شناخت هر چند سطحی از جریاناتی که در افغانستان واقع شده و می شود، احتیاج به ذکر نکاتی کوتاه، خارج از اسناد موجود در این کتاب ضروری به نظر می رسد و ضروری ترین این نکات، اوضاع جغرافیایی این کشور و تا حدودی وضع تاریخی آن است، اما در بعد سیاسی قضایا، چون محدودیت در چهار چوب اسناد وجود دارد، سعی می شود تا حد امکان از این محدوده خارج نشده و بیشتر به خود اسناد پرداخته شود.

جغرافیای افغانستان: کشوری است در آسیای مرکزی با تخمیناً ۲۲ میلیون نفر جمعیت که از شمال به شوروی و از غرب به ایران و از شرق و جنوب به پاکستان و از شمال شرقی به چین محدود است. افغانستان هر چند به دریا راهی ندارد ولی به علت هم مرزی با پاکستان و بلوچستان ایران و پاکستان می تواند به عنوان راهی مطلوب برای دستیابی شوروی به آبهای گرم جنوب و اقیانوس هند باشد و خود این امر یعنی دستیابی روسها به اقیانوس هند و دریای جنوب یکی از هدفهای استراتژیک دراز مدت آنان از زمان تزارها تاکنون بوده و به خاطر شرایط دنیای حاضر این امر از ویژگی خاصی برخوردار شده است. اقتصاد افغانستان تا حدود زیادی به زراعت و دامداری سنتی متکی است. معادنی از قبیل گاز، نفت، آهن، مس، ذغال سنگ، اورانیوم و سنگهای گرانقیمت نیز وجود دارد که به علت عدم وجود سرمایه و متخصص کافی، اکثر این معادن هنوز مورد بهره برداری واقع نشده است؛ فقط لعل و گاز جزء صادرات افغانستان محسوب می شود.

جمعیت غالب روستانشین این کشور با رقمی حدود ۸۵٪ جمعیت کل کشور در فقر شدیدی به سر می برند و این امر به اضافه سیستم خان بازی و رشد فئودالها که ناشی از سیاستهای رژیمهای استعماری گذشته است، این روستاییان را کمترین امکانات رفاهی محروم کرده است.

بی سوادی ۹۸٪ از مردم و در نتیجه پایین بودن سطح فرهنگ و عدم آگاهی سیاسی و مذهبی و

همچنین ناهماهنگی نژادی و قومی (در افغانستان نژادها و اقوام گوناگون مانند پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، نورستانی بلوچی و... وجود دارد) منتهی به رشد افکار نژادگرایانه و قوم‌گرایانه گردیده و این امر در دوران متفاوت منجر به جنگ‌های شدیدی شده و همیشه به عنوان یک حربه برنده و تیز در دست استعمارگران برای نفوذ در خاک افغانستان بوده است. امضای قرارداد گندمک بین امیر پشتونها (امیرمحمد یعقوب خان) و انگلیسها و یا قرارداد شوم «دوران» میان امیر عبدالرحمن خان و انگلیسها در سال ۱۸۳۹ گویای روش بهره‌وریهای استعمار از اختلافات نژادی در افغانستان می‌باشد. متأسفانه علیرغم ضربات سنگینی که مردم افغانستان از این امر خورده‌اند، هنوز هم این مسئله گریبانگیر آنها می‌باشد و حتی تشکیل گروهها و سازمانها در سالهای اخیر نیز بیشتر انگیزه نژادی و زبانی داشته تا انگیزه مکتبی و ایدئولوژیکی. این امر حتی در همه گروههای مارکسیست نیز به چشم می‌خورد. برای مثال حزب خلق و حزب پرچم، که هر دو مارکسیست و وابسته به روسها هستند، به علت گرایشهای نژادی همیشه در مقابل هم بوده‌اند و دست به تصفیه و اعدام همدیگر زده‌اند (بیشتر مارکسیستهای پشتو زبان در حزب خلق و بیشتر مارکسیستهای فارسی زبان در حزب پرچم هستند). حاکمیت رژیمهای استعماری نه تنها افکار نژادگرایانه را رشد داده و آنها را در جهت منافع خویش به کار گرفته، بلکه با مسخ و بی‌محتوا کردن اسلام و عقاید مذهبی این ملت نیز اسلامی را ترویج نموده‌اند که توجیه‌کننده رژیمهای وابسته، فاسد و ضد اسلامی باشد. ولی علیرغم همه تلاشهای استعمار جهت نابودی فرهنگ و تاریخ و مسخ و بی‌محتوا کردن اسلام، ملت افغانستان همچنان عرق مذهبی و روحیه ضد سلطه خارجی خود را حفظ کردند و همین امر باعث شکست مفتضحانه انگلیسها در سالهای ۱۸۳۹ و ۱۸۷۹ شد و این بار نیز سبب شکست شوروی در افغانستان خواهد شد.

## رژیمهای حاکم از ظاهر شاه تا امین

رژیم سلطنتی:

هر چند در این مجموعه ما سند مستقلی در مورد کیفیت حکومت ظاهر شاه در طی ۴۰ سال سلطنت بر افغانستان در دست نداریم، اما با تجربه ای که ملت ما در طی پنجاه سال حکومت دیکتاتوری پهلوی دارد و با توجه به پارامترهای اقتصادی و اجتماعی که شاه از آن برخوردار بوده و ظاهر شاه فاقد آن، می‌توان تصور کرد که در طی این مدت بر سر ملت افغانستان چه رفته است. چهل سال حکومت ظاهر شاه و همراهی با سیاستهای استعمارگرانه انگلیس و آمریکا چیزی جز جهل، فقر و غارت منابع افغانستان برای این مردم در بر نداشت.

رژیم جمهوری:

افزایش نفوذ غرب و سد شدن حرکت‌های گروههای مارکسیست به واسطه رشد و گسترش نهضت‌های اسلامی در اکثر مراکز و مؤسسات علمی، روسها را بر آن داشت تا با حذف ظاهر شاه کسی را جایگزین کنند که بتواند پایه‌های نفوذ شوروی را در افغانستان مستحکم کند. به هر حال در اولین ساعات ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۳ (۲۶ تیر ۱۳۵۴) سردار داود، نخست وزیر سابق و داماد ظاهر شاه و دیکتاتور بالقوه، از طریق یک کودتای نظامی عملاً بدون خونریزی به قدرت رسید. در اینکه روسها در این کودتا مستقیماً دخالت داشته‌اند یا نه، این نکته قابل ذکر است که بیش از ۲۰۰ تکنیسین و مشاور ارتش شوروی در آن کشور





بودند که خیلی از آنها با واحدهای ارتشی که پایه های اصلی کودتا را فراهم می کردند، کار می نمودند. به هر حال داود برای به اصطلاح مدرنیزه کردن کشور و بهبود وضع اقتصادی آن و برآوردن مقاصد روسها شروع به اصلاحات کرد که از آن جمله می توان لغو اجبار برای زنهای افغانی در پوشیدن چادر و روآوردن به روسها برای کمکهای نظامی و اقتصادی نام برد. بینش خاص و علاقه داود به روشن کردن سیگار آمریکاییش با کبریت روسی (داود اظهار داشته که هر وقت بتواند سیگار آمریکاییش را با کبریت روسی روشن کند خیلی خوشحالتتر می شود) او را مشتاق به روشن کردن سیگار آمریکاییش با کبریت آمریکایی کرد. روند و حرکت سیاسی داود، او را از شوروی به سوی آمریکا سوق داد و در این حرکت تا قبول دعوت کارتر برای دیدار از آمریکا در تابستان ۱۹۷۸ پیش رفت. سند شماره ۲ به خوبی بیانگر جهت گیریهای آمریکایی داود است. به هر حال موضع گیریهای خارجی داود برای ادامه مناسبات و روابط دوستانه با پاکستان و ایران و زیرکی برخوردش (البته از دیدگاه آمریکاییها) با روسها، آمریکاییها را به بیان این امر واداشت که:

«رئیس جمهور داود کمک زیادی به بهبود ثبات منطقه ای کرده و بدین ترتیب به تحقق یکی دیگر از هدفهای اصلی آمریکا جامعه عمل پوشانده است..... برای پشتیبانی از کوششهای افغانستان در راه حفظ استقلال این کشور از فشارهای شوروی به وسیعترین درجه ممکن که هدف اصلی سیاست آمریکا در این کشور است، ما به نشان دادن علاقه دوستانه و محسوس خود از طریق یک حضور مشهود آمریکا در این کشور ادامه دهیم.» البته باید توجه داشت که ثبات منطقه ای که آمریکاییها از آن دم می زنند، سکوت و آرامش مرگ آوری است که در پناه آن آمریکاییها می توانند به راحتی و بدون دغدغه منابع کشورهای منطقه را به غارت برند و آنها را تحت سلطه خویش در آورند و نه ثباتی در جهت تأمین استقلال و خودکفایی کشورهای منطقه.

داود به هدفهای آمریکا که یکی ثبات منطقه (سکوت در برابر به غارت رفتن منابع منطقه) و دیگری کاهش نفوذ شوروی در افغانستان بود، کمک بسیاری کرد و این سیاست نیز سیاست خوشایندی برای روسها نبود و به این ترتیب کودتای ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ (۷ ثور - ۷ اردیبهشت ۱۳۵۷) به وقوع پیوست و شاید بتوان گفت شوروی به هدفی که از روی کار آوردن رژیم داود داشت رسیده بود و آن چیزی جز ایجاد زمینه ای برای رشد و به قدرت رساندن حزب خلق نبود.

جمهوری دمکراتیک:

شوروی به دنبال سیاستهای قبلی برای حفظ منافع و حاکمیت خویش در افغانستان مصلحت در آن دید که رژیمی که از هر جهت وابسته به خودش باشد روی کار آورد و سر سپرده تر از حزب خلق برای این کار قابل تصور نبود. به هر طریق، خواه با دخالت مستقیم روسها و خواه غیر مستقیم، وابسته ترین جریان به شوروی در افغانستان بر مسند حاکمیت نشست.

طرز تفکر و سابقه تره کی و یارانش از یک سو و همراهی با سیاستهای شوروی در طول حاکمیت تره کی بر افغانستان از سوی دیگر، به خوبی بیانگر میزان نفوذ شوروی در کودتاگران و کودتای ۲۷ آوریل است.

عدم تعهد جمهوری دمکراتیک مبنی بر دریافت کمک از کلیه کشورها با خصلت امپریالیستی یا غیر امپریالیستی و تماس های متعدد سیاسی با سفرای آمریکایی در طی حاکمیت تره کی بر افغانستان



مسئله ای است که در بررسی برخوردهای شوروی و آمریکا با این کشور که جدای از سیاستهای این رژیم نیست توضیح داده خواهد شد. به هر صورت تره کی در اجرای فرامین روسیه به علت مواجهه با حرکت مسلمانان با موانع و مشکلات زیادی رو به رو شد و چون تأمین منافع شوروی در این شرایط مقدور نبود روسها دست به یک سری اقدامات سیاسی برای حفظ سیستم حافظ منافع خودشان زدند که البته همه اینها در لفافه حفظ دستاوردهای انقلاب کبیر ۷ ثور (۲۷ آوریل!) و دفاع از انقلاب صورت می گرفت. اعمال این روشهای سیاسی از سوی روسها که خواه نا خواه منجر به کشته شدن امین می شد و رشد اختلافهای شدید داخلی در بین سران حزب خلق و اختلاف بر سر اتخاذ تصمیم واحد برای مقابله با مشکلات، منجر به کشته شدن تره کی گردید (اینکه کشتن تره کی چگونه واقع شد و آیا روسها از این جریان با توجه به سفر تره کی به شوروی دو روز قبل از کودتا و احراز لقب «پدر انقلاب» از سوی برژنف، آگاه بودند یا نه، مبهم است). در هر صورت شوروی بعد از کشته شدن تره کی و روی کار آمدن امین همچنان به حمایت از امین ادامه داد. آنچه در طول حاکمیت حزب خلق در افغانستان بر ملت افغانستان گذشت، به غیر از آشوب، فقر، سرکوب، کشتار و پناهنده شدن حدود یک میلیون از ملت افغانستان به کشورهای همجوار و وابستگی مطلق در همه جهات به شوروی نبود. خلاصه به اسم خلق، خلق را کشتند و آواره کردند. به اسم خلق منابع و استقلالشان را به یغما بردند.

## شوروی و افغانستان

منافع کلی روسها در افغانستان: با توجه به آنچه در توضیح اوضاع اقتصادی و جغرافیایی افغانستان گفته شد منافع کلی شوروی را می توان به ترتیب زیر خلاصه کرد:

الف: راهیابی به آبهای گرم جنوب و اقیانوس هند: تزار روس گفته بود که «هر کس بر آنجا حکومت کند، بر تمام جهان حکومت خواهد کرد.» مقصود وی از آنجا سواحل شمالی دریای عرب و اقیانوس هند می باشد، و این سیاست تا این زمان دنبال شده است. تقویت پایگاههای آمریکایی در این محدوده، به ویژه در ایران زمان شاه، پاکستان و کشورهای حوزه خلیج فارس، شوروی را بر این سیاست مصرتر کرده است.

بلی که شوروی را از افغانستان به این آبها متصل می کند بلوچستان پاکستان و ایران است و همین مسئله وجود گروههای طرفدار شوروی در بلوچستان پاکستان و ایران و طرح مسئله پشتونستان (بلوچستان بزرگ) را به خوبی توجیه می کند.

ب: منابع اقتصادی: همان گونه که ذکر شد افغانستان دارای منابع بکر و دست نخورده زیادی است که به علت عدم سرمایه و متخصص کافی تاکنون مورد بهره برداری قرار نگرفته است. این منابع با توجه به امکانات شوروی می توانند در جهت نیازهای داخلی و صنعتی شوروی به خوبی به کار گرفته بشود؛ همان گونه که گاز هم اکنون یکی از اقلام صادراتی مهم افغانستان به شوروی را تشکیل می دهد. ضمناً با تسلط بر افغانستان این کشور می تواند بازار خوبی برای اجناس بنجل روسی باشد.

ج: مقابله با آمریکا: توسعه طلبی و جهانخواهی یکی از ریشه های مبارزه و رقابتی است که بین ابرقدرتها بر سر استعمار ملل مستضعف جریان دارد. شوروی نمی تواند نسبت به رشد پایگاهها و رژیمهای طرفدار آمریکا در جهان ساکت بنشیند و بنا بر خصلت مذکور دست به اقدامات توسعه طلبانه خواهد زد.

بنابراین به همان اندازه که آمریکاییها سعی در کسب مواضع استراتژیک و پردرآمد جهان دارند، روسها

ص: ۴۸۶

نیز به همان اندازه در تلاش برای به دست آوردن چنین مواضعی هستند. این رقابتها هر چند در اصل برای تأمین منافع دائمی و سلطه همیشگی بر کشورهای ضعیف است، به ابرقدرتها این امکان را می دهد که تحت پوشش ترویج ایدئولوژی، اقتصاد آزاد و سرمایه داری یا سوسیالیسم و کمونیسم، هر گونه حرکت استقلال طلبانه ای را در کانال منافع خویش از مسیر اصلی منحرف کنند. در این مورد در بخش برخورد آمریکا با افغانستان بیشتر توضیح داده خواهد شد.

روش نفوذ شوروی در افغانستان:

آنچه مسلم است حضور نظامی و اقتصادی روسها در صحنه سیاسی افغانستان هرگز نمی توانسته بدون تکیه بر پایگاههای داخلی در این کشور صورت گرفته باشد. کلاً دخالت و حضور در هر کشوری مستلزم وجود پایگاههای وابسته به آن بیگانه است. آنچه در اسناد موجود در این کتاب در رابطه با نفوذ و عملکرد شوروی در افغانستان بر می آید به قرار زیرند:

الف: ایجاد پایگاهها و احزاب سیاسی:

شوروی برای ایجاد پایگاههای سیاسی دست به ایجاد و یا تشویق برای ایجاد احزاب وابسته به خود در افغانستان زد و نتیجه این اقدام تشکیل احزاب خلق و پرچم بود که در زمان ظاهرشاه شروع به فعالیت کردند و در جریان روی کار آمدن داود و دوران تصدی وی پایه های خود را مستحکم تر کرده و در اجرای قبول مسؤولیت از سوی شوروی خود را آماده نمودند. این احزاب به طور کلی پایگاهی شدند برای سازماندهی افراد متمایل به شوروی و پرورش و تربیت کسانی که در آینده بتوانند وفاداری خود را به نحو احسن در قبال تعهدات (ایدئولوژیکی)! به شوروی ابراز و عملی نمایند. نکته در خور توجه در اینجا این است که شوروی احزاب طرفدار خود را در یک تشکیلات واحد متشکل نکرد بلکه احزاب مارکسیست طرفدار شوروی را در تشکیلات مجزا و حتی به ظاهر متضاد سازماندهی نمود. شوروی با این کار به تعقیب این سیاست پرداخت که اگر یک حزب از بر آوردن توقعاتش عاجز ماند یا سقوط کرد، حزب دیگر را که آن نیز خواهان حاکمیت شوروی است بر صحنه سیاسی حاکم گرداند. نمونه بارز این سیاست را در افغانستان و در مورد حزب پرچم و حزب خلق می توانیم ببینیم. حزب خلق در اوایل حاکمیتش دست به تصفیه شدید عناصر پرچمی از کلیه مراکز دولتی زد و در این میان برک کارمل نیز از این تصفیه مصون نماند که در نهایت به تبعید او به پراگ انجامید. اما با عدم موفقیت خلقیها در سرکوب مخالفان و ایجاد ثبات یا به بیان دیگر عدم موفقیت خلقیها در تثبیت حاکمیت روسها در افغانستان و بالاخره کشته شدن تره کی و مطلوب نبودن شرایط برای روسها، بهتر آن دیدند که با تغییر ظاهری در حزب حاکم منافع خویش را همچنان از کانال مزدوران پرچمی حفظ نمایند و شاید این تفسیر کلام لنین باشد که بارها و بارها در توجیه سیاستهای شوروی از سوی وزیر مختار سفارت شوروی در کابل به مقامات آمریکایی ابراز شده که «هر انقلاب بایستی از خودش دفاع کند». جالب اینجاست که انقلاب (!) افغانستان باید از تثبیت حاکمیت روسها بر مقدرات کشورش دفاع کند. به هر صورت وجود احزاب وابسته به ابرقدرتها پایگاههای واقعی آنان برای نفوذ و تجاوز در کشورهاست. شوروی برای توجیه تجاوز نظامی خود به افغانستان ادعا می کند که ما به تقاضای دولت افغانستان و طبق معاهده دوستی که با این کشور داشته ایم اقدام به این عمل کرده ایم و این معاهده دوستی چیزی نیست جز معاهده ای که در ۵ دسامبر ۱۹۷۸ بین تره کی پرورش یافته روسها و مسکو به امضای طرفین رسیده است.

ب: سلسله نظامی:

ارتش و نیروهای نظامی در کشورهای مستضعف همیشه به عنوان یکی از حساسترین و مورد توجه ترین پایگاههای نفوذی ابرقدرتها بوده اند. تشابه عملکرد امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم شوروی گویای ماهیت یکسان این دو ابرقدرت است. ۲۰۰ نظامی و مستشار نظامی شوروی در ارتش ظاهرشاه در روی کار آوردن داود نقش عمده ای داشتند. قرارداد دوستی ۱۲ ساله بین داود و روسها این تعداد را در آخرین روزهای حکومتش به ۶۰۰ نفر رسانید و باز همین تعداد به اضافه ارتشیان افغانی که از طریق حفیظ الله امین، عامل سرسپرده روسها سازماندهی شده بودند، نقش عمده را در سرنگونی داود و روی کار آوردن تره کی بازی کردند. با روی کار آمدن تره کی، روسها بسط و نفوذ خود را در ارتش با سرعت زیاد دنبال نمودند. تأسیس و در دست گرفتن و تحت کنترل کامل در آوردن پایگاههای نظامی (مثل پایگاه هوایی بگرام)، سرازیر شدن سیل اسلحه و مهمات به سوی افغانستان و همراه با آنها آمدن مستشاران و نظامیان اقداماتی بود که روسها پس از روی کار آمدن تره کی انجام دادند. در فاصله زمانی بین داود و امین تعداد مستشاران و نظامیان از ۶۰۰ نفر به ۷۲۰۰ نفر رسیدند. میزان ارسال تانکها به حدی بوده که یکی از ناظرین به مقامات سفارت آمریکا می گوید تعداد زیادی تانک بدون راننده در اردوگاههای نظامی وجود دارد. هلیکوپترهای توپدار MI-۲۴ و هواپیماهای میگ ارسال شده به افغانستان در حال حاضر نیز یکی از مؤثرترین سلاحها برای کشتن و سرکوب مسلمانان افغانستان است. همه اینها با توجه به این مسئله است که روسها همیشه تجاوز نظامی به افغانستان را به عنوان حداقل آخرین راه برای تثبیت حاکمیتشان در نظر داشتند.

ج: سلطه فرهنگی: مسخ فرهنگ و جدا ساختن مردم از فرهنگ اصیل خودشان سیاستی بوده که از سوی استعمارگران از قرون پیش برای نفوذ در دیگر کشورها به کار گرفته شده و این سیاست سرمایه ای است که روسها از اسلافشان به ارث برده اند. مسخ فرهنگ و به دست گرفتن جریانات فکری و پایگاههای آموزشی از طریق فرستادن کتابهای مارکسیستی و اعزام ایدئولوگهای وابسته به افغانستان و بعد از حکومت تره کی به دست گرفتن کامل دبیرستانها و دانشگاهها، سیاستی بوده که از طرف روسها در این کشور اعمال شده است. سند شماره ۳۶ گویای وضع دانشگاهها در زمان تره کی و عملکرد روسها در این مورد است.

د: سلطه اقتصادی: افغانستان به واسطه فقر حاکم بر آن همیشه متکی به کمکهای خارجی بوده است و این کانالی بوده که روسها با پرداخت وامهای عظیم و تقبل اجرای پروژه های عمرانی و ارسال مصالح و ادوات مورد نیاز طرحها همیشه سعی کرده اند نفوذ خویش را حفظ کرده و حتی قانونی جلوه گر سازند. در مورد میزان کمکهای مالی روسها به افغانستان در اسناد متعددی به این امر اشاره شده است. امتیاز استخراج گاز، خرید پرتقالهای افغانی که در مزارعی با طرحهای روسی به عمل می آید، تنها صادرات عمده این کشور را نیز متعلق به خود کرده است. همچنین حضور مستشاران غیر نظامی روسی در اکثر وزارتخانه ها، حتی طرحهای دولتی را نیز تحت کنترل خودشان در آورده است.

جمهوری دمکراتیک افغانستان یا جمهوری افغانستان شوروی:

در این قسمت قصد بررسی عملکردهای شوروی بعد از روی کار آمدن تره کی تا زمان کودتای امین است. «گروی» (دبیر اول سفارت شوروی) درباره نیاز انقلاب به دفاع از خود از لنین نقل قول کرد.





او یادآوری نمود که تعداد زیادی از روستاییان روسیه با انقلاب روسیه مخالفت می کردند زیرا آنها فاقد تحصیل و بیسواد بودند و نمی دانستند که منافع واقعی آنها در کجاست. به عقیده او وظیفه رهبران حکومت افغانستان پرورش و آشنا کردن توده ها درباره منافع حقیقی آنهاست...» (سند شماره ۱۴). روی کار آمدن تره کی آغاز پیاده نمودن طرحهای قالبی مارکسیستی در افغانستان بود، این اقدامات که در چهار چوب تفکرات صرفا طبقاتی مارکسیستی شکل گرفته بود بدون توجه به فرهنگ جامعه افغانستان و در درجه اول برای نابودی این فرهنگ و یا به قول آقای گروی برای پرورش توده ها در جهت منافع حقیقی خودشان! طرح ریزی شده بود. آنها با این گمان که اصلاحات ارضی و لغو اعطای امتیاز به بخش خصوصی تنها حلال دردهای افغانستان است، بدون توجه به اینکه هیئت حاکمه روح استقلال و آزادی افغانستان را به روسها فروخته و یا با طرح سوسیالیسم و بی مذهبی، عرق و اعتقادات مذهبی آنها را به مسخره گرفته، دست به اجرای اصلاحات زدند.

حرکتهای و گرایشهای مارکسیستی که به خاطر سابقه اش از دوران ظاهرشاه مواجه با عکس العملها و مخالفتهایی از سوی مسلمانان شده بود از زمان به قدرت مطلق رسیدن خلیفها شکل خشونت به خود گرفت و انگیزه این مخالفت، نه اصلاحات رژیم بلکه درک این معنی بود که مارکسیسم اساسا با اسلام مخالف است و دیگر اینکه خلیفها روح آزادی و استقلال افغانستان را به روسها فروخته اند. (بررسی اسناد این نکته را که اساس مخالفت مردم با رژیم افغانستان صرفا جنبه اسلامی دارد به خوبی نشان می دهد و این امر نه تنها از سوی آمریکایی ها به کرات تکرار شده بلکه خود روسها و اعوان و انصارشان نیز از جمله سافرونچک - وزیر مختار شوروی - و شوسیائو، سفیر آلمان شرقی، به دفعات این مطلب را ذکر کرده اند.

اسناد شماره ۵۹،۴۴،۴۰،۲۸،۲۷،۲۶ در این مورد گویاست.) به هر حال رشد مخالفتها و مبارزه مسلحانه، اختلافات داخلی و بی عرضگی رژیم خلقی، روشهای کشتار و سرکوب، روسها را به این نتیجه رساند که برای تثبیت حاکمیتشان به تغییراتی نیاز دارند و براساس پندارها و ریشه یابی های واهی قالبی خودشان دست به اقداماتی برای گسترش پایگاه سیاسی و توده ای رژیم زدند و تمام این کارها صرفا به خاطر منافع خودشان بود و اگر حتی شخص ظاهرشاه هم می توانست این منافع را برایشان تأمین کند از روی کارآوردن او ابایی نداشتند. آنچه شوروی در این مرحله بدان دست بازید عبارت است از:

الف: تعدیل اصلاحات رژیم: روسها در پی این گمان که اصلاحات ارضی و دیگر اصلاحات رژیم و اجرای غلط آنها علت ریشه ای طغیان مردم بوده، برای از بین بردن این عامل دست به تعدیل این اصلاحات زدند و با اعلام پایان یافتن موفقیت آمیز طرح اصلاحات ارضی و مبارزه با بیسوادی یا دادن امتیاز به بخش خصوصی، به گمان خود خواستند جلوی تداوم آشوب و بی ثباتی را بگیرند. شوسیائو، سفیر آلمان شرقی و سافرونچک، وزیر مختار شوروی (در قسمت دیگر به نقش این دو نفر در مسائل افغانستان اشاره می کنیم) در یک سری ملاقاتها با سفارت آمریکا مسئله تعدیل اصلاحات را تذکر می دهند و حتی شوسیائو اصلاحات ارضی را یک فاجعه می داند (سند ۴۴). اظهار نظر آمریکاییها در مورد این اقدام جالب توجه است: «برنامه های مختلف اصلاحاتی یقینا به میزان زیادی به رشد خصومت داخلی نسبت به رژیم کمک کرده است ولی انگیزه بیشتر دهقانان افغانی که اسلحه به دست گرفته اند، درک آنها از این است که خلیفها، ضد خدا و کمونیست و عروسکهای خیمه شب بازی شورویها هستند.» (سند ۴۱) این تعدیلات مشکلی را برای رژیم حل نمی کند.

ب: اسلام پناهی: بعد از اینکه رژیم و روسها دریافتند که ریشه اصلی مخالفتها در کجا قرار دارد سعی در مسکوت گذاشتن یا بی اهمیت جلوه دادن جهت گیری مارکسیستی حزب خلق نمودند و حتی در دادن رهنمود نیز پیشقدم شدند که مسلمانها گمان می کنند کمونیسم با اسلام مخالف است و بر این اساس دستگاه رهبری برای این مسئله یک تبلیغات دامنه داری به راه انداخت و امین و تره کی در نطقهای عمومی اعلام داشتند که جمهوری دمکراتیک افغانستان مطلقاً با اسلام مخالف نیست و حتی اعلامیه ای از سوی بیش از صد تن علمای به اصطلاح اسلامی در پشتیبانی از رژیم و اینکه جمهوری دمکراتیک عملاً حامی اسلام است صادر شد (اسناد ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۶۵). به عنوان نمونه گوشه ای از نظرات سافرونچک، وزیر مختار شوروی در این مورد را ذکر می کنیم: «او مذهب (اسلام، یک مذهب بسیار بد است) را به عنوان تنها و مهمترین دلیل منفرد برای یاغیگری مورد نکوهش قرار داد. او گفت توده مردم گمان می کنند کمونیستها علیه اسلام هستند.» ج: اظهار دوستی با کشورهای امپریالیستی: رژیم خلقی برای اظهار سیاست عدم تعهد خود از یک سو و نشان دادن این امر که آنها نه تنها با روسها بلکه با هر کشوری که خواهان دوستی است رابطه دارند از سوی دیگر، سعی می کرد از طریق دیپلماتیک در یک تماس تقریباً دائمی با سفارت آمریکا و سفارتخانه های اعمار آمریکا باشد. البته این تماسها به طور مطلق در محدوده موارد بالا نیست و تا حدودی هم گویای بینشها و گرایشهای تره کی یا امین است و این تعریف در مورد امین بهتر صدق می کند خواه این گرایش ناشی از عدم اطمینان به روسها باشد، خواه از تمایل واقعی به آمریکا. ولی مسئله عمده در این تماسها که مورد توافق روسها نیز هست، کاهش تبلیغات ضد رژیم مبنی بر وابستگی مطلق خلقیها به شوروی است.

سخنان شوسیانو تا حدی بیانگر سیاست روسها و در نتیجه خلقیها در قبال کشورهای امپریالیستی است: «شوسیانو اظهار داشت که او به تندرتهای خلقی گفته بود وقتی که آنان تلاش می کنند تا نمایندگان امپریالیستی را از کابل اخراج کنند، آنها از جنبش مدرن سوسیالیستی فاصله دارند. او اظهار داشت که به آنان گفته بود که چگونه برای تمام ملل لازم است که برای صلح و پیشرفت با یکدیگر همکاری نمایند.» (سند ۳۹) جنبش مدرن سوسیالیستی برای روسها ایجاب می کند تا حضور خود را در مقابل حضور دیگران توجیه کند و به این ترتیب صلح در جهان پایدار بماند! اسناد شماره ۷، ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۹۹، گوشه هایی است از تلاشهای تره کی و مخصوصاً امین، برای عادی نشان دادن روابط خود با آمریکا. البته عملکرد امین بعد از روی کار آمدنش در رابطه با تماس آمریکاییها بیشتر ناشی از عدم اطمینان به روسها بوده است؛ هر چند در کنار خود هدف ذکر شده در بالا را نیز دنبال می نمود.

د: مطلع ساختن آمریکا و اعمار آمریکا از جریانات آتی: روسها در پی حفظ منافعشان پس از روی کار آمدن تره کی و در مواجهه با مشکلاتی که این رژیم با آن رو به رو شد در آغاز صلاح در آن می دیدند که خلقیها را در مقابله با مشکلات و فائق آمدن بر آنها یاری دهند و به همین جهت برای یافتن یک راه حل سیاسی برای مشکلات خلقیها یکی از کارکشته ترین دیپلماتهای خود به نام سافرونچک را به افغانستان روانه کردند. شوروی از اول این کار، تجاوز و دخالت نظامی را از نظر دور نمی دانست اما به خاطر دلایلی چند، از جمله جلوگیری از افتادن در تله ای از نوع ویتنام، می خواست که در صورت امکان برای افغانستان

سافرونچکک مأمور این کار شد. این شخص به همراه شوسیائو، سفیر آلمان شرقی برای برآورد و دریافتن عکس‌العمل‌های احتمالی از سوی آمریکا یا کشورهای وابسته به آن نسبت به کل سیاست‌هایی که در نظر داشتند اعمال کنند، با مقامات و سفرای آمریکایی و سفرای کشورهای وابسته به آمریکا تماسی دائم داشتند و مستقیم یا غیر مستقیم آنها را در جریان امور می‌گذاشتند. البته با این کار هدفی دیگر را نیز دنبال می‌کردند و آن اینکه در صورت مجبور شدن به دخالت نظامی چین و انمود کنند که ما برای نجات دادن جمهوری دموکراتیک افغانستان یا به قول خودشان نجات انقلاب ۷ ثور، تمام راه‌های سیاسی موجود را آزمایش کرده و چون موفق نبوده مجبور به دخالت نظامی شده‌اند و این نکته‌ای بود که خود آمریکاییها نیز متوجه شده بودند: «تصمیم شوری برای مطلع ساختن ایالات متحده و تعدادی از هیئتهای نمایندگی دیگر در اینجا، مستقیماً به وسیله واسیلی سافرونچکک و غیر مستقیم توسط شوسیائو سفیر کبیر جمهوری دموکراتیک آلمان (ما آگاه شده ایم که با اطریشیها، بنگلادشیها، فرانسویها، هندیها و پاکستانیها نیز تماس گرفته شده است) جهت به وجود آوردن یک پایگاه سیاسی وسیعتر برای این رژیم و شاید جرح و تعدیلی ظاهری در ترکیب رهبریت جمهوری دموکراتیک افغانستان، احتمالاً تمایلی به مشروعیت دادن به هر گونه اقدامات و سیاستهای آتی که روسها ممکن است در جهت افغانستان دنبال نمایند بوده است... در عین حال به طور همزمان بر تلاشهای مسکو جهت پیدا کردن یک راه حل سیاسی برای مشکلات فزاینده داخلی این رژیم انقلابی تأکید می‌نماید. مسکو احتمالاً فکر می‌کند که با انجام این کار به هر گونه سیاستی که در آینده ممکن است دنبال کند مشروعیت بخشیده است و همچنین موردی برای به انحراف کشیدن هر گونه انتقاد خارجی ایجاد کرده است که از هر گونه اقدامی که روسها ممکن است به تدریج در مورد آن تصمیم بگیرند ناشی می‌شود.» (سند ۴۹) ه: تغییر کابینه و تشکیل جبهه ملی یا تغییر در ترکیب رهبریت جمهوری دموکراتیک افغانستان: تلاش شوروی در تغییر ترکیب رهبریت جمهوری دموکراتیک افغانستان را می‌توان این گونه خلاصه کرد؛ تغییر کابینه و وارد کردن افرادی جدید در دولت که دخالتشان در دولت خلقیها کمتر بوده و حساسیت مردم افغانستان نسبت به آنها کمتر باشد و در نهایت به قول خود روسها تشکیل یک جبهه ملی از نوع آنچه که در تمام کشورها وجود دارد. ترکیب این جبهه برای روسها زیاد مهم نیست و ممکن است ظاهرشاه و اعتمادی، نخست وزیر اسبق ظاهر شاه (شایعاتی مبنی بر تماس با اعتمادی وجود داشته) را نیز در برگیرد و این به شرطی است که منافع روسها به حساب آورده شود. البته در تغییر و تحول اولویت با اعضای حزب پرچم یا خود خلقیها و یا نظامیان است. این تغییر به هر قیمت برای روسها پذیرفته شده است و حتی کشته شدن تره کی و امین نیز در طرح گنجانده شده. به قسمتهایی از اسناد مربوط به تغییر ترکیب رهبریت توجه فرمایید: «او (سافرونچکک) به طور محرمانه گفت چیزی که حقیقت دارد این است که ما رهبریت جمهوری دموکراتیک افغانستان را ترغیب نموده ایم تا به وسیله وارد کردن افراد جدید به دولت پایگاهش را گسترده گردانند.... او در ادامه گفت ایجاد یک جبهه ملی مثل کشورهای دیگر که ایجاد کرده‌اند، برای آنها معقول خواهد بود.» (سند ۲۶)

«شوسیانو گفت ما مصمم هستیم انقلاب را نجات دهیم.... او تأکید کرد که سافرونچک از سوی مسکو مأموریت گرفته تا یک دگرگونی ریشه ای ایجاد کند... اما اینکه چه چیزی ممکن است اتفاق بیفتد، شوسیانو به روشنی گفت که یک کودتای نظامی داخل حزب از طریق برکنار کردن امین و شاید دیگران، چیزی است که روسها قصد آن را دارند... وقتی که من نام وطنجار را به عنوان یک کاندید احتمالی ذکر کردم.... پس از مکث کوتاهی گفت وطنجار یک سیاستمدار نیست ولی البته نظامیان کلید هر گونه تغییر خواهند بود...» (سند ۴۳) «روسها می توانند یک تغییراتی در مارکسیستهای افغانستان ایجاد کنند و بدین ترتیب سعی کنند تا ظاهری مشفقانه را حفظ کنند... آنها ممکن است در مورد به قدرت رساندن فرد دیگری از حزب تره کی فکر کنند و یا حتی حزب پرچم که قبلاً به وسیله حزب خلق از صحنه خارج شده بود را به قدرت برسانند.

(سند ۵۹) البته اصل مطلب هرگز از نظر دور نگهداشته نمی شود: شوسیانو گفت که هیچ گونه تغییر ریشه ای در داخل حزب در اینجا نمی تواند بدون پشتیبانی شوروی صورت گیرد و اینکه منافع شوروی بایستی از سوی هر حکومت افغانستان به حساب آورده شود.» (سند ۴۳) در اینجا بدون مناسبت نیست که حرکتی که منجر به کودتای امین و مواضع شوروی بعد از روی کار آمدن امین شد نیز بررسی شود. همان گونه که گفتیم تلاش روسها برای تغییر ترکیب رهبریت جمهوری دمکراتیک در جهت تغییر ترکیب و کاهش آشوب فزاینده داخلی در افغانستان آنها را تا حدی به این طرز تفکر نزدیک کرد که امین عامل اکثر نارضایتیها و آشوبها و زندانی کردنها می باشد و می توان گفت که از دیدگاه روسها «تره کی به عنوان یک رئیس بدون شخصیت تلقی می شد و شرور اصلی امین بود که از جمله مسؤل سیاستهای ستمگرانه دستگیری، شکنجه و اعدام شناخته شده بود و همچنین نیروی محرک در برنامه های زجر دهنده اصلاحی و همچنین مرد پرحرارت افغانستان در جانبداری از شوروی به شمار می رفت. بنابراین هر گونه کوششی جهت اینکه نیروهای پراکنده در افغانستان را از طریق یک تغییر دستگاه رهبری گرد هم جمع کند به احتمال باید به برکناری یا حتی مرگ امین بینجامد.» این طرز فکر و تلاشهایی که در این جهت انجام می گرفت به هر صورت امین را متوجه این تلاشها کرد.

او این حدس را زده بود که حتی تغییر کابینه و تشکیل جبهه ملی به مرگ او منتهی خواهد شد به همین خاطر تلاشهای محدودی در جهت مقاومت در برابر کشته شدن و طرحهای روسی از خود نشان داد، برای نمونه می توان ارائه طرح سازمان ملی را در برابر طرح جبهه متحد ملی روسیه نام برد (اسناد ۴۵ و ۴۶).

آگاهی امین به این تلاشها (سند ۴۷) به اضافه اختلافات شدید داخلی در حزب و تکیه شوروی بر روی عناصری از دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان مانند وطنجار، مزدوریار و گلابزوی باعث شد که امین از وقوع کودتا جلوگیری کند و خود در این امر پیشقدم شود. (البته اینکه دقیقاً کودتای امین چگونه صورت گرفت و انگیزه ها چه بود و شوروی تا چه حدی در جریان قرار داشت مبهم هستند. فقط آنچه تا حدودی واضح است عدم اطلاع روسها از جریان کودتاست.) شوروی چون در برابر یک عمل انجام شده قرار گرفته بود و هیچ راهی جز حمایت از امین در ظاهر و ادامه سیاست براندازی وی در باطن در پیش نداشت و این مسلم بود که «اگر این درست باشد که روسها ناگهان گرفتار یک عمل انجام شده پردرد سر شده اند، می باید حداکثر تلاششان را در مورد رهبری حزب خلق می کردند تا چهره زشت او را حداقل در کوتاه مدت بیوشانند. استراتژی حکومت قانون (امین بعد از روی کار آمدن به ملت قول داد که در کوتاهترین مدت برای کشور قانون اساسی تهیه بکند) یکی از چندین حقه باقیمانده در کیسه گشاد



سافرونچک می باشد تا پذیرش عمومی را افزایش دهد.» (سند ۹۲) البته در نهایت کلیه راههای سیاسی به بن بست رسید و آنچه از آغاز روسها به عنوان احتمال در نظر داشتند صورت گرفت و خلاصه طبق دعوت و درخواست دولت افغانستان (حالا منظور دولت امین است یا ببرک کارمل، خدا بهتر می داند) تجاوز نظامی علنی را به آن کشور شروع کردند و صدای احدالناسی به عنوان اعتراضی جدی در جهان بلند نشد و شاید معامله پشت پرده روسها و آمریکاییها بر سر به غارت بردن منابع جهان به قیمت قربانی شدن خلق افغانستان تمام شد و خلاصه با نام خلق و پرچم حامیان خلق و حکومتهای طرفدار خلق دمار از روزگار خلق در آوردند. آنچه عاید خلق افغانستان شد دهها هزار کشته و زندانی، بیش از دو میلیون آواره و صدها روستای ویران بود و خلاصه آوارگی و فقر و...

## برخورد آمریکا با مسئله افغانستان

در اسناد این مجموعه آمریکاییها در بیشتر موارد دلیل عمده ای که برای توجیه حساسیتشان نسبت به مسئله افغانستان ذکر می کنند تأمین و حفظ ثبات منطقه است. (اسناد ۷، ۱۰ و ۲۵) حفظ ثبات یکی از شعارهای همیشگی آمریکا برای توجیه حضور خودش در کشورهای جهان بوده است و این امر بر کسی پوشیده نیست که طرح این شعار نه در جهت ایجاد فضای مناسبی برای رشد حرکت‌های صنعتی و اقتصادی و یا استقلال کشورهای مربوطه باشد بلکه برای ایجاد فضایی است که آمریکا بتواند بدون رو در رویی یا مواجهه با هر گونه اعتراض و مخالفتی منابع و داراییهای آن کشورها را به غارت برد.

موقعیت آمریکا در خاور میانه، مخصوصاً در رابطه با کشورهای همسایه و همجوار افغانستان، دقیقاً بیانگر حضور مطلقه آمریکا در این منطقه است؛ پاکستان با وابستگی آشکار به آمریکا، ایران (در زمان شاه) به عنوان ژاندارم منطقه، کشورهای نفتی حوزه خلیج فارس به عنوان منابع تأمین انرژی آمریکا و مخصوصاً عربستان انبار سوخت و وکیل مدافع آمریکا در منطقه. با توجه این مراتب، حضور شوروی در افغانستان می تواند به عنوان خطر بالقوه ای برای منافع آمریکا در کشورهای نامبرده باشد و تأکید بیش از حد آمریکا بر حفظ ثبات و تأکید بر روابط دوستانه بین افغانستان و کشورهای همجوارش از این امر ناشی می شود. ذکر این نکته هم ضروری است که افغانستان منافع اقتصادی چندانی برای آمریکا ندارد.

با نفوذ شوروی در افغانستان و احتمال دخالت نظامی تا قبل از کودتای کارمل و بالاخره تجاوز نظامی به آن کشور، آمریکا موضع گیریهای گوناگونی داشته ولی همه این موضع گیریها بر یک محور استوار بوده و آن هم حفظ خود در افغانستان برای مقابله با نفوذ شوروی و به قول خودشان تأمین ثبات منطقه است.

حضور آمریکا در ایران در زمان شاه و پایگاههای اطلاعاتی در این کشور امتیاز ویژه ای بود که آمریکا در دست داشت و با جذب افغانستان به سوی خویش می توانست این امتیاز را ابعاد گسترده تری بخشد.

کودتای ۷ اردیبهشت ۵۷ تره کی، و بعد از آن انقلاب ایران، سپس انقلاب نیکاراگوئه و اشغال سفارت آمریکا در تهران ضرباتی بود که آمریکا در یک محدوده کوتاه زمانی با آن رو به رو شد.

بعد از کودتای تره کی، حمله نظامی شوروی به افغانستان همیشه به عنوان یکی از خطرات بالقوه برای منافع آمریکا محسوب می شد. (ناگوارترین تحولات از نظر منافع آمریکا این خواهد بود که سربازان جنگی شوروی وارد افغانستان شوند. سند ۱۰)

ولی تجاوز شوروی صورت گرفت و با اینکه گمان می رفت آمریکا قادر به انجام یک مانور مؤثر به خاطر شرایط موجود ذکر شده در بالا نیست، با این همه این امر مانع

ص: ۴۹۳

از آن نشد که آمریکا ابتکار عمل را از دست بدهد و در جهت توجیه اعمال جنایتکارانه اش با تمسک به این عمل شوروی دست به عملیاتی، چه در افغانستان و چه در سطح بین المللی زد که می توان آنها را به طور خلاصه چنین بررسی کرد:

الف: توجیه اعمال جنایتکاران خویش با تمسک به تجاوز نظامی شوروی: با توجه به درگیری و رقابت آمریکا و شوروی بر سر استعمار و به غارت بردن منابع کشورهای ضعیف، تجاوز نظامی شوروی به افغانستان باعث شد که آمریکا برای توجیه لشکر کشی و هجوم بی امان نظامی به خلیج فارس، اعزام کمکهای شایان نظامی به السالوادور..... از این بهانه استفاده کرده و حرکتیهای ضد امپریالیستی ملتها را بر علیه رژیمهای دست نشانده شان با مارک وابستگی به شوروی سرکوب کند؛ هر چند این مارک زنی از سوی آمریکاییها قبل از تجاوز نظامی به افغانستان نیز وجود داشت ولی با این عمل شدت گرفت.

ب: تلاش در منحرف ساختن حرکت اسلامی ملت افغانستان: با تبلیغ این مسئله از سوی ابرقدرتها مبنی بر این که هر حرکت ضد آمریکایی یک حرکت روسی، و هر حرکت ضد روسی یک حرکت آمریکایی است، آمریکاییها سعی بر این دارند تا نهضت ملت مسلمان افغانستان را با توجه به مبارزه تمام عیار بر علیه ارتش سرخ، یک مبارزه و نهضت آمریکایی نشان دهند. نتایجی که از تبلیغ این طرز فکر عاید می شود، در درجه اول کشورهای وابسته به غرب را حامیان حرکت ضد روسی ملت افغان معرفی می کند و خود این باعث شدت سرکوب ملت مسلمان افغانستان از سوی روسها می شود و ثانیاً باعث قطع حمایت جنبشها و حرکتیهای آزادیبخش غیر وابسته از این ملت می شود. این امر همچنین منجر به این می شود که این باور برای مجاهدین افغانی پیش آید که آمریکا و وابستگانش خواهان آزادی و استقلال آنانند و حتی کمکهای آمریکا در بعضی موارد از کانال کشورهای وابسته به خودش چون عربستان، مصر و پاکستان... این باور را برای آنان به وجود می آورد که این کشورها واقعا مسلمان و خواهان حاکمیت مسلمانان بر افغانستان هستند و مشاهده می شود که تا حدودی این باور در بعضی از گروهها به وجود آمده است و این مسئله از خطرناکترین و ظریفترین روشهای نفوذ آمریکا در نهضت ملت افغانستان است و بدین ترتیب نه تنها آمریکاییها موقعیت خود را در افغانستان تثبیت می کنند بلکه طرز فکر فوق را نیز گسترش داده و از رشد هر حرکت غیر وابسته ای به نحوی جلوگیری می کنند.

تبلیغ این طرز فکر افکار مجاهدین افغانی را آماده می کند تا نفوذ عینی عناصر آمریکایی را در گروههای مبارز عادی و طبیعی نشان دهد.

ج: نفوذ دادن افراد و حتی گروههای وابسته به غرب در نهضت اسلامی افغانستان: رشد حرکت و انقلاب ملت افغانستان و مقاومت و پایداری آنان در برابر ارتش تجاوزگر شوروی امید به پیروزی این ملت را در اذهان جهانیان گسترش داده. این امر به اضافه تأثیر تبلیغاتشان در به انحراف کشیدن افکار مجاهدان و مبارزان و درک نکردن عمق جنایت پیشگی آمریکا به خاطر عدم برخورد و تماس با آمریکا و جنبه صرفاً ضد روسی و ضد کمونیستی مبارزه، زمینه را برای نفوذ عوامل آمریکایی آماده کرده و این مسئله تا آنجا پیش رفته که وجود این عوامل و حتی وجود گروههای وابسته به غرب امری عادی و طبیعی است. در اینجا بحثی در ماهیت کثیف امپریالیسم غرب نیست ولی شناختن چهره پلید امپریالیسم آمریکا و مبارزه با آن لازمه یک حرکت اسلامی است؛ همان گونه که مبارزه و شناختن چهره کریه و پلید کمونیسم شوروی و این باب تذکر است به ملت مسلمان افغانستان برای جلوگیری از افتادن در دام امپریالیسم آمریکا که سعی





دارد از خصلت ضد روسی و ضد کمونیستی این مبارزه استفاده کرده و جهتی غربگرایانه بدان بدهد.

## گروهها و مردم افغانستان

اسناد موجود در این کتاب نمایشگر حضور عناصر آمریکایی و گروههایی با تفکرات غربگرایانه در صحنه مبارزه و جدال با تجاوزگران روسی است و حضور اینها در آینده و بعد از پیروزی ملت مسلمان افغانستان بر تجاوزگران اثرات نامطلوبی بر روند جریانات داخلی افغانستان خواهد گذاشت. با اعتقاد کامل به حقانیت مبارزه ملت مسلمان افغانستان و انگیزه اسلامی این حرکت و تفکیک گروههای وابسته از این ملت قهرمان ضروری به نظر می رسد تا آنچه که خطرات بالقوه ای در این حرکت هستند بررسی شود.

از آنجا که در هر انقلاب و نهضتی یکی از عمده ترین و حساسترین امور، امر رهبری می باشد و صرف مبارزه و بسیج توده ای بدون یک رهبری صحیح نه تنها تضمینی برای پیروزی ندارد بلکه در صورت پیروزی قطعی هم نهضت را با عدم سازماندهی و تشکیلات رو به رو می کند که باز منجر به شکست می شود. آنچه در افغانستان جریان دارد عدم وجود یک رهبری قابل قبول برای همه مبارزین و عدم سازماندهی مبتنی بر این رهبری می باشد. به هر حال توجه به ترکیب رهبریت و گروههای موجود مربوط به آنها و نقش و نفوذشان در جریانات آینده این کشور امری ضروری است. در محدوده اسناد این کتاب بررسی کلی غیر ممکن است ولی آنچه هم وجود دارد تا حدی نحوه عمل و وابستگی تعدادی از آنها را نشان می دهد.

نقش یک سری کشورهای وابسته به عنوان رابطهای آمریکا و این گروهها حائز اهمیت است و عمده نقش آنان نیز از وضعیت سیاسی خودشان و منافعی که در این رابطه عایدشان می شود ناشی می گردد و مهمتر از همه اینها گنجاندن اسلامی بودنشان در ذهن مردم افغانستان است. از جمله این کشورها پاکستان، عربستان سعودی، مصر و... است. پاکستان، به عنوان سدی بین افغانستان و آبهای اقیانوس هند که هدف نهایی تجاوزگران روسی است، منافع خویش را در آن می بیند که به حمایت از یک سری گروههای افغانی ادامه دهد و همچنین به خاطر حضور اکثر گروههای افغانی نقش پلی را دارد که کمکهای اکثر کشورهای مرتجع عربی و آمریکا و سازمان ملل را به پناهندگان و گروهها می رساند. پاکستان و حکومت نظامی آن با یک سری اصلاحات ظاهری از قبیل بستن کاباره ها و مراکز فحشاء و ادعای اسلامی بودن، خواهان باوراندن اسلامیت خویش به مردم است. این اسلام پناهی به اضافه کمکهای مادی و تسلیحاتی که از کانالهای مختلف برای ارائه به پناهندگان و شورشیان به پاکستان می رسد و کمکهای خود پاکستان باعث شد که پاکستان و حکومت نظامی از پناهندگان و حتی گروهها در جهت حاکمیت خویش و سرکوب حرکتهای ضد رژیمش استفاده کند. اسناد ۱۰۶، ۸۰، ۶۸، ۵۵، ۲۱ و ۱۸ بیشتر در رابطه با تماس گروهها و افرادی است که به نحوی در رابطه با آمریکا و کشورهای وابسته به آن هستند. عربستان سعودی نیز که با امکانات مالی فراوان در تلاش در جهت باوراندن اسلامیت خویش به مردم افغانستان و در حقیقت در جهت تحکیم مواضع اربابش آمریکاست، یکی از منابع مالی پناهندگان و آوارگان و بعضی از گروههای مبارز افغانی است. نکته ای مهم در بینش این گروهها، مخالفت و ترس آنها از پا گرفتن حرکت واقعی اسلامی مانند انقلاب اسلامی ایران است که در این مورد همنوایی با آمریکا به وضوح نشان داده می شود. به دو قسمت از دو سند که اولی اظهار نظر مقامات آمریکایی است و قسمت دیگر اظهارات نماینده یکی از



رهبران گروه‌های فعلی افغانستان می باشد توجه فرمایید:

«سقوط یک رژیم رادیکال چپی و مورد حمایت شوروی، بحق می تواند انعکاسهای مثبتی برای ایالات متحده در سراسر جهان سوم داشته باشد. همچنین علیرغم قلت اطلاعات ویژه، رژیمی که به رهبری مخالفان رژیم کنونی بر سر کار آید می تواند بحق به بازگشت حضور ایالات متحده، در زمینه عمرانی در این منطقه کمک کند، و برعکس رژیمی که بر شالوده تعالیم برخاسته از بنیادگرایی اسلامی استوار باشد، احتمالاً برای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی چندان اولویتی نخواهد داشت.» (سند ۶۵) «تارزی (نماینده و برادر زن سید احمد گیلانی رهبر محاذ ملی اسلامی انقلابی افغانستان) درخواست کرد که ائتلاف، یک طرح را برای یک سری سیاستهای گسترده مورد بررسی قرار دهد. آنها قبول کردند که چنین عملی برای جلوگیری از تمایل افغانستان به کشورهای نظیر ایران لازم است... او خاطر نشان کرد که رهبران مذهبی در نقش دادن آینده افغانستان سهمی داشته اند ولی تأکید کرد که در شورا فقط باید میانه روها نقش داشته باشند...» (سند ۸۰) اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و کمکهای عمرانی به عنوان ابزار امپریالیسم برای نفوذ در کشورها است و آمریکا با روی کار آمدن رژیم به رهبری مخالفان کنونی که براساس تعالیم برخاسته از بنیادگرایی اسلامی (واژه ای که انقلاب اسلامی ایران را بدان می خوانند) استوار نباشد امیدوار به حضور و بازگشت به افغانستان است و البته رژیمی که آمریکاییها خواهان آن هستند باید رنگ و لعاب اسلامی داشته باشد و به همین خاطر آقای تارزی مسئله میانه روها را برای جلوگیری از تمایل افغانستان به کشورهای نظیر ایران مطرح می کند. به هر حال مطالعه اسناد فوق تا حدی می تواند برای شناخت مسائل داخلی و بررسی وضع گروهها مؤثر باشد. با امید به پیروزی ملت مسلمان افغانستان بر علیه تجاوزگران روسی و نابودی امپریالیسم آمریکا و به امید روزی که ملت مسلمان افغانستان با آگاهی و هوشیاری تمام، دست تجاوزگران روسی را از میهنشان کوتاه کرده و پایه های یک حکومت اسلامی را در این کشور اسلامی پی ریزی نمایند و با امید به اینکه با طرد عناصر وابسته به غرب، تحقق بخش شعار نه شرقی، نه غربی، حکومت اسلامی باشند. در پایان متذکر می شویم که تعدادی از اسامی موجود در اسناد به علت اشتباه بودن انگلیسی آن یا ترجمه فارسی ممکن است کاملاً صحیح نباشد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

**گزارش بیوگرافیک محمد داوود رئیس جمهور افغانستان**

ص: ۴۹۶

سند شماره (۱) انتشار خارجی ممنوع اداره مرکزی اطلاعات (سیا) سری گزارش بیوگرافیک محمد داوود رئیس جمهور افغانستان اوت ۱۹۷۳- مرداد ۱۳۵۲ توجه این سند حاوی اطلاعاتی است که به تعریف فصل ۱۸، بخشهای ۹۷۳ و ۹۷۴ مجموعه قوانین اصلاح شده ایالات متحده، بر دفاع ملی ایالات متحده تأثیر دارند. انتقال یا افشا یا دریافت محتویات آن توسط افراد فاقد صلاحیت به موجب قانون ممنوع است.

تعیین تاریخ خروج خود به خودی از طبقه بندی نامقدور است.

سری - انتشار خارجی ممنوع افغانستان:

رئیس جمهور؛ نخست وزیر؛ وزیر دفاع، وزیر امور خارجه در اولین ساعات ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۳ سردار (شاهزاده) محمد داوود، نخست وزیر سابق و دیکتاتور (۶۳ - ۱۹۵۳) از طریق یک کودتای نظامی خیلی عالی اداره شده و عملاً بدون خونریزی به قدرت رسید و به ۴۰ سال حکومت برادر خوانده و پسر عمویش، شاه محمد ظاهر خاتمه داد. (شاه که در آن موقع در جزیره «نیپولیتان ایسشبا» در مرخصی به سر می برد در ایتالیا در سفارت آن کشور در رم باقی ماند. زن و خانواده اش در ۲۷ ژوئیه به او پیوستند.

به نظر می رسد که افسران جوان فعال در کودتا، داود را در آخرین لحظات در طرحشان گنجانیدند تا مقام ارشد را ایفا کند. بعد از به قدرت رسیدن، داود ظاهراً موقعیتش را در کابل و دیگر استانها مستحکم کرده است. بعد از آنکه طی یک وقفه ده ساله به قدرت رسید، پادشاهی را برانداخت و قانون اساسی ۱۹۶۴ را ملغی کرد و نظام جمهوری را اعلام نمود و خودش را به عنوان رئیس جمهور، نخست وزیر، وزیر دفاع، و وزیر امور خارجه معرفی کرد. ۱۴ عضو خانواده پادشاهی به تبعید فرستاده شدند. سردار شاه ولی خان و عبدالولی، دو نفر از دشمنان اصلی داود یا در بازداشت به سر می برند یا مرده اند. اگر آنها هنوز زنده باشند، حضور مداوم آنها در کشور ممکن است یک تهدید بالقوه را برای رژیم فراهم کند.

کابینه جدید، که به وسیله کارمندان سفارت آمریکا در کابل، یک چیز در هم و برهم و عجیب و غریب نامیده شده است، نشانگر توافقی است بین داود و افسران جوان که در اصل به نفع داود است. رئیس جمهور، پستهای بالا را اشغال کرده و همین طور انتظار می رود که امور طرحهای اقتصادی را نیز در دست بگیرد. معاون نخست وزیر و چند تن از وزرای پایین دیگر از نزدیکان داود می باشند. افسران جوان و دو نفر غیر نظامی که به نظر می رسد که هوادار آنها باشند، پنج پست را در دست دارند که شامل امور مالی و امور داخلی می شود. اگر کابینه ناتوانی و بی اثری خود را در اتخاذ یک تصمیم واحد ثابت کند ممکن است قادر باشد همقطاران بدون تجربه و ناهماهنگ و نامتحد خود را به کار گیرد.

**داود به عنوان یک فرد غیر متعهد بیطرف؟**

داود به عنوان یک فرد (۱) مردی قاطع و باهوش. داود همچنین دمدمی مزاج، خودسر، بسیار رک گو و خودپرست است. او یک مرد سخت کوش و در اواخر ۱۹۳۰ به یک مدیر با کفایت و توانا و صادق توصیف شده بود. در عرض ده سالی که به عنوان نخست وزیر کار می کرد سیاستهایش را با انرژی، اطمینان به نفس و به طور مستقل انجام داد. او کاملاً علاقه داشت که مدرنیزه شدن و بهبود وضع اقتصادی کشورش را افزایش دهد. یک نمونه از اصلاحات لیبرالی او برداشتن اجبار برای زندهای افغانی در پوشیدن چادری است (یک جامه چادر مانند و حجاب که طرح شده و بدن را از سر تا پای می پوشاند). داود از حمایت قابل توجهی در نیروهای مسلح، بین کارمندان قدیمی دولت و عناصر مشخصی از دانشجویان برخوردار است. گروههایی مانند رهبران مذهبی مرتجع با کارها و جهت گیریهای رفرمیستی او مخالفت کرده اند.

غیرمتعهد بیطرف؟ گزارشها نشان می دهد که داوود فردی شدیداً ملی گرا است که به جستجوی کمک از هر کجا که در دسترس باشد خواهد رفت. او ادعا می کند که یک غیر متعهد بیطرف است، ولی تصمیم او در مدرنیزه کردن افغانستان در زمانی که او نخست وزیر بود، به اعتماد زیاد به شوروی برای کمک کردن منتهی شد. او دلایل رو آوردنش به سوی شوروی را کمکهای نظامی آمریکا به پاکستان و حمایت اندک آمریکا از افغانستان ذکر کرد. او احساس کرد که خطر کمی در اعتماد کردن به آن کشور برای تأمین نظامی و اقتصادی وجود دارد. بر طبق اخبار گفته می شود که داود یک دفعه اظهار داشته است که وقتی که بتواند سیگار آمریکاییش را با کبریت روسی روشن کند خیلی خوشحال تر می شود.

موقعیت شوروی در کابل ممکن است به خاطر به قدرت رسیدن داود بهتر شده باشد، ولی فقط مقدار کمی. این گونه شایع شده که روسها از پیش در مورد نقشه های او در برانداختن شاه اطلاع داشته اند. بیشتر از ۲۰۰ تکنیسین و مشاور ارتشی شوروی در آن کشور بودند. خیلی از آنها با واحدهای ارتشی که پایه های اصلی کودتا را فراهم کردند، کار می کرده اند. با وجود این هیچ اثری از اینکه روسها کودتا را تحریک یا مستقیماً در آن کودتا دخالت کرده اند، وجود ندارد.

### داود به عنوان رئیس جمهور

در اولین نطق ملی خود، پرزیدنت داود با تندی از تجربیات ده ساله شاهنشاهی در دموکراسی صحبت کرد. ادعا می کرد که آن (رژیم شاهنشاهی -- مترجم) به خاطر دروغها، خیانتها، پارتی بازیها و منفعت طلبیها رو به انحطاط گذاشته بود. او ذکر کرد که خانواده شاهنشاهی از قدرتهایشان سوء استفاده کرده و باعث فلج اقتصادی، اداری و سیاسی شده بودند. او گفت که از اولویتهای مهم رژیم او پیشرفت اقتصادی و تغییرات اساسی اجتماعی خواهد بود.

ص: ۴۹۸

۱- این گزارش توسط مرکز خدمات مراجع تهیه و به مقدار لزوم با سیا و وزارت امور خارجه هماهنگ شده است. نظریات و سؤالات برای مایکل کاپس □ به شماره ۶۷۶۵ داخلی □۱۴۳ ارسال شود.

انعکاسهای بین المللی داود با اینکه تعهد داده که سیاست بیطرفی و عدم تعهد افغانستان را ادامه دهد، ولی باز بر روی، میل خود به پیدا کردن یک «راه حل دائمی» بر سر مسئله پشتونستان با پاکستان تاکید نموده است. پشتونستان اسمی است که به نواحی پشتو و بلوچی زبان ایران، افغانستان و پاکستان، مخصوصاً استانهای مرزی غرب پاکستان داده می شود. پشتوها گروه قبیله ای عمده در افغانستان هستند و خیلی از آنها به طور گسترده در مرز افغانستان و پاکستان زندگی می کنند. حامیان پشتونستان نه در محدوده دقیق آن توافق دارند و نه در هدفهای نهایی آن. عده ای فقط خواهان افزایش خودمختاری برای منطقه هستند و عده ای دیگر می خواهند که پشتونستان یک کشور مستقل باشد. داود از حامیان قدیمی استقلال است و در سال ۱۹۶۲ مقامات آمریکایی او را به عنوان یک نفر احساساتی و بی منطق در این موضوع تشخیص دادند. وقتی که او نخست وزیر بود، تنها در جشن سالیانه روز پشتونستان شرکت می کرد.

قبل از اینکه داود کودتایش را انجام دهد، روابط بین اسلام آباد و کابل سرد بود و به نظر می رسید که بدتر هم می شود. محمد موسی شفیق، فردی که قبل از داود نخست وزیر بود، ظاهراً خواهان روابط خوبی با پاکستان بود و مخصوصاً به پشتونستان علاقه مند نبود.

با این وجود، احساسات عمومی او را مجبور کرد که تبلیغات علیه پاکستان را افزایش دهد و در مه ۱۹۷۳ پاکستان افغانها را به دخالت علنی در امور داخلی پاکستان متهم کرد. داود برعکس شفیق نگران پشتونستان است و زمانی که او نخست وزیر بود، افراد قبیله ای و عده ای از دسته های معمولی سربازان را جهت به حرکت درآوردن یک شورش در مرز پاکستان فرستاد. این کشمکشها در اوایل ۱۹۶۰ به اوج خود رسید، زمانی که به نظر رسید دو کشور به جنگ نزدیک شدند، روابط دیپلماتیک به هم خورد و مرزها بسته شد.

کوششهای داود تقریباً با شکست کامل رو به رو شد. قبایل پاکستان جوابی ندادند، بسته شدن مرزها ( طرح شده بود که به پاکستان ضربه بزند) بخش اصلی تجارت خارجی افغانستان را قطع نمود که در نتیجه آن به آبروی داود خللی وارد آورد که این عمدتاً در برکناری نخست وزیر در ۱۹۶۳ دخیل بود. از آن موقع افغانها تبلیغات خود را زنده نگه داشته اند، ولی به تدریج از طرفداری از استقلال پشتونستان به حمایت افزایش خودمختاری برای استانهای مرزی پاکستان تغییر موضع داده اند. طرحهای فعلی داود در مورد پشتونستان روشن نیست. احتمالاً او حالا بیشتر در مورد خطرات یک سیاست پشتونستان فعال برای افغانستان و خودش واقف است.

به قدرت رسیدن داود، روابط بین تهران و کابل را که در گذشته اخیر به تدریج در حال بهبود بوده، تهدید می کند. قبل از این کودتا، شاه ایران نگران نفوذ شوروی در افغانستان بود. روابط صمیمی داود با شوروی ممکن است انعقاد یک معاهده در مورد تقسیم آبهای رود هیرمند و به همان اندازه دسترسی به تسهیلات راه و بندر که شاه به افغانستان قول داده بود، را به خطر بیندازد. شاه به نظر می رسد که هر خطری را برای وحدت پاکستان مانند خطری علیه ایران می بیند.

## زندگی اولیه و سوابق

محمد داود در سال ۱۹۰۹ در کابل به دنیا آمد.





او به مدرسه انگلیسی زبان حبیبیه در کابل رفت و بین سالهای ۳۰ - ۱۹۲۱ در فرانسه درس خواند. او بعداً به مدرسه افسران پیاده نظام در کابل وارد شد. از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۸ داود فرماندهی عموم و فرمانده استانیهای شرق و قندهار بود، جایی که از او به عنوان کسی که تغییرات فرهنگی و اجتماعی و پیشرفتهایی در متدهای کشاورزی به وجود آورده بود، نام برده می شد. در سال ۱۹۳۹ او فرمانده نظامی کابل شد و در اوایل سال ۱۹۴۰ او به عنوان فرمانده عمومی نیروهای مرکزی ارتش خدمت می کرد. داود در خلال سالهای ۴۸-۱۹۴۶ وزیر دفاع ملی بود و بعد سفیر در کشورهای فرانسه، سوئیس و بلژیک شد. در سال ۱۸۴۹ او دوباره به مقام وزیر دفاع ملی منتصب شد و رئیس اولین گروه از وزرای شورای عالی کشور بود.

در سال ۱۹۵۳ داود به سمت نخست وزیری، وزیر دفاع و وزیر طرح ریزی منتصب شد. ظاهر شاه او را در سال ۱۹۶۳ به خاطر سیاست ناسازگاری نخست وزیری در قبال پاکستان برکنار نمود. پیشنهاد شده بود که داود می توانست مقام خودش را نگه دارد، ولی تصمیم گرفت تا به خاطر انسجام خانواده شاهنشاهی استعفا بدهد.

### انتظار در کنار صحنه، سلامتی

بازنشستگی داود، در قدرتش و در امکان اینکه او از این قدرت برای برگشتن به سر کار استفاده کند خللی وارد نکرد. ناظرین معتقدند که حضور این شخص قدرتمند در کنار صحنه، اعتماد عمومی را خدشه دار کرد؛ که به عدم اجرای موفقیت آمیز تجربه ظاهر شاه در دموکراسی و تغییرات قانون اساسی او در ۱۹۶۴ منتهی شد.

در اوت ۱۹۶۸، داود و شاه برای یک آشتی کوشش کردند. مذاکرات آنها موفقیت آمیز نبود. برطبق گفته یک مقام دولتی افغان، در سال ۱۹۷۱ داود به طور خصوصی نارضایتی خودش را در مورد شاه اظهار کرد، کسی که او احساس می کرد کشور را دارد با اهمیت ندادن و تحمل فساد اخلاقی در میان اعضای خانواده سلطنتی خراب می کند. داود و برادرش شاهزاده محمد نعیم احساس کردند که قانون اساسی، خانواده سلطنتی را به مشغول شدن به فساد تشویق کرده است. آنها از داشتن شغلای اجتماعی منع شده بودند، لذا اعضای خانواده سلطنتی کوشش کردند که روی اشخاصی که این شغلها را داشتند، تأثیر بگذارند.

در یک پیشگویی، داود گفت که اعتماد زیاد شاه به ارتش می تواند باعث سقوط سلطنت شود. او شاه را متهم به خفه کردن ابتکارات وزرا کرد و هنوز بر این عقیده بود که برکناری او به عنوان نخست وزیر در سال ۱۹۶۳ نتیجه یک کنایه و شایعه بود. طبق گفته مقام افغانی فوق، داود، شاه را وادار کرده بود که اصلاحات لازم را انجام دهد.

سلامتی داود تحت معالجات پزشکی در سوئیس در سال ۱۹۵۹ برای چیزی که در آزمایشات، دیسک جابه جا شده شناخته شده بود، قرار گرفت.

در جستجوی کمک بیشتر پزشکی در وین در سال ۱۹۶۰، معلوم شد که او از تنظیم نبودن ستون فقرات و روماتیسم رنج می برد؛ اگر چه درباره او گزارش شده که علیرغم دنبال کردن یک زندگی شبانه سنگین

بیش از آنکه بیمار به نظر برسد، سرحال بوده است. با ترک وین در آوریل ۱۹۶۰ او به مراکز استراحتی اتحاد شوروی واقع در سوخی، جهت چند هفته استراحت و معاینه پزشکی رفت. در فوریه ۱۹۶۱ هنگامی که در رم بود، تحت عمل جراحی برای دیسک جابجا شده اش قرار گرفت. در مدت یک ملاقات که در انگلستان در ژوئیه ۱۹۶۱ داشت، مقامات انگلیسی در مورد سلامت بدنی و هوشیاری مغزی او نظر دادند.

داود در خانه اش به خاطر یک بیماری که فاش نشد برای دو هفته در اوت ۱۹۶۸ مجبوس شد. در ۱۹۷۲ او از یک حالت تورم کبدی رنج می برد که بدون تکمیل معالجات تحت مداوا قرار گرفت.

ناظرین مختلف در مورد سلامت مغزی داود شک کرده اند. در ۱۹۶۰ چندین عضو خانواده سلطنتی به او لقب «شاهزاده دیوانه» داده بودند. آنها گفتند که در وحشت به سر می برده اند و جرأت انتقاد از داود را نداشته اند. همان منابع ادعا کردند که داود به ظاهر شاه گفته تنها دلیلی که او هنوز شاه است به خاطر این است که او به عنوان نخست وزیر می خواهد او (ظاهرشاه- مترجم) در آنجا باشد. اخیراً یک مقام دولتی پاکستان، داود را به عنوان یک «دیوانه» واقعی توصیف کرد و ادعا کرد که رئیس جمهور یک بار تحت معالجات روانی در شوروی قرار گرفته است. اخیراً یک روزنامه نگار، داود را مانند (کسی که) خسته و خمود به نظر می رسد، توصیف کرد.

مسافرت داود در رأس هیئت نمایندگی افغانستان در سال ۱۹۴۸ به سومین دوره مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پاریس رفت. در سال ۱۹۵۳ او به عنوان نماینده شاه در تشییع جنازه ژوزف استالین در مسکو و در تاجگذاری ملکه الیزابت دوم در لندن شرکت کرد. او در کنفرانس کشورهای غیر متعهد در بلگراد در سپتامبر ۱۹۶۱ شرکت کرد. به اضافه کشورهای که ذکر شد، او از چین کمونیست در ۱۹۵۷، آمریکا در ۱۹۵۸، هند در ۱۹۵۹، ایران در ۱۹۶۰ و آلمان در ۱۹۶۱ دیدن کرده است.

## دیو بازارها

از زمان کودتا داود در جستجوی این بوده که محبوبیت خود و تحقیرش را از خانواده سلطنتی با پافشاری بر اینکه به او آقا داود بگویند و نه رئیس جمهور، به نمایش بگذارد. طبیعتاً نرم و غیر رسمی صحبت می کند، معمولاً ظاهری آرام دارد، ولی بعضی مواقع یک حالت وحشیانه از خود نشان می دهد.

گفته می شود که او با دوستان باوفا است، ولی گفته شده که نسبت به دشمنانش تند و حتی بیرحم است. به عنوان نخست وزیر او با لباس مبدل مغازه ها را مورد بررسی قرار می داد، با این عقیده که از صداقت فروشندگان مطمئن شود. به این دلیل او لقب «دیو بازارها» را به دست آورده بود. مطابق شایعات بازار، یک نانوا را به خاطر قیمت اضافه که بر روی نان کشیده بود به وسیله زنده پختن او در اجاق (تنور) خودش تنبیه کرد. بر طبق شایعات یک تنبیه عمومی تر (او این است که) گوش فروشندگان بی دقت را به دیوار میخکوب می کرده است.

رئیس جمهور یک مشروب خور خوب و یک سیگارکش قهار است. در مدت بازنشستگی او کمی علاقه به کشاورزی نشان داد. او خیلی روان ترکی، فارسی، پشتو و فرانسه صحبت می کند. او مقداری انگلیسی می داند، اگر چه ترجیح می دهد از آن استفاده نکند.



خانواده در ۱۹۳۴ داود با زینب جان، خواهر ظاهر شاه ازدواج کرد. آنها حداقل ۳ پسر و ۴ دختر دارند. یکی از دخترها بین سالهای ۶۲-۱۹۶۱ مقیم واشنگتن بوده است. یکی از پسران در مسکو درس می خواند، داود یک یا دو بار در سال او را ملاقات می کند. ۱۳ اوت ۱۹۷۳

## افغانستان در سال ۱۹۷۷

سند شماره (۲) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۳۰ ژانویه ۷۸ به: وزیر امور خارجه واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند ۰۸۲۰ کابل موضوع: افغانستان در سال ۱۹۷۷ ۱- خلاصه: در سال ۱۹۷۷ استقلال و امنیت افغانستان بدون تغییر ماند و به این ترتیب مورد رضایت هدفهای اصلی ما در مورد افغانستان قرار گرفت. رئیس جمهور داود کمک زیادی به بهبود ثبات منطقه ای کرد و بدین ترتیب به تحقق یکی دیگر از هدفهای اصلی آمریکا جامه عمل پوشاند و از اینکه اوضاع درهم و برهم پاکستان مورد بهره برداری قرار گیرد اجتناب کرد. داود به سیاست نزدیکی بین خود و بوتو، نخست وزیر سابق پاکستان که از سال ۱۹۷۶ آغاز شده بود ادامه داد و هم چنین قادر شد تا با ایران به حل اختلافات در مورد آبهای رود هیرمند (هلمند) به توافق متقابل برسد.

۲- حوادث مهم روابط دوجانبه آمریکا و افغانستان از این قرار بودند:

الف: برقراری یک کمیسیون مشترک برای مبارزه با مواد مخدر.

ب: پشتیبانی افغانستان از موضع سازمان ملل متحد در مورد مسائل مربوط به جزیره گوام و پورتوریکو.

ج: دعوت کارتر از داود برای دیدار رسمی از آمریکا. (پایان خلاصه) ۳ - مناسبات با آمریکا: روابط بین آمریکا و افغانستان در سال ۱۹۷۷ بسیار عالی بود. حکومت افغانستان تعهد خود را نسبت به آمریکا برای برقراری یک کمیسیون مشترک به منظور کنترل مواد مخدر و قاچاق مواد مخدر انجام داد. بر خلاف ۱۹۷۶ هنگامی که حکومت افغانستان تعهد خود را درباره عدم مخالفت با آمریکا در مورد مسئله گوام و پورتوریکو پس گرفت، این بار حکومت افغانستان در سال ۱۹۷۷ در مورد مسئله گوام و پورتوریکو به آمریکا کمک کرد.

داود دعوت کارتر را برای دیدار از آمریکا در تابستان ۱۹۷۸ پذیرفت. تأمین مالی آموزش افسران افغانی در آمریکا دو برابر شد تا بدین ترتیب سلطه شوروی در زمینه پشتیبانی خارجی نیروهای مسلح افغانستان خنثی شود.

۴- حکومت افغانستان در کوشش برای هماهنگ کردن برنامه های خود، با رهنمودهای کمکی کنگره آمریکا، به منظور استفاده از این کمکها کوشید. نگرانی افغانستان بر سر آنچه که به نظر آنها کاهش تعهد آمریکا در کمکهای عمرانی بود منطقه بود، ابراز شد. رهبران افغانستان اغلب به مقامات آمریکایی مقیم افغانستان و سایر مقاماتی که از این کشور دیدن می کردند گفتند که افغانستان خواستار کمکهای محسوس تر آمریکا و پیشنهاد متقابل آمریکا درباره حضور در این کشور برای مقابله با حضور شورویها



در آن است.

۵- مقامات افغانی دو تماس سطح عالی با رهبران آمریکا در سال ۱۹۷۸ داشتند. هنگامی که عبدالوحید کریم سفیر افغانستان استوارنامه های خود را در روز ۲۳ ژوئیه به رئیس جمهوری آمریکا تسلیم کرد، کارتر به او گفت: «ایالات متحده آمریکا تشکیل قانون اساسی شما را از نزدیک از مد نظر گذرانده است و ما به ویژه از تسهیلات مربوط به حقوق بشر آن آگاه هستیم... ما همچنین از کوششهای داود برای بهبود رفاه اقتصادی مردم افغان بسیار آگاه هستیم و مایلیم که در این کوشش کمکی کرده باشیم.» رئیس جمهوری همچنین حکومت افغانستان را درباره برقراری یک کمیسیون مشترک درباره مسئله مواد مخدر در افغانستان که دو روز قبل صورت گرفته بود مورد تمجید قرار داد و علاقه شدید شخصی خود را در کنترل مواد مخدر بیان کرد.

۶- سپس روز اول اکتبر اندکی قبل از اجلاسیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، وحید عبدالله، وزیر امور خارجه افغانستان با سایروس ونس، وزیر امور خارجه و اترتون، معاون او ملاقات کرد. به وحید عبدالله گفته شد که حکومت آمریکا مسئله تولید تریاک را در افغانستان به عنوان یک مسئله فوری و فوری تلقی می کند. (این نظر به وسیله سناتور ویلیام اسکات از ایالت ویرجینیا در جریان دیدار سناتور از کابل نیز منعکس شد. سناتور ویرجینیا به داود گفته بود که کمک آینده آمریکا مشروط به فعالیت حکومت افغانستان در کنترل مواد مخدر خواهد بود.) وحید عبدالله به طرف آمریکایی اطمینان داد که داود شخصا در پشت سر کوششهای حکومت افغانستان در کنترل کشت تریاک قرار گرفته است.

۷- در همین ملاقات عبدالله اظهار داشت که حکومت افغانستان خواستار روابط نزدیکتر با حکومت جدید آمریکا و همچنین یک حضور «مشهود» آمریکا در افغانستان می باشد. وزیر امور خارجه آمریکا پاسخ داد که آمریکا از استقلال و تمامیت ارضی افغانستان پشتیبانی می کند و به برنامه های کمکی خود ادامه خواهد داد. ونس، همچنین ضمن اظهار نظر بیشتر خود گفت که رؤسای جمهوری دو کشور باید همدیگر را بهتر بشناسند و در رابطه با این مسئله دعوت نامه رئیس جمهوری آمریکا را برای دیدار رسمی از ایالات متحده آمریکا در تابستان ۱۹۷۸ تسلیم وزیر امور خارجه افغانستان کرد. بعد رئیس جمهوری افغانستان این دعوت را پذیرفت.

۸- مناسبات با اتحاد جماهیر شوروی: مهمترین مناسبات دوجانبه افغانستان همچنان پیوند حساس و در عین حال سودآور این کشور با همسایه شمالی آن بوده است. شورویها ظاهرا از هر گونه مداخله ای در امور داخلی افغانستان اجتناب کرده اند و موضع خود را به عنوان کمک کننده اصلی به افغانستان (بیش از یک میلیارد دلار در ربع قرن اخیر، با مقایسه با کمتر از نیم میلیارد دلار از جانب ایالات متحده آمریکا بوده است) حفظ کردند.

هر چند که در سال ۱۹۷۷ هیچ گونه کمک اضافی به افغانستان از سوی شورویها تعهد نشد، طرفین مذاکراتی در ماه آوریل درباره مصرف هفتصد میلیون دلار اعتبار شوروی که تاکنون به افغانستان تعهد شده است انجام دادند. تحویل تجهیزات شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۷ شامل سلاحهای جدید مهم، مانند موشکهای... و زمین به هوا بوده است.

۹- از ۱۲ تا ۱۳ آوریل، داود از اتحاد جماهیر شوروی دیدن کرد که هر دو طرف، این دیدار را یک دیدار عادی توصیف

کردند که در ضمن، جزء مهم ترین انگیزه های داود برای دریافت دعوت نامه ای از

ص: ۵۰۳

آمریکا بوده است تا آنچه را که حکومت افغانستان به عنوان یک موازنه سیاسی بین دو ابر قدرت تلقی می کند حفظ شود). داود در جریان دیدار از مسکو یک قرار داد جدید ۱۲ ساله برای گسترش مناسبات اقتصادی و بازرگانی دو کشور افغانستان و شوروی امضاء کرد.

۱۰- مناسبات با چین: افغانستانها برای فراهم کردن نوع دیگری از موازنه نسبت به سفر داود به اتحاد شوروی، روز نهم آوریل از هیئت نمایندگی از جمهوری خلق چین تحت ریاست چای شوفان، معاون وزارت بازرگانی خارجی این کشور پذیرایی کردند؛ ولی این دیدار نتیجه چنان برجسته ای نداشت.

۱۱- هر چند داود در نطقی در اجتماع..... در اوایل سال اظهار امیدواری برای مناسبات رو به توسعه دائمی با چین کرده بود، ولی در این جهت هیچ اقدام برجسته ای در سال ۱۹۷۷، صورت نگرفت. راه نفوذ چین در افغانستان (که شامل بعضی طرحهای جزئی عمرانی است) کاملاً محقرانه است ولی این طرحها نیز کافی است که نشان دهنده بی طرفی افغانستان بین مسکو و پکن باشد.

۱۲- مناسبات با پاکستان: نزدیکی قابل ملاحظه بین داود و بوتو نخست وزیر سابق پاکستان که سال قبل آغاز شده بود در سراسر دوره تحولات سال ۱۹۷۷ در پاکستان ادامه یافت. بوتو در جریان دیدارش از کابل در ماه ژوئن (یعنی اندکی قبل از سقوطش)، با یک استقبال تشریفاتی ولی نسبتاً خویشان دار و سرد در افغانستان رو به رو شد و در آن زمان حکومت افغانستان پیشنهاد کرده بود که مذاکرات تفصیلی درباره پشتونستان (که از سوی افغانستان به عنوان تنها نقطه مورد اختلاف بین دو کشور توصیف شده است به بعد از انتخابات پاکستان که در آن زمان مورد انتظار بود) موکول شود.

تفاهمهای مشابهی بعداً با ضیاءالحق، فرماندار نظامی کل پاکستان، در جریان دیدار او از کابل در تاریخ ۱۱-۱۰ اکتبر حاصل شد. ضیاءالحق به افغانستانها اطمینان داد که همه عناصر جامعه پاکستان اکنون موافق با تشنج زدایی با افغانستان هستند، که این امر مورد توجه و رضایت افغانستانها قرار گرفت. افغانستانها نیز به نوبه خود با دقت هر چه بیشتر از هر گونه مداخله ای در امور داخلی پاکستان اجتناب کردند؛ هر چند هنگامی که ولی خان اخیراً از زندان آزاد شد و اجازه یافت که در فهرست سیاسیون قرار گیرد، آنها ابراز خشنودی زیادی در این باره کردند.

۱۳- شورویها از لحاظ ظاهر نسبت به نزدیکی افغانستان و پاکستان تاکنون هیچ گونه عکس العملی از خود نشان نداده اند. از سوی دیگر، مقامات آمریکایی، در هر دو کشور رضایت واشنگتن را درباره این تحول که یکی از مهمترین هدفهای منطقه ای آمریکا است. ابراز داشتند.

۱۴- مناسبات با ایران: داود همچنین مناسبات بهتری با پسر عمومی فرهنگی افغانستان، ایران، از طریق حل مسئله مورد اختلاف بین دو کشور مربوط به تقسیم آبهای رودخانه هیرمند - لاقل برای زمان حاضر - به ارمغان آورد. حکومت افغانستان پس از اینکه محمد نعیم، برادر و فرستاده ویژه داود را به تهران فرستاد تا راه را هموار کند، اسناد مربوط به تصویب قرارداد آبهای هیرمند را که در سال ۱۹۷۳ امضاء شده بود و بعد از سقوط حکومت سلطنتی که آن را مورد مذاکره قرار داده بود در حالت بلا تکلیفی به سر می برد به تصویب رساند. نعیم همچنین تفاهم ایران را در مورد طرح کنترل سیلابها و آبیاری رود هیرمند که



تا آن زمان مورد اختلاف بود به دست آورد. افغانستان مایل بود که این طرح را در هیرمند سفلی به مورد اجرا بگذارد. ( این طرح در مرحله تهیه است.) ۱۵- از لحاظ جنبه منفی، معذالک، افغانها همچنان نسبت به وعده های گذشته ایران در مورد کمک به

ص: ۵۰۴

افغانستان که افغانها به طور موجه آن را یک نوع ارتداد از جانب ایران تلقی می کردند نسبت به ایران احساسات خوبی نداشتند. به علاوه در اواخر سال، هر دو دولت به نحو شدید، ولی در عین حال بدون سروصدا می کوشیدند تا اختلافی را بر سر یک قطعه کوچکی از مرز بین دو کشور در نزدیکی اسلام قلعه در جاده مشهد به هرات حل کنند. دستگاه رهبری افغانستان که از اظهار نگرانیهای شاه درباره نفوذ شوروی در افغانستان و فقدان یک نقشه امن برای جانشینی داود سخت تحریک شده بودند، متقابلاً در هر فرصت مناسب نگرانی خود را بر سر مسئله جانشینی در ایران عنوان می کردند.

۱۶- روابط با سایر کشورها: در فصل پاییز، حکومت افغانستان از یک عده مقامات خارجی، در فواصل زمانی بسیار کوتاهی پذیرایی کرد و دیدار این مقامات نتیجه چندانی به بار نیاورد: با پلگرین توراس معاون وزارت امور خارجه کوبا (۲۳-۱۹ سپتامبر)، پال لوشونچی رئیس جمهوری مجارستان (۱۸ - ۱۵ اکتبر)، طه محی الدین معروف نایب رئیس جمهوری -- عراق (۲۵--۲۲ اکتبر)، مانگالین دوگر سورن وزیر امور خارجه مغولستان (۳۰-۲۶ اکتبر). وحید عبدالله وزیر امور خارجه افغانستان پس از بازگشت از مجمع عمومی ملل متحد و سیاحت در ایالت کالیفرنیا از کشورهای عراق و ایران و چند کشور ساحلی خلیج فارس دیدن کرد و در این کشورها کوشید تا مساعدت مالی کشورهای هم مذهب و ثروتمند خود را نسبت به افغانستان جلب کند. بیشتر این جنب و جوش دیدارهای دیپلماتیک به منظور تقویت استوارنامه های افغانستان به عنوان یک کشور فعال غیر متعهد بود، در عین حال افغانستان به نحو جاه طلبانه ای خود را برای میزبانی در ماه مه از کمیته فرهنگی گروه کشورهای غیر متعهد آماده می کرد.

حکومت افغانستان فعالیت خود را در پشتیبانی از نهضت کشورهای غیر متعهد در چندین زمینه، از قبیل کنفرانس دریاها و گفت و شنود اقتصادی شمال و جنوب افزایش داده است. افغانستان همچنین شدیداً علاقه مند است تا وضع کشورهای که به دریا راه ندارند از لحاظ عمرانی بهبود یابد و در سراسر سال ۱۹۷۷ هر فرصتی را برای پیشبرد این آرمان مورد بهره برداری قرار داده است.

۱۷- هر چند مطبوعات افغانستان، که تحت کنترل دولت است، گزارش داده اند که فعالیت مربوط به مذاکرات صلح در خاورمیانه به نحو کامل و متعادل در جریان است، حکومت افغانستان با احتیاط کامل سیاست دیرین خود را درباره اجتناب از هر گونه درگیری همچنان دنبال کرد و در این زمینه دقت خاصی، از زمانی که سادات با چند کشور عربی قطع رابطه کرده به کار برده است. افغانها خود را مسلمان غیر متعلق به نژاد سامی تلقی می کنند که از موضع گیری خاصی بجز طرفداری لفظی از آرمان عرب هیچ نفع دیگری ندارد.

۱۸- نظریه: منافع ایالات متحده آمریکا در پیشبرد و حفظ ثبات منطقه ای در طول سال از طریق بهبود ناشی از احساس مسئولیت مناسبات افغانستان با پاکستان و ایران، تحقق یافت. طرز عمل و رفتار او (داود -- مترجم) در مورد مناسبات دشوار و پیچیده کشور با اتحاد جماهیر شوروی بسیار ماهرانه و از روی توانایی صورت گرفت. از چندین لحاظ، اوضاع ژئوپلیتیک افغانستان تا اندازه ای شباهت به اوضاع فنلاند دارد و داود این مبارزه طلبی را اگر بهتر از ککونن (رئیس جمهور فنلاند -- مترجم) انجام ندهد، با او برابر است. ۱۹- برای پشتیبانی از کوششهای افغانستان در راه حفظ استقلال این کشور از فشارهای شوروی به وسیعترین درجه ممکن که هدف اصلی سیاست آمریکا در این کشور است، ما به نشان دادن علاقه دوستانه و

محسوس خود از طریق يك حضور مشهود آمريكا در اين کشور ادامه می دهيم. دیدار رسمی داود از

ص: ۵۰۵

ایالات متحده آمریکا از اقلام کلیدی برنامه سیاسی ایالات متحده آمریکا نسبت به افغانستان در سال ۱۹۷۸ به شمار می رود. لیوت سند شماره (۳) خیلی محرمانه بعضی از مهمترین شخصیت‌های دولت افغانستان پس از تره کی و امین:

شاه ولی: معاون نخست وزیر، وزیر امور خارجه و عضو شورای مرکزی حزب کمونیست. او عموماً به عنوان مرد شماره سه هیئت حاکمه افغانستان شناخته می شود. اختلاف آشکاری با امین یا تره کی ندارد.

یک پزشک تحصیلکرده در افغانستان است که احتمالاً دوره هایی در چکسلواکی دیده است. او همچنین وزیر بهداشتی و وزیر برنامه ریزی نیز بوده است.

محمد اسلام وطنجار، وزیر کشور: او تانک‌هایی را که در آخرین کودتا به کاخ حمله کردند رهبری می کرد و همچنین در کودتای قبلی در سال ۱۹۷۳ رانندگی تانک فرماندهی را به عهده داشت. پس از کودتا معاون نخست وزیر شد ولی به زودی مقامش تنزل پیدا کرد و وزیر کشور شد. (جایی که نفوذ کمی حتی در خود وزارت کشور داشت.) بعداً به مدت کوتاهی فرمانده ارتش بود و موقعی که دولت به یک سرباز محبوب احتیاج داشت وزیر دفاع شد و در آخرین تغییرات کابینه دوباره وزیر کشور شد.

وی به عنوان یک شخص با عرضه و جاه طلب و یک راننده تانک، شخص انعطاف پذیر که زیاد هم باهوش نیست، شناخته شده است. هیچ کس در شجاعت و میل به ریسک‌های شخصی که در وی وجود دارد، شک ندارد. هیچ نشانه ای مبنی بر عدم وفاداری به تره کی و یا امین از خودش نشان نداده است ولی به احتمال زیاد کسی خواهد بود که بر علیه دولت کودتا خواهد کرد (این موضوع مورد تأیید تره کی و امین نیز هست). او کمتر طرفدار روسیه است و عقایدش کمتر از غیر نظامیها در دولت عملی است.

سرتیپ شرجان مزدوریار، وزیر امور مرزها: این وزارتخانه مهم نیست و ممکن است که کار وی تمام شود. او اخیراً از وزارت کشور به این پست انتقال یافت. او قبلاً در آن واحد فرمانده یکی از تیپهای مسلح نزدیک کابل، فرمانده پادگان کابل و فرمانده سپاه ارتش در کابل بود. او با وطنجار خیلی صمیمی است و به احتمال زیاد با وی در کودتا شرکت خواهد کرد.

عبدالکریم میثاق، وزیر اقتصاد و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست: خودش درس خوانده و در یک خانواده فقیر بزرگ شده و زمانی از وی به عنوان مرد شماره چهار در دولت اسم برده می شد ولی احتمالاً مقامش تنزل پیدا کرده است. اطلاعی مبنی بر اختلاف وی با رهبران حزب نداریم.

دکتر محمد اقبال، معاون اول وزارت دفاع: او مسؤل این است که ارتش را وفادار کند و در حقیقت وی وزارتخانه را اداره می کند. (البته این موضوع ممکن است از یک ماه پیش که امین خودش مسؤل وزارتخانه شده است فرق کرده باشد.) او مرد مورد اعتماد امین است و در حلقه دولت، عامل بسیار مهمی محسوب می شود.

**موقعیت سیاسی و نظامی در افغانستان**

سند شماره (۴) موقعیت سیاسی و نظامی در افغانستان جنگها و قیامهای قبیله ای: محلی در استانهای شرقی که پس از به قدرت رسیدن کودتاجیان طرفدار

ص: ۵۰۶

روس در اواخر آوریل ۱۹۷۸ به وجود آمده بودند، تبدیل به طغیان در سراسر کشور شده است. (سری) الف: در مواجهه با دشمنی و خصومت، اکثر جمعیت افغانستان که از نظر سنتی مستقل می باشند، رژیم تره کی و نخست وزیرش امین خیلی بعید است که بتواند دومین سال خود را به پایان برساند. (سری) ب: رژیم تره کی و امین تا زمانی می تواند پایدار بماند که حزب حاکم، ارتش و سازمان امنیت به آنها وفادار باشند که فشار زیادی بر آنها از سوی نیروهای متخاصم وارد می شود.

۱- رژیم می که به احتمال زیاد جانشین این رژیم خواهد شد، رژیمی به رهبری و یا حداقل به پشتیبانی افسران چپی ارتش خواهد بود (وطنجار و یا مزدوریار).

۲- کودتاچیان که در هر صورت روابط نزدیکی با شوروی خواهند داشت، در به دست گرفتن قدرت از شوروی اجازه خواهند گرفت.

۳- شوروی خواهان به قدرت رسیدن رژیمی است که پایه های وسیعتر و مستحکمتری داشته باشد تا طغیان و قیام قبيله ها فروکش کند.

۴- پس از آنکه حزب دمکراتیک خلق افغانستان قدرت را در آوریل ۱۹۷۸ به دست گرفت. تره کی و امین رهبران رژیم بوده اند.

الف: اگر چه تره کی ۶۲ ساله در وضع جسمانی خوبی به سر نمی برد، ولی نشانه های موجود حاکی از آن است که نقش وی نسبت به روزهای اول انقلاب کاهش پیدا کرده است.

ب: امین تصمیم گیرنده بالفعل در امور روزمره دولت می باشد. این موضوع که وی قدرت اصلی رژیم است در تاریخ ۳۱ مارس که وی از سمت معاونت نخست وزیر به پست نخست وزیری ارتقاء پیدا کرد تأیید شد. لازم به توضیح است که پس از انقلاب، تره کی خودش نخست وزیر هم بود.

ج: خط دهنده و تصمیم گیرنده اصلی رژیم، شورای مرکزی هفت نفره حزب حاکم می باشد.

۱- تره کی، امین، معاون نخست وزیر، شاه ولی، رهبران شورای مرکزی می باشند.

د: ظاهراً رهبران سطح بالای حزب در مقابل مشکلات داخلی با هم متحد می باشند.

۱- البته اصطکاکهایی وجود دارد ولی رهبران تشخیص می دهند که موقعی که موجودیت خودشان به وسیله قیامها و طغیانها در خطر است، باید اختلافات را کنار بگذارند.

۲- موجودیت رژیم محاصره شده تره کی با افزایش و توسعه طغیانها به خطر افتاده است و این موجودیت شدیداً وابسته به پشتیبانی فنی، اقتصادی، نظامی و سیاسی شوروی می باشد (در حال حاضر بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ مستشار روسی در افغانستان می باشند).

الف: وابستگی کامل افغانستان به شوروی، رل بیشتری به شوروی در تصمیم گیریهای روزمره دولت افغانستان داده است.

۱- هنوز تره کی و امین ترسیم کننده خطوط اصلی سیاست می باشند.

ب: رژیم هنوز با یک موقعیت امنیتی مواجه نیست که اقتضا کند تا از شوروی درخواست مداخله مستقیم نماید.

۱- هر چند می توان تصور کرد که در ۱۲ ماه آینده احتمالاً از نیروهای شوروی تقاضای مداخله شود.

ج: روسها اقداماتی برای حفاظت منافع خود در افغانستان خواهند کرد ولی احتمالاً مداخله نظامی نخواهند کرد؛ اگر چه ممکن است واحدهای کوچکی برای حفاظت پرسنل خودشان به افغانستان

ص: ۵۰۷

بفرستند.

۱- روسها به خاطر آنکه ممکن است برای نجات دادن یک رژیم بی اعتبار، نیروهایشان را برای مدت نامحدودی در شوروی درگیر کنند، دست به این اقدام نخواهند زد.

۲- رهبران روسیه باید عواقب و بهای مداخله مستقیم را، مخصوصاً نسبت به ایران، پاکستان، هند و سیاست بین المللی بسنجند.

۳- با این حال اگر جنگهای نزدیک مرز شوروی شدت بگیرد، شوروی هواپیما، هلیکوپتر (MI-24) خلبان و مستشاران را به کمک رژیم کابل خواهد فرستاد.

۴- دولت در مقابل قیامهای قبیله ای که در حال گسترش هستند و قدرت نظامی را فرسایش می دهند، تاکنون پیشرفتی نداشته است.

الف: اگر کاهش روحیه ارتش ادامه پیدا کند، در قدرت دولت برای نگهداشتن شهرهای مهم مثل کابل اثر خواهد گذاشت.

ب: سربازان مجروح و سربازانی که به یاغیان پناهنده می شوند، رژیم را دچار کمبود نیرو در سراسر کشور کرده است.

ج: با وجود کمکها و پشتیبانیهای شوروی، افغانها دچار مشکلاتی در نگهداری وسایل و تدارکات جبهه شده اند.

۱- طغیان قبایل تقریباً در نیمی از کشور گسترده است. آنها در چند نقطه، محلهای دولتی را گرفته اند و چند جاده را هم برای چند ساعت در اختیار داشته اند ولی نتوانسته اند شهر مهمی را بگیرند.

الف: آنها فاقد رهبری مرکزی و همکاری استراتژیک هستند که آنها را متحد و تبدیل به یک نیروی پیوسته کند.

ب: آنها هنوز قادرند فشارهایی بر رژیم برای مدتی وارد کنند.

۱- آنها یک سنت و سابقه طولانی در جنگهای چریکی دارند و می توانند نیروی زیادی را بسیج کنند.

۲- احتیاج آنها به سلاحهای ساده، آنها را مقدور ساخته است تا با سلاحهایی که از دولت به غنیمت می گیرند، خودشان را مسلح کرده و زندگی کنند.

## اطلاعات بیوگرافی درباره کابینه افغانستان

سند شماره (۵) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۳ می ۷۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. طبقه بندی: سری رونوشت به: سفارت آمریکا در تهران شماره سند: کابل ۳۵۱۱ موضوع: اطلاعات بیوگرافی درباره کابینه افغانستان ۱- آنچه در ذیل می آید اطلاعات بیوگرافی درباره اعضای کابینه افغانستان است که در ماه می اعلام شده و فعلاً در دسترس سفارت است.



نورمحمد تره کي: نخست وزير و رئيس شوراي انقلاب (گزارش بيوگرافيك كابل ۳۳۷۲) بيرك كارمل: نايب رئيس شوراي انقلاب و معاون نخست وزير. كارمل (غالبا فقط به عنوان بيرك شناخته

ص: ۵۰۸

شده) در حدود سال ۱۹۲۹ در نزدیکی کابل متولد شد. او پسر یک ژنرال احتمالاً فامیل دور داود است.

وی هنگامی که در کابل بود یک دانشجوی آشوبگر بود و ۵ سال (از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۶) را در زندان گذراند. بعد از آزادیش از زندان دوره حقوق خود را به پایان رساند و با میر اکبر خیبر، رهبر کمونیست که قتلش در ۱۷ آوریل، اولین نشانه آشکار از ناآرامی بود که اتفاق افتاد، (گزارش کابل ۳۱۴۲) دوست شد.

تقریباً در سال ۶۰ او دوست نزدیک (عاشق) آناهیتا راتبزاده شد، که اکنون وزیر امور اجتماعی است. و در سال ۱۹۶۵ او برای پارلمان انتخاب شد. در ۱۹۶۵ به عنوان یک عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست در کنگره آن برگزیده شد. در ۱۹۶۷، او در مخالفت با گروه تره کی (خلق) برای تشکیل حزب پرچم به خیبر پیوست. به خاطر تماسهای نزدیک با ولی خان و حزب عوام ملی در پاکستان، او به عنوان یک حامی قوی مسئله پشتونستان شناخته شده بود.

در سال ۱۹۷۳ او «بزرگترین تظاهرات در تاریخ افغانستان» را برای اعتراض به موافقتنامه آبهای هیرمند با ایران، رهبری کرد. بزرگ یکی از هفت رهبر کمونیستها بود که توسط حکومت داود در ۲۵ آوریل دستگیر شد. (کابل ۳۲۲۷) حفیظ الله امین: معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه. امین در سال ۱۹۲۸ در پغمان متولد شد. در اوایل سال ۱۹۵۹ او به عنوان یک چپی آشوبگر شناخته شد. امین در رشته آموزش و پرورش متوسطه در سال ۱۹۵۸ از کلمبیا لیسانس گرفت و برای دو سال تحصیل اضافی (در سالهای ۶۵ - ۱۹۶۳) به کلمبیا بازگشت. هزینه هر دو اقامت موقتی او توسط بورس کمکی ایالات متحده تأمین شد.

امین با تره کی در اواسط سالهای ۶۰ همکاری نمود و در دسته بندیهای بسیار سخت بین خلق و پرچم در سال ۱۹۶۷ توسط پرچمیها متهم شد که عامل سیا است. به عنوان عضو مجلس عوام، امین گاهگاهی صریحاً علیه فعالیت‌های ایالات متحده در افغانستان صحبت می کرد. امین هم در میان آن کمونیستهایی بود که توسط حکومت داود در ۲۵ آوریل دستگیر شد.

ناخدا محمد اسلام: معاون نخست وزیر و وزیر مخابرات. (گزارش کابل ۳۳۵۰ را ببینید) سرهنگ عبدالقادر: وزیر دفاع. (گزارش وزارت خارجه ۱۱۰۰۷۴ و دفتر وابسته دفاعی، کابل ۷۸ - ۰۰۳۸ - ۸۰۰ - ۶ - ۸۴ را ببینید.) نور احمد (پنجوایی): وزیر امور داخلی. احمد یانور، یا پنجوایی، پسر یک ملاک ثروتمند در منطقه قندهار است. به نظر می رسد که او یک فارغ التحصیل دانشگاهی باشد. انگلیسی صحبت می کند و قبل از انتخابش برای پارلمان در سال ۱۹۶۵ یک کارمند جزء در وزارت امور خارجه بود. در سال ۱۹۶۸ او با بزرگ کارمل و حزب پرچم همکاری کرد. در پارلمان، او یک خط کمونیستی تندی را انتخاب کرد، اما اطلاعات بیوگرافی ما به طور مبهم بیان می کند که او ممکن است رام شدنی تر و بی تعصب تر از دیگر کمونیستها باشد.

سلطان علی کشتمن: وزیر طرح و برنامه، کشتمن در سال ۱۹۵۳ در کابل متولد شد. گزارش شده که او در سال ۱۹۶۶ عضو کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق (شکل پیشین حزب خلق) بوده است. در سال ۱۹۶۵ او برای به دست آوردن یک کرسی در مجلس عوام تلاش کرد ولی در انتخابات شکست خورد. در سال ۱۹۶۷ او پست مدیر کلی را در بخش اقتصادی وزارت صنایع و معادن تصرف کرد. خواهران او از اولین حامیان آناهیتا راتبزاده، وزیر امور اجتماعی، فعلی بوده اند.



عبدالکریم میثاق: وزیر دارایی. (هیچ اطلاعات بیوگرافی وجود ندارد) دکتر صالح محمد زاراری: وزیر کشاورزی. دکتر زاراری فارغ التحصیل دانشکده پزشکی دانشگاه کابل بود: جایی که او در تمام هفت سال شاگرد اول کلاسش بود. او در انتخابات ۱۹۵۹ کاندیدای پارلمان از قندهار شد. ظاهراً او گاهی در حین فعالیت سیاسی دستگیر شده بود. در آن موقع او یک عضو «کمیته مرکزی گروه بیرک» بود. یک گزارش دیگر دلالت می کند بر اینکه دکتر زاراری یک بار در اواخر سال ۱۹۶۹ به دلیل اینکه حزب خلق در مقابل دستگیری او به دولت اعتراض نکرده بود، از حزب استعفا کرد. او در آن موقع پیشنهاد کرد که توسط حزب می بایست از حفیظ الله امین (عضو سابق کمیته مرکزی خلق) خواسته شود که در اعتراض علیه دستگیری او (دکتر زاراری) از پارلمان کناره گیری کند. حزب استعفا او را به نحو کم اهمیتی در منطقه گزارش کرد. او بعداً دوباره سمت خود را در حزب خلق به دست آورد. زاراری شوهر خواهر مدیر روابط فرهنگی و خارجی دانشگاه کابل، پیرمحمد زاراری، است.

عبدالحکیم شهبابی: وزیر دادگستری و وکیل عمومی. شهبابی در سال ۱۹۶۲ یک دانشجوی دو ساله در بخش روزنامه نگاری دانشکده مراسلات بود. در آن موقع به او پیشنهاد شد که خبرنگار نیروهای امنیتی افغان شود. یک منبع گفت که او در همان موقع در حزب کمونیست فعال بود و انتظار داشت که بدان وسیله روزی رهبر مهمی شود. در سال ۱۹۶۳ شهبابی به عنوان یک کمونیست خیلی فعال آماده شده بود که برای به وجود آوردن و تحریک کردن اختلافات بین ازبکها و پشتونها در سرپل، نزدیک مزار شریف، مشغول فعالیت شود. در آن موقع او در بخش دایره المعارف افغان در وزارت آموزش و پرورش کار می کرد. منبع دیگری گزارش داد که در همین موقع او به طور منظم در تمام میتینگهای حزب کمونیست شرکت می کرد و برای انتشار تبلیغات حزب و «عقاید ضد اسلامی» وارد فعالیت شد. شهبابی یکی از کمونیستهایی بود که توسط دولت داود در ۲۵ آوریل دستگیر شد.

دکتر شاه ولی (آله کوزای ALEKOZAI): وزیر بهداشت عمومی. نام اخیر، آله کوزای، او را به عنوان یک پشتون از منطقه قندهار تثبیت می کند. (شاه) ولی از مدرسه پزشکی دانشگاه کابل فارغ التحصیل شد و دستیار یک پروفیسور در مدرسه پزشکی جلال آباد بود. او ممکن است مقداری تعلیمات در چکسلواکی دیده باشد. در زمان کودتا او معاون مدیر بیمارستان زنان دانشگاه کابل بود. (شاه) ولی یکی از هفت کمونیستی بود که در ۲۵ آوریل توسط حکومت داود دستگیر شد.

غلام دستگیر پنجشیری: وزیر آموزش و پرورش. پنجشیری قبلاً مدیر سانسور رادیو افغانستان (۶۵-۱۹۶۳) و مدیر جوایز ادبی وزارت اطلاعات و فرهنگ (۱۹۶۸) بود. او در سال ۱۹۶۹ در موقع انتخابات پارلمانی برای برکناری «پادشاه» زندانی شد و در سال ۱۹۷۲ آزاد شد. قبل از دستگیری او با خیبر و بیرک کارمل همکاری می کرد. اما ظاهراً هنگامی که در زندان بود از حزب پرچم، که در آن یک عضو کمیته مرکزی بود، استعفا داد. در ۱۹۷۰ پنجشیری و پسر عمویش یک گروه جداگانه تشکیل دادند و آن را دموکراتیک خلق کارگری افغانستان نامیدند. او یکی از هفت نفری بود که در ۲۵ آوریل دستگیر شد.

محمد حسن باریق شافعی: وزیر اطلاعات و فرهنگ «شاعر بزرگ افغان» شافعی، سردبیر نشریه جدید «خلق» در ۱۹۶۶ و مدیر فتوگرامتری در مؤسسه نقشه کشی وزارت صنایع و معادن از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۷ بود. او همچنین مجله «پشتون جاق» را چاپ کرد و در سال ۱۹۶۵ مدیر «پیام امروز» بود. در سال ۱۹۶۸ در وزارت اطلاعات و فرهنگ در یک پست نامعلوم کار کرد. در

خلال همان سال او سكرتر كميته

ص: ۵۱۰

مرکزی پرچم شد و بعد از اینکه تره کی از آن جدا شد او در حزب پرچم باقی ماند. در ۱۹۶۶ در یک گفتگوی بین تره کی و شافعی. مأمورین سفارت گزارش دادند که تره کی خیلی مشتاق شافعی بود و قبل از پاسخ به پرسشهای مشکل با او مشورت می کرد. اگر چه زبان شافعی فرضاً محدود به فارسی و پشتو است، ولی مأمورین بر این عقیده اند که او می تواند بیشتر مکالمه هایش را به انگلیسی انجام دهد.

سلیمان لایق: وزیر رادیو و تلویزیون. (گزارش کابل ۳۳۹۲ را ببینید). اسماعیل دانش: وزیر صنایع و معادن. دانش ۳۷ ساله است و فارغ التحصیل از مدرسه حبیبیا و دانشکده مهندسی دانشگاه کابل می باشد. سه سال و نیم را در ایالات متحده گذراند از اوایل سالهای ۱۹۶۰ تا اوایل سالهای ۱۹۷۰ او درجه BS و MS را در معدن از دانشگاه ویرجینیای غربی ایالات متحده به دست آورد. دانش، سه سال اضافی در مسکو گذراند، جایی که او یک لیسانس دیگر گرفت. دانش به عنوان مدیر مرکزی معادن ذغال سنگ ایشپوشتا، و مدیر مرکزی گزارشات علمی در وزارت صنایع و معادن خدمت کرده است و اخیراً او رئیس بخش فیزیک در مؤسسه پلی تکنیک بود. بر طبق گفته برادرش که یک کارمند محلی خدمات خارجی سفارت است، دوستان نزدیک نور محمد تره کی، حفیظ الله امین و سلطان علی کشتمن هستند، که به کابینه معرفی شدند. دانش یک عضو (حزب) خلق است.

سرهنگ محمد رای: وزیر امور عام المنفعه. (Publik Work) (اطلاعات بیوگرافی وجود ندارد). محمد منصور هاشیمی (هاشمی -- مترجم): وزیر آب و برق. محمد منصور هاشیمی پسر محمد هاشمی، متولد خاش، جورم، در سال ۱۹۳۴ است. او قبلاً معلم علوم در کالج تربیت معلم بود. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵، او در دانشگاه آمریکایی بیروت بود. در ماه مه ۱۹۶۳، او درخواست کرد برای تحصیل یک برنامه هیجده ماهه به ایالات متحده برود. در اوت ۱۹۶۳ برای مسافرت به دانشگاه کلمبیا ویزا گرفت. اطلاعات ما نشان می دهد که او به طور هفتگی در خانه یک مأمور دادگستری وزارتخانه برای میتینگ هسته مرکزی حزب کمونیست ملاقات داشت. این ملاقاتها از نوامبر ۱۹۶۶ شروع شد.

پروفسور محمود سوما: وزیر علوم عالی. سوما یک پروفیسور در دانشکده علوم است. او یا موافق و یا عضو حزب خلق است. تماسش را با اعضای شناخته شده حزب حفظ کرده است.

دکتر آناهیتا راتبزاده: وزیر امور اجتماعی. در حدود سال ۱۹۲۹ در کابل متولد شد. او در سالهای ۵۳-۱۹۵۱ در مدرسه نرسها در شیکاگو و مدرسه پزشکی در دانشگاه کابل حضور داشت. در حدود سال ۱۹۶۰ عاشق ببرک کارمل شد و وقتی برای پارلمان در سال ۱۹۶۷ انتخاب شد، با کارمل و نور احمد همکاری می کرد. «نور» به عنوان یکی از اعضای «اتحاد سه گانه کمونیستها در پارلمان» بود. گزارش شده که در سال ۱۹۷۳ آناهیتا در کمیته مرکزی حزب پرچم بوده است.

عبدالقدوس گورباندی: وزیر بازرگانی. در سال ۱۹۷۴ گورباندی یک عضو کمیته مرکزی پرچم بود و دوست نزدیک ببرک کارمل. ما در حال حاضر اطلاعات دیگری نداریم.

نظام الدین تهذیب: وزیر امور قبایل. تهذیب تقریباً متولد سال ۱۹۳۵ در کوندوز است. در اوایل سالهای ۱۹۶۰ تهذیب در کالج حبیبیا و در دبیرستان دولتی ابن سینا درس می داد. او فارغ التحصیل از دانشکده اسلامی دانشگاه کابل است. بعداً او

برای رادیو کابل کار کرد و سپس در وزارت آموزش و پرورش در بخش دایره المعارف شغلی به دست آورد و عضو یکی از واحدهای یکی از شعبات حزب کمونیست بود. گزارش شده که او در سال ۱۹۶۶ به طور منظم هر هفته در میتینگهای خانه

نور محمد

ص: ۵۱۱

تره کی شرکت می کرد. در آن زمان او مشغول تعلیمات حزبی بود. در ۱۹۷۰ او به مؤسسه معلمان برگشت و یک دوست خوب برای رای اسماتی (RAI SMATI)، بارق شافعی (BAREQ SHAFEI)، بیرک کارمل و سلیمان لایق شناخته شد و یک رتبه پایین حزبی را به دست آورد.

الیوت

## اولین مذاکره با رئیس جمهور جدید افغانستان

سند شماره (۶) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۶ می ۱۹۷۸ به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۳۶۱۹ کابل موضوع: اولین مذاکره با رئیس جمهور جدید افغانستان ۱- نور محمد تره کی، رئیس شورای جدید انقلابی افغانستان، که دوست دارد او را آقای رئیس جمهور خطاب کنیم، مرا در دفتر خودش واقع در ساختمان قدیم نخست وزیری در ساعت ۵ بعد از ظهر روز ۶ می پذیرفت. در مدخل ساختمان رئیس و نایب رئیس تشریفات به استقبال من آمده بودند. این دو نفر در رژیم سابق رئیس و معاون تشریفات بودند. معاون رئیس محمد زایی، وقتی که من از او درباره خانواده اش پرسیدم شروع کرد به زار زار گریستن. با همین حالت روحی مرا به دفتر رئیس جدید راهنمایی کرد. تدابیر امنیتی به حداقل رسیده بود و فقط یک خودرو زرهی در محوطه ساختمان نخست وزیری دیده می شد.

۲- تره کی از من با فشردن صمیمی دست و یک لبخند دوستانه، که عکاسان از آن عکس برداشتند، استقبال کرد. ما آن گاه در گوشه دفتر او نشستیم و شروع کردیم به گرمی سخن گفتن در حالی که عکاسان مشغول عکسبرداری بودند. هنگامی که من گفتم متأسفم از اینکه در جریان چهار سال و نیمی که در افغانستان بودم او را ندیده بودم و حتی ظرف ۹ روز گذشته متأسف تر شدم، او به نحو کاملی خندید. تره کی به زبان انگلیسی عالی ولی در عین حال زنگ زده مکالمه می کند.

۳- تره کی مذاکرات خود را با شرح موفقیت خود، در حالی که احساس مباهات می کرد و از آن لذت می برد، شروع کرد و تأکید کرد که این یک انقلاب بوده است نه کودتا. او گفت روز پنجشنبه ۲۷ آوریل ساعت نه بامداد تانکها به سوی کابل حرکت کردند ولی بیش از دو ساعت طول کشید که به مرکز کابل رسیدند. حدود عصر، رژیم داود در نبرد شکست خورد، هر چند بیهوده می کوشیدند شب هنگام نیروهای امدادی از ستاد سپاه مرکزی و از کرچا بفرستند. او گفت، با روشن شدن روز نیروی هوایی توانست کار را یکسره کند. در ضمن، در داخل کاخ از داود خواسته شد که تسلیم نشد، به طرف مهاجمین شلیک کرد، همسر و خانواده او هم این کار را کردند و بنابراین کشته شدند. تره کی گفت، مقصود این بود که داود را به عنوان یک اسیر بگیریم. تره کی افزود اگر داود زنده دستگیر می شد به احتمال قوی محاکمه صحرائی شده و تیرباران می شد. تره کی دیروز از بیمارستان دیدن کرده و به سربازی که با تپانچه سفید داود مجروح شده بود تبریک گفت.

۴- تره کی آن گاه گفت که تعجب می کند که چرا من نخستین سفیری نبودم که از او دیدن کنم. برای اینکه آنچه را که او می کوشد در افغانستان برقرار کند «حکومت مردم است، به وسیله مردم و از برای مردم».



برای آنکه اندکی اظهارات خود را اصلاح کند، گفت که این سؤال را از سفیر پاکستان نیز کرده است زیرا پاکستان و افغانستان وجوه مشترک فرهنگی و قومی بسیاری با یکدیگر دارند.

۵- آن گاه توضیح دادم که در چنین مواردی ما شناسایی رسمی اعلام نمی کنیم، بلکه همان طوری که من انجام داده ام، خاطر نشان می سازیم که ما می خواهیم مناسبات عادی دیپلماتیک خود را ادامه دهیم.

من در واقع گفتم، ما امیدواریم مناسبات کاری نزدیکی با حکومت جدید افغانستان داشته باشیم. من افزودم، همان طوری که در یادداشت ما اظهار شده است، من امیدوارم حکومت او به زودی از فرصت استفاده کرده و معتبر بودن معاهدات و موافقت نامه ها را تأیید کند. تره کی درباره این پیشنهاد اظهارنظری نکرد.

۶- در چندین مورد در جریان این مبادله تعارفات مقدماتی، تره کی به زمانی که او در ایالات متحده آمریکا گذرانده بود و دوستی او با آمریکاییها، و علاقه او به کیفیت آمریکایی، صراحت و رک بودن، اشاره کرد. ما با هم توافق کردیم که افغانیها و آمریکاییها وجوه مشترکی با همدیگر دارند.

۷- من آن گاه اظهار داشتم که می خواهم با او صریح باشم. من گفتم که، همان طوری که او می داند، ایالات متحده آمریکا هرگز در جستجوی امتیاز استراتژیکی یا سیاسی از افغانستان نبوده است. او قبول کرد. من گفتم که یکی از نکات اصلی سیاست ما این است که به افغانستان کمک کنیم تا استقلال، تمامیت ارضی و هویتهای خود را حفظ کند. او با شوق و ذوق سر خود را تکان داد. من گفتم از زمانی که انگلیسیها هند را ترک کردند، نظر ما این بوده است که تنها کشوری که می توانست استقلال افغانستان را تهدید کند اتحاد شوروی است. و او را متوجه کردم که سیاست ما در گذشته این بوده است که بلوکهایی علیه گسترش طلبی شوروی بسازیم، ولی اینک برداشت ما از این مسئله به مرور زمان بیش از پیش بغرنج تر شده است.

من گفتم که با توجه به موقع جغرافیایی و نیازهای اقتصادی افغانستان ما به خوبی درک می کنیم که چرا افغانستان مایل خواهد بود با شوروی مناسبات نزدیک داشته باشد. ولی اظهار داشتم، که اگر سیاستهای داخلی و خارجی افغانستان از سیاستهای داخلی اتحاد شوروی غیر قابل تمیز نباشد ما ناراحت خواهیم شد زیرا چنین وضعی هویت ملی افغانستان را محو خواهد کرد و به تشنجهایی در این قسمت از جهان منجر خواهد شد که بالنتیجه صلح مورد تهدید قرار خواهد گرفت. من گفتم که در چنین چهارچوبی است که سیاست غیر متعهد افغانستان را ارزیابی می کنیم.

۸- در پاسخ، تره کی تأیید کرد که افغانستان یک کشور مستقل و حاکم بر سرنوشت خود است و می خواهد چنین بماند. او گفت خوشوقت است از اینکه ایالات متحده آمریکا نظر با نرمش تری درباره جهان دارد و اعتراف کرده است که، مثلاً در مورد ویتنام مرتکب اشتباه شده است. او اشاره به این مطلب کرد که در خلال دوران سناتور مک کارتی در واشنگتن بوده است و خاطر نشان ساخت که نیکسون که در آن زمان معاون رئیس جمهور بود، از آمدن به یک ضیافتی در سفارت افغانستان خودداری کرد به این دلیل که افغانستان بسیار نزدیک به اتحاد شوروی بوده است. او اظهار خوشوقتی کرد از اینکه در حال حاضر ایالات متحده آمریکا چنین برداشتی نسبت به کشور او ندارد.

۹- آن گاه گفتم که در ارزیابی سیاستهای یک حکومت، در کشوری رو به رشد مانند افغانستان، ایالات متحده قبل از همه متوجه آن می شود که این حکومت برای بالا بردن سطح زندگی مردم خود و تأمین حفظ

ص: ۵۱۳

حقوق بشر از لحاظ های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی چه کار می کند. در این مرحله تره کی دستخوش شور و شعل شد و به تفصیل درباره اینکه چگونه حکومت او می خواهد به مردم افغانستان کمک کند سخن راند. او گفت که او و همکارانش بر خلاف اسلافش، در واقع درباره مردم فقیر این کشور غمخواری می کنند و علاقه ندارند پول در بانکهای سوئیس پس انداز کنند. او گفت در قضاوت نسبت به سیاستهای حکومت او، باید از مردم افغانستان پرسیم که آیا آنها موافق هستند یا خیر. او گفت در گذشته، خارجیان از اریستوکراتها و اشراف، که البته علاقه ای در کمک به فقیران نداشتند می پرسیدند، برای اینکه چنین سیاستی رفاه آنان را تهدید می کرد. درباره حقوق بشر، تره کی گفت این یک مسئله پیچیده ای است و هر ملتی خودش باید درباره حقوق بشری که بیشتر برای اوضاع و فرهنگ آن مردم مناسب است قضاوت کند. او به صراحت و روشنی گفت مایل نیست که ما قضاوتهایی درباره ارزشهایی بکنیم که معادل مداخله در امور داخلی افغانستان باشد. من به او اطمینان دادم که ایالات متحده آمریکا میل ندارد سیستم حکومتی خود را در جای دیگر برقرار کند، ولی در عین حال درباره حقوق بشر، آمریکاییها با همه اوضاع و احوال توجه زیادی دارند.

۱۰- تره کی آن گاه گفت حکومت او روش سایر کشورها را از لحاظ آمادگی آنها برای کمک به افغانستان مورد قضاوت قرار خواهد داد. او گفت که برنامه های عمران اقتصادی حکومت او هنوز تنظیم نشده است، ولی او از ایالات متحده آمریکا تقاضای مساعدت خواهد کرد، همان طوری که از اتحاد شوروی و سایر کشورها چنین تقاضایی خواهد کرد. او گفت شعار اصلی (مقصود او از شعار همان سیاست است و نه شعار) حکومت او، فراهم کردن نان، لباس و مسکن برای توده هاست. من به برنامه های کمک خودمان در سالهای اخیر و تأکید این برنامه ها بر بهداشت، آموزش و پرورش و کشاورزی برای روستائینان فقیر اشاره کردم. او گفت به من خواهد گفت، همچنان که به سفیر شوروی گفته است، که برنامه های کمکی ما شکست خورده است و اینکه این شکست در نتیجه فقدان تعهد رژیم سابق بوده است.

من گفتم که موافقم که برنامه کمک ما به هدفهای خود نرسیده است. او از من پرسید چرا؟ من در پاسخ گفتم که او کشور خود را بهتر از من می شناسد و می تواند تنها بگویم، که حکومت قبلی قادر به اجرای آن نوع برنامه ای که ما می خواستیم اجرا بشود نبوده است. او ظاهراً از این مطلب من اظهار شادمانی کرد.

۱۱- تره کی آن گاه گفت که می خواهد یقین داشته باشد که وقتی او موضوع «نان» را پیش کشید مقصودش چه بوده است. او گفت می خواهد برای هزارها افغانی که کشور را ترک کرده اند تا در بی نامی در خارجه کار پیدا کنند، کار فراهم کند. این به معنای ساختن صنایع زیر بنا خواهد بود و او اظهار امیدواری کرد که ما در این امر به او کمک خواهیم کرد. من گفتم که به محض اینکه وزیر مربوطه در حکومت او حاضر به بحث درباره چنین مسائلی باشد، رئیس هیئت برنامه کمک آمریکا و من خوشوقت خواهیم بود که چنین مسائلی را مورد بحث قرار دهیم.

۱۲- آن گاه گفتم که یک مسئله مهم دیگر از نظر ایالات متحده آمریکا ثبات این منطقه از جهان است.

من گفتم که از پیشرفتی که در سالهای اخیر در همکاری عمرانی منطقه حاصل شده است خوشحال شده ایم. تره کی گفت که این البته، مسئله ای خواهد بود که حکومت او مطالعه که خواهد کرد. او همچنین گفت که هنگامی که بحث درباره همکاری منطقه ای می شود، این بدان معنی نیست که همکاری با هند، پاکستان و ایران صورت گیرد بلکه همچنین با اتحاد

شوروی.

ص: ۵۱۴

۱۳- مذاکرات با بیان مطالب خوشایند همان طوری که آغاز شده بود پایان یافت. او گفت که امیدوار است اتحاد شوروی درباره او قضاوت بدی نداشته باشد، اگر او مسجدهای بیشتری بسازد. با همین لحن، او اظهار امیدواری کرد، که ما قضاوت بدی نسبت به او نخواهیم داشت اگر خود او به مسجد نرود. در پایان او گفت تمام آن چیزهایی که به من گفته است به سفیر شوروی نیز اظهار داشته است.

۱۴- نظریه: تره کی یک مرد لاغر، با موی سفید است، که مسن تر از شصت و یک سالی که دارد به نظر می رسد. دارای جذابیت و قدرت تلقینی است که می توان آن را به افغانیها ارتباط داد. او همچنین در نتیجه موفقیت خود سرسخت و پر از شوق و هیجان است. هنگامی که درباره نکته ای از خود به ویژه شوق و ذوق نشان می دهد، چشمهای او یک نوع حالت سببی مختص به ملت افغان می گیرد. مذاکرات ما بسیار صمیمانه بود. همچنین به نظر من یک گفت و شنود واقعی بود.

الیوت

### آینده برنامه کمک ایالات متحده آمریکا در افغانستان

سند شماره (۷) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۱۰ می ۱۹۷۸ به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۳۸۰۵ کابل موضوع: آینده برنامه کمک ایالات متحده آمریکا در افغانستان ۱- خلاصه: به نظر ما، دستورهایی که در تلگراف مرجع درباره کمکهای ما درباره افغانستان داده شده بسیار محدود و یک استراتژی فاقد نرمشی برای دنبال کردن منافع ما در اینجا بوده است. اگر اجازه بدهیم که بر روی این برنامه ها «گرد و خاک بنشیند» قبل از اینکه گفتگویی درباره مسائل کمکی داشته باشیم این امر ممکن است راهها و شقوق مختلف آینده را با رژیم جدید ببندد؛ اما توصیه می کنیم که مقاصد و نقشه های حکومت تره کی هر چه زودتر مورد آزمایش قرار گیرد.

۲- ما هنوز قادر نشده ایم تشخیص بدهیم که آیا حکومت جدید افغانستان در واقع می تواند به عنوان یک «رژیم کمونیستی» در چهار چوب بخش ۶۲۰ (F) از «قانون کمکهای خارجی» قرار بگیرد یا خیر.

حکومت تره کی به کرات این برچسب را رد کرده است و به همین جهت حتی کلمه سوسیالیستی را در هیچ کدام از اعلامیه های رسمی خود یا مذاکرات خود با ایالات متحده آمریکا به کار نبرده است. اکثر رهبران رژیم جدید را می توان در واقع دارای یک زمینه «حزب کمونیست» توصیف کرد (هر چند اسم «کمونیست» هرگز از طرف احزاب چپگرای افغانستان به کار نرفته است).

دستگاه رهبری جدید به طور انکارناپذیری از طریق خشونت و خونریزی به حکومت رسیدند، ولی آنها مدعی هستند که این خشونت برای سرنگون ساختن «دیکتاتوری مستبدانه» داود لازم بود. ما معتقدیم که مقاصد و سیاستهای حقیقی حکومت جدید ممکن است تا مدتی قابل مشاهده نباشد.

۳- حکومت جدید مطلقاً به طور علنی روشن کرده است که می خواهد از هر منبعی که باشد کمک بگیرد، منجمله از آمریکا؛

و این موضوع هم، برای من کاملاً روشن شده است و در چهارچوب کشورهای غیر متعهد، این امر به منزله قضاوت درباره «دوستانه بودن» کشورهای خارجی با توجه به آمادگی آنها

ص: ۵۱۵

برای فراهم کردن کمکهای اقتصادی خواهد بود. با توجه به این اوضاع و احوال، ما معتقد نیستیم که بر کنار بودن از گود یا روش منفی در پیش گرفتن امتیاز سیاسی با خود همراه داشته باشد، زیرا چنین موضعی رژیم جدید افغانستان را به وضعی دچار خواهد کرد که تماماً متکی به اتحاد شوروی و هم صف با آن باشد، مانند وضعی که کوبا نسبت به شوروی دارد. اگر بخواهیم مدت زیادی در انتظار بمانیم، این خطر وجود دارد که باعث شویم حکومت تره کی به این نتیجه برسد که از انتخاب کردن راههای اقتصادی غیر از اتکای کامل به مسکو و دست نشانندگان راه دیگری ندارد. بیرک، نایب رئیس حکومت افغانستان چنین ادعایی را امروز به من عنوان کرد. اگر همان طوری که امکان دارد، افغانستان از دریافت مساعدت از عربستان سعودی، کویت یا ایران محروم شود احساس فقدان راه دیگر، ممکن است در هفته های آینده در اینجا بیشتر شود.

۴- سایر کمک دهنده های غربی که ما با آنها مشورت کرده ایم، از جمله کاناداییها (رجوع شود به کابل ۳۷۱۶)، انگلیسیها و آلمان غربی، قصد دارند به برنامه های مساعدت جاری خودشان در این کشور ادامه دهند. آلمانیها به ما گفته اند که قصد دارند زمینه ها را آزمایش کنند و اعلام آمادگی کرده اند که طرحهای خود را ادامه می دهند و آن گاه محیط را در چهار چوب شرایط عملیاتی آزمایش کنند. اگر متوجه مخالفت یا سوء اداره از سوی افغانیها شدند، قصد دارند خود را عقب بکشند. اگر از سویی دیگر، آلمانیها متوجه شوند که رژیم جدید افغانستان قابلیت پذیرائی دارد، آنها حاضرند درباره برنامه های جدید مذاکره کنند.

ظاهراً در قوانین آلمان منع کمک به کشورهای کمونیستی وجود ندارد. تنها روش سیاسی که حکومت بن در مورد هر یک از اوضاع به کار می برد شرط است. مثلاً، آلمان به رژیمهای «سوسیالیستی» در آفریقا که می توان آنها را دقیقاً «کمونیست» نامید کمک می کند. در چنین مواردی آلمان هیچ گونه ارتباط معناداری با مسکو نمی بیند. در مورد رژیم جدید افغانستان، سفارت آلمان هنوز تصور نمی کند که حکومت تره کی را باید دقیقاً «کمونیست» یا وابسته به مسکو از طریق «توطئه بین المللی کمونیستی» توصیف کرد. علاوه بر این سازمان ملل متحد و بانک جهانی قصد دارند به عملیات خود در این کشور ادامه دهند.

۵- ما معتقدیم که کاری نظیر آلمانیها می توانیم در اینجا انجام دهیم. اتخاذ روشی که به نحو صریح از تقبل تعهدات جدید کمکی خودداری کند و به طور تلویحی هر گونه بحث معناداری را با حکومت جدید به حالت بلا تکلیفی در آورد، به احتمال قوی از سوی رژیم جدید به عنوان یک نشانه منفی تلقی خواهد شد.

۶- ما دو طرح داریم که متوقف کردن آنها در ارتباط با تعهدات جدید، عملاً پیشرفت را در اجرای آنها سد خواهد کرد. بدون تعهدات جدید در مورد طرح هیرمند، ما قادر نخواهیم بود مرحله دوم ساختمان زه کشی را تأمین مالی کنیم. در دوران بلافاصله قبل از انقلاب، به دولت قبلی طی نامه ای اعلام داشته بودیم که شرایط قبلی تحقق یافته است، و اینکه ما حاضریم موافقتنامه ای را درباره اصلاح طرح، امضا کنیم که به موجب آن ما متعهد می شویم ۲/۳ میلیون دلار برای زه کشی اختصاص دهیم. اوضاع مشابهی نیز در مورد طرح مربوط به غله وجود دارد. اگر حکومت جدید تصمیم بگیرد پیشنهاد قرار داد MIAC را بپذیرد ما قادر نخواهیم بود تا زمانی که پولهای اضافی تعهد نشود هیئتی را به منطقه عملیات بفرستیم، در ماه جاری تعهدی به مبلغ ۸۶/۱ میلیون دلار برای تأمین مالی این طرح به مدت یک سال در نظر بوده است.

۷- بحثها با حکومت قبلی درباره سایر طرحها به مرحله ای رسیده بود که در صورت خودداری حکومت جدید از پیشرفت در این زمینه شتاب حرکت ما به نحو محسوسی صدمه می دید، به طوری که ما

ص: ۵۱۶



نتوانیم این شتاب را دوباره به دست بیاوریم و این یک علامت سیاسی منفی خواهد بود.

اسناد طرح، برای آموزش پشتیبانی از عمران و برای نیروی انسانی فنی مورد لزوم در طی ماه ژوئن جهت شرکت کنندگان در این طرح از سوی آمریکا، لازم خواهد بود. اصلاحیه جدید طرح خدمات بهداشتی در زمان انقلاب نزدیک به تکمیل بود. وزیر جدید بهداری علاقه خود را به بحث درباره پیشبرد این طرح (۳۵۴۳ کابل) اعلام داشته است. وزارت آموزش عالی همچنین به از سر گرفته شدن گفت و شنود مربوط به کمک، علاقه مندی نشان داده است. (۳۷۳۲ کابل) ۸ - هر چند ما در حال حاضر توصیه نمی کنیم اقداماتی در مورد امضای قرارداد صورت گیرد معذالک، معتقدیم که برای سفیر و مدیر و برنامه های کمک بسیار سودمند خواهد بود که در جریان دیدار از وزیران برنامه ریزی و سایر وزیران مربوط بتواند تفکرات و مقاصد آنها را درباره نقشه های عمرانی مورد ارزشیابی قرار دهند؛ به ویژه در زمینه های دارای اولویت. ما همچنین مایلیم اطمینان داشته باشیم که حکومت جدید تعهدات خود را طبق قراردادهای موجود طرح درک کرده و آنها را می پذیرد. یک چنین کسب نظرهایی ما را عمیقاً از قبل متعهد نخواهد کرد که به آنها کمک کنیم، بلکه بدان معنی خواهد بود که اگر ما یک پاسخ قابل قبول از حکومت جدید به دست بیاوریم، حاضر خواهیم بود به سرعت درباره آن چند طرحی که آماده هستند و ما می توانیم درباره آنها به توافق برسیم پیش برویم. ما همچنین تأکید خواهیم کرد که آمریکا متعهد است به فقیران جهان کمک کند، ولی توانایی ما برای چنین کاری در افغانستان به اندازه زیادی، بستگی به اقدامات حکومت جدید در زمینه حقوق بشر و همچنین تعهد آنها نسبت به رشد اقتصادی و اجتماعی خواهد داشت. در این مورد باید ما خاطرنشان سازیم که حکومت جدید به کرات تعهد خود را برای فراهم کردن «غذا، لباس و مسکن» تأکید کرده است و حکومتهای قبل را به خاطر سهل انگاری در کمک به فقیران شدیداً مورد حمله قرار داده است. امین، وزیر امور خارجه همچنین به من گفت که حکومت ما میل به داشتن مناسبات مسالمت آمیز با همه ملل است تا به آن امکان دهد مشکلات داخلی خود را با آنها در میان بگذارد. بدین ترتیب ممکن است چنین باشد که این حکومت پویاتر و کاراتر از رژیم داود در بالا بردن وضع اکثریت فقیر باشد. البته در این باره زمان ثابت خواهد کرد.

۹- به طور خلاصه، ما معتقدیم که اقدامات آزمایشی به منظور کسب نظر در جهت خطوط فوق در این زمان لازم است تا بتوان تا اندازه ممکن راه کمک ما در اینجا در صورتی که واقعا مایل باشیم در صحنه مساعدت به افغانستان باقی بمانیم، حفظ شود. ما معتقدیم چنین موضعی راههای مختلف سیاسی ما را برای ما باز خواهد گذاشت. ما باید درباره مقاصد حکومت جدید به طور غیر مستقیم کسب نظر کنیم و آمادگی خود را برای حرکت به پیش در مورد طرحهای جاری کمکی نشان دهیم تا حکومت جدید مسئولیتهای خود را طبق موافقتهای طرح تأیید کند و ما همچنین باید آمادگی خود را به ادامه گفت و شنود درباره موافقتنامه طرح خدمات اساسی بهداشتی و طرحهای **IMD** و **DST** نشان دهیم. اگر در وزارت امور خارجه و اداره کمکهای خارجی با هیچ گونه مخالفتی رو به رو نشود، این برنامه ماهیگیری در جریان دیدارهای من و مدیر کمکهای خارجی آمریکا از وزیران مربوط در برنامه های کمکهای اقتصادی آغاز خواهد شد.

۱۰- و اما درباره آینده، ما شدیداً امیدواریم که هدفهای ما در افغانستان می تواند به وسیله یک برنامه کمکی که از سوی رژیم جدید به عنوان یک برنامه معنادار و کمک دهنده باشد پشتیبانی شود. ما باید قادر



باشیم تا هر چه زودتر در این بازی تشخیص دهیم که آیا چنین کاری ممکن خواهد بود یا خیر.

۱۱- تقاضای دستور هر چه زودتر. من سرگرم دیدارهای خود از وزیران جدید هستم؛ همچنان که همه سفیران دیگر این کار را می کنند و اگر من از دیدار وزیر عمران اجتناب کنم این موضوع قابل یادداشت خواهد بود. الیوت

### ارزیابی ایران از تحولات افغانستان و روابط ایالات متحده و افغانستان

سند شماره (۸) از: سفارت آمریکا -- تهرانخیلی محرمانه به: وزارت خارجه -- واشنگتن، دی. سی. تاریخ: ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸  
موضوع: ارزیابی ایران از تحولات افغانستان و روابط ایالات متحده و افغانستان ۱- گیرندگان تلگرام آگاه هستند که شاه عملاً از ابتدای امر این نظر شخصی را داشته که دولت جدید افغانستان از هر نظر، خدمتگزار روسهاست. او این نظریه را در پشت سیاست رسمی «صبر کن و ببین» که به دولت جدید افغانستان امکان هر گونه تردیدی را می دهد پنهان نموده است. روابط رسمی مثل گذشته ولی محتاطانه ادامه پیدا کرده اند، از جمله ادامه پرداختها روی تعهدات موجود اقتصادی (تهران ۷۸۱۸ و یادداشت به وزارتخانه و کابل در ۲۳ اوت).

۲- شاه در عین حال به روشنی برای سفیر توضیح داد که وی حاصلی از مدارا کردن با رژیم جدید افغانستان نمی بیند، ولی مطابق تمایلات آمریکا در مورد این موضوع عمل خواهد کرد. بنابراین چنانچه قرار است سیاست ایالات متحده دستخوش تغییری شود بایستی که از پیش مطلع گردد. (برای مثال، متمم سنا به لایحه قانونی همکاری خارجی). او سپس انتظار دارد که سیاست مخفی تبدیل به سیاست علنی بشود. شاه فرض خواهد نمود که پاکستانیها چنین تغییری را به عنوان مقدمه ای برای حمایت زیادتر ایالات متحده ایران از آنان، مورد استقبال قرار دهند. این موضوع ممکن است او را دچار تأمل کند ولی احتمالاً وی در نهایت به تصمیم گیری در مورد انتخاب یک سیاست موازی با سیاست ما خواهد پرداخت.

### فرمان جدید از افغانستان، ترتیبات ازدواج را آزاد می سازد

سند شماره ۹ از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۲۳ اکتبر ۱۹۷۸ به: وزارت خارجه -- واشنگتن طبقه بندی: محرمانه موضوع: فرمان جدید از افغانستان، ترتیبات ازدواج را آزاد می سازد ۱- متن فرمان شماره هفت شورای انقلاب جمهوری دموکراتیک افغانستان درباره ازدواج که در ۱۷ اکتبر انتشار یافت در زیر آمده است:

شروع متن فرمان شماره ۷ مهریه و مخارج ازدواج این فرمان برای اجرای ماده ۱۲ خطوط اصلی وظایف انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و به منظور تضمین حقوق برابر زنان و مردان در محدوده حقوق مدنی و برای از میان برداشتن روابط پدر شاهی

فئودالی بین شوهر و زن و نیز برای انجام روابط خانوادگی صمیمانه بیشتر صادر شده است.

ماده یک هیچ فردی نباید دختری را در مقابل پول یا متاع به عقد یا نامزدی در آورد.

هیچ کس نباید به نام سهم ازدواج، داماد را در هنگام ازدواج مجبور به پرداخت پول یا دادن متاع بنماید.

ماده ۲ هیچ کس نباید به نام عیدی، نوروزی، براتی یا دیگر جشنها، داماد یا ولی او را مجبور به تهیه لباس، یا هدایا برای دختر یا خانواده اش بنماید.

ماده ۳ دختر یا ولی او نباید به اسم مهریه پول نقد یا متاع بیش از ۱۰ درهمی که در شرعیات مشخص شده که براساس نرخ بانکی جاری نقره از ۳۰۰ AFS تجاوز نمی نماید دریافت کند. (تذکر: ۳۰۰ AFS با نرخ تبدیل ارز روز ۲۳ اکتبر ۱۹۸۷ از ۱۰ دلار کمتر می باشد.) ماده ۴ ازدواج یا نامزدی بایستی با رضایت کامل طرفین صورت گیرد؛ بنابراین:

۱- هیچ کس بایستی ازدواج را تحمیل کند.

۲- هیچ کس نباید از ازدواج آزاد یک بیوه جلوگیری کند و یا او را به خاطر رابطه یا روابط کوتاه نظرانه مجبور به ازدواج نماید.

۳- هیچ کس نباید به بهانه نامزدی، مخارج تحمیلی نامزدی یا به وسیله استفاده از زور از ازدواج قانونی شخصی دیگر جلوگیری به عمل آورد.

ماده ۵ نامزدی یا ازدواج زنان کمتر از ۱۶ سال و مردان کمتر از ۱۸ سال مجاز نیست.

ماده ۱۶- کسانی که از مقررات این فرمان سرپیچی نمایند محکوم به زندان از ۶ ماه تا سه سال خواهند شد.

۲- پول یا کالاهایی که برخلاف مقررات این فرمان دریافت شده ضبط خواهد شد.

ماده ۷ این فرمان پس از انتشار در روزنامه رسمی اجرا خواهد شد.

۲- نظریه: دولت در نظر دارد از طریق فرمان جدید، ازدواجهای اجباری کودکان و بیوه ها را محدود نماید و هزینه های سستی ازدواج که اغلب خانواده های درگیر را به مقدار زیادی مقروض می کند کاهش

دهد. در حالی که احتمال دارد جهیزیه و مهریه در بین عروس و دامادها و پدر و مادرهایشان رواج داشته باشد، ولی این سنتها عمیقاً در جامعه افغان ریشه دارد و در پشت آنها مجوز رسمی مذهبی و تاریخی وجود دارد. به این لحاظ هر گونه تلاش جدی از طرف دولت برای اجرا نمودن این فرمان، خصوصاً در مناطق روستایی پیرو سنن قدیم، احتمالاً در ابتدا با مقاومت قابل توجهی رو به رو خواهد شد.

شاه ظاهراً در اواخر دهه ۱۹۵۰ ممانعت‌های مشابهی را به عمل آورد. چنانچه خانواده‌ای، دختر مشخصی را به عنوان عروس برای پسرشان می‌پسندیدند، آنها مجبور بودند تا به طور مخفیانه با مخارج سنتی موافقت نمایند. خانواده‌ای که پول می‌پرداخت بعد از آن به طور قابل درکی از به دشمنی کشیدن رابطه غیرقانونی (جعلی) جدید با خانواده دختر به وسیله معرفی کردن آنان به دستگاه عدالت شاه اکراه داشت. قانون انجام نشد و منسوخ گردید.

۳- بایستی ذکر گردد که مهریه به طور سنتی مبلغی پول مورد توافق قرار گرفته است که در زمان ازدواج به نام عروس می‌شود ولی تحت کنترل شوهر باقی می‌ماند مگر اینکه او (شوهر) از همسرش جدا شود که در آن موقع پول به زن برمی‌گردد. در حقیقت مهریه یک نوع نفقه از پیش مورد توافق گرفته می‌باشد. از میان برداشتن این وسیله تأمین (و وسیله جلوگیری از طلاق) بدون تأمین مدنی که به جای آن قرار گیرد عملاً زنان را از آن به بعد در مقابل شوهرانشان در وضعیت پر مخاطره تر اقتصادی و اجتماعی قرار می‌دهد.

۴- برخی از شوخ طبعان کابلی گفته‌اند که اکنون آنها می‌توانند سهمیه اسلامی کاملشان از ۴ همسر را به دست آورند. البته آنها به طور خوش بینانه‌ای هزینه‌های سنگین مسؤل بودن برای ۴ زن را که به طور سنتی از آن برخوردار هستند و تقاضای رفتار مساوی را دارند، از نظر دور می‌دارند.

## ارزیابی تحولات افغانستان و روابط افغانستان با آمریکا

سند شماره (۱۰) سری از: وزارت امور خارجه در واشنگتن تاریخ: یک دسامبر ۱۹۷۸ به: سفارت آمریکا در کابل موضوع: ارزیابی تحولات افغانستان و روابط افغانستان با آمریکا ۱- ما با خطوط عمده ارزیابی شما درباره گرایش کلی تحولات در افغانستان، چشم انداز نامعلوم بازگشت به سوی روابط نزدیک آمریکا و افغانستان موافقیم. معذالک هنوز درباره شکل اوضاع در آینده نزدیک معلومات دقیقی نداریم. حتی تصور می‌کنیم که رژیم کنونی همچنان بر اوضاع مسلط است و معتقدیم که ما باید بر این مبنا اقدام کنیم که روابط سازنده آمریکا و افغانستان هنوز امکان پذیر است. ما نمی‌دانیم که چه هنگامی اوضاع روشنتر خواهد شد و آیا چنین خواهد شد یا خیر و اینکه جمهوری دمکراتیک افغانستان یک پیرو فرمانبردار تحت تسلط اتحاد جماهیر شوروی خواهد بود، یا اینکه یک رژیم رادیکال چپگرا در لبه نهضت کشورهای غیر متعهد ولی با ماهیت ویژه افغانی و درجه‌ای از استقلال تأسیس خواهد شد یا خیر. ناگوارترین تحولات از نظر منافع آمریکا این خواهد بود که سربازان جنگی شوروی وارد افغانستان شوند و این امر اوضاع تمامی منطقه را به طور جدی برهم خواهد زد.

۲- ما مانند شما منافع منطقه‌ای خود را در درجه اول در بررسی یک برداشت ویژه نسبت به جمهوری دمکراتیک افغانستان می‌بینم و یک افغانستانی که قومیت گرا باشد و مورد پشتیبانی شوروی باشد، از نظر ما تهدید بسیار جدی برای صلح و ثبات

این منطقه است و ما معتقدیم که این یک ترس واقعی، به ویژه در

ص: ۵۲۰

پاکستان و همچنین در ایران است.

۳- ارزیابیهای همسایگان افغانستان مشابه ارزیابی خودمان است هر چند پاکستان و ایران به طور جدی معتقدند که افغانستان به نحو «برگشت ناپذیری» از دست آنها رفته و متمایل به شوروی شده است.

پاکستان ظاهراً می خواهد که ما در ارزیابی آنها از این تهدید سهیم باشیم، شاید بدین منظور که تعهد بزرگتری نسبت به امنیت پاکستان به دست آورند. در هیچ زمانی پاکستانیها سیاست حفظ حضور ایالات متحده را در افغانستان مورد سؤال قرار نداده اند. هندیها ظاهراً درباره اینکه بتوانند با جمهوری دموکراتیک افغانستان سر و کار داشته باشند حرارت بیشتری نشان می دهند. معذالک آنها درباره نفوذ فزاینده شورویها در کابل نگرانی عمیقی دارند و هنگام قضاوت درباره واکنشهای احتمالی منطقه ای نسبت به هر گونه تغییر نسبت به افغانستان، باید این نظرها را به حساب آوریم.

۴- کشورهای این منطقه در واقع از سیاستهایی مشابه سیاست ما پیروی می کنند. ایران به کمک خود که قبلاً متعهد شده، ادامه می دهد؛ هر چند از انعقاد موافقتنامه های جدید خودداری می کند. هند ظاهراً پیشنهاد کرده است که برنامه های کمی خود را بالا ببرد و به نظر ما نقش بسیار خوبی در کوشش به تشویق نوعی استقلال و عدم تعهد از سوی رژیم جدید ایفا می کند. پاکستان به نحو فعالانه ای از یک سیاست مناسبات دوستانه با جمهوری دموکراتیک افغانستان پیروی می کند از قبیل تسریع کالاهای ترانزیتی افغانستان و دیدار ضیاءالحق در ماه سپتامبر از افغانستان و کم اهمیت کردن موضوع آوارگان افغانی و لفاظیهای خویشتن دارانه. پاکستان ظاهراً چنین سیاستی را به نفع خود تلقی می کند.

۵ - یکی از راهها این است که ما فعالیتهای خود را در افغانستان مرحله به مرحله کاهش دهیم. ولی ما معتقدیم که چنین کاری برای همسایگان افغانستان چندان خوشایند نخواهد بود و با سیاستهای آنها مطابقت نخواهد کرد. جمهوری دموکراتیک افغانستان از ما نخواستار است که جیل و پلاس خود را جمع کرده برویم، بلکه بالعکس سیاست حفظ منافع و حضور ما را پذیرفته است.

پایان دادن به کوششهای ما در افغانستان احتمالاً به عنوان انصراف از مسؤولیت ما تلقی خواهد شد و بدین ترتیب شورویها متوجه خواهند شد که یکی از نخستین هدفهای آنها در افغانستان یعنی کاهش بیشتر نفوذ آمریکا و غرب در این کشور و در تمامی منطقه تحقق یافته است (گزارش مسکو ۲۳۴۷۹). به نفع ما نخواهد بود که یک چنین چک سفیدی را در اختیار مسکو بگذاریم.

۶- بنابراین ما معتقدیم که برداشت کلی که در تلگرام شماره ۲۱۱۱۰۲ توصیه شده است به عنوان یک چهارچوبی برای سیاست ایالات متحده معتبر می نماید. ما نباید درباره کمک خود به افغانستان پافشاری کنیم بلکه باید در پی فرصتهایی باشیم که تماسهای خود را با جمهوری دموکراتیک افغانستان حفظ کنیم و بکوشیم تا هدفهایی برای برنامه های مساعدت که متقابلاً قابل قبول باشد برقرار کنیم و طرحهایی را تهیه کنیم که اعتبارنامه کمک ما و سیاست حقوق بشر و علائق آنها را مسلم کند. ما کاملاً معتقدیم که خود افغانیها ظاهراً در جهت کاهش حضور ما فعالیت می کنند. این امر شامل برنامه محدودتر سپاه صلح و پایان دادن به آموزش نظامی افغانیها در ایالات متحده در حال حاضر و محدودتر کردن دفتر وابسته دفاعی آمریکا در کابل

و برنامه مبادلات فرهنگی محدودتر و مقاومت در برابر طرحهای کمک پیشنهادی آمریکا، در برگیرنده مقدار هنگفتی مساعدات فنی است می باشد. ما به نوبه خود همچنین باید نگرانیهای بشر دوستانه خود را متعادل تر کنیم و به مردم یکی از فقیرترین کشورهای جهان با نگرانی خود درباره

ص: ۵۲۱



عملکرد رژیم جدید از لحاظ حقوق بشر که جای بسی سؤال دارد، کمک کنیم. باید درباره این نگرانیها ضمن بحث با رهبران افغانستان توضیح داد.

۷- ما اوضاع را در افغانستان یک نوع اوضاع متحول تلقی می کنیم و معتقدیم که توجه مداوم ما ضروری است و همچنین گفت و شنود با سایر کشورهای منطقه باید ادامه یابد. ما به سفارتخانه های خود در تهران و اسلام آباد و دهلی نو توصیه می کنیم تا به مبادله نظریات با بیشتر دولتها درباره مقابله با صحنه افغانستان ادامه دهند و در ضمن در نظر داشته باشند که نفوذ ما در کابل شدیداً محدود است و از کشورهای همجوار افغانستان انتظار داریم که ابتکار در تهیه یک شبکه از مناسبات همکاری را به دست بگیرند و این امر به صلح و ثبات در منطقه کمک خواهد کرد.

ونس

### ملاقات مدیر کمکهای آمریکا با نمایندگان کشورهای کمک دهنده به افغانستان

سند شماره (۱۱) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۱۸ مارس ۱۹۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره: ۲۰۵۲ موضوع ملاقات مدیر کمکهای آمریکا با نمایندگان سایر کشورهای کمک دهنده به افغانستان تمامی متن محرمانه ۱- خلاصه: در جریان ده روز گذشته، مدیر کمکهای آمریکا در کابل با نمایندگان سایر کشورهایایی که به افغانستان بر اساس قراردادهای دو جانبه کمک می کنند، ملاقات کرد تا تصمیم اخیر رئیس جمهوری را درباره کاهش کمک آمریکا به افغانستان توضیح دهد و نظریات آنها را درباره موضع کمکی آینده ایالات متحده آمریکا جویا شود. این نمایندگان از سفارتخانه های انگلیس، آلمان، کانادا و هند بودند. همگی آنها معتقد بودند که با توجه به اوضاع و احوالی که به دنبال مرگ «دابس»، سفیر آمریکا، پیش آمده است تصمیم آمریکا در مورد کاهش برنامه های کمکی خود در افغانستان، اجتناب ناپذیر بوده است. بیشتر آنها همچنین معتقد بودند که جمهوری دموکراتیک افغانستان به تدریج به نحو فزاینده ای از اتحاد شوروی سرخورده گی پیدا خواهد کرد. همه آنها صلاح در آن دانستند که ایالات متحده آمریکا همچنان به حضور کمکی خود در افغانستان ادامه دهد. (پایان خلاصه) ۲- ملاقات با «هانس پتر دیسدرن»، رایزن سفارت جمهوری فدرال آلمان:

وزیر مختار آلمان درباره اهمیت کاهش کمک آمریکا به افغانستان کنجاوی فوق العاده ای نشان داد و صریحاً می خواست بداند که آیا ایالات متحده قصد دارد به مساعدت به افغانستان پایان دهد یا خیر. پس از آنکه مدیر کمک آمریکا درباره پیامدهای تصمیم رئیس جمهوری به کاهش کمک و نه پایان دادن آن به افغانستان توضیح داد. «دیسدرن» گفت که در اوضاع و احوال کنونی او موافق است که این تصمیم، هر چند که تأسف آور است، ضروری بوده است. او گفت کشورهای اروپای غربی معتقدند که هنوز فرصت معقولی وجود دارد که یک افغانستان مستقل به وجود آید و بنابراین می توان نتیجه گرفت که غرب برنامه های کمکی خود را ادامه داده و راه دیگری در پیش پای افغانستان قرار دهد. او گفت که وجود یک یا دو کشور

غربی، بدون ایالات متحده آمریکا، راه دیگری را فراهم نخواهد کرد و بنابراین اصرار داشت که حضور کمکی ایالات متحده ادامه یابد.

«دیس درن» همچنین گفت که معتقد است که جمهوری دموکراتیک افغانستان به نحو فزاینده ای از کشورهای سوسیالیستی سرخوردگی پیدا خواهد کرد.

او نمونه اخیر مربوط به یک قرار داد پانزده میلیون مارک آلمانی با آلمان شرقی را ذکر کرد. هنگامی که قرار داد مقدماتی در ماه اوت گذشته به امضاء رسید، درباره اخوت سوسیالیستی و کمکهای خارجی، تبلیغات فراوانی شد. ولی هنگامی که قرارداد نهایی در ماه فوریه گذشته تهیه شد چنین معلوم گردید که این قرارداد یک قرارداد اساسا بازرگانی است که برای مدت هشت سال و با نرخ بهره هفت درصد امضاء شده است. علاوه بر این مظنه بسیاری از تجهیزات بسیار بالا بوده است. آقای «دیسدرن» گفت افغانیها از این قرارداد به حیرت آمده و فوق العاده خشمگین شدند. او گفت که با یک مأمور جمهوری دموکراتیک آلمان که با این معامله ارتباط داشته گفتگو کرده بود و این مأمور از عکس العمل افغانیها غافلگیر شده بود و در نهایت بلاغت و لفاظی گفت: آیا آنها انتظار دارند که ما به آنها هدیه بدهیم؟ (اظهار نظر: یک مأمور عمران سازمان ملل متحد به ما گفته است که مشاور آلمان شرقی اخیرا نقشه افغانستان را درباره جایگزین کردن همه کارمندان تربیتی آلمان غربی با کارمندان مشابهی از آلمان شرقی به یأس مبدل کرده است. پاسخ او این بوده است که: «خیر شما این کار را نخواهید کرد.» ۳- ملاقات با «ک. ر. کروک» سفیر انگلیس: این ملاقات به تقاضای مایکل هاول، دبیر اول و رئیس دفترخانه، که خود او نیز در ملاقات حضور داشت صورت گرفت. هر دو آنها با جزئیات اعلامیه مطبوعاتی کاخ سفید درباره کاهش کمک آمریکا به افغانستان آشنا بودند. پس از پرسشهای تفصیلی درباره پیامدهای کاهش کمک آمریکا جهت طرحهای معین، کروک سفیر انگلیس پرسید که آیا تأیید اعلامیه کاخ سفید درباره کاهش کمکهای آمریکا نتیجه ادامه تجدید نظر در روابط آمریکا و افغانستان ناشی از تغییر در سیاست آمریکا در مورد افغانستان است یا خیر؟ و آیا ایالات متحده راه دیگری را برای افغانستان در مقابل اتکاء به بلوک شوروی فراهم کرده است یا خیر؟ مدیر کمکهای آمریکا پاسخ داد که در حالی که سیاست کمکی آمریکا همچنان در معرض بررسی قرار دارد، تصمیم به ادامه طرحهای کمکی ما یک مرحله از تعطیل کردن برنامه های کمکی ما را تشکیل می دهد و اجازه می دهد که حضور کمکی ما ادامه یابد. کروک، سفیر انگلیس پرسید که آیا ایالات متحده میل دارد سایر کشورهای غربی سیاستهای کمکی خود را نسبت به افغانستان تغییر دهند یا خیر. مدیر کمکهای آمریکا گفت او در این باره هیچ گونه اطلاعی ندارد. «کروک»، سفیر انگلیس گفت او شخصا معتقد است که تصمیم ایالات متحده برای کاهش کمکها در قبال نحوه مفتضحانه ای که جمهوری دموکراتیک افغانستان حادثه ربودن «دابس» سفیر آمریکا را مورد رسیدگی قرار داده است، تنها راه ممکن بوده است ولی معذالک او معتقد است که ضرورت یک چنین کاهش محسوس در کمک آمریکا به افغانستان تأسف آور است. او گفت که معتقد است تغییراتی در سیاست جمهوری دموکراتیک افغانستان به وجود می آید زیرا افغانیها به تدریج از پیوندهای نزدیک خود با بلوک شوروی سرخورده می شوند. کمکهای خارجی، تنها نوع مناسبات دو جانبه مهم در افغانستان به شمار می آید. او اظهار امیدواری کرد که ایالات متحده حضور کمکی خود را حفظ خواهد نمود. او معتقد بود که برقراری مجدد یک برنامه کمکی آمریکا پس از اختتام

برنامه، بسیار دشوار خواهد بود و از سوی دیگر حفظ یک حضور کمکی به جمهوری دمکراتیک افغانستان امکان خواهد داد به تدریج مناسبات خود را با غرب، در صورت تمایل، توسعه دهد و او گفت به همین دلیل او معتقد است که حفظ یک راه اختیاری دیگر هم مطلوب است و هم مهم او گفت تصمیم سیاسی آمریکا برای کاهش شدید مساعدتهای آمریکا در کمک به افغانستان چنانچه به منظور کشاندن افغانستان به اتکای بیشتر به اتحاد جماهیر شوروی باشد، شکستی برای ما خواهد بود.

کروک، سفیر انگلیس گفت او معتقد نیست که جمهوری دمکراتیک افغانستان نسبت به تصمیم آمریکا در مورد کاهش کمکها واکنش خصمانه ای نشان دهد. او گفت که معتقد است که رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان در وضع ناهنجاری قرار دارند و بنابراین کمتر احتمال می رود با نشان دادن عکس العملهای مستقیم به تصمیم آمریکا بر مشکلات خود بیفزایند.

۴- ملاقات با «یندال» دبیر اول (عمرانی) سفارت کانادا در اسلام آباد: یندال در جریان دیدار عادی طبق برنامه خود از کابل و اسلام آباد، با مدیر کمک آمریکا ملاقات کرد او می خواست بداند پیامدهای تصمیم اخیر آمریکا درباره کاهش کمک به افغانستان چیست. او گفت سفارت کانادا تصمیم آمریکا به کاهش کمک را به عنوان یک واکنش معقول در قبال اوضاع و احوال مربوط به مرگ «دابس» سفیر آمریکا در افغانستان تلقی می کند. ولی عقیده قبلی کانادا درباره اینکه حضور کمکی آمریکا در افغانستان یک امر مطلوبی است تغییر نکرده است. او گفت سیاست کمکی دولت کانادا نسبت به افغانستان اکنون یک سال است که تحت بررسی است ولی هنوز یک تصمیم روشن سیاسی درباره جهت گیریهای برنامه های کمکی گرفته نشده است.

۵ - ملاقات با «اس. ک. سینگ» سفیر هند: پس از اینکه مدیر کمک آمریکا درباره پیامدهای تصمیم رئیس جمهوری درباره برنامه های کمکی آمریکا به سفیر هند توضیحاتی داد، سفیر هند گفت که او این سیاست را درک می کند و با تصمیم سیاسی ایالات متحده همدردی دارد. او گفت معتقد است که اعلامیه ایالات متحده در تأیید این مطلب که کاهش کمکها نتیجه «ادامه ارزیابی» است و کمتر جلوه دادن ارتباط آن با شرایط مربوط به مرگ سفیر آمریکا قابل تأسف است. او همچنین گفت که درک نمی کند چرا ایالات متحده درباره پایان دادن به برنامه IMET اعلامیه داده است زیرا به خوبی دانسته شد که جمهوری دمکراتیک افغانستان خود این برنامه را رد کرده است.

سینگ با نهایت حسن اخلاق، ایالات متحده آمریکا را به خاطر ناشکیبایی که گاهی اتفاق افتاده است مورد سرزنش قرار داد و گفت به عقیده او این ناشکیبایی نتیجه اوضاع و احوال کنونی بوده است.

او گفت: عده زیادی در حزب خلق از سیاستهای کنونی دستگاه رهبری خود ناراضی هستند و نگران تغییراتی در آن می باشند. سفیر هند گفت احساسات ضد غربی مگر در سطوح بسیار بالای دولت به ویژه در میان دو یا سه نفر که در رأس قرار گرفته اند مشاهده نمی شود.

هنگامی که درباره دکتر «شاه ولی» پرسیده شده او گفت که هنوز یقین ندارد شاه ولی در چه موضعی قرار گرفته، ولی به خوبی می داند که شاه ولی به روشنی تمام، تحت تأثیر نظام شوروی قرار گرفته است. او گفت معذالک سرخوردگی از بلوک شوروی به نحو فزاینده چشمگیری در داخل دولت مشاهده می شود.

او اظهار عقیده کرد که شورویها به نوبه خود ممکن است لقمه بزرگتری از آنکه بتوانند ببلعند به دهان گرفته اند. او شک داشت از اینکه شورویها بخواهند ایالات متحده به کلی ایالات متحده به کلی از

ص: ۵۲۴

و اما درباره احتمال واکنش جمهوری دمکراتیک افغانستان نسبت به کاهش کمک آمریکا، سینگ گفت او هنوز هیچ گونه نشانه ای در این باره دریافت نکرده است. او گفت اصولاً شک دارد از اینکه چنین واکنش فوری صورت گیرد.

او گفت که به دست آوردن وعده ملاقات با مقامات جمهوری دمکراتیک افغانستان به تدریج سخت تر و سخت تر می شود. او گفت جمهوری دمکراتیک افغانستان یقیناً انتظار یک نوع واکنش از سوی ایالات متحده در برابر قتل سفیر آمریکا داشت. او معتقد است که اوضاع کنونی داخل افغانستان بسیار حساستر از آن است که جمهوری دمکراتیک افغانستان نسبت به کاهش کمک آمریکا عکس العملی نشان دهد، حتی اگر چنین تمایلی هم داشته باشد. او گفت که اگر عکس العملی در پیش باشد این عکس العمل بسیار نامعقول خواهد بود. درباره موضع کمکی ایالات متحده در آینده، سینگ گفت او شدیداً طرفدار ادامه حضور کمکی آمریکاست. او گفت که معتقد نیست که حضور کمکی آمریکا رژیم افغانستان را از قابلیت احترام بیشتری برخوردار می کند. سینگ در حالی که گفت نمی خواهد درباره علائق و منافع ایالات متحده در منطقه خلیج (مقصود خلیج فارس است) و نیازهای آن قضاوت کند، او معتقد است که با حفظ حضور کمکی در این منطقه علائق ایالات متحده به یک منطقه با ثبات پیش برده می شود. او گفت که معتقد نیست که سطح کمک آمریکا در افغانستان باید بالا باشد و در واقع او معتقد است که کمک ایالات متحده در این کشور در آینده بسیار نزدیکی باید محقرانه باشد و از هر گونه ابتکاری برای توسعه این کمکها به جمهوری دمکراتیک افغانستان خودداری شود. او توصیه کرد که ایالات متحده باید چنان حضوری در افغانستان داشته باشد که چندان چشمگیر نباشد ولی این حضور باید حتماً موجود باشد. او نتیجه گیری کرد که در سال آینده یا در آن حدود هر چیزی ممکن است در این کشور رخ دهد و این دوران هر چند دوران دشواری خواهد بود معذالک دوران جالبی نیز خواهد بود. آمستونر

## اوضاع در افغانستان

سند شماره (۱۲) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۲۵ مارس ۷۹ گزارشگر: جی. بی. لامبراکیس شماره سند: ۰۰۳۲۱۳  
موضوع: اوضاع در افغانستان ۱- تمام متن خیلی محرمانه است ۲- سلطان محمود غازی، عضو خاندان سلطنتی افغانستان، رئیس سابق سازمان هواپیمایی کشوری و توریسم، و برادر سفیر سابق افغانستان در ایران،... روز ۲۵ مارس در ارتباط با مسئله ویزا با رایزن سیاسی دیدن کرد. او گفت اطلاعات وسیعی درباره اوضاع در افغانستان ندارد، ولی با اشخاصی که تا سه روز قبل از افغانستان به اینجا آمده اند صحبت کرده است.

۳- او گفت قیام، توسعه یافته و حداقل هشت ایالت را در بر گرفته است. حکومت افغانستان اعتمادی به قسمت بزرگ ارتش خود، به ویژه سربازان وظیفه ندارد و مواردی از بمباران شدن واحدهای نظامی توسط

نیروی هوایی صورت گرفته زیرا این واحدها غیر قابل اعتماد تشخیص داده شده بودند. در کابل امنیت در شب به وسیله بسیاری از غیر نظامیان و سایر کمونیستها به جای نظامیان تأمین می شود. در واقع نظامیان تا اندازه زیادی از شهر خارج نگهداشته می شوند.

۴- طبق اظهار محمود غازی اگر حکومت افغانستان تنها می ماند، بیش از یک هفته دوام نمی آورد، ولی محمود غازی یقین دارد که شورویها از حکومت افغانستان پشتیبانی می کنند و این حکومت را با سربازانی از نژاد تاجیک، ازبک، و ترکمن که آن طرف مرز قرار گرفته اند تقویت می کند. این امر چیزی است که یک بیگانه هرگز نمی تواند ثابت کند؛ با توجه به اینکه حکومت افغانستان می تواند هر چه زودتر شناسنامه هایی برای آنها فراهم کند.

۵- متأسفانه نه حکومت آمریکا نه حکومت پاکستان و نه حکومت ایران ظاهراً علاقه مند به مساعدت به این قیام نیستند. ایرانیان احتمالاً ممکن است مساعدت مالی فراهم کنند ولی آنها نظامی ندارند و سلاحهای آنها تقریباً به طور کامل سبک آمریکایی و غربی است. از سوی دیگر، سلاحهای چینی در دست پاکستانیها شاید در افغانستان سودمند باشد.

۶- مراتب فوق ممکن است با گزارشهای صادره از کابل و منابع دیگر تطبیق کند. خود محمود غازی پیشنهاد دریافت یک گذرنامه ایرانی را در صورت تغییر ملیت، رد کرد و امید بازگشت به افغانستان را هنگامی که اوضاع روزی تغییر کند و در صورتی که تغییر کند از دست نداده است.

سولیوان

### کاهش کمک به افغانستان از سوی کمیته مجلس نمایندگان

سند شماره (۱۳) طبقه بندی: خیلی محرمانه از: وزیر امور خارجه در واشنگتن تاریخ: ۲۸ مارس ۷۹ به: سفارت آمریکا در کابل شماره: ۷۶۷۰ موضوع: کاهش کمک به افغانستان از سوی کمیته مجلس نمایندگان ۱- در بیست و هشت مارس، کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان اصلاحیه زیر را به لایحه کمکهای خارجی که از سوی «دروینسکی» پیشنهاد شده بود تصویب کرد:

۲- هیچ کدام از وجوه مجاز که در نتیجه اصلاحیه هایی که تحت این عنوان به عمل آمده نباید برای کمک به افغانستان اختصاص داده شود مگر اینکه رئیس جمهور تصمیم بگیرد و به کنگره گزارش دهد که کمک به افغانستان به سود منافع ملی ایالات متحده آمریکا است.

۳- اثرات این اصلاحیه عبارت است از حذف وجوهات جهت برنامه های عنوان یک (کمکهای اقتصادی آمریکا) برای سال مالی.

ونس

### روابط آمریکا و افغانستان



سند شماره (۱۴) طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۱۱ آوریل ۱۹۷۹ شرکت کنندگان: واسیلی - گوروی دبیر اول سفارت شوروی رونالد دی لورتون مأمور سفارت در افغانستان وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

یادداشت مکالمه موضوع: افغانستان و روابط آمریکا و افغانستان «گوروی» گفت که او نتوانسته است تحولات در روابط آمریکا و افغانستان را از زمانی که او آخرین با «لورتون» ملاقات کرده است درک کند و اظهار نظر کرد که در دیدار اخیر او (در هشتم فوریه) مناسبات بین آمریکا و افغانستان «آرام» به نظر می رسد ولی از زمانی که حادثه وحشتناکی که منجر به مرگ سفیر آمریکا در کابل شده بود یک نوع تغییر ناگهانی در این مناسبات روی داده است. او به عنوان نمونه تصمیم آمریکا را در کاهش دادن کمکهای اقتصادی به افغانستان و پیشنهادهای کنگره را برای اقدامات دیگر از قبیل خارج کردن سپاه صلح ذکر کرد. گوروی توضیح داد که این تحولات غیر قابل درک است زیرا ایالات متحده همیشه کوشیده است تا موضع خود را در نقاط مختلف جهان حفظ کند.

لورتون موافقت کرد که دشواریهایی در مناسبات آمریکا و افغانستان به وجود آمده و توضیح داد که هر چند مناسبات، قبل از ۱۴ فوریه عادی بوده است معذالک ما تعدادی مسئله در پیش داریم که از جمله ناتوانی ما به توافق با افغانها درباره مسائل مختلف با بردهای بین المللی است و فقدان علاقه از سوی جمهوری دمکراتیک افغانستان در مورد بسیاری از برنامه هایی است که ما همچنان عرضه می کنیم. آنچه که ما را به مناسبت رسیدگی به ماجرای ربودن «دابس» سفیر آمریکا، ناراحت می کند فقدان کامل همکاری جمهوری دمکراتیک افغانستان و حتی مشورت آنها با ما در رسیدگی به این ماجرا است. لورتون گفت همه این عوامل جزئی از تصمیم ما را برای کاهش سطح مساعدت اقتصادی آمریکا تشکیل می دهد.

گوروی آنچه را که وی به عنوان نظر ایالات متحده تلقی می کند و دایر بر آن است که شورویها قادر بودند رفتار افغانها را در آن زمان کنترل کنند مورد پرسش قرار داد. او گفت افغانستان یک کشور دارای حق حاکمیت است و این امر را انکار کرد که اتحاد جماهیر شوروی قادر است به افغانها «دستور دهد» که کاری را انجام بدهند. لورتون در اعتراض به این مطلب گفت که مسئله صدور دستور نیست، بلکه نظر ما این است که شورویهایی که به افغانها توصیه می کنند، بایستی قادر باشند که افغانها را به خویشتن داری وادار کنند. در واقع شورویها در بعضی از جنبه های عملیات ضد تروریستی طبق گزارش شهود عینی نقش عملیاتی داشته اند. لورتون خاطر نشان ساخت که با وجود این، نظر خود را به اعضای ذینفع کنگره و دیگران بیان داشته ایم که حکومت افغانستان است که باید مسؤولیت نتایج اقدامات خود را به عهده بگیرد.

گوروی اظهار نظر کرد که با توجه به تصمیمات شدید آمریکا دشوار است بتوان دید که مناسبات آمریکا و افغانستان پیشرفت کند. لورتون گفت که آمریکا تمایلی به تیره کردن روابط خود با افغانستان ندارد، ولی خاطر نشان ساخت که یکی از دشواریهای اصلی در داشتن مناسبات کاری در آینده، ادامه اتهامات ناشی از مسکو درباره مداخلات بیگانه در امور افغانستان است. لورتون خاطر نشان ساخت که اظهار رسمی از سوی آمریکا در این مورد در تأیید بر آنکه آمریکا در امور داخلی افغانستان دخالتی نکرده



و قصدی برای دخالت ندارد، منتشر شده است. لورتون در پایان نتیجه گیری کرد که تا زمانی که این نوع اتهامات و جوی که از آن ناشی می شود ادامه یابد، بهبود مناسبات آمریکا و افغانستان دشوار خواهد بود.

لورتون از گوروی خواست که تحولات افغانستان و مشکلات عمده حکومت تره کی را ارزیابی کند.

گوروی اظهار عقیده کرد که جمهوری دموکراتیک افغانستان با مشکلاتی که همه انقلابها با آن مواجه هستند رو به رو است زیرا طبقات قدیم و جدید برای کنترل اوضاع با یکدیگر رقابت می کنند.

گوروی خاطر نشان ساخت که یک سنت نیرومند مذهبی در افغانستان وجود دارد و گفت که این خود یک منبع مخالفت با رژیم است که می خواهد کلیسا را از دولت جدا کند و مذهب را از سیاست دور کند. او همچنین سنتهای خود مختاری بعضی از گروههای قبیله ای را گوشزد کرد و گفت که عده ای از ناراضیان از مرز افغانستان گذشته و وارد پاکستان شده اند و به فعالیتهای ضد جمهوری دموکراتیک افغانستان می پردازند. گوروی ادامه داد که جمهوری دموکراتیک افغانستان از مقدار زیادی پشتیبانی برای برنامه های اصلاحاتی خود (از قبیل اصلاحات ارضی) که به سود توده های مردم افغانستان است برخوردار است. به عقیده گوروی نظامیان کلید پیشرفت یک انقلاب در کشورهای رو به رشد هستند.

لورتون پرسید که آیا رژیم واقعا «از سوی توده ها» پشتیبانی می شود یا خیر و اظهار داشت که بخشهای بزرگی از جمعیت عمومی به نظر می آید که مخالفت خود را با رژیم در شورش هرات و ترک افغانستان به مقصد پاکستان بیان داشته اند. لورتون گفته که اینها نشانه هایی کمتر از پشتیبانی عمومی توده ها برای رژیم هستند و واکنش تدابیر شدیدی را که رژیم علیه مخالفان در پیش گرفته اند تشکیل می دهند. گوروی پاسخ داد که هر اقدامی باعث اقدام متقابل می شود و درباره نیاز انقلاب به دفاع خود از لنین نقل قول کرد که او یادآوری کرد که تعداد بزرگی از روستاییان روسیه با انقلاب روسیه مخالفت می کردند زیرا آنها فاقد تحصیل و بیسواد بودند و نمی دانستند منافع واقعی آنها در کجاست. به عقیده او وظیفه رهبران حکومت افغانستان پرورش توده ها درباره منافع حقیقی آنها است و این فرآیند را یک امر بسیار دشوار توصیف کرد.

لورتون در پایان گفت که در واقع برای مردم افغانستان اوضاع و احوال بسیار دشواری در پیش است زیرا جمهوری دموکراتیک افغانستان به نظر می رسد ناپودی نهادهای قدیمی را به نفع ساختهای جدید، بر کوشش به کار کردن با این نهادها یا از طریق این نهادها ترجیح می دهد.

### **«دروغ بزرگ» به صورت ابزار استاندارد خلقیها در می آید**

سند شماره (۱۵) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۸ می ۱۹۷۹ به: وزیر امور خارجه در واشنگتنطبقه بندی: خیلی محرمانه شماره ۳۵۵۷ موضوع: «دروغ بزرگ» به صورت ابزار استاندارد خلقیها در می آید ۱- (تمامی متن محرمانه) ۲- خلاصه: نتیجه نطقهای فراوان و کنفرانسهای مطبوعاتی که در جریان روزهای اخیر از سوی نور محمد تره کی رئیس جمهوری و حفیظ الله امین، نخست وزیر به مناسبت سالگرد انقلاب ترتیب داده شده بود، چین و چروکهای سیاسی جدیدی را به وجود آورده است و از جمله اشاره بر آن شده است که



اصطکاک بین دو رهبر ممکن است واقعیت داشته باشد. تکذیبهای صریحی درباره اینکه در جلال آباد شورشی رخ داده و یا اینکه رژیم زندانیان سیاسی خود را شکنجه می دهد، نشان دهنده آن است که «دروغ بزرگ» ممکن است تاکتیک ترجیحی رژیم در سروکار داشتن با مسائل ناگوار بوده باشد. مداخله ادعائی از سوی ایران و پاکستان و «امپریالیسم» بهانه اصلی حکومت برای ادامه مخالفت در داخل کشور است در حالی که کنایه های نیمه سرپوشیده ای به کشورهای «برادر» (به ویژه چکسلواکی) که ممکن است به رهبران پرچمیست تبعید شده پناهندگی دهد به عمل آمده است. (پایان خلاصه). ۳- مناسبات تره کی و امین: علیرغم توصیف پرافاضه تره کی از سوی امین به عنوان «شکوهمندترین شخصیت در تاریخ افغانستان» (که اشخاص برجسته ای از قبیل داریوش و اسکندر کبیر و چنگیز خان و تیمور لنگ و احمدشاه درانی و بانو میلر و فلاشمن را کنار می گذارد) اشاراتی همچنان ظاهر می شود که اختلافات بین این دو رهبر ممکن است وجود داشته باشد. نور محمد تره کی در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی در پاسخ به تقبیح و محکوم کردن پرستش فرد، درباره خود او از سوی امین، تره کی از روی تواضع گفت که مردم افغان «احساس محبت و احترام نسبت به من دارند» به طوری که آنها اصرار دارند همه جا عکس او را نصب کنند. تره کی افزود که حکومت دستوراتی درباره پایان دادن به این عمل صادر کرده است ولی رژیم برای ممانعت از بیان احساسات مردم متوسل به زور نخواهد شد. (اظهار نظر: تعداد زیادی از عکسهای تره کی اخیراً ناپدید شده است.) در همین کنفرانس مطبوعاتی تره کی این اطلاع را به نحو قاطعی تکذیب کرد که امین گفته است یا حتی اطلاع داده است که بعضی از دشمنان ناشناخته می کوشند رئیس جمهوری افغانستان را «تحت نفوذ خود» درآورند. (مرجع ۸) تره کی از روی گستاخی اصرار داشت که امین «به هیچ وجه چنین چیزی نگفته است» و اینکه او یقین دارد که گفته او حقیقت دارد زیرا او «همه مصاحبه های امین را که در یک سال گذشته انجام گرفته خوانده است».

۴- حقوق بشر: امین ضمن رد گزارشهای مفصل که به وسیله شهود عینی و قربانیان تأیید شده است، مبنی بر اینکه رژیم بسیاری از زندانیان در بازداشت خود را از لحاظ جسمی در معرض بد رفتاری قرار می دهد (و از جمله شب هنگام زندانیان سیاسی بدون محاکمه اعدام می شوند، بعضی از قسمتهای بدن زندانیان در معرض شوک الکتریکی قرار می گیرد) مدعی شد که «ما به وقار انسانی لطمه ای نزدیم حتی هنگامی که با اشخاصی سروکار داشته ایم که علیه خلق ما و کشور ما توطئه می چیدند». امین اضافه کرد:

«ما علیه هیچ کس و سائلی را که با احترام به وقار انسانی تضاد دارد به کار نبرده ایم». تره کی اصرار ورزید که تنها بین ۱۰۰۰ تا ۱۱۰۰ زندانی سیاسی در بازداشت به سر می برند. (اظهار نظر: ما تصور می کنیم که رقم زندانیان سیاسی عملاً بیش از ۱۰ هزار نفر است) ۵- امنیت داخلی: گناه مشکلات امنیت داخلی همچنان به «عوامل نفوذی بیگانه» و به ویژه سربازان ملبس به لباسهای افغانی «از پاکستان و ایران نسبت داده شده است. تره کی به طور غیر مستقیم پذیرفت که در شمال غربی افغانستان زد و خوردهایی در جریان است او اصرار داشت که خشونت در اطراف میمنه (یک منطقه ترکمن نشین در نزدیکی مرز شوروی) کار «رخنه گران ایرانی» بوده است که به دنبال عصیان در هرات فرار کرده بودند. تره کی هم چنین اعلام داشت که «مداخله» از سوی ایران و پاکستان رژیم را ناگزیر ساخته است که مقررات منع عبور و مرور شبانه را در کابل بیش از یک سال پس از انقلاب همچنان حفظ کند. تره کی درباره واقعیات مربوط به چند نقطه اشاره کرده و این موضوع را تکذیب کرد که اخیراً در

جلال آباد حوادثی اتفاق حوادثی اتفاق افتاده تا چه رسد به اینکه ارتش دست به عصیان زده است. تره کی با اصرار گفت که هیچ کس (و به ویژه شیعیان) به علت اعتقادات مذهبی خود دستگیر نشده اند.

۶- هدفهای انقلاب: تره کی پذیرفت که ساختن یک جامعه سوسیالیستی، یک وظیفه دراز مدت است ولی او مدعی شد که «شالوده» یک جامعه سوسیالیستی ظرف «۶ تا ۱۰ سال آینده» ریخته خواهد شد. و اما درباره ماهیت رژیم، تره کی خاطر نشان ساخت که «دمکراسی بدین معنی است که تدابیری برای سود اکثریت اتخاذ شود» و افزود که ما می توانیم جمهوری دمکراتیک افغانستان را یک دیکتاتوری دمکراتیک افغانستان بنامیم، زیرا جمهوری دمکراتیک افغانستان به نفع ۹۸٪ از مردم است.

۷- مناسبات با ایران و پاکستان: طبق اظهار رهبران افغانستان «قدرتهای ارتجاعی منطقه» (مقصود ایران و پاکستان) با پشتیبانی «امپریالیست» (مقصود آمریکا و انگلیس) به انجام «تجاوز مسلحانه» علیه افغانستان ادامه می دهند که به «شهادت تعداد زیادی از مردم» منجر شده است که از جمله زنان و کودکان و اشخاص مسن در میان آنان بوده اند. تره کی مدعی شد که از هشتم آوریل ۱۹۷۹ به بعد «سربازان پاکستان یازده بار به خاک افغانستان تجاوز کرده اند».

تره کی با اصرار گفت که همه تجاوزهای بعدی از سوی نیروهای مسلح افغانستان «با پشتیبانی دوستان بین المللی افغانستان» دفع خواهند شد. تره کی افزود «ما ضیاءالحق را دشمن خود نمی دانیم ولی ممکن است دیر یا زود او از اعزام رخنه گران به این کشور خودداری کند».

۸- مناسبات با کشورهای سوسیالیستی: تره کی اصرار داشت که تنها بین ۱۰۰۰ و ۱۱۰۰ مستشار روسی در افغانستان وجود دارد که از این عده حدود ۳۰۰ نفر در دستگاههای نظامی افغانستان خدمت می کنند. (اظهار نظر: ما معتقدیم که تقریباً ۱۰۰۰ مستشار نظامی روسی در اینجا وجود دارد و تعداد مستشاران غیرنظامی حدود ۲۵۰۰ نفر است.) او پیشنهاد کرد خبرنگاران خارجی این رقم را با اوضاع در ایران و پاکستان و سایر کشورها مقایسه کنند که در آنجا بین ۶۰ تا ۷۰ هزار آمریکایی و سایر مستشاران حضور دارند. درباره کمکهای نظامی از جانب اتحاد جماهیر شوروی، تره کی مدعی شد که «آنچه که ما نیاز داریم و می توانیم آنها را به کار بریم دریافت می کنیم». در جبهه سیاستی تره کی اصرار داشت که «مناسبات برادرانه» بین افغانستان و چکسلواکی دلالت بر آن می کند که چکسلواکی «هرگز به ببرک کارمل سفیر سابق و همکاران پرچمیست او یا سایر دشمنان انقلاب پناه نخواهد داد».

۹- مناسبات حزب با نهضت بین المللی: طبق اظهار تره کی حزب دمکراتیک خلق افغانستان «همبستگی تاریخی با سه نهضت عمده ضد امپریالیستی» داشته است. این سه نهضت عبارتند از: «جبهه جهانی صلح و ترقی» و «نهضت بین المللی طبقه کارگر» و «نهضت آزادیبخش ملی و اجتماعی در سراسر جهان». ۱۰- نتیجه گیری: به غیر از این فرمول بندیهای جدید، وفور لفاظیها در سطح عالی در اطراف نخستین سالگرد انقلاب، مطالب، قدیمی بوده است. تکذیب علنی وقوع حوادث (از قبیل شورش جلال آباد و شکنجه زندانیان و غیره) از سوی دستگاه رهبری ظاهراً همان تاکتیک «دروغ بزرگ» است که از طرف آنها در پیش گرفته شده و بدین ترتیب از حیثیت و اعتبار داخلی رژیم کاسته شده است. در این ارتباط تکذیب ناشیانه تره کی درباره اینکه امین گفته است که بعضی اشخاص می کوشند رهبر بزرگ را تحت تأثیر قرار دهند با اشاره به اینکه امین جزئی از

دستگاه رسمی در مطبوعات تحت کنترل دولت است بسیار

ص: ۵۳۰

جالب توجه است. اشاره های تره کی خطاب به پراگ (چکسلواکی) نیز ممکن است به عنوان حمله به سایر کشورهای «برادر» (مثلاً یوگسلاوی و حتی اتحاد جماهیر شوروی) باشد که ممکن است اکنون یا در مرحله دیگری به رهبران پرچمیست پناه دهند. در این ارتباط چنین به نظر می رسد که به هر اندازه که رژیم خلقی در تحکیم امنیت داخلی خود ناتوان باشد به همان اندازه رهبران خلقی ممکن است از این نگرانی داشته باشند که «دوستان بین المللی» آنها در جستجوی یک دستگاه رهبری چپگرای دیگری برای پشتیبانی باشد. آمستونز

## نقش فعلی روسیه در افغانستان

سند شماره (۱۶) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۹ می به: وزارت امور خارجه - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: نقش فعلی روسیه در افغانستان ۱- خلاصه: درگیری شوروی در افغانستان در هفته های اخیر به صورت بارزی افزایش یافته است، ولی هنوز به حدود مبالغه شده ای که اغلب در مطبوعات جهان گزارش شده نرسیده است. اگر چه این امکان وجود دارد که نیروهای رزمی شوروی در درگیری داخلی افغانستان مداخله نمایند. ولی نظر ما این است که اتحاد جماهیر شوروی احتمالاً تلاش خواهد نمود تا از افتادن در چیزی که می تواند تله ای از نوع ویتنام باشد اجتناب ورزند.

۲- با در نظر داشتن این حقیقت که عناصر انتخاب شده این گزارش توسط وزارتخانه در پاسخگویی به تجسسهای کنگره و جامعه مورد استفاده قرار خواهد گرفت (تلاکس مرجع)، سفارت اطلاعات زیر را در مورد درگیری فعلی شوروی در افغانستان ارائه می کند که افشای آن به عملیات ما در اینجا به طور جدی زیان وارد نمی کند و یا منابع ما را مورد مخاطره قرار نخواهد داد.

۳- علیرغم بدتر شدن وضعیت امنیتی در سراسر کشور حضور شوروی در افغانستان از نظر کمی، در ماههای اخیر افزایش قابل توجهی پیدا نموده است. تعداد مستشاران نظامی روسی در حدود کمی بالاتر از ۱۰۰۰ نفر باقی مانده است. (و احتمالاً هنوز در حدود ۲۵۰۰ نفر مستشار غیر نظامی روسی در آن کشور به سر می برند). ما بر این اعتقاد داریم که تعداد زیادی از وابسته های روسی به شوروی تخلیه شده اند، هر چند سفارت شوروی این را تکذیب می کند.

۴- از نظر کیفی چنین به نظر می آید که نفوذ مستشاران روسی در هفته های اخیر و خصوصاً پس از دیدار ژنرال روسی «ا.ا. پیشیف» رئیس اداره سیاسی نیروهای مسلح در آوریل، مشخص تر شده باشد. اگر چه دلیل اعلام شده برای سفر «پیشیف» بالا بردن سطح آموزش سیاسی نیروهای افغانستان بوده، ولی وی به همراه یک گروه بزرگ از کارمندان رسمی شوروی به افغانستان آمد و گمان بر این می رود که جنبه های مختلف پشتیبانی نظامی از ارتش و نیروی هوایی افغانستان را مورد بررسی قرار داده باشد.

ما همچنین از اداره و هدایت افزایش یافته وزارتخانه های مختلف کشوری توسط روسها مطلع می باشیم.

۵- بهترین لوازم از نظر کیفی که شوروی تاکنون برای افغانستان تهیه دیده است عبارتند از هواپیماهای

جنگنده میگ -- ۲۱ و سوخو ۷ و هلیکوپترهای توپدار ۲۴ -- MI و تانکهای ۶۲ -- T علیرغم شایعات خلاف و مکرر، افغانستانها هنوز به هواپیمای میگ ۳۲ مجهز نشده اند.

۶- سفارت شایعات گسترده ای که خلبانان روسی در برخی مأموریت‌های عملیاتی هواپیماهای افغانستان بر علیه هدف‌های چریکی شرکت دارند را مورد ارزیابی قرار داده است. ما هیچ دلیل محکمی برای رد این امکان در دست نداریم و تا زمانی که چنان هواپیمایی با خلبان روسی آن دچار حادثه نشود مشکل خواهد بود که این شایعات را اثبات کنیم. از آنجایی که برخی از تجهیزات جدید از قبیل هلیکوپترهای توپدار ۲۴-MI از تجهیزات جنگی قدیمی تر افغانستان پیچیده تر هستند، گمان بر این می رود که پرسنل روسی در فعالیت آموزشی سنگینی شرکت دارند و چندین گزارش وجود دارد که هلیکوپترهای ۲۴-MI در عملیات علیه شورشیان مورد استفاده قرار گرفته اند. از آنجایی که این یک سیستم پیچیده تسلیحاتی است ما اطمینان نداریم که زمان کافی برای آموزش افغانستانها جهت پرواز با این هلیکوپترها به تنهایی وجود داشته است. بنابراین کاملاً امکان پذیر است که روسها در پرواز آن هلیکوپترهایی که در عملیات مورد استفاده قرار گرفته است کمک کرده باشند و در عین حال خلبانان افغانی را تعلیم داده باشند.

۷- چون مستشاران نظامی روسی در نیروی زمینی افغانستان در تمام سطوح تا گردان و همچنین در چندین واحد تخصصی کوچک حضور دارند، غیر عادی خواهد بود اگر هر چند وقت یک بار در عملیات نظامی دستگیر نشوند.

۸- مهمترین سؤال این است که آیا می توانیم انتظار داشته باشیم که نیروهای روسی را در درگیری افغانستان ببینیم؟ ما فقط می توانیم ناظر باشیم که از چنان احتمالی جلوگیری به عمل نیاید. ماده ۴ معاهده جدید دوستی افغانستان - شوروی منعقد در ۵ دسامبر ۱۹۷۸ شرط می کند که طرفین ۱۱۰۰۰ با یکدیگر مشاوره می نمایند و بر اساس توافق، اقداماتی به عمل می آورند که امنیت، استقلال و تمامیت ارضی دو کشور را تضمین نماید. ماده به این ترتیب خاتمه می پذیرد: «به منظور انسجام بخشیدن به توانایی دفاعی طرفین قرارداد، آنها بایستی که به توسعه همکاری در زمینه نظامی بر اساس موافقتنامه های مناسبی که بین آنها منعقد شده ادامه دهند.» ۹- خیلی از ناظران دیپلماتیک اظهار نظر کرده اند که عبارت پردازی دقیق ماده ۴ به نظر می رسد که اتحاد شوروی را قادر می سازد که با یک تیر دو نشان بزند. به نظر می رسد که این ماده به نیروهای روسی اجازه می دهد در زمان صلح به افغانستان وارد شوند، ولی همچنین حاوی زبان گریز می باشد که به روسها اجازه می دهد درخواست کمک رژیم خلقی را نادیده بگیرند. شایع است که افسران ارشد روسی به خلقیها اطمینان شفاهی داده اند که اتحاد جماهیر شوروی هر چه که لازم باشد برای حفاظت از انقلاب انجام خواهند داد. در حالی که خلقیها در گفتگو با دیپلماتها و مطبوعات خارجی (کابل ۳۵۳۸) اظهار داشته اند که مطمئن می باشند که اتحاد شوروی به آنها در رویارویی با مداخلات روشن نیست آیا واقعا آنها چنین اطمینانی را دارا می باشند. رهبری تره کی -- امین بدون شک آگاه است که راههای دیگری نیز برای رژیم آنها به صورت ناآشکار وجود دارد (از جمله رهبران تبعیدی حزب پرچم).

۱۰- هر چند این سفارتخانه به تخصص سفارت مسکو در تجزیه و تحلیل روسیه در مورد وضعیت

افغانستان احترام می گذارد (که کرملین بایستی به آن هم به عنوان یک فرصت و هم آشفستگی بنگردد)، این مورد در کابل موضوع خیلی از تفکرات می باشد. بعضی استدلال می کنند که شوروی مایل است تا از یک رکود اقتصادی در باتلاق جنگی داخلی از نوع ویتنام اجتناب ورزد، در حالی که دیگران معتقدند که ما بایستی در آستانه وضعیت نظیر ۱۹۶۸ چکسلواکی باشیم. اتحاد شوروی ممکن است به خاطر اینکه انقلاب افغانستان در خطر است «حرکتی» صورت دهد. در این رابطه اتهامات مکرر شوروی در مورد مداخله ایالات متحده، چین، پاکستان و دیگر کشورها می تواند به عنوان زمینه ای قانونی و تبلیغاتی برای چنان حرکتی به کار گرفته شود. علاوه بر این شکایتهای مکرر خلقیها که سربازان پاکستانی و ایرانی در لباس افغانی در افغانستان فعالیت می نمایند، می توانند بخشی از این تدارکات سیاسی باشد.

۱۱- چرا اتحاد شوروی باید تصمیم به مداخله بگیرد؟ افغانستان بر خلاف آنگولا، اتیوپی یا یمن با خود شوروی هم مرز است. در حقیقت این کشور آشوب زده در مجاورت چندین جمهوری مسلمان آسیایی مرکزی شوروی که حساس می باشد قرار دارد. مسکو به صورت قابل درکی در مورد امکان یک رشته به هم پیوسته از کشورهای اسلامی محافظه کار که در طول و یا نزدیک مرزهای جنوبی آن از پاکستان، ایران قرار می گیرد، نگران است (و اگر که اتحاد اخوان رژیم خلقی را سرنگون کند، این جریان می تواند رخ دهد). اتحاد شوروی همچنین سرمایه گذاریهای سیاسی، اقتصادی، استراتژیک، نظامی و پرستیژ کافی در افغانستان خلقی دارد. محتمل نیست که مسکو بدون برخی تلاشها جهت حفظ آنها بگذارد که از دست بروند.

به عبارت دیگر تقریباً هر رژیم افغانی که بر رژیم خلقی پیشی بگیرد، احتمالاً احساس خواهد کرد که بایستی با حقیقت جغرافیایی -- سیاسی همسایه بزرگ شمالی کشور به توافق برسد. (همان گونه که در مورد دولتهای افغانستان در ۶۰ سال گذشته متغیر بوده است.)

### **تقاضای اطلاعات در مورد افغانستان و جمهوری دمکراتیک خلق یمن**

سند شماره (۱۷) از: وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۱۱ می ۷۹ به: سفارت آمریکا در تهران طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: تقاضای اطلاعات در مورد افغانستان و جمهوری دمکراتیک خلق یمن ۱- تمام مطالب خیلی محرمانه است.

۲- سفارت بایستی تا به حال تلگرافهایی درباره نقش شوروی در افغانستان دریافت کرده باشد و قبلاً مجاز بوده است که بیشتر این اطلاعات را با دولت موقت ایران در میان بگذارد. به علاوه شما می توانی از IMR جدید زیر به شماره ۹۴۹۰۵ وزارت خارجه (که برای سفیر سولیوان در اواخر مارس تهیه شده) استفاده کنید که حاوی اطلاعات وسیعی است که از منابع آزاد دریافت شده است.

۳- افغانستان: تفسیر شوروی از افغانستان در دو سه هفته گذشته کاهش یافته است. در حالی که مطبوعات شوروی به اشاره ضمنی به اینکه ایالات متحده و پاکستان در پشت افغانستان هستند، ادامه می دهند که ضمناً تکرار و درجه اعتبار این اشارت ضمنی کاهش پیدا کرده است. به هر حال مسکو هنوز با شدت به چین حمله می کند. برای مقابله با احساسات ضد شوروی در دنیای مسلمین که به واسطه حمایت مسکو از کابل صورت پذیرفته، سعی بر این شده که وجهه اقلیتهای مسلمان در شوروی تقویت شود. دوبار





در ماه گذشته رادیو شوروی پیامهایی را از مفتی تاشکند که سیاست شوروی در مورد آزادی مذهب و وضعیت اسلام در شوروی را ستوده است پخش کرد. در عین حال شوروی مواظب بوده تا روی روابط دو کشور تأکید گردد و جهت گیری مارکسیستی حزب دمکراتیک خلق افغانستان را بی اهمیت جلوه دهد.

۴- پوشش رسانه های گروهی شوروی از اولین سالگرد انقلاب افغانستان در ۲۷ آوریل بدون عیب بود. برژنف و کاسیگین تبریکاتشان را ارسال داشتند در حالی که تفسیر آنها روی پیشرفتی که در ۱۲ ماه اخیر حاصل شده بود، تأکید می کرد اما اضافه می کرد که هنوز راه طولانی در پیش است. علیرغم تعهدات پشتیبانی مکرر روسها، روسها دقت داشتند که بر وضعیت عدم تعهد جمهوری دموکراتیک افغانستان تأکید کنند.

مسکو هنوز حزب دمکراتیک خلق افغانستان را به عنوان یک حزب کمونیست نشناخته و احتمال هم نمی رود که تا زمانی که وضعیت افغانستان و کنترل جمهوری دموکراتیک افغانستان بر کشور احاطه پیدا نماید چنین کاری را انجام دهد. در واقع نشانه ای وجود دارد که شوروی از روابط نزدیک با رژیم تره کی متأسف است ولی تعهد آنها برای تبادل آن همچنان پابرجاست. در هر صورت شوروی به حزب دمکراتیک خلق افغانستان به عنوان حزب پیش قراول و به انقلاب افغانستان به عنوان روح پرولتاریای بین المللی اشاره می کند. ساسلو عضو اداره سیاسی، اخیراً اظهار داشت که افغانستان مثل اتیوپی و موزامبیک در جهت سوسیالیست شدن قرار دارد. این جهت گیری همراه با پیشرفت است ولی راه درازی، در پیش دارد تا بتواند شروع به ساختن سوسیالیسم واقعی کند.

۵- علیرغم کوششهای کابل مبنی بر متوقف ساختن فعالیت شورشیان، به نظر می رسد که جنگ در افغانستان شدت و گستردگی شدیدی یافته است. کنترل دولت بر نواحی استانهای کناره‌ها، ننگاهار و پکتیا کم به نظر می رسد و جنگ در آن مناطق سنگین بوده است. آشوبهایی در حومه کابل اتفاق افتاده است. در خلال جشن سالانه هیچ ناراحتی جدی مخصوص (عمدتاً به خاطر هماهنگی تدارکات امنیتی شوروی) وجود نداشته ولی اخبار ترور مقامات عالی‌رتبه افغان و مستشاران روسی پا بر جا باقی می ماند. طبق اخبار واصله تا به حال عده ای از روسها در یک شورش آشکار نظامی در جلال آباد کشته شده اند.

۶- مسکو در پاسخ به نیازهای کابل، ظاهراً به کمکهای نظامی افزوده است. بیشتر این کمکها قبلاً در قراردادها وجود داشته ولی تاریخ ارسال آنها تمدید شده است. طبق گزارشهای معتبر مطبوعات، در حال حاضر بیشتر از ۳۰۰۰ مستشار روسی در افغانستان به سر می برند که ۱۰۰۰ نفر از آنها پرسنل نظامی هستند، اتحاد جماهیر شوروی اخیراً حدود دوجین هلیکوپتر ۲۴--MI جنگی ارسال داشته و از آنجایی که هیچ خلبان افغانی نیست که روی این هلیکوپترها تعلیم دیده باشد، خلبانان روسی ممکن است تا زمانی که خلبانان افغانی تعلیمات ببینند با این هلیکوپترها به عملیات پردازند. در اوایل آوریل ژنرال پیشیف، رئیس هیئت مدیره سیاسی ارتش و نیروی دریایی، در رأس یک هیئت به کابل آمد تا احتمالاً وفاداری ارتش و تعلیمات آن را مورد بحث قرار دهد و همچنین احتمالاً وضعیت را برای مسکو بررسی کند و شانسه‌های رژیم تره کی برای ادامه بقاء را مورد ارزیابی قرار دهد.

۷- جمهوری دمکراتیک خلق یمن: اسماعیل، مرد شماره یک جمهوری دمکراتیک خلق یمن ضمن دیدارش از اتیوپی در اوایل مه علناً از اتحاد جماهیر شوروی و کوبا برای کمکهایشان در جنگ این کشور با (یمن جنوبی) تشکر کرد و جمهوری

دموکراتیک خلق یمن را در زمره پیشقراولان انقلاب کبیر اکتبر

ص: ۵۳۴

قلمداد کرد. مسکو در سراسر درگیری در عدن مستقر بود. در حالی که در خلال جنگ هیچ افزایش مهمی در ارسال اسلحه صورت نگرفته بود، مجموعه های ارسالی شوروی به جمهوری دموکراتیک خلق یمن از تابستان گذشته زیاد بوده و احتمالاً جمهوری دموکراتیک یمن آنچه احتیاج داشته دریافت داشته است.

۸- همچنین به نظر می رسد که مسکو از یک صلح میانه طرفداری می نمود و به طور علنی از تلاشهای اعراب برای خاتمه دادن به درگیری ستایش نمود. قبل از اینکه جنگ روی دهد اتحاد شوروی در تلاش بود تا روابطش را با عربستان و یمن (YAR) بهبود بخشد. امکان دارد که عراق به سهم خود در تلاش برای جلوگیری از رشد نفوذ شوروی در شبه جزیره عربستان وسیله ای بوده باشد.

۹- در خلال هفته آخر ماه آوریل، کمیته همبستگی آفریقا-- آسیای شوروی مهماندار یک هیئت نمایندگی از جبهه خلق برای آزادی عمان بود. از ژانویه به این طرف مطبوعات شوروی چندین مقاله انتقادی در مورد عمان و دولت سلطان (عمان) انتشار داده اند که بر این در اشاره دارد که برخورد ایران و انقلابیون ظفار (حالا که دیگر ایران جهت حمایت از دولت عمان نیرو در اختیار آنها نمی گذارد) ممکن است تجدید شود. مسکو به طور اخص از امتناع در حمایت از تحریمهای بغداد و قطع ارتباطات با مصر در جریان صلح خاورمیانه مکدر شد. ۱۰- ما به پاراگراف ۵ تلکس مرجع به طور جداگانه پاسخ خواهیم داد.

### **نماینده گیلانی پیشرفت در متحد کردن گروههای مختلف افغانی را گزارش می دهد**

سند شماره (۱۸) از: سفارت آمریکا در اسلام آباد به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی. طبقه بندی: سری شماره سند: ۵۵۳۱ موضوع: نماینده گیلانی پیشرفت در متحد کردن گروههای مختلف افغانی را گزارش می دهد ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- خلاصه: همایون آصفی، وکیل افغانی از پاریس که روز ۲۳ آوریل همراه با سید احمد گیلانی به سفارت مراجعه کرد، از مأمور سفارت در تاریخ ۱۳ ماه مه همراه با گزارش از پیشرفت حاصله در ایجاد وحدت در میان گروههای مستقر در پیشاور دیدن کرد. آصفی همچنین درباره موقعیتهای در زد و خورد بین نیروهای مخالف و سربازان، جمهوری دموکراتیک افغانستان اطلاع داد. وی قسمتهایی از یک هواپیمای میگ ۲۱ را که به گفته او به وسیله نیروهای مخالف در اواخر ماه آوریل به دست آمده است نزد ما باقی گذاشت.

۳- آصفی، که پس از دیدار قبلی خود از سفارت در سراسر پاکستان سفر می کند تا وحدت نهضتهای مخالف را تحقق بخشد، گفت «اتحاد پر معنای» سه گروه (جبهه آزادی بخش ملی افغانستان، گروه گیلانی، و گروه میان گل جان) اکنون ۹۰ درصد محقق است و باید تا روز ۱۸ می اعلان شود. موافقتنامه حاصله به وسیله رهبران این سه سازمان در پیشاور امضاء خواهد شد و به مطبوعات (در سراسر جهان) اعلان خواهد شد. این اتحاد شامل هماهنگی فرماندهی در عملیات صحرائی و همکاری در سطوح بالا در پیشاور خواهد بود.

۴- آصفی همچنین ترتیبی داده است تا بازرگانان افغانی خارج از کشور یک ایستگاه رادیویی را که از اروپا خریداری شده و تحت رهبری کمیته متحد گروه در وزیرستان نصب خواهد شد، سرپرستی کنند.

آصفی از قرار معلوم به پسر عموی خود، شهنواز که در وزارت امور خارجه پاکستان کار می کند، درباره مقاصد خود اطلاع داده و تقاضای اجازه کرده است که تجهیزات رادیو وارد شود. آصفی تصویب وزارت امور خارجه را گزارش نداده است، بلکه گفته است: «شهنواز به من نگفت که فعالیت را در این زمینه متوقف کنم.» ۵ - آصفی گفت گروههای قبیله ای افغانستان اخیراً در پشتیبانی از فعالیتهای شورشیان فعالتر شده اند و وزیرهای فعالانه از تاریخ ۱۱ می به زد و خوردها پیوسته و منگالها، تاجیکها، ازبکها و افریدیها همه از لحاظ اصولی موافقت کرده اند که به این جنگها پیوندند ولی فاقد تشکل برای هماهنگ کردن کوششهای خلقهای خود می باشند. عامل دیگری که باعث تردید این گروههای قومی و قبیله ای شده است نبودن رهبری است که دارای موقعیت ملی باشد که آنها خود را به او نسبت دهند. آصفی گویا نامه ای دارد که به وسیله همه این گروهها امضاء شده و به عنوان ظاهرشاه است. در این نامه از ظاهر شاه خواسته شده است به افغانستان بازگردد یا اینکه عبدالولی، کانونی به عنوان نقطه تلاقی برای فعالیتهای مخالفان قرار گیرد. طبق اظهار آصفی، در نامه مورد بحث به پادشاه افغانستان، توضیح داده شده است که، مقصود گروهها استقرار مجدد سلطنت نیست و شخص سلطان تنها به عنوان یک شخص تشریفاتی مورد استفاده قرار می گیرد نه به عنوان پادشاه حکمروا.

۶- آصفی گفت او از شهنواز مدیر کل وزارت خارجه پاکستان درباره اینکه ظاهرشاه یا عبدالولی اجازه یابد پایگاهی در پاکستان برقرار کند سؤال کرده است. شهنواز در پاسخ گفته است: «شاید کمی بعد، ولی نه اکنون.» شهنواز گویا به آصفی گفته است که شوریها اقداماتی نزد وزارت امور خارجه به عمل آورده و با دادن اجازه به خاندان سلطنتی افغانستان به سکنی گزیدن در اینجا از طرف حکومت پاکستان مخالفت کرده اند.

۷- هنگامی که درباره پشتیبانی خارجی از گروههای مخالف سؤال شد آصفی گفت جمهوری خلق چین، امارات متحده عربی و عربستان سعودی همه قول مساعدت داده اند ولی هنوز کاری عملی در این مورد انجام نداده اند، به محض اینکه اعلامیه اتحاد گروهها صادر شد، آصفی قصد دارد به امارات متحده عربی و عربستان سعودی، برای پیگیری تحقق وعده های آنان سفر کند. او آن گاه قصد دارد از طریق، رم برای تسلیم دعوت نامه ها به ظاهرشاه و عبدالولی به پاریس بازگردد این امکان وجود دارد که او قادر باشد توقیفی نیز در ایران داشته باشد، زیرا جامعه هزاره در پاکستان اظهار آمادگی کرده است تا تماس او را با آیت الله خمینی برقرار کرده و او بتواند از این محفل نیز استفاده کند.

۸ - آصفی می گوید گروههای واقع در پیشاور تمایل دارند از اینکه شک کنند شوریها، برای نجات حکومت خلیها در افغانستان این کشور را تحت هر عنوانی که شده، اشغال می کنند. او می گوید نخستین اقدام بعد از وحدت بخشیدن به گروههای اصلی، تماس با شوریها در یک سرزمین بیطرف و برقراری مناسبات براساس واقعیات اوضاع خواهد بود، یعنی اینکه هیچ رژیمی در کابل نمی تواند بدون مناسبات حسنه با اتحاد شوروی وجود داشته باشد. آصفی مدعی است، که این مقاصد در حال حاضر قابل ذکر نخواهد بود، زیرا در چنین صورتی مذهبیهون افراطی دچار سوء تفاهم شده و وحدت غیر ممکن خواهد بود.

۹- آصفی ظاهراً برای منعکس کردن نظریات سید احمد گیلانی و سایر رهبران در منطقه پیشاور، به

مأمور سفارت هشدار داد که ضیاء ناصری، شهروند آمریکایی (AMCIT) شاید یک مأمور دوجانبه باشد.

آصفی مدعی است که ضیاء ناصری سال گذشته با حفیظ الله امین در سازمان ملل متحد ملاقات کرده و اندکی پس از آن از کابل دیدن کرده است. او پس از آن که مجددی، رهبر «جبهه ملی آزادی بخش افغانستان» او را نزد خود رد کرده بود در پیشاور ظاهر شده و خود را به گیلانی ربط داده است. آصفی گفت گیلانی اکنون از دوستی با ضیاء ناصری تأسف می خورد و می خواهد بفهماند که بین او و این آمریکایی مناسباتی وجود ندارد.

۱۰- آصفی گزارش داده است که نیروهای مخالف سه هواپیمای میگ متعلق به جمهوری دمکراتیک افغانستان را سرنگون کرده اند. اولی در «وزا» در منطقه «زدران» در ایالت «پکتیا» در تاریخ ۲۵ آوریل دومی در دهکده پچاراگان در پکتیا و آخری در روز نهم ماه می در نزدیکی خوست در پکتیا. او مشخص نکرد که این هواپیماها چگونه سرنگون شده اند ولی چند قطعه از بقایای هواپیما را، شامل پنج پلاک هواپیما که از میگ اولی جدا شده، همچنین عکسهایی از هواپیما را نزد مأمور سفارت به امانت سپرد.

رونوشت از طریق POUCHED به مصرف کنندگان ذیعلاقه توسط اداره کنستایل INR/RNA/SDA

### سابقه تحصیلاتی وزیران و معاونان وزیر حکومت افغانستان

سند شماره (۱۹) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۱۴ می ۱۹۷۹ به: وزارت امور خارجه موضوع: سابقه تحصیلاتی وزیران و معاونان وزیر حکومت افغانستان به پیوست فهرستی از سابقه تحصیلاتی و آموزشهای وزیران و معاونان وزیر در حکومت جمهوری دمکراتیک افغانستان تقدیم می شود. با مقایسه اطلاعاتی که درباره این مقامات با توجه به اطلاعاتی که درباره افرادی در جمهوری دمکراتیک افغانستان در حکومت اولیه ای که پس از انقلاب ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ سر کار آمدند، آشکار است که لااقل از لحاظ تحصیلات این گروه آبرومندتر از گروه پیشین است. چهل و دو نفر از مأمورین درجه یک در حکومت کنونی تحصیلات قبل از دانشگاهی یا آموزش حرفه ای را گذرانده اند که ۲۹ نفر آنها در افغانستان و ۱۳ نفر آنها در خارج بوده و ۱۷ نفر آنها از تحصیلات دانشگاهی یا پیشرفته بهره مند شده اند. در عوض در حکومت اول جمهوری دمکراتیک افغانستان تنها ۲۹ بوروکرات در سطح وزیر و معاونت وزیر دارای آموزش قبل از دانشگاهی بوده اند و ۱۲ نفر آنها آموزش پیشرفته داشته اند. معذالک همان طوری که در مورد گروه اول می توان گفت عده کمتری از مقامات کنونی آموزشهایی داشته اند که با مسئولیتهای کنونی آنها وفق داشته باشد. همچنین این نکته جالب است که یازده وزیر و معاون وزیر در ایالات متحده تحصیل کرده اند. در حالی که فقط شش نفر آنها تحصیلاتشان در اتحاد شوروی بوده است. هیچ کدام از این مقامات تا اندازه ای که ما اطلاع داریم در کشورهای دیگر کمونیستی تحصیل نکرده اند.

پیوست.

۱- سابقه تحصیلاتی وزیران و معاونان وزیران کابینه ۲- تاریخچه تحصیلات افراد اطلاعات در مورد چند نفر از مقامات به دست نیامده و در مورد دیگران نیز ناقص است و این به علت تغییراتی است که در مورد پرسنل، به طور مداوم، صورت می گیرد. معذالک، بالاخره شکافها را در معلومات خود درباره این بوروکراتهای بلند مرتبه پر خواهیم کرد.

ضمیمه شماره ۱ سابقه تحصیلاتی وزیران و معاونان وزیران کابینه افغانستان الف: درجه فارغ التحصیل قبل از دانشگاهی و آموزش حرفه ای مثلاً نظامی.

تذکر- این نمودار منعکس کننده سابقه تحصیلاتی ۳۳ نفر است. در حال حاضر اطلاعاتی درباره تاریخچه تحصیلات ۸ نفر دیگر نداریم. ۲ پست وزارتی فعلاً خالی است.

تاریخچه تحصیلات رئیس شورای انقلاب نور محمد تره کی، آموزش تا پایان کلاس چهارم (دبیرستان - م) مدرسه شبانه.

لورایی نخست وزیر و وزیر امور خارجه حفیظ الله امین، لیسانس علوم دانشگاه کابل در رشته ریاضیات و فیزیک در سال ۱۹۵۳، فوق لیسانس از دانشکده تربیت معلم دانشگاه کلمبیا ۱۹۵۸-- دو سال اضافی در دانشکده تربیت معلم کلمبیا بین سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۵.

۱- وزارت امور خارجه - شاه محمد دوست - معاون اول وزیر امور خارجه، مسؤل امور سیاسی - فارغ التحصیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل.

دکتر اسدالله امین معاون دوم وزیر امور خارجه - مسؤل امور سیاسی عبدالهادی مکمل - معاون وزیر امور خارجه در امور اداری - فارغ التحصیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل.

وزارت کشاورزی و اصلاحات ارضی.

صالح محمد زیری - وزیر، فارغ التحصیل دانشکده پزشکی دانشگاه کابل.

فاضل رحیم رحیم - معاون وزیر، مسؤل اصلاحات ارضی - آموزش آمار در هند. همچنین مطالعه آمار در دانشگاه ایالت آیوا در ۵۷ - ۱۹۵۶ و ۶۴ - ۱۹۶۱ و ۱۹۷۰ لیسانس علوم در رشته آمار کشاورزی و پژوهشهای دامی دانشگاه ایالت آیوا در سال ۱۹۶۴، همه این مطالعات به سرپرستی مؤسسه عمران بین المللی.

عبدالاحد سرسام - مسؤل امور کشاورزی. آموزش دانشگاهی با تأمین مالی در مؤسسه عمران بین المللی در ایالات متحده وزارت ارتباطات. محمد گلاب زوی - وزیر، فارغ التحصیل آکادمی نظامی افغانستان آموزش خلبانی رزمی در اتحاد شوروی. خلیل الله کوهستانی، معاون وزیر - لیسانس علوم از دانشگاه کابل در رشته ریاضیات و شیمی سال ۱۹۷۴.

وزارت بازرگانی، عبدالقدوس گوربندی - فارغ التحصیل مؤسسه تکنولوژی افغانستان و یک دوره پانزده ماهه در کنترل هوایی اداره هواپیمائی کشوری آمریکا محمد حکیم مالیار - معاون وزیر - خبرگزاری دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل.





وزارت دفاع، سرهنگ دوم محمد اسلام وطنجار - فارغ التحصیل آکادمی نظامی افغانستان در سال ۱۹۵۸.

سرهنگ دوم محمد یعقوب - معاون وزیر (رئیس ستاد).

وزارت آموزش و پرورش، دکتر عبدالرشید جلیلی - وزیر، فارغ التحصیل دانشکده کشاورزیدانشگاه کابل سال ۱۹۶۳، فوق لیسانس در میکروبیولوژی کشاورزی از دانشگاه وایومینگ.

دکتر از اتحاد شوروی.

دکتر غلام محمد سهیبي، معاون اول وزیر - از تحصیلات وی اطلاعاتی در دست نیست.

فضل حق، معاون دوم وزیر - از تحصیلات وی اطلاعی در دست نیست.

وزارت دارایی، عبدالکریم میثاق - وزیر، تحصیلات مرتبی نداشته است.

خیرمحمد سلطانی، معاون وزیر، فارغ التحصیل دانشگاه کابل ۲ ماه تحصیل در دانشگاه پیتزبورگ سال ۱۹۷۵.

وزارت امور مرزی، صاحب جان شهرایی، وزیر - اطلاعاتی از تحصیلات وی در دست نیست.

معاون وزیر.... شاغل ندارد.

وزارت آموزش عالی، پروفیسور محمود سوما، وزیر - لیسانس دانشگاه آمریکایی بیروت رشته علوم ۱۹۶۰ - فوق لیسانس و دیپلم ابتدایی دانشکده تربیت معلم کلمبیا - ۱۹۶۴.

پیر محمد زرای - معاون وزیر، لیسانس مهندسی از دانشگاه لندن وزارت اطلاعات و فرهنگ، خیال محمد کاتاوازی، وزیر - فارغ التحصیل دانشکده روزنامه نگاری دانشگاه کابل ۱۹۶۸.

علی گل پیوند، معاون وزیر اطلاعات و فرهنگ - فارغ التحصیل دانشکده آموزش و پرورش دانشگاه کابل، مطالعات فوق لیسانس در رشته آموزش و پرورش در دانشکده تربیت معلم کابل.

پست معاون وزیر برای رادیو و تلویزیون شاغل ندارد.

وزارت کشور، شرجان مزدوریار، وزیر - فارغ التحصیل آکادمی نظامی افغانستان.

فقیر محمد فقیر، معاون وزیر - اطلاعاتی از تحصیلات وی در دست نیست.

وزارت دادگستری، عبدالحکیم شهرایی جوزجانی - وزیر، فارغ التحصیل حقوق اسلامی از دانشگاه کابل ۱۹۶۰، مطالعات روزنامه نگاری در دانشگاه کابل ۱۹۶۲ - مطالعات بیشتر در اتحاد جماهیر شوروی ۱۹۶۳.

محمد اکرم عبقری معاون وزیر - مسؤل امور اداری، اطلاعاتی از تحصیلات وی در دست نیست.

محمد عنبر وحیدی - معاون وزیر، مسؤل امور قضایی، فارغ التحصیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشکده کابل ۱۹۵۳، مطالعات بیشتر در رشته تحقیقات جنائی و حقوق تطبیقی در دانشگاههای آمریکایی و جرج واشنگتن ۵۸ - ۱۹۵۷ (با بورس مؤسسه عمران بین المللی آمریکا).

وزارت معادن و صنایع، محمد اسماعیل دانش - وزیر، در دانشکده کشاورزی و مهندسی کابل در سالهای ۶۰ - ۱۹۵۸ تحصیل کرده و درجه لیسانس در رشته معدن شناسی از دانشگاه ویرجینیای غربی، در ۱۹۶۴ درجه فوق لیسانس در رشته معدن شناسی از دانشگاه ویرجینیای غربی و درجه فوق لیسانس در رشته فیزیک از دانشگاه لنین در اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۱.

ص: ۵۳۹

غلام محمد رحیمی، معاون نخست وزیر، مسؤل صنایع اطلاعی در دست نیست.

مهندس عبدالکافی رسولی، معاون وزیر، مسؤل معادن - اطلاعی در دست نیست.

وزارت برنامه ریزی، مهندس محمد صدیق عالمیار - وزیر، فارغ التحصیل مؤسسه تکنولوژی افغانستان همچنین در پلی تکنیک افغانستان تحصیل کرده است. آموزش بیشتر در اتحاد شوروی در رشته مهندسی زمین شناسی.

فاتح محمد تارین - معاون وزیر، در اتحاد شوروی تحت سرپرستی سازمان ملل متحد آموزش دیده است. همچنین ۱۸ ماه در فرانسه در رشته مدیریت صنعتی تحصیل کرده است.

عبدالغفور ملک زاده - معاون وزیر در آمار، اطلاعی در دست نیست.

وزارت بهداشتی عمومی، دکتر شاه ولی - وزیر (معاون نخست وزیر). فارغ التحصیل دانشکده پزشکی دانشگاه کابل.

پست معاون وزیر شاغل ندارد، وزارت ترابری، محمد حسن باریق شافعی - وزیر. هیچ گونه تحصیلات دانشگاهی یا پیشرفته ندارد.

نور محمد دلیلی، معاون وزیر - ۲ سال برنامه آموزشی در ایالات متحده، نزد اداره هواپیمایی کشوری.

وزارت کارهای عمومی، دستگیر پنج شیری - لیسانس دانشکده ادبیات دانشگاه کابل.

مهندس صالح محمد پیروز، معاون وزیر - اطلاعی در دست نیست.

وزارت آب و برق، منصور هاشمی وزیر - ابتدا در دانشکده تربیت معلم کابل تحصیل کرده و سپس در دانشکده آمریکایی بیروت از سال ۶۰ - ۱۹۵۵، لیسانس دانشگاه کابل در رشته فیزیک ۱۹۶۰، فوق لیسانس از دانشگاه آریزونا ۱۹۶۵.

مهندس محمد جمعه برک زوی، معاون وزیر - ۲ سال در دانشگاه آمریکایی بیروت

### **شورشی غیر وابسته افغانی به سفارت تلفن می کند**

سند شماره (۲۰) سری ایران - تهران ۱۶ مه ۱۹۷۹ عالیجناب در ملاقات اخیرمان نخست وزیر در مورد دریافت اطلاعاتی که ممکن است از طریق دیگر برای شما قابل حصول نباشد اظهار علاقه نمود.

به پیوست مطالبی است در مورد افغانستان که قسمت اول در حقیقت گزارش وضعیت از زمان کودتای آوریل ۱۹۷۸ تا به حال می باشد، ارسال می دارم. قسمت دوم از میان آخرین اطلاعات ما تهیه و تنظیم شده است. لطفا مرا مطلع گردانید که آیا اطلاعاتی با این ماهیت مورد علاقه شماست و یا به من توصیه کنید چه زمینه های به خصوصی مورد نظر شما و همکارانتان می باشد.

منتظر تبادلات آتی با شما هستم.

اراتمند شما - چارلز ناس مسؤل مطالب جناب آقای امیرانتظام، معاون نخست وزیر دفتر نخست وزیری، تهران

ص: ۵۴۰

سند شماره (۲۱) از: سفارت آمریکا -- تهران تاریخ: ۲۰ می ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

طبقه بندی: سری تهران ۰۵۲۰۸ رونوشت به: سفارت آمریکا در کابل و.....

شماره سند: تهران ۵۲۰۸ موضوع: شورشی غیر وابسته افغانی به سفارت تلفن می کند ۱- (تمام متن سری، این یک پیام گزارشی است.) ۲- خلاصه: ضیا ناصری شهروند آمریکایی افغانی، که برای کسب کمکهای مالی جهت نهضت چریکی افغانستان و دیدار با آیت الله خمینی، آیت الله خلخالی، و وزیر امور خارجه، یزدی در ایران است، ضعفهای عمده نهضت را اعم از رهبری، مالی و سازماندهی برای کارمند سیاسی سفارت توصیف کرد، اما گفت که نهضت تا نوامبر دولت خلقی را بر خواهد انداخت تا جمهوری دمکراتیک اسلامی را بنا نهد. (پایان خلاصه) ۳- ناصری که خود را به عنوان یکی از دوستان ریک شرم در اسلام آباد معرفی می کرد، در ۱۷ می به قسمت سیاسی تلفن کرد. ما در خلال صرف قهوه ملاقات کردیم و راجع به دوستانمان و فعالیتهای جاری او صحبت کردیم. ناصری خود را به عنوان «یک میهن پرست آزاد» که برای رهبران مختلف در پاکستان کار می کند ولی با هیچ یک همراهی ندارد؛ اگر چه نزدیکترین همکاریها را با پیر سید احمد گیلانی دارد، توصیف کرد.

او گفت که هم اکنون از نیویورک، جایی که با محمد علی بوکسور ملاقات کرد، و از فرانکفورت، جایی که با حدود سیصد نفر از تجار تبعیدی افغانی ملاقات کرد، می آید. (او گفت علی او را رد کرد، ولی افغانیهای فرانکفورت ۵۰۰۰۰ مارک بیعانه دادند.) هدف اصلی او افزایش میزان اعانات است و او از طرف «شورای انقلابی و اسلامی افغانستان» اعتبارنامه ای همراه داشت. او با معرفی نامه ای برای آیت الله خلخالی، رئیس دادگاههای اسلامی (و او گفت، داماد آیت الله خمینی) در ایران است. او گفت، خلخالی بعد از ظهر آن روز او را به قم می برد، جایی که او برای روز بعد قرار ملاقاتی با خمینی داشت. اگر خمینی موافقت کند، او دوباره با خلخالی و یزدی، وزیر امور خارجه برای بحث در مورد جزئیات کمک مالی برای نهضت و برپایی کمیتهای نظامی پناهندگان در مرز ایران و افغان، ملاقات خواهد کرد.

۴- ناصری نهضت را بسیار فعال اما «کاملاً بی سرمایه» توصیف کرد. او می گوید در عین حالی که او برای یافتن پول تلاش می کند، رهبران خود را در رابطه با حمایت مورد انتظار از جانب کشورهای عربستان سعودی، مناطق خلیج، و چین فریب می دهند. او می گوید که گیلانی در ژانویه به عربستان سعودی رفت و به عنوان مهمان شاهزاده فهد دو هفته آنجا ماند، ولی هیچ چیزی دریافت نکرد. در ماه مارس او ناصری، از ابوظبی دیدار کرد، ولی غیر از آرزوهای خوب چیزی دستگیرش نشد. او با خمینی هم در ماه مارس قرار ملاقاتی داشت، اما از او خواسته شد تا وقتی که انقلاب ایران امور خود را سر و سامان دهد، آن را به تعویق اندازد. در همین زمان، او از افغانیها در آمریکا مقدار قابل توجهی وثیقه به دست آورده بود، ولی تمام آنها برای مواد غذایی صرف شده و برای اسلحه و مهمات چیزی باقی نمانده

است او رهبری افغانها را در پاکستان به عنوان غیر متجانس توصیف کرد که از «اخوان المسلمین تا مارکسیستهای اسلامی» را در برمی گیرد و در عین حالی که برای کسب برتری تقلا می کنند با ترشروی با یکدیگر همکاری می نمایند و مایل نیستند به هیچ کسی خارج از جمع خود، منجمله خود او اعتماد کنند.

او در حالی که می گفت، آنها مردان را در مأموریت‌های خودکشی بدون استراتژی عمومی، که متحمل تلفات سنگینی می شود (۷۰۰ زخمی در یک اردو) و برای آنها هیچ تسهیلات پزشکی وجود ندارد و از بهره برداری از موفقیت آن شکست می خورند، تلف می کنند، تخصص جنگی آنها را بی بها جلوه داد.

همگی آنها بر لزوم جمهوری دمکراتیک اسلامی موافقت، ولی بر تعریف آن موافقت ندارند. اگر چه اکثر جنگها (در ۲۳ تا از ۲۸ استان) به طور ناگهانی و بدون رهبری از پاکستان اتفاق می افتد و او معتقد است که با همه شکستهایش، و با کمبود مواد غذایی مورد انتظار در افغانستان در ماه اکتبر، یک قیام عمومی و شورش از جانب سربازان بیدار وجود خواهد داشت و دولت تره کی تا ماه نوامبر به پایان خواهد رسید. او می گوید تنها چیزی که می تواند در آن برنامه زمانی دخالت کند، مداخله واحدهای نظامی روسی است که مخالفان را با پایان مشابهی ساکت می کند، اما یک جنگ طولانی لازم دارد. بهترین حدس او این است که روسیه در حال حاضر از این موقعیت استفاده نخواهد کرد. او قول داد که پس از اینکه با دولتمردان ایران ملاقات کرد، تلفن کند و نتایج درخواستهایش را بدهد.

۵- برای اسلام آباد: ناصری در نظر دارد که برای سه هفته در اسلام آباد باشد و امیدوار است که به ریک شرمین سر بزند.

۶- تهران تحت پوشش جداگانه ای، اعلامیه ای را که ناصری پخش می کند به همراه تقاضای او برای اینکه نهضت انقلابی را توضیح دهد، برای وزارت، کابل، و اسلام آباد می فرستد.

۷- اظهار نظر: انتقاد شخصی ناصری از گیلانی و سایر رهبران، به علاوه نظر او در مورد حسادت و کمبود اعتماد در خارج از محدوده داخلی، ممکن است نظراتی را که به وسیله آصفی، معاون گیلانی، عنوان می شود، توضیح دهد (تلگرام مأخذ). با وجود این، اگر او در کسب وثیقه موفق شود، گیلانی و سایرین ممکن است اهمیت او را برای خود مورد تجدید نظر قرار دهند. پایان نظریهناس

### **واکنش محدود ایرانیان در قبال درخواست شورشیان افغانی**

سند شماره (۲۲) از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۲۱ می ۷۹ به: سفارت آمریکا در اسلام آباد طبقه بندی: سری رونوشت به: وزیر امور خارجه واشنگتن و سفارت آمریکا در کابل شماره سند: ۵۲۴۶ موضوع: واکنش محدود ایرانیان در قبال درخواست شورشیان افغانی ۱- تمام متن سری است.

۲- خلاصه: ناصری، مسؤل جمع آوری پول برای افغانها درباره کمک ایرانیان گزارش داد، صحبت از کمکهای «انساندوستانه». گزارش درباره ۳۰ الی ۳۵ هزار نفر پناهنده افغانی در ایران. (پایان خلاصه) ۳- ضیاء ناصری شهروند آمریکایی -- افغانی در تاریخ ۲۱ ماه می تلفن کرد تا نتایج مذاکراتش را با مقامات ایرانی گزارش دهد. او اظهار می کند که سفری به

قم داشته و با آیت الله خمینی ملاقات کرده است.

ص: ۵۴۲

او گفت که گفتگوهای آیت الله دوستانه بود اما آنقدر هم رضایت بخش نبود. او از آیت الله کمک نظامی خواسته بود و آیت الله در عوض با او از کمک «انساندوستانه» صحبت کرده بود. او دوباره با آیت الله خلخالی صحبت کرده بود و او گفته بود که این ملاقات «می تواند یک شروع» باشد. او با یزدی وزیر امور خارجه ملاقات نکرد ولی در عوض با آقای تقوی رئیس قسمت امور مربوط به افغانستان در وزارت امور خارجه، ملاقات کرد و ملاقات دیگری تقریباً به فاصله ده روز دیگر با او انجام داد.

۴- دیروز، در یک مصاحبه مطبوعاتی، آیت الله روحانی، یک شخصیت مذهبی مهم و نزدیک به آیت الله خمینی اظهار داشت که: «مردم افغانستان باید علیه دولت خود همانند ملت ایران قیام کنند.» او از دولت ایران تقاضای مداخله نظامی در افغانستان و مساعدت به برادران مسلمان را کرد. این گونه اظهارات بوسیله یک مقام غیر رسمی، شخصیت درجه دوم اهمیت کمی دارد مگر اینکه خمینی یا دولت آن را تأیید کنند.

۵- ناصری اظهار داشت که دولت موقت ایران به او کمک کرده تا با پناهندگان افغانی تماس بگیرد. او به مشهد، جایی که افغانیها یک دفتر دارند، رفت و سپس تا کمپهای پناهندگان اسکورت شده بود. او اظهار می دارد که در آنجا ۳۰ الی ۳۵ هزار افغانی در منطقه ای به طول بیست مایل در طول مرز از شهر تایباد در جنوب مشهد زندگی می کنند. بیشتر آنها کشاورز هستند و با رمه هایشان آمده اند و به خاطر کمبود علوفه بسیاری از آنها مجبور به بازگشتن به افغانستان شده اند. از این تعداد یک صد افسر نظامی افغانی از نیروی زمینی، نیروی هوایی و توپخانه هستند. این نظامیان سعی دارند با تمرین دادن افراد یک گروه چریکی تشکیل دهند (بیشتر پناهندگان مرد شخصاً صاحب تفنگ می باشند و ناصری می گوید که آنها تعدادی از عملیات را داخل افغانستان رهبری می کنند). ناصری امیدوار است که ایرانیان خود سرپرستی پناهندگان افغانی را به جای این افسران افغانی در دست بگیرند و آنها را تمرین و آموزش بیشتری بدهند.

۶- ناصری قصد دارد فردا به پاکستان سفر کند و بعد از تقریباً یک هفته به ایران بازگردد. ناس

## موضوع افغانستان: پیش بینیهای در مورد دخالت روسیه

سند شماره (۲۳) از: سفارت آمریکا - مسکو تاریخ: ۲۴ می ۱۹۷۹ - سری به: وزارت خارجه - واشنگتن طبقه بندی: سری  
موضوع افغانستان: پیش بینیهای در مورد دخالت روسیه ۱- (محرمانه) خلاصه: ما فکر نمی کنیم که اتحاد شوروی تحت شرایط فعلی تمایلاتش در افغانستان را بی انتها بیند. به نظر ما قیاس سازی با دخالت سال ۱۹۶۸ شوروی در چکسلواکی اشتباه است. ما فکر می کنیم که روسها به افزایش پشتیبانی نظامی و تدارکاتی خود از رژیم طرفدار شوروی در کابل ادامه می دهند. ممکن است تعدادی از پرسنل روسی در عملیات نظامی دولت افغانستان شرکت پیدا کنند. در هر صورت تحت شرایط قابل پیش بینی، مسکو از به دوش کشیدن قسمت اعظم بار مبارزه ضد شورش در افغانستان اجتناب خواهد ورزید. (پایان خلاصه)  
۲- (محرمانه) ما با نظریات اصلی تحلیل کابل (مرجع الف) و به خصوص با این نتیجه گیری که روسها احتمالاً تلاش خواهد کرد تا از سقوط به داخل چیزی که می تواند یک تله از نوع ویتنام بشود اجتناب ورزند، موافقیم. در حقیقت ما در پایین آوردن ارزش تشبیه چکسلواکی حتی جلوتر می رویم. همان





طوری که در مرجع ب اشاره شد، به نظر ما تحت شرایط قابل پیش بینی روسها نسبت به اعزام واحدهای رزمی در سطح بالا جهت نجات رژیم خلقی از سرنگونی (که در مورد چکسلواکی تعداد ۱۴ لشکر روسی به اضافه ۴ لشکر از دیگر کشورهای پیمان ورشو شرکت داشتند) توجهی جدی مبذول نخواهند نمود.

۳- (سری) نتیجه گیری ما براساس چندین قضیه اثبات شده می باشد.

الف: از نظر استراتژیکی، افغانستان در یک طبقه بندی کاملاً مجزا از چکسلواکی قرار دارد.

چکسلواکی به صورت پلی بر روی و یا در نزدیکی راههای تاریخی هجوم به روسیه قرار گرفته است.

چکسلواکی عضوی از «جامعه مشترک المنافع سوسیالیستی اروپای شرقی» و «سیستم سوسیالیستی جهانی» و نیز پیمان ورشو می باشد و تغییرات در سیستم داخلی آن می تواند به طور نسبی مستقیماً روی سیستم داخلی اتحاد شوروی اثر بگذارد.

ب: از نقطه نظر مسکو و خصوصاً در ماههای آینده، هجوم شوروی به افغانستان احتمالاً می تواند به زیان منافع استراتژیک جهانی منجر شود. در زمانی که مسکو به طور فزاینده ای با تهدید چینها در شرق درگیر است. این هجوم ضربه ای خطرناک به دتانت (DETANT) با غرب وارد می کند. چنین حرکتی مطمئناً مذاکرات سالت را به سرنوشت بدی دچار می سازد. این کار برای اتهامات چینها و دیگران در مورد اهداف توسعه طلبانه و برتری جویانه روسها در دنیا سودی عالی در برخواهد داشت (مثل مورد چکسلواکی در دراز مدت). این کار روابط با دنیای پراهمیت اسلام را تند و تیره می کند.

ج: در ۱۹۶۸ روسها به طور صحیح حساب کرده بودند که چکها نخواهند جنگید. این در مورد افغانستان اتفاق نخواهد افتاد. از این بالا-تر، هدف روسها در چکسلواکی به سادگی با اشغال و آرام کردن مراکز شهری حاصل گردید. کار مسکو در افغانستان که قسمت اعظم جمعیت (و مقاومت) در مناطق روستایی قرار دارد مشکل تر خواهد بود. حتی امکان دارد که شورش در افغانستان به خاطر درگیری مستقیم سربازان روسی نیروی بیشتری بگیرد و بقای رژیم تره کی - امین به طور فزاینده ای به درگیری مستمر جنگی آن سربازان وابسته بماند.

د: فقط بر اساس آمادگی نظامی برای چنین اقدامی، روسها وضعیت افغانستان را به طریقی پیچیده تر از آن در خواهند یافت که در جولای و اوت ۱۹۶۸ رو به رو شدند. تدارک برای هجوم به چکسلواکی تحت پوشش مانورهای وسیع رزمی و تدارکاتی در محدوده پیمان ورشو صورت گرفت. در نتیجه کار اصلی اکتشاف، تدارکات و روشهای کنترل و فرماندهی انجام گرفته بود و از همه مهمتر بسیج مورد لزوم و استقرار نیروها از طریق مانورهای نسبتاً عادی انجام شد. متقاعد شدن نسبت به یک صحنه مؤثر و قابل مقایسه در مورد افغانستان مشکل است. تمرکز نیروهای لازم برای عملیاتی به سبک چکسلواکی احتمالاً بسیج و به خدمت گرفتن وسیع و مجدد نیروها در مناطق مرتبط به هم را ایجاب می نماید؛ هر چند این مشکلات با به خدمت گرفتن لشکرهای هوا برد تا حدی مرتفع خواهد شد. با در نظر گرفتن تمام دو بخش نظامی شوروی که با افغانستان مرز عادی دارند و با قائل شدن استثناء، روسها دارای یازده لشکر می باشند که فقط ۳ لشکر را می توان بدون بسیج آماده برای رزم دانست. هیچ کدام از سه لشکر برای مأموریتی در افغانستان به صورت دلخواه قرار نگرفته اند و آنها هنوز نیاز دارند که

مرز چین را که مهمترین موضوع مورد توجه حداقل یکی از بخشهای نظامی است مورد ملاحظه قرار دهند.

۴- (محرمانه) البته برای ما امکان نخواهد داشت و نیز احمقانه است که کاملاً امکان هجوم شوروی به

ص: ۵۴۴

افغانستان در پاسخ به درخواست از جانب یک رژیم خلقی محاصره شده را رد کنیم. در عین حالی که ما معتقدیم بی رغبتیها بر حسب محاسبات مسکو در مورد بهترین منافعش در این زمان به نظر می آید که شدیداً بر انگیزه هایش می چربد، عواملی که توسط کابل اقامه شده (در پاراگراف ۱۱ مرجع الف) هنوز دارای قدرت می باشند. اگر وضعیت سیاسی -- نظامی در افغانستان به بدتر شدن ادامه دهد، رهبری شوروی ممکن است اغوا شده و امکان مداخله به مقیاسی کوچکتر برای حفاظت از سرمایه گذاری های کلی خود را مورد توجه قرار دهد. به این دلیل به نفع ماست که گاهگاهی یادآوریهایی به روسها در مورد دیدگاه جدی که ما در مقابل چنین اقداماتی اتخاذ می کنیم، بنماییم. یادآوریهای غرب و دولتهای جهان سوم بی رغبتیهای را نسبت به مداخله مستقیم در آنها (روسها) به وجود می آورد.

۵- (محرمانه) غیر از مداخله نظامی مستقیم و در سطحی وسیع از جانب شوروی ماهیت و حدود همکاری نظامی شوروی با افغانستان چیست؟ قابلیت جذب ارتش افغانستان ممکن است تنها محدودیت در این مورد که روسها تا چه حد متمایلند که به جلو بروند، باشد. ما معتقدیم تعداد مشاورین روسی می تواند به طور تصاعدی افزایش یابد و برخی از آنها می توانند در عملیات نظامی درگیر شوند. برای مثال برخی پشتیبانیهای توپخانه روسی به شکل هلیکوپترهای توپدار و یا حمایت تاکتیکی هوایی برای عملیات زمینی یا خدمت گیری پرسنل روسی جهت اداره کردن تجهیزات نظامی پیچیده می تواند فراهم شود. به هر صورت این می تواند در زمینه به دوش گیری بار سنگین رزم توسط سربازان افغانی و نه روسی در وضعیتی که قابلیتهای جمهوری افغانستان برای ادامه بقا و توسعه کنترلش و (نه مداخله مستقیم مسکو) تعیین کننده های اصلی سرنوشت انقلاب افغانستان خواهند بود، قرار می گیرد.

۶- (محرمانه) سرانجام، با عطف به پاراگراف ۱۱ مرجع الف، ما آن نگرانی از بابت جمعیت مسلمان جمهوریهای آسیای مرکزی روسیه را مورد توجه قرار نمی دهیم که به خودی خود انگیزه ای باشند برای رهبری روسیه که یک روش مداخله جویانه در افغانستان را اتخاذ نمایند. تمام اطلاعاتی که ما راجع به منطقه جمع آوری کرده ایم اشاره دارند که مسکو موقعیت را به خوبی تحت کنترل خود دارد. سفرهای مکرر مأموران سفارت در ماههای اخیر به آسیای مرکزی روسیه معدودی علامت نارضایتی را آشکار ساخته اند. جمهوریهای آسیای مرکزی پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی مهمی را تحت حکومت شوروی به دست آورده اند و از یک سطح زندگی بالا-تری نسبت به مناطق همجوار در افغانستان و ایران برخوردارند و اگر با این وجود در ماههای آینده نارضایتی بالا-بگیرد، می توان روی روسها حساب کرد که سریعاً و به طور مؤثری آن را شکست دهند.

### **انتصاب دیپلمات روسی به عنوان «مشاور دیپلماتیک» در جمهوری دمکراتیک افغانستان**

سند شماره (۲۴) از: سفارت، مسکو تاریخ: ۲۴ می ۷۹ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. طبقه بندی: خیلی محرمانه  
موضوع: انتصاب دیپلمات روسی به عنوان «مشاور دیپلماتیک» در جمهوری دمکراتیک افغانستان ۱- تمام متن خیلی محرمانه  
۲- در ملاقات چهار جانبه روز ۲۲ می، سفیر انگلیس گزارش داد که واسیلی استفانویچ سافرونچک، معاون سابق نماینده دائمی شوروی در سازمان ملل و مأمور فعلی بخش دوم اروپایی وزارت خارجه به

عنوان مشاور دیپلماتیک دولت افغانستان به کابل اعزام خواهد شد. ما گمان می کنیم که عملاً این انتصاب او را مشاور شخصی ح. امین خواهد کرد.

۳- یک دیپلمات پاکستانی روز ۲۴ می به ما گفت که یک دیپلمات چینی به او تذکر داده که سافرونچک احتمالاً به عنوان سفیر به کابل خواهد رفت. منبع پاکستانی گفت، گرچه ظاهراً سافرونچک قبلاً هیچ گونه مأموریتی در امور افغان و حتی آسیا ندارد، بایگانی سفارت نشان می دهد که او در یک سفر اداری کوتاه پیش از کودتای ۷۸ یا در جریان آن در کابل بوده است. منبع پاکستانی افزود که به اعتقاد ما سافرونچک ارتباطی با ک.گ.ب. دارد.

۴- گزارش خلاصه زندگی وی در سفارت او را یک متخصص در امور انگلیس معرفی می کند. او قبل از انتقال به سازمان ملل به عنوان نماینده دائمی شوروی به مدت سه سال به عنوان سفیر شوروی در غنا خدمت کرده است (۶۸-۷۱). او ظاهراً یک بار عضوی از هیئت نمایندگی شوروی در کمیسیون اقتصادی آسیا بوده است و به میزان وسیعی در سراسر خاور دور و خاورمیانه مسافرت کرده است.

۵- سفارت از هر گونه اطلاعات بیوگرافی بیشتری که وزارتخانه قادر به فراهم کردن است قدردانی می کند.

### لایحه اصلاحی مجلس سنا درباره کمک به افغانستان

سند شماره (۲۵) از: سفارت آمریکا کابل تاریخ: ۲ ژوئن ۱۹۷۹ به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی سی طبقه بندی: استفاده محدود اداری شماره: ۴۲۳۶ موضوع: لایحه اصلاحی مجلس سنا درباره کمک به افغانستان ۱- تمام متن برای استفاده اداری محدود ۲- خلاصه: در حالی که این سفارت نسبت به احساساتی که باعث شد که ماده اصلاحیه پیشنهادی پل استون درباره قانون مساعدت عمرانی بین المللی سال ۱۹۷۹ تصویب شود بسیار مشتاق است؛ برای ما هنوز معلوم نیست که آیا این اصلاحیه به منافع کلی ایالات متحده در این منطقه خدمت خواهد کرد یا نه.

(پایان خلاصه) ۳- ما در تمایل کنگره و وزارت امور خارجه برای کسب اطلاع از تمامی حقیقت درباره حوادثی که منجر به ربودن و قتل فجیع سفیر دابز شد، سهمیم هستیم و ما جمهوری دمکراتیک افغانستان را تحت فشار قرار داده ایم تا در این باره از تمایل ما استقبال کند. معذالک ما بسیار غیر محتمل می دانیم که این رژیم به خاطر سروکار داشتن با این حادثه از ما پوزش بطلبد تا چه رسد به اینکه مسؤولیت قتل سفیر را به عهده بگیرد.

۴- سودمند بودن ماده اصلاحیه درباره این خواست که جمهوری دمکراتیک افغانستان همه کارمندان حکومت ایالات متحده در افغانستان را تحت حمایت قرار دهد تا اندازه زیادی به این بستگی دارد که مقصود از «کافی» چیست. جمهوری دمکراتیک افغانستان برای تأسیسات حکومت ایالات متحده در کابل و همچنین برای کاردار و همچنین همان طور که تقاضا شده است برای کارهای رسمی محافظانی گماشته است. جمهوری دمکراتیک افغانستان همچنین یک محافظ برای اتوبوسهای مدرسه آمریکایی

تعیین کرده است. معذالک ما معتقدیم که اگر ما تقاضای محافظانی برای همه کارمندان حکومت ایالات متحده بنماییم، انجام وظایف رسمی ما دچار اختلال خواهد شد. معذالک هیچ راهی برای تضمین اینکه یک حمله تروریستی علیه پرسنل حکومت ایالات متحده که به خوبی طرح ریزی شده باشد موفقیت نداشته باشد، وجود ندارد. صرف نظر از اینکه چند نفر محافظ از سوی جمهوری دمکراتیک افغانستان برای حمایت از چنین اشخاصی تعیین شده باشد.

۵- مسئله اینکه آیا «اوضاع و احوال تغییر یافته محسوسی در افغانستان» از نوعی که در ماده اصلاحیه بخش ب پیش بینی شده است به وجود خواهد آمد احتمالاً بستگی به عواملی خواهد داشت که در قلمرو فاجعه قتل دابز نیست. معذالک لازم به تذکر است که یکی از چهره های کلیدی در این حادثه به نام سید داود تارون از سمت رئیس پلیس که وی آن را عهده دار بود برکنار شده است. ما یقین نداریم که آیا انتقال تارون یک نوع تنزل رتبه است یا ارتقاء رتبه و یا اینکه آیا همه این امور مربوط به رسیدگی به ماجرای ربودن سفیر است یا خیر.

۶- ما درباره نظریات شخص دابز درباره افغانستان توجه خاصی مبذول می داریم. او قبول داشت که ایالات متحده منافع ناچیزی در افغانستان دارد و بنابراین احساس می کرد که حکومت ایالات متحده در مورد افغانستان باید در درجه اول از لحاظ ثبات منطقه ای توجه کند. او شدیداً معتقد بود که افغانستان نباید یک عامل بی ثباتی باشد و اینکه ما باید با کشورهای دیگر و از جمله کشورهای آزاد این منطقه در جستجو برای کمک به افغانستان در انتخاب یک راه دیگری برای حضور کشور دیگری غیر از اتحاد شوروی همکاری کنیم.

۷- جمهوری دمکراتیک افغانستان در جریان ۱۳ ماه فرمانروایی خود به نحو فزاینده ای به مسکو نزدیک شده است و سه کشور دیگر همسایه خود، یعنی پاکستان، ایران و چین را به مداخله در امور داخلی (به ویژه نارضایتیهای رشد یابنده ضد رژیم و جنگهای چریکی) متهم کرده است. ما در حال حاضر هیچ نشانه ای در دست نداریم که دلالت بر آن کند که جمهوری دمکراتیک افغانستان سیاستهای خود را از خط مشی رادیکال و متمایل به شوروی که از آن پیروی می کند، تغییر خواهد داد. همچنین هیچ گونه نشانه ای در دست نیست که فعالیت های ضد رژیم کاهش یابد.

۸- با این وجود، ما این امر را به نفع حکومت ایالات متحده و ثبات منطقه ای تلقی می کنیم که رئیس جمهوری اختیار ادامه پرداختهای کمکی برای لاقل خط لوله را داشته باشد. هر چند رهبران رژیم کنونی افغانستان اغلب طوری رفتار می کنند که برخلاف تمایلات و منافع ایالات متحده است، ولی ما می دانیم که در خارج از چهارچوب رژیم و گاهی در داخل آن افغانیهایی وجود دارند که به ادامه حضور کمکی ایالات متحده در افغانستان، هر چند که محدود باشد، ارج می گذارند. طرحهای محقرانه کمکی ما برای رفع نیازهای اساسی انسانی به کار رفته و نشان دهنده آن است که ایالات متحده همچنان به نگرانیها و غمخواریهای بشر دوستانه خود درباره افغانستان فقیر شده و مردم آن، علیرغم موضع گاه به گاه، خصمانه رژیم ادامه می دهد. ما باید همچنین در نظر داشته باشیم که تا اندازه ای که برای ما معلوم است هیچ کدام از کشورهای این منطقه پیشنهاد نکرده اند که حکومت ایالات متحده همه کمکهای خود را به افغانستان قطع کند. بالعکس، این کشورها ظاهراً احساس می کنند که به نفع آنهاست که حکومت ایالات متحده لاقل یک حضور کمکی محقرانه در اینجا داشته باشد. حفظ یک چنین حضوری به حکومت ایالات متحده امکان



خواهد داد که به هر گونه تحول مساعدی درباره صحنه سیاسی داخلی افغانستان عکس العمل سریعتری نشان دهد.

۹- درباره خط لوله بایستی در نظر داشت که ما پانزده (۱۵) نفر افغانی داریم که در ایالات متحده آمریکا و ۲۳ نفر دیگر در دانشگاه آمریکایی بیروت در چهار چوب برنامه کمکهای مالی تحصیل می کنند و اگر ما ناگزیر شویم هزینه مربوط به خط لوله را قطع کنیم این دانشجویان ممکن است مجبور شوند به تحصیلات خود پایان دهند، در حالی که این امر خطای آنها نبوده است. به عقیده ما این امر به نفع حکومت ایالات متحده نخواهد بود.

۱۰- نتیجه گیری: ما امیدواریم که وزارت امور خارجه آمریکا کنگره آمریکا را متقاعد کند تا به رئیس جمهوری فراتر از اصلحیه «پل استون» اختیارات دهد تا درباره منافع کلی ایالات متحده جهت ادامه سطح محقرانه ای از کمک به افغانستان مبارزه کند و تصمیم بگیرد. همان طوری که ما بین دو ماده اصلحی «پل استون» و «دروینسکی» ماده اصلحی دومی را ترجیح می دهیم. آمستوتر

### ملاقات با دیپلمات روسی: قسمت اول

سند شماره (۲۶) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ به: وزارت خارجه - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه  
موضوع: ملاقات با دیپلمات روسی قسمت اول از سه قسمت مشاهداتی بر صحنه سیاسی داخلی افغانستان ۱- (تمام متن محرمانه است) ۲- خلاصه: مقام بلند پایه سفارت شوروی فاش می سازد که روسها جمهوری دموکراتیک افغانستان را ترغیب می نموده اند تا برای وسیع کردن پایگاه دولت، یک جبهه ملی ایجاد نماید، ولی تاکنون موفقیتی به بار نیامده است. دیپلمات، طغیان را گنج کننده توصیف کرد.

۳- واسیلی استفانویچ سافرونچک، وزیر مختار جدید شوروی در ۲۴ ژوئن یک ملاقات رسمی به طول یک ساعت با من داشت. بدون شک او جالبترین دیپلمات روسی بود که من تا آن موقع، ملاقات کرده بودم. من صراحت او را مجذوب کننده یافتم. خصوصاً برای چیزی که وی مجبور بود در مورد صحنه سیاسی داخلی افغانستان و سیاست روسیه --- افغانستان (تلکس جداگانه، قسمت دوم) بگوید.

۴- از گفته هایش، که بعضی در لفافه بودند و برخی دیگر اصلاً سر بسته نبودند، آشکار بود که سفارت شوروی موقعیت شوروی --- افغانستان را خیلی مشکل یافته است. برخی از نظریه های جالبتر سافرونچک را در زیر ارائه می کنیم:

۵- پایگاه محدود جمهوری دموکراتیک افغانستان. موقعی که من متذکر شدم گزارشاتی انتشار پیدا کرده که رهبریت جمهوری دموکراتیک افغانستان برای گسترده تر کردن پایگاهش مذاکراتی با نخست وزیران سابق، اعتمادی و یوسف، جهت پیوستن آنها به دولت انجام می دهد، سافرونچک سرش را تکان داد.

او به طور محرمانه گفت: «چیزی که حقیقت دارد این است که ما رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان را ترغیب نموده ایم تا به وسیله وارد کردن افراد جدید به دولت پایگاهش را گسترده تر گرداند،





ولی موضوعی که حقیقت ندارد این است که ما مذاکراتی با یوسف یا اعتمادی انجام می دهیم». او در ادامه گفت: «ایجاد یک جبهه ملی، مثل کشورهای دیگر که ایجاد کرده اند، برای آنها معقول خواهد بود.» با این حال سافرونچک شکوه کرد که «آنها (جمهوری دمکراتیک افغانستان) نه هیچ گونه مخالفتی را مجاز خواهند شمرد و نه مایلند که در قدرت با دیگران شریک شوند. ایده آنها راجع به وسعت بخشیدن به پایگاه سیاسی منحصر برای سازماندهی سازمانهای زنان، کارگران، جوانان و دانشجویان است، اما همه جزئی از یک حزب سیاسی هستند. این پایگاه سیاسی را گسترده تر نمی نمایند.» او گفت: «آنها (جمهوری دمکراتیک افغانستان) در مورد هر گونه پیشنهاد اشتراک در قدرت حساس هستند. آنها افراد لجوجی هستند.»

۶- در مورد مشکلاتی که رو در روی جمهوری دمکراتیک افغانستان قرار دارند، او گفت: «که یک ضعف برجسته (و او مکررا به این مورد رجوع کرد) عدم حضور واقعی روشنفکران در دولت می باشد.» او گفت: «این عدم حضور را به صورتهای زیادی می توان مشاهده نمود.» روزنامه ها بسیار بد هستند و زندگی فرهنگی تهی است. «سافرونچک گفت که برای دولت مهم است که روشنفکران بیشتری را به خود جلب نماید.»

۷- شورش: سافرونچک گفت سفارتخانه وی مسئله شورش را «خیلی گیج کننده» می بیند. آنها نمی توانند یک رهبر قیام منفرد که بر جبهه مخالفین سلطه داشته باشد، همان طوری که خمینی و هوشی مینه در کشورهایشان داشتند، شناسایی نمایند. سفارتخانه وی معتقد است که دولتهای ایران و پاکستان شورشیان را ترغیب می نمایند. ایرانیها به وسیله بیانیه های رسمی و برنامه های رادیویی و پاکستانیها به وسیله تدارک تسلیحات به طور مخفیانه و حمایت مادی. او مذهب (اسلام، یک مذهب بسیار بد است) را به عنوان تنها و مهمترین دلیل منفرد برای یاغیگری مورد نکوهش قرار داد. او گفت توده مردم گمان می کنند «کمونیستها علیه اسلام هستند»، و او فکر می کرد که این موضوع وظیفه جمهوری دمکراتیک افغانستان را خیلی مشکل می کند.

۸- در جایی از صحبت وقتی من به او گفتم دولت ایالات متحده به شورشیان کمک نمی کند و ما چندین بار این را به جمهوری دمکراتیک افغانستان گفته ایم و من متعاقبا از عناوین منعکسه در مطبوعات جمهوری دمکراتیک افغانستان که به طور مکرر در هفته گذشته آمده و به طور ضمنی می رساند که تسلیحات ضبط شده که نشان داده شده است از ایالات متحده آمریکا (و چین) سرچشمه گرفته، ناراحت شدم. او مجبور شد که این را بگوید: «در مذاکرات مکرر با وزرا و معاونین عالیرتبه جمهوری دمکراتیک افغانستان حتی یک بار نشنیده ام که ایالات متحده به همکاری در شورش متهم شده باشد.» موقعی که متذکر شدم که بیشتر تسلیحات نظامی خارجی در پاکستان ساخت ایالات متحده یا چین می باشد و بنابراین قابل فهم است که شورشیان در طول مرزهای پاکستان چنین اسلحه هایی داشته باشند، او گفت که رهبریت جمهوری دمکراتیک افغانستان این را می داند. در مورد روابط افغانستان -- ایالات متحده سافرونچک گفت که شکایت اصلی جمهوری دمکراتیک افغانستان در رابطه با ایالات متحده در مورد دادن اسلحه نیست بلکه درباره مطبوعات خیلی انتقادی شماس است.

۹- زمان تخلیه زنان و بچه ها هنوز نرسیده است. من به سافرونچک گفتم که یکی از نگرانیهای عمده من این است که وابسته های آمریکایی چه موقع باید تخلیه شوند. من گفتم وقایعی نظیر شورش ۲۳ ژوئن

در کابل سفارتخانه ما را وادار کرد تا این سؤال را مطرح کنیم. سافرونچک پاسخ داد در عین حالی که خود وی مجبور نیست تا در این نوع سؤالات نگران باشد (این مسؤولیت سفیر و دیگر وزیر مختارها می باشد) ولی می تواند نگرانی مرا درک کند. او گفت: «کسی چه می داند هفته آینده یا ماه آینده چه به دنبال دارد؟» او گفت کاری که سفارتخانه وی انجام داده این بوده است که تمام زنان و کودکان روسهایی که در خارج از کابل کار می کنند را به شوروی فرستاده است. در مورد آنهایی که در کابل هستند او گفت که تمام وابسته های WXJE هنوز در اینجا هستند.

او گفت، وقتی که مثل دیروز در دسری وجود دارد، ما آنها را به لحاظ امنیتی به داخل محوطه سفارت می آوریم. او فکر می کرد جمهوری دمکراتیک افغانستان، کنترل کابل را در دست دارد و فکر نمی کرد وضعیت امنیتی در شهر مستلزم یک تخلیه باشد.

۱۰- اطلاعات بیوگرافی: نسبت به یک دیپلمات روسی، سافرونچک به طور فوق العاده ای صریح است. او متمایل به دادن پاسخ به سؤالات است و وی، هم به عنوان یک فرد باهوش و هم کسی که می شود منطقی با او صحبت کرد مرا تحت تأثیر قرار داد. وی خود را در سلسله مراتب سازمانی سفارت شوروی از نظر حرفه ای دارای رتبه سفیر توصیف کرد ولی از لحاظ تشریفاتی در اینجا فقط به عنوان فرد شماره ۳ می باشد. این به خاطر دیگر وزیر مختاران نظیر یوری ک. الکسیف است که پس از سفیر پوزانف قرار دارد.

(سافرونچک گفت مسؤولتهای وی در رابطه با «مسائل خارجی» است. در حالی که الکسیف مسؤل «مسائل داخلی» می باشد. منظور او از این موضوع روشن نبود ولی بعداً وی دایره فعالیت الکسیف را اداری خواند.

### ملاقات با دیپلمات روسی: قسمت دوم

سند شماره (۲۷) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ به: وزارت خارجه - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه  
موضوع: ملاقات با دیپلمات روسی: قسمت دوم از ۳ قسمت روابط روسیه - افغانستان ۱- (تمام متن محرمانه است) ۲- خلاصه:  
جالب توجه ترین نظریاتی که سافرونچک در طول ملاقاتمان ابراز نمود مربوط به روابط روسیه -- افغانستان بودند که به طور ویژه انکار وی در مورد آوردن سربازان روسی برای نجات جمهوری دمکراتیک افغانستان بود. سافرونچک از لنین نقل قول کرد که «هر انقلابی بایستی از خود دفاع کند.» (پایان خلاصه) ۳- در طول بحث ما راجع به شورش و یاغیگری، من به او گفتم که در میان هیئتهای دیپلماتیک این اندیشه وجود دارد که دولت وی (شوروی) اگر لازم باشد برای حمایت از جمهوری دمکراتیک افغانستان سرباز خواهد آورد. سافرونچک چنین قصدی را تکذیب کرد. او به سخنرانی ۱۱ ژوئن برژنف در مسکو اشاره کرد که برژنف در آن گفت «ما دوستانمان را در دردسر رها نخواهیم کرد (مردم افغانستان)».

ولی با این گفته توضیح داد که «برژنف قصد نداشت که مداخله نظامی را هم مورد شمول قرار دهد.» سافرونچک چندین بار تکرار کرد که لنین گفته است «هر انقلابی بایستی از خودش دفاع کند.»

۴- او با دنبال کردن مطالبش گفت که اگر روسها سرباز اعزام کنند، این کار عکس‌العملهای بدی از نظر بین‌المللی خواهد داشت. او توضیح داد: «این کار به مذاکرات سالت و موقعیت اتحاد شوروی در دنیا لطمه خواهد زد.» او سپس اضافه نمود: «جدا از ملاحظات بین‌المللی این عمل از لحاظ امور داخلی افغانستان سیاست کاملاً بدی خواهد بود.» من گفتم که سربازان روسی در این کشور ناهموار و کوهستانی موقعیت بدی خواهند داشت. او سرش را به علامت توافق کامل تکان داد.

۵- او در تشریح سیاست شوروی گفت: «مثل کشور شما، هدف اصلی ما در اینجا بالا بردن ثبات منطقه ای است.» (او بایستی که برخی از بیانیه‌های مربوط به سیاست ما را مطالعه کرده باشد.) او گفت:

«چیزی که ما می‌خواهیم ببینیم یک افغانستان موفق و صلحجو است.» ۶- او ادامه داد چیزی که کشور بیش از هر چیز دیگر احتیاج دارد محدود نمودن بیسوادی است. اگر هر فردی بتواند با سواد شود و از یک آموزش ابتدایی برخوردار گردد، بهترین چیزی است که می‌تواند واقع شود. سپس او شکوه نمود: «در عوض افغانیها همچنان از ما تقاضای سلاح بیشتر و بیشتری را می‌نماید. (نه برای کمک بیشتر در آموزش و پرورش.)» ۷- من در پاسخ تأیید کردم که سیاست بلند مدت آمریکا در مورد افغانستان بر این بوده است که ثبات را در منطقه بالا ببرد. ما میل داریم که افغانستان را با تمام همسایه‌هایش در صلح ببینیم و نه فقط با اتحاد شوروی بلکه همچنین با ایران، پاکستان و چین. ما نیز برای دهه‌ها یک علاقه‌بشر دوستانه در اینجا داشته‌ایم، که حدوداً سالی ۲۰ میلیون دلار در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور سرمایه‌گذاری کرده‌ایم.

ما گمان می‌بریم تا حدی که افغانها بتوانند سطح زندگی خودشان را از نظر اجتماعی و اقتصادی بالا ببرند، ثبات را ترقی خواهد.

۸- من همچنین به سافرونچک گفتم که به عنوان یک موضوع فرعی در سیاست ما برای تلاش در جهت ثبات، امیدوار بودیم که افغانستان یک منطقه برخوردار بین دو کشور ما نخواهد شد.

سافرونچک در پاسخ به این موضوع گفت: «من کاملاً با شما موافقم.» در ادامه من به او هشدار دادم که اگر روسها به افغانستان سرباز بیاورند، این کار به میزان زیادی به روابط شوروی و آمریکا لطمه خواهد زد. او سرش را به علامت توافق تکان داد.

۹- نظریه: من نظرات سافرونچک را مهم می‌دانم. احساس می‌کنم هر کسی می‌تواند استدلال کند که تکذیب وی در مورد هر گونه قصد شوروی برای مداخله فیزیکی تنها جوابی است که یک دیپلمات روسی مجاز به ارائه در مقابل سؤال من می‌باشد و دیگر اینکه نقل قوی وی از لنین در مقابل اقدامات شوروی در اروپای شرقی ریاکارانه بود. با این حال فکر می‌کنم وی واقعاً به چیزی که به من می‌گفت معتقد بود. یعنی مداخله فیزیکی شوروی بیشتر برای منافعی زیان‌آور خواهد بود تا سودمند و بنابراین اتفاق نخواهد افتاد.

**ملاقات با دیپلمات روسی: قسمت سوم**

سند شماره (۲۸) از: سفارت آمریکا - کابلتاریخ: ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ به: وزارت خارجه - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه  
موضوع: ملاقات با دیپلمات روسی قسمت سوم از سه قسمت - حقوق بشر ۱- (تمام متن محرمانه است) ۲- خلاصه: من وضعیت اسفناک مربوط به دستگیریه‌ها و اعدام‌های زندانیان سیاسی را با سافرونچک مورد بررسی قرار دادم و سفارتخانه وی را ترغیب به کمک نمودم. (پایان خلاصه) ۳- موضوع حقوق بشر در طول بحث ما راجع به شورش و یاغی گری به میان کشیده شد. وقتی سافرونچک مذهب را به عنوان دلیل برجسته احساسات مخالف گرایانه ذکر کرد، من به او گفتم با اینکه موافقت دارم که مذهب مهمترین عامل منفرد می باشد، اما فکر می کنم حداقل یک دلیل عمده دیگر (یعنی، حقوق بشر) وجود دارد که چرا جمهوری دمکراتیک افغانستان به مقدار زیادی حمایت عامه را از دست داده است.

۴- من گفتم که اطلاع پیدا کردیم زندان پل چرخ زمانی بین ۰۰۰/۱۲ تا ۰۰۰/۱۵ زندانی داشته است. وقتی او پاسخ داد که آن زندان به اندازه کافی بزرگ نیست که آن تعداد زندانی را در خود جای دهد، من گفتم: درست است، ولی توضیحی که به ما داده شده این بود که زندانیان به طور نوبتی برای خوابیدن روی زمین دراز می کشیدند.» من ادامه دادم که نه تنها در آنجا هزاران نفر نگاهداشته می شد بلکه خلیه‌ها شبانه اعدام شدند. من گفتم که ما دلایلی داریم که حداقل ۳۰۰۰ زندانی از سپتامبر گذشته کشته شده اند.

هنوز یک هفته نشده است ولی ما از دستگیرهای سیاسی بیشتری اطلاع پیدا نکرده ایم و من گمان می کنم که خانواده ای محدودی در کابل پیدا شوند که قوم و خویشی و یا دوستی را که از کارش پاکسازی شده و یا زندانی یا اعدام شده باشد نداشته باشند. به عنوان یک انسان من به او گفتم که من این جنبه از سابقه جمهوری دمکراتیک افغانستان را تنفرانگیز یافته و ایکاش می توانستم در مورد آن کار بیشتری انجام دهم.

۵ - سافرونچک پاسخ داد که این موضوع تازه ای است و وی چیز زیادی درباره این چیزها نمی داند، ولی وی می دانست که جمهوری دمکراتیک افغانستان در مورد هر گونه مداخله در امور داخلی خیلی حساس است. او به طور ضمنی فهماند که سفارت شوروی در این مورد کار کمی می تواند انجام دهد ولی قول داد که درباره این موضوع تحقیق نماید.

۶- نظریه: من هیچ گونه خیال باطلی در خود به وجود نمی آورم که روش من به فواید خوبی منجر خواهد شد. روسها به ندرت سابقه شایان توجهی در اعمال یا طرفداری از حقوق بشر داشته اند. هر چند فکر می کنم که ارزیابی کردن روسها در این مورد که ما راجع به شرایط اسفناک پل چرخ مطلعیم و در مورد آن نگران هستیم، مفید باشد.

**روابط افغانستان و آمریکا - رفتاری که سرهم بندی شده**

سند شماره (۲۹) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۲۸ ژوئن ۱۹۷۹ به: وزیر امور خارجه در واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره: ۴۹۸۱ موضوع: روابط افغانستان و آمریکا - رفتاری که سرهم بندی شده ۱- (تمامی متن محرمانه) ۲- من فکر می کنم که وزارت امور خارجه باید از حادثه ای که طی آن جمهوری دموکراتیک افغانستان کوشیده بود تا یک رفتار دوستانه نسبت به آمریکا نشان دهد ولی از حد گذراند، مطلع باشد.

۳- ساعت ۳۰/۶ دقیقه بعد از ظهر دیروز زنگ در خانه من به صدا در آمد من رفتم دم در و با حیرت بی اندازه ای متوجه شدم که سوما وزیر آموزش عالی و جلیلی وزیر آموزش و پرورش در آنجا هستند.

پشت سر آنها یک محافظ تفنگ به دست ایستاده بود. من از دیدن آنها اظهار شادمانی کردم و از آنها پرسیدم که چه کار از دست من برمی آید. آنها به یکدیگر نگاه کردند و گفتند برای شرکت در مراسم روز ملی ما آمده اند. من از آنها تشکر کردم و در ضمن خاطر نشان ساختم که روز ملی ما تا هفته آینده، ۴ ژوئیه نخواهد آمد و دچار این وسوسه شدم که بیفزایم که آنها به مکان عوضی آمده اند (دعوتنامه حاکی از آن بود که مراسم در محل اقامت سفیر انجام می گیرد). آنها در وضع نامناسبی قرار گرفتند و پس از اینکه با یکدیگر به گفتگو پرداختند گفتند که از یک نفر خطایی سر زده است.

تاریخ ۴ ژوئیه ما با تاریخ ۴ سرطان که در تقویم افغانستان همان روز بود اشتباه شده بود. آنها از این اشتباه معذرت خواستند و من همراه آنها تا دم اتومبیل رفتم و ما چندین بار به یکدیگر دست دادیم و اظهار پوزش و دوستی کردیم. آنها گفتند که امیدوارند هفته دیگر بار دیگر مرا ببینند.

۴- اظهار نظر: من همه این مطلب را گزارش می دهم نه به خاطر اینکه کار کارمندان جمهوری دموکراتیک افغانستان را نشان دهم (خدا به داد کارمند بیچاره ای برسد که مسؤل این اشتباه بوده است) بلکه برای ۲ دلیل دیگر که یکی از آنها این است که جمهوری دموکراتیک افغانستان در اینکه چند وزیر و کدام وزیران در مراسم روز ملی شرکت می کنند اهمیت می دهد، اینکه آنها ۲ وزیر ارشد از جمله یک عضو دفتر سیاسی (سوما) را در زمانی که روابط ما متشنج است به مراسم ملی ما می فرستند تنها ممکن است این معنا را داشته باشد که آنها می خواهند یک رفتار حاکی از آشتی نسبت به ما داشته باشند و اینکه آیا جمهوری دموکراتیک افغانستان هفته آینده پس از آنکه: (الف) آنها توسط یادداشت دیپلماتیک خبردار شوند که من برای مشورت به واشنگتن احضار شده ام که در هفته همان ۴ ژوئیه خواهد بود و (ب) اینکه ما هفته آینده علیه تصاویر قلابی سلاحهای آمریکایی در جراید تحت کنترل دولت اعتراض می کنیم، باز هم دو وزیر به مراسم ۴ ژوئیه خواهند فرستاد قابل بحث است.

۵- اهمیت دیگر این حادثه آن است که درباره طرز سروکار داشتن با روابط افغانستان و آمریکا آنها چگونه رفتار می کنند و ظرف مدتی حدود دو هفته جمهوری دموکراتیک افغانستان (به نظر خودشان) دو رفتار حاکی از دوستی انجام داده اند: (الف) به یک خانواده آمریکایی و افغانی به نام اریکا کنین سیلی اجازه داده اند برای رفتن به آمریکا گذرنامه به دست آورند (ب) دو وزیر کابینه را برای شرکت در مراسم روز ملی ما فرستاده اند. آنها ممکن است احساس کرده باشند که آمریکا به اندازه کافی ساده است تا معتقد



باشد این رفتارهای اساساً غیر مهم برای ما اهمیت دارد.

من این مطلب را می گویم برای آنکه این دو رفتار در مقابل سه رفتار مهم تر دیگر و هم زمان با آن به نظر من انجام گرفته است که عبارت است از: اقدام عمدی درباره نشان دادن «اسلحه های آمریکایی» در مطبوعات جمهوری دموکراتیک افغانستان که به هیچ وجه اسلحه ساخته آمریکایی نبوده است با این تلویح که آمریکا اسلحه به شورشیان می دهد؛ و تو کردن نمایش فیلم پنجاه هزار دلاری دره رود هیرمند که از سوی آژانس بین المللی ارتباطات تأمین مالی شده است آن هم پس از آنکه دولت آمریکا با این نمایش موافقت کرده بود؛ و تو کردن چندین بورس کمک ایالات متحده درست در زمانی که آموزش دیده ها قرار بود عازم آمریکا شوند.

۶- نتیجه ای را که می توان گرفت این است که حکومت از یک سیاست دو گانه به موازات یکدیگر پیروی می کند در مواردی که حائز اهمیت است از قبیل نشان دادن چهره ای از ایالات متحده به مردم افغانستان یا اجازه دادن به مردم آن به اینکه از ایالات متحده دیدن کنند. حکومت افغانستان مصمم است یک چهره نامساعدی مجسم کند و مانع آن شود که مردم این کشور با چشمان خود ببینند که کشور ما چه شکلی است. در مواردی که اهمیت چندان نداشته باشد و به منظور تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در داخل کشور از قبیل دادن اجازه به یک خانواده دارای ملیت دو گانه به خروج از افغانستان یا فرستادن ۲ وزیر به ضیافت روز ملی ما حکومت افغانستان روش استقبال را در پیش گرفته است. معلوم نیست که آیا حکومت افغانستان واقعا تصور می کند که ما تا این اندازه کند ذهن هستیم که اقدامات مهمتر آنها را نادیده گرفته و بر روی اقدامات بی اهمیت آن وزنه بیشتری قائل شویم؟

### قسمت اول: فعالیتهای اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان

سند شماره (۳۰) سری قسمت اول: فعالیتهای اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان الف: در حالی که هیچ مدرکی موجود نیست که شوروی در پشت سر کودتایی باشد که در ۲۷ آوریل گذشته به رژیم تره کی قدرت داد، آنها (شوروی) از این تغییر استقبال کرده و به سرعت کارهایی انجام دادند تا کودتا را به سود خود برگردانند.

در اوایل خرداد ۵۷ شوروی تعداد مستشاران نظامی را از ۳۵۰ به ۶۵۰ افزایش داد؛ عملاً در تمام وزارتخانه های افغانستان پرسنل روسی مستقر نمود مقامهای اصلی در دستگاههای امنیتی و دفاعی افغانستان را به کنترل خود در آورد و متجاوز از ۳۰ قرار داد اقتصادی را که در زمان داوود مورد مذاکره قرار گرفته بودند، امضاء کرد.

ب: از آن زمان حضور شوروی در افغانستان به رشدش ادامه داده است:

اینکه یک موافقت نامه جدید تسلیحاتی به امضاء رسید؛ موافقتنامه های اقتصادی اضافی، منجمله یک موافقتنامه چند میلیون دلاری در زمان دیدار تره کی از مسکو در دسامبر گذشته، منعقد شد.

شمار مستشاران نظامی شوروی به حداقل ۱۰۰۰ نفر افزایش یافت تعداد مستشاران اقتصادی شوروی به بیشتر از ۲۰۰۰ نفر رسید. مستشاران نظامی شوروی در جنگ علیه شورشیان قبایل افغان با واحدهای ارتش افغانستان همکاری کرده و احتمالاً تا



به حال تلفاتی را نیز متحمل شده اند.

پ: به هر حال شاید مهمترین تحول سال ۱۹۷۸ امضای موافقتنامه دوستی شوروی -- افغانستان در

ص: ۵۵۴

دسامبر می باشد که: بر چیزی که برژنف شخصیت کیفی جدید روابط افغانستان - شوروی خوانده است تأکید کرد، نقش شوروی در افغانستان را مشروعیت بخشید و اساساً قانونی برای کمک به جمهوری افغانستان جهت ادامه حیات آن به شوروی داد.

وسایل تقویت موقعیت کابل (رژیم حاکم) و دلسرد کردن مخالفین داخلی و خارجی را (هرچند تاکنون بدون موفقیت بوده) در اختیار آن قرار می دهد.

ت: بر خلاف دیگر معاهده های دوستی که اتحاد شوروی با کشورهای جهان سوم منعقد کرده است ماده مربوط به مشاوره دفاعی در پیمان با افغانستان نامحدود است که: به شوروی این اجازه را می دهد که حضور نیروهایش را در افغانستان توجیه کند، اما لزوماً آنها را ملزم به دفاع از کابل نمی کند.

ث: اتحاد جماهیر شوروی در مورد ناآرامیهای قبیله ای در افغانستان سکوت اختیار کرده تا اینکه پراودا در ۱۹ مارس، قطعه ای معتبر که نوشته الکساندر ف بود منتشر کرد. پاکستان، مصر و چین را در پشتیبانی از شورشیان متهم کرد. از شورشیان به نام «مسلمانان مرتجع، محافظه کار» نام برد.

ج: از آن موقع تا به حال روسیه، پاکستانیها، ایرانیها، آمریکا و انگلیس را بیشتر مقصر دانسته و اظهار داشتند که امکان دارد عربستان سعودی نیز مداخله داشته باشد.

آنها همچنین: جنبه های انقلابی رژیم تره کی را ستوده اند.

ادعا کرده اند که دولت، طغیان مردم را فرونشانده است.

تأکید کرده اند که شورشیان عمدتاً فئودالهای ناراضی بوده اند که با اصلاحات ارضی تره کی مخالفند.

اظهار داشتند که شورش تحریک شده به وسیله مذهب توسط مسلمانان دروغین هدایت می شود.

چ: روسها به صورتی واقعی تر: کمک نظامی خود را به افغانستان افزایش دادند و امکان دارد که هواپیما و وسایل زرهی بیشتر تدارک دیده باشند. احتمالاً در عملیات نظامی مستقیماً همکاری نموده و همچنین اگر که واحدهای ارتش افغان را حمایت رزمی نکرده باشد پشتیبانی تدارکاتی فراهم کرده است و نسبت به مداخله ارجی چه صورت علنی و چه غیر علنی اخطار کرده است.

ح: به تازگی شوروی: تأکید بر تبلیغات نظامی را از پاکستان و ایران دور کرده است تأکیداتش را بر نقش آمریکا و دسیسه های سیا متمرکز نموده است. با این حال کاملاً روشن کرده اند که نمی خواهند ایرانیها و پاکستانیها در امور افغانستان دخالت کنند.

۱- به طور کلی، احتمالاً قصد بر این است که توجه را از وقایع افغانستان و نقش روسیه در آن منحرف کرده و در صورت

امکان وضعیتی را به وجود آورند که دخالت وسیعتر شوروی را توجیه نمایند.

### قسمت دوم – نقش فعلی شوروی در افغانستان

علیرغم بدتر شدن وضعیت امنیتی در سراسر کشور حضور شوروی در افغانستان از نظر کمی در ماههای اخیر افزایش قابل توجهی پیدا نکرده است. تعداد مستشاران نظامی روسی در حدود کمی بالای ۱۰۰۰ نفر باقی مانده است. احتمالاً هنوز در حدود ۲۵۰۰ نفر مستشار غیر نظامی از شوروی در آن کشور به سر می برند. ما معتقدیم تعداد زیادی از وابسته های روسی به شوروی برده شده اند، هر چند سفارت شوروی این را تکذیب می کند.

از نظر کیفی به نظر می آید که نفوذ مستشاران روسی در هفته های اخیر و خصوصاً پس از دیدار ژنرال

ص: ۵۵۵

روسی (ا.ا. پیشیف)، رئیس اداره سیاسی نیروهای مسلح در اوایل آوریل، مشخص تر شده باشد. اگر چه دلیل اعلان شده برای سفر پیشیف بالا بردن آموزش سیاسی نیروهای افغانستان بود، ولی او به همراه یک گروه بزرگ از کارمندان رسمی روسی به افغانستان آمد که گمان می رود جنبه های مختلف پشتیبانی نظامی از ارتش و نیروی هوایی افغانستان را مورد بررسی قرار داده باشند. ما همچنین از هدایت افزایش یافته وزارتخانه های مختلف شوروی توسط روسها اطلاع داریم.

بهترین لوازم از نظر کیفی که شوروی تاکنون برای افغانستان تهیه دیده است عبارتند از: هواپیماهای جنگنده میگ - ۲۱ و سوخو - ۷ هلی کوپتر MI-۲۴ که نوع قدیمی دارای تیربار است و تانکهای تی - ۶۲.

علیرغم شایعات خلاف و مکرر افغانیها هنوز به هواپیمای میگ ۲۳ مجهز نشده اند.

ما از شایعات منتشر شده مطلع شدیم که خلبانان روسی با هواپیماهای افغانی در بعضی مأموریتهای عملیاتی بر علیه چریکها شرکت دارند. ما مدرک مستندی برای رد این احتمال در دست نداریم. به خاطر اینکه برخی از تجهیزات جدید از قبیل هلیکوپترهای توپدار MI-۲۴ از وسایل قدیمی تر افغانستان پیچیده تر است گمان می رود پرسنل روسی در فعالیت آموزشی سنگین شرکت داشته باشند. چندین گزارش وجود دارد که هلیکوپترهای MI-۲۴ در عملیات بر ضد شورشیان به کار گرفته شده است. از آنجایی که سیستم این هلیکوپتر پیچیده است ما مطمئن نیستیم که زمان کافی برای آموزش افغانیها برای اینکه بتوانند به تنهایی با آنها پرواز کنند وجود داشته است. بنابراین کاملاً امکان پذیر است که روسها در پرواز آن هلیکوپترهایی که در عملیات مورد استفاده قرار گرفت کمک کرده باشند و در عین حال خلبانان افغانی را نیز تعلیم داده باشند.

چون مستشاران نظامی روسی در نیروی زمینی افغانستان در تمام سطوح تا گردان و همچنین در چندین واحد تخصصی کوچک حضور دارند، غیرعادی خواهد بود اگر که هر چند وقت یک بار در عملیات نظامی دستگیر نشوند.

مهمترین سؤال این است که: آیا می توانیم انتظار داشته باشیم که بینیم سربازان روسی به درگیری افغانستان وارد می شوند؟ ما فقط می توانیم ناظر باشیم که از آن احتمال جلوگیری به عمل نمی آید. ماده ۴ از معاهده دوستانه افغانستان - شوروی منعقد در ۵ دسامبر ۱۹۷۸ مقرر می کند که دو طرف دو حالت و قسمت را در نظر می گیرد. با یکدیگر مشورت خواهند نمود و بر اساس توافق اقدامات مناسبی که امنیت، استقلال و تمامیت ارضی دو کشور را تضمین می نماید به عمل خواهند آورد. این ماده بدین صورت پایان می گیرد که «به منظور استحکام بخشیدن به قدرت دفاعی طرفین قرارداد، آنها بایستی به توسعه همکاری در زمینه نظامی بر اساس توافقیهای مناسبی که بین آنها برقرار شده است ادامه دهند.

### **دیپلماتهای کمونیست در کابل به احتمال ایجاد یک جبهه ملی در رژیم خلقی...**

سند شماره (۳۱) طبقه بندی: خیلی از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۵ ژوئیه ۷۹ به: هیئت نمایندگی آمریکایی ناتو - فوری موضوع دیپلماتهای کمونیست در کابل به احتمال ایجاد یک جبهه ملی در رژیم خلقی اشاره می کنند ۱- تمام مطلب خیلی محرمانه است.

۲- در تلگراف مرجع محرمانه، مأمور آمستوتز، گزارش داد که وزیر مشاور شوروی واسیلی. اس.



سافرونچک به او در تاریخ ۲۴ ژوئیه گفت که روسها در جستجوی راه حلی نظیر تشکیل یک جبهه ملی در کابل هستند.

۳- احتمالاً در دستورالعملهای شورویها، سفیر آلمان شرقی، هرمن شوسیائو درباره برقراری یک تماس جبهه ملی با دیگر دیپلماتهای در کابل صحبت می کند. ما اطلاع داریم که او با سفیر پاکستان در تاریخ بیست و هفتم ژوئن در این مورد صحبت کرده و همچنین با سفیر فرانسه در سوم ژوئیه نیز صحبت کرده است. در خلال این نشستها، شوسیائو درباره شایستگی رهبری خلقی سؤالاتی کرد. در مهمانی روز استقلال آمریکا در تاریخ چهارم ژوئیه، شوسیائو پرسید که آیا می تواند مرا (آمستوتز) در تاریخ هشتم یا نهم ژوئیه ملاقات کند. من از او انتظار دارم با من در این زمینه کار کند.

۴- ما تلگرافهای مرجع را تکرار می کنیم. فلسطین

### سفیر جدید افغان در ایران یک عضو عالی رتبه دیگر پرچم است

سند شماره (۳۲) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۲ ژوئیه ۷۹ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه کابل ۵۳۰۸ رونوشت به: سفارت آمریکا -- تهران شماره سند: ۵۳۰۸ موضوع: سفیر جدید افغان در ایران یک عضو عالی رتبه دیگر پرچم است ۱- مطالب کمی برای افزودن به اطلاعات بیوگرافی دکتر نجیب کم سن و سال: که سابقاً اسم سید نجیب الله را به کار می برد، و در اعلامیه رسمی انتصاب وی به سفارت تهران وجود داشت، داریم (تلگرام مرجع). از قرار معلوم فقط یک سال است که خارج از مدرسه پزشکی می باشد و به دنبال انقلاب ۲۷ آوریل، چند هفته ای معاون وزیر کشور بود. در تقسیم بعدی پستها (که به طور وضوح ادامه دارد)، نجیب، عضو سابق جناح پرچم از حزب دمکراتیک خلق افغانستان، «معاون مخصوص» نورمحمد تره کی، رئیس شورای انقلاب شد؛ انتصابی که هرگز بر ملا نشد.

۲- انتصاب نجیب در تهران، بدون چون و چرا، بخشی از تصفیه جاری عناصر طرفدار پرچم در سطوح بالای رهبری سیاسی رژیم جدید می باشد. از شش سفیر افغانی که پذیرش آنها به طور قطع خواسته شده است، هیچ یک به عنوان خلقی شناخته نشدند، در حالی که پرچمی بودن پنج نفر از آنها تأیید شده است.

آینده ببرک معاون نخست وزیر (رهبر سابق پرچم) در بالای لیست شایعات کابل جای دارد. در حال حاضر تعبیر مطلوب این است که او از قبول پستی در خارج خودداری کرده است و در کابل خواهد ماند تا چه پیش آید. در این رابطه، ما نیز هیچ نشانی از اینکه این رویداد فرعی به خصوص منجر به اقدامات امنیتی تشدید شده در پایتخت شده باشد، مشاهده نمی کنیم، اما اینکه رژیم در درخواست خود از کشور میزبان برای موافقت با پذیرش این سفرا احساس فوریت می کند، می تواند حاکی از این باشد که تره کی و همکارانش ترجیح می دهند که رقبایشان بدون معطلی از افغانستان خارج شوند. یک دیپلمات ایرانی به ما گفت، سه روز پس از اینکه اسم نجیب تسلیم دولت ایران شد، سفیر داودی (سفیر ایران در کابل -- مترجم) به وزارت امور خارجه احضار شد و پرسیده شد که تأخیر به چه علت است؟ ظاهراً دولت ایران به ناچار پذیرفت و در طی دو روز پذیرش را اعطا کرد. آمستوتز

رژیم افغانستان در روز استقلال آمریکا نمایش حسن نیت می دهد



سند شماره (۳۳) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۵ ژوئیه ۱۹۷۹ به: وزارت خارجه - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه  
موضوع: رژیم افغانستان در روز استقلال آمریکا نمایش حسن نیت می دهد ۱- (محرمانه) نمایندگان دولت افغانستان در  
مهمانی روز ۴ ژوئیه ما، بر خلاف آنچه که در ضیافت‌های اخیر دیگر سفارتخانه‌های کشورهای آزاد دنیا در کابل دیده شد،  
بلند مرتبه بودند. کسانی که در ضیافت ما حضور داشتند عبارت بودند از:

پروفسور محمود سومما وزیر آموزش عالی و عضو اداره سیاسی حزب دمکراتیک افغانستان، دکتر عبدالرشید جلیلی، وزیر  
آموزش آموزش و پرورش و یک خلقی مهم دیگر و مهندس محمد اسماعیل دانش وزیر صنایع و معدن که تقریباً در پایین  
هرم کابینه قرار دارد. در مقایسه، بلند مرتبه ترین خلقی که در ضیافت امسال تولد ملکه انگلیس حضور داشت، دوست معاون  
وزیر خارجه بود. (نظریه: خلقیها از دست بی بی سی عصبانی هستند.) در هر صورت با مقایسه با سال پیش ما چند درجه ای  
پایین آمده ایم. در آن موقع حفیظ الله، امین وزیر خارجه در ضیافت ما شرکت کرد.

۲- در ۴ ژوئیه روزنامه کابل تایمز که به وسیله دولت کنترل می شود عکس پرزیدنت کارتر را در صفحه اول چاپ کرد و  
گزارش نمود که تره کی یک تلگرام تبریک برای او فرستاده است. این یک عمل عادی دولت افغانستان برای تمام روزهای  
ملی کشورهایی که با کابل روابط دیپلماتیک دارند می باشد.

۳- همان روزنامه یک مقاله دوستانه درباره ایالات متحده چاپ کرد که آن نیز یک عمل مرسوم در روزهای ملی می باشد.  
متن مقاله خوشحال کننده بود و اشاره می کرد که مردم آمریکا در نتیجه تلاشها و مبارزات سخت از استقلالشان حفاظت  
کردند.

کابل تایمز به «پیشرفت‌ها و دستاوردهای آمریکا» که برای مردم دنیا آشکار است استناد کرد. روزنامه اشاره کرد که مردم  
افغانستان و آمریکا حداقل در یک موضوع مهم اشتراک دارند و آن کوشش و تلاششان بر علیه استعمار در ابتدای دست  
اندازی استعمارگران می باشد. هم جمهوری دمکراتیک افغانستان و هم ایالات متحده استعمار را برای اولین مرتبه در منطقه‌ها  
و قاره‌هایشان رد کردند.

۴- کابل تایمز با اشاره به اینکه افغانستان و ایالات متحده برای سالها روابط عادی داشته اند، ارزش همکاریهای اقتصادی و  
فرهنگی آنان منجمله تجربیات تحصیلی تعداد زیادی از افغانها را به عنوان دلیل اقامه کرد. روزنامه اشاره کرد که رژیم خلقی  
این روابط دوجانبه را در حالت عادی نگاه می دارد.

۵- ما متوجه یک سکوت در تبلیغات ضد آمریکایی از زمان یادداشت اعتراض ۳۰ ژوئن به دوست، معاون وزیر امور خارجه  
درباره عکسهای تسلیحات ضبط شده آمریکایی دروغین در مطبوعات افغانستان شده ایم.

**هشدار شوری در خصوص مداخله ایالات متحده در افغانستان**



سند شماره (۳۴) طبقه بندی: سری از: سفارت آمریکا - کابلتاریخ: ۵ ژوئیه ۱۹۷۹ به: وزارت خارجه - واشنگتن موضوع: یادداشت اعتراض به سفیر شوروی در کابل در مورد اظهارات رسانه های گروهی شوروی در خصوص مداخله ایالات متحده در افغانستان ۱- تمام متن سری است ۲- همان طور که در پاراگراف ۴ تلکس مرجع دستور داده شده بود، من در ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۵ ژوئیه، یعنی زودترین موقع ممکن که قرار ملاقات امکان پذیر بود با الکساندر ام. پوزانف، سفیر شوروی در کابل ملاقات کردم و نقطه نظرهای وزارت خارجه را با او در میان گذاشتم.

۳- پوزانف پس از گوش دادن به نقطه نظرهای وزارت خارجه گفت رسانه های گروهی شوروی فقط آنچه را که مطبوعات دنیا راجع به مداخله خارجی در امور داخلی افغانستان می گفته اند تکرار کرده است.

پوزانف اظهار داشت که او از صحبت های پرزیدنت تره کی و حفیظ الله امین این برداشت را کسب کرده است که رهبران خلقی سندی مبنی بر مداخله خارجی در امور افغانستان به دست آورده اند. من پاسخ دادم که ما اغلب به خلقیها برای نشان دادن سندی که آنها فکر می کنند درگیری دولت ایالات متحده را نشان می دهد اعتراض کرده ایم. من اضافه کردم تاکنون هیچ گونه سندی ارائه نشده است. پوزانف گفت که افغانستان خواهان روابط خوب با ایالات متحده است. به عنوان شاهدهی بر این مدعا او موضوع شرکت مقامات سطح بالای رژیم خلقی در ضیافت ۴ ژوئیه ما را اقامه کرد. او علاوه بر این گفت با وجود این سند روشن که پاکستان در امور افغانستان مداخله می کرده است، رژیم خلقی مسؤلانه یک گفتگوی نوید بخش را با اسلام آباد شروع کرد. پوزانف نتیجه گیری کرد که اتحاد شوروی از چنین پیشقدمیهای صلح جویانه که از صلح و ثبات در این منطقه حفاظت می کند استقبال می نماید. من پاسخ دادم که ما در این اهداف اشتراک داریم و با بازگشت به تم اصلی یادداشت اعتراضیه تأکید کردم که تبلیغات غیرمسؤلانه از قبیل مورد ۲۷ ژوئن روزنامه تاس، فقط وضعیت را ملتهب تر می کند و به دست آوردن آن اهداف را به تأخیر می اندازد.

### **عبدالحمیم طیبی به عنوان وزیر مختار افغانستان در سازمان ملل منصوب شد**

سند شماره (۳۵) از: سفارت آمریکا - کابلتاریخ: ۹ ژوئیه ۱۹۷۹ به: وزارت امور خارجه - واشنگتنطبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: دکتر عبدالحمیم طیبی به عنوان وزیر مختار هیئت نمایندگی افغانستان در سازمان ملل منصوب شد ۱- تمام متن محرمانه است ۲- خلاصه: در ۳ ژوئیه جمهوری دمکراتیک افغانستان سفارت را از انتصاب دکتر عبدالحمیم طیبی به نمایندگی دائمیش در سازمان ملل با رتبه وزیر مختار مطلع نمود.

این انتصاب یکی از بهترین انتخابات جمهوری دمکراتیک افغانستان است ولی ما متوجه شدیم که طیبی در نظر دارد زمانی که بتواند از افغانستان خارج شود پنهانده شود. (پایان خلاصه) ۳- در ۳ ژوئیه وزارت امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان سفارت را از انتصاب دکتر

عبدالحكیم طیبی در هیئت نمایندگی دائمی در سازمان ملل با رتبه وزیر مختار مطلع ساخت و ویزای لازم را برای ایالات متحده درخواست نمود. برنامه ریزی شده بود که طیبی در ۴ ژوئیه از کابل عزیمت نماید ولی زمان ورود به نیویورک اعلام نشده بود. در ۳ ژوئیه سفیر کبیر فرانسه (لطفاً محافظت شود) به کاردار گفت که وی بی سروصدا برای طیبی و خانواده اش ویزای فرانسه صادر کرده است. او فکر می کند طیبی که یک مقام برجسته و ارشد افغانی است معتقد شده که زمان برای پناهنده شده فرا رسیده است.

طیبی فقط موافقت کرد که به منظور خروج مجدد از افغانستان با خانواده اش در نیویورک ظاهر شود.

طیبی، که یک دیپلمات ارشد است، از اینکه مأمور جزء منصوب شده از طرف یک رژیم خلقی باشد منزجر بود. در هر صورت انگیزه اصلی او برای پناهنده شدن تنفر از رژیم خلقی است.

۴- اطلاعات بیوگرافی: دکتر طیبی که در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۴ در کابل متولد شد، در ۱۹۶۴ از دانشکده حقوق دانشگاه کابل فارغ التحصیل شد و در همان سال به وزارت امور خارجه افغانستان پیوست. از ۵۳ - ۱۹۴۸ او به عنوان یک وابسته در سفارت افغانستان در واشنگتن خدمت نمود. موقعی که آنجا بود یک فوق لیسانس (۱۹۵۲) از دانشگاه جورج واشنگتن و یک دکترای در حقوق با درجه ممتاز از دانشگاه آمریکن (۱۹۵۴) دریافت نمود. او سپس در هیئت نمایندگی دائمی افغانستان در سازمان ملل منصوب شد (۶۱-۱۹۵۶) و به طور متوالی به عنوان دبیر اول، کنسول و وزیرمختار خدمت نمود. طیبی در ۱۹۶۱ به عنوان سفیر در یوگسلاوی منصوب شد. در ۱۹۶۵ او به وزارت دادگستری و دادستانی کل منصوب شد و تا زمان استعفایش در ۱۹۶۶ در کابینه باقی ماند. در ۱۹۶۸ او به سفارت ژاپن منصوب شد. از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ او به عنوان نماینده سیاسی افغانستان در هند خدمت نمود. در ماه می سال ۱۹۷۳ او به عنوان نماینده دائمی افغانستان در سازمان ملل منصوب شد که تا کودتای اکتبر ۱۹۷۲ که داودشاه ظاهر را از سلطنت خلع کرد - در این مقام باقی ماند. طیبی در ۱۹۷۵ به عنوان رئیس کمیسیون بین المللی حقوق انتخاب شد. (او از ۱۹۶۲ عضوی از این هیئت بوده است). در ماه می ۱۹۷۶ طیبی پیشنهاد انتخاب مجدد به ریاست کمیسیون بین المللی حقوق را از دست داد، ولی در ۱۹۷۷ متعاقباً برای ادامه دوره خاتمه نیافته یک عضو دیگر برگزیده شد. طیبی انگلیسی را خوب و کمی فرانسه صحبت می کند. او در طول دوره خدمتش با مقامات آمریکایی، به طور ویژه ای خوب بوده است. دکتر طیبی امیدوار است که در خروج از افغانستان با همسرش نجیبه و دو پسرش عبدالله و نجیب الله و دخترش، دنیا، همراه باشد.

۵ - نظریه: انتخاب این دیپلمات قادر و باتجربه به جای دکتر بسم الله ناهک که از نظر دیپلماتیک بدون تجربه است، یکی از انتصابات زیرکانه دیپلماتیکی است که تاکنون به وسیله رژیم خلقی انجام گرفته است.

متأسفانه به خاطر سرویس خارجی تهی شده افغانستان، به نظر می آید که یک فرد خوب دیگر از دور خارج می شود.

**دانشگاه کابل - آشوب در محوطه دانشگاه**

سند شماره (۳۶) از: سفارت آمریکا - کابل: وزارت امور خارجه در واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۱۰ ژوئیه ۷۹  
موضوع: دانشگاه کابل - آشوب در محوطه دانشگاه ۱- تمام متن محرمانه ۲- خلاصه دستگیری استادان و پذیرفتن دانشجویان  
در دانشگاه کابل تشنجاتی را در آنجا فراهم کرده است. در محوطه دانشگاه اعمال خشونت گزارش داده شده است. نفوذ  
شوروی در دانشگاه افزایش یافته است و به طوری که که معلوم شده شورویها با انحطاط کیفیت آموزشی به موازات توسعه  
سریع تعداد دانشجویان از سوی رژیم به ویژه از سوی مؤمنین به حزب خلق ارتباط داده شده اند. (پایان خلاصه) ۳- چند عامل  
نزدیک به هم باعث شده است که تشنجاتی در دانشگاه آشکار شود. جمهوری دمکراتیک افغانستان بر تعداد دانشجویان، به  
ویژه مؤمنین به حزب خلق افزوده است. ولی کارمندان و تأسیسات مادی دانشگاه با این افزایش هماهنگ نیستند. به اظهار  
بعضی از استادان در ماههای مارس و آوریل چهار هزار نفر بر تعداد دانشجویان افزوده شده است و این رقم به معادل ۵۳٪  
افزایش نسبت به هفت هزار و پانصد دانشجویی است که سال گذشته ثبت نام کرده اند. محمد سوما، وزیر آموزش عالی طی  
گفتگویی در جریان یک ضیافت در تاریخ ۵ ژوئیه گفت که در حال حاضر حدود ده هزار دانشجو در دانشگاه حضور دارند.  
که این رقم از زمان کودتای آوریل سال ۱۹۷۸، ۳۳٪ افزایش را نشان می دهد. (او به یک مأمور دیگر سفارت گفته بود که  
یازده هزار و پانصد دانشجو ثبت نام کرده اند.) سوما اعتراف کرد که این توسعه سریع در چهار زمینه مشکلاتی به وجود  
آورده است که عبارتند از کمبود تعداد کلاسها و کمبود خوابگاهها و کمبود مدرسان و همچنین تنزل در کیفیت آمادگی  
دانشجویان تازه وارد به دانشگاهها. او اظهار خوش بینی کرد که عملیات ساختمانی و تحولات «طبق برنامه ۵ ساله» این  
«مشکلات دردآلود» را رفع خواهد کرد. در این حال او چنین برآورد کرد که ظرف ۵ سال آینده تعداد دانشجویان از حدود  
۲۰ هزار نفر کنونی دو برابر افزایش خواهد یافت و نیز «مشکلات کوشش به مقابله با توسعه دانشگاهها تا مدت زیادی  
گریبانگیر ما خواهد بود.» (سیستم آموزش عالی افغانستان شامل دانشگاه کابل و دانشگاه قندهار و پلی تکنیک از قرار معلوم  
آکادمیهای تربیت معلم که اکنون جزئی از وزارت آموزش و پرورش است، به زودی به صورت جزئی از وزارت آموزش  
عالی در خواهد آمد.) سوما گفت که یکی از هدفهایی که از اولویت برخوردار است، برقراری مجموعه های وابسته  
دانشگاهی در سراسر کشور است. او گفت که ۲ مجموعه از این نوع در مزار شریف و قندهار در چهار چوب برنامه ۵ ساله  
تکمیل خواهد شد.

۴- افزایش جوانان خلقی (که آنها را «آدمهای خودکار» نامگذاری کرده اند) در دانشگاه کابل اصطکاکهای سیاسی در میان  
دانشجویان، که سابقاً دژ مستحکم احساسات پرچمیستی بوده است، را برانگیخته است. در ماههای بعد از کودتا عده ای از  
پشتیبانان پرچم چه در میان استادان و چه در میان دانشجویان وفاداری خود را از حزب پرچم و حزب خلق تغییر داده اند. همین  
شش ماه قبل یک ناظر اظهار نظر کرد که اعتقادات سیاسی دست چپی در دانشگاه با نسبت ۶۰ به ۴۰ به نفع خلقیها نسبت به

پرچمیها می باشد. وی گفت که این تناسب اکنون بشدت تغییر کرده است و خلقیها بار دیگر نسبت به پرچمیهای در اقلیت قرار گرفته اند.

۵- نفوذ و حضور شوروی در دانشگاه افزایش یافته است و شورویها را با انحطاط کیفیت آموزشی در دانشگاه ارتباط می دهند. یک رئیس دانشگاه روسوفیل (دوستدار روس) زبانهای انگلیسی آلمانی و فرانسه را به عنوان زبان تدریس حذف کرد و در نتیجه چندین دانشکده، به ویژه دانشکده های مهندسی و علوم فلج شد. تدریس در حال حاضر به زبان روسی انجام می گیرد (هر چند این وضع نیز ممکن است بار دیگر تغییر کند زیرا متکلمین به زمان پشتو به تدریج بانفوذتر می شوند) در حالی که کتابهای درسی هنوز به زبان انگلیسی است. و هر یک از آنها نسبت به دیگری نامربوط است. این موضوع را یک دانشجوی سال چهارم مهندسی به من گفت. در ضمن مطالعه زبان روسی بشدت تقویت شده است. موافقتنامه هایی که اخیرا بین جمهوری دمکراتیک افغانستان و شورویها امضاء شده، شامل رشته های زبان و ادبیات روسی در سراسر دانشگاه و وارد کردن مطالبی به آن زبان است در عین حال مبادله دانشجویان و استادان با کشورهای غربی رو به کاهش است و چنین مبادله ای با کشورهای سوسیالیستی به ویژه اتحاد شوروی افزایش سریع می یابد.

۶- رژیم تصفیه استادان غیر قابل اعتماد از لحاظ سیاسی را آغاز کرده است. به عنوان نمونه دکتر م.

حیدر، رئیس سابق دانشکده حقوق و علوم سیاسی (که از فرانسه درجه دکترا دارد)، دکتر غفور عارفی از دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دارای درجه دکترا از دانشگاه ایندیانا)، پروفیسور علی آقا بلخی از دانشکده اقتصاد، پروفیسور حبیب و رحمان هلاح از دانشکده ادبیات (دارای درجه فوق لیسانس از دانشگاه میشیگان)، پروفیسور قائم هاشمی از دانشکده ادبیات، دکتر عبدالرزاق فلول از دانشکده ادبیات (درجه دکترا از دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا). در ضمن یک دکتر از دانشکده پزشکی (و شوهر یک کارمند آژانس بین المللی ارتباطات آمریکا) از دفتر خود بیرون کشیده شده و به وزارت کشور برده شده است و از قرار معلوم از آنجا به بعد ناپدید شده است. پس از یک هفته انتظار وحشتناک به یک تحقیق بی سر و صدا از سوی خانواده او چنین پاسخ شدیدی داده شد: «صبور باشید.» پس از پنج هفته خانواده او بار دیگر پرس جو کردند به آنها گفته شد: «چرا شما این قدر بی صبر هستید؟» خویشاوندان نتوانستند اطلاع یابند که این دکتر در کجا بازداشت شده یا چرا بازداشت شده و اینکه آیا او هنوز زنده است یا خیر.

۷- دانشجویان دستگیر می شوند و به نظام برده می شوند. به ما گفته شده است که دو هزار دانشجوی دستگیر شده و یا «داوطلبانه» برای انجام وظیفه در نیروهای مسلح برده شده اند. بعضی از این سربازهای تازه وارد واقعا ثبت نام می کنند و انگیزه آنها وعده عضویت در حزب است. معذالک بسیاری از دیگران برای اجتناب از فشار دست و پا می زنند. بیم و هراس آنها موجبات تشنجات زیادی را فراهم می کنند.

۸- خشونت جسته و گریخته و مرگبار در محوطه دانشگاه، قسمتی از این تشنج را نشان می دهد. در روز ۲۳ ژوئن یعنی روزی که زد و خوردهای مختصری در جاده میوند در گرفت، از قرار معلوم بمبی در اتومبیل یک عضو حزب خلق (در جلو دانشکده مهندسی منفجر شد که در نتیجه یک دانشجوی کشته و دو دانشجوی دیگر شدیداً مجروح شدند. در حدود همان وقت بمب دیگری در نقطه دیگری از محوطه دانشگاه منفجر شد بدون آنکه آسیبی به بار آورد. علاوه بر این منابع می گویند که

اخیراً دو دانشجوی زن وابسته به حزب خلق در یکی از آزمایشگاه‌های محوطه دانشگاه به قتل رسیده و جسد‌های آنها مثله شده

ص: ۵۶۲

است. دو دانشجوی دختر نیز از قرار معلوم اخیراً دستگیر شده و به زندان پل چرخی انتقال داده شده و از قرار معلوم سربازان، آنها را مورد تجاوز قرار داده اند. این دختران بعداً آزاد شده اند و اکنون در بیمارستان بستری هستند.

۹- اظهار نظر: دانشگاه در حالت فعل و انفعال به سر می برد. ولی در حال عصیان، هنوز نشانه هایی از اینکه رژیم نتواند این تشنجات را مهار کند یا نارضایتی زاینده را سرکوب کند وجود ندارد. ما نیز نمی توانیم احتمال اینکه این ناآرامی و خشونت‌های جسته و گریخته در دانشگاه ممکن است به یک مشکل جدی برای دولت تبدیل شود کنار بگذاریم. ما همچنان مراقب اوضاع و تحولات دانشگاه خواهیم بود.

فلاتین

### وضع کنونی افغانستان از لحاظ عصیان

سند شماره (۳۷) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۱۰ ژوئیه ۷۹ به: وزیر امور خارجه در واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: وضع کنونی افغانستان از لحاظ عصیان ۱- یادداشت مقدماتی. (استفاده محدود اداری) به قضاوت این سفارت محتویات این گزارش می تواند برای استفاده اعضای کنگره و اعضای برگزیده رسانه ها یا نمایندگان حکومت‌های دوست در اختیار آنها گذارده شود. طبقه بندی کلی این گزارش خیلی محرمانه تعیین شده است، معذالک اگر مقامات واشنگتن ترجیح بدهند که بعضی از مطالب آن در این مرحله افشاء نشود، همه نتیجه گیریهایی که در این گزارش ابراز شده می تواند به عنوان نتیجه گیریهای حساس تلقی شود. (پایان یادداشت مقدماتی).

۲- خلاصه: (استفاده محدود اداری) در حالی که تابستان داغ برگرد و غبار بر افغانستان مستولی می شود، رژیم خلقی جمهوری دمکراتیک افغانستان همچنان با گسترش کند ولی مداوم فعالیت شورشیان در سراسر قسمت اعظم کشور مواجه است. هر چند خلیقها با کمال کارایی و قدرت تصمیم و سرعت و بی رحمی با مبارزه طلبیهای شورشیان مقابله کرده اند معذالک رژیم افغانستان هنوز نشان نداده است که قادر است از لحاظ نظامی یا سیاسی با حالت عصیان عمومی که در حال گسترش است و داراییهای حکومت را به فرسایش می برد مقابله کند. گروههای مختلف شورشیان هنوز فاقد سازمان یافتگی کافی داخلی و هماهنگی استراتژیک با یکدیگر و رهبریت مرکزی و پشتیبانی معنادار خارجی و تهیه یک محور دیگر ایدئولوژیک و سیاسی که در اطراف آن بتوانند گرد هم آیند، می باشند. شورشیان مانند خود خلیقها، دستخوش فرسایش از لحاظ افراد و مصالح هستند. از سوی دیگر قبایل شورشی افغان می توانند از سنت دیرینه فعالیت چریکی استفاده کنند و نیازهای ساده لجستیکی آنها باعث می شود که آنها بتوانند از زمین و آنچه که از تاراج کاروانهای دولتی به دست می آورند ارتزاق کنند. هر چند آینده بسیار نزدیک چشم انداز شومی برای خلیقها دارد، معذالک کادر حزبی سرسخت و سازمان یافته خلیقها صفوف وفاداران به خلق را به عنوان اشخاصی محکم و ایثارگر نگه نگه می دارد و عناصر کلیدی نیروهای مسلح (مثلاً سپاه زرهی و واحدهای برگزیده کماندویی و نیروی هوایی) همچنان از رژیم حمایت می کنند. هر چند اوضاع از نقطه نظر چپگرایان بسیار جدی است معذالک آن قدرها بد نیست که باعث شود خلیقها برای مداخله

مستقیم شوروی استمداد کنند. هنوز زودتر از آن است که رهبری مصمم و سرسخت تره کی و امین را از میدان به در رفته تصور کنیم. (استفاده محدود رسمی).

۳- اوضاع نظامی: فعالیت چریکی همچنان در سراسر اغلب ایالات افغانستان در گسترش است، همچنان که یک ماه پیش بود (تلگراف مرجع). رژیم خلقی در حال حاضر کمتر از نیمی از کشور را در کنترل خود دارد و بیشتر آن نیز تنها در ساعات روز است. (همان طوری که یک رئیس قبیله اخیراً گفته بود «عصیان افغانستان مانند یک معاشقه مطبوع است و بیشتر عملیات شب هنگام انجام می گیرد.» نیروهای دولتی برای حفظ نقاط اصلی و پرجمعیت به کار می روند و بیشتر جاده های اصلی و ارتباطات و بهترین نواحی کشاورزی و بعضی از پاسگاههای دور افتاده کلیدی که به حیثیت و اعتبار دولت وابستگی دارند؛ مانند اسد آباد، حکومت نشین ایالت کنار (که به نام پیغه سرای نیز معروف است) که در آنجا سربازان جنگزده خلقی ماهها با منظره پرچمهای پراهنزاز سبز اسلامی در تپه های مجاور مواجه هستند.

۴- (استفاده اداری محدود) هر چند خلقیها مدعی هستند که جاده منطقه جلال آباد به اسدآباد را در کنترل خود دارند، به ندرت اتفاق می افتد که یک اتومبیل دست به این سفر خطرناک بزند بدون آن که لااقل یک گلوله به آن اصابت و آن را سوراخ بکند. یک خودروی ویژه متعلق به طرح سازمان ملل متحد اخیراً از اسدآباد برداشته شد و هنگامی که از جاده بیرون آورده می شد به شکل یک پنیر سوئیسی در آمده بود که بیش از یکصد گلوله به آن اصابت کرده و با گلوله مشبک شده بود. این جاده به خصوص نشان دهنده انتهای دیگر میزان «کنترل دولتی است.» بیشتر جاده های اصلی معمولاً در کنترل دولت است، معذالک اگر شورشیان با موفقیت قسمتی از یک شاهراه کلیدی را ببندند نیروهای دولتی معمولاً ظرف سه یا چهار ساعت از آن نقاط دور می شوند. چند جاده از قبیل جاده هایی که از کوههای پکتیا که پر از شورشیان است عبور می کند و به پاسگاه دولتی خست منتهی می شود. تنها به ندرت باز است. بنابراین خلقیها برای پشتیبانی از نیروهای خود در چنین مناطقی به پشتیبانی هوایی متوسل می شوند.

۵ - (استفاده اداری محدود) در حالی که در بعضی از ایالات زد و خوردها در حال حاضر بشدت کمی ادامه دارد، در ایالات شرقی شرقی بدخشان و کنار نگرهار و پکتیا و پکتیکا، اخیراً زد و خوردهای شدیدی در جریان بوده است. نیروهای خلقی یک شهر و مقداری اسلحه و مهمات و وسائط نقلیه و آذوقه و آنچه که برای دستگاه رهبری کابل بیش از همه ناراحت کننده است، تعدادی سرباز نیز از دست دادند. هر روز سربازان خلقی در جریان عملیات کشته و یا مجروح می شوند و یا مفقود می شوند و ارتباط آنها با مرکز قطع می شود و اغلب نیز آنها جبهه خود را تغییر داده و به شورشیان می پیوندند. اخیراً واحدهایی به تعداد یک گروهان از کنترل خلقی خارج شده اند. در یک یا دو مورد حتی گردانها ناپدید شده اند. این امر رژیم را دچار کمبود نفرات در فرماندهیهای اصلی در سراسر افغانستان نموده است. تصفیه های سیاسی، کادر افسران را ناتوان کرده است و در نتیجه کادرهای غیرنظامی یا افسران جزء جوان وفادار به رژیم در رأس واحدهای بزرگ نظامی قرار گرفته اند و این امر با مساعدت نزدیک و فعال مستشاران نظامی شوروی صورت گرفته است. این مستشاران همان طوری که قبل از انقلاب خلقیها متداول بود معمولاً اونیفورمهای افغانی به تن می کنند.

۶- (استفاده محدود اداری) کفگیر رژیم ظاهراً برای به دست آوردن رزمندگان به ته دیگ رسیده است و به راههایی از قبیل

متقاعد کردن دانشجویان جوان دانشگاه و دانش آموزان جوان دبیرستانها به داوطلب

ص: ۵۶۴



شدن در نیروهای مسلح و تحت تأثیر قرار دادن جمعیت بالغ دهکده ها برای ورود در صفوف چریکها و انتخاب کارگران موقتی که برای کار در گوشه های خیابانها می ایستند و فرستادن آنها به جبهه یا یادآوری کردن آنهايي که خدمت نظام خود را انجام داده اند به انجام وظایف نظامی، متوسل می شود. این کمبود فزاینده نیروی انسانی نظامی منعکس کننده کاهش مداوم کادرهای غیر نظامی در وزارتخانه های کابل است، در حالی که دستگاه رهبری حزب خلق به پاکسازیهایی بی پایان سیاسی خود همچنان ادامه می دهد.

این کمبود منابع انسانی یکی از موانع حزب خلق برای عملیات است ولی دستگاه رهبری ظاهراً بالاترین اولویت خود را به وفاداری به رژیم تلقی می کند. (معدالک ما اخیراً گزارشی را شنیده ایم که هنوز تأیید نشده است و حاکی از آن است که روز هشتم ژوئیه ۷۰ نفر از زندان پل چرخي آزاد شده اند از میان آنهايي که آزاد شده اند از قرار معلوم چند نفر افسران سابق ارتش بوده اند که بعضی از آنها به داشتن تمایلات پرچمیستی مظنون بوده اند).

۷- (استفاده محدود اداری) مشکلات جدید امنیتی برای خلقیها از جمله تحولاتی که جدیداً اتفاق افتاده و قابل توجه است و علامات اولیه ای است که حالت عصیان ممکن است به کابل نیز سرایت کرده باشد. روز ۲۳ ژوئن در نقاط مختلف کابل نخستین تیراندازیهای هماهنگ نشده یا بد هماهنگ شده روی داد. مهمترین زد و خورد از سوی گروه شیعه هزاره که از قرار معلوم یک اقلیت مذهبی و قومی در این جامعه اکثراً پشتو و سنی است روی داد. معدالک شورشیان از قرار معلوم نتوانسته اند قصدی را که داشته اند عملی سازند و رژیم نظم را مجدداً برقرار کرد ولی این برقراری نظم با خونریزی توأم بود. از آن زمان به بعد سطح عملیات خشونت آمیز در کابل اندکی افزایش یافته است. از زمان انقلاب سال ۱۹۷۸ صدای شلیکهای پراکنده شنیده می شود ولی بعضی از این تیراندازیها دوام بیشتر داشته است. علاوه بر این شورشیان برای نابود کردن خودروهای نظامی گاه به گاه در امتداد جاده کابل به ترخام کمین می کنند و گاهی هم ارتباطات در امتداد این جاده قطع می شود. خلقیها تاکنون با این اسباب زحمتها با کارآیی تمام و به سرعت مقابله کرده اند. دستگاه رهبری خلق در کابل همچنان با ظاهری آرام به این مفهوم که بر اوضاع مسلط است به مردم نشان می دهد. به جز چند حادثه ای که در بالا ذکر شد و این واقعیت که شهر مانند یک اردوگاه مسلح است، کابل از یک آرامش قابل ملاحظه برخوردار بوده و دارای ظاهری آسوده و صلح آمیز است. معدالک در زیر این آرامش یک نوع تشنج قابل مشاهده ای وجود دارد.

۸- شورشیان تاکنون چه نتایجی به دست آورده اند؟ هر چند شورشیان گاه به گاه دستخوش فرسایش سنگینی شده و بدون پشتیبانی معنادار خارجی مبارزه می کنند، معدالک اغلب توانسته اند بینی رژیم خلق را خون آلود کنند و دعاوی مکرر دستگاه رهبری خلق را مبنی بر اینکه آنها «از پشتیبانی پرشور ۹۸٪ از جمعیت افغانستان برخوردارند» به صورت حرفهای تو خالی در آورند. همچنین این واقعیت که فعالیت شورشیان امور اقتصادی کشور را در هم ریخته و برنامه های عمرانی اقتصادی ناشی از خارج را متوقف کرده است بدین ترتیب خلقیها را از پرداختهای بسیار مورد لزوم خارجی محروم کرده است، دارای اهمیت فزاینده اقتصادی است.

۹- آیا خلقیها دوام خواهند آورد یا اینکه ناگزیر خواهند بود روسها را به کشور خود فراخوانند؟ از اوایل ماه ژوئیه گذشته رژیم خلقی هر چند جنگ زده است چنین به نظر می آید که می تواند با منابع نظامی و پلیسی خود، بقای خود را حفظ کند.

با توجه به اینکه کمکهای شوروی از لحاظ کادر و پشتیبانی

ص: ۵۶۵

مستشاران به نحو سخاوتمندانه ای هم چنان ادامه دارد، خلیقها بدون شک به این نکته پی برده اند که دعوت از سربازان رزمنده از کشوری که در اینجا به عنوان یک همسایه گسترش طلب معرفی شده است، آنها را در نظر بیشتر افغانیها (از جمله بیشتر آنهایی که حاضر بوده اند به نیروی نوآور خلیقها فرصت بدهند تا این کشور را از غرقاب قرنهای گذشته رهایی دهد) بی اعتبار خواهد ساخت. بنابراین خلیقها به وضوح این خط مشی را به عنوان یک اقدام برای روز مبادا تلقی می کنند و آن روز مبادا هنوز فرا نرسیده است.

فلاتین

## مقاصد شوروی در افغانستان و پاکستان

سند شماره (۳۸) از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده -- کابلتاریخ: ۱۱ جولای ۱۹۷۹ به: سازمان اطلاعاتی دفاع - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: مقاصد شوروی در افغانستان و پاکستان ۱- خلاصه بر طبق گفته دو دیپلمات کشور ثالث، روسیه شوروی سه هدف در افغانستان دارد. این هدفها حفاظت سرمایه گذاریهایشان در جهت حمایت از انقلاب، برقراری یک رژیم سوسیالیست و توسعه دامنه نفوذشان می باشد. اگر چنین به نظر روسها برسد که رژیم فعلی تره کی در افغانستان موفق نخواهد بود، آنها برای تعویض این رژیم با رژیمی که در نظر توده مردم افغان قابل قبول تر باشد و به منظور حفظ آبرو و به دست آوردن این سه هدف، تردید به خودشان راه نخواهند داد. این رژیم جدید ظاهراً ناسیونالیست تر خواهد بود و احتمالاً از میان نیروهای مسلح بیرون کشیده می شود. روسها برای مطمئن شدن از موفقیت انقلاب از آوردن نیروهای نظامی به افغانستان ابایی نخواهند داشت. تحولی که (به نظر منابع) عکس العمل جدی دولت آمریکا را تسریع نخواهد کرد.

۲- منبع الف با پیشقدمی خودش با یک تلفن (اداری) به مأمور گزارش نمود. در طول یک ملاقات نسبتاً طولانی ۵/۲ ساعته منبع و مأمور گزارش گفتگویی داشتند که چندین موضوع را در بر می گرفت و موضوع اصلی آن گفتگو نظرات منبع در مورد مقاصد شوروی در افغانستان بود. در جواب سؤال مأمور گزارش منبع اظهار داشت که به نظر او روسیه شوروی سه هدف در افغانستان دارد. اولین آنها حفاظت سرمایه گذاریهای انبوه تسلیحاتی تجهیزاتی و پولی است که آنها برای رژیم تره کی مهیا نموده اند که انقلاب را با موفقیت به نتیجه برساند. دومی، مطمئن شدن از اینکه یک رژیم سوسیالیست در افغانستان باقی می ماند، و آخرین، مطمئن شدن از اینکه ریسک آنها در افغانستان و گسترش دامنه نفوذشان کاهش داده نشود و بلکه وسعت بیشتری پیدا کند. منبع به گفته هایش این طور ادامه داد که به نظر او رژیم فعلی به خاطر مشکلات فزاینده اش با شورشیان مسلمان که شدیداً با یک دولت سوسیالیست مخالفند و به خاطر عدم محبوبیت در میان توده مسلمان پر حرارت افغانستان مسلمان پر حرارت افغانستان، مدت زیادی دوام نمی آورد. بنا به گفته ای، روسها نیز شروع به درک این موضوع کرده اند. آنها به منظور مطمئن شدن از موفقیت انقلاب و به دست آوردن هدفهایشان از تعویض دولت فعلی با دولتی که بیشتر مورد قبول اکثریت مردم مسلمان باشد و همچنین طرفدار مسکو باشد (ولی با جلوه کمتر)، تردید به خودشان راه نخواهند داد.

ص: ۵۶۶

مأمور گزارش، از منبع نظراتش را در مورد این که چه کسی رژیم جدید را تشکیل خواهد داد بیرون کشید.

منبع اظهار داشت که عمدتاً ترکیبی از افسران ناسیونالیست نظامی که هواخواه آرمان شوروی هستند، خواهد بود. او به اظهاراتش این طور ادامه داد که او چندین افسر را می شناسد که در این قالب جای می گیرند ولی جزئیات بیشتری را تشریح نکرد. منبع اظهار داشت که روسها از هدف نهایشان برای دستیابی به آبهای گرم بنادر پاکستان در دریای عرب دست برنخواهند داشت. منظور از این کار این خواهد بود که روسها مجهز به پایگاهی شوند که بتوانند قدرت دریایشان را برای کنترل خطوط ارتباطات دریایی که بر روی آن نیازمندیهای سوختی دنیای آزاد در حرکت است، طرح ریزی نمایند. مطابق گفته منبع این دسترسی از طریق همکاری عوامل دوست در استان بلوچستان پاکستان حاصل خواهد شد. حتی امروز هر دو عوامل مخفی و غیر مخفی در بلوچستان وجود دارند که با هزینه روسها از خودمختاری استان دفاع می کنند. به موقع خودش و با شرایط لازم سیاسی بلوچستان می تواند یک ماهیت جداگانه سیاسی داشته باشد و بعد روسها قادر خواهند بود که به هدف دیرینه (تقرب به دریای عرب) دست پیدا کنند. به نظر منبع ضروری است که دولت ایالات متحده کمک اقتصادی لازم را برای یاری پاکستان در توسعه سریع بلوچستان به منظور تلاش در جهت کند ساختن ابتکارات (پیشقدمی) روسیه در منطقه مهیا کند. منبع به صورت اضافی درخواست مهمی در زمینه همکاری نظامی دولت آمریکا به منظور تجهیز پاکستان به نیروهای قابل اطمینان داشت. در جواب سؤال مأمور گزارش که چگونه این کمک نظامی (اگر مهیا شد) به وسیله هند ارزیابی خواهد شد، منبع اظهار داشت که مضحک خواهد بود که هر ملتی منجمله هند معتقد باشد که پاکستان مقاصد خصمانه ای بر علیه داشته باشد.

پاکستان یک کشور کوچک با منابع محدود است و هیچ قصدی برای برداشتن قدم خصمانه ای بر علیه یک قدرت بزرگ مثل هند ندارد.

پاکستان تمایل دارد در این مورد که از قابلیت‌های نظامیش هرگز بر علیه هند به استثنای دفاع از حاکمیتش استفاده نخواهد کرد، هر نوع ضمانت لازم را بدهد.

منبع گفت که من متقاعد شده ام که روسها برای مطمئن شدن از موفقیت انقلاب سوسیالیستی در افغانستان و به دست آوردن هدفهایشان در این منطقه از وارد کردن نیروهای نظامیشان به افغانستان (اگر لازم باشد) ابایی ندارند.

در جواب سؤال مأمور گزارش چگونه این تحول به وسیله ملل دنیا و به ویژه دولت آمریکا با توجه به موافقتنامه اخیر سالت - ۲ ارزیابی خواهد شد. (منبع) جواب داد که این موضوع توجه زیادی را به خود معطوف نمی کند، به طوری که در نظر پاکستان و خیلی دیگر از ملل دوست این طور آمده است که دولت ایالات متحده، پاکستان و این منطقه را به عنوان غیر اساسی بودن از نقطه نظر منافع ملی و استراتژیک شما حذف نموده است.

۳- در طول یک مأموریت وابستگی (دفاعی) که مأمور گزارش در همان روز حضور داشت، منبع ب در جواب سؤال مأمور گزارش درباره نظرات او در مورد مقاصد شوروی، عمدتاً همان نظریات را به وسیله منبع الف اظهار شده بود داد. یک نکته که هر دو منبع بر آن تأکید داشتند فقدان آشکار ابراز علاقه به وسیله دولت ایالات متحده در تحولات آشکار این منطقه بود.

هر دو منبع بر این نکته که دولت آمریکا باید اقدامات مقتضی را برای متوقف نمودن توسعه طلبی شوروی در این منطقه بنماید تأکید داشتند.

ص: ۵۶۷

نظریه‌ها: بر اساس مطلب این طور به نظر مأمور گزارش رسید که هر دو منبع خط حزبی دولتهایشان را بیان می‌کردند. به همان اندازه که در این اولین ملاقات که مأمور گزارش اطلاعاتی از هر دو منبع کسب می‌کند یک ارزیابی اف - ۶ تعیین شد.

### حیرت سفیر کبیر آلمان از تناقضات رژیم خلقی

سند شماره (۳۹) از: سفارت آمریکا - کابلتاریخ: ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۹ به: وزارت خارجه - واشنگتن طبقه بندی خیلی محرمانه موضوع: حیرت سفیر کبیر آلمان از تناقضات رژیم خلقی ۱- تمام متن محرمانه است ۲- همان طور که در تلکس مرجع پیش بینی شده بود دکتر هرمن شوسیائو، سفیر کبیر جمهوری دمکراتیک آلمان در کابل در ۹ ژوئیه با من ملاقات نمود تا درباره وضعیت فعلی در افغانستان گفتگو کند.

شوسیائو به همان صورت که روش همیشگی او است، سعی کرد که دوستانه و صریح به نظر آید.

۳- شوسیائو از این که چگونه به نظر می‌رسد که افغانها در روابطشان با دیگر کشورها بد عمل کرده اند و فرصتهای آشکار برای ارائه یک چهره دیپلماتیک بدون اشکال را از دست داده اند اظهار حیرت کرد. او با استفاده از رابطه دو جانبه کابل - اسلام آباد به عنوان یک نمونه، اظهار تعجب نمود که چرا افغانستان در آخرین لحظه به طور آشکار علائم خود را تغییر داد و با عضویت پاکستان در جنبش غیر متعهدها در کنفرانس وزرای غیر متعهد در کلمبو مخالفت کرد. شوسیائو یادآوری نمود که به نظر می‌رسید افغانها به طور روشن قبل از آن کنفرانس به پاکستانیها قول داده بودند که از پیشنهاد پاکستان برای عضویت در کنفرانس وزرای غیر متعهد حمایت خواهند کرد. شوسیائو فاش ساخت که حتی روسها این طرز عمل را مورد تشویق قرار داده بودند. شوسیائو گفت که او و دیگر ناظران از اینکه افغانها موضعی شدید و ضد پاکستانی در کلمبو اتخاذ نمودند تعجب زده شدند.

افغانها در عوض اظهار داشتند، هر چند افغانستان مشکلات دو جانبه زیادی با پاکستان دارد ولی این مشکلات می‌توانند به طرق دیگر حل شوند، در نتیجه افغانستان جلو ورود پاکستان به جبهه غیرمتعهدها را نمی‌گیرد. او به ویژه موضع افغانستان را احمقانه خواند چون که آنها نمی‌توانند رأی کافی برای سد کردن عضویت پاکستان بیاورند.

۴- شوسیائو همچنین از اینکه مقامات پلیس افغانستان درست زمانی که وزارت خارجه افغانستان برای سفر دوست، معاون وزیر خارجه به اسلام آباد آماده می‌شد، یک عضو هیئت پاکستانی را بازداشت می‌کنند، حیرت زده بود. شوسیائو هیچ شکی باقی نگذاشت که وی بر این اعتقاد است که فرد پاکستانی به زور توسط پلیس امنیتی افغانستان دستگیر شده بود و آن طوری که افغانیها اظهار می‌کنند به طور داوطلبانه به طرف افغانیها نرفته بود. شوسیائو در ضمن در مورد موضوع سفر دوست، اظهار تعجب نمود که چرا خلقیها احساس کرده بودند که مجبورند اعلامیه رسمی بعدی پاکستانیها در این خصوص که آقای شاهی. در بازگشت سفر دوست، دیداری با حفیظ الله امین خواهد داشت را رد کنند.

جدا از حساسیتهای تشریفاتی که وجود دارد، شوسیائو فکر می‌کند که امین قادر خواهد بود آقا شاهی را با



گرمی بپذیرد و او را به یک مقام پایین تر، مثل جلیلی وزیر آموزش و پرورش برای گفتگوهای واقعی بسپارد.

۵- وقتی من از شوسیائو پرسیدم که چرا وی فکر می کند رژیم خلقی اغلب به نظر می رسد که با اهداف متناقض عمل می کند، شوسیائو پاسخ داد این یک راز است. او گفت هر چند ممکن است یک وزارتخانه با روشی مغایر روش وزارتخانه دیگر عمل کند ولی بایستی یک دستورالعمل کلی از بالا وجود داشته باشد.

شوسیائو به عنوان نمونه به سخنانی ضد پاکستانی هیئت نمایندگی افغانستان در کلمبو پرداخت که می بایستی از پیش به وسیله کسی نه کمتر از امین، نخست تأیید می شد.

۶- با پرداختن به وضعیت شورش شوسیائو آن را وخیم می دانست. او گفت وابستگان یکی از مأموران او، زمانی که وی از مرخصی به کابل باز می گردد در برلین پشت سر گذاشته می شوند، چون که او فکر می کند وضعیت امنیتی در افغانستان خطرناک است. شوسیائو فاش ساخت که چکها تعدادی مشاور فنی به منطقه هرات می فرستند، اما بدون همسران و فرزندانشان.

۷- شوسیائو گفت که او آشفتگی همکاری اقتصادی در این کشور را به ویژه ناامید کننده می بیند. او اغلب به افغانها گفته است که آنها احمق هستند که وسیعترین مشارکت ممکن به وسیله تمام ملل شرق و غرب، را در توسعه شان تقویت نمی کنند. شوسیائو در این ارتباط اظهار داشت که او به تندرهای خلقی گفته بود وقتی که آنان تلاش می کنند تا نمایندگان امپریالیستی را از کابل اخراج کنند، آنها از جنبش مدرن سوسیالیستی فاصله دارند. او اظهار داشت که به آنان گفته بود که چگونه برای تمام ملل لازم است که برای صلح و پیشرفت اقتصادی با یکدیگر همکاری نمایند.

۸- شوسیائو در مورد برنامه های آلمان شرقی برای افغانستان خیلی خوش بود. شوسیائو که مدتی طولانی در مورد قدرت جذب افغانستان نسبت به کمکهای خارجی بدبین بوده است گفت که به راهنمایی او جمهوری دمکراتیک آلمان مبلغ اولیه نسبتا کمی به صورت کمک اعتباری برای آزمایش موفقیت احتمالی برنامه ریزی آلمان شرقی در این منطقه به رژیم خلقی پیشنهاد کرده است. در هر صورت شوسیائو با گفتگوهای اولیه تکنیکی با مقامات افغانی دلسرد شده بود. آنها از آلمان شرقی خواسته بودند تا نوعی از تأسیسات صنعت مادر را در افغانستان برپا کنند و تقاضا داشتند که آلمان شرقی تمام پروژه را تقبل کند. شوسیائو گفت که وی افغانها را به پای یک نقشه دنیا برد و متذکر شد که آلمان شرقی چقدر از افغانستان دور است و این سؤال را مطرح کرد که اگر آنها چنین چیزی را پیشنهاد می کنند، بایستی که به عنوان نمونه آجرهای آلمان شرقی برای چنین پروژه ای از لهستان و اتحاد شوروی بگذرند. او نتیجه گیری کرد که تاکنون در متقاعد نمودن افغانها به عملی بودن در مورد چنین پیشنهادهای ناموفق بوده است.

۹- نظریه: نظراتی که در ۹ ژوئیه از طرف شوسیائو ابراز شد با طرز برخورد انتقادی که وی از زمان ورودش به اینجا یعنی یازده ماه پیش در گفتگوهای خصوصی با دیگر دیپلماتها نسبت به رژیم خلقی نشان داده است، موافق می باشد. شوسیائو موضوع مذاکرات تقبل شده از طرف شوروی برای تشکیل یک جبهه ملی جهت جایگزینی با رژیم خلقی را متذکر نشد.

**تبلیغات زیرزمینی افغانستان خواهان برکناری امین، نخست وزیر می باشد**





سند شماره (۴۰) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹ به: وزارت خارجه - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه  
موضوع: تبلیغات زیرزمینی افغانستان خواهان برکناری امین، نخست وزیر می باشد ۱- تمام متن محرمانه است ۲- خلاصه: سیل  
اخیر اعلامیه های زیرزمینی که خواهان برکناری امین، نخست وزیر و همقطاران او (ولی نه پرزیدنت تره کی) می باشد و  
تشکیل یک جبهه متحد از تمام انقلابیون واقعی می تواند قسمتی از یک تلاش (که بر سر زبانهاست) برای تعدیل ترکیب  
رهبری این رژیم به منظور درهم ریختن ترکیب آشوب فزاینده داخلی باشد. زمینه اعلامیه ها از پرچم که جناح رقیب حزب  
است می باشد و بنابراین با پایه های چپ افراطی و ضد غربی واقعی، آرامش کمی به آنهایی که ممکن است برای یک تعدیل  
واقعی در سیاستهای دولت خلقی امید داشته باشند می بخشد.

۳- شبنامه های زیرزمینی چندین روز پیش شروع به انتشار در سطح کابل نمود. توزیع شبنامه ها مخفیانه بوده است ولی به  
صورت نسبتاً آشکاری (نسخه هایی پیدا شد که در کف خیابان افتاده بود و یکی در روز روشن به دیوار (خانه) یک دیپلمات  
آویزان بود) اشاره می کند که بعضی بخشهای دولت به طرف دیگر می چرخند. ماهیت فشار این اعلامیه ها متشابه است و  
شامل نکات برجسته زیرین می باشد:

-- حفیظ الله امین، نخست وزیر و «باند جانان فاشیست» او هدف اصلی می باشند در حالی که هنوز انتقادی از پرزیدنت تره  
کی نشده است.

-- هدفهای دیگر اینها هستند: «امپریالیسم ایالات متحده» (که دست نابکار او به مفهوم صحیح پشت تمام وقایع در منطقه  
است)، اخوان المسلمین، دولت نظامی پاکستان، دولت ایران، و نیروهای ارتجاعی.

-- هدفهای انقلابیون باید همانهایی باشد که به وسیله میراکبر خیر (روشنفکر پرچمی که قتل او در ۱۷ آوریل ۱۹۷۸ یک  
سری وقایع را شعله ور ساخت که منجر به انقلاب خلقی شد) اظهار شد و ایدئولوژی کارگران، با حمایت روسیه شوروی و  
دیگر کشورهای سوسیالیست، باید به عنوان چراغ راهنما مورد استفاده قرار گیرد.

-- اعمال رژیم سردسته جنایتکاران حرفه ای (امین) شامل دستگیری و شکنجه بدون تبعیض زنان و دختران، بالا بردن منافع  
امپریالیسم آمریکا، شکنجه های حیوانی انقلابیون واقعی، غارت خانه های مردم بیگناه که تماماً جنبه های حکومت آدولف  
هیتلر می باشد.

-- پیشرفت انقلاب و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال وطن غیر ممکن است مگر با حذف فوری امین و دستیارانش.

-- مرگ بر امین و پارتیزانهای فاشیست او، مرگ بر سیا، مرگ بر اخوانها (اخوان المسلمین)، مرگ بر مائوئیستها و پیش به  
سوی اتحاد و وحدت نیروهای ناسیونالیست و دموکراتیک.

۴- نظریه: نوشته آشکارا نحوه نویسندگی پرچمیها را منعکس می کند به طوری که بیشتر سخنان تند متوجه رهبری خلقی می  
شود (ولو منهای تره کی)، این جنبه به خصوص می تواند قسمتی از یک تلاش در شرف وقوع که بر سر زبانهاست باشد، که  
بعضی اعضای رهبری فعلی را به منظور به هم ریختن ترکیب



آشوب داخلی جابه جا کند، چون که یک حمله عمومی پرچمیها به خلقیها احتمالاً زخم زبانهایی برای تره کی در بر خواهد داشت. در این رابطه درخواست برای پیروی از موعظه های خبیر (کسی که قبل از مرگش به طوری که گزارش شده طرفدار اتحاد خلق -- پرچم در سال ۱۹۷۷ بود) و این ادعا که «انقلابیون واقعی» در داخل حزب خلق هستند، می تواند نمایانگر یک درخواست از تمام چپیها (پرچمیها و خلقیهای که از آنها رفع توهم شده) برای تشکیل یک جبهه متحد برای برکناری امین و همکاریانش باشد.

به هر حال با سرعت باید اضافه کنیم که انتقادات تلخ بی شمار ضد غربی بر این نتیجه گیری تأکید دارد که سیاستهای اساسی یک رژیم چپی افغانستان (حتی بدون امین) احتمالاً تا درجه زیادی تعدیل نخواهد شد.

۵- سرانجام پیدایش تنهای این اعلامیه ها در چنان حجمی (فی الواقع هر هیئت دیپلماتیک یک نسخه یا بیشتر را دارا می باشد) و روش پخش آنها نشان می دهد که به دلایلی پلیس و مقامات امنیتی قادر نبوده اند که نشر تبلیغات برای برکناری مرد قوی کشور را سرکوب کنند. باید دید که چه مدتی این وضعیت ادامه پیدا می کند، ولی امین به قضاوت ما از آن نوع سیاستمدارانی نیست که به آرامی چادرش را جمع کند و به دیگران اجازه بدهد که انقلابش را از او تحویل بگیرند.

۶- دیگر تبلیغات ضد امین که در اینجا شنیده نشده امین را به عنوان یک جاسوس سیا مجسم می کند که مأموریتش این بوده که اعتبار روسیه شوروی در افغانستان را نابود کند.

### **وادار کردن افغانستان به یافتن راه حل سیاسی برای جنگ داخلی**

سند شماره (۴۱) به: وزیر امور خارجه در واشنگتن تاریخ: ۱۸ ژوئیه ۷۹ خیلی محرمانه موضوع: کوشش شوروی در وادار کردن جمهوری دمکراتیک افغانستان به یافتن راه حل سیاسی درباره کشمکشهای داخلی ۱- تمامی متن محرمانه ۲- خلاصه: برخی از تحولات اخیر در افغانستان القاء کننده این مطلب است که انتظار می رود اتحاد شوروی مبارزه ای را برای «کمک» به دستگاه رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان که دست خوش منازعات داخلی است برای یافتن یک راه حل سیاسی به جای راه حل صرفاً نظامی به راه بیندازد و بدین وسیله با رشد مخالفت در داخل و خارج مقابله کند. اقداماتی که تاکنون به عمل آمده در حالی که مجالی برای تنفس به رژیم افغانستان و اتحاد شوروی داده است، احتمالاً برای تضمین آینده انقلاب کافی نباشد و از قرار معلوم تغییرات حساستری لازم خواهد بود. معذالک راههای اختیاری که در این جهت وجود دارد محدود است و اگر مسکو بخواهد از نجات جمهوری دمکراتیک افغانستان به وسیله مداخله نظامی مستقیم اجتناب کند و خلقیها را بر سر کار نگهدارد عزیمت «داوطلبانه» یک یا دو عضو درجه یک دستگاه رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان اجباری خواهد بود. ما هنوز اطمینان نداریم که «توصیه» اتحاد شوروی از سوی دستگاه رهبری افغانستان مورد توجه قرار خواهد گرفت یا خیر و این امر تا اندازه زیادی وابسته به دیپلماسی شخصی واسیلی سافرونچک سفیر شوروی خواهد بود. واسیلی سافرونچک، دیپلمات ارشد شوروی اخیراً به منظور رفع بحران افغانستان به این کشور آمده است و ممکن است برای یافتن یک راه خروج مطمئن از اوضاع درهم برهم کنونی مسئولیت کاملی به عهده داشته باشد. البته راههای متعدد و

مجهولات همچنان باقی است، ولی اطمینانهای مداوم شوروی به «مردم» افغانستان و وقایع اخیر درباره افزایش مداخله شوروی در زمینه های نظامی در این کشور، دلالت بر آن می کند که «ضمانت» انقلاب ممکن است عامل تلقینی برای خلقیها در ازای قربانیهایی باشد که برای دگرگون کردن جریان حوادث جاری لازم است. (پایان خلاصه) ۳- جستجو برای یافتن راه حل سیاسی مشکلات داخلی افغانستان در جریان می باشد. ظرف چند هفته گذشته تحولاتی روی داده است که دلالت بر آن می کند که حکومت افغانستان شاید به اصرار اتحاد شوروی در جستجوی وسائل سیاسی، به جای راههای صرفا نظامی، برای مقابله با مخالفان داخلی خود است. رژیم با کمال جسارت هر چند نه چندان با مهارت، برنامه اصلاحات ارضی خود را با موفقیت پایان یافته اعلام داشته است (مرجع الف) و بدین ترتیب از ایجاد مخالف بیشتر در جهت خطوطی که از زمان آغاز این اصلاحات ظاهر شده بود اجتناب کرده است. همچنین براساس اشاره هایی که حفیظ الله امین نخست وزیر افغانستان به عمل آورده است مبارزه جمهوری دمکراتیک افغانستان برای با سواد کردن مردم که باعث خصومت در این جامعه فوق العاده محافظه کار که بیشتر افغانیها مایل نیستند زنان آنها حتی تا سطوح ابتدایی تحصیل کنند یا در «معرفی معلمان مرد واقع بشوند، به زودی به عنوان یک «موفقیت» اعلام خواهد شد. طبق اعلامیه ۱۱ ژوئیه جمهوری دمکراتیک افغانستان در اجرای چندین فقره «امتیاز به بخش خصوصی اقتصاد از جمله کوششهای دیگری است که برای آرام کردن مخالفان از ترس سیاستهای آینده اقتصادی این رژیم به عمل آمده است. بدین ترتیب به حکومت افغانستان ظاهرا از تعدادی از اصلاحات جاه طلبانه و فرسایش دهنده خود صرف نظر کرده است و این لزوما نه به دلیل اینکه این اصلاحات غلط بوده یا ضروری نبوده است بلکه بدان دلیل که این اصلاحات در نتیجه شوق خارج از حد آغاز شده و با مقاومتهای جدی رو به رو شده است.

۴- گزارشهای «مذاکرات» در میان رژیم و شورویها و چندین نفر از رهبران حکومتهای سابق همچنین نشان دهنده پوششی جهت برقراری نوعی «جبهه ملی» (مرجع ب) است. اظهار نظرهای دیپلماتهای آگاه اروپای شرقی و شوروی در اینجا این فرضیه را قابل باور می سازد. (مرجع ج) بدین مناسبت گزارشهای مربوط به آزادی پرچمیستها از زندان (مرجع د) و چاپ و توزیع وسیع نامه های «زیرزمینی» آنها، بعدا در حمله به کسانی از جمله امین و سایر رژیم، این اعتقاد را تقویت می کند که بعضی از نیروها برای فراهم کردن نوعی دستگاه رهبری و حزب که پایگاه وسیعتری از حزب دمکراتیک افغانستان دارد، کار می کنند.

۵- در جبهه سیاست خارجه نیز نشانه هایی هویدا شده است که یک برنامه عمرانی برای اجتناب یا عقب کشی از رویارویی در پیش است. دیدار شاه محمد دوست معاون وزیر امور خارجه در اوایل ماه ژوئیه از اسلام آباد مهمترین تحول در جهت این خط مشی است زیرا اخیرا اعتدال خفیفی در مبارزه تبلیغات ضد پاکستانی افغانستان مشاهده شده است. علاوه بر این ما اخیرا نشانه های بسیار کوچکی از صلح طلبی مقامات مشاهده کرده ایم که عبارتند از حضور نسبتا در سطح عالی مقامات افغانستان در ضیافت چهارم ژوئیه ما و نخستین ملاقات بین امین و یک مدرس وابسته به اداره ارتباطات بین المللی آمریکا به ابتکار افغانستان.

این ملاقات ممکن است نشان دهنده آن باشد که جمهوری دمکراتیک افغانستان مایل است که سطح مناسبات دوجانبه ما که در ماههای اخیر به پایین ترین مرحله رسیده بود، بالاتر رود.



۶- دیپلمات عالی مقام شوروی ممکن است نقش راسپوتین مانند را در این تحولات ایفا کرده باشد.

همه این نشانه‌ها از اوایل ماه ژوئن گذشته با ورود واسیلی سافرونچک سفیر سابق شوروی در غنا و نماینده دائمی سابق شوروی در سازمان ملل متحد و یک دیپلمات ارشد برخوردار از ارتباطات پابرجای سیاسی که ظاهراً صلاحیت حد اعلا را در خدمت به عنوان مرد شماره ۳ در سفارت شوروی در کابل دارد ظاهر شده است (درجه تشریفاتی واسیلی سافرونچک را هیچ کس باور نمی‌کند). از قبل از اینکه سافرونچک به افغانستان بیاید داستان‌هایی در کابل و در مسکو جریان داشت مبنی بر اینکه وی به عنوان نوعی «مشاور» برای عالترین سطوح افغانستان خدمت خواهد کرد و این داستانها با حوادث بعدی تأیید می‌شد. با توجه به تجربیات سافرونچک به عقیده ما می‌توان چنین نتیجه گرفت که او با دستوراتی برای کوشش در پیدا کردن یک راه حل سیاسی به جای راه حل صرفاً نظامی این کشور دستخوش منازعات، به کابل آمده است و شاید مهمترین وظیفه او آن باشد که مانع آن شود که جمهوری دمکراتیک افغانستان تقاضای کمک نظامی مستقیم از شوروی برای حفظ خود کند. بدین مناسبت بیشتر ناظران معتقدند که سافرونچک در سفارت شوروی در کابل وظیفه عادی ندارد. هر چند سوءظن‌ها درباره مأموریت سافرونچک حدسیاتی بیش نیست معذالک ما معتقدیم که انتصاب ناگهانی او برای خدمت در سفارت شوروی در کابل و اوضاع و احوال ویژه ای که درباره این تصمیم وجود داشت و وضع او از زمانی که وارد کابل شد و تحولات سیاسی که در بالا ذکر شد، به روشنی نشان می‌دهد که مسکو جمهوری دمکراتیک افغانستان را وادار می‌کند (اگر نگوئیم تحت فشار قرار می‌دهد) تا برای معکوس کردن جریان حوادث اقداماتی به عمل آورد و اصالت انقلاب را حفظ کند.

۷- شرایط محلی که ممکن است انگیزه فشار شوروی به جمهوری دمکراتیک افغانستان برای یافتن یک راه حل سیاسی باشد از این قرار است: ناتوانی ظاهری رژیم افغانستان (یا عدم تمایل آن) به اقدام به ابتکار خود که باعث تثبیت و خاتم اوضاع امنیتی و سیاسی در خارج از شهرها بشود یا پایگاه پشتیبانی از حکومت را توسعه دهد. این عوامل احتمالاً بزرگترین انگیزه برای هر گونه تصمیم شوروی به واداشتن یا متقاعد کردن یا تحت فشار قرار دادن دستگاه رهبری افغانستان برای جستجوی راه حل سیاسی درباره مشکلات خود خواهد بود. همچنین مسکو ممکن است بحق خواسته باشد تمایل جمهوری دمکراتیک افغانستان را به تشدید تشنجات با همسایگان خود (به ویژه پاکستان) منحرف کند و این گرایش است که ممکن است افغانستان را بر آن دارد تا برای مقابله با «تجاوز» (تلگرام مرجع ف) از شوروی استمداد کند. علاوه بر این سردی روابط افغانستان و ایالات متحده و کاهش شدید برنامه مساعدتهای اقتصادی آمریکا (به ویژه از زمانی که کمیته ویژه مجلس سنا و مجلس نمایندگان آمریکا در تاریخ ۱۳ ژوئیه به کاهش برنامه کمک رأی داد) همچنین از نظر کرملین به عنوان اقدامی علیه منافع وسیعتر شوروی تلقی خواهد شد زیرا مسکو یا کشورهای تابع آن ناگزیر خواهند بود جبران این کندی کمکها را در صورت خارج شدن کمک دهندگان دنیای آزاد بنمایند و همچنین اتکاء بیشتر جمهوری دمکراتیک افغانستان به شورویها احتمالاً ناآرامیهای داخلی را تشدید خواهند کرد، به جای آنکه اوضاع را بهبود بخشد. در آخرین تحلیل این نگرانی که احتمال فریاد وانفسای افغانستان بیشتر شود و براساس شرایط موافقتنامه دو جانبه سال ۱۹۷۸ در لحظه ای که مسکو منافع وسیعتری دارد، به طوری که مایل نیست این منافع در نتیجه تصمیم به مداخله به خطر افتد، از جمله آخرین انگیزه‌هایی است که باعث اعزام

سافرونیچک به مأموریت خود در کابل است.

۸- راه حل سیاسی به احتمال مستلزم «امتیازهای بیشتر» از آنچه تاکنون رو آمده خواهد بود: براساس آنچه که ما از انگیزه های قیام کنندگان استنباط کرده ایم، ما معتقدیم که رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان بایستی برای آنکه بتوانند روند اوضاع را در خارج از شهرها تغییر دهند باید چشم انداز جالبتری برای مردم فراهم کنند.

برنامه های مختلف اصلاحاتی یقیناً به میزان زیادی به رشد خصومت داخلی نسبت به رژیم کمک کرده است ولی انگیزه اصلی بیشتر دهقانان افغانی که اسلحه به دست گرفتند درک آنها از این است که خلقیها ضد خدا و کمونیست و عروسکهای خیمه شب بازی شورویها هستند. برای رفع کردن این گونه اعتقادات که در میان افغانیها ریشه دوانده است مهارت فوق العاده و امتیازات قابل توجه، مافوق آنچه که رژیم تاکنون به مردم داده است لازم خواهد بود. اینکه آیا شورویها و رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان بتوانند اقدامات لازم بعدی خود را با توافق یکدیگر انجام دهند یا خیر در آینده معلوم خواهد شد ولی هیچ گونه شکی نیست که آنها وظیفه بسیار سنگینی به عهده دارند.

۹- راههای اختیاری که در دسترس باشد چندان زیاد نیست. اگر در واقع رشد مخالفت در نتیجه اقدامات سرکوبگرانه حکومت افغانستان تاکنون مهار نشده است راههای بیشتری برای ایجاد یک رژیم دیگر که بتواند امکان برگرداندن جریان را داشته باشد و در عین حال اصالت انقلاب را تهدید نکند چندان زیاد نخواهد بود.

۱۰- محتمل ترین و شاید ضرورترین امری که ممکن است اتفاق بیفتد این است که تغییراتی در عالیترین سطح رهبری جمهوری دمکراتیک روی دهد که در بر گیرنده بر کنار شدن امین یا تره کی یا هر دو باشد. براساس نشانه هایی (از قبیل وفور پخش تراکتهای مخفی که در بیشتر آنها به امین حمله شده است) و بر اساس «احساس» کلی در میان عملاً همه اشخاص افغانی که با ما تماس دارند، می توان گفت که تره کی به عنوان یک رئیس بدن شخصیت تلقی می شود که نباید جدی گرفته شود و شر اصلی همانا امین است که از جمله مسؤل سیاستهای ستمگرانه دستگیری و شکنجه و اعدام شناخته شده و همچنین نیروی محرک در برنامه های زجر دهنده اصلاحی و همچنین مرد پر حرارت افغانستان در جانبداری از اتحاد جماهیر شوروی به شمار می رود. بنابراین هر گونه کوشش صمیمی برای اینکه نیروهای پراکنده در افغانستان از طریق یک تغییر دستگاه رهبری گرد هم جمع شوند به احتمال باید بر کناری یا حتی بهتر از این بگوییم مرگ امین را در بر داشته باشد. (در این سرزمین قصاص، یکی از رهبران خلقی باید بهای سستی را برای مرگ هزارها نفر پردازد.) ما می توانیم سناریویی را پیش بینی کنیم که در آن تره کی به عنوان «رهبری بزرگ» ولی فاقد توانایی سیاسی باقی بماند. در این موقع «پرستش فردی» نسبت به تره کی که مدام در حال افزایش است (که برگزاری جشن شصت و دومین سال تولد او اخیراً با زرق و برق فراوان در تاریخ ۱۴ ژوئیه انجام گرفت و مظهر چنین پرستش فردی است) بر آن دلالت می کند که بر کناری تره کی برای انقلاب بسیار دردآور خواهد بود و تنها به عنوان آخرین علاج می تواند صورت بگیرد. در ضمن باید گفت که تره کی هنوز هم در میان عناصر غیر خلقی جامعه افغانستان و به ویژه در میان صفوف اشخاص تحصیلکرده مورد احترام است.

۱۱- البته مهمترین مسئله این است که آیا شورویها وزنه به اندازه کافی دارند که «توصیه» آنها تره کی یا





امین را متقاعد کند که خود را به خاطر انقلاب قربانی کنند. همه چیز به این امر بستگی خواهد داشت که این توصیه در چه لافه ای عرضه می شود. شاید مؤثرترین برداشت در این جهت این فرضیه خواهد بود که وضع امور برای این حکومت به مرحله ای رسیده است که صرف موجودی انقلاب ایجاب می کند که بعضی از اعضای دستگاه رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان شرافتمندانه و داوطلبانه کنار بروند. در عین حال مسکو آینده انقلاب را از طریق تعهد به پشتیبانی بیشتر نظامی و اقتصادی «تضمین» خواهد کرد اظهارات اخیر از سوی برگزیدگان شوروی که در آن وعده پشتیبانی از «مردم» افغانستان داده شده است و ورود دهها خلبان هلیکوپتر شوروی به افغانستان نشان می دهد که مسکو احتمالاً رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان را درباره پشتیبانی مداوم از سوی شوروی علیرغم مبارزه همزمان جهت یک راه حل سیاسی اطمینان می دهد.

۱۲- محاسبه های غلط شوروی یا رفتار ناجور آن یا تصمیم باند تره کی و امین درباره آن که آنها راه دیگری جز ادامه همان راهی که در پیش گرفتند ندارند، ممکن است به احتمال قوی هر گونه جستجو را برای یک راه حل غیر نظامی در مقابل عصیانگری منع کند. ما شک داریم از اینکه شورویها میل داشته باشند یا بتوانند برکناری هر کدام از رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان را پیش ببرند؛ هر چند مسکو ممکن است احتمالاً از هر عنصری که تمایل به حل و فصل این کشمکش دارد «پشتیبانی» کند تا کار به استمداد مستقیم نظامی شوروی نکشد. این امر ممکن است شامل یک کودتا از سوی نظامیان افغانستان باشد.

۱۳- عصیانگری تره کی با امین با شکست مبارزه شوروی که ممکن است روی دهد، به احتمال علامتی «از همان نوع» از جانب جمهوری دمکراتیک افغانستان باشد. یعنی موضعی که به کشمکشها و خونریزی و بی ثباتی بیشتر منجر شود. این آستانه خشونت البته متضمن عواقب جدی امنیتی برای خارجیانی که در این کشور اقامت دارند خواهد بود.

۱۴- نتیجه گیریها: ما ممکن است در میان کوششهای شورویها قرار گرفته باشیم که می خواهند سیاست افغانستان را در جهت هایی که ممکن است رشد مخالفان داخلی را متوقف سازند و خصومت عناصر داخلی و بیگانه را نسبت به این رژیم کاهش دهند تا در آخرین تحلیل مسکو ناگزیر نباشد با استمداد کمک نظامی مستقیم از سوی افغانستان مواجه شود. در این حال اظهارات برگزیدگان شوروی و نشانه هایی درباره مداخله های فزاینده نظامی شوروی نشان دهنده سیاستی به موازات این کوششها از سوی شوروی برای تأمین آینده انقلاب هر چند شاید بدون ترکیب کنونی رهبران افغانستان است.

۱۵- شاید سافرونچک مرد پشت صحنه رهبری کننده این درام ویژه است ولی مشکلات و دامهایی که در مقابل او و رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان قرار گرفته بسیار عظیم است و مجهولات معادله همچنان بشمار است.

آمستوتر

**مشارکت دادن عبدالصمد حامد وزیر سابق رژیم سلطنتی را در گفتگوها**

ص: ۵۷۵

سند شماره (۴۲) از: سفارت آمریکا - کابلتاریخ: ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: روسها به طور مکرر عبدالصمد حامد وزیر سابق رژیم سلطنتی را در گفتگوهای جبهه ملی شرکت داده اند  
۱- تمام متن محرمانه است.

۲- بر طبق گفته یک مقام سفارت پاکستان روسها اخیراً در مذاکرات جبهه ملی شان عبدالصمد حامد را که یک بار به عنوان وزیر برنامه ریزی و قائم مقام نخست وزیر در زمان ظاهرشاه خدمت می کرد شرکت داده اند.

۳- حامد که به وسیله بعضی افغانها به عنوان یک پرچمی غیر کمونیست توصیف شده است، به طوری که گزارش شده به وسیله خلقیها در ۴ ژانویه امسال دستگیر شده است. آمستوتز

### شورویها به دنبال جانشین حفیظ الله امین

سند شماره (۴۳) از: سفارت آمریکا در کابلتاریخ: ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹ به: وزیر امور خارجه در واشنگتن طبقه بندی: سری شماره: ۵۴۵۹ موضوع: سفیر جمهوری دموکراتیک آلمان گزارش می دهد که شورویها امیدوارند یک حکومت با پایگاه وسیعتری را جانشین حفیظ الله امین نخست وزیر بنمایند.

۱- (تمامی متن سری) ۲- خلاصه: من همین تازگی یک ملاقات فوق العاده با دکتر هرمن شوسیائو سفیر جمهوری دموکراتیک آلمان انجام داده ام. این ملاقات به علت آنچه که او درباره مقاصد شوروی در اینجا افشاء کرد و از جمله احتمال یک اقدام پشتیبانی شوروی برای از میدان به در بردن حفیظ الله امین، یک ملاقات فوق العاده بود.

ظرف سه هفته گذشته ما نشانه هایی درباره احتمال یک کودتای داخلی به کمک شوروی، هم از سفیر جمهوری دموکراتیک آلمان (کابل شماره ۵۲۴۶) و قبلاً از واسیلی استفانویچ سافرونچک (کابل ۴۸۸۸) مشاور وزیر شوروی دریافت داشته ایم این بار سفیر جمهوری دموکراتیک آلمان بسیار فراتر رفته و نارضایی شوروی را از جمهوری دموکراتیک افغانستان و دو راهی که شوروی در مقابل آن قرار گرفته و نمی داند چه کار کند و احتمال یک کودتای داخلی حزبی برای کنار گذاشتن امین ابراز داشت. او اشاره کرد که این امر ممکن است در ماه اوت صورت بگیرد. (پایان خلاصه) ۳- روز هفده ژوئیه من از آقای شوسیائو دیدن کردم. او قبلاً در تاریخ ۹ ژوئیه از فلاتین کاردار دیدن کرده بود و علاوه بر اینکه می خواستم دیدار تشریفاتی او را باز پس دهم. وی از بهانه باز پس دادن دیدار تشریفاتی استقبال کرد. ما مدت یک ساعت با یکدیگر صحبت کردیم. در میان سفرای کشورهای کمونیستی طرفدار مسکو شوسیائو سفیر جمهوری دموکراتیک آلمان شاید از همه زیرکتر و باهوشتر باشد و بدون شک شخصی است که بیش از دیگران می توان به او نزدیک شد. در میان دیپلماتهای کمونیست

طرفدار مسکو تنها اوست که به طور منظم از دیپلماتهای غربی و جهان سوم دیدن می کند و دوست دارد درباره افغانستان به بحثهای سیاسی صمیمانه بپردازد. او خود را یکی از مهمترین منابع اطلاعات درباره تحولات در جامعه دیپلماتیک کمونیستی و اخیراً درباره طرز فکر شوروی نشان داده است.

۴- عدم رضایت شوروی از جمهوری دمکراتیک افغانستان: دیروز ما گزارشی (تلگراف مرجع) در تجزیه و تحلیل فشارهایی که ظاهراً برای یک دگرگونی داخلی در دستگاه رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان اعمال می شود فرستادیم. آنچه شوسیائو در ملاقاتی که با هم داشتیم به من گفت همه اینها و از جمله وجود مذاکرات پشت پرده از سوی سافرونچک، مشاور وزیر شوروی با رهبران حزب دمکراتیک خلق افغانستان و دیگران، درباره یک دگرگونی داخلی را تأیید می کرد. شوسیائو به کرات گفت که روسها بر سر وخامت اوضاع در افغانستان عمیقاً نگران می باشند. او گفت: «آنها می دانند که رژیم کمتر از پشتیبانی عموم برخوردار است و کنترل کشور را از دست می دهد.» او در ضمن گفتن این موضوع به من همچنین گفت: «ما مصمم هستیم انقلاب را نجات دهیم.» ۵ - شوسیائو به وضوح تقصیر آشوبهای جمهوری دمکراتیک افغانستان را به گردن حفیظ الله امین نخست وزیر و وزیر امور خارجه انداخت. او امین را به عنوان «مردی نیرومند» در افغانستان توصیف کرد و گفت: «امین شخصاً تمامی حکومت را اداره می کند و ارتش و وزارت کشور را در کنترل خود دارد و همه تصمیمات مهم را او می گیرد.» او گفت امین از لحاظ طرز اجرای برنامه های اقتصادی و اصلاحاتی دولت مرتکب خطاهایی شده و به ویژه از طرز اقدام «خشن» علیه اشخاصی که بر اساس ظن او ممکن بود با او مخالفت کنند. اشتباه کرده است.

۶- شوسیائو تره کی را به عنوان یک مرد بی اثر قلمداد کرد. او تره کی را به عنوان یک مربی مهربان و فیلسوف و نویسنده پیر که دارای حسن نیت است و از تمجیدهایی که از او در مطبوعات می شود (و به ویژه عکسهایی که از او چاپ می شود) بسیار خوشش می آید معرفی کرد. شوسیائو گفت: «ظن ما این است که او اطلاعی درباره آنچه که در کشور می گذرد ندارد.» ۷- مانورهای شوروی: شوسیائو تأیید کرد که سافرونچک مشاور وزیر شوروی از سوی مسکو مأموریت گرفته است تا یک «دگرگونی ریشه ای» در حکومت ایجاد کند و شوسیائو گفت این مأموریت بدان منظور به سافرونچک داده شده است که برای سفیر شوروی چندان خوب نیست که دیده شود سرگرم این مذاکرات حساس است. شوسیائو آن گاه ادامه داد: «اگر این مذاکرات با شکست مواجه شود و یا سافرونچک به عنوان یک عنصر نامطلوب از افغانستان اخراج شود این امر کمتر جلب توجه خواهد کرد و برای اتحاد شوروی کمتر اسباب زحمت خواهد شد تا اینکه پوزانف سفیر شوروی اخراج شود.» ۸ - اما اینکه چه چیزی ممکن است اتفاق بیفتد شوسیائو به روشنی گفت که یک کودتای نظامی داخل حزب از طریق برکنار کردن امین و شاید دیگران چیزی است که روسها قصد آن را دارند. شوسیائو گفت که اکنون تفرقه های عمیقی در داخل حزب دمکراتیک خلق افغانستان وجود دارد و بسیاری از اعضای برجسته آن از جریان کنونی حوادث و رهبری امین ناراضی اند و گفت آنچه که ضرورت دارد یک نخست وزیر جدید است که «مرد نیرومندی» است و با «سیاستهای کنونی» هیچ گونه ارتباطی ندارد.

۹- وقتی که من نام وطنجار وزیر دفاع یک کاندیدای احتمالی را ذکر کردم شوسیائو چنان رفتار کرد که گویی من او را در افشای راز مهمی غافلگیر کرده ام. پس از مکث کوتاهی او گفت «وطنجار» یک



سیاستمدار نیست ولی البته نظامیان کلید هرگونه تغییر خواهند بود. آن گاه او ادامه داد که وطنجار از آغاز وقوع انقلاب هرگز نطقی ایراد نکرده است که در مطبوعات چاپ شده باشد و اینکه نظریات دقیق سیاسی او برای افکار عمومی روشن نیست و گویی تلویحا چنین می خواست بگوید که وطنجار «پرونده اش پاک است». معذالک شوسیائو چنین اشاره کرد که در حالی که وطنجار ممکن است نقشی در کودتای متقابل داشته باشد احتمال نمی رود که نخست وزیر شود «زیرا تجربه کافی ندارد.»

۱۰- شوسیائو چندین بار گفت: «ما اکنون شاهد فصل آخر این حکومت هستیم.» او از قرار معلوم اصطلاح «فصل آخر» را لاقبل سه بار برای من به کار برده و اما اینکه این تغییر چه زمانی اتفاق خواهد افتاد شوسیائو اشاره کرد که این تغییر ممکن است هر لحظه اتفاق بیفتد ولی به احتمال قوی زمان وقوع آن ماه اوت خواهد بود. او گفت همسر خود را به زودی برای یک «استراحت سه یا چهار هفته» به برلین شرقی می فرستد و آن گاه او به من گفت که خود او نمی تواند در تابستان جاری کابل را ترک کند زیرا ماه اوت بسیار داغ خواهد بود و مقصود من هوا نیست.» قبلاً در جریان مکالمه او گفته بود که اوضاع در داخل حکومت بسیار بی ثبات است و امنیت کابل هر لحظه ممکن است به وخامت بگراید و در واقع با چنان سرعتی که «تخلیه افراد خانواده غیر ممکن خواهد بود.» ۱۱- منافع شوروی: شوسیائو گفت که هیچ گونه «تغییر ریشه ای» در داخل حزب در اینجا نمی تواند بدون پشتیبانی شوروی صورت گیرد و اینکه منافع شوروی بایستی از سوی هر حکومت افغانستان به حساب آورده شود. او گفت: «هر چه باشد مرزهای افغانستان با اتحاد شوروی مشترک است و همان طوری که شما به هر چه در کانادا و مکزیک اتفاق بیفتد علاقه مندید، اتحاد شوروی نیز منافی در افغانستان دارد. او گفت بدین ترتیب در یک راه حل سیاسی باید سه عامل را به حساب بیاوریم: «نجات آبروی شوروی، نجات آبروی حزب افغانستان، حزب دمکراتیک خلق افغانستان و نجات آبروی مسلمانان.» به مناسبت آبروی شوروی شوسیائو گفت روسها باید مناسبات و حیثیت خود را با «سایر احزاب در سراسر جهان» به حساب بیاورند. او گفت اگر دیده شود که شورویها حزب افغانستان را به حال خود می گذارند این امر یک اثر ناهنجاری بر روی احزاب در کشورهای دیگر که با مسکو مناسبات دوستانه دارند خواهند داشت. این اظهار نظر با اظهار نظر قبلی او (در پاراگراف چهار) مبنی بر اینکه «ما باید انقلاب را نجات دهیم» جور در می آید.

۱۲- مسئله مداخله نظامی شوروی در افغانستان: در نزدیکیهای پایان مذاکره شوسیائو داوطلبانه این مسئله را به میان گذاشت. او گفت می داند که در میان جامعه دیپلماتیک درباره اینکه شورویها در آخرین تحلیل، مداخله نظامی در افغانستان را در نظر خواهند داشت حدسهایی زده می شود شوسیائو گفت: «اگر شورویها چنان کاری نکنند این امر یک مسئله را حل خواهد کرد ولی مسئله دیگری را به وجود خواهد آورد.» او ادامه داد که مداخله شوروی ممکن است حکومت کنونی را کنار بگذارد و بدین ترتیب یک مسئله را حل کند. معذالک این امر مسئله دیگری را ایجاد خواهد کرد و آن اینکه «تمامی ملت افغانستان علیه شورویها قیام خواهد کرد همان طوری که در قرن نوزدهم افغانیها علیه مهاجمان انگلیسی قیام کردند. او گفت بنابراین برای روسها مداخله نظامی معنایی نخواهد داشت.

۱۳- پرچمیها: شوسیانو ضمن بحث درباره پرچمیها اظهار نظر کرد که خود تره کی قابل قبول جناح پرچمیها بود در حالی که این امر در مورد حفیظ الله امین صدق نمی کند. بیرک کارمل رهبر تبعید شده پرچمیها و «امین» رقیب یکدیگرند شوسیانو گفت برای امین و بیرک کارمل غیر ممکن است که هر دو در یک حکومت باشند. شوسیانو ضمن تفکر درباره دو جناح حزب در زمان انقلاب این نظر ما را تأیید کرد که پرچمیها از پیروان وسیعتری از خلقیها در میان حزب و در میان هواخواهان حزب برخوردارند ولی خلقیها در دستگاه نظامی کشور نیرومندترند. شوسیانو گفت که نیروی خلقی در میان نظامیان و در جریان پاکسازی پرچمیها نقش قطعی داشت من از او پرسیدم که آیا او اطلاع دارد که بسیاری از پرچمیها اخیراً از زندان پل چرخ آزاد شده اند همان طوری که ما در این باره اطلاع داریم او سر خود را تکان داد؛ ولی همچنین گفت که در چنین مقطعی از زمان این بحران که افغانستان با آن مواجه است بر سر کار آوردن پرچمیها در حکومت کافی نیست. او گفت: «لازم است پایگاه حکومت به فراتر از پرچمیها توسعه یابد» و علاوه بر این دو کار دیگر نیز باید صورت گیرد یکی آزاد کردن زندانیان متعدد سیاسی («حتی اعضای حزب نیز زندانی شده اند») و دیگر اینکه حکومت جدید باید «با کشورهای مسلمان دوست باشد».

۱۴- قطعات: شوسیانو خاطر نشان ساخت که جمهوری دمکراتیک افغانستان «کنترل بسیاری از ایالات را از دست داده است». هنگامی که از او خواستم تا نمونه هایی ذکر کند، او گفت هرات (هر چند ما می دانیم که شهر هرات در تحت کنترل جمهوری دمکراتیک افغانستان است) و ایالات واقع در مرکز کشور (منطقه هزاره جات).

۱۵- او معتقد بود که نفوذ ایران در افغانستان برای حکومت خطرناکتر از نفوذ پاکستان است. هنگامی که از او پرسیدم، چرا؟ او گفت به دلیل نفوذ مذهبی ایران بر جمعیت شیعه که عنصر مسلط در ایالات هم مرز با ایران و ایالاتی که قسمت اعظم منطقه کوهستانی مرکز را تشکیل می دهند، می باشد.

۱۶- آن گاه در اظهاری که با اشارات فوق تضاد داشت، او گفت که پشتوها از لحاظ سیاسی مهمترین عنصر قومی کشور را تشکیل می دهند. بنابراین از آنجایی که پشتوها «از لحاظ نظامی با رژیم مخالفت می کنند» این نیز مشکل سیاسی جدی دیگری برای حکومت افغانستان است.

۱۷- اظهار نظر: در نتیجه این مکالمه و مکالمات دیگری که قبلاً ذکر شد ما معتقدیم که اکنون کاملاً آشکار است که شورویها از حفیظ الله امین ناراضی اند و می کوشند تا یک «دگرگونی ناگهانی» را طرح ریزی کنند. ما همچنین وسوسه آن را داریم که معتقد باشیم که مکالمات سافرونچک با من در تاریخ ۲۴ ژوئن و دو فقره مکالمه شوسیانو در تاریخ ۹ و ۱۷ ژوئیه، به منظور دادن علامتی از سوی روسها به ما بوده است.

این علامت ظاهراً آن است که آنها از رژیم امین خرسند نیستند و می کوشند تا ترتیب تغییراتی را بدهند و (به طوری که در اینجا حدس می زنیم) امیدوارند که این امر در ما اثر منفی نداشته باشد. می توان همچنین این نتیجه را گرفت که با توجه به اینکه جمهوری دمکراتیک افغانستان کنترل خود را در کشور از دست می دهد، شورویها امیدوارند که یک تغییری به وجود آورند و پایگاه حکومت را توسعه دهند و امین را احتمالاً سپر بلای خود سازند و بدین ترتیب از اینکه سرمایه گذاری خود را در این حزب و حکومت مارکسیستی از دست بدهند، اجتناب کنند و همچنین از اینکه ضربه ای به حیثیت و اعتبار بین المللی

شوروی ممکن است وارد شود پرهیز کنند.

آمستوتز

**توضیحات سفیر آلمان درباره تلاشهای شوروی برای اصلاح رژیم افغان**

ص: ۵۷۹



سند شماره (۴۴) از: سفارت آمریکا - کابل سری به: وزارت خارجه - واشنگتن تاریخ: ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹ موضوع: توضیحات بیشتر توسط سفیر کبیر آلمان درباره تلاشهای شوروی برای اصلاح رژیم افغان ۱- تمام متن سری است.

۲- خلاصه: شوسیائو سفیر کبیر آلمان برخی از وزرای غیر پشتوی کابینه را به عنوان حامی طرحهای شوروی برای اصلاح رژیم افغان معرفی کرده است. شوسیائو فکر می کند که حصول یک راه حل سیاسی برای آشفتگی فعلی در افغانستان ممکن است خیلی دیر باشد. (پایان خلاصه) ۳- در خلال گفتگویی با وزیر مختار در یک مهمانی در ۱۸ ژوئیه؛ دکتر هرمن شوسیائو سفیر کبیر جمهوری دمکراتیک آلمان تا حدودی درباره مطالبی که در ۱۷ ژوئیه برای آمستوتز کاردار در رابطه با تلاشهای فعلی شوروی برای تجدید بنیان رژیم افغان (تلکس مرجع) مطرح کرده بود به تفصیل توضیح داد. شوسیائو دقت زیادی به کار برد تا نظراتش را فقط برای مأمور آمریکایی نقل کند و موضوع صحبت را زمانی که سفرای انگلیس و ژاپن به ما پیوستند عوض کرد.

۴- زمانی که از او سؤال شد آیا فکر می کند که حفیظ الله امین نخست وزیر از هدف اصلی طرح شوروی و آنچه که می گذرد آگاه است یا خیر، شوسیائو تصدیق کرد که امین نسبت به تحولات خیلی هوشیار است ولی احتمالاً از آنچه که در طول هفته گذشته روی داده است و درست از زمانی که تلاش شوروی به یک دوره فعالتر رسید، آگاه نیست. وقتی سؤال شد آیا امین سرنوشتش را به آرامی قبول خواهد نمود و یا خواهد جنگید، شوسیائو پاسخ داد که او نمی داند.

۵- شوسیائو وزرای زیر را به عنوان اعضای صف مخالفان امین معرفی کرد، با اشاره به اهمیت این حقیقت که تماماً غیر پشتو هستند: عبدالکریم میثاق وزیر دارایی (یک هزاره)، عبدالحکیم شهبازی جوجزانی وزیر دادگستری (یک ازبک)، دستگیر -- پنجشیری وزیر کارهای عامه (یک تاجیک)، و بارق شافعی وزیر اطلاعات و فرهنگ (یک تاجیک)، (او به دیگر وزرای غیر پشتو مثل عبدالقدوس قرباندی وزیر بازرگانی (تاجیک) و محمد اسماعیل دانش وزیر صنایع و معادن (قرلباش) اشاره نکرد). شوسیائو به طور ضمنی گفت که قسمت مهمی از مشکل سیاسی فعلی تمایلات افراطی پشتو گرایانه رهبریت فعلی خلقیها می باشد.

۶- هنگامی که وزیر مختار گفت اکنون برای تلاش جهت رسیدن به یک راه حل سیاسی برای آشفتگی خلقیها کمی دیر به نظر می آید، شوسیائو موافقتش را موقرانه و با تکان دادن سر اعلام نمود شوسیائو همچنین توافق داشت که ساختن یک پایگاه وسیعتر ملی و سیاسی مشکل به نظر می آید چون که به نظر می رسد خلقیها تقریباً تمام عناصر جامعه افغانستان را مسخ (از خود بیگانه) کرده باشند.

۷- شوسیائو اعتراض سخت به بی کفایتی رهبریت خلقیها که به وضعیت فعلی منتهی شد به صحبتهایش ادامه داد. او به عنوان نمونه برنامه اصلاحات ارضی بحث انگیز خلقیها که مسؤل بیشتر مخالفتها در این کشور بوده است را عنوان نمود. شوسیائو یادآوری نمود که او سال پیش به خلقیها تذکر داده بود که در مورد برنامه های پیچیده ای از این قبیل به طور آهسته عمل نمایند و به آنها آگاهی داده بود که جمهوری دمکراتیک آلمان (پیشرفته ترین کشور در گروه کشورهای سوسیالیست) برنامه اصلاحات



ارضی خود را به طور مرحله ای و در یک دوره ۱۵ ساله انجام داده است. شوسیانو با اوقات تلخی اضافه نمود که خلقیهای بیش از اندازه پرحرارت توصیه او را رد کرده اند و این عقیده خود را اظهار نمودند که مردم افغانستان از برنامه شتاب داده شده آنان حمایت خواهد کرد. شوسیانو گفت، پس از شش ماه آشکار شد که اصلاحات ارضی یک فاجعه بود. او یادآوری نمود که چه تعداد از دهقانان بدون زمین و کم زمین خواسته بودند تا به خاطر تردیدها و بیمهای مذهبی یا ترس از مجازاتهای آتی به وسیله مالکان محروم شده از قبول زمین خودداری نمایند. خلقیها آنان را مجبور به قبول زمین نمودند و تهدیدشان کردند که در صورت امتناع، زندانی خواهند شد. طبق گفته شوسیانو چندین نفر از این دهقانان بعداً خودکشی نمودند.

۸- نظریه: به نظر می آید که روسها از طریق شوسیانو در تلاش باشند که اطمینان حاصل نمایند ما مطلع نگاه داشته شده ایم، به هر دلیلی که در فکرشان هست. (یک نکته جالب این است که شوسیانو پس از جلسه ۱۷ جولای یک دسته گل بزرگ برای آمستوتز کاردار آورد.) ۹- این سفارتخانه هنوز مشکوک است که روسها قادر باشند پایگاه سیاسی رژیم افغان را به اندازه کافی برای ساکت کردن شورش گسترش یافته در افغانستان وسیعتر نمایند. ما به طور مکرر شایعاتی می شنویم که روسها هنوز در تلاشند تا رژیم جدیدی در حول یوسف نخست وزیر سلطنت طلب پیشینی که احتمالاً به عنوان یک شخصیت دست نشانده خواهد بود، بنا کنند. احتمال آن وجود ندارد که تعداد زیاد افغانیهایی که اکنون تحریک به دشمنی دیرین شده اند چهره های قدیمی را در ظاهر جدید قبول نمایند. هر گونه جایگزینی پرچمیها به جای خلقیها یک شکست خواهد بود، پرچمیها نیز از طرف افغانها، خدانشناسهای طرفدار مسکو دانسته می شوند.

### گزارشاتی راجع به «جبهه متحد» که در اینجا تأیید نشده است

سند شماره (۴۵) از: سفارت در کابل تاریخ: ۱۹ ژوئیه ۷۹ به: وزارت خارجه - واشنگتن دی. سی. فوریطبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۵۴۶۳ موضوع: (محرمانه) گزارشاتی راجع به «جبهه متحد» که در اینجا تأیید نشده است ۱- (تمام متن خیلی محرمانه است.) ۲- خلاصه: گرچه می توان پیشنهادهایی را که در اینجا برای سازمان دادن به حزب ارائه می شود در مصاحبه های رهبران مشاهده کرد ولی هنوز اصطلاح «جبهه متحد» آشکارا به کار نرفته است. با دلایلی معتقدیم که خبرگزاری رادیو مسکو قصد دارد که اعلامیه تشکل دفتر سیاسی را که در ماه ژوئیه انتشار یافته است همراه با دیگر مطالب به عنوان یک سازماندهی ملی برای دفاع از انقلاب مطرح کند. شکل و مسؤولیتهای این طرح برای ما شناخته شده نیست، اما حتی اگر این طرح همان شامل سازماندهی کم توسط رادیو مسکو عنوان شد باشد، به اعتقاد ما از شکل یک «جبهه متحد» خالص و اصیل خارج خواهد بود.

علیرغم گزارشات این موضوع می تواند به شکلی بخشی از تلاشهای وسیعتر شوروی در راه تغییر رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان باشد. (پایان خلاصه) ۳- گزارش رادیو مسکو درباره اعلامیه دفتر سیاسی افغانستان که اخیراً انتشار یافته است و مبنی

بر

تشکیل نوعی جبهه متحد که در بر گیرنده «نیروهای سیاسی، مترقی و میهنی» برای دفاع از انقلاب می باشد (مرجع) تا حدی گمراه کننده است، زیرا اشاره به این دارد که یک «جبهه متحد» می تواند با شرکت فعال عناصری تشکیل شود که لزوماً بخشی و یا گروهی از هیئت مؤسس طبیعی رژیم را تشکیل نمی دهند.

تمام گروههایی که اخیراً توسط سرویس اطلاعات و اخبار خارجی نام برده شده اند، مثلاً خود حزب، حزب جوان، سازمانهای زنان اتحادیه روزنامه نگاران، تمام اینها گروههایی هستند که در راه حفظ رژیم فعالیت می کنند و ورود آنها در هر سازمانی به منظور دفاع از انقلاب نمی تواند نشان دهنده جدایی آنها و کناره گیریشان باشد و به طور حتم خود آنها هم نمی خواهند جبهه متحد مجزائی به وجود آورند.

۴- تا آنجا که ما اطلاع داریم، اصطلاح خاص «جبهه متحد» تاکنون در هیچ یک از اعلامیه های رسمی در افغانستان به کار نرفته، هر چند رژیم خلقی پیوسته می کوشد تا تمام اقشار جامعه را ترغیب به همبستگی در مقابل دشمنان مردم نمایند. گزارش در مورد اعلامیه اخیر دفتر سیاسی در تاریخ اول ژوئیه در روزنامه ها و مطبوعات تحت کنترل دولت افغانستان این مطلب را فاش ساخته است که دفتر سیاسی روز قبل تصمیم به انجام این امور گرفته است: گسترش فعالیتها سیاسی در بین توده، تقویت سازمان جوانان مردم افغانستان، ارسال تیمهای مشورتی به وزارتخانه های دولت، تأسیس سازمانی ملی برای دفاع از انقلاب تهیه پرسشنامه ها و تقاضانامه ها برای اعضای آزمایشی حزب و تقویت نقش سازمانهای مقدماتی حزب برای پذیرش اعضای جدید.

۵- ما اطلاعات بیشتری راجع به فرم و مسؤلیتهای این «سازمان ملی دفاع از انقلاب» نداریم ولی این را می دانیم که از زمان صدور اعلامیه اول ژوئیه، شورای عالی دفاع از کشور حداقل یک بار، جلسه داشته اند. (به عقیده ما، این سازمان عهده دار وضع استراتژیهای سیاسی و نظامی به منظور مقابله با مخالفین و شورشیان می باشد.) به این ترتیب این سازمان جدید احتمالاً وظایف نظامی و یا امنیتی نخواهد داشت بلکه باید به عنوان یک سازمان تبلیغاتی سیاسی که کارش تظاهر و جلب حمایت عمومی دروغی که رژیم از آن برخوردار است، باشد. در این رابطه، کمیته های دفاع از انقلاب در سراسر کشور و در سطوح ملی تشکیل خواهد شد و این سازمان جدید مسؤلیتهای مشابهی در سطح ملی خواهد داشت.

۶- در تاریخ ۱۸ ژوئیه، ما گزارشات سرویس اطلاعات و اخبار خارجی را همراه با متونی راجع به گزارشات رادیو مسکو دریافت کردیم که به نظر می آید فراتر از اعلامیه اول ژوئیه دفتر سیاسی باشد.

ظاهراً خبرگزاری شوروی، به هر دلیلی، سعی داشت که (غیر صحیح) «سازمان ملی» را «جبهه متحد ملی» ترجمه کند. بنابراین استفاده از این کلمات شناخته شده و رایج، سبب شد که دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان رسماً اعلام کند که اقداماتی در دست انجام دارد تا این طرح را که هنوز قطعی نشده بود توسعه دهد.

۷- هر چند ما اطلاعات دقیقی درباره آنچه تاکنون آمده است نداریم ولی گزارشات رادیو مسکو نشان دهنده تلاش احزابی است که این تصور را پیش می آورد که جمهوری دمکراتیک افغانستان تصمیم به گسترش اصول و پایه های سیاسی خود دارد و همچنین این تصور پیش می آید که شوروی سعی در تغییر و اصلاح رهبری حکومت افغانستان دارد. در حال حاضر به

نظر می‌رسد که چنین تلاشی در حال انجام است (کابل ۵۴۳۳ - (۷?) ۵۴۵۹) و از قرار معلوم، هدف ازدیاد گروه‌ها و احزاب سیاسی است که موقعیت حکومت را تحکیم می‌کنند. این مسئله برای ما روشن است که گزارشات این رادیو به شکلی در رابطه با

ص: ۵۸۲

بازیهای بزرگتری است که هم اکنون در جریان است، گذشته از این توجه رادیو مسکو به تلاشهای دولت افغانستان در خصوص سامان دادن به اوضاع حزب، کم و بیش غیر عادی به نظر می رسد.

آمستوتر

### تفسیر پراودا در مورد سازمان ملی افغانستان برای دفاع از انقلاب

سند شماره (۴۶) از: سفارت آمریکا - آنکارا تاریخ: ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۹ به: وزارت خارجه - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه  
موضوع: تفسیر پراودا در مورد سازمان ملی افغانستان برای دفاع از انقلاب ۱- ستون سرمقاله روزنامه پراودا در ۱۸ ژوئیه ایجاد یک سازمان ملی دفاع از انقلاب توسط اداره سیاسی حزب دمکراتیک خلق افغانستان که قرار است صرف نظر از وابستگیهای حزبی، مذهبی، ملی و اجتماعی در برگیرنده تمام نیروهای مترقی و میهن پرست باشد را مورد بحث قرارداد. طبق گفته پراودا اعضای این سازمان حزب دموکراتیک خلق افغانستان، اتحادیه های صنفی، کمیته های دهقانان، سازمان ملی جوانان، سازمان ملی زنان، شورای علما و دیگران خواهند بود. پراودا می گوید:

نیاز بدان هست که سازمان با نیروهای ضد انقلابی مبارزه کند که دقیقا بدین خاطر فعال می شوند که معیارهای اصلاحی دولت تحولی در شرایط تمام سطوح طبقه کارگر و کشاورز به وجود آورده است. هیچ ذکری از جبهه متحد ملی نشده است.

۲- (محرمانه) نظریه: مقاله پراودا روشن می سازد که اتحاد شوروی سازمان جدید را تأیید می کند و به گزارشات مبنی بر اینکه اتحاد شوروی جمهوری دمکراتیک افغانستان را ترغیب نمود تا پایگاه حمایتی خود را وسیعتر گرداند و در جستجوی یک راه حل سیاسی برای مشکلاتش باشد، اعتبار می دهد.

### تره کی و امین: از آنچه در پشت پرده برای ساقط کردن این رژیم می گذرد خبر دارند

سند شماره (۴۷) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ ۲۲ ژوئیه ۷۹ به: وزیر خارجه واشنگتن دی سی طبقه بندی: خیلی محرمانه  
شماره سند: ۵۴۹۳ موضوع: تره کی و امین در حضور عموم اشاره کردند که آنها از آنچه در پشت پرده برای ساقط کردن این رژیم می گذرد خبر دارند ۱- تمام متن محرمانه ۲- خلاصه: در بیانات عمومی که در روزهای تعطیلات افغانستان بیان شد، تره کی و امین به این موضوع اشاره کردند که آنها از نقشه هایی که پشت پرده برای تغییر رهبری رژیم می گذرد آگاهی دارند، اما آنها قصد ندارند اجازه دهند که به انقلاب خیانت شود. به خصوص، امین از نقشی که ممکن است شوروی در این مذاکرات داشته باشد اظهار دلشکستگی کرد، و به طور کلی، تأثیر کلی و علنی این جریان این است

ص: ۵۸۳

که هیچ کدام از رهبران حاضر نخواهند شد بدون مقاومت طرح و سناریوهای دیگران را بپذیرند. (پایان خلاصه) ۳- نخست وزیر حفیظ الله امین، در مصاحبه ای که به تاریخ ۱۸ ژوئیه انتشار یافت، به طور تلویحی گفت که از تلاشهایی که در جهت تغییر ترکیب رهبری صورت می گیرد مطلع است. امین با اشاره به فلسفه گسترش دولت، ادعا کرد که آن طبقاتی که با انقلاب ۱۹۷۸ سقوط کرده اند هیچ حقی برای شرکت در مبارزات سیاسی ندارند و گفت که دوباره بر پاداشتن یک سیستم فئودالی و یا یک رژیم دست نشانده امیریالیزم برای انقلاب مفید نخواهد بود و خیانتی نسبت به مردم است.

۴- امین در تشریح روابط دولت افغانستان با اتحاد جماهیر شوروی همچنین اظهار داشت: «ما نسبت به هر کشوری که دست دوستی به طرف ما دراز کند وفادار خواهیم بود و همچنین به هر کشوری که با ما پیمان دوستی امضا کند احترام خواهیم گذاشت. نخستین شرط دوستی ما با کشورها این است که آنها به سرزمین ما احترام بگذارند و برای حاکمیت ملی، استقلال و آزادی کشور عزیز ما ارج قائل شوند.» او همچنین اضافه کرد که: «ما تاکنون با هیچ کشوری پیمان دوستی نبسته ایم و این کار هم نخواهیم کرد تا زمانی که آن کشور برای خاک ما، حاکمیت ملی ما، و استقلال ما ارزش قائل شود، و به راستی با ما در نگهداری خاکمان، استقلالمان، سرزمینمان، و حاکمیت ملی مان همکاری کند.» امین اضافه کرد: «به همین دلایل است که دوستی ما با شوروی تا مرحله برادری پیش رفته است.» ۵- امین در فرصت دیگری روی این نکته پافشاری کرد که: «تقاضای ما این است که اگر شخصی همان عقیده ما و همان احساسات ما را دارد، باید بگذارد که ما در مقابل دشمنان کشورمان مبارزه کنیم و کشورمان را بسازیم.» ۶- پرزیدنت تره کی، طی مصاحبه ای در تاریخ ۱۹ ژوئیه تفسیر کوتاهی در مورد خطوط مربوط انجام داد و روی این نکته تأکید کرد که: «حزب ما و همچنین دولت طرحهای دیگری برای رفاه و آسایش مردم در دست اجرا دارند» و آنکه «قطع این تلاشها به منزله مرگ انقلاب ماست. ما این مرگ را نخواهیم پذیرفت و به پیش خواهیم رفت.» ۷- نظریه: بنابر متن اخباری که گزارش می شود، اقدامات پشت پرده شوروی بر این مبناست که اساس رژیم افغانستان را به شکلی توسعه دهد، که بتواند سیستم امنیتی خاصی در برابر رشد مخالفین ایجاد کند.

این اشارات مختصر که در خبرها توسط سران کشور انجام می شود مشخص کننده این مسئله است که موضع آنها هیچ گونه همراهی با متوقف ساختن طرحهای رفاهی آینده رژیم ندارد و حاضر نخواهند شد به فشار شوروی تسلیم گردند. از این نظر، لحن اظهارات امین درباره روسها، حالتی از خیانت را می رساند در حالی که در همان موقع به نقش قاطع روسها در مورد مسائل آینده رژیم اعتراف داشت.

۸- این نخستین نشانه هایی است که دلالت بر آگاهی امین - تره کی از مذاکرات سری دارد و نشان می دهد که آنها بدون اداره تسلیم آنچه که سناریو برایشان تعیین کرده است نشده اند. مقاومت فعال تره کی و امین (یا هر دو) و حامیانشان می تواند، نه تنها عواقب جدی سیاسی بلکه عواقب بالقوه امنیتی نیز داشته باشد.

آمستوتز

**کله های حکومت افغانستان درباره خارج شدن افراد خانواده های آمریکایی**

سند شماره (۴۸) از سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹ به: وزارت امور خارجه در واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: گله های حکومت افغانستان درباره خارج شدن افراد خانواده های آمریکایی از این کشور ۱- (تمامی متن محرمانه) ۲- خلاصه: روز ۲۴ ژوئیه حکومت جمهوری دمکراتیک افغانستان رنجش رسمی خود را بر سر تصمیم ایالات متحده به خارج کردن افراد خانواده های شهروندان آمریکایی و پرسنلی که کمتر نیاز به آنهاست از افغانستان ابراز داشته است و همچنین درباره ایجاد سروصدای مربوط به این خبر گله کرده است. جمهوری دمکراتیک افغانستان اقدام ایالات متحده را به عنوان یک اقدام «بر خلاف روح و میل جمهوری دمکراتیک افغانستان در حفظ مناسبات دوستانه عادی با ایالات متحده» توصیف کرده است.

(پایان خلاصه) ۳- روز ۲۴ ژوئیه من طی اخطار یک ساعته ای از سوی شاه محمد دوست معاون وزارت امور خارجه و مسؤل امور سیاسی به وزارت امور خارجه احضار شدم. فلاتین، وزیر مختار همراه من بود.

۴- شاه محمد دوست مذاکرات را بدین ترتیب آغاز کرد که با تلخی به اطلاع من رساند که علیرغم اطمینانهایی که من روز قبل داده بودم مبنی بر اینکه حکومت ایالات متحده در نظر ندارد تخلیه اعضای خانواده ها و پرسنل غیر لازم را از افغانستان علنی کند (مرجع) هم صدای آمریکا و بی بی سی تنها چند ساعت بعد این خیر را نقل کرده اند. شاه محمد دوست گفت که او قبلاً هم نگران بود که چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد ولی معذالک اطمینانهایی را که من داده بودم بلافاصله پس از مکالمات دیروز به حفیظ الله امین، نخست وزیر ابلاغ کرده بود.

۵- شاه محمد دوست بدون اینکه مطالب دیگری را که من روز ۲۳ ژوئیه اطمینان داده بودم مبنی بر اینکه حکومت ایالات متحده در نظر ندارد با تصمیم خود درباره تخلیه اشخاص غیر لازم افغانستان را در وضع ناهنجاری قرار دهد به ویژه اظهار تأسف کرد از اینکه صدای آمریکا داستان تخلیه افراد غیر لازم را با این نسبت ارتباط داد که رژیم افغانستان قادر نیست نظم را در کشور حفظ کند. او گفت: «شما و من هر دو می توانیم ببینیم که در کابل مسئله ای وجود ندارد و سایر سفارتخانه ها چنین تقاضایی نکرده اند.» من توضیح دادم؛ هر چند شاه محمد دوست درباره حوادثی که در راهها اتفاق افتاده و من آن را ذکر کردم اظهار نظری نکرد. ولی او با این مطلب که من بسته شدن فرودگاه کابل را در تاریخ ۹ می ذکر کردم با من به نزاع پرداخت و استدلال کرد که فرودگاه فقط چند ساعت بسته شده است.

۶- دوست همچنین گله کرد از اینکه صدای آمریکا در خبر خود نسبتهایی درباره نقض حقوق بشر عنوان کرده است «از قبیل اعدام ۳۰۰۰ زندانی سیاسی.» او این گونه اظهارات را غیرمنصفانه توصیف کرد زیرا تنها کاری که حکومت او می تواند انجام دهد این است که پس از اینکه این گونه خبرها در سراسر جهان پخش شده است تکذیب کند.

۷- در پاسخ من به دوست اطلاع دادم که قصد حکومت ایالات متحده این بوده است که مسئله تخلیه



اشخاص غیر لازم علنی نشود ولی سخنگوی مطبوعاتی وزارت ما آماده بود که در صورتی که در کنفرانس مطبوعاتی روزانه مطرح شود به آن پاسخ دهد. من توضیح دادم که در واقع چنین ترتیبی در جریان گزارش مطبوعاتی او در تاریخ ۲۳ ژوئیه (تلگرام مرجع الف و ب) در میان گذاشته شده بود و بنابراین او ناگزیر بود پاسخ دهد. اما درباره مسائل دیگر از قبیل امنیت و حقوق بشر، صدای آمریکا ظاهراً به دلایل روزنامه نگاری تصمیم گرفته بود که این مطالب را به داستان اضافه کند. من به دوست گفتم که حکومت ایالات متحده اوضاع مربوط به حقوق مدنی را در افغانستان بانگرانی فوق العاده تلقی می کند ولی به او یادآوری کردم که حکومت ایالات متحده مسئول محتویات برنامه صدای آمریکا نیست. دوست با چهره ای عادی خاطر نشان ساخت که سفارت انگلیس نیز در اینجا درباره برنامه های بی بی سی همین استدلال را عنوان می کند.

۸- دوست ضمن صحبت درباره برنامه جدید صدای آمریکا به فارسی برای این منطقه به ما گفت که علیرغم این واقعیت که ساعت پخش صدای آمریکا یعنی ساعت ۲۳ برای بیشتر شنوندگان افغانی بسیار دیر است، حکومت افغانستان همه برنامه را ضبط کرده و محتویات آن را تجزیه و تحلیل می کند. دوست همچنین گفت که صدای آمریکا اخیراً مطالبی به زبان دری (فارسی افغانی) به برنامه خود اضافه کرده است که به عبارت دیگر همان زبان فارسی است. (فارسی ایرانی) ۹- من به دوست اطمینان دادم که درباره وضع ناهنجاری که از سوی حکومت او ایجاد شده است متأسفم ولی امیدوارم که او اکنون درک کرده باشد که اوضاع چگونه به این صورت در آمده است. من تکرار کردم که درباره مسئله تخلیه، ما تنها طوری رفتار کردیم که لازم تشخیص داده بودیم و گفتم که هیئت نمایندگی سیاسی آمریکا در اینجا از زمان انقلاب به بعد به نحو قابل ملاحظه ای محدود شده است. دوست خاطر نشان ساخت «بدون برنامه کمک وجود پرسنل کمک ضروری نیست.» ۱۰- دوست به خاطر توضیحاتی که من دادم از من تشکر کرد. او به من گفت که حکومت او امیدوار است که در وضع «عادی» روابط ما بهتر خواهد شد «او افزود: «این روح اقدامات اخیر ماست و این تمایل ما است.» او اظهار نظرهای مورخ ۲۳ ژوئیه خود را درباره اینکه ایمنی آمریکاییها مربوط به خودمان است تکرار کرد ولی از سوی دیگر اظهار شگفتی کرد از اینکه ما چرا باید درباره عزیمت آنها این همه سر و صدا راه بیندازیم. من پاسخ دادم که سرپوش گذاشتن روی عزیمت یکصد نفر کار سیار دشواری است دوست آن گاه اظهار تعجب کرد از اینکه چرا سخنگوی وزارت امور خارجه (آمریکا) نمی توانست تا پایان یافتن این عملیات «حساس» دست نگهدارد او با حزن و اندوه خاطر نشان ساخت: «این تازه اول کار است و من اکنون در انتظار کارهای دیگر هستم.» (تبصره: من قبلاً به دوست اطلاع داده بودم که من درباره تصمیم خودمان به سفارت خانه های «دوست» - دوست سیاسی - گزارش می دهم.) ۱۱- من به دوست بار دیگر اطمینان دادم که حکومت ایالات متحده خواستار روابط دوستانه عادی با جمهوری دموکراتیک افغانستان است و همچنین بار دیگر این مطلب را تکذیب کردم که ما سرگرم کوششهای براندازی ضد خلقی هستیم. در چنین چهارچوبی من اثرات زیان آور «کنایه های» غیرمستقیم و گاهی مستقیم رسانه های محلی را درباره اینکه سرگرم چنین عملیاتی هستیم ذکر کردم و به ویژه شرح عکس قلابی درباره اینکه سلاحهای آمریکایی به دست آمده است به او دادم. (تبصره: این امر برای دوست یک افتخار است که از زمان اقدام ما نزد او در ماه ژوئن درباره عکسهای قلابی درج شده در روزنامه ها

مبنی بر اینکه «سلاحهای آمریکایی» از قرار معلوم از چریکهای ضد جمهوری دموکراتیک افغانستان به دست آمده است. ما دیگر شاهد تکرار چنین دروغهایی در مطبوعات نبوده ایم. ۱۲- این ملاقات با یک وضع دوستانه تر و آسوده خاطرتر از آنکه در آغاز وجود داشت، پایان یافت.

هنگام عزیمت ما دوست یک یادداشت به من تسلیم کرد این یادداشت پس از اینکه در سفارت ترجمه شد از لحاظ لحن شدید بدتر از آنچه او شفاها اظهار داشته بود به نظر می آید. متن این یادداشت چنین است:

وزارت امور خارجه ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹ به: سفارت ایالات متحده آمریکا. کابل یادداشت با ارتباط به مذاکرات معاون اول وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان با جی. پورسی آمستوتز کاردار سفارت ایالات متحده در کابل در تاریخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹ و یادداشت مربوط به (شخص اخیر) نگرانی مقامات ایالات متحده درباره شهروندان آنها در کابل و محللهای کار آنها در نقاط دیگر (افغانستان) و تخلیه بعضی از آنها از کابل دلیل قابل قبولی ندارد.

اوضاع در کابل و در سایر محللهای کار آنها آرام است و امنیت برقرار شده است. تدابیر لازم امنیتی برای حمایت از هیئتهای نمایندگی خارجی و اتباع آنها مدتی قبل اتخاذ شده است.

هیچ کدام از هیئتهای نمایندگی سیاسی دیگر هنوز چنین نگرانی نشان نداده اند و سفارت آمریکا در این مورد اولین هیئتی است که پیش دستی کرده است. این تدابیر از سوی سفارت ایالات متحده نگرانیهای منفی و تبلیغات بیجا خواهد کرد که به هدفهای دشمنان انقلاب و مردم افغانستان کمک خواهد کرد.

این نقشه می توانست به یک صورت آرام بدون اینکه علنی شود عملی شود ولی قبل از عزیمت تخلیه شوندگان منابع تبلیغات چی از هم اکنون گامهایی برای تبلیغات درباره عزیمت آنها برداشته اند. این اقدام سفارت شما ممکن است چنین تلقی شود که برخلاف روح و تمایل جمهوری دموکراتیک افغانستان جهت مناسبات دوستانه عادی با ایالات متحده است. (پایان متن) ۱۳- اظهار نظر: جمهوری دموکراتیک افغانستان به وضوح کامل از تصمیم ما درباره تخلیه پرسنل غیر لازم سفارت آمریکا منزجر است و آن را به عنوان یک اقدام خصمانه سیاسی تلقی می کند. معذالک ما فعلاً انتظار نداریم که یک اقدام تلافی جویانه ویژه ای صورت گیرد.

۱۴- با توجه به حساس بودن و آسیب پذیر بودن عملیات تخلیه ما سفارت امیدوار است که سخنگویان حکومت ایالات متحده درباره طرز انجام این تصمیم مواظب باشند. ما با نهایت تأسف متوجه شده ایم که گزارش اخیر روزنامه واشنگتن پست درباره افغانستان به نقل قول از منابع رسمی آمریکا که متضمن اظهاراتی از سوی سفارت آمریکا در کابل بود (۱۹۰۶۳۴) تقریباً همزمان با تصمیم تخلیه ما منتشر شد.

این همزمان بودن روابط ما را با جمهوری دموکراتیک افغانستان پیچیده تر کرده است زیرا آنها ظاهراً این دو پدیده را با یکدیگر مربوط می دانند.

## انگیزه های تصمیم شوری برای تبلیغات در مورد تلاشهای صلح آمیز

ص: ۵۸۷

سند شماره (۴۹) از: سفارت آمریکا - کابلسری به: وزارت خارجه - واشنگتن تاریخ: ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹ موضوع: انگیزه های احتمالی در پشت تصمیم شوروی برای تبلیغات در مورد تلاشهایی جهت مذاکره برای حل کشمکشها داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان ۱- تمام متن محرمانه است.

۲- خلاصه: تصمیم شوروی برای مطلع ساختن ایالات متحده و تعدادی از هیئتهای نمایندگی دیگر در اینجا، مستقیماً به وسیله واسیلی سافرونچک، وزیر مختار شوروی و غیر مستقیم به وسیله هرمان شوسیائو، سفیر جمهوری دموکراتیک آلمان، احتمالاً در ابتدا از یک تمایل به متحد کردن منافع مهم شوروی در افغانستان ناشی شده بود و در عین حال به طور همزمان بر تلاشهای مسکو جهت پیدا کردن یک راه حل سیاسی برای مشکلات فزاینده داخلی این رژیم انقلابی تأکید می نماید. مسکو احتمالاً فکر می کند که با انجام این کار به هرگونه سیاستی که در آینده ممکن است دنبال کند مشروعیت بخشیده است و همچنین موردی برای به انحراف کشیدن هرگونه انتقاد خارجی ایجاد کرده است که از هرگونه اقدامی که روسها ممکن است به تدریج در مورد آن تصمیم بگیرند ناشی می شود.

۳- بیشتر ناظران در اینجا فکر می کنند که یک تلاش در آخرین لحظه برای ترتیب دادن یک راه حل سیاسی جهت کشاکش مداوم محکوم به شکست است، چون که پایین ترین درجه آن که عزیمت عامل اصلی یعنی حفیظ الله امین نخست وزیر باشد، ممکن است غیر قبل حصول باشد. با این وجود تلاشهای سافرونچک که هنوز ممکن است در جریان باشند حداقل زمینه را برای ادعای آتی شوروی در اینکه مسکو آنچه در توانش بود برای مذاکره در مورد یک راه حل صلح آمیز در مورد کشمکش داخلی افغانستان انجام داده قرار می دهد، و قدمهای بعدی که برداشته شوند توسط نیازهای یک قدرت بزرگ برای حفاظت از چیزی که آن را منافع مشروع مهم خود می داند توجیه می شوند.

۴- ما پیش بینی می کنیم که هیئت نمایندگی سافرونچک با موفقیت چشمگیر رو به رو شود و در نتیجه آن نقش بالا گرفته شوروی که اکنون ممکن است در اینجا در زمینه نظامی به چشم بخورد، احتمالاً به جنبه برجسته قسمت پایانی این تلاشها منجر می شود.

۵- انگیزه اولیه برای تصمیم روسها جهت مطلع ساختن ما و چند سفارتخانه دیگر در اینجا (ما آگاه شده ایم که با اطریشیا، بنگلادشیا، فرانسویها، هندیها و پاکستانیها نیز تماس گرفته شده است)، مستقیماً به وسیله واسیلی سافرونچک و غیر مستقیم توسط شوسیائو سفیر کبیر جمهوری دموکراتیک آلمان از مذاکرات مسکو با افغانها جهت به وجود آوردن یک پایگاه سیاسی وسیعتر برای این رژیم و شاید جرح و تعدیلی ظاهری در ترکیب رهبریت جمهوری دموکراتیک افغانستان، احتمالاً تمایلی به مشروعیت دادن به هرگونه اقدامات و سیاستهای آتی که روسها ممکن است در جهت افغانستان دنبال نمایند بوده است. با تأکید بر نگرانیهای قابل توجه مسکو در مورد تحولات در کشوری که با جمهوریهای مهم رو به افزایش آسیای مرکزی همسایه است و با تأکید بر نیاز مسکو به حمایت از یک حزب ائتلافی (شاید دیگر احزاب ائتلافی دنیا سؤالاتی درباره عمق تعهد شوروی مطرح نمایند و به جنبش سوسیالیستی بپیوندند) روسها این قضیه را مطرح می نمایند که منافع آنان در افغانستان شاید خیلی حیاتی نباشند ولی مهم هستند و اینکه

آنان حق یک قدرت بزرگ را دارند که هرگونه اقدامی برای حفاظت از این منافع لازم باشد انجام دهند.

(مسائلی که شاید حداقل تاکنون از طرف سافرونچک و شوسیائو گفته نشده باشند، تمایلات کمتر نودوستانه مسکو به حفاظت از سرمایه گذاری قابل ملاحظه منابع در این کشور و یک خواست قابل درک برای اجتناب ورزیدن از نتایج خجالت آور بعدی در صحنه بین المللی می باشند که سقوط جمهوری دموکراتیک افغانستان در بر خواهد داشت.) در عین حال روسها با تبلیغات وسیع از تلاشهای گزارش شده خود برای یافتن یک راه حل سیاسی برای کشاکش داخلی در اینجا، شاید زمینه را نیز برای این ادعا آماده می کنند که مسکو واقعا طالب یک راه حل صلح آمیز در مورد مشکلات مداوم می باشد و تلاش قابل ملاحظه ای به خرج می دهد (و ریسکهای سیاسی مهمی نیز می کند) تا از بدتر شدن بیشتر وضعیت جمهوری دموکراتیک افغانستان جلوگیری به عمل آورد.

۶- در صورتی که تلاشهای سافرونچک برای رسیدن به یک راه حل سیاسی منجر به شکست شوند، این تماس نسبتاً آشکار شوروی با ما و نمایندگان همسایه های منطقه ای افغانستان می تواند به خوبی بر هرگونه مخالفتی با حضور افزایش یافته شوروی در این کشور پیشی بگیرد. در زمینه ایالات متحده - شوروی ما احتمال می دهیم که کم اهمیت ترین نگرانیهای شوروی تمایل به اجتناب ورزیدن از ایجاد جرقه یک عکس العمل منفی در ایالات متحده در زمان مذاکرات سالت ۲ باشند.

۷- ما شکی نداریم که مسکو واقعا مایل است وسیله ای سیاسی بیابد که آمیزه یک رژیم در امان مارکسیست و در جریان عمل را در کابل تضمین نماید. در هر حال زمان برای چنین تلاشی کم است و می تواند چنین باشد که سافرونچک به یک مأموریت غیر ممکن اعزام شده که کاری کمی بیش از یک تلاش آخرین لحظه برای متقاعد کردن خلقیها برای انجام کاری به منظور آرام کردن کشورشان انجام می دهد. بیشتر ناظران، ظاهراً منجمله روسها، معتقد هستند که حداقل کار لازم برای خنثی کردن مخالفین به طور مؤثر، عزیمت حفیظ الله امین نخست وزیر می باشد؛ احتمالی که همین ناظران حصول آن را خیلی مشکل می دانند. بنابراین در غیاب مرگ امین (داوطلبانه یا به صورت دیگر) هدف سافرونچک احتمالاً غیر قابل حصول می باشد.

۸- روسها احتمالاً از بیهودگی واقعی کار سافرونچک آگاه بودند (با این فرض که مسکو به بازگشت به دوران استالینی و محدود نمودن امین به وسیله خودشان میلی ندارد) ولی به دلایلی که در بالا اقامه شد بایستی قبل از برداشتن هر قدم دیگری به وسیله روسها جهت مستحکم نمودن رژیم جمهوری دموکراتیک افغانستان به میزان قابل توجهی روی تلاشهای مذاکراتی او تبلیغات می شد. روسها ممکن است احساس نموده باشند که اگر امکان داشت امین ترغیب به قبول «تبعید محترمانه بشود، شاید در یک خانه ییلاقی خارج از تاشکند، خیلی بهتر می شد؛ در غیر این صورت مسکو به هر ترتیب برای تضمین بقای انقلاب افغانستان با هر گونه حمایتی که لازم باشد به جلو خواهد رفت. در نتیجه هر گونه حمایت افزون شده ای (از طریق زمینه ای که هم اکنون با ما و همسایگان منطقه ای افغانستان مهیا شده است) در صحنه بین المللی مورد قبول خواهد بود، چون که به حفاظت از منافع مهم و مشروع روسیه کمک خواهد کرد، مسئولیتی که نمی توان انتظار داشت هیچ دولتی در مسکو از زیر بار آن شانه خالی کند.

۹- البته می توان استدلال نمود که روسها چنانچه کمکهایشان از طرف امین رد شود می توانند تصمیم بگیرند که از همکاری

بیشتر خودداری نمایند و جمهوری دمکراتیک افغانستان را در مقابل خطر

ص: ۵۸۹

شورشیان قرار دهند. ما جدا مشکوک هستیم که چنین احتمالی امکان پذیر باشد؛ نه فقط به این خاطر که اتحاد شوروی واقعا منافعش در افغانستان در خطر است، بلکه همچنین به این خاطر که اطلاعات جدید در اینجا به یک درگیری حرفه ای در انجام واقعی عملیات فزاینده نظامی ضد شورشی شوروی اشاره دارد؛ تحولی که به رهاسازی قریب الوقوع جمهوری دموکراتیک افغانستان اشاره نمی کند.

۱۰- موقعیت فعلی مأموریت صلح سافرونچک نامعلوم است. خود سافرونچک در چند روز گذشته به خاطر دل درد مریض بوده است ولی گفتن اینکه آیا این جریان اشاره ای به یک دوره انبارگردانی (جمع آوری آرای موافق) دارد یا نه غیر ممکن است. شوسیائو به توجیه سفارتخانه های خارجی درباره مأموریت سافرونچک ادامه می دهد. براساس اشاراتی در سخنرانیهای عمومی و درخواستهای شوسیائو از طریق مراجعه بطور دوره ای ما عملاً مطمئن هستیم که اطلاعات درباره فعالیتهای سافرونچک مدتها پیش به گوش امین رسیده است و ما نمی توانیم امکان اینکه سافرونچک موضع عزیمت امین را قبلاً با خواست وزیر مطرح کرده است رد کنیم، با این وجود نظارت مستمر تره کی -- امین و فعالیت مداوم شوسیائو اشاره بر این دارد که کار سافرونچک هنوز دوره اش را طی نکرده است و هنوز ممکن است تحولات بیشتری روی دهد. این حقیقت که سافرونچک و شوسیائو هنوز به وسیله امین مورد حمله قرار نگرفته اند اشاره بر این دارد که فشار شوروی ممکن است سخت یا حتی خصمانه نباشد ولی مذاکرات حقیقتاً تلاشهای واقعی برای پیدا کردن پاسخهای مناسب هستند.

۱۱- بنابراین صحنه پایانی این نمایش را احتمالاً بایستی دید. به هر تقدیر ما پیش بینی می کنیم که در نتیجه عدم رضایت امین، نقش بالا گرفته شوروی احتمالاً پدیدار شود و مسکو به این نتیجه می رسد که موارد انتخاب آنان شدیداً محدود است و حتی یک رژیم کنترل شده توسط امین از رژیمی که به وسیله ملاحای عصبانی اداره می شود ارجح تر است.

### **اعتراض به سفیر شوروی کابل درباره تخلیه وابسته های آمریکایی**

سند شماره (۵۰) از: سفارت آمریکا - کابل به: وزارت خارجه - واشنگتن تاریخ: ۲۶ ژوئیه ۱۹۷۹ سری موضوع: اعتراض به سفیر شوروی کابل درباره تخلیه وابسته های آمریکایی ۱- تمام متن سری است.

۲- خلاصه: در خلال ملاقات کاردار با سفیر شوروی در رابطه با تخلیه آمریکاییها از کابل، سفیر پوزانف حساسیت مقامات افغانی در رابطه با تبلیغات دولت ایالات متحده در مورد این عملیات را خاطر نشان ساخت. پوزانف همچنین در مورد تلاشهای افغانیها برای کوچکتر کردن سفارت آمریکا در کابل توضیح داد. (پایان خلاصه) ۳- کاردار در روز چهارشنبه ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹ با الکساندر ام پوزانف سفیر شوروی در کابل و رئیس هیئت دیپلماتیک ملاقات کرد. کاردار توسط وزیر مختار همراهی می شد.

۴- کاردار توضیح داد که وی به دستور وزارت خارجه با پوزانف ملاقات می کند. او گفت که قبلاً اعتراض مشابهی از طرف سفارت ما در مسکو به وزارت امور خارجه شوروی صورت گرفته است. (تلاکس مرجع

الف) کاردار نکات گفتگو را که در تلکس مرجع ب به آنها اشاره شده بود تکرار که در نسخه ای غیر رسمی نزد سفیر شوروی باقی گذاشت.

۵- پوزانف از کاردار به خاطر صحبت‌هایش تشکر کرد ولی اظهار داشت که وی نمی‌تواند نگرانی ما درباره خطر احتمالی برای شهروندانمان را در اینجا درک کند. وقتی که کاردار پاسخ داد: بر اساس اطلاعاتی که در دست سفارت آمریکا است وضعیت شورش در اطراف شهرهای افغانستان بدتر شده است، پوزانف صحبت او را قطع کرد که بگوید: منظور او این نبود. او در شگفت بود که چرا سفارت آمریکا نگران این است که امکان دارد در خلال عملیات تخلیه خطری متوجه شهروندانش شود.

۶- کاردار پاسخ داد که ما امیدواریم جمهوری دموکراتیک افغانستان راه ما را سد نکند. کاردار توضیح داد که وی با دوست معاون وزیر خارجه در ۲۳ ژوئیه از روی ادب ملاقات کرده بود تا درباره تصمیم تخلیه ایالات متحده توضیح دهد. او به پوزانف گفت که وی دو موضوع را برای دوست روشن ساخته بود:

الف: تصمیم بر تخلیه به خاطر مسائل سیاسی نبوده بلکه منحصراً احتیاطی بوده است و منعکس کننده نگرانی ایالات متحده در مورد امنیت وابسته‌های آمریکایی می‌باشد.

ب: دولت ایالات متحده در رابطه با این اقدام به دنبال تبلیغات نیست ولی اگر مورد سؤال قرار گرفت مجبور است که با صداقت ولی با روشنی محتاطانه پاسخ بگوید.

۷- کاردار با تشریح جزئیات برای پوزانف به توضیح در این مورد که چگونه اطلاعات در کنفرانس مطبوعاتی ۲۳ ژوئیه در وزارت خارجه انتشار پیدا کرد پرداخت. او به پوزانف گفت که دوست در ۲۴ ژوئیه او را فراخواند تا درباره این تبلیغات به او شکایت کند و این نکته را متذکر شد که کاردار روز قبل از آن به وی اطمینان داده بود که ایالات متحده در این کار پیشقدم نخواهد شد. کاردار گفت که دوست در این ملاقات بر دو نکته تأکید کرد:

الف: اینکه در کابل یا جای دیگر در کشور هیچ گونه مشکل امنیتی وجود ندارد، و ب -- این حقیقت که آمریکاییها از افغانستان خارج می‌شوند برای دنیا یک برداشت کاذب به وجود می‌آورد.

۸- پوزانف سپس موضوع صحبت را عوض کرد و اشاره کرد که در ۲۴ ژوئیه خبر از رادیوی افغانستان پخش شد که اظهار می‌داشت جمهوری دموکراتیک افغانستان پیشنهاد کاهش در تعداد کارمندان سفارت ایالات متحده را کرده است. کاردار گفت که، هر چند دوست در خلال اولین گفتگو در ۲۳ ژوئیه اشارت مبهمی به تقلیل احتمالی تعداد کارمندان سفارتخانه‌های مختلف در کابل نموده بود؛ اما وی اشاره نکرد که این یادداشت دیپلماتیک در گفتگوی ۲۴ ژوئیه ارائه خواهد شد.

۹- کاردار گفت که متن یادداشت دولت افغانستان بر این اشاره داشت که یک یادداشت عمومی (بخشنامه ای) است و در نتیجه آمریکاییها نمی‌دانند که آیا دیگر سفارتخانه‌ها از قبیل سفارت شوروی نیز نسخه‌هایی از این یادداشت را دریافت داشته‌اند یا خیر. پوزانف پاسخ داد که وی فقط آن یادداشت‌هایی را دیده است که تا ظهر روز ۲۴ ژوئیه به سفارتخانه وی



وارد شده اند و وی هنوز چنین یادداشتی را ندیده است.

۱۰- کاردار اشاره کرد که طرز برخورد رسانه های گروهی افغانستان در تعاقب آن یادداشت به طور ضمنی می رسانند که این موضوع فقط به هیئت نمایندگی آمریکا مربوط می شود. او نسبت به اقدام جمهوری دمکراتیک افغانستان ابراز تأسف کرد و گفت به نظر می رسد جمهوری دمکراتیک افغانستان

ص: ۵۹۱

نسبت به تصمیم تخلیه بیش از حد عکس العمل نشان می دهد. کاردار متذکر شد که مأموران این سفارتخانه اغلب به مقامات افغانی و روسی گفته اند که ایالات متحده هیچ کمکی به طرف شورشی نمی کند ولی ما پیوسته کنایه هایی در رسانه های افغانستان درباره درگیری منتسب به آمریکا می بینیم.

۱۱- کاردار گفت که مهمترین نگرانی وی در این روزها لحظه غم انگیز دیگری در تاریخ اخیر افغانستان بوده است. او یادآوری کرد که دو سال پیش افغانستان روابط دوستانه خوبی با تقریباً تمام کشورهای دنیا داشت. اکنون، پانزده ماه پس از انقلاب خلقی، افغانستان هنوز با اتحاد شوروی روابط خوبی دارد ولی با سه همسایه اش یعنی چین، پاکستان و ایران روابط بدی دارد. علاوه بر این رژیم خلقی به خاطر آن موضوع روابطش را با ایالات متحده بدتر می کند. وی گفت روابط افغانستان با بقیه کشورهای غربی به نظر نمی آید که خیلی خوب باشد. کاردار به پوزانف گفت نمی داند اینها به کجا مینجامد. او در شگفت است که آیا حفیظ الله امین نخست وزیر به گونه ای در تلاش است تا آمریکا را به مخالفت بکشاند.

کاردار به طور حتم عکس العملهای امین را آن قدر معقولانه یا قابل فهم ندید. کاردار توضیح داد که با پوزانف صریح است چون که وی را یک همکار می داند و نیز او را در مقامش به عنوان رئیس هیئت دیپلماتیک مورد خطاب قرار می دهد. او تأکید کرد نظراتی که وی در مورد مسائلی غیر از وضعیت تخلیه ابراز می کند از خود او هستند و به دستور وزارت خارجه ارائه نشده اند.

۱۲- در این هنگام پوزانف به طور جالبی تصمیم گرفت که به موضوع تعداد پرسنل سفارت آمریکا در کابل بپردازد. او گفت که تعداد کارمندان ایالات متحده به نظر می رسد که از زمان انقلاب افزایش یافته است. کاردار پاسخ داد که این موضوع صحت ندارد و اظهار داشت که در واقع تعداد کارمندان سفارت آمریکا اکنون از آنچه که در ۲۰ سال گذشته بوده است کمتر می باشد. او اظهار داشت که افغانها ممکن است برداشت غلط افزایش تعداد را به این خاطر داشته اند که اخیراً سفارت تقریباً تمام کارمندان اداری و اعضای هیئت نمایندگی را به منظور حصول مصونیت دیپلماتیک برای آنان در لیست دیپلماتیک قرار داده است، که در غیر این صورت دولت افغانستان برخلاف مسئولیتهايش تحت «پیمان وین در مورد روابط دیپلماتیک» آن را (مصونیت) رد می کرد.

۱۳- پوزانف پاسخ داد که وی کمترین علاقه تعداد کارمندان سفارت آمریکا ندارد. او توضیح داد هر چند تعداد کارمندان خودش از زمان انقلاب به میزان قابل توجهی افزایش یافته تا نیازهای مشورتی تدارکاتی را برآورده کند ولی هیچ گونه افزایش در تعداد کارمندان فنی و تدارکاتی سفارت شوروی وجود نداشته است. پوزانف توضیح داد برای مثال، سفارتخانه وی فعلاً به عنوان مشاور در کمک به ساختمان یک مجموعه آپارتمانی در محوطه سفارت شوروی به مهندسین روسی که در شهرداری کابل به کار گمارده شده اند در وقت آزادشان متکی می باشد. او به عنوان مثالی دیگر اظهار داشت هر چند افزایش در تعداد کودکان روسی در کابل وجود داشته است ولی مدرسه روسها هنوز با تنها یک ناظم و ۲ یا ۳ معلمی که به طور رسمی از مسکو اعزام شده اند سر می کند و برای بقیه کادر آموزشی خود به همسران پرسنل روسی که در محل استخدام شده اند وابسته است. پوزانف گفت که وزرای امور خارجه و دارایی شوروی آنقدر خسیس بودند که حدود یک تن نامه نوشته شد تا چیزی اضافه برای کارهای اداری از آنان گرفته شود، در نتیجه وی به ندرت تلاش می کند.

۱۴- با برگشت به مسئله تخلیه، پوزانف دولت ایالات متحده را برای قول دادن در این مورد که هیچ

ص: ۵۹۲

گونه تبلیغاتی وجود نخواهد داشت سرزنش کرد و اشاره کرد که تبلیغات درست در روز بعد واقع شد.

کاردار پاسخ داد که وی قبلاً توضیح داده بود که این جریان چگونه روی داده است.

۱۵- پوزانف سپس به مورد بحث قرار دادن نظرات کاردار در مورد روابط بدتر شده افغانستان با پاکستان، ایران و چین پرداخت. او اشاره کرد که هر سه کشور سیاستهای مداخله و تجاوز علیه افغانستان را که از کشورهایشان حمایت می شود دنبال می کنند. او متذکر شد علیرغم این تحریکات افغانستان برای بهبود روابطش با همسایه هایش قدمهای وسیعی برمی دارد. پوزانف سفر اخیر دوست به اسلام آباد را به عنوان دلیل اقامه کرد و گفت که افغانیها و پاکستانیها هنوز به نظر می رسد که برای سفر مشاور امور خارجه پاکستان به افغانستان آماده می شوند.

۱۶- پوزانف با اشاره به ایران یادآوری کرد که پرزیدنت تره کی و امین نخست وزیر اخیرا اظهار داشته بودند که آماده اند دوستی خود را با ایران علیرغم سیاستهای مداخله جویانه ایران وسعت ببخشند.

۱۷- پوزانف سپس به روابط افغانستان -- آمریکا پرداخت و متذکر شد که علیرغم مخالفت آشکار از طرف آمریکاییها از قبیل تصمیم به قطع کمک، افغانها در تلاش بوده اند تا این رابطه را بهبود بخشند او متذکر شد که ۳ وزیر افغانی در جشن روز استقلال آمریکا شرکت کردند و گفت که این کار به معنای تمایل قوی افغانستان برای نشان دادن علاقه اش برای روابط خوب با آمریکا است. کاردار پاسخ داد که ما از شرکت ۳ وزیر در جشن قدردانی کرده ایم ولی دولت ایالات متحده به دنبال علائم واقعی و مهمتری است که افغانستان واقعا دارای نیت روابط دوستانه با ایالات متحده می باشد.

۱۸- کاردار به عنوان نمونه ای از زمینه هایی که دولت افغانستان به هیچ صورتی در آن همکاری نکرده است به تحقیقات ناامیدانه در مورد مرگ سفیر دابز اشاره کرد کاردار با اشاره به اینکه چندین جنبه مرموز در این واقعه وجود دارد که نیاز بدان دارد تا روشن شوند، از اینکه دولت افغانستان حتی زحمت این را به خود نداد تا به چهار یادداشت دیپلماتیک ما در مورد این موضوع پاسخ بگوید، اظهار تأسف کرد. او توضیح داد که در میان مشکلات اولیه این تحقیقات برخی سؤالات مهم در مورد اسلحه هایی که به کار برده شده وجود دارد. سفارت آمریکا درخواست نموده بود تا اسلحه ها را ببیند ولی از این کار امتناع شد.

سفارت متعاقبا درخواست آزمایش گلوله هایی که از اسلحه ها شلیک شده بود را کرد ولی آن درخواست نیز رد شد. یک گزارش به اصطلاح رسمی درباره واقعه چهار اسلحه را لیست کرده بود که توسط مقامات افغانی در صحنه یافت شده بود. هیچ کدام از آنها نمی توانست گلوله های کالیبر ۲۲ که سفیر دابز را کشته بودند شلیک کند. کاردار به پوزانف گفت که ما از جمهوری دمکراتیک افغانستان درخواست توضیحی در مورد این اختلاف را نموده ایم ولی هرگز جوابی دریافت نکرده ایم.

۱۹- سفیر پوزانف هیچ توضیحی درباره قضیه دابز ندارد ولی گفت که از هر دو طرف علائمی بایستی نشان داده شود. او یک بار دیگر در این رابطه از تبلیغات دولت ایالات متحده درباره تخلیه شکایت کرد و گفت که رفتار آتی افغانستان نسبت به

ایالات متحده شایستگی یک چنین عکس العملی را ندارد. کاردار پاسخ داد که این موضوعی است که ایالات متحده بایستی در مورد آن تصمیم بگیرد. پوزانف تصدیق کرد که این موضوع واقعا به دولت ایالات متحده مربوط می شود. او به هر صورت به صحبت ادامه داد و اضافه کرد که هر چند وی قصد ندارد که ما را راهنمایی کند ولی برداشت او این است که در کار دیپلماتیک بایستی روشی دو جانبه در جهت روابط خوب وجود داشته باشد. پوزانف جریان سالت - ۲ را در این رابطه به

ص: ۵۹۳

عنوان دلیل اقامه کرد. او گفت که گزارشی از سخنرانی اخیر ونس در مورد سالت - ۲ در مطبوعات شوروی دیده است و آن را زیرکانه و متقاعدکننده یافته است.

۲۰- سرانجام با برگشت به اساس اصلی خود اعتراض، پوزانف گفت با رجوع به درخواست شما از ما درباره امنیت مسئله تخلیه، این کار به طور اشتباهی انجام شده است. او ابراز اطمینان نمود که افغانها برای کمک همه گونه تلاشی را به عمل خواهند آورد. کاردار ابراز امیدواری کرد که در مسئله تخلیه همکاری و تفاهم افغانستان وجود داشته باشد.

۲۱- با رجوع به نظرات پوزانف درباره مداخله ایران و پاکستان در امور افغانستان، کاردار گفت که چنین تجاوز نسبت داده شده ای هنوز ثابت نشده است. او اشاره کرد که اگر جمهوری دمکراتیک افغانستان مشکلی دارد این مشکل از طرف مردم خودش می باشد. پوزانف اظهار داشت که سندی قطعی از مداخله خارجی وجود دارد و گفت اگر فقط مشکلی از طرف مردم افغانستان وجود داشت، چرا جمهوری دمکراتیک افغانستان بایستی بگوید که مداخله ای وجود داشته است. پوزانف به صحبت ادامه داد و گفت که مداخله پاکستان علی الخصوص به طور غیر قابل تکذیبی مشهود است. او گفت در هر صورت آن ملاقاتهای سطح بالا بین افغانستان و پاکستان ایده خوبی است و توضیح داد «به آنها اجازه بدهید تا تصمیم بگیرند.» پوزانف همچنین اظهار امیدواری کرد که افغانها و ایرانیها بتوانند مسائلشان را حل کنند و گفت که این کار کمک خواهد کرد تا صلح را در این منطقه از دنیا برقرار کنند.

۲۲- پوزانف در پایان جزئیات چندی از برنامه همکاری شوروی در افغانستان را متذکر شد. او اظهار داشت که اتحاد شوروی اکنون ۵/۱ میلیارد دلار به صورت اعتبار به برنامه پنج ساله افغانستان اختصاص داده است. او علاوه بر این تصدیق کرد که حدوداً ۱۵۰۰ دانشجوی افغانی در اتحاد شوروی آموزش می بینند.

۲۳- نظریه: من این موضوع را که پوزانف برخلاف همکاری در مسکو بی جهت اعتراض مرا در خصوص مداخله شوروی در یک موضوع دوجانبه بین ایالات متحده و افغانستان رد نکرد، با ارزش یافتم.

در حقیقت به نظر می آید که پوزانف به طور قابل توجهی در موضوعاتی که معمولاً ارتباطی به سفارت شوروی ندارد ذی‌علاقه است، مثل تبلیغات ما درباره عملیات تخلیه و تعداد پرسنل سفارتخانه ما. او در همه احوال تلاش نمی کند تا نقش خود را به عنوان فرماندار روسیه در اینجا پنهان سازد.

۲۴- من همچنین این را نیز جالب توجه یافتم که پوزانف نخواست که با من بر سر اینکه تصمیم من مبنی بر اینکه تخلیه اشتباه است بحث کند.

۲۵- سرانجام، مایل هستم اشاره کنم که در پشت کاناپه ای که من روی آن نشسته بودم یک بلندگوی ۹ اینچی به طور برجسته ای قرار داشت که من آن را در ملاقاتهای قبلم هرگز ندیده بودم. من فقط می توانم این طور فکر کنم که آیا این بلندگو نوع ناجوری از یک میکروفن نیست؟

**امین نقش مستقیم تری در سرکوبی شورشیان به عهده گرفته است**



سند شماره (۵۱) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۲۸ ژوئیه ۷۹ به: وزارت خارجه - واشنگتن دی. سی. فوریطبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۵۶۸۳ موضوع: (محرمانه) امین نقش مستقیم تری در سرکوبی شورشیان به عهده گرفته است خلاصه:

۱- (کاملاً محرمانه) نخست وزیر، حفیظ الله امین نقش مستقیم تری در سرکوب شورشیان داخلی برای حفظ رژیم به عهده گرفته است. او مسؤولیت کنترل مستقیم امور را در وزارت دفاع هم به عهده دارد.

موقعیت مستحکم او نشان می دهد که او در صحنه حضور خواهد داشت. گرچه جایی که باید این توسعه ویژه در تناسب با بازیهای سیاسی آشکاری که اینجا در جریان است باشد هنوز مبهم است.

۲- (محرمانه) رادیو افغانستان، در اخبار عصر روز ۲۷ ژوئیه، حکمی را که طی آن پرزیدنت نور محمد تره کی تأکید بر تحکیم نقش نخست وزیر حفیظ الله امین در مبارزه با شورشیان محلی داشت قرائت کرد. بر طبق این اعلامیه هجوم ممتد نظامیان ایران و پاکستان در مقابل افغانستان این مسئله را ایجاب می کند که تره کی شخصاً رهبری دفاع کشور را به عهده گیرد و بر نیروهای نظامی احاطه و نظارت داشته باشد. گرچه تره کی، امین را دارد که مورد اعتماد اوست و امین گذشته از تمام وظایفش و همچنین اجرای دستورات تره کی، موظف است که به تدریج پیشرفتهای قابل ملاحظه ای در تلاش برای سرکوبی شورشیان را به او گزارش دهد. به علاوه، امین وظیفه دارد که امور مربوط به وزارت دفاع را تحت نظارت و راهنمایی تره کی انجام دهد.

۳- (خیلی محرمانه) تفسیر: جایی که باید این توسعه خاص بازیهای سیاسی آشکاری که در اینجا در جریان است در آن تناسب داشته باشد هنوز روشن نیست. هرچند آنچه که به نظر حتمی می رسد این است که از قدرت و شاید هم از پرستیژ سیاسی وزیر دفاع «محمد اسلام وطنجار» کاسته شده است.

بسیاری از صاحب نظران عقیده دارند که وطنجار می تواند در تأسیس یک رژیم کاملاً اساسی نقش مهمی داشته باشد. زیرا او بسیار ملی گراتر از گروه تره کی -- امین به نظر می آید و سرنوشت راههایی در مقابل او خواهد گذاشت که ممکن است به جهات مختلف توسعه های سیاسی بینجامد.

۴- (خیلی محرمانه) حداقل این اعلامیه اشاره به این نکته دارد که امین رل مستقیم تری در مبارزه جمهوری دموکراتیک افغانستان بر علیه نیروهای شورشی دارد. موقعیت امین نشان می دهد که او در صحنه خواهد بود و راه را برای ایجاد نوعی رژیم بر مبنای «جبهه ملی» هموار خواهد کرد. تردیدی که نسبت به وفاداری ارتش وجود دارد می توانسته فوراً این حرکت را ایجاد کند. از زمانی که رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان احساس کرده است که امین بیش از «وطنجار» که یک سرباز حرفه ای است، قادر است که شور انقلابی را به نیروهای نظامی القاء کند و از بیزاری و خستگی آنها بکاهد. در زمان انقلاب ۱۹۷۸ امین با بسیاری از افسران ارتش روابط شخصی داشت و بسیاری از آنها توسط امین به حزب آورده شده اند و اکنون پس از گذشت یک سال از تصفیه ها، با وجود شورشها و بی ثباتی، وضع موجود آن رابطه ها مشخص نیست.



حمایت لیبی از انقلابیون افغانستان

ص: ۵۹۵

سند شماره (۵۲) از: سفارت آمریکا در تریپولی تاریخ: ۲۹ ژوئیه ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.

طبقه بندی: سری شماره سند: ۱۱۸۵ موضوع: (سری) حمایت لیبی از انقلابیون افغانستان ۱- (تمام متن سری است) ۲- مقام وزارت امور خارجه به ما (به طور محرمانه) اطلاع داد که جماهیریه انقلابیون افغانستان را پشتیبانی می کند. در جواب این سؤال که آیا این پشتیبانی شامل آموزش افراد ضد تره کی نیز می باشد، منبع جواب داد که از نظر مالی لیبی «ربع میلیون» دلار کمک نموده است، ولی از نحوه تسهیلات در رابطه با شورشیان اطلاعی ندارد.

۳- این مقام اطلاع داد که مقامات سیاسی لیبی در کابل با مشاهده بالا رفتن پرچم سرخ و ظهور تمایلات مارکسیستی رژیم جدید «در شگفتی» فرو رفتند. وی معتقد است که کمک لیبی به شورشیان موضوعی حساس در رابطه میان شوروی و تریپولی است. این حساسیت را می توان در توجه لیبی به افغانستان در وسایل ارتباط جمعی مشاهده نمود.

۴- نظریه: درست در زمانی که لیبی حمایت خود را از ساندنیستها و رژیم جدید نیکاراگوئه اعلام می دارد، حمایت آنها از شورشیان افغانی نیز دلیلی بر اثبات فعالیت های انقلابی جماهیریه می باشد. حتی نمایندگان شوروی نیز از حمایت لیبی در قبال گروههای آزادیخواه ملی آگاه هستند.

کوینلان

### اطلاعات اضافی در مورد سازمان ملی دفاع از انقلاب

سند شماره (۵۳) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۹ به: وزارت خارجه - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: اطلاعات اضافی در مورد سازمان ملی دفاع از انقلاب ۱- (محرمانه) خلاصه: اطلاعات تازه در مورد سازمان ملی برای دفاع از انقلاب اشاره بر این دارد که این سازمان جدید مکلف به ایجاد هواداری از رژیم در میان توده ها خواهد بود، ولی ما پیش بینی می کنیم که انطباق قابل ملاحظه ای در میان این سازمانهای مختلف وجود داشته باشد. به نظر نمی آید که سازمان جدید هیچ گونه شکلی از یک «جبهه ملی» را به وجود آورد. (پایان خلاصه) ۲- مقاله ای در آخرین شماره روزنامه خلق، ارگان هفتگی حزب دمکراتیک خلق افغانستان، اطلاعات بیشتری در مورد سازمان ملی جدیدالتأسیس دفاع از انقلاب در دسترس قرار می دهد (تلکس مرجع). طبق گزارش، سازمان در میان دیگر سازمانها برای مبارزه علیه عکس العملهای داخلی و خارجی برای استقرار جامعه ای بدون استثمار بشر به وسیله بشر و برای به وجود آوردن اتحاد در میان نیروهای مرفعی اجتماع مناسب تشخیص داده شده بود. به علاوه سازمان فعالیتهای سازمانهای دیگر از قبیل

ص: ۵۹۶

PDPA با اتحادیه های کارگران و کشاورزان، کمیته های محلی برای دفاع از انقلاب، سازمانهای زنان و جوانان حزب و اتحادیه های روزنامه نگاران و واردات صادرات را به صورت نمایانی متحد خواهد کرد.

۳- یک کنگره سازمانی (اطلاعات درباره حدود و تاریخ پیشنهادی اولین جلسه این کنگره هنوز ذکر نشده است) شورای مرکزی حدود ۳۵ تا ۴۵ عضو را انتخاب خواهد نمود. از میان این نمایندگان ۹ تا ۱۱ نفر به عضویت کمیته اجرایی انتخاب خواهند شد که رئیس آن به پیشنهاد PDPA انتخاب خواهد شد.

سازمان در برگیرنده سازمانهای دیگر، واحدهایی در سطوح محله، بخش، شهر و استان در تمام کشور تأسیس خواهد کرد که از همتهای کشوری و حزبی خود مستقل خواهند بود ولی با آنان به طور هماهنگ همکاری خواهند کرد.

۴- یک گروه کار مأمور شده تا طرحهایی برای اولین کنگره و عضویت آن تهیه نماید و این طرحها را در ظرف ۲۰ روز به اداره سیاسی PDPA تسلیم نماید (زمانی که این کار شروع شد فاش نشده است).

سرپرستی این گروه با عبدالکریم شهبازی جوزجانی (وزیر دادگستری و دادستان کل) است و دارای اعضای زیر می باشد: محمد صادق عالمیار (وزیر برنامه ریز)، خیال محمد کاتوازی (وزیر اطلاعات و فرهنگ)، اسدالله امین (معاون دوم وزیر خارجه برای امور سیاسی)، و صالح محمد پیروز (معاون وزیر فعالیتهای عامه).

۵- (محرمانه) نظریه: گر چه وظایف ویژه سازمان خیلی مبهم باقی می ماند اما، ظاهراً سازمان مسؤل توسعه حمایت مردم از برنامه های کلی رژیم خصوصاً جنگ علیه شورشیان می باشد. در هر حال سازمان به طور آشکار مسؤل انجام فعالیتهای ضد شورشی رژیم نخواهد بود، چون که به نظر می رسد این مسؤولیت به عهده شورای عالی دفاع از سرزمین باقی بماند. ما انتظار داریم که اصطکاک زیادی در بین سازمانهای کشوری، حزبی و سازمان ملی دفاع از انقلاب وجود داشته باشد ولی ظاهراً رژیم با این وجود مجبور بود که سازمانی دیگر برای کار ویژه زندگی بخشیدن به چیزی که ممکن است به نمایش دلگرمی در میان حامیان رژیم خصوصاً در خارج از پایتخت ارزیابی شود، دایر نماید.

در عین حالی که این گزارش به خصوص آن نیروهایی که از رژیم حمایت می کنند را به اتحاد دعوت می کند ولی به نظر ما این کار دعوتی برای هیچ گونه «جبهه متحد» که احتمالاً عواملی که حامیان طبیعی جمهوری دمکراتیک افغانستان شناخته نمی شوند را در بر بگیرد، نیست.

### **به نظر نمی رسد که ترمیم کابینه مخالفت رو به افزایش را خنثی کند**

سند شماره (۵۴) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹ به: وزارت خارجه - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: به نظر نمی رسد که ترمیم کابینه مخالفت رو به افزایش را خنثی کند ۱- خلاصه: احتمالاً مهمترین موضوع در رابطه با انتصابات جدید کابینه انصراف حفیظ الله امین از مقام وزارت امور خارجه و نقش مسلم آتی او به عنوان سرپرست وزارت دفاع می باشد. دیگر وزرا چهره های قدیمی هستند و چنانچه این تغییرات به منظور ارائه چهره ای جدید و با اهمیت از این رژیم تحت فشار قرار گرفته طرح ریزی شده باشند، به خودی خود برای آرام کردن مخالفت رو به افزایش داخلی ناکافی

هستند.

ص: ۵۹۷

(پایان خلاصه) ۲- انتصابات شورای وزیران که در ۲۸ ژوئیه اعلام شد عبارتند از: دکتر شاه ولی (معاون سابق نخست وزیر بهزیستی عمومی) به عنوان معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه: دکتر صالح محمد زیری (وزیر سابق کشاورزی و اصلاحات ارضی) به عنوان وزیر بهزیستی عمومی: دکتر عبدالرشید جلیلی (وزیر سابق آموزش و پرورش) به عنوان وزیر کشاورزی و اصلاحات ارضی: سرگرد محمد اسلام وطنجار (وزیر سابق دفاع) به عنوان وزیر کشور، شرجان مزدوریار (وزیر سابق دفاع) به عنوان وزیر امور خارجه، صاحب جان صحرائی (وزیر سابق امور خارجه) به عنوان وزیر مشاور، و محمد سالم مسعودی (سفیر در بلغارستان و به مدت خیلی کوتاهی فرانسه) به عنوان وزیر آموزش و پرورش.

۳- نظریه: اعلامیه روز گذشته جمهوری دموکراتیک افغانستان که پرزیدنت نور محمد تره کی شخصا کنترل نیروهای نظامی افغانستان را به دست می گیرد ولی مسئولیت انجام مبارزه ضد شوروی رژیم و اختیار امور روزانه وزارت دفاع را به حفیظ الله امین تفویض می کند، آشکارا اشاره بر این داشت که رهبریت فعلی مبارزه بر علیه مخالفین داخلی را به عنوان وظیفه اصلی و اولیه خود تشخیص داده است.

اعطای مقام وزارت خارجه به شاه ولی هیچ گونه فرسایشی را در قدرت سیاسی امین نشان نمی دهد و نیاز به تقبل هر گونه سفر خارجی از طرف امین در این موقع حساس را رفع می کند. بر عکس نقش بااهمیت تر شده امین در مبارزه با تجاوز خارجی که با انتصاب شاه ولی افزایش یافته است اشاره بر این دارد که امین در حال حاضر حتی زمان بیشتری برای اختصاص به مسائل داخلی دارد.

۴- هر چند به طور رسمی اعلام نشده بود که امین عنوان وزیر دفاع را به خود خواهد گرفت لیکن جا به جایی وطنجار به وزارت کشور تردیدی باقی نمی گذارد که امین حداقل به عنوان سرپرست وزارت دفاع فعالیت خواهد کرد. در این رابطه برخی از ناظران در اینجا معتقدند که انتقال یک افسر نظامی حرفه ای مثل وطنجار به منظور پیشگیری از هر گونه حرکت ارتش افغانستان برای ضبط قدرت سیاسی و به امید خنثی سازی جریان داخلی می باشد. (در این رابطه وطنجار در هر دو کودتای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ یک نقش مهم ایفا کرد.) در هر صورت دیگران فکر می کنند بدتر شدن وضعیت امنیتی در این جا نمایانگر سندی مشهود از عدم توانایی وطنجار در به دست آوردن نتایج مثبت می باشد.

و بر اساس این استدلال چنانچه رژیم می خواست شانسی واقعی برای تغییر اوضاع به نفع خودش داشته باشد، امین مجبور بود که قدم به میان گذارد.

۵- اگر این تغییرات به خصوص کابینه برای ادامه چهره ای جدید یا پایگاهی وسیعتر از رژیم طرح ریزی شده بودند که در نتیجه مخالفت را به طریقی ساکت نمایند، اینها به خودی خود، به طور اسفناکی ناکافی هستند، و احتمالاً اثر کمی روی جریان وقایع داخلی، خواهند داشت. اعضای فعلی دولت از زمان انقلاب یعنی پانزده ماه پیش در صحنه بوده اند و ما پیش بینی می کنیم هیچ کس از این روش «چهره های قدیمی در پستهای جدید» راحتی پیدا نمی کند. البته باید دید که آیا شرکت مستقیم امین در دولت پیشرفت مهمی در محدود کردن شورش ایجاد خواهد کرد یا خیر. ولی حداقل مسئولیتهای جدید وی به نظر می رسد که او را در ارتباط نزدیکتر با نیروهای نظامی قرار دهد که پایه محکمی را برای سر پا نگاه داشتن جمهوری دموکراتیک افغانستان تشکیل می دهند.



سند شماره (۵۵) از: سفارت آمریکا در اسلام آباد تاریخ: ۱ اوت ۱۹۷۹ به: وزیر خارجه واشنگتن دی. سی. طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۸۶۲۹ موضوع: ضیا ناصری با پروژه های جدید بازمی گردد ۱- تمام متن محرمانه ۲- ضیا ناصری افغانی -- آمریکایی با مأمور سفارت در اول اوت در زمانی که در بازگشت از آمریکا به اسلام آباد وارد شد، با تلفن تماس گرفت. او گفت که چند هفته اخیر را در نیویورک و واشنگتن گذرانده است اما قادر نبوده است به اندازه لازم با اعضای کنگره به خاطر مسافرت تابستانی اعضای کنگره تماسهای مفیدی بگیرد.

۳- ضیا توضیح داد که بازگشت او به پیشاور برای آغاز یک پروژه جدید است که او آن را درمانگاه پشتو - آمریکایی برای آوارگان افغانی می نامد. او می گوید، درمانگاه در آغاز در شهر پیشاور پایه گذاری خواهد شد اما احتمالاً به نواحی نزدیک به جبهه افغانستان - پاکستان حرکت خواهد کرد.

۴- ضیا مدعی است که تعهد پشتیبانی شخصیتها و شرکتهای آمریکایی را برای تأمین منابع پزشکی، مواد و پرسنل برای راه انداختن درمانگاه در اختیار دارد. او وانت فولکس واگن خودش را با کشتی از نیویورک حمل کرده تا به عنوان آمبولانس برای طرح به کار گیرد. او در نظر دارد که اطباء بومی پاکستانی را استخدام کند تا درمانگاه را اداره کنند. تا هنگامی که او بتواند حمایت بیشتر به دست آورده و دکترهای آمریکایی را به کار گیرد.

۵- با وجود شروع کار یک درمانگاه بیماران سرپایی، ضیا تصور می کند که کار پیشرفت کرده به یک بیمارستان منظم می رسد. او در مورد جوار دولت پاکستان برای این طرح اطلاعی نداشت.

۶- نظریه: ضیا ناصری به مأمور سفارت گفت درمانگاه هدف اصلی او در این دیدار خواهد بود و او تنها به پیشرفتهای میان گروههای مخالف افغانی که با آنها تماس قبلی داشته است، گوش کرده و نگاه خواهد کرد. او پیشرفت کار درمانگاه را هنگامی که تا چند هفته دیگر به اسلام آباد باز گردد، به مأمور سفارتخانه گزارش خواهد داد.

۷- در حالی که ما نوع دوستی ضیا را تحسین می کنیم (که ما احساس می کنیم صمیمانه است)، ما انتظار داریم که او به مواعی که دولت پاکستان در سر راهش می نهد برخورد خواهد کرد. هم به علت مشکلات اداری و هم حساسیتهایی که نسبت به اعمال گذشته ضیا وجود دارد. هیومل

### حمایت لیبی از شورشیان افغانستان

سند شماره (۵۶) به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۱ اوت ۷۹ شماره سند: ۵۸۲۰ طبقه بندی: سری موضوع: (سری) حمایت لیبی از شورشیان افغانستان ۱- تمام متن سری ۲- حمایت لیبی از شورشیان افغان (تلگرام عطف) در رابطه با عکس العملی است که سفیر محلی لیبی

در رابطه با رژیم خلقی از آغاز انقلاب ۲۸-۲۷ آوریل، ۱۹۷۸ اتخاذ کرده است. درست پس از این واقعه، رژیم خلقی طی یک حرکت تلاش نمود تا ماهیت مارکسیست لنینستی خود را با عباراتی چون «ما حامی اسلام هستیم» در ظاهر تغییر دهد. پس از استماع این عبارت، الهادی عمرالحریک سفیر لیبی به سفیر آمریکا گفت: «تفاوت فاحشی بین این سخن که شخص به اسلام احترام می گذارد و این گفته که وی مسلمان است وجود دارد.

۳- دیپلماتهای لیبی نسبت به تغییر و تحولات افغانستان بسیار مطلع و واقعگرا هستند. آمستوتز

### ارزیابی ابتدائی از شورش در بالاحصار

سند شماره (۵۷) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۶ اوت ۷۹ به: وزارت امور خارجه خارجه - واشنگتن دی. سی - فوری طبقه بندی: سری شماره سند: ۵۹۶۷ موضوع: ارزیابی ابتدائی از شورش در بالاحصار ۱- (تمام متن سری است) ۲- خلاصه: به دنبال نبرد روز قبل بین شورشیان افغان و نیروهای وفادار به رژیم خلقی کابل در ۶ اوت آرامش خود را دوباره به دست آورد. پس از برقراری نظم، نیروهای طرفدار رژیم خلقی اعلام کردند که شورش از طرف «عوامل پاکستانی و ارتجاع ایرانی» انجام شده بود. این موضوع یکی از مبارزات شدیدی را که رژیم خلقی با آن درگیر بود نشان داده، ثابت می کند که قدرت به دست گرفتن اوضاع را نیز دارد. با این وصف، این واقعه مشکلات دیگری را برای رژیم خلقی و یاران روسیش فراهم آورده است. (پایان خلاصه) ۳- با فرا رسیدن سپیده دم در کابل در ۶ اوت، شهر کاملاً آرام بود و تحت کنترل شدید رژیم خلقی قرار داشت. به جز چند خیابان که دائماً بسته بود، آمد و شد در خیابانهایی که روز قبل به وسیله شنی تانکها تخریب شده بود مجاز اعلام گردیده بود.

۴- بسیاری از نبردهای ۵ اوت به نظر می رسد در بالاحصار، صحنه مبارزات متعدد تاریخی، در نزدیکی کابل متمرکز بوده است. اصولاً، این برخورد بین نیروهای شورشی و نیروهای مسلح و وفادار به رژیم خلقی صورت گرفت. علت آغاز این درگیری هنوز مبهم است. بعضی از منابع مطلع گزارش داده اند که عناصر شورشی حمله را آغاز کردند، ولی با عدم ورود نیروهای پشتیبان نتوانستند پیشرفتی بنمایند.

با وجود اینکه نیروهای شورشی در درون بالاحصار می جنگیدند، ولی پرچم سرخ دایما در بالای بالاحصار در اهتزاز بود این نشان دهنده این امر است که آنها نتوانسته اند کنترل کامل این مرکز نظامی را به دست گیرند. شورش ۵ اوت نیز، همچون قیام هزاره شیعه در ۲۳ ژوئیه نتوانست نیروهای حمایت کننده ای را در شهر جلب کند، گرچه در تمام طول شب تیراندازیهای پراکنده در کابل به گوش می رسید.

۵- به علت اینکه منطقه هنوز در اشغال نیروهای خلقی است نمی توان آمار و ارقام دقیقی از تلفات و خسارات به دست آورد، ولی صدای شلیک توپخانه و تانک و تیراندازی از طریق هلیکوپترها به طرف بالاحصار حدود دو ساعت به طول انجامید که خود نمونه کشتار بیرحمانه رژیم خلقی است. یکی از منابع



افغانی که توانسته بود به منطقه نبرد نزدیک شود اطلاع داد که تعداد بسیاری از شورشیان به قتل رسیده اند.

از شماره تلفات بی اطلاع هستیم، ولی متوجه شدیم که رژیم به روی افرادی که در حال فرار از دروازه شهر به طرف تپه های مشرف بر بالا حصار بودند آتش گشوده است. هلیکوپترهای جنگی نیز در اطراف جاده لوگر کابل مشغول تیراندازی و پرواز بودند، که احتمالاً متوجه شورشیان فراری بود.

۶- امروز کابل حالتی خشمگین و نفرت بار به خود گرفته است. یکی از افغانها به مقام سفارت اظهار داشت: «اگر آنها تنها این هواپیماها را نداشتند، ما مسلمانها از آنها (شورشیان -- مترجم) حمایت می کردیم. این اظهار نظر خود نشان دهنده مشت کوبنده رژیم خلقی علیه شورشیان است و در دل کسانی که خواهان پیوستن به شورشیان هستند، هراسی عظیم ایجاد می کند.

۷- اظهار نظر: یکی از نقاط ضعف اصلی رژیم خلقی در مبارزه بالا حصار در ۵ اوت آشکار گشت:

کاهش اعتماد روزافزون، نسبت به سربازان عادی همچنین این حقیقت که رهبری خلقی دارای قدرتی مخوف برای سرکوبی است که عبارت است از حمایت نیروهای اصلی کشور چون واحدهای کماندو، بریگادهای مسلح، و نیروی هوایی. همچون انقلاب ۲۸--۲۷ آوریل ۱۹۷۸، نیروهای سوار زرهی این بار نیز ثابت کردند که یکی از عوامل مهم در کنترل کابل به شمار می روند. هلیکوپترهای جنگی نیز همین نقش را بازی می کنند، البته با میزان کمتری. همانند درگیری یا قیام ۲۳ ژوئن، این بار هم رژیم خلقی دست به یک سری تبلیغات زد، به این ترتیب که توسط هلیکوپتر اعلامیه هایی را در اطراف شهر می پراکنند، و یا از طریق بلندگو آنها را قرائت می کردند، و یا از طریق رادیو و تلویزیون آنها را به صورت تبلیغات تجارتي پخش می کردند.

۸- مبارزه بالا حصار بسیار مشکلتر از مبارزه با قیام هزاره شیعه بود. در این درگیری دائماً باید مراقب وسایل و تجهیزات نظامی موجود در بالا حصار می بودند که این نگرانی را می توانستیم در چهره ناظران خارجی و برگزیدگان افغان مشاهده نماییم. پس از قیام هرات در ماه مارس و شورش جلال آباد در آوریل، دائماً گزارشهایی درباره فرار و پیوستن نیروهای نظامی به شورشیان می رسد که بعضی از این نیروها بسیار مهم نیز بوده اند. با وجود اینکه نیروهای نظامی کابل هنوز نسبت به رژیم وفادار مانده اند.

اما فرار نیروی نیروهای انسانی ممکن است برای رژیم و ناظران روسی مشکلات فراوان به بار آورد.

شوروی تا به حال کمکهای مادی، تجهیزات نظامی و مستشار در اختیار رژیم قرار داده است. تعداد مستشاران به حدود ۲۰۰۰ نفر رسیده که بسیاری از آنها مستقیماً فرماندهی واحدها را به عهده گرفته اند.

به همین دلیل می توان گفت که ماهیت درگیری شوروی در افغانستان همانند درگیری آمریکا در ویتنام است (برای مثل: به دست گرفتن کنترل تدریجی پایگاه هوایی باگرام توسط شوروی). ۹- در صورت ادامه وخامت نیروی انسانی، رژیم خلقی احتمالاً از شوروی تقاضای نیروهای رزمنده را خواهد نمود. که در نتیجه آن شوروی ممکن است نیروهای خود را به کابل، جلال آباد و ۳۶ منطقه دیگر برای «حراست نظامیان شوروی» گسیل دارد. (تبصره: محله میکرویان کابل که محل سکونت

روسهاست در طول مبارزه پنجم اوت بوسیله نیروهای نظامی به شدت حراست می شد.) پایان اظهار نظر.

۱۰- گزارش امنیتی: به هیچ یک از مقامات آمریکایی در پنجم اوت آسیبی وارد نشد نمایندگی آمریکا همچنان به فعالیت عادی خود ادامه می دهد.

آمستوتز

**کتاب سی ام**

**افغانستان (۲)**

ص: ۶۰۱



## ماجرای ملاقات با وزیر خارجه جديد افغانستان دکتر شاه ولی

ص: ۶۰۳



سند شماره (۱) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۷ اوت ۷۹ به: وزارت خارجه - واشنگتن دی سی - فوری طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۶۰۱۶ موضوع: ماجرای ملاقات من با وزیر خارجه جدید افغانستان دکتر شاه ولی ۱- (تمام متن خیلی محرمانه است.) ۲- خلاصه. پریروز من یک ملاقات دوستانه با دکتر شاه ولی، معاون نخست وزیر و وزیر خارجه جدید داشتم. من نامه تبریک وزیر خارجه - ونس - را به او دادم و در پاسخ شاه ولی از من خواست که به جای او تشکر کنم. او همچنین از من خواست تا وزارت را از این مسئله که افغانستان خواهان ایجاد روابط دوستانه ای با آمریکا است آگاه سازم و همچنین این مسئله که افغانستان خود را تهدیدی برای آمریکا به حساب نمی آورد، او اطمینان داشت که دولت آمریکا مانعی در راه اصلاحات اجتماعی و اقتصادی جمهوری دموکراتیک افغانستان نخواهد بود. او در باره تحریفات و رفتار غیردوستانه صدای آمریکا و همچنین مطبوعات آمریکایی در رابطه با مسئله افغانستان گله هایی کرد، اما زیاد در این باره صحبت نکرد. در اثنای مذاکره، ماجرای مرگ «سفیر دابز» به میان آمد و من او را به طور خلاصه به این نحو در جریان گذاشتم که دولت او در تلاش برای یافتن بعضی از اسرار این ماجرا همکاری نکرده است.

در جریان بررسی تقاضای دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان مبنی بر این که ما باید، ابعاد مأموریتمان را کم کنیم، من چنین گفتم که حالا- زمان مطرح کردن این موضوع نیست و او هم موضوع را مطرح نکرد. وزیر خارجه امروز به قصد یک دیدار چهار روزه از بلغارستان اینجا را ترک خواهد گفت.

پایان خلاصه.

۳- ملاقات من با وزیر خارجه یک روز پس از شورش بی نتیجه ارتش در روز پنجم اوت انجام گرفت.

عصبی بودن رژیم از وضع امنیتی وزارت کاملاً مشهود بود.

در جلوی در ورودی دو مسلسل سنگین که روی پایه سوار بودند از میان پنجره های شیشه ای به بیرون نشانه رفته بودند و سربازهای او نیفورم پوش هم در اطراف آن ایستاده بودند. در اطاق جلوی وزیر خارجه، من به سربازی برخوردی که با یک اسلحه آ- کی ۴۷ روی یک صندلی نشسته بود و به من نشانه رفته بود. وقتی که من به دفتر کار وزیر راهنمایی شدم، سرباز اسلحه اش را برداشت و پشت سر من به طرف درآمد. کابل این روزها اینچنین است.

۴- به نظر می رسید دکتر شاه ولی از دریافت پیام ونس، وزیر خارجه خوشحال است. او پیام را به دقت خواند و از این که وزیر خارجه آن را فرستاده بود خوشحال به نظر می رسید. من فکر می کنم که این ژست و عکس العمل به جا بود گرچه مطمئن نیستم که شاه ولی درباره صلح کوچکترین اختلافی با ما نداشته باشد. احتمالاً مهم ترین مسئله برای شاه ولی این بود که ارسال این پیام برای وزیر خارجه ایجاد درد سر کرده است.

۵- همان گونه که در خلاصه گفتم، شاه ولی از من خواست که تقاضای دولتش را برای ایجاد روابط

نزدیک با آمریکا منعکس کنم. با این فرض که حزب او مورد ستم واقع شده و درباره اش بد قضاوت شده است او دلیل آورد که دولتش هیچ گاه عملی برخلاف منافع ایالات متحده انجام نداده است و به ندرت در موقعیتی قرار گرفته است که بتواند برای آمریکا تهدیدی به حساب آید. او مطمئن بود که مردم آمریکا نمی توانند نسبت به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی که رژیم برای ریشه کن کردن فتودالیزم انجام می دهد اعتراضی بکنند. من به او گفتم که این پیامش را خواهم رساند.

۶- ما حدود ۵۰ دقیقه صحبت کردیم. من قصد داشتم که خیلی زودتر از آنجا بروم، اما هر بار که خیال رفتن داشتم او سؤال جدیدی را پیش می کشید. در این موقعیت حساس و بحرانی در روابط ما، من تصور کردم که این خیلی مهم است که علاقه مند و حساس جلوه کنم و سعی کنم تا به میزانی روابط شخصیم را با این مرد گسترش دهم.

۷- شاه ولی خجالتی و در برخورد با اشخاص بیگانه کمروست، اما مانند ملاقات قبلی مان، آوریل گذشته، او به مرور زمان گرم و صمیمی می شود. او به نرمی و تقریباً نجوا مانند حرف می زند. هرگز زیاد صحبت نمی کند و غالباً در جواب دادن طفره می رود. او انگلیسی را به خوبی صحبت می کند. در آغاز ملاقاتمان، ما با هم عکس انداختیم، خواهیم دید که آیا این عکسها در مطبوعات محلی چاپ خواهد شد یا خیر.

او کسی را نداشت که در حال صحبت سخنانش را یادداشت کند.

۸- پس از بیان این نکته که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان خواهان ایجاد روابط دوستانه با آمریکا می باشد، شاه ولی مختصراً درباره دو موضوع گله کرد. اخبار صدای آمریکا و انتقادات مطبوعات آمریکا. او روی این مسئله زیاد تکیه نکرد و من هم برای اینکه مناظره جدیدی شروع نکنیم چیزی نگفتم.

۹- در طول صحبت، جریان مرگ سفیر «دبز» به میان آمد. من به طور مختصر او را از ناخشنودی خودمان در رابطه با عدم همکاری جمهوری دموکراتیک افغانستان در تحقیق این جریان آگاه کردم. به او گفتم که از آغاز آن ماجرای غم انگیز در ۱۴ فوریه، دولت او هیچ گونه علاقه به همکاری نشان نداده است.

وزارتخانه او تاکنون به سه یادداشتی که اخیراً تقاضای اطلاعات خاصی را در مورد مرگ «دبز» داشته است، هیچ گونه جوابی نداده است. من به شاه ولی گفتم که دلیل این اقدام کنگره مبنی بر رد دادن کمکهای اقتصادی به کشور او نقشی است که دولت وی در این ماجرا داشته است. جواب شاه ولی از روی بغض و کینه نبود. او گفت این مسئله که آمریکا کمکها را متوقف کند یا نه موضوعی است که مربوط به خود آمریکا می شود. در حالی که دولت آمریکا با تمام منابع و امکاناتش هنوز نتوانسته اسرار ترور پرزیدنت کندی را فاش کند، چرا باید انتظار داشته باشیم که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در برخورد با مرگ سفیر «دبز» بهتر از آمریکا عمل کند.

۱۰- من همچنین به شاه ولی گفتم که در زمینه تقاضای آنها برای ایجاد روابط دوستانه با آمریکا، قبلاً هیچ اقدامی در مخالفت با جمهوری دموکراتیک افغانستان انجام نداده ایم، گرچه قبلاً از طریق اظهاراتی که در رادیو و مطبوعات کنترل شده دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان شنیده بودیم، این مسئله برای ما روشن بود که بعضی از اعضای دولت معتقدند که عملی در

جهت مخالفت با آنها انجام داده ایم و بدون شک کوشش داشتند که این موضوع را به مردم افغانستان هم القاء کنند. من گفتم که این عمل نمی تواند. کمکی به بهبود روابط میان آمریکا و افغانستان کند. من از شاه ولی خواستم که اگر دلیلی مبنی بر دخالت آمریکا دارد

ص: ۶۰۶



آن را ابراز کند. شاه ولی در این مورد چیزی نگفت.

۱۱- تفسیر. من قصد دارم که از ابراز تمایل شاه ولی در مورد بهبود روابط به عنوان وسیله ای برای حل بعضی از مشکلات فوریمان استفاده کنم. گمان می برم که تا چند روز دیگر باید درباره پاسپورت افراد گارد دریایی مان به ملاقات معاون وزیر امور خارجه بروم. او تاکنون از بازگرداندن آنها به آمریکا امتناع ورزیده است. این مسئله در ارتباط با تقاضای جمهوری دموکراتیک افغانستان مبنی بر محدود کردن ابعاد مأموریت ماست. من به «راست» خواهم گفت که اگر تقاضای شاه ولی مبنی بر ایجاد روابط دوستانه بین دولتهای آمریکا و افغانستان خالصانه بوده باشد، من امیدوارم که این صحبت با استرداد فوری پاسپورتها و با تقاضای ویزای ورود و خروج ثابت شود.

۱۲- من نمی دانم که نفوذ شاه ولی در وزارت خارجه در مورد این مسئله تا چه حد است. حفیظ الله امین هنوز یکی از قدرتمندترین مردان دولت است و بنا بر اطلاعات ما او نقش مهمی در وزارت خارجه به عهده دارد. من درباره نظریات دکتر شاه ولی راجع به آمریکا هم زیاد مطمئن نیستم، با وجودی که او سعی داشت نسبت به من رفتار دوستانه ای داشته باشد. او ادعا می کرد که یکی از تحسین کنندگان آمریکاست، اما به تصور من او فقط ادعا می کرد. در زمان وزارت بهداشت عمومی و همچنین طرحهای اجرائی، او همیشه به شکل مانعی در برخورد با هیئت نمایندگی کمکی آمریکا به چشم می خورد. به طور کلی، ما او را یکی از اعضای مصمم و سازناپذیر دفتر سیاسی تشخیص داده ایم و به نظر ما به هیچ وجه دوست آمریکا نیست.

۱۳- من ملاقاتی با سفیر بریتانیا - کروک - داشتم. او چند روز قبل با شاه ولی دیدار کرده بود و به من گفت که آنها ملاقات غیردوستانه ای داشته اند (به خصوص در مورد بی.بی.سی). آمستوتر

### **بحث مشاوران سیاسی راجع به افغانستان (سری)**

سند شماره (۲) از: هیئت نظامی آمریکا در ناتوتاریخ: ۸ اوت ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی طبقه بندی: سری  
رونوشت: سفارت آمریکا تهران شماره سند: ۵۶۱۵ موضوع: بحث مشاوران سیاسی راجع به افغانستان (سری) ۱- (سری - تمام متن) ۲- در جلسه ۷ اوت کمیته سیاسی، انگلستان، آلمان فدرال، کانادا و ترکیه قطعنامه ای در مورد اوضاع افغانستان ارائه دادند. متن قطعنامه در پاراگراف ۶ نقل شده است. نماینده انگلیس که پیشنهاد کرده بود که موضوع افغانستان در جلسه بحث شود از قطعنامه قدردانی نمود و توصیه کرد که به علت تغییر و تحول اوضاع در افغانستان، مدیران سیاسی در جلسه آینده هم راجع به افغانستان صحبت کنند. نسبت به این مطلب هم توافق شد.

۳- نماینده ایالت متحده علاقه واشنگتن را نسبت به یک ارزیابی توافق شده در قبال مداخله شوروی در افغانستان، ابراز نمود (قطعنامه نوشته شده درباره این موضوع به طور مفصل بحث می کند.) و گفت که باید راجع به این موضوع به طور مداوم در جلسات بحث شود. نماینده کانادا، در جواب توضیحات نماینده

در مورد تخلیه موقت وابسته های آمریکا و کارکنان غیر ضروری از کابل، گفت که کاناداییها هم در مورد جریان تخلیه «علاقه مند» هستند. او ادامه داد و نظرات اتاوا (پایتخت کانادا) را در مورد اینکه نهضت شورشیان تا هنگامی که یک رهبری ضد ترکی به وجود آید، که تا به حال چنین نبوده است، غیر مؤثر و جزئی باقی خواهد ماند. نماینده کانادا خواهان نظرات و اطلاعات احتمالی سایرین راجع به این، شد.

۴- ایتالیاییها تقاضا کردند که کودتای پنج اوت موضوع بحث در جلسه بعدی مدیران سیاسی باشد.

نماینده آلمان فدرال گفت که مقامات آلمانی مطمئن نیستند که آیا تغییرات اخیر کابینه دولت به علت میل به افزایش کارایی بوده است، یا به دلیل ترس از احتمال توطئه داخلی شوروی.

۵- کارهایی که باید انجام شود: جلسه بعدی مشاوران سیاسی در ۲۱ اوت خواهد بود. ما از نظریه NLTOOB واشنگتن تشکر می کنیم. نظرات واشنگتن راجع به این قطعنامه و سایر نظرات گوناگون به طور شفاها گفته شد.

۶- شروع متن مقاله های مربوطه:

شروع متن مقاله نماینده کانادا:

اوضاع در افغانستان مخالفان داخلی ۱- حرکت قبیله ای مخالفان در افغانستان به آرامی ولی مداوما در حال افزایش است. اگر چه دولت همچنان تسلط خود را بر مراکز عمده شهری و شبکه جاده های اصلی، حفظ می کند، ولی قدرت و کنترل خود را در مناطق خارج از شهر و روستائی از دست داده است.

۲- اگر چه مخالفت های مسلحانه در حال افزایش است، اما هنوز از یکدیگر مجزا می باشند و نشانه های مشهودی هم برای تبدیل به یک نیروی منسجم وجود ندارد. هنوز ظرفیت لازم برای همکاری کافی در مسائل نظامی به منظور بیرون راندن رژیم ترکی مهیا نشده است. علیرغم عنصر عدم وفاداری در نیروهای مسلح و مشکل اسلحه و کمبود لوازم یدکی، به نظر می رسد دولت قادر است خود را در مراکز شهری که برای وجودش حیاتی است، باقی نگهدارد.

روابط افغانستان، پاکستان ۳- پاکستان به پذیرش و کمک به پناهندگان افغانی حمایت شده ادامه می دهد، در عین حال که حداکثر تلاشش را برای محدود کردن فعالیتهای سیاسی - نظامی پناهندگان انجام می دهد. تلاش پاکستان در منطقه ممکن است ثمراتی داشته باشد. در اینکه نمایندگان شوروی و تاس در طی دو هفته اخیر در مورد پاکستان و روابط پاکستان - شوروی تعارفات شفاهی اظهار می کنند، ما می گوئیم «ممکن است» چنین فعالیتهایی به وسیله چیزهایی غیر از وقایعی در افغانستان، مثلاً تعدی کردن به مواضع نسبتا مورد علاقه چین در پاکستان، به وجود آمده باشد.

۴- کاهش اخیر اتهامات شوروی و افغانستان در مورد اینکه پاکستان از طریق حمایت فعال از آشوبگران پناهنده از نیروهای شورشی حمایت می کند، ممکن است به کاهش درگیری مرزی کمک کند، معهدا تعداد تقریبی ۱۲۵۰۰۰ پناهنده در اردوگاهها و همچنین هزاران پناهنده دیگر افغانی که به جای



خویشاوندان مرزنشینان زندگی می کنند، تحمیلی است بر استطاعت مالی و تحمل پاکستان. مشغله فکری پاکستان از حضور و نفوذ شوروی در افغانستان غیرقابل پیش بینی است و عاملی بالقوه جهت ایجاد عدم ثبات در منطقه می باشد. وجود عناصر معقول در سیاست خارجی پاکستان که شامل بعد «اسلامی» نیز می شود در این مسئله نقش دارند (منظور از مسئله بی ثباتی در منطقه است - مترجم).

نقش شوروی ۵ - به نظر می رسد که تا آنجایی که به موضع شوروی مربوط می شود، تغییر اندکی در طی دو ماه اخیر صورت گرفته است. در حالی که شایعات مبرمی وجود دارد که حاکی از آمادگی شوروی برای برکناری رهبری ترکی به نفع گروهی که قابل قبول تر برای توده های افغان باشند، می باشد. هیچ دلیل منطقی در حمایت این مدعا وجود ندارد. در حقیقت هدف اصلی شوروی بایستی این باشد که افغانستان را به طور نزدیکی تحت سلطه شوروی نگهدارد و هیچ تغییری در افغانستان نباید قادر به مداخله در سطح جدید روابط افغان - شوروی باشد. بنابراین، در حال حاضر به نظر می رسد که روسها به طور قطعی تصمیم گرفته اند که به حمایت از رژیم فعلی حتی تا مرحله نزدیک دخالت مستقیم ادامه دهند، در حالی که برای یافتن رهبری جدیدی نیز تلاش می کنند که، در عین حالی که به آنها اجازه حضور فعال بدهد، دولت مطبوع تری را نیز به مردم افغان ارائه کند.

نتیجه ۶ - دعوت ملاهای افغان برای جهاد علیه رژیم ترکی - امین به ظهور یک رهبر در بین گروههای چریکی منتهی نشده است. شواهدی هم مبنی بر ایجاد یک چنین رهبری نیز در دست نداریم و تا آن هنگامی که مخالفین سازمان داده نشده باقی بمانند به نظر می رسد که مبارزه محدودتر از آن باشد که به درازا بکشد. پایان متن

### افغانستان: نظراتی در مورد اشغال شوروی

شروع متن اعلامیه جمهوری فدرال آلمان یادداشتهای گفتگو موضوع: افغانستان: نظراتی در مورد اشغال شوروی ۱ - وضع امنیت داخلی افغانستان به سرعت به وخامت می گراید. رژیم طرفدار مسکوی ترکی ظاهراً با مشکلاتی مواجه شده است. علیرغم حمایت نظامی حجیم شوروی در ارسال مقادیر معتابهی اسلحه و استفاده از سه تا سه هزار و پانصد مستشار نظامی (که برخی از آنها در سمت فرماندهی می باشند)، دولت مرکزی افغانستان تا به حال قادر به شکستن مقاومت توده های عظیم مردم که شدیداً انگیزه مذهبی دارد، نبوده است. برعکس گروههایی که مقاومت می کنند به طور فزاینده ای موفقیتهایی به دست آورده اند، بدون حمایت شوروی احتمالاً رژیم مدتها قبل سقوط کرده بود ۲ - این بدان معنی است که، تا آنجایی که به شوروی مربوط است، به زودی مجبور خواهد شد در مورد درگیریهای آینده اش در افغانستان تصمیمی بگیرد.

۳ - احتمالاً می توان چنین نتیجه گیری کرد که مسکو رژیم فعلی در افغانستان را ساقط نخواهد کرد.

چون یک منطقه ای را که منافی برای شوروی خواهد داشت از دست خواهند داد و اگر افغانستان را به جنگ بیاورند، فاصله آنها با هدف ژئواستراتژیکشان (جغرافیائی استراتژیک) یعنی اقیانوس آرام به ۵۰۰ کیلومتر تقلیل پیدا خواهد کرد. اگر افغانستان به یک وضعیت کم و بیش اسلامی باز گردد، مسکو به احتمال زیاد، یک همسایه ضد روسی خواهد داشت. جدا از یک چنین عقب نشینی سیاسی گرفتاری در سایر نواحی تحت نفوذ شوروی و عناصر مسلمان جمعیت شوروی را نمی توان مستثنی کرد.

۴- تعویض احتمالی حکام فعلی در کابل با دولتی که در نظر دنیای خارج کمتر طرفدار شوروی جلوه کند (این آن چیزی است که در حال حاضر شوروی ظاهراً سعی می کند انجام دهد) به سختی می تواند نفوذی بر نهضت‌های مقاومت داشته باشد. آنها علیه اعضای رژیم فعلی نمی جنگند بلکه علیه ایدئولوژی کمونیستی، که برای آنها، ابتدا به وسیله حضور شوروی در کشور نمایان شده می جنگند.

۵- بنابراین، اگر مسکو بخواهد موقعیت فعلیش را حفظ کند، باید تعهدات و تلاش‌های خود را تقویت کند. اخیراً مطبوعات روسی اظهار کرده اند که امکان دارد استفاده فعال از واحدهای نظامی شوروی در حمایت از رژیم ترکی، در مد نظر گرفته شود. مطابق ماده چهار پیمان دوستی بین اتحاد شوروی و افغانستان، پس از مشورت دوجانبه اتحاد شوروی محق است که به منظور حفظ امنیت، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان وارد عمل شود.

چنین مطلبی می تواند به طور سیاسی و روانشناسانه و از طریق انتشار حمایت از «شورشیان» و به وسیله «هجوم» پاکستان در مطبوعات اتحاد شوروی و افغانستان، قبولانده شود، برای اولین بار، افغانستان در مطبوعات شوروی به عنوان یکی از اعضای جامعه سوسیالیستی که می تواند موضوعات خود را مطابق نظریه های برژنف انجام دهد، توصیف شده است.

۶- بعید به نظر می رسد که اتحاد شوروی در گیری خود را تا سطح دخالت نظامی پیش ببرد، زیرا چنین کاری منجر به یک ریسک خطرناک خواهد شد. اول از همه چنین قدمی باعث تحریک عکس العمل‌های منفی خواهد شد. به ویژه در میان عربها و دنیای اسلام. اما هنوز ممکن است که مسکو برای یک چنین ریسکی آماده باشد.

۷- اما مسئله جدی تر مقاومتی است که انتظار می رود توده افغانی نشان دهد و عواقب حاصله آن برای اتحاد شوروی خواهد بود. ملت افغان به هیچ چیز به اندازه آزادی‌شان اهمیت نمی دهند و تا این زمان قادر بوده اند که از خود در قبال تمام خارجیانی که ادعای برتری کرده اند دفاع کنند و هرگز وادار به پذیرش حاکمیت استعماری از هر نوعی نشده اند. در صورت مداخله شوروی، جمعیت افغانها تمامی دعواهای قبیله ای موجود را ندیده گرفته و علیه هجوم شوروی همچون یک فرد قیام خواهند کرد.

۸- قابل تردید به نظر می رسد که اتخاذ شوروی قادر باشد بر این مقاومت غلبه کند. غیرقابل دسترس بودن نواحی (۸۰ درصد نواحی افغانستان با کوهستانهایی که برای چریکها مطلوب است پوشیده شده) روحیه جنگجویی قبایل کوهستان نشین و ساخت محتمل می سازد. بایستی در نظر گرفته شود که یک مداخله منجر به جنگ چریکی مستمری خواهد شد که نتیجه آن کاملاً نامشخص می باشد و برای یک مدت طولانی نیروهای روس را زمین گیر خواهد کرد.

۹- هیچ تردیدی نیست که اتحاد شوروی به عمل کردن در جهت حمایت از رژیم کابل ادامه خواهد داد.

سلاحهای بیشتری فرستاده خواهد شد و شمار مستشاران روسی افزوده خواهد شد. همچنین می توان

ص: ۶۱۰

نتیجه گرفت که مسکو احتمالاً از واحدهای نظامی ازبکستان و تاجیکستان که هنگامی که به لباس افغانی ملبس شوند، از نقطه نظر جسمی و لهجه ای غیرقابل تشخیص خواهند بود، استفاده کند. در حال حاضر مشکل است بتوان تشخیص داد که آیا مسکو واقعا آماده پذیرش مخاطره دخالت نظامی هست یا نه؟ پایان متن.

شروع متن مقاله ترکیه افغانستان برداشت عمومی بعد از کودتای آوریل ۱۹۷۸ چنین بود که رژیم جدید برای ریشه دواندن، دوران مشکلی در پیش دارد و شخصیت مستقل و محافظه کار مردم افغانستان به آسانی به سمت رژیم طرفدار شوروی با ماهیت کمونیستی نخواهد رفت.

این پیش گویی به حقیقت پیوسته است. ابتدا چادرنشینها در حاشیه مرزهای بین المللی کشور از پذیرش حاکمیت رژیم سرباز زدند، مقاومت آنها تدریجا تا آنجا گسترده شد که در مارس ۱۹۷۹ در هرات و سپس در ۲۳ ژوئیه و در طول تعطیلات آخر هفته در کابل جنگ در گرفت. علیرغم تلاش دولت جهت تاویل ناآرامیها به عنوان تحریکات خارجی، به نظر می رسد که نیروهای اصلی در پشت آن، همان ناسازگاریهای فوق الذکر باشد.

بدیهی است که ایران و پاکستان رژیم افغانستان را به دیده صمیمت نمی نگرند و آن را به عنوان تضاد با رژیم اسلامی خویش تلقی می کنند. با وجود این هیچ کدام از دو کشور در موقعیتی نیستند که بتوانند عملی انجام دهند.

پاکستان: وضعیت اقتصادی و انزوای او در منطقه عوامل مؤثری در موضع وی می باشند، این مطلب که چادرنشینانش در طول مرزهای افغانستان عملیاتی بر علیه افغانستان به عهده دارند، با وجود و یا عدم وجود افغانستان این یک مشکل اصلی برای پاکستان است که نظم و حاکمیت دولت را در آن نواحی اعمال کند. او (پاکستان) ناچار است که در طول نواحی مرزی ناهموارش متوسل به عملیات نظامی سنگین شود.

ایران: با وجود اعلامیه های مختلفی از جانب رهبران مذهبی مبنی بر محکوم کردن ظلمی که بر هموعانشان در افغانستان می رود مشکل است که در شرایط فعلی منتظر حرکت اساسی تری از جانب ایران باشیم.

به همراه مخالفتهای محلی نسبت به رژیم افغان، گروههای مختلفی نیز تشکیل شده اند که در بعضی کشورهای اروپایی و هندوستان تظاهراتی به راه انداخته اند، خصیصه اصلی گروههای مخالف چه داخلی و چه خارجی افغانستان، چه مسلح و چه غیرمسلح، ماهیت مستقل آنها از یکدیگر، فقدان هماهنگی در بین رهبرانشان می باشد. این کمبودها از احتمال موفقیت می کاهد.

موضع شوروی در قبال مخالفتهای محلی قویتری در افغانستان اهمیت قابل توجهی خواهد داشت.

ژوئن امسال، شایعاتی مبنی بر احتمال مداخله شوروی در محافل دیپلماتیک کابل وجود داشته است. یک سفیر عرب به همتای ترکش گفت که ترکی در هشتم ژوئن به منظور تقاضای واحدهای نظامی شوروی به مسکو رفت و اینکه روسها تقاضای او را رد کردند و فقط رهبران افغان را مطمئن کردند که کمکهای اقتصادی ادامه خواهد یافت. قید معاهده دوستی در کشور مبنی بر تسریع در فراهم آمدن واحدهای نظامی





روسی، به عنوان حاصل یکی از تقاضاهای افغانستان گنج‌ناییده شده بود. واضح است که رهبران شوروی آن را به عنوان آخرین توسل می‌نگرند و حتی بعداً مجبور درگیر شوند، شبیه به ماجرائی که در ویتنام اتفاق افتاد به هر حال در صورت وخیم تر شدن وضع ترکی.

خواهند شد در حالی که فرضیات زیرا در ذهن دارند با وضعیت بسیار محتاطانه مقابله نمایند.

چنین قدمی می‌تواند منجر به نزدیکی چین - پاکستان - ایران و ایالات متحده شود.

بدین قرار روسها می‌توانند عمل به نفع چینها را خاتمه بخشند. روسها ممکن است با مردم افغان مستقیماً درگیر شوند، شبیه به ماجرائی که در ویتنام اتفاق افتاد. به هر حال در صورت وخیم تر شدن وضع ترکی، روسها می‌توانند یک تغییراتی در مارکسیستهای افغانستان ایجاد کنند و بدین ترتیب سعی کنند تا ظاهری مشفقانه را حفظ کنند. به نظر می‌رسد که این طرح از احتمال بیشتری برخوردار است. آنها ممکن است در مورد به قدرت رساندن فرد دیگری از حزب ترکی فکر کنند و یا حتی حزب پرچم را که قبلاً به وسیله حزب خلق از صحنه خارج شده بود، به قدرت برسانند. پیش‌بینی اینکه این مسئله با خونریزی و یا بدون خونریزی صورت گیرد، مشکل است. اگر در بین مارکسیستها جنگ قدرت پیش آید این می‌تواند شانس خوبی به مخالفان ارائه کند.

قبلاً شواهدی بروز کرده که حاکی از آن است که تمامی کشورهای بلوک شرق از ترکی راضی نیستند.

تذکرات زیر که به وسیله سفیر آلمان شرقی و سفیر تازه وارد ویتنام به سفیر ترکیه گفته شده، در این متن توضیح داده می‌شود. (جمهوری دموکراتیک آلمان) علل مشکلات رژیم در سری اشتباهاتی است که مرتکب شده است. در شرایطی که، مقاومت گسترده دفاعی در تمامی کشور علیه رژیم وجود دارد، دیگر جای هیچ گونه اشتباه جدیدی باقی نمانده است. از این به بعد رهبران مجبورند بسیار ملاحظه کار باشند.

اولین قدم اشتباه، درست مانند بازی شطرنج، می‌تواند به باختن در این بازی منجر شود. آنهایی که مقاومت می‌کنند بدون استثنا حتی زنان و کودکان، تحت بازداشت قرار می‌گیرند. همه می‌دانند که این کار مؤثر نیست. در مجموع به نظر می‌رسد که حمایت روسها ادامه دارد. شاید در کوتاه مدت و به صورت داخلی و مخصوصاً از خود حزب، جانشینانی ظاهر شوند.

(ویتنامیها) علیرغم اینکه تازه وارد شده‌ام، مشکل نیست که بحران داخلی را ببینم، این بحران از فاصله‌ای که بین رهبران و مردم وجود دارد و خط مشی سرسختانه‌ای که در قبال شورشیان در پیش گرفته و بالاخره از اصلاحاتی که بدون مقدمات لازم صورت گرفته است، ناشی می‌شود. اینها همچنین ممکن است که دلیل آخرین تغییرات در کابینه دولت باشد.

روابط افغانستان را با کشورهای بلوک غرب نمی‌توان خوب توصیف نمود تا چندی پیش رهبران تأکید کردند که خواهان روابط حسنه با آمریکا می‌باشند، اما پس از قتل سفیر آمریکا در افغانستان که منجر به سرد شدن روابط بین دو کشور شد، آنها در اعلامیه‌های عمویشان از فرانسه، انگلیس و آمریکا به عنوان اولین کشورها در جرگه کشورهای مخالف رژیم افغانستان یاد کرده‌اند.

روابط ایران و افغانستان هنوز متشنج می باشد. در هر موقعیتی افغانها از رهبران مذهبی ایران به عنوان «رهبران متعصب» یاد می کنند و در پشت هر شورش به دنبال رد پای شیعه و یا ایرانیها می گردند. در دیدار ماه ژوئیه «دوست» معاون وزیر امور خارجه افغانستان باب مذاکره با پاکستان را باز کرد. مقامات پاکستانی برداشت خود را مبنی بر اینکه «دوست» اختیارات چندانی نداشته و در طی دیدارش کار مهمی

ص: ۶۱۲

انجام نداده به سفارت ترکیه ابراز کردند. معهدا درست بعد از این دیدار بود که احتمال یک دیدار توسط آقاشاهی مشاور امور خارجی پاکستان به منظور فراهم آوردن ملاقاتی بین ترکی و ژنرال ضیا قوت گرفت.

پایان متن.

شروع متن مقاله انگلستان افغانستان ۱- گزارشات اخیر نشانگر این مطلب است که توانایی رژیم ترکی در کنترل اوضاع به طور فزاینده ای متکی به حمایت‌های نظامی شوروی می باشد. از نقطه نظر شوروی ابقاء یک دولت دوست و همگام با شوروی به مراتب از ابقاء ترکی یا امین مهمتر است. اما ما نباید بدین طریق نظر شوروی را نسبت به «انقلاب افغانستان» ناچیز بشماریم.

۲- روسها بر این مسئله که یک انقلابی در افغانستان به وقوع پیوسته و اینکه انقلاب نمایانگر سود سرشاری برای مردم افغانستان بوده و از لحاظ کیفی یک خصیصه جدیدی به روابط شوروی - افغانستان بخشیده، سرمایه بسیاری گذاشته اند. با وجود اینکه افغانستان در عمل به صورت عمده ای به اتحاد شوروی وابسته بماند یا نه، اگر رژیم غالب انقلاب را رد کند، روسها، آن را به عنوان یک عقب گرد می نگرند. آنها اگر دلیلی برای هراس از یک عقب گرد ضدروسی داشتند بیشتر نگران می شدند.

۳- اگر هیچ جانشینی برای ترکی و امین که احتمالاً ماندنی هستند نباشد که لااقل از طریق صحبت و سخنرانی به ادامه انقلاب کمک کند، روسها تا حد قابل ملاحظه ای در حفظ رژیم کنونی پیش خواهند رفت.

۴- خسارات مداخله نظامی مستقیم با تعداد زیادی از واحدهای نظامی روسی که به طور مشهود تحت فرماندهی روسها باشد و مستقیماً عمل کند، زیاد است و بعید است که روسها از آن استفاده کنند. عملی که روسها احتمالاً ترجیح می دهند و شواهدی هم بر آن وجود دارد این است که به بهانه وخامت اوضاع داخلی که به علت مداخله عوامل خارجی ایجاد شده و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی تهدید شده، طبق ماده چهار عهدنامه دوستی بین افغانستان و شوروی، حضور نظامی خود را تقویت کنند.

۴- روسها بیشتر از آنچه که واقعا لازم دارند در افغانستان مانده اند، ولی اکنون در وضعیتی قرار دارند که نمی توانند به راحتی و بدون آبروریزی زیاد و خسارات زیاد به منافعشان، عقب نشینی کنند.

۵- در رابطه با موضوع بالا، اگر جانشینی برای ترکی و امین در دسترس باشد روسها مایلند که دست به کار شوند. مشکل اینجاست که اگر جانشینی هم برای ترکی و امین پیدا شود مشکل است که بتواند پایگاه توده ای برای خودش کسب کند، مگر اینکه این جانشین نشان دهد که به طور قابل ملاحظه ای کمتر از ترکی و امین به شوروی وابسته است. حتی اگر روسها تصمیم بگیرند که موقعی که رژیم جانشین سرکار می آید دهنه را شل کنند (منظور دادن اختیارات بیشتر می باشد - مترجم)، گروه سیاسی وجود ندارد که این نقش را به عهده بگیرد. یک رژیم نظامی ممکن است یک نوع جانشین باشد. ممکن است در نظر مردم ارتش به اندازه کافی فرق داشته باشد که با حزب خلق به یک چوب رانده نشود. روسها ممکن است به سهم خودشان راضی باشند که اگر تعداد زیادی افسر افغانی در روسیه تربیت شوند، می توانند آنها را به ادامه



نفوذشان در افغانستان مطمئن سازند.

به هر حال، هر چند که ترتیب یک کودتا را دادن برای روسها آسان می باشد، ولی دلایل خوب و کافی وجود دارد که نسبت به وفاداری و قدرت ارتش برای پذیرفتن مسئولیتهای زیادتیر، شک نمود.

### **مقام بلندپایه شوروی در اکتبر گذشته از کابل دیدار کرده است**

سند شماره (۳) از: سفارت آمریکا کابل تاریخ: ۸ اوت ۷۹ به: سفارت آمریکا مسکو طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: مقام بلندپایه شوروی در اکتبر گذشته از کابل دیدار کرده است.

۱- (تمام متن محرمانه) ۲- یک سفیر آسیای جنوبی در کابل از قول سفیر آلمان شرقی هرمن شوسیائو گفته است که «مرد شماره چهار شوروی در اکتبر گذشته از کابل دیدار نموده است.» سفیر آسیای جنوبی فکر می کند که منظور شوسیائو، شخصیت روسی، اکیریلنکو می باشد.

۳- آیا سفارت آمریکا در مسکو یا وزارت امور خارجه از هویت شخصی که شوسیائو بدان اشاره می کند اطلاع دارند یا خیر؟  
آمستوتر

### **نقطه نظرهای ترکیه در مورد افغانستان**

سند شماره (۴) از: سفارت آمریکا آنکارا تاریخ: ۱۹ اوت ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی سی. فوری طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: نقطه نظرهای ترکیه در مورد افغانستان ۱- کل مطلب محرمانه است.

۲- این یک گزارش اطلاعاتی است. هیچ گونه اقدامی لازم نیست.

۳- خلاصه: نظریات مقامات (وابسته به وزارت امور خارجه) در روزهای اخیر نشان داده است که برداشتهای دولت ترکیه از اوضاع افغانستان، عموماً شبیه تجزیه و تحلیلهای آمریکا است. ترکها از بیانات برژینسکی به عنوان شواهد علاقه سخت آمریکا به وضعیت افغانستان استقبال کردند. پایان خلاصه مطلب.

۴- در خلال گفتگوهای جداگانه با مأمورین سفارت در ۷ و ۸ اوت، میتات بایکان رئیس قسمت آسیای جنوبی وزارت امور خارجه و حسین سلم مدیر کل امور سیاسی، از بیانات اخیر برژینسکی در مورد افغانستان استقبال کردند. دولت ترکیه بیانات وی را به عنوان شاهی بر تمایل ایالات متحده به ایفای نقشی فعال تر در افغانستان می بیند. در هر صورت سلم فکر می کند که بیانیه بتواند روسها را از دست زدن به هر تلاشی برای حفظ رژیم کمونیستی در کابل باز دارد.

۵- به عقیده سلم، شوروی از این «فرصت تاریخی» برای وسعت بخشیدن به نفوذ خود در افغانستان نخواهد گذشت. دولت ترکیه اقدام آشکار واحدهای ارتش شوروی را پیش بینی نمی کند. با این حال سلم بر این عقیده بود که امکان دارد مداخله شوروی تدریجاً و به شکل همکاری نظامی افزایش یافته و حضور مستشاران نظامی، بالا بگیرد. معذالک ترکیه گزارشهای ناقصی، فقط از جنگهای اخیر کابل داشتند، اما آنها بر این عقیده اند که دولت ترکی در وضع بسیار بدی است. به عقیده سلم شورویها کار خیلی کمی در جلوگیری از مخالفت صریح خمینی با رژیم کمونیستی کابل می توانند انجام دهند، اما آنها (شورویها) سعی خواهند کرد که بر پاکستان فشارهای دیپلماتیک وارد کنند.

۶- دیگر مقامات وزارت امور خارجه ترکیه که تجاری در افغانستان دارند، اخیراً نظرات مشابهی ابراز نموده اند؛ رئیس شاخه خاورمیانه وزارت امور خارجه آلپ کار عثمان اغلو اشاره کرد که در زمان کودتای ترکی، دولت ترکیه و دولت داوود در حال برقراری مجدد برنامه های آموزش قبلی برای افسران نیروی هوایی افغانستان بودند. ترکیه بر این عقیده اند که رژیم بیشتر افسرانی را که ترکیه آموزش داده زندانی کرده و یا در خانه تحت نظر قرار داده و جای آنها را به افسران آموزش دیده روسی داده است.

اسپایزر

### فرستنده رادیویی مخالفین افغانی

سند شماره (۵) از: کنسول آمریکا در پیشاور تاریخ: ۹ اوت ۱۹۷۹ به: وزیر خارجه واشنگتن دی سی طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۸۹۵۹ موضوع: فرستنده رادیویی مخالفین افغانی ۱- تمام متن محرمانه ۲- به گفته ضیا ناصری شهروند آمریکایی متولد افغانستان، به زودی یک ایستگاه رادیویی مخالفین افغانی به اضافه رادیو اسمر در این ناحیه به کار خواهد افتاد. ناصری فعلاً در ارتباط با کلینیک پشتو - آمریکایی خود برای آوارگان افغانی، در پیشاور به سر می برد. (عطف به تلگراف مرجع الف. همچنین یادداشت جداگانه ارسال خواهد شد.) ناصری ادعا می کند که با خود از آمریکا یک فرستنده رادیویی کوچک با برد ۸۰ کیلومتر آورده است.

رادیو، که با یک باتری ماشین کار می کند، گفته شد که به اندازه کافی کوچک است که در یک جامه دان جا بگیرد. ناصری در مورد اینکه آن را از کجا فراهم کرده چیزی نگفت، فقط گفت که در آمریکا آن را به دست آورده است. او به من پیشنهاد نکرد که رادیو را بینم، منم از او نخواستم.

۴- ضیاء ناصری در مورد استفاده از این رادیو نیز به ما چیزی نگفت. رادیو در مناطق مرزی در اطراف پاکستان یا در یک ناحیه «آزاد شده» افغانستان کار خواهد کرد. رادیو هم چون درمانگاهی که او مشغول ساختنش است، با هیچ گروه به خصوصی از مخالفین افغانی مربوط نخواهد بود، اما در عوض «بیطرف» خواهد بود. او گفت، رادیو برای مقاصد «انسان دوستانه» خواهد بود.

۵- بر طبق اظهارات ناصری، دولت پاکستان باخبر است که ناصری فرستنده را به داخل کشور آورده



است.

۶- ناصری به من گفت، رادیوی مخالفان «رادیو اسمر» که یک ماه است گاه و بیگاهی کار می کند، یک جز از تجهیزات غنیمت گرفته شده است. بنا به گزارش، رادیو یک فرستنده روسی نصب شده روی جیب است که از ارتش افغان غنیمت گرفته شده و برای برنامه های عمومی تنظیم شده است. رادیو به وسیله حزب اسلامی گلبدین حکمتیار کنترل می شود.

۷- سفارت در اسلام آباد اضافه می کند: این گزارش در پیشاور نوشته شده بود، قبل از آن که کیسه های پستی حامل کپی منابع ب و ج به آنجا برسد، بنابراین کنسول از آن تبادل با خبر نبود.

آرچارد

### سفر نیوسام معاون وزیر امور خارجه به آسیای جنوبی

سند شماره (۶) از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سیتاریخ: ۱۲ اوت ۱۹۷۸ به: هیئت نمایندگی آمریکا در مقر ناتو فوری طبقه بندی: سری شماره: ۴۱۶۶ موضوع: سفر نیوسام معاون وزیر امور خارجه به آسیای جنوبی هیئت نمایندگی می تواند از ملاحظات زیر درباره سفر نیوسام معاون وزارت خارجه در تاریخ ۱۹-۸ ژوئیه به آسیای جنوبی به طور شفاهی استفاده کند.

۱- الف: افغانستان، مقامات افغانی تمایل خود را برای مناسبات دوستانه با ایالات متحده ابراز داشته و بر سیاست خود درباره عدم تعهد تکیه کردند. آنها گفتند که سرگرم بررسی مسائل مختلف از قبیل مسئله مرزها با پاکستان و قرارداد آب ایران هستند و هنوز درباره سیاستهای خود تصمیمی نگرفته اند. آنها اظهار داشتند که تصمیم آنها هر چه که باشد امیدوارند با همسایه های خود از طریق مذاکرات به حل و فصل برسند.

ب: درباره امور داخلی آنها گفتند که یک نقشه پنج ساله تنظیم خواهند کرد و اولویت اول آنها اصلاحات ارضی خواهد بود، آنها گفتند که اصل تعاونی از نظر آنها بر اصل اقتصاد اشتراکی ارجح است.

ج: در حالی که درباره سفارتهای کشورهای غربی در کابل چنین احساسی وجود دارد که تعداد مستشاران شوروی رو به افزایش است، این امر از طرف مقامات افغانی ذکر نشد، هر چند افغانها خاطر نشان ساختند که افغانستان از ۶۰ سال قبل تاکنون مناسبات خوبی با اتحاد جماهیر شوروی داشته و آنها را در انتظار آن هستند که کمکهای اساسی از جانب اتحاد جماهیر شوروی به آنها بشود. آنها همچنین امیدوارند که از دیگران نیز کمکهای اساسی دریافت کنند.

د: ما این امکان را بعید نمی دانیم که نفوذ شوروی ممکن است افزایش یابد، ولی معتقدیم که فتح بابهایی از جانب حکومت جدید برای مناسبات دوستانه و مساعدت باید از پاسخ گوییهای مثبت برخوردار باشد.

ایالات متحده برنامه های مساعدتی کنونی خود را ادامه خواهد داد.

ه: در عین حال اگر برنامه های ایالات متحده و کارمندان سرگرم در انجام این برنامه ها از رفتاری





مشابه با رفتاری که نسبت به دیگر کمک دهندگان اعمال می شود برخوردار نشود و اگر حکومت افغانستان از روش غیرمتعهد اصیل خود منحرف شود، یا دست به سیاستهایی بزند که اسباب زحمت و مشکلاتی برای پاکستان و ایران فراهم کند، اوضاع باید از طرف آمریکا مورد بررسی و تجدید نظر قرار گیرد.

و: پاکستان، ایران و عربستان سعودی از نفوذ فزاینده شوروی در افغانستان نگرانند، ولی معتقدند که کشورهای غربی باید به حضور خود در آنجا ادامه دهند و اینکه کشورهای منطقه باید از هر گونه اقدام تحریک آمیز که ممکن است افغانستان را به اتکای بیشتر به شوروی سوق دهد اجتناب کنند. هندیها نظریه حاکی از آسودگی بیشتری دارند، هر چند آنها درباره نفوذ فزاینده شوروی در کابل و امکان ثباتی بیشتر در مرز افغانستان و پاکستان آنقدرها هم راضی نیستند.

۲- الف: پاکستان - مکالمات با مقامات پاکستانی حاکی از آن بود که آنها معتقدند که اتحاد شوروی اکنون افغانستان را در کنترل خود دارد و آنها در نتیجه این وضع خود را در معرض (نفوذ شوروی - م) احساس می کنند. پاکستانیها نیز نسبت به هند عمیقاً سوءظن دارند و نسبت به ایران روش توأم با قید احتیاط دارند. آنها به تدریج اعتماد خود را نسبت به غرب و سنتو از دست می دهند. با توجه به این عوامل پاکستانیها در فرایند تجدید نظر در سیاستهای خود، از جمله چشم انداز سازش با اتحاد شوروی و کسب یک وضع ناظر در نهضت عدم تعهد، قرار گرفته اند. آنها گفتند که در شرف مطالعه راههایی از قبیل ترک سنتو برای کاهش فشار اتحاد شوروی می باشند، ولی ژنرال ضیاءالحق به نیوسام اطلاع داد که پاکستان دست به اقدام بدون مطالعه و فوری نخواهد زد.

ب: درباره مسئله عمل آوردن مواد هسته ای، پاکستانیها برای انصراف از اندیشه کارخانه عمل آوردن مجدد، علیرغم اصرار ما درباره اینکه با توجه به احوال تغییر یافته افغانستان موقع پاکستان دگرگون خواهد شد و اینکه در صورتی که مسئله عمل آوردن مجدد سوخت هسته ای حل شود، ما می توانیم به اجرای برنامه های مساعدتهای اقتصادی قبلی با حکومت ضیاء ادامه دهیم اظهار بی میلی کردند. حکومت ضیاء احساس نمی کند که به اندازه کافی نیروی سیاسی داشته باشد تا در تصمیم اولیه بوتو برای به دست آوردن ظرفیت عمل آوردن سوخت هسته ای تغییری دهد.

۳- عربستان سعودی و دو یمن: مقامات عربستان سعودی بر سر کودتای اخیر در عدن اظهار نگرانی کرده اند، زیرا آنها معتقدند که این کودتا نشانه دیگری از کوشش شوروی برای محاصره شبه جزیره نفت خیز عربستان با رژیمهای خصمانه نسبت به حکومتهای میانه رو است.

آنها بر سر آنچه که معتقدند به ویژه اظهار نگرانی کرده اند، سرازیر شدن سربازان بیگانه به داخل جمهوری دمکراتیک خلق یمن به دنبال این کودتا است و ما از حکومت عربستان سعودی درباره نقش آن در اجتماع جامعه عرب در تاریخ دوم ژوئیه که منتهی به محکوم شدن نقش جمهوری دمکراتیک خلق یمن در قتل رئیس جمهوری یمن شمالی و منزوی شدن بیشتر سیاسی و اقتصادی رژیم عدن شد تمجید کردیم.

ما همچنین با حکومت عربستان سعودی برای تسریع تحویل تجهیزات نظامی به یمن شمالی که قبلاً به تصویب ایالات متحده رسیده کار می کنیم و قصد نداریم در مرحله فعلی به فتح با بهای جمهوری دمکراتیک خلق یمن در علاقه به بهبود مناسبات با

ایالات متحده پاسخ مثبت دهیم.

«ونس»

**یک بازدید کننده سطح بالای روسی از کابل دیدن کرد**

ص: ۶۱۷

سند شماره (۷) از: سفارت آمریکا مسکوبه تاریخ: ۱۴ اوت ۷۹-۲۳/۵/۵۸ به: سفارت آمریکا کابل طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: به قرار اطلاع، یک بازدید کننده سطح بالای روسی از کابل دیدن کرد ۱- (متن کاملاً محرمانه) ۲- در طول بحث بر مسئله افغانستان با پروفیسور، یوری گنکوسکی از موسسه خاور شناسی (گزارش تلگرافی سپتامبر)، مقام سفارت درباره شایعه ملاقات یک عضو حزب کمونیست شوروی که در اکتبر گذشته از کابل دیدن کرده است، سؤال کرد، گنکوسکی خندید و جواب داد: «من می توانم به شما اطمینان دهم که از تاریخ آوریل ۱۹۷۸ انقلاب افغانستان تاکنون هیچ عضو حزب کمونیست شوروی از این کشور دیدن نکرده است.» گاریسون

## ماهیت مخالفان رژیم در افغانستان

سند شماره (۸) از: سفارت آمریکا کابل تاریخ: ۱۶ اوت ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره: ۶۲۵۱ موضوع: - (استفاده اداری محدود) ماهیت مخالفان رژیم در افغانستان ۱- تمام متن محرمانه است.

۲- خلاصه - مخالفت فزاینده نسبت به رژیم خلقی افغانستان به رهبری نور محمد ترکی رئیس جمهور و حفیظ الله - امین نخست وزیر از سوی عناصر نامتجانس که انگیزه های آنها تظلمات متفاوت است، نشان داده می شود. عناصر تشکیل دهنده اولیه برانگیزنده گروه های مختلف مخالفان که برای یک دگرگونی شدید در این رژیم انقلابی مبارزه می کنند عبارت است از ترس نسبت به سرکوبی اسلام و احساس نفرت نسبت به آنچه آنها فروخته شدن روح ملی افغانستان به مسکو درک می کنند.

رهبری مشترک ترکی و امین امکان کمی برای مانور دادن دارد و راه حلهای چندانی هم که راه را برای احتمال معکوس کردن روند جاری باز گذارند، در اختیار ندارد، غیر از آنکه فقط پاسخگوی مقداری از تقاضاها برای چنین دگرگونی شدیدی است، بنابراین تشدید عملیات ضد شورش همراه با کوشش بزرگتری از جانب شوروی برای نجات خود انقلاب افغانستان نه برای این دستگاه رهبری ویژه، در افق نمایان است. علیرغم موفقیت هایی که تاکنون به دست آمده، مخالفان رژیم همچنان پراکنده و غیر متشکل هستند و به طور عمده فاقد رهبری.

۳- موانع بزرگی در پیش پای کوشش عصیانگران برای سرنگون کردن یک رژیم مصمم و بی امان و به

خوبی مسلح شده قرار دارد و هدفهای مخالفان به طور کلی فاقد شکل مشخص است و مبهم می باشد. با وجود این «پیروزی مخالفان» (که به هیچ وجه تأمین نشده است) ممکن است برای علاقه بشر دوستانه و عمرانی و سیاسی ایالات متحده در این کشور و در این منطقه خوش یمن باشد. سقوط یک رژیم رادیکال دست چپی و مورد حمایت شوروی به حق می تواند انعکاسهای مثبتی برای ایالات متحده در سراسر جهان سوم، از طریق نشان دادن اینکه نظر حریفان ما درباره روند «گریز ناپذیر» تاریخ لزوماً «دقیق نیست»، داشته باشد. همچنین علیرغم قلت اطلاعات ویژه، رژیمی که به رهبری مخالفان رژیم کنونی بر سر کار آید می تواند به حق به بازگشت حضور ایالات متحده در زمینه عمرانی در این منطقه کمک کند و برعکس، رژیمی که بر شالوده تعالیم برخوردار از بنیاد گرایی اسلامی استوار باشد، احتمالاً برای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی چندان اولویتی قائل نخواهد شد (مثلاً بیانیه حزب اسلامی افغانستان خواستار تحمیل مجدد» پرده (مقصود حجاب است - م) و محکوم کردن زنان به یک زندگی منزوی است) و شاید انتقام جوییهای وسیع ناگزیر علیه خلقیها فعل و انفعالات منفی از نظر حقوق بشر داشته باشد، هر قدر هم قصاص علیه بعضی از مقامات خلقی موجه به نظر برسد. معذالک منافع وسیع تر ما با توجه به پیوندهای نزدیک جمهوری دمکراتیک افغانستان با مسکو، در معرض قمار قرار گرفته و به احتمال قوی با برکناری رژیم ترکی و امین خدمتی به این منافع انجام خواهد گرفت.

پایان خلاصه ۴- مقدمه: از زمان برقراری جمهوری دمکراتیک افغانستان در شانزده ماه قبل دستگاه رهبری و افراد عادی حزب دمکراتیک خلق افغانستان که عنصر کلیدی کشور را تشکیل می دهد و ریشه های اصلی آن در یک گروه کوچکی از نظامیان و جزئی از اندیشمندان و جوانان شهر نشین جا گرفته اند، می کوشند تا مناسبات «سنتی» سیاسی و اجتماعی این کشور را به شکل شدید و ناگهانی تغییر دهند. با توجه به فقر و عقب ماندگی افغانستان هدفهای این رژیم انقلابی به خودی خود شاید از پشتیبانی اغلب محافل علاقه مند به بهبود وضع مردم افغانستان برخوردار باشد. معذالک یک سلسله اشتباهات سیاسی و سیاست سرکوبی خشن و بعضی از مفاهیمی که به عقیده و اصرار رژیم سوء تعبیر شده است، باعث به وجود آمدن و تشدید یک نهضت مخالفان گردیده است که عملیات آن ظرفیت حکومت افغانستان را برای کنترل کشور در خارج از مراکز بزرگ جمعیتی کاهش داده است، هر چند که رژیم هنوز هم می تواند به سرعت و با قدرت در نزدیکی قلب سیاسی کشور با این نهضتها به مبارزه برخیزد (همچنان که روز پنجم اوت این موضوع نشان داده شد)، با وجود این مخالفت با رژیم علیرغم پراکنده بودن و فاقد رهبر بودنش، تقریباً در همه جا گسترش یافته و ظاهراً تظاهرات عمیقی که باعث به میدان آمدن هزاران شورشی، با به خطر انداختن همه چیز خود در کوشش برای سرنگون کردن رژیمی که مدعی است که تنها غم و غصه آن رفاه توده های افغانستان است، تشدید می شود.

۵ - عناصر اصلی معادله مخالفت: مخالفت با رژیم جمهوری دمکراتیک افغانستان یک شورش هماهنگ و یکدست نیست، زیرا تعدادی از عناصر نامتجانس، به دلایل مختلف برای به وجود آوردن دگرگونی شدیدی در این رژیم مبارزه می کنند، گروههای شورشی که اکنون عملاً سرگرم نبرد علیه ارتش افغانستان هستند، نیروی انسانی خود را از روستاها و قبائل به دست می آورند که این عناصر در هر جا از ۸۰ تا ۹۰ درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند. این بخشهای به طور کلی بیسواد جامعه افغانستان،

حریفان سنتی هر حکومت مرکزی در کابل هستند، هر چند بیشتر آنها اگر به حال خود گذارده شوند شم و احساس سیاسی ندارند. معذالک بعضی از دهکده ها به دلایل مختلفی (مثلاً اقتصادی) از جمهوری دمکراتیک افغانستان بدون شک پشتیبانی می کنند، زیرا جمعیت روستایی همچنین منبع نیروی انسانی حکومت برای تشکیل صفوف سربازان خود می باشد و بدین ترتیب مقاومت در برابر رژیم افغانستان هر چند گسترش یافته است، هنوز کاملاً در مقابل توانایی رژیم برای رفع نیازهای خود از لحاظ سربازان ساده قرار نگرفته است، هر چند در واقع مشکلاتی پیش آمده است.

۶- تعدادی از عناصری که چندان پایگاهی ندارند نیز به کوششهای مخالفان کمک می کنند.

خویشاوندان آنهایی که برکنار شده یا از سایر لحاظ در معرض تعقیب و آزار این رژیم قرار گرفته، بدون شک در جستجوی انتقام هستند، چنانچه سنت در این جامعه اشباع شده از احساس انتقام حکومت می کند، هر اندازه که این دستگاه رهبری بیشتر برای تعقیب سیاستهای گذشته خودش دوام بیاورد بر تعداد این گروه ویژه افزوده خواهد شد.

دسته چپهای سرخورده و منزوی شده (که بیشتر آنها از حزب پرچم و همچنین بعضی از حزب خلقیهای وامانده هستند) نیز در پی دگرگونی هستند و احساس آنها کمتر از دیگران نیست، زیرا آنها معتقدند که رهبری گروه ترکی و امین به روح اصیل انقلاب خیانت کرده و حسن نیت اولیه ای که با پیش آمدن یک حکومت اصلاح طلب در شانزده ماه قبل نشان داده شد، از میان رفته است.

عناصر سرخورده نظامی که در نظر آنها این کشتار و زد و خورد پایانی ندارد، یک بخش بالقوه انتقاد کننده از مخالفان را تشکیل خواهند داد، به ویژه اگر فرار از خدمت نظام و پیوستن به صفوف مخالفان افزایش یابد و یا اگر شورشهایی مانند شورش پنج اوت باز هم اتفاق بیفتد. گروههای مخالفان که ستاد آنها در پیشاور (پاکستان) است، عبارتند از ناراضیان «دستگاه حاکمه» سابق که به طور کلی با تحقیر بر خلقیها نگاه می کنند، زیرا بیشتر آنها از لحاظ شجره شناسی به طبقات برگزیده افغانستان تعلق ندارند. معذالک این «جبهه های آزادی بخش» به خودی خود جمهوری دمکراتیک افغانستان را به مبارزه نمی طلبند و جبهه آزادیبخش ملی افغانستان و سایر جبهه ها اگر بخواهند نقش مهمی در آینده ایفا کنند، شاید ناگزیر باشند اختلافات درونی خود را حل کنند و یک شالوده ای را بر اساس حسن نیت برای اجرای عملیات شورشی در نزدیک قلب سیاسی کشور برقرار کنند. گروههایی که هدفهای دائمی ندارند نیز مزاحمتهایی برای حکومت افغانستان ایجاد می کنند و در عین حال راهزنها و سایر عناصر جنایتکار عملیات خود را در امتداد شاهراه های عمده کشور افزایش می دهند و بدین ترتیب به درهم ریختگی نظم و قانون در خارج از شهرها کمک بیشتری می کنند.

۷- گروههای عمده ای که در داخل افغانستان سرگرم عملیات می باشند و مناطق عمده عملیات موفقیت آمیز مخالفان از این قرارند: ایالات شرقی نورستان (که در آن نورستانیها فقط علاقه مند بودند که مانع دسترسی رژیم به موطن پر از زمینهای ناهموار خود شوند، ولی اکنون ممکن است با جنگ در دره پنج شیر که به کابل بیشتر نزدیک است وابستگی پیدا کنند)، ایالت پکتیا در جنوب شرقی پایتخت (که نهضت مخالفت آنها ممکن است بیش از همه به آوارگان در پاکستان و همچنین به گروههای «رسمی» مربوط باشد، به ویژه گروه گلب الدین حکمت یار - سیداحمد گیلانی که محل آنها در پیشاور است، و در آنجا کوششهایشان ممکن است به شهرهای گردیز و غزنی برسد).



ستون فقرات مرکزی هلالی شکل کشور (که جمعیت شیعه هزاره آن که در پائین ترین درجه نردبان اقتصادی و اجتماعی افغانستان قرار دارد، شاید برای آن می‌جنگند که از سرکوبیها گذشته که به دست حکومت مرکزی تحت سلطه پشتوها دیده است، انتقام گیری کند). منطقه اطراف شهر هرات (که در آنجا نشانه‌هایی در دست است که «نفوذ» یا «تجربیات» ایرانیان ممکن است به شورشیان فارسی و پشتو کمک بکند) و مناطق کشاورزی ترکمن نشین و ازبک نشین هندوکش (هر چند در این مناطق ارتش کمتر حضور دارد و زدوخوردها به مقیاسهای زد و خوردهای در امتداد مرز پاکستان و افغانستان نیست). شواهد درباره هماهنگی این کوششها بسیار کم است و لاقلاً تاکنون این عملیات موفق آمیز به ابتکار ساکنان محلی که به دفاع از سرزمین زاد و بومی خود می‌پرداختند، انجام گرفته است. اگر عصیانگران عملیات بزرگی را در خارج از این مناطق انفرادی به راه بیندازند (همان طوری که اکنون در مورد نورستان صدق می‌کند)، مشکلات رژیم به طور آشکارا ممکن است دشوارتر شود.

۸- تظلمات اساسی مخالفان ظاهراً برای توجیه زد و خورد دراز مدت کافی به نظر می‌رسد. دو مفهوم بر این «گلایه‌ها» که انگیزه عناصر مخالف است و عصیانگری کلی این کشور را به مقیاسهای بزرگتری از سایر ملاحظات تحریک می‌کند عبارتند از:

اول این مفهوم همگانی که دستگاه رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان از «خدا نشناسهای کمونیست» تشکیل شده و اینکه گروه ترکی و امین روح ملی افغانستان و آینده آن را به مسکو فروخته است. ترس از سرکوبی نهایی حقوق مذهبی آنها به نمونه آسیای مرکزی شوروی (لازم به یادآوری است که بسیاری از مسلمانان از این مناطق در قرن بیستم برای حفظ تمامیت مذهبی خود به افغانستان گریختند) و نفرت سنتی افغانیها نسبت به همسایه شمالی نیرومند (و بنابراین تهدید کننده)، هنگامی که با سلاحهای مدرن و اراده برای انتقام یکجا شود مشکل بزرگی پیش خواهد آورد. اینها احساسات و عواطفی هستند که کمتر احتمال می‌رود به سرعت کاهش یابد و بنابراین از میان بردن آنها به کمک زور فوق العاده دشوار است.

۹- در عوض برنامه‌های عمده اصلاحی رژیم (کاهش بیسوادی، اصلاحات ارضی، برطرف کردن شیربها و ممنوع کردن رباخواری) باعث مخالفت‌های پراکنده‌ای شد ولی عصیانگری مداوم با خصومت با این برنامه‌ها ارتباطی ندارد، هر چند هم این برنامه‌ها از محبوبیت عمومی برخوردار نباشد. آنچه که روشن است این است که برای اینکه حتی افغانیها بر علیه سلاحهای جدید یک حکومت مصمم و بی‌امان اسلحه به دست بگیرند، عواطف بسیار عمیقی لازم است و چنین عواطفی در واقع در صحنه سیاسی کنونی افغانستان حکمفرماست.

۱۰- برای اینکه رژیم بتواند روند کنونی را معکوس کند راههای اختیاری محدودی در دسترس می‌باشد. دستگاه رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان ظاهراً راههای اختیاری سیاسی بسیار محدودی دارد که اگر اتخاذ شود بتواند فرصتهایی برای معکوس کردن جریان کنونی داشته باشد. حکومت عده‌ای از برنامه‌های خود را (به ویژه اصلاحات ارضی را) «با موفقیت انجام یافته» اعلام داشته است، ولی این اقدام اثر ملموس ناچیزی بر سطح زد و خوردها داشته است و این تحولی است که این استدلال را که اصلاحات رژیم علل ریشه‌ای رشد نیروهای مخالف نبوده است، تقویت می‌کند.

۱۱- دستگاه رهبری برای سروکار داشتن با مسئله مذهبی یک مبارزه، روابط عمومی دامنه داری را به





راه انداخته است که از جمله این استدلال مکرر از سوی ترکی و امین در نطق‌های عمومی آنهاست، مبنی بر اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان مطلقاً با اسلام مخالف نیست. علاوه بر این در اجتماعی در کابل متشکل از بیش از یکصد تن از عالمان اسلامی اعلامیه‌ای در پشتیبانی از «تقوای» رژیم و ادعای اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان عملاً «حامی» اسلام است صادر شد.

معدالک این کوشش ویژه به حق ممکن است دیرتر از آن صادر شده باشد که بتواند توده‌ها را متقاعد کند که یکی از هدف‌های اساسی رژیم خلقی، تضعیف اسلام در افغانستان نیست.

۱۲- تغییرات جزئی در مناسبات جمهوری دموکراتیک افغانستان با اتحاد شوروی ممکن است مخالفت با رژیم را تا اندازه‌ای ملایم‌تر کند، ولی مشخص کردن راه‌های پرمعنی که خلقیها بتوانند این هدف را بدون به مخاطره انداختن موجودیت خود تا حد انهدام دنبال کنند، دشوار است، زیرا ارتباط با شورویها پشتیبانی اصلی دستگاه رهبری کنونی است و بدین ترتیب گروه ترکی و امین با این معما مواجه است که جمهوری دموکراتیک افغانستان شاید بدون پشتیبانی وسیع شوروی نتواند به بقاء خود ادامه دهد و در عین حال معمای دیگری پیش می‌آید و آن اینکه همین پشتیبانی باعث دامن زدن احساسات مخالفت ملی گرایانه می‌شود.

۱۳- یک دگرگونی اصیل در ترکیب دستگاه رهبری (نه صرفاً یک ترمیم پست‌های وزیران که جنبه آرایشی دارد) ممکن است احتمالاً انقلاب را حفظ کند، ولی یک گروه جدید جمهوری دموکراتیک افغانستان در عین حال ناگزیر خواهد بود عوام الناس افغانی را متقاعد کند که برداشتهای جدید نسبت به اسلام و مسکو به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. معدالک در این رابطه صرف نظر از مقدار یا منبع فشار خارجی دستگاه رهبری کنونی کمتر متحمل به نظر می‌رسد که داوطلبانه جویای انهدام خود باشد.

بنابراین با توجه به اینکه قتل‌های سیاسی انفرادی صورت نمی‌گیرد و این چیزی است که نمی‌توان آن را غیرمحمول دانست، شاید رهبران خلقی به کوشش‌های خود برای نابود کردن مخالفان با توسل به زور ادامه دهند و این سیاستی است که شاید منجر به زد و خورد بیشتر در خارج از شهرها و سطح بالاتری از پشتیبانی شوروی و بالمال مداخله مستقیم شوروی «برای نجات انقلاب» بشود.

۱۴- مخالفان آن قدر هم یکدست و متحد نیستند: علیرغم مشکلاتی که مخالفان برای رژیم خلقی ایجاد کرده‌اند، با مواعی که ناشی از خود است نیز مواجه هستند و نابودی جمهوری دموکراتیک افغانستان به هیچ وجه گریزناپذیر نیست. مثلاً شورشیان (شاید از لحاظ نقشه و طرح) باید هنوز منطقه‌ای بزرگتر از یک شهر کوچک را به تصرف خود درآورند (هر چند اکنون مناطق بزرگی در خارج از شهرها برای نیروهای دولتی «ممنوع‌الورود» به ویژه پس از فرارسیدن شب اعلام شده است) و چنین به نظر می‌رسد که یک رهبر مخالفان که هویت او شناخته شده باشد و بتواند وفاداری عموم ملت را به خود جلب کند وجود ندارد و کوشش‌های ضد رژیم فاقد هماهنگی و فاقد نقشه بوده است. تاکنون مخالفین به انگیزه اولیه خطاها و ناآزمودگیهای خود رژیم به فعالیت برخاسته‌اند. اینها عواملی هستند که می‌توان آنها را اساساً منفی قلمداد کرد. اگر خلقیها در آینده مرتکب سوء محاسبه نشوند و یا از خود ترفندهای سیاسی ماهرانه‌ای نشان دهند و اگر شورشیان نتوانند خود را تحت یک

رهبری متحد متشکل کنند، معلوم نخواهد بود که تا چه مدت عوامل منفی بتوانند دشواری و رنج لازم برای سرنگون کردن یک رژیم مصمم و به خوبی مسلح شده را تحمل کنند. فشار و فرسایش و تشنج تنها متوجه خلقیها نیست و در اوضاع و احوال کنونی

ص: ۶۲۲

«پیروزی» به حق نصیب طرفی خواهد شد که بتواند از باختن اجتناب کند.

۱۵- «پیروزی» مخالفان از چند جنبه برای منافع ایالات متحده برخوردار خوش یمن خواهد بود، ولی با در نظر گرفتن جنبه های منفی و مثبت، احتمالاً برای ایالات متحده مساعدتر خواهد بود. به وسیع ترین مفهوم سقوط یک رژیم رادیکال دست چپی مورد حمایت شوروی به حق به منافع ایالات متحده خدمت خواهد کرد و در درجه اول به جهان سوم نشان خواهد داد که دیدگاه حریفان مارکسیست لنینیست ما درباره «روند اجتناب ناپذیر تاریخ جهان» لزوماً دقیق نیست.

یک موضع گیری حقیقتاً غیر متعهد بین المللی حتماً از جانب ما مورد استقبال قرار خواهد گرفت و همچنین مشارکت مجدد ایالات متحده در زمینه عمران اقتصادی در صورت کنار رفتن جمهوری دمکراتیک افغانستان، پیش خواهد آمد. هر چند اطلاعات قاطع درباره هدفهای مخالفان در دسترس نیست. در داخل کشور یک گروه از مخالفان (جبهه ملی انقلاب اسلامی افغانستان) علناً از تشکیل «لویا جرگه» (شورای عالی سنتی افغانستان که برای بحث درباره تصمیمات بزرگ مربوط به کشور تشکیل می شود) علناً دفاع کرده است و بدین ترتیب از پشتیبانی ما از فرآیندهای دمکراتیک برخوردار خواهد بود، البته به فرض اینکه یک چنین اجتماعی در واقع صورت گیرد.

۱۶- بالعکس «بیانیه های» در دسترس صادر شده به وسیله گروه های مخالف خواستار یک نظام اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر تعالیم اسلامی «بنیادگرا» می باشد و بنابراین یک رژیم تحت رهبری مخالفان به احتمال اصلاحات اجتماعی و اقتصادی (که تا این اندازه برای این کشور عقب مانده لازم است و در درجه اول اولویت قرار گرفته) نخواهد داشت. هزاران فقره انتقامجوییهای شخصی، به احتمال قوی علیه کارکنان بازمانده حزب خلق صورت خواهد گرفت و بدین ترتیب سابقه دوران بعد از رژیم جمهوری دمکراتیک افغانستان از لحاظ حقوق بشر لکه دار خواهد شد؛ صرف نظر از اینکه این انتقامهای شخصی علیه بعضی از مقامات حزب خلق حتی موجه جلوه گر شده باشد. یک موضع غیردوستانه نسبت به اتحاد جماهیر شوروی (که اجتناب ناپذیر نیست ولی یقیناً با توجه به نیروهای برانگیزنده مخالفان کنونی بیشتر احتمال دارد) ممکن است نتایج بی ثبات کننده ای برای منطقه داشته باشد، به ویژه با توجه به بلا تکلیفیهای حاکم بر کشورهای همسایه افغانستان. در ضمن چنین احتمالی ممکن است در ارزیابی اینکه تا چه حدی می توان با این رژیم خلقی مراد شده در محاسبات مسکو در نظر گرفته شود.

۱۷- با محاسبه نکات مثبت و منفی منافع وسیع تر ما به ویژه با توجه به پیوندهای فوق العاده نزدیک جمهوری دمکراتیک افغانستان با مسکو و خصومت تقریباً آشنای آنها با ایالات متحده و جو ترسی که این رژیم در سراسر این کشور (ایالات متحده آمریکا) ایجاد کرده است، به منافع عمده ما با کنار رفتن رژیم ترکی و امین علیرغم ناکامیهایی که ممکن است برای اصلاحات آینده اجتماعی و اقتصادی در داخل افغانستان داشته باشد خدمت خواهد کرد.

آمستوتر

**نظرات شوروی در مورد افغانستان**

ص: ۶۲۳

سند شماره (۹) از: سفارت آمریکا - مسکو تاریخ: ۱۶ اوت ۱۹۷۹ به: وزارت خارجه - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه  
موضوع: نظرات شوروی در مورد افغانستان ۱- تمام متن محرمانه است ۲- جاگو دوپانت (محفوظ بماند) کاردار فرانسه در  
مسکو اخیرا با بالدیرف رئیس اداره کشورهای خاورمیانه وزارت خارجه (شوروی) ملاقات نمود و مطالب زیرین را در ملاقات  
چهار نفره ۱۴ اوت ارائه کرد:

۳- وضعیت سیاسی در افغانستان: بالدیرف قبول داشت که مشکلاتی در کشور وجود دارد، ولی ادعا نمود که این موضوع  
تعجب آور نیست، زیرا که انقلاب افغانستان در یک دوره انتقالی می باشد. بالدیرف گفت که دولت افغانستان وقایع ۵ اوت  
کابل را به دخالت قدرتهای خارجی مرتبط نموده است، ولی اضافه نمود که اکنون وضعیت قابل کنترل است. روسها نسبت به  
رهبران افغانستان خیلی تمایل دارند؛ روابط بین دو کشور عالی است و روسها در مورد آینده افغانستان خوش بین هستند.

۴- مداخله شوروی در افغانستان: از بالدیرف در مورد امکان مداخله روسیه سؤال شد، او پاسخ داد، اتحاد شوروی با هر گونه  
مداخله در افغانستان از هر طرفی مخالف است. او به گفته مورخه نوامبر ۱۹۷۸ برژنف در مورد ایران به عنوان سیاست اصلی  
شوروی برای منطقه اشاره کرد و گفت این سیاست در مورد افغانستان قابل اجراست.

بالدیرف در ضمن اینکه ادعا می کرد پیمان ۱۹۷۸ روسیه - افغانستان یک پیمان نظامی نیست. اضافه کرد که چنانچه خطری  
برای صلح منطقه وجود داشته باشد، اتحاد شوروی نمی تواند بیطرف باشد. در هر صورت هر گونه اقدام شوروی؛ با منشور  
ملل متحد مطابقت خواهد داشت.

۵ - حضور فعلی شوروی: وقتی در مورد گزارشات مبنی بر حضور ۳۰۰۰ پرسنل نظامی شوروی در افغانستان از بالدیرف سؤال  
شد، او گفت که در این تعداد به میزان زیادی اغراق شده است.

۶- آینده سیاسی جمهوری دموکراتیک افغانستان: دوپانت گفت که بالدیرف به وسیله اظهاراتش که روسها نسبت به دولت  
فعلی افغانستان اعتماد دارند، این برداشت را به ما داد که روسها در نظر ندارند آن را ترمیم نمایند.

### **مقام روسی اظهار اطمینان می کند که مسکو از شهروندانش در اینجا حفاظت می کند**

سند شماره (۱۰) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۱۸ اوت ۱۹۷۹ به: وزارت خارجه - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه  
موضوع: مقام روسی اظهار اطمینان می کند که مسکو از شهروندانش در اینجا حفاظت می کند.

۱- تمام متن محرمانه است.

۲- خلاصه: طبق گفته یک مأمور سفارت شوروی، حدود ۱۰ روسی در آشوبهای دوره پس از انقلاب در افغانستان کشته شده  
اند. دیپلمات روسی اظهار اطمینان نمود که مسکو برای حفاظت از نمایندگان

در اینجا هر اقدام لازمی را انجام خواهد داد و همان گونه که به نظر می آید هر چه شورشیان ضدروسی فعالیتهای خودشان را نزدیکتر به کابل انجام می دهند، شوروی از خود کم حوصلگی نشان می دهد که می تواند فشارهای فزاینده ای که در مورد روسهایی که در این کشور خدمت می نمایند وجود دارد را منعکس سازد.

۳- در جریان یک گفتگو در یک میهمانی در ۱۵ اوت الکساندر دی موروزف دیپلمات روسی به مأمور سیاسی سفارت گفت که حدود ۱۰ شهروند روسی از زمان انقلاب آوریل ۱۹۷۸ کشته شده اند. موروزف در رابطه با اقدامات احتمالی آتی شوروی در جهت افغانستان اظهار داشت؛ مطمئن می باشم که دولت من هر چه را که لازم باشد برای حفاظت از تمام روسهایی که در افغانستان خدمت می نمایند انجام خواهد داد.

موروزف سیاست خصمانه آمریکا نسبت به جمهوری دمکراتیک افغانستان خصوصاً قطع کمک اقتصادی و ایجاد خیلی از مشکلات داخلی که رژیم ترکی با آنها رو به رو است را مورد سرزنش قرار داد. او تأکید کرد که هیچ مخالف مسئولی نمی تواند با اتحاد شوروی دشمن باشد، چونکه شوروی برای سالها به درخواست افغانستان انواع کمکها را در اختیار دولتهای گوناگون افغانستان قرار داده است و اکنون مسکو فقط سیاستهای گذشته را ادامه می دهد. موروزف نتیجه گیری نمود که مخالفت فعلی با رژیم کاملاً غیرمسئولانه و محکوم به شکست است، زیرا که بر اساس یک اصل ضد روسی غیر قابل توجیه قرار داده شده است.

۴- نظریه: موروزف که در اینجا یکی از روسهای قابل تحسین است، در خلال این گفتگو به طور مشخص از همیشه کج خلق تر بود. او به مقدار زیادی برای تشریح وضعیت اینجا روی اصلاحات کنایه آمیز تکیه می کرد، ولی به صورت بارزی به نظر می رسید متقاعد شده باشد که سیاستهای آمریکا تمعداً وضعیتی به وجود آورده است که برای منافع اقتصادی و سیاسی روسیه مخاطره آمیز و برای نماینده های شوروی در این کشور بسیار خطرناک می باشد. کم حوصلگی موروزف می تواند به فشارهای سنگینی که روی او و همقطاراننش هست، نسبت داده شود.

۵- نظریه موروزف درباره تعهد دولت شوروی برای امنیت روسها در افغانستان در زمینه احتمال مداخله مستقیم نظامی ابراز شد و وی مطمئن به نظر می رسید که چنانچه لازم باشد دستگاه رهبری شوروی برای حفاظت از مشاورین بی شمار و دیگر مقامات در اینجا سربازان را به کابل خواهد فرستاد.

البته ما نمی دانیم که آیا موروزف با گفتن این موضوع خود را دلگرم می نمود، یا اینکه وی حقیقتاً به نوعی از برنامه ریزی احتمالی شوروی آگاهی دارد. در این رابطه قابل ذکر است که در هنگام آشوب در کابل (۲۳ ژوئن و ۵ اوت) محوطه سفارت شوروی و همچنین منطقه مسکونی که خیلی از خانواده های روسی در آن منطقه سکنی دارند، فوراً توسط نیروهای نظامی افغانستان منجمله تانکها و دیگر تجهیزات سنگین احاطه شد، حرکتی که قویاً اشاره بر این دارد که رژیم به تهدید نهانی که توسط شورشیان برای شهروندان روسی مطرح شده است آگاهی دارد.

۶- سرانجام تا جایی که ما اطلاع داریم رقم «حدود ۱۰ نفر» که موروزف اظهار داشته بالاترین تعداد تلفات است که تاکنون توسط یک مقام روسی در گفتگو با یک مقام آمریکایی به کار برده شده است. ما معتقدیم رقم واقعی تلفات احتمالاً به طور

قابل توجهی بالاتر است.

**شورشیان شایعات «دولت تبعیدی» را رد می کنند**

ص: ۶۲۵

سند شماره (۱۱) از: کنسول آمریکا در پیشاور تاریخ: ۱۹ اوت ۱۹۷۹ به: وزیر خارجه واشنگتن دی سی طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۹۳۲۴ موضوع: شورشیان شایعات «دولت تبعیدی» را رد می کنند.

۱- تمام متن محرمانه ۲- سه نفر از نمایندگان شورشیان افغانی که من با آنها صحبت کرده ام، تشکیل یک «دولت پنهانی» شورشی متشکل از سران مخالفان را تکذیب کرده اند. این تکذیبها با شایعاتی که از منابع کابل براساس گفته های رادیو شورشیان رسیده، تناقض دارد.

۳- من با حسن گیلانی، برادرزاده و معتمد سیداحمد گیلانی در تاریخ دهم اوت، شهروند آمریکایی ضیا ناصری در یازدهم اوت، و با رهبر شماره ۲ حزب اسلامی افغانستان، امین الله در چهاردهم همان ماه ملاقات کردم. همه آنها هر گونه دولت موقت مخالفان یا دولت پنهانی را که عمدتاً از رهبران مستقر در پیشاور تشکیل شده، بی ثمر می دانند. ناصری چنان دولتی را به «انداختن پنج حیوان مختلف در یک قفس» تشبیه کرد، افکار گیلانی هم در خطوط مشابه دور می زد. امین الله، روش معمول حزب، بدنام کردن گروههای دیگر، را دنبال کرد و گفت که حزب به چنان ائتلافی نخواهد پیوست.

۴- به طور وضوح، خصومت‌های دیرپای بین گروههای مختلف شورشی فروکش نکرده است. هر زمان که من با مخالفان گفتگو می کنم، یک قسمت از گفتگوها در فحاشی به رقیب می گذرد. چندی پیش، خصومت‌های درون گروهی کاملاً برای من آشکار شد، در استخر شنای هتل خیر اینترکنینتال در حالی که خانواده ام شنا می کردند، من نشستم و با ناصری و یک شخصیت قبیله ای افغانی، حسن گیلانی، و یک دوست قدیمی، و همشاگردی ناصری و آروبی ساربلند دیلمات سابق افغانی که حالا در گروه گیلانی است، گپ زدم. کلمات غیردوستانه بین دوطرف به زبان پشتو رد و بدل می شد. گیلانی به شخص قبیله ای دستور داد که دور شود. تشنج‌ها زیاد بود. من احساس کردم که گویی در آغل هستم.

۵- ناصری بعداً توضیح داد که شخص قبیله ای، (این شخص از قبیله) وزیری از ایالت پکتیا، می خواست که دسته گیلانی را ترک کند و از او - ناصری - خواسته که فرماندهی یک گروه جدید را به عهده بگیرد.

ناگفته پیداست که، گیلانی از ترک عقیده و تعویض گروه بسیار منزجر شده است. من به ناصری به عنوان یک شهروند آمریکایی توجه دادم که او می توانست به آسانی گرفتار و درگیر مسئولان منطقه ای بشود، اگر او یک نقش رهبری میان شورشیان به عهده بگیرد. من گفتم که امیدوارم او مسئله را به دقت مطالعه کند، به هر صورت، او منصرف به نظر نمی آمد.

۶- «رادیو اسمر» هیچ کدام از شورشیانی که من اخیراً با آنها ملاقات کرده ام نتوانسته اند که رادیو اسمر را از پیشاور بگیرند. دستیار من، مسعود اکرم، نیز در دوباری که کوشیده است موفق نبوده است.

همچنین شخص قبیله ای وزیری گفت که او نتوانسته ایستگاه رادیویی را در دهکده اش نزدیک ماتون (کست) در پکتیا، بگیرد. مخالفان از وجود رادیو اطلاع دارند. آنها آن را به حزب اسلامی گلب الدین نسبت می دهند و می گویند که آن یک جز از تجهیزات فتح شده و تغییر یافته است. امین الله از حزب تأکید می کند



که سازمان او تنها برای فرستنده مسئول است. آن روی امواج ۲/۴ مگاهرتز، ۶۵ و ۷۰ متر، بین ساعات ۹ - ۸ بعد از ظهر به وقت پاکستان برنامه پخش می کند، به گفته او پارازیت‌های شدید فرستنده های کابل، جلال آباد، و تاشکند، گرفتن رادیو را در اینجا مشکل می کند. هر گونه گزارشی ناشی از رادیویی که شورشیان از آن خبر دارند به طور دست دوم از کابل دریافت می شود. در محور گزارش «دولت پنهانی»، مردی که با او صحبت کرده ام، چنین گزارش رادیویی را شنیده بود. آرچارد

### گزارش دیدار مقام عالی‌رتبه شوروی به افغانستان در اکتبر سال گذشته

سند شماره (۱۲) از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۱۹ اوت ۷۹ به: سفارت آمریکا کابل طبقه بندی: خیلی محرمانه - گزارشگر (رابرت. لی. باری) موضوع: (محرمانه) گزارش دیدار مقام عالی‌رتبه شوروی به افغانستان در اکتبر سال گذشته ۱- (محرمانه - تمام متن) ۲- وزارت خارجه هیچ اطلاعی برای تأیید گزارش مندرج در تلگرام مرجع الف ندارد. سوابق ما حاکی از آن است که در سه هفته اول ماه اکتبر برای گذراندن تعطیلات در شهر کریمه بوده و در ۲۵ اکتبر به مسکو بازگشته است. کریستوفر

### سفیر آلمان شرقی از صحنه کابل دور می شود

سند شماره (۱۳) از: سفارت آمریکا در کابلسری به: وزیر امور خارجه - واشنگنتاریخ: ۲۰ اوت ۱۹۷۹ شماره: ۶۳۰۹ موضوع: سفیر آلمان شرقی از صحنه کابل دور می شود.

۱- (استفاده محدود اداری) روز ۱۶ اوت دکتر هرمان شوسیائو سفیر آلمان شرقی برای عمل جراحی اضطراری که مأمورین سفارت آلمان شرقی آن را سه فقره شکستگی در ساق چپ او توصیف کردند، از کابل به مقصد برلین شرقی پرواز کرد. شوسیائو با آمبولانس به فرودگاه آورده شده و داخل یک هواپیمای پرواز آیروفلوت قرار گرفت، بدین ترتیب همکاران دیپلماتیک او فرصت نیافتند با او خداحافظی کنند. به ما گفته شده است که معالجه او در جمهوری دموکراتیک آلمان لااقل شش ماه به طول خواهد انجامید.

۲- (سری) شب دوازده اوت در حالی که شوسیائو و وزیر مختار سفارت به اتفاق از یک میهمانی خارج می شدند، اندکی قبل از برقراری ساعات مقررات منع عبور و مرور سفیر آلمان شرقی گفت که او می خواهد شخص اخیر را هر چه زودتر در مورد یک موضوع اضطراری ببیند. وزیر مختار پاسخ گفت که او روز دیگر به سفیر زنگ زده و یک زمانی که برای هر دو متناسب باشد تعیین خواهد کرد. هنگامی که وزیر مختار روز ۱۳ اوت به او تلفن کرد، به او گفتند که شوسیائو ساق پایش در یک حادثه خانگی شب قبل شکسته است و نمی تواند دیدار کنندگان را بپذیرد.

۳- (سری) اظهار نظر: جای شوسیائو در جامعه دیپلماتیک کابل خالی خواهد بود. او اعم از اینکه به

ابتکار خود عمل می کرد یا اینکه به احتمال قوی به دستور شورویها، همتا‌های غربی و جهان سومی خود را درباره کوششهای شوروی برای ترتیب دادن یک راه حل در مورد شورش افغانستان «مطلع» نگه می داشت.

## بحث مشاورین سیاسی در مورد افغانستان

سند شماره (۱۴) از: وزارت امور خارجه - واشنگتنسری به: هیئت نمایندگی ایالات متحده - ناتو (فوری) تاریخ: ۲۰ اوت ۱۹۷۹ موضوع: بحث مشاورین سیاسی در مورد افغانستان ۱- تمام متن سری است ۲- مطالب زیر نظرات ما در مورد برخی از نکات است که به طور شفاهی در بحث مشاوران سیاسی در ۷ اوت و در گزارشات کشورهای متحد ناتو در مورد افغانستان مطرح شده است:

- ما با نظرات نماینده کانادایی که جنبش شورشیان افغانستان پراکنده است و فاقد یک رهبر مورد قبول همه می باشد موافق هستیم. این نقطه ضعفها به همراه پشتیبانی لجستیکی اولیه و فقدان تسلیحات سنگین، شورشیان را از قادر بودن به هماهنگ نمودن حملات بر علیه رژیم یا تحت اختیار گرفتن شهرها یا تأسیسات اصلی برای هر مدت زمانی بازداشته است. با این حال شورش نمی تواند بی اثر خوانده شود؛ شورش کنترل جمهوری دمکراتیک افغانستان بر حومه شهرها را به طور تدریجی کاهش داده و اکنون مرکز قدرت جمهوری دمکراتیک افغانستان یعنی؛ ارتش، جاده های اصلی و مناطق شهری را مورد تهدید قرار داده است. جمهوری دمکراتیک افغانستان هنوز تا زمانی که نیروهای مسلح (خصوصاً واحدهای اصلی زرهی و نیروی هوایی در کابل) به جنگیدن علیه شورشیان و مخالفان ارتشی تمایل دارند، برتری نظامی را حفظ می کند.

- با عطف به علاقه نماینده دولت فرانسه به ترمیم کابینه در مواردی، نظر ما همچنان این است که ترمیم کابینه اصولاً برای دادن زمان بیشتری به امین و ترکی برای مسائل دفاعی و امنیتی و کنترل مستقیم شخصی بر ارتش طرح ریزی شده بود. روحیه ضعیف و گزارشات مبنی بر پناهندگی و فرار، زمینه های کافی برای به صدا در آوردن زنگ خطر در افکار آنها می باشد و آنها ممکن است نتیجه گیری کرده باشند که وطنجار وزیر سابق دفاع قادر به شکست دادن مخالفین نبوده است.

ما هیچ گونه مدرکی نداریم که تغییرات کابینه در پاسخ به هر نوع دسیسه داخلی اتحاد شوروی بوده است.

- گزارش کانادا: عطف به پاراگراف ۴، ما متوجه شده ایم که رسانه های افغانستان و شوروی یک بار دیگر اتهامات درگیری پاکستان در فعالیتهای شورشیان افغانستان را افزایش داده اند.

- گزارش فرانسه: الف - ما از تشریح رقم ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ مشاور نظامی روس استقبال می کنیم. ما از ارقام حدوداً ۲۰۰۰ مشاور نظامی و ۳۰۰۰ مشاور غیرنظامی استفاده می کرده ایم.

(ب) ما از هیچ گونه مدرک مستندی برای این اظهارات که مطبوعات شوروی به این موضوع اشاره کرده باشند که ممکن است استفاده فعال از سربازان روسی در حمایت از رژیم ترکی مورد توجه قرار گیرد و یا این مطبوعات به طور مرتب افغانستان را به عنوان یک کشور سوسیالیست توصیف نمایند، اطلاعی نداریم.



- گزارش ترکیه: ما در این گفته که ماده مربوط به مشاوره دفاعی در پیمان دوستی شوروی - افغانستان به درخواست افغانها در این پیمان گنجانده شده بود ذی علاقه هستیم. آیا نماینده ترکیه می تواند توضیح بیشتری در این مورد ارائه دهد.

۳- نظرات اضافی شما می توانید از تلکس ۶۲۵۱ کابل که تحلیلی است از مخالفین رژیم ترکی و همچنین بحثی است در مورد تحولات احتمالی در افغانستان، این نظرات را استنتاج کنید. شما نبایستی نتیجه گیریهای کابل درباره اثرات از بین رفتن رژیم ترکی - امین بر روی منافع آمریکا و یا تمایل بدان را به دیگران انتقال دهید.

- ما همچنان در مورد مقاصد شوروی در افغانستان و اثرات درگیری شوروی برای منطقه نگران هستیم. نشانه هایی وجود دارد که روسها به حمایت اساسی از رژیم فعلی ادامه خواهند داد. این حمایت می تواند شکل یک درگیری مستقیم تر و بر یک اساس تدریجی را به خود بگیرد.

- عوامل ایجادکننده درگیری ۵ اوت در کابل و همچنین درگیری که در ۱۵ اوت در آنجا روی داد همچنان مبهم هستند. این طور به نظر می رسد که برخی عناصر نظامی و شاید شورشیان غیرنظامی در درگیری بالا حصار (۵ اوت) مداخله داشته اند، ولی جزئیات برای بیان دقیق ماجرا خیلی ناقص هستند.

چیزی که روشن است این است که جمهوری دمکراتیک افغانستان هنوز روی واحدهای اصلیش حساب می کند (زرهی و هوایی) که زمانی که مورد نیاز هستند به حمایت از او بشتابند.

- آقا شاهی مشاور امور خارجی پاکستان سفرش به کابل را در ۳۰ اوت لغو کرد. دولت پاکستان تبلیغات تجدید شده ضد پاکستانی، تجاوز هوایی به آسمان پاکستان، تصمیم جمهوری دمکراتیک افغانستان به تبلیغ در مورد پناهندگی (پاکستانی ها می گویند: آدم ربانی) یک دیپلمات پاکستانی در کابل را به عنوان دلایل متوقف کردن (حداقل برای حال حاضر) گفتگوی کابل - اسلام آباد در مورد بهبود بخشیدن به روابط که با سفر دوست معاون وزیر خارجه به اسلام آباد در اوایل ژوئیه شروع شد، اقامه کرده است.

۴- برای کنبرا: شما می توانید این نظرات را با DFA در میان بگذارید.

### **برخلاف تبلیغات رژیم افغانستان راه پیمایی وسیع در کابل صورت نمی گیرد**

سند شماره (۱۵) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۲۲ اوت ۷۹ به: وزیر امور خارجه - واشنگتن، دی. سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۶۳۸۵ موضوع: برخلاف تبلیغات جمهوری دمکراتیک افغانستان راه پیمایی وسیع در کابل صورت نمی گیرد.

۱- تمام متن محرمانه ۲- خلاصه: به رغم مبارزات تبلیغاتی جمهوری دمکراتیک افغانستان «راه پیماییها و تظاهرات وسیع» در پشتیبانی از رژیم صورت نمی گیرد و همچنین تصور نمی کنیم که جای دیگری در کشور (صورت گرفته باشد). اجتماعی در داخل وزارتخانه ها یکی از طرق مطلوبی است که دستگاه رهبری خط خود را عنوان می کند. قطع راه پیماییهای عمومی

که قبلاً متداول بوده است، به احتمال قوی نتیجه عصبانیت فزاینده ای

ص: ۶۲۹

است از اینکه گروه‌های راه پیمان در خیابانهای پایتخت ممکن است از کنترل خارج شوند. پایان خلاصه.

۳- یکی از موضوعاتی که از سوی ماشین تبلیغاتی رژیم خلقی عنوان شده این است که «راه پیماییها و تظاهرات وسیع» در سراسر افغانستان به پشتیبانی از مبارزه رژیم علیه «دشمنان کشور» به ویژه پاکستان و ایران صورت می‌گیرد. چنین داستانهایی معمولاً شامل فهرستهای طولانی از شهرها و شهرکها و دهکده‌هایی است که راه پیماییها و تظاهرات به آن نسبت داده شده است.

۴- در کابل که قلب سیاسی کشور است، اگر چنین راه پیمایی و تظاهراتی عملاً صورت گرفته است بایستی یک موضوع مشخص باشد، زیرا هفته‌هاست ما هیچ‌گونه اجتماع عمومی که ماهیت سیاسی داشته باشد ندیده ایم و یقیناً از زمان قبل از ۲۳ ژوئن که آشوبهای شدیدی در بخش قدیمی کابل صورت گرفت، چنین چیزی به وقوع نپیوسته است. قبل از آن شورش، راه پیماییهای خودجوشی از روستاییان خمود تحت فشار زور و بوروکراتها به رهبری وفاداران حزب، یک واقعه عادی بود. ولی ظرف دو ماه گذشته، این دوز و کلک تبلیغاتی به کنار گذاشته شده است، شاید بدان علت که رژیم درباره دادن اجازه به گروههای تظاهرکننده خسته و بیزار برای اجتماع در نزدیکی نقاط حساس در پایتخت، خشمگین گردیده است. هر چند محدودیتهای مسافرتی که بر ما تحمیل شده مانع از آن است که ما اظهار نظر مستند درباره اوضاع در شهرهای بزرگ دیگر یا در دهکده‌ها بنماییم، ولی ما گمان داریم که وقوع چنین حوادثی اکنون در آنجاها نیز نادر است.

۵- معذالک ما نیک می‌دانیم که رژیم خط تبلیغاتی خود را در داخل بوروکراسی از طریق اجتماعات منظم کارمندان و وزارتخانه‌های مختلف که از سوی یک نماینده مجاز حزب «تربیت شده است» ارائه می‌دهد. تأثیر کلی بر اجتماعات دانسته نیست (برما)، ولی این اشخاص مردم را از خیابانها دور نگه می‌دارند و ظاهراً این کار در این مرحله هدف اولیه رژیم است.

آمستوتز

### بحث درباره افغانستان و ایران از سوی رایزنهای سیاسی

سند شماره (۱۶) از: هیئت نمایندگی آمریکا در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) خیلی محرمانه به: وزیر امور خارجه در واشنگتن تاریخ: ۲۳ اوت ۱۹۷۹ شماره: ۵۸۶۳ موضوع: بحث درباره افغانستان و ایران از سوی رایزنهای سیاسی ۱- تمامی متن محرمانه ۲- روز ۲۱ اوت در بحث رایزن سیاسی آمریکا از رهنمودهای مربوط به افغانستان گنجانده شده در مرجع و همچنین اطلاعات گنجانده در شماره ۶۲۵ کابل و ۸۸۲۸ تهران استفاده شد. رایزن سیاسی پرسشهایی در مورد بخش چهارم و پنجم و پاراگراف دوم مرجع، از نمایندگان جمهوری فدرال آلمان و ترکیه مطرح کرد که آنها در پاسخ گفتند که درباره این موضوع از پایتختهای خود کسب اطلاع خواهند کرد.

درباره سؤال آمریکا از جمهوری فدرال آلمان مربوط به تعداد مستشاران شوروی در افغانستان، نماینده بریتانیا گفت برآورد لندن این است که سه هزار مستشار شوروی در افغانستان وجود دارند که از این رقم هزار و پانصد مستشار نظامی هستند. بدین معنی که پائین تر از رقم برآوردی است که از طرف ایالات



متحدہ انجام گرفته و بدون شک به اندازه کافی کمتر از برآورد جمهوری آلمان فدرال است که سه هزار مستشار نظامی شوروی در افغانستان وجود دارند.

۳- نماینده کانادا مسئله تخلیه افراد متعلق به خانواده ها را در میان گذارد (مرجع ب). اتاوا هنوز معتقد نیست که اوضاع افغانستان انجام تخلیه اعضاء خانواده ها را الزامی کند، ولی اگر زد و خوردهایی اتفاق بیفتد این نظریه تغییر خواهد کرد.

نماینده بریتانیا گفت در حالی که امکان پیش آمدن مشکلاتی پیش بینی نشده برای بیگانگان وجود دارد، در حال حاضر بیگانگانی که در معرض خطر قرار می گیرند بیشتر خود شورویها هستند.

۴- نماینده کانادا خاطر نشان ساخت که هنوز شواهدی درباره رهبری منسجم شورش وجود ندارد، ولی موفقیتهایی از سوی شورشیان به دست آمده است و دلیل آن ممکن است طبق اظهار نظر کاناداییها این باشد که تفرقه های قبیله ای از سوی شورشیان فعلاً کنار گذاشته شده تا به اتفاق یکدیگر علیه رژیم ترکی بجنگند، نماینده هلند از این نظریه پشتیبانی کرد.

۵- نماینده کانادا درباره مکالمه بین سفیر جدید ایران در شوروی و سفیر کانادا گزارش داد. سفیر جدید ایران قبل از بازگشت به ایران با آیت الله خمینی که مدت ۲۵ سال در تبعید به سر برده است، ضمن بحث درباره عدم رضایت شورویها از ایران به علت قطع تحویل گاز به شوروی صحبت کرد. سفیر جدید ایران به طور مبهم به انواع مختلف قراردادها اشاره کرد، ولی افزود که این قراردادها توافقی است که با شاه حاصل شده است و اتحاد جماهیر شوروی مانند سایرین باید تاوان سروکار داشتن خود را با شاه و مشارکت داشتن در ترتیباتی که برای ایران مساعد نبوده است بپردازد. موضوع دیگری که سفیر جدید ایران گفت این بود که او شک دارد از این که اتحاد شوروی درباره اثرات بنیادگرایی اسلامی ایران بر روی اتحاد جماهیر شوروی نگران باشد. فورد سفیر کانادا در تجزیه و تحلیل این مکالمه چنین احساس کرد که سفیر ایران می کوشد روابط ایران و شوروی را به نحو احسن جلوه گر سازد، ولی فورد احساس می کند که «آشفستگی در شرف تکوین است».

۶- بریتانیا و هلند درباره افغانستان مطالبی کتبی بیشتری در این جلسه توزیع کردند که در پاراگراف ۷ در زیر گنجانده شده است.

۷- آغاز متن مقاله انگلیس اتحاد شوروی و افغانستان ۱- در ادامه تبادلات کمیته سیاسی درباره تحولات اخیر در افغانستان، شما و همکاران من در کمیته ممکن است مایل باشید خلاصه زیر را که مربوط به نظرهای شوروی است و از سوی سفارت ما در مسکو تهیه شده داشته باشید.

۲- مطبوعات شوروی همچنان درباره ترکی و امین مطالب کافی می نویسند تا این تأثیر را ایجاد کنند که رژیم کنونی در افغانستان همچنان مسلط بر امور بوده و عملکرد خوبی دارد. سکوت در تبلیغات علیه پاکستان به وسیله مقاله ای از سوی پتروف در روزنامه پراودا در تاریخ ۲۸ ژوئیه شکسته شد. در این مقاله بار دیگر موضوع استدلال استاندارد درباره اینکه مشکلات افغانستان در نتیجه مداخله خارجی است پیش کشیده شده است.

۳- یک مقام شوروی وزارت امور خارجه اخیراً شرح زیر را درباره سیاست شوروی به سفارت ما در





مسکو داده است. استدلال اولیه او این بوده است که سیاست شوروی همان است که در اعلامیه مشترک امضاء شده از سوی آقای برژنف و آقای دسای (نخست وزیر وقت هند) در جریان دیدار دسای از شوروی اعلام شده است. این مقام شوروی انکار نکرد که آشوبهای افغانستان نشانه بیان ناخشنودی بعضی از افغانیها نسبت به رژیم کنونی است، ولی مدعی است که در یک اوضاع انقلابی چنین عدم خرسندی یک پدیده عادی است و اعلام کرد که این مسئله به این زودیهها حل نخواهد شد. معذالک این مقام شوروی مشخص نکرد که آیا اوضاع در آینده بسیار نزدیک رو به بهبود خواهد رفت یا بدتر خواهد شد.

این مقام آشوبهای کنونی را ناشی از روحانیون مرتجع در افغانستان دانست (برخلاف اظهار نظرهای سازشکارانه درباره اسلام، مبنی بر اینکه «قرآن نخستین اثر سوسیالیستی است» که وی در فرصتهای قبلی عنوان کرده بود).

۴- درباره تغییرات اخیر در کابینه (مقصود کابینه افغانستان است - م) مقام شوروی اهمیت به دست گرفتن وزارت دفاع را از سوی ترکی و امین مورد تأکید قرار نداد و به ویژه این استدلال را رد کرد که وطنجار مشمول تنزل رتبه قرار گرفته است، یا اینکه از وزارت دفاع برای رفع تهدید سازمان دادن یک دستگاه رهبری دیگر بر اساس قدرت ارتش کنار گذاشته شده است. او گفت که در یک اوضاع دشوار امنیتی کاملاً طبیعی است که مسئولیت دفاع از سوی رئیس جمهوری و یا نخست وزیر به عهده گرفته شود و افزود که مسئولیتهای جدید وطنجار در وزارت کشور نیز مهم است.

۵- مقام شوروی تصمیم ایالات متحده را برای بیرون بردن افراد خانواده های آمریکایی مقیم افغانستان مورد طعن شدید قرار داد. وی گفت تنها آمریکاییها یک چنین اقدامی به عمل آورده اند و یک جو ناخوشایند و تشنج فراینده ای را ایجاد کردند.

۶- سرانجام مقام شوروی به مذاکرات (شاه محمد) دوست وزیر امور خارجه در اسلام آباد اشاره کرد.

هر چند او این تاثیر را به جای نگذاشت که امید زیادی به بهبود مناسبات پاکستان و افغانستان دارد، معذالک این نظر شوروی را تکرار کرد که همه کشورها در این منطقه باید روابط حسنه ای با یکدیگر داشته باشند. وی درباره روابط ایران و افغانستان و در پاسخ به یک پرسش ویژه درباره مصاحبه اخیر بین خمینی و سفیر شوروی در قم، مبنی بر اینکه از خمینی انتظار نمی رود که از اقدامات شوروی در افغانستان انتقاد کند گفت، هر چه باشد افغانیها که در جیب شورویها نیستند.

۷- نظر عمومی که در مطبوعات شوروی و در وزارت امور خارجه منعکس شده است، ظاهراً از این قرار است که ترکی و امین بر اوضاع مسلط می باشند و اتحاد شوروی خرسند است از اینکه آنها همچنان بر اوضاع مسلط باشند. نه در این سطح و نه از طریق منابع درجه ۲ در مسکو که ممکن است دسترسهای رضایت بخشی داشته باشند. ما نشانه هایی درباره اینکه نقشه هایی برای جایگزین کردن ترکی و امین وجود دارد، در دست نداریم، ولی این بدان معنی نیست که چنین نقشه هایی وجود نداشته باشد. هر اندازه که شورویها نگران باشند و هر اندازه که آنها ممکن است در پشت صحنه ها توطئه بچینند، به همان اندازه کمتر احتمال می رود که آنها دست خود را برای ناظران خارجی در مسکو رو کنند. پایان متن

**متن مقاله هلند**

رابطهای سفارت ما در تهران که در کابل مستقر هستند، گزارشهایی را تأیید کرده اند که یک تیپ از



ارتش افغانستان همراه با همه تجهیزات خود به سوی شورشیان تغییر جبهه داده است. اوضاع در کابل، همان طور که گزارش شده است، بسیار متشنج است و چنین به نظر می رسد که رژیم کابل حتی درباره احتمال یک حمله منظم علیه پایتخت حساب می کند. مقررات منع عبور و مرور شبانه همچنان پابرجاست در حالی که تانکها در همه چهار راههای شهر موضع گرفته اند. روزنامه تهران تایمز در شماره شانزده اوت گزارش داده است که باز هم ۳۰ شهروند شوروی در قندهار در جنوب افغانستان کشته شده اند.

روزنامه تهران تایمز گزارش داد که از شش گروه شورشی چهار گروه، یعنی جبهه آزادیبخش ملی و جمعیت اسلامی و نهضت برای انقلاب و جناحی از حزب اسلامی تصمیم گرفته اند تحت نام مجاهدین اسلام متحد شوند.

اوضاع عمومی ظاهراً بار دیگر برای رژیم ترکی و امین رو به وخامت گراییده و حکومت فقط اندکی بیش از کابل و مراکز ایالات را تحت کنترل عملی خود دارد. از سوی دیگر قیام کنندگان فاقد رهبری و هماهنگی و یک سیاست روشن و کمکهای خارجی به مقیاس قابل ملاحظه هستند، این امر از جمله بدان معنی است که شورشیان آن طور که انتظار می رود قادر نخواهند بود که یک حمله موفقیت آمیز علیه مناطق شهری که اکنون تحت کنترل رژیم است به راه بیندازند و بنابراین بدین معنی نیز می باشد که خطر بلافاصله قریب الوقوعی برای رژیم در از دست دادن موقع خود، وجود ندارد. هر چند هم ممکن است رژیم در وضع ناراحتی قرار گرفته باشد. شاید بزرگترین تهدید بلافاصله آن باشد که ارتش یا بخش بزرگی از آن (رجوع شود به فوق) علیه رژیم قیام کنند.

اتحاد شوروی که متفق رژیم افغانستان است و خیلی از عوامل را در این قمار گذاشته است (به گفته یادداشتهای نوشته شده به زبان آلمانی «با فتح افغانستان فاصله بین شورویها و هدفهای ژئواستراتژیک آن یعنی اقیانوس هند به پانصد کیلومتر تقلیل یافته است»). باید در وضع بسیار ناراحتی باشد. معذالک بالا بردن سطح آلودگیهای نظامی شوروی به مقیاس زیاد برای این کشور عواقب جدی و ناخوشایندی خواهد داشت.

- حتی با حضور نظامی به مقیاس بیشتر شوروی کمتر احتمال می رود که آرام کردن افغانستان آسان باشد.

- آلودگی نظامی تمام عیار شوروی به احتمال قوی پیامدهای جدی برای مناسبات مسکو با ایران و شاید عواقب جدی مهمتری با پاکستان داشته باشد.

- مداخله ممکن است اثر منفی در کشورهای غیر متعهد به ویژه در آسیا داشته باشد.

- مداخله ممکن است به موضع مسکو در جهان عرب لطمه بزند.

- مداخله ممکن است در موضع چین درباره قاره آسیا اثر داشته باشد.

- مداخله ممکن است انعکاسهای معینی در واشنگتن داشته باشد که با توجه به اینکه پیمان سالت دو (مذاکرات مربوط به محدود کردن سلاحهای استراتژیک بین شوروی و آمریکا) تصویب نشده است، ممکن است بسیار جدی تلقی شود.

چنان که عملاً همه اسناد توزیع شده نشان می دهد، بهترین راه حل برای مسکو ممکن است یک راه حل سیاسی باشد، تغییر رژیم و تبدیل آن به رژیمی که پایگاه (مردمی) وسیع تری دارد، ولی هنوز هم «انقلابی» و وفادار به مسکو است.» در اینجا مسئله از این قرار است که مشکل است بتوان در نظر داشت که چگونه هر

ص: ۶۳۳

حکومتی که کمونیستی و ضداسلام و بالاتر از همه طرفدار شوروی است، می تواند پایگاه وسیع تری از مردم برای پشتیبانی داشته باشد، سفارت ما در مسکو گزارش داده است که بعضی نشانه ها حاکی از این است که دستگاه رهبری شوروی از هم اکنون افکار عمومی را برای تحولات سیاسی و نظامی که ممکن است نفوذ شوروی را در افغانستان کاهش بدهد آماده می کند.

روزنامه پراودا در یک مقاله در تاریخ ۲۸ ژوئیه بر خلاف سابق هیچ گونه اشاره ای به این واقعیت که افغانستان و اتحاد شوروی کشورهای همسایه یکدیگرند نکرده است، در صورتی که این روزنامه در تاریخ ۷ اوت گزارشهای مفصلی درباره زدوخوردها در کابل درج کرده است.

نتیجه ای که سفارت ما در مسکو گرفته است این است که با توجه به راه های دشواری که در پیش مسکو است ممکن است شاهد آن باشد که رژیم ترکی و امین بدون مداخله آن سقوط کند.

نتیجه هر چه باشد ظاهراً مسکو به یک مرحله چهارراهی رسیده است که درباره آن باید تصمیم بگیرد. یا حدود مداخله خود را کاهش دهد و تا آنجایی که مربوط به کاهش نفوذ خود در افغانستان می باشد احتمال خطرهایی را بپذیرد و یا اینکه «راه ویتنام» را انتخاب کند. اهمیت افغانستان برای مسکو نیاز به توضیحات بیشتری ندارد. واقعیت هم مرز بودن افغانستان با شوروی نیاز به تأکید بیشتری ندارد.

گزارشهایی که از سفارت ما در اسلام آباد می رسد نیز درباره این واقعیت تأکید می کند که مقامات پاکستان بدون استثنا همه فلسفه های غربیها را که طی آن امکان اینکه مسکو احتمالاً در فکر تضعیف سلطه خود در افغان می باشد را به عنوان خیال خام محکوم می کنند.

اما درباره مقایسه کلی درگیری ایالات متحده در ویتنام تفاوتهای متعددی آشکارا به چشم می خورد که عبارتند از:

- موقع جغرافیایی افغانستان و شرایط و اوضاع و احوالی که این موقعیت برای تسهیلات لجستیکی دارد.

- این واقعیت که شورش افغانستان تاکنون فاقد رهبری و انسجام و سیاست بوده است.

- این واقعیت که شورش از پشتیبانی مهم خارجی محروم بوده است. پایان متن

## وضعیت پناهندگان افغانی در پاکستان

سند شماره (۱۷) از: وزارت خارجه - واشنگتنخیلی محرمانه به: سفارت آمریکا - اسلام آباد تاریخ: ۲۳ اوت ۱۹۷۹ موضوع: وضعیت پناهندگان افغانی در پاکستان ۱- تمام متن خیلی محرمانه است ۲- با تشکر از گزارشات جامع سفارت و کنسولگری پیشاور، وزارت خارجه از مشکلات فزاینده ای که رودرروی دولت پاکستان در مراقبت از تعداد رو به افزایش پناهندگان افغانی وجود دارد کاملاً آگاه است. ما همچنین متوجه هستیم که دولت پاکستان و کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل در جستجوی راههایی بوده اند که بتوان به وسیله آن کمک بین المللی را برای آن پناهندگانی که اکنون با توجه به

بعضی گزارشات به ۱۵۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ نفر می‌رسند، فراهم نمایند. ما تشخیص می‌دهیم که حساسیتهای سیاسی برای تمام طرفهای درگیر خصوصا پاکستانیها، افغانها و روسها وجود دارد.

ص: ۶۳۴

۳- ما معتقد هستیم که به سهم خود یک ملاحظه انسانی در مشاهده اینکه مساعدت کافی برای آن پناهندگان فراهم می آید را دارا می باشیم و فکر می کنیم این تلاش بایستی به صورت بین المللی باشد. ما علاقه مند هستیم که کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل در جهت شروع یک برنامه همکاری سریعتر عمل نماید. طبیعتاً هر چه انجام می شود بایستی با تأیید دولت پاکستان باشد.

۴- ران دیویدسون مأمور سفارت در هفته ۳ سپتامبر در ژنو خواهد بود و در نظر دارد تا در مورد مسئله پناهندگان افغانی با کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل مشاوره نماید. سفر او به منظور تحقیق خواهد بود و تلاش خواهد کرد تا اطلاعات بیشتری درباره تخمین کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل از احتیاجات پناهندگان به دست آورد. چونکه از آنجایی که دولت ایالات متحده محدودیتهای تهیه وجوه کمکی دارد، وی قادر نخواهد بود که تعهدات ویژه ای بنماید. قبلاً به ما گفته شده بود که احتمال می رود درخواستی به وسیله کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل از طرف پناهندگان افغانی صورت پذیرد.

۵- به این منظور که دیویدسون تا جایی که امکان پذیر است در مورد موضوع سابقه ذهنی داشته باشد، ما از خلاصه کردن اطلاعاتی که در دسترس شماست و نظرات شما درباره چندین سؤال قدردانی می نمائیم از جمله:

الف: شرایط برای پناهندگان واقعا به چه صورتی است؟ ب: چه تعداد در کمپهایی هستند که مغایر با دهات قبیله ای یا کمپهای چادری است؟ ج: پناهندگان با چه سختیهایی در زمینه زندگیهای ابتدایی که به طور سنتی با آن خو کرده اند مواجه هستند.

د: شروع هوای زمستانی چگونه بر شرایط زندگی آنان تأثیر می گذارد؟ ه: مراقبت از پناهندگان برای دولت پاکستان تا چه اندازه ای مشکل مالی دارد؟ و: برخوردهای احتمالی دولت پاکستان نسبت به مداخله سازمان خصوصی داوطلبان در کمک به پناهندگان از جمله شرکت آمریکاییها در فعالیتهایشان چیست؟ ز: آیا ما این سؤال را از دولت پاکستان که می توانیم نقش سودمندی در متمرکز نمودن توجه بین المللی روی مسئله پناهندگان ایفا نمائیم را بایستی مورد توجه قرار دهیم؟ و آیا پرسنل ایالات متحده در پاکستان بایستی به اجتناب ورزیدن از مسافرت به مناطق پناهندگان که ما فکر کردیم به خاطر امکان برداشت غلط انگیزه های ما غیر عاقلانه است، ادامه دهند؟ سند شماره (۱۸) از: سفارت آمریکا - کابلخیلی محرمانه به: وزارت خارجه - واشنگتن تاریخ: ۲۵ اوت ۱۹۷۹ موضوع: وضعیت پناهندگان افغانی در پاکستان ۱- تمام متن محرمانه است ۲- عطف به سؤال هفت تلکس مرجع، ما می توانیم از رژیم خلقی انتظار داشته باشیم که با کمک کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل، به پناهندگان افغانی در پاکستان مخالفت نماید. از زمان



انقضای برنامه بخشودگی که چند ماه پیش کابل در مورد پناهندگان اعلام کرد، جمهوری دموکراتیک افغانستان مکرراً اظهار داشته است که این تبعیدیه‌ها را به عنوان پناهنده نمی‌شناسد و در عوض از آنها به عنوان جنایتکارانی یاد می‌کند که توسط نیروهای ارتجاعی در پاکستان مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند تا از مأمورهای بی‌خطری که در ورای این خط دور قرار دارند به افغانستان حمله کنند.

۳- هنگامی که چند ماه پیش فکر کمک کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل، به پناهندگان به طور آزمایشی عنوان شد، جمهوری دموکراتیک افغانستان شدیداً علیه امکان توهین به یک عضو سازمان ملل از طرف خود سازمان عکس‌العمل نشان داد. در آن زمان مقامات محلی سفارت پاکستان خاطرنشان ساختند، پاکستان که میل ندارد بیش از این افغانهای حساس را برنجانند تصمیم گرفته تا دیگر برای کمک کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل، فشار نیاورد.

۴- در خلال مذاکره اخیر با کاردار سفارت آمریکا، واسیلی سافرونچک وزیر مختار شوروی اشاره کرد که وی شنیده است که کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل، کمک به پناهندگان افغانی در پاکستان را مد نظر قرار داده است. سافرونچک اظهار داشت که جمهوری دموکراتیک افغانستان این مداخله سازمان ملل را غیر قابل قبول می‌داند.

۵- نظریه: هر چند این سفارتخانه ایده حمایت کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل از برنامه امکان پذیر می‌باشد، دولت ایالات متحده به عنوان ایفاکننده نقشی فعال در تشویق مداخله کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل دیده نشود. این کار فقط مدرک دیگری از چیزی که جمهوری دموکراتیک افغانستان به عنوان قصد خصومت ایالات متحده بر علیه رژیم خلقی می‌داند، تشکیل خواهد داد. جمهوری دموکراتیک افغانستان ستیزه با کشورهای مسلمان یا غیر متعهد را (مثل عربستان یا هند) مشکل تر خواهد یافت که به فراهم آوردن کمک انسانی کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل اصرار می‌ورزند.

### مأموریت پاولوسکی در کابل

سند شماره (۱۹) از: سفارت آمریکا کابل تاریخ: ۲ سپتامبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی طبقه بندی: سری موضوع: (سری) مأموریت پاولوسکی در کابل ۱- تمام متن سری است ۲- ژنرال پاولوسکی، فرمانده نیروی زمینی اتحاد جماهیر شوروی و دوازده نفر دیگر از ژنرالهای روسی، از ۱۷ اوت تا به حال در میان حفاظت امنیتی شدید و پنهان کاری بسیار زیاد در کابل به سر می‌برند. مقامات مسئول افغانی اظهار می‌دارند که مأموریت هیئت روسی به منظور «یافتن حقایق» می‌باشد. نخست وزیر و وزیر دفاع حفیظ اللہ امین به مقامات رسمی رتبه پائین تر وزارت دفاع و کالت داده است که قراردادهای معمولیشان را با هیئت روسی به امضاء برسانند.

۳- نظریه: سفارت ترجیح می‌دهد که برای جمع کردن اطلاعات بیشتر و ارزیابی قبل از تحقیقات بیشتر درباره مأموریت ابتدائی هیئت روسی صبر نماید. به هر حال، مسئولیتهای مخصوص و مهم نظامی

رهبر آن و دیداری که هم اکنون طولانی شده و این حقیقت که چندین نوع گلوله های درخواستی «مورد مذاکره» قرار گرفته است، حدس زده می شود که یک دلیل محتمل برای حضور پاولوسکی در اینجا می تواند این باشد که شوروی برای دخالت نیروهایش در افغانستان دارد به طور ضمنی مواضع زمینی خودش را ایجاد می کند، چون بالاخره ممکن است مسکو تصمیم بگیرد که چنین قدمی و کاری لازم است.

از طرف دیگر، می توان تصور نمود که پاولوسکی اینجا در اصل برای توسعه کارشناسی، در سطوح بالای هدایت و رهبری برای عملیات ضد امنیتی در وزارت دفاع افغانستان باشد.

## ارزیابی نفوذ شوروی در افغانستان

سند شماره (۲۰) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: سوم سپتامبر ۱۹۷۹ به: وزیر امور خارجه - واشنگتن طبقه بندی: سری شماره سند: ۶۶۷۲ موضوع: ارزیابی نفوذ شوروی در افغانستان و درگیری آن در این کشور ۱- تمامی متن سری.

۲- خلاصه: در حالی که قیام مردم افغانستان در حال گسترش و تشدید است، رژیم خلقی بیشتر و بیشتر متکی به پشتیبانی مادی و اقتصادی و مشورتی شوروی شده است. اینکه اتحاد جماهیر شوروی بالمال ناگزیر خواهد بود نیروهای رزمی خود را مأمور افغانستان کند، هنوز یک مسئله ای است که صورت حل نهایی نیافته است. در حالی که اتحاد جماهیر شوروی حضور نمایشی خود را در افغانستان افزایش داده، وزنه سیاسی آن نیز بر دستگاه رهبری حزب خلق نیز رشد یافته است. اعم از اینکه این امر بهتر باشد یا بدتر، دو طرف، لاقفل در حال حاضر، ظاهراً تصمیم گرفته اند به اتفاق یکدیگر از طوفان جاری بگذرند.

«پایان خلاصه».

۳- حضور نظامی شوروی در افغانستان: در حالی که کوشش حزب خلقی افغانستان علیه عصیانگری افغانها به طور مداوم رو به وخامت می رود، تعداد کادرهای نظامی شوروی در افغانستان به طور مداوم رو به افزایش است، هنگامی که حزب خلق افغانستان قدرت را در تاریخ ۲۷ و ۲۸ آوریل ۱۹۷۸ به دست گرفت، در سراسر افغانستان ۸۰۰ مستشار نظامی حضور داشتند. اگر واحد بزرگ نظامی شوروی را در پایگاه هوایی باگرام نیز به این عده بیفزاییم تعداد نظامیان شوروی در افغانستان امروز بین ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ نفر خواهد شد. مقامات حزب خلق و شوروی اغلب خاطر نشان می سازند که این رقم به مراتب کمتر از رقم مستشاران نظامی است که حکومت ایالات متحده در ویتنام یا ایران داشته است.

۴- مستشاران نظامی شوروی (که تعداد کل آنها به غیر از آنهایی که در پایگاه هوایی باگرام مستقر هستند بیش از .... می باشند) ظاهراً با هر واحد افغانی تا سطح گردان وابسته هستند. مستشاران نظامی شوروی همچنین ممکن است در واحدهای کوچک تخصصی از قبیل تأسیسات رادار و مخابرات وجود داشته باشند. خلبانان شوروی که مأمور پایگاههای نیروی هوایی افغانستان می باشند گاه به گاه برای مأموریتهای رزمی پرواز می کنند. به ویژه آنهایی که وابسته به هلیکوپترهای توپدار

پیچیده ۲۴ - MI

هستند. معذالک هنوز این امر تاکنون ثابت نشده است (مثلاً کادر کشته شده شوروی در نتیجه سقوط یک هلیکوپتر) و هدایت گاه به گاه ناشیانه هلیکوپترهای MI-24 که کارشناسان دفتر وابسته دفاعی آمریکا (مثلاً در جریان شورش پنجم اوت در «بالاحصار کابل» مشاهده کرده اند) نشان می دهد که خلبانان افغانی به احتمال بسیار قوی هلیکوپترها را هدایت می کردند.

۵- از قرار معلوم شورویها اکنون مسئول پایگاه نیروی هوایی افغان در باگرام در شمال کابل هستند.

تعداد آنها را بین ۵۰۰ و ۱۵۰۰ نفر برآورد کرده ایم. این اوضاع ظاهراً طوری تحول یافته که به یادآورنده الگوی افزایش درگیری حکومت آمریکا در ویتنام است.

ابتدا کادرهای شوروی برای آموزش دادن افغانیها در به کار بردن سلاحهای هوایی آنها به باگرام آورده شدند، همراه با آنها پرسنل سرویس نیز مورد لزوم بود، به علت تهدید فعالیت عصیانگرانه در آن نزدیکی نیروهای شوروی برای حفاظت از مناطق آموزشی و سرویس آورده شدند، این نیز منجر به آن شد که شورویها مسئولیت دفاع از حوزه این پایگاه را به عهده بگیرند.

۶- همان طور که در جریان دوران حکومت داوودخان که قبل از این دوران بود اتفاق افتاد، پرسنل نظامی شوروی که در افغانستان انجام وظیفه می کند لباسهای متحدالشکل ارتش و نیروی هوایی افغانستان را به تن می کنند. علیرغم داستانهایی که در بعضی روزنامه ها نقل شده بیشتر مستشاران شوروی در افغانستان از ملیتهای اروپایی اتحاد جماهیر شوروی هستند و کمتر به چشم می خورد که کادرهایی از جمهوریهای آسیای مرکزی اتحاد جماهیر شوروی مثلاً از بکها یا ترکمنها یا تاجیکها در میان آنها باشند، هر چند تشخیص هویت این نوع مستشاران بسیار دشوار خواهد بود.

۷- پرسنل نظامی شوروی در کمینگاهها و عملیات رزمی با شورشیان به قتل می رسند، ولی ارقام تلفات آنها به دست ما نیفتاده است. هر چند شورشیان سربازان افغانی را که به اسارت گرفته اند یا آزاد می کنند و یا آنها را به اردوگاههای ویژه (که بعضی از آنها در پاکستان واقع شده است) منتقل می کنند، شورشیان افغانستان از قرار معلوم از روبه کشتن همه افراد شوروی که به چنگ می آورند پیروی می کنند.

۸- در حال حاضر اندازه گیری مؤثر بودن حضور نظامی شوروی در افغانستان دشوار است، هر چند جریان مصالح نظامی بدون شک دارای اهمیت بسیاری در حفظ ادامه فعالیت رژیم خلقی و فراهم کردن دستگاه رهبری «ترکی - امین» با وقت مورد لزوم است. این مصالح تاکنون نتوانسته است از فرسایش نیروهای منتجه از عصیانگری اژدها مانندی که این دستگاه رهبری با آن مواجه است جلوگیری کند. در مرحله معینی تحلیل مداوم نیروی انسانی حزب خلق افغانستان (از طریق مرگ و فرار از جبهه ها و تغییر جبهه ها از سوی افراد) ممکن است اتحاد جماهیر شوروی را وادار کند تا تصمیم قاطعی درباره بالا بردن حضور نمایشی در این مبارزه از طریق وارد کردن سربازان رزمی شوروی اتخاذ کند. مثلاً در حال حاضر پرسنل آموزش دیده به اندازه کافی تانک افغانی برای پر کردن تانکهایی که به وسیله شوروی تحویل شده وجود ندارد.

۹- حضور غیرنظامی شوروی در افغانستان: تصور می رود که مستشاران غیرنظامی شوروی متعددی در این کشور حضور

دارند که در طرح‌های مختلف عمرانی و تقریباً همه وزارتخانه‌های افغانستان خدمت می‌کنند. هر چند تهیه یک رقم مشخصی که به دقت انجام گرفته باشد بسیار دشوار است، زیرا عصیانگری در افغانستان به مقیاسهایی رسیده است که توجه اولیه رهبران درجه یک افغانستان و شوروی را به خود

ص: ۶۳۸

جلب کرده است و فعالیتهای مستشاران غیرنظامی شوروی در ماههای اخیر تا اندازه ای تحت الشعاع قرار گرفته است. به ویژه در وزارتخانه های امور اقتصادی، به دلایل امنیتی مستشاران غیرنظامی شوروی از مناطق خطرناکتر فعالیت شورشیان برکنار شده اند. معذالک اتحاد جماهیر شوروی می کوشد که بعضی از طرحها را به ویژه برای مقاصد تبلیغاتی همچنان در جریان نگهدارد. این عملیات مساعدت اقتصادی ایالتی از حمایت سنگین نظامی و پلیسی افغانستان برخوردار است. از آنجایی که بیشتر وزارتخانه ها در کابل به علت اینکه کارمندان ارشد آنها به امور «دفاع از انقلاب» می پردازند در حال درجا زدن هستند و از آنجایی که چند نفر وزیر و معاون وزیر در عمل وقت خود را «در جبهه» می گذرانند، فعالیتهای مستشاران شوروی در این وزارتخانه ها به نحو قابل ملاحظه ای نظیر زمان بلافاصله بعد از انقلاب چشمگیر نیست.

معذالک یک استثنا وجود دارد و آن وزارت اطلاعات و فرهنگ است که در آنجا کارشناسان تبلیغاتی شوروی تمامی وزنه خود را به کار می برند و دستورات مستقیم به شکل «دستورات مشورتی» صادر می کنند و بدین ترتیب از قرار معلوم همتهای افغانی خود را می رنجانند.

۱۰- سرمایه گذاری شوروی در افغانستان: از تاریخ دیدار خروشچف و بولگانین از کابل در سال ۱۹۵۵، اتحاد شوروی در حدود یک میلیارد دلار به افغانستان سرازیر کرده است که قسمت اعظم آن به شکل طرحهایی با وامهای با نرخ بهره نازل تأمین مالی شده است. بازپرداخت این وامها قسمتی از طریق تحویل کالای افغانی از قبیل مرکبات حاصل از طرحهای آبیاری شوروی در جلال آباد یا گاز طبیعی از منطقه رود سیحون و جیحون صورت می گیرد. مقامات افغانی تأکید می کنند که اتحاد جماهیر شوروی با تقاضاهای حزب خلق برای سبک کردن بار سنگین بدهی افغانستان به شوروی موافقت کرده است.

شرایط دقیق این سازش هنوز به طور مشخصی معلوم نشده است، هر چند یک مأمور مساعدت شوروی، اخیراً به سفارت آمریکا در مسکو (تلگراف ۲۰۱۵۲ مسکو) گفته است که اتحاد شوروی بازپرداخت بدهیهای اقتصادی افغانستان را برای مدت ۱۰ سال به عقب انداخته است. تحویل ساز و برگ نظامی شوروی به افغانستان از زمانی که «انقلاب بزرگ صور» به وقوع پیوست به مقیاس بزرگی افزایش یافته است ولی کل مبلغ این مصالح و تعهدات جدید بازپرداخت بدهیهای بابت این مصالح هنوز نامعلوم است.

اخیراً سفیر شوروی در افغانستان به کارمند سفارت آمریکا در این کشور گفته است که اتحاد جماهیر شوروی در حدود یک و نیم میلیارد دلار برای پشتیبانی از برنامه پنج ساله رژیم خلقی در اختیار آن گذارده است و قسمت بزرگی از این مبلغ از قرار معلوم شامل رشته اعتبارهایی بوده است که به توسط رژیم سابق داوود خان به مصرف نرسیده است. شورویها نیز مانند سایر وام دهندگان با سرخوردگی ناشی از توانایی محدود افغانیها در جذب این کوششهای کمکی مواجه هستند. پولهایی که به افغانستان اختصاص داده می شود به مصرف می رسد اما نه همیشه.

۱۱- قمار سیاسی اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان: - اینکه مسکو در واقع در برانگیختن انقلاب صور شرکت داشته است یا خیر در حالی که هم (حزب) خلقیها و هم شورویها همچنان اصرار دارند که یک چنین هماهنگی وجود نداشته است، اتحاد جماهیر شوروی به سرعت برای این رژیم نوپای دست چپی پس از آن حادثه، مسئولیتهای بزرگی از لحاظ پشتیبانی به عهده گرفت. به مرور زمان که دستگاه رهبری حزب خلق مواجه با عصیانگری فزاینده مردم افغانستان شد اعتماد خود را تماماً و علناً

در گرو پشتیبانی و حمایت اتحاد جماهیر شوروی گذارد.

ص: ۶۳۹

مثلاً- حفیظ اللہ امین نخست وزیر، اخیراً به یک خبرنگار گفت: که اگر افغانستان از لحاظ نظامی در معرض حمله قرار گیرد اتحاد شوروی «یقیناً» همه گونه مساعدت مورد نیاز را فراهم خواهد کرد.

(تلگراف شماره ۶۵۶۳ کابل) بسیاری از ناظران دیپلماتیک محل معتقدند که مسکو به خود اجازه داده است که کاملاً و علناً در این مبارزه متعهد شود.

بنابراین اتحاد شوروی استطاعت آن را ندارد که اردوی سوسیالیستی جهان، شاهد کوتاهی آن در حفاظت از یک حزب مارکسیستی لنینیستی برادر یعنی؛ حزب دمکراتیک خلق افغانستان و یک «انقلاب ترقی خواهانه» باشد. البته ماهیت تعهد شوروی احتمالاً از نظر مسکو دارای انعطاف هایی می باشد.

۱۲- همچنین ممکن است که شورویها حتی خود را به طور برگشت ناپذیری نسبت به جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان متعهد شمارند.

دیپلماتهای محلی شوروی با زحمت زیاد این نکته را روشن می سازند که تعهد حکومت مطبوع آنها محدود به «نجات انقلاب» و حفظ دست آوردهای اجتماعی و اقتصادی آن است (از قبیل مبارزه علیه بی سوادی، برطرف کردن کنترل های فتوئالی بر زنان و ازدواج، لغو رباخواری برای اعتبارهای کشاورزی و اصلاحات ارضی). همان طوری که مقامات شوروی در مناسبتهای مختلف اعلام داشته اند: «عقربه ساعت را نمی توان به عقب بازگرداند.» این فرمول بندی نظریات شوروی از سوی بعضی از ناظران بدین معنی تلقی شده است که اتحاد جماهیر شوروی می تواند با یک رژیم جانشین غیرحزب خلقی که متعهد به حفظ این دستاوردهای «ترقی خواهانه» باشد زندگی کند. شورویها احتمالاً پی می برند که در صورتی که مسکو بالمآل به این نتیجه برسد که هزینه تمام شده برای حفظ رژیم خلقی از لحاظ سیاسی و نظامی به نحو ناپذیرفتنی بالاست، تقریباً هر نوع حکومت دیگری در کابل، در نتیجه واقعه های ژئوپلیتیک، ناگزیر خواهد بود مناسبات صلح طلبانه و پایداری با همسایه بزرگ شمالی خود داشته باشد و تعهدهایی از جانب یک رژیم جدید افغانی برای «حفظ ثمره های انقلاب صور» نیز لازم خواهد شد.

۱۳- چشم انداز آینده بسیار نزدیک: هر چند در هفته های اخیر روشن شد که شورویها ترجیح می دهند یک نوع سازش سیاسی که ضدیت گسترش یافته داخلی را نسبت به رژیم خلق کاهش دهد، حاصل شود، دیگر به نظر نمی رسد که چشم انداز قریب الوقوعی برای چنین موفقیتی در این زمینه پیدا شود. «دامنه دارتر کردن پایگاه سیاسی» رژیم افغانستان تا زمانیکه خلقیها در تصفیه همه عناصر ممکن رقیب مداومت می کنند و حتی از فرقه های ناراضی خلقی هم نمی گذرند، دیگر ممکن نیست. به هر صورت ترمیم پستهای کابینه در میان همان «سربازان» «طرفدار روسیه» مارکسیست لنینیستی در کابل دیگر نمی تواند بر روی هزاران نفر از مجاهدین که در کوهستانها مستقر شده و ماههاست برای برقراری مجدد یک هویت ملی اسلامی در افغانستان می جنگند تأثیری داشته باشد.

۱۴- شورویها اکنون چنین به نظر می رسد که تسلیم قضا و قدر برای ادامه پشتیبانی از دستگاه رهبری ترکی و امین شده اند، ولی با شرایطی که خود تعیین می کنند، به خلقیها ظاهراً از سوی روسها دستور داده شده است که لحن آن جنبه هایی از

انقلاب خود را که مخالف برانگیز است ملایم تر کنند. لفاظیهای مارکسیستی لنینیستی در اینجا به مرحله گنگی رسیده است. برنامه جنجال برانگیز اصلاحات ارضی «تکمیل شده» اعلام شده است. رهبران حزب خلق بر یکسانی برنامه های خود با اسلام تأکید کرده اند.

ص: ۶۴۰



شورویها و خلقیها نومیدانه می کوشند دفع وقت کنند. در کشوری که طول متوسط عمر از چهل سال تجاوز نمی کند، کمونیستها می دانند که عناصر مسن تر مخالف، بالمآل از صحنه ناپدید خواهند شد. آنها امیدهای خود را بر روی جوانان استوار کرده اند. از طریق شست و شوی مغزی تحت راهنماییهای شوروی در رسانه های گروهی و در مدارس، متوجه شده ایم که خلقیها ممکن است عده ای از جوانان افغانی را در صفوف خود گردآورند. علاوه بر این فارغ التحصیل های دبیرستانهای افغانستان برای تحصیلات پیشرفته تر و آموزش بیشتر به اتحاد شوروی و سایر کشورهای کمونیست فرستاده می شوند (مثلاً اخیراً هزار و پانصد نفر به اتحاد شوروی فرستاده شدند). بسیاری از اینها پس از دریافت شستشوی مغزی به عنوان کادر با ارزش باز خواهند گشت و عده ای نیز ممکن است به عنوان ضدشورویهای تند و تیز بازگردند.

۱۵- فوری ترین مسئله در این استراتژی دفع وقت: رژیم حزب خلق تا چه مدتی می تواند در مقابل این رویه تحلیل رفتگی نیروی انسانی ایستادگی کند؟ هر ماه از طریق تلفات میدانهای جنگ و فرار از میدانهای جنگ و تغییر جبهه، تعداد زیادی از سربازان افغانی از دست می روند. اشخاصی که تغییر جبهه داده اند یا از جبهه فرار کرده اند. شامل واحدهایی تا سطح تیپ هستند که همراه با سلاحهای روسی خود و مهارتهای حرفه ای که برای کاربرد آنها به دست آورده اند به صفوف شورشیان پیوسته اند. همان طوری که قبلاً گفته شد اتحاد جماهیر شوروی ساز و برگ نظامی سخاوتمندانه ای برای افغانستان فراهم می کند، ولی کمبود نیروی انسانی، اکنون به چنان مرحله بحرانی رسیده است که سربازان آموزش دیده کافی برای مجهز کردن آنها با این سلاحها وجود ندارد. و در سرتاسر افغانستان تانکهای که بدون سرنشین هستند به فراوانی به چشم می خورند.

۱۶- در مرحله معینی قابل تصور است که دستگاه رهبری ترکی و امین ممکن است خود را ناگزیر احساس کند تا تقاضای سربازان رزمی شوروی را برای حفظ بقای خود بنماید. تصور می شود که رهبران افغانستان به ماده چهار پیمان دوستی شوروی و افغانستان که در پنج سپتامبر ۱۹۷۸ به امضاء رسیده استناد کنند. معذالک عقیده ما این است که این ماده که به وسیله قانون داناتان تردست شوروی تنظیم شده است، شوروی را به طور خود به خود متعهد به مداخله نظامی در صورتی که بخواهد اقدام کند، نمی نماید.

(از سوی دیگر چنین به نظر می رسد که این ماده شوروی را مجاز می کند که حتی در زمان صلح مداخله کند). بیشتر ناظران دیپلماتیک در محل تصور می کنند که شورویها می خواهند از یک چنین درگیری تا زمانی که یک خط مشی خفیف تری قابل عمل باشد اجتناب کنند، ولی این امکان را منسوخ نمی کنند که اتحاد شوروی ممکن است خود را ناگزیر احساس کند که تصمیم بگیرد تا «برای نجات انقلاب» و «یک حزب برادر» لازم شده است نیرو به افغانستان بفرستد و در چنین صورتی درگیری شوروی محدود خواهد بود؛ مثل نیروهای ویژه هواپرد که برای حفاظت از تأسیساتی که شهروندان شوروی در آن کار می کنند حضور دارند، معذالک بالمآل حضور نظامی اتحاد شوروی ممکن است گسترش یابد.

۱۷- سایر ناظران دیپلماتیک در محل تصور می کنند که شورویها در آخرین تحلیل، از پشتیبانی رزمی از رژیم خلقی در افغانستان خودداری خواهند کرد و چنین قضاوت خواهند کرد که احتمالات به نفع آن است که مسکو بتواند با تقریباً هر نوع از رژیم جانشین رژیم کنونی مراوده و معامله داشته باشد. مسکو احتمالاً متوجه اظهارات رهبران شورشی افغان در پیشاور (پاکستان) مانند سید احمد گیلانی شده است که



گفته است شورشیان حاضرند درباره روابط آینده با مسکو از «روش عملی» پیروی کنند. شورویها ممکن است احساس کنند که آنها وزنه کافی را برای تحمیل یک رژیم جانشین که بتواند «پیشرفتهای قابل ملاحظه» انقلاب ثور را محترم بشمارد دارند و بدین ترتیب آبروی شورویها حفظ بشود.

۱۸- بنا به قضاوت این سفارت زمان آن هنوز فرا نرسیده است که حزب خلق تقاضای کمک بکند و هنوز هیچ گونه شواهد محکمی درباره اینکه اتحاد شوروی خود را برای مداخله مسلحانه در آینده بسیار نزدیک آماده می کند وجود ندارد. معذالک بدون شک اتحاد جماهیر شوروی احتمالاً طرح ریزی هایی برای وقایع آینده می نماید.

### **امین تأکید می کند که او خواستار «روابط دوستانه ای با آمریکا» است.**

سند شماره (۲۱) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی با حق تقدم شماره سند: ۶۷۸۹ طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: نخست وزیر امین تأکید می کند که او خواستار «روابط دوستانه ای با آمریکا» است.

۱- در مصاحبه اخیر با چند تن از خبرنگاران خارجی که در شش سپتامبر در اینجا منتشر شده نخست وزیر حفیظ الله امین بیانات زیر را در مورد روابط افغانستان با آمریکا بیان داشت.

- ما از ایالات متحده و چین (به خاطر حمایت مستقیم از شورشیان) شکایت نمی کنیم. ما می خواهیم که روابطی دوستانه با چین و ایالات متحده داشته باشیم. در عین حال، احساسات این دو کشور را علیه انقلابمان نادیده نمی گیریم، این احساسات در سخن پراکنیها و تبلیغات رادیو پکن و صدای آمریکا منعکس شده است.

۲- نظریه: این اعتراض علنی به وسیله امین و رئیس جمهور ترکی که آنها خواهان روابط خوبی با آمریکا هستند، یک روش نسبتاً استاندارد است، ولی همان طور که امین در این مصاحبه نشان داد، بیانات آنها با گله هایی مبنی بر حالت خصومت صدای آمریکا و سایر تبلیغات آمریکاییها علیه رژیم آنها توأم است. سخنرانیها و مصاحبه های علنی آنها هر طور که باشد، برداشت و رفتار عمده این است که موضعگیری دولت نسبت به برنامه های ما در این جا چنان نبوده است که بگوییم روابط «دوستانه» دوطرفه اشاره شده، به وسیله رهبریت افغانستان ترویج داده می شود. آمستوتر

### **اطلاعات جسته و گریخته در مورد بیوگرافی نخست وزیر امین**

سند شماره (۲۲) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۱۱ سپتامبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۶۷۸۸ موضوع: اطلاعات جسته و گریخته در مورد بیوگرافی نخست وزیر امین (استفاده اداری محدود) ۱- (استفاده اداری محدود) حفیظ الله امین نخست وزیر در یک مصاحبه ای که اخیراً با چند خبرنگار خارجی انجام داد و در تاریخ شش سپتامبر در جراید محلی منتشر شد، اطلاعات زیر را درباره زندگی

خودش آشکار کرد:

- او پنجاه ساله می باشد.

- تبصره، ما تصور می کنیم که او پنجاه و دو ساله باشد.

- او آگاهی سیاسی خود را هنگامی که در دانشگاه ویسکونسین آمریکا در تابستان سال ۱۹۵۸ دانشجو بود، به دست آورده است. در آن زمان او در چندین رشته در زمینه علوم سیاسی و اقتصاد تحصیل می کرده «به باشگاه ترقی خواهانه سوسیالیستی سر می زد» و «از نزدیک ناظر شرایط سرمایه داری بود.» - او قبل از اینکه امتحانات شفاهی خود را برای اخذ درجه دکتری بدهد یا از سوی حکومت ایالات متحده «بیرون رانده شده بود» یا اینکه از سوی رژیم افغانستان «به موطن احضار شده بود». مقامات ایالات متحده به او گفتند که او به خانه احضار شده است، ولی هنگامی که او به کابل رسید، به او گفتند که ایالات متحده او را «بیرون کرده است». هر چند او «تقاضا کرد» فرصتی به او داده شود تا مطالعات خود را با هزینه خود به پایان برساند این تقاضا رد شد.

- پس از اینکه چهار سال در پارلمانی که در دوران سلطنت وجود داشت خدمت کرد، توجه خود را به سازمان دادن و به خدمت فرا خواندن کادرهای حزبی در میان نظامیان در سال ۱۹۷۳ متمرکز کرد.

۲- (محرمانه) اظهار نظر: در این مصاحبه ویژه، امین تنها به طور جنبی ایالات متحده را به خاطر (بیرون راندن) خودش به علت فعالیتهای ظاهرا سیاسی مورد سرزنش قرار داد. در فرصتهای قبلی او با این نزاکت صحبت نمی کرد. عذاب دریافت نکردن یک دکتری واقعی هنوز هم او را رنج می دهد و بعضی از ناظران در اینجا حتی فراتر رفته و مدعی اند که خروج قبل از موعد او از دانشگاه کلمبیا (به هر علت که باشد) علت العلل احساسات ضد آمریکایی امین است. نقش امین به عنوان اولین پیش برنده حزب و به حرت درآورنده آن در ارتش افغانستان (ظاهرا برای دوران حساس ۷۸-۱۹۷۳) تا اندازه زیادی تشریح کننده این موضوع است که چرا اعضا خلقی نظامیان لاقول تاکنون وفاداری خود را به رژیم علیرغم تشنجات فزاینده و خشونتها حفظ کرده اند. اطلاعات قبلی حاکی از آن بوده است که امین به نحو فعالی قبل از سال ۱۹۷۳ برای حزب عضوگیری می کرده است، ولی اشاره او در اینجا ممکن است این اندیشه را القاء کند که این امر پنج سال قبل از انقلاب مسئولیت اولیه او بوده است، سرانجام کاهش چند سالی از سن خود از سوی امین می تواند جبران چند اینچی را بکند که او به کمرش از زمان انقلاب به بعد اضافه کرده است، هر چند در این جامعه اطلاعات ویژه درباره مسائل بی اهمیتی مانند تاریخ تولد به طور کلی وجود ندارد.

## فعالتهای ناراضیان افغانی

سند شماره (۲۳) شرکت کنندگان: ننگوی تارزی - پناهنده افغانی، کارمند قبلی سفارت افغانستان در واشنگتن و وزارت خارجه افغانستان و جرج بی گریفین. تاریخ: ۱۹ و ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۹ یادداشت مذاکرات طبقه بندی: خیلی محرمانه محل و زمان: ۱۲ سپتامبر ۷۹ در منزل گریفین در واشنگتن موضوع: فعالتهای ناراضیان افغانی تارزی به دیدن من آمد که درباره سفر اخیرش به اروپا حرف بزند. او برنامه ریخته بود که خانواده اش را به انگلستان ببرد، ولی خبر از تشکیل ائتلاف انقلابی در

آلمان رسيد. برادرزنش «سيداحمد گيلاني»

ص: ۶۴۳

تلفن زد و از او خواست که پیغامی را برای اعضای ائتلاف که در هامبورگ ملاقات می کنند ببرد. در این پیغام گیلانی شرح داده که گروه او یک دعوتنامه به آن گروه را با کمال میل مورد قبول قرار خواهد داد.

وقتی که تارزی به آلمان رفت متوجه شد که این ملاقات به توسط ژنرال «عبدالولی» پسرخوانده ظاهر شاه ترتیب داده شده و در آنجا ژنرال قبلی بنام «مستغنی» و سفیر قبلی افغانستان در آمریکا آقای «کریم» حضور دارند. آقای تارزی دوبار عبدالولی را در هتلش ملاقات کرد، ولی او دعوت را برای حضور در جلسه گروه قبول نکرد، چونکه او هیچ اجازه ای از گیلانی برای این کار نداشت.

تارزی آشکار کرد که ائتلاف تصمیم گرفته که در مورد این که آیا رهبران جنگجویان در پاکستان دخالت عبدالولی را در فعالیتهایشان قبول خواهند کرد یا نه، مطالعاتی انجام دهد. (برای او مشخص نبود که «عبدالولی» از طرف خودش عمل می کند یا اینکه نماینده ظاهر شاه است، حتی بعد از اینکه او پسرعموی شاه را مورد سؤال قرار داد).

پسرعموی شاه گفت که ظاهر شاه تا این اواخر میل نداشت که در فعالیتهای ناراضیان دخالت کند، ولی عبدالولی می خواست که فعالیتهای خودش را بکند. او نمایان کرد که ظاهر می خواست کمک کند، ولی می خواست عکس العملها را بررسی کند، قبل از اینکه خودش را داخل کند. گروهها در آلمان از تارزی خواستند که از طرف مردم افغانستان از شاه پشتیبانی کند، ولی او این کار را نکرد.

او به ظاهر در رم تلفن کرد، ولی از روی ادب درباره این مطلب با او هیچ حرفی نزد. در این میان سفیر «کریم» داشت کوشش می کرد که عبدالولی به پیشاور برود.

تارزی درخواست کرد که ائتلاف یک طرح را برای یک سری سیاستهای گسترده مورد بررسی قرار دهد. آنها قبول کردند که چنین عملی برای جلوگیری از تمایل افغانستان به کشورهای نظیر ایران لازم است. آنها از این می ترسیدند که خلقیها بیرون رانده شوند، ولی به علت داد و بیداد جانشینهای آنها بر روی شخصیتها، قوی تر برگردند. آنها همچنین موافقت کردند که آنها احتیاج به یک پایه برای تشکیل دولت دارند، به طوری که افراد مختلف بیایند و بروند بدون اینکه ثبات دولت را به هم بریزند. هر چند به تارزی گفته اند که اولین هدف آنها بر کنار کردن خلقیهاست.

تارزی متذکر شد که چند عضو ائتلاف وقتی که شنیدند که شوروی یک تماس آزمایشی با ظاهر شاه گرفته است عصبانی شدند. او با ذکر اینکه این مطلب در روزنامه نیویورک تایمز چاپ شده است، قویا سعی می کرد که ببیند من در این مورد چه می دانم. من به او گفتم که هیچ چیز درباره اعتبار این مطلب نمی دانم، ولی گفتم که این باورکردنی است. اگر این حقیقت داشته باشد که شوروی سعی می کند که جنگ را فرو نشاند یا ناراضیان افغانی را کم کرده و آنها را به رژیم ملحق کند، تارزی ظاهرا تماس با شوروی را خطرناکتر می دید.

به هر حال تارزی متذکر شد که سفیر کریم قرار است که از پیشاور دیدن کند برای آنکه بفهمد نظر عبدالولی در مورد جنگجویان در آنجا چیست، اعضاء دیگر ائتلاف از جمله ژنرال سابق مستغنی و (عارف پسرخوانده دیگر شاه) قرار بود که

برای به دست آوردن پشتیبانی از روشنفکران تبعیدی افغانی برای یک شورای ۱۰ تا ۱۲ نفره، برای راهنمایی گروههای مختلف جنگجویان از جمله گروههایی که در پاکستان هستند، به اروپا و آمریکا مسافرت کند.

به گفته تارزی بعضی از ائتلافیون پیشنهاد کردند که از آن جنگجویانی که ماهرانه در کابل می جنگند

ص: ۶۴۴

پشتیبانی کنیم. او اصرار داشت که اول باید این مسئله مورد بررسی قرار بگیرد که آیا اخوان المسلمین، بین جنگجویان نفوذ پیدا کرده است یا نه؟ چون اخوان المسلمین هیچ گاه در مصر یا سوریه یا عراق از هم نپاشید و «ناصر»، «هارون مجددی» را به خاطر نقشش در اخوان المسلمین ۸ سال زندانی کرد. او گفت که اگر اعضای این گروهها (اخوان المسلمین) در کابل به قدرت برسند، چپها در عرض دو سال سرنگون خواهند شد.

او خاطر نشان کرد که رهبران مذهبی در نقش دادن آینده افغانیها سهمی داشته اند، ولی تأکید کرد که در شورا فقط میانه روها باید نقش داشته باشند.

او به گروهی که گیلانی اصرار داشت اطلاع داد که هر نوع از میانه روهای دولتی باید نقش داشته باشند. برای توضیح اطلاع او، او برای غربال، پیروانش را دقیقاً بسیج کرد با ذکر اینکه آنها زیر سلطه کامل رهبران مذهبی محل خودشان بودند.

تارزی گفت که تبعیدیان افغانی اطلاعات کمی درباره وضع افغانستان دارند و شک دارد که ملحق شدن به مجاهدین بتواند آینده آنها را تضمین کند.

تارزی ادعا کرد که جنگجویان در حدود ۱ تا ۲ میلیون دلار از عربستان سعودی دریافت کرده اند. او ادعا کرد که اکثر این مبلغ به گلب الدین و ربانی از طریق جماعت مسلمین پاکستان داده شده است.

او اضافه کرد که رهبران مذهبی ایران یک سری پشتیبانی از شیعیان افغانی کرده اند، ولی آنها از سنیها که در اکثریت هستند پشتیبانی نمی نمایند و یا با جنگجویان در پیشاور همکاری نمی کنند.

او گفت که «ربانی» و گلب الدین برای گرفتن پول به عربستان سعودی کلک زده اند، ظاهراً کمپانی نفتی عربستان قبول نکرده بود که به آنها کمک کند مگر وقتی که چهار گروه از جنگجویان در پیشاور تشکیل یک جبهه بدهند. برای این کار ربانی گروه خودش را به سه یا چهار گروه تقسیم کرد و سپس یک موافقتنامه ائتلاف بین خود و مردانش امضاء کرد، بعد عربستان سعودی پول را فرستاد. او درباره منابع دیگری که امکان دارد به جنگجویان کمک کنند چنین گفت: از آنجایی که خمینی با شاهنشاهی مخالف است، من شک دارم که اگر رهبران ایرانی بدانند که ظاهر شاه در این کار نقشی دارد، کمکی کنند و از آنجایی که پاکستان مشغول برگزاری انتخابات است، او هم نمی تواند کمکی کند و عربستان سعودی نیز از آنجایی که از عکس العمل شوروی می ترسد، هرگز به طور واضح پشتیبانی نمی کند.

تارزی گفت که احتیاجات ضروری جنگجویان سلاح و مواد سوختنی است، ولی گفت که این احتیاجات را آمریکا باید تأمین کند.

او اظهار امیدواری کرد که بتوانند قبل از زمستان خلیقها را سرنگون کنند. و اگر این طور نشد، آنها به جنگ ادامه خواهند داد. ولی در این مورد اظهار نگرانی کرد که آنها بتوانند بعد از زمستان در دید عموم محبوبیت کسب کنند.

تارزی هرگز مثل بقیه از کمبود مالی و یا کمبودهای دیگر شکایت نمی کند و همچنان به شیک پوشی ادامه داده و خیلی



مسافرت می کند. هر چند که او اقرار کرد که دنبال کار می گردد. او گفت که او را به خاطره رأی و تو در کابل از سازمان ملل متحد بیرون کرده اند. او گفت که برادرش در اواخر ژوئیه در صندوق عقب یک ماشین از طریق پاکستان از افغانستان فرار کرده و هم اکنون در پاریس است.

## **بازدید ترکی از مسکو**

ص: ۶۴۵

سند شماره (۲۴) از: سفارت آمریکا در مسکو تاریخ: ۱۳ سپتامبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی با حق تقدم طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: بازدید ترکی از مسکو ۱- با توجه به توقف کاملاً مشهود ترکی در مسکو در روزهای ۱۱-۹ سپتامبر که در مورد آن نسبتاً مقدار کمی گزارش شده، می توان گفت که رهبر افغانی تأکید رسمی مجددی در رابطه با نظریات شوروی برای کمک به «مردم افغانستان» به دست آورده باشد، ولی دلایلی وجود دارد که عدم توافقی در مسائل دو جانبه موجود بوده است.

۲- تنها ملاقات اعلام شده با برژنف و گرومیکو روز ۱۰ سپتامبر بود. «تاس» ملاقات را چنین گزارش داد:

الف: با توجه به معاهده دوستی، افغان - روس (ولی نه به طور خاص در مورد شرایط کمکهای نظامی) برای گسترش روابط دو جانبه در تمام زمینه ها تعهد کردند.

ب: گفته شد که برژنف به ترکی اطمینان داده که در مبارزه با امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی، مردم کشور دوست افغان می توانند روی استمرار کمکهای مثبت و غیر خودخواهانه روسها حساب کنند.

ج: گفته شد که ملاقات در یک جو صمیمی و دوستانه برگزار شد.

د: گفته شد که «یگانگی کاملی در نظرگاهها» در جریان گفتگوهای مربوط به مشکلات بین الملل وجود داشته (ولی این اصطلاح را در مورد گفتگوهای مربوط به روابط دو جانبه به کار نبرد).

۳- گزارش «تاس» درباره عزیمت روز ۱۱ سپتامبر ترکی این احساس را تأیید می کند که برخی عدم توافقیها وجود داشته است. ترکی گفته که ملاقات او با برژنف «بسیار مفید» بوده و آنها در مورد مسائل مورد علاقه طرفین در «جوی صریح و برادرانه» گفتگو کرده اند.

۴- نظریه: بر اساس اظهاریه برژنف در مورد افغانستان در روز ۱۱ ژوئن، موضوع تعهد کمک شوروی مهم بوده و به جای دولت دمکراتیک مستقیماً خطاب «به مردم افغانستان» است. پوشش کامل ترکی و برژنف در تلویزیون شوروی و در مطبوعات عمده که حاکی از گفتگوی دوستانه بود، ممکن است حداقل نشان دهنده این امر باشد که خود ترکی هنوز از حمایت شوروی برخوردار است. تون

## آوارگان افغانی در پاکستان

سند شماره (۲۵) از: وزیر خارجه واشنگتن دی سیتاریخ: ۱۳ سپتامبر ۷۹ به: هیئت نمایندگی آمریکا در ژنوب طبقه بندی: محرمانه شماره سند: ۰۶۸۰ موضوع: آوارگان افغانی در پاکستان ۱- تمام متن محرمانه ۲- داویدسن مأمور وزارت امور خارجه به تاریخ ۱۱ سپتامبر با NEA/PAB ملاقات کرد، تا گفتگوی اخیرش با کمیسیون حمایت از آوارگان سازمان ملل در ژنو در مورد وضعیت آوارگان افغانی در پاکستان

را گزارش کند.

داویدسن نتیجه گرفت که کمیسیون حمایت از آوارگان سازمان ملل قصد دارد که تلاش سختی برای کمک به این آوارگان آغاز کند.

او معتقد است نمایندگان کمیسیون حمایت از آوارگان سازمان ملل که در ماه می به پاکستان سفر کرده اساساً و طبیعتاً سیاسی بود و هدفش این بود که تعیین کند آیا کمیسیون می‌توانست در ناحیه کار کند یا نه.

گروه دوم که بعداً در ماه اوت وارد شد، برای تعیین احتیاجات طرح ریزی شده بود.

۳- داویدسن معتقد است که کمیسیون در تعیین اینکه چه کسی قانوناً یک آواره است و چه کسی نیست دچار اشکال خواهد شد. خصوصاً با وجود قبایل مهاجر ناحیه که به طور سنتی از مرز رفت و آمد می‌کنند و این واقعیت که فقط درصد کمی از پناهندگان در اردوگاهها سکونت دارند (بیشتر با خویشاوندانشان زندگی می‌کنند یا برای خودشان همراه گله هایشان اردو می‌زنند). کمیسیون مایل است که تأکید کند که اردوگاهها و فعالیتهای کمیسیون حداقل باید ۲۰ کیلومتر از مرز پاکستان - افغانستان فاصله داشته باشد.

۴- داویدسن در مورد مسائل زمانی با کمیسیون گفتگو کرد، او پیشنهاد کرد که زمستان آتی برای شروع یک برنامه، هر چه زودتر در نظر گرفته شود. کمیسیون در نظر دارد که برنامه را اواسط اکتبر شروع کند تا با اجلاس هیئت مدیره اجرایی که در آن زمان صورت می‌گیرد تلافی کند.

داویدسن اصرار کرد و کمیسیون حمایت از آوارگان سازمان ملل بالاخره پذیرفت، که ببینند آیا ممکن است قبل از آن اجلاس به توافقهایی برسند.

۵- داویدسن فهمید که کمیسیون حمایت از آوارگان سازمان ملل در فکر این است که برنامه تقریباً ۱۰ تا ۱۳ میلیون دلاری را اجرا کند. کمیسیون از آمریکا متوقع خواهد بود که به طور اساسی در پرداخت هزینه سهم شود (در فعالیتهای مشابه گذشته، سهم آمریکا به طور متوسط حدود یک چهارم تا یک سوم از کل هزینه بوده است).

۶- داویدسن از کمیسیون پرسید چه کسانی در انجام یک فعالیت امدادی شرکت خواهند جست. بیشتر فعالیتهای از طریق دولت پاکستان انجام خواهد شد و ممکن است که رهبران قبیله‌ای در ترتیبات اجرایی ویژه، در نواحی مرزی دخالت داده شوند. بخش بین‌المللی کمکهای اضطراری به کودکان سازمان ملل نیز ممکن است شرکت کند.

۷- برای اسلام‌آباد: در مورد پیشنهاد شما در پاراگراف ۱۲ مرجع الف، ما در نگرانیهای سفارت در کابل با یک سیاست بسیار فعال دیدار مقامات رسمی آمریکا از اردوگاههای آوارگان در پاکستان با آنها موافقیم. ما معتقدیم که شما باید محتاط باشید، اما قبول کنید که وضعیتهایی ممکن است پیش آید که فرصتهای مناسبی برای دیدار از اردوگاهها فراهم آورد. در دیدگاه ما این شامل دیدارهای ترتیب داده شده به وسیله دولت پاکستان یا کمیسیون برای دیپلماتهای خارجی که بوسیله پاکستان معتبر

شناخته می شود می باشد ۸- برای ژنو: ما دریافته ایم که گروه دوم کمیسیون از پاکستان به ژنو بازگشته است. شما باید یک در خواست ملاقات سریع با مقامات مناسب کمیسیون را بررسی کنید تا به اطلاعات جدید از طرحهای کمیسیون بر مبنای یافته های گروه اعزامی دست یابید.

ونس

**گفتگو با دولت موقت ایران درباره افغانستان**

ص: ۶۴۷

سند شماره (۲۶) از: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی سی تاریخ: ۱۴ سپتامبر ۷۹ به: سفارت آمریکا در تهران - فوری طبقه بندی: سری موضوع: گفتگو با دولت موقت ایران درباره افغانستان ۱- تمام متن سری.

۲- مدتی است که ما مبادله وسیع اطلاعاتی و ارزیابی در مورد موقعیت افغانستان و در درگیری شوروی را در آنجا، با پاکستانیها داشته ایم. ما فکر می کنیم که مفید باشد که گفتگوی مشابهی با ایرانیها، با توجه مخصوص به نقش شوروی در افغانستان، داشته باشیم. این گفتگو باید به طور عادی از مباحثات قبلی که سفارت با دولت موقت ایران داشته است، جریان یابد.

۳- از دو جمع بندی اخیر (تلگرام کابل ۶۶۷۲ در مورد نفوذ شوروی و دخالت در افغانستان و تلگرام کابل ۶۶۹۷ در مورد وضعیت ناآرامیها) مطالبی به دست می آید که شما ممکن است در مذاکره با دولت موقت ایران در باره افغانستان از آن استفاده نمایید. به علاوه باید نکات زیر را بگویید:

ما از رنجهای مردم افغانستان و از دست رفتن زندگی (آنها) در اثر ادامه جنگ در افغانستان شدیداً نگران هستیم. در مورد افزایش دخالتهای شوروی در افغانستان شدیداً نگران هستیم.

در مورد افزایش دخالتهای شوروی در افغانستان بسیار نگرانیم. اخیراً تعداد مشاوران نظامی روسی و تحویل وسایل و تجهیزات افزایش یافته است. می توانید از ارقام تلگرام کابل ۶۶۹۷ استفاده کنید ولی باید این ارقام کاملاً عینی باشد. ما به استفاده گروههای رزمی شوروی در افغانستان به عنوان یک موضوع بسیار جدی که می تواند انعکاس زیانباری در سراسر منطقه و برای روابط شرق و غرب داشته باشد توجه خواهیم نمود.

۴- لطفاً ما را در جریان نقطه نظرهای دولت موقت ایران در باره این موضوع قرار دهید. و نس

### **رژیم خلقی در کابل آماده باش شدید امنیتی برقرار می کند**

سند شماره (۲۷) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۱۵ سپتامبر ۷۹ به: وزیر خارجه واشنگتن دی سی طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۶۸۷۴ موضوع: رژیم خلقی در کابل آماده باش شدید امنیتی برقرار می کند ۱- تمام متن محرمانه ۲- خلاصه: کابل در آرامشی قبل از طوفان به سر می برد، در حالی که به نظر می رسد که رهبری خلقی منتظر یک عکس العمل نظامی محتمل نسبت به تصفیه سه عضو نظامی باقیمانده از کابینه هستند، واحدهای مهم مسلح در کابل ظاهراً به نخست وزیر حفیظ الله امین وفادار مانده اند. تاکنون هیچ فعالیتی از نیروی هوایی در طول بحران مشاهده نشده است. شورویها ممکن است در این مانور تاکتیکی سیاسی

شرکت نداشته باشند. پایان خلاصه.

۳- به هنگام ظهر، به وقت کابل، شهر کابل در آرامش نسبی قبل از طوفان بسر می برد. اقدامات امنیتی نظامی شدید در ناحیه کاخ ارگ (خانه خلق) و مجتمع رادیو افغانستان نزدیک سفارت اجرا می شود (رفت و آمد به سفارت از دروازه پشت حالا مجاز است).

نواری که به وسیله تانکها کنترل می شود، شامل خیابان اصلی از طرف شمال شرق میدان پشتونستان به سوی فرودگاه می شود. هنوز روشن نیست که فرودگاه برای ترافیک باز است یا نه. در نقاط دیگر شهر، فعالیت تجاری معمولی مجاز است و ترافیک معمولی است. اما تمام چهار راهها به وسیله خودروهای مسلح حفاظت می شوند.

۴- سفارت هنوز تلاش می کند که با کنار هم گذاشتن جزئیات، طرح کلی حوادثی را به دست آورد که منجر به اطلاعیه ۱۴ سپتامبر مبنی بر کنار گذاشتن مقامات نظامی باقیمانده کابینه (تلگراف کابل ۶۸۵۱) و برقراری حداکثر اقدامات تأمینی حول رهبری باقیمانده خلقی، شد. اینکه کارهایی در پیش بود در سه یا چهار روز گذشته تذکر داده شده بود. کنسول هند در جلال آباد، حوالی ۱۲ سپتامبر یادآور شد که فرماندار محمد ظریف علیرغم جنگ فزاینده در آن منطقه، آنجا نبود او دچار تردید شده بود که آیا ظریف کشته شده یا دستگیر شده بود. اما برعکس آن طور از کار درمی آید که ظریف ظاهراً به کابل بازگشته بود تا در تصفیه اعضای نظامی کابینه، شرکت کند. وزیر جدید ارتباطات، قبل از انتقال چند ماه پیش به قندهار به عنوان فرماندار، معاون وزیر در همان وزارت خانه بوده است. او در گذشته با مقامات آمریکایی روابط دوستانه داشته است و شخصی باهوش، شایسته و واقع بین انگاشته می شود. در مورد سرنوشت وزیر سابق وزارتخانه او، سید محمد گلابزوی چیزی معلوم نیست.

۵- سفارتخانه انگلستان در سیزدهم سپتامبر، شایعاتی شنیده بود که وزیر سابق داخلی محمد اسلام وطنجار، و وزیر سرحدات شرجان مزدوریار، به وسیله شورشیان ربوده شده بودند. مزدوریار آخرین بار به وسیله دیپلماتهای خارجی در جشن روز ملی بلغارستان در ۹ سپتامبر دیده شد و وطنجار آخرین بار وقتی پرزیدنت ترکی از هاوانا در ۱۱ سپتامبر بازگشت، دیده شده بود (در آن زمان، او در سلسله مراتب در حزب، پس از امین قرار داشت). سرنوشت وزیران عوض شده، به وسیله رادیو افغانستان اطلاع داده نشد.

هر چند آنها می توانند احتمالاً آزاد باشند که یک دلیل برای آماده باش کامل نظامی ممکن است باشد، این محتمل تر است که رهبری خلقی قادر بوده که آنها را دستگیر کند. یک مرد بالقوه خطرناک چون وطنجار به خوبی می توانست بعد از یک جلسه بازجویی سریع اعدام شده باشد (دیپلماتهای هندی فعالیتهای شدیدی را در مرکز بازجویی مخصوص پلیس مخفی در طول خیابان محل سفارتشان به هنگام پیش از ظهر ۱۴ سپتامبر، شاهد بوده اند).

۶- اعتقاد بر این است که اسدالله، فرمانده عوض شده (پلیس مخفی)، با وطنجار در رابطه بوده است.

گفته می شود فرمانده کل جدید پلیس مخفی، محمد عزیز، یکی از معاونین اسدالله بوده است.

اطلاعیه رادیویی در مورد انتصاب عزیز بیان کرد که پلیس مخفی یک بخش از وزارت دفاع است، و نه آن چنان که قبلاً گمان می رفت یک بخش از وزارت داخله است، یا یک سازمان مستقل که تحت کنترل هیچ وزارتخانه ای نیست. امین به عنوان کفیل وزارت دفاع، کنترل مستقیم روی این نیروی پلیس مخفی گسترش یابنده به دست می آورد.

ص: ۶۴۹

۷- انفجار ساعت ۵۰/۱۷ در ارگ به تاریخ ۱۴ سپتامبر، به گفته چندین ناظر، به طور آشکار یک انفجار هوایی بود. آن می توانسته است یک گلوله توپ یا خمپاره باشد که به ارگ شلیک شده، شاید برای نوعی از مفاهیم ابلاغ علامت و خبر. پس از آن شلیکهای متعاقبی صورت نگرفت. شلیک سلاحهای کوچک پراکنده در نقاط مختلف شهر، بعد از ظهر آن روز و نیز دوباره در صبح پانزدهم سپتامبر شنیده شد.

معنی و مقصود این عمل، اگر مقصودی باشد، هنوز معلوم نیست.

۸- نشانه هایی وجود دارد که شورویها ممکن است از حوادث ۱۴ سپتامبر قبل از وقوع آن خبری نداشته اند. مأمورین سفارت که نزدیک نواحی میکرویان - که تعداد زیادی از شورویها آنجا زندگی می کنند، رفت و آمد کرده اند، کمی قبل از انفجار ساعت ۵۰/۱۷ دیروز، زنان روسی و بچه هایشان را مشغول بازی و قدم زدن بدون هیچ گونه پیشگیری امنیتی واضح دیده اند. اما امروز پیش از آن، به وسیله مأمورین هندی (وزیر مختار) گزارش شده بود که ناحیه به وسیله سربازان روسی که یونیفورم افغانی پوشیده بودند محافظت می شده است. اما مأمورین سفارت که ناحیه را در ساعت ۱۰ گشته اند، اثری از این موضوع ندیده اند. سفارت شوروی در ناحیه کارتیزه اکنون به وسیله دو تانک حفاظت می شود. سه لیموزین وزارتخانه خلقی، با نگهبانها، به وسیله یک دیپلمات انگلیسی دیده شدند که بیرون آن سفارت منتظر بوده اند. ما تصور می کنیم این نشان می دهد که شورویها اکنون در صحنه هستند.

۹- عدم حضور هر گونه فعالیت هوایی در طول بیش از ۲۴ ساعت به نظر ما قابل ذکر می رسد. نیروی هوایی ممکن است به عنوان غیرقابل اعتماد بر زمین گذاشته شده باشد. مانند موردی که وزیر دفاع، عبدالقادر تصفیه شد.

۱۰- نظریه: امین، که در موقعیتی است که به طور نزدیک از نیروهای مسلح مطلع است، ممکن است یک توطئه در شرف تکوین به رهبری وطنجار را کشف کرده و تصمیم گرفته در مرحله اولیه رشد با یک برخورد پیشدستانه، آن را خنثی کند. این عمل به طور کامل ارتش را از شورای وزیران و نیز احتمالاً از شورای انقلاب حذف کرده است. اینکه رهبری باقیمانده ارتش چگونه عکس العمل نشان خواهد داد - اگر اصلاً عکس العملی داشته باشد - می ماند تا دیده شود. نیروی های KDY ناحیه کابل، به نظر می رسد که تاکنون به طور قاطع از امین حمایت کرده اند.

۱۱- هنوز واضح نیست که آیا شورویها قبلاً درباره حرکت امین آگاهی داشتند یا ناگهان با یک عمل انجام شده رو به رو شدند. مسکو حتماً نمی تواند راضی باشد که خلقیها، علیرغم توصیه شوروی پایگاه قدرت سیاسی شان را بیش از پیش محدودتر کرده اند که نتیجتاً مبارزه جاری برای بقای رژیم را مشکل تر می کند. اکنون برای شورویها این مطرح می شود که یک کودتای نظامی سریع می توانست وضع آشفته سیاسی جاری را به حال متوازنی درآورد و این می توانست به یک گروه کاملاً جدید اجازه دهد که کنترل را به دست گیرد، از آن جمله افسران ارتشی سابقاً گمنام که می توانستند تمایلات سیاسی شان را پنهان کنند و جنبه های فتنه انگیزتر از انقلاب کبیر ثور را تعدیل کنند. در روزهای آینده ما کوشش خواهیم کرد که چند نفر از این افسرها بشناسیم.





سند شماره (۲۸) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: همزمان با کاهش تشنجات در کابل رئیس جمهور امین استفاده های سیاسی اخیر را از این جریان می کند ۱- (تمام متن محرمانه).

۲- خلاصه: کابل ظاهراً برخی از کشمکشهای روزهای اخیر را از دست داده است، به طوری که رئیس جمهور جدید حفیظ الله امین کنترلش را بر دستگاه حزب و دولت محکم کرده است. پایان خلاصه.

۳- ساعت ۱۶ (به زمان کابل) در ۱۷ سپتامبر است، کشمکشهای سیاسی روزهای اخیر ظاهراً در کابل کاهش یافته است. اگر چه تانکها هنوز محل های مهم اطراف کاخ ارگ (خانه خلق) و ساختمان رادیو افغانستان را حفاظت می کنند، ولی سرنشینان تانکها زیر سایه وسایل خود در حال استراحت به سر می برند.

ادارات دولتی ظاهراً به کار روزمره خود بازمی گردند، اگر چه رئیس جمهور حفیظ الله امین و پیروانش به نظر می رسد که هنوز احتیاط را در این می بینند که جاده را از نظر نوعی واکنش نظامی علیه حکومت و حزب خود، با دقت زیر نظر بگیرند (مخصوصاً سمت پایگاه زرهی پل چرخی را)، اما به نظر می آید که همزمان با گذشت ساعاتی بدون درگیری اعتماد بیشتری پیدا می کنند.

۴- برای امین برنامه ریزی شده که ساعت ۱۲ شب (به زبان پشتو) و ساعت ۳۰/۲۰ (به زبان دری) برای ملت صحبت کند، مردم افغان منتظرند ببینند چه نشانه هایی دریافت می دارند، مثلاً آیا امین هم چنان با لحن احترام آمیزش در مورد رفع بیماری از رهبر بزرگ «نور محمد ترکی» که در ۱۶ سپتامبر به وسیله اطلاعیه تغییر رهبریت مشخص شد یاد خواهد کرد، یا شروع به بی اعتبار کردن «آموزگار بزرگ» خواهد کرد. آموزگاری که یک بار او را به عنوان «شاگرد قهرمان» خواند؟ ترکی در ۱۵ سپتامبر توسط مطبوعات به عنوان چهره مقدس معرفی شد، ولی از ۱۶ سپتامبر به بعد نام او در وسایل ارتباط جمعی بدون عنوان یا عبارات افتخار آمیز ذکر شد. منابع موثق گزارش دادند که دختر امین تصویر ترکی را در ۱۶ سپتامبر در مدرسه اش پاره و او را «مردی بدسرشت» توصیف کرده است.

۵- آیا این تغییرات بیشتر کابینه را به اطلاع خواهد رساند؟ در بین آنهایی که در این رابطه شایع شده که امشب یا در هفته آینده خاطر تمایلات مخالف امین اخراج می شوند عبارتند از:

وزیر امور مالی عبدالکریم میثاق، وزیر کار و امور اجتماعی دستگیر پنج شیری، وزیر معادن و صنایع محمد اسماعیل دانش، وزیر حمل و نقل محمد حسن باریق شافعی (که ضمناً دست راست امین بود و وزیر امور داخلی محمد اسلام وطنجار را که در معیت هیئتی در فرودگاه از ترکی در بازگشت از سفرش به هاوانا و مسکو در ۱۱ سپتامبر استقبال کرده بود، خلع کرد).

۶- برای ترکی چه اتفاقی افتاد؟ اکثر کابلیهایی که کارمندان سفارت از زمان اطلاعیه عصر دیروز با آنها صحبت کرده اند فکر می کنند که ترکی در خلال جنگ مسلحانه ای که در قصر روی داد و باعث قتل محافظ بدسابقه اش «سیدداود تارون» گردید، بر اثر جراحات وارده از تیراندازی مرده باشد و این امر در تاریخ ۱۴



یا ۱۵ سپتامبر اتفاق افتاد (تاریخ دقیق هنوز روشن نیست). به خوبی می توان گفت که ترکی و تارون خواه ناخواه در حوادث خشونت آمیز تصفیه اخیر اعضای نظامی کابینه گیر افتاده باشند و در آن وقت هنوز «امین» برای از بین بردن ترکی طرح نریخته و امین توجه به آنها را در جدول زمانی خود دیرتر قرار داده بود. اما وقتی فرصت پیش آمد امین فوراً آن را مغتنم شمرد.

عده ای دیگر می پرسند که چگونه امین برای مرگ «تارون» مراسم تشییع جنازه یک شهید را در ۱۶ سپتامبر برپا می کند، ولی درباره مرگ ترکی سکوت می نماید؟ باز هم عده ای معتقدند که ترکی هنوز زنده و در حال مردن است و مرگش توسط رژیم اعلام می شود.

۷- در ۱۷ سپتامبر وقتی با عبدالمجید منگال، یک مقام رسمی وزارت خارجه که ترکی را در سفر به هاوانا و مسکو همراهی کرد، تماس گرفته شد، وزیر مختار اظهار داشت که دیپلماتهای غربی ترکی را هنگام بازگشتش از کابل در ۱۱ سپتامبر شاد و ظاهراً سرحال دیده بودند. منگال اظهار نمود که ممکن است ترکی ظاهراً سالم به نظر می رسد، اما هنگام سفر دچار نوعی بیماری شده بود. او همچنین افشا کرد که ترکی به وسیله یک پزشک متخصص همراهی شده است.

منگال اضافه کرد که راجع به مسئله سلامتی ترکی به موقع خود اطلاع بیشتری خواهیم یافت، حتی شاید در طول صحبتهای امشب امین این مسئله به سرعت در حال مطرح شدن است و در عین حال هزاران تصویر ترکی که کابل را پر کرده بود همه ناپدید شده اند. رهبریت در حزب و حکومتی که امین از زمان انقلاب بالفعل نشان داده عملاً محقق گردیده است. مردم نمی دانند که آیا امین - استالین - افغانستان اجازه می دهد که حتی خاطره رهبر بزرگ نابغه (ترکی) باقی بماند یا خیر.

۸- واکنش شوروی در کابل: چنان که در گزارش قبلی سفارت اشاره شده (کابل ۶۸۷۴)، هنوز روشن نیست که آیا سفارت شوروی در کابل مخفیانه از جنبش ضد وطنجار «امین» قبل از شروع عملیات اطلاع داشته یا نه. شورویها در کوتاه مدت در مقابل یک امر انجام شده (چنانچه چنین فرضی درست باشد) راهی جز همراهی با جریان حوادث نداشتند. مطبوعات کابل گزارش دادند که سفیر روسیه الکساندر ام پوزانف ساعت ۱۰ صبح ۱۵ سپتامبر با امین ملاقات کرد. یکی از منابع به ما گفت که آن ملاقات تا ظهر ادامه داشت و در این جلسه به نظر می رسد که یک تفاهم کلی میان رهبر در حال ظهور و حامیان اصلی شوروی روی داده است.

۹- برداشت کلی در محافل دیپلماتیک و مابین افغانهای مطلع این است که روسها راضی نیستند. اما احتمالاً دریافته اند که آنها هیچ انتخاب دیگری در این زمان ندارند جز حمایت از امین مغرور و بی رحم.

طبق گزارش، شورویها که زمانی در صدد توسعه پایگاه سیاسی رژیم کابل برآمده بودند تا بدین وسیله اغتشاشات را سرکوب نمایند، اکنون این پایگاه را بسیار محدود و حتی به باریکی نوک مداد یافته اند.

همچنین زمانی به روسها گفته شده بود که امین خونخوار مشکل اصلی رژیم حزب خلقی است (اما «عموترکی» حتی در محافل غیر خلقی نیز از حامیانی برخوردار بود) و بنا به گزارش قصد از بین بردن او را داشتند. اما حالا امین تنها فردی است که برایشان باقی مانده تا اینکه انتخاب قابل اطمینان بیشتری پیدا کنند. او تنها وسیله ای است که مسکو می تواند از طریق وی از

یک «حزب اخوت» دفاع کند و یک «انقلاب مرفی» را نجات دهد، زیرا اینها از جمله مسؤلیتهای ایدئولوژیکی است که شورویهای محلی شدیداً از آن دم می زنند.

ص: ۶۵۲

۱۰- اما بدین معنا نیست که روسها این موقعیت را با خوش بینی قبول می کنند. در ۱۷ سپتامبر یک دیپلمات جزء روسی با غرولند به یکی از کارکنان سفارت گفت خلیها در اینکه می خواستند خیلی از چیزها را بسیار سریع انجام دهند مرتکب خطا شده اند. او فکر می کرد که رژیم باید چهار یا پنج سال برای آنچه که در عرض چند ماه انجام دادند وقت می گذاشت و این فرد روسی می گفت که فکر می کند که حزب خلق «شکست خورده است».

آمستوتز

## برخی از انعکاسات در مورد بحرانهای سیاسی افغانستان

سند شماره (۲۹) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی سی طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: برخی از انعکاسات در مورد بحرانهای سیاسی افغانستان ۱- محرمانه - تمام متن.

۲- من فکر می کنم که بایستی برای وزارت خارجه و مقامات سفارتخانه ها روشن باشد که ما شاهد یک بحران سیاسی بسیار مهم در افغانستان هستیم. در این باره، من مایلیم چندین مورد را متذکر شده و نظرات شخصی خود را ابراز دارم.

- بحران تمام نشده است. فعلاً وفاداری واحدهای نظامی جمهوری دمکراتیک افغانستان در مناطقی مانند قندی، قندهار و کوندوز واضح نیست و گزارشهای گسترده ای (و چند سند) وجود دارد که سه عضو نظامی مخلوع در کابینه (وطنجار، گلابزوی و مزدوریار) توانسته اند از شهر فرار کنند و مخفی شوند.

ممکن است که جنگ داخلی بین واحدهای ارتش جمهوری دمکراتیک افغانستان به طور کامل دنبال شود و به وسیله طرفداران ترکی یا عوامل مخالف امین رهبری شوند. او در کابل است و ما کاملاً متوجه هستیم که موقعیت سیاسی وخیم است و خیابانهای اصلی که در مجاورت وزارتخانه های مهم است به روی ترافیک عمومی بسته است و در محوطه سفارت ما تانکهای مجهز ساخت شوروی در دو طرف سه خیابان زمین سفارت خانه مستقر گشته اند. ما نمی توانیم از طریق در اصلی وارد یا خارج شویم زیرا خیابان بسته است، بلکه از در عقبی اضطراری استفاده می کنیم، ولی این کار را زیر دهانه توپ یک تانک بزرگ تی - ۶۲ انجام می دهیم. این وضع کمی دلهره آور است، ولی چیز جالبی است که بدرد نوشتن در نامه هایی که به وطن فرستاده می شود می خورد.

اینک ۱۸ ماه است که ما شاهد خودآفت زدگی این حزب مارکسیست (حزب جمهوری دمکراتیک افغانستان) هستیم. دیشب یک مقام افغانی آهسته به یک کارمند سفارت در مورد رهبریت می گفت که «آنها مثل یک دسته عقرب هستند که همدیگر را تا سرحد مرگ نیش می زنند» به عنوان مثال تاکنون ۲۵ تغییر کابینه از لیست اصلی منتشر شده در آوریل ۱۹۷۸ وجود داشته است. تعداد تغییرات معاونان وزرا حتی بیش از این یعنی ۳۴ نفر بوده است، تصفیه پشت سر هم انجام شد و انسان نمی تواند متعجب نباشد که چگونه این رژیم دوام می آورد. البته، قسمتی از پاسخ در سرکوبی بی رحمانه هر نوع مخالفت قابل تصور

است. تعداد زندانیان سیاسی مقتول ممکن است به ۶۰۰۰ رسیده باشد و شاید بیش از چهار برابر آن تعداد تاکنون به زندانهای سیاسی کشیده شده و یا آزاد شده اند.

- اغتشاش در طول این دوره بحرانی متوقف و یا خاموش بوده است و برای اخذ امتیاز از موقعیت بحران سیاسی مورد استفاده واقع نشده است.

- من نمی دانم آینده چه خواهد شد. امین به طور شگفت آوری از توطئه های پشت سر هم جان به در برده است اما قطعا روزی دچار اصل میانگینها خواهد شد، اما از طرفی این قانون شامل استالین نشده و او در رختخواب مرد. به نظر من شانس او برای در قدرت ماندن در طول امسال بیش از ۵۰ درصد نیست و هیچ امکان برای مردن در رختخواب ندارد، اما امکان بقای حزب را در منصفه قدرت بیشتر می دانم.

۳- این زمان در کابل بودن هیجان انگیز است، امیدوار باشیم کسی آسیبی نبیند. آمستوتز

### فعالیت‌های ناراضیان هزاره

سند شماره (۳۰) سفارت آمریکا، اسلام آباد، پاکستان (خیلی محرمانه - تمام متن) یادداشت مذاکرات طبقه بندی: خیلی محرمانه شرکت کنندگان: ولی بیگ رهبر اتحاد مسلمانان جنگجو در افغانستان ریک شرمز، کفیل مشاور سیاسی سفارت زمان و مکان: ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۹ سفارت آمریکا، اسلام آباد موضوع: فعالیت‌های ناراضیان هزاره صدر محمد آصف خان، رئیس سابق (قبیله) هزاره در بلوچستان و در حال حاضر نایب رئیس وزارت امور خارجه در کوئتا (اسم یک شهر) در ۱۷ سپتامبر به من تلفن زد و درخواست یک وقت ملاقات برای ولی بیگ کرد.

من موافقت کردم که رئیس هزاره را ببینم. به شرطی که او به اسلام آباد بیاید. او در ۱۹ سپتامبر با یک مترجم و دو همراه ساکت آمد.

ولی بیگ شرح داد که رئیس اولین سازمان هزاره ناراضیان افغان است که در پاکستان شکل گرفت.

گروه از کوئتا رهبری می شود. از جایی که آنها عملیات را به راه می اندازند. برخلاف محل استقرار رهبران ناراضیان در پیشاور، ولی بیگ قویا اعتقاد دارد که او باید حداقل قوا را دوروبر خود جمع کند. و حداکثر را به جبهه جنگ با دشمن بفرستد.

در رابطه اش با گروه پیشاور او گفت که با تمام گروهها به جز (حزب اسلامی) همکاری و تماس دارد.

ولی بیگ در پیشاور محمد نبی را از همه بهتر می شناسد، محمد نبی در زمان ظاهرشاه در پارلمان بود، بیگ به نظر می آید که به جز افراد هزاره به کسی دیگر اعتماد نمی کند.

در افغانستان ۶ میلیون هزاره هستند که همه آنها فعالانه بر علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان می جنگند. هزاره ها در

جمهوری دمکراتیک افغانستان بر علیه سرهنگها قیام کرده اند و صدها تن از آنها به نیروهای بیگ پیوسته اند. ۱۶۰۰ افسر و سرباز هم از جمهوری دمکراتیک افغانستان اخراج شده اند.

بیگ از مردم آمریکا به خاطر حمایت از حقوق بشر، قدردانی کرد بیگ فکر نمی کند که سرنگونی ترکی اهمیتی داشته. او می گوید که امین از او نیز بهتر نیست.

ص: ۶۵۴



او گفت که در زمستان نیروهای او بر نیروهای امین برتری خواهند جست و ضربه های مهلکی به دشمن خواهند زد.

بیوگرافی: ولی بیگ می گوید که او دو نوبت در پارلمان بوده (در دوره ظاهرشاه). او عضو هیئت موکلان بود که در ناوا از ایالت غزنی قرار گرفته است.

او به نظر می آید که ۴۰ ساله باشد با بدنی سالم همراهانش نیز همان طور خشن به نظر می آیند.

آنها خیلی زیرک و متفکر به نظر می رسند.

### نظریاتی از دو سفیر از کشورهای اروپای شرقی

سند شماره (۳۱) از: سفارت آمریکا- کابل تاریخ: ۲۰ سپتامبر ۷۹ به:وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۷۰۲۵ موضوع: نظریاتی از دو سفیر از کشورهای اروپای شرقی ۱- (تمام متن محرمانه) ۲- فکر می کنم ممکن است جالب باشد که از نظریات کاردار جمهوری دمکراتیک آلمان «کلاوس ماسر» و سفیر لهستان «ادوارد بارادزیچ» اطلاع داشته باشید. در خلال دو روز گذشته با آنها تماس گرفتم واز نقطه نظرهایشان در مورد اوضاع داخلی مطلع شدم. من مخصوصا به دیدار آن دو رفتم زیرا آنها نسبت به دیگر رؤسای سفارتخانه های اقمار مسکو صریح تر و صمیمی تر می باشند.

۳- مهمترین مطالب در یافتی به قرار زیر است.

- ترکی رئیس جمهور پیشین زنده است و با خانواده اش در ویلایی دولتی در حوالی کابل بازداشت می باشد. محل اقامت او از جانب سربازان حفاظت می شود.

- هر دو سفیر تأکید کردند که قبل از تصفیه اخیر در حزب پرچم ناراحتیهایی وجود داشت. آنان این عقیده شایع در میان سفارتخانه های غربی را که «ترکی» نسبت به حفیظ الله پیروان بیشتری در حزب دارد قبول نداشتند. سفیر لهستان افزود که «جاذبه شخصی» ترکی برای اکثر اعضاء حزب ناخوش آیند بود، و این امر کمک به عدم حمایت از او می کند. او گفت که ترکی حتی قدمهای اولیه برای ساختن پشتوانه مردمی، مانند بازدید از کارخانجات، مدارس و دیگر کارهای اساسی را بر نداشته بود. در موقعیتی من اشاره کردم که حفیظ الله امین هم هرگز به این مسائل نپرداخته، سفیر لهستان جواب داد که این کار را رهبر حزب باید برای برپا نمودن انجام می داد. سفیر لهستان همچنین ترکی را به عدم مشاوره با کادر حزب mce از نوامبر ۱۹۷۸ تا زمان سقوطش متهم نمود. در خلال این دو ماه کمیته مرکزی حزب گردهمایی نداشته است (ولی دفتر سیاسی به طور متناوب تماسهایی داشتند).

- هر دو دیپلمات تأکید کردند که روسها برای مدتی از شکاف در حزب خشنود نبودند. سفیر لهستان صراحتا گفت که سال پیش روسها از تصفیه حزب پرچمیها ناراحت بودند. او گفت که روسیه از ابتدا «وحدت کلیه عناصر پیشرو» را تشویق کرده است. اگر چه هر دو نفر در ابراز نظراتشان احتیاط می کردند، اما روشن ساختند که روسها در مورد مشاجرات و تصفیه های اخیر در مقامات بالای حزب که منجر به کنار گذاشتن ترکی و سه عضو نظامی کابینه گردید خوشحال نبودند.



- سفیر لهستان گفت که این سوء تفاهم بین ترکی و امین به درازا نخواهد کشید و به نظر او یکی از این دو ناگزیر مسلط خواهد شد.

- هیچ کدام از این دو نفر دست مستقیم روسها را در کنار گذاشتن ترکی نمی دیدند. در حقیقت سفیر لهستان مطمئن بود که مسکو در این باره ناراحت است. زیرا چند روز پیش بود که برژنف در مسکو ترکی را در آغوش گرفته بود. این بایستی برای مسکو بسیار نگران کننده باشد.

- کاردار جمهوری آلمان شرقی گفت که سه عضو نظامی کنار گذاشته کابینه به نحوی آزادند، ولی سفیر لهستان از ابراز عقیده در باره این مطلب خودداری کرد.

- نظریه: این مطالب اهمیت زیادی ندارد، ولی با شما در میان گذاشته شد. آمستوتز

### ارزیابی ژاپنی ها راجع به سقوط ترکی

سند شماره (۳۲) از: سفارت آمریکا - اسلام آباد تاریخ: ۲۰ سپتامبر ۷۹ به: وزیر خارجه واشنگتن دی سی طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۰۷۴۵ موضوع: ارزیابی ژاپنی ها راجع به سقوط ترکی ۱- تمام متن محرمانه.

۲- معاون رئیس هیئت و دستیار سیاسی او در تاریخ بیستم سپتامبر، کارشناس سیاسی را از جریان دیدار سه روزه هیئت ژاپنی بین شانزدهم تا نوزدهم سپتامبر، آگاه کردند. شخص دستیار که ملاقاتها را انجام می داد، مدت زیادی را در سفارت ژاپن در کابل به سر برد، اما فقط توانست با تعداد محدودی افغانی و روسی ملاقات و گفتگو کند. او این مسئله را روش ساخت که نظر شخصیش را بیان می کند، ولی نظرات مقامات ژاپنی از سفارت در کابل صادر می شود.

۳- ژاپنیها راجع به سقوط ترکی اطلاعاتی از منابع گوناگون جمع آوری کرده اند که به قرار زیر است:

ترکی از هاوانا به مسکو فرا خوانده شده که در آنجا نقشه هایی برای اصلاح رژیم که شامل خلع امین، وطنجار و دیگر «رادیکالها» می شد، در جریان بود. قبل از اینکه ترکی مسکو را ترک کند، روسها به خاطر اینکه او با نقشه هایشان موافقت کرد به او لقب «پدر انقلاب» را دادند.

۴- امین از نقشه های ترکی با خبر شد و کمیته ای به منظور خلع او فراهم کرد. این دو نفر در چهاردهم سپتامبر در ملاقاتی که منجر به خشونت شد حضور یافتند. شخص ناشناسی از اطرافیان ترکی سعی کرد به امین تیراندازی کند اما تارون در مقابل نخست وزیر قرار گرفت و کشته شد. بنا به گزارش، حمایت او از امین سبب کشته شدنش شد.

۵- بنا به گزارش ژاپنیها، سپس اوضاع با شلیک چندین گلوله دیگر به وخامت گرایید که در این میان امین فرار کرد. در این گزارش، سرنوشت وطنجار و دیگران روشن نیست. جالب اینجاست، که ژاپنیها خبر تیراندازی به ترکی را که تقریباً در همه جا پیچیده است مخابره نکرده اند. به نظر می رسد که این جریان بر اساس همان ماجرای لمونیر است که در شانزدهم سپتامبر از کابل فرستاده شده است. هیومل



سند شماره (۳۳) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۲۰ سپتامبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی - فوری شماره سند: ۷۰۳۹ طبقه بندی: سری موضوع: علاقه ایرانیان به موضوع مداخله کوبا در افغانستان ۱- تمام مطلب سری ۲- هیئت کابل در حال حاضر از حضور پرسنل کوبایی در افغانستان بی خبر است و تنها از حضور کارمندان رسمی در سفارت کوبا در این شهر مطلع است. حتی حرفی هم از شایعات جاری در افغانستان مبنی بر دخالت کوبا نیست.

۳- در مورد سؤال یزدی وزیر امور خارجه در مورد گروه امداد کوبا، باید گفت این اطلاعات ممکن است برگردد به سال ۱۹۷۸، زمانی که حکومت‌های غربی ابتدا سعی داشتند که اطلاعات ما را در مورد حضور نظامیان کوبایی در افغانستان کنترل کنند، در آن زمان هم قطاران پاکستانی ما گفتند که شنیده اند بعضی از پزشکان نظامی کوبایی از واحدهای مهم افغانستان بازدید کرده اند. ما هیچ وقت نتوانسته ایم صحت یا سقم این موضوع را بفهمیم اما سفارت ایران در کابل احتمالاً باید این موضوع را گزارش داده باشد.

۴- این سفارتخانه هیچ اعتراضی و مخالفتی ندارد که اطلاعات ذکر شده در اختیار یزدی قرار بگیرد و به او گزارش شود. آمستوتز

### خلقیها ممکن است به واشنگتن چراغ سبز نشان بدهند

سند شماره (۳۴) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی. با حق تقدم شماره سند: ۷۰۶۲ طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: (خیلی محرمانه) خلقیها ممکن است به واشنگتن چراغ سبز نشان بدهند ۱- خیلی محرمانه - تمامی مطلب.

۲- در تاریخ ۲۰ سپتامبر دو مقام رسمی افغانی یکی از وزارت امور خارجه و دیگری از سازمان برنامه به یک تکنسین آمریکایی گفتند که دولت جدید حفیظ الله امین می خواهد روابط متقابل خود را با آمریکا بهبود بخشد.

طبق اظهار نظر این دو مقام، از جمله اقداماتی که امین در این مورد می خواهد انجام دهد، ارسال یک نامه عذرخواهی در مورد قتل سفیر آمریکا «دابز» در تاریخ ۱۴ فوریه است.

۳- نظریه: این دو افغانی ممکن است منظورشان رساندن این پیام به گوش دولت آمریکا باشد. اگر چه در حال حاضر ما اطلاعات موثقی در مورد طرز برخورد فعلی امین با آمریکا داریم، اما سفارت شوروی در محل به خوبی مطلع است که موضوع «دابز» (سفیر) یک مانع اصلی برای روابط بین آمریکا و افغانستان است.

اگر روسها علاقه مند به ترسیم چهره خوبی از امین باشند که به اعتقاد ما چنین است، ممکن است او را به

بهرتر نمودن رابطه اش با کشورهای غیر سوسیالیستی تشویق کنند. آمستوتز

## نظرات روسهای مقیم شوروی در مورد رژیم جدید امین

سند شماره (۳۵) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی فوری طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: نظرات روسهای مقیم شوروی در مورد رژیم جدید امین ۱- تمام متن، خیلی محرمانه ۲- خلاصه: یک دیپلمات برجسته شوروی منکر هر نوع اطلاع قبلی راجع به کودتای اخیر حفیظ الله امین شده است، همچنین شوروی فرصتی می بیند که اینک افغانستان را وارد یک مرحله مثبت «حکومت تحت قانون» بنماید. پایان خلاصه.

۳- در یک میهمانی دیپلماتیک در ۲۰ سپتامبر وزیر مختار سفارت موقعیتی داشت تا در مورد تحولات سیاسی اخیر کابل با کنسول روس «واسیلی سافرونچک» که طبق گزارش، شخصیت مهم شوروی در یافتن مشکلات سیاسی در افغانستان است، صحبت کند. سافرونچک توضیحات زیر را راجع به کودتای اواسط سپتامبر حفیظ الله امین داد:

الف: سفارت شوروی مطلقاً هیچ نوع اطلاعات قبلی راجع به حرکت امین بر علیه افسران نظامی در کابینه یا بر علیه رئیس جمهور پیشین ترکی نداشته است.

ب: نخستین نطق امین در ۱۷ سپتامبر «بسیار مهم» بود و باید به دقت مورد توجه قرار گیرد. امین قصد داشت تا یک قانون اساسی را به وجود آورد. زیرا کشورهای خارجی توقع دارند که هر کشوری در دنیا قانون اساسی داشته باشد.

ج: امین قول داده بود که «بنابراین هیچ گونه توقیف غیر قانونی در افغانستان نخواهد بود.» به علاوه، امین یک کمیسیون مخصوص از افراد پلیس مخفی افغانستان تشکیل داده است، تا موضوعات زندانیان سیاسی اخیر و آزادی آنها را که بدون دلیل دستگیر شده اند بررسی کند. هنگامی که وزیر مختار اظهار داشت که ترکی و امین همیشه در مصاحبه های خود با خبرنگاران خارجی گفته اند که هیچ کس در این کشور بدون دلیل دستگیر نشده است. سافرونچک لبخندی زد و پاسخ داد، این یک قضاوت ذهنی است (توضیح: او به روشنی اشاره کرد که دلیل دیروز ممکن است لزوماً علتی برای امروز نباشد).

د: تمام برنامه ای که به وسیله امین مطرح شد می تواند به عنوان قرار دادن افغانستان تحت حکومت قانون تلقی شود.

ه: باید به امین شانس کافی داده شود تا ثابت کند که او منظورش همان است که ابراز می دارد.

۴- سافرونچک راجع به اظهارات اخیر دولت آمریکا درباره نقل و انتقال نظامیان روسی به شمال اکسوس و حضور سربازان شوروی در پایگاه هوایی باگرام در شمال کابل اظهار ناراحتی کرد و گفت که این نوع اظهارات را غیر مفید می داند. مأمور ما به وی خاطر نشان کرد که دولت آمریکا همچنین نظریات ایالات متحده را در مورد عدم مداخله خارجی در امور داخلی افغانستان تکرار کرده است. سافرونچک جوابی نداد.

۵- سافرونچک ضمناً در مورد اینکه در مطبوعات بین المللی توجه زیادی به وی می شود گله می کرد و گفت که مایل نیست به عنوان مشکل یاب اصلی شوروی در اینجا معرفی شود و می خواست بداند که آیا سفارت آمریکا نقشی در این تبلیغات داشته است یا خیر. مأمور ما اظهار نمود که به عنوان یک دوست دیپلمات، ناراحتی سافرونچک را در خصوص ذکر نامش به کرات در روزنامه ها می فهمد و همدردی می کند و اطمینان داد که سفارت آمریکا (چنین مزاحمتی ایجاد نمی کند و) خلوت حرفه ای او را رعایت می نماید.

۶- توضیح: سافرونچک تقریباً این استنباط را به دست داد که او خودش نطق ۱۷ سپتامبر امین را نوشته است. زیرا با جزئیات بسیار کوچک خیلی آشنا بود.

۷- اگر این درست باشد که روسها ناگهان گرفتار تب عمل انجام شده پر دردرس شده اند، باید حداکثر کوششان را در مورد رهبری حزب خلق انجام دهند تا چهره بسیار زشت او را حداقل در کوتاه مدت بپوشاند. استراتژی حکومت قانون ممکن است یکی از چندین حق باقیمانده در کیسه گشاد سافرونچک باشد، تا قبولیت عمومی این رژیم را افزایش دهد، اما پیاده کردن آن کار مشکلی است، مخصوصاً اگر امین به وسیله مسکو قابل کنترل نباشد و به صورت دیکتاتور بی رحم عمل کند. آمستوتر

### دولت پاکستان موقعیت افغانستان را ارزیابی می کند

سند شماره (۳۶) از: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۲۲ سپتامبر ۷۹ به: سفارت آمریکا در اسلام آباد - فوریطبقه بندی: سری مرجع: اسلام آباد ۱۰۷۰۲ شماره سند: ۳۷۳ موضوع: (خیلی محرمانه) دولت پاکستان موقعیت افغانستان را ارزیابی می کند ۱- (سری - تمام متن سری است) ۲- شما باید به سؤالات عثمان بر طبق مطالبی که در زیر می آید پاسخ دهید:

ما اخیراً اقداماتی غیرعادی در شمال اکسوس مشاهده کرده ایم. این اقدامات دلیل تدارک برای خارج شدن از پادگانها با حمایت نیروهای هوایی است. این مسئله می تواند در ارتباط با وقوع پیشامدها در افغانستان باشد، ولی در عین حال هیچ مدرک مستقیمی در دست نیست.

ما هنوز هیچ اقدامی از طرف شوروی در مرز شمالی مشاهده نکرده ایم.

ما تصور نمی کنیم که شوروی فعلاً قصد داشته باشد نیروهای بیشتری را به افغانستان بفرستد. اما با این وجود به نظر ما افزایش اقدامات برای افغانستان دشوار است.

تفسیر اخیر شوروی در مورد مسائل افغانستان که شامل پیام تبریک برژنف برای امین بود پخش نشد. اگر چه به اعتقاد ما شوروی چاره ای جز اینکه در کوتاه مدت از امین حمایت کند ندارد.

ما در گذشته نظراتمان را در مورد مداخله با شوروی در میان گذاشتیم. در رابطه با مشاهده آثاری که مبنی بر افزایش اقدامات نظامی شوروی در مرز شمالی با افغانستان می باشد، ما هنوز مشغول بررسی این هستیم که چه اقداماتی غیر از اطلاعیه عمومی

نوزدهم سپتامبر می تواند مؤثر باشد.

در مذاکرات گذشته، روسها همان بیانیه عمومی مسکو را که مبنی بر عدم دخالت آنان در افغانستان و

ص: ۶۵۹



همچنین عدم شرکت آنها در جنگ بود ارائه دادند. کمک شوروی به افغانستان در مطبوعات شوروی به عنوان جواب برادرانه ای به تقاضاها و نیازهای افغانها تصویر شده است.

۳- برای اسلام آباد: شما مخاطب تلکسی هستید که در آن به تعدادی از مقامات دستور داده شده که نظراتشان را در رابطه با دخالت‌های شوروی در افغانستان بیان کنند. ونس

## مقاصد روسیه در افغانستان

سند شماره (۳۷) از: سفارت آمریکا، دهلی نوتاریخ: ۲۷ سپتامبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن - فوریت‌بند: سری موضوع: مقاصد روسیه در افغانستان ۱- (سری - تمام متن) ۲- کنسول سیاسی روز ۲۷ سپتامبر در قسمتهایی از مذاکرات با دبیر وابسته امور خارجی از وزارتخانه ا. ر. دئو (اروپای شرقی و یوگسلاوی) شرکت داشت. ما با توجه به اینکه اطلاع از مذاکرات سودمند شوروی درباره افغانستان در این زمینه کمک خواهد کرد، خواستار نظرات دولت هند درباره مقاصد روسیه در افغانستان شدیم.

۳- دئو گفت که دولت شوروی اطلاعاتی با اطمینانی درباره فعالیت‌هایش در رابطه با افغانستان نداده است، ولی این موضوع در بحث، مورد توجه بوده و در مورد مسائل زیر صحبت‌هایی شده است.

۴- به روسها گفته شد که هند خواستار افغانستان کاملاً مستقلی است، روسها گفتند که مداخله ای در استقلال افغانها انجام نداده اند.

دئو با احتیاط تمام گفت که پس از این اظهار روسها، وی به آنها گفت که باور می‌کند و بر این اساس خواستار اجتناب از فعالیت‌هایی که منجر به هر گونه اشتباه برداشت دیگری گردد شده است. دئو افزود که جوابی در این مورد داده نشد.

۵- دئو اظهار داشت مطلب دومی که به روسها گفته شد، این بود که تعریف دولت هند از استقلال افغانستان شامل اجازه انتخاب رهبری آزاد مردم افغان بدون کمک خارجی است. روسها جواب دادند که آنها مانند ایران، پاکستان، چین و آمریکا در امور داخلی افغانها آن قدر دخالت نمی‌کنند. دئو به روسها گفته که دولت هند این اتهامات را جدی تلقی می‌کند و مایل است دلایل متقن تایید آنها را بررسی کند، اما روسها اصلاً به این موضوع توجه نکردند.

۶- در رابطه بانظر کنسول مبنی بر علائم فزاینده ای از فعالیت‌های نظامی روسها در مرز شمالی افغانستان و شوروی، دئو گفت که دولت هند شیوه مستقلی برای تایید این معنا در دست ندارد. «ما ممنون خواهیم شد که اگر شواهد متقنی مانند تصاویر ماهواره ای یا علائم الکترونیکی ضبط شده که مایلیم در ادامه سیاست خود مبنی بر حمایت از استقلال افغانستان مورد نظر قرار دهیم، دریافت بداریم.

۷- نظریه: خوشبین نیستیم که دولت هند با این وضع ضعیف تا هنگام انتخابات در پایان سال بتواند موفق به درخواست قاطع از شوروی مبنی بر خودداری از مداخله در افغانستان بشود.

حتی اگر هندیهها موضوع را مطرح کرده باشند، ممکن است ما را در جریان قرار ندهند. به هر حال دئو راه را برای ما در این مورد که ظاهراً مورد توجه دولت هند نیز می باشد باز گذاشت. تهیه مدارك فعالیت‌های نظامی

ص: ۶۶۰

شوروی بسیار مؤثرتر از اظهار نگرانیهای تکراری خواهد بود.

## ملاقات کاردار با امین رئیس جمهور

سند شماره (۳۸) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۲۷ سپتامبر ۷۹ به: وزیر امور خارجه در واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره: ۷۲۱۸ موضوع: ملاقات کاردار با امین رئیس جمهور ۱- تمامی متن محرمانه.

۲- خلاصه: من بامداد امروز ملاقات دوستانه و فارغ البالی با امین رئیس جمهوری داشتم، او با اشاره ای که به مناسبات بهتر با ایالات متحده کرد، جذابیت تمام و روش بسیار دوستانه ای داشت. هیچ گونه مسائل ویژه ای در این ملاقات مورد بحث قرار نگرفت. پایان خلاصه.

۳- در چند روز اخیر سفیران و کارداران برای ادای احترامات به رئیس جمهوری امین، به مناسبت «انتخاب» او به عنوان رئیس جمهوری افغانستان و دبیر کل حزب صف کشیده بودند. من پنجمین فرستاده برای دیدار او در بامداد امروز بودم و به من گفته شد که ششمین نفر بعد از ظهر امروز ملاقات خواهد کرد.

۴- امین فارغ البال و مسلط بر خود و از لحاظ ظاهری بسیار دوستانه بود. هیچ گونه نشانه ای از اینکه وی به طوری که گزارش شده در جریان تیراندازی در کاخ در تاریخ ۱۴ سپتامبر مجروح شده است وجود نداشت مشکل بتوان با مشاهده این مرد خوش خلق باور کرد که او بوده است که از این همه توطئه ها جان سالم به در برده و بالاخره در راس قرار گرفته است. در حالی که من به او نگاه می کردم نمی توانستم بیاد نیاورم که تنها در سال قبل یعنی در سال ۱۹۷۷ هنگامی که ما سرگرم یکی از تمرینهای عادی مورد لزوم برای تشخیص هویت رهبران بودیم، ما امین را در فهرست مربوطه ننگجانده بودیم. همچنین پی بردن به این مطلب در جریان صحبت با این مرد دوستانه، بسیار دشوار است که تصور کنیم که او نیز به طور مستقیم در اعدام حدود ۶۰۰۰ مخالف سیاسی مسئولیت داشته است. در هر چیزی که او می گفت معقول جلوه گر می شد و چهره مردی را نشان می داد که می توان با او بحث منطقی کرد که به تفاهم رسید.

۵- همان طوری که وزارت می داند من دو دستور فوری داشتم: یکی، درباره اینکه این ملاقات باید کوتاه مدت باشد و دومی اینکه به غیر از اظهار این مطلب که حکومت ایالات متحده مایل است با تقاضای مکرر امین جهت مناسبات دوستانه هم عقیده باشد، هیچ مطلب پرمعنای دیگری را نگویم. همان طور که شما می دانید اقدامات عادی صرف جای برای چند دقیقه ای آغاز نخواهد شد و اینکه یک خروج پرشتاب به عنوان یک اهانت تلقی خواهد شد. کارمندان من و من مغزهای خود را قبلاً در این باره تحت فشار قرار داده بودیم که برای گذراندن وقت به چه نوع گفتگویی می توانستم متوسل شوم، ولی همه اینها کمتر از آنچه که من نگران آن بودم برای من مشکل ایجاد کرد. امین یک حالت روحی متمایل به وراجی داشت و من به او مجال دادم که بیشتر صحبتها را او انجام دهد. عکسهایی از ما گرفته شد که روی هم چهار دقیقه به طول انجامید و آنچه که مورد شگفتی من بود این بود که عکاسان که دو نفر بودند ۹ قطعه عکس گرفتند. از آنجایی که همتهای دیپلماتیک من عکسهایشان به اتفاق امین در جراید محلی چاپ شده است من تصور

می‌کنم که عکس من نیز به نوبه خود در مطبوعات چاپ خواهد شد.

۶- بلافاصله پس از آنکه عکاسان رفتند امین گفت که او می‌خواهد برای واشنگتن روشن کند که او مایل است «مناسبات بهتر و دوستانه‌تر» داشته باشد. خدا را شکر که من قادر بودم که در پاسخ بگویم که واشنگتن نیز در این احساس برای مناسبات دوستانه با او سهیم است.

او آن‌گاه مطلبی را که تاکنون بارها با دیدارکنندگان در گذشته عنوان کرده بود بار دیگر عنوان کرد و آن اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان هیچ‌گونه سوء نیتی نسبت به هیچ‌یک از کشورهای جهان ندارد و در واقع او می‌خواهد با همه کشورهای مناسبات خوبی داشته باشد و اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان صمیمانه مایل به صلح است. او همچنین مطلب آشنای قبلی خود را درباره اینکه افغانستان یک کشور عقب مانده ایست که شدیداً نیاز به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی دارد و تنها به کمک کشورهای بیگانه می‌تواند به این پیشرفت برسد. تکرار کرد.

هر چند او از کمک ایالات متحده ذکری نکرد، ولی از فحوای اظهارات او روشن بود که او امید داشت ما روزی از عمران و پیشرفت اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان پشتیبانی کنیم.

۷- او همچنین از حدود عادی خود فراتر رفته و پوزش طلبید از اینکه افغانستان در کشورهای متعددی (از جمله ایالات متحده آمریکا) سفیر ندارد و توضیح داد که خوب از لحاظ اشخاص واجد شرایط که بتوانند به نحو رسایی نماینده رژیم باشند دچار کمبود است و لذا او انتظار دارد که من نخستین مجرا برای مناسبات دو جانبه بین ایالات متحده و افغانستان باشم. ضمن ادامه این موضوع او دوباره اظهار داشت که در دفتر او برای پذیرایی از من هر گاه من بخواهم با او مشورت کنم باز است. من با توجه به تقاضای وزارت امور خارجه افغانستان مبنی بر اینکه ما تعداد اعضاء نمایندگی سیاسی خود را در افغانستان کاهش دهیم، کوشیدم تا چند مطلب مثبت برای ایجاد یک اثر بیان کنم. من او را متوجه کردم که هواپیمای دی سی - ۷ برای شرکت هوایی افغانستانی آریانا قرار است روز ۱۷ اکتبر به کابل برسد و من گفتم امیدوارم اتفاقی برای جلوگیری از ورود این هواپیما نیفتد. من آن‌گاه خاطر نشان ساختم که حکومت ایالات متحده اخیراً سطح تعرفه خود را درباره هفت قلم که افغانستان به ایالات متحده صادر می‌کند کاهش داده است (این کاهشها در نتیجه کنفرانس توکیو بوده است) و اینکه هر چند این امر زیانهایی برای خزانه داری ما در بر دارد، من امیدوارم که با افزایش صادرات افغانستان برای این کشور اثر سودمندی داشته باشد. سرانجام من به علاقه او به انرژی خورشیدی و ملاقات او با یک کارشناس آمریکایی در این زمینه که در ماه ژوئیه گذشته از کابل دیدن کرده بود اشاره کردم و گفتم آژانس بین المللی مخابرات آمریکا در نظر دارد یک نمایشگاه به مقیاس بزرگی در سال آینده در این باره ترتیب دهد، پاسخ او درباره این مطلب پرشور و شوق بود و او گفت امیدوار است این نمایشگاه عالی باشد.

۸- همه اش این بود. من تصور می‌کنم دیداری که از او انجام داده ام یک حرکت عاقلانه‌ای بود. من فکر می‌کنم که او از فرصت ارسال پیامی به وزارت امور خارجه آمریکا درباره اینکه او خواستار روابط بهتری است استقبال کرد و او منتهای کوشش را انجام داد تا از هر گونه مطلب ضد و نقیضی اجتناب کند. هنگامی که من بعداً با شاه محمد دوست معاون وزارت امور خارجه ملاقات کنم، در صورت لزوم در نظر دارم که به تمایل امین جهت مناسبات بهتر به عنوان استدلالی برای اینکه

وزارت امور خارجه افغانستان فشارهای خود را بر آمریکا و تعداد کارمندان آمریکا در کابل کم کند، اشاره کنم.

ص: ۶۶۲

۹- با در نظر گرفتن توصیه شدید وزارت امور خارجه درباره اینکه ملاقات بسیار کوتاه مدت باشد، من هنگامی که امین را ترک کردم به ساعت خود نگاه کردم و با شمردن چهار دقیقه ای که عکاسان در اتاق بودند من ۱۹ دقیقه در حضور امین بودم و تصور می کنم که این مدت درست و کافی بوده است.

### تماس با وزیر اطلاعات و فرهنگ، کاتاوازی

سند شماره (۳۹) از: سفارت آمریکا کابل تاریخ: ۲۷ سپتامبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۷۲۰۸ موضوع: تماس با وزیر اطلاعات و فرهنگ، کاتاوازی ۱- (تمام متن خیلی محرمانه است) ۲- طی تماسی با خیال محمد کاتاوازی، وزیر اطلاعات و فرهنگ در ۲۵ سپتامبر توسط کاردار و منشی دفتر آژانس بین المللی ارتباطات خانم مارلین مکافی و وابسته دفاعی، وزیر خواستار «افزایش همکاری» بین افغانستان و ایالات متحده شد. این نظریه وزیر با آنچه که یک ماه پیش گفته شد مبنی بر اینکه «خصومت صدای آمریکا و کشور آمریکا با انقلاب، همکاری را در این زمان غیر ممکن می سازد، متناقض بود. او طبق گزارش این اظهارات را هنگامی ادا می کرد که دستور داد ۳۴ عضو کارمند وزارتخانه اش از آموزش زبان انگلیسی آژانس بین المللی ارتباطات خارج شوند. این دستور فعلاً لغو شده و کارمندان وزارتخانه آموزششان را از سر خواهند گرفت.

۳- وزیر اظهاراتش را با توصیف «تغییرات عظیمی» که در افغانستان در حال اتفاق افتادن است آغاز کرد. او کشورش را «آزاد و مستقل» خواند و گفت کشورش «خواستار» همکاری با تمام کشورهایی که مایل به کمک به ما هستند می باشد. او به «اهمیت ویژه همکاری فرهنگی» اشاره کرد و گفت «اکنون موقعیت آنچنان است که باید همکاری ممکن شود.» کاتاوازی مخصوصاً به احتیاج افغانستان برای همکاری «کشورهای پیشرفته ای مثل شما» در زمینه تعلیم و تربیت و آموزش فنی و زبان انگلیسی برای کارمندان دولت اشاره کرد.

۴- نظریه: اظهارات صمیمانه کاتاوازی با لحن نظرات وی راجع به آمریکا در ماههای آخر رژیم ترکی متناقض بود. ما مایلیم فکر کنیم که تغییرات طرز فکری وی نشانه های تغییر کلی در سیاست نسبت به ما باشد، ولی هنوز نشانه های برعکس این نظریه را در سایر مواضع می بینیم که ما را مطمئن می سازد. نحوه قرار ملاقات نیز قابل ملاحظه است. ابتدا هنگامی که موسسه بین المللی ارتباطات با تواضع خواستار قرار ملاقاتی برای خانم مکافی با تعدادی از کارکنان رسمی جمهوری دموکراتیک افغانستان می شود، همه امتناع می ورزند به استثناء ملاقاتی که با رئیس دایره عهدنامه های وزارت امور خارجه ارائه گردید، ولی سپس با یک عقب گرد کامل و ناگهانی، تمام لیست قرار ملاقاتها مورد تصویب قرار گرفت و ترتیب آنها داد شد.

آمستوتز

### مقاصد شوری در افغانستان

سند شماره (۴۰) از: سفارت آمریکا بلگراد تاریخ: ۲۸ سپتامبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۷۳۲۸ موضوع: (بدون طبقه بندی) مقاصد شوروی در افغانستان ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- روز ۲۶ سپتامبر سفارت اظهاراتی در رابطه با نگرانیهای آمریکا نسبت به مقاصد شوروی در افغانستان به FSFA به عمل آورده و خواستار اظهار نظر یوگسلاوها شد. روز ۲۸ سپتامبر کنسول سیاسی ما در مورد اوضاع با آقای دراگسلاویزیک رئیس اداره فوق الذکر در امور جنوب شرق آسیا گفتگو کرده و نسخه ای از بیانیه ساندرز معاون وزارت امور خارجه را در رابطه با این موضوع که از بولتن تلگرافی در ۲۶ سپتامبر دریافت کرده بود به ایشان داد.

پزیک از ما برای اطلاعات تشکر کرد و صراحتاً عقیده خود را بیان کرد، اما گفت که اطلاعات دریافتی دولت یوگسلاوی سطحی و متضاد است. حوادثی که منجر به سلطه امین و اوضاع جاری و سرنوشت ترکی گردیده «همچنان مبهم» است.

۳- در بررسی مجمل تاریخچه حکومت ترکی و امین از آوریل ۷۸، پزیک گفت که «وحدت» نسبی رژیم فقط ۲ ماه دوام داشت و منجر به شکاف غیرمنتظره در حزب پرچم گردید. دولت یوگسلاوی در مورد حوادث اخیر متعجب بود، به خصوص جایگزینی خشونت آمیز ترکی که به نظر بلگراد از وحدت گروه خلقیها بیش از اینها انتظار می رفت. پزیک گمان داشت که روسها نیز شگفت زده شده باشند، زیرا ترکی درست قبل از برکناریش در مسکو بود. دولت یوگسلاوی افرادی را برای بررسی حوادث در منطقه ندارد، مخصوصاً داخل اتحاد شوروی، لکن نگرانی زیادی متوجه حرکت شوروی برای افزایش حضورش به ویژه از نظر نظامی در افغانستان، می باشد.

۴- پزیک اعتراف کرد که دولت یوگسلاوی جهت اتفاقات در افغانستان را نمی داند، ولی با اظهارات کنسول در این مورد که اساس دولت افغانستان متزلزل و ضعیف گردیده مخالفتی نداشت. او گفت که سفارت یوگسلاوی در کابل، از نقش نظامیان در حوادث اخیر مطمئن نیست که آیا متحد باقی مانده است و یا اینکه چه روشی در آینده در پیش خواهند گرفت، ولی گفت که «مطمئناً» نظامیان کلید اصلی آینده اند. یجلبورگر

### ملاقات نیوسام با وزیر خارجه افغانی

سند شماره (۴۱) از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۲۹ سپتامبر ۷۹ به: سفارت آمریکا کابل - فوریت طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۶۸۰۹ موضوع: ملاقات نیوسام با وزیر خارجه افغانی ۱- خیلی محرمانه - تمام متن ۲- خلاصه: در جریان یک جلسه طولانی شبه تجاری در نیویورک، نیوسام معاون وزارت خارجه

آمریکا و شاه ولی وزیر خارجه افغانستان بیاناتی در زمینه منافع و بهبود روابط دو جانبه ابراز کرده اند و در مسائل دیگر توافق کمتری داشته اند. بحث درباره قتل دابز و پیشرفت حاصله در قبول کمک خارجی دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان است. شاه ولی داشتن روابط خوب با پاکستان را تأیید کرد، ولی در مورد آموزش «فراریان» در آنجا شکایتی داشت. او حضور روسها را در افغانستان بسیار دست کم گرفت و از استقلال و غیرمتعهد بودن دولت خود دفاع کرد، از توجه به کنترل مواد مخدر توسط دولت افغانستان قدردانی کرد. پایان خلاصه.

۳- به ابتکار دولت آمریکا، معاون وزیر خارجه نیوسام درخواست ملاقاتی جهت تبادل نظر کلی یک ساعته با وزیر خارجه افغان شاه ولی در نیویورک نمود. دستیار معاون ساندرز و مدیر امور خاور نزدیک «پک» نیز حضور داشت. شاه ولی فقط یک یادداشت نویس به همراه داشت.

۴- نیوسام گفتگو را با این مطلب آغاز کرد که آخرین باری که در افغانستان بود، با رئیس جمهور وقت ترکی و وزیر امور خارجه امین ملاقاتی داشته بود. وی از این فرصت ابراز خوشحالی و آرزوی موفقیت برای تصدی مسئولیتهای جدید شاه ولی و امین نمود. نیوسام گفت که کاردار آمستونز گزارش کرده که در همان روز، گفتگوی صمیمانه ای با رئیس جمهور امین داشته است.

۵- در مقابل، شاه ولی گفت که دولت جمهوری از آغاز خواستار روابط خوب با تمام کشورها بدون استثناء بوده و افغانستان به طور سنتی روابط دوستانه ای با آمریکا داشته و دولت جمهوری نیز در حصول این روابط جدی بوده است. درباره قتل دابز، شاه ولی گفت که وقایع رخ داده، به هیچ وجه خواست دولت افغانستان نبوده است. جمهوری دمکراتیک افغانستان ثابت کرده که وقایع در اختیارش نبوده است.

۶- نیوسام گفت که عکس العمل سوء قصد مذکور در آمریکا بسیار قوی بوده و منجر به اقدام کنگره شده که به طریقی همکاریهای ما را تقلیل داده است، سعی کرده ایم کمکهای برنامه ای خود را تحت ضابطه قانونی انجام داده و یا به شکل منظمی آنها را خارج سازیم. آمریکا همواره برای بحث جهت اقداماتی که بایستی به منظور بازگرداندن روابط عادی صورت گیرد آمادگی دارد. از این بیان که رئیس جمهور امین خواهان روابط بهتر است استقبال می کنیم. هر وقت زمان بحث برای داشتن روابط بهتر فرا برسد، ما در جستجوی راههای خواهیم بود که از عهده شرایط مقرره توسط کنگره برآییم.

۷- در پاسخ به این مطلب شاه ولی که «تبلیغات نادرست» در این مورد در رهبران سیاسی آمریکا نفوذ کرده، نیوسام گفت که وقایع مربوط به قتل باعث این عکس العمل شده نه گزارشات روزنامه ها. همچنین احساس می شود که همکاری زیادی در زمینه تحقیقات طبق انتظار به عمل نیامده است. در مقام دفاع شاه ولی به نکات مشکوک مهمی که هنوز در مسئله قتل کندی وجود دارد اشاره کرد و تکرار کرد که دولت جمهوری افغانستان معتقد است که سعی خود را نموده است.

۸- وقتی که درباره کمکهای قبلی دولت آمریکا توسط افغانستان مثل دره هیرمند یادآوری شد، شاه ولی گفت که به دلیل همین روابط دوستانه قبلی بین دو کشور بوده که جمهوری دمکراتیک افغانستان این وضع را «غیرعادی» تلقی می کند و او مشکلی یا مانعی در حل اینها نمی بیند. او انکار کرد که دولت افغانستان از روش قبلی خود در رابطه با کمک منابع چندگانه



برای اجرای همکاری در طرحها عدول کرده است. شاه ولی به استمرار پروژه های بانک جهانی، آلمان و دیگر طرحها اشاره کرده و گفت عملیات افغانستان در برخی «موارد خاص» (یعنی آمریکا) از این احساس که بعضی از افراد شایستگی لازم را

ص: ۶۶۵

ندارند سرچشمه گرفته است. او افزود که افغانستان درخواست پرسنل بیشتری در موارد معین کرده و تقاضای کمکهای بیشتر تیم بهداشت (که کارکنان آمریکایی زیادی دارد) را ذکر نمود. او با افسوس آشکاری افزود که تیم بهداشتی و پزشکی آمریکا همکاری ننموده و اینکه او پیش از عزیمت از کابل فهمید که می خواهند تمام افراد تیم را از افغانستان خارج کنند.

۹- در مورد انتظار تغییراتی در خط مشی اساسی جمهوری دمکراتیک افغانستان در پی تغییرات اخیر در رهبری، شاه ولی پاسخ منفی داده و گفت که انتظار استمرار همان روشها می رود، چون حزب خط مشی ها را می دهد و حزب هنوز وجود دارد. نیوسام با توجه به موضع تمایل پرزیدنت امین برای روابط خوب بین افغانستان و همسایگانش پاکستان و ایران باین مطلب اشاره کرد، شاه ولی گفت این عکس العمل تمایل صمیمانه مردم افغانستان و حزب است و افزود که در بازدید معاونت وزارت خارجه شاه محمد دوست از پاکستان «گفتگوهای مفیدی» وجود داشته و اینکه او با آقا شاهی در هاوانا ملاقات کرده و رئیس جمهور پیشین «ترکی» نیز با ژنرال ضیاء در آنجا مذاکره کرده اند او با احتیاط در مورد ملاقات اخیر گفت که این «انعکاس تمایل دولت» بوده است و اشاره کرد که ژنرال ضیاء و آقا شاهی هر دو به کابل دعوت شده اند، ولی قرار شد بازدید رئیس جمهور پاکستان پس از بازدید مقدماتی آقا شاهی به عمل آید.

۱۰- در قسمت دیگری از گفتگو، شاه ولی در جریان بحث راجع به شورشیان، نسبتا از پاکستان گله کرد و گفت که شورشیان اکثرا فئودالهای قبلی هستند که منافع خود را از دست داده اند، ولی افزود که قسمتی از این مشکل توسط همسایگان افغانستان به وجود آمده است. او به اردوهای اشاره کرده که فراریان افغانی در پاکستان، در آنجا آموزش می بینند و افزود که پاکستان چند چریک (میلیشیا) نیز به افغانستان اعزام کرده است. در پاسخ سؤال مربوط به وضعیت پناهندگان، شاه ولی استدلال کرد که مرزهای افغانستان باز بوده و ۵/۲ میلیون چادرنشین همه ساله از مرز عبور می کنند. او گفت که آنها «چادرنشینان ما را محبوس کرده اند» ۱۱- در مورد موضوع رابطه با شوروی، شاه ولی گفت که روابط خوب سنتی افغانها با همسایه شمالی در جریان تغییرات حکومت کمتر تغییر کرده است. در مورد سؤال عدم تطابق وضع عدم تعهد افغانستان و حضور گروههای روسی در کشور، شاه ولی پاسخ داد که وجود مشاورین روسی، بزرگ شده و کوهی از یک کاه درست شده است. او اشاره کرد که در افغانستان مشاورین روسی، قبل از انقلاب هم بوده اند و تعدادشان زیاد تغییر نکرده است، ولی متاسفانه عدد دقیق آنها را نمی داند و ضمنا مشاورین سایر کشورها مثل هند نیز هستند. در توضیح تناقض با نظر قبلیش، توضیح داد که تغییر وضعیت کیفی نبوده و فقط کمی بوده است.

۱۲- شاه ولی همچنین انکار کرد که حزب دمکراتیک خلق افغانستان، یک حزب مارکسیست - لنینیست است و گفت که ما می توانیم از برنامه های حزبی، قضاوت خودمان را به عمل آوریم. او افزود که حزب دمکراتیک خلق افغانستان اساس سوسیالیستی کشور است. نیوسام اشاره به مذاکراتش با وزیر اسبق امور خارجه «امین» در مورد طبیعت حزب از نظر قوانین آمریکایی در زمینه روابط با ملل تحت نظر یا کنترل جنبش بین المللی کمونیستی نموده و تلقی شاه ولی را از این بابت که حزب جزئی از جنبش بین المللی سوسیالیستی بوده یا صرفا وجود افغانی دارد، سؤال نمود؟ شاه ولی گفت که حزب خواستار روابط با تمام احزاب و نه، تنها با آنهایی که در کشورهای سوسیالیست هستند، می باشد. او به نیوسام

اطمینان داد که حکومت آنها مستقل است و تحت نفوذ حکومت یا حزب دیگری قرار ندارد. افغانستان به جنبش غیرمتعهدها وفادار بوده و خواستار خط مشی مستقل خویش است. نیوسام توضیح داد که توجه آمریکا نیز به «غیرمتعهد واقعی» است، ولی بین ما اختلافاتی فلسفی با تعاریف برخی از کشورها در مورد عدم تعهد (به خصوص کوبا) وجود دارد.

۱۳- ساندرز گفت از توجه دولت جمهوری افغانستان در زمینه کنترل مواد مخدر سپاسگزاریم و توضیح داد که مواد مخدر مشکل بزرگ ملت آمریکا بوده و آمادگی کار با مقامات افغانی داشته و از هر گونه همکاری پیشنهادی با دولت جمهوری افغانستان قدردانی می کنیم. شاه ولی آشکارا پس از تشکر ما در این مورد مسرور گردید و گفت که دولت در سال گذشته مقداری حشیش به ارزش ۲۵ میلیون دلار را آتش زده، ولی مطبوعات غربی توجهی به آن نکرده اند. نیوسام از نقصان آگاهی اظهار تاسف کرده و گفت دولت آمریکا متوجه این کار بوده است و مشکلات کشورها را در مواجهه و مداخله با فرهنگ سنتی مواد مخدر، حمل و نقل و به خصوص اهمیت منبع درآمد بودن آن برای زارعین فقیر درک می نماید. این یک عمل شجاعانه دولتی است که مثل افغانستان استقامت داشته و مورد قدردانی ماست. وی سپس افزود که این یک عامل مثبت در روابط ما می باشد.

۱۴- در خاتمه نیوسام گفت که خواستار مفتوح بودن روابط مخابراتی بین دو کشور بوده و اینکه سؤالات زیادی داشته که بر اساس توجه به محیط مساعد برای بهبود روابط بوده است. او از پذیرش کار دار توسط پرزیدنت امین در همان روز اظهار خوشحالی کرد و گفت که امیدوار است که علامت استمرار بهبودی در روابط ما باشد. ونس

### **پرسش رئیس اطلاعات وزارت امور خارجه در مورد احتمال روابط بهتر با دولت آمریکا**

سند شماره (۴۲) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۳۰ سپتامبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: پرسش رئیس اطلاعات وزارت امور خارجه در مورد احتمال روابط بهتر با دولت آمریکا ۱- (تمامی متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: اسدالله متین سرپرست بخش اطلاعات وزارت امور خارجه در صحبت تلفنی با مارلین مکافی سرپرست کارهای دفتری آژانس بین المللی ارتباطات در ۲۷ سپتامبر، گفت که «آنها از من خواسته اند که جویا شوم آیا آمریکا حاضر است که روابطش را با افغانستان بهبود بخشد. متین نگفت که منظورش از «آنها» چیست، ولی او رابطه بسیار نزدیکی با پرزیدنت حفیظ الله امین دارد. در حین صحبت سرپرست بخش اطلاعات متذکر گردید که امین «شخصاً» بشدت مایل است که روابطش را با آمریکا بهبود بخشد. متین اضافه کرد: حالا لحظه مناسب فرا رسیده. پایان خلاصه.

۳- بعد از خوش آمدگویی، متین فوراً مسئله اصلی صحبت را مطرح نمود: «می خواهم جویای چگونگی بهتر شدن روابط افغانستان و آمریکا بشوم.» او گفت: «آنها از من خواسته اند که بپرسم با جانشین شدن امین به جای ترکی، ما بسیار علاقه مند هستیم که روابطمان را با آمریکا بهبود بخشیم، آمریکا چه کاری می تواند بکند که نشانگر علاقه مندی او به این مسئله باشد.»

۴- مکافی گفت که «مانع» سابقه رژیم در مورد مسئله حقوق بشر است. متین سیاست جاری دولتش را

این طور مطرح نمود. او ترکی را به خاطر افراط و زیاده روی در انقلاب سرزنش نمود، او گفت تا زمانی که ترکی رئیس جمهور بود تمام تصمیمات را خودش اتخاذ می کرد و آقای امین هیچ نقضی نداشت ولی الان که آقای امین به جای ترکی نشسته است زیاده رویها و افراط کاریها اصلاح خواهند گردید. و اشاره به آزادی زندانیان نمود گفت که تا به حال ۴۰۰ نفر آزاد شده اند، من جمله داماد خود متین که از پل چرخ آزاد شده. او راجع به «اقدام سریع» حفیظ الله امین در مورد آزادی زندانیانی که «گناهکار نبودند» به عنوان خواست شخصی رئیس جمهوری برای اجرای عدالت در مورد زندانیان سیاسی صحبت نمود. انتخاب برادرزاده رئیس جمهور، اسدالله امین معاون دوم وزارت امور خارجه بخش کارهای سیاسی (و رئیس KAM پلیس سیاسی) در راس کمیته ای برای بررسی پرونده زندانیان و عفو عمومی برای کسانی که کشور را به خاطر «گمراه شدن» ترک کرده بودند را متذکر گردید و همچنین ایجاد کمیته ای برای طرح یک قانون اساسی.

۵- بالاخره متین گفت که طرح سؤال راجع به مسائل حقوق بشر در افغانستان ممکن است «دخالت» تلقی شود.

۶- در پایان صحبت او به موضوع اصلی بازگشت و گفت در حال حاضر ما خواهان رابطه ای صمیمانه تر و دوستانه تر با آمریکا هستیم و جویای عکس العمل آمریکا در مقابل این بهبود روابط می باشیم.

۷- نظریه: تذکرات ساده و رک و صریح متین نشانگر تضمین مطالب بود و این مسئله با گفتار چند روز پیش وزیر فرهنگ و اطلاعات خیال محمد کاتواوازی وفق می دهد، همان طوری که در تلگراف مرجع گزارش شد. جمهوری دموکراتیک افغانستان ظاهرا تصمیم گرفته که پیامی مودت آمیز آمیخته با علائمی که آمادگی آنها را برای بهبود روابط آمریکا و افغانستان تحت رژیم امین نشان دهد بفرستد.

### **نشانه هایی درباره اینکه افغانستان در پی مناسبات بهتری با حکومت ایالات متحده است**

سند شماره (۴۳) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: اول اکتبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی سی با حق تقدیم مطبوعه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۷۲۵۸ موضوع: نشانه هایی درباره اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان در پی مناسبات بهتری با حکومت ایالات متحده است ۱- (تمامی متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: در جریان هفت روز اخیر نشانه هایی حاکی از اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان در پی مناسبات بهتری با ایالت متحده است دریافت کرده ایم. من تصور می کنم که این موضوع اهمیت دارد که چنین نشانه ها را قدر نهیم، ولی همچنین معتقدم که زمان زودتر از آن است که بگوییم آن نشانه ها در زمینه هایی که برای ما اهمیت دارد عمیق تر می شود یا خیر. هفته گذشته هنگامی که من با شاه محمد دوست معاون وزارت خارجه درباره کاهش تعداد کارمندان ملاقات کردم، او به هیچ وجه اشاره ای به آن نکرد که بهبودی در روابط ما به این موضوع بستگی داشته باشد. علاوه بر این اطلاع یافتیم که در زمینه حساس ورود کارشناسان آمریکایی به افغانستان، وزارت اطلاعات و فرهنگ این کشور اخیرا تقاضای خود را به بنیاد آسیا برای یک رایزن کوتاه مدت آمریکایی حذف کرده است. امید بسیاری می رود که

هنگامی که شاه محمد دوست معاون وزارت خارجه مرا برای بحث بیشتر درباره تقلیل کارمندان سفارت دعوت کند، عقیده روشن تری خواهیم داشت که آیا در سیاست جمهوری دمکراتیک افغانستان تغییر مهمی حاصل شده است یا خیر. پایان خلاصه.

۳- همان طوری که قبلاً به وزارت، خاطر نشان ساختیم جمهوری دمکراتیک افغانستان سیاست خود را نسبت به ایالات متحده در دو زمینه ادامه می دهد. در یک زمینه به کرات به ما اطلاع می دهند که جمهوری دمکراتیک افغانستان خواهان روابط بهتر با آمریکا است و اینکه اوضاع کنونی در این روابط «طبیعی نیست». علاوه بر این در همین زمینه آنها کارهایی می کنند از قبیل فرستادن تعداد زیادی از وزیران به ضیافت چهارم ژوئیه و همین اواخر حفیظ الله امین رئیس جمهوری و نخست وزیر از من در کاخ ریاست جمهوری به گرمی استقبال کرد. از سوی دیگر در سطح دیگری و در زمینه هایی که برای ما بیشتر اهمیت دارد، از قبیل تحقیق درباره مرگ دابز سفیر آمریکا و اجرای برنامه های سپاه صلح و کمکهای آمریکا و آژانس بین المللی ارتباطات آمریکا، ما با موانع متعددی برخورد کرده ایم و علاوه بر این حکومت در طول دو ماه گذشته خواستار تقلیل تعداد کارمندان سفارت آمریکا شده است. به نظر من اینکه سرانجام درباره این مسئله، به چه وضعی خواهیم رسید محک واقعی مقاصد آنها نسبت به ما خواهد بود.

۴- نشانه های دلگرم کننده ای که آنها در هفته گذشته برای ما فرستاده اند از این قرار است:

- آنها پس از اینکه به مارلین مکافی عضو آژانس بین المللی ارتباطات اجازه ندادند با مقامات مختلف جمهوری دمکراتیک افغانستان ملاقات کند، این تصمیم را اخیراً لغو کردند و همه دیدارهای مورد تقاضا، از جمله دیداری از کاتاوازی وزیر اطلاعات و فرهنگ مجاز اعلام شد.

- در جریان دیدار از کاتاوازی وزیر اطلاعات و فرهنگ (مرجع ب) وزیر بسیار صمیمی بود و خواستار همکاری بیشتر در زمینه فرهنگی و اطلاعاتی شد، موضع او در این مورد با موضعی که چند ماه قبل از آن دفاع می کرد تفاوت داشت.

- همچنین این نکته بسیار اهمیت دارد که هنگامی که مکافی عضو آژانس بین المللی ارتباطات روز بعد با مدیر کل اطلاعات وزارت خارجه بنام اسدالله متین ملاقات کرد، مدیر کل اطلاعات اعلام داشت که جمهوری دمکراتیک افغانستان خواهان روابط بهتری است (مرجع الف).

- هفته گذشته وزارت اطلاعات و فرهنگ دستور یک ماه قبل خود را درباره حذف برنامه آموزش زبان انگلیسی برای سی و اندی کارمندان وزارت اطلاعات و فرهنگ در مرکز فرهنگی آموزش زبان انگلیسی لغو کرد.

- چند روز پس از اینکه حفیظ الله امین رئیس جمهور شد، کتابدار مرکز فرهنگی آمریکا گزارش داد که دو گروه از کارمندان و دانشجویان دانشگاه اعلام داشته اند که اکنون آنها «مجاز هستند که» از کتابخانه حمایت کنند.

(حفیظ الله امین رئیس جمهور و نخست وزیر روز بیست و هفتم سپتامبر مرا به گرمی پذیرفت و در جریان ملاقات او بار دیگر درباره مناسبات اظهار نظر کرد. جریان این ملاقات در رسانه های گروهی منعکس شد از جمله چند عکس در این زمینه منتشر

شد (همچنان که دیدارهای سایر رؤسای هیئتهای نمایندگی دیپلماتیک نیز در رسانه های گروهی منعکس شد).

- در همان روز در شهر نیویورک شاه ولی وزیر امور خارجه ضمن گفتگو با نیوسام معاون وزارت امور

ص: ۶۶۹

خارج و ساندرز دستیار وزارت امور خارجه درباره بهبود مناسبات ابراز تمایل کرد. جریان این ملاقات در مطبوعات محلی به طور مفصل منعکس شد.

۵- در حالی که مراتب فوق نشانه های دلگرم کننده ای هستند، نشانه های دیگری نیز وجود دارند مبنی بر اینکه هیچ تغییر محسوسی در سیاست داده نشده است، به قرار ذیل:

- عکس العمل خونسردانه شاه محمد دوست وزیر امور خارجه در جریان ملاقات من با او در تاریخ ۲۵ سپتامبر به مناسبت تقلیل کارمندان سفارت آمریکا.

- فشار مداوم (اگر گفته نشود فزاینده) در مورد اتباع خارج سفارت ما از سوی پلیس مخفی افغانستان (کام)، از جمله دخالت اسدالله امین برادرزاده و داماد رئیس جمهوری، معاون وزارت امور خارجه و رئیس «کام» (رئیس هیئت، علیه با اهمیت تلقی کردن این موضوع هشدار داده است که از چنین کوششهای رخنه گری می توان انتظار داشت که بدون وقفه - صرف نظر از جو مناسبات بین ما و افغانستان - ادامه یابد). - اقدامی که احتمالاً با کاهش دادن تعداد کارمندان سفارت ارتباط دارد این است که وزارت امور خارجه همچنان از دادن گواهینامه رانندگی به کارمندان ما خودداری می کند.

- بنیاد آسیا به تازگی کسب اطلاع کرده است که وزارت اطلاعات تقاضای خود را برای یک مشاور آمریکایی جهت کمک به سازمان دادن آرشیو این وزارتخانه حذف کرده است.

۶- نتیجه گیری - دلیل اینکه ثابت شود جمهوری دمکراتیک افغانستان چه موضعی نسبت به ما دارد، هنگامی معلوم خواهد شد که آنها درباره موضوع کارمندان سفارت عکس العمل نشان دهند. شاه محمد دوست معاون وزارت خارجه قرار است مرا در یکی از این روزهای آینده دعوت کند. بگذار امیدوار باشیم که او خبرهای خوشی برای ما دارد. آمستوتر

### **گزارشاتی راجع به نیروهای نظامی روسی در افغانستان**

سند شماره (۴۴) از: سفارت آمریکا - کابلتاریخ: ۱ اکتبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سیطبقه بندی: سری موضوع: گزارشاتی راجع به نیروهای نظامی روسی در افغانستان ۲- به انضمام گزارش سفارت از کانالهای اطلاعاتی (جاسوسی - م) راجع به حضور نیروهای نظامی روسی در افغانستان، مشاهدات زیر از دیپلماتهای خارجی در کابل ضمیمه خواهد بود.

۳- در تاریخ ۳۰ سپتامبر سفیر یوگسلاوی بوگدان مالباسیک (لطفاً محفوظ بماند) از وزیر مختار پرسید که آیا گزارش جدید «اخبار گزارش» در مورد فعالیت نیروها در آسیای مرکزی، شامل واحدهای هوای هوارد است. مالباسیک، ژنرال سابق ارتش، گفت، شنیده است که روسیه قبلاً به اندازه کافی وسیله و قطعات لازم برای یک واحد هوای در پایگاه هوایی باگرام، در شمال کابل تهیه دیده است. او تقریباً از این مسئله مطمئن بود.

۴- سفیر یوگسلاوی فکر می کرد که واحدهای روسی موجود به عنوان آخرین وسیله و راه حل نهایی به کار برده خواهند

شد. به نظر او هنوز راه حل‌های دیگر به جای به کار بردن این راه حل باز می باشد، مثلاً- گسترش پایگاه‌های سیاسی و خواستهای مردمی از رژیم خلقی - یک کودتای نظامی که رهبری خلقی را با گروهی تازه و در ابتدا با شخصیت‌های غیرسیاسی تعویض نماید.

ص: ۶۷۰



۵- همین طور در تاریخ ۳۰ سپتامبر ج - دالات سینگ وزیر مختار سفارت هند (لطفاً محفوظ بماند) به وزیر مختار سفارت گفت که یکی از منابعش و یک افسر سابق ارتش افغانستان که الان در پل چرخی در زندان به سر می برد، قبل از دستگیری در «خانه مردم» - دفتر مرکزی رهبری خلقی - در مورد حضور نیروهای نظامی روسی بحث نمودند. افسر افغانی گفته بوده که زمان سرکار بودنش که به اطلاعات حساس دسترسی داشته است حدود ۹۰۰۰ نفر نیروی روسی در افغانستان یافت می شده. وزیر مختار هندی تاریخ دقیق اطلاعاتش را نمی دانست، ولی فکر می کرد کاملاً جدید است. سینگ خودش گمان می کرد که آمار کنونی در حدود ۱۰/۰۰۰ تا ۲۰/۰۰۰ می باشد (او بیشتر به حد بالای این آمار تمایل داشت).

- و گفت که او.... قبلاً گزارش داده و این در دهلی نو شایع هم شده.

۶- در تاریخ ۳۰ سپتامبر یک مأمور سفارت آلمان غربی به وزیر مختار گفت که رانندگان کامیون آلمانی که از جاده هرات به قندهار که مملو از افراد شورشی سربازان فراری ارتش و راهزن بود، به تازگی عبور کرده اند، سربازانی از اقلیتهای روسی که ارا به های جنگی را هدایت می نمودند دیده اند. مأمور آلمانی می گفت که روزنامه های غربی پول خوبی برای این عکسها می پردازند.

۷- تفسیر: نظریات بالا با مقداری شرط و استثناء گزارش شده، نظر سفیر یوگسلاوی راجع به تجهیز وسایل و قطعات در باگرام را می توان در نقاط دیگر افغانستان نیز مشاهده نمود مثلاً در پادگان زرهی پل چرخی که تعدادی زیاد هاورکرافت و تانک و سایر اقلام نظامی پارک شده اند، مجموعه زیادی از وسایل که خیلی بیشتر از این است که ارتش افغانستان خودش بتواند در آینده نزدیک استفاده کند، ما هیچ گونه اطلاعاتی برای تأیید گزارشات سفیر یوگسلاوی نداریم.

۸- برای نظریات سینک یک دیپلمات معتبر که البته گاهگاهی بدون دقت شایعات موجود در کابل را قبول می کند، این قابل توجه است که اگر واقعا ارقام ۲۰/۰۰۰-۱۰/۰۰۰ را به مقامات مربوطه در دهلی نو داده باشد، ما از هیچ منبع دیگری تاکنون چنین ارقام بالایی را نشنیده ایم و ما هم آن را به هیچ وجه قبول نمی کنیم.

۹- اگر چه مأموران آمریکایی گاه گاهی سربازان روسی را در اطراف کابل ملاحظه نموده اند که یونیفورم افغانیها را پوشیده اند (یک عادت که از زمان داود باقی مانده)، هنوز هیچ یک از افسران و مأموران آمریکایی نتوانسته اند نکته ای را مشخص سازند که بتوان آن را به عنوان «نیروی نظامی روسی» بر اساس دلایل موجود، عنوان کرد، ولی به هر حال بدون شک یک نیروی نظامی روسی که به خوبی استتار شده اند در داخل کشور وجود دارد. ما حدس می زنیم حدود ۴۰۰۰ نفر از نظامیان روسی من جمله افرادی که در پایگاه هوایی باگرام هستند و حدود ۳۰۰۰ مستشار نظامی در افغانستان وجود دارد.

۱۰- راجع به داستان آلمانی، احتمالاً می توان گفت که چطور مستشاران نظامی روسی که برای هدایت و تنظیم ارتش افغانستان هستند در زمان لازم مستقیماً به کار گرفته می شوند. آمستوتز

**نظریات ترکیه درباره اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان**

سند شماره (۴۵) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در آنکارا تاریخ: ۱ اکتبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی شماره سند: ۷۲۴۸ موضوع: نظرهای ترکیه درباره اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان ۱- (تمامی متن خیلی محرمانه) ۲- این پیام برای صورت گرفتن اقدامات لازمه است (به پاراگراف ۷ مراجعه کنید).

۳- خلاصه: مأمور سیاسی سفارت اقدام مرجع (ج) را با یکی از کارمندان وزارت امور خارجه که در جریان انقلاب ترکی در افغانستان خدمت می کرده است دنبال کرد. این مأمور اظهار داشت که در وزارت امور خارجه از اقدام ترکیه در قبال شورویها در مورد افغانستان پشتیبانی وجود دارد. ولی کمتر احتمال می رود که یک اعلامیه عمومی منتشر شود. ترکها درباره نظریات کشورهای دیگر و واکنشهای آنها درباره اوضاع در افغانستان علاقه نشان می دهند. مأمور وزارت امور خارجه در باره علاقه احتمالی روسها نسبت به اعتمادی سفیر سابق افغانستان در پاکستان و اتحاد شوروی به عنوان جانشین امین حدسیاتی زد. پایان خلاصه.

۴- اقدام حکومت ترکیه در قبال اتحاد شوروی: آلپ قره عثمان اوغلو رئیس بخش خاورمیانه در وزارت امور خارجه ترکیه به (ریچاردونه) مأمور سفارت در تاریخ بیست و هشت سپتامبر گفت که در محافل وزارت امور خارجه ترکیه در مورد اقدام سیاسی ترکیه در قبال شورویها درباره افغانستان بدون آنکه جنبه علنی داشته باشد پشتیبانی وجود دارد. معذالک از آنجایی که وزیر امور خارجه اکنون در ترکیه است، مدتی طول خواهد کشید تا تصمیم نهایی در این مورد گرفته شود، بسیار غیرمحمول است که حکومت ترکیه درباره افغانستان اعلامیه رسمی صادر کند. حکومت ترکیه درباره اقدامات سایر کشورها در قبال شورویها درباره موضوع افغانستان (در صورتی که چنین اقداماتی صورت بگیرد) بسیار علاقه مند است. قره عثمان اوغلو درباره اعلامیه وزارت امور خارجه آمریکا به مطبوعات به عنوان نشانه ای از علاقه ایالات متحده درباره اوضاع افغانستان واکنش مثبتی نشان داد. (اظهار نظر: در سراسر جریان گفتگو قره عثمان اوغلو روشن ساخت که حکومت ترکیه درباره افزایش علاقه و نفوذ ایالت متحده در سراسر منطقه سنتو نظر مساعد دارد، رجوع شود به آنکارا ۷۲۰۱).

۵ - مداخله اتحاد جماهیر شوروی: قره عثمان اوغلو عقیده حکومت ترکیه را مبنی بر اینکه روسها نیروی نظامی به افغانستان نخواهند فرستاد مگر اینکه بحرانی در این کشور صورت گرفته و زندگی اتباع روسی در معرض تهدید قرار گیرد را بار دیگر تکرار کرد. معذالک او معتقد بود که روسها در پی اسب دیگری در افغانستان هستند که سوار آن بشوند، زیرا پایگاه امین در افغانستان بسیار ضعیف است. ترکها معتقدند که اعتمادی، سفیر افغانستان در مسکو و بعدا در اسلام آباد یکی از کاندیداها خواهد بود و اینکه روسها در حال حاضر می کوشند با او تماس بگیرند. قره عثمان اوغلو گفت اعتمادی روز قبل از کودتای ترکی از پاکستان به کابل آمده و از آن به بعد مدت کمی در زندان بوده است. او اضافه کرد که اعتمادی مناسبات عالی با روسها داشته است و ممکن است تماسهایی در میان گروههای افراطی پرچمی که در مسکو به حال تبعید به سر می برند برقرار کرده باشد، قره عثمان اوغلو نظر ما را درباره موضوع اعتمادی به

عنوان جانشین امین جو یا شد.

۶- حادثه عصیانگری نظامیان: ترکها شنیده اند که یک عده بیست نفری از خلبانان افغانی ابتدا مأموریت داشتند شهر هرات را در جریان آشوبی که در آنجا چند ماه قبل رخ داده بود بمباران کنند.

خلبانان بمبهای خود را دورتر از هدفها پرتاب کردند و به پایگاه خود بازگشتند. آن گاه خلبانان روسی جای آنها را گرفته و آماجهای تعیین شده را در مرکز هرات بمباران کردند. خلبانان افغانی به خاطر عصیانگری خود به محاکمه صحرائی کشانده شده و اعدام شدند.

۷- تقاضای اقدام: با اشاره به پاراگراف ۵، سفارت قدردانی خواهد کرد اگر نظریه وزارت امور خارجه آمریکا درباره اظهار نظر سفارت کابل مربوط به نظر ترکیه مبنی بر اینکه شورویها اعتمادی را به عنوان یک جانشین احتمالی امین می دانند را دریافت کنند. اسپایزر

### گروه امین در افغانستان: و نقطه نظرهای سفرای یوگسلاوی و شوروی

سند شماره (۴۶) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۲ اکتبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی دارای حق تقدم طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: گروه امین در افغانستان: و نقطه نظرهای سفرای یوگسلاوی و شوروی ۱- (خیلی محرمانه - تمام متن) ۲- خلاصه: طبق گفته سفیر یوگسلاوی در کابل، شورویها چندین ماه قبل از جریان بحران نیمه سپتامبر که منجر به اقتدار خشونت بار و کامل امین شد، از ازدیاد اضطراب و ناراحتیهای علیه نور محمد ترکی رئیس جمهور افغانستان و حفیظ الله امین نخست وزیر، آگاه بودند. اما روسها هر گونه اطلاع از کودتا را توسط خودشان رد می کنند. به نظر می رسد که مسکو مایل است با امین کار کند، چرا که او شوروی را در مقابل یک عمل انجام شده قرار داده است. «پایان خلاصه».

۳- بوگدان مالباسیک سفیر یوگسلاوی در افغانستان با درخواست اینکه منبع این خبر را به کلی محفوظ نگهدارد، مأمور ما را در جریان مذاکره اخیر خود با سفیر شوروی، به نام الکساندر م. پوزانف در رابطه با کودتای اواسط سپتامبر امین قرار داد (مالباسیک توضیح داد که او گاه گاهی صحبتهای طولانی با پوزانف داشته و متوجه شده که پوزانف به این جلسات نسبتا علاقه مند است. پوزانف اظهار داشته که همچنان علاقه صمیمانه ای نسبت به یوگسلاوی، یعنی جایی که وی سالها در آنجا خدمت کرده است دارد).

۴- بنا به گفته مالباسیک، پوزانف اطلاعات ذیل را در مورد کشمکش حاد قدرت در سلسله مراتب «حزب خلقی» در اختیار قرار داده است. سفیر شوروی که اعتراف کرد تا میزان معینی در این ماجرا دخالت داشته، گفت که هنوز درباره کلیه اتفاقاتی که منجر به پیروزی امین شده است «مطمئن نیست». او هر نوع اطلاع قبلی از درگیری خشونت آمیز ۱۴ سپتامبر را تکذیب می نماید (توجه: افسران آمریکایی که در آن روز در گوشه و کنار کابل گشت می زدند. متذکر شدند که در همان روز تعداد سربازان افغانی و افراد شهربانی در خیابانها افزایش یافته و وابستگان روسی به طور عادی رفت و آمد می کردند و محل اقامت افراد شوروی از برنامه حفاظتی آشکار خوبی برخوردار نبود).



۵- پوزانف به مالباسیک گفت که روابط تیره بین رئیس جمهور ترکی و امین از ماه‌ها قبل افزایش یافته بود و پوزانف از تصمیم شخص ترکی انتقاد کرد و می‌گفت ترکی موافق نبود که قدرت کامل نخست‌وزیری به امین که به عنوان وزیر اول انتخاب شده بود برسد. پوزانف اظهار داشت که برای مثال ترکی می‌خواست ریاست تمام جلسات شورای وزرا را داشته باشد و این امر امین را شدیداً ناراحت می‌کرد.

۶- پوزانف اظهار داشت که بحران جاری بعد از زمانی که ترکی در یازده سپتامبر از هاوانا و مسکو برگشت شروع شد. در جلسه کابینه ای که در ۱۲ سپتامبر تشکیل شد، امین لزوم تغییرات کابینه را خواستار شد و گفت که هر چه زودتر باید محمد اسلام و طنجار وزیر کشور و شرجان مزدوریار وزیر امور مرزی و سیدمحمد گلابزوی وزیر ارتباطات عوض شوند. ترکی اعتراض کرد و رودروی امین ایستاد.

۷- مطابق گزارشات پوزانف، «اختلاف و دعوا تا ۱۳ سپتامبر ادامه داشت» و در ۱۴ سپتامبر زمانی که امین تغییرات کابینه را اعلام کرد، این اختلاف به اوج خود رسید. ترکی «امین را احضار کرد تا درباره آن عمل توضیح دهد و در نتیجه تیراندازی رخ داد. پوزانف گفت که در این روزهای بحرانی دو ملاقات با رهبران حزب خلق داشته است. در رابطه با ملاقات اول چیز زیادی نگفت، ولی درباره ملاقات دوم گفت که جلسه ای صبح روز ۱۵ سپتامبر یعنی روز قبل از اینکه امین به جانشینی ترکی معرفی شود، با امین داشته است (توجه: خبر این ملاقات توسط مطبوعات پخش شد).

۸- مالباسیک از صحبتی که با پوزانف داشته عقیده دارد که شوروی مجبور است سیاست خود را در افغانستان با عمل انجام شده امین تطبیق دهد، هر چند که اشتیاق زیادی در این امر نشان نمی‌دهد. زمانی که او نقاط ضعف امین را از قبیل تصویر بدی که در جامعه دارد، به پوزانف متذکر شد، سفیر شوروی جواب داد: «که امین قوی و متشکل است، البته او اشتباهاتی دارد، اما کدام رهبر است که اشتباه نداشته باشد.» ۹- جالب توجه اینکه پوزانف، و طنجار خلع شده را یک مرد خوب توصیف کرد (توجه: کرارا شایعاتی که پس از کودتا شنیده شده نشان می‌دهد که و طنجار تقاضای پناهندگی از سفارت شوروی کرده است و سفارت هندوستان اعتقاد دارد که پوزانف سعی کرده که از و طنجار و دیگر وزرای نظامی که در ۱۴ سپتامبر اخراج شده اند وساطت و جانبداری کند).

۱۰- مالباسیک عقیده راسخی دارد که روسها امتیازات خاصی از امین برای حمایت کردن از او بعد از کودتا گرفته اند. برای مثال او فکر می‌کند که روسها پافشاری می‌کنند برای اینکه ترکی باید زنده بماند.

مالباسیک اظهار داشت که در حال حاضر امین کاملاً به شوروی متکی است و «باید مزد این حمایت را بدهد.» ۱۱- مالباسیک معتقد است که روسها در حال حاضر کوشش خواهند کرد که امین را یک رهبر پسندیده و دلخواه بسازند و اگر در چنین کاری کوتاهی کنند امکان دارد که غیر از دخالت مستقیم نظامی، راهی مثل یک کودتای سریع توسط نیروهای مسلح افغانی را برگزینند. لکن او احتمال دخالت نیروهای نظامی شوروی را رد نکرد، اما فکر می‌کند که هر چند این اقدام بعید است، ولی سرانجام این عمل حاد الزامی می‌شود.

۱۲- نظریه: گزارش مالباسیک با مطالب دیگر منابع مورد اطمینان تطبیق می‌کند همان طوری که انتظار می‌رود ماشین شایعه

سازی کابل مطالب یک نوع زیادی را تولید کرده است. بیشتر این شایعات از زمانی که ترکی در ۹ و ۱۰ سپتامبر با برژنف در مسکو صحبت کرده به وجود آمد. بعضیها می گویند که

ص: ۶۷۴

رهبران شوروی به او گفته اند که کار تو تمام شده است، ولی با مقایسه با برخورد بشاش امین هنگام بازگشت ترکی به کابل در ۱۱ سپتامبر، قبول چنین خبرنگاران کننده ای بعید است. بعضیها می گویند که برژنف به او گفته است که کلک امین را بکند، اما او از عهده برنیامده است. این سفارت مایل است که بگوید که معتقد است که رهبری آینده افغانستان به هیچ وجه در مسکو مورد بحث واقع نشده است. (ضمناً باید توجه داشت که هنگام استقبال در فرودگاه، وطنجار، نفر دوم بعد از امین ایستاده بود).

۱۳- بنا به گفته سفارت هندوستان که در پاراگراف قبلی نیز از آن ذکر شد، نقش پوزانف این بود که در ۱۴ سپتامبر در تیر اندازی کاخ خلق دخالت مسلحانه داشته است، هر چند که ما نسبت به این موضوع شک داریم، ولی فکر می کنیم که احتمالاً در مقطعی پوزانف برای طرفداری از وطنجار دخالتی کرده باشد، همان طور که اظهارات بعد از کودتای او برای مالباسیک نشان می دهد.

۱۴- هر چند بعضی از ناظران محلی فکر می کنند که هر وقت مشکل حاد می شود مشت آهنین شورویها (در این مرحله امین) پیدا می شود (مانند جریان شورش افغانستان)، ولی ما بر این عقیده ایم که وقتی اعضاء سرسخت و غیرقابل کنترل حزب خلق مثل عقربها در یک کوزه به جان هم افتاده اند، نقش شوروی به طور کامل در این خشونت دیده نمی شود. حضور مستمر زنان و کودکان روسی در مناطق عمومی کابل در خلال بحران ۱۴ سپتامبر و همچنین اخبار وسایل ارتباط جمعی شوروی در مورد ملاقات ترکی در مسکو و بعد از آن که امین در ۱۶ سپتامبر به جای او نشست، نشان می دهد که سفارت مسکو اطلاعی نداشته و چنین واقعه ای برایش غیر مترقبه بوده است.

۱۵- به نظر می رسد که پوزانف نتوانسته برنامه سیاسی با ثباتی را در این جا فراهم سازد. به دلیل اینکه پوزانف در خلال سال گذشته اغلب اختلافهای جدی، با امین داشته در محافل دیپلماتیک اینجا راجع به عدم تمدید مأموریتش شایعاتی بگوش می رسد. یک منبع خبری افغانی که معمولاً در گذشته مورد اعتماد بوده گفته است که شوروی در ۲۷ سپتامبر برای جانشینی پوزانف در خواست موافقت کرده است. منبع اسم جانشین را نمی دانست.

پایان نظریه آمستوتز

## نیروهای نظامی روسی در افغانستان

سند شماره (۴۷) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۳ اکتبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

طبقه بندی: سری موضوع: نیروهای نظامی روسی در افغانستان ۱- (تمام متن سری).

۲- تعریف افراد نظامی روسی: هنگامی که سفارت در کابل لغت «نیروهای نظامی» را به کار می برد منظورش پرسنل نظامی روسی در افغانستان است که شامل گروههای زیر است:

الف: نیرو و سربازان نظامی حدود ۶۰۰ نفر که در حال حاضر دفاع قسمت داخلی پایگاه هوایی باگرام را به عهده دارند که به

«نیروهای ویژه واکنش» معروفند.

ب: نیروهای نظامی متخصص حدود ۱۰۰۰ - ۵۰۰ نفر از سربازان گردان زرهی که در حال حاضر در

ص: ۶۷۵



پادگان پل چرخی که پادگانی زرهی است مستقر می باشد.

ج: تعدادی سرباز جوان در اطراف کابل که به حفاظت تأسیسات و خانه های روسها مشغولند (بسیاری از آنها کاملاً قیافه اسلاوی دارند و یونیفورمهای افغانیشان خیلی تمیزتر از یونیفورم سربازان معمولی افغان است).

د: هر نظامی روسی که کار عملیش و نقشش بیشتر از یک مستشار نظامی است، مثل تکنسینهای روسی که کارشان تعمیر هلیکوپترهای توپدار و ارابه های مسلح جنگی که امروزه در عملیات علیه شورشیان به کار گرفته می شود، می باشد.

۳- تعداد پرسنل نظامی روسی: بر اساس دقیقترین اطلاعاتی که در دسترس ما قرار دارد منجمله اطلاعاتی که به وسیله سایر منابع حساس دولت آمریکا تأیید می شود، احتمالاً ۴۲۰۰ نفر نیروی نظامی در افغانستان در حال حاضر به سر می برند. این تعداد را می توان محافظه کارانه تلقی نمود. همان طوری که در بالا ذکر شد، حداقل ۶۰ نفر از سربازان روسی از پایگاه هوایی باگرام حفاظت می نمایند. تعداد واقعی این افراد می تواند بیشتر از این باشد. گروه دیگر که در پاراگراف قبلی ۶۰۰ نفر ذکر شده بسیار دست پائین گرفته شده. در بعضی موارد دقیق بودن، کار سختی است، به همین دلیل تعداد سربازان گردان زرهی در پادگان زرهی پل چرخی ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر ذکر شده. اگر این ارقام دوباره بازدید و بررسی شود تعداد کل بالاتر هم خواهد رفت.

برای جزئیات بیشتر لطفاً تلگرامهای NHK ۴۰۰۸ مورخه ۸ سپتامبر ۴۴۰۷ - NHK مورخه ۲۲ سپتامبر و ۴۰۵۶ - NHK مورخه ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹ بررسی شود.

۴- تعریف مستشاران نظامی روسی: این عبارت فقط در مورد آن دسته از پرسنل نظامی روسی به کار برده می شود که کار اصلی و اولیه آنها تقسیم نیروهای افغانی و توصیه های تکنیکی است.

از آنجایی که تعداد مستشاران مأمور این کار بسیار زیاد می باشند، به نظر می رسد که در طول برخورد با نیروهای شورشی نقش عملی تر و فعالتری به عهده می گیرند.

به هر حال در چندین مورد فرماندهی مستقیم و مسئولیت ارتباطات کمی تداخل بین «مستشاران نظامی» و «نیروی نظامی» به وجود می آید. بعضی از این افسران روسی هنگامی که منطقه آنها آرام می شود، نقش مستشاری را به عهده می گیرند و گروهی همچنان در مقام فرماندهی ابقا می شوند. حداقل سه نفر از فرماندهان روسی در درجات ژنرالی هستند.

۵ - تعداد مستشاران نظامی: ما حدس می زنیم حدود ۳۰۰۰ نفر عنوان مستشاری دارند. اما بنا به دلایل فوق الذکر چند صد نفر از این افراد احتمالاً به قسمت گروههای جنگی منتقل شده اند. متأسفانه ما اطلاعات کاملاً دقیقی از این تقسیم بندیها و انتقالات نداریم. فهمیدن نقش و کار گروههای بزرگی مثل آنهایی که در باگرام و پل چرخی مستقر هستند، خیلی راحت تر از مستشاران نظامی است که به طور انفرادی در واحدهای افغانی در سرتاسر مملکت کار می کنند.

۶- تعداد کل پرسنل نظامی روسی در افغانستان ۴۲۰۰ نفر نیروی جنگی و نظامی در حال حاضر کاملاً قابل تعیین و تشخیص

است. این تعداد به اضافه حدود ۳۰۰۰ نفر که رل اصلی آنها به نظر می رسد که آموزش و مشاوره باشد، تعداد کل ۷۲۰۰ نفر پرسنل نظامی روسیه را در افغانستان تشکیل می دهند. اکثر آنها را نیروی جنگی تشکیل می دهند و در حال حاضر عکس العمل سریعی از طرف روسیه انتظار می رود.

ص: ۶۷۶

همان طوری که در بالا- گفته شد ارقام ما در بالا محافظه کارانه است و به همین جهت از موضوعاتی است که باید بررسی شود. مشخصات و اطلاعات در صورت تغییرات عمده در آمار و ارقام بالا به اطلاع خواهد رسید.

آمستوتر

## موقعیت ترکی و اخراج وزرای نظامی کابینه

سند شماره (۴۸) از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۳ اکتبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۷۳۱۸ موضوع: مقام شوروی درباره موقعیت ترکی و اخراج وزرای کابینه که مقامات نظامی بوده اند به اظهار نظر می پردازد ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: بنا به اظهار یک مقام شوروی، ترکی به تنهایی در قصر خلق زندانی است و دیگر اینکه ترکی به همراه سه وزیر برکنار شده (وطنجار، گلابزوی و مزدوریار) از حزب اخراج شده اند. پایان خلاصه.

۳- در فرودگاه، امروز با ویلیور جی. اوزادچی، که در اتاق انتظار اشخاص مهم (امتیاز خاص) منتظر پرواز به مسکو بود برخورد نمودم (استفاده وی از اتاق انتظار اشخاص مهم در حالی که وی عازم شوروی برای گذراندن تعطیلات است، نمایانگر اهمیت اوزادچی و سفارت شوروی است، زیرا سفر آنها زمانی قادر به استفاده از این بخش هستند که یا برای اولین بار وارد می شوند و یا برای همیشه آنجا را ترک می کنند). ۴- اوزادچی یکی از صمیمی ترین و صریحترین مقامات شوروی بوده است و من از موقعیت استفاده کرده از او چند سؤال کردم. فکر می کنم که جوابهایش قابل ضبط باشد.

- ترکی «به تنهایی» در قصر خلق زندانی شده است (پرزیدنت حفیظ الله امین نیز در همین محل زندگی می کند)؛ فکر می کنم که منظور این باشد که خانواده اش از وی جداست. او زنده است و توسط هیچ گونه سلاحی به وی آسیبی وارد نشده است. درباره این شایعه که ترکی احتمالاً برای معالجات پزشکی به مسکو خواهد رفت، از اوزادچی پرسیدم، وی گفت: «حالا نه ولی بعداً این امکان وجود دارد».

در مورد وضع جسمانی ترکی با صراحت به من جواب نداد.

- وزرای پیشین وطنجار، گلابزوی و مزدویار سالم هستند، ولی درباره موقعیت مکانی آنها اوزادچی اطلاعاتی در اختیار من قرار نداد. وی گفت که بنا به شایعات آنها به یکی از کشورهای همسایه گریخته اند.

وقتی از او پرسیدم که شاید منظورش شوروی است، با خنده گفت: «نه این طور نیست. فرار آنها به شوروی نمی تواند برای ما موضوعی محرمانه باشد. مگر نه این است که ما اعلام کرده ایم که ببرک کارمل در پراگ به سر می برد.» - وقتی که درباره اخراج ترکی و سه وزیر پیشین از حزب از اوزادچی سؤال کردم، وی گفت، که «این موضوع کاملاً صحت دارد.»

ص: ۶۷۷

- اوزادچی گفت که وی به منظور امور مشورتی ابتدا به مسکو می رود و پس از آن یک ماه را در کریمه به عنوان تعطیلات خواهد گذراند. وی گفت که دیگر خسته شده است و موقعیت سیاسی محلی اشکالاتی را در کار وی ایجاد کرده است. در حین جدا شدن به آرامی گفت: «هیچ کس نمی داند فردا چه اتفاقی خواهد افتاد.» آمستوتز سند شماره (۴۹) از: سفارت آمریکا - جده تاریخ: ۶ اکتبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه - واشنگتن - دی. سی.

شماره سند: ۷۵۴۸-۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- در طول ملاقات روز ۲۳ اکتبر با مسئول امور وزارت خارجه عربستان سعودی اسماعیل الشوری مأمور سیاسی مدرکی غیر رسمی از شرح تلگرامی از نقطه نظرهای آمریکا درباره موقعیت داخلی در افغانستان و جریان موقعیت ارتباطات روس - افغانستان تحویل داد. الشوری از آمریکا برای این اطلاعات تشکر کرد. او نگرانی دولت عربستان سعودی را از تحولات در افغانستان تکرار کرد و گفت دولتش از بحثی که با آمریکا روی این مسئله داشته سود برده است.

۳- در مورد تفاسیر دولت عربستان سعودی درباره موقعیت افغانستان سؤال شد، الشوری کوششهای گذشته عربستان سعودی را در ایجاد نوعی وحدت بین دو گروه مقاوم که توسط سبقت الله مجددی و سید احمد گیلانی رهبری می شدند، را مرور کرد. او گفت دولت عربستان سعودی در آغاز از کمک مالی به هر دو این گروهها به امید اینکه آنها می توانستند نسبت به آن به طرف نوعی ترتیب مشترک رانده شوند خودداری کرده بود. اخیرا به هر حال دولت عربستان سعودی نظرش را تغییر داد. گرچه الشوری با دقت کامل سعی داشت تا کمک عربستان سعودی را «خیلی معتدل» وصف کند، ولی گفت دولت عربستان سعودی تصمیم گرفته از تلاشهای مقاومتان علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان حمایت نماید. حتی اگر گیلانی و مجددی و دیگران نتوانند این شرایط را قبول نمایند (گرچه او نقشی نداشت، شاید دولت عربستان سعودی خودش سعی و کوشش را نگه دارد). الشوری گفت هدف دولت عربستان سعودی این بوده که اوضاع را مشوش نگه دارد و از اینکه رژیم ضعیف شده خلقی تعادل خود را باز یابد جلوگیری نماید. پلاکه

### مقاصد شوروی در افغانستان

سند شماره (۵۰) سری از: هیئت نمایندگی ایالات متحده در ناتو تاریخ: ۱۰ اکتبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی فوری موضوع: (سری) مقاصد شوروی در افغانستان ۱- (کل مطلب سری است).

۲- در خلال ملاقات کمیته سیاسی در نهم اکتبر، نماینده کانادا نکاتی را که شامل پاراگراف پنجم تلگراف مرجع ب می شود بیان کرد (برای اتاوا دوباره فرستاده می شود) و در آن تمایل کنونی کانادا نسبت

به مورد توجه قرار دادن بی ثباتی افغانستان و اثر این بی ثباتی روی پاکستان که احتمالاً اثرش بیشتر است تا تحریک شدن شوروی به دخالت مستقیم نظامی در افغانستان، بیان شد. ما قبلاً نقطه نظرهایی برای نماینده کانادا تهیه کرده بودیم که به وسیله تلگرام مرجع الف فرستاده شد و آنها را در جواب مداخلات (پادرمیانی) کانادا در مشورتهای سیاسی تکرار کردیم. در هر دو مورد نماینده کانادا، علاقه کانادا را برای دریافت اطلاعات بیشتر تأیید کرد. مخصوصاً در رابطه با فعالیتهای نظامی شوروی در شمال مرز افغانستان و شوروی که امکان دارد در ارزیابی و تشخیص مجدد موضع کانادا در قبال نزدیک شدن احتمالی به شوروی به کار آید و ما اشاره کردیم که درخواست کرده ایم که واشنگتن ما را در این مورد از آخرین وقایع مطلع گرداند (تلگرام مرجع ج).

۳- نماینده هلند در کمیته، در مورد مذاکرات اخیر بین سفیر هلند در اسلام آباد و نماینده محلی تاس، گزارش داد که نماینده محلی تاس شکایت کرده که امین هم مانند ترکی که قبلاً دست اندرکار حکومت بود آماده قبول نصایح (مشورت) نیست و اصلاحات را در شکل نپخته و شتاب آلودی اعمال می کند که باعث تشدید شکافها در بین جامعه قبایل افغان می شود. سفیر و نماینده هلند اضافه کرد که برداشتش از این نقطه نظرها این است که این احتمالاً نشانگر کنار کشیدن شوروی در حمایت از امین می باشد. گیلتمن

### **رسانه های شوروی مرگ ترکی را گزارش می نمایند**

سند شماره (۵۱) از: سفارت آمریکا - در مسکوبه: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی تاریخ: ۱۱ اکتبر ۷۹ طبقه بندی: (خیلی محرمانه) (استفاده محدود اداری مسکو ۲۳۶۲۷) شماره سند: ۳۶۲۷ موضوع: رسانه های شوروی مرگ ترکی را گزارش می نمایند ۱- مطبوعات شوروی در تاریخ ۱۰ و ۱۱ اکتبر در گزارش یک سطری به نقل از آژانس خبری افغانستان، مرگ ترکی را گزارش کرد.

برنامه خبری ورمیا که یک برنامه خبری تلویزیونی شامگاهی است، نیز با لحن خشکی در تاریخ ۱۰ اکتبر آن را گزارش نمود. از تاریخ ۱۶ سپتامبر زمانی که ترکی به علت وضع جسمانی از سمت خود استعفا کرده بود، مطبوعات شوروی برای اولین بار از وی سخن به میان آورده بودند.

۲- اظهار نظر: از ۱۶ سپتامبر به این سو، مطبوعات شوروی درباره افغانستان به طور کامل و درباره امین بالاخص کمتر به گزارش می پردازند. این گونه برخورد می تواند نمایانگر عدم اطمینان شوروی نسبت به وقایع افغانستان و موضع امین پس از کودتا علیه ترکی باشد. تون

### **مفتی محمود علاقه مند به کمک مجدد به پناهندگان و تبعیدی های افغانی می باشد**

سند شماره (۵۲) از: سفارت آمریکا - اسلام آباد تاریخ: ۱۴ اکتبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی با حق تقدم طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: مفتی محمود علاقه مند به کمک مجدد به پناهندگان و تبعیدی های افغانی می باشد ۱- تمام مطلب محرمانه است.

۲- در ملاقات با مأموران سفارت در تاریخ هفتم اکتبر، مولانا مفتی محمود رئیس اتحاد ملی پاکستان

ص: ۶۷۹

مسئله همکاریهای مادی و مالی را برای انقلابیون افغانستان مطرح کرد. وی درباره کمکهای آمریکا برای آنها تبلیغ کرد و کارمند سفارت تشریح کرد که سیاست ایالات متحده دخالت نکردن در موقعیت افغانستان است.

۳- سپس مفتی محمود شروع کرد به شکایت در مورد کمک مالی کشورهای عربی و خصوصا کشورهای منطقه خلیج فارس به انقلابیون اما فقط به گروههای معین. وی خصوصا گفت که کشورهای خلیج کمکهای خود را برای پروفیسور برهان الدین ربانی رئیس جماعت اسلامی افغانستان می فرستند که رابطه نزدیکی با جماعت اسلامی پاکستان که دشمن او هستند دارد.

مفتی پرسید که چرا عربها ثروت خود را بین یک گروه وسیعتری از انقلابیون پخش نمی کنند.

مفتی همچنین پرسید که ایالات متحده چه نوع کمکی در زمینه حقوق بشر می تواند بکند. کارمند سفارت تشریح کرد که بخش حقوق بشر سازمان ملل از پاکستان بازدید خواهد داشت و پیش بینی می شود که یک برنامه کمک رسانی بین المللی به زودی در پاکستان اجرا خواهد شد.

مشاور سفارت همچنین گفت که احتمال دارد ایالات متحده به طور مؤثر در این برنامه شرکت داشته باشد. مفتی خاطر نشان کرد که می تواند درک کند که ایالات متحده به خاطر دلایل سیاسی جهانی نمی خواهد که به طور مستقیم در جریان، درگیر بشود و اینکه او از هر گونه کمکی که ایالات متحده بتواند برای کمک مؤثر به سازمان ملل در جهت کمک به پناهندگان انجام دهد قدردانی می کند. او اظهار امیدواری کرد که کوشش ایالات متحده شامل تخلیه پناهندگان بدون توجه به هر ارتباطی که با سازمانهای ناراضی داشته باشند بشود.

کینگ سند شماره (۵۳) از: سفارت آمریکا کابل تاریخ: ۱۱ اکتبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۱۷۵۵۷-۱ (بدون طبقه بندی) در یازده اکتبر آژانس رسمی خبرگزاری افغانستان اظهار داشته که قسمت کمک آمریکا ۷۵ درصد از هزینه پروژه توسعه سازمان روستایی در استانهای ننگرهار، نیمروز و غزنی را بازپرداخت کرده است (مبلغ بازپرداختی ۱۰۱۲۳۶ دلار می باشد).

۲- (بدون طبقه بندی) در ۱۵ اکتبر وسایل ارتباط جمعی تحت کنترل دولت افغانستان در سطح وسیعی این مطلب که سازمان کمک دهی آمریکا ۲۵۲۰۷ دلار برای پروژه توسعه سازمان روستایی در سوختا بخشی در ده سبزوالسولی در استان کابل بخشیده یا کمک کرده است را پخش کرد. آژانس خبری باختر متذکر شد که پرداخت در رابطه با موافقت قبلی بوده است، ولی فسخ اخیر کمک اقتصادی به افغانستان توسط کنگره آمریکا را ذکر نکرد. روزنامه باختر در انتها گفته است که کمک مالی آمریکا با اظهار تشکر پذیرفته شده است.

۳- نظریه (خیلی محرمانه) از زمان انقلاب ۱۹۷۸ تا به حال حزب خلقیها عموماً تبلیغ چندانی در مورد کمکهای اقتصادی آمریکا انجام نمی داده است. تصور ما این بود که این امر استراتژی حزب خلقیهاست که

بدین وسیله محبوبیت آمریکایی در میان مردم افغانستان کاهش داده شود.

۴- (خیلی محرمانه) این تبلیغات لطف آمیز اخیر شاید برای این باشد که باعث شود تا این تاثیر که دولت جدید حفیظ الله امین از جانب دولت آمریکا پشتیبانی و حمایت می شود، بر ذهن مردم افغانستان گذاشته شود. این مطالعه شاید به این مربوط باشد که مقامات رسمی حزب خلقی به کارمندان سفارت درباره امیدهای جمهوری دموکراتیک افغانستان برای اعاده کمک اقتصادی آمریکا نسبت به این کشور اظهاراتی داشته اند. بلود

## گفتگو در مورد افغانستان

سند شماره (۵۴) از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی تاریخ: ۱۹ اکتبر ۱۹۷۹ به: سفارت آمریکا تهران طبقه بندی: سری موضوع: گفتگو در مورد افغانستان ۱- تمام متن سری است.

۲- INR نکات زیر را درباره روابط شوروی - افغانستان و درگیری شوروی در افغانستان تهیه نموده است که گیرندگان (تلکس) می توانند بنا به صلاحدید خودشان در گفتگوهای مداوم با دول میزبان در مورد مقاصد شوروی در افغانستان مطالبی را استخراج نمایند. این نکات مکمل اطلاعاتی است که قبلاً در پیام ۸۳۷۴۰ بتاريخ ۱۹ آوریل ۱۹۷۹ تهیه شده است.

۳- در خلال شش ماه قبل از به دست گیری قدرت توسط امین در ۱۴-۱۶ سپتامبر، مسکو یک سری از تاکتیکهای سیاسی را برای مقابله با وضعیت رو به وخامت افغانستان به خدمت گرفت:

الف: در ابتدا مسکو تلاش کرد تا رژیم ترکی - امین را ترغیب نماید تا پایگاه حمایتی خود را وسیعتر سازد و سیاستهایش را معتدل تر نماید. این توصیه به میزان زیادی مورد توجه واقع نشد.

ب: پس از آن برای مدتی مسکو خودش را تا حدودی از امین و ترکی به عنوان دو فرد، دور کرد در حالی که به طور آشکار به حمایت از انقلاب افغانستان ادامه داد.

ج: در هر صورت به نظر می آید که مسکو نهایتاً به این نتیجه رسیده باشد (حدود اوت) که هیچ گونه راه حل مناسبی در مقابل رژیم ترکی - امین وجود ندارد (هر چند این شایعه وجود داشته است که مسکو در نظر داشته تا از ترکی که میانه روتر است، در مقابل امین حمایت نماید).

با این وجود زمانی که ترکی در سر راهش از کنفرانس غیر متعهدها در هاوانا به افغانستان در اوایل سپتامبر از مسکو می گذشت، ملاقاتش با برژنف با مفهوم حزب با حزب آنچنان مورد تبلیغات پرحرارت قرار گرفت که بیش از همیشه حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به عنوان یک حزب کمونیست شناساند.

۴- در طی همان دوره شش ماهه، تلاشهای سیاسی روسیه، وسیله حرکتهای نظامی تکمیل شدند: از جمله پرسنل پشتیبانی نظامی و مستشاران که برخی از آنان در سطح گردان در ارتش افغانستان قرار داده شده اند.



- مستشاران شوروی به طور فزاینده کارهایی را به دست گرفته اند که به صورت آشکار از وظایف

ص: ۶۸۱

مستشاری تجاوز می کند، برای مثال در فعالیتهای فرماندهی و همچنین به طوری که گزارش شده در برخی فعالیتهای رزمی. به هر حال ما هیچ گونه نشانه قابل اطمینانی در این مورد که نیروهای شوروی به صورت واحدهای رزمی در جنگ علیه شورشیان شرکت کرده باشند نداریم.

- نگرانی شوروی از بابت وضعیت امنیتی افغانستان در مواجهه با شورشیان و طغیان در ارتش، روسها را مجبور به قبول برخی مسئولیتهای امنیتی مستقیم نمود، مثل پایگاه هوایی باگرام که یک نیروی ۴۰۰ نفره شوروی در آنجا وجود دارد.

۵- به دست گیری قدرت در ۱۴-۱۶ سپتامبر توسط امین با وجود تمام نشانه ها، بدون اخطار قبلی به مسکو صورت پذیرفت، اما جزئیات آنچه که رویداده مبهم باقی می ماند. پوزانف سفیر شوروی ظاهراً به همان گونه که حوادث آشکار می شدند در جریان قرار می گرفت.

- زمانی که رسانه های شوروی به تبلیغات در مورد رهبری ترکی ادامه دادند و آن هم هنگامی که او سرنگون شده بود، یک دوره کوتاه بلا تکلیفی در مسکو وجود داشت. پیام تبریک اولیه مسکو به امین در زمان انتخابش به سمتهای ترکی بدون ایجاد تعهد بود، ولی از آن زمان به بعد رسانه های گروهی شوروی از رژیم جدید اعلام حمایت کرده اند.

- احتمال دارد که توصیه شوروی در اولین سخنرانی امین در ۱۷ سپتامبر انعکاس پیدا کرده باشد.

## اطلاعات ترکیه در مورد مسئله افغانستان

سند شماره (۵۵) از: سفارت آمریکا در آنکارا تاریخ: ۲۵ اکتبر ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۷۹۶۶ موضوع: (محرمانه) اطلاعات ترکیه در مورد مسئله افغانستان ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- این یک پیام برای اقدام است، پاراگراف نهم را ملاحظه کنید.

۳- خلاصه: طی مذاکراتی که در مورد مسایل افغانستان صورت گرفت، یکی از مأموران وزارت خارجه به ما گفت که ترکها با تشخیصی که آمریکا از اختلاف بین امین و روسها داشته موافق است. به عقیده ترکها سه تن وزیری که از دست امین فرار کرده اند، ممکن است که در سفارت شوروی مخفی شده باشند.

چون در ضیافتی که در قصر ارگ برگزار شده بود سفیر روسیه، پوزانف هم به دعوت امین حضور داشت و در این ضیافت تیراندازی صورت گرفت و اعتمادی نخست وزیر سابق کشته شد. ترکها نسبت به خبری که راجع به نصب توپهای زمین به هوا به دستور امین در ایستگاه هوایی باگرام شنیده بودند کنجکاو و علاقه مند بودند. همچنین آنها اخباری راجع به ژنرال یاکوب، رئیس ستاد ارتش و آجودان سابق ترکی، به این مضمون دریافت کرده بودند که احتمال دارد که او با یک تصفیه مواجه بشود و نیز پنجشیری - وزیر امور داخلی - افغانستان را به قصد مسکو به دلایل پزشکی ترک کرده است. پایان خلاصه.

۴- اختلاف مابین امین و روسها: مأمور سفارت در تاریخ بیست و چهارم اکتبر به منظور بحث (آنچه در مرجع الف آمده است) با رئیس بخش خاور میانه و شمال آفریقای وزارت خارجه دیداری انجام داد. در



این دیدار کارائوس مانوگلو اظهار داشت، که ترکها با تشخیص آمریکا در مورد تیرگی روابط بین امین و روسها هم عقیده هستند. بر طبق اظهارات کارائوس مانوگلو، امین در سخنرانش در دهم اکتبر که پیش از ملاقات او با کمیته قانون اساسی جدید صورت گرفت، او از اصطلاحات مارکسیستی همچون «دیکتاتوری پرولتاریا» و مالکیت دولتی ابزار تولید استفاده کرد، همان گونه که در مشخص ترین اعلامیه های عمویش تا این تاریخ این اصطلاحات را از مسایلی که مورد قبول حزب کمونیست خلق است به شمار آورده است. به گمان کارائوس چنین بیاناتی در این زمان سبب خشم روسها خواهد شد، زیرا آنها مایلند تا آنجا که امکان دارد امین به خاطر استحکام پایه های حکومتش و جلب حمایت، جانب اعتدال را رعایت کند. ترکها حادثه دیگری را هم دلیل بر تیرگی روابط مابین امین و روسها دانستند که به این قرار است: پوزانف سفیر شوروی، «شاید نقش کنسول رومی را بازی می کند.» معاون خود را به جای خود برای شرکت در جلسه تبادل نظر اخیر شبلی (احتمالاً شاه ولی - مترجم)، وزیر خارجه، که در آن سفیران کشورهای سوسیالیستی شرکت داشتند فرستاده است.

۵ - پناهگاه: در همان جلسه، بنا به گزارش شبلی، اعلام داشت که افسران افغانی ورود وطنجار و دو وزیر دیگر را که در تاریخ ۱۳ سپتامبر شامل تصفیه شده بودند، در همان روز به سفارت شوروی مشاهده کرده اند.

به عقیده کارائوس مانوگلو امکان دارد که سه وزیر هنوز در داخل سفارت باشند، به هر حال او مطمئن بود که آنها نمرده اند، امین اخیراً خطاب به روزنامه نگاران خارجی گفته بود که او محل اختفای وطنجار و دیگران را می داند، ولی به وسیله تلفن نمی توان با آنها تماس گرفت.

۶- پوزانف: ترکها می دانند که زمانی که در قصر ارگ تیراندازی انجام گرفت سفیر شوروی، پوزانف، در آنجا حضور داشت. آنها حوادث را چنین بازبینی کرده اند: ترکی، امین را به قصر می خواند، امین، که جریان سال قبل را که طی آن یک وزیر متمرّد که به قصر دعوت شده و سپس در آنجا اعدام شد را بیاد دارد، از پوزانف می خواهد که او هم در آن مهمانی حضور یابد، به این امید که او بتواند به نحوی زندگی او را بیمه کند. ترکها نمی دانند که چه کسی اول تیراندازی را شروع کرد و چه کسی پوزانف را دعوت کرد، اما عقیده دارند که ممکن است امین نقشه سوء قصد به ترکی را لاقلاً در آن لحظه نداشته است.

۷- اعتمادی: اکنون ترکها معتقدند که نورمحمد اعتمادی (مأخذ الف و ب و ج) نخست وزیر سابق اعدام شده است. بنا بر گزارش، اسدالله امین، رئیس سازمان اطلاعات افغانستان به چند تن از دوستانش گفته است که اعتمادی به دستور ترکی کشته شده است، شواهد ضمنی که به نظر ترکها موید این مسئله است این است که: از زمان زندانی شدن اعتمادی که روز بعد از انقلاب ترکی بود، خانواده او که حق دیدارش را نداشتند، اجازه یافتند که برای او غذای تازه و لباس به زندان ببرند و همچنین با او نامه رد و بدل کنند، البته بدون دیدن او. حدود دو ماه قبل این اختیارات ملغی شد و ده روز قبل حتی رد و بدل کردن نامه هم ممنوع شد.

۸ - توپهای زمین به هوا: ترکها گزارشاتی دریافت داشته اند که بر مبنای این گزارشات امین دستور به نصب توپهای زمین به هوا در ایستگاه هوایی باگرام داده است. به نظر آنها این مسئله در صورت صحت می تواند پیشرفت مهمی باشد و تنها هدفهای قابل پیش بینی برای چنین سلاحهایی می تواند هواپیماهای خود افغانها باشد. اگر امین در واقع این سلاحها را برای دفاع در

مقابل مخالفت نیروی هوایی خودش

ص: ۶۸۳

مستقر کرده باشد، این مسئله می تواند شاهد جدیدی بر کمبود قابل مشاهده حمایت نظامی از امین باشد.

کارائوس مانوگلو از ما تقاضا کرد تا اخباری را که راجع به نصب سلاحهای زمین به هوا در باگرام می باشد، مورد ملاحظه قرار دهیم.

۹- تصفیه ها: ترکها شنیده اند که ژنرال یاکوب رئیس ستاد ارتش افغانستان و آجودان سابق ترکی هم تصفیه خواهد شد، آنها همچنین مطلع شده اند که وزیر امور عام المنفعه (داخلی - مترجم) «پنجشیری» (مأخذ ه پاراگراف پنجم) که یکی از آخرین وزرای دولت امین است، تنها پنج روز پس از به قدرت رسیدن به دلایل پزشکی به مسکو رفته است.

۱۰- اقدامات خواسته شده: ما از هرگونه تایید و یا تفسیری که سازمان و یا کابل بتواند در مورد گزارشات ترکیه به ما عرضه کند، سپاسگزاریم، به خصوص اگر این گزارشات راجع به استقرار سلاحها در ایستگاه باگرام باشد، ما از این تأییدات و تفسیرات در مذاکراتمان با ترکها استفاده می کنیم.

اسپیرز

### سفیر آلمان شرقی در افغانستان عوض می شود

سند شماره (۵۶) از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۲۵ اکتبر ۱۹۷۹ به: وزارت امور خارجه در واشنگتن طبقه بندی: خیلی محرمانه مرجع: کابل ۶۳۰۹ موضوع: (خیلی محرمانه) سفیر جدیدی از آلمان شرقی جانشین سفیری می شود که در کوششهای تابستان گذشته برای گسترش پایگاه سیاسی رژیم نقش عمده ای داشت ۱- (خیلی محرمانه) خلاصه - سفیر جدیدی از آلمان شرقی به مقامات کابل معرفی شده است که جانشین هرمن شوسیائو، که در تلاشهای تابستان گذشته برای «گسترش پایگاه سیاسی» رژیم حزب خلق نقش عمده ای داشت، بشود. مسئله اینکه آیا واقعا آتشی پشت آن دود سیاسی بود یا نه هنوز مبهم باقی مانده است، اما مقداری شک و تردید وجود دارد که آیا حفیظ الله امین نخست وزیر وقت که هدف اصلی این سری جریانات، که شوسیائو عامل اصلی آن بود، از موضوع باخبر بوده است یا خیر. درست در زمانی که قطعی شد که قدرت امین قابل محدود شدن نیست، شوسیائو به طور ناگهانی کابل را ترک کرد.

اما شواهد قطعی راجع به شواهد و عوامل خروج و جانشینی وی هنوز کاملاً روشن نیست. به هر حال، حداقل در کوتاه مدت این طور به نظر می رسد که روسها راه دیگری جز پشتیبانی از اقدامات و کوششهای امین برای تحکیم انقلاب، ندارند.

۲- (خیلی محرمانه) در شب ۲۴ اکتبر، جمهوری دمکراتیک افغانستان اعلام کرد که با انتصاب «کرافت بامبل» (منابع وزارت امور خارجه افغانستان تأیید کردند که اسم وی از نظر املائی درست نوشته شده است) به عنوان سفیر جدید جمهوری دمکراتیک آلمان در کابل موافقت کرده اند. در این گزارش کوتاه جزئیات بیشتری گفته نشده است.

۳- (خیلی محرمانه) نظریه: بامبل به جای هرمن شوسیائو سفیر سابق جمهوری دمکراتیک آلمان که مهره اصلی در تلاشهای تابستان گذشته روسیه برای تشویق جمهوری دمکراتیک افغانستان به گسترش



پشتیبانی برای پایگاه سیاسی بود. خواهد آمد.

شوسیائو، همراه با واسیلی سافرونچک و همکاران دیپلماتش در آن زمان رک و راست در مورد مشکلات داخلی خلقیها و مخصوصاً نیاز مبرم جمهوری دموکراتیک افغانستان به توسعه پشتیبانی در کشور، صحبت می کرده است. بعضی از گزارشهای تایید نشده حاکی از آن است که او جزء لاینفکی از تلاشهای منصوب به شوروی در جهت محدود کردن قدرت حفیظ الله امین بوده است، زیرا وی شخصی تبهکار و گرداننده سیاستهای خفقان آور و افراطی جمهوری دموکراتیک افغانستان بود.

۴- با گذشت زمان، قدرت سیاسی امین، با وجود تلاشهای آشکار روسها برای بستن دست و پایش رو به افزایش گذاشت و امین چند بار در معرض عموم اشاره کرد که وی از مانورهای شوروی که توسط شوسیائو و سافرونچک در سطح شهر می شود آگاه می باشد. مدت کوتاهی پس از آنکه مشخص شد که قدرت امین در حال کاهش نیست، (شوسیائو به طور ناگهانی کابل را ترک کرد. احتمالاً به دلیل اینکه وی از شکستگی پا رنج می برد و احتیاج به ۶ ماه اقامت در آلمان جهت جوش خوردن پایش داشت، همکاران آلمان شرقی ما در اینجا هیچ اشاره ای در آن زمان و یا در خلال این مدت نکرده اند که آیا شوسیائو برای پست سفیری به کابل باز خواهد گشت یا خیر.

۵- (خیلی محرمانه) - مثل اکثر عوامل این جریان مبهم، دلایل انتصاب بامبل هنوز روشن نیست و خروج دائمی شوسیائو می تواند دلایل زیادی داشته باشد. بدیهی ترین دلیل اینکه، با توجه به مشکلات پزشکی، جمهوری دموکراتیک آلمان به جای اینکه برای بهبودی کامل شوسیائو صبر کند باید جای خالی وی را پر کند. دلیل دیگر اینکه شوسیائو در جهت هدفش مبنی بر گسترش پایگاه کار کرده بود و به کارهایش به عنوان «سخنگوی» روسها دیگر در کابل احتیاجی نبود. همچنین امکان دارد که امین که قرار بود که قدرت وی در میان مخالفان داخلی از طریق سیاسی محدود گردد به شوسیائو دستور خروج ناگهانی را داده است و این عمل احتمالاً به این خاطر صورت گرفته که نشان داده شود که امین در حقیقت رهبر افغانستان می باشد که حاضر نیست که قدرتش را واگذار کند، حتی اگر دوستان نزدیکش، یعنی خود روسها در پشت پرده مشغول تلاشهایی باشند تا چنین امری پیش بیاید. به هر حال ما معتقدیم که خروج ناگهانی و جایگزینی شوسیائو بیشتر انگیزه سیاسی داشته است تا انگیزه پزشکی علت این امر هر چه باشد، در نتیجه تیراندازیهای مبهم ۱۴ سپتامبر، روسها در کوتاه مدت راه دیگری جز پشتیبانی از اقدامات امین جهت سرکوب شورشیان و تحکیم امنیت انقلاب ندارند. امضاء بلاد

### اطلاعات یک شخص ترک در رابطه با اوضاع در افغانستان

سند شماره (۵۷) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا - کابل ۳۰ اکتبر ۱۹۷۹ به: سفارت آمریکا آنکارا با حق تقدم ۳۷۴۳ موضوع: اطلاعات یک شخص ترک در رابطه با اوضاع در افغانستان ۱- (تمامی متن خیلی محرمانه) ۲- طبق تقاضای سفارت آنکارا، در پاراگراف ۱۰ از مرجع، این سفارت مشاهدات زیر را درباره نکات مورد بحث باقره عثمان اوغلو ارائه می دهد:

(الف) درگیریهای امین - شوروی: اگر چه در گذشته دلایلی وجود داشت که روسها دیگر راه حلهای



سیاسی را برای بی ثباتی اوضاع افغانستان بر ادامه رهبری غیر مردمی و ظالمانه حفیظ الله امین ترجیح می دادند، اکنون مسکو آشکارا، حداقل برای دوره کوتاهی، از وی حمایت می کند. ما با قره عثمان اوغلو موافق هستیم که روسها اکنون بدون شک و تردید امین را به پیروی از یک مشی معتدل در صورت امکان، به خاطر گسترش محبوبیت پایگاه خود، راهنمایی می کنند. ما همچنین از غیبت سفیر پوزانف از طریق گزارش فشرده غیر معمولی ارائه شده به وسیله وزیر خارجه شاه ولی در ششم اکتبر مطلع شده ایم که احتمال نشانه هایی می باشد که نقش شوروی را در ۱۴ سپتامبر می توان به عنوان ضدامین ملاحظه نمود. به هر حال در گفتگوی اخیر با یک دیپلمات از جنوب آسیا، وزیر مشاور روسی سافرونچک تلاش کرد تا نقش ۱۴ سپتامبر پوزانف را کاهش بدهد و آن را به عنوان کوششی برای نجات صلح میان دسته جات در حال جنگ حزب افغانستان توصیف نمود. در ۲۹ اکتبر پوزانف شدیداً از امین در برابر سفیر معرفی نشده بریتانیا هیلیرفرای تحسین نمود (ما باید اضافه کنیم که کارمندانی در این سفارت هستند که بر این عقیده می باشند که شیوه های گذشته گفتگو میان امین و روسها یک «بازی گل یا پوچ» بوده است و اینکه مرد قوی پرطقت از هنگام شروع دوره خلقی عامل مسکو بوده است).

اشاره امین به «دیکتاتوری پرولتاریا» در سخنرانی دهم اکتبرش چیز تازه ای نیست. او و رئیس جمهور پیشین نورمحمد ترکی در گذشته گاه به گاه از این اصطلاح سود جسته اند. این عبارت وی که «...»

تمامی نواحی مهم تولیدی می بایستی جزو اموال عمومی در نظر گرفته شوند» در محتوی از مطمئن کردن امنیت اموال خصوصی ناشی می شود (قولی که مکرر از طرف رهبریت خلقی به «سرمایه داران ملی» افغانستان داده شده است)، در حالی که تهدیدی است برای محروم کردن دارندگان «کالاهای اجتماعی» از «قدرتی که کار و زحمت دیگران را از طریق مالکیت خصوصی تصاحب می کند». این فرمول همچنین یک عبارتی را که ما قبلاً شنیده ایم تکرار می کند.

(ب) پناهندگی: ما فکر نمی کنیم که سه وزیر نظامی تبعیدی هنوز در سفارت شوروی باشند؛ اگر واقعا آنها آنجا بلافاصله خواستار حفاظت شده بودند. اتفاق نظر در این مورد این است که وطنجار که شاید به وسیله گلابزوی همراهی شده، در خانه اش در حومه پکتیا بوده باشد. سافرونچک اخیراً به دیپلمات آسیای جنوبی گفت که هر دوی آنها «هنوز آزاد هستند». به عقیده بسیاری از ناظران محلی آنها سعی دارند با نیروهای نظامی بی گناه در بخش جنوب شرقی افغانستان همکاری کنند.

همچنین این احتمال است که وطنجار و گلابزوی ممکن است در شوروی باشند، برای اینکه روسها فعالیت های آنها را تحت کنترل قرار دهند، اگر چه یک کارمند عالی رتبه سفارت روس این موضوع را که در سوم اکتبر به آمستوتر سفارش نموده است، تکذیب نمود (کابل ۷۳۱۸). بسیاری معتقدند که مزدوریار مرده است، اما یک دیپلمات آسیای جنوبی اظهار می دارد که سافرونچک اخیراً به وی گفته است که مزدوریار در اطراف اقامتگاه خود در پایگاه تانک پل چرخي تحت بازداشت خانگی نگهداشته می شود.

اگر این موضوع حقیقت داشته باشد، او احتمالاً از جانب امین تحت حفاظت روسها می باشد (روسها احتمالاً آن پایگاه را اکنون در کنترل دارند)، و بدون شک اگر او تحت کنترل خلقی قرار می گرفت بلافاصله (امین) او را به قتل می رساند. محرک روسها در چنین وضعیتی حفظ فشار بر امین خواهد بود که از وجود رهبران افغانی در تبعید (یعنی پرچمیستها) در ذخیره دان روسها دردمندانه اطلاع دارد.

(ج) پوزائف: با توجه به نکات خوب گزارش شده توسط شاه ولی که روز ۶ اکتبر خطاب به

ص: ۶۸۶

اروپای شرقی بوده، ما همچنین بر این اعتقادیم که پوزانف احتمالاً، اگر در خلال واقعه آنجا نبوده باشد، حداقل بلافاصله بعد از تیراندازی در قصر حضور داشته است.

ما هم فکر می‌کنیم منطقی این است که ترکی بنا به اقتضاء زمان هدف واقع شده باشد - و نفر دوم در نتیجه این عملیات از اول انقراض «رهبر بزرگ» را مورد نظر نداشته است.

ما از اعدام هیچ یک از «وزرای متمرّد» که در طی سال پیش در قصر صورت گرفت اطلاعی نداریم. به چه کسی قره عثمان اوغلو اشاره می‌کرده است؟ (وزیر دفاع پیشین عبدالقادر، که با حيله به قصر آورده شد... محلی که او دستگیر گردید گفته می‌شود که او هنوز در زندان پل چرخي زنده می‌باشد).

(د) اعتمادی: بعد از سبک و سنگین کردن تعدادی از گزارشات موثق، ما نیز متأسفانه به این نتیجه رسیده ایم که نخست وزیر پیشین نوراحمد اعتمادی در واقع اعدام گردیده است، اگر چه رژیم امین مکرراً کوشش کرده است که گناه آن را به گردن ترکی و رئیس پیشین ستاد کل افغانستان (AGSA) اسدالله بیندازد، اعدام احتمالاً بعد از روی کار آمدن ۱۴ سپتامبر امین صورت گرفته است. اخبار مداوم درباره طرحهای شوروی برای استفاده از «اعتمادی» به عنوان یک جایگزین سیاسی برای امین ظاهراً سرنوشت پیرمرد را مختوم کرد.

(ه) موشکهای سام در باگرام: پایگاه هوایی باگرام تحت کنترل روسیه است و بنابراین امین قادر نیست که هیچ سلاح مخصوصی را بدون موافقت و حمایت روسیه در آنجا نصب و انبار کند. افغانها ظاهراً برای مخالفت با برتری نیروی هوایی پاکستان، از زمان حکومت داودخان موشکهای سام در اختیار داشتند.

ضمناً هیچ نشانه ای وجود ندارد که نیروی هوایی افغان، که در عمل تحت کنترل روسیه است، تا زمانی که روسها می‌خواهند او در مصدر قدرت باقی بماند تهدیدی برای امین به شمار بیاید.

(و) پاکسازيها: در حال حاضر به نظر نمی‌رسد که رئیس ستاد، یاکوب، در معرض هیچ درد سر سیاسی قرار داشته باشد. در واقع، او اخیراً به کمیته مرکزی حزب حاکم معرفی شده بود. وزیر کارهای عمومی پنج شیری، که اعتقاد بر این است زمانی تمایلات پرچمی داشته است، در واقع بعد از کودتای امین به منظور «معالجات پزشکی» به مقصد مسکو عزیمت نمود و از آن زمان نامش در وسائل ارتباط جمعی به چشم نمی‌خورد. او به خوبی می‌توانست قربانی بعدی پاکسازی باشد. در چنین شرایطی روسها توانستند احتمالاً به وی در «مخفیگاه» خود پیشنهاد پناهندگی بدهند.

۳- لطفاً درودهای همکاران قره عثمان اوغلو در سفارت آمریکا را که مشتاقانه او را از روزهای تصدیش به عنوان کاردار ترکیه در کابل به یاد می‌آورند ارسال نمایید. بلاد

### گفتگوهای سفیر ریاض با پیراچه در رابطه با مسائل مربوط به افغانستان

سند شماره (۵۸) از: سفارت آمریکا در اسلام آباد: تاریخ: ۳۱ اکتبر ۱۹۷۹ به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی سی شماره:

۲۴۲۵ موضوع: گفتگوهای سفیر با پیراچه در رابطه با مسائل مربوط به افغانستان ۱- تمامی متن محرمانه ۲- من روز سی و یک اکتبر با ریاض پیراچه که اکنون سه هفته است به عنوان دبیر اضافی در وزارت

ص: ۶۸۷

امور خارجه انجام وظیفه می کند و سابقا سفیر پاکستان در کابل بوده است گفتگو کرده ام. پیراچه کارهای وزارت امور خارجه را در غیاب آقاشاهی وزیر امور خارجه و شهناز دبیر امور خارجه اداره می کند. قائم مقام رایزن سیاسی سفارت از همراهان من و رانا مدیر وزارت امور خارجه در امور آمریکا از همراهان پیراچه بود.

۳- با استناد به تلگرافهای مرجع الف و ب من توجه پیراچه را درباره نظر آمریکا نسبت به موضع جمهوری دموکراتیک افغانستان در مورد روابط با ایالات متحده آمریکا جلب کردم و آن گاه نکات اصلی که در ملاقات روز بیست و هفت اکتبر بین حفیظ الله امین رئیس جمهوری افغانستان و «بلاد» کاردار آمریکا مورد بحث قرار گرفته به اطلاع پیراچه رساندم. پیراچه به دقت گوش می کرد و یادداشت بر می داشت (مرجع د).

۴- وقتی که من صحبت را تمام کردم پیراچه نکات ذیل را مورد توجه قرار داد:

- جالب است که بلاد به جای اینکه با شاه ولی ملاقات کند با امین ملاقات کرده است و شاید این بدان معنی است که جمهوری دموکراتیک افغانستان بیش از آنچه از صحبتها استنباط می شود میل به مناسبات گرم با ایالات متحده دارد.

- امین ممکن است خود را بیش از اندازه نزدیک به شورویها احساس کند و می خواهد به مسکو و دیگران علامت بدهد که او تماما پایبند نیست.

پس از نوزدهم سپتامبر شایعات متعددی در کابل درباره این میل به بهبود مناسبات جمهوری دموکراتیک افغانستان و ایالات متحده جریان داشت و به نظر حکومت پاکستان چنین می آید که شاید این تمایل از جانب شورویها به آنها القاء شده است.

- سه عامل منع کننده در روابط ایالات متحده و جمهوری دموکراتیک افغانستان (قتل دابز سفیر آمریکا، پر کردن سفارت آمریکا با کارمندان و اتکای فزاینده افغانستان به اتحاد جماهیر شوروی) ظاهرا در نتیجه گفتگو با بلاد تغییری نکرده است.

- امین با کاربرد شعار جدید «امنیت، عدالت و مشروعیت» چهره جدیدی را در محک آزمایش قرار می دهد. شاید این موضوع سازشکارانه نسبت به مناسبات با ایالات متحده و پاکستان جزئی از این چهره باشد.

۵ - من از پیراچه درباره مناسبات پاکستان با جمهوری دموکراتیک افغانستان پرسیدم و او نکات زیر را به اطلاع رساند.

- امین و جمهوری دموکراتیک افغانستان درباره دیدارهای متقابل با شور و شوق صحبت می کنند، تا این مرحله سه فقره دیدار طرح ریزی شده، ولی تاریخ آن تعیین نشده است. آن سه فقره دیدار عبارتند از:

دیدار آقاشاهی از کابل و دیدار شاه ولی از اسلام آباد و دیدار ضیاءالحق از کابل. آقا شاهی درباره تاریخ دیدارش پس از ایام عید (که روز اول نوامبر آغاز می شود) تصمیم خواهد گرفت و شاید برای سفر خود در اواسط نوامبر موافقت خواهد کرد. شاه ولی به دیدار متقابل خواهد پرداخت، ولی زمان آن هنوز در دست نیست سرانجام ضیاء در یک تاریخ بعدی دیدار خواهد کرد. دعوتنامه های رسمی از مشاور خارجی و رئیس جمهوری تسلیم شده است.

-- حکومت پاکستان انتظار ندارد کہ از این سری ملاقاتها نتیجه قابل ملاحظه به دست آید.

ص: ۶۸۸

-- الطاف شيخ سفير جديد پاکستان در كابل قرار است روز ششم نوامبر به مأموریت جدید خود برود.

۶- من گمان می کنم که پیراچه دوست خوبی برای شهناز خواهد بود و نقش فعالانه ای در کارهای وزارت امور خارجه خواهد داشت. او فراوان صحبت می کند و ظاهراً موضوع مورد علاقه او اکنون افغانستان است.

خواهیم دید که او درباره موضوعی که هنوز به مرحله تفحص نرسیده است چه عملکردی خواهد داشت. من او را از زمانی که ما هر دو در رانگون (پایتخت برمه) سفير بودیم می شناسم و نظر مساعدی نسبت به او دارم.

ص: ۶۸۹

بسمه تعالی اسنادی که در این بخش ارائه می شوند تعداد معدودی از گزارشهای به جای مانده از قرارگاه سیا در تهران می باشد که به علت همجواری ایران با افغانستان توسط قرارگاه سیا در کابل دائماً در جریان وقایع عام آنجا قرار می گرفته و نسخه هایی از گزارشهای عملیاتی کابل را تا آنجا که به فعالیتهای قرارگاه تهران مربوط می شده دریافت می داشته است.

نکته قابل تذکر تفاوت این اسناد با سندهایی است که در قسمتهای دیگر کتاب مشاهده شده و این است که گزارشهای عملیاتی منحصر برای استفاده عوامل سیا در تهران بوده و در قسمتهای سیاسی سفارتخانه گردش نداشته، دیگر آنکه کسب اطلاعات توسط سیا یک کار حرفه ای و کاملاً مخفی بوده و مانند فعالیتهای بخشهای سیاسی سفارتخانه با مانورهای دیپلماتیک آمیخته نیست و منابع، اطلاعات خود را درازای پول یا وعده های حمایت سیاسی فروخته اند. در گزارشهای خبری فقط توضیح کلی درباره منبع و موقعیت وی داده می شود و این گزارشها در اختیار مقامات ارشد سفارتخانه ها و تأسیسات نظامی آمریکا نیز قرار داده می شوند. در گزارشهای عملیاتی منابع با نام رمز اشاره شده اند و در صورتی که مورد لزوم یک واحد سیا باشد هویت او نیز به طور جداگانه صرفاً برای عوامل سیا در یک منطقه اعلام می شود. نام رمز منابع از دو حرف انگلیسی پیشوند و یک کلمه به علاوه یک شماره در انتها (که عموماً ۱ می باشد) تشکیل شده و دو حرف پیشوند نشان می دهد که منبع در ارتباط با چه کشوری فعالیت می کند.

مثلاً در مورد ایران دو حرف پیشوند اس. دی (sd) و در مورد افغانستان جی-ای (ge) می باشد مانند اس.

دی. لور/۱، جی.ای. کاربون / ۱. برای سهولت خواندن معمولاً در گزارشهای عملیاتی پس از آنکه نام رمز منبع به طور کامل برای بار اول ذکر می شود برای اختصار در یک پرانتز حرف اول کلمه همراه با شماره انتهایی آن آورده می شود. مثلاً اختصار جی. ای لیل / ۱ به صورت ل / ۱ در می آیند. علاوه بر این نامهای رمز شماره دار، نامهای رمز بدون شماره نیز هستند که برای معرفی موضوع گزارش یا یکی از موسسات و بخشهای سیا به کار می روند. آن دسته که به موضوع گزارش مربوط می شوند در ابتدای گزارش سطر سوم یا چهارم نوشته می شود و تا آنجا که در اسناد این بخش استفاده شده از این قرارند: کیو. آر. کابل: این عنوان نشان می دهد که گزارش به فعالیتهای عملیات مخفی سیا در ارتباط با سازمانها و تشکیلات مختلف کشورها و جریانهای سیاسی مربوط می شود.

کیو. آر. میستیک: این عنوان نشان می دهد که گزارش به فعالیتهای تهیه متون اخبار جعلی، مقالات، اعلامیه ها و به طور کلی مکتوباتی که در ارتباط با جریانهای سیاسی است مربوط می شود.

کیو. آر. میستیک نام رمز یکی از واحدهای سیا که این کارها را انجام می دهد نیز می باشند.

ال. دبلیو. شل: این عنوان کلاً به عملیات مخفی در ارتباط با وسایل ارتباط جمعی جهانی مربوط می شود.

جی. ای. لیل / ۱ که نام رمز یکی از منابع مطرح شده در اسناد است یک فرد افغانی است که ظاهراً در شرکت هواپیمایی آریانا کار می کرده و از طرف آن شرکت با سرپرستی عده ای دانشجوی همکاری جهت شرکت در دوره های آموزش شرکت هواپیماسازی داگلاس به آمریکا اعزام شده بود. از قرار معلوم او یک منبع جدید و تازه استخدام شده بوده است.





سند شماره (۱) سری از: بخش خارجه/لوس آنجلس ۲۰۷۸۱ (به کفالت هگرآپ) تاریخ: ۹ شهریور ۱۳۵۸، ۳۱ اوت ۷۹ به: کابل، رئیس رونوشت برای فرانکفورت، آلمان، اسلام آباد، رم، تهران. - اعضاء هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است - حساس - اس. جی. سویرل - دلبلیو او. مولد.

جی. ای. لیبیل - جی. ای. پلاستیک عطف به: الف رئیس ۵۰۴۵۲۵ ب. اسلام آباد ۴۰۲۸۹ ج: کابل ۲۴۵۹۱ د: کابل ۲۴۵۸۰ ه. رم ۷۷۴۶۶ ۱- دستیار رئیس پایگاه در عصر ۸ شهریور، آمامونته مأمور پایگاه را به جی. ای. لیبیل / ۱ (ل/۱) معرفی کرد. در این ملاقات که بیش از یک ساعت طول کشید، پایگاه خبرهای ذیل را در جواب به تلگرامهای مرجع یا در رابطه با آنها به دست آورد. همچنین داستان قتل سفیر دابز نیز که بر روی نوار کاست ضبط شده و... خیلی کمی با پاراگراف ۱- ه و ۱- و تلگرام واشنگتن ۴۹۹۳۸۶ دارد (برای تمام مخاطبین ارسال نشده) اخذ گردید. به خلاصه ذیل توجه کنید. تصویر رئیس پلیس فعلی کابل به نام لال محمد و یک افسر ارتش به نام سرگرد قدری که به عنوان طرفدار عبدالولی وصف شده نیز گرفته شده، نوار کاست و تصویر به ستاد ارسال خواهد شد.

۲- خلاصه ای از (ماجرای) ترور سفیر دابز، رئیس پلیس کابل که یک سرهنگ نیروی هوایی است همراه با دو تن از دستیارانش (نامشان در نوار ذکر شده) به منزل ل/۱ دعوت شده بودند. لال محمد پس از مدت کوتاهی عزیمت نمود و دو زیر دست خود را که با حالت مستی به سمت... رفتند ترک کرد. این دو فرد منبع داستان ل/۱ هستند. آنها مأمور شلیک ۲۰ ثانیه ای مسلسل به سمت یکی از اتاقهای هتل بودند که در آن سفیر دابز پیش از آنکه لال محمد و تعدادی افسر دیگر پلیس به آن اتاق هجوم آورند، نگهداری می شد.

این دو مرد از فراز سقف بانکی که در آن طرف خیابان بود به سوی اتاق آتش گشودند و به محض آنکه شلیک را قطع کردند جمع همراه لال محمد در را با زور باز نمودند. به گفته این دو مرد، سفیر دابز در یک صندلی خون آلود نشسته بود و هنگامی که گروه لال محمد وارد اتاق شد وی تقریباً مرده بود یا در حال جان دادن بود. ل/۱ معتقد است که لال محمد شخصاً سفیر را کشت، اما نمی تواند دلیل یا شاهی بر این عقیده بیاورد. این خبری که دو افسر پلیس مست داده اند، نظریات ل/۱ را تأیید نمی کند. ل/۱ می گوید که لال محمد خودش به او گفت که بیش از ۲۰۰ افغان کشته است، ل/۱ از لال محمد متنفر است و فکر می کند که وی یک قصاب است و دست به هر کاری می زند.

۳- ل/۱ اظهار داشت که درگیری اخیر در قندهار توسط قدوس خان و یک سرگرد نیروی زمینی افغانستان به نام عصمت و یک ملا به نام عبدالونفعی سازمان داده شده و رهبری می شود. قدوس که مقام ریاست دارد یکی از پسرهایش به دست دولت فعلی کشته شده و یک پسر دیگرش در زندان به سر می برد و امکان دارد که او نیز مرده باشد. قدوس عضو پیشین سنای افغانستان بوده است، به گفته ل/۱، این گروه از ولی حمایت می کنند.

۴- سردار ولی نتوانسته ویزای پاکستانی بگیرد. این خبر مستقیماً از سردار ولی طی مکالمه تلفنی که در ۷ شهریور با ل/۱ داشته، به دست آمده است.

۵ - رفقای دانشجوی گروه ل ۱/ درباره شایعاتی بحث می کنند مبنی بر اینکه شورویها با پادشاه در رم مذاکره کرده اند، ولی اینها فقط جنبه شایعه دارند. درباره آزادی نورا احمد اعتمادی نیز همین جریان صدق دارد، شایع است که برای مذاکره وی را به مسکو برده اند. ل ۱/ فکر می کند که اگر اعتمادی آزادی شده بود یک نفر او را می دید و چنین چیزی را خبر می داد.

۶- ل ۱/ در نظر دارد که مدتی در طی اواخر شهریور را پس از اتمام دوره آموزش داگلاس و فصل شلوغ حج به تعطیلات برود. او با آموزش در واشنگتن طی این مدت موافق است و درباره جزئیات آن با قرارگاه کابل گفتگو خواهد کرد.

۷- ل ۱/ مایل است نسخه هایی از نوار کاستی که در فرانکفورت به او داده شده بود تا بین آشنایان افغانی خود توزیع کند داشته باشد. نوارهایی که وی قبلاً توزیع کرده بود حاوی پیامی از شیخ محسن قندهاری بود که معروف است به اینکه یک... افغان و مرد شماره سه تابع آیت الله خمینی در قم است. ل ۱/ با قندهاری ملاقات نکرده اما تحت... سرباز برای وی پول ارسال داشته است. ل ۱/ گفت که خمینی با دادن قول تهیه پول و پناهگاه فعالانه از کوششهای قندهاری در افغانستان پشتیبانی می کند، او همچنین موافقت کرد که برای افغانهای داوطلب، آموزش نظامی را تدارک ببیند و آنها را به افغانستان مراجعت دهد.

۸ - ل ۱/ تقاضا دارد و امیدوار است که واشنگتن هر مقدار کمک مالی بین ۵۰ تا ۱۰۰۰ دلار برای قندهاری که اغلب در قم اقامت دارد، بفرستد، این پول باید به بانک ملی ایران شعبه شهر، شماره حساب ۹ (۰۰۰) ۷۰ ارسال شود. حساب به نام حرکت اسلامی افغانستان می باشد. ل ۱/ می افزاید که قندهاری ۱۰۰٪ امانت دار است و این پول صرف تهیه دارو و تدارکات انسانی برای مردمی که در ناحیه اصلی هستند، خواهد شد. این پول باید باید به نام سرباز اعانه گردد و قبض آن به ل ۱/ بازگردانده شود. ل ۱/ گفت که خودش حدود ۵۰۰ دلار از پولش را صرف این راه کرده بود.

۹- ل ۱/ مایل است دیدار کوتاهی با دکتر بشیر یکی از یاران ولی و بنیانگذار جبهه آزادیبخش افغانستان داشته باشد. نشانی بشیر صندوق پستی (... ) ۸ نوروود، نیوجرسی ۰۷۶۴۸ است، ولی پیشنهاد کرد که این دو با هم ملاقات کنند و ل ۱/ مصمم است که چنین کند و میل دارد واشنگتن هزینه سفر را پردازد. ل ۱/ قصد دارد بین ۲۹ - ۲۶ شهریور که امیدوار است طی آن قدری فراغت بیابد به مسافرت رود.

لطفا در اسرع وقت درباره مسافرتش اظهار نظر کنید.

۱۰- ل ۱/ همچنین مایل است نسخه هایی از تصاویر خانوادگی را نزد خود نگهدارد، این تصاویر در جوف فیلمی بودند که در فرانکفورت داده شد.

۱۱- دکتر یارموهد محمد، در بیمارستان..... شنتوتدی، نیویورک ۱۱۲۳۸، پسر عموی همسر ل ۱/ و مشهور است به اینکه قویا از رژیم فعلی افغانستان و شورویها حمایت می کند. درباره یارموهد گفته می شود که در چاپ مطالب طرفدار شوروی در آمریکا فعالیت دارد.

۱۲- ل ۱/ فهرست نام دانشجویان افغانی که فعلاً آموزش داگلاس را طی می کنند و نام چندین افغانی در منطقه لوس آنجلس که این دانشجویان را به طور مرتب سرگرم می کنند، در اختیار پایگاه قرار خواهد داد. کلاسها هر سال دوبار برگزار می

شوند. ل/۱... را حدود دو ماه پیش از... برای تحویل به بخش خارجه / لوس آنجلس، در اختیار قرارگاه کابل قرار خواهد داد.  
ل / ۱/ پیش بینی می کند که هر سال دوبار برای تجدید آموزش به داگلاس بازگردد و این هم اکنون به صورت قرارداد بین آریانا و داگلاس بسته شده است.

ص: ۶۹۲

۱۳- پایگاه با جی. ای. پلاستیک ۱/ در (... ۲ اوت (اوایل شهریور) تماس تلفنی گرفت و قصد دارد در هفته حدود ۱۳ شهریور با او ملاقاتی داشته باشد.

۱۴- پایگاه با مأمور آزمایش دروغ سنجی مستقر در لوس آنجلس گفتگو کرده تا درباره گزارش ل/۱ از ترور دابز مذاکره کند. اگر چه پایگاه آماده است به درخواستهای پیشین خود برای آنکه ل/۱ در مورد گزارشش از ترور دابز آزمایش دروغ سنجی بدهد عمل کند، ولی با توجه به جزئیات مختصری که ل/۱ ارائه کرد پایگاه تردید دارد که این کار (آزمایش) ضروری باشد. به عنوان یک پیشنهاد بد نیست که ستاد در مورد ضرورت این کار تجدید نظر به عمل آورد... که او حدود ۸ تا ۹ ماه پیش در نیویورک آزمایش دروغ سنجی داد.

۱۵- پرونده: ۰۲۹۳۲۲۰ - ۲۰۱، ۰۹۵۹۹۸۰ - ۲۰۱ تا تاریخ ۹ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سری. سری سند شماره (۲) سری از: دهلی نو ۵۱۲۷۳ تاریخ: ۶ مهر ۱۳۵۸ - اعضاء به: فوری رئیس رونوشت فوری برای اسلام آباد، کابل، تهران، جده کراچی، داکا، کلمبو، لندن، کاتماندو، بن، آلمان، کپنهاک.

هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. ال. دلیو شل کیو. آر. کابل - جی. ای. کاریون - کیو. آر.

میستیک.

عطف به: الف. دهلی نو ۵۱۲۳۵ (فقط برای رئیس، اسلام آباد، کابل فرستاده شده) ب. رئیس ۵۰۸۰۱۹ (فقط برای دهلی نو، اسلام آباد، کابل فرستاده شده) ۱- در بعدازظهر ۶ مهر «انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغانی در هند» تظاهرات پر سر و صدایی را در برابر سفارت شوروی در دهلی نو در اعتراض به مداخله شوروی در افغانستان برپا کردند.

دانشجویان افغانی سعی کردند تا به مقامات شوروی «نامه سرگشاده ای» برای لئونید برژنف بدهند. روسها از قبول نامه امتناع ورزیدند. این تظاهرات وسیله قرارگاه دهلی از نظر مالی تأمین گردیده بود و به وسیله همین بخش از طرف منبع یک جانبه جی. ای. کاریون ۱/ کارمند انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغان در هند سازمان دهی شده بود. کیو. آر. میستیک «نامه سرگشاده» به رئیس جمهوری شوروی را نوشته بود (تلگرام مرجع). خبرنگاران هندی و خبرنگاران تلویزیونی از این تظاهرات عکس و خبر کافی تهیه کردند، این قرارگاه احتمال زیاد می دهد که در اخبار امشب و روزنامه های فردا صبح گزارشهای فراوانی در مورد این تظاهرات پخش شود. این قرارگاه از طریق آژانس ارتباطات بین المللی سعی دارد تصاویر و فیلمهای ساکنی از تظاهرات به دست آورد تا در صورت امکان در جاهای دیگر دوباره پخش شود. در صورتی که مخاطبین در کشورهای همسایه بتوانند تبلیغاتی را که پیرامون این تظاهرات در دهلی نو به عمل آمد دوباره به نمایش بگذارند بسیار خوب خواهد بود.

۲- برای رئیس، بن، آلمان، تهران، کپنهاک: یکی از سخنگویان انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغانی «به مطبوعات اطلاع داده است که تظاهرات مشابهی قرار است در ۶ مهر در آمریکا، آلمان، ایران و دانمارک انجام گیرد. لطفا در صورت انجام گرفتن این تظاهرات ما را نیز در جریان قرار دهید.



۳- در ذیل متون گزارش‌هایی که حدود یک ساعت پس از وقوع تظاهرات توسط دو بنگاه خبری تغذیه مطبوعات هندوستان انتشار یافت عیناً نقل می‌شود:

الف: «دهلی نو، ۲۸ سپتامبر (تراست مطبوعات هند): امروز حدود ۲۰۰ تن از دانشجویان در مقابل سفارت شوروی تظاهرات پر سر و صدایی به راه انداختند و طی آن از شوروی خواستند تا کمک خود را به «رژیم خلقی افغانستان» قطع نماید. «تظاهرکنندگان که مرکب از افغانها، فلسطینی‌ها، دانشجویان هندی و تعداد کمی از دختران دانشجو بودند شعارهای اسلامی، ضد روسی و ضد امین می‌دادند.» «این تظاهرات یک ساعته به وسیله انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغانی سازمان یافته بود.» «در نامه ای که به رئیس جمهور شوروی آقای لئونید برژنف نوشته شده بود دانشجویان خواستار توقف کمک شوروی به رژیم خلقی در افغانستان شدند. آنها با اصرار از رئیس جمهور شوروی می‌خواهند که از منابع انسانی و مادی شوروی برای نجات فقرا و پایمال شدگان افغانی استفاده کند.» «آنها از کشتار بیرحمانه در کشورشان اظهار نگرانی کرده از آقای برژنف خواستند که سیاست دولت خود را در مسلح کردن و حمایت کردن از رژیم خلقی مورد تجدید نظر قرار دهد.» یکی از کارمندان سفارت نامه را قبول نکرد و گفت «ما فقط نامه های رسمی را دریافت می‌کنیم، بگذار آنها نامه خود را به سفارتشان بدهند تا آن هم آن را برای ما بفرستد.»

دانشجویان گفتند که خودشان نامه را توسط پست خواهند فرستاد.

ب: دهلی نو، ۲۸ سپتامبر (اخبار متحد هندوستان): سفارت شوروی امروز از قبول نامه ای که از پرزیدنت لئونید برژنف می‌خواهد که در سیاست خود مبنی بر اتحاد با «رژیم ظالم و مستبد افغانستان» تجدید نظر نماید، امتناع ورزید.

«این نامه وسیله انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغانی در هند تقدیم شد.» «حدود ۸۰ نفر در برابر سفارت شوروی اجتماع کرده بودند تا علیه حمایت شوروی از رژیم پرزیدنت حفیظ الله امین که «به کشتار سازمان یافته مبارزین آزادی دست زده است» تظاهرات نمایند.

«تظاهرکنندگان می‌خواستند این نامه را به سفارت شوروی، بدهند ولی مورد قبول آنها واقع نشد.» «در این نامه آمده است، نگران و رنجیده خاطر از خونریزیها و خشونت‌هایی در کشورمان حکمفرماست، دانشجویان افغان مصرانه از شما می‌خواهند که سیاست دولت خود را در مسلح کردن و حمایت از رژیم خلقی افغانستان مورد تجدید نظر قرار دهید.» «این نامه همچنین خاطر نشان می‌سازد که مخاصمه و تشنج بیش از ۲۰۰۰۰۰ کشته و زخمی در آن کشور به جای گذاشته است، در زندانها حدود ۶۰۰۰ زندانی وجود دارد و تعدادی نیز در حال شکنجه شدن هستند» و اضافه می‌کند که «تعداد بیشماری از مرز گذشته به کشورهای همسایه پناهنده شده اند.» «این نشانگر حمایت دولت شوروی از رژیم کابل است که به جنایات خود علیه انسانیت تحت لوای ایدئولوژی دست می‌یازد.» «در ابتدا تظاهرکنندگان شعارهایی در محکومیت رئیس جمهورهای افغانستان و شوروی می‌دادند.» «یکی از سخنگویان انجمن به (خبرنگار) اخبار متحد هندوستان گفت که امروز دانشجویان تظاهرات مشابهی در آمریکا، آلمان غربی، ایران، و دانمارک برپا خواهند داشت.» «تظاهرکنندگان عبارت بودند از دانشجویان دهلی نو و دانشگاه جواهر لعل نهرو.»





۴- پرونده: ۳/۱۷۹ - ۱۲۴ - ۲۰۰، ۰۹۵۸۵۶۱ - ۲۰۱ تا تاریخ ۶ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری سند شماره (۳) سری از: کپنهاک ۲۸۰۷۵ تاریخ: ۸ مهر ۵۸، ۳۰ سپتامبر ۷۹ - اعضاء به: دهلی نو رونوشت برای رئیس، بن، آلمان، تهران.

هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. ال. دلیو. شل کیو. آر. کابل - کی. ای. کاریون - کیو. آر.

میسٹیک عطف به: دهلی نو ۵۱۲۷۳-۱- قرارگاه و سفارتخانه و رابط سازمان اطلاعاتی همکار (سازمان اطلاعاتی دانمارک - م)، اطلاعاتی از «انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغان» یا تظاهراتی که در کپنهاک از طرف آنها صورت گرفته باشد ندارند.

۲- پرونده: ۳/۱۷۹ - ۱۲۴ - ۲۰۰؛ ۰۹۵۸۵۶۱ - ۲۰۱ تا تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

سری سند شماره (۴) سری تاریخ: ۱۰ مهر ۵۸، ۲ اکتبر ۷۹ - اعضاء .....

.....

هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. ال. دلیو. شل کیو - آر. کابل - جی. ای. کاریون - کیو. آر. میسٹیک عطف به: دهلی نو ۵۱۲۷۳-۱- در مطبوعات محلی هیچ شواهدی از اینکه در ایران تظاهراتی روی داده به چشم نخورده است. در صورتی که به خبری برخلاف این برخوردیم شما را در جریان خواهیم گذاشت.

۲- پرونده به: ۳/۱۷۹-۱۲۴-۲۰۰؛ ۰۹۵۸۵۶۱-۲۰۱ تا تاریخ ۸ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سری سری

ص: ۶۹۵

سند شماره (۵) سری از: دهلی نو ۵۱۲۹۸ تاریخ: ۱۱ مهر ۵۸ - اعضاء به: فوری رئیس - رونوشت فوری برای اسلام آباد،.....، تهران، جده، کراچی، داکا، کلمبو، لندن، کاتماندو، بن، آلمان، کینهاکینهاک / ۳۷.

هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. ال. دیلو. شل کیو. آر. کابل - جی. ای. کاربون - کیو. آر.

میستیک.

عطف به: الف. رئیس ۵۲۴۴۴۸ ب. دهلی نو ۵۱۲۷۳ -۱ صبح ۷ مهر، چهار عدد از پنج روزنامه صبح دهلی نو، گزارشهایی از تظاهرات دانشجویان افغان (به استثنای «.....» طرفدار شوروی) در جلوی سفارت شوروی که در تلگرام مرجع ب عنوان شده در برداشتند. «استیزمن» و «ایندیان اکسپرس» تصاویری از افغانهای تظاهر کننده و دانشجویان هندی در حال... پلاکارد و پرچم.... کردند.

۲- در ذیل عینا متن مقاله طبع شده «تایمز هندوستان» نقل می شود: «دانشجویان افغان.... هیئت نمایندگی شوروی... برگزار می کنند» نوشته شده توسط یک عضو هیئت تحریریه... یک گروه از دانشجویان افغان امروز تظاهراتی در خارج از سفارتخانه شوروی واقع در چناکیاپوری برگزار کردند تا علیه حمایت شوروی از رژیم «خلقی» افغانستان اعتراض کنند و تعدادی دانشجوی هندی نیز در بین تظاهر کنندگان دیده می شد.» «دانشجویان که از تین مورتی شروع به راهپیمایی کردند، شعارهایی مانند «ما خواهان عدالتیم، «مرگ بر ک. گ. ب»، «الله اکبر» را با هم فریاد می کردند. دو دانشجو یک بیرق حمل می کردند که روی آن به فارسی نوشته بود «خدا... یکی و محمد رسول اوست و به شکل.... بود.

«هنگامی که دانشجویان سعی نمودند یادداشتی را که خطاب به پرزیدنت برژنف از طرف «انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغان و نوشته شده بود تحویل دهند یک مأمور سفارتخانه گفت که آنها باید نامه را از طریق سفارتخانه افغانستان بفرستند.» در این یادداشت اشاره شده بود که افغانستان و شوروی مدت ۶۰ سال را به طور مسالمت آمیز در همسایگی سپری کرده بودند.

و مناسبات خود را بر اساس دوستی، احترام متقابل و حسن نیت استوار نموده بودند. اما این همزیستی مسالمت آمیز ۵ مرداد ۱۳۵۷ از هم پاشید، هنگامی که یک گروه فاقد هرگونه حمایت مردمی با یک کودتای نظامی خونین بر اریکه قدرت جای داده شد تا ارزشهای آزادی و عدالت در افغانستان را سرکوب کنند. آنها از پرزیدنت برژنف درخواست کردند تا حمایت کشورش از رژیم فعلی افغانستان را مورد تجدید نظر قرار دهد.» ۳- بریده های روزنامه به ریاست آر. تی. وینر با (محموله) شماره ۱۳۶۰ tm ارسال می شود.

۴- پرونده: ۳/۱۷۹ - ۲۴ - ۲۰۰ (؟) ۰۹۵۸۶ - ۲۰۱ تا ۱۱ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری.

ص: ۶۹۶

سری سند شماره (۶) سری از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۱۲ اکتبر ۷۹ - ۲۰ مهر ۱۳۵۸ به: مرکز انبار خلاصه های اطلاعاتی.

شماره: ۶۵۰۵ موضوع: خلاصه اطلاعاتی شماره ۹۱۴ بتاريخ ۱۱ اکتبر ۷۹ - ۱ (سری) عربستان سعودی و شورشیان افغانستان: یک تجزیه و تحلیل سیا شامل نکات زیر است.

عربستان سعودی پشتیبانی محدود مالی و مادی از ناراضیان قوی در افغانستان به عمل می آورد.

پشتیبانی عربستان سعودی منعکس کننده تمایل ریاض به بی ثبات کردن رژیم مارکسیستی در کابل است که به عقیده عربستان سعودی یک تهدید ایجاد شده به توسط شوروی برای امنیت همه حکومت‌های اسلامی در منطقه به ویژه پاکستان است. ماهیت پشتیبانی محدود عربستان سعودی تا اندازه ای نتیجه سرخوردگی عربستان سعودی نسبت به عملیات مخفیانه ای است که به عنوان یک آلت دست سیاست خارجی صورت می گیرد.

۲- (سری) انگیزه عربستان سعودی: عربستان سعودی مدت مدیدی پیوندهای نسبتاً خوبی با افغانستان داشته است و سعودیها قبل از اینکه رژیم سلطنتی در سال ۱۹۷۳ در افغانستان سرنگون شود با رژیم سلطنتی روابط نزدیکی داشته اند و اکنون هم با محمدظاهر شاه (پادشاه سابق افغانستان) و شاهزاده عبدالولی در تماس هستند. خودسردار داوودخان، رئیس جمهور افغانستان اندکی قبل از اینکه سرنگون شده و کشته شود در آوریل ۱۹۷۸ به زیارت مکه رفت و سعودیها موافقت کردند که برای رژیم او مقداری پشتیبانی مالی فراهم کنند.

۳- (سری - غیرقابل رؤیت برای خارجیان)، سعودیها به دست گرفتن حکومت در افغانستان را از سوی مارکسیستها در سال گذشته جزئی از مبارزه تحت رهبری شوروی می دانند که هدف آن محاصره خلیج فارس و شبه جزیره عربستان با رژیمهای رادیکال در تدارک برای براندازی سلطان نشینهای محافظه کار نفت خیز منطقه می باشد. انقلاب اتیوپی و کودتای مارکسیستی در یمن جنوبی در ریاض به عنوان قسمتهای دیگر کوششهای شوروی برای به دست گرفتن ثروت نفتی خاورمیانه تلقی می شود. مثلاً:

«سفیر عربستان سعودی در پاکستان در ماه می ۱۹۷۸ گزارش داده که کودتای افغانستان به تحریک شورویها و برای فراهم کردن پایگاهی که از آن بتوان ایران و پاکستان را سرنگون کرد، به وقوع پیوسته است. ماهیت اسلامی شورش کنونی افغانها یک انگیزه دیگری برای سعودیها است که خود را به عنوان مدافعان ارزشها و نهادهای اسلامی در سراسر جهان قلمداد می کنند.» ۴- (سری) هر چند سعودیها حکومت جدید افغانستان در کابل را اندکی پس از برقراری آن به رسمیت شناختند، رسانه های عربستان سعودی از انتقاد کنندگان اولیه رژیم جدید افغانستان بوده اند و اغلب این رژیم را به حرفهای ضداسلامی و نقض وسیع حقوق بشر متهم کرده اند. از اوایل سال ۱۹۷۹ رهبران ناراضی افغانستان به طور منظم برای جلب پشتیبانی نسبت به آرمان خود به عربستان سعودی سفر کرده اند. یک گروه به نام جبهه آزادیبخش ملی افغانستان در اواخر سال ۱۹۷۸ دفتری در جده تاسیس کرده است. پشتیبانی جدی مالی عربستان سعودی از شورشیان ظاهراً به طور جدی مدت کمی پس از آغاز سال جدید شروع شده است.



۵- (سری) حدود کمک عربستان سعودی: ماهیت مساعدت محدود سعودی به افغانها منعکس کننده چندین عامل است. سعودیها نسبت به تعدد فرقه ها در داخل ناراضیان افغانستان خوشحال نیستند و این کمک را به عنوان اهرمی برای حصول وحدت بیشتر باید به کار ببرد. سعودیها به رهبران مختلف افغانستان گفته اند که همکاری بزرگتر در میان آنها شرط اولیه جهت کمک بیشتر عربستان سعودی است.

سعودیها همچنین ممکن است از این واقعیت سرخوردگی داشته باشند که مقدار کافی کمک آنها عملاً به شورشیان نمی رسد بلکه بیشتر به دست تبعیدیها می افتد.

۶- (سری) ماهیت دلسرده پشٹیانی سعودی نیز منعکس کننده سرخوردگی عربستان سعودی از تامین مالی مخفیانه گروههای ضدچپی است. در اوایل دهه ۱۹۷۰ سعودیها پشٹیانیهای پرشوق و ذوق گروههای چریکی اسلامی در یمن جنوبی و شاخ آفریقا بودند. هرچند سعودیها هنوز هم اندکی به آنها کمک می کنند این گروهها نتوانسته اند رژیمهای دست چپی را که با آنها ضدیت دارند از جای خود برکنند.

سعودیها همچنین از این دلشکسته شده اند که نتوانستند پشٹیانی وسیعتر غرب و به ویژه ایالات متحده آمریکا را برای این آرمانها جلب کنند.

۷- (سری) علیرغم این سرخوردگیها پشٹیانی سعودی از شورشیان افغان احتمالاً ادامه خواهد یافت:

سعودیها از موفقیتهای نظامی شورشیان خوشحال شده و بدون شک آنها را به ادامه مبارزه موفق به خاطر «الله» تشویق خواهند کرد.

۸- (محرمانه) روابط بین رهبران سیاهپوست و هیستاروت (اتحادیه های کارگری اسرائیل - م): هیستاروت اعلام داشته است که از گروهی از رهبران سیاهپوست آمریکا دعوت کرده است تا به اسرائیل بیایند و اینکه این گروه دعوت را پذیرفته است. ریاست گروه بنجامین هوکس مدیر اجرایی NAACP می باشد.

۹- (خیلی محرمانه) مصر و عراق: دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد گزارش می دهد که عراق در مراودات خود با مصر یک نوع جدایی دقیقی بین مسائل سیاسی و ملاحظات عملی را رعایت می کند. مثلاً دانشگاهها و مدارس عراق نه تنها قراردادهای سالیانه حدود ۲۰۰۰ مری و استاد مصری را تجدید کرده اند، بلکه همچنین دانشگاه موصل یک گروه ۳۰۰ نفری اضافی از استادان را برای سال جاری دانشگاهی استخدام کرده است. به کار گرفتن کارگران مصری نیز بدون کم و کاست ادامه داشته است. در عین حال مصر به طور مداوم از سوی دستگاه رهبری و مطبوعات عراق مورد حمله قرار می گیرد.

۱۰- (خیلی محرمانه) اردن و سازمان آزادیبخش فلسطین: سفارت آمریکا در عمان روز نهم اکتبر گزارش داده است که یک هیئت نمایندگی مشترک مرکب از اردن و سازمان آزادیبخش فلسطین برهبری وزیر اطلاعات اردن و یک عضو شورای مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین ظرف هفته آینده به لیبی و الجزایر سفر خواهد کرد تا درباره پرداخت پولی که بر اساس تصمیمات کنفرانس بغداد در سال ۱۹۷۸ تعهد شده بود پافشاری کند این پولها باید به مصرف پشٹیانی از کوششهای سازمان

آزادیبخش فلسطین برای افزایش «ایستادگی» ساکنان سرزمینهای اشغالی اسرائیل برسد. لیبی و الجزایر تنها کشورهای هستند که تعهدات خود را انجام نداده اند. (۱)

ص: ۶۹۸

---

۱- این سند خلاصه های اطلاعاتی وزارت امور خارجه است که در سطح سفارتخانه ها گردش دارد.

سند شماره (۷) طبقه بندی گزارش: سری - هشدار اطلاعاتی - غیر قابل انتشار برای بیگانگان کشور: افغانستان منبع: گزارش حاضر پیرامون وضعیت افغانستان است که به وقت محلی در ساعت ۳۰-۱۵ در تاریخ ۲۳ مهر ۵۸ تهیه شده است موضوع: گزارش وضعیت شماره ۷ در ساعت ۳۰/۱۵ به وقت محلی در تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۵۸-۱۵ اکتبر ۱۹۷۹-۱ منابعی که در اردوگاه کمکی آمریکا در بخش غربی کابل هستند گزارش داده اند که انفجارات خفیف و شدیدی را از بخش غربی کابل در سه ساعت گذشته شنیده اند (توضیح حوزه فعالیت: این انفجارها ظاهرا از طرف قسمتی به گوش رسیده است که قرارگاه لشکر هفتم در ریشکور حدود ۶-۸ کیلومتری جنوب کابل مستقر است).

۲- حدود ساعت ۲۵/۱۲ به وقت محلی چند ماشین آتش نشانی و آمبولانس کابل را به سمت جنوب این شهر ترک کردند (توضیح حوزه فعالیت: ارسال ماشینهای آتش نشانی و آمبولانس توسط دولت حاکی از آن است که مخالفین خساراتی بر تأسیسات و یا نیروهای دولتی وارد ساخته اند).

۳- در حال حاضر ۶ دستگاه تانک تی - ۶۲ (از سری ۸۰۰ ارتش افغانستان) در دو طرف جاده دو مایلی پایین شهر کابل تا قصر دارالامان صف آرایی کرده اند. سرنشینان تانک کلاه آهنی بر سر آماده رزم و در خارج از تانکهایشان آماده هستند. لوله همه تانکها به طرف غرب نشانه روی شده است به استثنای تانک بین سفارت روسیه و قصر دارالامان که گاهی به طرف شرق و گاهی به طرف جنوب نشانه روی می کند. نفرات پیاده تانکها در نزدیکی دارالامان ظاهرا عصبی بوده و موضع خود را دائما تغییر می دهند.

۴- در ساعت ۳۰/۱۲ یک هلیکوپتر ۲۵/۲۴ - MI در بخش شمالی بر روی اردوی کمکی به پرواز درآمد و در حال چرخش از ارتفاع ۷۰۰۰ پایی نزول کرد و در ارتفاع ۳۰۰ - ۲۰۰ پایی به طرف غرب یعنی قصر دارالامان (که در حال حاضر مرکز وزارت دفاع ملی این سند خلاصه های اطلاعاتی وزارت امور خارجه است که در سطح سفارتخانه ها گردش دارد. این سند خلاصه های اطلاعاتی وزارت امور خارجه است که در سطح سفارتخانه ها گردش دارد. می باشد) پرواز کرد و به طرف قرارگاه لشکر هفتم ریشکور رفت (توضیح حوزه فعالیت: ظاهرا این هلیکوپتر منطقه جنوبی کابل را مورد تجسس کامل قرار داده بود).

۵ - علیرغم حضور تانکها، آمد و شد نظامی و تجاری در پایین شهر کابل به طرف دارالامان حالت عادی خود را حفظ کرده است.

۶- با وجود اینکه یکی گروهان پیاده در برابر قصر آرایش داده شده است، بقیه شهر دارای وضعی عادی است. علاوه بر اینها شناسایی که در جاده شرقی به طول ۶ - ۷ کیلومتر در مسیر جلال آباد به عمل آمد نشان داد که تانک یا نظامیانی در این قسمت قرار داده نشده است.

آمد و شد تجاری نیز به حالت عادی بود.

۷- افراد و یا وسایل نقلیه روسی بسیار معدودی در کابل مشاهده گردید.

۸ - تا ۱۷ مهر ۱۳۵۸ اختلافات زیادی بین چند صد نفر سربازان پرسنل وظیفه لشکر هفتم که خدمت آنها به طور اجباری به

بیش از ۲ سال بالا برده شده بود به چشم می خورد.

ص: ۶۹۹



۹- محل کسب اطلاعات: افغانستان، کابل (۲۳ مهر ۱۳۵۸) شماره گزارش حوزه فعالیت ۴۰۹۲ - NHK.

۱۰- انتشار از حوزه: سفارت و وابسته های دفاعی در کابل، و نیز ارسال به: لندن، اسلام آباد، دهلی نو، کراچی، تهران، جده، طبقه بندی گزارش - سری - هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. غیر قابل انتشار برای اتباع بیگانه. تا تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تمام اجزای گزارش حاوی طبقه بندی و قیود کل سند می باشند.

### مذاکره پیرامون اوضاع افغانستان طی بازدید یک هیئت نمایندگی نظامی چین از پاکستان

سند شماره (۸) (تاریخ خبر: ۷ آبان ۱۹۷۹ - ۲۸ مهر ۱۳۵۸) طبقه بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیر قابل رویت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران با مشاوران پیمانکار کشور: افغانستان - پاکستان - چین.

موضوع: مذاکره پیرامون اوضاع افغانستان طی بازدید یک هیئت نمایندگی نظامی چین از پاکستان منبع: یک افسر (بین سرگرد تا سرهنگ تمام - م) پاکستانی که گزارشهای او در گذشته عموماً مورد تأیید قرار گرفته اند.

۱- در ۵ آبان ۱۳۵۸ مدیر عملیات ارتش سرتیپ میان محمد افضل در خلال صحبت با یک فرد معتمد خود گفت که طی دیدار ۱۰ روزه «هیئت نمایندگی نظامی حسن تفاهم» (از ۲۸ مهر تا ۷ آبان) که ژانگ کایقان معاون ستاد مشترک ارتش آزادیبخش خلق آن را سرپرستی می نمود، اوضاع افغانستان به تفصیل موضوع مذاکره قرار گرفت. در این مذاکرات افسران ارشد ارتش پاکستان با حضور ژنرال ضیاء الحق به اجمال شرحی پیرامون شورش جاری علیه رژیم افغانستان که شورشیان مسلمان در افغانستان برپا کرده اند، ارائه نمودند.

۲- در مرحله ای از مذاکرات معاون ستاد مشترک ژانگ کایقان اظهار داشت که اگر شورشیان مسلمان به حد کافی از حمایت خارجی برخوردار نشوند، رژیم حفیظ الله امین رئیس جمهور افغانستان قادر خواهد بود موقعیت خود را محکم کند و این موجب بیشتر شدن ناآرامی و نفوذ شوروی در رژیم خواهد شد. این بیان ژنرال ضیاء را بر آن داشت که پرسد اگر آنها (چینی ها) از اوضاع افغانستان نگران هستند، چرا از شورشیان مسلمان حمایت نمی کنند. ژانگ کایقان جواب داد که در عین احساس همدردی با راهی که این شورش بر آن بود، چینیها نمی توانند به شورشیان کمک کنند، زیرا که در صورت آشکار شدن این موضوع، انعکاسات جهانی وخیمی را ایجاد خواهد کرد و بر مذاکراتی که در حال حاضر در مسکو بین چین و شوروی جریان دارد، تأثیر خواهد گذاشت. برای حفاظت از موضع چین، ژانگ کایقان درخواستی را که قبل از آن سفیر چین در اسلام آباد تسلیم کرده بود تکرار نمود. مضمون درخواست این بود که هیچ یک از تسلیحات و مهمات چینی موجود در تدارکات ارتش پاکستان نباید برای شورشیان مسلمان افغانستان ارسال شود (توضیح حوزه فعالیت: به ۷۹ - ۳۱۵۱۵۷۸ - TDFIRD B مورخ ۱۹ شهریور ۱۳۵۸ رجوع کنید که در آن دستور ژنرال ضیا گزارش شده است که چیزی از اسلحه، مهمات یا دیگر

تأمینات چینی الاصل نباید برای شورشیان افغانستان که دولت پاکستان به طور مخفیانه آنها را تامین می کند ارسال شود.

۳- محل کسب اطلاعات: پاکستان، اسلام آباد (۸ آبان ۱۳۵۸) شماره گزارش حوزه فعالیت ۲۱۱۷ - NPR.

۴- انتشار از حوزه فعالیت: سفارت و وابسته دفاعی اسلام آباد ارسال شده به کابل، کراچی، دهلی نو، جده، لندن، فرماندهی مشترک استراتژیک هوایی - فرماندهی مشترک، فرماندهی (منطقه) اقیانوس آرام، (منحصراً برای فرماندهی مشترک، فرماندهی اقیانوس آرام فرماندهی ناوگان اقیانوس آرام - فرماندهی ناوگان هفتم و مشاور سیاسی، فقط).

طبقه بندی گزارش: سری - هشدار شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - بخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ ۹ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود... تمام اجزای گزارش طبقه بندی و قیود کل سند را دارا می باشد.

### عزیمت هیئت نمایندگی نظامی شوروی از افغانستان

سند شماره (۹) طبقه بندی گزارش: سری، هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار.

کشور: افغانستان منبع: یک افسر میان رتبه ارتش افغانستان که گزارشهای او در گذشته عموماً مورد تأیید قرار گرفته اند.

موضوع: عزیمت هیئت نمایندگی نظامی شوروی از افغانستان (تاریخ خبر: ۲۲ اکتبر ۷۹-۳۰ مهر ۵۸) - ۱ در ۳۰ مهر، هیئت ارشد نمایندگی نظامی که سرپرستی آن بر عهده ژنرال ایوان جی. پاولوسکی است و از اواخر مرداد ۱۳۵۸ در افغانستان بوده کابل را با پرواز ویژه از فرودگاه نظامی فرودگاه بین المللی کابل ترک کرد.

۲- علاوه بر ژنرالهای روسی این هیئت که قبلاً در فهرست از ایشان نام برده شد (لطفاً رجوع کنید به گزارش ۷۹ - ۴۵۳/۱۷ - ۳۱۵ - ۱۲ - TDFRD B مهر ۱۳۵۸)، سرتیپ اکیمشیف نیز عضو این هیئت بود.

در ۲۹ مهر افسران ارشد ارتش جمهوری دمکراتیک افغانستان برای هیئت یک ضیافت شام خداحافظی در کاخ چهلستون به پا کردند. میزبان این ضیافت سرهنگ یاکوب رئیس ستاد بود.

۳- حمل کسب اطلاعات: افغانستان، کابل (۱۱ آبان ۱۳۵۸) شماره گزارش حوزه فعالیت ۴۱۳۴ - ۴ - NHK - انتشار از حوزه فعالیت: سفارت و وابسته دفاعی کابل ارسال شده به لندن، اسلام آباد، دهلی نو، کراچی، تهران، جده، فرماندهیهای نظامی.

طبقه بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا پیمانکاران مشاور - بخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تمامی اجزای گزارش طبقه بندی و قیود

کل سند را دارا می باشند.

سند شماره (۱۰) طبقه بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار کشور: افغانستان / پاکستان موضوع: ۱- نگرانی ناراضیان افغانی پیرامون حمله بزرگ جمهوری دمکراتیک افغانستان در استان پکتیا. ۲- پذیرفتن دولت پاکستان به اینکه به طور محدود تدارکات مهمات شورشیان افغانی را تامین کند.

(تاریخ اطلاعات: ۲۹ مهر - ۹ آبان ۱۳۵۸، ۳۱-۲۱ اکتبر ۱۹۷۹) منبع: یک مقام پیشین میان رتبه دولت افغانستان که در دهه آخر خرداد ۱۳۵۷ به پاکستان گریخت. او روابط نزدیکی با رهبری جبهه آزادی ملی افغانستان و سایر گروههای تبعیدی در پاکستان دارد. او یک منبع جدید و امتحان نشده است. او خبرهای خود را از سران تبعیدی افغانی در پاکستان اخذ کرد.

۱- خیرهایی که به سران تبعیدی افغانی در پاکستان رسیده اند حاکی از آن است که در حدود ۲۹ مهر ۱۳۵۸ نیروهای مسلح جمهوری دمکراتیک افغانستان تحت کنترل مستشاران نظامی شوروی حمله بزرگی را در استان پکتیا شروع کردند. شورشیان قبیله ای افغان که در آغاز تهاجم نیروهای جمهوری ... به پاکستان گریخته بودند گزارش دادند که دولت افغانستان حدود ۳۰۰ تانک و زره پوش را با پشتیبانی هواپیمای میگ ۲۱ و هیلکوپترهای توپدار ۲۴-MI به نواحی قبیله نشین...، منگل و جاجی اعزام داشته بود... حرم (شرقی ۲۲-۶۹، شمالی ۴۱-۳۳) و همچنین نواحی وسیعی در اطراف علی... جاجی (شرقی ۴۳-۶۹، شمالی ۵۷-۳۳) و چمکانی (شرقی ۴۹-۶۹، شمالی ۴۸-۳۳) که در چند ماه گذشته در دست قبایل شورشی بوده باز پس گرفته بود.

۲- تعداد کثیری از شورشیان قبایل منگل و جاجی همراه خانواده های خود از مرز پاکستان به نواحی پاراچینار (شرقی ۶۰-۷۰، شمالی ۵۴-۳۳) و میرام شاه (شرقی ۰۴-۷۰، شمالی ۰۱-۳۳) گریخته اند.

شورشیانی که فراری شده اند خانواده های خود را در محل امنی در پاکستان خواهند گذاشت و به نواحی قبایل خود بازخواهند گشت تا شورش خود را علیه نیروهای دولتی ادامه دهند. سبقت الله مجددی رهبر جبهه آزادی ملی افغانستان اخیرا همراه با مقداری تدارکات درمانی، پتو و غذا برای شورشیان قبایل و خانواده هایشان عازم پاراچینار شد. پیش از آن حدود ۵۰۰ شورشی قبیله ای جهت درمان جراحاتی که در نبرد با نیروهای دولتی افغانستان در استان پکتیا برداشته بودند به پیشاور آمده بودند.

۳- قبایل شورشی که لطمه اصلی حمله جمهوری دمکراتیک افغانستان به آنها رسید، پیروان سید حامد (احمد - م) گیلانی رهبر محاذ ملی انقلابی افغانستان بودند که در حال حاضر در عربستان سعودی به دنبال حمایت عربستان سعودی از مبارزه شورشیان به سر می برد.

گیلانی که از آغاز تهاجم جمهوری دمکراتیک افغانستان در تماس تلفنی با مشاوران خود در پاکستان بوده، بیش از همه نگران اوضاع است و در نظر دارد جهت از سرگیری فرماندهی نیروهای خود در پاکستان پس از تعطیلات عید (۱۲-۱۰ آبان)

به پاکستان بازگردد. در عین حال وی از مشاوران خود

ص: ۷۰۲

خواسته بود با مقامات دولت پاکستان تماس گرفته و خواستار پشتیبانی مادی برای قبایل شورشی شوند.

۴- در... و ۶ آبان یکی از مشاوران گیلانی با تنویر احمدخان مدیرکل اداره افغانستان، ایران و ترکیه وزارت خارجه پاکستان و رضا پیراچا کفیل وزیر خارجه ملاقات کرد تا آنها را در مورد اوضاع پکتیا توجیه کرده و خواستار پشتیبانی دولت پاکستان از قبایل شورشی شود. تنویر و پیراچا گفتند خود از دامنه تهاجم جمهوری دمکراتیک افغانستان در پکتیا آگاه بودند و منابع اطلاعاتی پاکستان در کابل گزارش کرده بودند که شورویها به حفیظ الله امین رئیس جمهور افغانستان توصیه نموده بودند که نیروهای خود را تحت راهنمایی مستشاران شوروی متمرکز کند تا شورش در استان پکتیا را سرکوب کنند. دولت پاکستان تا اندازه ای بر اساس گزارشهایی که از منابع خود در قبایل شورشی که بسیاری از شورویها را در پکتیا ملبس به یونیفورمهای نظامی افغانستان دیده بودند شاهد داشت که شورویها عمیقا در تهاجم پکتیا دست دارند.

۵- پیراچا به رهبر ناراضی افغانی توصیه کرد به پیشاور برگردد و در آنجا او باید با یک سرگرد نیروی زمینی پاکستان که به ناراضیان افغانی تسلیحات برای قبایل شورشی در پکتیا می دهد، تماس بگیرد.

در ۸ آبان یک مشاور دیگر گیلانی با آن سرگرد نیروی زمینی پاکستان در پیشاور تماس گرفت و همان طور که قول داده شده بود، مقدار نامعلومی تسلیحات دریافت نمود. سرگرد پاکستانی اذعان نمود که از طرف مقامات بالاتر در اسلام آباد به وی اجازه داده شده بود که این کمک محدود را فراهم کند و مقدار بیشتری (تصریح نشد) کمک در آتیه داده خواهد شد.

۶- توضیح حوزه فعالیت: برای کسب جزئیات بیشتر درباره تهاجم عمده نیروهای مسلح افغانی در استان پکتیا تحت راهنمایی مستشاران نظامی شوروی به گزارش ۷۰-۱۸۹۶۸/۳۱۵-TDFIRD B مورخ ۷ آبان ۱۳۵۸ نیز رجوع کنید که از یک مقام امنیتی پاکستان گرفته شده است.

۷- محل کسب اطلاعات: پاکستان، اسلام آباد (۹ آبان ۱۳۵۸) شماره گزارش حوزه فعالیت ۲۱۸ NPR.-

۸- حوزه انتشار: سفارتخانه و وابسته دفاعی اسلام آباد، ارسال شد به کابل، کراچی، دهلی نو، جدّه، لندن، تهران، ریاست ستاد فرماندهی استراتژیک هوایی، ریاست ستاد فرماندهی اقیانوس آرام (منحصرا برای ریاست ستاد فرماندهی اقیانوس آرام،...، ریاست ستاد ناوگان اقیانوس آرام، فرماندهی ناوگان هفتم فقط برای مشاور سیاسی).

سند شماره (۱۱) طبقه بندی گزارش - سری - هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده.

کشور: افغانستان منبع: یک کارمند دولتی متوسط افغان که منبعی جدید و آزمایش نشده است. او پاراگرافهای یک تا چهار را از یک مقام نظامی افغان و پاراگرافهای پنج و شش را از نتیجه مشاهدات شخصی در اختیار ما گذارده است.

موضوع: افزایش حضور نظامی روسیه در کابل (تاریخ خبر: سپتامبر و اکتبر ۱۹۷۹ - مهر و آبان ۱۳۵۸) ۱- در پایگاه نظامی پل چرخی (پل چرخی - م) قسمت آموزش رانندگان تانک تعداد آموزش دهندگان روسی از ۱۸ نفر در اواخر اوت ۱۹۷۹ به تعدادی حدود ۲۰ - ۳۰ نفر در اواخر اکتبر افزایش یافته است. (اظهار نظر منبع وی دسترسی آزاد به دیگر مکانهای پل چرخی ندارد لیکن اظهار می دارد که بنا بر گفتگوهایش با دیگر مقامات افغانی وی معتقد است که تعداد مقامات روسی منصوب به دیگر مکانهای نظامی به طور فاحشی افزایش یافته است).

۲- در پایگاه پل چرخی در حال حاضر حدود ۲۰۰ تانک حاضر به کار موجود است. این تانکها از داخل پناهگاههای پادگان جایی که قبلاً به دستور مشاورین روسی انبار شده بودند بیرون آورده شده اند و چون قبلاً به مقامات روسی اطلاع داده شده بود که اگر به این پناهگاهها حمله شود تانکها به شدت آسیب خواهند دید. تعداد تانکها در این محل هنوز به مقدار زیاد افزایش نیافته است.

۳- در حال حاضر ۵۰۰ داوطلب سرباز افغانی تحت تعلیم تانک در پل چرخی هستند. از نظر سنی بین ۲۴ - ۲۰ هستند و اکثر آنها از اقوام خلیهای متعهد به شمار می آیند (اظهار نظر منبع فرعی: سطح کارآیی کنونی آنها به نظر نمی رسد که استفاده از تانکهای پل چرخی را ممکن سازد).

۴- اظهار نظر منبع: منبع فرعی با قاطعیت بیان می دارد «که روسها اختیارات را در سربازخانه های پل چرخی به دست گرفته اند و قدرت تصمیم گیری اینک در اختیار روسهاست». منبع فرعی از این واقعیت که اکنون دیگر روسها قدرت نظامی افغانستان را اداره می کنند ناراحت است. روحیه او و دیگرانی که در وضع او هستند در وضع بسیار بدی است.

۵ - تعداد بیشماری از روسهای جوان وارد افغانستان شده و در مجتمع مسکونی میکرایون جای گرفته اند. در تاریخهای ۲۸، ۲۹ و ۳۰، اکتبر بین ساعتی ۱۶ تا ۱۷ یک شمارش تقریبی از روسهای جوان که به تفریح و بازی والیبال در زمینهای ورزشی بلوک ۵ مشغول بودند انجام شد. حدود ۳۰ سرباز شمارش یافت (توضیح منبع: قبل از اوت ۱۹۷۹ تنها یک زمین والیبال وجود داشت). روسهایی که بعضیهایشان لباس افغانی به تن کرده بودند حدود ۲۱ یا ۲۲ ساله به نظر می رسیدند. همه آنها موهایشان به سبک «نظامی» بسیار کوتاه اصلاح شده بود. این تازه واردهای روسی را به سادگی می توان از مشاورین نظامی روسی تمیز داد. مشاورین نظامی روسی معمولاً مسن تر بوده، لباس شخصی به تن دارند و موهایشان بلند است و معمولاً همسر و کودکانشان نیز همراهشان است (توضیح منبع: به نظر می رسد که تعداد مشاورین

نظامی ساکن در مجتمع مسکونی افزایش یافته باشد). در ۲۹ و ۳۰ اکتبر سه دستگاه اتوبوس افغانی روسی الاصل دیده شد که کودکان روسی را به مدرسه می برد.

اتوبوسها مملو از این کودکان بودند. هر سه اتوبوس حدود ۱۰۰ کودک را به همراه داشتند. (توضیحی منبع: روسها قصد پنهان نمودن حضور فزاینده خود در این مجتمع مسکونی را ندارند. این طور به نظر می رسد که آنها می خواهند بگویند «ما در اینجا خواهیم ماند به ما عادت کنید».

۶- وقتی که شخصی وارد مجتمع میکرایون از طریق آب پس از عبور از پل روی رودخانه کابل می شود پس از گردش به چپ از دو ساختمان نظامی عبور خواهد کرد. اولی به وسیله افغانها حفاظت می شود؛ در صورتی که ساختمان دوم که یک مرکز مخابراتی است به وسیله افغانهای تحت فرمان یک جوان روسی حفاظت می گردد. این جوان روسی که موطلایی است یونیفورم افغانی بهتر دوخته شده ای را می پوشد و در حالی که کلاشینکف بر دوش دارد شبها سربازان خود را مورد بازدید قرار می دهد. او را در ساعات مختلف شب در آنجا می توان دید.

۷- محل کسب اطلاعات: کابل، افغانستان (۳۰ اکتبر ۱۹۷۹) شماره گزارش ۴۱۳۲ - NHK ۸ - انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته نظامی در کابل ارسال شده به لندن، اسلام آباد، دهلی نو، کراچی، تهران، جده، فرماندهیهای نظامی....

طبقه بندی گزارش - سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است -- غیر قابل رویت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ ۸ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود تمام اجزای گزارش طبقه بندی و قیود کل سند را دارد.

سند شماره (۱۲) طبقه بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیر قابل رویت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار.

کشور: افغانستان / شوروی (تاریخ اطلاعات: اکتبر ۱۹۷۹ - مهر و آبان ۵۸) موضوع: یک افسر... رتبه ارتش افغانستان که گزارشهایش عموماً مورد تأیید قرار گرفته اند. او این خبر را از افسران ارشد.... وزارت دفاع کسب کرد.

۱-..... اکتبر، افسران خلقی طرفدار ترکی ..... دستگیر شدند.

۲-..... اسدالله..... پیام، عضو شورای ..... رئیس مخابرات رادیویی ..... و دو جانشین او شد.

سرهنگ گل حسن زرمتمی ..... بازرس ..... گل حسن زرمتمی از نزدیکان..... محمد اسلام وطنجار بود.

هر دوی آنها ..... و پشتون هستند.

سرگرد خدایدوست اندار، رئیس ..... در وزارت دفاع. سرگرد گل بهار، رئیس پرسنلی..... معاون ریاست تشکیلات یک سروان عالیرتبه. (توضیح حوزه فعالیت: منبع نمی توانست نامش را به خاطر آورد).

(توضیح منبع: بازداشتهای دیگری نیز صورت گرفته اند) ۳- (توضیح حوزه فعالیت: گزارش NHK-۴۱۳۰ را که گزارش قدیمیتری را بازداشت طرفداران ترکی در ارتش می باشد، ملاحظه کنید).

ص: ۷۰۵



سند شماره (۱۳) طبقه بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیر قابل رویت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار.

کشور: افغانستان منبع: یک افسر افغانی میان رتبه که اخبار او عمدتاً مورد تأیید قرار گرفته است. او این اخبار را از یک افسر اطلاعاتی افغانی به دست آورده است.

موضوع: ۱- تلاش احتمالی برای ترور پرزیدنت حفیظ الله امین.

۲- کمین برای اتوبوسها در خارج از کابل. (تاریخ اطلاعات: اواخر اکتبر ۱۹۷۹ - اوایل آبان ۵۸) ۱- در اواخر اکتبر یک افسر مورد اعتماد خلقی که به عنوان محافظ در مقابل مجلس خلق که دفتر حفیظ الله امین در آن قرار دارد انجام وظیفه می کرد، در حالی که سعی داشت اسلحه کلتی را به داخل منطقه ای از کاخ که بردن اسلحه به آن جا ممنوع است و تنها محافظین شخصی امین می توانند اسلحه داشته باشند، برد دستگیر شد. تحقیقات از افسر خلقی نشانگر این مطلب است که او در تلاش برای پنهان نمودن اسلحه در منطقه ممنوعه قبل از استفاده آن جهت ترور امین بوده است (توضیح منبع فرعی: قبل از اینکه امین قدرت را از ترکی بگیرد، افسران خلقی مورد اعتمادی چون افسر دستگیر شده اجازه داشتند که در حضور امین ترکی اسلحه حمل نمایند. از تاریخی که امین به ریاست جمهوری رسید تمام افسران از حمل سلاح در محل کاخ جایی که امین زندگی و کار می کند محروم شده اند. ملاقات کنندگان افغانی که به کاخ می آیند حداقل دو مرتبه تفتیش بدنی شده و همین طور به وسیله وسائل فلزیاب بازرسی می شوند. یک وسیله فلزیاب جای اسلحه را که افسر خلقی در بدنش مخفی نموده بود شناسایی کرد).

۲- در حدود ۹ آبان، دو «ماشین» (توضیح منبع: ممکن است که اتوبوس بوده باشند)، در پشت دو منبع ذخیره بنزین در گذرگاه جاده سالانگ که اولین محله خارج کابل می باشد، متوقف گردید. «ماشینها» به وسیله شورشیانی که لباس نظامیان افغانی را پوشیده بودند و ادار به توقف گردیده بودند. وقتی که راننده یکی از «ماشینها» می خواست اسلحه خود را بردارد تیری به میان چشمانش شلیک شد. شورشیان اتوبوس را غارت نموده و به تپه های اطراف فرار کردند.

۳- محل کسب اطلاعات: افغانستان، کابل (۱۱ آبان ۵۸ - نوامبر ۷۹ شماره گزارش NHK-۴۱۳۸).

۴- انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته نظامی در کابل. ارسال شده به لندن، اسلام آباد، دهلی نو، کراچی، تهران... طبقه بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیر قابل رویت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تمام اجرای گزارش طبقه بندی و قیود کل سند را دارا می باشد.

سند شماره (۱۴) طبقه بندی گزارش: سری - هشدار اطلاعاتی - غیرقابل دسترسی برای بیگانگان - غیرقابل دسترسی برای پیمانکاران با مشاوران پیمانکار کشور: افغانستان / روسیه موضوع: پروازهای مهمات رسانی به منطقه کابل.

(تاریخ اطلاعات: اکتبر ۱۹۷۹) منبع: یک افسر میان رتبه نیروی هوایی افغانستان که گزارشات پیشین او مورد تأیید قرار گرفته است.

وی این اطلاعات را در حین انجام وظیفه به دست آورده است.

۱- در طول دو هفته آخر اکتبر ۱۹۷۹ حدود ۱۰ پرواز ۱۲ (AN) (CUB) حامل مهمات از روسیه به خواجه رواش و پایگاه هوایی بگرام کابل وارد شد. این محموله ها دو برابر محموله مهماتی است که در دو هفته اول اکتبر وارد شده بود.

۲- (اظهار نظر منبع گزارش کننده: مهماتی که از روسیه می رسد به وسیله هواپیماهای باربری به خلبانی خدمه روسی به مناطق درگیری برده می شود).

۳- محل کسب اطلاعات: افغانستان، کابل (۹ آبان ۱۳۵۸) شماره گزارش حوزه فعالیت:

NHK-۴۱۳۳، همچنین فرستاده شد به لندن، اسلام آباد، دهلی نو، کراچی، تهران، جده، فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا...

طبقه بندی گزارش - سری - اخطار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - - غیرقابل رویت برای

ص: ۷۰۷

بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تمام اجزای گزارش طبقه بندی و قیود کل سند را دارد.

سند شماره (۱۵) کشور: افغانستان / روسیه سری هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار منبع: یک افسر میان رتبه نظامی افغان که گزارشات پیشین او مورد تأیید قرار گرفته است وی این اطلاعات را از طریق یک افسر اطلاعاتی ارتش افغانستان به دست آورده است.

(تاریخ اطلاعات: آذر و آبان ۵۸ - اکتبر ۱۹۷۹).

موضوع: به کنترل درآمدن پایگاه هوایی شینداد توسط روسیه ۱- از اواسط اکتبر روسها کنترل پایگاه شینداد در استان فراه را به دست گرفته اند (اظهار نظر منبع:

شورویها درباره پایگاه هوایی شینداد همان نظارتی را اعمال کردند که بر پایگاه هوایی بگرام اعمال داشته اند) و مقامات افغانی در آنجا فقط به صورت «نمایشی» هستند و تمام تصمیمات در این پایگاه ها توسط روسها اتخاذ می گردد.

۲- محل کسب اطلاعات: افغانستان، کابل (۱۱ آبان ۱۳۵۸) شماره گزارش - ۴۱۳۶-NHK.

۳- طبقه بندی گزارش: سری - اخطار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. - تمام اجزای گزارش طبقه بندی و قیود کل سند را دارا می باشد.

سند شماره (۱۶) از: رئیس ۵۱۶۸۸۶ سری - ۲۸ شهریور ۵۸ - اعضا به: با حق تقدم به تهران، رونوشت برای کابل هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است عطف به: تهران ۵۴۲۴۲ (به کابل فرستاده نشد/ احتیاج نیست) ۱- برای کابل، تلگرام مرجع درخواست می کند که تهران به... اوضاع افغانستان افزوده شود.

درخواست می شود کابل هماهنگی کند.

۲- در ادامه اقداماتی که اتخاذ شده تا یک ارتباط اطلاعاتی با دولت بازرگان برقرار شود، ما... که کاردار لینکن اطلاعات دست چینی را که شفاها تکرار می شود، شفاها درباره افغانستان به یزدی یا بازرگان بدهد. این مطالب از طرف ستاد به قرارگاه مخابره خواهد شد تا به لینکن بدهند. اولین اطلاعات ذیلاً ارائه می شود. لینکن باید این را توضیح دهد که اطلاعات به عنوان جزئی از فعالیتی داده می شود که از جلسه توجیه اطلاعاتی ۳۰ مرداد شروع شد. او همچنین باید از بازرگان یا یزدی بخواهد دولت ایران هر گونه تأییدی نسبت به این اطلاعات داشته باشد یا بتواند به دست آورد. بدهد. به این ترتیب ما می خواهیم گفتگوی (تکرار می شود گفتگو) اطلاعاتی را تشویق کنیم. شما می توانید به لینکن اطمینان دهید که وزارت خارجه در جریان این درخواست است و موافقت دارد.

۳- «در ۲۶ مرداد، یک هیئت نظامی عالیرتبه روس تحت ریاست یک ژنرال چهار ستاره وارد کابل شد. این ژنرال توسط ۱۲

ژنرال و ۶ سرهنگ دیگر همراهی می شد. پیش بینی می شد که این هیئت به مدت ۲۵ روز در آنجا بماند تا اوضاع شورش را مطالعه کند. موقعیت مستشاری شوروی برای ارتش افغانستان در چند ماه گذشته تقویت شده است. به علاوه در اواسط شهریور ما خبرهای تأیید نشده ای به دست آوردیم مبنی بر اینکه سربازان شوروی به صورت لشکر وارد کابل شده بودند تا احتمالاً از شهروندان و تأسیسات شوروی حفاظت کنند. به هر حال ما خبرهای فایل اطمینانی داریم که تقریباً ۴۰۰ سرباز شوروی در... بگرام نزدیک کابل مستقر شده اند.

۴- مخاطبین به تلگرام شماره ۲۴۱۷۴۷ وزارت خارجه مورخه ۲۳ شهریور توجه خواهند کرد که مربوط به برقراری گفتگو راجع به افغانستان با دولت ایران می باشد. ممکن است که این پیام به دنبال تأیید ما از پیشنهاد مطروحه در پاراگراف... به وزارت خارجه با تحریک ما ارسال شده باشد، اما به هر صورت جهت و..... آن به قصد تکمیل قضیه بوده است. مثلاً..... اوضاع افغانستان به طور کلی با یزدی با بازرگان، لینگن باید خبر پاراگراف سه را رد کند و خواستار تأیید ایرانیها شود.

۵- بدون پرونده، تا تاریخ ۲۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری. سری.

**کتاب سی و یکم**

**کردستان (۱)**

ص: ۷۰۸





«غائله کردستان به دست مشتی از خدا بی خبر مزدور که از اسلحه اجنبی برخوردار و از پشت مرزها الهام می گرفت به قیام دلاورانه قوای انتظامی و پاسداران انقلاب در هم پیچیده و سرکردگان مفسد و وابسته به اجانب در گریزگاهها پنهان و جوانان فریب خورده ما را به جای گذاشتند.» (امام خمینی) پس از آنکه ملت مسلمان ایران توفیق پیروزی برایش حاصل شد، باب رحمت برای همه باز گردید، همه واقعا آزاد شدند قلمها، گروهها، فعالیتها، مرزها، ... ولی عده ای خیانتکار و فاسد که هنوز بنده نفس پرستی خویش بودند به اخلاصگری و فتنه سازی برخاستند. از این مهلت آزادی از بند رژیمهای مستکبر، سوءاستفاده کردند و در کردستان و سایر نقاط کشور علیه انقلاب توطئه کردند و فاجعه ها به وجود آوردند.

اینها مثل یهود بنی قریظه بودند که در زمان رسول اکرم (ص) با آنکه نبی رحمت بود، فرمود تمام آنها را گردن زدند. عده ای که به مقابله علیه جمهوری اسلامی پرداختند، نشان دادند که از مشاهده نور رحمت عاجز و مستوجب غضب الهی می باشند و دیدند آنچه ملت غیور ایران به اذن خدا و به امر خدا با آنها کرد.

این مجموعه از اسناد جاسوسخانه آمریکا پیوندهایی را که مفسدین کردستان با امپریالیسم جهانی و در رأس آن آمریکای جنایتکار و صهیونیسم و ایادی آنها داشته اند، نشان می دهد. این مجموعه مشتمل بر دو کتاب است. کتاب اول حاوی یک جزوه پژوهشی از سازمان سیا تحت عنوان «نظری کلی بر مسئله کردها» است. مابقی کتاب اول اسناد بخش سیاسی جاسوسخانه در رابطه با اوضاع کردستان می باشد و اسناد قبل و بعد از انقلاب را در بر می گیرد. کتاب دوم تماما اسناد عملیاتی سازمان سیا می باشد و قسمت اعظم آن از اسناد رشته رشته شده به دست آمده است. در این کتاب گوشه ای از جزئیات و شیوه های جمع آوری اطلاعات سازمان سیا نشان داده شده است. این گونه اسناد و گزارشهای عملیاتی در فواصل معین مورد بازبینی تحلیلگران سازمان سیا قرار می گرفته و منتهی به تهیه جزوات پژوهشی از آن نوع که در کتاب اول موجود است، می شده است.

امروزه دیگر آشکار شده است که مطالعات و پژوهشهای دقیق ابرقدرتها درباره روحيات و سوابق اقوام و مذاهب و نژادها و منابع مادی و معنوی کشورها همگی در جهت تحقق نیات شیطانی ایشان که شناخت راههای نفوذ در آنها برای تأمین منافع و مطامع پایان ناپذیر خود می باشد، بوده است. کارشناسان و اهل فن ایشان می آمدند و در کنار نقشه برداری از معادن و ذخایر ممالک در روحيات مردم و دستجات مختلف کاوش می کردند، تا بدانند برای حفظ منافع با هر جماعتی چگونه باید برخورد کرد. برای دسترسی به نفت یا دسترسی به آبهای گرم فلان منطقه آیا باید ندای دفاع از حقوق این قوم و آن فرقه

مذهبی سر داد یا بهتر است از دولت مرکزی حمایت کرد و موجبات سرکوب آن قوم و فرقه را فراهم کرد.

عملکرد انگلستان، استعمارگر پیر، در رابطه با کردهای عراق مبین این نوع رفتار و طرز نگرش سودجویانه است که تحلیلگران سیا نقل کرده اند: «اگر چه سیاست خارجی بریتانیا مخالف تمایلات تجزیه طلبانه کردها نبود و لیکن کشف نفت در جنوب ایران و امکان پیدایش نفت در شمال عراق عملاً بر علیه حمایت بریتانیا از کردستان مستقل عمل کرد. کشف نفت در سال ۱۹۲۷ در منطقه کرکوک که امتیاز آن به آمریکاییها و اروپاییها داده شد، عملاً تمایلات غربیها را برای حمایت از جنبش استقلال طلب کرد، متوقف کرد.» در عراق حمایت شوروی از قضیه کردها در طی سالها در رابطه معکوس با موفقیت آن در جلب نظر حکومت مرکزی در بغداد فراز و نشیب داشته است.» روسیه همواره در صدد استفاده از کردها و طرح مسئله خودمختاری در جهت منافع خود بوده و در این میان شاید انگیزه های ایدئولوژیک هم هیچ گاه مطرح نبوده است. جمهوری دمکراتیک مهاباد در زمان حضور نظامی روسیه در خاک ایران استقرار یافت و با خروج قوای آن کشور، این جمهوری نیز سقوط کرد. غرض کلی از حمایتهای ظاهری این بوده که در صورت ضعف رژیمهایی که با کردها در خاک خود سر و کار دارند، روسها نیز از داشتن یک پایگاه در منطقه محروم نباشد. میزان حمایت روسها رابطه معکوس داشته با روابطشان با دولتهای مرتبط به مسئله کردها. چنانکه در مورد ایران (نقل از سند). «پیش از سقوط شاه، شواهد اندکی از ارتباط شوروی با جنبش چند سال اخیر کردها در داخل ایران به چشم می خورد.» پس از سقوط شاه: «شورویها از طریق رادیوی مخفی خود در باکو به نام صدای ملی ایران، حمایت خود از خواستههای کردها برای خودمختاری در چهارچوب کشور ایران را اعلام داشته اند ... شورویها بین خواستههای «حقه» گروههای اقلیت برای خودمختاری محلی و آنچه که آنها تمایلات تجزیه طلبانه مورد حمایت امپریالیسم می نامند تمایز آشکار قائل می شوند. «این تمایز در حالی بوده که هیچ یک از طرفداران صریح امپریالیسم آمریکا نیز ادعای تجزیه طلبی نداشته اند و با مساعدت حزب دمکرات و گروهکهای چپ نما و حمایت رژیم بعث عراق فقط برای سرنگونی جمهوری اسلامی می جنگیدند.

شیطان بزرگ برای برخورداری کامل از خوان یغمایی که نوکرش محمدرضا در ایران فراهم کرده بود، سیاست سرکوب کردهایی که خواهان رهایی از سلطه اهریمنی شاه بودند را به وی تجویز می کرد. جزوه سیا می نویسد: «از اواخر ۱۹۴۰ تا اوایل ۱۹۷۸ رژیم شاه قادر به آرام نگهداشتن نسبی کردها بود. این منظور از طرق زیر عملی گردید: حضور نظامی گسترده در منطقه کردنشین، مسلح کردن کردهای وفادار به حکومت، تبعید رهبران ایلی مظنون به فعالیتهای ضد حکومتی و توسعه امکانات اقتصادی و آموزشی در منطقه.» طرح اصلاحات ارضی که از طرف مستشاران آمریکایی دیکته شده بود، علاوه بر نابودی کشاورزی و وابسته کردن مملکت ناظر به این جهت نیز بود: «اصلاحات ارضی که در جهت تضعیف اقتدار رهبران قبایل قرار دارد بیش از هر ناحیه ایران در شمال غرب آن تأثیر و سرعت اجرا داشته است. هر چند که بعضی از رهبران قبایل که تصور می شده به دولت وفادارند اجازه یافته اند که املاک وسیعی را حفظ نمایند.» همچنین رژیم آمریکایی شاه برای آنکه با فراغ بال به سیاستهای توسعه طلبانه خود در خلیج فارس پردازد و سیاستهای رژیم صهیونیستی برای تضعیف جبهه اعراب را که در آن زمان به ظاهر رویاروی صهیونیستها بودند را پیش ببرد، از خواست به اصطلاح خودمختاری کردهای عراق حمایت



می‌کند. با این وصف، پس از مدتی رژیم شاه و در واقع آمریکا با رژیم عراق به مصالحه می‌رسد و آنگاه این دو مشترکا به سرکوب به اصطلاح خودمختاری می‌پردازند. آنچه به صراحت می‌توان گفت این است که کردها وجه المصلحه مقاصد و نیات ابرقدرتها و رژیمهای حاکم مربوطه شان برای دستیابی به منافع و مقاصدشان بودند.

پس از انقلاب اسلامی رژیم عراق همین سیاست را به کار می‌گیرد و با پشتیبانی از مدعیان خودمختاری در کردستان ایران سعی می‌کند از جمهوری اسلامی امتیاز بگیرد، لذا خانها و فئودالهایی را که شاه تقویت کرده بود و سایر بازماندگان رژیم منحوس شاهنشاهی را تحریک کرده تا زیر لوای خودمختاری برای سرنگونی جمهوری اسلامی فعالیت کنند.

علیرغم درخواستهای مکرر این مفسدین از شیطان بزرگ برای اعلام حمایت از آنان، آمریکا پاسخ به این درخواستها را موکول به دریافت اطلاعات دقیقتر از کردستان می‌کرده است. به این منظور سازمان سیا فعالیت گسترده ای را با استفاده از جاسوسان خود پی می‌گیرد. در طی مدت چند ماه درگیریهایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کردستان تا زمان اشغال جاسوسخانه آمریکا، سیا حداقل چهار جاسوس خود را روانه کردستان کرده که دو تن از این جاسوسها خبرنگار بوده اند. از این دو خبرنگار یکی برای ارگان حزب کمونیست فرانسه قلمزنی می‌کرده و دیگری عامل دسترسی به محافل چپ بوده است.

جنگالی که پیرامون به اصطلاح مسئله اعدامهای سریع و انقلابی در کردستان در مطبوعات و شبکه های خبرگزاری غربی و شرقی ایجاد شده بدون شک نتیجه فعالیتهای این نوع خبرنگاران نوکر امپریالیسم بوده است.

سازمانهای در خدمت امپریالیسم چون سازمان ملل نیز طبق معمول به یاوه گویی پرداختند و در جرگه طرفداران خودمختار و اقلیتها در آمدند. کمیسیون فرعی سازمان ملل تلگرامی به این مضمون به ایران می‌فرستد: «کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیضات و دفاع از حقوق اقلیتهای سازمان ملل در تلاشش جهت حفاظت از حقوق انسانی تمام افراد اعلام می‌دارد، که با دریافت گزارشهای اعدامهای سریع کردهای بیشماری در ایران عمیقاً احساس تکان و تأثر نمود و قطع فوری این اعمال غیر انسانی را درخواست می‌کند.» یقیناً پس از مطالعه اسناد و شناختن ماهیت معدومین بهتر می‌توان فهمید که این کمیسیون بابت چه چیزی «احساس تکان و تأثر» و تزلزل در موجودیت خود نموده است. مثل همیشه شرق و غرب دست در دست هم نهاده و یکدیگر را از مواضع ظاهراً متفاوت تقویت می‌کنند. نمونه ای از تبلیغات رادیوی روسی صدای ملی ایران در یکی از اسناد منعکس است (این متن را سازمان خبری رادیوهای بیگانه ضبط کرده که یکی از شعبات سازمان سیا می‌باشد - نقل از سند): «زیر شعار دروغین دفاع از اسلام، عوامل امپریالیسم و صهیونیسم سعی دارند به نیروهای حقیقی انقلاب و تقاضاهای مشروع و منصفانه مردم کرد برای به دست آوردن خودمختاری اداری و فرهنگی در محدوده تمامیت ارضی و وحدت ملی ایران ضربه وارد آورند. مرگ زنان، بچه ها و پیران بی دفاع در کردستان پیش در آمدی هم برای نابودی آزادی در کشور می‌باشد.» منظور روسها از «نیروهای حقیقی انقلاب» و «تقاضاهای مشروع و منصفانه» را از متن اسناد به خوبی می‌توان دریافت که این نیروها چه کسانی بوده اند و تقاضاها و پیامهای خود را به چه رژیمهایی تقدیم می‌داشته اند.

بنا بر اسنادی که به دست آمده، سازمان سیا طرحهایی داشته مبنی بر اینکه اخبار حاکی از حمایتهای

شوروی از کردها و سایر اقلیتهای ایران را در جلسات سری تبادل اطلاعاتی که با بعضی از سران دولت موقت داشته، مطرح نموده و بزرگنمایی کند. این اقدام سازمان سیا برای متوهم ساختن مقامات مذکور نسبت به عوامل آمریکایی فعال در کردستان و ماهیت دخالتهای رژیم عراق بوده تا آنان درنیابند که این دخالتهای عراق ناشی از سیر وابستگی از شرق به غرب این رژیم در سالهای اخیر بوده است و در پی آن، این افراد دلباخته به غرب از ترس مترسکی که آمریکا علم کرده بود هر چه بیشتر از گذشته به طرف او سوق پیدا کنند و منافع پیشین او در ایران را اعاده نمایند.

در یکی از این جلسات معاون نخست وزیر وقت (امیر انتظام) از مأمور سیا با صراحت راه حل مسئله کردستان را طلب می کند، طرح مسئله آنقدر بی شرمانه است که حتی مأمور سیا آن را نمی تواند باور کند (سند مربوطه در کتاب افشاگری شماره ۱۰ بخش اسناد سیا، سند شماره ۱۰ انتشار یافته است). از آنجایی که اصل سیاست آمریکا بر ثبات منطقه و جلوگیری از گسترش اجتناب ناپذیر انقلاب اسلامی مبتنی بوده، راه حل پیشنهادی سیا، تشکیل کنفرانس با عراق و ترکیه بوده تا با رد و بدل نمودن امتیازات و عقد توافقات بین دولتهای درگیر با مسئله، نگرانی آمریکا از بابت مواردی مثل موارد زیر رفع شود:

- تهدید بالقوه نسبت به ذخایر نفتی ایران از جانب سرایت فکر خودمختاری به خوزستان.

- تقویت فکر خودمختاری در بین کردهای کشورهای هم جهت یا دوست با آمریکا مثل عراق و ترکیه.

- تقویت موقعیت روسیه در ایران. در سال ۵۸ و قبل از آن آمریکا این دیدگاه را داشته که ایران به مثابه سدی در برابر خواست دیرینه روسیه برای راهیابی به منطقه خلیج فارس می باشد و با این حساب تجزیه ایران یک قدم روسیه را به مقصود نزدیک می کند.

اینها بخشی از عواقبی بوده که آمریکا در صورت پیروزی جنبش خودمختاری پیش بینی می کرده است. اما چنین پیروزی را متحمل نمی دانسته و در اولین صفحات جزوه سیا به علل عدم موفقیت این جنبش در گذشته و آینده بر می خوریم که همانا علت عمده ای است که مأمورین سیا تقاضاهای مکرر عوامل خود را که خواهان خودمختاری بودند، معلق می گذاردند و وعده حمایت مستقیم نمی دادند چرا که صرفاً حرکتی آشوبگرانه در کردستان را کافی نمی دانستند. آمریکا با مشاهده کمکهای خارجی که عمدتاً از طرف عراق تأمین می شد غائله کردستان را در دراز مدت در جهت مقاصد شوم خود می دید.

وابسته دفاعی آمریکا در ایران پیشنهادهایی در این رابطه می دهد: «کردها ممکن است از قدرت کافی برای تضمین خودمختاری بیشتر برای خود در غرب ایران برخوردار باشند، اما در حال حاضر فکر می کنیم که آنها قادر به بسط قدرت و نفوذ خود در جهت براندازی دولت نیستند. اگر کردها، آذربایجانیها، اعراب و سایر گروههای قومی تلاشهای خود را هماهنگ و از یکدیگر حمایت کنند به عقیده ما آنها امکان موفقیت دارند. اگر پالیزبان در دو ماه آینده بتواند ارتش را در کردستان خنثی کند (این یک امکان است) و توده به خاطر اضمحلال بیشتر اقتصاد، خمینی را رها کند، آن گاه پالیزبان (نه لزوماً کردها) ممکن است به عنوان یک رهبر جدید مورد قبول واقع شود. وابسته دفاعی همچنان معتقد است که مسئله کردها به خودی خود نمی تواند تخته پرشی برای سرنگونی رژیم فعلی خمینی باشد.» چنان که ملاحظه خواهد شد، یکی از ایادی رژیم بعث که جاسوس سیا نیز بود (سردار جاف) قصد داشته عیناً همین نقشه حمله همزمان در چند استان را به اجرا در آورد.

با در نظر گرفتن اینکه غائله کردستان علی‌رغم اینکه نمی‌تواند به خواسته‌های خود برسد، ولی با وجود استمرار کمک‌های خارجی یکباره

ص: ۷۱۴

نیز از بین نخواهد رفت، سودی که آمریکا برای خود در این جریان‌ها منظور می‌داشته:

الف: جمهوری اسلامی در صدد مقابله با این جریان برمی‌آید و مدت مدیدی امکانات توانایی‌های انقلاب صرف این امر می‌شود و از به کار رفتن آن در زمینه‌های سازنده جلوگیری می‌شود و این خود یک امتیاز به نفع ضد انقلاب است.

ب: جمهوری اسلامی ناچار از مذاکره با رژیم بعث شده و در ازای قطع تحریکات عراق، نگرانی آمریکا - از بابت گسترش انقلاب اسلامی در منطقه یا آنچه صدام تحریک شیعیان عراق می‌خواند، رفع می‌شود.

ج: در صورت درگیر شدن ارتش در مقابله با جریان بافت و سیستم وابسته به آمریکای ارتش به خاطر در اولویت قرار گرفتن درگیری دست نخورده باقی می‌ماند و همچنین احتیاج به لوازم یدکی این وابستگی را تشدید می‌کند و در نتیجه کانال نفوذی آمریکا باز می‌ماند.

از طرف دیگر مقصدی که تمام جریان‌های فعال در کردستان بر آن اتفاق نظر داشتند، مخالفت با رهبری روحانیت و خط مشی آن در قبال غائله کردستان بود. امام و به دنبال ایشان علمای دین از همان ابتدا ماهیت آن جریان‌ها و دست اندرکاران آن را شناخته بودند و دولت موقت را که با ساده‌انگاری و مسامحه عمل می‌کرد و مایل به مذاکره و بازیهای سیاسی در قبال جنایتکاران بود (ناگفته نماند که آرام کردن غائله کردستان از طریق دولت موقت با روش سازش و مذاکره تحت رهنمودهای آمریکا موجب تقویت و استحکام دولت موقت از نظر سیاسی می‌شد و تقویت دولت موقت و استحکام آن یکی از برنامه‌ها و ایده‌های آمریکای جنایتکار بود.) تحت فشار قرار می‌دادند تا رفتار قاطعانه‌تری از خود نشان دهد. پس از انقلاب برای حاکمیت یافتن لیبرال‌ها و خروج سر رشته از دست امام و پیروان ایشان، مأموران سیا در ایران فعالیتهای گسترده و همزمانی را شروع می‌کنند تا یک ائتلاف از لیبرال‌های سیاسی غیر مذهبی، به اصطلاح روحانیون میانه رو و سران وابسته ارتش در صورتی که ارتش به عنوان یک عامل کار آمد مطرح شود، ایجاد کنند.

تماس با گروهکهای سیاسی مختلف ادامه می‌یابد تا در موقع لزوم از این راه حل میانه حمایت کنند.

اسنادی که تاکنون در رابطه با افرادی مثل بنی صدر، امیرانتظام، شریعتمداری،... افشا شده‌اند، همگی جوانبی از این طرح بوده‌اند. آمریکا می‌دانست که راه حل‌های نظامی مثل شورش در کردستان نه تنها کافی نیستند، بلکه حمایت از آنها موجب می‌شود فاسدهایی که در درون و بیرون دولت موقت نزد آمریکا جلوه‌گری می‌کردند و امیدهای آمریکا در طرح خود بودند مجبور به فاصله گرفتن شوند. بنابراین تا زمانی که ناآرامیهای کردستان «در جهت نیمه اول شعار دموکراسی در ایران، خودمختاری در کردستان» بود و منجر به خودمختاری در کردستان نمی‌شد (و آمریکا می‌دانست که خودمختاری در کردستان، بدلالی که آورده، نمی‌تواند متحقق شود و اصلاً خودمختاری همواره یک بهانه بوده است.) این غائله به طرح آمریکایی روی کار آمدن دولت میانه رو و استقرار نهادهای دمکراتیک کمک می‌کند و قابل استفاده است. آشکار است که در صورت موفقیت این طرح شوم، ناآرامیها نیز فرو می‌نشست و جریان‌های فعال در کردستان می‌توانستند با دولت مورد نظر آمریکا به مذاکره نشستند و به خواسته‌های خود برسند، در آن صورت اگر باز کسانی به ادعاهای گزاف دایر بر خودمختاری اصرار می‌ورزیدند با سرکوب مواجه می‌شدند و در ضمن ضرورت ابقای بافت تصفیه نشده ارتش را توجیه می‌نمودند. در

این مرحله نیز با

ص: ۷۱۵

هدایت‌های مقام ولایت فقیه امام خمینی و بیداری امت بود که این طرح آمریکایی نقش بر آب شد.

عراق جلوه ماهیت آمریکایی رژیم بعث عراق پس از قرارداد مارس ۱۹۷۵ الجزیره با رژیم شاه شتاب بیشتری می‌گیرد و روابط عراق با حکومت‌های غرب و حکومت‌های دست‌نشانده آمریکا روز به روز تحکیم می‌یابد، معهذاً قراردادهای تسلیحاتی و بازرگانی سودآور با روسیه همچنان برقرار می‌ماند، چنانکه در دوران حکومت محمدرضای خائن شاهد امضای قراردادهای مشابه با بلوک شرق بوده‌ایم. در جزوه تحلیلی سیا آمده: «از زمان قرارداد الجزیره در مارس ۱۹۷۵، که عملاً به جنگ کردها در عراق خاتمه داد، روابط شوروی و عراق به تدریج بدتر شده‌اند، هر چند که ارتباط تسلیحاتی که برای هر دو طرف سودمند است برقرار مانده است، شوریوها از بهبود روابط عراق با ایران و عربستان سعودی و همچنین روی آوردن عراق به غرب برای تسلیحات و تکنولوژی غیر نظامی ناراحت بوده‌اند. به علاوه آنها با بی‌توجهی نسبت به حزب کمونیست عراق و سرکوب آن توسط بعثیها شکست خورده‌اند.» به خاطر داشته باشیم که این تحلیلها، تعیین‌کننده موضعگیری آمریکا در صحنه جهانی و منطقه هستند. پر واضح است که آمریکا حداقل در منطقه خاورمیانه و خصوصاً پس از سقوط شاه ژاندارم سرسپرده خود در منطقه، رژیمی را که روز بروز بیشتر به طرف کشورهای غربی کشیده می‌شود و در جهت منافع آنها سیر می‌کند، به حال خود رها نکرده و با تمام قوای سیاسی، تبلیغاتی، اقتصادی و نظامی در حمایت و تقویت آن سرمایه‌گذاری می‌نماید.

دولت‌های مختلف عراق از مدتها قبل با کردهای آن کشور درگیری داشته‌اند و به دنبال قطع کمک‌های خارجی به آنان و مصالحه رژیم بعثی با شاه، در سالهای اخیر دولت عراق توانسته بر اوضاع منطقه کردنشین خود به طور نسبی مسلط شود. پس از انقلاب اسلامی به انتقام ضربه‌ای که شیطان بزرگ از سقوط نوکر خود در ایران متحمل شده بود، رژیم بعث عراق اقدامات گسترده‌ای را در جهت تقویت و حمایت از شورش خودمختاری در کردستان به عمل می‌آورد. به علاوه رژیم بعثی تصور می‌کرد که بدین وسیله می‌تواند از تشنجات داخلی ناشی از سالها حکومت جابرانه و اعدامها و بازداشت‌های وسیع مخالفین خود بکاهد، و توجه کردهای عراق را به سمت ایران منحرف کند و تا حدی حضور نظامی در مناطق کردنشین را تقلیل دهد. دولت عراق این قوای مستقر در مناطق کردنشین را برای طرح‌های جاه طلبانه صدام و طمعی که به منطقه خوزستان داشت و همچنین برای آرایش نیرو در مرز سوریه بسیار مورد لزوم می‌دید. جدای از اینها غرض اصلی این بود که با مشغول کردن جمهوری اسلامی به دفع این شورش از صدور انقلاب اسلامی به عراق جلوگیری کند. به این منظور دولت بعثی با اقدامات مختلفی همچون سرمایه‌گذاریهای کلان اقتصادی در مناطق کردنشین، اسکان مجدد کردهای تبعیدی از جنوب به شمال، ... سعی می‌کرد آنها را به سوی خود جلب نماید، تا در درگیری‌هایی که می‌خواست با جمهوری اسلامی داشته باشد از قوای شبه نظامی بخشی از کردها نیز برخوردار گردد.

به هر حال این سیاست‌های مسالمت‌جویانه فقط شامل کردهایی می‌شد که حاضر بودند به نیت دولت مرکزی تن دهند و بقیه همچنان در تبعید در جنوب عراق یا ایران نگاه داشته می‌شدند، یا با بمبارانهای هوایی مورد هجوم واقع می‌شدند. سیا در این مورد می‌نویسد: «در مارس ۱۹۷۹ (اسفند ۱۳۵۷) تعداد

نامشخصی کرد که در ۱۹۷۵ به ایران گریخته بودند مجاز به بازگشت شدند... ظاهراً خانواده های جنگجویان پیشمرگه مفقودالامر یا مظنون به اخلاص، در تبعید اجباری در جنوب عراق و یا در ایران باقی ماندند.» به دنبال سقوط شاه و رفع تضيقاتی که برای کردهای مخالف رژیم عراق وجود داشت، دولت عراق نگران موقعیت خود و احیای فعالیتهای کردهای مخالف رژیم می شود و در نتیجه برای از بین بردن راههای تدارکاتی آنان روستاهای ایران را بمباران می کند. در جزوه سیا چنین آمده: «عراق به دنبال گزارشهایی در مورد ناآرامیهای کردها در ایران و ترکیه در بهار ۱۹۷۹، به طور فزاینده ای در مورد احتمال فعالیتهای مخالفین نگران شد. ایران و عراق طی نوامبر ۱۹۷۸، عملیات مشترک نظامی را که به منظور ایجاد آرامش در طول مرزها صورت می گرفت، رهبری می کردند. نگرانی بغداد در مورد فراهم بودن گسترده نیروها در منطقه، فقدان کنترل مرزی از جانب ایران و «پیگیری فعال» احیای کردها منجر به این شد که عراق با عبور از مرز هوایی ایران در ژوئن روستاهای ایران را بمباران کند.» تاریخ این بمباران ژوئن ۱۹۷۹ برابر خرداد ۱۳۵۸ یعنی فقط پنج ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که رژیم بعث عراق تجاوزات نظامی خود را به ایران شروع می کند.

همین رژیم خونخوار که روستاهای بی دفاع کردها را بمباران می کند از طرف دیگر طرفدار حقوق کردها در ایران می شود و خودمختاری کردستان ایران را شعار خود قرار می دهد، همان گونه که سایر جنایتکاران چون ژنرالهای خونخوار رژیم شاه، حزب فاسد دمکرات و گروهکهای آمریکایی چنین کرده و می کنند.

در اسناد موجود اشاره به دخالتهای رژیم بعث در غائله کردستان به کرات به روشنی مشاهده می شود.

دولت بعثی صهیونیستی از اوائل پیروزی انقلاب اسلامی امکانات وسیع نظامی، مالی، تبلیغاتی در اختیار ضد انقلابیون منطقه می گذارد. اهم جریانهایی که در کردستان تحت لوای خودمختاری فعالیت می کردند را می توان به سه دسته سلطنت طلبها (شامل خانها، ساواکیها و ارتشیهای رژیم شاه، دارودسته بختیار)، حزب دمکرات و گروهکهای چپ نما تقسیم کرد. در کنار اینها می توان از دسته های اکراد خود فروخته عراقی مثل طالبانها و قبایل متفرقه نام برد.

در یکی از اسناد تبادل اطلاعاتی موساد و سیا، موساد اطلاع می دهد که: «هر هفته دولت عراق از طریق قبایل کرد سورژیل (سورچی) که حکم «سواره نظام» دولت عراق را دارند کمکهای نظامی و غیره برای کردهای ایران ارسال می کند.....فعالیت افراد جلال طالبانی در نواحی شمالی اکنون کاملاً متوقف شده، چون تمام مردان مسلح همراه کردهای ایران مشغول فعالیت علیه رژیم خمینی می باشند.» یکی از جاسوسان سیا در گزارشی که درباره گروههای فعال در کردستان تهیه کرده ضمن نام بردن چند گروه اصلی از چند گروه متفرقه عراقی به این ترتیب نام می برد: «گروههای کوچک متعدد کردی وجود دارند که مسلحانه مقاومت می کنند و از میان آنها دو گروه برجسته هستند - یکی گروهی تحت رهبری رسول مولمان از جنبش سوسیالیست خلق کرد عراق و دیگری گروه محمود عثمان که آن نیز از عراق است.» یکی از اسناد با طبقه بندی به کلی سری (TOP SECRET) حاوی متن پیام وابسته دفاعی عراق در لندن به وزارت دفاع رژیم بعث در بغداد می باشد. (۱) در این پیام گزارش شده که به دنبال مذاکرات وابسته

۱- همینجا ناگفته نماند که این پیام بین سفارت عراق در لندن و بغداد رد و بدل شده و حاصل استراق سمع می باشد. آمریکا با عوامل بی شماری که در ارگانهای رژیم بعث دارد توانسته به دفترچه رمز مخابرات دست یابد و این سند تنها یکی از هزاران پیامی است که از این طریق به دست آورده و اکنون نیز با روشهای آشکارتری به دست می آورد. این نمونه هر چند که در مقایسه با انواع مداخلات آمریکا در امور سایر کشورها جزئی می نماید اما مدرک انکارناپذیر از این حقیقت است □ که آمریکا بیش از همه به پوچی آنچه عرف سیاسی و دیپلماتیک جهانی نام گرفته اعتقاد دارد و قوانین و محافل دیپلماتیک بین الدول را به پیشیزی نمی انگارد و دفاع از اینها فقط برای تخدیر افکار جهانیان و انحراف اذهان از توجه به غارتگریها و تبهکاریهای او می باشد. البته شیطان بزرگ در این امر تنها نیست و تمامی غرب را باخود دارد. چنانکه یکی از اسناد نشان می دهد وابسته دفاعی یک کشور غربی مخفیانه برای جمع آوری اطلاعات به منطقه کردستان می رود و این در حالی بوده که به موجب مقررات □ خروج این گونه افراد از محدوده شهر ممنوع بوده است. فعالیتهای جعل اسناد سازمان سیا نیز تا کنون بحد کافی افشا شده و در این مجموعه نمونه دیگری از آن ملاحظه خواهد شد. خوشبختانه ملتها هر روز بیش از پیش پوچی و موهوم بودن این به اصطلاح قوانین را در می یابند. اشغال جاسوسخانه آمریکا در ایران که تحت عنوان دروغین سفارتخانه فعالیت داشت □ گواه بارزی از این واقعیت است.



دفاعی عراق در لندن و فردی به نام برزان (احتمالاً برزان حسین برادر صدام) با بختیار و مذاکره بختیار با سردار جاف مقرر گردیده که بختیار در معیت سی افسر فراری ارتش شاه عازم عراق گردد.

بختیار جاسوس کهنه کار سیا (طبق یکی از اسناد به دست آمده وی از اوائل سالهای ۱۳۴۰ برای سازمان سیا جاسوسی می کرده است) مدتی پیش از ملاقات با برزان در لندن، فعالیت خود را در جهت مبارزه با جمهوری اسلامی به نام دفاع از خودمختاری شروع می کند. علاوه بر تماس با رژیم عراق او با شاه معدوم نیز ارتباط داشته است. در یکی از اسناد چنین آمده: «نخست وزیر پیشین ایران شاپور بختیار با اعضای با نفوذ چند گروه کرد در پاریس و با چند گروه تبعیدی در اروپای غربی و آمریکا مذاکراتی انجام داده است. بختیار به این گروهها اکیدا اعلام کرده است که اگر به قدرت برسد به کردها خودمختاری خواهد داد.....بختیار همچنین خاطر نشان ساخته است که او از نظر سیاسی از حمایت کافی برخوردار است و به زودی کمکهای مادی کافی کسب خواهد کرد تا دست به اقدامات سیاسی و نظامی علیه رژیم خمینی بزند.

وی علاوه بر این اظهار داشت که در تماس غیر مستقیم با شاه سابق بوده..... بنا به تقاضای کردها بختیار همچنین موافقت کرده است که افسران پیشین ساواک یا ارتش را به کمک مبارزان کرد اعزام دارد.» یک جاسوس دیگر گزارش می دهد که: «در روز جمعه ۲۷ مهر ۱۳۵۸ تیمسار منوچهر هاشمی، رئیس پیشین ضد اطلاعات سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) که اینک منحل است، تیمسار عزت افشائی رئیس پیشین ساواک استان آذربایجان غربی و سایر مأموران سابق ساواک با تیمسار محسن مبصر رئیس سابق پلیس کشوری ایران در لندن ملاقات داشتند..... تیمسار مبصر به آن گروه کوچک گفت که رهبر جافها که یک قبیله بزرگ کرد می باشند، اخیراً دیداری از لندن داشته و با تیمسار (مبصر) ملاقات نموده است. این رهبر کرد یک ارتش کوچک ۱۵۰۰ نفره دارد که مجهز به مسلسل و تفنگهایی می باشند که در مرز ایران و عراق استقرار دارند... تیمسار مبصر در فکر اعزام سرهنگ شاملو است که چتر باز و فرمانده سابق یک گروه ضد تروریست در نیروهای زمینی بوده است، تا یکی از مربیان (این ارتش) باشد.» در یک سند دیگر مأمور سیا پس از مذاکره با جاف به واشنگتن گزارش می دهد: «جاف خبردار شده که شاه و اویسی افسر سابق ایرانی می خواهند وی را ببینند اما تاکنون از هیچ یک ندایی شنیده است.

او انتظار دارد که در پی دیدارش از پاریس و آلمان در بازگشتش به بغداد با پرزیدنت صدام ملاقات کند. «صدام شخصاً» فعالیتهای ضد انقلابی این همه مزدوران امپریالیسم را هماهنگ می کرده است. او و رژیم بعث مسئول تمام جنایتهایی هستند که توسط این جنایتکاران برای خشنودی آمریکا در کردستان صورت گرفته است و بالاخره صدام با مشاهده سرکوب غائله کردستان و استحکام هر چه بیشتر پایه های

جمهوری اسلامی جانب مخفیکاری را رها کرده و عنان اختیار از کف داده و با اتکاء به حمایت‌های امپریالیسم و ایادیش به تجاوزات و ملاقات‌های خود صورت علنی داد و یک جنگ تمام عیار را بر جمهوری اسلامی تحمیل نمود.

جنبش خودمختاری جزوه پژوهشی سیا سابقه جمهوری دمکرات مهاباد را که تشکیل مجدد آن همواره از مقاصد حزب دمکرات و مدعیان خودمختاری کردها بوده به اجمال بیان می‌کند. این جمهوری در زمان اشغال منطقه غرب کشور توسط روسها ایجاد شد و با خروج قوای آنها سقوط کرد. رئیس جمهوری دمکرات قاضی محمد بود که از قیام سال ۱۹۴۱ کمیته رهبری را در اختیار داشت و بر منطقه حکمرانی می‌کرد. عده‌ای از خانواده قاضی نیز در این امر او را یاری می‌کردند. با سقوط جمهوری، قاضی محمد و جمعی دیگر از رهبران کرد مثل محمد حسین سیف قاضی وزیر جنگ جمهوری اعدام شدند و ملامصطفی بارزانی که فرمانده قوای نظامی جمهوری بود به عراق و سپس به شوروی فرار کرد و مدت ۱۱ سال در آنجا بود.

قاضی محمد هم مدتی را در شوروی گذرانده بود. درباره هویت ناسیونالیست‌های کرد آن دوران در جزوه مذکور این طور نوشته شده: «در طی چندین دهه اخیر سطح علمی کردها در بین طبقه مرفه کردها پیشرفته است. تقریباً همین گروه مرفه شهرنشین بودند که قیام ناسیونالیستی که منجر به جمهوری مهاباد شد را برپا کردند و از آن به بعد نقش مهمی در نهضت‌های ناسیونالیستی کردی ایفا کردند.» نباید تصور کرد که ظهور یک حزب و جمهوری دمکرات وابسته به اجانب ارتباطی با مردم مسلمان مستضعف کرد داشته، بلکه اینها گروه‌های مرفه شهرنشین بودند که با مطالعه قدری علوم جدید و ترقیات دنیای متمدن برای حفظ منافع خود به فکر ایجاد احزاب سیاسی و نهادهای به اصطلاح دمکراتیک می‌افتند و این طور به دامن بیگانگان می‌غلطند. فرهنگ و بنیاد تفکرات این روشنفکران استعمارزده نشانه‌های کفرآمیختگی اساس این جنبش به اصطلاح خودمختاری است. همان فکر و ایده اولی که اساس این جنبش شد و حزب دمکرات بر اساس آن قوام گرفت، در آخرین اعمال و اقدامات حزب دمکرات و جنبش خودمختاری متجلی می‌گردد و منتهی می‌شود به مقابله با جمهوری اسلامی و همدستی با امپریالیسم و ایادی آن و ارسال پیام‌های تضرع به قدرتهای غربی.

تعدادی از رهبران جنبش خودمختاری خانواده قاضی را باید طلایه دار جنبش نوین خودمختاری دانست، لذا پیش از پرداختن به حزب دمکرات کردستان شایسته است که وضعیت کنونی اینان بیان شود.

به طوری که یکی از اسناد نشان می‌دهد فردی به نام سنت مارتین که یک کانادایی و رئیس یک شرکت آمریکایی بوده از طریق یک واسطه به سیا اطلاع می‌دهد: «در خرداد ۱۳۵۸ او و همسرش برای چند هفته به کردستان سفر کردند و با چند رهبر مهم کرد، منجمله رحیم سیف قاضی ملاقات کردند. سیف قاضی به همراه دیگر اعضای فامیل قاضی به سنت مارتین گفتند که خواستار کمک او هستند تا به قدرتهای غربی پیام دهند که نهضتشان محتاج کمک غرب است و آنها در تلاش جهت تضمین آن کمکها مایلند راهی برای ارتباط با غرب باز کنند. به گفته سنت مارتین این گروه که شامل محمود و صدر قاضی هم می‌شد، مدعی

طرفداری از شیخ عزالدین حسینی بودند. «توضیح آنکه رحیم سیف قاضی از اعضای قدیمی حزب دمکرات بوده و نزدیک به سی سال در شوروی اقامت داشته است. او طی اقامتش در خارج مدتی ناشر روزنامه ارگان حزب دمکرات در اروپا بود. در ادامه تلگرام مذکور، مرکز سیا به قرارگاه تهران اطلاع می دهد که «همان گونه قرارگاه اطلاع دارد، هیچ یک از موارد جدید نیستند، زیرا (علی قاضی) در فروردین ۱۳۵۸ مشغول ابلاغ همین پیام بوده، اما این امکان هم وجود دارد که با استفاده جستن از یک خارجی مقیم تهران که ممکن است رابطهای نسبتاً خوبی در جنبش کردهای ایران داشته باشد، راه نفوذی بدرون آن جنبش خودمختاری فراهم کرد.» معلوم نیست که این «چند رهبر مهم کرد» فعالیت پیام رسانی از طرف جنبش خودمختاری را حقیقتاً از چه موقعی شروع کرده اند و همراه با چه کسانی و به چه کسانی تا به حال پیام داده اند.

علی قاضی که در بالا به او اشاره شد از مدتها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی مشغول جاسوسی برای سازمان سیا بوده است. او از اعضای سفارت شاهنشاهی در آلمان غربی و فرزند قاضی محمد بنیانگذار حزب دمکرات کردستان بوده است. جاسوس مذکور پس از عیاشیهای فراوان و از دست دادن شغل دیپلماتیک خود به فکر احقاق حقوق خلق کرد می افتد. به طوری که اظهار داشته او شورایی به نام «شورای خودمختاری کردها» در کنار دهها شورا و انجمن و سازمانی که در رابطه با «خلق کرد» فعال شده بودند تأسیس می کند. در یکی از اسناد مأمور سیا درباره او گزارش می کند که: «تاکنون دو نفر از اعضای خانواده خود را در جنگ.... خلخال از دست داده.... از رویدادهای کردستان و مواجهه با عدم اقدام دولت آمریکا.... افسرده بود.... (قاضی) معتقد به خودمختاری به جای استقلال برای کردهاست و می گوید که حاضر خواهد بود برای کمک به رسیدن به آن (خودمختاری) تقریباً هر کاری بکند. او شروع کرده با اینکه بیشتر به فکر تقلید از پدرش باشد.» وی برای تکمیل اطلاعات خود راجع به کردها یک کتاب و یک جزوه را که درباره کردها و خودمختاری و جمهوری مهاباد نوشته شده اند از مأمور سیا تقاضا می کند. ذهن قاضی آنچنان مشغول به این مسئله بوده که مأمور سیا گزارش می دهد: «او هیچ تقاضای پولی نمود و نزدیک بود فراموش کند که پولهای داده شده را جمع کند».... به طور کلی این ملاقات خیلی خوب با صمیمیت حقیقی و بغل گرفتن یکدیگر در انتهای آن و اشتیاق ظاهری بر ادامه معامله برگزار شد.

البته سیا خیلی متأسف بوده از اینکه نمی شود از قاضی یک ملا مصطفی بارزانی ثانی برای کردها بتراشد. مأمور مربوطه با حسرت می نویسد که: «به نظر می رسد که کرد دیگری با سابقه خانوادگی و تجربه بین المللی که بتواند.... قوی برای کردها باشد، وجود نداشته باشد. شاید خود (قاضی) نیز نتواند، اما رویدادهای ماههای اخیر در ایران و کردستان تأثیر عمیقی بر او داشته اند، شاید به حدی که به او اجازه دهند در همه چیز یکباره تجدید نظر کند. (مأمور مربوطه) با لحن خشک به او (قاضی) گفت که هیچ کس به او کمک نخواهد کرد، مگر آنکه خود به چیزی برسد و سوابقش به عنوان یک ناسیونالیست کرد، بسیار ضعیف است. او باید خود را فردی بسازد که دیگران یعنی هم کردها و هم خارجیها به او روی آورند، به جای اینکه او برای کمک از آنها گدایی کند. (قاضی) این را خیلی جدی گرفت و عاقبت گفت که باید خیلی سخت کار کند و کار کند تا به آنچه می خواهد برسد.»

حزب دمکرات عراق ملا مصطفی بارزانی پس از ۱۱ سال اقامت در شوروی به عراق می رود و رهبری حزب دمکرات عراق را تحت کنترل خود در می آورد. «این حزب در ۱۹۴۶ در ایران از باقیمانده سازمانهای سیاسی قبل از جنگ به وجود آمد و در سازماندهی و ساختمان آن نفوذ قابل توجهی از کمونیسم مشهود بود (کمیته مرکزی و دفتر سیاسی). علی رغم قیومیت شوروی بر این حزب، کنترل حزب بیشتر به دست کسانی بوده است که استقلال کردها بیشتر بر ایشان مطرح بوده تا یک انقلاب اجتماعی» (نقل از جزوه سیا).» (رژیم جابرانه رضاخان که به اقتضای نوع حاکمیتش خواهان یک کنترل سرتاسری بر مملکت بود، به ناچار در برابر بافت قبیله ای و قومی اکراد قرار می گرفت و به بیان دیگر طرح ملی گرایی رضاخان در برابر قوم گرایی سران قومی اکراد قرار می گرفت و منافع آنان را مورد تهدید قرار می داد. از انگیزه های تشکیل حزب دمکرات گذشته از مسئله نژادپرستی، منسجم کردن فعالیتها و مقاومتهای کسانی بود که به نحوی در مقابل طرح ملی گرایی رضاخان لطمه می دیدند. این افراد به خاطر سوء نیت و واهی بودن ادعاهایشان برای مقابله با این طرح تحت عنوان استقلال طلبی و خودمختاری خواهی، پذیرای استیلا و قیومیت عناصر خارجی گردیدند و قضیه تا تشکیل جمهوری دمکرات مهاباد به کمک روسها به پیش رفت. این روش و طرز فکر نمی تواند به تشکیلاتی منجر شود که خواهان انقلاب اجتماعی است.) بارزانی چند سال بعد اعضای جناح طرفدار کمونیستها را از حزب بیرون می کند و جهت گیری حزب را به سمت راست سوق می دهد، (نقل از جزوه سیا): به هر صورت حزب اساسا به صورت سازمانی درون شهری با بیشترین جاذبه اش در بین تحصیل کرده های کردهای بریده از قبیله باقی ماند». برای رسیدن به خودمختاری، حزب دمکرات تحت ریاست بارزانی با اسرائیل و آمریکا نیز همکاری می کند: «بارزانی در بعضی زمینه ها به خاطر شکست در جنگ داخلی و افشای کمکهای آمریکا، اسرائیل و سازمان اطلاعات و امنیت ایران بدنام شده است. در یک سند دیگر نیز به همکاری با اسرائیل اشاره شده است. تاریخ سند ۱۹ دسامبر ۱۹۷۰ می باشد» به خاطر درگیری بلند مدت اسرائیل در مسئله کردستان و حمایت از بارزانی، ما علاقه مند به ارزیابی آقای عزری (سفیر اسرائیل در دربار شاهنشاهی) از اوضاع کنونی و نظر وی در مورد اینکه چه مدت این وقایع به طول خواهد انجامید، هستیم».

یکی دیگر از سران جنبش خودمختاری در کردستان عراق جلال طالبانی بوده است. (نقل از جزوه سیا): «جلال ایسام الدین (حسام الدین) طالبانی از سالهای ۱۹۶۰ رقیب سرسخت بارزانی برای به دست آوردن رهبری کردهای عراق بوده است. اگرچه زمانی عضو حزب دمکرات کردستان و نماینده ملامصطفی در مذاکرات با دولت عراق بود، ولیکن طالبانی ادعا می کند که از سال ۱۹۷۴ که متوجه ارتباط ملامصطفی با آمریکا و اسرائیل شد با وی قطع رابطه کرد... در اوت ۱۹۷۰ با بارزانی آشتی کرد و سازمان خود به نام حزب انقلابی کردستان را با حزب دمکرات کردستان ادغام کرد.

طالبانی سال بعد، به عنوان نماینده بارزانی در خاورمیانه و اروپا مسافرت کرد. «آشتی طالبانی با بارزانیها در فاصله ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۴ یعنی زمانی صورت گرفت که میزان کمکهای مالی و تسلیحاتی سیا به بارزانیها سیر صعودی خود را می پیمود. اسرائیل نیز قبل از ۱۹۷۰ مدت مدیدی درگیر حمایت از بارزانیها بوده است. طالبانی که در سال ۱۹۷۰ با بارزانی آشتی کرد و در سال ۱۹۷۱ نماینده او شد معلوم نیست که چگونه ادعا کرده ابتدا در سال ۱۹۷۴ متوجه ارتباطات بارزانی با آمریکا و اسرائیل شده و کناره گیری

نموده است. سیا درباره او نظر داده: «اختلاف بین طالبانی ۴۶ ساله و بارزانی بیشتر تاکتیکی است تا ایدئولوژیکی» و به بیانی صریح تر اختلاف بر سر قدرت رهبری است نه بر سر میزان وابستگی و چگونگی آن.

طالبانی همتا و رقیب بارزانی با سوابقی که از او ذکر شد عاقبت کارش به همکاری با رژیم معلوم الحال بعث عراق و پادویی برای آن می کشد. مأمور سیا براساس اطلاعاتی که سردار جاف گزارش داده گزارش می دهد: «هنگامی که جاف بغداد را ترک کرد، طالبانی در بغداد به دنبال کمک بود.» یک جاسوس دیگر سیا نیز اطلاع می دهد: «تسلیمات بیشتری برای کردهای ایرانی از عراق می آید. تأمین کننده اصلی این تسلیمات دولت عراق است که آنها را از طریق تشکیلات جلال طالبانی ارسال می کند.» فساد و سنت شوم همکاری با سیا، موساد و ساواک در بسیاری از رده های حزب دمکرات شایع بوده و منحصر به سران درجه اول آن نمی شود. به عنوان مثال فرزند یک فئودال که عضو حزب بوده نزد مأمور سیا آمده و سوابق درخشان خود را بازگو می کند (نقل از سند): «او عضو قبیله باردینگی (جمعیت ۴۰۰۰۰ نفر) و فرزند شیخ رئوف النقیب تاجر و زمیندار ۶۷ ساله مشهور در سلیمانیه است (تلفن وی ۲۳۵۱۴ می باشد). پدرش صاحب یک کشتزار، یک ویلای گرانقیمت و تعدادی مغازه در سلیمانیه است. او ادعا می کند که عضو حزب دمکرات کردستان (عراق) است. از ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۷ عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات بود. پیش از آن دبیر سازمان دانشجویی کردها در اروپا بود.

... از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۳ برای مدت شش ماه (او) مشاور کشاورزی مصطفی بارزانی رهبر فقید شورش کردها بود.... در سالهای ۱۳۴۳، ۱۳۴۶ و بار دیگر در پاییز ۱۳۵۷ با سفارت اسرائیل در بادگوسبرگ تماس گرفت و مذاکراتی با مقامات اسرائیلی آنجا داشت... در سال ۱۳۴۷ او همچنین با سازمان اطلاعات ایران، ساواک در بادگوسبرگ رابطه برقرار کرد. همکاری او با ساواک تا سال ۱۳۵۴ ادامه داشت... (او) تأکید کرد که خود داوطلب تهیه اطلاعات برای اسرائیلیها و ایرانیها بوده و هیچ گاه در...

جز برای هزینه ها، دستمزد مالی قبول نکرده است.... همچنین با تماس با مقامات آمریکایی در تأسیسات مختلف آمریکا در خارج درخواست کمک کرده است... در سال ۱۳۴۷ و ۱۳۵۳ او با کنسول آمریکا در تهران تماس گرفت... در شهریور ۱۳۵۷ دیداری از سفارت آمریکا در آنکارا داشت و در آنجا شفاها گزارشی درباره اوضاع کردستان تقدیم کرد. در ابتدای سند نیز سوابق تحصیلات عالی خود در اروپا شرح داده و اشاره داشته که همسر فرنگیش با سازمان مخفی رومانی مدتی تماس داشته و علیرغم انکارهای فعالیت همسرش، او تصور می کند که این تماسها ادامه دارند. او در ضمن اذعان داشته که قاسملو رئیس حزب دمکرات ایران را رقیب سیاسی خود به حساب می آورد.

در روزهای اوج گیری مبارزات مردم مسلمان ایران، نماینده حزب دمکرات نزد مأمور سفارت آمریکا می آید و از وقایع انقلاب اظهار ملامت می کند: «علی سلیمان نماینده حزب دمکرات کردستان در تاریخ ۱۴ بهمن به دیدار مأمور سیاسی آمد تا وضع کردها را که چند روز پیشتر درباره اش با سرکنسول حرف زده شده بود مورد بررسی قرار دهد. علی سلیمان تأیید نمود که کردها از خوشنوتها و نابسامانیهای اخیر که ایران را فراگرفته است، رنج می برند».

ارتباط حزب دمکرات عراق با آمریکا همچنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز برجای می ماند.

مأمور سفارت آمریکا در تهران گزارش می دهد که: «در تاریخ ۳ ماه می (۱۴ اردیبهشت) به دعوت محمد

ص: ۷۲۲

دسکی نماینده حزب دمکرات کردستان با او نهار خوردم. هدف ظاهری دسکی حفظ ارتباط با مأموران اداره بود».

جنبش خودمختاری در ایران در ایران خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی تبهکاران بسیاری هویت کردی را وسیله قرار دادند تا جاه طلبیهای سیاسی خود را ارضاء کنند. حزب دمکرات و سران فاسد آن در رأس آنها قرار داشتند و اکثراً از کمکهای رژیم بعث عراق برخوردار بودند.

از جمله این افراد یک فتودال زاده به نام قاسملو بود که (نقل از سند): «با نیروی تمام بر ادعای خود اصرار داشته که وی برجسته ترین سخنگوی غیرمذهبی کردهاست... او در خانواده ثروتمندترین زمین دار در ارومیه (رضاییه سابق) در کردستان ایران متولد شد. پس از یک سالی که به عنوان دانشجوی اقتصاد در پاریس به سر برد به پراگ رفت و از آنجا تا سال ۱۹۵۳ که به ایران بازگشت ادامه تحصیل داد. تا آن موقع قاسملو یک عضو کمیته اصلی حزب دمکرات کردستان و مأمور رابط حزب توده ایران بود». مابقی زندگی او نیز تا پیش از انقلاب اسلامی حاکی از رفت و آمدهای متعدد به چکسلواکی، شوروی، عراق و فرانسه می باشد. علیرغم اینکه او ارتباط با رژیم عراق را شدیداً تکذیب می کند، اسناد بسیاری وجود این رابطه را آشکار می کنند. یکی از جاسوسان سیا در حدود مهر ۵۸ گزارش داده: «قاسملو بیشتر اوقات خود را در عراق می گذارند و به ندرت به ایران می آید». موساد اسرائیل نیز از قول جاسوس خود که نزدیک به محافل دولتی عراق است به سیا گزارش می دهد: «مذاکرات بین دولت عراق و دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران عبدالرحمن قاسملو با موفقیت انجام شد. قاسملو با افراد طالبانی همکاری نمود». یکی از جاسوسان که سیا به او مأموریت داده بود تا به، منطقه کردستان برود، از قرار معلوم با قاسملو روابطی داشته و تا آنجا که اسناد به دست آمده نشان می دهند قرار بوده نامه ای را از همسر فرنگی قاسملو گرفته و تحویل او دهد. (نقل از سند): «(جاسوس مذکور) مطابق برنامه اش باید در ۱۸ شهریور ۵۸ عازم پاریس شود تا النا قاسملو را ببیند و نامه ای بگیرد و آن را به شوهرش برساند». از مفاد این نامه و روابط بین قاسملو و این جاسوس فعلاً اطلاعی در دست نیست. ولی بنابر قرینه اینکه جاسوس مذکور نیز از اعضای حزب دمکرات بوده می توان حدس زد که این رابطه دارای مبنای تشکیلاتی بوده است.

پست سخنگوی مذهبی جنبش خودمختاری نیز خالی نمانده و یکی از عناصر ساواک منحل به نام عزالدین حسینی بر داشتن آن اصرار می ورزیده است. سیا درباره او نوشته: «در سال ۱۹۶۴ به حزب دمکرات پیوست، ولیکن وی اکنون ادعا می کند که در جهت حفظ اهداف خود از حزب استعفا کرده است».

او می گوید که فعالیتهايش براساس ناسیونالیسم کردی، سوسیالیسم منطقی و اخلاقیات می باشد، که بدون اینها مردم هیچ اجتماعی نمی توانند زندگی صحیحی داشته باشند». وی با آنکه ناسیونالیست کرد، سوسیالیست منطقی و یک اخلاقی دمکرات بوده و بهره ای از اسلام نبرده است، در کمال گستاخی لباس شامخ روحانیت اسلام را مزورانه بر تن کرده تا به ساحت مقدس آن، به خیال خود خدشه وارد کند. این واقعیت هم که حسینی با سران رژیم شاه و ساواک همکاری می کرده با همکاری که پس از انقلاب اسلامی با عراق مأمون ساواکیها و سران رژیم طاغوت داشته، تأیید می شود.

جاسوس اعزامی سیا به کردستان گزارش می دهد که: «حسینی نیز در عراق مخفی است. اما مکرراً به





کردستان ایران می آید».

یکی از شیوه های کسب اطلاعات سیا راجع به کردستان استفاده از مأموران و جاسوسان پیشین ساواک بوده است. اینها مأمورانی بودند که در تقویت خانها که خود را به رژیم فروخته بودند و زندگي را بر مردم ستم کشیده کردستان تنگ کرده بودند از هیچ جنایتی ابا ننموده بودند.

یکی دیگر از اعضای حزب دمکرات که با ساواک منحل علیه مردم کرد همکاری می کرده، فردی به نام رفعت مامدی بوده است. او پس از انقلاب رو به سوی ارباب بزرگ آمریکا می آورد و جاسوس سازمان سیا می شود. وی در اجرای وظایف محوله با خرج و امکانات سازمان سیا به کردستان می رود و گزارشهایی از مشاهدات خود تهیه می کند. پدر این جاسوس، صنار مامدی از اعضای قدیمی حزب دمکرات و عضو کمیته مرکزی آن و در عین حال از اشرار و راهزنان سابقه دار منطقه غرب ایران می باشد.

روسها با این جاسوس روابطی داشته اند و تصور می کردند که مامدی را به نفع خود خریده اند. مأمور سیا از قول مامدی نقل می کند که: «شورویها پیشنهاد کردند که (مامدی) از حزب دمکرات استعفا نماید و خود را کاملاً وقف فعالیتهای... (احتمالاً اتحاد کردهای انقلابی ترکیه - مترجم) نماید.» این در حالی بوده که مامدی به تعهدات خود در قبال ساواک و حزب دمکرات پایبند بوده و خبرهای قلابی که ساواک تهیه می کرده، تحویل روسها می داده است.

رشته دوستی بین اعضای حزب دمکرات و آمریکا بسیار طولانی است و اسناد معدود این مجموعه تنها گوشه ای از آن را نشان می دهد. یک کارت بایگانی اطلاعاتی سیا حاکی از دوستی بین یک جاسوس خبرنگار آمریکایی با امجد متوسلی از اعضای کادر حزب دمکرات می باشد. در همان جا مطلبی هم دال بر ملاقات رئیس یک انجمن کردی به نام صادق وزیری با خسرو قشقایی معدوم، عامل قدیمی سیا در ایران، وجود دارد.

به روابط حزب دمکرات با رژیم عراق نیز به دفعات اشاره شده، چنان که یک جاسوس گزارش می دهد: «حزب دمکرات کردستان نیز مقداری کمک از عراق دریافت می دارد، اگرچه اکثر تسلیحات آنها از مقامات ایرانی به تاراج برده شده است. حتی قاسملو رهبر فعلی حزب دمکرات چند بار از بغداد دیدن کرده است».

روابط حزب دمکرات با سلطنت طلبها در سند مربوط به اجلاس سران ساواک در لندن چنین آمده است: «به دلیل احتیاجی که اخیراً به وحدت کردها پیش آمده، این رهبر کرد (جاف) ناچار شد به حزب دمکرات کردستان بپیوندد. با این وجود او درخواست کرده که رهبر جنبش کردها شود و حزب دمکرات به او بپیوندد.» در سند دیگر: (بختیار) در نظر دارد که در اواخر آبان و اوایل آذر نماینده ای به ایران بفرستد تا در مورد ارتباط سیاسی و نظامی با حزب دمکرات کردستان مذاکره نماید» بنا بر چند گزارش حزب دمکرات ابتدا به کشورهای غربی برای دستیابی به خواسته های خود پناه می برد، ولی پس از ناامیدی از این بابت رو به سوی ابرقدرت شرق می آورد. این حزب همان راهی را رفت که سلف آن در رابطه با شوروی، آمریکا، اسرائیل، رژیم شاه و رژیم عراق رفت و برای رسیدن به خودمختاری، خود و پیروان خود را به هر ذلت و جنایتی کشاند. در یک گزارش چنین آمده: «حزب



دمکرات دیگر از کشورهای غربی انتظار کمک ندارد، این حزب امیدهایش به اتحاد شوروی است.

شورویها با نمایندگان کردها در آلمان غربی تماس گرفته بودند، البته طبیعی است که پس از اشغال جاسوسخانه و سقوط دولت موقت مجدداً رشته‌های پیوند با غرب از نو برقرار شده است.

در کنار فعالیت عوامل آمریکایی سلطنت طلب و حزب دمکرات گروهکهای چپ نما به حمایت از خودمختاری پرداختند و در این راه چه بسیار جنایتهای فجیعی که مرتکب شده اند.

یکی دیگر از جاسوسهای اعزامی سیا به کردستان گزارش می دهد: تشکیلات کارگران فعال در میان حزب دمکرات کردستان به کمیته زحمتکشان کردستان موسوم است و شامل تمامی کردهایی است که سهم فعالی در حمایت از چریکهای جنگجو، پیشمرگان دارند. این سازمان غیررسمی است و حاضر است به هر کردی که بخواهد بجنگد، بدون تحقیق در مورد صلاحیتش کمک کند، فقط با این شرط که اصل نسبش کرد باشد. (توضیح منبع: در خلال شهریور ماه ۵۸ اعضای این سازمان در شهر مرزی بانه به هر فردی که داوطلب جنگ با نیروهای دولتی بود، آزادانه اسلحه می دادند). برای این گروهکهای جنایتکار هیچ ملاکی جز جنگ با جمهوری اسلامی مطرح نبود و مسئله خود مختاری یک بهانه دروغین بود. این گزارش را جاسوسی به نام همایون روشنی مقدم تهیه کرده است. او پس از اتمام آموزشهای سیا در آمریکا و مراجعت به ایران چنان که به مأمور سیا اظهار داشته از طرف آشنایانش در سازمان چریکهای فدایی خلق دعوت شده بود تا (نقل از سند): «در رفتن به کردستان با جمع آنها باشد تا ببیند که چگونه فداییان از حزب دمکرات پشتیبانی می کنند». این جاسوس نیز از قرار معلوم داوطلب جنگ با جمهوری اسلامی شده بود و در نتیجه سلاح عراقی را به دستش داده بودند تا بجنگد. مأمور سیا در گزارش به رؤسای خود در آمریکا می نویسد: «در تاریخ ۱۸ شهریور (جاسوس مذکور) در نزدیکی پاره به وسیله یک پاسدار مجروح شد. گلوله به پهلویش اصابت کرده و از کنار دنده هایش خارج شده است». او در گزارش از مشاهدات خود شرح می دهد که گروهکها که داعیه دفاع از خلق کرد داشتند چگونه در مواجهه با مردم مسلمان زحمتکش کرد دورویی می کردند و پایگاهی در بین مردم نداشتند. (نقل از سند): «در شهرهای بزرگی مانند مهاباد و سنندج که فداییان دوش به دوش پیشمرگان حزب دمکرات کردستان جنگیده اند، از فداییان استقبال می شود. در صورتی که فداییان مارکسیست در دهکده های کوچکتر و روستاها که مردمشان مسلمانان مخلص و عمیقاً ضد کمونیست هستند، تمایلات خودشان را نگه می دارند».

همان گونه که قبلاً گفته شد خاستگاه و پایگاه اجتماعی جنبش خودمختاری گروههای مرفه و شهرنشین بوده و هیچ ارتباطی با مردم مسلمان مستضعف کرد نداشته و ندارند.

قرار بوده که این جاسوسان در صورت امکان از عوامل نفوذی سیا در سازمانهای مهم دولتی باشند. با این منظور او منافقانه سعی داشته در کسوت یک مسلمان، با رفتن نزد امام و آیت الله طالقانی اعتباری برای آینده خود کسب کند. چنان که در سند آمده: «(جاسوس مذکور) هوادار مجاهدین است». این گروهکها علیرغم ادعاهای گزاف چپ روانه در جمهوری اسلامی چنان در جهت منافع امپریالیسم عمل کردند که بختیار نیز تشخیص می دهد لازم است با آنها ائتلاف کند. (نقل از سند): «بختیار می داند که اگر بخواهد نفوذ گذشته خود را در ایران بازابد و آن را حفظ کند، علاوه بر کسب توافق با کردها باید با کمونیستهای ایران نیز رابطه برقرار کند.

در فتنه کردستان مانند همه جا چپ و راست با صورتهای مختلف و باطن واحد به نوکری امپریالیسم

ص: ۷۲۵

جهانی پرداختند. چند فقره از اسناد حاکی از کمکهای پراکنده بعضی از کشورهای بلوک شرق به شورشیان کرده است. (نقل از سند): «کردهای ایران از آلمان شرقی، رومانی و کوبا نیز کمک دریافت می کنند. به هر حال این کمک شامل مواد دارویی، غذا و البسه است و اغلب از طریق عراق به کردها می رسد.» یکی دیگر از جاسوسان از قول یک فرد ثالث اطلاع می دهد که: «کشوری سوسیالیستی که هویتش پوشیده ماند تحت این پوشش که اسلحه توسط کردهای هوادار در اروپا فرستاده می شود می خواهد برای کردها اسلحه بفرستد.» جاسوس مذکور نیز مسئله را با مأمور سیا مطرح می کند تا سیا متخصص فنی خود را برای بررسی امر و کمک به این کشور سوسیالیست اعزام دارد. از طرف دیگر خودش نیز با یک شرکت هوایی تماس می گیرد و نماینده آن شرکت علاقه خود را به طرح ارسال اسلحه از طریق چتر نجات اظهار می دارد.

برای حسن ختام کلامی از امام خمینی، رهبر حکیم این امت را در رابطه با جریانهای چپ نقل می کنیم:

«ما هر یک از کارهای اینها را وقتی بنشینیم حساب بکنیم، اینها به نفع آمریکا بیشترش تمام می شود. پس بنابراین شما به اسم کمونیست، به اسم مارکسیست و به اسم توده برای آمریکا کار می کنید.» به امید رهایی تمام مستضعفین از چنگال مستکبرین و به امید پیروزی مردم مسلمان کردستان در مواجهه با تمامی دسایس شرق و غرب.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام.

**نظری کلی بر مسئله کردها**

ص: ۷۲۶

سند شماره (۱) سرّی غیرقابل رؤیت برای خارجیان مرکز تحقیقات ملیتهای خارجی غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران و مشاوران نظری کلی بر مسئله کردها یک متن تحقیقی تحقیقات در مورد این گزارش در تاریخ ۹ تیرماه ۱۳۵۸ کامل شده است. تحلیل‌های اداره تحلیل‌های سیاسی و اداره تحقیقات جغرافیایی و نقشه برداری نیز در این متن سهیم می باشد. از نظریات و پیشنهادات شما استقبال می شود و به اداره تحلیل‌های سیاسی جنوب شرقی آسیایی نزدیک ارسال خواهد شد.

(طبقه بندی نشده) این متن با دفتر مرکزی اطلاعات (سیا) هماهنگ شده است. (طبقه بندی نشده) سری ۱۰۳۳۰-۷۹ اوت ۱۹۷۹ (مرداد ۱۳۵۸) یادداشت تذکاریه منابع و روش‌های اطلاعاتی بکار گرفته شده اطلاعات مربوط به امنیت کشور و افشای بدون مجوز، جرایم جنایی دربر دارد.

اختصاصات مربوط به کنترل انتشار این سند NOFORN (NF)NOCONTRACT (NC)PROPIN (PP)NFIBONLY (NO)ORCON (OC)REL ...FGI غیرقابل رؤیت (افشا) برای خارجیان غیرقابل رؤیت برای پیمانکار یا پیمانکاران و مشاوران اخطار - اطلاعات اختصاصی به کار گرفته شده فقط ادارات هیئت خبرگیری خارجی کشور انتشار و اخذ اطلاعات تحت نظر تهیه کننده کنترل می شود. ارائه به... مورد تصویب قرار گرفت اطلاعات دولت بیگانه نسخه میکروفیش این سند از طریق (۳۵۱-۷۱۷۷) OCR/BSD قابل دسترسی است. نسخه های چاپی از (۳۵۱-۵۲۰۳) PPG/RDB تهیه گردد.

دریافت منظم گزارش‌های مرکز سنجش خارجی کشور به صورت طبقه بندی اشتقاقی به موجب ۴۹۸۹۳۳ صورت می گیرد.

۲۰ سال بعد از این روز مورد تجدید نظر قرار گیرد. مأخوذ از منابع مختلف.

میکروفیش یا چاپ شده را هم می توان از طریق PPG/RDB ترتیب داد.

ص: ۷۲۷

تمام مطالب این صفحه بدون طبقه بندی است.

نظری بر مسئله کردها نکات اصلی بحث سقوط شاه ایران و ناپایداری رژیم خمینی توجه محافل بین المللی را روی کردها متمرکز کرده است.

کردها یک اقلیت خاص با زبان و فرهنگ خود، چندین هزار سال است که در یک منطقه کوهستانی که از نظر تاریخی کردستان نامیده می شود و شامل قسمتی از جنوب شرقی ترکیه، شمال غربی ایران و شمال عراق و قسمتهای کوچکی از سوریه و شوروی می شود، زندگی می کنند (طبقه بندی نشده) اگر چه کردها از نظر جمعیت در منطقه خاورمیانه در درجه چهارم قرار دارند (بعد از عربها، ترکها و ایرانیها)، اما به دلایل زیر هنوز به یک استقلال منطقه ای نرسیده اند:

- بافت قبیله ای، مختلف بودن در مذهب و لهجه و موانع ملی از هر نوع اتحاد واقعی کردها جلوگیری کرده است، در نتیجه گروههای ناسیونالیست کرد به مستقل عمل کردن نسبت به یکدیگر گرایش پیدا کرده اند. (طبقه بندی نشده) - گروههای رقیب در ترکیه و ایران و عراق تقریباً همیشه قادر بوده اند که برای عقیم گذاشتن گرایشات خودمختاری و جدایی طلبانه متحد شوند. (طبقه بندی نشده) احتمال اینکه کردها در آینده قادر به کسب استقلال باشند ضعیف است زیرا:

- اگرچه کردهای ایران کنترل منطقه وسیعی از کردستان را عملاً در اختیار دارند، ولیکن دولت انقلاب اجازه نخواهد داد که کنترلش در زمینه هدایت سیاست خارجی، دفاعی، اقتصادی از دست برود. رهبران کرد فهمیده اند که با تجدید بنای ارتش، دولت اگر لازم باشد، با استفاده از زور و قدرت کنترل خود را بر منطقه حفظ خواهد کرد. علاوه بر آن، اکثر کردهای ایرانی ترجیح می دهند که با دولت مستقیماً وارد جنگ نشوند و صحبت از تجزیه طلبی را کنار گذارند.

- دولت ترکیه استقلال سیاسی بیشتری به کردهای کشور خود نخواهد داد. اگرچه آنکارا احتمالاً آزادی بیشتری در زمینه فرهنگی به آنها می دهد.

- دولت عراق به استفاده ترکیبی از نیروی نظامی و رهبری اقتصادی به منظور کاهش رشد فعالیت‌های مخالف در بین کردها ادامه می دهد.

- جامعه کردها در سوریه بیشتر از اقلیتهای کرد در کشورهای مجاور، جذب اجتماع محلی شده و فعالیت ضد دولتی به وسیله کردهای سوریه غیرمحمتمل به نظر می رسد. (سری) اگر چه یک برخورد همه جانبه بین کردها و دولت انقلابی ایران در آینده نزدیک بعید به نظر می رسد، ولیکن کوشش دولت برای توسعه کنترل خود در منطقه منجر به درگیریهای جدی در اواخر ژوئیه (اوایل مرداد) شد. فعالیت‌های چریکی، به خصوص به وسیله کردها در ایران و عراق احتمالاً ادامه پیدا خواهد کرد.

در درازمدت امکان درگیری جدی تر بین کردها و دولتهای کشورهای مربوطه احتمالاً به دو عامل بستگی دارد: «اینکه اتفاقات آینده، اول کنترل دولت را آنقدر ضعیف کند که کردها بتوانند پافشاری برای خودمختاری بیشتر نمایند، دوم اینکه تا چه حد جامعه کردها قادر به دریافت کمک خارجی مثل کمکی که ایران به کردهای عراقی قبل از مارس ۱۹۵۷ کرد، باشند.

(خیلی محرمانه) روسها بدون شک می خواهند با





استفاده از نارضایتی کردها، حکومت‌های همسایه را که طرفدار روسیه نیستند، تحت فشار قرار دهد. آنها به خاطر تمایلشان در پرهیز از خراب کردن روابطشان با این کشورها از فراهم آوردن حمایت‌های مستقیم و در سطح بالا از چنین اقلیت‌هایی، منع شده‌اند. در عین حال روسها ممکن است با چشم پوشی از انتقال تجهیزات روسی به افراد ثالث، به طور غیرمستقیم کردها را حمایت کنند. چون اکثر رهبران کردهای مخالف روابط خوبی با احزاب کمونیست طرفدار روسیه دارند، این امر نسبتاً آسان به نظر می‌رسد. بدین وسیله آنها امیدوارند که ناآرامی فزاینده را در ایران تقویت کرده و مشکلاتی برای دولت بعث عراق که سریعاً به سوی ضد شدن روسی پیش می‌رود، به وجود آورند. این گونه اعمال به روسها کمک خواهد کرد تا قدرت آنها را در به وجود آوردن مخالفت بین اقلیت‌های روسیه تضعیف نماید.

برداشت‌های اصلی سوابق سابقه قومی جمعیت زبان دین بافت اجتماعی موقعیت اجتماعی و اقتصادی ظهور ناسیونالیسم کردی مسئله کردها و سیاست دولت ایران مواضع و سیاست‌های دولت مواضع کردها، گروه‌ها و رهبران همکاری با کردهای همسایه عراق مواضع و سیاست‌های دولت سازمانها و رهبران کرد ترکیه مواضع و سیاست‌های دولت پایداری کردهای تجزیه طلب سوریه شوروی مواضع و سیاستها در قبال کردها در کشورهای همسایه مواضع در قبال کردها در شوروی نتیجه ضمیمه

بیوگرافیهای انتخاب شده نظری کلی بر مسئله کردها سابقه:

از زمانهای قدیم کردها در مناطقی کوهستانی از جنوب شرقی ترکیه و در امتداد شمال عراق تا شمال غربی ایران و در قسمتهایی از مناطق دست نخورده در شمال سوریه و جنوب شوروی زندگی می کنند.

جمع مساحت منطقه کردنشین برابر ۲۸۷/۰۰۰ کیلومتر مربع است. کردها هرگز قادر نبوده اند که یک هویت رسمی سیاسی پیدا کنند. اگرچه سالها تلاشهای ناموفقی در این زمینه داشته اند. معهداً از نظر تاریخی این منطقه کردستان نامیده شده است. گروههای کوچکی هم از کردها به مناطق بهتری از نظر اقتصادی مهاجرت کرده اند، یا به وسیله دولتهای کشورهای مربوطه به نقاط دیگر انتقال داده شده اند.

(طبقه بندی نشده)

### ریشه نژادی

عقیده عمومی بر آن است که کردها ریشه های قبایل هندی - اروپایی هستند که احتمالاً حدود ۴/۰۰۰ سال پیش در منطقه کردستان سکنی گزیده اند. کردها طبق گفته بعضی تاریخدانان خودشان را اشتباهاً از ریشه قبایل نینوا که در ۶۱۲ سال قبل از میلاد زندگی می کرده اند و ۶۲ سال بعد به وسیله فارسها شکست خورده اند، می دانند. از نظر جسمی کردها در مناطق مختلف به علت قرنهای اختلاط با سایر اقوام فرق می کنند. آنها کلاً به عنوان یک نژاد جدا و مشخص شناخته می شوند. (طبقه بندی نشده)

### جمعیت کردها

اکثر تخمینها درباره جمعیت کردها بین ۹/۵۶ تا ۱۲/۴ میلیون می باشند. ۴ تا ۶ میلیون در ترکیه، ۱۰ درصد جمعیت کشور ۲/۸- تا ۳/۵ میلیون نفر در ایران، ۱۰ درصد جمعیت کشور -۲/۵ میلیون نفر در عراق، ۲۰ درصد جمعیت کشور -۲۵۰/۰۰۰ تا ۳۰۰/۰۰۰ نفر در سوریه، ۵ درصد جمعیت کشور - ۱۰۰/۰۰۰ در شوروی. منابع کردی جمعیت کردها را حدود ۱۶ میلیون نفر تخمین می زند که زیاد به نظر می رسد و احتمالاً برای توجیه خواسته های خودشان می باشد. (طبقه بندی نشده) اگر چه اکثر کردهای ترکیه در مناطق کوهستانی در شمال شرقی کشور سکنی دارند، ولی تعدادی هم در منطقه مرکزی آناتولی پیدا می شوند. علاوه بر این چند صد هزار از کردهای ترکیه در جستجوی شغل به آنکارا و استانبول مهاجرت کرده اند. (طبقه بندی نشده) کردها در ایران عمدتاً در مناطق کوهستانی شمال غربی کشور حضور دارند، ولی در حدود ۳۰۰/۰۰۰ نفر کرد هم در مناطق کوهستانی در شمال شرقی مشهد و در امتداد خط مرزی با شوروی سکنی دارند. کردها همچنین در جنوب غربی خرم آباد، نزدیک شیراز و نزدیک بیرجند در شرق استان خراسان و در جنوب زاهدان در استان سیستان و بلوچستان زندگی می کنند. همچنین تعدادی از کردها در تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران زندگی می کنند. اگرچه هیچ ارقامی در این مورد در دسترس نیست.

(طبقه بندی نشده)



اکثر کردهای عراقی در مناطق کوهستانی شمال آن زندگی می کنند، اگرچه تعدادی هم در امتداد رود تیگریس در شمال موصل، در امتداد رود تیگریس در جنوب شرقی بغداد و در بغداد پیدا می شوند.

شهرهای متعدد بزرگی در شمال عراق وجود دارد و شهر سلیمانیه عمدتاً کردنشین است. یک طرح موافقتنامه دولت عراق با کردها که بعد از ۱۹۷۵ وضع شد، اسکان کردها را در منطقه جنوب بغداد اجباری کرد، اگرچه تاکنون اکثر آنها اجازه بازگشت به شمال را دریافت کرده اند. (خیلی محرمانه) اکثر کردهای سوریه در قسمت شمالی کشور در امتداد مرز ترکیه و در ناحیه شمال شرقی «جزیره» بین ترکیه و عراق قرار دارند. تقریباً ۳۰/۰۰۰ کرد سوری در دمشق زندگی می کنند. (خیلی محرمانه) اکثر کردهای اتحاد جماهیر شوروی در جمهوری ارمنستان، گرجستان و آذربایجان زندگی می کنند.

در سال ۱۹۴۴ براساس یک پیش بینی در مورد حمله شوروی به ترکیه، تعداد زیادی از اقلیت کردها در ناحیه مرزی گرجستان و ترکیه و همچنین تعدادی از مسلمانان گرجستان و تعدادی از ارمنه که در امتداد مرز ترکیه زندگی می کردند، به نواحی مرکزی آسیای روسیه منتقل شدند. (خیلی محرمانه)

## زبان

زبان کردی مهمترین عامل موروثی فرهنگی کردها می باشد. تقاضای کردها مبنی بر رسمی کردن زبان کردی در مناطق کردنشین همیشه باعث برخورد با دولتهای مختلف می شده است. در ترکیه مثل ایران قبل از انقلاب آموزش زبان کردی در مدارس ممنوع شد. برخلاف ترکها، ایرانیها اجازه چاپ کتابهای کردی و برنامه رادیویی به زبان کردی را داده اند. بعد از سقوط شاه کردها در ایران زبان کردی را زبان رسمی در شهرهایی از قبیل سنندج، مهاباد و کرمانشاه اعلام کردند و طبق گزارشات زبان کردی نیز در مدارس تدریس می شوند. اخیر نشانه هایی است که در عراق دولت بعثی مشغول بررسی دادن آزادیهایی در مورد زبان به کردهاست و اجازه توسعه رادیو و تلویزیون به زبان کردی را در آینده خواهد داد. اما حدوداً تا ۲ سال پیش دولت تلاش خود را برای کاهش آموزش زبان کردی در مدارس مناطق کردی و مطالعات کردی در دانشگاهها افزایش می داد. کردهای مقیم شوروی مجاز به استفاده از زبان کردی در مدارس، برنامه های رادیویی و روزنامه ها می باشند. (خیلی محرمانه) زبان کردی متعلق به شاخه ایرانی زبانهای هندی اروپایی است و به زبانهای فارسی، بلوچی و پشتو بستگی دارد. به وسیله یک محقق به عنوان یک «زبان ویژه، خواهر زبان فارسی، و شاید هم کهنه تر از آن دو» تعریف شده است. زبان کردی به دو لهجه تقسیم می شود. کورمانجی، که در نواحی شمال غربی کردستان صحبت می شود و کردی که در نواحی جنوب شرقی صحبت می شود. زبان زازا، که در قسمت مرکزی ترکیه، کردها به آن صحبت می کنند، بعضی وقتها به عنوان لهجه سوم نامیده می شود. اگر چه ممکن است یک زبان جداگانه باشد. در عراق کردها با لهجه سورانی صحبت می کنند که خیلی شبیه لهجه کردی می باشد. اختلاف لهجه ممکن است نقشی را که یک زبان به عنوان عامل اتحاد می تواند داشته باشد، از بین ببرد. در بعضی از نقاط کردستان زبان کردی چنان تحت تأثیر زبانهای مناطق مجاور قرار گرفته که فرهنگ لغت آنها بیشتر شبیه ترکی، عربی یا فارسی است. (طبقه بندی نشده) مشهورترین فرم نوشتن کردی ادبیات منتشره به کردی (یا سورانی) است که بر پایه لهجه سلیمانیه استوار است و یک متن شناخته شده عربی به کار می برد. نوشته های هم به لهجه کورمانجی منتشر شده



است که به وسیله الفبای رومی (لاتین) نوشته شده است. کردهای اتحاد شوروی عمدتاً از متون سیریلیک و رومی استفاده می کنند. (طبقه بندی نشده)

## دین

اگرچه اکثر کردها سنی شافعی هستند، ولیکن دین هم یکی از عوامل جدایی کردها بوده است. بسیاری از کردها درویش مسلک هستند و در گرایش صوفیگری نیز قبایل مختلف طرق متفاوتی در پیش گرفته اند. در بسیاری از قبیله ها، رهبران مذهبی دارای رهبری منطقه ای نیز هستند و در نتیجه تفاوتها قبیله ای افزون گشته است. در ایران و عراق در مناطقی که بعضی از کردها شیعه هستند، اختلافات مذهبی ترکیبات بیشتری داشته است. تقریباً همه کردهای کرمانشاه و ایلام شیعه هستند. کردهای شمال، کردهای جنوب را که شیعه هستند کرد حساب نمی کنند و از آنها به عنوان فار (ایرانی) یاد می کنند. کردهای شوروی از فرقه های سنی و شیعه و یزیدی هستند. گروههای کوچکی از کردهای مسیحی یا یهودی هستند که وضع فعلی آنها زیاد مشخص نیست. (خیلی محرمانه)

## بافت اجتماعی

قبیله ای زندگی کردن نیز باعث عدم اتحاد بین کردها شده است. در طی قرنهای قبلیه بوده است که بیشترین بیعت را به دست آورده است. حتی کردها هویت و وابستگی قبیله ای خود را برای سالها حفظ کرده اند. این چنین وفاداری به قبیله و انزوای کوهستانی کردها باعث برخورد قبیله ها و شک و ظن دوطرفه بین قبایل کرد شده است، که تا به امروز ادامه دارد. مثلاً در قیام کردهای عراق در اوائل ۱۹۶۰ برخی قبیله های کرد بر علیه دولت عراق و برخی دیگر بر علیه کردها جنگیدند و حتی برخی گاهی بر علیه و زمانی بر له دولت بودند. برخی از قبایل به وسیله این عمل که یکی از شعباتش بی طرف بماند و یا به نفع یکی از دو طرف وارد عمل شود، موقعیت خود را مستحکم کردند. (خیلی محرمانه) به طور کلی همیشه کردها از اینکه تحت کنترل دولتمردان دولت مرکزی قرار بگیرند، خودداری کرده اند؛ و در عوض برای راهنمایی و حمایت به رهبران قبیله ای خود مراجعه کرده اند، آنها رهبران قبیله ای خود را آقاس خطاب می کنند و همیشه از آنها پیروی می کرده اند. آقاس اکثر وقت خود را به مذاکره یا تخاصم با دولتها و یا سایر قبایل و یا تجارت بین قبایل یا اداره امور مشترک بین قبایل در مواقع وجود اتحادهای قبیله ای و همچنین حل دعواهای درون قبیله ای، می گذرانند. قبایل در ازای رهبری آقاس ها که بسیاری از آنان ملاکان ثروتمند بودند با سهم کردن ایشان در محصول به دست آمده از زمین قبیله یا از طریق اعانات مستقیم به صورت هدایا، آنها را یاری می نمودند.

در بعضی موارد که قبیله نسبت به زمین مورد استفاده خود جز حقوق سنتی چرا در آن حق دیگری نداشته، آقاس ها قادر بودند که تملک حقوقی زمینهای قبیله را به دست آورده و بدین وسیله از درآمدهای خود حفاظت و مالکیتهای بزرگی را در ضمن این کار کسب کرده اند. (طبقه بندی نشده) اطلاعات راجع به قبایل مختلف کرد در خارج از عراق کم و یا خیلی قدیمی هستند. در عراق مهمترین قبایل کرد عراق عبارتند از: بارزانی، طالبانی و جاف. از نظر تاریخی قبیله بارزانی جنگجو تر و مستقل تر از سایر قبایل است. کردهای بارزانی بیشتر در شمال عراق و در اطراف دهکده بارزان نزدیک مرز ترکیه



مستقر هستند و بیشتر به کشاورزی مشغولند. آنها مدتها با سایر قبایل و کوچ نشینان که به چراگاههای آنها آمده اند، جنگیده اند و دولت نیز در جنگ با بارزانیها از اینگونه کوچ نشینان و قبایل کمک گرفته است.

ملاصطفی بارزانی از اواخر سالهای ۱۹۳۰ تا زمان مرگش در اواخر ۱۹۷۹ رهبر بدون چون و چرای بارزانیها بوده است. (خیلی محرمانه) بعضی از اعضای قبیله طالبانی در دهکده های شمال غربی خانقین ساکن هستند، در حالی که اکثریت قبیله در منطقه ای در اطراف کرکوک زندگی می کنند. یک دسته از طالبانیها که مانند بارزانیها ساکن هستند و به کشاورزی مشغولند از طرفداران جلال طالبانی تشکیل شده اند که مدت مدیدی بر سر مسئله رهبری نهضت کردها با ملاصطفی بارزانی به نزاع پرداخته است. سایر دسته های قبیله طالبانی توسط شخصیتهای مختلف رهبری می شوند. (خیلی محرمانه) گفته می شود که قبیله جاف بزرگترین قبیله کردهاست. جافها در مناطق دیالا، کرکوک و سلیمانیه در عراق زندگی می کنند. جافها تا اواخر ۱۹۶۰ که توسط دولت ایران جلوگیری شد، در هنگام تابستان برای چرای تابستانی به ایران مهاجرت می کردند. از اواخر سالهای ۱۹۶۰ جافها به قبیله ساکنی تبدیل شدند.

در ۱۹۷۰ قبیله جاف در مقابله بین حکومت وقت و بارزانی خنثی محسوب می شد. (خیلی محرمانه) امروزه اگرچه کردها در منطقه های خود ساکن شده اند، ولیکن هنوز غرور قبیله ای. مهم محسوب می شود. نقاط اختلاف بین آنها بر سر مناطق چراگاهی و طرفین ازدواج است. شواهدی در دست است که پیوندهای بین قبیله ای در حال ضعیف شدن است. یک خانواده حاکم ممکن است به صورت سنتی کنترل بعضی از دهکده ها را در اختیار داشته باشد، ولی دیگر نظم اجتماعی معمول کنترل کامل را اجازه نمی دهد.

از نقطه نظر اقتصادی هویتهای قبیله ای در مناطق شهرنشین کمتر اهمیت دارد. اگرچه تعلقات به یک قبیله خاص ممکن است هنوز بعضی از مزیتها را به دنبال داشته باشد، اما خیلی از کردهایی که بهتر تحصیل کرده اند با عوامل بالاتر از نسبهای کردی شناخته می شوند تا وابستگیهای ویژه قبیله ای. کردهای چپی، رهبران قبیله ای ثروتمند و افراد مذهبی و تجار کرد را متهم کرده اند که مقدمات سرکوب کردهای فقیر را فراهم کرده اند. (طبقه بندی نشده) در ایران اصلاحات ارضی شاه طبقه فئودالهای مهم را از بین برده و نفوذ رهبران قبایل و خانها را به مقدار زیادی کم کرده است. کردهای سایر کشورها نیز حمایت سنتی مالی خود را از رهبرانشان قطع کرده اند. در حالی که کردهای جوانی مانند آنهايي که در اطراف و اکناف کردستان سنتی زندگی می کنند و هنوز هویت قومی خود را حفظ کرده اند، خیلیها از قبایل سنتی قدیمی جدا شده اند. اثر این تغییرات به همراه سیاست دولتهای مختلف در جهت انقیاد کردها تحت سلطه یک قدرت مرکزی، قدرت سیاسی رهبران سنتی کردها را کم و در بعضی موارد نابود کرده است. (خیلی محرمانه)

## موقعیت اقتصادی و اجتماعی

سالها آشوب و مقاومت در مقابل سلطه مرکزی و سهل انگاری دولتهای مختلف و مناطق کوهستانی مانع گسترش بهداشت عملی نوین و تعلیمات جدید در بین کردها شده است. طریقه سنتی زندگی بدوی که به وسیله اکثر کردها اتخاذ شده، موقعیت کمتری جهت تحولات اقتصادی ایجاد کرده است. اما در سالهای اخیر بعضی از دولتها اگر نه به هیچ دلیل دیگر، برای دلایل امنیتی به لزوم تحولات اقتصادی در منطقه





کردنشین پی برده اند. طبق قانون اصلاحات ارضی سال ۱۹۷۰ سرزمینهای بزرگ کردها برای تحویل به دهقانهایی که روی آنها کار می کردند، خرد شد. از زمان پایان آشوب کردها در عراق در سال ۱۹۷۵ دولت بعضی از کردها را از مناطق کوهستانی دور افتاده به دهکده هایی که براساس نمونه هایی مدرن ساخته شده و از امکانات برق و آب و بهداشت برخوردار است، منتقل کرده است. در شوروی زندگی در مجموعه های دهکده ای امنیت بیشتری برای کردها نسبت به موقعیت بدوی قبلیشان به همراه داشته است، ولی این به قیمت روش زندگی سنتی آنها تمام شده است. (خیلی محرمانه) اگر چه هنوز بعضی از قبایل بدوی مهاجر کرد وجود دارند، ولی اکثر کردها در حال حاضر کشاورز شده اند. علیرغم استفاده از متدهای سنتی کشاورزی و لوازم قدیمی و مشکلات زمین، گفته می شود که کشاورزی کردها نسبتاً تولیدی بوده است. در جاهایی که شرایط اجازه دهد، تنباکو مهمترین محصول است. (طبقه بندی نشده) در خاورمیانه سطح بی سوادی در بین کردهای میانسال بسیار بالاتر از حد معمول است. معهدا در طی چندین دهه اخیر سطح علمی کردها در بین طبقه مرفه کردها پیشرفته است. تقریباً همین گروه مرفه شهرنشین بودند که قیام ناسیونالیستی که منجر به جمهوری مهاباد شد را برپا کردند و از آن به بعد نقش مهمی در نهضت‌های ملی کردی ایفا کردند. فارغ التحصیل‌های دانشگاهی در خاورمیانه، اروپای غربی، و آمریکای شمالی و تحصیل‌کرده های کرد، مایل به ترک مناطق کردنشین و رفتن به مناطق شهری و حتی خارج از کشور برای پیدا کردن کار می باشند. در شوروی برخی از کردهای تحصیل‌کرده شهرنشین در روزنامه نگاری تدریس می کنند و در بعضی مواقع در دولت محلی سهم هستند. (طبقه بندی نشده)

### ظهور ناسیونالیسم کردی

تاریخ اولیه کردها مطالب اندکی در مورد اتحاد کردها یا هم پیوستگی ملی ثبت کرده است. اگرچه در بعضی مناطق امارات ناپایدار کردی ایجاد شده است. قبایل منفردی که بین امپراطوریهای رقیب ترکیه و ایران واقع بودند خود را در صف یکی از طرفین قرار می دادند و اغلب با یکدیگر می جنگیدند. در اوائل قرن هفدهم بالاخره ناآرامیهای بین ترکیه و ایران به ثبات انجامید و سه چهارم کردها تحت کنترل عثمانیه در ترکیه و بقیه تحت کنترل سلسله صفوی در ایران قرار گرفتند؛ اما تلاشهای چندی که در جهت نفوذ در کردستان و یا سرکوب آنجا صورت می گرفت، موفق نبود. علیرغم یک سری طغیان در اوائل قرن نوزدهم، هیچ علامتی دال بر اینکه قبایل کرد تشکیل ملتی را بدهند، دیده نشد. اولین مظهر ملی گرایی سیاسی کردهای شورشی بود که در سالهای ۱۸۸۰ به رهبری عبیدالله سمینانی صورت گرفت که غرض آن اتحاد مردم کرد امپراطوریهای ترکیه و ایران در قالب یک کشور بود. اما زمانی که هر دو امپراطوری به قصد حذف این تهدید مشترک با یکدیگر همکاری نمودند. این شورش به شکست انجامید. (طبقه بندی نشده) درست در سالهای قبل از جنگ جهانی اول، روشنفکران کرد انجمن سری ناسیونالیست کرد را بنا نهادند، ولی ناسیونالیسم مدرن کردها تا پایان جنگ شکل نگرفت. قول استقلال داخلی که به دنبال شکست ترکیه داده شد، امید اهالی غیر ترک عثمانیه، از جمله کردها، را در مورد اینکه آنها قادر خواهند بود سرزمینشان را کنترل کنند، افزایش داد. طبق قرارداد متارکه اوت ۱۹۲۰ که بین ترکیه و قدرتهای وقت صورت گرفت، وجود جامعه مجزای کردها شناسایی شد و حق استقلال موقتی کردستان که امروز قسمتی

از جنوب شرقی ترکیه را تشکیل می دهد به رسمیت شناخته شد. (طبقه بندی نشده) به هر حال قرارداد متارکه هرگز مورد تصویب قرار نگرفت و در ژوئیه سال ۱۹۲۳ معاهده توازن که اقلیت کردها را نادیده می گرفت، جایگزین آن شد. «کردستان جنوبی» استان موصل عثمانی - که در زمان خاتمه جنگ تحت کنترل انگلستان بود - قسمتی از استان جدیدالتأسیس عراق شد که تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت. باقیمانده کردستان تحت کنترل ترکیه و عراق قرار گرفت و قسمتهایی هم در سوریه و شوری قرار گرفت. (طبقه بندی نشده) کردهای ایران در طول جنگ، اوقات بهتری را گذراندند. دولت رضاخان که بعداً شاه پهلوی شد، با سرکوب قبیله به قبیله به وسیله اسلحه و یا دوز و کلک یک ملیت متحد جدیدی را بنا نهاد. او رهبران با نفوذ کرد را مجبور به اقامت در تهران یا جاهای دیگر کرد. آشوبهای سالهای ۱۹۲۰، ۱۹۲۶ و ۱۹۳۰ به رهبری آقا اسماعیل، معروف به سیمیتقو، از قبیله شیکاک، سرکوب شد. از طرف دولت ایران تلاشهایی صورت گرفت تا زبان فارسی در بین کردها رایج شود و لباسهای مدرن غربی بجای لباسهای سنتی کردها مورد استفاده قرار گیرد. یک شورش در سال ۱۹۳۱ به رهبری شیخ تافر از قبیله حمدان با شدت سرکوب شد و سپس دولت با مقداری واقعیت اعلام کرد که هیچ مسئله ای در مورد کردها ندارد. (طبقه بندی نشده) در عراق شورش شیخ محمود در سلیمانیه در سال ۱۹۱۹ به وسیله انگلستان سرکوب شد. شورش دیگری در سال ۱۹۲۳ توسط شیخ محمود که خود را شاه کردستان جنوبی خواند، یک بار دیگر سرکوب شد، ولی این شورش حق آموزش زبان کردی در مدارس را به دنبال داشت. حقی که در معاهده ملیتهای تحت قیمومیت انگلستان در سال ۱۹۲۵ ذکر شد. اگرچه سیاست خارجی بریتانیا مخالف تمایلات تجزیه طلبانه کردها نبود ولیکن کشف نفت در جنوب ایران و امکان پیدایش نفت در شمال عراق عملاً بر علیه حمایت بریتانیا از کردستان مستقل عمل کرد. کشف نفت در سال ۱۹۲۷ در منطقه کرکوک که امتیاز آن به آمریکا و اروپاییها داده شد، عملاً تمایلات غربیها را برای حمایت از جنبش استقلال طلب کرد متوقف کرد. (طبقه بندی نشده) عراق که در سال ۱۹۳۰ استقلال یافت، در سال ۱۹۳۲ به منظور کسب عضویت در جامعه ملل، قانون حفاظت از جامعه کردها را وضع کرد. اما در همان سال، تلاشهای دولت جهت تحکیم کنترل خود بر مناطق شمالی، شورشی را که به رهبری ملامصطفی بارزانی هدایت می شد، سرکوب کرد. حملات هوایی به وسیله انگلستان که حضور نظامی خود را بعد از استقلال عراق حفظ کرده بود، ملامصطفی و حامیانش را مجبور کرد که به ترکیه عقب نشینی کنند. بارزانیها دوباره در سال ۱۹۴۳ قیام کردند و تا هنگامی که ملامصطفی در سال ۱۹۴۵ به ایران گریخت، مطیع نشدند. (طبقه بندی نشده) اشغال ایران در سال ۱۹۴۱ توسط روسیه و انگلستان، برای کردها این فرصت را پیش آورد که تنها ایالت کردستان مستقل را در سالهای اخیر تشکیل دهند. در مدتی بیش از چهار سال و در مناطق اشغالی روسها که کردستان هم شامل آن می شد، آذربایجانها و کردها که هر دو در طی دوره اشغال علیه دولت مرکزی قیام کرده بودند، به طور مؤثری خود را اداره کردند. در دسامبر ۱۹۴۵، هر دو گروه (ناسیونالیسم) ملی گرا اعلام جمهوریهای مستقل کردند: جمهوری دمکراتیک آذربایجان (ایران) و جمهوری دمکراتیک مهاباد. رئیس جمهور کردستان «قاضی محمد» بود که از قیام ۱۹۴۱ رهبری کمیته را در اختیار داشت و بر منطقه حکمرانی می کرد. تنها حضور واحدهای نظامی روسی بود که مانع برقراری مجدد کنترل ایرانیها بر

منطقه می شد و هنگامی که روسها در می ۱۹۴۶ با اکراه و طبق معاهده ای که شامل ایران هم می شد از منطقه عقب نشینی کردند، هر دو جمهوری سقوط کرد. قاضی محمد و عده ای دیگر از رهبران کرد اعدام شدند و ملامصطفی بارزانی که فرمانده قوای نظامی جمهوری بود به عراق و سپس به شوروی فرار کرد و مدت ۱۱ سال در آنجا بود. (طبقه بندی نشده) دهه ای که به دنبال سقوط جمهوری مهاباد بود، نسبتاً آرام بود، زیرا دولتهای ایران و ترکیه در جهت خلع سلاح و مقهور ساختن کردهای خود عمل کردند. این دوره آرامش، یک قیام دیگری در سال ۱۹۶۰ در ترکیه را به دنبال داشت، هنگامی که ترکها از عدم ثبات سیاسی که به دنبال سرنگونی دولت به وسیله نیروهای مسلح ترکیه تشدید شد، استفاده کرده و علیه سیاستهای سرکوبگرانه دولت به طور مسلحانه تظاهرات کردند؛ اما ارتش برای سرکوب شورش اعزام شد. (طبقه بندی نشده) در عراق امتناع دولت از پذیرفتن تقاضاهای اکراد، منجر به یک درگیری شد که مدت ۱۴ سال و به همراه آتش بس های گاه به گاه طول کشید. در مدت کوتاهی بعد از به قدرت رسیدن عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸، مراجعت ملامصطفی از اتحاد شوروی به عراق منجر به یک جنگ ناگهانی بین بارزانیها و سایر قبایل کرد شد. اگرچه ملامصطفی تسلط خود را بر اکثر مردم کرد گسترش داد، اما قاسم، از ترس اینکه بارزانیها بیش از حد قدرتمند شوند، شروع به کمک به دشمنان سنتی ملامصطفی کرد. خصومتها در سپتامبر ۱۹۶۱، هنگامی شروع شد که دولت در رابطه با حمله ای به نیروهای مسلح از طرف یک قبیله وابسته با بارزانیها، پناهگاههای سنتی بارزانیها را بمباران کرد. (طبقه بندی نشده) مراجعت ملامصطفی به عراق، شروع یک اقدام موفقیت آمیز در جهت کنترل حزب دمکرات کردستان بود که یک سازمان سیاسی مهم در جنبش کرد محسوب می شود. این حزب در ۱۹۴۶ در ایران از باقیمانده سازمانهای سیاسی قبل از جنگ به وجود آمد و در سازماندهی و ساختمان آن نفوذ قابل توجهی از کمونیسم مشهود بود (کمیته مرکزی و پولیت بورو). علیرغم قیومیت شوروی بر این حزب، کنترل حزب بیشتر به دست کسانی بوده است که استقلال کردها بیشتر برایشان مطرح بوده تا یک انقلاب اجتماعی.

(طبقه بندی نشده) در سال ۱۹۵۹ ملامصطفی اعضای جناح طرفدار کمونیستها را از حزب بیرون کرد و جهت گیری حزب را به سمت راست سوق داد. بهر صورت حزب اساساً به صورت سازمانی درون شهری با بیشترین جاذبه اش در بین تحصیلکرده های بریده از قبیله، باقی ماند. در سال ۱۹۶۴ اغلب رهبران نظامی حزب، شامل جلال طالبانی و ابراهیم احمد، معاون حزب، در جهت برکناری بارزانی از رأس حزب تلاش کردند، اما توسط حامیان قبیله ای بارزانیها مجبور به فرار شدند. از قرار معلوم سالها بعد، دولت عراق در تلاشی جهت تضعیف بارزانیها به جناح طالبانی کمک مالی کرد. (طبقه بندی نشده) در طی سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۰ دولت (عراق - مترجم) چندین تهاجم را علیه کردها بنا نهاد (آغاز کرد)، اما به دلیل عمده که ایران مایل بود به کردها کمک کند و اجازه بدهد که سرزمینش برای حمایت و تجهیز آنها مورد استفاده قرار گیرد، موفق به سرکوب نیروهای تحت رهبری بارزانی نشد. شاه علیرغم تجربه ایران در مقابل اقلیت کرد خودش، حمایت از کردهای عراق را به عنوان وسیله ای برای مهار یک همسایه سوسیالیست طرفدار شوروی تلقی کرد. هم کردها و هم ارتش عراق که بارها تا حدود ۸۰ درصد نیروهای خود را علیه شورش به کار برده اند، خسارات زیادی متحمل شدند. بازوی نظامی حزب

دمکرات کردستان، پیشمرگه ها، نیروهای اصلی رزمنده کردها را تشکیل می دهند. (طبقه بندی نشده) در سال ۱۹۷۰ با توجه به این که درگیریهای شمال موجب سقوط دولتهای مختلف شده بود، دولت بعث عراق تحت ریاست صدام حسین موافقتنامه صلحی با ملامصطفی امضا کرد که به موجب آن امتیازاتی به بارزانیها و حزب دمکرات کردستان داده شد. این امتیازات از امتیازات قبلی بهتر بوده و آنها را همچون عربهای عراق آزاد و متساوی الحقوق کرد.

برنامه های فرهنگی و اقتصادی برای رفاه کردها پیاده شد. از همه مهمتر قول خودمختاری در مناطق کردنشین به کردها داده شد. یک سرشماری رسمی صورت گرفت تا مناطق کردنشین مشخص شود.

(طبقه بندی نشده) در خلال چهار سالی که قرار بود این موافقتنامه اجرا شود، طرفین نتوانستند در اجرای آن به توافق برسند. این موافقتنامه سپس با ایجاد اختلاف بر سر ایالت نفت خیز کرکوک نقض شد و کردهای عراق را متهم کردند که می خواهد طوایف عرب را در مناطق کردنشین سکونت داده و با اعطای حقوق فرهنگی و به سایر اقلیتهای منطقه، آن منطقه را از سلطه کردها خارج نماید. کوششهایی که برای قتل بارزانی و پسرانش صورت گرفت، این مطلب را که دولت در نظر ندارد به قرارداد احترام بگذارد، تأیید کرد. (طبقه بندی نشده) کردها یک قانون خودمختاری را که به صورت یکجانبه به وسیله دولت در مارس ۱۹۷۴ به تصویب رسید که در حقیقت کنترل دولت مرکزی را بر تمامی منطقه کردنشین باز می گرداند، به این عنوان که این قانون از پیمان ۱۹۷۰ تخطی می کند، رد کردند. در همان ماه جنگ بین کردها و دولت عراق شروع شد و مدت یک سال طول کشید. اما در اواخر سال ۱۹۷۴، هنگامی که واحدهای نظامی ایران در حوادث مرزی با واحدهای نظامی عراق به طور فزاینده ای درگیر شدند، نظر شاه در مورد منافی که ادامه حیات از کردهای عراق به دنبال دارد، به طور وضوح عوض شد. در اینکه رهبران ایران واقعا مایل بودند که کردها به یک پیروزی تمام عیار برسند، تردید وجود دارد. هدف اصلی او این بود که عراقیها را آنقدر مشغول نگهدارد، تا اینکه آنها نتوانند در خط مشی او در خلیج فارس مداخله کنند. ظاهرا متوجه شد که پیروزی کردها خطر بیشتری برای یکپارچگی و امنیت ایران در بر دارد تا پیروزی دولت عراق. (طبقه بندی نشده) در نتیجه، ایران و عراق در مارس ۱۹۷۵، در طی معاهده الجزیره بر سر تعیین سرحدات و مرزهای آبی و برقراری امنیت و اعتماد دوجانبه در طول مرزهای مشترکشان به منظور پایان دادن به تمامی خرابکاریهایی که از جانب طرفین صورت می گرفت، توافق کردند. در موافقتنامه های دنباله قرارداد الجزیره، عراق چندین امتیاز، چه سیاسی و چه ارضی به ایران داد. عراق مدت مدیدی اعراب و بلوچها را به مقاومت در مقابل شاه تشویق کرده بود و ادعا می کرد که استان خوزستان ایران از سرزمینهای اعراب است. دولت بعثی تمامی ادعاهای خود را در مورد خوزستان پس گرفت و با این مورد که مرز آبی خط وسط شط العرب باشد، موافقت نمود. همچنان به اینکه ترتیبات مرزبندی در امتداد مرزهای خشکی با ایران باشد، رضایت داد. ایران در عوض کمک به کردها را متوقف کرد. عراق در مقابل این امتیازها توانست بر سر خاتمه دادن شورشهای کردی و تهدید دخالتهای خارجی به توافق برسد. (طبقه بندی نشده) از پایان جنگ در مارس ۱۹۷۵، هوشیاری نظامی عراق و برنامه های جذبی اقتصادی آن در مقابل اقلیت کرد، سطح فعالیتها ضد دولتی را در یک حداقل حفظ کرده است. اگرچه وقایع و تلاشهایی جهت سوء قصد به کردهایی که با دولت همکاری می کنند، صورت گرفته است بین ۹۰۰۰۰ تا ۲۵۰/۰۰۰ کرد،

بعد از سقوط جبهه کردها به ایران گریختند، ولی تا پایان سال ۱۹۷۵، اکثر پناهندگان از فرصت عفو عمومی استفاده کرده و به عراق بازگشتند. اگرچه بارزانی عراق را ترک کرد و در آمریکا تا هنگام مرگش در مارس ۱۹۷۹ در تبعید به سر برد، پسرانش ادريس و مسعود تلاش کرده اند که رهبری حزب دمکرات کردستان را به دست گیرند. (SNF).

کوشش ناسیونالیستهای کرد در ایران برای استفاده از سقوط شاه در اوائل سال ۱۹۷۹ منجر به درگیریهایی با قوای دولتی شد و برخی از نواحی کردستان ایران همچنان تحت نفوذ کامل کردها باقی ماند.

در همین زمان، احیای فعالیتهای مخالف کردها در ایران موجب افزایش احساسات و فعالیتهای کردها در ترکیه شده است.

در اواسط ۱۹۷۹ بالا- گرفتن فعالیت ناراضیان در ایالتهای کردنشین عراق به چشم می خورد که در ضمن آنها برخوردهای کوچکی به طور متناوب بین گشیهای ارتش عراق و چریکهای کرد روی می داد، اما در جنگ بین دو طرف افزایش چشمگیری پدیدار نگشته است. (SNF)

### مسئله کردها و سیاست دولت ایران

مناطقى که به اسم کردستان نامیده می شود، سرزمینهایی را در پنج کشور ایران، ترکیه، عراق، سوریه و روسیه شوروی در برمی گیرد. بررسی سیاست این دولتها در قبال کردها و اقلیتهای کرد در این کشورها در زیر می آید. (طبقه بندی نشده) ایران از اواخر سال ۱۹۴۰ تا اوائل ۱۹۷۸ رژیم شاه قادر به آرام نگهداشتن نسبی کردها بود. این منظور از طرق زیر عملی گردید: حضور نظامی گسترده در منطقه کردنشین، مسلح کردن کردهای وفادار به حکومت، تبعید رهبران ایلی مظنون به فعالیت ضد حکومتی و توسعه امکانات اقتصادی و آموزشی در منطقه.

کردهایی که در مقابل هواداری از حقوق کردها به حمایت از ناسیونالیسم ایرانی پرداختند در زمره برجسته ترین طرفداران مصدق، نخست وزیر ایران در اوائل سالهای ۱۹۵۰ بودند. در زمان شاه عده رو به تزایدی از کردها نظر خود را تغییر داده و آینده خود را مرتبط با آینده ایران دانستند. (طبقه بندی نشده) بیش از ۴۰ قبیله و کنفدراسیون کردی که در ایران وجود دارند سنتی قوی و مستمر در اختلاف و جنگ با یکدیگر داشته اند و رهبری واحدی که اکثریت قبایل وی را قبول داشته باشند، یافت نمی شود.

اصلاحات ارضی که در جهت تضعیف اقتدار رهبران قبایل قرار دارد بیش از هر ناحیه ایران در شمال غرب آن تأثیر و سرعت اجرا داشته است؛ هر چند که بعضی از رهبران قبایل که تصور می شده به دولت وفادارند، اجازه یافته اند که املاک وسیعی را حفظ نمایند. به علاوه نقل مکان بسیاری از کردها جوانتر و صاحب عزم بیشتر و تحصیلات بهتر به شهرها شماره رهبران آینده را کاسته و رفاه تعداد هرچه افزونتری از خانواده ها را در ارتباط با پیشرفت ایران قرار داده است. (طبقه بندی نشده) بخش بزرگی از انگیزه فعالیتهای کردی ضد رژیم شاه در سال قبل از سقوط او در ایران احتمالاً همان احساساتی بود که مخالفین دولت در سرتاسر کشور را تحریک نمود. اگرچه ناراحتی از اعمال ضد کردی

رژیم ممکن است، آن احساسات را تقویت کرده باشد. بسیاری از کردها، منجمله بعضی که با شورش کردها علیه دولت عراق زیاد موافق نبودند، از توافق شاه با بغداد در سال ۱۹۷۵ که به موجب آن کمک به کردهای عراقی خاتمه می یافت، به نحوی احساس کردند که به خود وا گذاشته شده اند. با «عملیات سرکوبی» ارتش که متعاقباً در امتداد مرز ایران و عراق علیه کردها انجام گرفت این خشم فزونی یافت.

کردها که شدیداً خواهان خودمختاری بیشتر و دارای گروههای ثابت چریکی بودند، توانستند سریعتر از بقیه گروههای قومی از کنترل رو به ضعف مرکز استفاده جویند. (SNF)

## مواضع و سیاستهای دولت

در فوریه ۱۹۷۹ وقتی که مهندس بازرگان زمام امور را به دست گرفت، دریافت که اتحادیه وسیعی از رهبران مذهبی، سیاسی و قبیله ای کردها که به خوبی مسلح بوده و به وسیله نیروهای چریکی و فراریان ارتش پشتیبانی می شوند، کنترل مناطق وسیعی از ناحیه شمال غربی کشور را در دست گرفته اند. در همان حال که رهبران دسته های کرد، نمایندگان دولت و رهبران محلی طرفدار خمینی برای کسب موقعیت جولان می دادند تشنجات به سرعت پا گرفت و چند رویداد خشونت بار اتفاق افتاد. (طبقه بندی نشده) مقامات دولتی و مذهبی از یک شهروند سرشناس سنندج به نام احمد مفتی زاده حمایت کردند، و در ماه آوریل او را تنها رهبر مذهبی و سیاسی کردها خواندند. آنها همچنین ظاهراً انتظار داشتند که رهبران مذهبی و سیاسی کرد شیعه بتوانند در مناطق خود قدرت را به دست گیرند. اما چنان که گزارش شد چند تن از محترمین شیعه پس از درگیریهایی با کردهای سنی ناراضی از منطقه فرار کردند. (SNF NC OC) دولت، که از شورش آشکار کردها، که مسلح به سلاحهای غنیمت گرفته شده از ارتش بودند می ترسید، هیئتهایی را برای تشویق کردها به مصالحه تعیین کرد. وعده های دولت جمهوری اسلامی به اینکه این منطقه در حد معتابهی خودمختاری خواهد داشت، اگرچه در آرام کردن اوضاع سهیم بود، ولیکن فشار آنقدر بالا بود که منجر به درگیریهای شدیدی در سنندج و نرده شد. رویدادهای نسبتاً جزئی ماه مارس موجب یک جنگ پنج روزه پرخونریزی بین سربازان دولتی و قوای نامنظم کردها در شهر سنندج و برخوردهایی در نرده آذربایجان غربی بین کردها و طرفداران خمینی در اواخر آوریل شدند. در اواسط ۱۹۷۹، طرفداران خمینی و قوای امنیتی هنوز در حال درگیری با رهبران کرد برای کنترل حکومتهای محلی و جمعیت منطقه بودند.

به خصوص حزب دمکرات کردستان به نظر می رسید که با جدیت سعی دارد که نفوذ و تعداد اعضای خود را - گاهی اوقات با اعمال زور - گسترش دهد تا در حد ممکن برتری خود را در منطقه کردنشین تثبیت نماید. (SNF) سیاست دولت بازرگان در مقابل کردها، حاکی از توانایی محدود تهران در اعمال قدرت خود می باشد.

دولت با پیشنهادهایی که برای مذاکره دارد و تأکیداتش بر اینکه قانون اساسی و قوانین جدید موجبات خودمختاری نسبی را فراهم می کنند، ظاهراً خواستار مهلت است. مقامات رسمی بارها اعلام کرده اند که تعلیم و تربیت به زبان کردی و حفظ سنتهای محلی آزاد خواهد بود و حتی زبان کردی در رادیو و تلویزیون و مطبوعات می توانند مورد استفاده قرار گیرد. از طرفی به موجب پیش نویس قانون اساسی که در در ۱۵ ژوئن منتشر شده شوراهای محلی حکومت «هر ده، شهر، منطقه یا استان» را در دست دارند. (SNF)





رهبران سیاسی و دینی بیم آن دارند که جنبش خودمختاری کردها، اقلیتهای دیگر ایران را نیز به خواستن چنان حقوقی تحریک کند؛ امری که می تواند موجب تجزیه کشور شود. در نتیجه آنها سعی نموده اند که با ممانعت از گسترش حزب دمکرات به مناطق دارای جمعیت از گسترش حزب دمکرات به مناطق دارای جمعیت مخلوط و سعی بر به رسمیت نشناختن موقعیت سیاسی رهبری آن به طور کامل و ظاهراً مسلح کردن ساکنان بی طرف یا ضد حزب دمکرات مناطق کردنشین، رشد را محدود سازند.

(SNF)

### مواضع کردها، گروهها و رهبران

بسیاری از رهبران کرد نسبت به وعده و وعیدهای دولت بدبین هستند و می دانند که دولت مرکزی سرانجام مجبور به توسل به زور برای حفظ سلطه خود خواهد بود. سخنگویان کردها گفته اند که کردها خواهان استقلال نیستند و ترجیح می دهند که از طرق صلح آمیز به مقاصد خود برسند، اما می گویند که در صورت لزوم کردها برای حقوق خود جنگ نیز می کنند. خواستههای کردها که در یک راهپیمایی در ۲ مارس اعلام شده، چنین است:

- کنترل منطقه ای که به وسیله عوامل تاریخی، اقتصادی و جغرافیایی تعیین شده و تصمیم درباره آن با یک فرماندم اتخاذ می گردد. این منطقه شامل استان کردستان و قسمتهای بزرگی از استانهای مجاور می شود.

- یک پارلمان کردی در منطقه که با آرای مردم انتخاب می شود و ضبط و ربط محلی تمام واحدهای دولتی، انتظامی و نظامی.

- استفاده از زبان کردی در مدارس و به عنوان زبان رسمی منطقه خودمختار.

- تضمین آزادی بیان، مطبوعات، مسافرت، کار و همبستگی. (SNF NC OC) به نظر رسید که عزالدین حسینی رهبر کردهای سنی در یک مصاحبه قبل از ملاقاتش با خمینی در اواسط می خواسته های اکراد را تا سطح تقاضای کنترل فعالیت های فرهنگی و امور اقتصادی محلی و استفاده رسمی از زبان کردی و آزادی برای انتخاب خط سیاسی خود، کاهش داد. او به خصوص از تقاضای کنترل ارتش در منطقه دست برداشت، نکته ای که دولت نمی توانست با آن موافقت کند. مشخص نیست که آیا گزارش مطبوعات از این نظریات دقیق است و یا اینکه سایر رهبران کرد موافقت خواهند کرد یا نه، ولی به نظر می رسد که همه موافقت کرده اند که امور خارجه، دفاع ملی، بازرگانی و طرحهای عمده اقتصادی - که عبارت از اعطای امتیازاتی برای تحولات کردستان باشد - بایستی تحت کنترل دولت مرکزی باشد. (SNF NC OC) اخیراً رهبران متعدد و گروههای سیاسی از جانب کردها صحبت کرده اند. حزب دمکرات در حمایت از خواسته های اکراد خیلی فعال بوده است، ولی گستردگی ریشه های سازمانی و یا حامیان آن مشخص نیست. حزب دمکرات ایران با حزب دمکرات کردستان در عراق ارتباط کمی دارد. حزب دمکرات ایران با حزب کردستان عراق سازمان سیاسی اصلی در شورش کردها بود که به وسیله ملامصطفی بارزانی رهبری می شد.

حزب دمکرات کردستان ایران در زمان شاه غیرقانونی بود، اما بین دانشجویان در آمریکا و اروپا

ص: ۷۴۰

طرفداری داشت. فقط از زمان سقوط شاه بوده است که این حزب یک سازمان سیاسی فعال شده است.

(SNF NC OC) اغلب رهبران حزب به نظر می‌رسد چپی‌هایی باشند که در روزهای آخر رژیم سلطنتی از تبعید برگشتند. دبیرکل حزب «عبدالرحمن قاسملو» که مدت ۲۵ سال خارج از ایران زندگی کرده است، مهمتر از بقیه بوده است. او ادعا می‌کند که حزب دمکرات کردستان نماینده وجهه مشترک احساسات کردها می‌باشد و گفته است که مذاکرات با دولت به منظور کسب ضمانت خودمختاری در قانون اساسی اسلامی جدید لازم بوده است، از قرار معلوم قاسملو مورد انتقاد قرار گرفته است، زیرا به نظر می‌رسد که در موارد بسیار زیادی وفاداری خود را تغییر داده است و مایل است با دولت و رهبران مذهبی، که خیلی از کردها معتقدند آنها مایلند خواسته‌های کردها را بی‌جواب بگذارند، مذاکره کند.

قاسملو چندین سال در چکسلواکی زندگی کرده است و پیوندهای نزدیکی با حزب ایرانی کمونیست توده داشته است. (SNF NC OC) به نظر می‌رسد که شیخ عزالدین حسینی، روحانی اصلی سنی در مهاباد، پایتخت جمهوری کوتاه مدت کردستان، محبوبترین و بانفوذترین چهره مذهبی کردها می‌باشد. او چندین تلاش به منظور مذاکره با رهبران سیاسی و مذهبی اصلی دولت انقلاب را رهبری کرده است؛ اگر چه به طور عمیقی نسبت به خمینی و اهدافش سوءظن دارد.

در اواسط می ۱۹۷۹، حسینی و سایر روحانیون کرد با خمینی ملاقات کردند. حسینی او را (خمینی) نسبت به خودمختاری کردها «بی‌علاقه» توصیف کرد. آنها با طالقانی، که قبلاً در همان سال با مذاکره، مصالحه‌ای بین کردهای مخالف و نیروهای طرفدار خمینی ترتیب داده بود، ملاقات کردند. (خیلی محرمانه) در اواسط سال ۱۹۷۹، رهبران کردها و حامیان‌شان عملاً با متن قانون اساسی جدید و روشی که مورد تصویب قرار گرفت، مخالفت کردند. کردها، مانند سایر اقلیتها، معتقدند که مواد مقرر در قانون اساسی در مورد خودمختاری منطقه‌ای و احترام به مسلمانان سنی خیلی ضعیف هستند. حسینی گفته است که مواد مقرر در قانون اساسی در مورد اقلیتها «تصورات کلی قدیمی با اسامی جدید» هستند و این استثناء که اسلام شیعی دین کشور است، محققاً تحریکی برای برخورد‌های فرقه‌ای می‌باشد. احمد مفتی زاده، رهبر کرد مطرح شده از جانب دولت، نیز از متن تهیه شده قانون اساسی انتقاد کرده است و تقاضای لغو اشاره قانون به اسلام شیعه به عنوان دین کشور را کرده است. مفتی زاده و حسینی مشترکاً متنی را امضاء کرده‌اند که خواستار یک جمهوری اسلامی بدون اشاره به شیعه می‌باشند و خواستار حضور نمایندگان اقلیتها در شورایی که متن تمام مواد قانون اساسی را مرور می‌کنند، شدند. (خیلی محرمانه)

## همکاری با کردهای همسایه

مخالفین کرد عراقی و ایرانی سابقه طولانی در همکاری دارند. قاسملو دبیرکل حزب دمکرات کردستان با حزب کمونیست عراق، که اعضای کرد بسیاری دارد، روابط نزدیکی داشته است. (خیلی محرمانه) دو گروه چریکی رقیب در عراق، یکی تحت رهبری جلال طالبانی و دیگری تحت رهبری پسران ملامصطفی بارزانی فقید، در بین بعضی از کردهای ایران پیروانی دارند. گزارش شده است که قاسملو دبیرکل حزب دمکرات کردستان، در صدد میانجیگری بین این دو گروه رقیب بوده است و تلاش

کرده است که آنها را، با حزب دموکرات کردستان هم پیمان کند. هم چنین شواهدی در دست است که حکومت جدید در تهران تلاش کرده است روابط خود را با برادران بارزانی توسعه دهد. حدوداً در همین زمان گفته شد که قاسملو سعی می کند با نیروهای بارزانی برای ائتلاف مذاکره کند، ولی ظاهراً موفق نشد.

به نظر می رسد که نیروهای بارزانی نسبت به حمایت از جبهه طلبیهای سیاسی قاسملو و یا حزب دمکرات کردستان بی علاقه هستند. تعدادی از گزارشها حکایت دارند از اینکه ممکن است طالبانی با حزب دمکرات همکاری داشته باشد. اما استعمال بی تکلف لفظ پیشمرگه توسط ایرانیان اغلب تشخیص اینکه، آیا گروههای چریکی مطرح شده طرفداران طالبانی یا سایر کردهای مسلح هستند، را مشکل می کند.

آنچه قطعی است، این است که طالبانی و رهبران حزب دمکرات کردستان در حال بررسی فعالیت‌های مشترک هستند. (SNF NC OC) شایعات گسترده، که مورد قبول دولت ایران است، اظهار می دارد که یک دسته چریکی دیگر شامل بعضی از جافها که از طرف سپهد عزیزالله پالیزبان، کردی که مدت مدیدی رئیس قسمت اطلاعات ارتش زمان شاه بود، رهبری می شود، علیه دولت محلی و نمایندگان خمینی در غرب و شمال غربی فعال بوده است.

به هر حال، بسیاری از اقداماتی که به این گروه نسبت داده می شود ممکن است کار راهزنها باشد.

(SNF) منابع مختلف ادعا کرده اند که هر یک از این سه گروه چریکی و حزب دمکرات کردستان هسته های سازمان یافته ای مرکب از چند صد تا چندین هزار نفر در داخل ایران دارند. این ادعاها را نمی توان تأیید کرد ولیکن بسیاری از گروههای کرد دارای عناصر مجهز بزرگ، ولی نامنظم هستند که از خودمختاری در مقابل نیروهای حکومتی دفاع می کنند. (SNF) اسلحه هایی که به وسیله مأموران امنیتی ایران، عراق و ترکیه از کردها به دست آمده است، نشان دهنده تبادلات روزافزون مهمات ارتشی بین کردها در امتداد سه مرز می باشد. کردهای مخالف دریافته اند که اگر بتوانند مناطق امنی را به وجود بیاورند قوی خواهند بود و مرزهای ایران در حال حاضر مانند قلمرو مشخصی به منظور فعالیت در عراق و ترکیه و همچنین ایران در خدمت چنین دسته هایی قرارداد. (SNF)

## عراق

روابط بین کردهای عراق و دولت مرکزی تحت کنترل اعراب در بغداد در طی سالها زد و خورد و به وسیله احساس عمیق عدم اطمینانی که نسبت به کردها در طراحان بعثی اتحادیه اعراب وجود دارد، شکل گرفته است. کردها این گروه را برای آمالشان زیان آور می دانند. اگرچه کردها از ضعف گاه به گاه دولتمردان مرکزی و قول کمکهای خارجی به منظور اجرای چندین شورش علیه دولت استفاده برده اند، اما در اکثر مواقع آنها در پی استقلال از عراق نبوده اند، بلکه برای حقوق متساوی با اعراب و خودمختاری داخلی در چارچوب یک عراق واحد جنگیده اند.

هنگامی که امید اکراد برای خودمختاری و تساوی به دنبال انقلاب ۱۹۵۸ به وسیله قاسم به ناامیدی کشید، آنها شورش ۱۴ ساله متناوبی را شروع کردند. شکست در خاتمه دادن برخوردها باعث سرنگونی سه دولت عراق در سالهای ۱۹۶۰ گردید. (طبقه بندی نشده)



در سال ۱۹۷۰ هنگامی که دولت بعثی صدام حسین قراردادی را با ملامصطفی بارزانی امضا کرد که حقوق ملی مردم کرد را به رسمیت می شناخت و به آنها حق خودمختاری قانونی اعطا می کرد، احتمال برآورده شدن خواسته های کردها از همه وقت بیشتر شد. زبان کردی در مناطق خودمختاری کردی زبان رسمی می شد و مؤسسات آموزشی کردی، شامل یک دانشگاه در سلیمانیه، دایر می گردید. کردهای در مناصب نظامی، پلیسی و دانشگاهی به نسبت جمعیتشان در کل جامعه منصوب می شدند. حزب دمکرات کردستان به طور رسمی به رسمیت شناخته می شد و دولت بعثی قول انتصاب یک معاون رئیس جمهور کرد را می داد. بارزانی مجاز به حفظ مهمات سنگین خود شد، در حالی که دولت قول داد که حقوق واحدهای پیشمرگه را که در شورش جنگیده بودند، بپردازد و آنها به عنوان نیروی مرزی عمل کنند. (خیلی محرمانه) دولت بعثی که فقط دو سال بر سر قدرت بود در عوض امنیت و ثبات داخلی، امتیازات بزرگی در جهت آمال کردها به آنها داده بود. بارزانی کنترل سرزمینی بیشتر از آنچه که تاکنون داشت، به دست آورد. یک روزنامه کردی و ایستگاه رادیویی کردی شروع به کار کردند و پیشمرگه ها دست نخورده و مسلح باقی ماندند. به هر حال طی چهار سال بعد ضمن آنکه بعثیها کنترل خود را بر دولت تثبیت کردند و کردها تقاضای خود برای زمین و درآمدهای نفتی را بالا می بردند، روابط بین دولت مرکزی و ملامصطفی به وخامت گرایید. (خیلی محرمانه) احتمالاً تجدید جنگ در مارس ۱۹۷۴ اجتناب ناپذیر بود، دولت مایل به اعطای امتیازات سیاسی و اقتصادی به کردها نبود، چون امتیازات بقیه مردم عراق را نادیده می گرفتند. آنچه که از اهمیت ویژه ای برخوردار بود، امتناع دولت در انجام یک سرشماری در کرکوک به منظور بررسی ساخت قومی شهر بود.

طرح خودمختاری که در مارس ۱۹۷۴ توسط دولت بعثی پیش کشیده شد به سه استانی که کردها در آنجا اکثریت داشتند یک خودمختاری اسمی به کردها می داد. اما در واقعیت فقط نمایشی از خودمختاری به کردها داده شد. اعضای شورای اجرایی و مقننه که به وسیله قانون خود مختاری تشکیل می شد، به وسیله دولت انتخاب می شدند. کردهای طرفدار دولت که به عنوان اعضای کابینه و معاون رئیس جمهور منصوب شده اند مراقب بودند که در مورد گسترده گی اختیاراتشان تجربه اندوزی نکنند. در مارس ۱۹۷۵ شورش ۱۴ ساله کردهای عراق علیه دولت به طور مؤثر به وسیله قرارداد الجزیره بین ایران و عراق خاتمه یافت.

این قرارداد توانایی کردها را در مقاومت در برابر تلاشهای دولت جهت آرام کردن منطقه کردنشین از بین می برد. (خیلی محرمانه)

## مواضع و سیاستهای دولت

دولت بعثی مصمم است که دیگر به کردها اجازه بازیابی ظرفیت انجام عمل مستقیم را ندهد. تا حدود اواسط ۱۹۷۹، دولت یک حضور نظامی ویژه ای را در شمال حفظ کرد، در حالیکه در همان زمان مقدار زیادی از اختصاصات خود را مصروف پیشرفتهای اقتصادی و سیاسی منطقه می کرد. (خیلی محرمانه) بعثیها پنج قسمت از ارتش یازده قسمتی خود و ۵۰/۰۰۰ پلیس، نگهبان مرزی و پرسنل احتیاط را در استانهای شمالی نگهداری می کنند. ارتش حضور مشهود خود را به همراه اردوگاههای نظامی و پستهای خارجی بر فراز تپه ها و سربازان خود را درون شهرها حفظ می کند. یک نوار مرزی ۲۰ کیلومتری امنیتی در امتداد مرزهای ایران و ترکیه به وجود آمده که رژیم روستاهای داخل آن را نابود کرده و به اجبار اکثر



اهالی روستاها را در مناطقی دور از نواحی مرزی و خارج از سرزمینهای سخت کوهستانی، حضور نظامی عراق هوشیارانه تر است و به نظر می رسد که زندگی روستایی معمولی باشد.

(SNF) عراق به دنبال گزارشهایی در مورد ناآرامیهای کردها در ایران و ترکیه در بهار ۱۹۷۹، به طور فزاینده ای در مورد احتمال احیای فعالیتهای مخالفین نگران شد. ایران و عراق در طی نوامبر ۱۹۷۸، عملیات مشترک نظامی را که به منظور ایجاد آرامش در طول مرزها صورت می گرفت، رهبری می کردند.

نگرانی بغداد در مورد فراهم بودن گسترده نیروها در منطقه، فقدان کنترل مرزی از جانب ایران و «پیگیری» احیای کردها منجر به این شد که عراق با عبور از مرز هوایی ایران در ژوئن روستاهای ایران را بمباران کند.

(SNF) دولت تهدیداتش در مورد استفاده از نیروی نظامی و سایر روشهای سرکوبگرانه را با پیشنهاد عفو عمومی و قول اصلاحات اقتصادی و ارضی سخاوتمندانه، تعدیل کرد. در دسامبر ۱۹۷۷، در عملی که به وضوح در رابطه با کردها بود، دولت برای تمام تبعیدیهای سیاسی که در خارج زندگی می کنند، اعلام عفو عمومی کرد. در مارس ۱۹۷۹، تعداد نامشخصی کرد که در ۱۹۷۵ به ایران گریخته بودند، مجاز به بازگشت شدند. اکثر کردهایی که بعد از پایان جنگ داخلی در جنوب اسکان داده شده بودند، مجاز شدند که به شمال برگردند، ولی نه به دهکده های سنتی خودشان. در عوض آنها «تشویق» به اسکان به صورت گروههای کوچک و در ساختمانهای ویژه ای که در تمام شمال پراکنده است، شدند. ظاهراً خانواده های جنگجویان پیشمرگه مفقودالاشرف یا مظنون به اخلاص، در تبعید اجباری در جنوب عراق و یا در ایران باقی ماندند. (خیلی محرمانه) دولت همچنین مشغول یک سرمایه گذاری عظیم در شمال است. دولت به دنبال مسافرت صدام حسین به سلیمانیه و اربیل در اواخر مارس اعلام کرد که ۳۰ درصد بودجه عمرانی ۱۹۷۹ - یا بیش از ۳ میلیارد دلار - در برنامه های سه استان کردنشین صرف خواهد شد. بیشترین بخش این پول، به درصد، برای توسعه حمل و نقل و ارتباطات، که مورد لزوم عملیات نظامی و همچنین مورد استفاده شهروندان قرار می گیرد، اختصاص داده خواهد شد. آموزش و پرورش کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است، فقط پنج درصد. بغداد همچنین به امید وابسته کردن منافع اقتصادی کردها به صنعت توریسم و ثبات، صنعت توریسم را در منطقه گسترش داده است، و تسهیلات گرانقیمت آمد و شد را فراهم نموده است. (خیلی محرمانه) بغداد در طی سالهای گذشته تلاش کرده است که با نمایندگان گروههای طالبانی و بارزانی به منظور مذاکره برای رفع اختلاف تماس بگیرد. اما شرایط کردها برای دولت غیرقابل قبول می باشند. اینها معمولاً شامل تقاضای خودمختاری در مناطق وسیع تر که شامل کرکوک و مناطق نفتی آن می شود، عقب نشینی نیروهای دولت از مناطق خودمختار و تعهد امنیت گروهها به وسیله پیشمرگه ها و انفصال تمامی اعضای فعلی شورای اجرائی و مقننه که به توسط دولت منصوب شده اند و جایگزینی آنها توسط نمایندگان انتخابی می باشد. (SNF) سال گذشته ملی گرایان بر اثر تصمیم دولت مبنی بر اینکه آموزش ۴۰ درصد تمامی مواد درسی در مدارس کردستان، به استثنای آموزش زبان، بایستی به عربی باشد، نگران شدند. اگرچه بغداد دلیل می آورد



که هدف این اصلاح، توسعه موازنه برنامه های فرهنگی بود، ولی ملی گرایان کرد این حرکت را تلاش دیگری جهت عربی کردن سرزمینهای کردی به وسیله بغداد می دیدند. (SNF) اگر چه مقداری افزایش فعالیتهای چریکی در اوائل ۱۹۷۹ مشهود بود و زد و خوردهای کوچک در اواسط سال ۱۹۷۹ بین گشتیهای ارتش عراق و چریکهای کرد تقریباً هر روز رخ می داد. فعالیت عناصر مخالف و ناراضی به مقیاس فوران کننده ای مشهود نبود، معذالک ادامه فعالیت چریکی ترس حکومت را از مداخله بیگانه تشدید کرده است.

چریکهای کرد علیه واحدهای منزوی شده ارتش دست به فعالیتهای جنگ و گریز می زنند، ولی زدو خورد بین فرقه های مختلف کرد و دشواری در حفظ جاده های آذوقه رسانی و فشار شدید نظامی حکومت، توانایی آنها را برای وارد آوردن ضربه کاری به نیروهای دولتی تضعیف کرده است. آزادی عملی که کردها در ایران به دست آورده اند و دسترسی آنها به ذخایر بزرگی از اسلحه که از پادگانهای ایران به دست آمده است، در آینده برای بغداد مشکلاتی به وجود خواهد آورد. (سری)

### سازمانها و رهبران کرد

در اواسط ۱۹۷۹ نهضت ملی گرایان کردها در عراق در بی نظمی بود: رهبران در تبعید، دسته هایش به صورت بدی متفرق و تشکیلاتش عملاً وجود نداشت. تلاشهای رهبران رقیب جهت وصله پینه کردن اختلافاتشان و تشکیل یک جبهه متحد علیه دولت عراق شکست خورده است. در عوض، کردهای وفادار به جلال طالبانی و گروههای وفادار به خانواده های بارزانی، به منظور تصفیه، به متهم ساختن یکدیگر در عقد موافقتنامه های سری با بغداد یا تهران ادامه می دهند. (سری) وقایع ایران و مرگ ملامصطفی بارزانی ظاهراً در بهبود روابط بین دسته های مختلف کردها اثر اندکی داشته است. بارزانی در بعضی از زمینه ها به خاطر شکست در جنگ داخلی و افشای کمکهای آمریکا، اسرائیل و سازمان اطلاعات و امنیت ایران بدنام شده است. او که از سال ۱۹۷۵ به صورت تبعید در ایالات متحده بوده، تنها تماسهای اندکی با جنگجویان پیشمرگه خود و حزب دمکرات کردستان داشته است.

بارزانی قبل از مرگ خود در ۱۹۷۹، ظاهراً دریافته بود که کردها راههای زیادی در مقابل خود ندارند و در نتیجه انتظارات خود را کم کرده بود. (سری) چندین مدعی بر سر جانشینی بارزانی با هم رقابت می کنند. پسرانش، ادیس و مسعود ادعای رهبری آنچه که از حزب دمکرات کردستان باقی مانده و جامعه تبعیدیهای کرد در ایران و اروپا را دارند. مسعود پسر جوانتر ملامصطفی، عضو رهبری موقت حزب دمکرات کردستان است و یک بار طبق گزارش مایل به مذاکره با دولت عراق بود. به نظر می رسد مسعود، فرمانده نظامی گروههای بارزانی است و متناوباً به ایران، سوریه و عراق مسافرت می کند. در حالی که ادیس به مثابه یک طرف مذاکره سیاسی در تهران عمل می کند. هر دوی بارزانیها به وابستگی سنتی قبیله ای به عنوان اساس حمایتشان تکیه می کنند. (سری) دومین مدعی برای رهبری کردهای عراقی، جلال طالبانی است که روزی عضو حزب دمکرات کردستان و مدت مدیدی دشمن ملامصطفی بود. طالبانی تا وقتی که گفتگوهای رفع اختلاف بین سوریه و عراق شروع شد، در دمشق بود و سالها برای تاخت و تازهایش در عراق از سوریه و لیبی طبق اظهاراتی از شوروی کمک دریافت می کرده است.



اختلاف بین طالبانی ۴۶ ساله و بارزانی بیشتر تاکتیکی است تا ایدئولوژیکی. طالبانی در مقایسه با بارزانی ها که دارای خصوصیات عربی هستند، تمایلات چپی دارد؛ اگر چه این عبارات در بین کردها زیاد پر معنی نیستند. طالبانی که طرفدار تروریسم است، روابط خود را با جرج حبش، رهبر جبهه رهایی بخش فلسطین، حفظ می کند و احتمالاً مسئول ربودن کارکنان فرانسوی و لهستانی در اواخر ۱۹۷۷ و ترور مقامات کرد طرفدار بغداد در ۱۹۷۷ می باشد. همچنین ممکن است که پیروان طالبانی در اوائل ژوئن ۱۹۷۹، تلاش کرده اند تا وزیر کشور و عضو شورای رهبری انقلاب، عزت ابراهیم الدوری، را در سلیمانیه ترور کنند. (SNF) بارزانی و طالبانی کوششهای متعددی کرده اند تا نیروهای خود را علیه عراق، دشمن مشترک، متحد کنند، ولیکن همه این کوششها منجر به شکست شده است. در مارس ۱۹۷۷ مسعود بارزانی و طالبانی موافقتنامه ای برای اتحاد نیروهای خود امضاء کردند. این قرارداد که به وسیله سوریه به جریان افتاده و بارزانیها از روی بی میلی به آن تن در داده اند، هرگز به مورد اجرا گذاشته نشد. بارزانیها به طور اخص در مورد تمایل طالبانی به ترورهای شهری اعتراض کردند. شش ماه بعد دوباره دو گروه با هم به زد و خورد پرداختند. (سری) مدعی سوم برای رهبری کردهای عراق محمد محمود عبدالرحمن است که در چند ماه قبل ظاهر شده است و به نظر می رسد، در بین رهبران کردهای مخالف جلب اعتماد می کند. عبدالرحمن مشهور به سامی یکی از اعضای حزب کمونیست عراق در سالهای ۱۹۵۰ بود، اما در سالهای ۱۹۶۰ یکی از رهبران با نفوذ حزب دمکرات کردستان شد. او ظاهراً مورد اعتماد ملامصطفی قرار گرفت و در مذاکرات با دولت عراق و طالبانی نمایندگی او را داشت. عبدالرحمن یکی از پنج کرد طرفدار بارزانی بود که به دنبال متارکه جنگ در سال ۱۹۷۰، در کابینه عراق منصوب شد و به عنوان وزیر مسائل شمال تا شروع دوباره جنگ در ۱۹۷۴، خدمت کرد.

او به عنوان رئیس فرماندهی موقت گروه کوچکی که متشکل از وفاداران سابق حزب دمکرات بود، توصیف می شد. (خیلی محرمانه) تا اواسط ۱۹۷۹، اطلاعات اندکی در مورد مقدار نیروهای کردهای مخالف در دسترس است. طالبانی شاید بین ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ طرفدار مسلح داشته باشد، در حالی که ادعای بارزانی ها که ۱۰۰۰۰ طرفدار مسلح دارند به نظر مبالغه آمیز می رسد. عبدالرحمن شاید بیش از ۵۰۰ تا طرفدار نداشته باشد. اگر چه به نظر می رسد بارزانی ها قدرتمندتر هستند؛ ولیکن طالبانی در اوایل ۱۹۷۹، در ایران و عراق به طور فزاینده ای فعال بوده است. همه این گروهها ادعا می کنند که اگر اسلحه کافی در اختیار داشته باشند، هزاران جنگجوی بیشتر می توانند داشته باشند.

## ترکیه

در اوائل روزهای جمهوری ترکیه، دولت با سرکوب بیرحمانه تمام فعالیتهای ضد دولتی، و کوشش (هر چند ناموفق) در جهت از بین بردن تمام مظاهر فرهنگ و ملیت گرایی کردها به اعتراضات کردها علیه برنامه مدرنیزه کردن مرکزیت دادن آتاتورک پاسخ داد. اما با ظهور دمکراسی چندحزبی در اواخر سالهای ۱۹۴۰ دولت سیاسی در جهت جذب اقلیت کرد اتخاذ کرد. از آن هنگام رهبران کردها، به ویژه زمینداران

ثروتمند و رهبران مذهبی در زمره نخبگان حاکم درآمده اند. فریت ملین، یک نخست وزیر موقت در اوائل ۱۹۷۰؛ حکمت نشین معاون نخست وزیر، یکی از مشاوران نزدیک اجویت، و کامران اینان که تا این اواخر مرد شماره دو در حزب عدالت مخالف رژیم بود، کرد هستند. تا اواسط ۱۹۷۹ در حدود ۳۵ نماینده کرد که توسط سرافتین السی، وزیر امور اماکن عام المنفعه که وابستگی به گروهی ندارد رهبری می شدند، در هیئت مقننه حضور داشتند. این گروه عموماً از نخست وزیر بولنت اجویت حمایت می کنند. (سری) احیای احساسات جدایی طلبانه کردها در ایران و ناآرامیهای مرزی کردها در عراق به باقی ماندن این ترس در بین رهبران ترکیه، که کردهای ترکیه هم ممکن است از این تقاضا پیروی کنند، کمک کرده است.

حتی ناآرامیهای کردی محدود در هنگامی که کشور یا اقتصاد رو به رکود و بحران امنیتی داخلی به ستوه آمده، ممکن است مانعی بر سر راه دولت بولنت اجویت و نهادهای دموکراتیک ترکیه به وجود آورد. (سری)

## مواضع و سیاستهای دولت

نگرانی آنکارا در مورد مسئله کردها به وسیله تحولات متعددی مشخص شده اند:

- واحدهای ژاندارمری و نیروهای منظم در شرق و جنوب شرقی تقویت شده اند.

- نخست وزیر اجویت به طور خصوصی راجع به نگرانی رو به رشد در مورد ناآرامیهای کردی و احتمال درگیر بودن خارجیها صحبت کرد.

- رئیس ستاد مشترک کنعان اورت و ستین، معاون نخست وزیر، در آوریل به منظور صحبت راجع به مسئله کردها از عراق دیدار کردند. عراقیها که بشدت از ناآرامیهای کردها به ستوه آمده اند، پیشنهاد کردند که اگر آنکارا از پناه گرفتن دسته های مسلح کرد در قسمت ترکی مرز ممانعت کند، عراق طبق شرایط سهلی به ترکیه نفت بفروشد. (SNF NC OC) اگرچه این نگرانی با ازدیاد ارتباط و قاچاق اسلحه بین کردهای ترکیه و کردهای کشورهای مجاور شدت گرفته، ولی اصل این نگرانی عمدتاً از یک سابقه کشمکش با اقلیت کرد، که اغلب تمامیت کشور را مورد تهدید قرار داده، نشأت می گیرد. از آن لحاظ، ترسهای ترکیه در مقایسه با خطر واقعی که از جانب کردها تصور می رود، نامتناسب است. (SNF NC OC) تلاشهای آنکارا برای حصول اطمینان از وفاداری کردهای منفرد، با هیچ کوشش عمرانی قابل قیاسی در منطقه کردنشین همراه نبوده است. اگرچه آمار در این زمینه اندک است، ولی یک نشریه ترکیه ادعا دارد که انسانهای شرقی تنها از ۱۰ درصد سرمایه گذاری صنعتی و دو درصد کل سرمایه گذاریهای تجاری برخوردار بوده اند. خدمات عمومی از قبیل بیمارستانها و تسهیلات آموزش به طور پراکنده در شهرهای بزرگتر واقعند. حد بیکاری بالاتر از متوسط ۲۰ درصد برای کشور است. عدم آشنایی با زبان ترکی در بین کردها در مرز ۸۰ درصد است و تسهیلات رفاهی چون آب لوله کشی، برق و جاده های قابل عبور در بیش از نیمی از روستاها وجود ندارد. اگرچه این چشم پوشی را می توان عمدتاً به خاطر طبیعت دور افتاده و مهمان نواز منطقه کردستان توجیه کرد، ولی به خصوص مستمر بین کردها و ترکها نیز مرتبط است. ترکهای تحصیل از زندگی و کار در مناطق روستایی «منزوی» اکراه دارند. ارتش آشکارترین سمبل دولت ترکیه، بارها از طرف کردها به عنوان یک نیروی اشغالگر «مستعمره چی» قلمداد شده است.

(سری) تحریم بحث علنی و رسمی مسئله حساس کردها در چند سال اخیر از میان رفته است.

ص: ۷۴۷

مطبوعات، که شاید با وقایع ایران تحریک شده اند در شناسایی اینکه کردها وجود دارند و در مورد بحث راجع به شرایط زندگیشان مردد هستند. در آوریل گذشته در اوج نگرانی عمومی راجع به جدایی طلبی کردها، شش وزیر موضع بی سابقه ای اتخاذ کردند و سرافتین السی، وزیر امور اماکن عام المنفعه را متهم به گرایشات کمونیستی و انباشتن وزارتخانه از کردها کردند. السی هنگامی که در یک مصاحبه پرهیجان با یک مخبر به طور وضوح خود را کرد خواند یک مشاجره عمومی به وجود آورد. السی در جواب به نماینده مطبوعات ابراز کرد که شناسایی وجود کردها در ترکیه معادل تشویق جدایی طلبی نیست. (خیلی محرمانه)

## پایداری کردهای جدایی طلب

احساس کردها در مورد هویت جداگانه به وسیله تلاش دولت جهت جذب یا سرکوب آنها به طور قابل توجهی کاهش نیافته است. زبان کردی رشد کرده است و نشریات مخفیانه ادبی کردها در منطقه کردنشین به طور مخفیانه قابل دسترسی است. رهبران کرد با ترس از اینکه عمران و مدرنیزه کردن، بافت اجتماعی بسیار سنتی و بنابراین موقعیت خودشان را از زیر می پوساند. اغلب تلاشهای آنکارا را جهت بسط کمک در مناطق کردنشین رد کرده اند. افراد سرشناس کرد از قرار معلوم اغلب آرای پیروان خود را در مقابل قول عدم مداخله در امور محلی به سیاستمداران وا می گذارد. به هر حال شهرنشین کردن ادامه دارد و به نحوی و تا حدودی اقتدار رهبران سنتی را ضعیف کرده است. در حال حاضر احساس ملیت گرایی کردی در میان جوانان کرد شهرنشین سیاستگرا، که بیشترشان تحصیل کرده هستند بسیار قوی به نظر می رسد. (سری) در چند سال گذشته، چندین «انجمن فرهنگی» آشکار و گروههای آزادیبخش مخفی به منظور ترویج تفکر خودمختاری و استقلال کردها تشکیل شده اند. ظهور این گروهها کاملاً با رشد گروههای دانشجویی تندرو و چپگرا که در اواخر سالهای ۱۹۶۰ ظاهر شدند همراه می باشد. این تندروها اغلب در برنامه های خود تقاضای خودمختاری بیشتر برای کردها را می گنجاند و تا هنگامی که کردها شروع به تشکیل انجمنهای خود نمودند، در این سازمانها حضور کردها چشمگیر بود.

ماهیرکایان که پس از قتلش در ۱۹۷۲ به دست نیروهای دولتی برجسته ترین شهید چپ ترکیه شد، یک کرد بود. از آنجایی که سازمانهای علنا کردی هنوز غیرقانونی هستند، گروههای آشکار تندرو نامهای غیرقومی مانند انجمن فرهنگی انقلابی دمکراتیک و انجمن انقلابی رهایی مردم به خود می بندند. آنها بر این نکته پافشاری دارند که عمدتاً به ترقی اجتماعی و شناسایی حقوق فرهنگی کردها که مدتها توسط ترکیه نادیده انگاشته شده، علاقه مند هستند. از طرف دیگر گروههای مخفی ترکیبی از توجیهات چپی و ناسیونالیستی را به کار می گیرند و خواهان خودمختاری یا استقلال می باشند. دو گروه مخفی مهمتر از بقیه کاوه (نام یک قهرمان افسانه ای ایرانی - کردی) و کوک (رهایی ملت کرد) هستند. گروههای آشکار و نهانی بدون شک تا حدی رابطه عملی متقابل دارند و شواهدی موجود است دال بر اینکه احتمالاً آنها هنوز با بعضی گروههای چپ افراطی ترکیه همکاری دارند. (سری) به هر حال نیروهای کوشا در جهت ناسیونالیسم کردی به همان دسته بندی که همزمان ترک آنها را ضعیف کرده مبتلایند. انجمنهای فرهنگی تعداد اعضایشان اندک است و اگرچه در گروههای غیرقانونی

کردهای جوان شهرنشین حاکمیت دارند، به نظر نمی رسد که حتی در شهرهای بزرگ شرقی نیز محبوبیت داشته باشند. این امر احتمالاً نتیجه یک فاصله نسل با نسل و فرهنگی بین کردهای جوان تحصیلکرده و اکثریت محافظه کارتر و پایبند رسوم است که توسط برگزیدگانی که انتخاب و جذب (سیستم) شده اند، رهبری می شوند. به علاوه گروههای طرفدار عمل خودشان مدتها دعوا داشته اند بر سر اینکه آیا از دیگر گروههای تندروی ترکیه جدا مانده و به دنبال استقلال باشند یا با پروتاریای ترکیه در «نبردش علیه سرمایه داری» همکاری کرده تا در عاقبت امر به خودمختاری کردها در چهارچوب کشور ترکیه نائل آیند. (سری) اگرچه در مورد روابط بین کردهای ترکیه با کردهای خارج ترکیه اطلاعات قلیلی در دست است.

کردهای ترکیه برای تشکیل مساعی سیاسی با همسایگان کردشان در ایران و عراق تمایل کمی نشان داده اند. به نظر می رسد که وابستگیهای قبیله ای از پیوندهای قومی بیشتر اهمیت داشته باشند. برای مثال دسته های نزاع گر طالبانی و بارزانی در عراق طی منازعات خود در مناطق مرزی ترکیه مورد پشتیبانی بعضی کردهای ترکیه و مخالفت بعضی دیگر قرار گرفته اند. اختلاف زبانی ممکن است جزئی از توجیه این عدم همکاری باشد. اگرچه تقریباً نیمی از تمامی کردها به لهجه کورمانجی تکلم می کنند. در ترکیه فقط کردهای استان حکاری به این لهجه صحبت می کنند. (سری)

## سوریه

روابط بین دولت سوریه و اقلیت کرد نشانی از خصومت و کشمکش که خصیصه روابط بین کردها و دولتها عراق و ایران بوده، نداشته است. از زمان اعطای استقلال سوریه به دست فرانسه در سال ۱۹۶۴ فعالیت ضد دولتی که در آن کردها شرکت داشته باشند، کم به چشم خورده است. معهداً مصادر قدرت در سوریه ترس آن را داشته اند که ناآرامی در میان کردهای مناطق دیگر بتوانند به سوریه گسترش یابد. مثلاً به هنگام ناآرامیهای عمده کردها در عراق، سوریه از نزدیک مراقب کردهای خود بوده است. به علاوه هر از چندگاهی در اقدامات دولت علیه کمونیستها، رهبران ناسیونالیست کردها نیز دستگیر شده اند.

حساسیت دولت نسبت به دخالت کردها در فعالیتهای کمونیستی روی هم رفته بی پایه نیست، زیرا پایه گذار و رهبر حزب کمونیست سوریه که حزبی طرفدار شوروی و قانونی است، خالد بکتاش، یک کرد بوده و حزب کمونیست مدتهاست که از اقلیت کرد استفادههایی در سطح وسیع داشته است. (طبقه بندی نشده) در سالهای اخیر اقلیت کرد نسبتاً فعالانه در سیاست سوریه شرکت داشته است. بعضی از برجسته ترین رهبران سوریه منجمله دو تن از رؤسای جمهور گذشته، حسین الزعیم و عبیدالشیشکلی کرد بوده اند.

تحت حکومت پرزیدنت اسد که خود یکی از اعضای اقلیت علوی است وضع اکثر گروههای اقلیت در سوریه عموماً خیلی خوب بوده است. (طبقه بندی نشده) اکثر کردهای سوریه به حاکمیت مرکزی اعتماد ندارند و وابستگیشان به قبیله خود احتمالاً از تعهد آنها به کشور سوریه یا یک ملت کرد قویتر است. به هر حال، اقامت نسبتاً بی اضطراب آنها در سوریه و جذب تدریجیشان، عدم اعتماد به مصادر امر در سوریه را کاهش داده است. به علاوه دمشق برای تضعیف تسلط کردها بر شمال شرق کشور، اقامت اعراب در منطقه را تشویق نموده است. معهداً در دو سال گذشته کردها

به طور چشمگیری از عراق به جانب شمال سوریه روانه گشته اند. آنها کمتر از کردهایی که مدتها مقیم سوریه بوده اند، جذب شده اند. (CNF) ما نشانه ای از وجود فعالیت متشکل کردها در راه جدایی از سوریه در دست نداریم. چندین سال است که حزب دمکرات کردستان در سوریه قدغن گشته است. یک منبع در اوائل ۱۹۷۹، گزارش داده که روانه شدن کردها از عراق تشنجات بین عرب و کرد در شمالشرق را شدت می بخشد. اما علامتی از اینکه مسئله جدی شده باشد، موجود نیست. هیچ حزب یا رهبری برجسته کرد در محل فعالیت ندارد تا پشتیبان ناسیونالیسم کردی در سوریه باشد. (CNF) پیش از برقراری روابط حسنه بین سوریه و عراق در اکتبر ۱۹۷۸، سوریه به کردهای ناراضی در عراق به رهبری جلال طالبانی کمک می رساند. طالبانی تسلیحات می گرفت و پیروانش در پایگاههای واقع در شمال شرق سوریه تعلیم می یافتند. پس از خاتمه مدت منشور اقدام ملی مشترک بین سوریه و عراق در اواخر ۱۹۷۸ کمک سوریه به طالبانی قطع شد و او از آن کشور اخراج گردید. اگرچه سوریها در صورتی که بخواهند تجدید روابط کنند، احتمالاً هنوز می توانند با طالبانی تماس بگیرند، ولی شاهدی دال بر اینکه آنها در حال حاضر به کردهای ناراضی در عراق یا ترکیه یا ایران کمک می رسانند، به چشم نمی خورد. همچنین مدرکی در تأیید اینکه آن گروه از کردهای سوری که مستقل از دولت عمل می کنند به هم نژادان خود کمک می رسانند، موجود نیست. (محرمانه)

## شوروی

### مواضع و سیاستها در قبال کردهای کشورهای مجاور

امکان وجود دخالت شوروی در اقلیتهای کرد ایران، ترکیه و عراق موضوع نگرانی جدی دولتهای آن کشور بوده است. شورویها قطعاً علاقه خواهند داشت که از کردهای کشورهای همسایه در جهت پیشبرد مقاصد خود در منطقه استفاده کنند، به طور دقیقتر، یعنی بر رژیمهایی که مواضع ضد شوروی اتخاذ کرده اند، فشار وارد آوردند.

به هر حال تمایلات شوروی به حمایت از اقلیتهای کرد در کشورهای دیگر با خواست شوروی به اینکه این کشور را بیش از حد در تنگنا قرار نداده و بدین ترتیب احتمال ایراد لطمه جدی به روابط دوجانبه را به وجود نیاورند مقید می گردند. با این وجود گردآوری و رساندن کمک غیرمستقیم برای کردها از طریق افراد ثالث (اعم از کشور، سازمان یا اشخاص - مترجم) یک انتخاب وسوسه کننده و بسیار عملی برای شورویهاست. (سری) در ایران شورویها، به دنبال پیشبرد روابط خود با رژیم متکی به خمینی هستند تا منابع ذخیره اقتصادی خود در آنجا را حفظ کرده تداوم سیاستهای ضدآمریکایی دولت را تشویق نموده و از سرکوب عناصر چپ درون کشور، خصوصاً آنهایی که متمایل به شوروی هستند، جلوگیری کند. در عین حال آنها مایلند که وسایل ظهور رژیم که بیشتر طرفدار شوروی باشد را فراهم آورند. به عنوان جزئی از یک کوشش بلندمدت برای فرسایش نهانی دولت و پیشبرد نظریات چپ، آنها تلاشهای حزب توده را برای ایجاد یک جبهه متحد تمام احزاب چپ و رخنه در نیروهای خمینی مورد حمایت قرار داده اند. در این رابطه شایسته تذکر است که قاسملو دبیرکل حزب دمکرات کردستان پیوندهای دیرینه با حزب توده دارد. در زمان



مصدق او یکی از فعالان توده بود و در ضمن تبعید خود همچنان در امور حزب فعال ماند. (SNF NC OC) از آنجایی که شورویها امیدوارند در صورتی که رژیم فعلی قادر به ضبط و ربط اوضاع نباشد یک دولت متمایلتر به شوروی سرآورد، آنها در جلوگیری از ایجاد ثبات در کشور توسط دولت سود می برند، به این دلیل فعالیتهای خرابکارانه اقلیتهای ایران منجمه کردها در جهت منافع شوروی است (SNF NC OC) پیش از سقوط شاه، شواهد اندکی از ارتباط شوروی با جنبش چند سال اخیر کردها در داخل ایران به چشم می خورد. احتمالاً این نمایانگر فرض شوروی بود که کنترل دولت بر کردها عملاً کامل بوده و کوشش برای دخالت شاه را به دشمنی برخواهد انگیخت. با خیزشی که در ماه اخیر در فعالیت کردهای ایران رخ داده و با درهم شکستن کنترل ایران بر حرکاتی که در سرحدات واقع می شوند، شورویها احتمالاً به ایفای عمل فعالانه تری وسوسه شده اند. (طبقه بندی نشده) شورویها از طریق رادیویی مخفی خود در باکو به نام صدای ملی ایران حمایت خود از خواستههای کردها برای خودمختاری در چهارچوب کشور ایران را اعلام داشته اند. (۱) به گفته یک منبع شورویها همچنین وسایل تماس بین حزب توده حزب کمونیست عراق، دسته اکراد طالبانی را فراهم نموده اند. این منبع اظهار داشت که حزب توده حمایت خود را از طالبانی در یک جنگی چریکی علیه دولت مرکزی اعلام کرده بود، او گفت اگر چه پیشنهادی همکاری تاکنون مورد قبول طالبانی قرار نگرفته بودند، رهبران حزب توده این خوش بینی را داشتند که طالبانی در عین حالی که کمونیست نیست، ممکن است در عاقبت به ایجاب شرایط عملی، کمک را بپذیرد. (SNF NC OC) شاهد قانع کننده ای بر کمک مادی بلاواسطه شوروی به جنبش کردها در ایران وجود ندارد؛ اگرچه اتهامات تأیید نشده ای مبنی بر ارائه یا تهیه چنین کمکی ایراد شده است. با در نظر گرفتن دشواری در به دست آوردن چنین شهادتی در مناطق دورافتاده مرزی مرتبط با این قضیه، فقدان تأییدیه برای این اتهام به معنی این نیست که شورویها به جنبش مذکور کمک مادی نمی رسانند. به هر حال شورویها احتمالاً نسبت به درگیر شدن در هر اقدام حمایتی به مقیاس وسیع اکراد دارند. در عین حال آنها احتمالاً به گردآوری و رساندن تسلیحات روسی به کردها از طریق افراد ثالث توجهی نخواهند کرد. چنین سیاستی آنها را قادر می سازد که هم دخالت خود را تکذیب کنند و هم به طور غیرمستقیم فعالیتهای مخمل ثبات در ایران را حفظ کنند. (SNF) در عراق، حمایت شوروی از قضیه کردها در طی سالها در رابطه معکوس با موفقیت آن در جلب نظر حکومت مرکزی در بغداد، فراز و نشیب داشته است. در اوائل سالهای ۱۹۶۰، مسکو قویاً از خودمختاری کردها در عراق حمایت کرد و در اوائل سالهای ۱۹۷۰، شورویها سعی کردند بین کردها و رژیم بعثی که با آنها در حال ایجاد روابط نزدیک بودند، وساطت نمایند. با به هم خوردن مذاکرات بین کردها و رژیم بعثی در سال ۱۹۷۴ و از سرگرفتن جنگ، شورویها به طور کامل از بغداد حمایت کردند. این تصمیم زمانی اتخاذ شد که شوروی کل موقعیت خود در خاورمیانه را رو به ضعف دید: مصر به جانب ایالات متحده روی

ص: ۷۵۱

---

۱- شورویها بین خواسته های حقه "گروههای اقلیت برای خودمختاری محلی" و آنچه که آنها تمایلات "تجزیه طلبانه مورد حمایت امپریالیسم" می نامند □ تمایز آشکار قائل می شوند. این منعکس کننده ادعاهای خود به اعطای چنین خودمختاری به بسیاری از اقلیتهایشان و همچنین تمایلشان به میدان ندادن به این گروهها برای اعلام خواسته های تجزیه طلبانه است. (خیلی محرمانه)

آورده بود و کشورهای دیگر عرب (منجمله عراق) جهت اقتصادشان هرچه بیشتر به طرف غرب می گرایید. شورویها که آشکارا نگران از دست دادن دوستی عراق و مشتاق فروش تسلیحات در ازای پول نقد بودند، از قرار معلوم در انتخاب چاره چندان زحمتی نداشتند. (طبقه بندی نشده) از زمان قرارداد الجزیره در مارس ۱۹۷۵، که عملاً به جنگ کردها در عراق خاتمه داد، روابط شوروی و عراق به تدریج بدتر شده اند. هرچند ارتباط تسلیحاتی که برای هر دو طرف سودمند است، برقرار مانده است. شورویها از بهبود روابط عراق با ایران و عربستان سعودی و همچنین روی آوردن عراق به غرب برای تسلیحات و تکنولوژی غیرنظامی ناراحت بوده اند. به علاوه، آنها با بی توجهی نسبت به حزب کمونیست عراق و سرکوب آن توسط بعثی ها شکست خورده اند. طبق گزارشات، نارضایتی رو به تزاید شورویها، زمانی که طالبانی در اواسط ۱۹۷۸، خواستار کمک شد آنها را در موضع مساعد قرار داد. (SNF NC OC) به گفته یک منبع طالبانی در اواسط ۱۹۷۸، به جانب شورویها روی آورد، چون سوریهها که تا آن موقع از او پشتیبانی می کردند کمک خود را قطع نمودند تا روابط خود را با عراق بهبود بخشند. منبع گزارش داد که هم شورویها و هم سوریهها متعاقباً به طالبانی کمک رساندند و تشویق نمودند که به دنبال آشتی با گروههای دیگر کرد در شمال غرب عراق باشند. چندین گزارش دیگر حاکی از آنند که شورویها با اقدامات طالبانی در ۱۹۷۸ همدلی داشتند و حزب کمونیست عراق را تشویق کردند که با عناصر کرد مصمم به سرنگون کردن رژیم بعث ارتباط برقرار کند. به هر حال، هیچ شاهدهی در تأیید اینکه شورویها واقعا چنین کمک را رساندند وجود ندارد. (SNF NC OC) در عین حالی که گزارشهای مبنی بر حمایت شورویها از طالبانی ممکن است بی پایه باشند، رهبران عراقی ظاهراً آنها را باور کردند. صدام حسین در یک گفتگو در ژوئن ۱۹۷۹ ابراز نگرانی کرد که گروه طالبانی تحت کنترل شوروی است، که سعی دارد از یک کشور همسایه (سوریه) در جهت ایجاد مشکل استفاده جوید. این نظر با گفته اش در اواخر ۱۹۷۷ بدین مضمون که شورویها در آن زمان در ارتباط با کردها دانسته نمی شوند، تناقض داشت. این نحوه درک عراقیها بدون شک به ضدیت رو به تزاید عراق با شوروی و سرکوب حزب کمونیست عراق کمک کرده است. (SNF NC OC) از اواسط ۱۹۷۸، گزارشی از ارتباط شوروی با عناصر کرد عراق به دست نیامده است. این ممکن است به خاطر معطوف شدن توجه به فعالیتهای کردی در ایران باشد، جایی که فرصتهای جدید وجود دارد.

همچنین ممکن است که این امر حساسیت شوروی را، نسبت به لطمات وارده بر روابطش با عراق و تمایل آن به جلوگیری از ایجاد تشنجات بیشتر یا تحریک به سرکوب کمونیستهای عراق منعکس کند. (سری) در ترکیه، تمایل شوروی به حفظ روابط حسنه با آنکارا از دخالت مستقیم آن در جنبش کردها جلوگیری می کند. اوائل امسال یک هوادار مشی کردهای شیعه در جستجویی که برای جلب حمایت داشت، مورد قبول سفارتخانه های شوروی و بلغارستان در آنکارا واقع نشد. یک کارمند سفارت شوروی به او توضیح داد که کشورش از به خطر انداختن مقاصد مقدم خود برای توسعه تجارت با ترکیه و متحد ساختن چپ ترکیه در یک خط طرفدار مسکو واهمه دارد. (خیلی محرمانه) معهذاً مقامات دولتی ترکیه تأکید دارند که شورویها تسلیحات، تعلیمات نظامی و کمک مالی در اختیار کردهای مخالف می گذارند. آنها ادعا می کنند که در شرق ترکیه انبارهای مخفی مملو از سلاحهای ساخت

شوروی کشف شده اند و در مرزهای سوریه، ایران و شوروی قاچاق اسلحه جریان دارد. عبور از مرز شوروی به ترکیه بدون باقی گذاردن اثر می تواند نسبتاً به سادگی صورت پذیرد. در اوائل ۱۹۷۹، دستگاه اطلاعاتی ترکیه گزارش داد که یک رهبر قبیله کرد، تعلیمات شورشگری را در شوروی فراگرفته و قرار بود که از طریق ایران به جنوب شرقی ترکیه رخنه داده شود. (SNF) در غیاب مدرک قابل اطمینان، ما نمی توانیم تأیید کنیم که مسکو کمک مستقیم در اختیار کردهای ترکیه می گذارد. با این وجود، مسکو بدون شک می خواهد از راندن هرگونه گروه سیاسی که در آینده ممکن است با آن ناچار به معامله شود، اجتناب ورزد. یک وابسته نظامی شوروی در آنکارا اخیراً به همتای آمریکاییش اظهار داشت که مقاصد کردها در جهت کسب «تساوی و خودمختاری محلی» بود به جای اینکه بخواهند که خود یک کشور باشند و شوروی حمایت «معنوی» خود از جنبش کردها آشکار خواهد کرد. (CNF)

### سیاست در قبال کردهای اتحاد شوروی

تعداد قلیل کردها در شوروی که در ۱۹۷۹ برابر ۱۰۰۰۰۰ نفر یا کمتر از ۵ درصد کل جمعیت کردهای تخمین زده شده بهانه ای به دست شوروی می دهد تا مدعی ذی نفع بودن در مسئله کردها باشد. اکثر کردها شوروی به صورت جماعات پراکنده در قفقازیه جنوبی زندگی می کنند و بسیاری خصوصاً شهرنشینان آنها به تدریج در فرهنگهای غالب منطقه جذب می شوند. (طبقه بندی نشده) اکثریت غالب کردهای شوروی، کردی را به عنوان زبان مادری خود تکلم می کنند، اما آشنایی با روسی و زبانهای دیگر منطقه در حال شیوع است. مثلاً در آذربایجان نسل قدیمی تر به کردی حرف می زنند. اما افراد جوانتر هرچه بیشتر فقط آذربایجانی یا روسی صحبت می کنند. خالص ترین جوامع کرد در ارمنستان واقعند و در آنجا کردها طریقه سنتی زندگی خود را حفظ کرده اند و رسوم فرهنگی کرد به قوت خود باقی هستند. (طبقه بندی نشده) در مقایسه کردهای شوروی از تأسیسات فرهنگی فراوانی برخوردارند که این نمایانگر اهمیتی است که رژیم شوروی برای کردهای خود به عنوان یک ذخیره بالقوه سیاست خارجی قائل است. در مدارس روستاهای کردنشین، زبان کردی تدریس می شود. «ریاتازا» روزنامه ای کردی است که در ایروان، مرکز ارمنستان انتشار می یابد و در رادیو برنامه هایی به زبان کردی پخش می شود. مرکز مطالعات کردی در ایروان که تنها مرکز از این نوع در شوروی است، رشته هایی در زبان و فرهنگ کردی عرضه می کند و به زبان کردی مجلات و آثار شعرا و نویسندگان کرد که بعضی از آنها در جماعات کرد خارج از شوروی شهرت دارند، انتشار می دهد. یکی از مقاصد اصلی این مرکز تقویت ادعای شوروی است بر اینکه کردها در اتحاد شوروی از چنان تسهیلات فرهنگی برخوردارند که در دسترس بقیه آنها در خاورمیانه نیست.

(خیلی محرمانه) رژیم آنجا چندان دلیلی نمی یابد که بترسد سیاست پرورش شعور قومی کردهای خارج موجب احساسات دردسرآفرین پان کردی در کشور شود. تعداد کردها در اتحاد شوروی اندک است و رژیم می تواند بر اکثریت شهری تر و باسوادتر ارمنی در عمل به عنوان یک قوه بازدارنده حساب کند. احتمال داده نمی شود که ارمنی ها، قتل عام ترکیه را که در آن کردها وظیفه ای ایفا کردند از یاد ببرند، مسکو به

مناسبت‌هایی ناچار شده که ارمنی‌ها را از تبعیض قائل شدن علیه اقلیت کرد برحذر دارد (طبقه بندی نشده)

## نتیجه گیری

سقوط رژیم شاه و فرض امکان کنترل اکثر مناطق کردنشین ایران به توسط کردها، تمایلات آنها را برای خودمختاری بیشتر نه فقط در بین کردهای ایران بلکه در بین کردهای کشورهای همسایه، عراق و ترکیه، برآورده است. حداقل تا یک حدی روابط بین کردها و دولت‌های کشوری که در آن زندگی می‌کنند، به وسیله جهت‌گیری ایران مشخص می‌شود. اگر حکومت مرکزی تهران بتواند با مذاکره و مصالحه سلطه خود را بر نواحی تحت کنترل کردها مجدداً برقرار کند، پیش‌بینی صلح مستمر بین اقلیت کردها و سایر دول منطقه زیاد خواهد بود. از طرف دیگر اگر دولت ناگزیر به استفاده از زور شود، درگیری حاصله از مرزهای کشوری خواهد گذشت و کردهای کشورهای همسایه را درگیر خواهد کرد. (خیلی محرمانه) رابطه بین کردهای ایران و دولت تهران تا حدود زیادی بستگی به برداشت و تفسیر هر کدام از رابطه بین حکومت مرکزی و حقوق اقلیتها در قانون اساسی که فعلاً در دست تهیه است دارد. دولت و رهبران مذهبی نمی‌خواهند به اقلیتها آنقدر امتیاز بدهند که یکپارچگی مملکت را به خطر بیندازند و از طرف دیگر آنها مایلند به سازشی برسند که آنها را ساکت نگاهدارد. کردها به خاطر سهمشان، نمی‌خواهند که منافع ثروتهای نفتی ایران را از دست بدهند. در عین حال مایل نیستند که خودمختاری واقعی را که بنا نهاده اند از دست بدهند و رهبران خاصی خواهان آزادی برای رقابت با سایر رقبایشان بر سر نفوذ سیاسی در کردستان می‌باشند. (خیلی محرمانه) اگرچه تلاشی به وسیله دولت در جهت بسط کنترلش در منطقه کردنشین منجر به برخوردهای جدی در اواخر ژوئیه شد، ولی به نظر نمی‌رسد که در آینده نزدیک جنگی تمام عیار بین کردها و دولت انقلابی در ایران محتمل باشد. امید اندکی وجود دارد که دولت به این زودیها قادر به بازسازی ارتش یا توسعه نیروهای منظم خود تا سطح لازم برای اعمال مجدد سلطه در مناطق کردی باشد. رهبران کرد، به خاطر سهمشان که به نظر نمی‌رسد که آماده یک تلاش کامل جهت پاکسازی باقیمانده نیروهای دولت مرکزی در منطقه باشند. علاوه بر این محتمل نیست که جمعیت محلی، علیرغم نژادپرستی قویشان، از یک جنگ مسلحانه طولانی در شهرها و روستاهایشان حمایت کنند. (خیلی محرمانه) اگر آنها - کردها - صلاح بدانند، حتی اگر به وسیله عدم اتحادشان ممانعت شوند، می‌توانند فعالیت‌های مداوم مخالف خود را انجام دهند و تبادلات برون مرزی ایران را با اروپا و شوروی دچار وقفه کنند. اگر اکثر قبایل کرد مایل به همکاری باشند، مبارزه طلبی کردها در مورد کنترل مرکزی جدی تر خواهد شد. به نظر می‌رسد که رقابت‌های دینی، قبیله‌ای، شخصی در بین کردها، به خاطر انقلاب و خودمختاری محلی که در حال حاضر از آن برخوردارند فقط کمی تسکین یافته باشد. این اختلافات احتمالاً دوباره ظاهر خواهد شد و حتی احتمالاً هنگامی که رهبران مختلف سعی در بهره برداری از روابط جدیدشان با دولت مرکزی بکنند، تشدید خواهد شد. به هر حال جدی‌ترین خسارتی که کردها با آن مواجه هستند کمبود حمایت‌های اساسی مستمر، چه پنهان و چه آشکار، از جانب دولت همسایه می‌باشد. حمایتی مانند آنچه که شاه قبل از ۱۹۷۵ برای کردهای عراقی فراهم می‌آورد. محتمل نیست که عراق و ترکیه و یا شوروی چنین نقشی بازی کنند. شوروی فقط هنگامی که به این نتیجه برسد که بهترین منافعش در تلاش برای سرنگون کردن

رژیم خمینی و جایگزینی آن با یک دولت چپی حفظ خواهد شد، چنین حمایتی را فراهم خواهد کرد.

(SNF) تا هنگامی که وضعیت بی ثبات فعلی وجود داشته باشد، دولت مرکزی و رهبران کرد ایران به دقت فعالیتها یکدیگر را زیر نظر دارند. در عین حال انتظار می رود که رهبران گروههای مختلف کرد فعالانه در صدد کسب نفوذ بیشتر بین پیروان و طرفداران خود باشند. حوادث نسبتاً جزئی با محاسبات نادرست می توانند منجر به درگیریهای مسلحانه شوند. که بعضی از آنها جدی خواهند بود: درگیری بین کردها و نیروهای دولت مرکزی، بین کردهای مخالف و کردهای طرفدار خمینی و بین حامیان رهبران رقیب قبایل. (خیلی محرمانه) در ترکیه دولت، سبانه در مقابل هر تلاشی از جانب کردها جهت کسب خودمختاری سیاسی بیشتر، مقاومت خواهد نمود. اگرچه ممکن است به طور ناگزیر آزادی بیشتری برای بیان میراث فرهنگیشان به کردها اعطا کند. کردها می دانند که دولت، ارتش و نیروهای امنیتی زیادی در استانها مستقر کرده است و قادر است آنها را به سرعت تقویت کند. به هر حال مهمترین مانع برای درک خواسته کردهای ترکیه در مورد خودمختاری بیشتر، فقدان رهبری منفردی است که توانایی متحد کردن گروههای مجزای کردها را داشته باشد. در حالی که رهبران کرد فعال در سیاست ترکیه اغلب نظریات سیاسی مخالف خود را نگهداشته اند، خیلی از رهبران کرد مهم یا جذب و یا ترسانده شده اند. (سری) معهداً تا هنگامی که آنکارا در تحلیل بردن کردهای ترکیه در جامعه ترکها شکست بخورد، آنها مظنون به تجزیه طلبی و پان کردیسم باقی خواهند ماند. اگر کردهای ایران خودمختاری بیشتری را از رژیم جدید ایران برای خود تضمین کنند و اگر دولت آنکارا در مقابله با مشکلات بسیار شدید اقتصادی و سیاسی موفق نشود، کردهای ترکیه ممکن است تشویق شوند که با (حکومت مرکزی) آنکارا از در مبارزه درآیند.

(سری) توانایی کردهای عراق برای مقابله مؤثر با ارتش عراق وابسته به اقتدار سیاسی داخلی دولت بغداد و حمایت جاری از کردها از جانب ایران یا سایر کشورها می باشد. تا نیمه سال ۱۹۷۹، بغداد به اندازه کافی در مقابل مشکلات در ایران یا مشکلات بالقوه با شیعه ها در جنوب نگران نشده است که مراقبت و یا واحدهای نظامی خود در شمال را تغییر دهد. احتمال نمی رود که دولت چیزی بیشتر از خودمختاری فرعی که قبلاً در مناطق خود مختار سه استان کردنشین اعطا کرده، را مجاز بداند. (سری) عراق دارای یک بافت سیاسی و اقتصادی بسیار متمرکز که در آن فضایی برای عدم تمرکز که ناسیونالیستهای کرد مطرح کرده اند نیست. در مهمترین شرایط، ممکن است که به کردها اجازه داده شود از طریق مکانیسمهای موجود، شوراهای اجرائی و مقننه، نقش وسیعتری را ایفا کنند. به هر حال اکثر کردها احتمالاً خودمختاری سیاسی پیشنهادی دولت را که به نحو محدودی تعریف شده است. قابل قبول تلقی خواهند کرد. آن اکثریت احتمالاً برای مسئله جذب (جذب کردها در سیستم عراق - مترجم) راه حل نظامی را نمی پسندند و مطمئن هم نیستند که جانشین دولت بعثی، اوضاع کردهای عراق را بهبود بخشند. (سری) شانس کمتری وجود دارد که دولت سوریه در آینده خود مختاری بیشتری به کردها اعطا کند، از طرف کردها هم فشار اندکی برای انجام چنین کاری وجود دارد و دولت به دلیل ترس از اینکه دیگران، مثلاً

دروزیها، تقاضای مشابه ای بکنند، از فراهم آوردن هر گونه خود مختاری برای اقلیتها خودداری خواهند کرد. (خیلی محرمانه) ترکیه و عراق به دلیل نیاز به وارد نیامدن لطمه ای به روابطشان با ایران، احتمالاً به ممانعت از اتحاد شوروی برای کمک مستقیم به کردهای کشورشان ادامه خواهند داد. اما مسکو احتمالات تماسهای خود را با گروههای منتخب کردها حفظ خواهد کرد و ممکن است که به طور غیر مستقیم و از طریق واسطه از آنها حمایت کند. در ایران، حمایت محتاطانه از کردها به تشویق ناپایداری مستمر کمک می کند که ممکن است عملاً یک رژیم چپ گرایی که بیشتر طرفدار شوروی باشد بر سر کار آورد. در عراق هم، چنین اقداماتی به تحت فشار قرار دادن رژیم که به طور فزاینده مستقل و ضد شوروی می شود، کمک می کند. (سری) اگر چه شوروی نمی خواهد روابط خود را با ایران، ترکیه و عراق به خاطر کمک به کردها به هم بزند.

ولیکن ممکن است از طریق گروههای ثالثی این کار را انجام دهد. در ایران حمایت از کردها ممکن است منجر به حکومتی چپی و طرفدار شوروی بشود. در عراق نیز چنین است. دادن امکانات فراوان فرهنگی به کردهای روسی و حمایت از خواستهای بر حق کردها این مسئله را در ذهن حکومتهای منطقه حفظ خواهد کرد که روسها امکانات و ظرفیت ایجاد اختلاف بین اقلیتهای آنها را دارند. (سری)

## ضمیمه

### بیوگرافی های انتخابی

#### کامران اینان (ترکیه)

تلاشهای طولانی سناتور کامران اینان برای مبارزه با سلیمان دمیرل بر سر رهبری حزب عدالت، در ژوئن ۱۹۷۹، هنگامی که او تصمیم خود را دال بر ترک سیاست به منظور سفیر ویژه شدن در وزارت امور خارجه اعلام کرد، خاتمه یافت. او در سال ۱۹۷۳، انجمنهای دیپلماتیک را برای نمایندگی استان زادگاهش، بیتلیس، ترک کرد. او در طی ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۷ به عنوان رئیس کمیته روابط خارجی سنا خدمت کرد، او همیشه یک محافظه کار مستقل و صادقی در حزب عدالت بوده است. تصمیم او برای استعفا از حزب به دنبال رد کردن تلاشهای او برای برکناری دمیرل از جانب کنوانسیون حزب بود. احتمالاً درک اینکه سابقه کردی و همسر سوئیسش اشکال سیاسی جدی است، تصمیم او را برای استعفا برانگیخت.

(خیلی محرمانه)

#### حکمت ستین (ترکیه)

سابقه سیاسی حکمت ستین، معاون نخست وزیر به درخشانی دوست قدیمیش بولنت اجویت نخست وزیر، بوده است.

ستین در سال ۱۹۳۷، در قسمت شرقی دیاربکر به دنیا آمد و در جوانی به آنکارا رفت و یک لیسانس اقتصاد از دانشگاه آنکارا گرفت. سپس به آمریکا رفت و فوق لیسانس اقتصاد را از ویلیام کالج در سال ۱۹۶۵ دریافت کرد. از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۷ به عنوان رئیس بخش برنامه ریزی اقتصادی دفتر برنامه ریزی کشور کار کرد. ستین که در ۱۹۷۷ به وسیله اجویت به دنیای

سیاست راه یافت. به سرعت

ص: ۷۵۶

یکی از نزدیکترین مشاوران نخست وزیر شد. او مسئول روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و هماهنگی سیاستهای دولت در قبرس می باشد. ستین که متواضع و نجیب است و در عین حال بشدت خود را وقف مردم کرده، مهارتی در دقت و توجه زیاد در مدارا با بوروکراسی پر زحمت ترکیه دارد. شخصیت آسان گیر او دوستان زیاد و دشمنان اندکی برای او داشته است. (خیلی محرمانه)

## خانواده بارزانی (عراق)

خانواده بارزانی از سال ۱۹۳۰ در عراق در جنبش ناسیونالیستی کرد فعال بوده است. در این سال ملامصطفی نخستین حرکت علیه بغداد را پایه ریزی کرد. به مدت ۴۰ سال وی تنها شخصیت مهم کرد محسوب می شد. علیرغم شکست او در جنگ داخلی و سالهای طولانی تبعید، به هنگام مرگ هنوز سبب استقلال کرد محسوب می شد فرزندان و رقیبان وی هیچ کدام به نظر نمی رسد که همچون او قدرت داشته باشند تا از قبایل مختلف کرد یک نیروی واحد و مؤثر و قابل اتکا بسازند. (خیلی محرمانه) اگر چه بارزانی رهبر حزب دمکرات کردستان بود، ولیکن حمایتهای خود را بیشتر مدیون وفاداران سنتی قبیله بود که اغلب به جنگهای قبیله ای کشانده می شوند. اختلافات ناگوار بین قبایل و داخل حزب دمکرات کردستان - که معمولاً بر سر تاکتیکهایی است که برای مقابله موفق با بغداد دنبال می شود - همیشه خطر انشعاب نهضت کردها و نابودی اساس قدرت بارزانی را به دنبال داشته است.

سالها بعد انتقاداتی از روش رهبری فتودالی او شد، ولی او همیشه قادر به دفاع از قدرتش در مقابل مبارزه طلبیهای داخلی بود. اگر چه در پیگیریهای نظامی و اهداف سیاسی متهم به بیرحمی می شد، ولی شخصاً به عنوان فرد فساد ناپذیری شناخته شده بود. (خیلی محرمانه) در مورد پسران و جانشینانش اطلاعات کمی در دست است. دو پسرش - مسعود و ادیس - عضو حزب دمکرات کردستان هستند و فعالانه تلاش می کنند تا نهضت کردها را در عراق زنده نگهدارند.

عبدالله پسر سوم از آوریل ۱۹۷۴، تابه حال در دولت عراق وزیر کشور بوده است. او که توسط بعثتها مجازا زندانی شد، از طرف پدرش قانون شکن معرفی شد تا زنده یا مرده دستگیر شوند. به نظر می رسد که ادیس و مسعود که هر دو در اوایل ۳۰ سالگی هستند، اهداف مشابهی چون پدرشان دارند، خودمختاری با محتوای در چارچوب عراق. آنها عملیات چریکی را علیه واحدهای نظامی دولت که در شمال مستقر هستند، سازمان داده اند. ولی احتمالاً اگر امتیازات کافی برای خودمختاری داخلی داده شود، آنها پذیرای یک راه حل سیاسی با بغداد خواهند بود، به نظر می رسد که آنها مانند پدرشان نسبت به نوسانات کمک از جانب ایران و بر علیه بغداد محتاط هستند. (خیلی محرمانه)

## جلال ایسام الدین طالبانی (عراق)

جلال ایسام الدین طالبانی از سالهای ۱۹۶۰ رقیب سرسخت خانواده بارزانی برای به دست آوردن رهبری کردهای عراق بوده است. اگرچه زمانی عضو حزب دمکرات کردستان و نماینده ملامصطفی در مذاکرات با دولت عراق بود ولیکن طالبانی ادعا می کند که از سال ۱۹۷۴ که متوجه ارتباط ملامصطفی با آمریکا و اسرائیل شد با وی قطع رابطه کرد. وی نه تنها فرمانده نظامی پر تجربه ای است بلکه شهرت خوبی در روشنفکری و مهارت تبلیغاتی دارد. (خیلی محرمانه) طالبانی در سال ۱۹۳۳ در



کویسنجاک عراق متولد شد. وی پسر یک رهبر مذهبی است. در اواخر سالهای ۱۹۵۰ پس از یک جنب و جوش مختصر در حزب کمونیست عراق به حزب دمکرات کردستان پیوست.

ص: ۷۵۷

طالبانی هنگامی که در اوایل سالهای ۱۹۶۰ جنگ بین کردها و بغداد شروع شد به عنوان یک فرمانده نظامی و یک طرف مذاکره سیاسی برای ملامصطفی خدمت کرد. اما اختلاف با بارزانی بر سر اقتضای توافق و قابل قبول بودن شرایط مذاکره با بغداد و منجر به یک سری جداییها بین این دو شد. بارزانی ابتدا او را در سال ۱۹۶۴ از حزب دمکرات کردستان اخراج کرد و سپس در سال ۱۹۶۷ او را به طور غیابی محکوم به مرگ نمود. در همین زمان طالبانی در بغداد تحت حفاظت دولت زندگی می کرد. برخوردهای بین دستجات وفادار به این دو رهبر مخالف پرطول اواخر سالهای ۱۹۶۰ دوباره شروع شد. (خیلی محرمانه) خصومت بین بارزانی و طالبانی توسط بغداد از طریق سیاست حمایت از یک گروه کرد بر علیه دیگران، تشدید می شد. دولت بعث تا مارس ۱۹۷۰ که با بارزانیها به توافق رسید، با کمکهای مالی به طالبانی به او پاداش می داد. طالبانی که با از دست دادن حامی خود با سرنوشتی نامشخص به عنوان یک تبعیدی مواجه شده بود. در اوت ۱۹۷۰ با بارزانی آشتی کرد و سازمان خود را به نام حزب انقلابی کردستان با حزب دمکرات کردستان ادغام کرد. طالبانی سال بعد به عنوان نماینده بارزانی در خاورمیانه و اروپا مسافرت کرد. طالبانی به دنبال جدایش از بارزانی در سال ۱۹۷۴، به سوریه تبعید شد. جایی که در سال ۱۹۷۵ اتحاد ملی را پایه ریزی کرد. (خیلی محرمانه)

### عبدالرحمن قاسملو (ایران)

قاسملو که ۴۹ سال دارد و در خانواده ثروتمند زمینداری در ارومیه (رضاییه سابق) در کردستان ایران متولد شد. پس از یک سالی که به عنوان دانشجوی اقتصاد در پاریس به سر برد به پراگ رفت و از آنجا تا سال ۱۹۵۳ که به ایران برگشت. ادامه تحصیل داد. تا آن موقع قاسملو یک عضو کمیته اصلی حزب دمکرات کردستان و مأمور روابط حزب توده ایران (کمونیست) بود. (SNF NC OC) دو سال بعد به دلیل فعالیتهای چپی خود مجبور به فرار از ایران شد و به پراگ بازگشت و سخنران دانشگاه شد و به فعالیتهای خود در حمایت از حزب توده و حزب دمکرات کردستان ادامه داد. جزئیات زندگی قاسملو در دو دهه بعد محدود می باشد. به نظر می رسد که تا هنگامی که از قرار معلوم از شوروی به دلیل هجومش به چکسلواکی منزجر شد، بین عراق و پراگ در رفت و آمد بود. ممکن است که اوقاتش را در فرانسه گذرانده باشد، جایی که او پس از خاتمه شورش کردهای عراق به دلیل معاهده ۱۹۷۵ ایران و عراق در آن زندگی می کرده است. قاسملو تا سال ۱۹۷۸ به تدریس تمدن و زبان کردی در پاریس مشغول بود.

(SNF NC OC) او در پاییز ۱۹۷۸ تماسهایی را با آیت الله خمینی در پاریس برقرار کرد و در دسامبر به منظور رهبری احیای حزب دمکرات کردستان به ایران مراجعت نمود. او در حال حاضر به عنوان اولین در میان برابرها ریاست را به عهده دارد بدون اینک، قدرت اجرائی از خود بر روی این سازمان عاری از انسجام و نامتجانس که در عین حال به سرعت رو به رشد است، داشته باشد. او با نیروی تمام بر ادعای خود اصرار

داشته که وی برجسته ترین سخنگوی غیر مذهبی کردهاست. ولی قدرت اشخاص طرفدار او نامعلوم است. (SNF NC OC)

### شیخ عزالدین حسینی (ایران)

عزالدین حسینی شاید تنها و مشهورترین شخصیت کرد ایرانی باشد. او که ۵۷ سال دارد از یک خانواده روحانی است و گفته می شود که مرد با مطالعه و با فرهنگی است. براساس گزارشات او زندگی زاهدانه ای دارد و یک خانواده بزرگی را با حقوق خود به عنوان استاد عربی در مدرسه علوم قرآنی مهاباد اداره می کند. (طبقه بندی نشده) حسینی با تمایلاتی در مورد احیای سنن کردی در سال ۱۹۴۲ شروع به صحبت علنی در مورد مسائل سیاسی نمود. در سال ۱۹۵۳، پس از سقوط نخست وزیری مصدق، حسینی به وسیله مقامات امنیتی مجبور به ترک دهکده ای شد که در آن تدریس می کرد. وی نخست به رهبری جامعه مذهبی مهاباد در اوائل سالهای ۱۹۶۰ درآمد و با خطابه های خود دیری نپایید که بر ملی گرایان کرد پیشی گرفت. در سال ۱۹۶۴ به حزب دمکرات کردستان پیوست و لیکن وی اکنون ادعا می کند که جهت حفظ اهداف خود از حزب استعفا کرده است. به هر حال عزالدین حسینی تأکید می کند که او آرزوی رهبری سیاسی و حکمفرمایی بین کردها را ندارد. او می گوید که فعالیتهايش بر اساس «ناسیونالیسم کردی، سوسیالیسم منطقی و اخلاقیات می باشد که بدون اینها مردم هیچ اجتماعی نمی توانند زندگی صحیحی داشته باشند.» (SNF NCOC) منابعی که عکسها از آنجا اخذ شده است:

صفحه ۱۵: فرائز فورست صفحه ۱۶: بغداد الثوره صفحه ۱۷: سیگما صفحه ۲۹: دیپلماسی روزنامه ترکی صفحه ۳۰: آخر ساها کایرو (UPI) صفحه ۳۳: عکسهای دنیای پهناور

### در دیدار با آقای مئیر عزری رئیس هیئت اعزامی اسرائیلی

سند شماره (۲) خیلی محرمانه تاریخ ۱۹: دسامبر ۱۷ ۱۹۷۰ مهر ۱۳۴۹ سفیر سیاسی - دونالد آر. توسانت دیدار شما با آقای مئیر عزری، رئیس هیئت اعزامی اسرائیلی در ۲۱ دسامبر آقای مئیر عزری، رئیس هیئت اعزامی در ساعت یازده صبح بیست و یکم دسامبر با شما تماس خواهد گرفت. یک اطلاعات بیوگرافیک فشرده ضمیمه می باشد. از طریق کارکنان آقای عزری مطلع شده ایم که تماس وی اساساً از روی حسن نیت و در رابطه با تعطیلات می باشد اما در صورتی که فرصتی دست داد، سعی کنید در مورد نکات زیر تحقیقاتی به عمل آورید.

ص: ۷۵۹

۱- ارزیابی اسرائیل از گرم شدن ظاهری روابط ایران و اعراب. برای مثال، از سرگرفتن روابط ایران با امارت متحده عربی، شایعات از سرگیری روابط ایران و لبنان و گرمی ناچیز روابط ایران و سوریه.

۲- ارزیابی اسرائیل از اوضاع کردستان دلایلی وجود دارد که بین بارزانی و بغداد اوضاع در حال وخیم تر شدن تدریجی است و ظاهراً هیچ یک از طرفین حاضر نیستند که آغازگر جنگ باشند. به خاطر درگیری بلندمدت اسرائیل در مسئله کردستان و حمایت از بارزانی، ما علاقه مند ارزیابی آقای عزری از اوضاع کنونی و نظر وی در مورد اینکه چه مدت این وقایع به طول خواهد انجامید، می باشیم.

۳- قوای عراقی در اردن. ما اخیراً از کاردار ایران در بغداد شنیده ایم که قوای عراقی در اردن به خاطر تدابیر تاکتیکی به نزدیکیهای مرز اردن عقب کشیده شده اند. آیا اسرائیلیها هیچ نوع اطلاعاتی در این مورد دارند؟ ضمیمه: تصویری بیوگرافیک از عزری

### پناهندگان کرد

سند شماره (۳) از: وزارت امور خارجه در واشنگتن تاریخ: ۲۵ مارس ۷۵-۵ فروردین ۵۴ به: سفارت آمریکا در تهران طبقه بندی: سری موضوع: پناهندگان کرد ۱- مقاله هوگلند و سایر گزارشهای مطبوعاتی در اینجا درباره مشکلاتی که کردها در خروج از عراق تا تاریخ ۱۲ فروردین با آن مواجه هستند و تقاضای بارزانی از طریق هوگلند درباره مداخله ایالات متحده برای تمدید ضرب الاجل ۱۲ فروردین کنجکاوی قابل ملاحظه مطبوعات را درباره وضع فلاکت بار کردها برانگیخته است. ارزیابی شما درباره اینکه آیا حکومت ایران حاضر خواهد بود با عراقیها درباره پیشنهاد بارزانی مبنی بر تمدید و ضرب الاجل بستن مرزها تا تاریخ ۱۱ اردیبهشت با عراقیها اقدام لازم را به عمل آورد، قابل تقدیر خواهد بود.

۲- بر اساس احتمالات پیش بینی شده ما با قید فوریت مجراهای امکان پذیر را برای کمک بشردوستانه به کردها در صورتی که چنین چیزی ضروری باشد، بررسی می کنیم.

کیسینجر سند شماره (۴) سری از: وزارت امور خارجه واشنگتن تاریخ: ۲۵ مارس ۷۵-۵ فروردین ۵۴ به: سفارت آمریکا در تهران وزارت امور خارجه موضوع: پناهندگان کرد ۱- سفارت درباره یک مورد تماس کردها با یک مقام عالیرتبه حکومت ایران جهت تقاضای تمدید ضرب الاجل ۱۲ فروردین درباره نقل و انتقالات در مرز ایران و عراق اطلاع پیدا کرده است. این تقاضا رد

شده و تقاضای جدیدی شده که هنوز درباره آن پاسخی به دست نیامده است. رئیس دفتر حزب دمکرات کردستان در تهران به روزنامه نگاران گفت که او به یک مقام حکومت ایران که نام او برده نشده است، درباره همین موضوع مراجعه کرده و نتیجه همچنان بی ثمر بوده است. هانسن بکر مدیر کمیته صلیب سرخ بین المللی در تهران نیز از طریق جمعیت شیر و خورشید سرخ اقدام مشابهی به عمل آورد، اما هنوز پاسخی دریافت نکرده است.

۲ - مقامات دولت ایران همچنان درباره مسدود شدن کامل مرز در تاریخ ۱۲ فروردین صحبت می کنند. استاندار کرمانشاهان به نویمان کنسول آمریکا در تبریز - در تاریخ ۴ فروردین گفت که مرز در مرز - ۱۲ فروردین به نحو شدیدی بسته خواهد شد و راجع به تقاضای تمدید این مهلت حرفی نزد. او گفت انتظار می رود بارزانی در اواسط فروردین از مرز گذشته و وارد ایران شود. (عین نقل قول) استاندار گفت به ۶۰ هزار کرد در استان او گفته می شود ایران نمی تواند به مدت نامحدود از آنها پشتیبانی کند و آنها باید بالمآل در داخل ایران پخش شوند و کار و کاسبی پیدا کرده و اسکان داده شوند.

۳ - سرانجام گزارشهایی دریافت کرده ایم که ترکیه ممکن است با تقاضای باز کردن مرزهای خود جهت عبور ترانزیتی کردها غیر مسلح به ایران موافقت کند. شاید سفارت آمریکا در آنکارا این مسئله را روشن سازد.

۴ - مراتب ذکر شده و اطلاعاتی که از طریق مجراهای دیگر به واشنگتن رسیده حاکی از آن است که حکومت ایران اکنون کمتر تمایل دارد یا اصلاً تمایل ندارد به تقاضای بارزانی برای تمدید ضرب الاجل با بغداد تماس بگیرد. تا اندازه ای که ما اطلاع داریم مسئولیت تمدید این ضرب الاجل در درجه اول به عهده حکومت عراق است، زیرا تاریخ مسدود شدن مرز بستگی به انقضای مهلت بخشودگی کردها از سوی عراق دارد. وزارت امور خارجه و بغداد بهتر از ما می توانند قضاوت کنند که آیا تقاضای مستقیم حکومت آمریکا از عراق عملی نامطلوب است و یا خیر. اگر وزارت امور خارجه مایل است موضوع با ایران در میان گذارده شود قضاوت این است که تنها وسیله مؤثر پیامی از سوی رئیس جمهوری برای شاه خواهد بود.

۵ - معتقدیم که هم سادات و هم بومدین نقش مهمی در این ماجرا داشته و موجب تشویق ایران و عراق به توافق شده اند. آنها در بهترین موقعیتی برای تحت نفوذ قرار دادن صدام حسین برای موافقت با تمدید ضرب الاجل قرار گرفته اند، و وزارت امور خارجه ممکن است در نظر داشته باشد این مسئله را پیگیری کند. هلمز

## کردهای عراقی در ایران

سند شماره (۵) خیلی محرمانه از سفارت آمریکا در تهران تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۷۵ - ۲۱ فروردین ۱۳۵۴ به: وزارت امور خارجه در واشنگتن موضوع: کردهای عراقی در ایران ۱- به دنبال ملاقات نویمان کنسول آمریکا در تبریز با نماینده بارزانی (تلگراف مرجع) نویمان روز ۱۹ فروردین در نقده آذربایجان غربی با ادريس پسر بارزانی ملاقات کرد. این ملاقات به تقاضای ادريس بود. ادريس استدلالهای مشابهی عنوان کرد و گفت حضور کمیته بین المللی صلیب سرخ در اردوگاههای

پناهندگان باعث خواهد شد که ایرانیان کردها را برای بازگشت به عراق تحت فشار قرار ندهند. او از این نیز فراتر رفته خواستار تضمینهایی از جانب آمریکا در رابطه با ایران (به دنبال نفوذ یا فشار آمریکا) شد مبنی بر اینکه بازگشت اجباری در کار نباشد. نویمان در پاسخ گفت که یک چنین مداخله ای از جانب آمریکا چندان امکان پذیر نیست. ادريس چندین بار اظهار داشت که کردها می ترسند پخش شدن در داخل ایران معادل با نابودی وضع قومی آنها باشد و اظهار نظر کرد که وظیفه بشر دوستانه آمریکا این است که مانع اتفاق چنین وضعی بشود.

ادريس اظهار نظر کرد که در نتیجه پایان یافتن مقاومت مؤثر کردها حیثیت و اعتبار پدر او در میان کردها رو به کاهش رفته است. او از این هراسناک بود که بدون رهبری خانواده بارزانی کردها در وضع متزلزلی باشند، و ممکن است که علیه هر کسی که به عقیده آنها مسئول مشکلات آنها است، قیام کنند.

ادريس پرسید که آیا آمریکا برای آوارگان کرد برنامه ای تهیه کرده است یا خیر که به او گفته شد خیر. او گفت که ژنرال بارزانی روزهای ۱۸ و ۱۹ فروردین در تهران بوده است.

شاه به مایکل کیتس (فاش نشود) خبرنگار یونایتد پرس در خاورمیانه طی مصاحبه ای در تاریخ ۲۰ فروردین گفت که کمک ایران به کردها قطع شده است زیرا آنها درگیر مبارزه بیهوده ای هستند. او اخیرا بارزانی را ندیده است، ولی شاه گفت که بارزانی اکنون در نزدیکی تهران زندگی می کند و آزاد است هر کاری که می خواهد بکند و هر جا که می خواهد برود. شاه انتظار ندارد که بارزانی ایران را ترک کند و او گفت بارزانی کجا برود و چه کار بکند؟ شاه ضمن مقایسه آوارگان فلسطین یا کردها گفت که کردها نمی توانند به مدت نامحدودی در اردوگاهها بمانند. زیرا این امر تبلی و نفرت را در میان آنها پرورش خواهد داد. کیتس گفت که شاه همچنین افزود که از آنجایی که کردها با ایرانیها از یک نژاد و یک زبان هستند (عینا نقل قول) به آسانی می توانند در جامعه ایران جذب شوند. هلمز

## اوضاع و تقاضای کردهای عراقی در ایران

سند شماره (۶) خیلی محرمانه از کنسولگری آمریکا در خرمشهر تاریخ: ۱۰ آوریل ۱۹۷۵ - ۲۱ فروردین ۱۳۵۴ به: وزارت امور خارجه در واشنگتن موضوع: اوضاع و تقاضای کردهای عراقی در ایران خلاصه: نماینده ژنرال بارزانی روز ۱۶ فروردین با من ملاقات کرد تا تقاضا کند حکومت آمریکا از نفوذ خود نسبت به کمیته بین المللی صلیب سرخ استفاده کرده و کمک صلیب سرخ بین المللی و حضور صلیب سرخ را در اردوگاههای پناهندگان به دست بیاورد. این تقاضا ناشی از این ترس است که ایران در نظر دارد تدابیر شدیدی برای وارد کردن پناهندگان به بازگشت به عراق اتخاذ کند. در جریان مذاکره نماینده بارزانی چنین گفت:

۱ - ژنرال بارزانی و دستگاه رهبری حزب دمکرات کردستان از قصد خود برای ادامه مبارزه مسلحانه به کلی منصرف شده اند.

۲ - کردها از تغییر سیاست ایران شدیداً آزرده خاطر شده اند.

۳ - دستگاه رهبری حزب دمکرات کردستان درباره ایمنی خود در صورت بازگشت خود به عراق



هراسناک است و آنها همچنین از این نگرانند که توده های بزرگ کشاورزان کرد در صورت بازگشت بزور در خارج از کردستان عراق اسکان داده شوند.

۴- آنها سیاست ایران را چنین تلقی می کنند که در جهت پخش کردهای تحصیلکرده در سراسر ایران و اعمال فشار فزاینده نسبت به پناهندگان تحصیل نکرده برای بازگشت به عراق گرایش پیدا می کند. ابراز عکس العمل از سوی وزارت امور خارجه مورد تقدیر خواهد بود. (پایان خلاصه) ۱- دکتر اسفندیار (فاش نشود)، جراح کردی که از قبل با من آشنا بود روز ۱۶ فروردین در تبریز نزد من آمد و گفت نماینده ژنرال بارزانی است، که اکنون در شهر نقده به سر می برد. دکتر اسفندیار گزارشهای قبلی درباره اینکه همه زد و خوردها متوقف شده را تأیید کرد. او گفت که بیش از ۵۰۰۰ نفر از پیشمرگ ها خود را به عراقها تسلیم کرده اند و بسیاری دیگر از مرز گذشته وارد ایران شده اند. در حالی که بعضی از افراد ممکن است سلاحهای خود را پنهان کرده و امید به جنگ داشته باشند، حزب دمکرات کردستان نقشه ای برای ادامه جنگ ندارد و سلاحها نگهداری نمی شود. همه سلاحهای سنگین کردها در منطقه مرزی در حاجی عمران بدور انداخته شد و هم اکنون یک گروه مختلط نظامی عراقی و الجزایری که از پیرانشهر ایران و به کمک ایرانیان از طریق جاده همیلتون وارد عراق شده این، سلاحها را جمع آوری کرده است.

۲- کردها این احساس را دارند که ایران یک سیاست فشار تدریجی را برای اغوای پناهندگان به بازگشت به عراق یا در مورد صاحبان حرفه و تکسینها به ترک مناطق مرزی و اشتغال در داخل ایران شروع کرده است. آنها می گویند که اداره بیشتر اردوگاههای پناهندگان به وسیله ارتش ایران از نشانه های این فشار است و از نشانه های دیگر کاهش توزیع غذا و آب در بعضی اردوگاهها قطع آن برای یک یا دو روز و دستور به افراد قبیله هروکی که در خارج از اردوگاهها زندگی می کردند. به فروش فوری دامها خود و انتقال به اردوگاههای پناهندگان و همچنین مقامات ایران بیشتر آوارگان را تشویق به بازگشت می کنند، و در عین حال به حرفه ایهای آنها وعده های کار و حقوقهای خوب و در صورت ترک اردوگاهها و کار در جای دیگر می نماید.

اظهار نظر: در حالی که هیچ کدام از این موارد ثابت نمی کند که تدابیر خشن تری برای متقاعد کردن کردها در پیش است، کردها از هم اکنون نگران هستند.

۳- طبق اظهار نظر دکتر اسفندیار، بارزانی و رهبران حزب دمکرات کردستان دو دلیل اصلی دارند برای اینکه بخواهند کردها را در اردوگاهها در یک جا نگهدارند، یک دلیل ترس واقعی از آن چیزی است که ممکن است در عراق در صورت بازگشت آنها اتفاق بیافتد. داستانهایی از اعدام آنهايي که بازگشته اند و از منع بازگشت کشاورزان بر روی زمینهای خود به نحو وسیعی در جریان است. در حالی که مرز بسته است و دسترسی به اردوگاههای بسیار محدود است، اطلاعات موثق بسیار کمی از طرف مرز عراق در دست است و این امر احساس ترس و بلا-تکلیفی آنها را شدت می دهد. دلیل دوم این است که کردها معتقدند (یا اینکه می کوشند معتقدند باشند) که ماه عسل روابط حسنه ایران و عراق بسیار کوتاه مدت خواهد بود و ایران بالمآل خواهد خواست بار دیگر از کردها بهره برداری کنند در حالی که چشم اندازی از تشدید جنگ در نظر آنها وجود ندارد معتقدند که یک چنین اوضاعی نقل سیاسی آنها را در سر و کار داشتن با بغداد سنگین تر خواهد کرد.





۴- با توجه به عوامل فوق ژنرال بارزانی تقاضا کرده است که حکومت آمریکا از نفوذ خود در مورد کمیته بین المللی صلیب سرخ برای حفظ کمک‌هایی به مقیاس کوچک به پناهندگان و بنابراین دسترسی به اردوگاه‌ها استفاده کند. بدون چنین نفوذی کردها از آن بیم دارند که از دنیای خارج منزوی شوند، و ایرانیان نسبت به آنها بدرفتاری کنند. کردها شنیده اند که ایران به کمیته بین المللی صلیب سرخ گفته است که دیگر کاری برای آنها در ایران وجود ندارد و نمایندگان صلیب سرخ باید به منزل خود بازگردند.

۵- من گفتم همان طوری که دکتر اسفندیار می داند حکومت آمریکا در این جنگ دخالتی نداشته است را و میل ندارد خود را از لحاظ سیاسی اکنون که صلح در شرف بازگشت به این منطقه است آلوده کند و در عین حال ما نسبت به مسائل بشردوستانه حساسیت داریم و من قول دادم این تقاضا را به وزارت امور خارجه اطلاع دهم.

۶- اظهار نظر: از دیدگاه بسیار محدود تبریز چنین به نظر می آید که ادامه مداخله کمیته بین المللی صلیب سرخ سودمند باشد؛ حتی اگر هم به دلایلی که کردها عنوان کرده اند، نباشد. اگر ترس کردها از بدرفتاری و اعمال فشار به بازگشت به عراق عملی شود، احتمالاً حملاتی در مطبوعات علیه ایران و متهم کردن آن به بدرفتاری نسبت به مردمی رانده شده صورت خواهد گرفت، و آمریکا ممکن است به بی توجهی نسبت به چنین شرایطی متهم شود. حضور ضعیف کمیته بین المللی صلیب سرخ می تواند از لحاظ بین المللی شواهد قابل قبولی درباره شرایط اردوگاه‌ها که تاکنون به اندازه کافی خوب بوده فراهم کند. به علاوه اگر بغداد نسبت به بازگشت کنندگان تدابیر بسیار خشن و سرکوبگرانه اعمال نکند، آن گاه گزارشهای کمیته بین المللی صلیب سرخ درباره شرایط کنونی در عراق ممکن است عده زیادی از پناهندگان را به بازگشت به عراق در آینده نه چندان دوری تشویق کند.

این امر از شدت اوضاع هیجان آور پناهندگان کرد به نحو قابل ملاحظه ای خواهد کاست و همچنین تقاضاهایی که برای پذیرفتن عده زیادی از پناهندگان از سوی ایالات متحده به عمل می آید، کاسته خواهد شد. اگر وزارت امور خارجه در این عقیده سهیم است که حضور ضعیف کمیته بین المللی صلیب سرخ سودمند است، شاید در دو طرف مرز شیوه متناسبی برای اینکه عراق نظر خود را تغییر دهد، آن خواهد بود که از مصریها و الجزایریها تقاضا شود عراق را متقاعد کنند که (پذیرفتن) یک هیئت نمایندگی صرفاً ناظر از سوی کمیته بین المللی صلیب سرخ نشان دهنده توجه کافی به اصول بشر دوستی خواهد بود و در ضمن دعاوی عراق نیز مبنی بر اینکه آنها دست به یک جنگ قوم کشانه زده اند را به ثبوت خواهد رساند.

۷- اظهار نظر سفارت: اعلامیه رسمی کمیته بین المللی صلیب سرخ درباره پایان یافتن کمک‌های آن به کردها (تلگرام ژنو ۲۳۹۸) به وضوح این امکان را به وجود می آورد که کمیته بین المللی صلیب سرخ را می توان متقاعد کرد تا کمک‌های بشر دوستانه بیشتری انجام دهد. سفارت موافقت دارد که مصریها یا الجزایریها ممکن است در متقاعد کردن عراق به موافقت با برنامه های محدود کمیته بین المللی صلیب سرخ مفید باشند، همان طور که سفارت قبلاً توصیه کرده بود سادات و بومدین می توانند در به دست آوردن تمديد ضرب الاجل نقل و انتقالات پناهندگان در دو طرف مرز ایران و عراق سودمند باشند (تلگرام تهران ۲۷۵۰) نویمان



سند شماره (۷) از: سفارت آمریکا در لندن تاریخ: ۲۴ آوریل ۱۹۷۵-۴ اردیبهشت ۱۳۵۴ طبقه بندی: سری توزیع مجدد شماره سند: لندن ۶۲۲۷ موضوع: گزارش پرداخت مالی عراق به ایران ۱- در جریان مذاکرات هفته گذشته بین ایالات متحده و انگلیس در لندن درباره خلیج (فارس) انگلیسیها به یک گزارش اطلاعاتی اشاره کردند که به موجب آن در کنفرانس الجزایر توافق حاصل شده است، عراق به ایران ۳۰۰ میلیون دلار بپردازد و این توافق در توجیه هزینه اسکان آوارگان کرد در ایران حاصل شده است. ما به هرگونه اطلاعات مربوطه که مخاطبان ما ممکن است به دست آورند علاقه مند هستیم.

۲- برای وزارت امور خارجه: صورتجلسه مذاکرات به وسیله پیک ویژه روز ۳ اردیبهشت به معاون وزارت امور خارجه مسئول امور خاور نزدیک فرستاده شده است، تا به وسیله او تصویب شده و به نحو شایسته ای توزیع شود. ریچاردسون

### اطرافیان بارزانی

سند شماره (۸) از: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی - سیتاریخ: ۱۳ نوامبر ۷۷ - ۲۲ آبان ۵۶ به: سفارت آمریکا تهران طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۱۲۹۴۶ موضوع: اطرافیان بارزانی ۱- یکی از اطرافیان بارزانی به ما اطلاع داده است که بارزانی می خواهد جهت انجام کار عادی و روزمره یک نفر را به ایالات متحده بیاورد. آنها مصطفی احمد را انتخاب کرده اند و به ما گفته اند که ساواک موافقت کرده که به او پاسپورت و اجازه خروج نیز داده شود.

۲- از آنجا که ضامن وی در ایالات متحده (بارزانی) سابقه مهاجرت ندارد و احمد تماس قبلی با بارزانی داشته است، به نظر می رسد که بتواند یک ویزای توریستی موقتی تهیه کند.

۳- اگر احمد تقاضای ویزا بکند، سفارت باید قبل از صدور آن را با ساواک مطرح کند. لطفا موقعی که ویزا صادر شد، ما را در جریان بگذارید. ونس

### عکس العمل منطقه در قبال فعالیت کردها خواسته ها و راهنماییها

سند شماره (۹) تاریخ: ۲۳ اوت ۱۹۷۸-۱ شهریور ۵۷ طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۲۰۴۹۲ موضوع: عکس العمل منطقه در قبال فعالیت کردها (بدون طبقه بندی) خواسته ها و راهنماییها الف: (خیلی محرمانه) خواسته ها:

۱- (خیلی محرمانه) تخلیه، استقرار و مجدد و انهدام کامل روستاهای قدیمی کرد در عراق، چه اثری بر رفتار کردها نسبت به دولتهای ایران و عراق دارد؟

۲- (خیلی محرمانه) برنامه های حاوی و آینده ایران جهت اقداماتی علیه کردها، با در نظر گرفتن تشریک مساعی با عراق چیست؟ واکنش قاطبه کردهای ایران نسبت به همکاری ایران با عراق علیه کردهای عراق چیست؟ ۳- (خیلی محرمانه) ارزیابی ایران نسبت به توانایی عراق در کنترل فعالیت اکراد چیست؟ ۴- (خیلی محرمانه) آیا احتمال می رود ایران از بعضی گروههای کرد، مخفیانه حمایت نماید؟ ایران از کدام جناح کردها در حال حاضر پشتیبانی می کند. با چه روش و کدام طریق؟ ۵- (خیلی محرمانه) وابستگی کردها به حزب کمونیست عراق تا چه حد بر ثبات رژیم کنونی عراق اثر می گذارد؟ ۶- (خیلی محرمانه) آیا کردها در نظر واحدهای نظامی و شبه نظامی عراق مورد اطمینان هستند؟ به کدام واحد گماشته شده اند و چه نوع مأموریتهایی به آنها محول می شود؟ چه محدودیتهایی در ارتش عراق نسبت به کردهایی که به سربازی می روند، اعمال می شود؟ ۷- (خیلی محرمانه) دولتهای ایران و ترکیه چه اقداماتی جهت کنترل کردهایشان انجام داده اند؟ ۸- (خیلی محرمانه) چه تهدیدی فعالیتهای کردها در این منطقه برای امنیت شمال غربی ایران دارد؟ دولت ایران چه اقداماتی برای رفع هرگونه فعالیت خصمانه کردها در کردستان ایران انجام داده است؟ ۹- (خیلی محرمانه) کردها چه کمکهای خارجی دریافت می دارند؟ ۱۰- (خیلی محرمانه) فعالیت کردها تا چه حد بر روابط ایران و عراق تأثیر می گذارد؟ ب: (خیلی محرمانه) راهنمایها.

۱- (خیلی محرمانه) گزارشهای اخیر حاکی از همکاری گسترده ایران و عراق در کنترل فعالیت کردها است. انتظار می رود یک چنین همکاری، به ویژه در رابطه با افزایش حمایت کمونیستها از عناصر مشخص کرد. کماکان ادامه یابد.

۲- (خیلی محرمانه) این اطلاعات نباید در اختیار دولتهای خارجی قرار گیرد. استفاده از این اطلاعات تابع بند ۱۶، ب، قسمت چهار، جلد دوم، ۲-۸۵ DIAM، است.

۳- (طبقه بندی نشده) یک نسخه از پاسخ سؤالات را به آدرس D.C. ۲۰۳۰۱ و واشنگتن و C۱-۳D۳ (سازمان اطلاعاتی دفاع) بفرستید.

۴- (طبقه بندی نشده) شماره کنترل طراح این سؤالات ۸۷-۴۳-۳C۱-DB است.

### سیاست دولت ایران در کنترل کردن کردها

سند شماره (۱۰) گزارش اطلاعاتی وزارت دفاع خیلی محرمانه ۱- کشور: ایران - عراق ۲- شماره گزارش: ۶۸۴۶۰۴۹۸۷۸ -۳ ...

۴- موضوع: سیاست دولت ایران در کنترل کردن کردها ۵- تاریخ اطلاعات: خرداد ۵۶ تا ۵ تیر ۵۷

ص: ۷۶۶

۶- تاریخ گزارش: ۱۶ اکتبر ۷۸-۲۴ مهر ۵۷- تاریخ و محل اکتساب: ۹ اکتبر ۷۸، تهران، ایران .....

۱۴- منبع: سفارت آمریکا، تهران ۱۶- خلاصه: (خیلی محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) این گزارش مروری بر سیاست اتخاذ شده ایران جهت کنترل جمعیت کردهایش و فعالیتهای کردهای پناهنده را ارائه می دهد.

۲۲- جزئیات: (خیلی محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) از سال ۱۹۷۵ که تلاش چریکهای کرد در عراق با شکست مواجه شد، حدود ۱۵۰ هزار پناهنده کرد وارد ایران شدند. از شانس خوش دولت ایران اکثریت عظیمی از این تعداد یا در کشورهای دیگر (از جمله ایالات متحده آمریکا) ساکن شده اند و یا اینکه با کمال میل جذب بازار کار ایران شده اند. حدود ۶۵٪ کردهای پناهنده عراقی (۳۰۰۰۰ نفر) که در ایران هستند، شغلهای دائمی به دست آورده اند و بقیه کارهای نیمه وقت دارند و یا اینکه هنوز جابه جا نشده اند، سیاست دولت ایران نسبت به پناهندگان این بوده است که با کمیته های مشترک کرد و دولت ایران همکاری نماید تا مسائل را مورد رسیدگی قرار داده و کردها را در جایی که امکان به دست آوردن کار برای آنها وجود دارد مستقر کنند. امکان اشتغال به کار در غالب شهرهای ایران وجود دارد. پناهندگان مجاز به اقامت در استانهای مجاور مرز عراق نیستند.

منبع گزارش کرد که ادریس بارزانی، رهبر ناراضی کرد که در ایران اقامت دارد، گفت یک مقام ناشناس دولت ایران (در اکتبر ۱۹۷۷) به او گفته است که تماس با هموطنانش در عراق را متوقف کند و ارسال نیروی تقویتی را متوقف سازد. بارزانی منکر انجام این فعالیتها شد. از قرار معلوم همین مقام دولت ایران گفته است که کردهایی که قوانین و مقررات مرزی را نقض کنند به مقامات عراقی تحویل داده خواهند شد.

منبع گزارش داد که ناظران کرد معتقدند که اجرای آن سیاست موجب سهولت کارها خواهد شد. دولت ایران کرارا با هرگونه اعمال زور جهت بازگشت اکراد به عراق مخالفت کرده است.

گزارشهای اخیر غالب منابع خبری حاکی از همکاری بسیار نزدیک مرزی ایران و عراق است. ایران بیش از پیش فعالیت پناهندگان کرد را در قلمرو خود کنترل می کند. منبع هم چنین گزارش می کند که به نظر می رسد محدودیت ایرانیان در مورد رهبران کرد عراق برابر موضوع عراق در قبال فعالیتهای آیت الله خمینی رهبر ناراضی شیعیان مسلمان ایران است.

منبع گزارش می کند که با در نظر گرفتن سیاست ایران نسبت به قاطبه کردهای خود، رهبران قبایل کرد در منطقه تبریز، به دنبال تلاش دولت ایران برای جذب مردم کرد. با زوال اجتناب ناپذیر قدرتشان مواجه هستند. اصلاحات ارضی در این منطقه بر قاطبه کردها تأثیر داشته است. یکی از آثار منفی آن کاهش قدرت قبیله ای بوده است. بنابراین مشکل است که فشار مؤثری بر نهادهای دولت ایران در مورد مسائلی از قبیل جاده سازی، آبیاری و سیاست کشاورزی داشته باشند. رهبران کرد به دولت ایران اعتماد ندارند، زیرا احساس می کنند دولت عمدا سعی در از بین بردن فرهنگ صحرائشینی کردها دارد. کارگران زمینداران کردها جذب شهرها می شوند. بعضی از زمینداران خودشان نیز نیمی از سال را در شهرها سپری می کنند. رهبران کرد احساس می کنند که این «سیاست» دولت ایران موفقیت آمیز خواهد بود.

نظریات تهیه کننده: (خیلی محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) سیاست دولت ایران نسبت به

ص: ۷۶۷

کردها نوعی جذب کردن آنهاست. این امر شامل کاهش قدرت قبیله ای از طریق اغوا کردن آنها به وسیله کشش اقتصادی در شهرها می باشد. در ضمن به نظر می رسد سیاست آن نسبت به پناهندگان عراقی بر همین اساس است. علاوه بر این، ارتباطی که منبع بین سیاست ایران در قبال کردها با سیاست عراق در مورد آیت الله خمینی قائل می شود، بستگی به تحول آتی، ناشی از سفر اخیر خمینی به فرانسه که او را خارج از حیطه کنترل عراق قرار می دهد، دارد.

## پناهندگان کرد در ایران

سند شماره (۱۱) از: سفارت آمریکا، تهران تاریخ: ۱ فوریه ۷۹-۱۲ بهمن ۵۷ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی. سی دارای حق تقدم شماره سند: ۱۶۴۹ طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: (محرمانه) پناهندگان کرد در ایران ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: بدون شک وضعیت کردها در ایران به خاطر بی نظمیهای کنونی به نحوی منفی تأثیر پذیرفته است. اخیراً نماینده کردها یک نسخه از نامه ای را که برای کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل فرستاده بود و در آن خواهان تلاش بیشتر برای پناهندگان کرد شده بود، به ما داد. علیرغم نکته فوق، به نظر نمی رسد که کردها بیشتر، و نه احتمالاً کمتر، از سایر اقلیتها مانند بهائیان و یهودیان، مورد ستم قرار گرفته باشند. با توجه به ورود اخیر آیت الله خمینی، ما فکر می کنیم این ممکن است برای نماینده کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل مفید باشد که برای مشاهده نه فقط مشکل کردها، بلکه مشکلات بالقوه پناهندگان در میان سایر گروهها، به تهران بیاید. (پایان خلاصه) ۳- کردها، به همراه سایرین، قطعاً به خاطر ناآرامیهای اخیر ایران، به گونه ای منفی تأثیر پذیرفته اند.

کردها هم در راهپیماییهای موافق و مخالف دولت در غرب ایران شرکت کرده اند و به همراه دیگران متحمل رنجها و خشونت‌هایی شده اند. نماینده کردها، علی سلیمان، اخیراً با سرکنسول ملاقات کرد و یک نسخه از نامه ای را که گروه بارزانی، به منظور تقاضای حمایت بیشتر برای پناهندگان کرد در ایران و عراق برای کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل ارسال داشته بود، ارائه داد.

۴- نکته مهم این است که کردها به همراه سایرین رنج کشیده اند و احتمالاً به سختی بعضی از اقلیت‌های دیگر، خصوصاً بهائیه‌ها و یهودیه‌ها، خسارت ندیده اند. در حالی که هیچ تمایلی جهت کاهش مشکلات پناهندگان کرد در کشور گرفتار آشفته‌گیهای سیاسی وجود ندارد، منطقی به نظر می رسد که بگوییم که کردها احتمالاً به آن اندازه ای که سایرین در خطر هستند، به مخاطره نیفتاده اند. آنها همچنین مشکلات حزب دموکرات کردستان را، که برای چهار سال درباره مشکلات پناهندگان کار کرده و بدون شک به دور از تهاجمات نظامی است. برای کمک به خود دارند و آنها در آمریکا و یا جاهای دیگر بیشتر برای کردها کار می کنند. ناآرامی سیاسی در ایران یک فرصت طبیعی برای از سرگیری تلاش کردها به منظور تحت فشار قرار دادن (دولت) می باشد.

۵- به هر حال، همان طور که در بالا ذکر شد، ما معتقدیم که برای کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل به طور بالقوه مفید خواهد بود که فردی را برای چنین موقعیتی بفرستند. ورود امروز آیت الله



خمینی بسیار احتمال دارد طلیعه دورانی باشد که طی آن وجود اقلیتها از جمله کردها و خارجیها کمتر مورد تحمل قرار خواهند گرفت. حضور نماینده کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل می تواند تذکاری برای ایرانیان در مورد توجه جهانی به مسئله اقلیتها (از جمله پناهندگان کرد) باشد، و برای کاستن از زیاده رویها فشار ملایمی را بر سیستم سیاسی وارد آورد. در حال حاضر، آمریکا در وضعی نیست که بتواند برای پناهندگان کرد کاری انجام دهد و ما صراحتاً، گمان می کنیم که احتمالاً سرمایه سیاسی محدود ما می تواند به نحو بهتر به نفع سایر گروهها بکار رود. چنین محدودیتهایی (اجبار و فشارهایی - مترجم) در مورد بازدیدکننده کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل، که می تواند ارزیابی کاملی از وسعت مشکلات بالقوه ارائه دهد، صدق نمی کند. البته، ما خوشحال خواهیم شد که با یک چنین بازدیدکننده ای همکاری نمایم.

۶- سفارت قصد دارد با علی سلیمان مجدداً تماس بگیرد و اطلاعات اضافی را بعداً تهیه خواهد کرد.

سولیوان

### پناهندگان کرد، امکان کمک سازمانهای جهانی

سند شماره (۱۲) خیلی محرمانه از: وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۱۳ بهمن ۱۳۵۷ - ۲ فوریه ۷۹ به: هیئت نمایندگی آمریکا در ژنو موضوع: پناهندگان کرد، امکان کمک سازمانهای جهانی ۱- از هیئت نمایندگی (در ژنو) درخواست می شود که با کمیته بین المللی صلیب سرخ و هیئت عالی برای نظارت پناهندگان سازمان ملل در مورد اینکه آنها چه طرحهایی برای کردهای عراق و بقیه اقلیتها که با اوضاع جاری ایران مورد تهدید قرار گرفته اند دارند، مذاکره نمایند.

۲- ما دریافته ایم که کمیته بین المللی صلیب سرخ یک دفتر در تهران دارد. آیا نمایندگان آنها در تهران می توانند به کردهای عراقی و همچنین بقیه اقلیتهایی که قصد ترک ایران را دارند کمک بکنند؟ ۳- آیا هیئت عالی برای نظارت پناهندگان سازمان ملل نماینده ای در ایران دارد، یا اینکه آیا آنها می توانند یک نماینده برای ارزیابی شرایط جاری در رابطه با تأثیر آن بر کردهای عراقی و بقیه اقلیتها اعزام نمایند؟ ۴- این مطلب باید فهمیده شود که مفاد این نامه هیچ گونه اقدامی را در حال حاضر پیشنهاد نمی کند. با این وجود، ما از دریافت هر گونه اطلاعاتی درباره طرحهای این دو سازمان که در دست اجرا یا قصد اجرای آن را دارند، سپاسگزاری می کنیم. ونس

### وضع کردها

سند شماره (۱۳) خیلی محرمانه از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ - ۶ فوریه ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. دارای حق تقدم موضوع: وضع کردها (محرمانه) ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: علی سلیمان نماینده حزب دموکرات کردستان بر مطالب (مندرج در تلگرام مرجع

ص: ۷۶۹

الف) مبنی بر اینکه کردها همراه با کسانی دیگر از خشونت‌های اخیر در ایران صدمه می‌بینند، تأکید کرد. رنج کشیدن کردها از خشونت‌های اخیر ایران بوده است. او همچنین تلاش برای ترور مسعود بارزانی در وین را که ۱۵ روز قبل رخ داد، تشریح نمود و فشار زیادی را برای پاسخ مثبت آمریکا در مورد برنامه جدیدی برای پناهندگان کرد وارد آورد. علی سلیمانی گفت: گروه طالبانی در حال قویتر شدن می‌باشد و از طرف گروه بارزانی درخواست همیشگی را برای کمک آمریکا اعلام نمود. درخواست اقدام: جواب به سؤال سلیمان در مورد وجود برنامه ای برای پناهندگان کرد که واشنگتن درصدد انجام آن باشد (پاراگراف ۶ که در ذیل آمده است). همچنین پاسخ به پیشنهاد ما مبنی بر اینکه هیئت عالی برای نظارت سازمان ملل و حضور فعال تر کمیته جهانی صلیب سرخ در اینجا ممکن است مفید باشد.

۳- علی سلیمان نماینده حزب دموکرات کردستان در تاریخ ۱۴ بهمن به دیدار مأمور سیاسی آمد تا وضع کردها را که چند روز پیش تر درباره اش با سرکنسول حرف زده شده بود مورد بررسی قرار دهد.

علی سلیمان تأیید نمود که کردها از خشونت‌ها و نابسامانی‌های اخیر که ایران را فرا گرفته است رنج می‌برند. زیرا به خاطر پایین آمدن تولید سوخت و بسته شدن کارخانجات، کارگران کرد همراه با بقیه کارگران بیکار گشته اند. هیچ گونه تبعیض مستقیمی در این مورد اعمال نشده است. ولی بسیاری از کردها که «آخرین استخدام شده‌ها» بودند. «اولین اخراجیها» می‌باشند.

کمک‌های پرداختی دولت ایران به کردها تقریباً در اول محرم قطع شد (برابر با ۲ دسامبر ۱۹۷۸) و در نتیجه این سردرگمی مقدار زیادی از پناهندگان کرد بدون جیره مانده اند. حزب دموکرات کردستان سعی نمود تا کاری انجام دهد، ولی حزب نمی‌تواند از پس هر کاری بر بیاید.

۴- در پاسخ به این سؤال که آیا کردها بیشتر از گروه‌های دیگر مورد تبعیض قرار گرفته اند؟ علی سلیمان گفت که آنها، مانند بقیه خارجیها، با بروز احساسات ضد اجنبی ایرانیان مواجه شده بودند. این مسئله بیشتر بستگی به اوضاع محلی و مقامات محلی داشت. خیلها شکیبیا و کمک کننده بودند ولی بعضیها این طور نبودند.

۵- بعد علی سلیمان به تلاش برای ترور مسعود بارزانی، پسر ژنرال بارزانی که در حدود ۲ هفته قبل در وین رخ داد اشاره نمود. مسعود و دوستان دیگرش در اتومبیل سوار بودند که مردانی در یک وسیله نقلیه دیگر با اسلحه آنها را مورد حمله قرار دادند. مسعود جان سالم به در برد و دو نفر از دوستان همراهش زخمی شدند. وقتی آنها بهبود یافتند پلیس اتریش دومین تلاش برای ترور آنها را در فرودگاهی که مسعود و دوستانش در حال ترک آنجا بودند، خنثی نمود.

علی سلیمان گفت که منابع حزب دموکرات کردستان عقیده دارند که هر دو مرتبه تلاش برای ترور آنها کار سازمان اطلاعات عراق بوده باشد.

۶- با ذکر مشکلات بالا علی سلیمان گفت:

که او چیز بیشتری در مورد احتمال پیشنهاد برنامه جدیدی برای پناهندگان کرد به وسیله آمریکا نشنیده است و نمی‌داند که

آیا قرار است که یک برنامه جدید برای آنها تهیه شود یا نه؟ مأمور سیاسی این طور جواب داد که او چیزی نمی داند، ولی در مورد این موضوع از واشنگتن جویا می شود.

(وزارتخانه HA:

خواهش می کنم که خودتان را مخاطب این سؤال قرار دهید... ممنون خواهم شد که اگر گزارش در مورد

ص: ۷۷۰

برنامه پناهندگی کردها را ارائه دهید.) علی سلیمان گفت که خیلی از کردها آرزوی رفتن به آمریکا را دارند، حتی آن اشخاصی که قبلاً اسکان داده شده اند. مأمور سیاسی همدردی خودش را در مورد وضع آنها اعلام کرد و گفت که بقیه اقلیتها هم مشکلات اینچینی دارند. علی سلیمان گفت که او آرزو می کند که فشار کردها در آمریکا مانند فشار سایر گروهها مؤثر واقع گردد. مأمور سیاسی به صورت خشک پاسخ داد این مسئله چیزی نیست که باعث احساس حقارت باشد.

۷- علی سلیمان اظهارات معمولی خودش را درباره قویتر شدن گروه طالبانی در مقابل ضعیفتر شدن گروه بارزانی تکرار کرد و گفت در مرز ترکیه و عراق الاان افراد نسبتاً فراوانی از گروههای طرفدار بارزانی حضور دارند، در حالی که طرفداران طالبانی به مرز ایران و عراق نقل مکان کرده بودند، یعنی جایی که منابع حزب دمکرات کردستان تأکید دارند که او در حال گرفتن کمک از گروههای توده ای ایرانی است.

(توضیح: اولین باری است که ما این مطلب را شنیده ایم، ولی آماده دریافت نظریات دیگران می باشیم. در حمله ای که دو هفته پیش از طرف کردها به یک پاسگاه ژاندارمری صورت گرفت و عاملانش مشخص نبود، نیروهای طالبانی متهم به اجرای آن شدند. ولی این حادثه هرگز توضیح داده نشده است.) ۸- برای وزارتخانه: تلگرام مرجع ج حاکی از این مطلب می باشد که احتمالاً اندازه بی سازمانی و به هم ریختگی در ایران را تمام ادارات وزارتخانه درک نکرده اند. متأسفیم که قبلاً در مورد این موضوع گزارش مشخص تری نداده ایم. اگرچه برنامه های توسعه سازمان ملل که کارهای هیئت عالی برای نظارت پناهندگان سازمان ملل را انجام می دهد، تقریباً تعطیل شده و بیشتر کارمندانش را هم به خارج از کشور فرستاده است. دفتر هیئت برنامه های توسعه خودش تلفنهایش را جواب نمی دهد و هیچ نماینده ای در اینجا ندارد. ما هیچ گونه تماسی با نماینده کمیته بین المللی صلیب سرخ در شلوغیهای سه چهار ماهه اخیر نگرفته ایم، ولی از شنیدن این خبر در (تلگرام مرجع ج) خوشحالیم که آنها هنوز حضور دارند. آنها هنوز به دنبال ما نیامده اند (ژنو می تواند کاری در این باره انجام بدهد، اگر این کار بنظرشان مفید باشد). در طول دو ماهه اخیر اکثریت آنها که در اینجا باقی مانده اند، نشسته و چمباتمه زده اند و تمام توجه خود را صرف این کردند که کپل خودشان را سالم نگهدارند، به جای آنکه حدود اختیارات خود را توسعه دهند. با وضعی که در اکثر وزارتخانه ها وجود دارد و در آنجا دسته های رقیب باعث توقف تماسها و کار «معمول» شده اند، شرایط سختتر شده است.

۶- شاید مفیدترین چیزی را که در حال حاضر وزارتخانه می تواند انجام بدهد این باشد که تشویق کند، در دفاتر مرکزی کمیته جهانی صلیب سرخ و هیئت عالی نظارت برای پناهندگان سازمان ملل قدری فکر شود و همچنین موجبات عزیمت نماینده ای از هیئت عالی نظارت (تلگرام مرجع الف) که بتواند تا هفته آینده یا دو هفته آینده به اینجا بیاید (البته اگر شرایط اینجا اجازه چنین کاری را بدهد)، فراهم کند. هرگونه کارهای زمینه ای برای رفتار سخاوتمندانه تر آمریکا در رابطه با پناهندگان همه اقلیتها و بیگانگان که ممکن است در حال خروج از ایران در طول چند ماه آینده باشند، باید از همین الآن شروع شود.

سولیوان

**فعالیت ویژه کردها**



سند شماره (۱۴) از: سفارت آمریکا، تهران تاریخ: ۶ مارس ۷۹ - ۱۵ اسفند ۵۷ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی. سی. فوری طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۲۷۲۷ موضوع: فعالیت ویژه کردها ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- خلاصه: سقوط دولت بختیار و ضعف جاری در تهران به احیاء احساسات هویت طلبی در میان کردهای ایران منجر شده است. در حال حاضر، رهبری کردها محتاطانه پیش می رود و روی این مسئله پافشاری می کنند که تقاضای آنها فقط خود مختاری در میان ملت ایران است. با این حال، رهبری کردها مشخص کرده است که در مورد اهداف خود جدی است، و اگر ضروری باشد، کردهای ایران جهت تحقق آن خواهند جنگید. در یک نمایش بزرگ قدرت در ۲ مارس، ۲۰۰/۲۰۰ نفر در مهاباد راهپیمایی کردند.

دولت از یک سیاست تردید آمیزی پیروی کرده است که هم عدم توانایی فعلیش جهت اعمال حاکمیت در کردستان، و هم ترسش را از اینکه ممکن است جنبش نتایج غیر قابل کنترلی داشته باشد، منعکس می کند (پایان خلاصه) ۳- سقوط دولت بختیار بلافاصله از طریق یک احیای احساسات هویت طلبی در ناحیه بزرگی در امتداد مرز ایران و عراق به وسیله ۵/۳ میلیون سکنه اقلیت نیرومند کردهای ایران، دنبال گردید. گزارشاتی از آشوب در ناحیه، دولت مهدی بازرگان و آیت الله خمینی را وادار کرد، که هیئتی را به ریاست داریوش فروهر، وزیر کار و امور اجتماعی و دکتر محمد مکرری به کردستان بفرستند تا به نمایندگی از طرف آنها منابع آشوب را شناسایی کرده و در حد امکان آن را در نطفه خفه کنند. به هر حال مشکل هر دو طرف، دولت موقت و خمینی، این است که کردها به زیرکی و هوشیاری دیده اند که اضمحلال ارتش و سستی سازمانهای مجری قانون به این معنی است که در حال حاضر تهران به ندرت می تواند به تقاضای خودمختاری کردها رسیدگی کرده، و یا به طور بالفعل از انجام بعضی جنبه های برنامه آن ها جلوگیری کند.

۴- اما علیرغم قدرت نسبی موقعیت جاریشان، به نظر می رسد رهبران کردها مایلند محتاطانه عمل کنند. گروه اصلی، شامل حزب دموکرات کردستان و پیروان شیخ عزالدین حسینی، امام جمعه مهاباد، این خط را اتخاذ کرده اند که کردها فقط خودمختاری تحت لوای دولت ایران را می خواهند. ۱۰ اسفند عبدالرحمن قاسملو، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ادعا نمود که صحبت از یک جنبش جدایی طلب به وسیله عناصری شروع شده که می خواهند از اوضاع آشفته جاری ایران استفاده کنند، و با بعضی کشورهای بیگانه که نام برده نشدند، تماس دارند. قاسملو گفت که حزب دمکرات کردستان معتقد است که روابط خارجی، دفاع ملی، امور مالی و برنامه ریزیهای دراز مدت اقتصادی بایستی مستقیماً در اختیار دولت مرکزی باشد. وی افزود که با وجود این، امور ایالتی بایستی به ایالتها واگذار شود، و مشخصاً ذکر گردیده که سیاستهای مربوط به مدیریت محلی، فرهنگ و آموزش در این مقوله می باشند.

۵ - حسینی خطی شبیه به این اتخاذ کرده و در ۱۳ اسفند گفت که معتقد است که اگر به کردها آن نوع

خودمختاری را که می خواستند داده شود، استقلال ایران تقویت می گردد، چون «دشمنان ملت نمی توانستند تحت نام خلق کرد توطئه چینی کنند». با وجود این حسینی چندین بار شک خود را اظهار داشته نسبت به اینکه دولت مرکزی سیاست لازم را برای حل مسئله از خود نشان دهد. در ۱۳ اسفند حسینی ترس خود را از اینکه ممکن است اطرافیان خمینی نگذارند او از آنچه که در کردستان می گذرد به طور کامل آگاه شود، بیان نمود. او گفت که مطمئن بود که آیت الله آماده خواهد بود تا حقوق کردها را به رسمیت بشناسد، ولی در ادامه اخطار کرد که اگر دولت بازرگان یا هر دولت دیگری که به جای آن بیاید به خواسته های خلق کرد اعتنا نکند، دچار مشکلاتی خواهد گشت. او قول داد که پیروانش کوشش خواهند کرد که از راههای صلح آمیز به اهداف خود برسند. اما امکان جنگ مسلحانه را هم رد نکرد. به عنوان محرک برای اینکه دولت روش مسالمت آمیزی در پیش بگیرد، حزب دمکرات کردستان، نیز این امکان را مطرح کرده است که تن در ندادن به توافق سیاسی از جانب تهران صرفاً منجر به این خواهد شد که رهبری جنبش کردها به دست رادیکالهای جوان سپرده شود.

۶- در راهپیمایی بزرگ ۱۱ اسفند مهاباد حزب دمکرات کردستان قطعنامه ای صادر کرد که یک جمع بندی از موقعیت کردها بود. قطعنامه نکات زیر را در برداشت: مرزهای کردستان بایستی توسط خلق کرد و با توجه به شرایط تاریخی، اقتصادی و جغرافیایی تعیین شود. اظهار نظر: کلمه آخری بدین معنی است که کردها مدعی ناحیه ای خیلی بزرگتر از خود استان کردستان هستند. سرزمینهای کردنشین شامل آن استان، کرمانشاهان، ایلام و بخش جنوبی آذربایجان غربی، ناحیه ای به وسعت ۱۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی حدود ۳ میلیون نفر: می باشد. (پایان اظهار نظر) بایستی یک پارلمان کردی، از طریق انتخابات عمومی، به وجود آید که بالاترین قدرت قانونی در استان داشته باشد. تمام ادارات دولتی در ناحیه بایستی به طور محلی اداره شوند. بایستی یک ارتش خلقی وجود داشته باشد، اما پلیس و ژاندارمری بایستی منسوخ شده و یک گارد ملی جانشین آن گردد. عوامل اجرائی قانون در کردستان بایستی تحت کنترل محلی باشند. زبان کردی بایستی زبان رسمی ادارات دولتی استان و مدارس متوسطه باشد. زبان فارسی می تواند به عنوان زبان رسمی دوم باقی بماند.

آزادی بیان و آزادی مطبوعات، حقوق اتحادیه و سازمان اتحادیه های صنفی بایستی تضمین شوند، و خلق کرد بایستی آزادانه قادر به مسافرت و انتخاب شغل خود باشند.

تقریب ۲۰۰/۰۰۰ نفر برای راهپیمایی بیرون آمدند، که برای تأکید برای تحقق خواسته هایشان، خیلها به طور وضوح مسلح بودند.

۷- دولت موقت بر سر یک دو راهی نامطلوب قرار گرفته: در یک طرف، سخنگویان متعددی، به منظور آرام کردن کردهایی که (سخنگویان) می دانند تا وقتی که فلج تقریبی موجود در مرکز حکمفرماست، قابل مهار نیستند، بیانات آشتی جویانه صادر می کنند. از طرف دیگر، همین سخنگویان همچنین درباره یکپارچه بودن کشور ایران با لحن خشن صحبت کرده اند، صحبتی که رهبری کرد را نسبت به اشتیاق دولت در مورد پذیرش تمام خواسته هایشان می کند، اما صحبتی است که دولت به طور واضح امیدوار است که از رشد تمایلات هویت طلبانه در بین سایر اقلیتها، و همچنین خود کردها، جلوگیری کند.

اعدام سالار جاف، یک عضو کرد مجلس سابق در ۱۴ اسفند که ظاهراً به دلیل کوششهای او در پشتیبانی شاه بوده، استعداد آن را دارد که در کردستان به عنوان عملی تلقی شود که انگیزه شوم تری داشته





است. نتیجه پایانی ممکن است که رادیکال شدن روز افزون جنبش کردها و در نهایت مواجهه خشونت بار با دولت مرکزی باشد. سولیوان

## قیام کردها در سنندج

سند شماره (۱۵) از: سفارت آمریکا، تهراتاریخ: ۲۰ مارس ۷۹-۲۹ اسفند ۵۷ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی. فوری طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۰۰۳۱۳۶ موضوع: قیام کردها در سنندج ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: در ۲۷ اسفند، کردهای مسلح در سنندج ساختمانهای دولتی را به تسخیر خود در آوردند.

آتش بس ۲۷ اسفند کوتاه مدت بود. (پایان خلاصه) ۳- در بعد از ظهر ۲۷ اسفند درگیریهای شدید در سنندج در مرکز استان کردستان به وقوع پیوست.

هنوز مشخص نیست چه چیز آن را تسریع کرد. رادیو دولتی ایران، صدای انقلاب ایران، گزارش کرد که تعدادی دیگر از اشخاص مسلح ناشناخته به پادگان شهر رفتند و درخواست مهمات کردند، ولی با ممانعت امام جمعه سنندج رو به رو شدند. بعد از آن مغازه های شهر بسته شده و ساکنین در خارج استانداری جمع شدند. در آن هنگام، بنا به گفته صدای انقلاب ایران عناصر ضد انقلاب شروع به تیراندازی به سوی جمعیت کردند و تعدادی چند کشته و زخمی شدند. مطبوعات که شاید کمتر به وسیله خودسانسوری که در سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران اجرا می شود منع می شوند، حوادث را با اندکی تفاوت گزارش می دهند. کیهان اینترنشنال در ۲۹ اسفند می گوید که گروه مسلح از کردهایی تشکیل شده بود که به وسیله روحانی مسئول کمیته انقلاب مستقر در پادگان سنندج درخواست مهماتشان رد شده بود. تیراندازی زمانی آغاز شد که یک گروه که شامل کردهایی بودند که درخواست مهمات کرده بودند، برای اعتراض به اعمال آن روحانی به طرف استانداری حرکت کردند. به گفته صدای انقلاب ایران بعدا تعدادی عناصر فرصت طلب و ضدانقلاب رادیو تلویزیون محلی ملی ایران را به تصرف خود درآوردند و به اسم فرمانده ارتش که نمایندگان آیت الله خمینی و طرفداران دولت بازرگان هستند، شروع به گزارش ادعاهای دروغ کردند. مطبوعات می گویند وقتی که تیراندازی شروع شد، کردها فرمانده پادگان سنندج همچنین تسهیلات رادیو تلویزیون ملی ایران و تأسیسات ارتشی و تعدادی پلیس و ژاندارم را به اسارت و تصرف خود درآورده و بعد پادگان را به تسخیر خود در آوردند.

۴- در هر صورت، درگیری شاید با کشته شدن تعدادی و مجروح شدن تعداد بیشتری تا بعدازظهر ۲۷ اسفند ادامه یافت. (انتظام سخنگوی دولت موقت به مطبوعات گفت که نمایندگان کرد به او گفتند که ۸۲ نفر کشته و بیش از ۲۰۰ نفر مجروح شدند. انتظام معتقد بود که منشأ این اتفاق سوء تفاهم درباره حمل و نقل گندم دولت موقت ایران بوده.) در اواسط روز ۲۸ اسفند خمینی یک درخواست برای قطع درگیری مخابره کرد. پیام خمینی مدعی شد که شروع خشونت به وسیله گروهی از مردم بود که نمی خواهند بین مسلمانان صلح باشد. او گفت که جنبش هیچ ستیزی با برادران اهل تسنن ندارد و همه اعضای یک ملت هستند و به

یک قرآن اعتقاد دارند. هر کس که به ارتش، پلیس و ژاندارمها که به عقیده او پاسداران منافع و استقلال مردم مسلمان هستند حمله کند، از مردم مسلمان نیست، بلکه عامل اجنبی است.

۵- اواخر روز ۲۸ اسفند صدای انقلاب ایران اعلام کرد که آتش بس به وقوع پیوسته است، اما ظاهراً بلافاصله شکسته شد و این گمان به وسیله تکرار پخش اطلاعیه خمینی و پخش تقاضاهای دیگری از طرف رهبران مذهبی کرد سقز مبنی بر متوقف کردن تیراندازی، در اوائل ۲۹ اسفند، تقویت می شود. تا آنجایی که ما می توانیم تشخیص دهیم درگیری تا ساعت ۱۳ به وقت محلی روز ۲۹ اسفند ادامه داشت. ما به خاطر اکراهمان در نزدیک شدن به رابطین کردمان در این زمان، به دلیل اینکه مبادا این گمان را به وجود آوریم که به طریقی در رابطه با قیام در سنندج کاری انجام دادیم، در به دست آوردن اطلاعات با کمبود مواجه شده ایم.

۶- در حالی که به نظر می رسد که این اتفاق یک اتفاق آنی بوده است و یک اتفاقی که تعداد زیادی از رهبران کرد احتمالاً نمی خواستند که در این زمان روی دهد. این نشانگر دو عاملی است که همچنان دولت موقت را به ستوه می آورد. اولی این است که حاکمیتش در مناطق دور دستی مانند کردستان بسیار ضعیف است. اخیراً شخصی که تا از منطقه برگشته بود به ما گفت که در حال حاضر به سبب کوتاهیهای (غفلت) موجود کردها در عمل از خودمختاری قابل توجهی برخوردار هستند. ثانیاً به نظر می رسد که سنی های ایران کمتر شیفته این انقلاب اصولاً شیعی در ایران هستند. دولت موقت علاوه بر مشکلات جاری با کردها که اکثریت قاطع آنها سنی هستند، همچنین با مخالفت قابل توجه از جانب دیگر مناطق سنی نشین نیز رو به رو شده است. آخرین واقعه (به غیر از یکی در سنندج) هنگامی که نیروهای ضدانقلابی (تقریباً اغلب از سنی های محلی) در ۲۶ اسفند، پست ژاندارمری را در جزیره نزدیک بندرعباس تسخیر کردند، اتفاق افتاد.

سولیوان

### شورش کردها در سنندج

سند شماره (۱۶) از: سفارت آمریکا، تهرانتاریخ: ۲۱ مارس ۷۹ - ۱ فروردین ۵۸ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی. سی. فوری طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۳۱۵۵ موضوع: شورش کردها در سنندج ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- صدای دولتی انقلاب ایران در اخبار امروز صبح خود خبری از آتش بس جدید در سنندج پخش نکرد و این امر موجب شد که ما نتیجه بگیریم، احتمالاً جنگ در آنجا ادامه دارد. تکرار پخش درخواست آیت الله طالقانی مبنی بر اینکه کردها سلاح بر زمین بگذارند، اول در غروب روز ۲۹ اسفند و دوباره امروز صبح، همچنین دلیلی بر تأیید این نکته است. آیت الله طالقانی کردها را هموطن ایرانی خوانده و هم مذهب خوانده و اظهار داشته است که تقاضای قانونی آنها برآورده خواهد شد و آیت الله خمینی آماده شده است که نماینده شخصی خود را به کردستان بفرستد، تا به شکایات رسیدگی نماید.

۳- ما شک داریم که اعزام نماینده شخصی از جانب خمینی تأثیر زیادی داشته باشد. خرمینی، بازرگان

و دولت موقت نمایندگان شخصی خود را به کردستان و همچنین سایر نقاطی که تمرکز اقلیتهای قومی در آنجا زیاد است گسیل داشته اند. استقبال متفاوتی از این نمایندگان به عمل آمده، گاهی اوقات استقبال بسیار سرد و بعضی مواقع خصمانه بوده است.

۴- ما گزارشهای بیشتر و بیشتری درباره ناآرامی در میان اقلیتهای قومی در ایران، از جمله ترکهای آذربایجان (در تلگرام جداگانه فرستاده شده) می شنویم. ما گمان می کنیم این پدیده که بر شدت ماجرا خواهد افزود؛ در واقع مشکل بسیار جدی را برای دولت موقت مطرح خواهد نمود.

سولیوان

### شورش کردها در سنندج

سند شماره (۱۷) به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی. سی. فوریتاریخ: ۲۲ مارس ۷۹ - ۲ فروردین ۵۸ از: سفارت آمریکا، تهران طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۳۱۷۰ موضوع: شورش کردها در سنندج ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- علیرغم ادامه جنگ در سنندج، در تاریخ ۱ فروردین دو هیئت عالیرتبه عازم سنندج شدند. یک گروه شامل آیت الله طالقانی و دو تن از نزدیکترین معتمدان خمینی است و از قرار معلوم اواخر شب گذشته با گروهی از رهبران کردها به سرپرستی احمد مفتی زاده ملاقات کردند. صبح روز ۲ فروردین رادیو دولتی انقلاب ایران اعلام کرد که گروه طالقانی و مفتی زاده امروز نیز به مذاکرات خود ادامه خواهند داد. هیئت دوم به سرپرستی جوادی وزیر کشور و مدنی وزیر دفاع بود. روز ۲ فروردین در ساعت ۸ به وقت محلی، ظاهراً شورشیان کرد بیشتر نقاط شهر را اشغال کردند، هر چند پادگان هنوز در دست ارتش است و از قرار معلوم از ارومیه (سابقاً رضاییه) و تهران به وسیله هلیکوپتر نیروی تقویتی به آنجا ارسال می شود. در بیانیه ای که رادیو انقلاب ایران در ۱ فروردین پخش کرد مدعی شد که هیچ نیرویی در خارج پادگان وجود ندارد، لیکن بی.بی.سی در تاریخ ۲ فروردین گزارش کرد که تانکهایی در خیابانهای شهر دیده می شود.

۳- ما تردید داریم صلحی که طالقانی و مفتی زاده در مورد آن توافق کنند، آثار پاینده ای داشته باشد.

در هفته های اخیر مفتی زاده در میان رهبران میانه رو مکرد شخصیت برجسته ای بود؛ لیکن ما گمان می کنیم که جنگ در سنندج ظرف چند روز گذشته موضع میانه روها را در بین خلق کرد به شدت ضعیف کرده است. خبرگزاری فرانسه گزارش کرده است که رهبری در سنندج به دست نیروهای رادیکالتر، احتمالاً شامل عناصر فداییان افتاده است. این جنگ دولت موقت را با سخت ترین مبارزه طلبیهایی که تاکنون با آن مواجه شده روبرو ساخته است. اگر پادگان سنندج مجبور به تسلیم یا تخلیه شود، ضعف ارتش تأیید خواهد شد و در نتیجه دیگر گروه های ناراضی احتمالی تشویق خواهند شد که در مورد خواسته های خود پافشاری کنند.

سولیوان

### قیام کردها در سنندج



سند شماره (۱۸) از: سفارت آمریکا، تهرانتاریخ: ۲۴ مارس ۷۹ - ۴ فروردین ۵۸ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی. فوری شماره سند: ۳۱۹۴ طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: قیام کردها در سنندج ۱- (خیلی محرمانه) به نظر می رسد که دولت موقت توانسته با میانجیگری آیت الله طالقانی فرصت بیشتری برای حل مشکلات کردستان به دست بیاورد. آتش بس ۲ فروردین هنوز در آغاز روز ۴ فروردین ادامه دارد. گرچه تشنج به میزان بالا- باقی مانده است. طالقانی و سایر همراهانش در روز ۳ فروردین که در میدان مرکزی شهر سنندج جمعیت بزرگی را مخاطب قرار داده بودند، از سوی عده ای از حاضرین مورد سؤال قرار گرفتند. خبرگزاری فرانسه گزارش می دهد که کردهای مسلح هنوز به مقدار زیادی در شهر دیده می شوند.

۲- (خیلی محرمانه) طالقانی قرار بود که در اواخر روز ۳ فروردین به تهران باز گردد که در آنجا تقاضاهای اکراد را به دولت موقت تسلیم خواهد نمود. طالقانی قبل از خروج از سنندج در حالی که برای خواستهای کردها ابراز همدردی می کرد، گوشزد کرد که برای حل مشکلاتی که در درخواست خودمختاری مطرح شده، زمان لازم است. این متاعی است که دولت موقت احتمالاً مقدار زیادی از آن ندارد. موضع دولت این است که فقط رهبران نسبتاً میانه رو کرد مانند احمد مفتی زاده از سنندج و شیخ عزالدین حسینی از مهاباد را به رسمیت بشناسد، در صورتی که به نظر می رسد آنهایی که خواستار راه حل‌های رادیکال تر هستند به طور فزاینده ای در حال رشد می باشند. اگر دولت موقت در جهت رسمیت دادن به خودمختاری قابل ملاحظه ای که اکنون عملاً در کردستان وجود دارد حرکت نکند - که می تواند احتمالاً با این کار میانه روهای کرد را راضی بنماید- به احتمال زیاد به زودی با خواستهایی به مراتب تندروانه تر از خواستهای کنونی مواجه خواهد شد.

۳- (طبقه بندی نشده) در این میان، در حرکتی که فقط به صورت کلی مربوط به کردستان می شود کابینه، تصمیم خود را مبنی بر سفر نخست وزیر بازرگان، معاونش امیر انتظام و وزیر دفاع، مدنی که امروز ۴ فروردین به مقصد خوزستان و سپس در ۵ فروردین به مقصد تبریز حرکت خواهد نمود، اعلام کرد. هر دو ناحیه صحنه اعتراضات قوی بوده اند و این سفر به منزله بررسی در مورد مسائل مردم تبلیغ شده است.

سولیوان

## نظرات کردها درباره عراق و ایران

سند شماره (۱۹) از: دیوید ریوتر تاریخ: ۹ می ۱۹۷۹ - ۱۹ اردیبهشت ۵۸ وزارت کشور یادداشت برای بایگانیخیلی محرمانه از طریق: مری آن کیسی موضوع: نظرات کردها درباره عراق و ایران در تاریخ ۳ ماه می، به دعوت محمد دسکی نماینده حزب دمکرات کردستان، با او نهار خوردم.

هدف ظاهری دسکی حفظ ارتباط با مأموران وزارتخانه بود. حین صرف نهار وی نکات ذیل را متذکر

ص: ۷۷۷

شد:

روابط عراق و ایران:

- عراق با استفاده از جلال طالبانی قصد دارد کردهای ایران را تحریک نماید. هدف عراق این است که ثابت نماید، اگر ایران با عراق همکاری ننماید بغداد می تواند وضع را مشکل کند.

- هدف عمده عراق این است که مطمئن شود دولت جدید در تهران، قرارداد الجزیره را معتبر می شمارد.

- با توجه به محدودیتی که طی اقامتش در عراق داشته است، خمینی گرایش خاصی نسبت به حکومت بغداد ندارد.

روابط نزدیک بغداد و شاه یک خاطره تازه است. کمی قبل از سقوط شاه خواهر وی یک زیارت پر تبلیغات از اماکن متبرکه شیعیان به عمل آورد.

کردهای عراق در ایران:

- کردهای عراقی در ایران گمان می کنند که حکومت جدید تهران برخلاف شاه به آنان اجازه خواهد داد که در مناطق کرد نشین سنتی ایران اقامت نمایند.

- به هر حال، تعداد کمی از کردهای عراقی در واقع به مناطق کردنشین بازگشته اند.

کردها و دولت محلی در ایران:

- در یکی از استانهای ایران که کردها در آن اکثریت دارند، رهبری کردها یک شورای محلی سنتی را تشکیل داد.

شورا بر اساس ابتکار محلی بر پا شد، بدون آنکه دستوری از کمیته های تهران گرفته باشد.

رهبری کردها با حزب دمکرات کردستان ارتباط داشته است.

- در دیگر استانهای ایران که اقلیت کرد بسیاری دارد، ترکمنها زودتر از همه کمیته های محلی تشکیل دادند.

- شخص، عدم تمرکز عمده ای را در ایران احساس می کند. ارتباط مناطق مرزی با مرکز سست است.

نظر عراق در مورد مسئله کردها:

- عراقیها نگران اقلیتهای کرد خود هستند.

- اخیرا عراق، ترکیه را تحت فشار قرار داده است تا کردهای آنکارا را تحت کنترل شدید قرار دهد.

جنبش کرد بارزانی:

- پسران ژنرال بارزانی فقید در حزب دمکرات کردستان فعال باقی مانده اند.

- ادریس به امور سیاسی رسیدگی می کند.

- مسعود به امور نظامی رسیدگی می کند.

- یک نیروی وفادار به طالبانی که از جانب دولت بغداد حمایت می شدند اخیراً به وفاداران بارزانی در

ص: ۷۷۸

نزدیکی تقاطع مرزهای ترکیه - ایران - عراق حمله کردند. دوستان کرد ما در ترکیه ورق را برگردانده و واحد طالبانی را به خاک و خون کشیدند.

یادداشت: مری آن - گمان می کنم که سخنان دسکی اساساً موافق با گزارشهای بغداد (بغداد ۱۰۰۶) و اخبار ترکیه (آنکارا ۲۸۶۸، وزارت امور خارجه ۱۱۳۲۶۷) باشد.

## کردها و مسکو

سند شماره (۲۰) خیلی محرمانه ۲۴ اردیبهشت ۵۸ شماره گزارش ۱۱۷۹ کردها و مسکو خلاصه (طبقه بندی نشده) ناآرامیهای اخیر ایران بار دیگر توجه محافل بین المللی را بر کردها متمرکز کرده و سؤالاتی را در مورد حمایت شوروی از آرمان آنها برانگیخته است. از لحاظ تاریخی، هر گونه تحولی در جو سیاسی هر یک از پنج کشور سوریه، عراق، ایران و اتحاد شوروی که اقلیت کرد زیادی دارند، منجر به دگرگونیهایی در تمرکز فعالیتهای عمومی اکراد می شود و علیرغم تقسیمات قبیله ای و ایدئولوژیکی، تحولات در یک کشور بر کردها در سایر نقاط تأثیر می گذارد.

(خیلی محرمانه) سقوط شاه موازنه سیاسی و نظامی در ایران و خلیج را تغییر داد و امید یک خودمختاری ملی وسیعتر را در میان کردهای ایران به وجود آورد. اکنون کشورهای همسایه در مورد امکان سرایت ناآرامی ایران به خطه آنان نگران هستند. در عین حال نسبت به سیاست شوروی در قبال کردها تردید دارند.

(خیلی محرمانه) در حالی که شورویها در گذشته گاه به گاه به کردها کمک کرده اند، هیچ دلیلی برای اثبات این کار در حال حاضر وجود ندارد. در واقع، مسکو نهایت سعی خود را به عمل می آورد که از دور ناآرامیهای کنونی اکراد دور بماند. به هر حال از اوائل دهه ۱۹۷۰، روابط شوروی با تمام دولتهای کشورهای درگیر مداوماً بر نیازها و منافع کردها اولویت داشته است.

شرح نقشه صفحه بعد:

مناطق کردنشین با خطوط مورب نشان داده شده است.

(طبقه بندی نشده) تاریخچه ناآرامیهای اخیر ایران بار دیگر توجه محافل بین المللی را بر کردها متمرکز کرده و سؤالاتی را در مورد حمایت شوروی از جنبش تجزیه طلبانه آنها مطرح ساخته است. تقریباً ۱۵-۱۰ میلیون کرد در مناطق کوهستانی که شامل مرزهای ترکیه، عراق، ایران، سوریه و اتحاد شوروی است، ساکن هستند. بیشترین تعداد یعنی ۵ میلیون نفر در ترکیه کمترین تعداد یعنی ۱۰۰/۰۰۰ هزار نفر در ارمنستان شوروی زندگی می کنند. بسیاری از این قبیله نشینان تندخوی مستقل در دهکده های کوچک که بر روی تپه های پر خاک و خاشاک در کردستان سنتی واقع است، گرد آمده اند. لیکن تعداد روبه رشدی از آنها به ویژه در



عراق و ترکیه مجذوب و فور نسبی در زندگی شهری شده اند و به نیروی کار شهری ملحق گشته اند. در عراق بسیاری از کردها در دهکده هایی که دولت ایجاد کرده ساکن شده اند، جایی که نیروهای امنیتی و ارتش می توانند فعالیت های آنها را که از قدیم شامل حمل اسلحه، قاچاق و راهزنی بوده است به نحو بهتری کنترل کنند.

از لحاظ تاریخی، هر تحولی در جو سیاسی هر یک از کشورهایی که اقلیت کرد قابل توجهی دارند، منجر به جابجایی کانون فعالیت های کردهای آن کشور می شود. علیرغم تقسیمات گوناگون قبیله ای و ایدئولوژیکی در میان خود اکراد، تحولات در یک کشور و کردهایی که در کشورهای مجاور زندگی می کنند، تأثیر می گذارد. در سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ کردهای ترکیه به قیامهای عظیمی علیه گرایشهای مادیگرایانه و تمرکزدهنده آتاتورک دست زدند و خواهان حق خود مختاری و ایالتی کردن کردستان که در قرارداد «سورز» در سال ۱۹۲۰ به آنان وعده داده شده بود، گردیدند. از آن زمان تاکنون عراق تا حد زیادی نقطه مرکزی بوده است. در سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ قبیله با نفوذ بارزانی علیه دولت عراق شورش کرد. حکومت بغداد به کمک انگلیسیها شورش را سرکوب کرد. در سال ۱۹۴۳ ملا مصطفی بارزانی فقید به ایران گریخت، جایی که کردها در سال ۱۹۴۵ «جمهوری خلق کرد» را در استان کردستان اعلام کردند. با سقوط جمهوری در سال ۱۹۴۶ بارزانی به شوروی رفت و در آنجا پناهنده شد.

کردهای عراق تا سال ۱۹۵۸ بالنسبه خاموش ماندند تا آنکه سقوط رژیم سلطنتی عراق بار دیگر رؤیاهای خود مختاری را در آنها زنده کرد. دولت جدید که توسط ژنرال «عبدالکریم قاسم» رهبری و توسط روسها حمایت شد، کردهای بارزانی را مورد عفو قرار داد و اجازه داد که ملا مصطفی به کشور باز گردد. معهدا، این آشتی دیری نپایید و در سال ۱۹۶۱ بارزانی بار دیگر طرفدارانش را به کوهستانها برد.

کردهای عراق تحت فرماندهی بارزانی نسبتا در انزوا قرار گرفته بودند، تنها کمک محدودی از ایران دریافت می داشتند. علاوه بر اینکه در بین خود اکراد تفرقه ایجاد شده بود، بارزانی فرماندهی قبایل کوهستانهای شمال را عهده دار بود و حزب شهرنشین تر دمکرات کردستان به فرماندهی «جلال طالبانی» مناطق جنوبی تر را، معهدا، خود دولت قاسم با مشکلات داخلی احاطه شده بود و قادر نبود توجه کاملی نسبت به اقلیتها داشته باشد.

عدم توانایی قاسم در سروکار داشتن با کردها یکی از علل سقوط وی در سال ۱۹۶۳ بود. دولت بعث جدید قول خود مختاری بیشتری را به کردها داد و اشاره کرد که آن دولت احتمال دارد که بخواهد تقاضاهای کردهای را مبنی بر اینکه در قانون اساسی جدید، معاونت ریاست جمهوری و جانشینی فرماندهی نیروهای مسلح و یک سوم اعضای کابینه را به کردها اختصاص دهد، را بپذیرد. لیکن وقتی دولت بغداد سخنی از نوعی اتحاد با سوریه و یا مصر راند، کردها بر تقاضاهایشان پافشاری کردند، زیرا بیم آن داشتند که مبادا در کام اکثریت عرب فرو روند. در اواسط سال ۱۹۶۳ نیروهای عراقی به پناهگاههای کردها حمله کردند. نزاع و اختلاف داخلی بار دیگر بارزانی و پیروانش را نجات داد، و در پاییز ۱۹۶۳ دولت بعثی سقوط کرد و یک دولت ائتلافی به رهبری برادران عارف روی کار آمد.

برادران عارف هم سعی کردند که با کردها مصالحه نمایند، لیکن احساسات پان عربی این امر را غیر ممکن ساخت پس از ۱۸ ماه آتش بس دولت مرکزی به کردها حمله کرد. طی این مدت، بارزانی حزب دمکرات کردستان را پاکسازی کرد و بسیاری

از مخالفانش را وادار ساخت که رهبری او را بپذیرند. در

ص: ۷۸۰

عین حال او باب مذاکره را با کمونیستها و بعثیها که حالا از صحنه قدرت به دور و مایل به همکاری با کردها بودند، باز کرد. احتمالاً پاکسازی حزب دمکرات کردستان تلاش نظامی کردها را تضعیف کرد، به هر حال در طول تابستان و زمستان ۱۹۶۵ دولت مرکزی کردها را مجدداً تا پناهگاههای کوهستانی شان عقب راند. معهداً، در بهار ۱۹۶۶ تهاجم به پایان رسید و هر دو طرف در مورد آتش بس توافق کردند. سپس دولت عارف پیشنهاد امتیاز جدیدی را به بارزانی داد که بلافاصله مورد قبول واقع شد. آتش بس ۲ سال به طول انجامید.

در سال ۱۹۶۸ دولت عارف سقوط کرد و بار دیگر بعثیها به قدرت رسیدند. آنها با توسل به جلال طالبانی تلاش کردند که میان کردها نفاق ایجاد کنند، و هنگامی که اقدام آنها با شکست مواجه شد، یک تهاجم جدید را آغاز کردند، که به سبب اختلافات داخلی و کمک ایرانیان به کردها عقیم ماند. در سال ۱۹۷۰ دولت مرکزی طرح ۱۵ ماده ای خودمختاری قبایل را در مناطق شمال عراق ارائه کرد و قرار شد ظرف ۴ سال به مرحله اجرا درآید.

معهداً در بین سالهای ۷۵ - ۱۹۷۰ بعثیها بر آن شدند که نفوذ خود را در حومه کشور تحکیم بخشند و باب مذاکره با ایرانیها را گشودند. هنگامی که زمان اجرای طرح ۱۵ ماده ای فرا رسید، دولت بغداد از تعهد خود سر باز زد.

بنابراین بار دیگر کردها دست به اسلحه زدند، لیکن این آخرین بار بود. در سال ۱۹۷۵، ایران و عراق به توافق رسیدند. شاه مرزهای کشور خود را بست و حمایت از کردها را متوقف ساخت و در نتیجه تأمین اسلحه و مخفیگاه برای کردها از بین رفت. با آنچه که انجام شد، عراقیها توانستند به راحتی مناطق کردنشین را تحت کنترل درآورند. در اوائل سال ۱۹۷۹ بارزانی که مدت ۳۰ سال هسته مرکزی تجمع کردها بود در حال تبعید در واشنگتن در گذشت.

(خیلی محرمانه) فرصتهای جدید سقوط شاه از اریکه قدرت، توازن سیاسی و نظامی را در ایران و خلیج از اساس تغییر داد. و با این امر امید خود مختاری ملی بیشتر، اگر نه استقلال، را در میان کردهای ایران بارور ساخت.

با بالا گرفتن بحران آنها به طور فزاینده ای در تقاضاهایشان برای خودمختاری فعال و صریح شدند.

انبارهای قابل توجه اسلحه و مهمات به دستشان افتاد و در واقع نیروهای امنیتی و ارتشی در مناطق کردنشین از فعالیت بازماندند. در ماه مارس و آوریل در زد و خورد با حکومت مرکزی کردها نشان دادند که دولت ایران هنوز آنقدر ضعیف است که قادر به اعمال قدرت واقعی بر کردهای ایران نیست و احتمالاً مجبور خواهد بود که امتیازاتی را در نظر بگیرد.

معهداً، تاکنون کردها مدعی بودند که تنها طالب خود مختاری فرهنگی و مشارکت در امور روزانه خودشان هستند و استقلال نمی خواهند. لیکن در عین حال ممکن است با انبار کردن اسلحه و مهمات پردازند تا در صورتی که مقامات سیاسی به تقاضاهایشان پاسخ مثبت ندهند، یک جنگ چریکی گسترده را آغاز نمایند. معهداً، به علت نداشتن رهبر برجسته از فعالیت باز ماندند.

به سبب رویدادهای ایران دولتهای ترکیه و عراق نگران احیاء فعالیت کردها در کشورهایشان هستند. بعضی از ترکها ادعا می کنند که کردهای ترکیه از جانب شوروی حمایت و مسلح می شوند و



تلاش می کنند به منظور برپایی یک کردستان مستقل به رفقاییشان در ایران بیوندند.

معهدا، کردهای ترکیه، جز در چند مورد ماجراجویی فردی نسبت به جنبش بارزانی در عراق، حتی در خلال دوره های خودمختاری وسیعترش، واکنش نشان ندادند. خط مشی رسمی عراق این است که مسئله کردها کهنه شده، زیرا با سیاست دولت بغداد مبنی بر استقرار و اعطای امتیازات اقتصادی به کردها از بحران اوضاع کاسته شده است. سفارت آمریکا(دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد) معتقد است که عراقیها صرفاً مشکلات را به امید از بین رفتن آن نادیده می گیرند.

اخیرا، دولت بغداد سربازان بیشتری را به مناطق کردنشین اعزام داشته تا مرز با ایران را بسته و بر جریان امور نظارت دقیق داشته باشد.

از نظرگاه شوروی (طبقه بندی نشده) روابط شوروی با کردها هر چند سطحی، لیکن نسبتاً قدیمی است. احتمالاً مسکو برای اولین بار در اوائل سالهای ۱۹۲۰ روابط خود با کردها را شروع کرد معهدا نتیجه زیادی عایدش نشد.

زیرا در آن زمان اتحاد شوروی بیشتر به حفظ روابط صحیح با ترکیه و ایران و مقابله با نفوذ آمریکا در این منطقه علاقه مند بود. در جریان جنگ دوم جهانی، شورویها بخشی از ایران را اشغال کردند تا فعالیت آلمانها را در آنجا متوقف سازند، راههای کمک رسانی را باز نگهدارند و بار دیگر با انگلیسیها برابری کنند. در دسامبر ۱۹۴۵ شورویها حمایت خود را جهت ایجاد یک جمهوری مستقل خلق کرد اعلام داشتند و از عقب نشینی نیروهای خود از ایران طبق قولی که «در کنفرانس تهران» در سال ۱۹۴۳ داده بودند، سر باز زدند. لیکن در مواجهه با اعتراض بریتانیا و ایالات متحده، مسکو عقب نشست و جمهوری کرد سقوط کرد.

(طبقه بندی نشده) با سقوط رژیم سلطنتی در عراق در سال ۱۹۵۸، مسکو برای بازگشت بارزانی پافشاری کرد؛ شاید به این امید که احتمالاً وی پس از گذراندن سالیان طولانی تبعید در اتحاد شوروی یک سرمایه باارزشی در عراق باشد. در ابتدا، بارزانی - احتمالاً به توصیه شوروی - به نوعی اتحاد با کمونیستهای عراق دست زد. معهدا، در اواسط سال ۱۹۵۹، این اتحاد از بین رفت و بارزانی نهضت کردی خود را از تمام کسانی که آلوده مسلک کمونیستی بودند، پاک سازی کرد.

هنگامی که دولت قاسم در عراق در سال ۱۹۶۱ سرکوبی اکراد را آغاز کرد، شورویها اقدامی در جهت کمک انجام ندادند، هر چند احتمالاً مسکو از دولت قاسم و جهتی که انقلاب عراق در پیش گرفته بود دلسرد گشته بود، لیکن روابط آن کشور با بغداد از اهمیت بیشتری نسبت به برقراری هر گونه رابطه با کردها برخوردار بود.

(طبقه بندی نشده) با سقوط دولت قاسم تلاش مسکو برای دور ماندن از صحنه به طور فزاینده ای مشکل شد. رژیم بعثی جدید شدیداً ضد کمونیست بود. هنگامی که در سال ۱۹۶۳ جنگ میان کردها و نیروی دولت مرکزی آغاز شد، اتحاد شوروی علناً جانب اکراد را گرفت. براساس پافشاری کردها مغولستان برون مرزی مسئله کردها را در دستورالعمل سازمان ملل گنجانده و در تاریخ ۶ می ۱۹۶۳، «پراودا» از مبارزه کردها برای خود مختاری پشتیبانی و از سرکوبی عراق شکایت کرد. بعدها، در ماه ژوئن، نشریه «ستاره سرخ» دولت بغداد را متهم کرد که به قتل عام کردها پرداخته است. لیکن حمایت



روسها عمدتاً لفظی باقی ماند هر چند شوروی در آن مدت ارسال مقادیر زیادی اسلحه به بغداد را متوقف کرد.

(طبقه بندی نشده) موضع شورویها بار دیگر با سقوط بعثی ها در نوامبر ۱۹۶۳ تغییر کرد. حمایت تبلیغاتی برای آرمان کردها تا حدی کاهش یافت. علاوه بر این، مسکو شروع به تأمین اسلحه به مقدار نسبتاً زیاد برای رژیم عارف کرد. سراسر دوران حکومت ۵ ساله عارف، مسکو روز به روز به بغداد نزدیکتر شد و متقابلاً توجه کمتری نسبت به کردها معطوف داشت.

(طبقه بندی نشده) هنگامی که بعثی ها در سال ۱۹۶۸ مجدداً به قدرت رسیدند، روابط جاری مسکو با بغداد - به ویژه با تشکیل دولت جبهه متحد، که شامل کمونیستهای عراق بود، رو به بهبود نهاد. مسئله کردها اجازه نیافت که روابط بین دو کشور را به مخاطره اندازد. هر چند «پرسودا» در شماره ۳ اکتبر ۱۹۶۸، از مبارزه کردها برای «خود مختاری بزرگتر» به عنوان عملی «درست» دفاع کرد و در بهار سال بعد تأکید کرد هر سلاحی که به عراق داده می شود نباید علیه کردها به کار رود. لیکن با امضای پیمان دوستی میان شوروی و عراق در سال ۱۹۷۲، حمایت روسها از کردها پایان گرفت. بارزانی بیش از پیش به شاه متکی شد و در سال ۱۹۷۵، مسکو کمترین کمکی به کردهای عراق نمی کرد.

(خیلی محرمانه) تا آنجا که به اتحاد شوروی مربوط می شد تا زمان سقوط شاه، کل مسئله کردها جدی به نظر نمی رسید. بنابر این بسیاری از رهبران اکراد از جمله «جلال طالبانی» که در گذشته تماسهایی با شوروی داشت به ایران بازگشت. علاوه بر آن در، حزب توده، یعنی حزب کمونیست ایران که از جانب شوروی به رسمیت شناخته شده، تعداد زیادی کرد هست و یکی از مراکز قدرتش کردستان ایران است.

(خیلی محرمانه) علیرغم ادعاهای مطبوعات ترکیه در مورد اینکه شورویها از طریق هوا به کردهای ایران اسلحه تحویل می دهند، هیچ گونه شواهدی در دست نیست که ثابت نماید روسها در حال حاضر به کردها کمک می کنند. رسانه های شوروی به ویژه فرستنده های مخفی رادیویی یعنی «صدای ملی ایران» و «رادیو بیزیم» که برای کشور ترکیه برنامه پخش می کند نسبت به آرمانهای اکراد همدردی نشان می دهد لیکن مسکو خود را از تجزیه طلبی کردها محتاطانه دور نگهداشته است. این کشور تأکید می کند که با هر اقدامی جهت تجزیه ایران مخالف است. به عنوان مثال در تاریخ ۲۴ فروردین صدای ملی ایران تأکید کرد که جمهوری جدید اسلامی حقوق کلیه اقلیتها را تضمین خواهد کرد. روز بعد روزنامه «پراودا» پیام مشابهی درج کرده و هرگونه ارتباط شوروی را با ناآرامی ملی در ایران تکذیب کرد. شوروی در گزارش خود در مورد آشوب در کردستان کلاً مدعی شد که این امر در نتیجه عدم آگاهی اقلیتها از سیاستهای حکومت جدید و مداخله سازمان «سیا» به وجود آمده است.

چشم اندازها (طبقه بندی نشده) اگر تاریخ چیزی به کردها آموخته باشد، آن درس این است که دیگران منافع آنان را وجه المصلحه قرار می دهند و هرچند ممکن است که شوروی گاهی از خودمختاری وسیعتر کردها حمایت کند، لیکن این کشور رابطه خود با ایران، عراق، ترکیه و یا سوریه را در مقابل کمک به کردها به مخاطره نخواهد افکند.

(خیلی محرمانه) اگر دولت تهران در اعمال کنترل در مناطق دور افتاده ایران شکست بخورد و یا اینکه کشور به دامن یک جنگ داخلی و یا هرج و مرج سقوط کند، احتمالاً شورویها مایل به ارابه نوعی کمک مخفیانه خواهند بود. معهداً این کار را صرفاً به خاطر افزایش نفوذشان در ایران به عنوان یک کل، نه به عنوان ایجاد یک کردستان مستقل انجام خواهند داد. همان

طور که در روزهای قبل از سقوط شاه ظاهراً مسکو تشخیص می دهد سرمایه اصلیش، حزب توده، بسیار کوچک و ضعیفتر از آن است که بتواند به خودی خود یک نیروی عمده به شمار رود و اتحاد تاکتیکی با بعضی از گروههای ملی گرا از جمله کردها ممکن است، معقول به نظر آید.

(خیلی محرمانه) معهدا در حال حاضر به نظر نمی رسد شوروی آمادگی طرح تعهدات واقعی را داشته باشد؛ بیشتر بدین خاطر که هنوز مطمئن نیست انقلاب ایران در چه جهتی پیش می رود. آنها نمی خواهند که دولت کنونی را در انزوا قرار دهند و یا آینده حزب توده را با عمل نابهنگام تباه کنند. بنابراین مسکو احتمالاً کماکان به حمایتش از ایده خودمختاری بزرگتر کردها در ایران ادامه خواهد داد، اما بیش از حمایت لفظی از آن پیش نخواهد رفت.

(خیلی محرمانه) اگر ترکیه وارد یک دوره بی ثباتی اقتصادی و سیاسی شود، احتمال دارد مسکو به مسئله بهره گیری از کردها در این کشور کشانده شود، لیکن این عمل را با احتیاط فوق العاده ای انجام خواهد داد. انتظار می رود که دولت آنکارا حتی از کوچکترین اشاره شورویها در مورد دخالت در این



کشور به شدت آزرده شود. از قرار معلوم «اجویت» نخست وزیر ترکیه در سفر سال گذشته خود به مسکو برنامه های کردی رادیو بیزیم را با «کاسیگین» نخست وزیر شوروی مطرح ساخته است. از سوی دیگر ظرف چند سال گذشته مسکو نهایت تلاش خود را به کار بسته تا از سوءظن ترکیه در مورد طرحهای شوروی بکاهد.

(خیلی محرمانه) از اوائل سال ۱۹۷۰ روابط شوروی با عراق پیوسته بر منافع کردها اولویت داشته است. با توجه به پیمان مصر و اسرائیل و ظهور بغداد به عنوان رئیس «جبهه پایداری» احتمالاً این خط مشی سیاسی ادامه خواهد داشت. معهداً اگر بحران موجود در روابط عراق و شوروی رو به افزایش نهد و دولت بعثی کماکان به مبارزه ضد کمونیستی خود ادامه دهد، و آن را شدت بخشد، مسکو می تواند مجدداً موضوع کردها را به منزله یک اقدام متقابل مورد بررسی قرار دهد. لیکن احتمال نمی رود که چنین کند. به ویژه از این نظر که کردها با از دست دادن بارزانی رهبر بلامنازع، نقطه تمرکزی ندارند و همچنین بدین دلیل که به نظر می رسد برنامه مسالمت جویانه عراق کاملاً با موفقیت انجام گرفته است.

(طبقه بندی نشده) علت احتیاط بیش از حد شوروی در رابطه با کردهای خارج از کشور، در آگاهی رو به ازدیاد مسکو از مسئله اقلیتهای خود در آسیای مرکزی مستتر است. در حالی که ۰۰۰/۱۰۰ کرد روسی خودشان چنین تهدیدی برای این کشور به شمار نمی روند، لیکن می توانند نمونه ای نامطلوب برای مسلمانان شوروی باشند.

تهیه شده به وسیله دبلیو. لیمبرگ تصحیح شده بوسیله آر. اچ. بار از

**گزارش حضور واحدهای نظامی ضد رژیم در شمال غربی ایران**

ص: ۷۸۴

سند شماره (۲۱) از: سفارت آمریکا - تهرانتاریخ: ۱۷ می ۷۹ - ۲۷ اردیبهشت ۵۸ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی.سی. فوری طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۱۵۲۹ موضوع: گزارش حضور واحدهای نظامی ضد رژیم در شمال غربی ایران ۱- (تمام متن خیلی محرمانه، تلگراف گزارشی) ۲- خلاصه: ما هیچ گونه اطلاعات دقیقی در مورد واحد نظامی سازمان یافته ای در شمال غربی ایران نداریم، اما خبرهای پی در پی تأکید بر مقداری فعالیت‌های نظامی مخالف در آنجا دارد. (پایان خلاصه) ۳- ما هیچ خبری در مورد عملیات نظامی در شمال غربی ایران روشنتر از آنچه که در تلگرام مرجع ذکر شده بود، نشنیده ایم، اما در حدود سه هفته قبل، از زمان شروع جنگ در نرده، داستان‌هایی بوده است که بعضی از انواع نیروهای مسلح در آن منطقه و مناطق دیگر عمل می کنند. اکثر این موارد بر این دلالت دارند که گروه نظامیان سابق طرفدار سلطنت که به وسیله سپهد سابق عزیزالله پالیزبان رهبری می شوند، فعال هستند. بعضی اقوال حاکی از آن است که فرمانده سابق نیروی زمینی سرتیپ اوپسی، در این گروه درگیر است.

۴- یکی از منابع موثق راستگرای ما از برنامه سازماندهی واحدهای نظامی به این طریق صحبت کرده است. اما هیچ جزئیاتی ارائه نداده است در حالی که به نظر می رسد بعضی فعالیت‌های مخالفین در مناطق مرزی وجود دارد، اما این هم امکان دارد که داستانهای واحدهای نظامی سازمان یافته بخشی از کوششهای سلطنت طلبان برای حفظ جو متشنج ایران باشد. هرگونه جوانب اطلاعاتی دقیقتری از این موضوع به اطلاع خواهد رسید و از مطلع نگهداشتن ما از هرگونه تحول اضافی قدردانی می کنیم.

۵ - بدون اشاره به منابعمان، ما هیچ گونه اعتراضی به اینکه آنکارا اطلاعات بالا را به ترکها بدهد، نداریم.

### نظریات یک ایرانی در مورد خواستهای کردها در ایران

سند شماره (۲۲) از: اداره وابسته دفاعی ایالات متحده، تهرانتاریخ گزارش: ۶ اوت ۷۹-۱۵/۵/۵۸ به: دفتر اطلاعات وزارت دفاع، واشنگتن، دی.سی. فوری رونوشت به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی.سی.

تاریخ اطلاعات: ۵ مرداد ۵۸ طبقه بندی: سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان شماره سند: ۸۷۳۸ تهران موضوع: نظریات یک ایرانی در مورد خواستهای کردها در ایران تهیه کنندگان گزارش: سرهنگ شیفر، نیروی هوایی آمریکا، وابسته نظامی ۱۶- خلاصه: (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) یک ایرانی کردی الاصل اظهار می دارد که اهداف کنونی کردها محدود به یک خودمختاری برای ایرانیان کرد نمی شود، بلکه هدف آنها سرنگونی دولت کنونی و برپایی دولتی مسئولتر و مردمی تر که شامل روحانیت قم نباشد، است. هیچ منبع دیگری این را که کردها چیزی غیر از خودمختاری بیشتر می خواهند، تأیید نکرده است. به عقیده وابسته نظامی هیچ

گروهی از ایرانیان در حال حاضر قادر به سرنگونی رژیم استقرار یافته خمینی نیست.

۱۷ تا ۲۱ حذف شده است ۲۲- جزئیات:

الف: (سری، غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) سابقه:

یک تاجر ایرانی کردی الاصل به وابسته نظامی گفته است که درگیری کنونی کردها در غرب ایران مسئله ساده ای مبنی بر به دست آوردن خودمختاری برای کردها و همچنین مزایای بیشتر از دولت موقت ایران نیست. بلکه، او گفت هدف آنها سرنگونی رژیم کنونی ایران به سرکردگی خمینی می باشد. او گفت که ژنرال پالیزبان رهبر جنبش کردهاست و او فقط ۵۰۰/۰۰۰ پیرو در تهران دارد. او اضافه کرد که درگیریهای کردستان و آذربایجان غربی فقط یک شروع است و در عرض دو ماه ضد انقلاب از تهران آغاز خواهد شد.

او گفت که خانواده اش را در ظرف چند روز به خارج از ایران می فرستد و خود برای جنگیدن خواهد ماند و کاملاً آماده است که جان خود را فدا کند تا ایران را از شر دولت تحت کنترل آیت الله نجات بخشد.

ب: (سری، غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) پایگاه توده ای خمینی: او گفت که نه تنها ایرانیان طبقه متوسط از دست خمینی و ملاهای احمقش به تنگ آمده اند، بلکه خیلی از افراد طبقه بی بضاعت هم کاملاً از اوضاع کنونی ایران مأیوس شده اند. او گفت که خمینی پایگاه توده ایش را از دست داده است و طرفداران او کمتر از ۳۰٪ می باشند. او اضافه کرد که گذشته از اینها خمینی هیچ گاه حمایتی را که راهپیماییهای مردم در قبل از انقلاب نمایانگر آن بودند، نداشته است. زیرا اغلب مردم برای انجام راهپیماییها پول گرفته بودند.

ج: (سری، غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) قدرت کردها: هنگامی که وابسته نظامی از او پرسید که آیا پالیزبان قدرت نظامی مقابله با ارتش را دارد یا نه، به خصوص با وارد شدن تانکها و نفربرهای زرهی او جواب داد ارتش با حرکت دادن تانکها از محوطه امن پادگانهایشان، آنها را در اختیار کردها قرار داده است. او خاطر نشان ساخت که تانکها می توانند توسط کردها خنثی شوند. اما او هیچ گونه اطلاعات داوطلبانه ای مبنی بر چگونگی اسلحه هایی که ممکن است استفاده شوند نمی داد.

د: (سری، غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) دولت آینده: وقتی از او نوع دولت آینده ای که برای ایران پیش بینی می کند پرسیده شد. او پاسخ گفت: «چیزی بجز دیکتاتوری» و «یک دولتی که نماینده مردم باشد.» او گفت که یک دولت سوسیالیست با یک رهبری قدرتمند مورد نیاز است، و اضافه کرد که بختیار (نخست وزیر اسبق) مورد نظر بسیاری از ایرانیان می باشد.

توضیحات تهیه کننده:

الف: (سری، غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) وابسته نظامی منبع را برای چندین ماه می شناسد و او را به دفعات در گردهماییهای اجتماعی دیده است. منبع خود مدیریت کار خود را به عهده دارد و گفته است که هرگز ایران را ترک نخواهد

کرد. او نفرت بیش از حدی نسبت به خمینی و «پیروانش» دارد. این اولین باری است که او در مورد پالیزبان و کردها سخن گفته است. اغلب صحبت‌های قبلی، فقط شامل این می شد که اوضاع ایران چقدر بد است و خمینی چه رهبر ناشایستی است.

ب: (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) وابسته نظامی معتقد است که منبع در مورد پیروان پالیزبان و اینکه او رهبر کردها می باشد، اغراق کرده است. هیچ فردی را در حال حاضر نمی توان به تنهایی رهبر

ص: ۷۸۶

کردها قلمداد کرد. همچنین ما هیچ مدرک دیگری دال بر اینکه هدف غایی کردها برانداختن دولت موقت ایران تحت رهبری خمینی باشد، نداریم. کوششهای کردها تاکنون نمایانگر این است که آنها مایلند برای به دست آوردن خودمختاری بیشتر بجنگند، و ضمناً خواستار سهم بیشتری از مزایایی که دولت ایران می تواند فراهم کند می باشند.

ج: (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) اگرچه تعداد زیادی از ایرانیان آگاه و ناراضی (اغلب از طبقه متوسط و بالا) وجود دارند. لیکن این دفتر (دفتر وابسته دفاعی) پیش بینی یک انقلاب دوم از میان رفتن دولت موقت ایران را در آینده نزدیک (دو یا سه ماه آینده) نمی کند. در حال حاضر هیچ گروهی از ایرانیان به تنهایی به اندازه کافی متشکل، مسلح و دوره دیده نیست که قادر به براندازی رژیم استقرار یافته خمینی باشد.

د: (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) به هر صورت این امکان وجود دارد که اگر، چنانچه نفرت کافی از طبقه بی بضاعت تر و محافظه کار مذهبی ایران به اندازه کافی از خمینی و عدم توانایی او در برآوردن انتظارات رو به تزاید آنها که در انقلاب اول پرورده شده است، مأیوس و ناراحت بشوند و اگر این گروه در یک سازمان قدرتمند که، در مقابل حکومت مشوش و رو به سقوط خمینی وضع دیگری را ارائه دهد، آنگاه ما شاهد یک انقلاب پس زننده و یا حداقل، بر سر کار آمدن یک حکومت جدید «غیرخمینی» خواهیم بود. اگر چنانچه اقتصاد سست و لرزان بماند و توده ها یک رهبری جدید بخواهند، امکان بر سر کار آمدن چپی ها و در نتیجه یک رژیم سوسیالیست وجود دارد. کردها ممکن است از قدرت کافی برای تضمین خودمختاری بیشتر برای خود در غرب ایران برخوردار باشند، اما ما در حال حاضر فکر می کنیم که آنها قادر به بسط قدرت و نفوذ خود در جهت براندازی دولت نیستند. اگر کردها، آذربایجانیها، اعراب و سایر گروههای قومی تلاشهای خود را هماهنگ کنند (اغتشاش همزمان) و در جهت مشترک سرنگونی دولت کنونی با یکدیگر همکاری و از یکدیگر حمایت کنند به عقیده ما آنها امکان موفقیت دارند، اما در حال حاضر به نظر نمی رسد که تمام این گروهها دست به تلاش برای این کار بزنند یا حتی تمایل برای پیوستن تلاشهایشان به یکدیگر داشته باشند. یک شرط بایستی در نظریات ما گنجانده شود. اگر پالیزبان در دو ماه آینده بتواند ارتش را در کردستان خنثی کند (این یک امکان است) و توده ها به خاطر اضمحلال بیشتر اقتصاد، خمینی را رها کنند، آن گاه پالیزبان (نه لزوما کردها) ممکن است به عنوان یک رهبر جدید مورد قبول واقع شود. به طور خلاصه، ما پیش بینی می کنیم که خمینی برای چند ماه آینده ماندنی باشد.

پالیزبان و کردها امکان به دست آوردن خودمختاری و نفوذ بیشتر در دولت مرکزی را دارا می باشند، اما قدرت آنها برای سرنگونی آیت الله و انقلابیونش کافی نبوده، و احتمالاً نخواهد بود.

## ویزای غیر مهاجرتی

سند شماره (۲۳) از: سفارت آمریکا تهران تاریخ، ۱۷ مرداد ۵۸ - ۸ اوت ۷۹ به: دفتر حفظ منافع آمریکا در بغداد خلی محرمانه موضوع: ویزای غیر مهاجرتی ۱- صدور ویزای B-۲ برای سارشل جاف در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۵۸ تأیید می شود. خانواده اش که در معاملات کشاورزی فعالیت دارند به نحو خوب و مطلوبی مورد شناسایی وابسته دفتر کشاورزی سفارت

در تهران می باشند.

۲- بنابر گفته وابسته کشاورزی، خانواده اش از عراق به ایران آمدند، و با خوش رویی مواجه شدند و وضعیتشان خوب شد. دارایی آنها با رشد انقلاب ایران رو به کاهش گذاشت و تمام اعضای خانواده شان یا ایران را ترک نمودند یا مخفی شدند. ما از تشریح منافع ویژه فعلی که دولت عراق در مورد این فرد دارد ناتوانیم. هیچ گونه شکی وجود ندارد که او تا قبل از عزیمتش از ایران یک دانشجوی پزشکی بود.

لینکن

## جنگ در کردستان ادامه دارد

سند شماره (۲۴) از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۲۶ اوت ۷۹-۴ شهریور ۵۸ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی.سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۹۴۴۸ موضوع: جنگ در کردستان ادامه دارد ۱- (تمام متن خیلی محرمانه).

۲- به نظر می رسد که سیاست خشن دولت موقت ایران نسبت به کردها سبب حملات جدی فزاینده ای از طرف کردها شده است. در خلال دو روز گذشته، شورشیان کرد ظاهرا در چند نقطه کردستان و آذربایجان غربی به نیروهای دولتی حمله کردند و شهر سقز را که بین راه سنندج و مرکز فرماندهی فعلی موقت حزب دمکرات کردستان در مهاباد قرار دارد تصرف نموده و ظاهرا حداقل دو روز در اشغال داشتند رهبر حزب دمکرات کردستان قاسملو و رهبر مذهبی کرد حسینی ظاهرا هنوز یا در شهر مهاباد و یا در نزدیکی آن هستند، در حالی که معلوم نیست که آیا حزب دمکرات کردستان شهر مهاباد را در کنترل دارد، شورشیان کرد ایستگاه رادیو تلویزیون مهاباد را اشغال کرده و آماده می شوند تا از آن استفاده کنند.

۳- براساس گزارشهای آژانس خبری فرانسه حزب دمکرات کردستان سعی دارد برای آتش بس در منطقه مذاکره کند، اما سفارت معتقد نیست که هیچ یک از دو طرف در حال حاضر آماده باشند با هم کنار بیایند. در حال حاضر اگر چه دولت موقت به ارسال نیروهای کمکی به منطقه ادامه می دهد، ولی به نظر می رسد کردها بر مواضع خود پافشاری می کنند.

۴- براساس گزارشهای رسیده به سفارت، بحران در مناطق ترکستان و هم بلوچستان افزایش می یابد و مردم آنجا به دقت مراقب اوضاع در کردستان هستند.

۵- سفارت حدس می زند که ترور مدیر روزنامه دولتی کیهان در ۴ شهریور اگر چه بی ارتباط به کردستان به نظر می رسد، ولی به تشدید تشنجات و تیرگیها در تهران و قم کمک خواهد کرد و دولت موقت را در «پیروزی» بر علیه کردها مصمم تر می سازد.

تامست

موقعیت در غرب ایران



سند شماره (۲۵) از: اداره وابسته دفاعی ایالات متحده، تهران تاریخ: ۲۶ اوت ۷۹-۴ شهریور ۵۸ به: دفتر اطلاعات وزارت دفاع، واشنگتن، دی.سی. دارای اولویت رونوشت: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی.سی.

منبع: وابسته نظامی بیگانه طبقه بندی: سری، غیر قابل رؤیت برای بیگانگان، شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

شماره سند: ۹۷۴۷ موضوع: موقعیت در غرب ایران تهیه کننده: سرهنگ شیفر، نیروی هوایی ایالات متحده، وابسته نظامی ۱۶- خلاصه: (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - هشدار اطلاعاتی) وابسته نظامی محلی دیدار پنج روزه ای (۱۶ تا ۲۱ اوت) از آذربایجان غربی و کردستان داشت. مذاکراتی با رهبر مذهبی کرد، عزالدین حسینی و رئیس کمیته ارومیه حسنی صورت گرفت. تقریباً تمام غرب ایران از ارومیه (رضاییه) تا سنندج توسط کردها کنترل می شد و بیشتر نواحی نسبتاً آرام بود.

۲۲- جزئیات:

الف: (SNF/WNINTEL) یک وابسته نظامی غربی بدون کمک اوراق دیپلماتیک خود، برای دیداری از غرب ایران به جمع کوچکی از روزنامه نگاران و مفسرین پیوست. سفر از تهران در روز ۱۶ اوت شروع شد و از قزوین (۵۰۰۰ شرقی، ۳۶۱۶ شمالی)، زنجان (۴۸۲۹ شرقی، ۳۶۴۰ شمالی)، بیجار (شرقی ۵۹۲۸، ۳۲۴۴ شمالی)، سقز (شرقی ۴۶۱۶، ۳۶۱۴ شمالی)، مهاباد (۵۲۴۳ شرقی، ۳۵۴۰ شمالی) و ارومیه (۴۵۰۴ شرقی، ۳۷۳۳ شمالی) عبور کردند، سپس دیداری از سنندج (۴۷۰۰ شرقی، ۳۵۱۹ شمالی) داشته و بعد از طریق بیجار، زنجان و قزوین به تهران برگشتند.

ب: (SNF/WNINTEI) عموماً موقعیت و شرایط در تمام نواحی آرام بود. در تمام طول سفر جنگ یا برخورد جدی دیده نشد. سنندج در محاصره نبود و تمام پادگانهای ژاندارمری که بین سنندج و ارومیه توسط گروه دیده شدند، بجز یکی از آنها توسط کردها کنترل می شدند. توسط کردها به گروه گفته شد و مخصوصاً از طریق مشاهدات خودشان تأیید شد که اکثر واحدهای لشکر ۲۸ پیاده و لشکر ۶۴ زرهی ارتش ایران در این مدت پادگانهایشان را ترک نکردند. هیچ تانکی در منطقه ارومیه دیده نشد و چند ۴۸-ام در پیرانشهر دیده شد.

ج: (SNF/WNINTEL) به نظر منبع زد و خوردهای جزئی پراکنده ای در منطقه بود، اما افزایش عمده ای در نیروهای کرد برای طرحهای تهاجمی مشاهده نشد. او گفت که کردها در حالت دفاعی بودند، و بیشتر اخبار درباره جنگ کردها خیلی بزرگ شده بود و بعضی جعلی بودند. هنگام رانندگی بین بیجار و زنجان از رادیو شنیدند که جنگ عمده ای بین کردها و پاسداران در نزدیکی زنجان در گرفته. آنها به طرف آن منطقه رفته اند ولی جنگی ندیدند. تنها ۶ یا ۷ پاسدار دیده شدند که در ۸ کیلومتری خارج زنجان در جاده مشغول بازرسی بودند.

۵ - (SNF/WNINTEL) کردهای عراقی (طبق گفته مترجم که در کردستان زندگی کرده بود) در بسیاری از دهکده های ایران دیده شدند. منبع گفت عموماً هر کس می تواند کردهای عراقی و ایرانی را از



نوع اسلحه ای که حمل می کند تشخیص بدهد. کردهای عراقی کلاشینکف و کردهای ایرانی ژ-۳ داشتند.

منبع اضافه کرد که برای کردهای عراقی غیر عادی نیست که برای دیدار از خویشاوندان و جستجوی غذا وارد ایران شوند، اما دلیل اصلی آنها برای عبور از مرز و ورود به ایران، در این زمان، بدست آوردن اسلحه و مهمات است.

ه: (SNF/WNINTEL) تماسهایی که با کردهای عراقی گرفته شد نشان داد که عبور از مرز با گروههای کوچک مشکل نیست. کردها از یک باریکه ۲۰ کیلومتری به نام منطقه مرگ که به طول ۱۰۰۰ کیلومتر در داخل خاک عراق در امتداد مرزهای آن با سوریه، ترکیه و ایران واقع بود، صحبت کردند. برجها و استحکامات کوچکی در فواصل متوالی در نوار مرزی جا داشتند و توسط یک تاسه گارد عراقی محافظت می شدند.

نفوذ در داخل و عبور از منطقه حتی در روز روشن اگر که گروهها کوچک و زرنک و هشیار باشند مشکل نیست. کیفر عبور از منطقه در صورت دستگیری برای کسانی که قادر به خواندن هستند مرگ و آنها که نمی توانند بخوانند ۲۰ سال زندان است. به آنها گفته شده بود، کردهای عراقی، هنوز سعی در کاشتن مواد غذایی در منطقه می کنند زیرا منطقه خیلی حاصلخیز است - گرچه قیمت عبور از مرز می توانست مرگ باشد، آب لازم برای رشد کاشتنها حمل می شد.

و: (SNF/WNINTEL) کردهای ایرانی درباره یک رهبر کرد عراقی به نام دکتر محمد عثمان سورانی که رهبر حزب سوسیالیست متحد کردستان است، با گروه صحبت کردند. آنها گفتند آن حزب اتحادی از احزاب دیگر کردستان بود و یکی از اهداف آنها کمک کردن به کردهای ایرانی بود اطلاعات دیگری داده نشده.

ز: (SNF/WNTINTEL) منبع گفت که آنها صحبتی با رئیس کمیته ارومیه، آقای حسنی داشتند. او قد بلند، چهارشانه و اهل آذربایجان غربی بود که در مورد قابلیت خود در کنترل کردها بی نهایت خوشبین بود. منبع اظهار داشت که او (حسنی)، آیت الله خلخالی را به یادش آورد. از آن جهت حسنی یک خودپرست سنگ دل بود. منبع احساس کرد که کارایی او به شهر ارومیه محدود می شود، زیرا کنترل روستاها و بیرون شهرها تقریباً غیر ممکن بود.

ح: (SNF/WNINTEL) منبع اظهار داشت که او صحبتی با رهبر مذهبی کردها عزالدین حسینی داشته است. حسینی گفت که کردها نمی خواهند با ارتش ایران بجنگند، خواست آنها فقط خودمختاری است. او اضافه کرد که کردها نمی خواهند صدمه ای به پاسداران و مجاهدین بزنند، اما می خواهند که اسلحه و مهمات آنها را برداشته و رهایشان سازند. منبع اظهار داشت که او دیده بود اتوبوسی از پاسداران که توسط کردها متوقف شد (به بهانه یک تصادف ساختگی) و تمام اسلحه ها از پاسداران گرفته شد بدون اینکه تیری شلیک شود. کردها به راننده اتوبوس گفتند که برگردد و پاسداران را به تهران برساند. حسینی گفت که کردها هیچ ایرانی را سر نبریده اند و اگر چنین چیزی اتفاق افتاده، خود پاسداران برای استفاده تبلیغاتی، همکاران خود را سر بریده اند.

ط: (SNF/WNINTEL) وابسته دفاعی از منبع سؤال کرد که آیا کردهایی که با او ملاقات کرده بودند درباره وضعیت ژنرال پالیزبان صحبت کردند یا خبری داشتند، منبع جواب داد اطلاع کمی درباره پالیزبان در دست بود، بجز اینکه او به حزب

دموکرات نییوسته است. هیچ اطلاعات دیگری توسط کردها، درباره

ص: ۷۹۰

الف: (SNF/WNINTEL) منبع (شدیدا محفوظ شود) یک وابسته نظامی مجرب در ایران است. وابسته دفاعی و منبع حداقل هفته ای دوبار با هم ملاقات می کنند تا درباره مسائل ایران بحث کنند. اطلاعات او در گذشته بسیار دقیق بوده است.

ب: (SNF/WNINTEL) در تحت هیچ شرایطی نباید گزارش بعدی نشان بدهد که یک وابسته نظامی در ایران، سفری به غرب ایران داشته است. تمام وابسته های نظامی از سفر به خارج تهران با وسایل نقلیه زمینی منع شده اند و تمام مسافرت های هوایی ابتدا باید توسط پروتکل رکن ۲ و دفتر رابط خارجی تأیید شود. بدیهی است که هر اطلاعی در مورد این مسافرت در رابطه با وابسته نظامی خارجی به معنی تحقیقات و رسیدگی و احتمالاً اخراج است.

ج: (SNF/WNINTEL) به عقیده وابسته دفاعی، براساس این مسافرت تحقیقات پنج روزه عینی به غرب ایران و اطلاعات اضافی از منابع دیگر، موقعیت کردستان و آذربایجان غربی توسط روزنامه های فارسی خیلی اغراق آمیز و خارج از اندازه بزرگ شده بود. این طور به نظر می رسد که سعی می شود توسط شخصی یا گروهی در دولت، حتی احتمالاً خمینی، عمدا وضعیت کردستان را بزرگتر و بدتر نشان دهند. به دلیل اینکه جو عمومی را و یا حداقل دلایل کافی و درستی برای پذیرش تصمیمات عمده و مؤثرتر و اعلامیه های خمینی، مهیا کنند. جرقه ای ممکن است احتیاج باشد که پشتیبانی بیشتری برای خمینی جمع آوری شود. و برخوردها در کردستان می توانست بهانه ای کافی برای آتش افروزی باشد. وابسته دفاعی همچنان معتقد است که مسئله کردها به خودی خود نمی تواند تخته پرشی برای سرنگونی رژیم فعلی خمینی باشد. از نظر نظامی کردها می توانند جنگجویان غیر نظامی خیلی مؤثری باشند، اما آنها نمی توانند ارتش و پاسداران را در خارج از امنیت کوه های خود شکست دهند. از طرف دیگر در این موقع ارتش حتی با کمک پاسداران نمی تواند به طور مؤثری طرح ریزی و هماهنگی کند و کوشش نظامی به خرج دهد، تا کردها را به طور مؤثر کنترل کند. پاسداران دیسپلین و آموزشی ندارند و ارتش میلی به جنگ ندارد.

## ناآرامی در سنندج

سند شماره (۲۶) از: سفارت آمریکا، تهران تاریخ: ۲۷ اوت ۷۹-۵ شهریور ۵۸ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن. دی.سی. طبقه بندی: خیلی محرمانه گزارشگر: تامست شماره سند: ۹۵۰۴ تهران موضوع: ناآرامی در سنندج ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- دوستان ایرانی مأمور سیاسی سفارت که با حاج شیخ الاسلام کردستانی رهبر مذهبی سنندج، مقیم در تهران، دیدن کرده بودند تا به مناسبت عید فطر (۲ شهریور) تبریک بگویند، به مأمور گزارشگر گفتند که تمام آنهایی که در منزل شیخ حضور داشتند از ناآرامی موجود در کردستان خیلی ناراحت بودند جو آنجا

بیشتر ناراحت کننده بود تا سرورانگیز، در طول ملاقاتشان تلفنی از سنندج به شیخ اطلاع داده شد که بعد از نماز عید فطر جنگ خیابانی بین طرفداران مفتی زاده حامی خمینی و پارتیزانهای حزب دموکرات کردستان به وقوع پیوست.

۳- در خلال ملاقات، دوستان مأمور سیاسی سفارت توسط پسر شیخ به کنار کشیده شدند (که آشکارا می خواست اطلاعاتش به مأمور گزارش، داده شود) و او به آنها گفت که اوضاع کردستان توسط سنی های ایرانی در قوچان، ترکمن صحرا، بلوچستان و محلی های سواحل خلیج فارس از نزدیک تعقیب و دنبال می شود. حاج شیخ الاسلام به طور سنتی رابطه خیلی نزدیکی با سایر جوامع سنی داشته است.

۴- اظهار نظر: سنندج هرگز سنگری برای ناسیونالیسم کردی نبوده است. بلکه، همیشه یکی از فارسی زده ترین شهرهای کردستان و مرکز نفوذ تهران در استان بوده است. به عنوان مثال، سنندج هرگز در نهضت ۴۸-۱۹۴۵ جمهوری کردستان شرکت نداشت و در آن موقع به دول مرکزی وفادار ماند. از این مطالب و گزارشهای دیگر اکنون به نظر می رسد که جمعیت نسبت به وفاداریشان تقسیم شده اند و اینکه نیروی انقلاب هنوز مجبور است اقتدارش را در آن مناطق اعمال کند. اما وجود مشکلاتی در سنندج، جایی که احساس خود مختاری کردها نسبتا ضعیف است، بر این دلالت می کند که دولت مرکزی ممکن است در مراکز سنتی احساسات ملی کردی مانند مهاباد و بانه، با مشکلات به مراتب بدتری روبرو شود.

۵- یادداشت بیوگرافی: حاج شیخ الاسلام کردستانی از زمان انقلاب به خاطر وابستگیش به سلطنت، از انقلاب ناراضی بوده است. برادرش، مهدی شیخ الاسلام، وکیل سابق مجلس و معاون وزیر دادگستری، اخیرا از زندان آزاد شد و هنوز با پرداخت جریمه زیادی دست به گریبان است.

فرزند شیخ، به نام اسعد که استاد الهیات در دانشگاه تهران است، سال تحصیلی ۱۹۷۳-۱۹۷۲ را در رشته مذاهب جهانی دانشگاه هاروارد گذراند. این خانواده طرفدار شاه هستند؛ نه به دلیل وابستگی فلسفی به رژیم شاهنشاهی، بلکه به دلیل خشنودی و مساعدتی که از طرف شاه، در قبال مؤسسات مذهب شیعه، به اقلیت سنتی می شده است. تامست

### **نگرانی ترکیه در مورد سیاست آمریکا در رابطه با کردهای ایران ۷۹۲**

سند شماره (۲۷) از: وزارت خارجه واشنگتن دی - سی تاریخ: ۲۸ اوت ۷۹-۶ شهریور ۵۸ به: سفارت آمریکا آنکارا با حق تقدمخیلی محرمانه شماره سند: وزارتخانه ۲۲۶۷۳۰ موضوع: نگرانی ترکیه در مورد سیاست آمریکا در رابطه با کردهای ایران ملاقات سفیر ترکیه با معاون وزیر نیوسام (خیلی محرمانه) ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- در ۷ شهریور الکداگ، سفیر ترکیه به دیدار نیوسام معاون وزیر رفت تا در پی دستورالعملی که از آنکارا برایش صادر شده بود. در رابطه با موضع آمریکا و سیاست آن در مقابل اوضاع کردها در ایران مذاکره کند. الکداگ در اولین دقیق مذاکره اش گفت دولت ترکیه از بنگاههای تغذیه خبری گزارشهای گنج کننده ای از اظهارات سخنگوی مطبوعاتی وزارت خارجه و پاسخهایش به سؤالات در ۲ شهریور دریافت نموده بود. این مسئله باعث شده بود تا آنکارا از او تقاضا نماید با مقامات عالیرتبه دولت در جهت

روشن شدن موضع و نظرگاههای آمریکا تماس حاصل کند. خصوصاً الکداگ خواستار «نظرگاهها و مواضع» آمریکا در رابطه با مناسبات آمریکا با ایران و وضع کردها در ایران شد.

۳- معاون وزیر جواب داد که روابط ایران و آمریکا پس از یک دوران که با مشکلات طبیعی بعد از انقلاب روبرو بوده ایم در حال بهتر شدن می باشد. یادآور می شویم که ما مسائل زیادی مانند ادعاهای بازرگانی و قراردادهای نظامی با یکدیگر داریم، اما معاون وزیر گفت که اوضاع در حال بهتر شدن می باشد.

۴- معاون وزیر گفت که اوضاع کردستان یک مسئله داخلی برای ایران می باشد. ما این موضع را روشن نمودیم که ما به تمامیت ارضی و استقلال ایران احترام می گذاریم. ما اوضاع کردستان را یک مشکل داخلی که در مقابل دولت ایران است می دانیم، آقا رستون درباره مسئله «دادرسی سریع» اظهار نظر نموده که در منطقه کردنشین اتفاق افتاده بود. اظهار نظر او در همان خط موضع ثابت ما که با اعدام های بدون محاکمه منصفانه مخالفیم بود.

۵- الکداگ یادآور شد که در گزارشهایی که دولت ترکیه دریافت کرده بود. اظهارات دولت آمریکا در ۲ شهریور این طور به نظر می رسید که بر لزوم تقویت عمل و نفوذ رای دولت بازرگان و لزوم ثبات در منطقه تأکید داشت. معهدا در آن اظهارات هیچگونه مطلبی در مورد موضع آمریکا در رابطه با تمامیت ارضی ایران مشاهده نشد. معاون وزیر جواب داد که همان طور که او قبلاً گفته است ما از تمامیت ارضی ایران طرفداری می نماییم. او به سفیر الکداگ یک نسخه از یک بیانیه عمومی اخیر کاردار آمریکا لینکن را که آشکارا به این نکته اشاره می کند (در تلگرام جداگانه هست). به او داد. او تأکید نمود که مطالب گفته شده به وسیله رستون در رابطه با سؤالهای طرح شده باید بررسی بشود. سؤال در رابطه با اعدامها و فروش وسایل نظامی بود و در رابطه با تمامیت ارضی نبود.

۶- الکداگ پرسید که نظر آمریکا در مورد اوضاع فعلی سراسر ایران چگونه می باشد. معاون وزیر پاسخ داد که ما نه تنها از مشکلات کردستان، بلکه از مشکلات تمام اقلیتها نگرانیم. تا آنجا که ما درک کرده ایم دولت در جهت اعمال قدرت در آن زمینه ها تا حدودی پیشرفت نموده است و نیروهای مسلح که به وسیله انقلاب کوفته شده بودند در حال بهبود عملکرد خود می باشند.

۷- الکداگ پرسید که آیا اطلاعاتی وجود دارد که در یاغیان کردستان ایران کمونیستها نفوذ کرده باشند؟ معاون وزیر جواب داد که ما اطلاعات دقیقی در این مورد نداریم. اطلاعاتی در دست است که سلاحهای روسی فراوانی مورد استفاده قرار می گیرند. البته آن سلاحها می توانند از هر جای دیگر آورده شده باشند. معاون وزیر یادآور شد که اظهارات ناراحت کننده ای از منطقه باکو شوروی همچنان در حال پخش شدن می باشد.

۸- در موقعی که الکداگ در حال ترک کردن بود معاون وزیر از او سؤال نمود که آیا دولت ترکیه هیچ گونه تأثیرهای جانبی از اوضاع کردستان ایران مشاهده نموده است. الکداگ پاسخ داد که اگر قرار است یک منطقه کردستان خود مختار در ایران به وجود بیاید، خیلی زود فشارها برای ایجاد یک دولت کرد متمرکز خواهد شد. اقلیتهای کرد کشورهای همسایه تحت تأثیر این تغییر قرار خواهند گرفت و بقیه گروههای قومی ایران ممکن است تقاضاهای شبیه به این بنمایند.

۹- توضیح: آشکار بود که نگرانی عمده دولت ترکیه این بود که در بیانیه ۲ شهریور دولت آمریکا از

ص: ۷۹۳

تمامیت ارضی ایران هیچ گونه سخنی به میان آورده نشده بود. همان موقعی که معاون وزیر اعلام نمود که آمریکا از تمامیت ارضی ایران طرفداری خواهد نمود. الکداگ راضی به نظر رسید و هر چه زودتر مذاکره را پایان داد. ونس

## وضعیت کردها

سند شماره (۲۸) از: سفارت آمریکا، تهران تاریخ: ۳۰ اوت ۷۹-۸ شهریور ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. فوری طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۹۶۵۶ موضوع: وضعیت کردها ۱- تمام متن خیلی محرمانه ۲- از آنجایی که نیروهای مسلح ایران از پیشروی به سوی پناهگاههای اکراد خودداری کردند و تلاشهای گوناگونی جهت دستیابی به یک توافق از طریق مذاکره صورت گرفته است، امروز در کردستان ظاهراً آرامش نسبی ادامه یافت. سفارت در این مورد که راه حل پایداری پیدا خواهد شد خوشبین نیست.

(پایان خلاصه) ۳- هر چند حفظ شهرکهای مهم (مهاباد، بانه، سردشت) توسط شورشیان کرد ادامه دارد و نیروهای مسلح ایران در جاده های منتهی به این مناطق مستقر می باشند، از حمله به سمت جلو خودداری می کنند به نظر می رسد وضعیت نظامی مناطق کردنشین موقتا تثبیت شده است.

در تاریخ ۶ شهریور گزارشهایی پیرامون حملات جزئی اکراد به نیروهای دولتی به گوش می رسد.

شدیدترین حمله به یک قرارگاه نظامی در «جلدیان» (۴۵۰۸ شرقی، ۳۶۵۲ شمالی) نزدیک مرز عراق صورت گرفته است.

۴- هر چند خمینی، همان طور که از بیانات و تفاسیر مطبوعاتیش بر می آید، مایل به معامله با رهبران حزب دموکرات کردستان نیست، لیکن به نظر می رسد تلاشهای چندی برای رسیدن به یک صلح از طریق مذاکره در دست اقدام است. خمینی شخصا تمام مقامات دون پایه کرد را که مایل به تسلیم هستند مورد عفو قرار داده است. چندین روز است که یک هیئت پنج نفره متشکل از اعضای شورای انقلاب مهاباد در تهران به سر برده و با طیف وسیعی از رهبران دولت موقت ایران از جمله صباغیان وزیر مشاور و خامنه ای معاون وزارت دفاع ملاقات می کند. امروز صبح روزنامه تهران تایمز نوشت که صباغیان و هیئت به این توافق رسیده اند که اجازه داده شود ارتش با آرامش وارد شهر مهاباد گردد لیکن هنوز معلوم نیست که گروههای کرد چه اختیاراتی دارند. در واقع براساس یکی از گزارشهای خبرگزاری فرانسه شورشیان مهاباد مخالف ورود ارتش به شهر هستند. در عین حال، شریعتمداری خواهان حل مسالمت آمیز این مسئله شده و جبهه ملی اعلام کرده است که حاضر است هیئتی را به کردستان اعزام دارد. حجت الاسلام شیخ حسین کرمانی نماینده خود خمینی در تاریخ ۶ شهریور به منطقه کردستان رفت تا ببیند چه می تواند بکند، و روزنامه ها حتی شایعه اینکه آیت الله خلخالی از شیخ حسینی خواسته است که با وی به قم بیاید و با خمینی ملاقات نماید را درج کرده اند.

۵ - عدم فعالیت نیروهای مسلح و تمام اقدامات فوق الذکر حاکی از آن است که دولت در پی برقراری

صلح از طریق مذاکره است. چنین صلحی احتمالاً براساس اعطای عفو نسبت به رهبران حزب دموکرات کردستان و قولی مبنی بر عقب نشینی پاسداران منفور از منطقه خواهد بود. اگر چنین توافقی از جانب مقامات سطح پایین مملکتی به عمل آید اصلاً معلوم نیست که خمینی هم مایل به قبول آن باشد.

۶- در عین حال، ظاهراً دولت در صدد است تا مستمسکی بیاید و ناآرامی کردها را به وسیله آن محکوم نماید و به نظر می رسد که به داستان قدیمی و محبوب اسرائیلیها پرداخته است.

مطبوعات تهران گزارشهای مبهمی در مورد دستگیری چهار اسرائیلی در جنگ درج کرده اند. (طبق نوشته مطبوعات) بازرگان نخست وزیر به سفیر اتریش گفته است که او گمان می کند اسرائیلیها که از حمایت سرمایه داران اروپایی و آمریکایی برخوردارند، به نحوی در این جنگ دخالت دارند. همچنین دولت موقت ایران ظاهراً نگران نفوذ جناح چپ (فداییان خلق) و «یا کمونیستها»، در این حوادث هستند.

طبق نوشته مطبوعات، بعضی از اعضای فداییان خلق به نفع کردها می جنگند و طرفداران آیت الله طالقانی نگرانی خود را در مورد درگیری جناح چپ در کردستان را به یکی از مأمورین سفارت گوشزد کرده اند.

۷- به نظر می رسد طی این بحران دولت موقت ایران با دولتهای عراق و ترکیه با احتیاط کامل برخورد می کند. نیروهای مسلح ایران دو افسر عراقی را که متهم به دخالت در جنگ هستند، دستگیر کرده اند.

لیکن به نظر نمی رسد که دولت موقت ایران قصد داشته باشد مسئله ای از آن بسازد. بر اساس نوشته مطبوعات، سفیر عراق در تاریخ ۴ شهریور با خمینی در قم ملاقات کرد، و قول داد که عراق اجازه نخواهد داد شورشیان کرد وارد این کشور شوند. در مطبوعات ایران گزارشی در مورد کمک ترکیه به شورشیان کرد درج نشده است. به نظر می رسد مرزهای ایران با ترکیه و عراق در مناطق کردنشین از طرف ایران کاملاً باز است و سفارت داستانهایی برای چندین ماه می شنیده که از جانب مرکز ترکیه به طور قاچاق اسلحه وارد ایران می شود. طبق اظهارات یکی از مأموران سفارت که در تاریخ ۵ و ۶ شهریور از تبریز بازدید کرده است، نمایندگان کنسولگری ترکیه در منطقه به او گفته اند که این کشور فعالیت اکراد را با دقت کامل زیر نظر دارد. تامست

## دانشجویان کرد در برلین غربی

سند شمار (۲۹) از: نمایندگی آمریکا در برلین تاریخ: ۹ شهریور ۵۸ - ۳۱ اوت ۷۹ به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. دارای حق تقدم طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: دانشجویان کرد در برلین غربی ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- انجمن دانشجویان کرد در اروپا تظاهراتی را در تاریخ ۱۱ شهریور در برلین غربی (بخش انگلستان) اعلام کرده است.

۳- درباره انجمن دانشجویان کرد در اروپا با حدود ۱۵۰ عضو در جمهوری فدرال آلمان گزارش شده که یک سازمان مارکسیست لنینیست طرفدار شوروی می باشد و ۴۰ عضو در برلین غربی دارد. مشخص شده است زردشت حاجو، دبیر اول آن که در برلین غربی اقامت دارد، اغلب اوقات در رابطه با کارهای انجمن دانشجویان کرد در اروپا به جمهوری فدرال آلمان



سفر می کند. انجمن در طول گردهمایی فروردین

ص: ۷۹۵

ماه به وضوح اذعان داشت که شعبه از حزب دمکرات کردستان می باشد. حزب دمکرات کردستان یک سازمان سیاسی می باشد که ادعای مبارزها برای خودمختاری کردها در ایران، سوریه و ترکیه دارد.

۴- انجمن دانشجویی کردها به رهبری جلال طالبانی، که دفترش در آمستردام می باشد، بنا به گزارشها حدود ۲۵۰ دانشجوی عضو دارد که شامل ۲۰ الی ۳۰ نفر در برلین غربی می شود. انجمن دانشجویی کردها یک گروه دیگر سیاسی انقلابی مارکسیست - لنینیست می باشد که موضع سختی بر علیه رژیم شاه گرفت، با این امید که دولت جدید خود مختاری کاملی به کردستان خواهد داد.

۵- در طول جلسه ۲۱ تیر کمیته ایرانی هماهنگی که در دانشگاه فنی برلین به وسیله CISNU، که عضو مهم (چپ افراطی) می باشد برگزار شد رژیم جدید مورد انتقاد قرار گرفت. آنها در سخنانشان اعلام داشتند که به جای اینکه ایران به دست ملت اداره شود، در حال حاضر به دست مقامات دولتی اداره می شود و سرکوب وسیع گروههای اقلیت را که برای احقاق حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شان مبارزه می کردند محکوم نمودند. به علاوه آنها از اینکه ممکن است ارتش و ساواک به عنوان ابزار سرکوب مردم دوباره به کار گرفته شود ترس خود را اظهار نمودند. در این جلسه حدود ۹۰۰ نفر شرکت داشتند که شامل اعضای CISNU, ISV، اعضای فهرست جایگزین برای دمکراسی و حفاظت محیطی (که شامل اعضای حزب دمکرات کردستان و ... بودند)، جمعیت دانشجویان معترض، و انجمن دانشجویان کرد می شدند.

۶- از قرائن چنین بر می آید که CISNU، اخیرا موضعی علیه رژیم کنونی ایران اتخاذ نموده، از خواست کردها در خارج از کشور پشتیبانی نموده و گردهماییها و تظاهراتی به طرفداری از کردهای منظور تشکیل می دهد. طرفداری CISNU از انجمن دانشجویی کردها و انجمن دانشجویان کرد در اروپا در برلین نشانه ای تلقی می شود از اینکه شبیه به این نوع ائتلافهای سیاسی می تواند به سهولت در ایران به وجود آید و بر علیه رژیم مذهبی متشرع خمینی هدف گیری نشود. تظاهرات مشترک CISNU و کردها که در پایان هفته گذشته در فرانکفورت و بن صورت گرفت مثالهای خوبی از این همکاری می باشند.

۷- هیچ گونه نشانه ای که حاکی از این باشد که انجمن دانشجویی کردها یا انجمن دانشجویان کرد در اروپا خیال اجرای اعمال حاد بر علیه متفقین در برلین غربی داشته باشند، وجود ندارد. نلسون

## موقعیت کردها

سند شماره (۳۰) از: سفارت آمریکا، تهران تاریخ: ۲ سپتامبر ۷۹-۱۱ شهریور ۵۸ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی. سی. طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۹۷۱۳ موضوع: موقعیت کردها ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- دولت موقت ایران همچنان از اجرای یک حمله مستقیم به شهرهای تسخیر شده کردنشین خودداری می ورزد. اما گزارش ما حاکی از ادامه حملات پراکنده کردهای شورشی به نیروهای دولتی می باشد. در تاریخ ۱۰ شهریور، صباغیان، وزیر کشور در تلویزیون ملی اخطار کرد که ارتش آماده وارد شدن به شهر مهاباد است و خمینی همچنان خواهان انهدام حزب دمکرات کردستان و آن سران می باشد.

بر طبق گزارش روزنامه فارسی زبان کیهان، خمینی تهدید کرده است که اگر مشکل کردستان به این زودی حل نشود، شخصا به کردستان خواهد رفت.

۳- شکاف کاملاً آشکار بین اولیاء امور ایران بر سر چگونگی سرو کار داشتن با مشکل کردستان وجود دارد. آیت الله شریعتمداری پشتیبانی عموم را از هرگونه تلاش برای حصول به یک توافق از طریق مذاکره اعلام کرده است و نخست وزیر بازرگان و سران نیروهای مسلح نیز این حالت را ترجیح می دهند. سفارت همچنان مدارک محکمی دال بر بی میلی ارتش برای هجوم به شهرهای تسخیر شده کردها، دریافت می کند. از طرف دیگر طالقانی، اگر چه مذاکرات را رد نمی کند، ولی خواهان مشی قاطع تری شده است.

۴- اگر به زودی نوعی راه حل به دست نیاید، سفارت شک دارد که میانه روها قادر باشند در مقابل دستورات تند خمینی برای اقدام کردن، مقاومت کنند. به نظر می آید که رهبران ایران به طور فزاینده ای مشکل کردها را به دلیل نفوذ کمونیست می دانند و اتهاماتی که از جانب خمینی و طالقانی در آخر هفته در مورد مشارکت کمونیستها در شورش کردها ایراد شد، نگرانی فزاینده ای را منعکس می کند. اگر چه به نظر می رسد که خیلیها در دولت فهمیده اند که مشکلات جاری در نواحی کردنشین، تماما به عهده کردها نیست، اما اکثر رهبران ایران منجمله بازرگان، احتمالاً استفاده از زور را، هنگامی که بفهمند تنها راه حل مقابله برای حفظ تمامیت ارضی ایران است، تأیید خواهند کرد.

۵ - تنها مسئله امیدوارکننده، نظریات صباغیان در مصاحبه تلویزیونیش است که شهرهای اشغال شده شورشیان با کمبود مواد غذایی و سوخت روبرو هستند. اگر این موضوع صادق باشد همیشه امکان دارد که دولت موقت ایران قادر باشد، شورشیان کرد را به تخلیه شهرها مجبور سازد. اگر چه این شورش را حل نمی کند، حداقل از کشتاری که بر اثر اجبار ارتش در حمله رودررو به شهرکها، به طور غیر قابل اجتناب پیش خواهد آمد، جلوگیری می کند. تامست

### کمونیستها و شورش کردها

سند شماره (۳۱) از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۴ سپتامبر ۷۹-۱۳ شهریور ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۹۷۶۴ موضوع: کمونیستها و شورش کردها ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- همان طور که در طول هفته گذشته به وسیله گزارشات سفارت خاطر نشان شد، رهبران ایران توجه روزافزونی نسبت به نفوذ کمونیستها در شورش کردها نشان داده اند. در ۹ شهریور طی یک سخنرانی آیت الله طالقانی تا آنجا پیش رفت که «همسایه شمالیمان» (یعنی شوروی) را به کمک به شورشیان متهم نمود.

۳- سفارت هیچ مدرکی دال بر کمک مستقیم شوروی به شورشیان کرد ندارد. اما همان طور که در تلگراف ۹۶۴۶ - تهران، یاد آور شدیم، تبلیغات رادیویی شوروی در ایران در خلال دو هفته گذشته حمایت از کردها (اما نه حزب دمکرات کردستان) و تمایل فزاینده برای انتقاد از موضع سخت دولت موقت ایران در قبال شورشیان کرد را نشان داده است. با این وجود حزب توده، خط خیلی ظریفی را دنبال می کند. آنها

خواستار آن شده اند که بر اساس یک آتش بس فوری از سوی هر دو طرف، مخاصمات از راه مذاکره پایان بگیرد، محاکمات انقلابی خاتمه یابد و مذاکراتی برای حل صلح آمیز مسائل کردها صورت پذیرد.

۴- سفارت قطعا مدارکی در دست دارد که نشان می دهد فداییان خلق، که از جناح چپ هستند، در شورش کردها فعال بوده اند، اما ما نمی دانیم چند نفر از آنها حضور دارند، آیا حضور آنها از تهران به صورت مرکزی کنترل می شوند، یا آنکه ممکن است آن گروه از اعضای فداییان خلق که در جنگ درگیر هستند واقعا کرد باشند. گزارش شده است که حداقل یکی از اعضای فداییان خلق در رابطه با جنگ، به وسیله دولت موقت ایران در سنج اعدام شده است. روزنامه اطلاعات ۷ شهریور مقاله ای منتشر کرد، که حماد شیانی، یکی از اعضای برجسته سازمان مارکسیستی چریکهای فدایی خلق اخیرا به اتهام ارسال دارو به کردستان بازداشت شده است.

۵- اخیرا پسر طالقانی به کارمند سفارت گفت که یک دانشجوی پزشکی که بعد از جنگ پاره اعدام شد برای دوره کوتاهی در گروه امداد طالقانی کار کرده بود، ولی آنها به دلیل اینکه متقاعد شدند که او کمونیست است و در عوض انجام هر کار مفیدی برای گروه امداد طالقانی فقط به اشاعه نوشتجات کمونیستی علاقه مند است، به کارگیری او را متوقف کردند. گروه طالقانی متقاعد شده اند که «کمونیستها» در شورش فعلی کردها فعال هستند. سفارت نمی داند که آیا کمونیستهای مذکور از مارکسیستهای بدون سازمان (خارج از گروه) فداییان خلق یا حزب توده هستند یا نه.

۶- علاوه بر این، وزیر ارشاد ملی، ناصر میناچی، در طول ملاقاتش با کاردار در ۱۳ شهریور به عنوان نمونه ای در مورد اینکه احزاب جناح چپ از آزادی که بلافاصله بعد از انقلاب به آنها داده شده سوء استفاده کرده اند، درگیری کمونیستها را در کردستان خاطر نشان کرد. میناچی گفت که دولت موقت ایران مایل بوده که آزادی بیان و اظهار عقیده را به کمونیستها بدهد، ولی آنها با دعوت به شورش مسلحانه علیه جمهوری اسلامی در کردستان و سایر مناطق، از آن (آزادی) سوء استفاده کرده اند.

۷- گزارش ۱۲ شهریور سرویس آگاهی از رادیوهای بیگانه از رادیوی محلی مسکو که الان دریافت شد، نامه ای را از حزب توده نقل می کند که در آن علاوه بر مسائل دیگر، این موضوع را که دو نفر از اعضای حزب توده، (ناشناس) که در کرمانشاه اعدام شده بودند، رابطه ای با گروههای افراطی و وقایع کردستان دارند، تکذیب می نمود. تامست

### موضع گیری تبریز نسبت به ناآرامیهای کردها

سند شماره (۳۲) از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۴ سپتامبر ۷۹-۱۳ شهریور ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۹۷۶۹ موضوع: موضع گیری تبریز نسبت به ناآرامیهای کردها ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: علیرغم اختلافات اساسی قومی و قدری دشمنی دیرینه، نظرات ترکهای آذربایجان پیرامون آشوب کردها تا حد زیادی مبین همدردی با اهداف کردهاست. از قرار معلوم شورشیان کرد با همسایگان ترک خود با احتیاط کامل رفتار می کنند و آگاهی توده ها از این امر بر رفتار و روش ترکهای

ایران نسبت به اکراد تأثیر می گذارد. (پایان خلاصه) ۳- طی دو هفته گذشته، «مأمور سیاسی» با تعدادی از ترکهای تبریز و تهران در مورد آشوب کردستان صحبت کرده است. موضع اصلی مردم تبریز که نسبت به جنگ کردستان بیان شد، یک نوع همدردی آنان نسبت به تقاضاهای اکراد و محکومیت حملات دولت موقت و قم به رهبران حزب دموکرات می باشد.

۴- در بازدید ۶ شهریور از تبریز، «مأمور سیاسی» شاهد مراسم تشییع جنازه دو تن از داوطلبین پاسداران انقلاب تبریز که در جنگ با اکراد کشته شده بودند، بود. مراسم فقط با تعداد کمی بیش از یکصد نفر تشکیل شده بود و علیرغم اینکه مراسم در مسیر خیابان اصلی تبریز انجام می گرفت، توجه عابران را جلب نمی کرد هنگامی که تشییع کنندگان می گذشتند عابران به طور عادی به راهشان ادامه می دادند و راه بندان خیابانها با بوق زدنهای ممتد رانندگان به خشم آمده، همراه بود. مراسم تشییع جنازه موجب شد راننده تاکسی که «مأمور سیاسی» در آن بود در مورد هرج و مرج سیاسی ناشی از انقلاب به کنایه سخنی بگوید و صحبت را به طور مفصل در مورد بیکاری در تبریز به حماقت عمده اعزام داوطلب از تبریز جهت جنگیدن علیه کردها، ادامه داد. «مأمور سیاسی» بعدا در حین صحبت با یک تاجر محلی، به یکی از مواردی که موجب مرگ پاسداران می شود، برخورد کرد. آن تاجر اظهار داشت که دو هلیکوپتر حامل داوطلبان از تبریز عازم منطقه سفر شده بودند و داوطلبان به محض پیاده شدن از هلیکوپتر به اسارت درآمدند. گفته می شود که اسیرکنندگان کرد از داوطلبان پرسیدند که آیا آنها طرفدار شریعتمداری هستند یا خمینی. آنهایی که خود را پیرو شریعتمداری معرفی کردند، آزاد شدند و به آنها گفته شد که دیگر در امور کردها دخالت نمایند. آنهایی که خود را طرفدار خمینی معرفی کردند کشته شدند. در رویداد دیگری که توسط مطبوعات گزارش شده، آمده است که تعدادی از داوطلبان تبریز توسط شورشیان کرد خلع سلاح شده و اجازه یافته اند که به آرامی به خانه های خود بازگردند. چند منبع تبریزی به «مأمور سیاسی» گفته اند که کردها با پاسداران انقلاب ترک بهتر از آنچه که سزاوار آنهاست، رفتار می کردند و این سیاست بدان جهت اتخاذ شده بود که روابط ترکها و کردها را تا حد ممکن دوستانه نگهدارد.

۵- آیت الله شریعتمداری، رهبر مذهبی تبریز اظهار نظرهای عمومی کرده است، که می توان آنها را جانبداری محتاطانه ای از اکراد دانست. در یک مصاحبه مطبوعاتی در تاریخ ۷ شهریور شریعتمداری مدعی شد که هدف از جنگ در کردستان تضمین حقوق کرد می باشد. چنین حقوقی را می توان بدون دست زدن به جنگ و خشونت حمایت و تضمین کرد. شریعتمداری بر خلاف خمینی، «به شیخ عزالدین» رهبر مذهبی و سیاسی اکراد حمله نکرده است. شاید در نقش حسینی و خودش به عنوان رهبر یک اقلیت قومی تشابهات بالقوه ای می بیند.

تامست

**روابط ترکها با کردهای ایران**

ص: ۷۹۹

سند شماره (۳۳) از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۶ سپتامبر ۷۹-۱۵ شهریور ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۹۸۵۸ موضوع: روابط ترکها با کردهای ایران ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- مترینکو کارمند سیاسی و کارمند وزارتخانه گرومن به رسم ادب به دیدار سرکنسول جدید ترکیه رفتند. در طی جریان گفتگو، سرکنسول جدید ترکیه اظهار داشت که مقامات رسمی ترکیه (مخصوصا در کنسولگری ترکیه در ارومیه، رضاییه سابق) با رهبران کرد ایران تماس منظمی دارند. (او نگفت که آیا ترکیه کمکهای مادی به کردها می دهد یا نه.) ۳- تقریبا پنج روز بعد از این گفتگو مقامات ترکیه، شاید در پاسخ اعتراض ایرانیان مبنی بر اینکه یک کشور مسلمان که نام برده نشد از کردها حمایت می کند، یک بیانیه علنی رسمی صادر کردند، که با تأکید اظهار می داشت ترکیه در امور داخلی ایران دخالت نمی ورزد و در جریان زد و خوردهای جاری نه از دولت حمایت می کند نه از کردها. اما نظرات کنسول ترکیه بر این دلالت دارد که ترکها قصد دارند از طریق بازنگهداشتن کانالهای ارتباطی با هر دو طرف، سیاست بی طرفی خود را به طور برابر اجرا کنند.

۴- کنسول همچنین گزارش داد که پست مرزی ژاندارمی ایران در سرو (جایی که اخیرا صحنه زد و خورد بین کردها و نیروهای امنیتی دولتی بود) تخلیه شده است. مردم آزادانه از مرز عبور می کنند (کنسول در ۴ شهریور هم همین کار را کرده بود) و ستاد مرکزی ژاندارمری در دست یک چوپان کرد تنها است تامست

### سی و دومین جلسه، کمیسیون فرعی سازمان ملل بر سر مسئله تبعیض

سند شماره (۳۴) از: هیئت نمایندگی آمریکا در ژنو تاریخ: ۷ سپتامبر ۱۹۷۹، ۱۶ شهریور ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: سی و دومین جلسه، کمیسیون فرعی سازمان ملل بر سر مسئله تبعیض، تلگراف به دولت ایران ۱- در جلسه پایانی به تاریخ ۱۶ شهریور، کمیسیونی که از متخصصان ۲۶ کشور تشکیل و هر یک فردا کاری را عهده دار شده تصمیم گرفت متن تلگرام زیر را تصویب کرده تا برای ملت ایران فرستاده شود.

۲- متن تلگرام چنین است:

آغاز متن کمیسیون جلوگیری از تبعیضات و دفاع از حقوق اقلیتهای سازمان ملل در تلاشش جهت حفاظت از حقوق انسانی تمام افراد اعلام می دارد که با دریافت گزارشهای اعدامهای سریع کردهای بیشماری در ایران عمیقا احساس تکان و تأثر نمود و قطع فوری این اعمال غیر انسانی را در خواست می کند. پایان متن. پالم

### گزارش جدیدی درباره کردها

ص: ۸۰۰

سند شماره (۳۵) از: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. تاریخ: ۸ سپتامبر ۷۹-۱۷ شهریور ۵۸ به: دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد ۲۰۵۵.

طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۶۴۶۹ موضوع: گزارش جدیدی درباره کردها ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- از دریافت ارزیابی حاوی تلگراف مرجع الف راجع به شرایط امنیتی جاری در کردستان عراق متشکریم. ما با دقت کامل ناآرامیهای همسایه آن کردستان ایران را دنبال می کنیم و مایلیم از هر مدرکی که نشان دهد که رویدادهای ایران تأثیر معکوسی بر «وضع کردهای عراق» دارد اطلاع یابیم.

۳- هم چنین مایلیم نظریات شما را پیرامون گزارشهایی در مورد تبانی ادعا شده بین کردهای عراق و ایران در آخرین درگیریهایی که با نیروهای دولت ایران داشتند، بدانیم.

۴- افزایش تعداد پناهندگان کرد عراقی در کردستان ایران این سؤال را پیش می آورد که در صورت وقوع یک حرکت گسترده رو به غرب، خواه در نتیجه تلاشهایی جهت احتراز از جنگ کنونی منطقه مهاباد و خواه در نتیجه تلاشهایی جهت بی ثبات کردن اوضاع در شمال عراق، ممکن است که این پناهندگان تهدید بالقوه ای علیه امنیت کردستان عراق باشند یا نه.

۵- هر اطلاعی که شما می توانید درباره این موضوع کلی در اختیار ما قرار دهید، در ارائه یک تصویر واضح از وضعیت به ما مفید خواهد بود.

ونس

## وضعیت کردستان

سند شماره (۳۶) از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۹ سپتامبر ۷۹-۱۸ شهریور ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. فوری طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۹۹۰۴ تهران موضوع: وضعیت کردستان ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- اکنون به نظر می رسد که نیروهای مسلح دولت موقت ایران، کنترل تمام شهرهای عمده منطقه کردستان را در اختیار دارند. طبق گزارشهای رسیده نیروهای مسلح دولت موقت ایران، پیرانشهر را در تاریخ ۱۴ شهریور و سردشت را در شامگاه ۱۵ شهریور تصرف نمودند. نیروهای شورشی کرد به تپه ها عقب نشینی کردند و تاکنون هیچ حمله چریکی متشکل را بر علیه نیروهای دولتی آغاز ننموده اند. اگر چه نیروهای دولتی در تاریخ ۱۲ شهریور وارد مهاباد شدند، ظاهراً مردم شهر در تاریخ ۱۴ شهریور تظاهرات نسبتاً وسیعی به طرفداری از کردها (گزارشهای مطبوعات حاکی از ۲۰۰۰ تظاهر کننده بود) برگزار نمودند که توسط نیروهای دولتی که اقدام به شلیک هوایی کردند، در هم شکسته شد.

ص: ۸۰۱

۳- روز جمعه ۱۶ شهریور، یک گروه از سران عالیرتبه دولت موقت ایران به ریاست نخست وزیر بازرگان از مهاباد و شهرهای دیگر کردستان دیدار نمود. (این گروه شامل وزیر کشور صباغیان، رئیس ستاد مشترک تیمسار شاکر و فرمانده ارتش فلاحتی بود.) این گروه به احتمال بسیار زیاد کمکهای مورد نیاز و احتیاجات مربوط به آبادانی و توسعه منطقه کردستان را مورد بحث قرار داد. در طی این ملاقات، بازرگان یک بار دیگر به طور عمومی این گفته خمینی که عفو دولت موقت ایران برای شورشیان تکرار نمی شود و به سران حزب دمکرات کردستان مربوط نمی گردد، را تکرار نمود. به علاوه، خمینی در ۱۸ شهریور در یک صحبت بسیار احساساتی و مهیج به مناسبت ۱۷ شهریور، برای کلیه کردهای جوانی که به توسط رهبرانشان فریب داده شده اند، عفو عمومی اعلام کرد.

۴- خلخال، قاضی انقلابی همچنان در مناطق مختلف کردستان در سفر بوده و دادگاههای انقلابی بر پا می کند. ظاهراً او یک مرکز موقت در مهاباد تأسیس نموده است. در تاریخ ۱۲ شهریور در یک مصاحبه با تهران تایمز، خلخال اعلام داشت که بر خلاف گزارشهای مطبوعات بین المللی مبنی بر ۹۰ اعدام در کردستان، «فقط ۵۳ نفر در منطقه اعدام شده اند». خلخال اضافه کرد که او بیش از ۱۰۰۰ نفر را بخشیده است و انتظار ندارد که بیشتر از این حکم صادر کند.

نظریه: سفارت حساب ارقام شدگان به خاطر شرکت مستقیم در شورشی کردستان را که در مطبوعات تهران منتشر شده اند، نگهداشته است و ارقام ما برای اعدام شدگان ۵۶ می باشد؛ ۹ نفر از اینها افسران نظامی دولت موقت ایران بوده و به نظر می رسد که تعدادی از بقیه نیز کور نبوده اند. سفارت گمان می کند که رقمی که خلخال اعلام کرده نسبتاً صحیح است، زیرا وی هرگز ارقام اعدامیانش را کتمان نمی کند. شعار عدالت اسلامی خلخال همچنان «چشم در مقابل چشم» است. در مصاحبه مذکور، خلخال گفت که سختترین مجازاتی که او تعیین کرده است برای مردی بود در مهاباد که دندان یک زندانی را شکسته و او را کور نموده بود. خلخال گفت که او نیز همان مجازات را برای مرد تعیین کرده بود، ولی چون بستگان شخص مضروب، محکوم را عفو کرده بودند، از کور کردن وی خودداری نمود (روش اسلام).

۵- مطبوعات فارسی زبان و انگلیسی زبان مختصراً این خبر را، که کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد روز جمعه از دولت موقت ایران خواسته است تا «اعدامهای صحرائی کردهای ایرانی» متوقف گردد را درج نموده اند. سفارت از ۱۴ شهریور به بعد که ۴ شورش در سقز اعدام شدند هیچ گزارش دیگری در مورد اعدامها دریافت ننموده است. به خصوص، در مهاباد به نظر می رسد که بعد از تصرف آن در ۱۲ شهریور هیچ اعدامی صورت نگرفته است.

۶- رهبران دولت موقت ایران، همین طور خمینی، با بردن چیزی که آنها آن را یک پیروزی نظامی بر علیه نیروهای شورشی کرد می دانند، اکنون به طور وضوح سعی بر این دارند که با پیشنهادات ارسال کمک به منطقه و رفتار خوب با کلیه شورشیان بجز رهبران آنها، وفاداری آنها را به خود جلب کنند. باید دید که آیا رهبران شورشی کرد در تپه ها به نیروهای دولت موقت اجازه پیشبرد این سیاست را خواهند داد و آیا کردهای منطقه که تحت کنترل دولت هستند واز سیاستهای خشن دولت سخت رنجیده اند، مایل به همکاری با دولت موقت در جهت پیاده کردن آرامش هستند.





سند شماره (۳۷) از: سفارت آمریکا در آنکارا تاریخ: ۱۰ سپتامبر ۷۹-۱۹ شهریور ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه ۶۶۱۸ آنکارا شماره سند: ۶۶۱۸ موضوع: نظریات ترکها در مورد مشکلات کردها در ایران ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- این یک پیام اطلاعاتی است، نیازی به اقدام نیست.

۳- کاکسال، مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقای وزارت امور خارجه به ما گفته است ترکها شنیده اند که ایرانیها در حال برنامه ریزی برای انجام یک حمله نظامی علیه تمرکز شورشیان کرد در منطقه نزدیک مرز عراق می باشند. در حالی که اوضاع در مناطق کردنشین در حال حاضر آرام به نظر می رسد، گزارشهای رسیده اظهار می دارند که مقابله قدرت بین دولت مرکزی و مخالفین کرد محدود است، ولی معتقد بودند که کردها، با وجود کمبود اتحاد بین گروههای مختلف، توانسته بودند که مقدار قابل توجهی اسلحه جمع آوری کنند و می توانند یک تهدید قابل ملاحظه ای علیه نیروهای دولت مرکزی ایران باشند.

۴- امکان عمل نظامی نزدیک مرز عراق مسئله عکس العمل عراق را به وجود می آورد، دولت ترکیه تا به حال در مورد اینکه عراق در قبال ایران چه بازی انجام می دهد، مطمئن نیست. از یک طرف ترزل در منطقه کمکی به عراق نکرد. از طرف دیگر، موارد برخورد ایران انقلابی و عراق آن اندازه است که عراق احتمالاً بخواهد که نیروهای ضد خمینی را تقویت کند.

۵- با توجه به وابستگی بین کردهای ایرانی و کشورهای خارجی، کاکسال گفت که گزارشهای زیادی وجود دارد، ولی شواهد محکمی، دال بر دخالت خارجی در امور کردهای ایران زیاد در دست نیست. او تصور می کرد که قدرتهای خارجی با وجود انکارهای قابل پیش بینی، لزوم بسیاری در درگیر ساختن خود در فعالیتهای کردها احساس خواهند کرد.

۶- کاکسال با توجه به همبستگی ترکها با کردهای ایران، تأکید کرد گزارشهای مطبوعاتی اخیر که کردهای ترکیه کمکهای زیادی ارائه می دهند، کاملاً جعلیات مطبوعاتی بودند. دولت ترکیه تا به حال چنین به نظرش نرسیده بود که بین اینها رابطه قابل توجهی وجود داشته باشد. اگر چه واضح است، که آنچه برای کردهای ایران اتفاق افتاد در طرز برخوردهای کردهای ترکیه تأثیر خواهد داشت.

۶- به این دلیل، همچنین به دلیل علاقه به ثبات منطقه، توجه عمده دولت ترکیه این بود که ایران تمامیت ارضی خود را حفظ کند و دولت مرکزی قوی و مؤثری داشته باشد. به همین دلیل دولت ترکیه با علاقه و تصدیق بیانیه اخیر کاردار لینگن در مورد تضمین حمایت ایالات متحده از تمامیت ارضی ایران را متذکر شده بود.

۷- نظریه: کاکسال در عین حال که تازه بر سر این کار آمده و پیش از این با گروه طرح ریزی خط مشی کار می کرده، به طور چشمگیری در بحث مسئله کردها از اسلافش صریحتر بود.



سند شماره (۳۸) از: دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد. تاریخ: ۱۳ سپتامبر ۷۹-۲۲ شهریور ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. طبقه بندی: خیلی محرمانه گزارشگر: ادوارد. ال. پیک شماره سند: ۱۹۴۲ موضوع: اوضاع کردستان عراق ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- بر پایه گزارشهای یک منبع کاملاً آگاه که اخیراً از مرخصی یک هفته ای خود در سواحل دریاچه «دوکان» و مناطق سلیمانیه بازگشته است، اوضاع مناطق کردنشین عراق از تاریخ ۱۶ شهریور کاملاً آرام بوده است. غم زد و خوردهای گسترده ای که آن طرف مرز ایران جریان دارد، نیروهای گشتی ارتش عراق در منطقه دوکان چندان زیاد نیست و به نظر می رسد که در حال «راحت باش» باشند. منابع دیگر گزارش می دهند که مناطق دوردست نواحی شمال عمادیه نیز از آرامش برخوردارند و جهانگردان به آزادی در سر تا سر منطقه رفت و آمد می کنند. در واقع دیپلماتهای مقیم بغداد اخیراً مجوزی از وزارت امور خارجه دریافت داشته اند تا بر اساس آن از منطقه عمادیه دیدن کنند. این اقدام در عرض چند ماه گذشته اولین باری است که اتفاق می افتد. به طور خلاصه باید گفت «شواهد عینی حاکی از آن هستند که هیچ گونه مشکل جدی وجود ندارد».

۳- همکاری کردهای عراق که همچنان در گیر مقاومت مسلحانه هستند و همقطاران ایرانی آنها بی شک در حال تشکک است. اما به نظر نمی رسد که امنیت کلی کردستان عراق را تحت تأثیر قرار دهد.

(این برداشت) لاقفل در حال حاضر مصداق دارد. گزارشهای رسیده حکایت از آن دارند که گروههایی از اکراد عراق برای یاری برادران محاصره شده خود از مرز گذشته اند. این عمل شاید بیانگر آرامشی باشد که فعلاً در نواحی شمالی عراق جریان دارد. از نظر ما، کردهای عراق که به طور فعالانه ای حرکتهای ضد دولتی خود را ادامه می دهند. در مرحله نخست تمایل دارند که در عراق باقی بمانند و طبق معمول از ایران به عنوان یک پناهگاه ایمن و سالم استفاده کنند و (البته) عکس این موضوع نیز صادق است.

۴- ما از شمار اکراد پناهنده عراقی به ایران آگاهی نداریم (پاراگراف ۴- مأخذ الف)، و از آنچه به اطلاع ما رسیده است پیداست که به ویژه پس از وخامت اوضاع ایران بسیاری از آنان که در آنجا (ایران) باقی مانده اند برای بازگشت به عراق (و استفاده) از بخشودگی (دولت) که همچنان در جریان و اعتبار است، با دولت عراق وارد مذاکره شده اند. ما نمی دانیم آیا تعداد اکراد ایرانی که (احتمالاً) به عنوان پناهنده از مرز عبور خواهند کرد، قابل توجه خواهد بود (یا نه؟). اما شک داریم که عراق آمادگی پذیرش تعداد زیادی از آنها را داشته باشد. از سوی دیگر دولت عراق به احتمالی تمایل دارد که هر کرد عراقی را که بخواهد از عفو دو ماهه دولت استفاده کند، بپذیرد. اگر چه (این کردها) خلع سلاح خواهند شد و شاید (هم) به طور موقت در یکی از نقاط دیگر کشور اسکان داده شوند. سیاست جاری عراق این است: یکی دو سال اکراد را در مناطق خارج از کردستان اسکان داده و تحت نظر بگیرد و سپس در زمینهای پست و هموار کردستان دهکده های جدید احداث نماید.

۵- با توجه به نقطه نظر مذکور در «پاراگراف ۴- مأخذ الف» در مورد تلاشهایی که در جهت بی ثباتی شمال عراق صورت می گیرد، ما معتقدیم که ایرانیان به اهمیت مسئله کردستان برای خود و دیگران آگاهی

دارند و نقشی در به آشوب کشیدن آن ناحیه به خصوص ندارند. این موضوع که آیا کردهای عراق خود رأساً یک حرکت چریکی بزرگ را در مناطق شمالی عراق آغاز خواهند کرد یا نه، در حال حاضر مسئله دیگری است.

اما یک مهاجرت کنترل نشده از ایران به ویژه اگر فراریان برای باز کردن راه خود به زور متوسل شوند می تواند عمل و عکس العمل دولت عراق و کردها را برانگیزد.

بر اساس برآوردهای ما، اگراد عراقی اگر تمایل داشته باشند، قبل از دست یازی به هر اقدام جدی برای تشدید فعالیت‌های ضد دولت عراق ترجیح خواهند داد، چند ماهی صبر کنند. در طول زمستان، نیروهای نظامی از مناطق دور دست کوهستانی عقب نشینی می کنند و حضور ارتش در بلندیها به اردوگاه های ارتشی محدود می شود.

۶- مرحله کلی آرام سازی کردستان، یک مرحله طولانی و آهسته ای می باشد. حضور گسترده نظامی در منطقه کلیه حملات را خنثی می کند، بجز حملات ناهماهنگ و پراکنده ای که به صورت ضربتی انجام خواهند شد. از نظر محکم کاری مثبت قضیه، فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دولتی در منطقه به سرعت پیش می روند. این فعالیتها شامل جهانگردی، صنعت، برنامه های کشاورزی و برنامه های دیگری هستند که مستقیماً با پروژه های خانه سازی، جاده سازی، احداث مدارس و بیمارستانها در ارتباط می باشند. این برنامه که هدفش خنثی سازی تمایل مردم به استقلال کردستان می باشد به احتمال زیاد موفق خواهد بود، چنانچه فرصت کافی داشته باشد.

۷- کردهای عراقی به تروریسم متوسل نشده اند، چنانچه سایر گروه های استقلال طلب امروزی متوسل شده اند، و کارگرهای خارجی و جهانگردان آزادانه در منطقه می گردند. این مسئله باعث می شود که اطلاعات در مورد فعالیت‌های ایشان کم باشد و در عین حال تفاوت موجود بین کردها و دیگران را نشان می دهد. دلایل زیادی برای این طرز رفتار وجود دارد. یکی از آنها این است که بیشتر اکراد عمیقاً به زیر بنای اقتصادی دولتی عراق وابستگی پیدا کرده اند و با اعمال تروریستی این زیر بنا متزلزل خواهد شد و اکراد از این موضوع خوششان نمی آید. یک دلیل دیگر این است که در سال ۱۹۷۷ هنگامی که ۲۵ پیشاهنگ از سنین ۱۲ تا ۱۴ سال کشته شدند، افکار عمومی چنان با این مسئله رو به رو شدند که کردها فکر کردند و به این نتیجه رسیدند که این گونه اقدامات اثر منفی خواهد داشت. سایرین معتقدند که «چتر امنیتی» دولت عراق در منطقه به قدری مستحکم است که فعالیت‌های چریکی بالاجبار در شب و در مناطقی صورت می گیرند که دور افتاده می باشند و در آنجا جهانگردی وجود ندارد. نتیجتاً حملات ضد دولتی محدود می گردد به حملات به پاسگاههای پلیس و ساختمانها و مراکز مشابه نظامی دولتی که باعث نفوذ بیشتر دولت در منطقه خواهند بود.

۸- احتمال قیام مردم یا ناآرامی در سطح گسترده ای در کردستان خیلی کم می باشد، مگر اینکه تحولات اساسی سیاسی به وجود آید، که این امر با وضع فعلی در ایران بعید به نظر نمی رسد. حوادث و درگیریهای کوچک وجود خواهد داشت، ولی اقلاً برای سالیان زیادی، صدام و حزب بعث به نظر می رسد که از پس مشکلات برآیند و با خشونت بتوانند با مسائل برخورد نمایند. در همین مدت کار توسعه و گسترش مسائل اقتصادی در منطقه ادامه خواهد داشت، که احتمالاً همکاری و به کارگیری کردهای عراق را نیز به همراه خواهد داشت. پک



سند شماره (۳۹) از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۷۹-۲۶ شهریور ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. فوری خیلی محرمانه شماره سند: ۰۱۳۹ موضوع: موقعیت کردها ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- مناطق کردنشین طی هفته گذشته نسبتاً آرام بود. هر چند کماکان گزارشهایی مبنی بر وقوع زد و خوردهای پراکنده میان نیروهای دولتی و شورشیان کرد به گوش می رسد. دولت موقت ایران مجدداً کنترل خود را بر تمام شهرهای عمده منطقه اعمال کرده است. ظاهراً پیکاری را در مورد توسعه اقتصادی در منطقه آغاز کرده است. هنوز اطلاعات کاملی در این مورد نداریم و سفارت حاضر نیست پیش بینی کند که پیروزی ظاهری نیروهای دولتی در پس گرفتن کردستان یک موفقیت دائمی است.

۳- طی هفته گذشته نیروهای دولتی پس از برقراری کنترل بر کلیه شهرهای کردنشین، مشغول عملیات پاکسازی بوده اند. روزنامه کیهان در تاریخ ۲۴ شهریور گزارشهایی پیرامون چند درگیری در نزدیکی مرز ترکیه در آذربایجان غربی و مناطق پیرانشهر، سردشت و سلماس درج کرد. گزارشهای دیگر حاکی از تیراندازی شبانه در منطقه مهاباد است. یک گزارش پر پیچ و تاب از سردشت حکایت از آن دارد که ارتش ۴۰۰ تن از اعضای حزب دموکرات کردستان را در منطقه به محاصره در آورد و با جت و هلیکوپتر آنان را در مورد حمله قرار داده است (ما هیچ چیز در تأیید این مطلب نداریم).

۴- به نظر نمی رسد که ایران مشکلی با عراق یا ترکیه در مناطق مرزی داشته باشد. یک گزارش مطبوعاتی حاکی از آن است که ترکیه از دادن اجازه به مردم برای فرار به ترکیه از طریق سرو خودداری کرده است. خلخال، قاضی شرع، ادعا کرد که هفته گذشته نیروهای مسلح عراق در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی بانه به مواضع چریکهای کرد ایران حمله کرده و کردها را مجبور به عقب نشینی تا مرز ایران کرده اند.

خلخال پرونده شش عراقی اسیر شده را که همراه شورشیان کرد می جنگیدند، با احتیاط غیر معمولی بررسی می کند. هر چند دادگاه وی، آنها را به مرگ محکوم کرده است، لیکن آنها را به خاطر تجدید نظر در پرونده هایشان به تهران آورده اند.

۵- از تاریخ ۱۷ شهریور تنها دو کرد اعدام شده اند و احتمالاً این اعدامها ربطی به فعالیت شورشیان کرد نداشته است. با بازگشت خلخال به قم به نظر می رسد که از سرعت اعدامها تقریباً تا حد رکود کاسته شده است. احتمالاً این امر منعکس کننده موضع بخشاینده تر دولت موقت ایران نسبت به یک مغلوب است. معهداً سفارت در شگفت است که احیاناً احتیاط دولت موقت ایران ناشی از این حقیقت باشد که کردها تعداد نسبتاً زیادی (حدود ۸۰-۱۵۰) گروگان دولتی را در اختیار دارند. قضیه به هر صورت که باشد ما نیز تصور می کنیم که تاکنون سیاست اعدامهای دولت موقت ایران خسارت عمده ای بر قبایل کرد شدیداً وفادار وارد آورده است. دو نفر از جدیدترین اعدامیهای کرد از اعضای خانواده های سرشناس سنندج بودند. یکی به نام «بهرام کمانگر» که متهم به فعالیتهای آشوبگرانه و اشغال اراضی اطراف شهر با توسل به زور بود، و دیگری علیرضا سنندجی (معروف به ولی خان) متهم به داشتن روابط نزدیک با رژیم گذشته و قتل یک کشاورز و تجاوز به عنف نسبت به یک زن روستایی بود. صرف نظر از صحت این اتهامات به ویژه

احتمال دارد که این اعدامها، دو قبیله بسیار نیرومند کرد را بیش از پیش از یکدیگر جدا سازد.

۶- همان طور که قبلاً گزارش شد، مقامات دولت موقت ایران کماکان بر مقاصد خود مبنی بر کمک به مناطق کردنشین جهت جبران خسارتهای جنگ و توسعه اقتصادی تأکید می نمایند. معهدا، «شکیبا» استاندار کردستان که خود یک کرد است، به مطبوعات گفت که هر چند وی در ابتدا اطمینان داشت که اوضاع بهبود خواهد یافت لیکن دیگر اطمینانی نداشت. به نقل از وی گفته شد که «اوضاع در کردستان به سرعت رو به وخامت نهاده است». وی می افزاید که این اوضاع در نتیجه مجازاتهایی است که خلخالی در مورد شورشیان صادر می کند و همچنین در نتیجه اعمالی که پاسداران انقلاب و کمیته های مذهبی انجام می دهند.

۷- نظریه: واکنش خشن دولت نسبت به وضعیت کردها دو نتیجه داشته است: دولت موقت ایران کنترل بی چون و چرای خود را بر شهرهای عمده کردنشین و راههای ارتباطی تا مرزها، اعمال کرده است.

همچنین به نظر می رسد، شاید به طور موقت، هر گونه زمزمه خودمختاری در مناطق سنی نشین را سرکوب کرده باشد. بدیهی است که اطلاعات کافی در این مورد نداریم. ما نمی دانیم که شورشیان کرد تا چه حد قوی و متحد خواهند بود. ما گمان می کنیم که در آینده قابل پیش بینی حملات چریکی سطح پایینی توسط گروههای مختلف علیه نیروهای مسلح دولت موقت ادامه خواهد داشت.

هنوز خیلی زود است که بگوییم این جنگ به یک جنگ چریکی تمام عیار که از حمایت فعالانه مردم شهرها برخوردار است. یعنی جنگی که می تواند کنترل دولت موقت را بر شهرها و ارتباطات جدا مورد تهدید قرار دهد. تبدیل خواهد شد یا نه. لینگن

### **دولت عراق دستور بازگشت کردها به شمال را می دهد**

سند شماره (۴۰) از: دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد. تاریخ: ۲۷ سپتامبر ۷۹-۵ مهر ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. خیلی محرمانه رونوشت: سفارت آمریکا در تهران گزارشگر: ادوارد ال. پک شماره سند: ۲۰۴۵ موضوع: دولت عراق دستور بازگشت کردها به شمال را می دهد ۱- (طبقه بندی نشده) در ۲۹ شهریور، رئیس جمهور عراق، صدام حسین حکمی صادر کرد مبنی بر تجویز بازگشت کردهای بارزانی مستقر در مرکز و جنوب به مناطق شمالی خودمختار. فرمان متذکر می شود که تعدادی از کردها به خاطر «شرایط غیر عادی» که قبل از ابلاغ حکم خودمختاری در ۲۰ اسفند ۱۳۵۲ پیش آمد از منطقه حرکت کرده بودند.

۲- (خیلی محرمانه) حکم مزبور غالباً به عنوان اطلاعیه ای از جانب دولت عراق تلقی می شود، که او، برخلاف ایران، در حال حاضر هیچ ترسی از اقلیت کرد خود، علی الخصوص همان گروهی که در اوائل سالهای ۷۰ شورش ضد دولتی را رهبری می کرد، ندارد. نام «کردهای بارزانی» کم و بیش به هواداران حزب دمکرات کردستان تحت رهبری بارزانی اطلاق می شود، تنها حزب کردی که واقعاً پیروانی برای خود دارد. اما با عضویت در PPNF خود را قانونی نکرده است. بر طبق این حکم، حدود





۰۰۰/۱۰ نفر واجد شرایط هستند که به طرف شمال حرکت کنند، اما بدیهی است که آنها در عوض انتقال یافتن به دهکده های پیشین خود در کوهستانها، به قرارگاههای جدید دولتی واقع در کوهپایه های مناطق کردنشین برده خواهند شد. عملیات استقرار محدود توسط دولت عراق با دقت شدید زیر نظر خواهد بود و بنابراین نسبتاً آرام انجام خواهد گرفت. آنهایی که مایل به تغییر مکان هستند، باید اول تقاضایشان را برای انجام این کار ثبت کنند و سپس منتظر ابلاغ محل‌های مسکونی بمانند. در همین ضمن، دولت عراق به طور مداوم در حال تبلیغ در مورد تلاشهای دیگرش برای کردها از نظر تسهیلات و امکانات است. استخدامی می باشد.

۳- (خیلی محرمانه) نظریه: این حکم فقط یک ماه بعد از ابلاغ عفو عمومی صدام به کردها صادر می شود (تلگراف مرجع).

به نظر می رسد که این عمل برای بسیاری از عراقیها شگفت آور است. زیرا که بیانگر یک اعتماد به نفس در زمینه کنترل دولت عراق روی کردها می باشد که ممکن است به خصوص با توجه به اغتشاش موجود کردها در ایران قدری ناپخته باشد. حکم مزبور در اصل به نمایش گذاشتن آرامش کردهای عراق در همان حالی است که ایرانیان برای کنترل کردهایشان به سختی تلاش می کنند. با این همه به نظر می آید که دولت عراق از خطر سرایت جنگهای برون مرزی بداخل عراق کاملاً آگاهی دارد و بر طبق شایعات، سه کمپ برای جمع آوری پناهندگان کردی که از جنگ فرار می کنند، به وجود آورده است. ما تردیدی نداریم که ورود و خروج از کمپها شدیداً زیر نظر دولت عراق می باشد، اما بدون شک تردهای مرزی از هر دو طرف وجود دارد، که بدون کنترل ادامه می یابد. پک سند شماره (۴۱) از: سازمان خبر رادیوهای بیگانه - تل آویوتاریخ: ۱۲ اکتبر ۷۹ - ۱۰ مهر ۵۸ به: سازمان خبری رادیوهای بیگانه واشنگتن دی. سی. - صدای آمریکا. واشنگتن دی. سی. - مرکز انبار سازمان خبری واشنگتن - سازمان خبری در لندن - کاورشم - نیکوزیا - کادر گروه چهارم عملیات روانی در فوریت براگ - NPIC واشنگتن - ستاد مرکزی نیروی هوایی در رامشتین صدای ملی ایران از حقوق کردها دفاع و از منع فعالیت آنها انتقاد می نماید (مخفی) صدای ملی ایران به فارسی برای ایران ساعت ۳۰/۱۷ به وقت گرینویچ - ۹ مهر ۵۸ (تفسیر بدون ذکر مأخذ: «بیانیه لکه ننگ را از دامن تاریخ ایران پاک کنیم») بدون طبقه بندی متن هم میهنان عزیز: نیروهای ملی کشور از ادامه بی ثباتی در منطقه کردستان عمیقاً نگران می باشند.

دلایل به وجود آمدن این حوادث در این منطقه روشن می باشد و این مسئله چندین مرتبه مورد بحث قرار گرفته است. زیر شعار دروغین دفاع از اسلام، عوامل امپریالیسم و صهیونیسم سعی دارند به نیروهای حقیقی انقلاب و تقاضاهای مشروع و منصفانه مردم کرد برای به دست آوردن خودمختاری اداری و فرهنگی در چهار چوب تمامیت ارضی و وحدت ملی ایران ضربه وارد آورند.

مرگ زنان، بچه ها و پیران بی دفاع در کردستان پیش در آمدی برای نابودی آزادی در کشور می باشد،

گر چه امام خمینی تأکید دارند که انقلاب به خاطر نبود نمودن آزادی به وجود نیامد. این مطلب را باید برای همه روشن نمود که اعدام، کشتار، یادداشت، اخراج و بمباران راه مناسبی برای شفا دادن بیماریهای اجتماعی نمی باشد. در همین ضمن این مطلب باید درک گردد که در کشور ما خلقهای مظلوم و ستمدیده ای هستند که یکی از آنها مردم کردستان می باشند. در دوران حاکمیت سلسله پهلوی مردم کردستان همانند بقیه مردم ایران از حق انتخاب نهادهای قدرت محلی محروم بودند. مقامات اداری، استانداران و مدیران کل به وسیله شاه انتخاب می شدند و به وسیله مجلس، به وسیله درباریان، مزدوران امپریالیسم و استعمار انتخاب می شدند. مقامات نظامی و غیر نظامی، عوامل ساواک و خانها و سران مرتجع ایلهای کردستان این مردم ستمدیده را غارت می نمودند. در عوض پیشبرد حیات اقتصادی و فرهنگی و سیستم درمانی در کردستان، توپ و پلیس به منطقه کردستان فرستاده می شد. وقتی که طاقت مردم کرد به منتهای خود رسید و مردم کرد بر علیه این استبداد اعتراض نمودند، آنها را تحت شعار مبارزه با به اصطلاح راهزنها، خرابکاران و جدایی طلبان سرکوب نمودند. هویت فرهنگی و ملی مردم کرد مورد توهین قرار می گرفت. در نتیجه کردستان به یکی از مناطق عقب افتاده و ستمدیده کشورمان تبدیل شد و زندگی برای ساکنان این منطقه به صورت یک جهنم واقعی درآمد.

این مسئله روشن می باشد که مردم کردستان نقش با ارزشی در به وجود آمدن فرهنگ قدیمی ایران بازی کرده اند و آنها فداکاری فراوانی در مبارزه برای به دست آوردن استقلال و آزادی کشور نمودند.

تحت رهبری چهره های سیاسی چون صلاح الدین ایوبی، مردم کردستان بر علیه مهاجمان برای دفاع از استقلال و آزادی تمام خلقهای ایران و فرهنگهایشان به پا خواستند. آنها همچنین نقش مهمی در شکل گرفتن جنبش ملی و آزادیبخش کشورمان داشتند. مردم کردستان کلید آزادی و خوشبختیشان را در انقلاب می دیدند و آنها تحت رهبری امام خمینی همراه با بقیه خلقهای ایران بر علیه رژیم شاه مبارزه کرده و در این راه فداکاریهای بسیار نمودند.

پس از پیروزی انقلاب کردها همانند بقیه خلقهای تحت ستم ایران انتظار داشتند که در رژیم جدید جمهوری تمام (؟) ستمها و توهین (توهین) فقرها و عقب ماندگیها و محرومیتهای ملی از بین بروند و جاده آزادی و عدل هموار گردد. کردها ایران را به عنوان سرزمین اصلیشان نگاه می کنند و فکر جدایی کردستان از ایران را در مخیله شان هم راه نمی دهند. آنها تمایل دارند که آزادانه در خانواده صمیمی و برادرانه خلقهای ایران زندگی کنند و امور محلی را در محدوده تمامیت ارضی ایران متحد اداره نمایند. ۱۰ مهر

## مشکلات کردها

سند شماره (۴۲) از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۰ اکتبر ۷۹-۱۸ مهر ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. فوریطبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۰۸۴۷ موضوع: مشکلات کردها ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- طبق گزارشهای مطبوعاتی و رادیویی در جواب به کمینی که به پاسداران انقلاب وارد آمد (تلگرام مرجع)، چمران وزیر دفاع از طریق هوایی به کردستان رفت تا بر عملیات علیه شورشیان، نظارت کند. در

همین حال «شاگرد»، رئیس ستاد مشترک اعلام کرد که ارتش «برنامه‌های گسترده‌ای جهت مقابله با شورشیان کرد» تهیه کرده است و صباغیان، وزیر کشور به مطبوعات گفت دولت موقت ایران در نظر دارد.

پس از اینکه منطقه شناسایی شد، جنگ را از داخل شهرها به کوهستانها بکشاند.

۳- روشن شدن ماجرای کمین خیلی طول خواهد کشید:

طبق گزارش کمین روز یکشنبه ۱۵ مهر اتفاق افتاد. کمین هنگامی روی داد که پاسداران انقلاب بدون اطلاع فرمانده محلی ارتش و خلاف توصیه او از قرارگاه ژاندارمری نزدیک سردشت، به جانب بانه می رفتند، معلوم نیست که ۲۲، یا ۵۲ پاسدار در جریان این کمین کشته شده باشند.

۴- در تاریخ ۱۸ مهر مراسمی برای پاسداران کشته شده در سراسر ایران برگزار شد. در تهران بازار تعطیل شد و مراسمی در دانشگاه تهران بر پا گردید لیکن هیچ تظاهراتی در مقابل سفارت به وقوع نپیوست. (تظاهرات روز ۱۷ مهر طبق نوشته روزنامه جمهوری اسلامی از جانب جامعه دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران و سازمان دانشجویان مسلمان دانشگاه شریف ترتیب یافته بود). ۵- روزنامه «جمهوری اسلامی»، نشریه راستگرایان، امروز هم کماکان به حملات خود پیرامون دخالت آمریکا در جبهه کردستان ادامه داد و تصویری خونین از یک پاسدار انقلاب سوخته شده را در روزنامه درج کرده بود و زیر آن نوشته بود «حقوق بشر به سبک آمریکایی» (برای شرح جزئیات به تلگرام مرجع رجوع کنید). ۶- علاوه بر این، روزنامه فوق مطلبی را به نقل از رویتر از بیروت درج کرده بود که: طباطبائی معاون نخست وزیر اظهار داشت که دو هفته قبل شاه ۲۰۰ میلیون دلار از طریق زاهدی سفیر اسبق به منظور حمایت مالی در اختیار شورشیان کرد قرار داده است. نظریه: نظریات دولت موقت ایران تاکنون در مورد دخالت خارجیها نسبتاً مشخص نبوده است، لیکن بدیهی به نظر می رسد که آنها نسبت به همکاری عراق با اکراد و همچنین ارتباط «اسرائیلیها» با آنان مظنون هستند.

۷- روز چهارشنبه ۱۸ مهر به دنبال قرار قبلی با «پارساکیا» رئیس اداره چهارم وزارت امور خارجه، قائم مقام رایزن سیاسی نسخه‌ای از سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی را به وی نشان داد و نگرانی سفارت را نسبت به لحن گزارشهایی پیرامون دخالت آمریکا در کردستان بیان داشت. مأمور سفارت خاطرنشان ساخت که احتمالاً چنین گزارش بی اساسی موجب برگزاری تظاهرات کوچکی در تاریخ ۱۷ مهر در مقابل سفارت شده است. مأمور سفارت ادامه داد که روزنامه جمهوری اسلامی به هر حال نشریه حزب جمهوری اسلامی آیت الله بهشتی است. پارساکیا به مأمور سفارت اطمینان داد که دولت موقت ایران در چنین مطالبی دست ندارد و تاکنون هیچ یک از مقامات دولت موقت، دولت ایالات متحده را متهم به دخالت در کردستان نکرده اند. او به یاد آورد که در گزارشهای بعضی از مطبوعات نامی از ایالات متحده برده شده، لیکن اظهار داشت تنها اتهامی که دولت نسبت به دخالت قدرتهای خارجی وارد آورده، متوجه اسرئیل و عراق بوده است. «پارساکیا» گفت که دولت موقت ایران روزنامه‌های «آزاد» از قبیل جمهوری اسلامی را کنترل نمی کند، لیکن وی به نگرانی ما در این مورد پی برد. او گفت که نگرانی ما را به اطلاع یزدی، وزیر امور خارجه، که به تازگی به ایران بازگشته است، خواهد رساند. «پارساکیا» اظهار داشت که بعد از ظهر آن روز یزدی مصاحبه مطبوعاتی خواهد داشت، تا در مورد سفر خود در مورد سفر خود توضیحاتی بدهد. در حین صحبت، مأمور سفارت مکرراً در مورد احترام دولت ایالات متحده نسبت به



## وزیر دفاع و فرمانده نیروی زمینی ایران در کردستان زخمی شدند

سند شماره (۴۳) از: اداره وابسته دفاعی ایالات متحده در تهران تاریخ: ۱۵ اکتبر ۷۹-۲۳ مهر ۵۸ به: اداره اطلاعات دفاعی، واشنگتن، دی. سی. طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۰۹۴۸ موضوع: وزیر دفاع و فرمانده نیروی زمینی ایران در کردستان زخمی شدند ۱۶- خلاصه: (خیلی محرمانه) در حین ملاقات با افراد نیروهای مسلح ایران در صبح ۲۳ مهر ۵۸ این اطلاعات به منبع اطلاعاتی داده شد. مصطفی چمران وزیر دفاع و سرتیپ ولی الله فلاحتی فرمانده نیروی زمینی که در مأموریت بررسی اوضاع در کردستان بودند، توسط نارنجک دستی (نوعی وسیله انفجار) که به اتاق گردهمایی آنان پرتاب شده بود، مجروح شدند. گفته می شود هر دو نفر در بیمارستانی در کردستان بستری هستند.

نظریه تهیه کننده:

الف: (خیلی محرمانه) منبع کاملاً اطمینان دارد که این خبر حقیقت دارد. معهدا وی قادر به مشخص کردن محل حادثه و میزان جراحات وارده به افراد نبوده است.

ب: (خیلی محرمانه) دلیلی برای تردید در مورد صحت این اطلاعات نداریم. اگر فرض بر آن داریم که خبر درست باشد، نشانه اقدامات جدید و شدیدتر دولت موقت در کردستان خواهد بود.

هنگامی که دشمن شما در کشتن یا کوشش برای کشتن نمایندگان شما پافشاری می کند ارجاع به حکمیت (برای رفع اختلاف با این دشمن) کار مشکلی است.

## سوءظن ایران نسبت به دخالت ایالات متحده در کردستان

سند شماره (۴۴) از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۹ اکتبر ۷۹-۲۷ مهر ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. فوری.

شماره سند: ۱۱۰۵ طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: سوءظن ایران نسبت به دخالت ایالات متحده در کردستان ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- سوءظن ایرانیان نسبت به دخالت ایالات متحده در کردستان، در اینجا مشکل جدی و دنباله داری است. در ملاقاتهایی که هفته گذشته با انتظام و یزدی داشتیم، یزدی، وزیر خارجه، در اظهاراتش خطاب به مأمور سفارت مکرراً دخالت سازمان «سیا» را مورد تأکید قرارداد. در حالی که احتمالاً در کم کردن سوءظن آنها مقصداری پیش رفته ایم، رژیم با لحن مرددی سخن می گوید و در این مورد مقدار بسیار معتنا بهی شکاکیت باقی مانده که باید بر آن فائق آییم.

۳- علاوه بر این، مطبوعات از جمله روزنامه هایی که در نظر عامه وابسته به خمینی هستند و افرادی چون انتظام و یزدی علناً کنترلی بر آن ندارند، همه روزه حملات خود را، با اتهام دخالت در کردستان، علیه ما ادامه می دهند.



۴- انتظام به ما اظهار داشته است که اگر ایالات متحده در یک سطح عالی علناً این گزارشها را تکذیب نماید. او و دیگر مقامات دولتی که از خطرات ناشی از تداوم این مبارزه آگاهی دارند، اسباب بهتری برای مقابله با این مشکل خواهند داشت.

۵- ما می خواهیم که عکس العمل نشان دهیم. ما نمی خواهیم در موضع تلافی جویانه تنگی قرار بگیریم که برای اتهامات مسخره ای که از سوی مطبوعات و عناصر در دولت موقت ایران علیه ما به عمل می آید اعتباری قائل شویم، و هر بار که این اتهامات مطرح شد در مقام تکذیب آنها برآییم. ما همچنین اذعان داریم تا زمانی که دولت همچنان درگیر مسئله کردستان است، بهانه مذبحخانه مناسبی برای مطبوعات و بسیاری از چهره های سیاسی ایران خواهیم بود.

۶- با وجود این، ما گمان می کنیم زمان آن فرا رسیده است که ما با یک تأکید مجدد استوار بر موضعمان در این مورد، در وسایل ارتباط جمعی ظاهر شویم. بنابراین از وزارتخانه تقاضا می کنیم در آینده نزدیک فرصتی برای یک مقام ارشد تصمیم گیرنده بیابد تا حمایت ما را از تمامیت ارضی و استقلال ایران مجدداً اعلام داشته و در این رابطه تأکید ورزد که اتهامات دخالت ما در کردستان کلاً بی اساس است. با چنان بیانیه ای که از جانب یک مقام عالیرتبه در مطبوعات صادر می شود، موضع خود ما در تهران در رابطه با چنین اتهاماتی که آنها مطرح می کنند، شدیداً تقویت خواهد شد. لینکن

## مشکلات کردها

سند شماره (۴۵) از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۲۲ اکتبر ۷۹-۳۰ مهر ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. فوری طبقه بندی: سری شماره سند: ۱۱۱۷۹ موضوع: مشکلات کردها ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- از ۲۴ مهر جنگ در مناطق کردنشین و شدیدترین آن در مهاباد ادامه داشته است. طبق نوشته روزنامه های تهران در تاریخ ۱۲ مهر، جنگ شدیدی به ویژه در مهاباد روی داد که طی آن یک تانک در داخل خود شهر منهدم شد. از قرار معلوم مقداری جنگ خانه به خانه در آنجا ادامه دارد و شاید ۷۷ نفر کشته شده اند. زدوخوردهای پراکنده گزارش شده همچنان در سراسر مناطق کردنشین در بوکان، مریوان، سقز و بانه ادامه دارد. در تاریخ ۲۸ مهر تظاهرات و انفجارهای بمب در سنندج به وقوع پیوست.

۳- واکنش دولت موقت ایران نسبت به جنگ گسترده، فوق العاده بی نظم و سازمان نیافته بوده است.

شکیبا، استاندار استان کردستان در تاریخ ۲۸ مهر به نشریه تهران تایمز گفت که در استان او نقض کامل قوانین و انتظامات حکمفرماست. او گفت پاسداران در سنندج، دستوری از شورای انقلاب دریافت داشته اند مبنی بر اینکه در اداره تظاهرات سنندج دخالت ننمایند و بنابراین آنها کاملاً عقب نشستند. پلیس و ژاندارمری محلی به علت خطرناک بودن اوضاع از مداخله خودداری ورزیدند و طبق گفته فرماندار، به دنبال یک اعتصاب عمومی شهر به حالت تعطیل درآمد.

۴- از قرار معلوم چمران، وزیر دفاع، هفته گذشته به منظور تلاش برای تحت کنترل در آوردن اوضاع به کردستان رفت. مقامات سفارت شایعاتی مبنی بر مجروح شدن وی و سرتیپ فلاحی را در جملات مختلف



شنیده اند. معهدا، در تاریخ ۲۸ مهر فرمانده ستاد فلاحی و ابوشریف، فرمانده سپاه پاسداران در مراسم فارغ التحصیلی مدرسه نظام در تهران حضور داشتند، لیکن ما هنوز چمران را ندیده ایم.

پاسداران انقلاب که قسمت عمده جنگ در کردستان را اداره می کنند، به نظر نمی رسد که در مقابل تاکتیک حمله و گریز شورشیان کرد خیلی خوب عمل کنند. در حالی که گزارشهایی وجود دارد مبنی بر اینکه هلیکوپترها و هواپیماهای ارتش در عملیات تدافعی در مهاباد شرکت می کنند ولی هنوز به طور جدی درگیر جنگ نشده است. فرمانده ارتش مهاباد به روزنامه تهران تایمز گفت که ارتش تا کنون فقط در یک درگیری در کوههای مهاباد درگیر بوده است، درگیری زمانی روی داد که به سوی آنان آتش گشوده شد و ایشان آن را پاسخ گفتند. طبق یک گزارش موثق افسران یک گردان زرهی که از دستور چمران جهت شرکت در جنگ سرباز زده بودند، در دادگاه انقلاب تحت محاکمه هستند (ما قادر به تأیید این گزارش نبوده ایم).

۵- به نظر نمی رسد در تلاشهای دولت موقت ایران جهت مذاکره با شورشیان به مراتب پیشرفتی حاصل شده باشد و افزایش سریع نمایندگان که از جانب خمینی، بازرگان و دیگران اعزام شده اند انبوهی از گزارشهای متضاد را به وجود می آورد. فروهر، وزیر مشاور و زیبا کلام نماینده بازرگان در تاریخ ۱۹ اکتبر به تهران بازگشتند و به هیئت دولت گزارش داده اند. بر اساس گزارشهای مطبوعات، در حالی که فروهر با رهبران محلی کردها ملاقات کرده است. تماسی با حسینی و یا قاسملو نداشته است. از طرف دیگر، روز پنجشنبه ۱۰ مهر، روزنامه تهران تایمز چنین نقل کرد که مهدی بهادران نماینده شخصی خمینی که مدت یک ماه در کردستان بوده است به خمینی گزارش داده که مسائل کردستان ناشی از توطئه ای است که به وسیله روحانی نمایان ساواکی ضد کرد، فرماندهان محلی نظامی و ژاندارمری و چمران وزیر دفاع می باشد. بعدها این داستان به وسیله دفتر بازرگان تکذیب شد و گفته شد که نه تنها گزارش «بهادران» دروغ بوده، بلکه خود وی نیز نماینده خمینی نبوده است.

۶- در تاریخ ۲۹ مهر بازرگان مذاکراتی با خمینی انجام داد و روزنامه تهران تایمز گمان بر آن دارد که وی پیشنهاد عفو حسینی و قاسملو را هم مانند دیگر رهبران حزب دموکرات کردستان، کرده است. معهدا، سفارت تردید دارد که خمینی که تا به امروز از معامله کردن با این دو رهبر خودداری نموده است، چنین پیشنهادی را بپذیرد.

در تاریخ ۲۹ مهر خمینی خطاب به کارمندان رادیو و تلویزیون گفت که وی بدلیل اینکه شورشیان با مردم بی گناه محلی مخلوط هستند، نمی خواهد که برای کردستان اعلام جنگ تمام عیار بکند. او به اکراد خطاب کرد که شورشیان ضد انقلابی را از خود جدا سازند و اخطار کرد که نقشه ای در جریان است که به وسیله «مردمی که منافعشان به سبب انقلاب در خطر افتاده» اجرا می شود و می خواهند از راه جدا کردن کردستان، بلوچستان و خوزستان کشور را متلاشی کنند.

۷- در میان تمام اینها، نماینده دیگری از خمینی، شیخ حسن کرمانی، در ۲۹ مهر برای مذاکراتی با مأموران رسمی بغداد به طرف مرز عراق پرواز کرد. (گزارشهای مطبوعات ادعا کرده اند که هواپیماهایی احتمالاً هواپیماهای عراقی - به فضای ایران در کردستان تجاوز می کرده اند.) ۸- ایالات متحده همچنین در روزنامه جمهوری اسلامی متعلق به جناح راست، مورد حمله قرار می گیرد. این روزنامه در ۲۹ مهر مطلبی را در مورد کردستان که ادعا می کرد که مزدوران آمریکایی در



## دفتر اطلاعاتی دفاعی ایران: کردها مه‌آباد را می گیرند

سند شماره (۴۶) از: دفتر اطلاعات دفاعی واشنگتن، دی. سی. به: دفتر اطلاعات دفاعی طبقه بندی: خیلی محرمانه غیر قابل رویت برای خارجیان ۲۵۴۶ تاریخ: ۲۳ اکتبر ۷۹-۱ آبان ۵۸ شماره سند: ۵۰۵۹ موضوع: یادداشت اطلاعاتی دفاعی از طرف دفتر اطلاعاتی دفاعی ایران: کردها مه‌آباد را می گیرند ۱- (خیلی محرمانه - غیر قابل رویت برای خارجیان) در خلال اواخر هفته ۲۲ مهر، جنگ شدیدی در منطقه کردنشین از شمال غربی ایران، بین شورشیان کرد و نیروهای دولتی دوباره آغاز شد. از بیست و ششم تا به حال، شدیدترین جنگ، در پناهگاه سابق کردها در مه‌آباد، صورت گرفته است. کردها، حداقل به طور موقت، از تاکتیک چریکی حمله و گریز دست کشیده اند و نیروهای دولتی را مستقیماً در خیابانهای مه‌آباد به مبارزه می طلبند. از قرار معلوم کردها، بدنبال دو روز جنگ شدید که طی آن سه تانک را نابود و چهارمی را تصاحب کردند، ترتیبی دادند که نیروهای دولتی را در بیست و هشتم به سربازخانه هایشان برگردانند. در حال حاضر آنها اکثر شهر را تحت کنترل دارند. تعداد کشته ها و زخمیها محاسبه نشده است.

گزارش شده که شهر روز بیست و دوم نسبتاً آرام بوده و ظاهراً هر دو طرف مناطق خودشان را حفظ می کنند. شورشیان هیچ کوششی برای حمله به پادگانها نکرده اند، و نیروهای دولتی هیچ تلاشی جهت ترک سربازخانه ها انجام نداده اند.

۲- (خیلی محرمانه - غیر قابل رویت برای خارجیان) باید منتظر ماند و دید که آیا دولت آخرین درگیری را با اعزام دوباره نیروهای تقویتی نظامی به منطقه جواب خواهد داد، یا اینکه در پی حصول توافق از طریق مذاکره خواهد بود. دلایلی وجود دارد که بعضی از مقامات یک راه حل صلح آمیز را دوست دارند.

هم اکنون فروهر وزیر امور استانها به دنبال مذاکرات مقدماتی صلح با رهبران کردها، به تهران بازگشته است. همچنین، نقل می شود که آیت الله بهشتی، عضو عالیرتبه روحانیون، روز بیست و هشتم گفته است که این شورش باید از طرق سیاسی خاتمه یابد نه از راههای نظامی اما اینکه نمایندگان دولت باید با چه چیزهایی (پیشنهادهایی) اقدام به مذاکره نمایند، قابل سؤال است. تنها قولی که تا کنون فروهر علنی ساخته است، عفو اکراد به استثنای رهبران آنها شیخ حسینی و قاسملو می باشد. احتمالاً هر گونه تلاش جدی برای مذاکره در مورد برقراری صلح توسط آیت الله خمینی که به مصلحت اندیشی شهرت ندارد، خنثی خواهد شد. در گذشته وی نسبت به تقاضاهای خودمختاری اقلیتها سختگیری می کرد و اکنون انتظار نمی رود که حاضر به مصالحه باشد. احتمالاً کردها نیز به نوبه خود با پیروزیهایشان در مه‌آباد دلگرم شده اند و احتمالاً با سرسختی بیشتری به تلاش خود برای کسب خود مختاری ادامه خواهند داد.

گزارشگر: آدامز

گزارش سیاسی هفتگی

سند شماره (۴۷) از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۲۸ اکتبر ۷۹-۶ آبان ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه موضوع: گزارش سیاسی هفتگی ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- خلاصه: ناآرامی در مناطق کردنشین ادامه دارد و شهر مهاباد مرکز عملیات خشونت آمیز فزاینده بوده است. سطح زدوخورها منجر به آن شده است که چهار عضو کابینه دستور گرفته اند یک کمیسیون ویژه برای مذاکرات صلح تشکیل دهند. در خوزستان چندین حادثه پرتاب بمب گزارش داده شده است.

زدوخورده هفته گذشته در بندر انزلی در ساحل دریای خزر ظاهراً منجر به آرامش شده است و یک کمیسیون رسیدگی برای گزارش درباره اوضاع اعزام شده است. اسقف کلیسای انجیلی در اصفهان از طرف چند مهاجم ناشناس مورد حمله قرار گرفته است. در تهران، کابینه نشانه هایی از فشارهای داخلی بروز می دهد و وزیر بازرگانی دو نفر از همتاهاى خود را متهم کرده است که برای انتصاب یک نفر به معاونت خود که گویا سابقاً عضو ساواک بوده است، اعمال نفوذ می کنند. معاون وزارت بازرگانی از قرار میلیون با چهار میلیون دلار از پولهای وزارت بازرگانی فرار کرده است. (پایان خلاصه) ۳- ناآرامی در منطقه کردنشین ایران در هفته گذشته ادامه داشت و زدوخوردهای اصلی در اطراف مهاباد بوده است. هر چند گزارشهای رسیده چندان روشن نیست، ولی در پایان هفته گذشته مهاباد ظاهراً به طور کم و بیش رسمی در دست شورشیان گردیده است و شورشیان حزب دمکرات آزادانه در شهر رفت و آمد می کنند. فرمانده ایرانی ارتش در این منطقه به مطبوعات اظهار داشت که واحدهای ارتش و پاسداران انقلاب در مهاباد ناگزیرند به دستور حکومت موقت ایران در سربازخانه های خود باقی بمانند تا از قتل غیرنظامیان در مهاباد اجتناب شود. هنگامی که واحدهای حکومت موقت ایران می کوشند در شهر رفت و آمد کنند، ظاهراً در معرض تیراندازی واقع می شوند. حوادث پراکنده ای همچنان در سراسر منطقه کردنشین روی می دهد و پاسداران انقلاب آماج اصلی حملات کردها هستند. آخرین زدوخوردها از میوان و بانه گزارش شده است. مدارس در سراسر منطقه اکنون تعطیل است و کار و کسب و دادوستد ظاهراً هرگاه حادثه ای یا تظاهراتی صورت می گیرد، تعطیل می شود (همان طوری که در روز ۵ آبان در سقز اتفاق افتاد).

۴- بازرگان نخست وزیر و یک هیئت نمایندگی مرکب از پنج وزیر روز ۲۹ مهر برای بحث درباره پیشنهادهای صلح کردها از خمینی دیدن کرده اند. ولی هنوز نتیجه این بحثها اعلام نشده است. مسئله بخشودگی قاسملو رهبر حزب دمکرات کردستان و شیخ عزالدین حسینی رهبر مذهبی کردها یکی از موانعی به شمار می آید که مذاکرات را به بن بست کشانده است. حتی آیت الله خلخالی که به نام «قاضی دارزن» معروف شده است، ظاهراً در این کوششهای بی نتیجه به منظور برقراری مجدد صلح در منطقه دست داشته و آمادگی خود را برای تسلیم به عنوان گروگان نزد نیروهای حزب دمکرات کرد در ازای رهایی پاسداران انقلاب به اسارت گرفته شده از سوی شورشیان کرد ابراز داشته است. برای رسیدگی به مسئله کردها چهار وزیر منصوب شده اند که عبارتند از: هاشم صباغیان وزیر کشور، وزیر دفاع دکتر

مصطفی چمران، و وزیر برنامه و بودجه عزت الله سبحانی و داریوش فروهر وزیر مشاور. این چهار نفر روز ۵ آبان برای بحث درباره مسائل و نقشه های مربوط به ایجاد ستادی در سنندج با خمینی ملاقات کرده اند.

نام آیت الله شریعتمداری به عنوان یک میانجی احتمالی بین حکومت موقت ایران و شورشیان کرد همچنین به زبان آورده می شود. اظهار نظر: ما امیدواریم که موضع ملایمی که حکومت موقت تا به حال در مهاباد داشته حاکی از آن باشد که حکومت موقت ایران قصد دارد از طریق مذاکره برای حل و فصل مسئله کردها بکوشد.

۵- گزارشهای خرابکاری از استان خوزستان همچنان ادامه دارد. چنان که گزارش شده است روز ۲۵ مهر ۳ فقره انفجار در لوله های نفتی روی داده است، انفجار اولی در چهار کیلومتری اهواز روی داد که باعث آتش سوزی ناشی از ریزش گاز و نفت شد. ۲ انفجار دیگر در شاهراه اهواز و بندر خمینی بر روی خط لوله نفتی از چاههای سربسته که مدتی تعطیل شده است روی داد. روز ۲۶ مهر خرابکارانی که همراه دسته بدرقه کنندگان یک عروس و داماد در اهواز مسافرت می کردند، به طرف ستاد سابق فرماندار و یک اتوبوس که پارک کرده بود، بمبهایی پرتاب کردند. ولی تلفاتی از این دو حادثه انفجار گزارش نشده است.

روز ۲۹ مهر خرابکاران خط آهن اهواز اندیمشک را منفجر کرده اند که در نتیجه یک قطار مسافربری از خط خارج شد. از این حادثه نیز تلفاتی گزارش نشده، ولی خط آهن بسته شده است. حوادث پرتاب بمب دیگری در یک قطار باری و در یک نیروگاه برق در خرمشهر گزارش گردیده ولی ظاهراً آسیب زیادی از این حوادث ناشی نشده است. یک نیروگاه برق در آبادان همچنین ظرف هفته گذشته مورد حمله قرار گرفت. مدنی استاندار خوزستان که مدعی است ناآرامی در استان او از سوی یک کشور همسایه (عراق) به وجود می آید شخصا علاقه مند به برقراری آرامش در این منطقه است. حیثیت و اعتبار مدنی که یک کاندیدای بالقوه در انتخابات آینده برای ریاست جمهوری می باشد، اگر وی نشان بدهد که قادر نیست اوضاع امنیتی را در خوزستان تحت کنترل درآورده لطمه خواهد دید.

۶- مدنی همچنین در حل و فصل ناآرامیهای بندر انزلی (بندر پهلوی) دست داشته است، او برای شرکت در مذاکرات صلح به دنبال زدو خورد هفته گذشته بین ماهیگیران محلی و پاسداران انقلاب از این شهر ساحلی دریای خزر دیدن کرده بود. این زدو خورد که منجر به قتل ۱۴ نفر و مجروح شدن ۴۷ نفر طبق گزارش مطبوعات و (قتل ۲۳ نفر به گفته یک منبع نیروی دریایی) شده بود ظاهراً با کنار گذاردن پاسداران انقلاب از شهر و دادن حق بیشتری به ماهیگیران خاتمه یافته است. از سوی بازرگان نخست وزیر دستور داده شده است تا به این آشوب رسیدگی شود. فرماندار شهر انزلی، وزیر کشاورزی و رئیس شرکت شیلات ایران را متهم به آن کرده است که آشوبهای اخیر را آنها ایجاد کرده اند. رئیس شرکت شیلات نیز همان طوری که انتظار می رود همه تقصیرها را به گردن فرماندار انداخته است.

۷- تهران شاهد یک نوع جالبی از تغییر درباره مسئله کمبود مسکن دانشجویان بوده است. هتل بین المللی در خیابان شمیران قدیم و هتلهای سینا و امپریال و والدروف و رویال گاردن در خیابان ۱ لقانی، ۴ طالقانی و هتل سمیرامیس در نزدیکی سفارت از سوی دانشجویان دانشگاه برای استفاده به عنوان خوابگاه اشغال شده است. هر چند دادستان تهران، ژنرال شهشهبانی نسبت به این اشغال اعتراض کرده است، به احتمال قوی هر گونه کوششی برای اخراج این دانشجویان از طریق زور منجر به بروز

حوادث خشونت آمیز خواهد شد. از زمان انقلاب تاکنون تصرف داراییهای مشابه از سوی گروههای مختلف گزارش شده است و

ص: ۸۱۶

حکومت موقت ایران باید نهایت احتیاط را در مورد تقاضاهای مصادره از سوی گروه‌هایی که مدعی «انقلابی» بودن هستند و ترسهای کاملاً موجه صاحبان داراییها به خرج دهد.

۸- حسن دهقانی تفتی اسقف کلیسای انجیلی در خانه خودش در اصفهان روز ۶ آبان از سوی چند نفر ناشناس مورد حمله قرار گرفت. مهاجمین مسلح ۵ گلوله به طرف او شلیک کرده اند که یکی از آنها به دست همسر او اصابت کرد و مهاجمین پس از شلیک ۵ گلوله از صحنه فرار کرده اند. انگیزه های این حمله علیه اسقف که آسیبی ندیده همچنان مجهول است.

۹- یک جنجال بزرگ وزارت بازرگانی را تکان داده است. ابراهیم نیک خلق، معاون وزیر ظاهراً پس از اینکه در یک ماجرای اختلاس ۴ میلیون دلار که برای پرداخت حق الارض به یک کمپانی آمریکایی اختصاص یافته بود ابتدا پنهان شده و بعداً فرار کرده است. نیک خلق همچنین متهم به داشتن ارتباطاتی با ساواک و کوشش برای برقراری شبکه ای از عمال ساواک در وزارت بازرگانی می باشد. رضا صدر وزیر بازرگانی، علی محمد ایزدی وزیر کشاورزی و کاظم سامی، وزیر بهداشتی را متهم کرده است به اینکه آنها او را برای انتصاب نیک خلق به عنوان معاون وزیر تحت فشار قرار داده اند.

لینکن

### مسائل مربوط به کردها

سند شماره (۴۸) از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۳۱ اکتبر ۷۹-۹ آبان ۵۸ به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه شماره سند: ۱۵۱۳ موضوع: مسائل مربوط به کردها ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) ۲- پس از یک یا دو روز آتش بسی که به وسیله حکومت موقت ایران در مناطق کردنشین در ۶ یا ۷ آبان اعلام شد، از قرار معلوم در ۸ آبان بر هم خورده است، طبق نوشته روزنامه (انگلیسی زبان) تهران تایمز، حسینی رهبر مذهبی آتش بس را رد کرده و نیروهای حزب دمکرات کردستان به حملات خود علیه پاسداران انقلابی و ژاندارمری و پاسگاههای ژاندارمری ادامه می دهند. طبق نوشته تهران تایمز هم مهاباد و هم بوکان اکنون در دست شورشیان است و حزب دمکرات کردستان بسیاری از پاسگاههای ژاندارمری را در مرز ایران و عراق تصرف کرده است. (روزنامه های فارسی زبان درباره این زدوخوردها گزارشی نداده اند و روزنامه بامداد که صبحها منتشر می شود طی یک اطلاعیه ضد و نقیض متذکر شده است که حزب دمکرات کردستان از اعضای خود در مهاباد خواسته است تا از زد و خوردها به علت مذاکرات بین حزب دمکرات کردستان و دولت موقت ایران اجتناب کنند. بامداد همچنین نوشته است که روز ۸ آبان مهاباد آرام بود و مغازه ها باز بوده اند). در پاسخ حملات مداوم حزب دمکرات کردستان شاکر رئیس ستاد مشترک گفت که در حالی که ارتش رأساً دست به عملیات مسلحانه نخواهد زد، با تجاوز مسلحانه و عملیات تحریک آمیز متوجه نیروهای مسلح شدیداً مقابله خواهد شد. (ارتش در سراسر این مدت می کوشد از زدوخورد برکنار باشد هر چند ارتش نیز متحمل تلفات شده است و سفارت تصور می کند که

پیام شاکر بدین معنی است که همچنان به پیروی از این سیاست ادامه خواهد داد. ۳- منطقه کردنشین اکنون برای تظاهرات در تاریخ ۱۰ آبان آماده می شود. حزب دمکرات کردستان اعلام داشته است که عید قربان امسال عید شهدا نامگذاری خواهد شد و در اوراقی که در سراسر منطقه پخش شده از مردم کرد خواسته شده است، با تعداد زیادی در این تظاهرات شرکت کنند و علیه «رفتار حکومت» در سر و کار داشتن با مسائل کردها اعتراض کنند.

۴- از هیئت دولت که مسئول مذاکره با شورشیان و حل مسئله کردها است خبر کمی شنیده شده است.

به موجب گزارش مطبوعات تهران، حسینی نه تنها آتش بس را رد کرده است، بلکه همچنین خواسته های بسیار شدیدی به مذاکره کنندگان ارائه داده است. لاقلاً یکی از خواسته ها ظاهراً این است که پاسداران انقلابی از این منطقه عقب نشینی کنند.

لینکن

**فهرست اعلام**

ص: ۸۱۸







آ - الف آبادان / ۵۶، ۵۸، ۶۴، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۴۷، ۳۲۲، ۳۸۵، ۴۴۱، آبامونته / ۶۹۱ آبتین / ۳۵۱ آتاتورک، کمال / ۷۴۶، ۷۸۰  
آدامز / ۸۱۴ آذربایجان / ۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۲۳، ۲۶۵، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۸۶،  
۳۸۷، ۴۷۳، ۴۷۹ آذربایجان شرقی / ۲۲۶، ۳۵۴، ۳۸۷، ۴۵۲، ۴۷۶ آذربایجان غربی / ۷۱۸، ۷۳۹، ۷۶۱، ۷۷۳، ۷۸۶، ۷۸۸، ۷۸۹،  
۷۹۰، ۷۹۱، ۸۰۶ آذر (دکتر) / ۳۶۰ آذری، علی / ۱۵۹ آذری قمی، احمد (آیت الله) / ۳۴ آرام / ۴۰۰ آرچارد / ۶۱۶، ۶۲۷  
آرمیتاز، جان ا. / ۱۳، ۱۴ آریانا، منوچهر / ۳۳۲، ۳۸۷، ۶۶۲، ۶۹۰، ۶۹۲ آزرمی، احمد / ۴۵۳ آزموده / ۲۳۷ آزمون، منوچهر /  
۲۱۹، ۲۵۰ آژانس روابط بین الملل در واشنگتن / ۴۶۳ آسیای جنوبی / ۲۶۵، ۲۷۳، ۳۲۲، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۶، ۳۸۷، ۴۶۷،  
۶۱۴، ۶۱۶، ۶۸۶ آسیای مرکزی / ۴۸۳، ۵۴۵، ۵۸۸، ۶۲۱، ۶۳۸، ۶۷۰ آصف خان، صدر محمد / ۶۵۴ آصفی، همایون / ۵۳۵،  
۵۳۶، ۵۴۲ آفریقا / ۵۱۶ آفریقای جنوبی / ۴۶۸ آقا اسماعیل (سیمیتقو) / ۷۳۵ آقا شاهی / ۵۶۸، ۶۱۳، ۶۲۹، ۶۶۶، ۶۸۸ آقایان،  
شاهین / ۱۶۵ آگروسمن / ۶۱ آل احمد / ۱۵۶ آلمان / ۱۵۵، ۱۷۳، ۴۳۸، ۵۰۱، ۶۶۵، ۶۹۳، ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۱۸ آلمان شرقی /  
۱۸۱، ۱۹۱، ۳۲۶، ۴۸۹، ۴۹۱، ۵۲۳، ۵۵۷، ۵۶۹، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۲۷، ۶۵۶، ۶۸۴، ۶۸۵، ۷۲۶ آلمان غربی / ۱۴۰، ۱۹۱، ۳۴۵، ۵۱۶،  
۵۲۳، ۶۷۱، ۶۹۴ آلمان فدرال / ۱۷۱، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۳۱ آلیتالیا (شرکت هواپیمایی ایتالیا) / ۳۷۱ آمریکای شمالی / ۷۳۴  
آمریکای لاتین / ۱۳۷، ۱۸۳ آمستردام / ۷۹۶ آمستوتز، جی. پورسی / ۵۲۵، ۵۳۱، ۵۴۸، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۹،  
۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۷، ۵۹۵، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۷، ۶۱۴، ۶۲۳



ارییل / ۷۴۴ اردلان، علی / ۲۳۸ اردن / ۶۹۸، ۷۶۰ افرانس (شرکت هواپیمایی فرانسه) / ۳۷۱، ۳۸۲، ۳۹۵ ارلانگر، استیو / ۲۷۳  
ارمنستان / ۷۷۹، ۷۵۳، ۷۷۹ اروپا / ۷۱، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۶۸، ۱۹۲، ۲۲۲، ۲۹۲، ۴۵۹، ۵۳۵، ۷۲۰، ۷۲۲، ۷۵۴، ۷۹۶ اروپای شرقی / ۱۶۸،  
۵۴۴، ۵۵۱، ۵۷۲، ۶۵۵، ۶۶۰، ۶۸۷ اروپای غربی / ۷۱۸، ۷۳۴ ارومیه (رضائیه سابق) / ۷۲۳، ۷۵۸، ۷۷۶، ۷۸۹، ۷۹۰، ۸۰۰  
ازبکستان / ۶۱۱ ازهراری، غلامرضا (تیمسار) / ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۹، ۲۸۱ / ۲۸۸، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۶، ۳۱۹، ۳۲۰،  
۳۲۱، ۳۵۸، ۴۰۰ اسپانیا / ۱۳۹ اسپایزر / ۶۱۵، ۶۷۳ اسپهیدی / ۴۰۸ اسپیرز / ۶۸۴ استادیوم امجدیه / ۳۹۰ استافر، استفانی. س /  
۱۷۹ استالین، ژوزف / ۱۶۹، ۵۰۱، ۶۵۲، ۶۵۴ استانبول / ۷۳۰ استان بیتلیس / ۷۵۶ استان حکاری / ۷۴۹ استان خراسان / ۷۳۰  
استان سیستان و بلوچستان / ۷۳۰ استان غزنی / ۶۸۰ استان فارس / ۲۳۱ استان فراه / ۷۰۷ استان کابل / ۶۸۰ استان کرکوک /  
۷۳۷ استان نگرهار / ۶۸۰ استان نیمروز / ۶۸۰ استمیل، جان دی. / ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۶،  
۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۷، ۱۶۴، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۲۵، ۲۳۱، ۲۳۲،  
۲۳۵، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۳، ۲۸۳، ۲۸۹، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۲۴، ۳۳۴، ۳۴۵، ۳۵۲، ۳۶۵، ۳۶۶،  
۳۷۲، ۳۷۸، ۳۹۵، ۴۱۰، ۴۱۵، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۴۰، ۴۵۰، ۴۵۵ استور، آی. آر. / ۱۵۲ استون، پل / ۱۷۱، ۵۴۶، ۵۴۸ استیوتسن، جون  
اچ. / ۶۵ استیونسون (سناتور) / ۲۵۹ حافظ اسد / ۷۴۹ اسدی (دکتر) / ۴۴۹ اسرائیل / ۱۲، ۱۹۶، ۲۴۲، ۲۵۸، ۳۰۵، ۳۲۲، ۳۶۲،  
۳۸۸، ۶۹۸، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۴۵، ۷۵۷، ۷۶۰، ۸۱۰ اسعد / ۷۹۲ اسفندیار (دکتر) / ۷۶۳، ۷۶۴ اسقاوی / ۲۸۳ اسکات،  
ویلیام (سناتور) / ۵۰۳ اسکندری، ایرج (دکتر) / ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰ اسکندری، سلیمان میرزا (محسن) /  
۱۵۵ اسکودرو، پرت / ۳۲، ۹۳، ۳۲۷، ۳۴۲، ۳۵۳، ۳۷۵ اسلام آباد / ۴۹۹، ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۳۵، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۵۹، ۵۶۸، ۵۷۲، ۵۹۳،  
۵۹۹، ۶۱۶، ۶۲۹، ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۴۷، ۶۵۴، ۶۵۶، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۷۲، ۶۷۹، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۹۱، ۶۹۳، ۶۹۶، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۳

۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷ اسلام قلعه (جاده مشهد به هرات) / ۵۰۵ اسلام، محمد (سرهنګ دوم) / ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۳۹، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۴۹،  
 ۶۵۱، ۶۷۴، ۷۰۵ اسلامی نیا، هدایت / ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۴۰،  
 ۳۳۳، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۴۳۰، ۴۳۱ اسلو / ۴۷۲ اسماتی، رای / ۵۱۲ اسماعیل (رئیس جمهور یمن جنوبی) / ۵۳۴ اسنور،  
 ۴۳۷ اشراقی، شهاب الدین / ۵۸، ۴۰۷، ۴۵۲ اشرفی، جهانگیر / ۸۴ اصفهان / ۲۹، ۳۰، ۵۶، ۶۴، ۶۵، ۶۸، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۲۵، ۱۳۹،  
 ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۶۳، ۱۸۴، ۲۰۲، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۴۴، ۲۶۵، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۹۹، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۲۲، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۷۶، ۳۷۷،  
 ۳۸۵، ۳۸۸، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۶۷ اصفهانی / ۲۶۹ اطریش / ۲۲۰، ۳۲۶ اعتصام / ۴۳۳ اعتمادزاده، محمد / ۳۷۳ اعتمادی، نوراحمد /  
 ۴۹۱، ۵۴۸، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۷، ۶۹۲، ۷۰۶ افراسیابی انوشیروان (دکتر) / ۳۵۸ افشائی، عزت / ۷۱۸ افشارطوس (ژنرال)  
 / ۹۰، ۹۴، ۳۱۳ افضل، میان محمد (سرتیپ) / ۷۰۰ افغانستان / ۱۵۴، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۲۳۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۴۶۸، ۴۸۳، ۴۸۴،  
 ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶،  
 ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹،  
 ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰،  
 ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱،  
 ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲،  
 ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶،  
 ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸،  
 ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳،  
 ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵،  
 ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷،  
 ۷۰۸ اقبال، خسرو / ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۴۵، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۳۹، ۳۶۸ اقبال، محمد / ۵۰۶ اقبال، منصور / ۳۵۱ اقبال، منوچهر / ۱۶، ۸۱، ۸۵،  
 ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۴۵، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۴۱ اقیانوس آرام / ۶۱۰، ۷۰۱، ۷۰۳ اقیانوس هند / ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۹۵، ۶۳۳ اکبری،  
 محمد علی / ۸۴ اکرم، مسعود / ۶۲۶ اکسوس / ۶۵۸



۶۵۵، ۶۵۶، ۵۶۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴،  
 ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۹۴، ۷۰۰، ۷۰۳، ۷۰۶، ۷۰۶ امینی، علی (دکتر) / ۸، ۹، ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۸۳، ۸۴، ۸۵،  
 ۸۶، ۸۷، ۱۲۳، ۲۱۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۵۳، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶،  
 ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۰۰، ۳۰۷، ۳۱۱، ۳۱۸، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۶۰، ۳۷۴، ۳۷۶، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۶۱، ۴۶۲،  
 انتشارات فرانکلین / ۴۷، ۳۵۸ انتشارات مرز نو / ۳۵۸ انتشارات مرز نو / عبدالله / ۲۷۸، ۳۴۶ انتشارات، محمدحسین (دکتر) / ۲۷۸ انتشارات،  
 نصرالله / ۴۳۲ انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغانی در هند / ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵ انجمن ایران و آمریکا / ۳۹، ۴۴، ۴۹،  
 ۵۲، ۱۳۸ / ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۸۳، ۲۳۱، ۴۶۳، ۴۶۴ انجمن حقوقدانان آزاد ایرانی / ۲۸ انجمن دانشجویان کرد در اروپا / ۷۹۵،  
 ۷۹۶ انجمن شهر تهران / ۴۳۸ انجمن مبارزه با بی سوادی / ۱۵۷ انداز، خدای دوست (سرگرد) / ۷۰۵ اندی / ۵۸ اندیمشک /  
 ۸۱۶ انستیتوی ارتباطات ایران / ۴۴۹ انصاری، مصطفی / ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۵ انصاری، هوشنگ / ۲۴، ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۳۳ انقلاب  
 اکتبر / ۵۳۴ انقلاب ۷ ثور / ۴۹۱، ۶۵۰ انقلاب نیکاراگوئه / ۴۹۳ انقلابیون ظفار / ۵۳۵ انگلس / ۱۵۵ انگلستان / ۱، ۵۱، ۶۶،  
 ۷۲، ۷۳، ۹۲، ۹۳، ۲۸۰، ۳۰۹، ۵۰۱، ۶۰۷، ۶۱۳، ۶۴۳، ۶۴۹، ۷۱۲، ۷۳۵ انگلیس / ۱۷، ۶۶، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۹، ۸۰، ۸۷، ۸۹، ۹۰،  
 ۱۰۰، ۱۲۲، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۵۷، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۳، ۲۹۵، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۴۵، ۳۵۸، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۹۴،  
 ۴۱۷، ۴۴۴ اوپک / ۲۷۷، ۳۱۱ اورت (رسانه گروهی شوروی) / ۱۷۴ اورت، کنعان / ۷۴۷ اوزادچی، ویلیور جی. / ۶۷۷، ۶۷۸،  
 اوغلو، قره عثمان / ۶۷۲، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۷، ۶۸۷، ۶۸۷، ۶۸۷، ۶۸۷، ۶۸۷، ۶۸۷، ۶۸۷، ۶۸۷، ۶۸۷، ۶۸۷، ۶۸۷، ۶۸۷، ۶۸۷،  
 ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۳۱۷، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۶۴، ۳۷۲، ۳۷۳، ۴۶۲، ۸۱۶ ایالت پکتیا / ۶۲۶ ایالت غزنی / ۶۵۵ ایتالیا / ۱۴۰، ۲۴۵،  
 ۳۷۱، ۴۹۷، ۶۰۸ ایروان / ۷۵۳ ایزدی / ۸۱۷ ایزوستیا / ۳۸۸ ایسکیت / ۱۷ ایلام / ۷۷۳ ایلخان قشقای، ناصرخان / ۳۱۲، ۳۱۳  
 ایل دره شویی / ۲۲۹ ایلرز، بیل (خسرو) / ۳۱۵ ایل کاشفی / ۲۲۹ ایمانی، علی / ۴۳۷، ۴۳۸ اینان، کامران / ۷۴۷، ۷۵۶





۷۲۵، ۷۷۲، ۷۸۶ بختیار، عباسقلی / ۳۴۱ براهنی، رضا / ۱۴۸، ۲۴۱ برزین، امیر مسعود / ۳۸۳ برژنف، لئونید / ۱۷۱، ۱۷۲، ۴۸۶،  
 ۵۳۴، ۵۵۰، ۵۵۵، ۶۱۰، ۶۲۴، ۶۳۲، ۶۴۶، ۶۵۶، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۸۱، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۶ برژینسکی، زیگنیو / ۶۱۴ برک زوی،  
 محمد جمعه (مهندس) / ۵۴۰ برکوتیز، مارتین / ۳۶۴ برلیان، ۴، ۸ برلین شرقی، ۵۷۸، ۶۲۷ برلین غربی، ۷۹۵، ۷۹۶ بروجردی،  
 ۲۱۸ بروکسل، ۲۳۱، ۲۳۶ برومند، رشید / ۲۳۱ برونر، جان / ۱ بریتانیا، ۸، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۸۰، ۹۰، ۲۴۳، ۳۰۷، ۳۱۳، ۳۷۱، ۳۸۷،  
 ۶۰۷، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۸۶، ۷۱۲، ۷۳۵، ۷۸۲ بریتیش ایرویز، ۳۷۱ بزرگ علوی، ۱۰، ۱۶۱ بزرگ نژاد، حمزه / ۸۴، ۸۵ بشیر (دکتر)  
 / ۶۹۲ بغداد، ۸۰، ۱۱۶، ۱۱۸، ۲۹۳، ۵۳۵، ۶۹۸، ۷۱۲، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۲، ۷۲۴، ۷۳۱، ۷۳۹، ۷۴۲، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۵۱، ۷۵۵،  
 ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۸۰۱، ۸۰۴، ۸۰۷، ۸۱۳ بقای، مظفر (دکتر) /  
 ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰،  
 ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۲۲۴ بکتاش، خالد / ۷۴۹ بکر، هانسن / ۷۶۱ بگرام / ۶۰۱، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۵۸، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۵، ۶۷۶،  
 ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۷، ۷۰۷، ۷۰۸ بلاد / ۶۸۵، ۶۸۷، ۶۸۸ بلخی، علی آقا (پرفسور) / ۵۶۲ بلژیک / ۱۴۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۹۵،  
 ۵۰۰ بلغارستان / ۱۰، ۵۹۸، ۶۰۵، ۶۴۹ بلندبهای جولان / ۷۳۹ بلوار پهلوی / ۲۴۳، ۳۹۶ بلوچستان / ۷۴، ۷۸۸، ۷۹۲ بلود / ۶۸۱  
 بن / ۶۹۳، ۶۹۵، ۶۹۶ بندر انزلی (بندر پهلوی) / ۳۸۳، ۸۱۵، ۸۱۶ بندرعباس، ۷۷۵ بنگاه سخن پراکنی بی. بی. سی / ۲۱۲،  
 ۲۴۳، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۷۶، ۲۸۰، ۲۸۱، ۳۴۳، ۴۳۷، ۴۴۱، ۴۷۲، ۵۵۸، ۵۸۵، ۵۸۶، ۶۰۷، ۷۷۶ بنی احمد / ۲۱۴، ۲۹۶،  
 ۳۴۹، ۴۰۷ بنیاد پهلوی / ۴۷، ۲۰۹، ۲۷۴، ۲۷۹، ۳۹۹، ۴۶۴ بنیاد رضا پهلوی / ۲۱۱ بنیاد مستضعفین / ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱ بنیان  
 گذاران شرکت تعاونی آناهیتا / ۱۶۳ بنی صدر، ابوالحسن / ۲۰، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۹۱، ۴۲۷، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۷۱۵ بوتو /  
 ۵۰۲، ۵۰۴ بوستون / ۲۱۷ بوکان / ۸۱۲، ۸۱۷ بولستر، آرچی م. / ۳، ۶، ۹، ۳۶، ۳۸، ۴۹، ۹۳، ۱۶۴ بولگانین / ۶۳۹ بولیستر،  
 آرچی ام / ۹ هواری بومدین / ۱۲۸ بهادران، مهدی / ۸۱۳ بهبهان / ۱۱۴

بهبهانی / ۸۳ بهبهانیان / ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۸ بهرامیان / ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۹ بهروز، جهانگیر / ۱۶۵ بهشت زهرا / ۳۲۹،  
 ۳۹۲، ۳۹۶، ۴۱۰، ۴۱۱ بهشتی، سیدمحمدحسین (دکتر) / ۱۲۹، ۱۷۶، ۳۱۹، ۳۳۴، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۶، ۴۰۴، ۴۶۷، ۴۷۱، ۸۱۰، ۸۱۴  
 بهنام، علی اصغر / ۹ بیات، حسن خان / ۳۳۴ بیات، زهرا / ۱۶۹ بیجار / ۷۸۹ بیرجند / ۷۳۰ بیروت / ۱۴۵، ۳۸۴، ۸۱۰ بیگ، ولی  
 / ۶۵۴ بیل، جیمز (پرفسور) / ۴۲۴، ۴۳۲ بیمارستان شوروی / ۱۶۳ بیمارستان ملکه مادر / ۲۶ پ پاترسون / ۴۰۸ پاتواکانیان، م.  
 (دکتر) / ۱۶۳ پادگان زرهی پل چارکی / ۶۷۱، ۶۷۶ پاراچینار (ناحیه قبیله نشین) / ۷۰۲ پارسونز، جوردن / ۲۵۵، ۳۶۴ پارک  
 فرح / ۲۱۴ پاریس / ۵۳، ۶۲، ۷۹، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۴۵، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۹۷، ۲۰۵، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۳۹،  
 ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۰۱، ۳۱۱، ۳۲۲،  
 ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۵۲، ۳۶۰، ۳۶۷، ۳۷۴، ۳۷۷، ۳۸۳، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۱۲، ۴۲۸، ۴۵۳، ۴۵۹، ۴۷۱، ۵۳۶،  
 ۷۱۸، ۷۲۳، ۷۵۸ پاکدامن، ناصر (دکتر) / ۳۴۹، ۳۵۰ پاکروان، حسن (تیمسار) / ۶ پاکستان / ۷۷، ۳۲۷، ۴۸۳، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۹۳،  
 ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۲۱، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۳، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۴۱،  
 ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۱، ۵۵۵، ۵۵۷، ۵۵۹، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۰، ۵۷۳، ۵۷۶، ۵۷۹، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۰۸،  
 ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۸،  
 ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۵۴، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۷۲، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۷، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳  
 پالات، مانکاکان / ۱۶۳ پالایشگاه آبادان / ۵۶، ۳۲۲، ۳۲۳ پالایشگاه تهران / ۲۷۶، ۳۸۱ پالمیر / ۸۰۰ پالیزبان، عزیزالله (سپهبد)  
 / ۷۱۴، ۷۴۲، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۹۰، ۷۹۱ پان آمریکن (شرکت هواپیمایی امریکا) / ۲۹۹، ۳۷۱، ۳۷۷، ۴۶۶ پاولویسکی، ایوان  
 جی. (ژنرال) / ۶۳۶، ۶۳۷، ۷۰۱ پایدار، مصطفی / ۲۷۸، ۳۱۹ پایگاه زرهی پل چرخ / ۶۵۱ پایگاه هوایی باگرام / ۴۸۸، ۶۰۱،  
 ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۵۸، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۸۲، ۶۸۷، ۷۰۷ پایگاه هوایی بندرعباس / ۳۸۳ پایگاه هوایی شینداد / ۷۰۷ پتروف /  
 ۶۳۱ پراگ / ۷۲۳، ۷۵۸ پرت، گریگوری / ۳۱۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۳، ۳۵۷، ۳۶۵، ۳۶۸، ۳۸۴، ۳۹۷، ۴۰۸، ۴۱۶

پرسی (سناتور) / ۲۵۹ پرشت، دلیو گریگوری / ۱۰۸، ۱۳۰، ۲۳۲، ۳۱۵، ۳۱۶، ۴۳۲، ۴۶۳، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۹ پرشت، هنری /  
۱۰۸، ۱۳۰، ۴۶۳، ۴۶۶، ۴۶۷ پرون، ارنست / ۷۶ پریش، ام.آر. / ۷۰ پزشکیپور، محسن / ۷، ۲۷، ۲۸، ۱۷۷، ۲۱۹، ۳۰۹، ۳۱۶،  
۳۲۰ پزیک / ۶۶۴ پژوهشکده تحقیقات و مطالعات اجتماعی / ۴۴۳ پشتونستان / ۴۹۹، ۵۰۴، ۵۰۹، ۶۴۹ پتردیس درن، هانس /  
۵۲۲ پغمان / ۵۰۹ پک، ادوارد.ال. / ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۷، ۸۰۸ پکتیا / ۵۳۴، ۵۳۷، ۵۶۴، ۶۲۰، ۶۲۶، ۶۸۶، ۷۰۲، ۷۰۳ پکن / ۵۰۴،  
۶۴۲ پلاستیک، جی. ای. / ۶۹۱، ۶۹۳ پلاکه / ۶۷۸ پل چرخي / ۵۵۲، ۷۰۴ پلیس مخفی افغانستان (کام) / ۶۷۰ پناهندگان  
سازمان ملل / ۶۳۵ پنجشیری، غلام دستگیر / ۵۱۰، ۵۴۰، ۵۸۰، ۶۵۱، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۷ پورقادی اصفهانی، حاج احمد / ۲۶۸  
پوزانف، الکساندر م. / ۵۵۰، ۵۵۹، ۵۷۷، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۶۵۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۶، ۶۸۷ پهلوی،  
اشرف / ۱۹۸، ۲۲۷، ۲۳۶، ۲۷۹، ۳۱۵ پهلوی، شمس / ۸۱ پهلوی، غلامرضا / ۷۴ پهلوی، فاطمه / ۱۹۲ پهلوی، فرح / ۱۰۸، ۲۱۲،  
۲۴۱، ۳۰۴، ۳۱۰، ۳۱۵ پهلوی، محمدرضا / ۷۱۲، ۷۱۶ پیام امروز / ۵۱۰ پتر / ۴۳۱ پیراچا، رضا / ۷۰۳ پیراچه، ریاض / ۶۸۷،  
۶۸۸، ۶۸۹ پیراسته، مهدی / ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۹۵، ۳۳۱، ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۸۹ پیرانشهر / ۷۶۳، ۷۸۹، ۸۰۱، ۸۰۶ پیروز، صالح  
محمد (مهندس) / ۵۴۰، ۵۹۷ پیشاور / ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۹۹، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۲۰، ۶۲۶، ۶۳۴، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۵۴، ۷۰۲، ۷۰۳  
پیشه وری، جعفر / ۱۵۵، ۱۵۶ پیشیف، ا.ا. (ژنرال) / ۵۳۱، ۵۳۴، ۵۵۶ پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) / ۶۳۰ پیمان بغداد / ۸۰  
پیمان، حبيب الله (دکتر) / ۹ پیمان دوستی شوروی - افغانستان / ۶۲۹، ۶۴۱ پیمان ۱۹۷۸ روسیه - افغانستان / ۶۲۴ پیمان سالت  
/ ۲، ۵۹۳، ۵۹۷، ۵۹۴، ۶۳۳ پیمان سنتو / ۱۶۵ پیمان مصر و اسرائیل / ۷۸۴ پیمان منطقه ای / ۲۰۲ پیمان ورشو / ۵۴۴ پیمان وین  
/ ۵۹۲ پینه، کریستیان / ۲۳۹ تابنده / ۲۲۳ ت، ت تایینی / ۲۰ تاجیکستان / ۶۱۱ تارزی، ننگوی / ۴۹۶، ۶۴۳، ۶۴۴ تارون،  
سیدداود / ۵۴۷، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۶ تارین، فاتح محمد / ۵۴۰

تافر (شیخ) / ۷۳۵ تامست، ویکتورال. / ۳۴، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۴۲۸، ۴۳۶، ۴۶۲، ۷۸۸، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۵، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۲ تایباد / ۵۴۳ تبریز / ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۱۰۴، ۱۴۱، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۹۶، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۲۲، ۳۵۵، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۷، ۳۸۸، ۴۲۸، ۴۳۹، ۴۵۳، ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۷۶، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۷، ۷۷۷، ۷۹۵، ۷۹۸، ۷۹۹ تبریزی، شمس / ۳۷۲ تخت طاووس (پهلوی) / ۱۷۹، ۱۸۱ ترکستان / ۷۸۸ ترکمن صحرا / ۱۳۴، ۴۷۰، ۷۹۲ ترکیه / ۱۵۴، ۲۶۹، ۳۲۳، ۳۸۸، ۶۰۷، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۷، ۷۰۳، ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۲۴، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۱، ۷۶۶، ۷۷۱، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۹۰، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۵، ۷۹۶، ۸۰۰، ۸۰۳، ۸۰۶ ترنر (سرهنگ) / ۵۰ تره کی / نورمحمد / ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۳۸، ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۷۹، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۹۰، ۵۹۳، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۵، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۶، ۶۴۹، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۸، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۷، ۶۷۹، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۵، ۷۰۶ تسلیمی، علی اصغر / ۴۵۴ تسلیمی، منوچهر / ۱۶۵ تقوی / ۵۴۳ تقوی بیات / ۹ تقی زاده متقی، فریدون / ۴، ۱۶۳، ۱۶۴ تکریتی، برزان / ۷۱۸ تنویر احمدخان / ۷۰۳ توراس، پلگرین / ۵۰۵ تورگمن، دیوید / ۱۱، ۱۲ توساینت، دونالد آر. / ۷۵۹ توسلی، محمد / ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۳۰۰، ۳۵۳، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۸ توکلی، محمد / ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۲۵۳ تون / ۱۶۸ / ۶۴۶ تهذیب، نظام الدین / ۵۱۱ تهران / (اکثر صفحات) تهرانیان، مجید / ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۴۴۹ تهرانی، سید جلال الدین / ۳۶۳ تهرانی، صادق / ۴۴۹ تیمور / ۳۳۳ تین مورتی / ۶۹۶ ج جاجی (ناحیه قبیلہ نشین)، ۷۰۲ جاد (JUDD)، فرانک / ۲۵۵ جاده قدیم شمیران / ۲۲، ۲۵، ۲۴۳، ۳۰۰ جاده کرج / ۲۰، ۹۵ جاده لوگر (کابل) / ۶۰۱

جاده مشهد / ۵۰۵ جاده همیلتون / ۷۶۳ جاف، سارشل / ۷۸۷ جاف، سالار / ۷۱۴، ۷۱۸، ۷۲۲، ۷۲۴، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۷۳ جامعه  
حمایت از زندانیان و خانواده هایشان / ۱ جامعه دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران / ۸۱۰ جامعه روحانیت ایران / ۱۱۹ جامعه  
کاردیولوژیستهای فرانسه / ۳۸۷ جامعه مدرسین قم / ۱۹۵، ۱۹۶ جامعه نویسندگان ایران / ۲۵ جامعه وکلا / ۳۰، ۳۴، ۳۰۹  
جانبازیان / ۱۶۳ جانسون / ۵۲ جاویتس، جاکوب (سناتور) / ۱۸۴ جبهه آزادیبخش افغانستان / ۶۹۲ جبهه آزادیبخش ملی /  
۱۰۱، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۰، ۱۰۵، ۶۳۳، ۶۹۷ جبهه آزادیبخش نهضت مقاومت / ۱۰۱ جبهه خلق برای آزادی عمان / ۱۳۹، ۵۳۵ جبهه  
خلق برای آزادی فلسطین / ۱۳۹، ۱۴۵ جبهه دموکراتیک ملی / ۳۴، ۱۷۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۷۰، ۴۷۶ جبهه رهایی بخش فلسطین /  
۷۴۶ جبهه ملی آزادی بخش افغانستان / ۵۳۷ جبهه ملی ایران / ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۹،  
۳۱، ۳۲، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۹، ۵۳، ۵۵، ۵۷، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۷۰، ۷۴، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۹،  
۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۳، ۱۵۸، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۷، ۱۹۱، ۱۹۴،  
۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۷، ۲۲۳، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۵،  
۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۳،  
۳۲۸، ۳۴۲، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۵، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۷۳، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۸۵، ۳۹۱، ۳۹۷، ۳۹۸،  
۴۰۲، ۴۰۳، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۴۳، ۴۶۸، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۵۶،  
۵۵۷، ۵۶۹، ۵۷۲، ۵۷۶، ۵۹۵، ۵۹۶، ۶۲۳ جدلی، احمد / ۲۸۱ جده / ۶۹۷، ۶۹۶، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۳ جزنی، بیژن / ۴۸ جزنی،  
رحمت الله / ۴۸ جزیره نیویولیتان ایسشبا / ۴۹۷ جعفریان (ژنرال) / ۲۱۹، ۳۷۲ جعفری، جواد / ۸۴ جعفری، محمدحسن / ۶۳  
جلال آباد / ۵۱۰، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۴، ۵۶۴، ۶۰۱، ۶۲۷، ۶۳۹، ۶۴۹، ۶۹۹ جلالی نایینی، محمدرضا (سناتور) / ۳۱، ۲۶۴ جلیلی،  
عبدالرشید (دکتر) / ۵۳۹، ۵۵۸، ۵۶۹، ۵۹۸ جمال عبدالناصر / ۳۰۹ جمعیت آذربایجانیان / ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰ جمعیت آزادی  
ایران / ۱۶۰ جمعیت بین المللی حقوقدانان دمکراتیک (پاریس) / ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰ جمعیت روزنامه نگاران دموکرات / ۱۵۷،  
۱۵۸ جمعیت روزنامه نگاران مبارز / ۱۶۰ جمعیت شیر و خورشید سرخ / ۷۶۱ جمعیت طرفداران صلح / ۱۵۷، ۱۵۸ جمعیت  
فارغ التحصیلان دانشسرای عالی سازمان دانشجویان دانشگاه / ۱۵۸



حاج سید جوادی، اصغر / ۲۹ حاج علیلو (دکتر) / ۳۹۳ حاجو، زردشت / ۷۹۵ حاجی کاشانی / ۳۰۱ حامد، عبدالصمد / ۵۷۶  
حامی، حسین / ۸۴ حبش، جرج / ۷۴۶ حبیبی / ۴۷۱ حجازی (دکتر) / ۳۴۱، ۳۵۱، ۳۶۹ حرکت اسلامی افغانستان / ۶۹۲ حرم  
(ناحیه قبیله نشین) / ۷۰۲ حزب اتحاد ملی (پاکستان) / ۲۹۷، ۷۵۸، ۶۷۹ حزب اخوت / ۶۵۲ حزب اسلامی / ۶۳۳، ۶۵۴ حزب  
اسلامی گلبدین حکمتیار / ۶۱۶ حزب انقلابی کردستان / ۷۲۱، ۷۵۸ حزب ایران / ۴، ۹، ۱۰، ۲۱، ۶۶، ۱۷۷، ۲۹۳، ۳۲۸، ۳۶۰،  
۳۸۵، ۴۷۶، ۴۷۷ حزب ایران نوین / ۹۴، ۲۵۱، ۳۹۹، ۴۳۸ حزب ایرانیان / ۱۹۹ حزب پان ایرانیست / ۷، ۲۸، ۱۷۷، ۳۰۹، ۳۱۶  
حزب پرچم / ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۲، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۳۲، ۵۶۱، ۶۱۲، ۶۲۰، ۶۵۵، ۶۶۴ حزب توده آذربایجان / ۱۶۱ حزب  
توده ایران / ۴۸، ۵۵، ۶۴، ۶۶، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۷، ۸۰، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۴، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۴۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷،  
۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۳،  
۱۹۱، ۱۹۲، ۲۱۰، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۶، ۳۱۹، ۳۳۳، ۳۵۴، ۳۶۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۸، ۳۸۳، ۳۹۹، ۴۴۹، ۴۷۷، ۷۲۳،  
۷۴۱، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۸، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۹۷، ۷۹۸ حزب جماعت اسلامی افغانستان / ۶۸۰ حزب جمهوری اسلامی / ۱۷۶، ۴۲۶،  
۴۴۳، ۴۷۷ حزب جمهوری خلق مسلمان / ۱۷۶، ۱۷۸، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۷۹  
حزب جمهوریخواه / ۷۲ حزب خلق / ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۲، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۲۴، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۵، ۵۷۱، ۶۱۲،  
۶۱۳، ۶۲۳، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۵۳، ۶۵۹، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۸۴ حزب دمکرات / ۷۲، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۲، ۱۷۸، ۷۱۲،  
۷۱۷، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۵۰، ۷۵۷، ۷۵۸،  
۷۵۹، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۸۱، ۷۸۸، ۷۹۶، ۷۹۷، ۸۰۲، ۸۰۷، ۸۱۵، ۸۱۷، ۸۱۸ حزب دمکرات  
آذربایجان / ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۹ / ۱۶۲ حزب دمکراتیک خلق افغانستان / ۵۰۷، ۵۵۷، ۵۸۳، ۶۶۶ حزب دموکرات کردستان /  
۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۲، ۷۹۲، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۸۱۳ حزب رادیکال، ۱۹۸، ۲۲۳، ۲۲۴،  
حزب رستاخیز ایران / ۲۵، ۲۷، ۹۳، ۱۷۷، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۳، ۲۴۱، ۲۵۱، ۲۹۶،  
۳۰۹، ۳۳۲ حزب زحمتکشان ایران / ۲۹، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۸۹،  
۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵ حزب سوسیال دموکرات ایران / ۴۳۷، ۴۳۸ حزب سوسیالیست ایران / ۴۳، ۴۶، ۵۳، ۸۰، ۱۳۴ حزب  
سوسیالیست کردستان / ۷۹۰ حزب عدالت / ۷۴۷، ۷۵۶



حزب عوام ملی (پاکستان) / ۵۰۹ حزب کارگران سوسیالیست ایران / ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۹، ۸۰، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۸، ۱۷۸، ۴۶۱، ۴۶۲ حزب کارگر انگلستان / ۱۰ حزب کردستان عراق / ۷۴۰ حزب کمونیست / ۸۳ / ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۶۸، ۳۱۹، ۴۰۰، ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۵، ۵۳۴، ۶۱۸، ۶۸۱، ۶۸۳ حزب کمونیست آکل / ۱۷۰ حزب کمونیست عراق / ۷۵۲، ۷۶۶ حزب کمونیست فرانسه / ۷۱۳ حزب مارکسیست تروتسکیست / ۱۳۱ حزب مبارز ملت ایران / ۷ حزب محاذ ملی انقلابی افغانستان / ۷۰۲ حزب مردم ایران / ۹، ۳۸، ۷۹، ۱۹۸، ۲۰۹، ۳۳۳، ۳۵۸ / ۳۹۹ حزب ملت ایران / ۴، ۷، ۹، ۱۷، ۲۱، ۱۷۷، ۳۰۹، ۳۶۰ حزب ملی زحمتکشان ایران / ۹۲ حزب منحلہ مردم / ۵۳ حزب میهن / ۱۵۶ حزب نیروی سوم / ۲۹ حسنعلی، منصور / ۶ حسنی / ۷۹۰ حسیبی، کاظم (مهندس) / ۹، ۱۰، ۲۱، ۴۲۵، حسیبی، حاج کریم / ۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۳۳۴، ۷۹۴، ۷۹۹، ۸۱۳، ۸۱۸ حسینی، شیخ عزالدین / ۱۷۸، ۷۲۰، ۷۲۳، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۵۹، ۷۷۲، ۷۷۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۴، ۷۹۹، ۸۱۴، ۸۱۵ حسینی (مهندس) / ۳۲۴ حسینیہ ارشاد / ۲۵، ۲۴۸، ۲۹۴، ۳۱۶، ۳۲۴ حفیظ اللہ امین (پرزیدنت) / ۶۷۷ حق شناس (سرگرد) / ۴۵۳ حکمت، سردارفاخر / ۱۵۴ حکمت، عباسقلی (دکتر) / ۷۴، ۷۵، ۷۶ حکمت، فخر (سردار) / ۷۴، ۸۳ حکمت نشین / ۷۴۷ حکمت یار، گلبدین / ۶۲۰، ۶۲۶، ۶۴۵ حکمی (دکتر) / ۲۷۸ حیدر، م. (دکتر) / ۵۶۲ خ خادم، جواد / ۳۳۲، ۳۴۱، ۳۸۷ خازانف / ۱۵۴ خاش / ۵۱۱ خاموشی / ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱ خامه ای، انور / ۱۵۶ خانقین / ۷۳۳ خانه نشر اسلامی / ۱۹۳ خانی، علی (دکتر) / ۲۰۹ خاورمیانه / ۱، ۱۴، ۱۶، ۳۲، ۷۱، ۲۵۵، ۲۹۲، ۵۳۵، ۵۴۶، ۶۱۵، ۶۲۴، ۶۷۲، ۶۹۷، ۷۱۶، ۷۲۱، ۷۲۸، ۷۳۴، ۷۵۱، ۷۵۳، ۷۵۸، ۷۶۲، ۸۰۳ خبرگزاری آسوشیتدپرس / ۴۹، ۲۱۵، ۲۴۱، ۴۱۱ خبرگزاری پارس / ۴۳۷ خبرگزاری پاریس / ۳۲۵ خبرگزاری تاس / ۶۰۸، ۶۴۶، ۶۷۹ خبرگزاری رادیو مسکو / ۵۸۱ خبرگزاری شوروی / ۵۸۲ خبرگزاری فرانسه / ۱۶۵، ۱۶۸، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۹۴ خبرگزاری یونایتدپرس / ۷۶۲ خیره زاده، علی اصغر / ۸۴ خراسان / ۱۶۴ خرم آباد / ۷۳۰

خرمشهر / ۱۴۱، ۱۷۹، ۱۸۵ خروشچف / ۶۳۹ خسروانی (ژنرال) / ۲۱۷ خسروداد / ۳۰۰، ۳۸۰ خلخالی، محمدصادق / ۳۴،  
۴۴۸، ۵۴۱، ۵۴۳، ۷۲۰، ۷۹۰، ۷۹۴، ۸۰۲، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۱۵ خلیج فارس / ۳۱۲، ۳۴۵، ۴۸۶، ۴۹۳، ۴۹۴، ۵۰۵، ۵۲۵، ۶۸۰، ۶۹۷،  
۷۱۲، ۷۱۴، ۷۳۷، ۷۶۵، ۷۹۲ خمینی، احمد (حجت الاسلام) / ۴۷۶ خوابگاه امیرآباد / ۲۹ خواجوی، علی (دکتر) / ۳۹۷، ۳۹۸،  
۴۰۸ خواجه نوری، ابراهیم (سناتور) / ۴۰۵، ۴۰۶ خوانساری، سیداحمد (آیت الله) / ۱۹۵، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۲۰، ۳۶۴ خودسردار،  
داوودخان / ۶۹۷ خوزستان / ۵۶، ۵۷، ۶۰، ۷۰، ۷۱، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۷۸، ۱۸۱، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۹۵، ۳۷۲، ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۸۷، ۴۶۳،  
۴۷۰، ۷۱۴، ۷۱۶، ۷۳۷، ۷۷۷، ۸۱۳، ۸۱۵، ۸۱۶ خوست (پکتیا) / ۵۳۷ خوش کیش / ۳۱۱، ۳۸۸ خویی، سیدابوالقاسم (آیت الله)  
/ ۳۰۴ خیابان آیزنهاور / ۳۹۶ خیابان ایرانشهر / ۱۱ خیابان بهار / ۳۲۹ خیابان پهلوی (تبریز) / ۱۶۱ خیابان پهلوی تهران / ۱۱۰،  
۳۸۳ خیابان تخت جمشید / ۱۱، ۱۱۰، ۴۴۳ خیابان حشمت الدوله / ۱۶۱ خیابان روزولت / ۲۸۱، ۴۴۳ خیابان سی متری / ۱۶۱  
خیابان شاهرضا / ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۹۰، ۳۰۰ خیابان ششم بهمن / ۳۷۸ خیابان طالقانی / ۸۱۶ خیابان کاخ / ۱۳، ۱۶۲ خیابان کریم  
خان زند / ۴۴۳ خیابان لاله زار / ۱۳ خیابان ونک / ۲۳۲ خیبر / ۵۱۰ د دئو، ا.ر. / ۶۶۰ دابز / ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۴۶، ۵۴۷،  
۵۹۳، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۵۷، ۶۶۵، ۶۶۹، ۶۸۸، ۶۹۱، ۶۹۳ دادگاه عالی اداره قضایی / ۳۸۷ دادگستری / ۱۶، ۲۲، ۲۸، ۳۲، ۳۵، ۴۵،  
۶۱، ۲۰۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۹۱، ۲۹۵، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۶، ۳۲۰، ۳۲۵، ۳۳۱، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۶۰، ۳۷۱، ۳۸۰، ۳۸۱،  
۳۸۳، ۴۲۹، ۴۴۰، ۴۵۱، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۶۲، ۴۶۹ دادیان / ۱۶۳ داکا / ۶۹۶ داگلاس / ۶۹۲ دالاس / ۳۵۷ دانش / ۵۱۱ دانشجویان  
مسلمان پیرو خط امام / ۱۹۰، ۴۹۶، ۶۹۰، ۷۲۶ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران / ۳۸۶ دانشکده اسلامی دانشگاه کابل / ۵۱۱  
دانشکده الهیات تهران / ۳۶۶ دانشکده پزشکی دانشگاه کابل / ۵۳۸ دانشکده تربیت معلم دانشگاه کلمبیا / ۵۳۸، ۵۳۹  
دانشکده تربیت معلم کابل / ۵۳۹، ۵۴۰ دانشکده جنگ فرانسه / ۳۸۷ دانشکده حقوق دانشگاه تهران / ۲۹۳ دانشکده حقوق و  
علوم سیاسی دانشگاه کابل / ۵۳۸

دانشکده علوم / ۹، ۲۹، ۵۱۱ دانشکده فنی آریامهر (صنعتی شریف) / ۱۰۸، ۱۴۳، ۲۰۲، ۲۰۳ دانشکده فنی دانشگاه تهران / ۱۰۰، ۳۸۲، ۳۸۵ دانشکده کشاورزی / ۹، ۵۳۹ دانشکده مراسلات / ۵۱۰ دانشکده مهندسی دانشگاه کابل / ۵۱۱ دانشکده نظام / ۵۳، ۳۸۷ دانشگاه آریزونا / ۵۴۰ دانشگاه آمریکایی بیروت / ۳۸۴، ۵۱۱، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۸ دانشگاه آنکارا / ۷۵۶ دانشگاه ایالت آیوا / ۵۳۸ دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا / ۵۶۲ دانشگاه ایندیانا / ۵۶۲ دانشگاه پاریس / ۵۳، ۱۶۹، ۲۹۱، ۲۹۳، ۳۸۷ دانشگاه پرینستون / ۴۶۳ دانشگاه پیتزبورگ / ۵۳۹ دانشگاه تربیت معلم / ۸۴ دانشگاه تهران / ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۳، ۲۴، ۲۹، ۳۲، ۳۹، ۵۷، ۶۲، ۶۵، ۷۹، ۸۶، ۸۹، ۹۲، ۹۳، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۱۴، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۴، ۳۰۹، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۷۳، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۴۳، ۴۵۳، ۷۹۲، ۸۱۰ دانشگاه جندی شاپور / ۳۷۲ دانشگاه جورج تاون / ۲۸۱، ۴۶۳ دانشگاه جورج واشنگتن / ۴۶۵، ۴۶۶، ۵۳۹، ۵۶۰ دانشگاه دیتون / ۱۰۰ دانشگاه سوربن / ۶۲، ۸۹ دانشگاه علوم امور بین المللی و دیپلماسی جان هاپکینز / ۳۱۵ دانشگاه فرح پهلوی / ۲۷۷، ۳۴۹ دانشگاه فنی برلین / ۷۹۶ دانشگاه قندهار / ۵۶۱ دانشگاه کابل / ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۶۰، ۵۶۱ دانشگاه کالیفرنیا جنوبی / ۱۹۷ دانشگاه کلمبیا / ۳۴۹، ۵۱۱، ۵۳۸، ۶۴۳ دانشگاه کمبریج / ۱، ۱۶، ۳۲، ۳۸۵، ۳۸۷ دانشگاه گلاسکو / ۳۸۵ دانشگاه لندن / ۵۳۹ دانشگاه مشهد / ۳۳۰ دانشگاه ملی / ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۳۴، ۲۷۸، ۴۴۶، ۴۹۸، ۶۹۸ دانشگاه میشیگان / ۵۶۲ دانشگاه وایومینگ / ۵۳۹ دانشگاه ویرجینیای غربی / ۵۱۱، ۵۳۹ دانشگاه ویسکونسن آمریکا / ۶۴۳ دانش، محمد اسماعیل / ۵۱۱، ۵۳۹، ۵۵۸، ۵۸۰، ۶۵۱ دانشیان، غلام یحیی / ۱۵۶ دانمارک / ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵ داودخان / ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۶۰، ۶۳۹، ۶۷۱، ۶۸۷ داودی، منوچهر / ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۰۸، ۵۵۷ دباگین / ۸۴ دبیرخانه فدراسیون اتحادیه های جهانی در وین / ۱۶۰ دبیرستان فیروز بهرام / ۱ دتوکویل، الکسیس / ۴۷ دراگسلاویزیک / ۶۶۴ دربند / ۳۶ درخشانی (تیمسار) / ۲۶ درخشش، محمد / ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۸، ۴۰۶

۴۰۷، ۴۰۸ دروس / ۱۰۵، ۱۱۰، ۳۹۶ دروینسکی / ۵۲۶، ۵۴۸ دره پنج شیر / ۶۲۰ دره هیرمند / ۶۶۵ دریای خزر / ۲۰، ۱۸۳، ۲۵۸، ۳۹۹، ۸۱۵، ۸۱۶ دزفول / ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۳۷۳ دزلی، قاضی خاقان / ۲۲ دسایی، موراجی (نخست وزیر وقت هند) / ۶۳۲ دستغیب / ۳۶۴ دستن، ژیسکار / ۲۳۹، ۲۶۷ دسکی، محمد / ۷۲۲، ۷۷۷ دفاتر / ۳۲۴ OSCO دفتر اطلاعات شوروی / ۱۶۱ دفتر اطلاعات وزارت دفاع (آمریکا) / ۷۸۵، ۷۸۹، ۸۱۴ دفتر حفظ منافع آمریکا در بغداد / ۷۸۷ دفتر شهبانو / ۲۴۲ دفتر مخصوص شاه / ۴۴ دفتر منافع آمریکا در ناتو / ۱۷۱ دفتر وابسته دفاعی / ۴۷۲، ۵۰۹، ۵۲۱، ۵۶۶، ۶۳۸ دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده - تهران / ۳۹۳ دلیلی، نور محمد / ۵۴۰ دمشق / ۷۳۱، ۷۴۵، ۷۴۹ دمکراسی در آمریکا (کتاب) / ۴۷ دمیرل، سلیمان / ۷۵۶ دوپانت، جاکو / ۶۲۴ دوره آموزش داگلاس / ۶۹۲ دوریل / ۱۲ دوگر سورن، مانگالین / ۵۰۵ دوگل / ۴۰۳ دولتشاهی، امیر / ۳۱۶ دولت موقت ایران / ۷۷۴، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۱۰، ۸۱۲، ۸۱۳ دهکده (سناتور) / ۲۱۲ دهش، سیاوش / ۳۵۷ دهقان، احمد / ۶۳ دهقانی تفتی، حسن / ۸۱۷ دهکده افجه / ۱۰۸ دهکده بارزان / ۷۳۲ دهکده پچاراگان (پکتیا) / ۵۳۷ دهلی نو / ۳۸۴، ۵۲۲، ۶۶۰، ۶۷۱، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۳، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷ دیاربکر / ۷۵۶ دیسدرن / ۵۲۲، ۵۲۳ دیوان عالی کشور / ۶۱، ۱۶۵، ۲۱۱، ۴۵۱ دیویدسون، ران / ۶۳۵ رئیس زاده، صادق (دکتر) / ۳۱۸ رائین، پرویز / ۴۹، ۲۴۱، ۲۴۲ راتبزاده، آناهیتا / ۵۰۹، ۵۱۱ رادیو اسمر / ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۲۶ رادیو افغانستان / ۶۵۱ رادیو باکو / ۱۵۷، ۷۱۲، ۷۵۱ رادیو بیزیم / ۷۸۳، ۷۸۴ رادیو پکن / ۶۴۲ رادیو صدای آمریکا / ۲۸۱، ۳۶۴، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۴۱، ۴۲۴، ۴۶۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۴۲، ۶۶۳، ۸۰۸ رادیو مسکو / ۱۵۷، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳ رادیو و تلویزیون ملی ایران / ۳۱، ۲۱۲، ۲۷۶، ۳۲۳، ۳۴۰، ۳۴۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۳، ۳۸۸، ۴۳۷، ۴۷۷، ۵۱۱، ۵۳۹، ۶۰۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۵۱، ۷۷۶، ۷۸۳، ۸۰۸ راسخ افشار، علی (دکتر) / ۴۷۸، ۴۷۹

راسیاس، چارلز ان. / ۱۲، ۳۹، راضی، حسین / ۹ رامیج پور / ۲۴ رامهرمز / ۶۴ رانا / ۶۸۸ رانگون (پایتخت برمه) / ۶۸۹ راویندا  
ناتان / ۱۷ رای، محمد (سرهنگ) / ۵۱۱ ربانی، برهان الدین / ۶۸۰ رجالی، محمدعلی / ۳۶ رجوی، کاظم / ۴۲۴، ۴۴۵  
رجوی، مسعود / ۱۷۶ رحیم، فاضل رحیم / ۵۳۸ رحیمیان، غلامحسین / ۸۴، ۸۵ رحیمی (ژنرال) / ۷، ۳۸۸، ۴۴۶ رحیمی، غلام  
محمد / ۵۴۰ رزان / ۳۳۳ رزقی / ۸۴ رزم آرا، علی (ژنرال) / ۶۲، ۶۳، ۸۰، ۹۰، ۹۳، ۹۴، ۱۵۶، ۱۵۷ رزم آرا، منوچهر / ۳۳۲،  
۳۸۶ رزمی (سرلشکر) / ۱۱۴ رزن، باری / ۴۵۴ رساله مکافی / ۴۶۳ رستوران ال چیکو / ۱۰۰ رستوران تیفانی / ۴۹، ۲۰۲  
رستوران چت نیک / ۴۶، ۲۳۲ رستوران ساندیز / ۳۶ رسول اکرم (ص) / ۷۱۱ رسول، مولمان / ۷۱۷ رسولی، عبدالکافی  
(مهندس) / ۵۴۰ رشیدیان / ۸۳ رضائیه (ارومیه) / ۲۶، ۳۶۱، ۳۶۳، ۷۷۶ رضاخان / ۱۰، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۷۹، ۲۸۵، ۳۲۷، ۴۶۷،  
۷۲۱، ۷۳۵ رضایی، سیاوش / ۸۴ رضایی، علی / ۲۲۷ رضوانی / ۲۸۳، ۳۳۵ رضوی، تقی (دکتر) / ۱۶۱، ۱۶۲ رفیع زاده / ۸۵  
۸۷ رم / ۵۰۱، ۵۳۶، ۶۴۴، ۶۹۱، ۶۹۲ روحانی، شهریار / ۴۲۸، ۴۳۱ روحانی، صادق (آیت الله) / ۵۴۳ رود تیگریس / ۷۳۱  
رودخانه هیرمند / ۵۰۴ روزنامه آتش / ۲۶۹ روزنامه آزادی / ۴۷۷ روزنامه آیندگان / ۴۹، ۴۵۸، ۴۷۶ روزنامه اطلاعات / ۲۶۸،  
۳۴۰، ۳۵۸، ۴۱۶، ۴۷۶، ۷۹۸ روزنامه انگلیسی زبان تهران تایمز / ۸۱۷ روزنامه بامداد / ۶۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۴۷۶ روزنامه بوستون  
گلوب / ۲۷۳ روزنامه پراودا / ۱۶۶، ۱۶۸، ۳۷۷، ۵۵۵، ۵۸۳، ۶۳۱، ۶۳۴، ۷۸۳ روزنامه پیک امروز / ۱۵۹ روزنامه تهران تایمز /  
۶۱، ۴۵۴، ۴۷۷، ۶۳۳، ۷۹۴، ۸۰۲، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۷ روزنامه تهران ژورنال / ۱ روزنامه جبهه آزادی / ۴۷۶ روزنامه جمهوری  
اسلامی / ۸۱۰، ۸۱۳ روزنامه جنبش / ۴۷۶ روزنامه خلق مسلمان / ۴۷۶ روزنامه رستاخیز / ۳۵۸ روزنامه ریاتازا / ۷۵۳ روزنامه  
شاهد / ۶۳، ۷۳، ۸۰، ۸۱، ۹۰، ۹۲، ۹۴ روزنامه شهاب / ۴۳۸ روزنامه فاینشال تایمز / ۲۲۸



سازمان برنامه / ۳۸۵ سازمان بین المللی ارتباطات / ۲۸۱ سازمان پاسداران آزادی / ۸۵ سازمان جوانان حزب توده / ۱۳۷، ۱۶۴  
سازمان خبر رادیوهای بیگانه - تل آویو / ۸۰۸ سازمان خبری کاورشم / ۸۰۸ سازمان خبری (لندن) / ۸۰۸ سازمان خبری  
نیکوزیا / ۸۰۸ سازمان خبری واشنگتن / ۸۰۸ سازمان خواروبار و کشاورزی سازمان ملل متحد / ۴۰، ۴۳، ۴۴ سازمان دانش  
آموزان دبیرستانهای تهران / ۱۵۷ سازمان دانشجویان دانشگاه تهران / ۱۵۷ سازمان دانشجویان مسلمان دانشگاه شریف / ۸۱۰  
سازمان دهقانان / ۱۵۷، ۱۵۹ سازمان زنان / ۱۵۷، ۱۵۸ سازمان عفو بین المللی / ۲۰۶ سازمان فرهنگی آشوریهای ایران / ۱۵۹  
سازمان فرهنگی ارمنیهای ایران / ۱۵۹ سازمان فرهنگی کردهای ایران / ۱۵۹ سازمان مجاهدین اسلامی / ۴۴۳ سازمان  
مجاهدین خلق / ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۴۲۵،  
۴۷۱ سازمان مخفی رومانی / ۷۲۲ سازمان مرکزی اطلاعات جاسوسی (۲۷۸، ۲۶۳، ۲۶۱، ۱۷۸، ۱۷۶، ۱۰۳، ۸۹، ۷۲، CIA)  
۷۹۶، ۷۴۱، ۷۴۰، ۷۳۶، ۷۲۶، ۷۲۴، ۷۲۱، ۷۲۰، ۷۱۸، ۷۱۷، ۷۱۶، ۷۱۴، ۷۱۳، ۷۱۲، ۷۱۱، ۵۷۰، ۳۸۱، ۳۳۱، ۳۰۹، ۲۹۷، ۲۹۰،  
سازمان مرکزی تکش / ۱۶۴ سازمان ملل متحد / ۱، ۱۴، ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۹۰، ۱۹۸، ۲۵۸، ۳۵۳، ۳۷۱، ۳۸۲، ۳۸۵، ۴۴۵، ۴۹۵،  
۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۱۶، ۵۲۳، ۵۳۷، ۵۴۰، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۴، ۵۷۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۸۰، ۷۱۳،  
۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۸۲، ۸۰۰ سازمان هواپیمایی کشوری و توریسم / ۵۲۵ ساسونتسی داویت (سازمان تربیت بدنی  
جوانان) / ۱۶۳ ساعد وزیری، منوچهر / ۲۲۶، ۳۳۳ سافرونچک، واسیلی استفانویچ / ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۳، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۸،  
۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۷، ۵۷۱، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۹، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۶۳۶، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۸۵، ۶۸۶، سامی،  
کاظم (دکتر) / ۹، ۸۱۷ ساندرز / ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۷، ۶۷۰ ساندی ایزور لندن / ۱۰ ساواک (سازمان امنیت و اطلاعات کشور) /  
۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۴۵، ۴۶، ۵۱، ۸۳، ۸۵، ۸۸، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۴،  
۱۱۵، ۱۲۳، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۶۶، ۱۸۳، ۱۸۵، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۰،  
۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۴۲، ۲۵۱، ۲۶۰، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۹، ۲۹۰، ۳۰۶، ۳۱۲، ۳۱۷، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۴۰، ۳۴۹، ۳۵۵، ۳۷۱،  
۳۷۵، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۹۰، ۳۹۴، ۴۰۲، ۴۱۴، ۴۲۷ سبزوالمسولی (ده) / ۶۸۰ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / ۸۱۳ سپهبدی،  
عیسی (دکتر) / ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹ سپهر / ۳۴۰ سپیرس / ۸۰۳ ستاد مرکزی نیروی هوایی در رامشتین / ۸۰۸ ستین،  
حکمت / ۷۴۷، ۷۵۶، ۷۵۷ سبحانی، عزت الله / ۸۱۶

سحابی، یدالله / ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۸۳، ۲۳۵، ۲۴۸، ۲۵۳، ۲۵۴، ۳۶۱، ۳۷۸ سردشت / ۷۹۴، ۸۰۱، ۸۰۶، ۸۱۰  
 سرسام، عبدالاحد / ۵۳۸ سرشار، حسین / ۹ سرمد، مرتضی / ۱۶۵ سروریان / ۱۶۳ سروری، پرویز (دکتر) / ۲۷۸ سروری،  
 محمد / ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۳۱۸ سعیدیان / ۸۴ سعیدی (سناتور) / ۴۷ سفارت آمریکا (آنکارا) / ۶۷۲، ۶۸۲، ۷۲۲، ۷۶۱، ۸۰۳  
 سفارت آمریکا (اسلام آباد) / ۵۳۵، ۵۴۲، ۵۹۹، ۶۵۹، ۶۸۷ سفارت آمریکا (بخارست) / ۱۶۶ سفارت آمریکا (تریپولی) / ۵۹۶  
 سفارت آمریکا (تهران) / اکثر صفحات سفارت آمریکا (جده) / ۶۷۸ سفارت آمریکا در کابل / ۴۹۷، ۵۰۸، ۵۰۲، ۵۱۲، ۵۱۵،  
 ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۲، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۳۷، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۶، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۳، ۵۶۸،  
 ۵۷۰، ۵۷۶، ۵۸۰، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۲، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۰۵، ۶۱۴، ۶۱۸، ۶۲۴، ۶۲۷، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۵،  
 ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۴۲، ۶۴۸، ۶۵۱، ۶۵۵، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۶۱، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۶، ۶۶۸، ۶۷۰، ۶۷۳، ۶۷۵، ۶۷۷، ۶۸۰، ۶۸۴، ۶۸۵ سفارت  
 آمریکا (دهلی نو) / ۶۶۰ سفارت آمریکا (عمان) / ۶۹۸ سفارت آمریکا (لندن) / ۲۵۵، ۴۵۷ سفارت آمریکا (مسکو) / ۱۶۶،  
 ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۵، ۵۴۳، ۵۴۵، ۶۱۴، ۶۱۸، ۶۲۴، ۶۳۹، ۶۴۶، ۶۷۹ سفارت آمریکا (نیکوزیا) / ۱۷۰ سفارت اسرائیل / ۱۴۶، ۱۸۳  
 سفارت اسرائیل (بادگوسبرگ) / ۷۲۲ سفارت افغانستان (رم) / ۴۹۷ سفارت ترکیه / ۱۷ سفارت روسیه / ۶۹۹ سفارت شوروی  
 / ۱۶۳ سفارت کانادا (افغانستان) / ۵۲۴ سقز / ۷۷۵، ۷۸۸، ۷۸۹، ۸۰۲، ۸۱۲ سلطانی، خیرمحمد / ۵۳۹ سلماس / ۸۰۶ سلم،  
 حسین / ۶۱۴، ۶۱۵ سلیمان، علی / ۷۲۲، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱ سلیمانیه / ۷۲۲، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۳۵، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۶، ۸۰۴  
 سماک، عبدالله / ۱۳۰ سماکیس، لاری / ۲۰۰ سمیعی / ۱۹۹، ۳۱۱، ۳۳۲ سمیعی، احمد / ۲۷۸ سمیعی، عباس / ۹ سنت مارتین  
 / ۷۱۹ سنجاب / ۳۶۱، ۳۸۱ سنجابی (خانم) / ۲۵۹، ۲۹۴ سنجابی، کریم / ۳، ۱۱۵، ۱۶۵، ۱۷۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۱۵،  
 ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۷۵، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۰۷، ۳۱۱، ۳۱۹،  
 ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۹، ۳۴۶، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۷۳، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۶، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳،  
 ۴۲۸، ۴۵۲، ۴۶۸، ۴۷۵، ۴۷۶ سن، داوید / ۶۴۶، ۶۴۷ سنندج / ۱۸۴، ۷۲۵، ۷۳۱، ۷۳۹، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۱،  
 ۷۹۲، ۷۹۸، ۸۰۶، ۸۱۲، ۸۱۶





۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۳،  
 ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸،  
 ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳،  
 ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۷،  
 ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱،  
 ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳،  
 ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵،  
 ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۲ شاه  
**ALEKOZAI** / ۴۹۷ شاه ولی (آله کوزای / ۶۶۵، ۶۰۷، ۶۰۶، ۶۰۵، ۵۹۸، ۵۴۰، ۵۲۴، ۵۱۰، ۵۰۷، ۵۰۶، ۴۹۷) /  
 ۶۸۸، ۶۸۶، ۶۸۳، ۶۶۹، ۶۶۷، ۶۶۶، شایان، رضا / ۹، ۳۶۰، شبستری / ۱۵۵، ۱۵۶، شبستری زاده / ۲۱۴ شبکه عدالت خلق / ۳۶۳  
 شجاع / ۹ شجونی، جعفر / ۱۰۷ شرکت آمرادا - هس - ۵۶ / **(Amerada)** Hess شرکت ایران - کالیفرنیا / ۵۰ شرکت  
 ترخیص کالای پان امریکن (انتفاعی) / ۳۴۷ شرکت حمل و نقل دولت ایران (بهرینگ) / ۴۳۴ شرکت خدماتی کشاورزی و  
 تکنیکی بوکرز (انگلستان) / ۵۱ شرکت شیلات ایران / ۸۱۶ شرکت مرکز تجاری آمریکای لاتین / ۳۴۷ شرکت ملی نفت  
 ایران / ۲۴، ۳۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۷۲، ۷۳، ۷۹، ۲۱۳، ۲۳۹، ۲۵۸، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۱، ۳۲۴، ۳۳۱، ۳۴۶، ۳۸۱،  
 ۳۸۵ شرکت مهندسی خدمات ایران زمین / ۱۹۶ شرکت نفت ایران و انگلیس / ۷۲ شرکت هلیکوپترسازی ایران (بل) / ۴۲۹،  
 ۴۳۴ شرکت هواپیماسازی داگلاس / ۶۹۰ شرکت هواپیمایی سابنا / ۳۷۱ شرکت هواپیمایی فنلاند / ۳۷۱ شرکت هوایی چک /  
 ۳۷۱ شرمز، ریک / ۵۴۱، ۵۴۲، ۶۵۴ شری، ۴۵۶ شریعمداری، حسن (مهندس) / ۲۳۵ شریعمداری، سید کاظم (آیت الله) /  
 ۲۶، ۲۷، ۶۱، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۸، ۱۷۶، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴،  
 ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰،  
 ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۹۴، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۵۱،  
 ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۷، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۵، ۳۹۹، ۴۲۲،  
 ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۲، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۶، ۴۷۹، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۷، ۷۹۹، ۸۱۶

شریعتی، علی (دکتر) / ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۴۷۵ / ۴۷۶ شریف امامی، جعفر / ۳۸، ۵۲، ۸۵، ۹۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۲۱۷،  
۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۸۳، ۲۸۶، ۲۹۴،  
۲۹۶، ۳۱۹، ۳۴۰، ۳۴۹، ۳۸۰، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۹، ۴۶۷ شط العرب / ۷۳۷ شفقت، جعفر / ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۸۷ شکرایی (دکتر) /  
۲۲۶ شکری / ۸۴، ۸۵ شکیا / ۷۷۰، ۸۰۷، ۸۱۲ شل، ال. دلیو / ۶۹۰، ۶۹۵، ۶۹۶ شل، باربارا / ۲۰۰، ۲۳۲ شلنبرگر، جک اچ /  
۲۶۴، ۲۶۵، ۲۸۱، ۴۴۰، ۴۵۴ شمس، علی / ۱۶۱ شمیران / ۴، ۱۶۲، ۲۲۳، ۲۴۸، ۳۰۰ شئتودی (نیویورک) / ۶۹۲ شورای  
اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل / ۱۶۹ شورای امنیت ملی / ۳۸۲ شورای انقلاب اسلامی / ۱۸۳، ۳۵۳، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۷۳، ۳۷۷،  
۳۷۹، ۳۸۳، ۳۸۹، ۳۹۲، ۴۱۱، ۴۱۲ شورای انقلابی و اسلامی افغانستان / ۵۰۸، ۵۴۱ شورای سلطنت / ۷۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۲۲۶،  
۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۹، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۲،  
۳۳۵، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۵۳، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۷۳، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۲، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۴۱۴ شورای عالی اتحاد  
جماهير شوروی / ۱۷۲ شورای مرکزی اتحادیه بازرگانان / ۱۶۹ شوروی / ۱۲، ۲۶، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۹، ۶۷، ۸۰، ۹۲، ۱۱۶، ۱۱۷،  
۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۷، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۳، ۲۱۵،  
۲۷۷، ۳۰۲، ۳۴۰، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۷، ۳۷۷، ۳۸۴، ۴۰۲، ۴۰۶، ۴۱۱، ۴۴۰، ۴۴۵، ۴۴۹، ۴۷۷، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶،  
۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۶، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵،  
۵۱۶، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۳، ۵۴۴،  
۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲،  
۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۴، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۱،  
۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰،  
۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۸، ۶۵۰، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹،  
۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۴، ۶۶۶، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴،  
۶۹۶، ۶۹۷، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۵، ۷۰۸، ۷۱۲، ۷۱۴، ۷۱۶، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱،  
۷۳۲، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۶، ۷۵۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۹۳، ۷۹۵ شوسیانو،  
هرمان (دکتر) / ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۵۵۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۶۱۴، ۶۲۷،  
۶۸۴، ۶۸۵ شوشتر / ۶۴ شوفان، چای / ۵۰۴

شهابپور، فیروز / ۱۵۶ شهباز، کورش / ۷۴ شهبازی، هوشنگ / ۳۱۳ شهبازی، عبدالحکیم / ۵۱۰ شهبادی، حمید / ۱۳۰ شهبام،  
 محمدتقی / ۱۴۳ شهبازی جوزجانی، عبدالحکیم / ۵۳۹، ۵۹۷، ۵۸۰ شهبازی، صاحب جان / ۵۳۹ شهبازی / ۲۱۰ شهبزستانی،  
 جواد / ۲۷۸ شهبازی، حمید / ۱۳۰ شهبازی / ۸۴ شهبزستانی (ژنرال) / ۴۷۰، ۸۱۶ شهنواز / ۵۳۶، ۶۸۸، ۶۸۹ شهبازی / ۴۵۶ شیخ  
 الاسلام زاده / ۴۰۰ شیخ الاسلام، مهدی / ۷۹۲ شیخ محمود / ۷۳۵ شیراز / ۱۱۴، ۱۹۲، ۲۳۸، ۲۶۵، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۸۶، ۲۸۷،  
 ۳۱۴، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۳۳، ۳۶۴، ۴۶۴، ۷۳۰ شیروان / ۳۱۵، ۳۵۸، ۳۸۳ شیفر (سرهنگ) / ۷۸۵، ۷۸۹ شیکاگو، ۵۱۱ ص صالح،  
 اللهیار / ۳، ۳۸، ۶۶، ۲۷۸ صالح، جون اچ. / ۱۰۰ صباغیان، هاشم (مهندس) / ۱۱۴، ۳۲۴، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۹۴، ۷۹۶، ۷۹۷، ۸۰۲  
 ۸۱۰، ۸۱۵ صحبازی، صاحب جان / ۵۹۸ صدام حسین / ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۸، ۷۳۷، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۵۲، ۷۶۱، ۸۰۵، ۸۰۷، ۸۰۸ صدر،  
 رضا / ۴۶۷، ۸۱۷ صدر سید جوادی، احمد / ۳۴۲ صدر، قاضی / ۷۱۹ صدر، کشاورز / ۲، ۳ صدزی، شمس / ۶۵ صدیقی،  
 غلامحسین / ۲۷۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۴۶، ۳۶۰، ۴۰۲ صفاری، رحیم سیف / ۳۴۹، ۴۰۷ صفا، منوچهر / ۴، ۷  
 صفری (ژنرال) / ۲۱۲ صلیب سرخ بین المللی / ۲۷، ۲۰۶، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۶۱، ۷۶۲ صمیمی، علی / ۳۳۲ صمیمی، لطفعلی / ۳۸۵  
 صنعت نفت ایران / ۴۷۹ ض ضیا (ژنرال) / ۶۱۳، ۶۱۷، ۶۶۶، ۷۰۰ ضیایی (برادران) / ۲۷۴، ۲۷۵ ضیایی، علی / ۳۳۰ ضیایی،  
 مخدره / ۳۳۰ ط - ظ طالبانی، جلال (حسام الدین) / ۱۸۶، ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۶، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۴، ۷۴۵،  
 ۷۴۶، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۳، ۷۹۶ طالقانی، سید محمود / ۱۲۹، ۱۵۰،  
 ۲۸۳، ۲۹۰، ۳۰۰، ۳۰۴، ۳۳۵، ۳۷۳، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۶، ۴۰۴، ۴۳۹، ۴۴۹، ۴۵۲، ۴۷۲، ۷۲۵، ۷۴۱، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۹۵، ۷۹۷،  
 ۷۹۸، ۸۱۶ طاهرزاده (دکتر) / ۴۳۳، ۴۳۴ طباطبائی، سید جواد / ۸۴ طباطبائی، سید ضیاء / ۹۲، ۱۵۴

طباطبای، صادق / ۱۵۱، ۴۳۷، ۴۷۶، ۸۱۰ طباطبایی، عبدالحسین / ۲۲۶ طبری، احسان / ۱۵۶ طیبی، دنیا / ۵۶۰ طیبی، عبدالحکیم (دکتر) / ۵۵۹، ۵۶۰ طیبی، عبدالله / ۵۶۰ طیبی، نجیب الله / ۵۶۰ طیبی، نجیه / ۵۳۰ طوفانیان / ۳۲۷، ۳۳۹، ۴۳۳ ظاهرشاه / ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۱، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۳۶، ۵۶۰، ۵۷۶، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۹۷ ظلی / ۳۸۰، ۳۸۱ / ۴۰۳ ع عبدالسلام عارف / ۷۸۰ عارفی، غفور (دکتر) / ۵۶۲ عالمیار، محمد صدیق (مهندس) / ۵۴۰، ۵۹۷ عالی نصیبی (نسبی) / ۴۰۸، ۴۰۹ عباسی / ۲۱۸، ۲۴۹، ۲۵۰ عبدالرحمن سامی / ۷۴۶ عبدالرحمن، محمد محمود / ۷۴۶ عبدالقادر (سرهنگ) / ۵۰۹، ۶۵۰، ۶۸۷ عبدالقدوس گوریانندی / ۵۱۱، ۵۳۸ عبدالکریم قاسم / ۷۳۶، ۷۸۰، ۷۸۲ عبدالله، وحید / ۵۰۳، ۵۰۵ عبدالولی (ژنرال) / ۴۹۷، ۵۳۶، ۶۴۴، ۶۹۱، ۶۹۷ عبدونفعی (روحانی) / ۶۹۱ عبقری، محمد اکرم / ۵۳۹ عبیدالشیشکلی / ۷۴۹ عبیدالله / ۷۵۷ عدن / ۵۳۵ عراق / ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۴، ۱۷۱، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۳، ۲۰۴، ۲۲۰، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۹۵، ۳۰۴، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۴۷۵، ۵۰۵، ۵۳۵، ۶۴۵، ۶۹۸، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۶، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۸، ۷۹۰، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۸۰۱، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۱۶، ۸۱۷ عربستان سعودی / ۴۸، ۱۵۴، ۱۷۹، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۵۱۶، ۵۳۵، ۵۴۱، ۵۵۵، ۶۱۷، ۶۳۶، ۶۴۵، ۶۷۸، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۰۲، ۷۱۶، ۷۵۲ عزری، مثیر / ۷۲۱، ۷۵۹، ۷۶۰ عزیز، محمد / ۶۴۹ عصمت (سرگرد) / ۶۹۱ عظیمی حسینی، رضا / ۵۶، ۵۷، ۶۰ عقالی زاده، عباس / ۴، ۷ عقیلی، (مهندس) / ۸۴ علامیر، جواد / ۴۵۹ علم، امیراسدالله / ۱۶، ۴۵، ۴۹، ۷۷، ۹۳، ۲۰۹، ۲۶۱، ۲۹۷، ۳۰۷، ۳۱۲، ۳۵۸ علم، امیر شوکت الملک / ۳۱۲ علمیه (سرهنگ) / ۷ علوی / ۲۱۸ علی آبادی (استاد) / ۸۴ علیزاده (دکتر) / ۴۷۴، ۴۷۹ علیمرد، امین / ۴۴۷ عمان / ۱۳۹، ۳۷۷، ۵۳۵ عمواغلی، حیدرخان / ۱۵۴

غ غائله كردستان / ۷۱۴ غازی، سلطان محمود / ۵۲۵، ۵۲۶ غزنی (شهر)، ۶۲۰، ۶۵۵ غفاری / ۱۶۱ غفاری (سرهنك) / ۷ /  
 غفوری، حسن (دكتر) / ۲۷۸ غنا / ۵۷۳ ف فاتح، مصطفى / ۱۵۵ فاجعه سينماي آبادان / ۱۱۴ فارس / ۱۶۴ فاطمی، سعيد /  
 ۴۷۸، ۴۷۹ فدايان اسلام / ۹۹، ۱۸۱، ۴۴۸ فدراسيون اتحاديه های صنفی کارگران ایران / ۶۵ فدراسيون جهاني اتحاديه های  
 بازرگانی (۱۶۹) / (WFTU) فدراسيون مرکزی اتحاديه های صنفی کارگران و دهقانان ایران / ۶۵ فرانسه / ۴۷، ۵۳، ۵۴، ۵۷،  
 ۵۹، ۶۲، ۶۶، ۷۴، ۷۵، ۸۱، ۸۷، ۹۱، ۱۲۰، ۱۵۰، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۶۷، ۲۷۴، ۲۹۲، ۲۹۳،  
 ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۲۲، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۵۹، ۳۶۸، ۳۷۱، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۹، ۴۱۲، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۴۳، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۴۰، ۵۵۷، ۵۶۰،  
 ۵۶۲، ۵۹۸، ۶۱۲، ۶۲۴، ۶۲۸، ۷۱۳، ۷۲۳، ۷۴۹، ۷۵۸، ۷۶۸ فرانكفورت / ۵۴۱، ۶۹۱، ۶۹۲ فراهانی، علی / ۸۱، ۸۴، ۸۵ فرای،  
 هيلير / ۶۸۶ فردوز (فردوس)، شهاب / ۳۲۵ فردوست، حسين (تيمسار) / ۶، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۲۶، ۳۴۷، ۴۱۶، ۴۱۷  
 فرشچی، علی / ۲۰۹، ۲۱۹ فرمانفرمایيان، خداداد / ۵، ۱۶ فرمز / ۱ فرودگاه بين المللی مهرآباد / ۳۹۵، ۳۹۶ فرودگاه نظامی بين  
 المللی کابل، ۷۰۱ فروغی، محمود / ۱۵۵، ۴۳۱، ۴۶۷، ۴۶۸ فروهر، داريوش / ۳، ۴، ۷، ۱۷، ۲۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۷۷، ۱۹۸، ۱۹۹،  
 ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۲۳، ۲۵۹، ۲۸۹، ۳۰۹، ۳۶۰، ۳۸۹، ۳۹۶، ۴۱۲، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۸، ۷۷۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۶ فرهادپور، ناصرقلی / ۲۰۹،  
 ۲۱۱ فرهنگ، منصور / ۴۳۱ فریموند، ژاك / ۴۴۵ فزونی، (دكتر) / ۴۵۱، ۴۵۲ فضایلی / ۳۳۳ فضل حق / ۵۳۹ فقیر، فقیر محمد  
 / ۵۳۹ فلاتین / ۵۶۶، ۵۶۳، ۵۷۶، ۵۸۵ فلاحی، غلام / ۴۶۲ فلاحی، غلام عباس / ۱۳۱، ۱۳۲ فلاحی، فاطمه / ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲،  
 ۱۳۳ فلاحی، ولی اللّٰه (سرتیپ) / ۱۳۲، ۱۳۳، ۴۶۱، ۸۰۲، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳ فلسطین / ۵۵۷ فلسفی، خلیل (دكتر) / ۳۵، ۳۶  
 فلسفی، محمدتقی / ۱۸۲، ۲۱۱، ۲۲۰، ۲۲۶ فول، عبدالرزاق (دكتر) / ۵۶۲ فنلاند / ۳۷۱، ۳۹۸، ۵۰۵ فورست، فرانز / ۷۵۹  
 فولبرایت / ۴۶۴ فیروزآباد / ۱۹۱، ۱۹۲ فیروز، شاهرخ / ۱۳ فیروز، مریم / ۱۶۱، ۱۶۲ فینچ، سی. سی. / ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۶۹

ق قاسم، عبدالکريم / ۷۴۲، ۷۸۰ قاسملو، النا / ۷۲۳ قاسملو، عبدالرحمن / ۱۷۸، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۵۰، ۷۵۸، ۷۷۲، ۷۸۸، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵ قاسمی، ابوالفضل / ۳۶۰ قاسمی (دکتر) / ۸۱ قاضی، ابوالفضل (دکتر) / ۲۷۸ قاضی، رحيم سيف / ۷۱۹، ۷۲۰ قاضی، علی / ۷۲۰ قاضی محمد / ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۳۵، ۷۳۶ قاضی، محمود / ۷۱۹ قانون کابیتولاسيون / ۳۷ قانی، سيروس / ۵ قبایل نینوا / ۷۳۰ قبرس / ۷۵۷ قبرستان مسگرآباد / ۱۲۰ قبیله باردینگی / ۷۲۲ قبیله حمدان / ۷۳۵ قبیله شیکاک / ۷۳۵ قدری (سرگرد) / ۶۹۱ قدوسی / ۶۵ قدوس خان / ۶۹۱ قدوسی / ۱۳۳، ۱۳۴ قدوسی، علی (آیت الله) / ۶۱ قدیمی، ولی الله / ۸۴ قرارداد الجزیره / ۷۱۶، ۷۳۷، ۷۴۳، ۷۵۲، ۷۵۸، ۷۷۸ قرارداد دوراند / ۴۸۴ قرارداد گندمک / ۴۸۴ قرارداد نفت گلشائیان / ۶۲ قرارگاه سیا / ۶۹۰ قرارگاه نظامی جلدیان / ۷۹۴ قرباندى، عبدالقدوس / ۵۸۰ قرنی، محمدولی (سپهبد) / ۱۸۳، ۱۸۴ قره باغی، ۳۴۰، ۳۴۶، ۳۹۲، ۳۹۶، ۴۰۹، ۴۲۵، ۴۴۷ قریشی، احمد / ۲۴۱ قزلباش، عزیز / ۶۵ قزوین / ۳۳، ۳۲۹، ۳۳۴، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۵۶، ۳۷۸، ۷۸۹ قشقایی، اسماعیل خان (صولت الدوله) / ۱۹۱ قشقایی، خسرو / ۱۹۱، ۱۹۲، ۳۲۸، ۷۲۴ قشقایی، محمد حسین خان / ۱۹۲، ۳۲۷، ۳۲۸ قشقایی، ملک منصور خان / ۱۹۲، ۳۱۲ قشقایی، ناصر خان / ۱۹۲، ۳۱۴ قشقایی، هومن خان / ۳۲۸ قصر ارگ / ۶۸۲، ۶۸۳ قصر دارالامان / ۶۹۹ قطب زاده، صادق / ۱۲۸، ۱۸۳، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۹۱، ۴۲۷، ۴۷۵، ۴۷۷ قطب، عبدالعزيز / ۲۱۱ قطبی، رضا / ۲۱۲ قطعنامه جاویتس / ۴۴۴ قلهک / ۱۲۹، ۴۴۴ قلی اوف / ۱۵۵ قم / ۳۴، ۶۴، ۱۱۴، ۲۰۸، ۲۳۷، ۲۴۴، ۲۸۳، ۲۹۸، ۴۵۰، ۴۷۱، ۵۴۱، ۶۹۲، ۷۹۹ قمی (آیت الله) / ۳۰۰، ۳۶۳ قنات آبادی، شمس الدین / ۷۷ قناد، علی اصغر / ۸۴، ۸۵ قندهار / ۵۰۰، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۶۱، ۶۳۳، ۶۴۹، ۶۵۳، ۶۷۱، ۶۹۱ قندهاری، شیخ محسن / ۶۹۲ قندی، ناصر / ۸۴ قوام السلطنه / ۸، ۱۵۶ قوانینی، محمدرضا / ۸۴

قوچان / ۳۸۳ / ۷۹۲ قیام هرات / ۶۰۱ ک کابل / ۴۶۷، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۸، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۸۰، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۷، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، کابل، کیو - آر. / ۶۹۵، ۶۹۶ کاپس، مایکل / ۴۹۸ کاپیتولاسیون / ۳۳، ۹۴ کاتاوازی، خیال محمد / ۵۳۹، ۵۹۷، ۶۶۳، ۶۶۸، ۶۶۹ کاتماندو / ۶۹۳، ۶۹۶ کاتم، ریچارد (پرفسور) / ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۲۹، ۲۸۹، ۲۹۰، ۴۶۳ کاخ ارگ (خانه خلق) / ۶۴۹، ۶۵۱ کاخ چهلستون / ۷۰۱ کاخ ریاست جمهوری / ۶۶۹ کاخ سعدآباد / ۲۳۳ کاخ سفید / ۲۶۰، ۳۹۳، ۵۲۳ کاراکاش، ه. / ۱۶۳ کارامانلیس / ۴۵۳ کاران، امیر / ۶۵ کارتر، جیمی / ۵۲، ۵۳، ۵۷، ۹۵، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۲۶، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۵۰، ۲۶۳، ۲۶۷، ۲۶۹، ۴۵۵، ۴۸۵، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۵۸، ۵۵۸ کارتر، هادینگ / ۳۸۰ کارتی، مک (سناتور) / ۵۱۳ کارلانیر / ۴۶، ۴۷ کارمل، بیرک / ۴۸۷، ۴۹۳، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۶، ۵۳۰، ۵۵۷، ۵۷۹، ۶۷۷ کارم، ویلیام / ۷۴ کاریون، جی. ای. / ۶۹۳، ۶۹۵ کاسترو، فیدل / ۱۶۸ کاسل، وی.ال. / ۱۵۲ کاسیگین، آلکسی / ۵۳۴ کاشانی / ۶۶، ۷۳، ۷۷، ۳۶۱ کاشانی، حاج علی اصغر / ۳۲۹، ۳۳۰ کاشانی، ماشاءالله / ۱۸۵، ۴۴۴ کاشفی، هلاکو / ۲۲۹ کاظمی / ۳۳۲، ۴۰۲، ۴۰۳ کاظمی، عزالدین / ۴۰۱ کاظمی، محمدصادق / ۲۱۳ کاظمی، منوچهر / ۳۳۱، ۳۸۵ کاظمی، ناصر / ۸۴ کاکسال / ۸۰۳ ک.ال.ام. (شرکت هواپیمایی هلند) / ۳۷۱ کالج السمر / ۱ کالج تربیت معلم / ۵۱۱



کالج جنگ دریایی ایالات متحده / ۳۹۵ کالج معلمان رضاییه / ۲۹۶ کانادا / ۱۴۰، ۵۱۶، ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۷۸، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۲۸،  
 ۶۳۱، ۶۷۸، ۶۷۹ کانون توحید / ۱۱۴ کانون مهندسان / ۹۹ کانون نویسندگان ایران / ۲۸ کانون وکلا / ۱۸، ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۵۵،  
 ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۱۲۹، ۱۷۷، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۴۰۷ / ۴۶۹ کانی / ۲۵۰ کاووسیان، هما / ۱۶۹ کایرو، آخیر ساها / ۷۵۹  
 کایقان، ژانگ / ۷۰۰ کینهاک / ۶۹۳، ۶۹۵، ۶۹۶ کتیرایی (مهندس) / ۳۲۴ کراچی / ۶۹۶، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۶ کرافورد، فرانک /  
 ۸۵ کربلا / ۱۹۳، ۲۶۹، ۲۹۸ کرج / ۲۰، ۶۴، ۲۰۰، ۳۲۷ کردستان / ۱۳۴، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۶، ۳۴۰، ۳۶۱،  
 ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۷۰، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۸۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳،  
 ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۸، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۸، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۵۴، ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۳، ۷۶۶، ۷۷۲، ۷۷۳،  
 ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۸۰، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸،  
 ۷۹۹، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۷، ۸۱۸ کردستان جنوبی / ۷۳۵ کردستان عراق  
 / ۸۰۴ کردستانی شیخ الاسلام / ۷۹۱، ۷۹۲ کرکوک / ۷۱۲، ۷۳۳، ۷۳۵، ۷۴۳، ۷۴۴ کرمان / ۶۲، ۷۰، ۷۴، ۷۵، ۷۹، ۸۰، ۸۱،  
 ۸۳، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۱۲۲، ۱۴۱، ۲۴۶، ۳۰۳، ۳۶۳، ۳۶۴ کرمانشاه / ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۷۳، ۷۹۸ کرمانی، شیخ حسین  
 (حجت الاسلام) / ۷۹۴ کرمانی، میرزا شهاب / ۶۲، ۸۹ کرملین / ۵۳۳، ۵۷۳ کروک، ک. ر. / ۵۲۳، ۶۰۷ کرون، ویلیام / ۷۸  
 کریس / ۱۶۴ کریستسن / ۱۶۵ کریستوفر / ۴۵۳، ۴۶۶، ۶۲۷ کریم / ۶۷۸ کریم، عبدالوحد / ۵۰۳ کشتن، سلطان علی / ۵۰۹،  
 ۵۱۱ کلازک، رمزی / ۴۶۵ کلاندستاین (رسانه گروهی شوروی) / ۱۷۴ کلمبو / ۵۶۸، ۵۶۹، ۶۹۳، ۶۹۶ کلمبیا / ۳۴۹، ۵۰۹،  
 ۵۱۱، ۵۳۸، ۵۳۹، ۶۴۳ کلمنت، کارل / ۱۳۱، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴ کلوپ آمریکایی پارس / ۱۱۴ کلوپ مهرگان / ۲۹۷  
 کلیسای انجیلی (اصفهان) / ۸۱۵، ۸۱۷ کلی، محمدعلی / ۵۴۱ کلینتون، جری / ۴۶۳ کمانگر، بهرام / ۸۰۶ کمپانی گرومن /  
 ۳۲۲ کمپانی لاکهید / ۲۸۱ کمیته ارومیه / ۷۹۰ کمیته انتشارات جبهه ملی / ۱۶ کمیته بین المللی صلیب سرخ / ۷۶۱، ۷۶۲،  
 ۷۶۴، ۷۶۹، ۷۷۱

کمیته جوانان کمونیست ایران / ۱۵۴ کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد / ۸۰۲ کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر / ۱۱۴، ۲۳۴، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۶۱، ۲۸۳، ۲۹۰، ۲۹۴، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۷، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۳۴، ۳۳۵ کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی در ایران / ۲۹ کمیته زحمتکشان کردستان / ۷۲۵ کمیته زیرزمینی برای انتقام / ۱۰۴، ۲۱۷ کمیته صلیب سرخ بین المللی در تهران / ۷۶۱ کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق / ۵۰۹ کمیته مرکزی و پولیت بورو / ۷۳۶ کمیته مطالعات آبی / ۳۶ کمیسیون اعلامیه حقوق بشر (پاریس) / ۱۶۰ کمیسیون بین المللی حقوق (افغانستان) / ۵۶۰ کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل / ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۴۷ کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل / ۷۶۸ کمیسیون فرعی سازمان ملل / ۸۰۰ کنبرا / ۶۲۹ کندی، جان اف. / ۳۵، ۵۲، ۲۷۴، ۶۰۶، ۶۶۵ کندی، رابرت / ۱۵ کنستایل / ۵۳۷ کنسولگری آمریکا (تبریز) / ۳۲۲ کنفدراسیون دانشجویان ایرانی / ۱۴۰، ۳۱۴ کنفرانس توکیو / ۶۶۲ کنفرانس تهران / ۷۸۲ کنفرانس دانشجویان ایرانی / ۴۶۴ کنفرانس دریاها / ۵۰۵ کنفرانس کشورهای غیر متعهد در بلگراد / ۵۰۱ کنگره آمریکا / ۱، ۲، ۱۶، ۳۲، ۱۰۳، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۵۹، ۲۶۱، ۴۲۵، ۴۴۷، ۵۰۲، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۳۱، ۵۴۶، ۵۴۸، ۵۶۳، ۵۹۷، ۵۹۹، ۶۰۶، ۶۶۵، ۶۸۰ کنگره اتحادیه صنفی ایران / ۶۵ کنگره دانشجویان ایرانی غیر کمونیست / ۲۹۶ کنگره دانشجویان دانشگاههای ایران / ۱۵۹ کنگره کمونیستهای ایران / ۱۵۴ کنگره کمونیستی ملل شرق (باکو) / ۱۵۴ کنوانسیون وین / ۳۸ کوئتا / ۶۵۴ کوبا / ۱۳۹، ۱۴۵، ۱۶۸، ۳۹۴، ۵۰۵، ۵۱۶، ۵۳۴، ۶۵۷، ۶۶۷، ۷۲۶ کوپر / ۴۵۷ کوپر (سناتور) / ۱۴ کوچه دان / ۱۶۱ کودتای آوریل / ۴۸۵، ۵۴۰، ۶۱۱ کودتای ۷ اردیبهشت ۵۷ تره کی / ۴۹۳ کودتای اکتبر ۱۹۷۲ / ۵۶۰ کودتای امین / ۴۸۸، ۴۹۲، ۶۸۷ کوزای، آله / ۵۱۰ کوفنگ، هوا / ۱۶۷ کوندوز / ۵۱۱، ۶۵۳ کوهستانی، خلیل الله / ۵۳۸ کوهن، استیفن / ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴ کوههای البرز / ۱۳۷ کویت / ۵۶، ۱۴۵، ۵۱۶ کویسنجاک عراق / ۷۵۸ کویلان / ۵۹۶ کیا، پارسا / ۸۱۰ کیانوری، نورالدین / ۱۷۸ کیتس، مایکل / ۷۶۲ کیسی، مری آن / ۷۷۷، ۷۷۹ کیسینجر، هنری / ۷۶۰ کیش، ۲۱۲، ۲۳۸ کینگ / ۶۸۰ کیوانی / ۳۴۰

گگ گارزان / ۲۵۶، ۲۸۳ گاریسون / ۱۶۶، ۶۱۸ گچساران / ۳۲۷ گراهام، تری / ۴۵۴ گرجستان / ۷۳۱ گردیز / ۶۲۰ گرگان / ۳۵، ۵۰ گرگ زاده، مصطفی / ۱۳۰ گرنوبل (فرانسه) / ۱۶۹ گرومن / ۸۰۰ گرومیکو، آندره / ۶۴۶ گروه آذربایجان / ۱۶۴ گروه انتقام / ۲۵ گروه بنجامین هوکس / ۶۹۸ گروه تروتسکی / ۱۳۰ گروه جمعیت اسلامی / ۶۳۳ گروه چپگرای کاوه / ۱۵۵ گروه چهارم عملیات روانی درفورت براگ (NPIC) - واشنگتن / ۸۰۸ گروه دموکراتیک خلق کارگری افغانستان / ۵۱۰ گروه ساختمانی آکام / ۳۸۷ گروه سوسیالیست ایران / ۳۶۰ گروه سیاسی ایران امروز / ۴۷۸ گروه سیاسی راما / ۳۴۸ گروه طبرستان / ۱۵۶ گروه فرقان / ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴ گروه گیلانی / ۵۳۵، ۶۲۶ گروه مجاهدین اسلام / ۶۳۳ گروه محمود عثمان / ۷۱۷ گروه مخفی کاوه / ۷۴۸ گروه مخفی کوک / ۷۴۸ گروه موحدین / ۳۶۴ گروه میان گل جان / ۵۳۵ گروه نهضت برای انقلاب / ۶۳۳ گروه / ۴۸۹، ۴۸۸، ۴۸۹ گریدی / ۱۹۷ گریفت، ویلیام / ۴۵۳، ۴۶۴ گریفین، جرج بی / ۲۶۲، ۶۴۳ گریم، پل / ۳۶۴ گرینویچ / ۸۰۸ گست (ژنرال) / ۲۷۶، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶ گلابزوی، سیدمحمد / ۵۳۸، ۴۹۲، ۶۴۹، ۶۵۳، ۶۷۴، ۶۷۷، ۶۸۶ گل بهار (سرگرد) / ۷۰۵ گلپایگانی، سیدمحمدرضا (آیت الله) / ۱۲۰، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۵۶، ۳۰۰، ۳۵۴، ۳۸۳، ۴۳۹ گلپایگانی، مهدی / ۱۲۰ گمرک / ۲۲۷، ۲۷۶، ۳۰۰ گنبد کاوس / ۴۳۷ گنجی، منوچهر / ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۳۳، ۴۴۶، ۴۴۷ گنکوسکی، یوری (پرفسور) / ۶۱۸ گودرزینا، سعید (دکتر) / ۴۵۳ گورباندی / ۵۱۱ گوروی، واسیلی / ۵۲۷، ۵۲۸ گوشه گیر (دکتر) / ۶۶ گیلان / ۱۵۴، ۱۵۶، ۳۷۳ گیلانی، حسن / ۶۲۶ گیلانی، سیداحمد / ۵۳۷، ۴۹۶، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۴۱، ۵۴۲، ۶۲۰، ۶۲۶، ۶۴۱، ۶۴۳، ۶۴۵، ۶۷۸، ۷۰۲ گیلانی، سید حامد (احمد - م) / ۷۰۲ گیلتمن / ۶۷۹ لاجوردی / ۲۲۷ لاجوردی، عباس / ۸۴ لال محمد / ۶۹۱

لامبراکیس، جی بی. / ۱۰۷، ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۸، ۲۲۲، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۳، ۲۵۴،  
 ۲۵۶، ۲۶۰، ۲۶۱، ۳۰۷، ۳۱۵، ۳۳۲، ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۶۸، ۳۶۹، ۴۰۶، ۴۵۵، ۵۲۵ لامبراکیس، کارل / ۱۹، ۲۳، ۲۷، ۵۱،  
 ۵۳، ۱۵۰، ۲۵۰، ۴۳۳، ۴۳۴ لاهه / ۳۸۴، ۳۸۵ لاهیجان / ۲۰ لاهیجی، ع. ک. / ۲۸، ۲۰۷، ۲۲۳، ۲۹۷، ۴۰۷، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۶۹،  
 ۴۷۰، ۴۷۱ لایق، سلیمان / ۵۱۱، ۵۱۲ لبنان / ۱، ۴۸، ۱۲۸، ۱۴۵، ۳۰۵ لژ فراماسونری / ۹۳ لشکر ۲۸ پیاده ارتش ایران / ۷۸۹  
 لشکر ۶۴ زرهی ارتش ایران / ۷۸۹ لگر، لورنس / ۱۷۱ لندن / ۱۳۳، ۱۷۰، ۱۹۷، ۲۴۳، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۸۰، ۲۹۰، ۳۰۶، ۳۳۱، ۳۴۱،  
 ۳۵۸، ۳۸۲، ۳۸۵، ۴۳۸، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۶۹، ۵۰۱، ۵۳۹، ۶۳۰، ۶۹۳، ۶۹۶، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۳، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۱۷، ۷۱۸،  
 ۷۲۴، ۷۶۵ لنین / ۴۸۷، ۴۸۸، ۵۲۸، ۵۳۹، ۵۵۰، ۵۵۱ لورایی / ۵۳۸ لورتون، رونالد دی / ۵۲۷، ۵۲۸ لوس آنجلس / ۶۹۲، ۶۹۳  
 لوشونچی، پال / ۵۰۵ لوفت هانزا / ۳۷۱ لهستان / ۵۶۹، ۶۵۵ لیبل، جی. ای. (منبع افغانی سیا) / ۶۹۰، ۶۹۱ لیبی / ۱۳۹، ۱۴۰،  
 ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۹۸، ۷۴۵ لیما، گریگوری / ۳۱۵، ۳۴۶، ۳۴۷ لیمبرگ، دبلیو. / ۷۸۴ لینکن، بروس / ۵۷،  
 ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۱۳۴، ۱۷۴، ۱۷۶، ۴۳۱، ۴۵۴، ۴۵۸، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۲، ۷۸۸، ۷۹۳، ۸۰۳، ۸۰۷،  
 ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۴، ۸۱۷، ۸۱۸ م ماتون / ۶۲۶ ماجرای لمونیر / ۶۵۶ مارشال، داگلاس / ۸۵ مارکس، کارل / ۱۵۵ ماریان / ۴۶۷  
 مازندران / ۱۳۷، ۱۵۶، ۱۶۴، ۱۶۹، ۲۴۴ ماسر، کلاوس / ۶۵۵ ماگاشیان، س. دکتر / ۱۶۳ مالایا / ۱ مالباسیک، بوگدان / ۶۷۰،  
 ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵ مالیار، محمد حکیم / ۵۳۸ مامدی، رفعت / ۷۲۴ مانوگلو، کارائوس / ۶۸۳، ۶۸۴ مانیان، محمود / ۲۵ مایلز /  
 ۱۰۸ ماینور، هارولد / ۱ مبشری (دکتر) / ۳۶۰، ۴۵۱ مبصر، محسن (تیمسار) / ۷، ۷۱۸ مترینکو، مایکل / ۱۴۹، ۸۰۰ متقی، تقی /  
 ۱۶۳ متقی، علی / ۱۶۴ متین، اسدالله / ۶۶۷، ۶۶۹ متین دفتری، احمد (دکتر) / ۱، ۱۶ متین دفتری، هدایت الله / ۱، ۲، ۳، ۴، ۵،  
 ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴،  
 ۱۷۷، ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۲۲

۴۰۷، ۴۱۲، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۷۸، ۴۷۸ / سبقت الله / ۶۷۸، ۷۰۲ / مجددی، هارون / ۶۴۵ / مجد، سیروس / ۶۵ / مجلس خبرگان / ۱۷۷، ۱۷۸، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹ / مجلس شورای ملی / ۵۴، ۷۰، ۷۷، ۱۶۵، ۳۴۵، ۴۳۸ / مجلس عوام / ۵۰۹ / مجلس مؤسسان / ۵۷، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۶، ۲۵۲، ۲۵۶، ۴۱۲، ۴۵۰ / مجله ۴۴۸ / USICA / مجله امید ایران / ۴۵۴ / مجله پشتون جاق / ۵۱۰ / مجله تایم / ۲۳۲، ۴۲۴، ۴۳۲ / مجله دنیا / ۱۵۵ / مجله فکاهی آهنگر / ۴۷۶ / مجله لوموند / ۴۳، ۲۰۸، ۴۵۹ / مجله نیوزویک / ۱۳۲ / مجیدی / ۲۰۹ / محقق زاده / ۹ / محمد داوود (حاکم افغان) / ۴۹۷، ۴۹۹، ۶۳۸ / محمدی، رضا / ۸۳ / محمد یعقوب (سرهنگ دوم) / ۵۳۹ / محمدی، علی / ۳۴۹، ۴۴۸، ۳۵۰ / محوی، ابوالفتح / ۴۲۹ / محی الدین، طه / ۵۰۵ / مدحت، جمشید / ۵۰ / مدرسه افسران پیاده نظام در کابل / ۵۰۰ / مدرسه انگلیسی زبان حبیبیه (کابل) / ۵۰۰، ۵۱۱ / مدرسه پزشکی جلال آباد / ۵۱۰ / مدرسه سنت جوزف (بیروت) / ۳۸۴ / مدرسه علوم دینی فیضیه / ۱۹۶ / مدرسه علوم قرآنی مهاباد / ۷۵۹ / مدنی، احمد (دریادار) / ۲۵۶، ۲۸۳، ۳۶۴، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۷۷۶، ۷۷۷، ۸۱۶ / مذاکرات سالت / ۵۴۴، ۵۵۱، ۵۸۹ / مذاکرات صلح در خاورمیانه / ۵۰۵ / مرعشی نجفی (آیت الله) / ۲۳۷، ۳۰۰، ۳۸۳ / مرکز فرهنگی آمریکا / ۶۶۹ / مرکز مطالعات کردی (ایروان) / ۷۵۳ / مروی، محمد / ۸۴ / مریوان / ۸۱۲، ۸۱۵ / مزار شریف / ۵۱۰، ۵۶۱ / مزارعی، عدنان / ۳۴۷ / مزدوریار، شرجان (سرتیپ) / ۴۹۲، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۳۹، ۵۹۸، ۶۴۹، ۶۵۳، ۶۷۴، ۶۷۷، ۶۸۶ / مزرعه کاشفی / ۲۲۹ / مسئله آذربایجان / ۸، ۱۵۶ / مسئله گوام و پورتوریکو / ۵۰۲ / مستحدی، نورالدین / ۱۸۴ / مستغنی (ژنرال) / ۶۴۴ / مسجد امام حسین / ۱۱۴ / مسجد بازار / ۱۱۴ / مسجد جاده قدیم شمیران / ۵۱ / مسجد کرمان / ۲۴۴ / مسجد لرزاده / ۱۱۴ / مسجد هدایت / ۳۰۰ / مسعودی، محمدعلی / ۲۶۱ / مسکو / ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۴۹، ۴۸۷، ۴۹۱، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۱۱، ۵۱۶، ۵۲۱، ۵۲۷، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۵۰، ۵۵۴، ۵۶۶، ۵۷۱

۵۷۳، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۸۱، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۲، ۵۹۴، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۴، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴،  
 ۶۲۷، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۶، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۹، ۶۶۴، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۷، ۶۸۱،  
 ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۹۲، ۷۰۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۶، ۷۷۹، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۹۸، ۸۰۸ مشاور، محمد / ۶۵ / ۶۶ مشهد /  
 ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۵۳، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۹، ۱۹۳، ۲۰۹، ۲۱۹، ۲۴۰، ۲۸۳، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۴، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۴، ۳۴۲،  
 ۳۴۴، ۳۵۱، ۳۵۶، ۳۶۳، ۴۸۰، ۵۴۳ مشیری یزدی، محمد / ۳۸۵ / مصدق، احمد / ۳۳۲ / مصدق، محمد (دکتر) / ۲ / ۳، ۶، ۸، ۱۲،  
 ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۵۳، ۵۵، ۵۷، ۶۳، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۷،  
 ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۱۱۶، ۱۲۸، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۱۵، ۲۲۲، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۷۵، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۶، ۳۱۷،  
 ۳۳۲، ۳۴۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۴۱۲، ۴۴۵، ۴۵۸، ۴۷۹، ۷۳۸، ۷۵۱، ۷۵۹ مصر / ۳۰۹ / ۴۹۴، ۴۹۵، ۵۳۵، ۵۵۵، ۶۴۵، ۶۹۸، ۷۵۱،  
 ۷۸۰ مطوف / ۸۴ مطهری، مرتضی (آیت الله) / ۱۸۳ / ۱۸۴، ۳۷۹ معادن ذغال سنگ ایشپوشتا / ۵۱۱ معراجی (دکتر) / ۹ معزی،  
 بهزاد / ۱۵۲ معصومی، غلام علی / ۸۴ معمر قذافی / ۱۲۸ معین فر، علی اکبر / ۳۷۸ مفتاح، محمد / ۵۱ / ۳۳۵ مفتی زاده، احمد /  
 ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۷۶، ۷۷۷ مفتی محمود / ۶۷۹، ۶۸۰ مقاله هوگلند / ۷۶۰ مقدم (سرهنگ) / ۵۱ / ۹۲، ۱۱۴، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۶۰، ۳۴۰،  
 ۳۶۶، ۳۹۱، ۳۹۴، ۳۹۶ مقدم مراغه ای، رحمت الله / ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰،  
 ۵۱، ۵۳، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۴۲، ۴۵۲، ۴۷۳، ۴۷۴،  
 ۴۷۵، ۴۷۶ مکافی، ۶۶۳، ۶۶۷، ۶۶۹ مکرری، محمد / ۱۷۲، ۳۶۱، ۴۴۹ مک کافی، مارلین / ۲۷۷ / ۶۶۳ مک کسکیل، چارلز  
 دلبیو / ۱۷ مک کی، مارگارت / ۱۰ مک کافی، دیوید سی. / ۲۲۹، ۲۳۱ مکمل، عبدالهادی / ۵۳۸ مک نیل، بروس / ۳۱۵  
 مک نیل، لور / ۲۸۱ مکی، حسین / ۶۶، ۷۰، ۸۳، ۸۴، ۸۵ مگنوسان، وارن. جی. (سناتور) / ۱۳۱، ۱۳۲ ملا کاشانی / ۶۶، ۶۸  
 ملبورن، اران. / ۶۷ ملبورن، روی ام / ۶۵ ملک حسین / ۳۶ ملک زاده، عبدالغفور / ۵۴۰ ملکه الیزابت دوم / ۵۰۱ ملکی،  
 حسین / ۴۳ ملکی، خلیل / ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۴۶، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۸۰، ۹۰، (سناتور) ملین، فریت / ۷۴۷ مناقبی / ۲۱۸، ۳۶۶،  
 ۳۶۷، ۳۶۸ منتظری، حسینعلی (آیت الله) / ۱۲۹، ۱۹۵، ۲۸۳، ۳۳۵، ۳۷۳ / ۴۷۴ / ۴۷۵

منصور، حسنعلی / ۲۳۱ منطقه سنتو / ۶۷۲ منگال، عبدالمجید / ۶۵۲ منگل (ناحیه قبیله نشین) / ۷۰۲ منوچهریان (خانم) / ۴۳۰  
 موافقتنامه آبهای هیرمند (با ایران) / ۵۰۹ موروزف، الکساندر دی / ۶۲۵ موزامبیک / ۵۳۴ مוסاد / ۷۱۷، ۷۲۲، ۷۲۳ موسسه  
 پلی تکنیک (افغانستان) / ۵۱۱ موسسه تکنولوژی افغانستان / ۵۳۸ موسسه توسعه و ارتباطات ایران / ۲۵۰ موسسه خاورشناسی /  
 ۶۱۸ موسسه عمران بین المللی / ۵۳۸، ۵۳۹ موسسه معلمان (افغانستان) / ۵۱۲ موسوی / ۲۱۹ موسوی اردبیلی، عبدالکریم / ۳۳۵  
 موسوی (تیمسار) / ۷ موسوی (دکتر) / ۴۳۰ موصل / ۷۳۱، ۷۳۵ مولانا مفتی محمود / ۶۷۹ مولد، دلیو او. / ۶۹۱ مولوی، حمید  
 (دکتر) / ۳۱۶ مولوی (سرهنگ) / ۶، ۷، ۱۰، ۱۱ مولوی، محمدعلی / ۴۴۱ مهاباد / ۳۸، ۷۱۲، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۵، ۷۳۱،  
 ۷۳۴، ۷۳۶، ۷۴۱، ۷۵۹، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۲، ۷۹۴، ۷۹۶، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۶، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷  
 مهدوی / ۵۰ مهدوی، حسین / ۵، ۱۴ مهدوی، فریدون / ۱۲، ۱۶۵ مهدیزاده محلاتی، فضل الله / ۱۰۷ مهران / ۳۸۲ مهربان،  
 رسول / ۴۸۰ مهرگان / ۱۵۹ مهرگرد / ۲۲۹ میاندوآب / ۳۵، ۳۸، ۳۸۴ میثاق، عبدالکریم / ۵۰۶، ۵۱۰، ۵۳۹، ۵۸۰، ۶۵۱ میدان  
 ارک / ۳۰۰ میدان اسفند / ۴۴۳ میدان بهارستان / ۹۱ میدان ژاله / ۵۲، ۱۲۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۷۴، ۲۹۹، ۳۰۴، ۴۴۳  
 میدان ۲۵ شهریور / ۴۴۳ میدان شهید / ۳۰۰، ۳۰۸، ۳۹۶، ۴۰۹ میدان کندی / ۱۱۴، ۳۰۰ میدان ونک / ۳۰۰ میرآخور، عباس  
 (دکتر) / ۲۷۷ میراشرفی، مهدی / ۷۰ میرام شاه (ناحیه قبیله نشین) / ۷۰۲ میربابایی، هرمز (دکتر) / ۳۲۶ میردامادی / ۸۴ میرزا  
 کوچک خان / ۱۵۴ میرفندرسکی، احمد / ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۰۳ میستیک، کیو. آر. / ۶۹۳، ۶۹۵، ۶۹۶ میکائود، ت  
 مایکل ا. جی. / ۱۵ میلانی / ۳۵۱ میلر، بوین. ه. / ۱۷۹ میلر، بیل / ۱۴ میلر، کیت / ۴۳۷ میلز / ۹۳ میلس / ۱۶۴ مینا / ۳۱۱ میناچی،  
 علی / ۴۶۶ میناچی، ناصر / ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۹۰، ۲۲۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۴۹.

۳۱۷، ۳۱۶، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۱۱، ۳۱۰، ۲۹۹، ۲۹۴، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۶، ۲۸۴، ۲۸۳، ۲۸۲، ۲۶۱، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۶، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۵۲،  
۴۲۴، ۴۲۳، ۴۱۵، ۴۱۰، ۴۰۹، ۴۰۴، ۳۹۷، ۳۹۶، ۳۹۵، ۳۹۲، ۳۹۱، ۳۸۰، ۳۷۹، ۳۷۸، ۳۵۳، ۳۳۵، ۳۳۴، ۳۳۲، ۳۲۵، ۳۲۴، ۳۱۸،  
۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۴، ۴۵۸، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۵، ۴۶۶، ۷۹۸ مینایی، احمد / ۲۰۲ مینه، هوشی  
/ ۵۴۹ ن ناغ / ۳۱۱ ناتانسون، جرج / ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۴۶، ۳۴۷، ۴۱۶، ۴۱۷ ناتو / ۱۷۲ ناس، چارلز دبلیو / ۱۰۹، ۲۲۲، ۲۲۷، ۲۴۱،  
۴۳۹، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۰، ۴۵۲، ۴۵۳، ۵۴۳ ناسیونالیسم در ایران (کتاب) / ۱۰۱ ناصحی (مهندس) / ۱۵۶ ناصر،  
جمال / ۶۴۵ ناصری، تورج (پرفسور) / ۲۰۲، ۲۰۳ ناصری، ضیاء / ۵۳۷، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۹۹، ۶۱۵، ۶۲۶ ناطق نوری / ۱۰۷،  
ناظرزاده کرمانی / ۸۴ ناظم (ژنرال) / ۳۸۰ ناوا / ۶۵۵ ناهک، بسم الله (دکتر) / ۵۶۰ نبی، محمد / ۶۵۴ نجف اشرف / ۱۱۸،  
۱۴۵، ۱۹۳، ۲۱۸، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۷۷، ۴۳۹، ۴۷۴، ۴۷۵ نجفی، حسین / ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۹ نجم آبادی  
/ ۳۸۵ نجیب (حاکم افغان) / ۵۵۷ نراقی / ۴ نروژ / ۴۷۲ نریمان / ۶۶ نریه، حسن / ۳۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۱۲۹،  
۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۴۱۲، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۸ نشریه خلق / ۵۱۰ نشریه نوول ابزرواتور / ۲۱۶ نشریه هراوگی / ۱۷۰،  
نصراللهی (ژنرال) / ۳۳۵ نصر، حسین / ۲۴۱، ۲۴۲ نصیری، نعمت الله (تیمسار) / ۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۹،  
۲۶۸، ۲۷۹، ۳۱۲، ۳۲۷ نظامی، اسد (استاد) / ۴۵۳ نظری، حمید / ۴۵۳ نقده / ۷۳۹، ۷۶۱، ۷۶۳، ۷۸۵ نقی خانی، علی (دکتر) /  
۲۱۱ نور احمد (پنجوایی) / ۵۰۹، ۵۱۱ نورزاد / ۸۴ نوروود / ۶۹۲ نوری زاده، علیرضا / ۴۵۴ نوری، یحیی (آیت الله) / ۳۰۰،  
۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۴۷۶ نویمان / ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۴ نهاوندی / ۱۲۱، ۱۲۲، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۳۴ نهضت آزادی ایران / ۴، ۷، ۹،  
۵۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹،  
۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۷۷، ۲۲۴، ۲۴۲، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۹، ۲۹۰، ۳۰۰،  
۳۱۶، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۵، ۳۴۱، ۳۵۲، ۳۵۳



۳۵۵، ۳۶۵، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۲۲،  
۴۲۳ نهضت اسلامی افغانستان / ۴۹۴ نهضت دفاع از حقوق جوانان / ۱۵۹ نهضت رادیکال / ۳۵، ۴۸، ۵۳، ۱۷۷، ۱۹۶، ۱۹۷،  
۱۹۸، ۲۰۴، ۲۱۳، ۲۲۲، ۲۴۲ نهضت فراماسونری در ایران / ۴۹ نهضت مقاومت ملی / ۵۷، ۷۷ نهضت ملی نفت / ۱۵۸ نیروگاه  
برق در خرمشهر / ۸۱۶ نیروهای زمینی شاهنشاهی ایران / ۳۸۷ نیروی زمینی اتحاد جماهیر شوروی / ۶۳۶ نیروی هوایی آمریکا  
/ ۷۸۵ نیروی هوایی افغانستان / ۷۰۷ نیروی هوایی ایالات متحده / ۷۸۹ نیکاراگوئه / ۴۹۳، ۵۹۶ نیک خلق، ابراهیم / ۸۱۷  
نیکسون، ریچارد / ۱۵، ۵۲، ۹۴، ۴۵۵، ۵۱۳ نیوجرسی / ۶۹۲ نیوسام / ۳۲۲، ۴۵۲، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۹، ۷۹۲  
نیویورک / ۲۵۸، ۳۸۸، ۴۳۴، ۴۶۰، ۵۴۱، ۵۶۰، ۵۹۹، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۹، ۶۹۳ و واشیرن، جان ال. / ۱۸ واضح نوری، مریم / ۱،  
۹، ۱۷ والدهایم، کورت / ۱۹۸، ۲۰۰ وحیدی، سید حسن / ۸۳ وحیدی، محمد عنبر / ۵۳۹ وزارت آب و برق / ۳۷، ۳۸، ۴۴، ۴۹  
وزارت ارشاد ملی / ۱۳۴، ۴۳۶، ۴۵۰، ۴۵۴، ۴۵۸، ۴۶۵ وزارت اطلاعات و جهانگردی / ۳۳۱ وزارت امور خارجه امریکا / اکثر  
صفحات وزارت بازرگانی / ۲۴۷، ۳۱۶، ۳۸۰ وزارت بهداری / ۱۵۷، ۴۵۲ وزارت پست و تلگراف و تلفن / ۲۱۲، ۳۸۵ وزارت  
دادگستری / ۱، ۱۵۷، ۱۶۹، ۵۶۰ وزارت دارایی / ۱۵۷، ۲۹۳ وزارت دفاع (افغانستان) / ۷۰۵ وزارت دفاع واشنگتن / ۴۳۳  
وزارت علوم / ۱۶، ۲۰۱، ۳۵۵ وزارت فرهنگ / ۱۵۷ وزارت کار / ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷ وزارت کشور / ۱۵۷، ۲۳۶،  
۳۹۴ وزیرستان / ۵۳۵ وزیري / ۳۷۱، ۳۸۱ وزیري، صادق / ۷۲۴ وستون / ۱۷ وطنجار / ۴۹۲، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۳۹، ۵۷۷، ۵۷۸،  
۵۹۵، ۵۹۸، ۶۲۸، ۶۳۲، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۶، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۷، ۶۸۳، ۶۸۶، ۷۰۵ ولیان، عبدالعظیم / ۲۶ ولی بیگ  
/ ۶۵۴، ۶۵۵ ولی خان / ۵۰۹ ولیزاده / ۸۴ ولی (سردار) / ۶۹۱ ونس، سایروس / ۳۱، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۸۳، ۲۷۷، ۲۸۱، ۳۷۱، ۴۲۸،  
۴۴۷، ۴۶۵، ۵۰۳، ۵۲۲، ۵۲۶، ۵۹۴، ۶۰۵، ۶۱۷، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۶۰، ۶۶۷، ۷۶۵، ۷۶۹، ۷۹۴ ویتلی / ۲۲۸ ویتلی، اندرو / ۲۲۸ ویتنام  
/ ۱۲۵، ۲۸۸، ۳۲۶، ۴۹۰، ۵۱۳، ۵۳۱، ۵۳۳، ۵۴۳، ۶۰۱، ۶۱۲، ۶۳۴، ۶۳۷، ۶۳۸ ویرجینیا / ۵۰۳، ۵۳۹



ی یاتسویچ / ۸۶ یارموهد، محمد (دکتر) / ۶۹۲ یاسینی / ۲۱۳، ۲۲۷ یاکوب (ژنرال) / ۶۸۴، ۶۸۷، ۶۸۲، ۷۰۱ یانگ / ۴۶۴،  
۴۶۵ یجلبورگر / ۶۶۴ یحیی زاده، مختار / ۸۴ یزد / ۶۵، ۱۲۰ یزدی، ابراهیم (دکتر) / ۱۴۸، ۱۲۸، ۱۵۰، ۱۵۶، ۱۸۳، ۳۳۹، ۳۶۱،  
۳۶۴، ۳۶۷، ۳۹۱، ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۳۲، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۱، ۴۷۰، ۴۶۹، ۴۶۶، ۴۶۲، ۴۵۶، ۴۵۴، ۴۳۲، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۴، ۳۹۱، ۳۶۷، ۳۶۴،  
۸۱۱ یزدی، حکمت / ۳۳۳ یزدی، محمدمشیر / ۳۳۱ یمن / ۳۹ یمن جنوبی / ۵۳۴، ۶۹۷، ۶۹۸ یندال / ۵۲۴ یوسف / ۵۴۸  
یوسف زاده / ۸۴ یوسفی زاده، محمدعلی / ۸۵ یوگسلاوی / ۴۴۵، ۵۳۱، ۵۶۰، ۶۶۰، ۶۶۴، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۳ یهود بنی قریضه /

۷۱۱

ص: ۸۶۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

